

آثار ملی اصفهان

تألیف

[illegible]

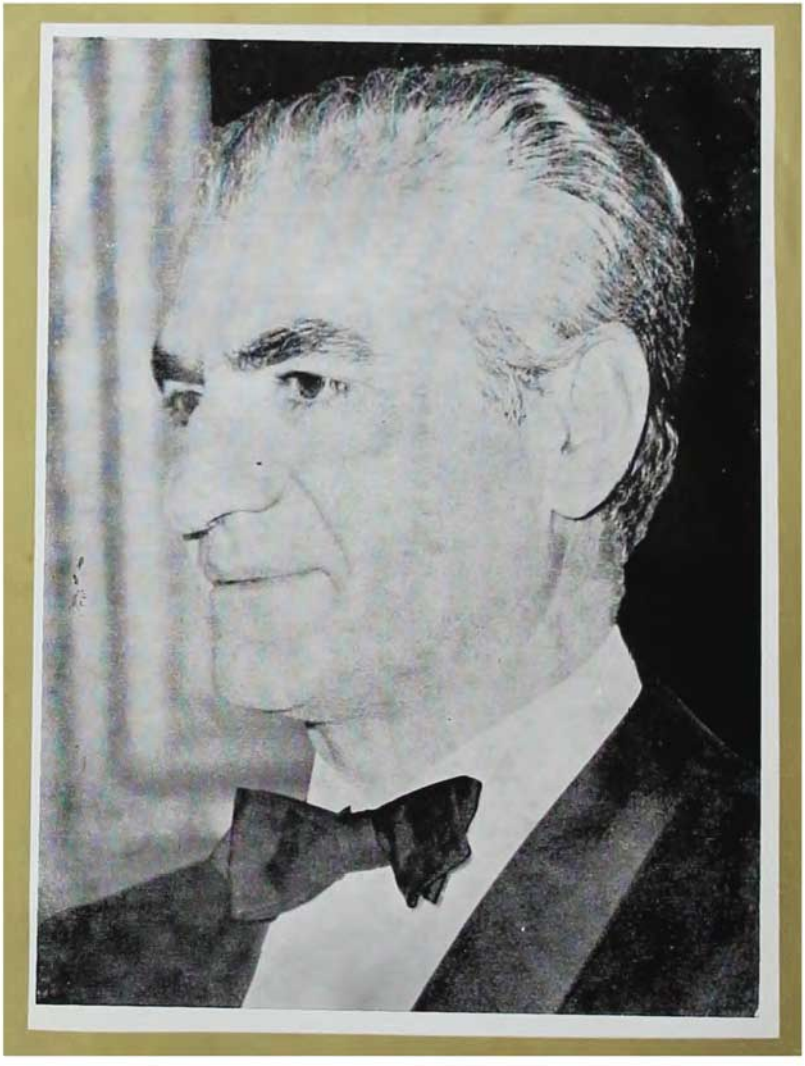

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی
« ۱۰۱ »

آثار ملّی اصفهان

تألیف
ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

تهران ۱۳۵۲

از این کتاب دو هزار نسخه در چاپخانه اتحاد
در اسفندماه ۱۳۵۲ بچاپ رسید
شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۶۶۹ مورخ ۵۲/۸/۲۲

سرآغاز

بنام پروردگار بزرگ یکتا و دانا.

باتقدیم سپاس بی قیاس بدرگاه آفرینندهٔ جهان و درود نامحدود بر پیغمبر بزرگ اسلام (ص) و پرتو الطاف کریمانهٔ ذات خجستهٔ اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر کتاب «آثار ملی اصفهان» به معرض انتشار گذارده میشود.

ازچندسال پیش که انجمن آثار ملی با همکاری و پایمردی دانش پژوهان و محققان ارجمند نسبت به تألیف کتابهای مربوط به ابنیه و آثار تاریخی ایران کوشش بخرج داده و میدهد (خوشبختانه دراین راه گامهائی برداشته و تاحدی بمقصود نائل آمده است) برای شهر تاریخی اصفهان مناسبتر دانست از اقدام به تالیف و چاپ کتابی همانند آنچه در بارهٔ استانها وشهرهای دیگرایران فراهم ساخته است خودداری نماید، چه در بارهٔ ابنیه و آثار اصفهان کتابهای مختلف ازطرف دانشمندان و مؤلفان ارجمند تدوین و منتشر گردیده است. و نیازی به کتاب تازه احساس نمی شد و بدین سبب انجمن آثار ملی کوشش خود را در ترتیب

مقدمات عملی شدن چاپ است ... یادگار زنده که دانشمند گرامی

... استاد جلال الدین همائی طی سالیان دراز ... فراهم ساخته اند مصروف نموده

... تحقق این مهم توفیق یابد ... لکن بر اثر مکاتباتی که از طرف استاندار

محترم اصفهان با انجمن آثار ملی بعمل آمد تالیف کتابی حاوی اطلاعات اجمالی و سودمند

درباره جمیع ابنیه و آثار تاریخی آن شهر مهم باستانی از طرف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

که صاحب تالیفاتی در زمینه معرفی یادگارهای فرهنگی و آثار تاریخی شهرستانهای تابع

اصفهان هستند مورد شناخته شده و در نتیجه تهیه و چاپ و انتشار کتاب حاضر برای استفاده

خوانندگان و علاقه مندان گرامی منظور نظر قرار گرفت .

با توجه به اهمیت فراوان آثار تاریخی اصفهان و در نظر داشتن این نکته که کتابهای گوناگون

جهت معرفی آثار نامبرده به چاپ رسیده و انتشار یافته است و کلیه آنها هم پس از گذشت

زمانی کوتاه باتمام رسیده و چه بسا در اختیار و دسترس دوستداران و مشتاقان نمانده است امید و

کتاب «آثار ملی اصفهان» نیز بنوبه خود تا حدی نیاز خواستاران و جویندگان اطلاعات مربوط

بدینگونه آثار و ابنیه را برآورد و پیشگامی در راه رسیدن به هدف و آرزوی دیرین انجمن آثار ملی جهت

ادای حق عظیم و دیرین شهر کهن سال بزرگ و تاریخی اصفهان بشمار آید .

انجمن آثار ملی
بخط رحمانی

مدخل کتاب :

که گوید اصفهان نصف جهان است ؟ جهانی گر بود آن اصفهان است

اصفهان یکی از آن نقاط تاریخی و باستانی است که در اثر مرور زمان و گذشت دهور و احیان و نزول حوادث و بروز وقایع گوناگون سرگذشت تاریخی آن از خاطره ها محو و از صفحات صدور سترده شده است ؛ و تاریخهائی هم که درباره آن نوشته شده ، یا چون تاریخ اصفهان حمزه اصفهانی متوفی حدود (۳۵۰ ه . ق) و تاریخ اصفهان ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب بن ابی عبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده اصفهانی متوفی (۵۱۲ ه . ق) و تاریخ ابن مردویه درباره اصفهان بکلی از میان رفته و وجود ندارد ؛ یا اینکه مربوط بقسمتی از سرگذشت این مرز و بوم است ، مانند :

سنی ملوک الارض والانبیاء حمزه اصفهانی — ذکر اخبار اصبهان ابونعیم — محاسن اصفهان مافروخی — ترجمه محاسن اصفهان — قلائد الشرف — الازمنة والامکنة مرزوقی تذکرة حزین — سوانح العمر همو — سفرنامه شاردن فرانسوی — سفرنامه تاورنیه — سفرنامه کامفر — سفرنامه فلاندن — تاریخ عالم آرای عباسی — تذکره نصرآبادی —

تاریخ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ارباب — جغرافیای اصفهان تحویلدار

الاصفهان جناب — راهنمای اصفهان همو — گزارش میرزا علیخان نائینی — روضات الجنات

چهارسوقی — تاریخ نیمه جهان و همه جهان جابری انصاری — تاریخ اصفهان وری همو — آگهی شهان

از کار جهان همو — تذکرة القبور جزی — تاریخ اصفهان حاج سید محمد علی مبارکه ای متوفی سال

(۱۳۶۵ ه.ق) در پنج مجلد — دانشوران اصفهان همو در ۶ مجلد — تاریخ اصفهان نور

صادقی — اصفهان هدایت — تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نیکزاد حسینی — تاریخ نائین

سید عبدالحجه بلاغی — فرهنگ تاریخ نائین همو — انساب خاندان نائین همو — تذکرة المقابر

همو — راهنمای اصفهان حسین عماد زاده کربلکندی اصفهانی — رجال اصفهان سید مصلح الدین

مهدوی — تذکرة القبور و با بزرگان و دانشمندان اصفهان همو — تذکره شعرای اصفهان

همو — تاریخچه محله خواجوی همو — بخشی از آثار ملی بهشتی — آتشکده اردستان مؤلف

در سه بخش — فرهنگ اصفهان مؤلف — راهنمای اصفهان دکتر لطف الله هنرفر — گنجینه

آثار تاریخی اصفهان همو — اصفهان جوانان همو — مختصری از آثار تاریخی اصفهان همو —

راهنمای اصفهان عطارپور — تاریخ خوانسار زهرائی — تذکره شعرای خوانسار و بسیاری

دیگر از کتابها و رسالات و سفرنامه ها که یادآوری همه آنها بدرازا میکشد و با مقدمه کتاب تناسب
ندارد . از شادروان دکتر محمد معین متوفی (۱۳/۴/۵۰ هـ.ش) که از بزرگان مؤلفان
و محققان و لغت شناسان معاصر و رئیس سازمان لغت نامه دهخدا و استاد دانشگاه تهران بود شنیدم
که استاد مفضال و دانشمند بی همال جلال الدین همائی که از فضلای مبرز و ادباء و شعراء و محققان
پرکار عصر حاضر است کتابی راجع باصفهان تالیف کرده اند که از هر جهت جامع است ما و اگر
بچاپ در آید تاریخ کامل اصفهان خواهد بود ! و شایسته است تمام طالبان در انتظار چنین
کتابی باشند ، خود استاد همائی هم در مقدمه دیوان طرب باین کتاب اشاره کرده اند . بعلاوه در
مقدمه دیوان مزبور و در مقدمه برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی قسمتی از تاریخ اصفهان را شرح داده اند
خلاصه اینکه تا زمان تحریر تاریخ جامعی درباره اصفهان بنظر نرسیده که روشن کننده سرگذشت تاریخی آن باشد
قدر مسلم اینستکه اصفهان در گذشته اهمیت تاریخی بسزائی داشته و پادشاهان و امراء و رجال و علماء و محدثان و
عرفاء و شعراء و ادباء و اقطابی بزرگ و مردمانی هنرمند و حرفت اندوز و بصیر از آنجا برخاسته اند و در
ازمنه پیش از اسلام و بعد از آن حوادثی بزرگ و تحولاتی سترگ در آن روی داده است که از نظر ما مخفی مانده و
اطلاعی از سرگذشت تفصیلی آن در دست نیست .

و اما مبانی تاریخی که در اصفهان و اطراف مربوط بقبل از اسلام وجود داشته بتقریب بورطه نیستی

گرائیده است ، و آنچه بعد از صفویه باقی مانده بود ، هر زمان که دچار اندراس میگردید اوضاع

کشور طوری بود که کمترین توجهی بتعمیر و مرمت آن معطوف نمیگردید ، مگر اینکه پادشاهی چون

فتحعلیشاه و یا ناصرالدین شاه قاجار عازم عبور از شهری میشدند که مرکز اینگونه آثار بود ، و در

این موقع کارکنان دیوان ناچار بودند محلهای مورد عبور را سر و صورتی بدهند و آثار مندرس را تعمیر

و مرمت کنند که مبادا مورد مؤاخذه و یاسا قرار گیرند ؛ مثل اینکه یکی دو مرتبه عمارت عالی قاپوی

اصفهان ، یا پل خاجو و جاهای دیگر در اثر پیش آمد عبور پادشاه وقت تعمیر گردید ؛ و الا قطع نظر

از اینکه خرابیها را جبران نمیکردند بیشتر قصور و باغهای سلطنتی و ملی را پیش از طلوع سلسله پهلوی خراب

و مصالح آنرا مورد استفاده قرار دادند ؛ ولی پس از طلوع آن سلسله حفظ آثار باستانی مورد

توجه و حمایت واقع و بموجب قانون و در حدود امکان و همه ساله و همه جا آثار باستانی تعمیر و استحفاظ

یافت ؛ و بحمدالله بیشتر آن بخصوص آثار باستانی اصفهان باهتمام انجمن آثار ملی و سازمان حفاظت

آثار باستانی کشور صورت نوی گرفت و از اندراس و ویرانی آن جلوگیری بعمل آمد ؛ و انتظار

میرود که در زمانی عاجل کلیه آثار باستانی کشور مورد تعمیر و مرمت کامل قرار گیرد .

این همه از نتایج سحر است بشنو تا صبح دولتش بدمد

در کتاب حاضر (آثار ملی اصفهان) از آثاری بحث شده که نام و یا اثری از آنها باقی و یا معمور است، و از ابنیه و کتب بشرح زیر مرتب گردیده است :

۱ــ تعریف آثار ملی ص ۱

۲ــ جغرافیای تاریخی اصفهان ص ۱-۱۰

۳ــ ساختمانهای تاریخی اصفهان مشتمل بر سه فصل :

فصل اول ــ مشتمل بر چهار گفتار :

گفتار اول ــ در آثار تاریخی پیش از اسلام که نامی از آنها باقی مانده ص ۱۱-۱۸

گفتار دوم ــ در آثار تاریخی بعد از اسلام که فقط نامی از آنها و نشانی باقی است ص ۱۹-۱۱۶

فصل دوم ــ در ابنیه و آثار تاریخی که نام و نشان از آنها باقی است مشتمل بر چهار گفتار :

گفتار اول ــ در بیان آثار پیش از اسلام ص ۱۱۷-۱۲۳

گفتار دوم ــ در آثاری که بعد از اسلام احداث و فقط نام و نشانی از آنها باقی مانده

ص ۱۲۴-۱۵۲

فصل سیم — در آثار و ابنیه موجود و معمور دلکش مشتمل است بر شش نگار :

نگار اول — در آثار و ابنیه شهر اصفهان ص ۱۵۳ - ۸۱۳

نگار دوم — در ابنیه و آثار تاریخی حومه شهر اصفهان ص ۸۱۴ - ۸۶۵

نگار سیم — در آثار و ابنیه موجود و معمور شهرستانهای استان اصفهان ص ۸۶۶ - ۹۱۵

فهرستهای کتاب :

۱ — فهرست مآخذ کتاب ص ۹۱۷ - ۹۲۱

۲ — « اغلاط چاپی ص ۹۲۲ - ۹۲۵

۳ — « اماکن ص ۹۲۶ - ۹۷۲

۴ — « اعلام و طوایف ص ۹۷۳ - ۱۰۲۰

۵ — « تصاویر ص ۱۰۲۱ - ۱۰۲۲

۶ — « نقشه :

الف — نقشه آثار تاریخی شهر اصفهان میان صفحه های ۸۴۴ و ۸۴۵

در خاتمه از توجه انجمن آثار ملی بخصوص تیمسار بزرگوار فرهنگ شعار سپهبد آق‌اولی
در انتشار کتاب؛ و در راهنمائیهای گران بهای استاد ارجمند جناب آقای سید محمد تقی
مصطفوی؛ و از اولیای اداره کل باستان‌شناسی در تهیه عکس از بعضی از آثار
باستانی اصفهان و شهرستانهای آن؛ و نیز از کمک تیمسار سرلشکر ضیا مهدوی
از دوستانی در تنظیم نقشه آثار تاریخی شهر اصفهان؛ و همچنین از کمک و اتمام
کارکنان چاپخانه اکتاو در طبع و تهیه گراور و صحافی کتاب؛ و بطور کلی از همه
کسانی که مؤلف را در این امر فرهنگی بنحوی یاری و همراهی کرده‌اند سپاسگزاری
نموده و توفیق همگی را در خدمت بفرهنگ از خداوند یاری مسئلت مینمایم.

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

بنام یزدان پاك

آثار ملی اصفهان

آثار جمع اثر است ، ودرلغت تازی‌بچیزی اثرگویندکه ازکسی یاکسانی‌از دیرین‌بار بازمانده باشد و دراصطلاح وعرف باستان شناسی آثار ملی بمجموعه‌ای از اشیاء گفته میشودکه درجات تمدن وفرهنگ وهنر و نبوغ یك ملت را نشان دهد ، مانند ابنیه و مصنوعات باستانی که سبك بنا وطرز ساختمان و یا طراحی و رنگ‌آمیزی و نقشهٔ آنها نمودار تمدن و فرهنگ و هنر بانیان و سازندگان آن زمان‌است. چون بحث دراین‌کتاب محدود و راجع به آثارملی اصفهان است نخست بشرح حدود وقلمرو اصفهان پرداخته وسپس باصل موضوع میپردازیم .

جغرافیای تاریخی اصفهان

اصفهان در ادوارگذشته حدود و قلمرو آن متغیربوده است ، و آنچه از تاریخ برمیآید، در ازمنهٔ لاحقه وسعت خاك اصفهان کمتر شده است.

در ابتدا وپیش‌ازاسلام قلمرواصفهان یکصدوبیست فرسنگ دریکصدوبیست فرسنگ وحدود آن مابین‌اطراف همدان ودینور ونهاوند تا اطراف‌کرمان ومیانه اطراف ری وقومس تااطراف فارس وخوزستان بوده ودارای سه استان وسی روستاو یکصدوبیست طسوج و پنجهزار قریه وهفت شهر بوده است .

اسامی شهرهای اصفهان

۱- کهثه[۱] ۲- جار ۳- جی ۴- قه ۵- مهرین[۲] ۶- درام[۳] ۷- سارویه.

شهرهای: کهثه- جار - درام- سارویه‌پیش‌ازاسلام ویران‌گردید ، بطوریکه هنگام فتح اصفهان بوسیله مسلمانان‌که‌بنا براختلاف سال۱۹ و یا ۲۱ هجرت بوده فقط شهرهای : جی - قه ومهرین[۴] باقی مانده بود ومشتمل بردو استان و بیست‌و هفت روستا وسه هزارو سیصدو سیزده قریه بود .

پس‌از ورود اعراب باصفهان شهرهای قه ازروستای جه وسارویه از روستای کاشان را ویران ساختند وفقط شهرجی باقی‌ماند . دنباله آن هارون‌الرشید استان قم را با چهار روستاکه ازهمدان ونهاوند بآن اضافه شده بود ازاصفهان جداکرد ، و این وضع باقی‌بود تا معتصم شهرکرج را بنا نهاد و به چهار روستا تقسیم و آنرا نیز از اصفهان‌مجزاکرد وبااین‌ترتیب اصفهان بعداز معتصم‌دارای یك استان ونوزده روستا ودوهزاروپانصد قریه‌گردید .

بانی و بنای شهر جی

در بانی شهر جی اختلاف است، برخی بنای نخست آن‌را به‌اسکندر رومی با مباشرت : جی‌بن[۵]زراده یا زاردة دانسته‌اند و گفته‌اندکه پهنای پایه دیوار آن شصت خشت بوده است .

برخی دیگر نوشته‌اندکه شهرجی پیش از پادشاهی جم ساخته شده ودرزمان افراسیاب ترك مانند سایر شهرهای ایران شهرخراب‌گردید وخمانی چهرآزاد که

۱- دربعضی ازجاهای کتاب ذکراخبار اصفهان ابونعیم : کهثه بنای منقوطه است .

۲- دردکر اخبار اصبهان مهربن بباء موحده نوشته شده .

۳- دردکراخبار اصبهان دردرام نوشته شده ولی درست آن چیزی است‌که درمتن مرقوم‌گردید.

۴- مهرین وسارویه ازبناهای طهمورث بوده است . (فارسنامه ابن بلخی ص۳۵)

۵- دردکر اخبار اصبهان ج۱ ازاردة نوشته شده است ولی‌دربقیه مدارك زراده است .

بهما دختر بهمن‌بن اسفندیار شهرت دارد پیش‌از ورود اسکندر آن شهر مخروبه را از اساس بنیان نهاد وهنوز بیش از نصف بارو ساخته نشده بود که بدرود حیات گفت ، و چون اسکندر وارد شد از اتمام بنای آن درگذشت و بحال نیمه خراب واگذاشت ، و چنین بود تا زمان سلطنت فیروزبن یزدجرد که آن موقع یکصد و هفتادسال‌پیش‌ازاسلام بود ، فیروز به‌آذرشاپورپسر آذرمانان‌که مردم قریه هراستان ماربین بود دستور داد تا باروی جی‌را بانجام برساند .

پاره‌ای از مورخان بنای شهرجی را به طهمورث دیوبند نسبت داده‌اند ، دسته‌ای‌هم اسکندر را بانی‌آن شهرمیدانند .

کیفیت ساختمان بارو

پایه ساختمان بارو باندازه‌ای استحکام داشت‌که پهنای آن سوای‌گل وملاط چسبیده بآن شصت خشت بود ، وبربالای آن‌کنگره هائی قرار داد وبرای‌کارزار و تیراندازی سوراخها وجاهائی‌را مهیاکرد ، سپس چهار دروازه از چهار طرف بارو درچهار روز آماده‌کرد، دروازه‌ای‌که روی‌آن بطرف میدان بازار بود در روز خور بسته می‌شد وآن را : دروازه خور یعنی دروازه خورشید مینامیدند ، وفردای‌آن روز یعنی در روز ماه دروازه دوم را می‌بست و آن را ماه‌بر یعنی دروازه ماه مینامیدند وآن محل‌را بعدها اسفیس واسفیش ودر زمان حال شئیش نیزمیگویند که محل‌کنونی محله بیدآباد است.

و روز بعد که روز تیر باشد دروازه سوم را می‌بست و آن را تیربر یعنی دروازه تیرکه عطارد باشد میخواندند وروزبعد دروازه چهارم را می‌بستند وآن‌را کوش‌بر[1] ویا دروازه یهودیه میگفتند وعلت تسمیه اخیر آنست‌که عده‌ای‌از اولاد کوش‌بن حام‌بن نوح‌که طایفه الوار باشند در آن‌جا سکونت داشتند .

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص ۱۶۵

وضع هندسی دروازه‌ها

وضع هندسی دروازه‌ها طوری بودکه هرگاه خورشید در درجه نخست برج جدی منزل داشت از دروازه خور طلوع ودر دروازه یهودیه غروب میکرد .

وهرگاه دردرجه یکم برج سرطان جا داشت ، ازدروازه اسفیش طلوع ودر دروازه تیره غروب میکرد.

اسکان شهر جی

شهرجی پیش‌از اسلام‌قلعه‌ای بود برای مردم دهات روستای‌جی وخود مردم در شهر قه‌سکونت داشتند وتنها خانه مطیار بودکه بامر خسروپرویز در ازاء فتح قسطنطنیه برای او در جی ساخته شده بود در آنجا قرار داشت ، ولی پس از فتح اصفهان ازطرف مسلمانان وخراب‌کردن شهر قه مردم قه هم درجی ساکن‌شدند .

مساحت جی

دورهٔ باروی جی هزار نی وقطر شهر سیصدوبیست نی‌بود وچنانچه نصف‌قطر ضرب درنصف دورهٔ بارو شود حاصل هشتاد هزارنی خواهد شد وچون هرچهل‌هزار نی یك‌جریب اصفهان بوده مساحت شهرجی دوهزار جریب بوده است .

کوشکهای شهر جی

درشهر جی یکصدو چهارده کوشك بشکل برجهای معوج وموسع در دنباله دوره باروی شهربکیفیتی ساخته‌شده بودکه درهرفاصله معینی چند برج‌باین‌ترتیب وجود داشت :

۱ـ از دروازه خور تا دروازه یهودیه کوچك که یکصدو بیست ذراع فاصله

داشت هیجده برج .

۲ـ از دروازه یهودیه تا دروازه تیره که هزار و صد ذراع فاصله بود سی و سه برج .

۳ـ از دروازه تیره تا دروازه اسفیس که هزارو سیصد ذراع مسافت داشت بیست و چهاربرج .

۴ـ از دروازه اسفیس تا دروازه خور که هزار و چهارصد ذراع فاصله بود سی وپنج برج .

وبا اینکیفیت محیط شهرجی بالغ بر هفتهزار ویکصد ذراع بوده‌که بذراع دست ده هزار وششصد وپنجاه ذراع میشده وطول آن هزار وپانصد وعرضش‌هزارو هفتصد و پنجاه و دو ذراع بوده است[۱].

بنیان یهودیه و حدود آن

پس از اینکه بخت‌النصر یهودیان را از اورشلیم آواره‌کرد آنان سرگردان دراطراف زمین‌گردش میکردند وخاك اورشلیم‌را که همراه داشتند باخاك آن‌زمین مقایسه میکردند هیچ خاکی‌را مناسب با اورشلیم ندانستند تا اینکه وارد اصفهان شدند ودرمحلی‌که آنرا بزبان عبری بنجار می‌گفتند و معنی‌آن : فرود آئید بود خاك اورشلیم را با خاك آنجا مطابق و موافق دیدند و فرود آمدند و همانجا را یهودیه‌گفتند .

یهودیه ازطرفی به قریه یوان وطرف دیگر به قریه خرجان وسنبلان‌که همان چمبلان یا چملان یاجمیلان فعلی‌باشد و طرف سوم به‌قرای‌کمائان واشکهان و چهارم بقرای جروائان وخشینان متصل بود و مساحت این قسمت بالغ برهفتصد جریب میگردید وتمام سکنه آن یهود و بکارهای‌کثیف چون : حجامت ـ دباغی‌ـ گازری وقصابی اشتغال داشتند .

۱ـ این‌مساحت برحسب محاسبه محمدبن لره حاسب اصفهانی است .

شهرشدن یهودیه

درسال یکصدو پنجاه واندی‌گذشته ازهجرت ایوب‌بن زیاد ازطرف‌ابوجعفر منصورخلیفه بعنوان عامل وسعیدبن منصورحمیری خال مهدی برای جنگ وارد اصفهان شدند چون سعید تغییر داده شد هردو سمت را ایوب عهده‌دارگردید و در قریه خشینان فرود آمد و درکنار نهر فوسان کوشکی ساخت و در مقابل آن نیز مسجدی بنا کرد که مقصوره داشت و این مسجد تا اوایل قرن پنجم باقی بود ، درآن مسجد منبری‌گذارد و برای بازرگانان و صاحبان متاع بازاری آماده ساخت که دارای صفدها و میدانها بود واین قسمتها در میدان کاه‌فروشان با یهودیه متصل میشد ، و در همین موقع خانه‌های قریه خشینان با یهودیه متصل‌گردید ویهودیه وخشینان به‌شهر واحدی تبدیل‌شدند .

طول مسیر خانه ایوب بن‌زیاد ازدرمسجد خشینان تا در باغ عیسی‌بن ایوب و عرضش از طرف محله کوراء تا ملنجه بود .

چون ایوب مورد سخط خلیفه واقع گردید و ببغداد احضار و زندانی شد عرب قریه طهران (تیران‌فعلی)که بنی‌تیم بودند مصمم شدند مسجد جامع وسیعی بسازند و منبر مسجد ایوب را بآنجا منتقل‌کنند، چون زمین صدر جامع مسقف تا پشت آنجائیکه آب میکشیدند از آن صخربن سنان بود و آن زمین متروکه و در راه طهران (تیران) واقع شده بود تمام آن زمین را بجامع بخشید و جامع وسعت یافت. منبر مسجد ایوب هم بآنجا منتقل‌گردید ، این انتقال مصادف با سال یکصدوپنجاه وشش هجری و زمان حکمرانی هانی‌بن ابی‌هانی وپس از انقضای‌پنج سال از عمران وآبادی ایوب‌بن‌زیاد بود. پس‌از آنکه جامع یهودیه درصحراساخته شد ، پانزده قریه بشرح زیر بشهر یهودیه ضمیمه شد :

۱- باطرقان. ۲- فرسان. ۳- یوان. ۴- خرجان. ۵- فلفلان. ۶- سنبلان. ۷- فرائان. ۸-کمائان. ۹- جوزدان. ۱۰- لنبان. ۱۱- اشکهان. ۱۲- جروائان. ۱۳- خشینان. ۱۴- بروسکان. ۱۵- فابجان .

وچون شهر توسعه‌یافت مردم درتوسعه مسجدنیز کوشیدند و اراضی خصیب‌آباد ضمیمه مسجدشد، ونیز درسال دویست وبیست وشش درخلافت معتصم وامارت یحیی‌بن‌عبدالله بن‌مالك خزاعی‌مسجد تجدید بناگردید وابوعلی‌بن‌رستم‌ـ رستم‌آباد را که مشتمل بر کاروان‌سراها و مستراحها بود پاکیزه‌کرده وضمیمه‌مسجد ساخت، این وسعت اخیر درسال سیصد وهفت هجری و در خلافت مقتدر و امارت احمدبن مـرور اتفاق افتاد.

قلمرو اصفهان در ۲۹۰ هجری

مساحت اصفهان در۲۹۰ هجری هشتاد فرسنگ در هشتاد فرسنگ ودارای هفده روستا بشرح زیر بود :

۱- **جی**. ۲- **ماربین**. ۳- **النجان**. ۴- **براان**. ۵- **برخوار**. ۶- **رویدشت**. ۷- **اردستان**. ۸- **کروان**. ۹- **برزاوند**. ۱۰- **دارك**. ۱۱- **فریدن**. ۱۲- **قهستان**. ۱۳- **قامدار**. ۱۴-**گرمسیر کاشان**. ۱۵- **سردسیر کاشان**. ۱۶- **ارزنان**. ۱۷- **تیمره کوچك**. ۱۸- **تیمره بزرگ** و هر روستا سیصدوشصت قریه داشته است[۱].

برخی دیگر در همان تاریخ‌عدد روستاها را بیست شمرده‌اند و این روستاها را اضافه کرده‌اند :

۱- **طسوج‌الرود**. ۲- **آران**. ۳-**انار والوار** وعدد قراء آن‌را بالغ بردو هزار وسیصد نوشته‌اند[۲].

تغییرات وضع‌جغرافیائی اصفهان درهمین‌حدود بوده تابقرن چهاردهم‌هجری رسیده است.

۱ــ البلدان ابن‌الفقیه همدانی

۲- جلد هفتم اعلاق‌النفیسه

تقسیمات اصفهان درقرن چهاردهم

تقسیمات اصفهان در سال یکهزاروسیصد وهشت (۱۳۰۸ هـ. ق.) باین‌ترتیب و شرح بوده :

مرکز شهر اصفهان و نه بلوك بنامهای :

۱- جی. ۲- **برخوار.** ۳- **قهاب.** ۴- **براآن.** ۵- **رویدشت.** ۶- **ماربین.** ۷- **لنجان.** ۸- **کرون.** ۹- **کرارج و هشت‌محل** بنامهای :

الف ـ محلهای متصل‌بیکدیگر موسوم به‌چهارمحل : ۱- **زار.** ۲- **کیار .** ۳-**گندمان.** ۴- **میزدج.**

بـ محال‌چهارگانه‌جدا ازیکدیگر: ۱- **سیمرم.** ۲- **جرقویه.** ۳- **اردستان** ۴- **قهپایه** و هرند ، و دوقصبه نجف آباد و قمشه .

وپنج ناحیه که عبارت از پنج ناحیه فریدن : ـ ۱- **ورزق.** ۲- **چادگان .** ۳- **گرجی.** ۴-**کرچنبوت** (تخماقلو). ۵- **چنار رود**[1].

در حدود سال یکهزار وسیصد ونه شمسی سازمان بلوکات اصفهان باین‌شرح بوده است :

۱- **چهارمحال‌وفریدن.** ۲- **النجان.** ۳- **ماربین.** ۴- **جی.** ۵- **کرارج .** ۶- **براآن** ۷- **رویدشتین** ۸- **نیران** ۹- **دهق** ۱۰-**کرونین** ۱۱- **برخوار** ۱۲- **اردستان** ۱۳- **قهپایه** ۱۴- **دهاقان** ۱۵- **سمیرم** ۱۶- **اسفرجان** ۱۷- **قمشه** ۱۸- **جرقویه .**

درسال یکهزار و سیصدوسی وپنج شمسی‌نائین ونطنز هم جزء سازمان استان اصفهان‌شد ودنبال‌آن یزد هم‌اضافه شد ولی فرمانداری‌های‌کل چهارمحال وبختیاری و یزد مستقل گردیدند و در حال حاضر استان اصفهان مرکب از شهرستانهای : ۱ـ اصفهان ۲ـ شهرضا ۳ ـ نجف‌آباد ۴ ـ فریدن ۵ ـ اردستان ۶ ـ نائین ۷ـ نطنز ۸ـگلپایگان ۹ـ سمیرم میباشد.

۱ـ نصف جهان محمدمهدی ارباب اصفهانی ص ۲۲ .

عنوان اصفهان

بطوریکه دربنای نخست اصفهان گفته شدکلمه اصفهان در بدو امر بمجموعه هفت شهر : کهثه ـ جار ـ درام ـ قه ـ سارویه ـ مهرین ـ جی اطلاق میگردید و چون آن شهرها خراب گردید وفقط شهر جی از آنها باقی ماند ، پس از آبادی یهودیه وخشینان یهودیه جای گزین همه آن هفت شهر شد ونام اصفهان را بآن شهر میگفتند . ولی بتدریج برقلمرو آن افزوده گردید و اصفهان دو عنوان یافت : یکی شهر اصفهان که همان یهودیه اخیر باشد ودیگر اقلیم یا استان اصفهان.

چرا یهودیه را اصفهان گفتند ؟

درعلت نام گزاری اصفهان وجوه مختلفی گفته اندکه برخی باساطیر شباهت دارد ، و پاره ای از گفته ها هم سند و دلیلی ندارد ، مانند . قصه سوزانیدن نمرود ابراهیم خلیل را که چون به اصفهانیان امر شد که در سوزاندن خلیل الله شرکت کنند و از قبول آن خودداری کردند درباره آنها گفته شد: « اسپاه آن » یعنی آنها سواران خدایند[1]، و یا اینکه اصفهان از بناهای اصبهان بن فلوج بن سام بن نوح علیه السلام[2] و یا اصبهان بن فلوج بن لنطی بن یونان بن یافث است[3].که این دو در اصل روایت متحد بنظر میرسند منتهی در مراتب نسب تغییری وجود دارد .

آنچه منطقی ومناسب بنظر میرسد وجه تسمیه ایست که حمزه اصفهانی اختیار کرده و آن چنین است :

لفظ اصبهان و اصفهان و اصفاهان از اسپاهان که بمعنی سپاهها و لشکر است گرفته شده و اسپاه[4] و اسپه نام لشکر وهم نام سگ است، زیرا هردو درکار نگهبانی و حراست اشتراك دارند، و ازاینرو اصفهان وسجستان راکه مرکز سپاهی بوده اند بترتیب: اسپاهان[5] وسگان یا سگستان خوانده اند ، وچون مردم اصفهان از زمان

۱ـ محاسن اصفهان ص۶ ۲ـ معجم البلدان ج۱ ص۲۰۶ ۳ـ معجم البلدان ج۱ ص۲۰۶
۴و۵ـ درسنی ملوك الارض و الانبیاء اسبه واسباه بباء موحدة نوشته شده ولی علی التحقیق بپای فارسی هم درست است .

کاوه آهنگر بسپاهی‌گری شهرت داشتند و در دوره ساسانیان برای حمل درفش کاویانی فقط از وجود آنان استفاده میکردند و اساوره‌ایکه دربین تازیان شهرت دارد همان سواران برجسته مردم اصفهان را میگفته‌اند یعنی مردم سپاهی یا جای سپاه.

وبرخی طریق نامگذاری‌را چنین‌گفته‌اندکه در روزگار فرس چون‌گودرزبن کشواد دراصفهان سوار میشد در دنبال اوهشتاد پسر شجاع و نواده‌ها و اتباع‌دلیر سوار میشدند وچون این منظره بسیار جالب وچشمگیر بود باین دسته میگفتند: اسپاهان یعنی‌لشکر وسپاهی واین‌کلمه بتدریج نام محل‌گردید[1] و دراین‌مورد هم باید اذعان‌کرد که الف و نون آخر معنی جمع میدهد برخلاف وجه تسمیه پیش که الف و نون علامت مکان است چون: گیلان‌که معنی جای‌گیل میدهد[2].

ساختمانهای تاریخی اصفهان

اصفهان‌که در ادوارمختلف زمان ازلحاظ موقعیت جغرافیائی‌وسیاسی وقدمت دربنا موردتوجه حکمرانان وقت‌بوده‌هرکدام از فرمان روایان‌بمناسبتی بساختمان بنا و یا ایجاد اثری مهم پرداخته‌اند، منتها آن آثار بنسبت مرور زمان و کیفیت ساختمان ویا طرز و سبك ایجاد اثر، برخی از آنها چنان معدوم شده که نامی هم از آن آثار باقی نمانده است واز موضوع بحث کتاب خارج خواهد بود.

و از بعضی دیگر نامی بجا وپاره‌ای دیگر را اثری باقی مانده که شرح این دو قسمت در سه فصل بیان میگردد:

۱ــ محاسن اصفهان ص۶.

۲ــ نصف‌جهان فی تعریف‌الاصفهان ص ۱۶۱.

فصل اول

دربیان آثاری‌که فقط نامشان باقی‌است وآن مشتمل بر دوگفتار است:

گفتار اول

آثار تاریخی پیش از اسلام

آثار تاریخی پیش از اسلام که تنها نامی از آنها باقی مانده باروها و دژها و آتشکده‌ها ومعابدی است که در آغاز عمران شهرها و دهات وقصبات بنا شده و سپس در اثر مرور زمان و توارد حوادث‌جوی چون طوفان و زلزله و سیل وامثال آنها درمعرض زوال درآمده و برجای بعضی از آنها بنائی دیگر ساخته شده است:

الف ــ باروهائی‌که درحوزه استان اصفهان ساخته شده و بتدریج بویرانی انجامیده وفقط نامی از آنها باقی مانده بشرح زیر است:

۱ــ باروی قلعه طبرك (تبره) درشهراصفهان‌که پیش ازتجدید بنای قلعه بوسیله دیلمیان در زمان ساسانیان ساخته شده بوده است.

۲ــ باروی طهمورثی جی که بوسیله طهمورث دیوبند پادشاه پیشدادی ایران بنا شده وفقط نامی از آن درکتابها باقی است.

۳ــ باروی جی که از طرف فیروزبن یزدجرد آذرشاپوران پسرآذرمانان کشیده بود و معدوم‌الاثر شده است[۱].

۱ــ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۳۸.

۴ـ باروی همان شهر که بفرمان هما دختر بهمن‌بن اسفندیار بنا شده بود .
۵ـ باروئی که اسکندر بگرد شهر جی کشیده بوده است .
۶ـ **باروی شهر اردستان** از زمان ساسانیان .
۷ـ **باروی‌زواره** از پیش از ساسانیان .
۸ـ **باروی آتشگاه** بین‌راه اصفهان و نجف‌آباد[۱] .

ب ـ آتشکده‌هائی که پیش از اسلام بنا و در زمان حاضر فقط نامی از آنها مانده است :

۱ـ **آتشکده‌ذروان** اردشیر که‌بنا بامر بهمن[۲] بن‌اسفندیار معروف به‌اردشیر دراز دست در دارك از تـوابع خوار[۳] بنا شده و در زمان حاضر اثری از آن باقی نیست .

۲ـ **آتشکده مهر** اردشیر در اردستان که نیز بامر همان بهمن‌بن اسفندیار بنا شده .

۳ـ **آتشکده شهر اردشیر**[۴] که‌هم‌درقلعه‌مارین[۵] برپاداشته‌است،ومتأخران احتمال داده‌اند که آتشکده مزبور همان آتشگاه واقع در راه ماربین است و بااین فرض جزء آثار موجود خواهد بود . این سه آتشکده دریك روز بـاین ترتیب : که آتشکده ذروان اردشیر درهنگام طلوع‌آفتاب وشهر اردشیر در وقت‌ظهر ومهر اردشیر در غروب آفتاب برپا گردید .

۴ـ **آتشکده سروش آذران** که شاپور ذوالاکتاف درقریه حروان از روستای جی بنا وقرای یوان وجاجاه از رستاق النجان را وقف برآن‌کرد .

۵ـ **آتشکده رستاق اناراباد** ازدیه ممنور که‌کی‌کشتاسب کیانی آنرا بنا و

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۲۵.
۲ـ بنی‌اسرائیل بهمن را کورش خوانده‌اند (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۲۸) .
۳ـ درسنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸ . خوا نوشته شده که شاید محرف برخوار باشد ولی در زمان ما جزء قهاب است .
۴ـ شهر نام سپیده صبح است . و اردشیر نام بهمن . (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸).
۵ـ مارین و مهرین اصل ماربین است .

املاکی از همان رستاق بر آن وقف‌کرده است .

۶ـ آتشکده شاپور ذوالاکتاف در یوان جروائان اصفهان[۱].

۷ـ آتشکده‌ایکه بهمن‌بن اسفندیار در دیه جز جزء برخوار بنا کرده بوده است[۲] .

۸و۹ـ آتشکده‌های امهران و جوگند در اردستان[۳].

ج- مساجدی‌که پیش از اسلام محل آن آتشکده بوده و خراب و تبدیل به‌مسجد شده :

۱ـ محل قسمتی از مسجد جامع اصفهان که احتمال داده‌اند پیش از اسلام آتشکده بوده و خراب و برروی آن مسجد جامع را ساخته‌اند[۴].

۲ـ محل مسجد ازیران واقع در هفده کیلومتری غرب اصفهان از روستای براآن‌که از دوره ساسانیان بوده وسپس بعد ازاسلام و خرابی آن تبدیل به‌مسجد گردیده و درتاریخ اول دیماه هزار وسیصد وچهل وهشت (۱۳۴۸) شمسی طی‌شماره ۸۹۰ به‌ثبت باستان‌شناسی رسیده است[۵].

۳ـ محل مسجد بن‌کویه زواره که دریکصد ونود کیلو متری اصفهان واقع و در زمان ساسانیان محل آتشکده بوده است و سپس در زمان‌اسلام تبدیل بمسجد گردیده است[۶].

۴ـ محل‌مسجد دیه‌ویدان‌از روستای سفلای اردستان[۷]که دومحراب‌دارد[۸].

۵ـ محل مسجد خرابه دشت رامیان اردستان[۹].

د ـ دژها و قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام ساخته شده و در زمان حاضر اثری از آن باقی نیست :

---

۱ ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص ۸۵ . ۲ ـ نزهت‌القلوب . ۳ ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۱۹ . ۴ـ ومساحت پیشین‌آن سی‌وشش جریب‌بوده (تاریخ اصفهان و ری ص۹). ۵ـ گزارش اداره باستان‌شناسی. ۶ـ آتشکده اردستان ص ۱۵۱ . ۷ـ آتشکده اردستان بخش یك ص ۱۰۳ . ۸ ـ یکی از آنها بطرف بیت‌المقدس و دیگری بمکه . ۹ـ آتشکده اردستان بخش یك ص۲۹ .

۱ـ ساروبه مشهور بهفت هلکه[۱]

بعضی[۲] این کلمه را ساروق گفته‌اند و در هرحال ببنائی گویندکه از ساروج ساخته شده باشد وگمان میرودکه ساروق هم معرب ساروج باشد .

طبق گفته‌حمزه اصفهانی[۳] و بنقل از ابومعشر بلخی‌که صاحب‌محاسن اصفهان و ابونعیم نیز از او نقل‌کرده‌اند و در فهرست ابن‌الندیم هم روایت شده ، درزمان سلطنت طهمورث دیوبند یا زیباوند از دوستداران علوم وحکمت ونجوم حکماء و منجمان زمان پیش‌بینی کرده بودندکه طوفانی سهمگین خواهد آمد که همه‌چیز را نابود میکند، طهمورث‌شاه برای ایمن بودن‌کتابهای علمی‌بخصوص زیج‌شهریاری که مورد عمل در استخراج ارصاد کواکب بود و تا اوائل اسلام هم مورد عمل بوده است ، دستور داد ورقی را که از لحاظ دوام وصحت ممتاز باشد انتخاب وعلوم را برروی آن بنویسند وسپس درجای امنی‌که صلاحیت حفظ آن نوشته‌ها را داشته باشد قرار دهند ، پس از رسیدگی برای‌نوشتن برگ درخت خدنگ (توز) ومحل سپردن آن‌جائی را بنام کهندز سارویه انتخاب و ساختمانی را با ساروج و شفته بناکردندکه مانندا‌هرام مصر استوار وموجب شگفتی‌بود و آن نوشته‌ها را درآنجا بودیعت گذاردند و در زمانی قدیم پیش‌ازحمزه اصفهانی قسمتی‌از ساختمان‌سارویه خراب ومقداری از آن‌کتابها بدست‌آمدکه پس‌از ترجمه از طرف مترجمان‌معلوم گردید راجع بعلوم اوائل است .

درسال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری زمان حمزه اصفهانی نیز قسمت دیگری ویران وخانه‌ای ازآن نمایان‌گردیدکه درآن پنجاه (۵۰) عدل کتاب بود ، چون کسی از وضع ومحتویات کتابها اطلاعی نداشت بکتاب ابومعشربلخی رجوع ومعلوم گردیدکه‌کتابها در زمان طهمورث‌دیوبند برای‌ایمنی ازحوادث وطوفان درآن‌محل گذارده شده است . و این محل را که‌کهندزسارویه میخواندند تا سال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری باقی بوده ولی در زمان حال اثری از آن باقی نیست . مگر اینکه

۱ـ فارسنامه‌ابن‌بلخی ص۲۵. ۲ـ ابن‌رسته دراعلاق‌النفیسه. ۳ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۷ .

تپه اشرف درجی (شهرستان) باقی مانده سارویه باشد . بعضی هم‌گفته‌اند که مناره ساربان واقع درجوباره درهمان محل‌سارویه میباشد وساروان محرف‌سارویه‌است[۱].

در فارسنامه ابن‌البلخی آمده‌که سارویه دروسط شهرستان اصفهان و درمیان آبی شیرین وخوش بوده‌که‌کسی منبع آن را نمیدانسته کجاست و در ۴۶۵ رکن‌الدوله خمارتکین که والی فارس شده بود سرآن را بکند و برآن کوشکی‌ساخت که آنرا هفت هلکه خوانند این‌کلمه بزبان اصفهانی یعنی هفت سوراخ‌است[۲].

۲ـ قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام در اردستان درمحلات آن ساخته شده بود[۳]. یکی از آنها موسوم به دژ ارونه که فردوسی‌گفته : ز سرحد ری تا دژ ارونه[۴]، و دیگری قلعه خرابه محله رامیان از زمان ساسانیان و بالاتر ، دژ ارونه[۵] همان قلعه میان شهر است‌که آتشکده مهر اردشیر درآن برپا بوده وانوشیروان عادل‌نیز درآن متولد شده است[۶].

۳ـ قلعه‌ای در روستای النجان که در محاذات قریه روسان و آزادوار محل اقامت بهرام‌گور ساخته شده و اثری ازآن باقی نیست[۷].

۴ـ قلعه وهانزاد واقع در رستاق قمذاز که اثری از آن نمانده است[۸].

۵ و۶ـ دوقلعه درقریه یوان‌واقع در دروازه شهر اصفهان[۹]. درفارسنامه ابن‌البلخی این محل بنام بوان بیای موحدة نوشته شده ولی درست‌آن همان‌یوان بیاء مثناة از زیر میباشد .

۷ـ قلعه جوگند از برزاوند اردستان مربوط به‌پیش از اسلام‌که بنیان آن آتشکده بوده است[۱۰].

۸ ـ معابدی‌که پیش ازاسلام بنا شده و اثری ندارد :

۱ـ تاریخ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲ . ۲ـ فارسنامه ابن‌بلخی ص۳۵ .
۳ـ معجم‌البلدان بنقل ازاصطخری ج۱ ص۱۴۶. ۴ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۸.
۵ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص ۲۸ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص ۲۲۲ .
۷ـ محاسن اصفهان ص۲۲ . ۸ـ محاسن اصفهان ص۱۸ . ۹ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۲ . ۱۰ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۸ .

۱ و۲ـ دومعبد بنام قبةالنصاری‌که در محله شهشهان و گلبـار درزمان خسرو پرویز بنا شده است[۱].

۳ـ کنیسه‌ایکه فیروزبن یزدجرد برای حکیم رومی در میان دوقلعه یوان بنا کرد[۲]، ونیز خانه‌ایکه برای همو درجائی‌که خانه نوشجان بود بناکرد .کنیسه در زمان ابونعیم اصفهانی در محل مسجد جامع کنونی بوده است[۳].

و ـ قصور وکوشکهائی که پیش از اسلام بوده و اکنون جزنام اثری ندارند:

۱ـ قصر چملان یا چلمان واقع در محله چملان یا چلمان درکنار قبرستان بهمان نام و این‌قبرستان قسمتی از باغی بوده‌که ازطرف خسروپرویز برای‌شیرین اصفهانی ساخته شده و قصر مزبور در وسط آن باغ بوده است[۴].

این قصر نقبی داشته که درب آن در قبرستان نـامبرده باز میشده و هولناك بوده وکسی آخرش‌را ندیده وبعضی کسان با شمع‌وچراغ‌مقداری راه رفته وبه‌چهار طاقی رسیده و گاهی‌هم تاچهارطاقی پیش رفته‌اند وچون‌احساس تنگی نفس‌کرده‌اند برگشته‌اند . این قصر تا اوائل قرن چهاردهم آثاری داشته است .

۲ـ قصوری که ازطرف انوشیروان دادگر یا پـدرش قباد در اردستان برای همدرسها و همبازیهای نوشیروان ساخته شده بوده و تـا قرن هفتم هجری بـاقی و مورد افتخار اعقاب آنان بوده است[۵].

فعلاً محله‌ای در اردستان بنام کوشك موسوم است کـه نشان میدهد جای آن قصور بوده است .

۳ـ قصوری هم در زواره در زمان ساسانیان ساخته شده بوده که در آنجا هم فقط محلی بنام کوشك وجود دارد[۶] .

ز ـ گورستانهائیکه پیش از اسلام دائر و اکنون اثری ندارد :

۱ـ گورستان تاریخی چملان یـا چلمان کـه صابئان را در آنجـا در خمره

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۷ . ۲ـ محاسن اصفهان ص ۸ . ۳ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۴۴ . ۴ ـ جغرافیای اصفهان ص ۳۴ . ۵ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۴۹ .

سفالین گذارده دفن میکرده‌اند و درموقع حفریات اسکلتهائی دیده‌شده که‌درخمره سفالین ایستاده دفن شده بوده است[۱].

۲ـ گورستان زردشتیان واقع درقسمت‌شرقی مهرآبادسفلای‌اردستان درمحلی بنام ملنگو که بارها هنگام حفرزمین آثاری از مردگان بدست آمده است[۲].

۳ـ خانه‌گبرها[۳] واقع‌درقسمت‌غربی‌قنات‌بلوچهادرقریه‌شهراب‌سفلای‌اردستان که هنگام خاکبرداری خمره‌هائی از آنجا بیرون آمده ومعلوم میشود مردگان را درآن خمره‌ها دفن میکرده‌اند.

۴ـ گورستان صابئان‌واقع در حدود گنهران‌کرون‌که در اوایل قرن‌چهاردهم هجری درموقع حفرزمین‌گورهائی پیدا شد ودرآن خمره‌های سفالین ایستاده بود که صابئان برای دفن مردگان خود برپا میداشته‌اند[۴].

ح ـ شهرها و ساختمانهائی‌که پیش از اسلام احداث و اکنون تپه خاکی‌است:

۱ـ هفت شهر لیلاز ویا لاسون‌که از نزدیکی دیه‌موغار و مه‌آباد گرمسیر اردستان آغاز و ازکنار زواره و امیرآبادگذشته به‌یزد منتهی میشده است[۵].

چنانکه دهان بدهان نقل‌شده‌این‌شهرها مرکزحکمروائی لیلاز پدرکیخسرو کیانی‌بوده ، و در اثر زلزله ویا هجوم ریگ‌روان ویا حمله افراسیاب ترك ویران گردیده و اکنون جز تپه‌هائی خاك‌که درفصل بارندگی و تابش آفتاب اشیائی مانند خرده‌طلا و امثال‌آن ازآن بدست میآید اثری نیست ودراین‌باب این اشعار خرابی هفت شهر را بخوبی مجسم میکند[۶]:

موغار که بدمغ آر دیگر نبود آثار — پندار که ذکر مغ گردیده دگردستان
مه باد که بد آباد در عهد مهابادان — بینی‌که شده اینسان ویرانه چوقبرستان

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۴۴۱ .
۲ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۷۷ .
۳ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۵ .
۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۶ .
۵ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۴۴ .
۶ـ مطلع قصیده چنین است :
دیدی چو مدائن را با دیدهٔ عبرت هان — زانجا قدمی بگذار در خطه اردستان
وبرای ملاحظه مقطع آن به‌آتشکده اردستان بخش۱ ص۵ رجوع شود .

لیلازودگرلاسون‌گردیده چنان هامون　　اطلال همه بینی در معبر ریگستان
بس‌قصرزمردگون‌چون طاس‌شده‌وارون　　در قعر زمین مدفون‌گردیده نگارستان
زانجا نگهی بنمابا دیدهٔ خون پالا　　بر باروی اردستان یا بارگه دستان

۲ـ خرابه‌های ساسانی واقع درشمال مدینةالسادات زواره که طبق تحقیقات باستان‌شناسان اردستان قدیم در آنجا بوده و اکنون جزتپه‌های خاك اثری دیگر مشهود نیست واین خرابه‌ها بموجب تصویبنامه شماره ۵۱۹۷ مورخ ۱۴۱۰/۶/۲۸ هیئت وزیران‌جزو آثار باستانی ثبت‌شده است[۱]و غربیان این خرابه‌ها را بنام لاسریه میخوانند. بنظر نگارنده این‌خرابه‌ها اگر از ساسانیان هم باشد باید از عمارتهای اوایل دوره سلطنت ساسانیان باشدکه آغاز عمارت آن پیش از سلطنت قباد و انوشیروان باشد چه همانطورکه نگاشته شد قلعه میان شهرکه مسقط‌الرأس انوشیروان عادل بوده تا اوایل قرن چهاردهم آثاری از آن باقی[۲]واز آن ببعد تبدیل به‌باغ شده ودرزمان حاضرهم بباغ قلعه معروف است.

۱ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۲۹ .　　۲ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۷-۲۸.

گفتار دوم :

در آثار تاریخی بعداز اسلام که فقط نامی از آن باقی است:

الف ـ گورستانهای بزرگ :

۱ـ قبرستان آسیاب چهارسنگ واقع در نزدیکی خاجوی قدیم اصفهان که گورستان یهودیان بوده و اکنون از بین رفته است .

۲ـ قبرستان گلستانه واقع در احمدآباد اصفهان که در زمان صفویه اهمیت داشته و درقسمت شمالی خیابان حافظفعلی جنب چشمه پا قلعه قرار داشته وتاسال ۱۳۵۰ هجری قسمتی از آن باقی بود ولی اکنون همه آن تبدیل بعمارات گوناگون گردیده است .

۳ـ گورستان باغ خلفاء جنب چهارسو مقصود اصفهان که اثری از آن نیست و در آنجا مدرسه مریم بیگم بناشده است .

۴ـ گورستان باغ سهیل وشیرسبز دراطراف طوقچی اصفهان که مدفن سادات گلستانه بوده و از میان رفته و در آن محل مسجدی ساخته‌اند .

۵ـ مقبره بکتاش در حوالی محله حسن آباد اصفهان که در حدود هشتاد جریب وسعت داشته و تمام آن تبدیل بخانه گردیده است .

۶ـ گورستان بیدآباد اصفهان که در دنباله جوی بیدآباد وحوالی یخچال درکوشك بوده و در یکقرن ونیم پیش تبدیل بباغ و خانه شده است .

۷ـ گورستان پشت مسجد شاه اصفهان که در قسمت جنوبی مسجدشاه قرار

داشته و یکقرن‌ونیم پیش تبدیل به‌خانه وباغ شده است .

۸ـ گورستان درکوشك اصفهان‌که پیش از پادشاهان آق‌قوینلو ایجادشده بوده تبدیل به‌عمارات مختلف چون‌مدرسهٔ با قریه‌که بمدرسه درکوشك شهرت‌دارد گردیده است .

۹ـ گورستان چملان یاسنبلستان‌دراصفهان‌که بمقبره درب امام اتصال‌داشته بتدریج از بین رفته تا در سال ۱۳۵۵ هجری بقیه آن تسطیح و تبدیل بعمارات شده است .

۱۰ـ گورستان قبله دعاء که پیش‌از صفویه مصلای‌اصفهان و درقسمت‌غربی محله آب بخشان واقع و وسعت‌آن ۴۰ هزار ذرع بوده از ۱۳۷۰ هجری تبدیل بعمارات گوناگون شده است .

۱۱ـ گورستان آل‌ترکه که در جنب لنبان ، و از قبرستانهای‌کهن سال اصفهان بوده و از بین رفته است .

۱۲ـ گورستان دوشاباد یا روشاباد مشهور به‌قبرستان‌شیخ یوسف‌بنا واقع‌در قصر منشی اصفهان از گورستانهای‌قدیمی بوده است‌که طبق دستور شاه‌عباس‌تسطیح ودر آن مسجد ومدرسه وحمام وبازارچه وخانه وقصر احداث شده است .

۱۳ـ گورستان باغ نقش‌جهان دراصفهان‌که سلاطین و شاهزاده‌ها و امرای قبل از صفویه درآنجا دفن و هرکدام بتناسب بقعه‌هائی روی قبر آنان ساخته شده بوده است . در عصر شاه‌عباس[۱] و شاید شاه اسماعیل صفوی تبدیل به میدان شده وآن امرچنین‌نقل‌شده: روزی شاه عباس ازطبقه آخر عالی‌قاپو باطراف مینگریست آن بقاع‌که ازآن شاهان وشاهزادگان‌گذشته بود بنظرش آمد پرسید اینها چیست جواب دادندکه قبور سلاطین و شاهزادگان گذشته است . شاه‌عباس گفت فعلاً بیش از یك سلطان لزومی ندارد آن بقعه‌ها را خراب و اینجا را میدان مشق وچوگان

۱ـ طبق‌گفته منتخب مظفری بدستور شاه‌عباس‌بقعه‌های امراء وسلاطین تسطیح و تبدیل‌بمیدان گردیده است .

بازی‌کنید وچنین‌کردند .

۱۵- گورستان شهرستان اصفهان

۱۶- گورستان محله‌کران اصفهان‌که در قرون اوائل اسلام دائر بوده است

۱۷-گورستان شهداء در قهجاورستان‌که عده‌ای از شهدای‌مسلمانان درآنجا مدفون شده‌اند .

۱۸- گورستان یهودیه

۱۹- مقبره ملامحمد صادق پلوی اردستانی[۱]

این مقبره واقع بود در آن طرف پل خاجو که بطرف تخت فولاد اصفهان میرفتند و در دست چپ کنار جاده سکوئی‌بودکه در روی آن چندین قبر مشاهده میشد و محل آن گوشه شمال غربی باغ محمود (فعلا محل اداره تنباکو) میبود. یکی از مدفونان درآن سکو حکیم ربانی وعارف صمدانی آخوند ملامحمدصادق معروف به‌پلوی بودکه در هنگام هجوم افاغنه باصفهان در سال ۱۱۳۴ وفات یافت. این محل در حدود چهل سال قبل خراب گردید و آثار موجود درقبر بتخت فولاد منتقل گردید[۲]. و درکنار قبر میرزا محمد گلکار عارف (ناصر علی) نرسیده به آب‌انبار تکیه‌کازرونی دفن شد .

۱- وی ازجمله فلاسفه وحکمای قرن یازدهم هجری و از بزرگان الهیون و عرفای زمان خود بود وچون درعصرشاه سلطان حسین صفوی میزیسته و مصادف با دوره تصوف و عرفان بوده اخبار و حکایات مختلفی در باره او نقل گردیده است شیخ‌علی حزین‌که از شاگردان او بوده درباره‌اش چنین‌گفته:

«پس‌بخدمت سلطان‌المحققین، افضل‌الحکماءالراسخین، المولی‌الاعظم، والحبرالاعلم ، مظهرالمعارف والحقایق مکمل علوم‌السوالف واللواحق، محیی‌الحکمة ابوالفضایل ، مولانا محمدصادق‌اردستانی علیه‌الرحمة‌که از متوطنین اصفهان و بتدریس زبده‌ای از اذکیای فاضل میپرداخت رسیده باستفاده مشغول شدم وی از اساطین حکماء بوده و قرنها بایدکه مثل او کسی از میان دانشمندان برخیزد.» برای استحضار کامل از شخصیت و نژاد ملامحمدصادق اردستانی واحفاد و اولاد اوبه‌کتاب آتشکده اردستان بخش۱ و۲ مراجعه‌گردد.

۲ــ تاریخچه محله خواجو ص۶۷ .

۲۰ـ مقبره فدای[۱] اردستانی

این مقبره درآن طرف پل خاجوی اصفهان که بطرف تخت فولاد میرفتند در دست چپ جاده روی سکوئی واقع بود و مردم بزیارت مقابر آنجا میرفتندولی در حدود چهل سال قبل ازاین از بین رفت و دیگر اثری ازآن مشهود نیست[۲].

۲۱ـ مقبره شیخ محمدبن یوسف بناء :

محمدبن یوسف بن‌معدان بن‌یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بناء صوفی‌جد[۳] پدر حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی است‌که درسال (۲۴۵ هـ. ق.) بحج رفت ودرسال (۲۸۶ هـ. ق.) بدرود حیات گفت وی ازعبدالجبار و سعید مخزومی و عابدی و حسین مروزی ومحمدبن منصور خـزاز و ابراهیم‌بن سلام‌بن حبیب ومحمدبن جعفربن زنبور وبندار وابوموسی ونصربن‌علی ومحمدبن

۱ـ میرزا محمد سعید متخلص به‌فدا فرزند حاج‌میرزا مهدی بن‌میرزا محمدسعیدبن‌میرمحمد حسین‌بن میریحیی‌بن میرآقابیك‌بن میریحیی‌بن امیرحسن‌بن سیدروح‌الله اردستانی از عرفا بوده است. فدا تحصیلات مقدماتی را در اصفهان و عـالیه را در عراق عرب انجـام داد وسپس باصفهان مراجعت و بتدریس و افاضه‌پرداخت. پیوسته درمحضرش فضلاء و طالبان علم‌بکسب دانش و معرفت میپرداختند. وی درعصرآقا محمدخان قاجار درسال (۱۲۰۴هـ.ق) متولد ودر حدود (۱۲۷۰ هـ. ق) وفات یافت. درعصر فتحعلی‌شاه ومحمدشاه قاجار ازمشاهیر فضلاء و شعراء بشمار میرفت و مورد توجه بود بخصوص صدر اصفهانی‌که فرزندان خود را موظف کرده بود از محضر فدا استفاده‌کنند وپیوسته‌رعایت‌حال اورا مینمود و ازبذل مال‌ومنال‌درباره او مضایقت نداشت . معتمدالدوله‌گرجی حاکم اصفهان نیز نسبت‌باو محبت مخصوصی‌داشت ولی‌هم فدا بیشتر مصروف تدریس و افاده بودوکمتر بسرودن شعر میپرداخت واغلب‌اشعارش در مدایح اهل‌بیت‌اطهاراست بحکم ضرورت قصایدی‌هم درمدح محمدشاه وصدراصفهـانی و معتمدالدوله سروده است. دیوان شعر اوهم‌تاکنون بچاپ‌نرسیده و اصل‌آن نزد جناب‌حاج‌آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی ادیب معاصر و نماینده سابق مجلس شورای ملی موجود است‌که از روی‌آن دیگران هم نسخه‌هائی برداشته‌اند. ازاشعار اواست:

مارا که جا بکنج قفس خوش‌بود چه‌غم　　گر باغبان بیاد دهد آشیان ما

۲ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۶۷ .　　۳ـ از رسیدگی به‌کیفیت نسب و باضافه آنچه مشهور است مراد جد مادری پـدر ابونعیم میباشد زیرا جد پدری پدرش اسحاق بوده است بنابراین باید اذعان‌کردکه همانطورکه اشتهار دارد شیخ محمد بنای‌صوفی جد مادری‌پدرش بوده است .

میمون‌خیاط‌واحمدبن‌محمدبن‌ابی‌برة ویحیی‌بن‌حبیب‌بن‌عربی واحمدبن‌عبدالرحمن بن‌الفضل واسحاق‌بن الجراح الاذنی و بصریان و اصفهانیان روایت کرده و در شام از شامیان درسال (۲۰۵هـ. ق.) از برکة‌بن‌محمدحلبی وطبقه‌اش‌حدیث‌نوشته‌است. ابومحمد حیان اصفهانی درکتاب خودگفته که شیخ مزبور مستجاب‌الدعوة و یکی از سران صوفیان زمان بوده و کتابهای نیکوئی تصنیف‌کرده است[۱] . پس از وفات در محله خاجوی قدیم درجائی معروف به‌محله پاکوچه شیخ یوسف مدفون‌گردیده و دارای مقبره و خادم نیز بوده‌است وکتیبه ذیل‌کتیبه اوزون حسن در صفه صاحب مسجد جامع عتیق باین عبارت[۲]: « هذه‌التجدید عمل جمال خادم الشیخ محمدبن یوسف البناء رحمه‌الله[۳] » دلیل براینست که در قرن نهم هم مقبره باقی و دارای خادم بوده است . و بطوریکه درکتاب تذکرة‌القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان مذکور گردیده آثار قبر تا سال (۱۳۳۶ هـ. ق.) باقی بوده است .

موضوعی‌که قابل تذکر است اینکه دراصفهان چند تن بنام محمدبن یوسف وجود داشته‌اندکه همه آنها از زهاد ومحدثان وبعضی هم‌متصوف بوده‌اند . یکی از آنها[۴]: ابوعبدالله محمدبن یوسف‌بن معدان‌بن سلیمان جورجیری است که درسال (۱۸۴ هـ. ق.) وفات و در مصیصه دفن گردیده است و او معروف به‌عروس الزهاد بوده است . دومین[۵] آنان محمدبن‌یوسف صوفی اصفهانی محدث بوده‌که پیش از قرن چهارم میزیسته وحسین‌بن محمدبن‌علی ومحمدبن‌احمدبن جعفر از اوروایت کرده‌اند و خود نیز از احمدبن مهران وحسین‌بن علی‌بن غالب واسطی روایت کرده است .

سومین آنها محمدبن‌یوسف ابوالعباس اصفهانی محدث است که در بغداد سکونت داشت ومحمدبن‌المظفر از او وخود ازولیدبن حماد روایت‌کرده است[۶]. چهارمین آنان محمدبن‌یوسف‌بن محمد ابوعبدالله جلاب اصفهانی بوده که خوداز

---

۱ ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۲۰ . ۲ ــ تذکرة‌القبورو یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۱۱۱. ۳ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۹۵. ۴ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۷۰ . ۵ و۶ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۴۹ .

احمدبن مهران ومحمدبن مسلمة وعبیدبن شریك وکدیمی روایت‌کرده واحمدبن یوسف خشاب از او حدیث روایت کرده است[1]. و پنجمین آنان شیخ محمدبن یوسف صوفی‌بنا جد مادری پدر ابونعیم اصفهانی‌که ذکرش گذشت بوده است. این چند محمد در جد از یکدیگر امتیاز دارند.

۲۲ـ مقبره حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن‌موسی‌بن مهران اصفهانی :

صاحب روضات الجنات[2] در کلمه احمد راجع بحافظ ابونعیم اصفهانی چنین گفته :

« شیخ فقیه نبیه ومتقن حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی از اعلام محدثان و روات واکابر حفاظ ثقات است‌که افاضل محدثان ازاو وخود نیز از افاضل اعلام‌نقل حدیث‌کرده است. اوراست: کتاب حلیةالاولیاء که از بهترین‌کتابها است و این مطلب‌را ابن‌خلکان تأییدکرده و کتاب معروف بین اصحاب شیعه است‌که ازآن اخبار مناقب و اخلاق را نقل میکنند و نیز اوراست : کتاب اربعین محتوی احادیثی که راجع بامامت مهدی[3] آخرالزمان علیه‌السلام است‌که صاحب کشف‌الغمه بمقتضای مقام از آن بسیار نقل‌کرده است. ونیز کتاب ذکرالمهدی واوصاف وجای‌خروجش وثبوتش‌که سیدرضی‌الدین‌بن طاوس درطرائف باو نسبت داده است ولکن ظاهر اینست که کتاب اربعین مهدی و ذکرالمهدی یکی است و با حلیةالاولیاء اختلاف دارد. ونیزکتاب طب‌النبی بنا بگفتهٔ دمیری درحیات‌الحیوان‌وکتاب فضائل‌الخلفاء که حموئی درکتاب فوائد خود باو نسبت‌داده ونیزکتاب حلیةالابرار وکتاب‌الفتن وکتاب‌الفوائد که‌سیدهاشم‌بحرانی درکتاب غایة

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۳۰۶.

۲ ـ ازتألیفات عمدةالعلماء القمقام حاج‌سید محمد باقربن‌حاج‌میرزا زین‌العابدین خوانساری اصفهانی چهارسوئی متولد (۲۲ صفر۲۲۶ ه.ق) و متوفی سال (۱۳۱۳ ه. ق) است‌که شرح حال عمده علمای اسلام‌را بیان‌کرده است. و در ماده تاریخ وفاتش چنین‌گفته‌اند :

آمدیکی برون‌و بگوش خرد سرود قل حبذا بوفدك یا باقرالعلوم.

۳ ـ این‌کتاب درکتابخانه ملك موجود است و نگارنده دیده‌ام.

المرام خود باو نسبت داده واگرچه ظاهر اتحاد حلیةالابرار با حلیةالاولیاء است . و نیزکتاب مختصر استیعاب باو منسوب است . و صاحب معالم‌العلماء در ترجمه ابونعیم گفته : او مردی است عامی مذهب‌الااینکه اوراست‌کتاب منقبةالطاهرین و مرتبةالطیبین وکتاب مانزل من‌القران فی امیرالمؤمنین (انتهی) و نیز اوراست : کتاب تاریخ اصبهان[1]و در این کتاب از او نقل شده‌که گفته جد من مهران اول کسی است که اسلام قبول‌کرده‌است . و او (مهران) غلام‌عبدالله‌بن‌معاویةبن عبدالله ابن جعفربن ابی‌طالب بوده است . و دربعضی از فوائد امیرمحمدحسین خواتون آبادی سبط مجلسی است‌که گفته : و ازکسانیکه مطلع شدم برتشیعش از مشاهیر علماء عامه همان حافظ ابونعیم محدث اصفهانی صاحب کتاب حلیةالاولیاء میباشد و او از اجداد جدم علامه مجلسی است و بتحقیق نقل‌کرده است جدم مجلسی از پدرش مجلسی اول از پدرش تا باو رسیده است وگفته ابونعیم از مشاهیر محدثان عامه ظاهراً مگر اینکه او از خالص شیعیان‌است باطناً وتقیه‌میکرده است بروفق مقتضای زمان واز اینرواست‌که درکتاب‌حلیةالاولیاء بیشتر درمناقب امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام مطالبی را بحث‌کرده که درکتابهای دیگر یافت نمیشود وگفته‌است چون فرزند آگاه‌تر از دیگران بحال پدر خود میباشد دیگر شکی درتشیع او نخواهد بود. پس خدا او را رحمت‌کند ومقدس گرداند ودربهشت با کسی‌که‌دوست داشته محشورگردد. وصاحب ریاض‌العلماء گفته : که ابونعیم از اجداد عالیه محمد تقی مجلسی و محمدباقر مجلسی است و معروف اینستکه از محدثان عامه است و لکن شنیدم از مجلسی دوم استادم که‌گفت : ظاهر اینستکه از علمای شیعه است و از مخالفان تقیه میکرده چنانچه بیشتر از احوال مردم آن زمان بوده است و در جای دیگر از ریاض‌العلماء گفته است :که‌ابونعیم ازنواده‌های دختری شیخ‌محمدبن یوسف بناء صوفی اصفهانی است یعنی همان کسیکه در محله خاجوی اصفهان در بقعه‌ایکه معروف‌نزد عامه مردم بلحن خودشان ازکثرت استعمال شیخ سبنا میباشد

۱ــ این‌کتاب بنام (ذکر اخبار اصبهان) در دو جلد چاپ شده است .

مدفون است . ونیز گفته‌که از جمله مشایخ ابونعیم ابوالقاسم‌طبرانی صاحب‌کتاب معجم‌البلدان و دیگر اینکه این‌کنیه از او مکبرة و مصغرة‌گاهی اطلاق میشود بر حافظ ابونعیم فضل‌بن دکین واو از مشاهیر قدمای‌علمای شیعه و عامه از او روایت کرده‌اند ومورد وثوق است نزد جمیع وگرچه نامش‌درکتب رجال ذکر نشده واین مطلب از این‌جهت است که‌شهید و نواده‌اش شیخ محمد در رجالیات خودگفته‌اند. و همین‌طور ابونعیم بن‌نصربن عصام‌بن‌المغیرة‌الفهری معروف به‌قرقاره و نیز برپدر شیخ ابوالعباس عقده ونیز بر ربعی‌بن عبدالله البصری از اصحاب صادق و کاظم علیهماالسلام اطلاق میشده است . در تاریخ اخبار البشر است که ابونعیم اصفهانی از حفاظ و قاضی ابوزید موسی از حنفیه و امام ابومنصور ثعالبی و شیخ ابوالفتح بستی ازشعراء معروف درسال۴۳۰ هجری وفات‌کرده‌اند وابن‌خلکان نیز همین‌تاریخ را تأیید کرده است . حافظ‌ابونعیم‌درهنگام وفات ۷۷سال‌داشت و قبرش (در هنگام تألیف روضات الجنات درحدود اول‌قرن چهاردهم بوده) معروف است در محله درب‌الشیخ ابی مسعود از محلات اصفهان درقبرستان معروف آب‌بخشان و مقبره شیخ ابومسعود نیز درجوار قبر مزبور است .

ونقل شده‌که سید امیر لوحی موسوی‌سبزواری ساکن اصفهان یکی‌ازکسانی بوده‌که با مجلسی عداوت داشته و در زمان خود قبر ابونعیم را خراب کرده است بگمانش این کار توهینی بعلامه مجلسی است و برای اینکه قلب او را بسوزاند مرتکب خراب‌کاری شده است و خداوند نیت او را بهتر میداند مولی نظام‌الدین قرشی شاگرد شیخ‌بهائی درکتاب نظام‌الاقوال‌گفته: قبر ابونعیم را دراصفهان زیارت کردم برقبرش نوشته بود :

قال رسول‌الله مکتوب علی‌ساق‌العرش لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدبن عبدالله عبدی و رسولی و ایدته بعلی‌بن ابی‌طالب رواه‌الشیخ الحافظ المؤمن‌الثقة العدل ابونعیم احمدبن‌عبدالله سبط احمدبن یوسف‌البناء الاصفهانی ره و رضی‌عنه و رفع فی‌اعلی علیین درجته وحشره مع‌من یتولاه من‌الائمة المعصومین (انتهی) .

و ابن جوزی نقل‌کرده که وفات حافظ ابـونعیم در ۱۲ محرم ۴۱۲ هجری اتفاق افتاده است و اگر این نظر درست باشد مبنی است بر غلطی در اصل و یـا تصحیفی شده است[۱].

این‌مطالب از روضات‌الجنات با نقلی‌که در آن ازکتب مختلفه‌آورده بود ودر مورد شخصیت ابونعیم و نسب و مقام علمی و روحانی و مدفن او بود ایرادگردید و دراین‌جا مطالب منقول تمام میگردد .

چند نکته از مطالب مزبور معلوم‌گردیدمانند اینکه مقبره ابونعیم‌درمحله مردبان که در زمان حاضر آب‌بخشان یا آب‌بخشگان‌میگویندواقع و در مجاورت خانقاه و باغ و مقبره شیخ ابومسعود رازی بوده است . وتا زمان میرلوحی‌موسوی سبزواری‌که معاصر باعلامه مجلسی بوده یعنی تا قرن‌یازدهم بقعه و مقبره ابونعیم بحال خود باقی وبنابدستور سبزواری بقعه و بارگاهش خراب‌گردیده وتا سال۱۳۳۶ هجری اثر قبر نیز دیده میشده و در آن تاریخ کـه قبرستان تسطیح گردید مزار ابونعیم هم ازبین رفت .

نکته دیگر اینکه ابونعیم درکتاب ذکر اخبار اصبهان خود را سبط شیخ محمدبن یوسف‌بنای صوفی معرفی‌کرده ولی در محاوره عوام و بعضی نوشته‌ها او را نواده شیخ یوسف‌بنای صوفی معرفی کرده‌اند و در نظام‌الاقوال هم بجای‌شیخ محمد احمد نوشته شده است درصورتیکه احمد دائی پدر ابونعیم بوده‌استوبظاهرمنافات دارد ولی ممکن است گفت همانطورکه شیخ محمد صوفی‌بناءِ مشهور بوده پـدرش شیخ یوسف‌بناءِ نیز معروف بوده و شاید درهمانجا که شیخ محمد مدفون شده شیخ یوسف هم مدفون بوده است و از اینرو به‌مدفن شیخ یوسف و محله شیخ یـوسف شهرت یافته است و اما اینکه اورا نواده احمدبن یوسف‌بنای صوفی‌در نظام‌الاقوال گفته دو راه ممکن است داشته باشد یکی آنکه درنوشتن محمد تصحیف و احمد خوانده شده باشد و دیگر اینکه چـون شیخ یـوسف دو پسر دیگـر هم داشته

۱ــ روضات الجنات ص ۷۴ .

یکی بنام احمد و دیگری یعقوب[1] در انتساب ابونعیم باو اشتباه شده باشد. در هرحال ابونعیم برای یوسف ثقفی مقامی قائل نشده و محمدبن یوسف ثقفی را (بناء وصوفی) خوانده است.

ب - مدارسی که پس از اسلام احداث و اکنون فقط نامی از آنها مانده است:

۱ـ مدرسه دده‌خاتون واقع در محله چرخاب و چهارسو نقاشی در شهر اصفهان. این مدرسه در زمان صفویه بوسیله دده خاتون که یکی از بانوان حرم بوده احداث و در اثر مرور زمان بویرانی انجامیده و در اوایل قرن چهاردهم برحسب اجازه علماء وقت مصالح آن بمصرف ساختمان مساجد رسیده است و اکنون محل آن جزء اراضی بایر ودرکنارخیابان ثریا میباشد[2].

۲ـ مدرسه آقا مبارك :

این مدرسه را آقامبارك که از خواجگان شاه سلیمان صفوی بوده در شهر اصفهان ساخته وتاریخ بناء معلوم نیست. درسال[3] (۱۱۰۵ه. ق) دائربوده وگویا یکی ازمدارس هفتگانه است که بویرانی کشیده وفعلا اثری ازآن نیست. حاجی محمدبن محمدعلی اردبیلی مؤلف جامع‌الروات درسال(۱۱۰۰ه. ق) درآن مدرسه مقیم بوده است[4] واین مدرسه را مبارکیه هم خوانده‌اند.

۳ـ مدرسه اسفندیار بیك:

این مدرسه از بناهای اسفندیاربیك از امرای شاه‌عباس اول بوده است و اکنون محل آن زمین بایری است که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی در خیابان ثریا واقع است.

۴ـ مدرسه آقاکمال خازن :

این مدرسه درمحله مستهلك اصفهان واقع و بانی آن آقاکمال خازن شاه‌سلطان حسین صفوی بوده است. کتیبه سردرآن حاکی است که بنای مدرسه درسال(۱۱۰۷ه.ق)

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۳۵۲ .
۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۸۷ .
۳- فهرست مشکوة ج۱ ص ۴۵۵ .
۴- فهرست آستان قدس ج۶ ص۵۹۸ .

خاتمه یافته ولی بمرورزمان خراب و آثار آن ازبین [1] رفته است وکتیبه سردرآن که درمسجد رحیم‌خان نگهداری میشود چنین‌است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ من‌فضل‌الله سبحانه ومیامن دولة‌السلطان‌الاعظم و برکات» «خدمة‌الخاقان‌الافخم، ظل‌الله فی‌العالم، سیدالسلاطین، قهرمان‌الماء والطین ، السلطان‌بن » «السلطان، ابوالمظفر شاه‌سلطان‌حسین‌الصفوی‌الموسوی‌الحسینی‌بهادر خان لازال‌با به‌مرجعاً» «لاعاظم‌السلاطین وفق‌لبناء هذه‌المدرسة خادمه‌الخازن الخزانة عطیاته‌الممتاز بالقرب الی» «حریم سرادقاته، آقاکمال، جعل‌الله سعیه‌مشکوراً واتفق اتمامها فی۱۱۰۸کتبه عبدالرحیم» «عمل محمد طاهر ». (۲)

ازکتیبه مزبور معلوم میگرددکه بانی آقاکمال خازن و تاریخ اتمام بنا در (۱۱۰۸ هـ . ق) ودرعصر شاه سلطان‌حسین بوده است. این مدرسه هم یکی از هفت مدرسه ویران شده میباشد.

۵ـ مدرسه زینب‌بیگم:

این مدرسه‌که بانی‌آن یکی از بانوان حرمسرای صفویه بوده در مجاورت محله چرخاب و چهارسونقاشی واقع بوده است و در اثر مرور زمان روبویرانی نهاده و سرانجام‌در اوایل قرن حاضر برحسب تجویز علمای دین مصالح ساختمانی آن در ساختن مسجد رحیم‌خان وشبستان مسجد نو بکاررفته‌است.

۶ـ مدرسه پریخان‌خانم :

این مدرسه هم مانند مدرسه پیش‌از بناهای پریخان خانم از بانوان صفویه بوده‌که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی واقع بوده است وپس‌ازخرابی مصالحش درساختمان مساجد رحیم‌خان و مسجد نو بکاررفته است.

۷ـ مدرسه حاج‌آقاکافور:

این مدرسه نیز یکی ازهفت مدرسه مخروبه است‌که ساختمان آن بوسیله حاج‌آقا کافور خزانه‌دار حرم شاه عباس ثانی درسال یکهزاروشصت‌ونه (۱۰۶۹هـ.ق)

۱ــ مصالح‌آن در ساختن مسجد نو بکار رفته است. گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان‌صفحه۸۰۴.
۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۸۰۳.

انجام شده است. آنچه معلوم است محل این مدرسه در مجاورت بازار توپچی باشی وبازار محمد امین بوده است.

حاج آقا کافور از خواجه‌های حرم و مردی فحاش و تندخو بوده که هنگام مسافرت شاردن باصفهان با یکدیگر مواجه شده‌اند.

این مدرسه بتدریج روبویرانی گذارده وازبین رفته‌است. گویامصالح ساختمانی این مدرسه هم درساختمان مساجد جدید بکاررفته است.

طبق کتیبه‌ای از مدرسهٔ مزبورکه درمسجد خان واقع درمحله‌دارالبطیخ (به احمدآباد معروف است) نگهداری میشود معلوم میگردد که ازآن مدرسه جز همان‌کتیبه اثری باقی نمانده است وآن‌کتیبه چنین است :

«درزمان دولت نواب کامیاب سپهرکاب اشرف اقدس ارفع همایون شاهی» «مروج مذهب بحق حضرات ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین، السلطان‌بن» «السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان‌بن‌الخاقان‌السلطان‌شاه‌عباس الثانی‌الصفوی» «الموسوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه‌وافاض علی‌العالمین بره و احسانه، «کمترین این آستان حاجی‌کافور صاحبجمع خزاین عامره‌خالصاً‌لله و مخلصاً لوجهه «بنای این مدرسه عالیه‌کرد و وقف برطلبه علوم دینیه اثناعشریه نمود که طلبه» «علوم دینیه اثناعشریه درمحل مزبور سکنی‌نموده بافاده و استفاده علوم دینیه و» «معارف یقینیه مشغول شوند، باشد که ثواب‌آن بروح پر فتوح حضرات ائمه» «معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین و بروزگار فرخنده‌آثارصاحبقران عایدگردد» «بحق‌النبی وآله فی‌شهر ربیع‌الثانی سنة تسع و ستین والف کتبه محمد رضا» «الامامی[1]»

۸ـ مدرسه مریم‌بیگم :

این مدرسه در نزدیکی محله خاجوی اصفهان و در مجاورت چهارسو نقاشی واقع بوده وتا چندسال‌قبل بطور نیمه‌خراب وجودداشت ولی بصورت مدرسه نبود.

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۶۰۵

در این اواخر درمحل آن دبستانی ساخته‌اند وازبنای مدرسه قدیم اثری‌جزدولوح سنگی مرمری‌که متمم وقفنامهٔ مدرسه میباشد باقی نمانده‌است.

کتیبه سردر مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین ثبت شده بوده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم- لقدوقفت هذه‌المدرسة‌المباركة‌النواب العلية‌العالية‌الموفقة»
«لافعال‌الخير ابنة‌السلطان‌الاعظم السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان شاه صفی‌الصفوی»
«الموسوی الحسینی‌قدس‌الله مرقده اعنی ملكة‌الافاق علی‌الاطلاق‌سمية من‌افصح عن‌وصفها»
«الذكر‌المبين بكريمة يامريم ان‌الله اصطفيك وطهرك علی نساء‌العالمين مريم‌بيگم لازالت»
«موفقة لخير‌الدنيا والاخرة بحق محمد وعترته الطاهرة علينقی‌الامامی ۱۱۱۵.»

و قسمتی از وقفنامه مدرسه چنین است:

«... علوم‌دینیه بشروطی‌چندکه دروقفنامچه بتفصیل مذکور و مسطور است»
«وازجمله‌آن شروط اینستکه بایدسکنه‌مدرسه‌مذکوره‌مشغول تحصیل‌علوم دینی»
«که‌فقه و حدیث و تفسیر ومقدمات آنهاست وصالح و متقی و پرهیزگار واز اهل»
«قناعت باشند و از زمره ارباب بطالت و کسالت و شرارت نبوده حجره خود را»
«معطل و مقفل‌نگذارند بلکه شب و روز درحجره خود بمباحثه و مطالعه‌وعبادت»
«مشغول باشند و اگر یك سال براحدی بگذردکه ترقی در حال او بحسب علم و»
«عمل نشده باشد یامظنون مدرس‌شودکه قابل ترقی نیست از مدرسه اخراج‌نماید»
«و جماعتی‌که درعرض یکسال بحسب علم وعمل ترقی‌کنند یامظنون شودقابلیت»
«و ترقی ایشان بایدکه زیاده ازپنج سال درآن مدرسه ساکن نشوند، اگر احیاناً»
«حرکت بعضی اشخاص بعداز مدت پنج‌سال‌متعذر یا متعسر باشد یاآنکه درعوض»
«ایشان جمعی متصف بمقامات مذکوره حاضر نباشدبایدکه تا برطرف شدن عذر»
«در مدرسه باشند و نهایتش تا هفت‌سال امابعداز هفت سال البته بایدکه بدررونده»
«و بر مدرس آنکه سعی بلیغ کند که جمعی دیگر متصف بصفات مذکور باشند»
«تحصیل نموده بجای ایشان ساکن سازد و حجره‌هارا خالی‌ومعطل‌نکند، وهرکه»

«بعداز هفت سال یك روز بماند غاصب باشد و بغضب خدا و رسول خدا گرفتار »
«شود و بایدکه کتابهای علوم وهمیة یعنی علوم شکوك و شبهات‌که بعلوم عقلیه و»
«حکمت مشهور و معروف است مثل : شفاء و اشارات وحکمةالعین و شرح‌هدایة»
« و امثال ذلك بشبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند و وجه معاش خواه »
« وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیرآنها از هیچ ممری نداشته‌باشند، و بایدکه‌مدرس»
درتمشیت واجراء امور مزبوره اهتمام...[۱].

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مریم بیگم:

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مشتمل براشعاری‌بوده‌که بخط نستعلیق‌سفید بر کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین نوشته شده بوده :

« . . . [۲] والانژاد گوهر بحرین ملك‌و دین »
«نیکو نتیجهٔ شه رضوان مکان صفی مریم‌بیگم که باد بعمر ابد قرین»
«تا ساخته‌است بهر خدا این بنای‌خیر دارالعبارخانه نقد علوم دین»
« ارباب فضل را که تمامی شکفته‌اند چون‌گل‌شده‌است‌غنچه‌گشای‌دل‌حزین»
«بحری است این‌مدینهٔ علم‌ازبرای‌آن هر حجره‌اش بود صدف گوهر یقین»
« درگلشن زمانه چو نرگس علم شود گل کرد هر که . . . [۳] گل زمین »
«چون‌گردغم...[۴] ز دل او غبار جهل منزل گزید هرکه دراین‌مسکن‌گزین»
« از جان‌ودل صحیفه نگاردعای‌اوست هرکس دراین مکان مشرف‌شودمکین»
«کردم چو نقشبندی تاریخ این بنا دل گفت ... [۵] این علوم دین [۶] »

۱- آغاز وقفنامه و پایان افتادگی داشته‌است. گنجینه‌آثار تاریخی ص ۶۶۳ بنقل‌از روزنامه سرنوشت . ۲ - افتادگی در اصل داشته است . ۳ - در اصل ریخته شده بود .
۴- شاید دراصل زدود باشد. ۵- دراصل ریخته شده‌بوده است. ۵ -گنجینهٔ‌آثار تاریخی اصفهان ص۶۶۵ بنقل از روزنامه سرنوشت .

آنچه بردولوح سنگی که موجوداست نوشته شده :

در طرف راست وچپ ایوان شرقی مدرسه مریم‌بیگم در دولوح مرمرین که روز بنا نصب شده بوده چنین نوشته شده بوده :

درلوح اول :

«هوالمعزجلت عظمته. ازجمله شروط سکنای مدرسهٔ مزبوره آنستکه‌باید» «زوجه یا خانه یا پدر یا صاحب‌خانه یا مادر صاحب‌خانه درچهار فرسخی‌شهر یا » «زیاده بر چهارفرسخی داشته باشد بایدکه ماهی زیاده بردوشب در آنجا نماند » «میخواهدکه دوشب را پی‌درپی بماند میخواهد متفرق و هرگاه میسر و مقدورش» «نشودکه بشرایط مذکوره عمل‌نماید بایدکه دراین مدرسه سکنی ننماید و تظلم » «نکندکه مرا منع‌میکنند از رفتن بخانه خود یا بخانه پدر یامادر یا زوجه‌خود» «چه‌کسی مانع ازرفتن‌نشده بلکه‌منع کردیم اورااز‌ساکن‌شدن‌درمکانهای‌غیر‌بناحق» «چه‌این مدرسه محل‌ومکان اونیست بلکه محل‌ومکان سکنی‌آن جماعتی‌که وفا «کردن بجمیع شرایط مذکوره میسر و مقدور ایشان باشد وهیچ دقیقه از دقایق» «شرایط از ایشان تخلف نکند وتظلم‌کردن این قسم شخص مانند تظلم‌کسی‌باشد» «که بگوید نمیگذارندکه خانه مردم را غصب‌کنم وساکن شوم درآن، پس‌این‌قسم» «شخص خودش ظالم خواهدبودبصورت‌مظلوم‌که میخواهدکه حق‌ومال‌ومحل‌سکنی» « و مأوای موقوف علیهم را بناحق غصب‌کند و ساکن شود و تظلم هم میکند » « سنه ۱۱۱۶ . »

درلوح دوم :

«چون شرایط وقفیه‌که درکتیبهٔ مدرسه مرقوم‌گشته‌دوعبارت اجمال دارد» «لهذا توضیح آن دوعبارت را لازم دانستیم‌که دراجمال‌آنها شبهه نکنندواول‌آنکه» «نوشته شده‌که تا هفت‌سال بیشتر سکنا در مدرسه نکنندوبعداز هفت سال البته» «بایدکه بدررونـد تفصیل‌آن اجمال‌آنکه بعداز هفت‌سال هرگاه تا شش‌ماه یا کمتر» « از مدرسه غیبت اختیار نمایند وبعداز غیبت معاودت بمدرسه نمایند بر ایشان »

«حرجی نیست و توقف ایشان مجدداً تاهفت سال درمدرسه مزبوره مجوز خواهد بود»
«دویم آنکه نوشته شده که وجه معاشی خواه وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیر آنها از»
«هیچ ممری نداشته باشند مفصل آن مجمل آنکه وظیفه ومواجب ومدد معاش مستمری»
«از جائی دیگر نداشته باشند واگر مردم از موهبت و عطایا گاهی رعایتی بطلبه»
«مدرسه مزبوره نمایند دراخذ این وجوه مؤاخذ نخواهند بود فی تاریخ شهر شعبان»
«سنه ۱۱۱۶ و همچنین اگر کسی راازطلبه مدرسه مزبوره قدر قلیلی وظیفه باشد»
«که باخراجات اوکفاف نباشد و با وجود آن وجه وظیفه درمرتبه استحقاق باقی»
«باشد توقف آن کس درمدرسه مجوز است وبراو حرجی نیست. علی نقی الامامی».

در تاریخ حاضر کتیبهٔ سر درمدرسه درموزه ایران باستان نگهداری میشود و دیگر آثاری از مدرسه مریم بیگم وجود ندارد.[۱]

۹ـ مدرسه افتخار الملك :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف بناء واقع وبانی آن خانمی بنام افتخار الملك بوده است .

۱۰ـ مدرسه افندی :

مدرسه‌ای بوده که میرزا عبدالله افندی جیرانی اصفهانی متوفی ایام فتنهٔ افغان آنرا در نزدیکی منزلش در اصفهان بناکرده بود واکنون از آن اثری نیست[۲]

۱۱ـ مدرسه ایلچی :

این مدرسه درمحله احمدآباد اصفهان واقع بوده وکتابخانه‌ای داشته که آن کتابخانه تاسال یکهزار و سیصدوسی وهشت دائر بوده است[۳]

۱۲ـ مدرسه شیخ یوسف :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف بناجزء محله خاجو واقع بوده است[۴]

۱ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۹. ۲ـ تاریخ حزین ص۶۳.
۳ـ تاریخ کتابخانه در ایران ۴ـ تاریخچه محله خواجو ص۳۰

۱۳ ـ مدرسه شاه‌حسن :

این مدرسه در دروازه حسن آباد اصفهان ومجاور قصرشاه حسن واقع بوده و مخروبه شده است واکنون دبیرستان صارمیه جای‌آن مدرسه میباشد.[۱]

۱۴ـ مدرسه سیدرکن‌الدین یزدی :

این مدرسه درقرن هفتم هجری بهمت سیدرکن‌الدین محمد یزدی در بازار خواجه محمود در اصفهان ساخته شده و مشتمل بـردارالحـدیث و دارالکتب و دارالادویه بوده است ولی دیگر اثری ازآن نیست.

موقوفات این مدرسه بشرح زیر بوده:

الف ـ تمام بازار خواجه‌محمودکه دوطرف دارد وبجنب مدرسه است و هر طرفی مشتمل برچند دکان میباشد که درجلوآن درهمان محله واقع است.

ب و ج ـ حمام‌مردانه متصل باین‌بازار وحدود یکی ازدوطرف بازار وحمام منتهی ببازار خواجه‌محمود و کارگاه فخاری وکوچه مشهور به ابوسعید قصاب و باغچه و خانه ورثه سعد پور داود و مستراحها و سقاخانه‌های مسجد امام محمود شفروه میگردد و حدود طرف دیگربخانه و خزانه سپهسالار فخرالدین مبارز از محله دارالحدیث و ممرومدخل منتهی میشود.

د ـ دکانهای سه‌گانه متصل بهم نوساز واقع درهمان محله و همان موضع و حدودش منتهی براه مسجد منسوب به محمد بن سعید صباغ و به مسجد و بـازار خواجه‌محمود وشارع عام و ممر است .

هـ ـ تمام سرای‌نو دوسقف‌که آنرا خود سیدرکن‌الدین محمدبن قوام‌الدین محمدبن نظام حسینی یزدی قاضی‌القضات قرون۷و۸ ساخته ودربازارآرتش‌اصفهان واقع و حدودش بدودکان که ذکرش خواهدشد وجزء رقبات وقف است ونیز بمسجد مشهوربه انماطی و بازار امیر سعید بابلاق ومسجد سدید ودکان طباخی و مسجدی که در آن ببازار است وبشارع عام وممر ومدخل منتهی میگردد.

۱ـ تاریخچه محله‌خواجو ص ۱۳ .

و ـ دکان طباخی که سه‌طبقه ومتصل به‌کاروانسرای محله وبازار مسگر است که به کاروانسرای نواز طرفین منتهی میگردد و نیز دکان بقالی وشارع عام وممر و مدخل .

ز ـ دو دکان متصل به کاروانسرای جدیدکه یکی‌ازآن دو بقالی و دیگری نانوائی است درهمان محله و بازارکه حدشان‌بهمان‌دکان‌وقف وسقاخانه‌وکاروانسری مذکور منتهی میگردد .

ح ـ دو باب دکان دوسقف حلوائی دربازار عسکر مقابل‌دکان بقالی‌ونانوائی که حدودشان منتهی میشود به دکان موقوفه حرمین شریفین وکاروانسرای امیر- بقمور از دوضلع و شارع عام و ممرومدخل باسابرحدود وحقوق همگی.

ط ـ تمام قصرمورخ واقع دربازار عسکرکه مستغنی‌ازتحدید وتوصیف‌است. و شرط‌کرده است که دارالحدیث و خانه‌هائی‌که در آن مسکن و منزل میگیرند ده نفر از فقهای از اصحاب حدیث منزل نمایند وسالیانه بهرکدام مبلغ ۶۸۰ $\frac{۱}{۳}$ دینار از پول رایج که هرروزی ۱ $\frac{۲}{۳}$ دینار باشد داده شود. و برای تدریس وتعلیم طلبه علم و فقه مدرس عالم متبحر متفنن و مجتهد ذوفنون درعلم حدیث گمارده شودکه هرروز بعداز نماز صبح بعدازختم قرآن وخطبه و دعاءِ واقف بالقای درس بپردازد. وهرسال مبلغ ۱۸۲ یانصف دینار در روز از پول رایج باو داده شود. ودر آن مدرسه معیدی [۱] منصوب شود عالم و دانشمندکه درس استاد را تکرار کند و سالی مبلغ ۹۱ $\frac{۱}{۴}$ یعنی هرروز $\frac{۱}{۴}$ دینار باو پرداخت‌گردد. ونیزامامی‌درآنجا نصب شودکه عالم بارکان نماز و شروطش باشد ومواظب براقامه جماعت درصلوات‌خمس باشد و در هرسال باو ۶۰ $\frac{۳}{۴}$ دینار یعنی روزی $\frac{۱}{۶}$ دینار باو پرداخت شود ، و نیز مؤذنی پرهیزگار و متدین نصب شود. ونیز چهارنفر نصب شوندکه پرهیزگار و متدین و حافظ قرآن و دائماً تلاوت قرآن کنند ، بخصوص در ایام ولیالی متبرکه و در هرشب جمعه سور خمس مدعوبه پنج الحمد راقرائت‌کنند وبه‌آنان

۱ـ معیدکسی راگویندکه درس استاد را یاکلمات نماز امام جماعت را تکرارکند.

هریك سالی ۱۸۲ ½ از پول رایج بدهند که روزی نصف دینار باشد، وبمؤذن ۶۰ دینار و نصف و ½ دینارکه روزی ⅙ باشد داده‌شود. و یك نفرمرتب برای نقابت‌جماعت بطوریکه مرسوم است منصوب شود. وهرسال مبلغ ۶۰ دینار نصف و ⅓ دینار که روزی ⅙ دینار باشد پرداخت شود. وکسی‌را منصوب‌کنندکه فراش و دربان باشد و مدرسه را نظارت‌کند وهرسال ⅔ ۶۰ دینار یعنی روزی ⅙ دینار باو داده شود و هر روزی ⅔ دینار خرج عمارت موقوفات شودکه استنماء آن ممکن باشد، و عمارت دارالحدیث و بیت ادویه و توابع آن و پول فرش مناسب آن و باید متولی این مقدار را روزبروز جمع کند، متولی هرسالی مبلغ ⅔ ۶۰ دینار را در مصالح خودش خرج‌کند، ونیز متولی سالی ⅙ ۳۴ دینار یعنی روزی ۱/۱۲ دینار به‌مشرف و ناظر مدرسه میدهد و در هرسال برای پول خوراك و خورش و سفره برای قرای سور خمس هرکدام ۳ ½ دینار فضی رایج بدهد. و درهرشب‌رغائب[1] ۳ ½ دینار رایج صرف‌کند ، و در روز عیدین و مولد نبی صلی‌الله‌علیه واله وسلم ۳۰ دینار یعنی روزی ده(۱۰) دینار خرج‌کند، و درشب نصف شعبان ۶ ½ برای وجه‌مأکول بدهد، ودرشبهای رمضان شبی ده دینار برای پول خرما بدهدکه روزه‌داران افطار کنند، و برای خرج سفره عبورکنندگان و مسافران سالی ⅔ ۶۰دینار بدهدوبرای مصالح بیت‌الادویه از اشربه و ادویه مفرده و مرکبه سالی ۲۴۳ دینارکه هرروزی ½ دینار باشد بپردازد، و برای تکفین مردگان وتجهیزشان هرسال ۱/۳ ۱۲ دینار خرج‌کند، و آنچه زایدآمد خرج عمارت مدرسه شود اگرمنهدم شود و اعاده آن ممکن باشد ازمحل محصولات موقوفات دریك سال یاچندسال واگر ممکن نشد صرف فقراء و مساکین‌گردد.[2]

۱۵- مدرسه جامع تاج الملك:

این مدرسه را ابونصرتاج‌الملك‌ابن بهرام هنگامیکه وزیرشمس‌الدوله بود

۱ــ شب جمعه اول‌ماه رجب را رغیبه‌گویند وجمع آن رغائب است مجمع‌البحرین .

۲ــ فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل از وقفنامه سیدرکن‌الدین محمد یزدی .

در اصفهان بناکرد و درآن علوم شرعی وسایر علوم تدریس میگردید.[۱]

۱۶ـ مدرسه جعفریه :

این مدرسه دراصفهان درقرن یازدهم دائر بوده است[۲] مدرسه مزبور بزرگ ودارای حجرات وکاشیکاریهای شگرف بوده و درجنب بقعه جعفریه بود ولی در قرناخیر مجاوران آن مدرسه را بعنوانخانه تصاحب کردند[۳]

۱۷ـ مدرسه حاجی باقر:

این مدرسه را حاجی محمدباقر مه‌آبادی در اصفهان ساخته و درسال (۱۰۷۶هـ . ق) دائر بوده است[۴]

۱۸ـ مدرسه خواجه ملك مستوفی:

این مدرسه را خواجه ملك مستوفی درمقابل باغ نقشجهان پهلوی میدان نقشجهان و میدان شاه‌کنونی‌بناء کرده است و در دوران صفویه دائر و عده‌ای از علمای بزرگ مانندآقاحسین خوانساری درآنجا تحصیل کرده‌اند ولی‌فعلا اثری‌از آن باقی نیست. این مدرسه را مدرسه شیخ‌لطف‌الله هم میگفته‌اند چون‌شیخ‌لطف‌الله چندی مدرس آنجا بوده است[۵]. و احتمال هم میرود که مدرسه مزبور با مدرسه عربان یکی باشد .

۱۹ـ مدرسه خواجه‌نظام‌الملك :

این‌مدرسه‌که بنظامیه اصفهان‌هم معروف‌بوده بهمت خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی احداث و تا قرن هشتم درمحله در دشت باقی و موقوفات آن‌که درآمد سالیانه‌اش بالغ برده‌هزاردینارمیشده مستأکله بوده است[۶] از مدرسان‌بزرگ‌این‌نظامیه قاضی ارجانی ازاحفاد جابر انصاری بوده است .[۷]

۱ـ هزاره ابوعلی‌سینا . ۲ـ فهرست مدرسه سپهسالار ج۲ ص۴۲۱.
۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰ . ۴ـ فهرست استان قدس ج۶ ص۶۱۲.
۵ـ زندگانی شاه‌عباس‌اول ج۱ ص۲۸۹. ۶ـ ترجمه محاسن اصفهان
۷ـ ازاشعارعربی اواست : ادب‌المرء ظاهره جمیل ــ وباطنه لطاهرة سلیم ــ مودته‌تدوم لکل هول ـ وهل‌کل مودته تدوم ـ تاریخ اصفهان وری ص۲۱۶.

۲۰ـ مدرسه سارو تقی:

این مدرسه را سارو تقی بنا و درمحله باغات اصفهان واقع بوده است وپس از ویرانی مدرسه حاج‌شیخ محمدعلی بجای آن ساخته شده است[۱]

۲۱ـ مدرسه سلطان‌محمد سلجوقی :

این مدرسه‌که از مستحدثات سلطان‌محمدسلجوقی دراصفهان بوده اکنون اثری از آن دیده نمیشودو بعضی گفته‌انداحتمال دارد مدرسه حاج‌حسن‌باشدکه‌متصل بمسجدعلی واقع درهارون ولایت میباشد[۲].

۲۲ـ مدرسه سن‌پیروسن‌پل :

مدرسه‌ای بودکه شاه‌عباس اول اجازه داده بود کشیشان کرملیت دراصفهان تأسیس کنندتاکودکان اتباع و میهمانان عیسوی‌زبان‌اروپائی درآن تحصیل‌کنند[۳].

۲۳ـ مدرسه شاهزاده‌ها :

این مدرسه را شهربانوخانم دخترشاه‌سلطان‌حسین صفوی در نزدیك مسجد حکیم اصفهان درانتهای بازار رنگرزان درزمینی بمساحت یك‌جریب ویك‌قفیز دو طبقه ساختمان‌کرد وحمام شاهزاده‌ها را موقوفه‌آن قرار داد و طلبه‌نشین بود[۴]. از مدرسان معروف‌آن مدرسه ملاعبدالجواد حکیم بوده است. این مدرسه خراب و تبدیل بدبستان‌گردیده است[۵]

۲۴ـ مدرسه‌شفیعیه : [۶]

این مدرسه درسال (۱۰۹۹ه.ق) بهمت محمد شفیع میرزا حسینی در محله احمدآباد اصفهان درعهد سلطنت شاه‌سلیمان صفوی ساخته شده است.

تاریخ آغاز و اتمام ساختمان‌را چنین سروده‌اند:

خرد سال آغاز و انجام را — در فیض گفت مقام افاضل

۱۰۹۴ — ۱۰۹۹

۱ـ تاریخچه‌محله خواجو ص۲۹ وتذکره‌نصرآبادی ص۲۴۷. ۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۷۹. ۳ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۳ ص۷۰ ۴ـ نگارنده‌آنرا دیده بودم مدرسه‌ای معمور بود. ۵و۶ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۰۶و۳۰۸

واز ماده تاریخ مزبور معلوم میشودکه آغاز بنا در۱۰۹۴ و ختم آن در۱۰۹۹ بوده است. مساحت این مدرسه حدود یك‌جریب و متصل بخانه‌های خود بانی‌بوده که مجموع آنها درحدود دوازده جریب وهنوز نژادش‌که معروف به نوابان‌حسینی و اولاد دختری‌صفویه‌اند درخانه‌ها سکونت دارند ولی مدرسه خراب و از صورت نخست خارج‌گردیده است. دارای سردری‌باکاشیهای معرق‌بوده‌که از بین‌رفته‌است.

۲۵ ـ مدرسه شیخ‌الاسلام :

مدرسه‌ای بوده درشهر اصفهان‌که آخوندملامحمدباقرسبزواری در آن‌تحصیل میکرده است [۱]

۲۶ ـ مدرسه‌شیخ‌لطف‌الله :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع و درسال (۱۰۱۵ه . ق) دائر و طلبه نشین بوده أست [۲] و احتمال دارد این‌مدرسه با مدرسه خواجه‌ملك مستوفی‌که در جنب مسجد شیخ لطف‌الله واقع بوده یکی باشد چه شیخ لطف‌الله مدرس این مدرسه نیز بوده است .

۲۷ ـ مدرسه نقاشان :

این مدرسه در تختگاه هارون ولایت‌شهر اصفهان‌واقع‌بوده و درویش‌یوسف کشمیری[۳] مدتی درآن سکونت داشته است[۴]

۲۸ ـ مدرسه نجفقلی‌بیك :

این مدرسه دراصفهان واقع و از بناهای نجفقلی‌بیك ناظر شاه‌سلطان حسین صفوی است ودر (۱۱۰۴ه . ق) ساختمان آن بپایان رسیده است[۵]

۱ـ تذکره نصرآبادی ۲ـ تاریخ خط و خطاطان ج۱ ص۲۰۸

۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۴ ۴ـ ازکشمیر باصفهان‌آمده‌متاهل‌شد ودرمدرسه نقاشان سکونت و از فنون علم بهره داشت . او راست :

ای آنکه ترا دیدن رویش هوس است — تالان دلت ازبهر رخش چون جرس است

زنهار مکن تکیه بلطفش زنهار — همراهی شعله آفت خار و خس است

تذکره نصرآبادی ص۲۰۴ .

۵ـ فهرست‌آستان قدس‌ج۵ ص۵۹

۲۹ ـ مدرسه میرزا رضی :

این مدرسه از بناهای میرزا رضی صدر اصفهانی است که در عهد صفویه صدارت داشته ودرشهر اصفهان واقع بوده است[۱]

۳۰ ـ مدرسه میرزا تقی :

این مدرسه درمحله جماله‌کله اصفهان بهمت میرزاتقی[۲] بن محمدباقر دولت‌آبادی درزمان‌شاه‌عباس ثانی درسال(۱۰۷۱ه.ق)ساخته‌شده‌وچنانچه‌سیدنعمت‌الله جزائری درشرح‌حال خود نوشته این مدرسه را میرزاتقی برای سکونت‌اوساخته‌و چندسال جزائری درآن مدرسه ساکن و بتحصیل اشتغال و ازمدارس نامی‌آن‌زمان بشمار میرفته است .

در زمان حال مدرسه مزبور درتصرف ابوالحسن‌بیك نامی‌است واحتمال‌داده شده‌که در اوائل قرن چهاردهم هجری بتصرف اشخاص درآمده‌است.

از این مدرسه درتاریخ حاضر اثری ازصورت‌مدرسه نیست و خانه است‌ولی درموقعیکه دائر بوده کتیبه سردرآن چنین خوانده شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ــ قدوفق ببنآء هذه‌المدرسة فی‌زمن دولة‌السلطان‌الاعظم »
«والخاقان‌الاکرم، مولی ملوك‌العرب والعجم ، قهرمان‌الماء والطین ، مروج مذهب الائمة »
«المعصومین علیهم‌السلام ،السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان‌بن‌الخاقان(۳)...
«ابن مرحوم محمدباقر دولت‌آبادی کتبه محمدرضاالامامی الاصفهانی.»

«این بنا را سه نام نامی آن — که فرح‌بخش شاب و هم شیخ است»
«اولین : مدرسه دویم : طیبه — سیمین : خالصیه تاریخ است»
۳۰۹ ۲۶ ۷۲۶

ومعلوم میگرددکه نام‌مدرسه : مدرسهٔ طیبه خالصیه است ودرسال یکهزارو هفتادویك بنای‌مدرسه پایان پذیرفته‌است .

بطوریکه نوشته‌اند این‌مدرسه رامدرسهٔ‌حوابیگم نیزخوانده‌اند واگر چنین شهرتی درست باشد بایدگفت‌که‌بعدازبنای‌نخست‌ازطرف حوابیگم‌که ازحرمسرایان

۱ــ گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۶۰۸ بنقل ازروزنامه سرنوشت سیدنعمت‌الله جزائری . ۲ــ انوارالنعمانیه ۳ــ تراشیده شده بوده‌که نام بانی معلوم نباشد .

بوده تعمیری بعمل آمده وباین نام هم خوانده شده‌است. این کتیبه را دانشمند متوفی سیدمحمد صدرهاشمی درروزنامه سرنوشت شماره ۲۱ و۲۲ سال اول آن روزنامه نوشته است.[۱]

۳۱ ـ مدرسه محرمیه :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع ودر بیست‌وششم جمادی‌الاولی‌سال(۱۱۰۸) محمدبن‌الغنی‌الجبلی درآن اقامت داشته است[۲]

۳۲ ـ مدرسه محمدصالح :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف جزء خاجوی اصفهان واقع بوده است[۳]

۳۳ ـ مدرسه‌مرتضویه :

این مدرسه در تاریخ سال یکهزار وصدویازده (۱۱۱۱ه.ق) در شهر اصفهان دائر بوده است[۴]

۳۴ ـ مدرسه‌کوچه کلباسی :

مدرسه‌ای بوده واقع درنزدیکی مسجد حکیم اصفهان که بوسیله حاجی قرچقای بیك در زمان شاه‌صفی در سال (۱۰۷۵ه.ق) بناگردیده و در اثرمرورزمان تبدیل بخانه شده والآن به‌کوچه‌کلباسی معروف است.

قطعه‌ای روی سنگ سقاخانه روبروی سردرشمال غربی مسجد حکیم نوشته شده‌که حکایت ازوجودچنین مدرسه وبانی‌آن وبانی سنگ‌آب‌آن میکند ولی چند جا افتادگی داشته و خوانده نشده است .

و قطعه چنین است :

«شاه جنت مقام شاه صفی — که روانش غریق رحمت باد»
«داشت یك بندهٔ رضایت بخش — پاك گوهر . . . . . »
«فرچقای بیك آنکه حضرت حق — از عنایت قبول حجش داد»

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۰۸

۲ــ۳ـ تاریخچه محله خواجو ص ۳۰

۴ ــ فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج۱۱ ص۲۳۱۲ .

«کرد عالی بنای مدرسه‌ای که ز فیضش ملك خبر میداد»
«خواجهٔ او که حاجی نصرت بود بعطاء شه کریم نژاد»
«سنگ آبی نمود وقف که هست کوثرسلسبیل . . . . . »
«این سعادت بخیر جاری یافت در زمان شهی بعدل و بداد»
«شاه عباس ثانی آن کوهست صدچوفیض وجود اوبو . . . »
«بهر تاریخ آن رسید : «ندا رحمت ایزدی براین کس باد»

درواقع ماده تاریخ (ندا رحمت ایزدی براین کس باد) است. وآن بحساب جمل مساوی است با (۱۰۷۵) که تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان نوشته است. این مدرسه دراثرمرور زمان ازبین‌رفته وچون مقبره مرحوم‌حاج‌محمد ابراهیم‌کلباسی متوفی (۱۲۶۱ه . ق) درمقابل در شرقی مسجد حکیم واقع شده‌محل مدرسه دربدو امر به مدرسه‌کلباسی وسپس بکوچه کلباسی اشتهار یافته است[۱] .

قطعه مزبور حکایت از بانی‌که حاج قرچقای بیك باشد وزمان سلطنت شاه عباس ثانی وبانی سنگ‌آب آن‌که حاجی‌نصرت باشد مینماید .

۳۵ ـ مدرسهٔ کلباسی[۲] :

این‌مدرسه درکوچه‌جنب‌مسجد حکیم دراصفهان واقع وبانی آن‌حجةالاسلام حاج محمدابراهیم‌کلباسی بوده ویکجریب وسعت‌داشته ودرسال۱۳۵۷ه.ق باهتمام

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۸۵

۲ـ حاج‌محمدابراهیم‌کلباسی فرزندمحمدحسن کاخکی‌است‌که پدرش ازهرات باصفهان‌آمده‌از معاریف فقهاء و مجتهدان وعلماءومحققان قرن‌سیزدهم بشمارمیرفته ودرزهدوتقوی‌ضرب‌المثل بوده است .

باحجةالاسلام رشتی معاشرت ومصاحبت داشته وهریك مورد احترام دیگری بوده‌اند. وی در روز نوزدهم ربیع الثانی سال(۱۱۸۰ه.ق) دراصفهان متولدگردیده ومقدمات‌علوم‌را در اصفهان تحصیل و سپس برای تکمیل بعتبات‌عالیات مسافرت‌کرده ودرآنجا از اعلام کرام چون وحید بهبهانی وآقاسید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفرنجفی وصاحب ریاض استفادتها برده وپس‌از مراجعت درقم از محضر میرزای قمی ودرکاشان از ملامهدی نراقی و باصفهان مراجعت وبتدریس پرداخته است وعده‌ای از بزرگان علماء ازمحضرش استفاده‌کرده‌اند. ودر جمادی‌الاولی (۱۲۶۱ ه . ق) وفات یافت(تذکرةالقبور یابزرگان ودانشمندان‌اصفهان‌ص۴۶)

نبیره‌های کلباسی[1] اکنول تبدیل بخانه شده است .

۳۶ـ مدرسه صفویه :

این مدرسه درشهر اصفهان پشت باغ شرکت هند وهلند درمحله بی‌نقابان[2] واقع بوده است .

محله بی‌نقابان از سه کوچه وهفت کاروانسرای بزرگ تشکیل میشده و آن کاروانسراها را کاروانسرای بی‌نقابان میخوانده‌اند وزنان روسبی که مالیات دیوانی برای کارشان میپرداخته‌اند درآن کاروانسراها اقامت داشتند. این مدرسه درزمان شاه‌عباس اول دائر وطلبه نشین بوده است[3]

۳۷ ـ مدرسه عمر بن عبدالعزیز :

این مدرسه را قطب‌الدین محمودشاه آل‌مظفر (۷۶۷ـ۷۷۸ه.ق) در محل مسجدجامع شهر اصفهان بناکرده است[4]. بنظر نگارنده مدرسه از بناهای عمربن عبدالعزیز بوده وبهمت قطب‌الدین محمود تعمیر شده‌است .

۳۸ـ مدرسه فاطمیه:

این مدرسه درسال (۱۰۶۷ه . ق) در شهر اصفهان دائر و طلبه نشین بوده است [5] .

۳۹ـ مدرسه فخریه :

مدرسه فخریه را فخرالملك بن خواجه نظام‌الملك طوسی درشهر اصفهان بناکرده وتاسال (۱۰۹۸ه.ق) طلبه نشین بوده است . [6]

۱ـ گمان میرود مدرسه کلباسی ومدرسه کوچه کلباسی و مدرسه قرچقای بیك هر سه یکی بوده است باین‌طورکه مدرسه قرچقای بیك بوسیله کلباسی تعمیر ویاچون درآن مدرسه درس میداده بنام او معروف شده ودرهرحال دیگر اثری از هیچکدام نیست (تاریخ اصفهان دری ص۴۱۶)

۲ـ چون زنانی که عفیف بوده‌اند حجاب ونقاب داشتند از اینرو زنان روسبی را بی‌نقابان میخواندند. نقاب پارچه‌ای بودمشبك که زنان برروی خود میانداختند. ۳ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۳ ص۵۶. ۴ـ راهنمای اصفهان عطارپور ص۴۸

۵ـ فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه‌تهران ج۱ ص ۴۲۱ ۶ـ فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج ۳ ص ۲۷۷

۴۰ـ مدرسه فرچقای بیك :

مدرسه‌ای بوده واقع در بازار رنگرزان اصفهان[۱] . و ظاهراً این مدرسه همان مدرسه معروف بمدرسه کلباسی و یاکوچه کلباسی است.

۴۱ ـ مدرسه شهشهان :

مدرسه‌ای بودکه شاه علاءالدین‌محمد مقتول در(۸۵۰ه . ق) هنگام بنای خانقاه وحسینیه درمحله شهشهان اصفهان‌که قبلا نام محله مزبور دربه بوده بنا نموده ولی بمرورزمان وپیش‌آمد حوادث اثری ازآن باقی‌نمانده‌است[۲]

۴۲ ـ مدرسه دردشت :

این مدرسه درمحله دردشت‌اصفهان ودردنباله آرامگاه سلطان‌بخت‌آغامقتول در(۷۶۹ ه. ق) واقع شده است وظاهراً آثار مدرسه درقرن سیزدهم باقی بوده ولی درقرن حاضر ازآن اثری نیست . بانی مدرسه‌هم معلوم‌نیست‌ممکن است‌ازبناهای خود سلطان‌بخت‌آغا باشد چنانکه سنك مزار خودرانیزدرزمان حیات آماده کرده بوده واحتمال‌هم دارد از بناهای سلطان‌محمود از آل‌مظفر باشد وچون امامزاده شوری هم در نزدیکی آن مدرسه بوده شاید این مدرسه همان مدرسه امامزاده شوری باشد[۳]

۴۳ ـ مدرسه کران :

مدرسه‌ای بوده‌که خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی درمحله‌کران اصفهان بناکرده بود، وچون خواجه درمذهب حنفی اصرار وتعصب داشت مقررکرده بودکه بربالای درب مدرسه نام شافعی‌را ننویسند، بلکه بنویسند: وقف علی‌اصحاب‌امامی‌الائمة صدری‌الاسلام . [۴] و ممکن است این مدرسه هم همان نظامیه اصفهان باشد .

۴۴ ـ مدرسه علمیه طاهریه :

این مدرسه درشهر اردستان درمحله فهره درجنب بقعه پیر مرتضی‌علی

---

(۱) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی‌اصفهان ص۱۸۵ . (۲-۳) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی اصفهان‌ص۱۵۸ .
(۴) تجارب السلف

اردستانی عارف مشهور قرن نهم هجری واقع وازبناهای میرزامحمد طاهراردستانی بوده است و برای تحصیل علوم دینیه ساخته شده و رقبات موقوفه‌ای برای آن معین کرده که بشرح زیراست :

یکم مزرعه چاهریسه در علیای اردستان - دوم - مزرعه خرونده در سفلای اردستان - سوم مزرعه ارسوره نزدیك شهر اردستان- چهارم یکطاق وربع محله کبودان- پنجم - زمین یکباب عصارخانه واقع درمحله بازاراردستان. این مدرسه درنیمه دوم قرن حاضر بوسیله اداره معارف وقت خراب وجزء دبیرستان آنجا گردید[۱].

۴۵ - مدرسه درویشان :

این مدرسه درمحله خاجو ومجاور قبرشاه حسن بوده‌است ولی دراین زمان اثری ازآن نیست[۲]

۴۶ - مدرسه مادرشاه :

این مدرسه ازمدارس بزرگ اصفهان وبوسیله مادرشاه احداث ودرحدود شاهزاده ابراهیم قرار داشته است [۳]

۴۷ - مدرسه الماسیه :

این مدرسه درچهارسو مقصود اصفهان واقع و دارای ششصد ذرع مساحت و دوطبقه بود ولی درسال هزاروسیصدوپنجاه‌وپنج قمری خراب گردید. وآجرهای آن بفروش رفت[۴]. این مدرسه ازآثار حاج‌الماس نامی از غلامان دربار صفوی بوده و وقفنامه‌ای از این مدرسه بتاریخ یکهزارویکصدوچهار هجری قمری هنوز باقی است .[۵]

۴۸ - مدرسه شهرستان :

این مدرسه درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع بوده است و بمرورزمان از

۱- آتشکده اردستان بخش۱ ص۳۵ ۲- تاریخچه محله خواجو بنقل ازسفرنامه شاردن ص۱۳ ۳- تاریخچه محله خواجو ص۳۱ ۴- تاریخ اصفهان وری ص۲۱۲ و ص ۳۰۴ ۵- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۳۶

میان رفته است .[1]

۴۹ ـ مدرسه خواجه محبت :

این مدرسه درقرن یازدهم درعصر شاه‌سلیمان صفوی دراصفهان دائر بوده و محمدداود تویسرکانی برادرزاده قاضی‌حسن‌تویسرکانی درآنجا تحصیل‌میکرده است و اکنون اثری ازآن مدرسه نیست و ممکن است جزءآن هفت‌مدرسه باشدکه در قرن چهاردهم مصالح ساختمانی مخروبه‌آنها صرف ساختن‌مساجدگردیده است[2]

۵۰ـ مدرسه خواجه‌صدرالدین علی‌طبیب :

خواجه‌صدرالدین‌علی‌طبیب‌که ازطرف‌سلطان‌محمدگورکان‌حاکم‌اصفهان‌بوده دراصفهان و نواحی سه‌مدرسه‌ساخت. یك مدرسه درحوالی‌مسجدجامع قدیم درجنب خانه‌میرزاهدایت‌الله طبیب‌که درزمان مؤلف تذکره نصرآبادی‌قرن یازدهم‌کتابه‌آن موجود بوده است و گویا میرزاصدرالدین جابری داخل کاروانسرای خود کرده بوده است و درهمان زمان حیات نصرآبادی دیگر اثری ازآن باقی نبوده‌است[3].

۵۱ـ مدرسه صدرالدین علی‌طبیب :

این‌مدرسه را صدرالدین علی‌طبیب اصفهانی‌حاکم‌اصفهان‌درمحله باباقاسم در کوچه‌میرزاشریف‌حکیم‌بناکردوچندی‌آن‌مدرسه مهمانخانه میرزایوسف‌نامی‌بود و سپس عده‌ای درویش درآن مسکن‌گزیدند ولی اکنون اثری از آن مدرسه وجود ندارد [4] .

ج ـ مساجدی‌که بعد از اسلام احداث و اثری ازآنها باقی نیست:

۱ ـ مسجدخرابه قدیمی که بجای‌آن مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تجدید بنا گردیده است [5].

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ ۲ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۱

۳ـ تذکره نصرآبادی ص۴۵۷ ۴ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۵۷ ۵ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۱۱۱ .

۲ ـ مسجد آقاسی .

این مسجد درمحله میدان کهنه اصفهان واقع وآثاری ازعهد پارسیان درآن دیده میشده و عوام آنرا نقاره‌خانه ملکشاه مینامیدند و درزیرزمین آن معبری بود وچاهی داشت که آنرا چاه‌دجال میخواندند ونیز کاشیهای گران بهائی داشت که نقوش ستاره‌های منطقة البروج وماه وخورشید برآن رسم شده بود وگمان میرفت که این محل در زمان پیش ازمسجدشدن میکده بوده است. کاشیهای دیگری هم داشت که صورت گاو وببر بران رسم بود ونشان میداد که درزمان دیالمه درآن تعمیری بعمل آمده است. این مسجد درسال (۱۳۰۷هـ.ش) در معرض خیابان قرار گرفت واکنون کاشیهای متفرقه‌ای بنام مسجد آقاسی در چهلستون اصفهان نصب است[۱]

۳ ـ مسجد انماطی :

این مسجد در اوائل قرن هشتم دائر بوده و محل آن بازار خواجه محمود در اصفهان بوده است [۲].

۴ـ مسجد امام محمود شفروه:[۳]

این مسجد نیز در اصفهان دربازار خواجه‌محمود واقع و درقرن هشتم دائر بوده است و ظاهراً امام را تب این مسجد امام محمود شفروه بوده است نه‌بانی آن و این امام محمود شفروه‌نیز از خاندان شفروه بوده است .

۵ـ مسجد سدید.

این مسجد دربازار امیرسعید بابلاق واقع ودرقرن هشتم دائر بوده‌است.

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۱ ۲ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

۳ـ کلمهٔ شفروه را تفسیرهای مختلفی کرده‌اند ولی آنچه معلوم است در اصفهان بیشتر مردم بخصوص طبقات ممتاز ، القابی داشته‌اند و درزمان اعراب و دوره خلفاکه عربیت غلبه داشته این‌القاب را معرب کرده‌اند مانند سه لبه که سلفه شده وهمین‌طور شب روه یعنی کسیکه شب راه میرود به شفروه معرب گردیده است و خانواده بزرگی بوده‌اند مانند سلیمان بن احمدبن جلال‌الدین محمدبن‌الشریف رکن‌الدین علی بن جلال‌الدین محمدبن هبةالله‌بن حمزة معروف به شفروه اصفهانی که بعداز(۹۵۳ هـ . ق) وفات‌یافته وازعلماء وبزرگان عصرخود بوده‌است .
←

۶ـ مسجد محمدبن‌سعید صباغ :

این مسجد در بازار خواجه‌محمود درشهر اصفهان دائر و بانی‌آن محمدبن سعید صباغ بوده است.

۷ـ مسجد بازارخواجه‌محمود :

این مسجد نیز دربازار خواجه محمود اصفهان واقع و درقرن هشتم دائر بوده است .

۸ـ مسجد روبروی بازارعسکر :

این مسجد نیز درمجاورت بازار عسکر اصفهان در قرن هشتم دائرومقابل و روبروی بازار عسکرواقع بوده است.

۹ـ مسجد بازارامیرسعید بابلاق :

این مسجدنیز در اصفهان در بازار امیرسعید بابلاق واقع و در قرن هشتم دائر بوده است .

۱۰ـ مسجد باذانه:

این مسجد درمحله باذانه یهودیه اصفهان واقع و بانی‌آن ولیدبن ثمامة امیر اصفهان بوده‌که در ۱۵۰ هجری بناکرده است [۱].

→

دیگری شرف‌الدین‌محمد یا عبدالمؤمن‌بن هبةالله یا فضل‌الله شفروه متوفی (۵۹۸ هـ. ق) که از طرف اتابك شیرگیر ملقب بهملك‌الشعرائی‌گردیده و دیگری ظهیرالدین عبدالله‌بن شفروه از شعراءکه برادر یا پسرعم شرف‌الدین‌محمداست و معاصربا اوبوده‌است بطوریکه‌مذکور گردید در این خانواده بزرگانی هم چون ابوالسعادات اسعدبن عبدالقاهربن اسعد معروف به شیخ‌ابوالسعادات اصفهانی‌که استاد سیدرضی‌الدین علی‌بن‌طاوس حلی وشیخ طوسی‌بوده و درسال (۶۳۵ هـ.ق) میزیسته است میباشند و اوراست تصنیفاتی چون : (رشح‌العرفاء فی شرح‌الدعاء و اکسیرالسعادتین و توصیف الوزراء و دعاء صنمی قریش و توجیه السؤالات فی‌حل‌الاشکالات ونیز جامع‌الدلائل و مجمع‌الفضایل. ومعلوم نیست‌که این‌لقب ازآن چه‌کسی ازآنان بوده است. واینکه صاحب مجمع‌الفصحاء شفروه را معرب پزوه دانسته وعده زیادی از او پیروی‌کرده‌اند مستندی‌ندارد. و امام محمود شفروه‌که مسجد مورد بحث منسوب باو است از همین خانواده بوده است .

۱ـ ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱ - ۱۹

۱۱- مسجد باباسوخته یامسجد سلطان ابوسعید بهادرخان:

این مسجد دراصفهان در انتهای محله جوباره واقع و با دومنارخود بمناره باغ قوشخانه‌که اکنون نیز وجود دارد متصل بوده است وبانی آن سلطان ابوسعید بهادرخان ودرقرن هشتم هجری ساخته شده است .

سیاحان اروپائی این مسجد را هنگامیکه قسمتی ازآن‌هم خراب شده بوده بیك قطعه جواهر حقیقی توصیف‌کرده‌اند و در آن موقع‌گنبد و تمام اطراف و مناره‌هایش ازکاشیهای‌گران‌بها ورنگارنگ مزین‌بوده است وگفته شده‌که‌آن‌کاشیها حاشیه‌ای داشته‌که خطوطش سفید و بر روی زمینه سبز نوشته شده بوده است.

مناره‌اش‌فوق‌العاده شیواوجالب وازتوده مارپیچهای سبزوسفید تشکیل‌میشده که درفواصل‌کاشیهای‌آبی بکاررفته بوده‌است . دراین زمان اثری ازآن‌مسجد و دو مناره‌اش نیست و فقط منارباغ[۱] قوشخانه درکنارمادی سودان دیده میشود[۲].

۱۲- مسجد کاروانسرای دومنار:

این مسجد درمحله دردشت‌اصفهان واقع و درجای کاروانسرای دومنار بوده که هنگام مبارزه شیخ‌ابواسحاق با مبارزالدین دراثر ضربه منجنیق ویران‌گردید و روی‌آن کاروانسرای دومنار ساخته شد[۳].

۱۳- مسجد جامع خشینان :

این مسجد در دوران خلافت‌ظاهری‌امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام و بکوشش ابوخناس آزادکرده عمربن‌خطاب خلیفه دوم در محله خشینان‌که از دهات متصل به یهودیه اصفهان بود بناگردید و اکنون چنین مسجدی وجود ندارد لیکن بعضی از[۴] نویسندگان حدس میزنندکه حدودامامزاده‌اسماعیل واحمدآباد همان خشینان است ولی‌بگفته ابونعیم اصفهانی مسجد جامع خشینان را ایوب‌بن

۱ــ ارتفاع این منار چهل متر و دارای پلکان معمولی است. (تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۶۰) ۲- گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۲۹۴ ۳- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۱۴ - ۲۱۵ ۴ــ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۸.

زیاد ساخته است[1].

۱۴- مسجد حفص‌بن معدان :

این مسجدرادرقرن‌سوم هجری‌حفص‌بن معدان بناکرده ومؤذن‌آن‌ابواسحاق ابراهیم‌بن عیینه بوده است[2].

۱۵- مسجد جامع شهرستان :

این مسجد در سال(۲۵۰ه.ق) در شهرستان (جی) اصفهان دائر و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزید هلالی متوفی(۲۵۰ه.ق) بوده‌است[3].

۱۶- مسجد خواجه‌محمود [4] :

این مسجد در بازار خواجه محمود اصفهان واقـع و در قرن‌هشتم دائر بوده است .

۱۷ـ مسجد درب‌طوقچی :

این مسجد در درب طوقچی اصفهان ودر مجاورت بقعه سلطان اسدبن جنید واقع بوده و درزمان حاضر اثری از مسجد مزبور باقی‌نیست ولی لوح سنگی بر ـ دیوار جنوبی اداره فرهنگ اصفهان منصوب است‌که میرساند در محل اشاره شده چنین مسجدی‌بوده‌که بهمت‌مردی بنام‌حاجی یاربیك صباغ ساخته شده وموقوفاتی برای مسجد و بقعه سلطان قرار داده‌است و این‌کار درسال (۱۰۴۴ ه . ق) و در دور سلطنت شاه‌صفی انجام گردیده و آن لوح بخط‌نستعلیق برجسته چنین است:

«غرض‌نقشی‌است‌کز ما بازماند (۱۰۴۴) که هستی را نمی‌بینم بقائی »

«مگرصاحب‌دلی‌روزی‌برحمت(من‌شهور) کند در کار درویشان دعائی»

«در زمان‌دولت‌خاقان‌جمشیدرای، سکندرصولت‌وسلطان فریدون‌فر ، دارای» «حشمت،ابوالمظفر،معزالدوله‌و[5]عزنصره،سلطان‌شاه‌صفی‌الحسینی‌الموسوی‌الصفوی»

۱- ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶. ۲- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۲. ۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۹۲ . ۴- فرهنگ‌اصفهان‌مخطوط بنقل ازوقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی . ۵- درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱ باواو نوشته‌شده ولی درست‌نیست و واو آن زائد است .

«بهادرخان خلدالله تعالی ملکه ابداً، توفیق رفیق حال وقرین آمال کهف الحاج والمعتمرین»
«وزایر رسول الثقلین حاجی یاربیك صباغ گشته احداث مسجدی قویم البنیان ، »
«سلیم الارکان که نموده بود باتمام رسانید واقع درجنب شارع درب طوقچی وبضلع»
«شرقی و خالصاً مخلصاً لوجه الله وقف نمودبرمسجد مزبور همگی وتمامی چهارباب»
«دکان که یکی بقالی است وهمه بدان مربوط است که احداث کرده واقف مشارالیه»
«درست مقابل مسجدمزبور بضلع غربی که در وقفنامه ثبت است وهمگی وجملگی»
«یکباب خانه معینه واقعه درجنب مسجد مزبور و همگی وتمامی یك درخانه واقعه»
«درسکه باب التبریزیه مشهور بخانه فتح الله نساج بحد دومی که در وقفنامه مسطور»
«است، وهمگی وتمامی اعیان وعمارت دو در دکان معینه یکی صباغی ویکی علافی که»
«واقف مزبورخود احداث نموده درعرصه معینه که وقف است برمزار کثیر الانوار سلطان»
«اسدبن جنید متصل بیکدیگر واقع در محله طوقچی مزبور بحدی که در وقفنامه»
«مذکور است اثاث آلات و ادوات و خم صباغی و غیره که وقف نموده بر مسجد»
«مزبور و مزار مذکور و دروقفنامه شرط نمودکه آنچه بعلت نفع و اجاره عرصه»
«مزبور و اعیان و اشیاء مذکور بهمرسد منقسم بده قسمت نموده سه قسمت آن را»
«صرف تعمیر و روشنائی و غیره مسجد مزبور نمایند بشرط واقف .»

دنباله این کتیبه بخط نستعلیق در دو حاشیه طرفین لوح سنگی مزبور در فوق چنین حجاری شده :

«چون تولیت موقوفات مزبور مادام الحیات متعلق بواقف مشارالیه و بعداز»
«آن اولاد او و دیوان الصدارة وناظران و متصدیان اوقاف اجاره نودساله نموده»
«بود خانه باب التبریزیه را بجهت سکنای اولاد خود مشروط به آنکه بعد از »
«اخراجات تعمیرخانه مزبور آنچه از وجه اجاره باقی ماند صرف تعمیر فرش و»
«روشنائی مسجدمزبور نماید بازبهمین دستور تولیت خانه مزبور متعلق است باولاد»
«واقف مشارالیه که بعد از تعمیر خانه مزبوره آنچه زائد باشد بشرط واقف صرف»
«تعمیر فرش و روشنائی مسجد مزبور نمایند . تغییردهنده بلعنت خدا و نفرین»

«رسول گرفتار باد[1] .»

۱۸ـ مسجد دروازه اردستان :

این مسجد در محله رامیان اردستان واقع بوده و در حدود چهل سال پیش تبدیل بباغ گردیده وخلاصه مسجد را ازبین برده‌اند [2].

۱۹ـ مسجد خرابه‌ایکه برروی آن مسجد شجره درخیابان شاه‌عباس‌اصفهان بناگردیده است .[3]

۲۰ـ مسجد خرابه‌ایکه برروی آن‌مسجد شیخ‌بهائی درخیابان‌معروف به‌شیخ بهائی دراصفهان بنا شده است .

۲۱ـ مسجد عبدالله‌بن کوشید :

مسجدی بوده در اصفهان که مهران‌بن شبیب مؤذن آن و عبدالله‌بن کوشید آن را بنا کرده بوده‌است[4] ولی درحال‌حاضر اثری ازآن نیست .

۲۲ـ مسجد طیبه :

مسجدی بوده درحوالی مسجد حکیم وظاهراً با مدرسه طیبه که بنامهای میرزاتقی و حوابیگم وکلباسی نیز معروف بوده واکنون اثری جز سنگ سقاخانه از آن وجود ندارد متصل‌بوده است . برای تشریح موضوع بمدرسه میرزا تقی رجوع شود.[5]

۲۳ـ مسجد درویشان :

این مسجد در محله خاجو در مجاورت مدرسه درویشان و قبر حسن شاه بوده است .[6]

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۴۱ . ۲ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۴۱
۳ـ تاریخچه محله‌خاجو ص ۷۲ ۴ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۲. ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۸۱ . ۶ ـ تاریخچه محله خاجو بنقل از سفرنامه شاردن ص ۱۳ .

۲۴ـ مسجد سلمان :

این مسجد در دیه‌جیان اصفهان واقع و مورد زیارت مردم بوده است [۱] و اکنون اثری از آن نیست .

۲۵ ـ مسجد عمر و بن راشد :

این مسجد دراوایل طلوع اسلام‌دراصفهان ساخته شده و ابوجعفر محمدبن جعفر صابونی درآن تلاوت قرآن میکرده است. [۲]

۲۶ـ مسجد فضل بن برغوث :

این مسجد را فضل‌بن برغوث اصفهانی پیش‌از قرن چهارم هجری دراصفهان بناکرده و رجاءبن صهیب جروائانی در آن اذان میگفته و اکنون جز نام اثری ندارد . [۳]

۲۷ـ مسجدقبا :

مسجدی بود جزء مخروبه‌های عباس آباد اصفهان که برطبق اجازه علمای دین آجر ومصالح آن درساختمان مسجد نو بکار رفت . [۴]

۲۸ـ مسجد مصلی:

این‌مسجد درخارج محله طوقچی‌اصفهان واقع بوده ودرزمان دیالمه مصلای شهر بوده است ولی اکنون اثری‌از آن‌نیست [۵] وممکن است همان مسجد معروف به مسجد عمر باشد [۶] .

۲۹ـ مسجد حسینیه شهشهان :

این مسجد درحسینیه شهشهان‌که شاه‌علاءالدین‌محمدبانی آن‌بوده قرارداشته و پس‌از دفن جسد او در آن مکان بمرور زمان مسجد و چنانکه قبلاً نوشته شد مدرسه وخانقاه‌آن نیز ازبین رفته است وظاهراً اطرافیان تبدیل بخانه‌کرده‌اند [۷].

۱ـ مرآت‌البلدان‌ناصری . ۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۹۸ . ۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵ . ۴ـ تاریخ اصفهان‌وری ص ۲۹۷. ۵ ـ تذکرةالقبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص یو . ۶ـ مرآت‌البلدان ناصری . ۷ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۵۹ .

۳۰ـ مسجد بزرگ محله نو :

این مسجد پیش‌از صفویه وجود داشته و شانزده قفیز مساحت آن بوده ودر گوشهٔ آن تکیه و بقعه شیخ‌عبدالله انصاری فقیه متوفی (۸۹۰ هـ. ق) واقع وپس از آنکه محل تبدیل بمسجد شده سنگ قبر را بدیوار نصب کرده‌اند ولی از زمان نادرشاه به‌بعد ازبین رفته است[۱] .

۳۱ـ مسجد جامع رنگرزان :

جامعی بوده درشهر اصفهان در محلی‌که روی خرابه آن مسجد جورجیر و حکیم فعلی بناشده وتا قرن سوم هجری وجودداشته است شیخ‌ابومسعوداحمدبن‌فرات رازی درآن جامع بمنبر میرفته و مردم را موعظت میکرده است[۲].

۳۲ـ مسجدجامع شهرستان (مدینة) :

این مسجد درشهرستان اصفهان‌که‌آنرا سابقاً جی میخوانده‌اند قرار داشته‌و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزیدالهلالی متوفی (۲۵۰هـ.ق) بوده‌است[۳]

۳۳ ـ مسجد خواجه‌علم :

این مسجد نزدیك مناره خواجه‌علم واقع بود، مناره در اوایل‌نیمه دوم‌قرن چهاردهم هجری سقوط کرد و مسجد هم درمسیر خیابان هاتف فعلی قرار گرفت و بالطبع از میان رفت [۴] این مسجد قبل‌از صفویه احداث و در زمان آنان مورد تعمیر واقع شده بود[۵].

۳۴ـ مسجد نصرآباد :

این مسجد دارای کاشیهای عتیقه‌ای بودکه از بین رفت و اکنون اثـری از آن نیست [۶].

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۹ . ۲ ـ خلدبرین ص ۱۹۲. ۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۹۲ . ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۲ . ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۷۷. ۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۴.

۳۵- مسجد شیخ‌ابو مسعود رازی :

این مسجد درمحله درشیخ اصفهان درمجاورت بقعه شیخ‌ابومسعودرازی‌واقع بوده[۱] و بفتوای یکی ازعلماء قرن سیزدهم خراب شده‌است[۲].

۳۶- مسجدجامع عباس آباد:

این مسجد درقرن یازدهم درمحله عباس‌آباد اصفهان دائر وحجراتی داشته که طالبان علم وشعرای عارف درآن حجره‌ها ساکن بوده‌اند ازآن جمله شیخ‌عماد پسرمیرزا ابراهیم خوش‌نویس تبریزی متخلص‌به‌رافع یاارفع‌دریکی‌ازآن‌حجره‌ها ساکن بود و با قناعت زندگی‌میکرد وگاهی شعری میسرود از اشعار اوست:

رباعی

خواهی‌که دلت محرم اسرارشود — از جمله علم حق خبردار شود
از گریه بشو غبار آیینهٔ دل — مگذار ز گرد معصیت تار شود

از این‌جامع دراین تاریخ اثری نیست.[۳]

۳۷- مسجد مستوفی :

این مسجدرامیرزا شکرالله مستوفی ازمستوفیان معروف‌زمان شاه‌طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ه . ق) درسال (۹۸۱ه.ق) که ازطرف شاه بمنصب استیفا منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ‌اصفهان بناکردواکنون اثری ازآن نیست[۴].

د- قصوری‌که بعد از اسلام احداث وکنون اثری ندارد:

۱- قصر احمد سیاه :

این قصر درزمان اعراب دراصفهان احداث‌گردیده و نواده[۵] احمد سیاه از محدثان اصفهان بوده است و چنین حدس زده‌اندکه احمدآبادکنونی جای‌آن قصر بوده است[۶].

۱- خلدبرین ص۱۹۶. ۲- میزان‌الانساب ص۵۸. ۳- تذکره نصرآبادی‌ص۴۰۴.
۴ - تاریخچه محله خواجو بنقل از منتظم ناصری ص۸۱ . ۵ - ابومسلم عبدالرحمن‌بن محمدبن‌احمدبن‌سیاه مذکر متوفی سلخ رجب ۳۴۶ هجری . ۶ - تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸ .

۲- قصر اصفهان :

احداث این قصر نیز پیش‌از قرن هفتم هجری بوده ومحله‌ای‌هم بنام محلـه قصربآن منسوب وحسین‌بن معمر قصری‌که ازمشایخ [۱] سمعانی‌صاحب‌الانساب بوده باین‌محله انتـساب دارد[۲] وباب‌القصر نیزگفته‌اند.ومنظورهمان‌درب‌کوشك‌فعلی‌است که در قرون پیش بقصر رستم معروف بوده است .

۳ - قصر جهان‌نما :

خانه مربع‌کوچکی‌را در اول خیابان چهارباغ بالای اصفهان دو طبقه بشکل کلاه فرنگی درزمان صفویه ساخته بودندکه مخصوص‌حرمسراباشد ودارای‌نقاشیها و تزیینات بسیارعالی و اطرافش ایوان وپنجره‌هائی وجود داشته که از آن مکان بلند خیابان را تماشا میکردند[۳]. این قصر مشتمل‌بود برصور زنان ودختران‌عجم ازکیانی تاساسانی با جامه‌های خسروانی[۴].

۴- قصر صخر بن سدوس :

این قصر درقرن ششم هجری در تیران اصفهان وجودداشته ولی‌اکنون جز نام اثری ازآن باقی‌نیست[۵].

۵ - قصر خصیب :

این قصر دارای‌کوشکها واشجار ورياحين ودرکنارپل‌حسین در اصفهان‌واقع بوده ودر هنگام تفوق مسلمانان درا صفهان ساخته شده[۶]. و تازمان سلجوقیان و دوره‌ملکشاه‌باقی‌بوده است بانی این قصر همان خصیب‌بن‌سلم است که بقاعی را بر

---

۱ - قاضی ابوسعد عبدالکریم‌بن ابی‌بکر محمدبن ابی‌المظفرالمنصوربن محمدبن عبدالجبار التمیمی‌السمعانی متولد ۲۱ شعبان ۵۰۶ و متوفی لیله ۲۰ ربیع‌الاول ۵۶۱ هجری قمری . روضات‌الجنات ص ۴۲۷ . ۲- معجم‌البلدان ج ۴ ص۳۵۵ . ۳ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۷. ۴-کسان بانوعظمی بیهانه‌اینکه درآنجا اندرونی هشت بهشت پیداست خراب‌کردند. (تاریخ اصفهان و دی ص۳۵۳) . ۵ - محاسن اصفهان ص۵۶. ۶- بانی این‌قصر ظاهراً خصیب‌بن سلم‌بن عوذبن سلامةحنفی ازمردم شهرستان اصفهان وعامل خراج اصفهان درسال (۲۲۵ هـ. ق) بوده است. نواده اوخصیب‌بن‌الفضل از عبدالله‌بن عمران روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰۷) .

مسجد جامع افزوده است.[۱]

۶ـ قصر عبدویةبن حبة :

این قصر نیز دراصفهان درکنار زاینده‌رود واقع و درقرن ششم دائر و بانی آن عبدویةبن حبة بوده است.[۲]

۷ـ قصر فراشخانه:

این قصر درزمان صفویه احداث شده و درسال۱۲۹۸ هجری مخروبه‌وعمارت با عرض و طولی بوده بسیارعالی و بعضی‌کاشیهای‌آن‌که مانده بوده مانندچینی‌بوده است [۳] این قصر دربرابر برج چهلستون واقع وجایگاه ضباط وزیر آن شارع خیابان پشت چهلستون بود وسقاخانه مفصلی داشت‌وهمان خیابان جزءِ خیابان‌سپه فعلی شده است[۴]

۸ـ قصر هارون هفت درب:

این قصر در دیمرتین حوالی اصفهان واقع و صاحب اشجار ومتنزهات بوده است [۵].

۹ـ قصر فرقد:

این قصر در دروازه شهرستان واقع بوده و دارای انواع و اقسام تزیینات واشجار بوده است[۶].

۱۰ـ قصر کوهان:

این قصر درماربین اصفهان واقع و دارای تزیینات واشجار گوناگون بوده است [۷].

۱۱ ـ قصر یحیی :

ظاهراً این قصر منسوب به یحیی برمکی‌بوده که درکنار زرین‌رود و کنار خندقین واقع شده بوده است.[۸]

۱- محاسن‌اصفهان ص۸۴. ۲- محاسن اصفهان ص۵۶. ۳- جغرافیای‌اصفهان ص۲۵.
۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۴۷ . ۵ و۶ و۷- محاسن اصفهان ص۵۶ .
۸- محاسن اصفهان ص۵۷ .

۱۲ ـ قصر مغیرة :

این قصرهم درزمان تفوق اعراب در اصفهان احداث شده وشعرای‌تازی‌زبان درباره‌آن اشعاری سروده‌اند[۱].

۱۳ ـ قصرعلی‌بن‌رستم‌دیمرتی :

این قصر در دیمرت اصفهان واقع و از احداثات علی‌بن‌رستم دیمرتی بوده است و برادرزاده‌اش احمدبن‌القاسم‌بن علی رستمی در وصف‌آن قصر ومتنزهات‌آن چنین سروده است :

ضحك الربيع بمبسم الابرار — و بكى بعين سحة مدرار
فبدت معه‌اكتست‌البسيطة نبتها — و بضحكه ضحكت ذرى‌الاشجار
و اذا الرياح امالها فكانه — ثمل يميل لنغمة‌الاقمار
والنرجس الغض الجنى كانما — تدويره بشظيتى مدوار
حدقت به فوق الزبرجدفضة — تبكى شعاع كواكب الاسحار (۲)

۱۴ ـ قصر منشی :

این قصر را منشی‌الممالك شاه‌عباس‌که نامش میرزارضی بوده در محله‌ایکه امروزه بقصر منشی معروف‌است احداث واز میان رفته است.[۳]

۱۵ ـ قصر مورح :

این قصر دربازار عسکر اصفهان واقع و در قرون ۷و۸ دائر و از موقوفات سیدرکن‌الدین یزدی بر مدرسه او بوده است [۴]

۱ـ ازجمله شعرائی‌که درباره قصر مغیره شعرگفته‌اند ابوسعید رستمی مدینی است‌که مطلع آن چنین است:

سقى قصرالمغيرة كل دان — اجش الرعد منهمر الغوالى

و دیگر شیخ ابوالرجاء حسن‌بن محمدبن‌عوذکه چنین‌گفته :

ظللنااليوم فى‌قصر المغيرة — و انوارالحدائق مستنيرة

که بعداز چند بیت دیگرچنین میگوید:

عيان‌الخلداوجنات عدن — لارشدنا الى قصرالمغيرة

محاسن اصفهان ص۵۷ و ۶۱. ونیز سعدمافروخی چنین‌گفته :

الى جسرالحسين فباغ بكر — فقصر مغيرة ففناء خندق.

۲ـ محاسن‌اصفهان ص۶۵. ۳ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۱۰۰ ۴ـ‌فرهنگ‌مخطوط اصفهان بنقل از وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی ص۲۳۳۷.

۱۶و۱۷ ـ دوقصر درباغ تخت :

باغ تخت در مغرب چهارباغ واقع و قریب چهل‌هزار ذرع مساحت داشت و درآن باغ دوقصر بسیار عالی ساخته شده بود یکی رو بچهار باغ و دیگری رو بخیابان فرعی محل شمس‌آبادکه امروز خیابان شیخ‌بهائی خوانده میشود این‌باغ و قصور آنرا میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت و قطعه قطعه کرد و بدیگران فروخت[۱].

۱۸ ـ قصر سرپوشیده :

این قصر در دوره فتحعلی‌شاه [۲] در اصفهان ساخته شده ولی در این تاریخ اثری ازآن نیست .

۱۹ ـ قصر آینه‌خانه :

این قصر جزء باغ سعادت‌آباد درمیان مایل بشمال باغ بوده دارای طنابی زیبا و تالاری بزرگ‌آینه‌دار وبکمال خوبی ساخته وپرداخته شده بود و به قصر آینه‌خانه معروف [۳] وبین پل خواجو و پل جوئی قرار داشت. ودر (۱۳۱۹ه.ق) بوسیله مأموران مسعودمیرزا ظل‌السلطان ویران‌گردید.[۴]

۲۰ ـ قصر قوشخانه :[۵]

این قصر در وسط باغ قوشخانه و بسیار وسیع و رفیع و دو طبقه بوده و در آن‌بیوتات وامکنه‌کثیره ملوکانه وجود داشته ودارای‌حوضهاوجداول‌وخیابان‌بندی

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵ درتزیین‌آن اقدام‌کرده(نصف‌جهان‌ص۳۶).

۲ـ سیف‌الدوله سلطان‌محمدمیرزا ساخته‌وظل‌السلطان

۳ـ نصف‌جهان ص۴۵.

۴ـ میرزامظفر ترکه این اشعار را در وصف‌آینه‌خانه در۱۰۷۶ سروده است:

فانوس و شمع قدسی و پا تا سرآینه — نقاش صنع لم یزل از سایه تو بست
این جلوه‌گاه‌کیست که ازهرطرف دراو — عشرت سرای شاه صفی‌دان کزو بود
رویت صباح عید ترا پیکر آینه — بر پرده‌های دیده هفت اختر آینه
صورت‌نمای گشته ز یکدیگر آینه — روشن چراغ اختر چشم هر آینه
خواند خط جبین ملایك به فلك — افتد اگر ز روی تو عکسی در آینه

نقل ازگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان‌ص۵۷۵

۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۰.

بوده و این قصر و باغ قوشخانه جزء خالصجات دولتی و در دوره قاجاریه محل خلعت‌پوشی بود ولی در این‌تاریخ جز منار قوشخانه اثری نه‌از باغ‌ونه ازقصراست.

۲۱ ـ قصر گلدسته :

این قصر درمیان باغ‌گلدسته واقع واز بناهای شاه‌عباس بزرگ‌صفوی‌است . مساحت باغ سی‌هزار ذرع بود این قصروباغ در این زمان تبدیل بخانه شده است . [۱]

۲۲ ـ قصر قاضی معز :

این قصر درمحله خاجوی کوچك اصفهان و متصل بدروازه حسن‌آباد واقع بود و متعلق بقاضی معز ازقضات دوره صفویه بوده است . [۳]

۲۳ ـ قصر علی‌بیك[۴] :

بانی این قصر علی‌بیك پسر علیمراد خان حاکم قندهار و در محله خاجوی کوچك اصفهان ومتصل بدروازه حسن‌آباد واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست .

۲۴ ـ قصر میر کشیك بیك درخاجوی کوچك .

۲۵ ـ قصر علیقلی‌خان. درخاجوی کوچك .

۲۶ ـ قصر حوابیگم معروف بقصر میرزارضی :

این قصر نیزکه درخاجوی کوچك ومتصل بدروازه حسن‌آباد اصفهان بوده از مستحدثات حوابیگم دختر شاه‌عباس و زن میرزا رضی منشی الممالك بوده‌است.

۲۷ ـ قصر هفت‌دست :

این قصر واقع بوده درباغ وسیع سعادت‌آباد اصفهان‌که پیش‌از احداث آن درسال ۱۰۵۶ه.ق مسکن‌گبران بوده شاه‌عباس دوم دستور دادگبران را بانتهای‌جلفا کوچانیده ونسبت باحداث باغ مزبور وقصرهای داخل‌آن اقدام نمایند.

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۷ و جغرافیای اصفهان ص۲۴. ۲ ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۳۴۷ ۳ و ۴ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۴.

این باغ میان پل‌اللهوردیخان وپل خاجو ودرکنار جنوبی زاینده رود واقع بوده و روبروی این باغ باغی دیگر بنام باغ دریاچه در شمال رودخانه خودنمائی میکرده است، وضع طوری‌نشان میدادکه هردوباغ درحکم یك باغ است ورودخانه زاینده‌رود ازمیان آن میگذرد، این دو باغ بوسیله پل جوئی[1] بیکدیگر متصل میشدند . درباغ سعادت آباد قصرهائی وجود داشته‌که مهمترین آنها قصرنمکدان و قصر آینه خانه و قصر هفت دست بوده است . این قصر در سال (۱۳۱۸ هـ. ق) بامر مسعودمیرزا ظل‌السلطان خراب شده است والآن محل کارخانه وطن اصفهان است .

۲۸ ـ قصر نمکدان :

این قصر نیز در باغ سعادت‌آباد و بفاصله یکصدو پنجاه متر درجنوب قصر آینه واقع وبشکل‌مستدیری روی زمین‌بناشده بود زمین‌آن مرتفع وعمارت‌مثمن وسه طبقه وازطبقهٔ بالارودخانه پدیدار میگردید این‌قصر نیز درسال(۱۳۰۶ هـ. ق) بوسیله کارکنان مسعود میرزا ظل‌السلطان خراب گردید.[2]

۲۹ ـ قصر منظر: [3]

این قصر نیز ازجمله قصوری است‌که در دوران صفویه احداث واکنون جز اسم اثری ازآن نمانده است. امکان داردکه این‌قصر همان‌طبقه فوقانی‌قصرنمکدان باشدکه ازآن طبقه رودخانه زاینده رود دیده میشده‌است .

این‌بود عده‌ای از عمارات‌که بنام قصر معروف بوده وگرنه اغلب باغهای معروف دوران سلاجقه و صفویه درمیان یا در سر درب‌آنها عمارت و ساختمانهای شگرف و جالبی بوده‌که حکم قصر داشته است. قصر در اصطلاح[4] قدماء بعمارتی گفته میشده‌که محصور و فقط از نقطه معینی داخل و خارج میشده‌اند و بسیار استوار ساخته شده و مشرف بر ساختمانهای دیگر باشد .

۱ـ این پل درسال (۱۰۶۸هـ.ق) ساخته‌شده.گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵.
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵. ۳- آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص ۹۱.
۴- معجم‌البلدان ج۴ ص ۳۵۴.

۳۰ ـ قصر هفت هلکه یا قصر کهندز سارویه :

این قصر را رکن‌الدوله خمارتکین‌که درسال(۴۶۵ه. ق) بسمت والی فارس انتخاب شده بود هنگام عبورازاصفهان‌بناکرد باین‌کیفیت‌که سربنای‌کهندزسارویه را کند و برآن قصری بساخت و سارویه را در زمان خمارتکین مردم اصفهان هفت هلکه میخواندند و این هفت هلکه درمیان شهرستان اصفهان واقع ومیان‌آن آبی خوشگوار بودکه منبع‌آن راکسی ندانست‌کجاست. واکنون آثاری ازآن قصر نیست . (۱)

۳۱ ـ قصرغازی‌خان :

این قصر درمحله صالح‌آباد درچهارسوی اسفندیاربیك (۲) دربازارحسن‌آباد اصفهان واقع بوده است(۳)

۳۲ ـ قصر نقاره‌چیان هندی :

این قصر در قسمت محله خاجوی‌کوچك اصفهان واقع وازجمله عمارات صفویه بوده‌که از بین رفته است. (۴)

۳۳ ـ قصر گاریچیان :

این قصر نیز در محله خاجوی کوچك اصفهان و ازاحداثات دوره صفویه بوده است . (۵)

۳۴ ـ قصر میرزاطاهر وقایع نویس : (۶)

این قصر نیز درقسمت محله خاجوی کوچك اصفهان‌که به حدود چهارباغ عباسی امتداد داشته واقع بوده است .

۳۵ ـ قصر تفنگدارباشی :

این قصر در قسمت خاجوی بزرگ اصفهان که بصحرا منتهی میشده واقع

۱ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص۳۵. ۲ـ همان چهارسو نقاشی‌است‌که خراب وجزء خیابان شاه‌عباس گردیده است. (تاریخچه محله خواجو ص۱۵). ۳و۴و۵و۶ ـ تاریخچه محله خاجو ص۱۵ .

بوده است . [۱]

هـ - باغهائی که بعداز اسلام احداث واکنون تنها اسم آنها باقی است:

۱ ـ باغ نقش‌جهان :

درمشرق و شمال چهلستون اصفهان واقع و درآن‌عمارات وباغچه‌های دولتی بودکه شاه اسماعیل از سلاطین صفویه ساخته بود وچهار حوض وپستخانه قدیم و خلوت‌های عدیده درآن باغ بود ولی دراین تاریخ‌فقط نامی ازآن مانده‌است . [۲]

۲ - باغ چینی‌خانه :

این باغ نیز در زمان صفویه در مجاورت چهلستون ساخته شده بوده است . [۳]

۳ ـ باغ خرگاه و کجاوه خانه :

این باغ درقسمت غربی چهلستون اصفهان واقع بوده است . [۴]

۴ - باغ بادامستان :

باغی بود درعمارت هشت‌بهشت‌که بانو عظمی عمارت تلگرافخانه را از آن جدا نموده بود این باغ نخست به بختیاریها و سپس بجلال‌السلطنه واگذار گردید و دیگر اثری ازآن باغ نیست . [۵] مساحت‌آن ۲۵هزارمتر بود. [۶]

۵ - باغ بهشت‌آئین صفوی :

این باغ نیز از ساختمانهای‌صفویه و دارای عمارت ودراطراف‌باغ‌هشت‌بهشت بوده است واکنون باغ مزبورکه درکوچه فتحیه واقع است تبدیل به‌کالج‌دختران شده است . [۷] و ظاهراً این باغ با باغ انگورستان یکی باشد .

۶ ـ باغ انگورستان :

این‌باغ ازنامش معلوم میشودکه باغ انگور بوده وآنراباعمارت‌خسروخانی

۱ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۵. ۲- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۴۸. ۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۸۴ . ۴ و۵ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۴۷. ۶ـ فرمان آنرا مرتضی‌خان نوری گرفت و قطعه قطعه فروش رفت (تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۴).
۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ .

بدست سردار اعظم داده بوده‌اند این باغ هم وصل به چهلستون بوده است [۱] باغ مزبور اندرونی صفویه بوده و افغانها بطمع دفینه خراب‌کردند[۲] .

۷ ـ باغ رشك‌جنان:

این باغ در مجاورت کاخ هشت‌بهشت ودر اختیار بانوعظمی بوده است[۳]

۸ ـ باغ خیمه‌گاه :

این باغ هم درپشت چهلستون واقع بوده و اینك تبدیل بخانه و گاراژ و مغازه شده است [۴] .

۹ ـ باغ سلطانعلی‌خان :

این باغ در حدود چهارده هزار ذرع مساحت داشته و مقداری هم ساختمان که از بین رفت. [۵]

۱۰ ـ باغ جزایرخانه :

این باغ در مقابل چهلستون بود واکنون تبدیل بخانه و باغات عدیده شده و مساحت‌آن با باغ جزایرخانه ۳۶ هزار متر بود. حاج محمد حسین‌کازرونی و غیر او درآن خانه‌ها ساخته‌اند . [۶]

۱۱ ـ باغ نواب :

این باغ هم از باغهای زمان صفویه بوده‌که عمارت داشته و از بین رفته است . [۷]

۱۲ ـ باغ کجاوه‌خانه :

این باغ نزدیك بازار صباغان اصفهان واقع و بیش‌از ۴۵هزار ذرع‌مساحت داشته میرزا احمدخان فاتح‌الملك فرمان صادرکرد ودست‌بدست فروخته خانه‌های بسیار شد [۸]

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ .
۲ ـ گزارش میرزا علیخان نائینی در ۱۳۰۰ .
۳و۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.
۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۹.
۶و۷ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۴ .
۸ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۲ .

۱۳ ـ باغ احمد سیاه :

باغی بوده که احمدبن سیاه جد عبدالرحمن‌بن محمدبن سیاه در قرن سوم هجری دراصفهان ساخته و درزمان ملکشاه سلجوقی محل‌سکونت ترکان خاتون زن اوبود. این‌باغ بسیاربزرگ وتالارهای‌تو درتو وسقفهای بلند با قابهای منقش و مصور ودیوارهای گچبری شده و آئینه‌کاری و تالارهائی که دارای دیوار مشبك از چوب قرنفل خوش‌نقش و خوش تراش بود داشت[۱] و در کنار زاینده رود قسمت غربی اصفهان واقع بود .

۱۴ ـ باغ بکر :

این‌باغ درحدود ناژونان والیادران وباغ جنت واقع بوده است . [۲]

۱۵ ـ باغ معتمد خسرو :

این‌باغ ازباغهای دوران صفویه است که معدوم‌الأثر شده است . [۳]

۱۶ ـ باغ بیت‌المأ : [۴]

این باغ ازمستحدثات دورهٔ ملکشاه سلجوقی دراصفهان بوده است . [۵]

۱۷ ـ باغ کاران :

این‌باغ نیز ازبناهای ملکشاه سلجوقی است که دراصفهان احداث کرده و محل آن ظاهراً محلهٔ باغات امروزی وقسمتی از محله خاجو بوده است و خواجه حافظ شیرازی و دیگران نیز درتوصیف آن مطالبی نگاشته واشعاری سروده‌اند .

خواجه حافظ درروصف این‌باغ چنین‌گفته :

گرچه صد رود است در چشم‌مدام زنده رود و باغ کاران یاد باد

عبداللطیفخجندی نیز چنین‌گوید :

اصفهانا در آرزوی توام گشته انده فزای و شادی کم

۱ـ فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل ازآشیانه عقاب ص۱۴۳۳. ۲ـ تاریخ اصفهان‌وری ص۴۰۹ ۳ ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۱. ۴ ـ درتاریخچه محله خاجو ص۸ بنقل از سلجوقنامهٔ بیت‌المال ذکر شده است. ۵ ـ راحةالصدور ص ۱۲۹

عکس شکلت بخواب میجویم | زنده رودت در آب میجویم
ماربینت که نسخهٔ ارم است | آفتاب اندر او درم درم است
هریك از باغهاش صد بیشه | گم شده در میانش اندیشه
سبزه زار فلك زغایت رشك | چهره‌کرد است ازستاره پراشك
برد گلزار تو ز چرخ کلاه | رفت آب ارم ز آتشگاه
هر که اکنون به باغ کاران‌است | گونگه‌دار جا که‌کارآن است[1]

۱۸ ـ باغ دشت کور :

باغی است که ملکشاه سلجوقی در دوره سلطنت خود در اصفهان احداث کرده است . [2]

۱۹ ـ باغ تاج آباد :

این‌باغ طبق فرمان شاه‌عباس اول در اطراف نظز ساخته شده بوده‌که هنگام تفرج وصید وشکار گاهگاهی درآن باغ اقامت میکرده است . [3]

۲۰ ـ باغ تخت :

این باغ از مستحدثات صفویه و در مغرب چهارباغ اصفهان واقع و تقریباً چهل هزار ذرع مساحت داشت .

میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت وآنرا قطعه قطعه کرده بفروش رسانید . این باغ دوقصر داشت یکی روبچهار باغ‌ویکی روبخیابان فرعی‌شمس‌آباد (خیابان شیخ‌بهائی‌کنونی) . [4] پیش‌از اینکه ناظر مزبور فرمان‌بگیرد باغ‌تخت در مقابل عیادت به‌حاج میرزا محمد باقر حکیم بعنوان حق‌القدم از طرف مشیر انصاری داده شد ولی مرحوم حکیم ردکرد ونپذیرفت . [5]

---

۱ ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۲۹. ۲ـ راحة‌الصدور وآیة‌السرور در تاریخ‌آل‌سلجوق ص ۱۳۹. ۳ـ فرهنگ اصفهان مخطوط ص ۱۴۴۱. ۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵ . ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۶۰ .

۲۱ ـ باغ طاوس‌خانه :

این‌باغ ازبناهای شاه عباس دوم و در مشرق چهارباغ و ضمیمه باغ پهلوان حسین بود ومادی نیاصرم از میانش میگذشت و در وسط این دو باغ ساختمانهائی از شاه‌عباس دوم وجود داشت، مساحت‌آن بیش‌ازچهل هزار ذرع بود این دوباغ‌هم به اربابی میرزا هادیخان پیشخدمت و ندیم مسعود میرزا ظل‌السلطان داده شد و سپس دست بدست گشت تا اینکه قسمتی از آن مدرسه ستاره صبح و قسمتی هم عمارت‌گردید.[۱]

۲۲ ـ باغ پهلوان حسین :

این‌باغ هم ازمستحدثات زمان صفویه وشرح‌آن‌گذشت .

۲۳ ـ باغ محمد علی حیدر :

این باغ نیز ازبناهای زمان صفویه است‌که علیرضاخان فرمان آن‌را گرفته وازبین برد .[۲]

۲۴ ـ باغ سیف‌الدین معروف به باغ آلبالو :

این‌باغ نیز ازمبانی زمان صفویه که دارای هیجده هزار متر مساحت و در تصرف میرزا علی محمد مستوفی‌گلستانه بود وسپس تبدیل بباغ وعمارات‌گوناگون گردید .[۳]

۲۵ ـ باغ نسترن :

باغی‌بوده که در زمان صفویه احداث وکنار مادی نیاصرم اصفهان و وصل برودخانه بود ومیرزاتقی‌اشراقی ملقب به امین‌الشریعه با باغهای دیگری‌برد .[۴]

۲۶ ـ باغ ناظر :

باغی‌بوده‌که مقداری عمارت‌هم داشته ودرب آن دربازار مسگران بازمیشده است و درب جدائی‌هم داشت .[۵] قریب سی‌وپنجهزار ذرع مساحت داشت محمود

---

۱ و ۲ و ۳ و ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶. ۵ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.

آقاخان پس از بنان‌الملك فرمانی گرفت ودست بدست‌گردید . [۱]

۲۷ - باغ میرزا مهدیخان :

این باغ در محله تلواسکان واقع و از آثار میرزا مهدیخان اعتمادالدوله و صدرالممالك شاه عباس‌ثانی‌معروف به امیراشرف است‌که در (۱۰۷۹ هـ . ق) مقتول شده . باغ مزبور وقفی[۲] ومساحت آن بیش‌از۲۷ هزار ذرع بوده است فرمان‌آنرا مصطفی قلی‌خان فراشباشی گرفت وبعدها تبدیل بعمارات شد . [۳]

۲۸ - باغ بابا امیر :

این‌باغ درچهارباغ اصفهان واقع وسی وسه هزار ذرع مسافت داشت و دارای سردرب وعمارت بود و در دوران صفویه احداث شده بود فرمان از ناصرالدین‌شاه گرفتند وبعدبملکیت صارم‌الدوله درآمد وقطعه قطعه‌کرده بدیگران فروختند. [۴]

۲۹ - باغ قراخان :

این‌باغ درلب رودخانه اصفهان درقسمت شمالی آن واقع بوده است .[۵]

۳۰ - باغ صالح آباد :

این‌باغ میان چهار باغ کهنه ونو واقع ومانند مینو بود و در آن خانه هائی از مردم ثروتمند وجود داشت بنام آقا عبدالحسین فرمان دادند و تبدیل بعمارات گوناگون گردید . [۶]

۳۱ - باغ نظر :

این باغ دراصفهان واقع وازمستحدثات زمان صفویه بود ومساحت‌آن چهل وپنج‌هزار متر ومادی نیاصرم ازوسط آن‌میگذشت. شیخ‌حسن شیخ‌العراقین فرمان گرفت و اولادش فروختند وقسمتی را حاج زین‌العابدین و مختصری‌را دکتر جواد خرید . [۷]

۱- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۲. ۲ - تاریخچه محله خواجو ص۸۷. ۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶. ۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۲. ۵ و۶ و۷- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷.

۳۲ ـ باغ نگار :

بین‌پل انجیری وباغ قوشخانه واقع بوده است . [۱]

۳۳ ـ باغ کلعنایت :

این باغ ازبناهای کلعنایت مسخره شاه عباس است که دارای شکمی بزرگ بوده مساحت باغ بیش‌از هشتادو پنجهزارمتر ومیان دربدشت وخاوجان واقع شده بود وآنرا میرزا حسین‌خان ضابط اسناد خرج بنام دامادش سیف‌الله خان صدری مجاهدالسلطنه گرفت و انتقالاتی شد بحاج مشیرالملك و غیره و بتدریج از بین رفت . [۲]

۳۴ ـ باغ قوشخانه :

باغی‌بود درنزدیکی باغ لنجانی‌که از آنجا بطرف زینبیه میروند و درآن باغ قوشهای سلطنتی را نگاهداری میکردند . [۳]

۳۵ ـ باغ صدر جهان :

باغی بوده که قاضی صدر جهان از علمای دوره شاه عباس اول احداث کرده است . [۴]

۳۶ ـ باغ شرکت هند وهلند .

باغی بوده در زمان شاه‌عباس اول‌که محل شرکت هندوهلند و در نزدیکی محله بی‌نقابان (روسبیان) واقع بوده است . [۵]

۳۷ ـ باغ شاه :

باغی بوده در اصفهان‌که بدربارشاه متصل و پس‌ازتماشای چوگان‌بازی برای استراحت بآن باغ میرفته‌اند. [۶]

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .
۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۷۱ .
۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .
۴ ـ ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء .
۵ ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۵۶.
۶ ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۰۵.

۳۸ - باغ سهیل :

این باغ دریکی از محلات اصفهان بنام باغ سهیل واقع بوده است . [۱]

۳۹ - باغ سلم :

باغی بوده که خانه محمدبن یحیی بن ابان دراصفهان در آن بوده و مردم اطراف آن چادر میزدند و ابوعلی لغذه از علماء ادب ونحو درآنجا برای مردم تدریس میکرده است . دروازه باغ سلم نیز منسوب بآن میباشد[۲]

۴۰ - باغ عبدالله :

این باغ که بانی آن عبدالله نامی بوده و پیش از قرن چهارم میزیسته در محله جوباره اصفهان واقع بوده است. از منسوبان باین باغ است :

ابوعبدالله محمدبن سعیدبن اسحاق قطان باغ عبداللهی[۳]

۴۱ - باغ عیسی بن ایوب :

باغی بوده در اصفهان که ازیك طرف بمحله خشینان وازطرف دیگر بمحله کوراء و ملنجه محدود بوده است وخشینان ویهودیه که جوباره کنونی باشد درقرن چهارم هجری در دو طرف باغ مزبور واقع بوده است [۴] از منسوبان آن باغ است : ابومحمد عیسی بن ایوب بانی آن باغ و دیگر سندیله عبدالله بن داود عابد باغ عیسائی . [۵]

۴۲ - باغ فراشخانه :

این همان باغی است که قصر فراشخانه در آن ساخته شده بود ودرطرف شمالی مقابل چهلستون بود. این باغ درسال (۱۳۱۴هـ. ق) بامر مسعود میرزا ظل السلطان

۱ــ جغرافیای اصفهان ص۳۲. ۲ــ ابوبکرمحمدبن حسنو متوفی بعد(۳۶۰) وابومسلم نوح بن منصوربن مرداس سلمی متوفی (۲۹۵) از مردم محله باغ سلم بوده‌اند. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ ومعجم الادباء ج۸ ص۱۴۰). ۳ــ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۲ وص۲۷۴. ۴ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱ــ۱۹ ۵ ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸ .

خراب گردید .[۱]

۴۳ ـ باغ فلاسان :

این باغ از مستحدثات ملکشاه و هزار جریب مساحت داشت و در اطراف چهارباغ اصفهان واقع بود واکنون جز اسم اثری ندارد [۲]

۴۴ ـ باغ علی‌بن سهل :

این باغ در محله طوقچی اصفهان واقع و [۳] بخانقاه علی‌بن‌سهل پیوسته بوده است .

۴۵ و ۴۶ ـ باغ توپخانه و باغ عسکر :

این دو باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی واقع و درحدود چهل وچهار هزار متر مساحت داشت و در دست میرزاآقاخان محاسب‌الدوله و میرزاعلی‌اکبرخان سرتیپ بود وقسمتی ازآن نیز بدیگران منتقل‌گردید .[۴]

۴۷ ـ باغ گلدسته :

این باغ محتوی بر قصری بوده‌که شرح‌آن نوشته شد و از بناهای‌شاه‌عباس بزرگ بوده است .[۵]

۴۸ ـ باغ لنجانی :

باغی بوده درنزدیکی باغ قوشخانه که ازآنجا بطرف زینبیه میروند و اکنون آنجا خیابان هاتف است .[۶]

۴۹ ـ باغ مابان :

این باغ درقرن پنجم هجری درمحله جورجیر اصفهان در زمان المقتدر بالله عباسی وجود داشته است .

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۴. ۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۶.
۳ـ اصفهان جوانان ص۲۰۵. ۴ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۵۶. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵ . ۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۳ .

۵۰ ـ باغ ستاره :

از باغهائی است که در زمان صفویه درخیابان چهارباغ بالا واقع بوده و اکنون نام آن باقی است.[۱]

۵۱ ـ باغ زرشك :[۲]

این باغ درمحل فعلی کارخانه صنایع پشم اصفهان واقع بوده و وقتی که از پل‌اللهوردیخان بطرف عباس‌آباد عبور میکردند باغ مزبور درخیابانی واقع بودکه شیب زیادی داشت ودردوران صفویه دریاچه‌ای بوده‌است که ازهزارجریب بآن میریخته و درحدود چنار باغ زرشك که اکنون هم‌وجود دارد آبشاری تشکیل میداده است.

مساحت باغ زرشك در حدودهشتادهزار مترمربع و سر در آن مشتمل بر عماراتی مفصل و مجلل بوده است وگلهای رنگارنگ آنرا احاطه‌کرده بوده و بر بالای سردرآن تالارها وغلام‌گردشهائی بودکه منظره رودخانه وکوه و جلفا و باغ وسیع سعادت‌آباد و هزار جریب درسمت مشرق آن بر صفای این عمارت و باغ میافزوده است. این باغ را سیدشهاب از ناصرالدین‌شاه فرمان‌گرفت و به آغاباشی فروخت و امروزه کارخانه ریسباف است.[۳]

۵۲ ـ باغ مراد :

باغی بوده دراصفهان‌که اکنون جای آن محله نو خوانده میشود.[۴]

۵۳ ـ باغ منوچهرخان معتمدالدوله :

این باغ زیاد وسیع و کلاه فرنگی وسطش بسیار عالی و دو طبقه و خوش طرح بود بطوریکه کلاه فرنگی نظائر تهران با اندك تصرفی از روی آن ساخته شده بود، خلوتها وعمارات دیگری هم در اطراف باغ داشت[۵] این باغ هم قسمت شده وتبدیل بعمارات مختلف گردید.[۶] باغ‌مزبوردرمحل معروف‌به‌پشت مطبخ‌واقع

۱ـ تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص۱۸. ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۸۷.
۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰. ۴ـ الاصفهان ص۸۴. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵. ۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷.

بودکه منتهی بقسمت جنوبی میدان شاه میگردید. [۱]

۵۴ ـ باغ عموطاهر : [۲]

این باغ درپشت باغ آلبالو دراصفهان واقع وبیش‌از سی‌هزار ذرع مساحت داشت قسمتی ازآن در دست حاج میرزاحسین‌بنکدار و برادرانش میباشدوتبدیل بعمارت گوناگون شده است .

۵۵ و ۵۶ ـ باغهای : زین‌خانه و فتح‌آباد :

این دوباغ درمشرق چهارباغ اصفهان واقع بودند و مساحت آنها بحدود شصت‌هزار متر میرسید و در جلو مدرسه چهارباغ و از موقوفات شاه سلطان‌حسین بود، بباغات کوچك و عمارات مبدل‌گشت وکارخانه‌های نجاری و آهن‌بری در آن ساخته‌اند . [۳]

۵۷ ـ باغ دمور :

این باغ میان هشت‌بهشت و پشت مسجدشاه واقع بوده است. [۴]

۵۸ ـ باغ شیرخانه :

این باغ هم در طرف شرقی چهارباغ اصفهان در محلی که امروز بکوچه شیرخانه شهرت دارد واقع و معبرش از باغ پهلوان‌حسین بوده است. در این باغو سایر باغها آثار عمارات عالی و سردرب‌ها وجود داشته ولی درقرن حاضر از روی عمد همه‌آن‌آثار را محو و تبدیل بعمارات دیگر گردید و در واقع آثار باستانی را از میان بردند. [۵]

۵۹ ـ باغ علی‌قاسم :

این‌باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی‌واقع وحدود چهارده هزار ذرع‌مساحت داشته وبتدریج از صورت اولیه خارج‌گردیده است . [۶]

۱ــ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۸ . ۲ و۳ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶.
۴و۵- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷ . ۶ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۸.

۶۰ـ باغ حاج باقر :

این باغ در همان خیابان چهارباغ واقع و پانزده هزار ذرع مساحت داشت و حاج ابراهیم‌آقا فرمان‌گرفت وبصورت دیگری درآمد . [۱]

۶۱ـ باغ فیل‌خانه :

این باغ که فیلخانه بود و در خیابان چهار باغ اصفهان واقع بود همان حاج ابراهیم‌آقا بضمیمه سردرب وعمارت فرمان‌گرفت وآنرا دگرگون ساخت.[۲]

۶۲ـ باغ قورچی‌باشی علیا : [۳]

این‌باغ درچهارباغ بالای اصفهان واقع بود وزمان شاه‌عباس بانی باغ منصب قورچی‌باشی‌داشته. مساحت‌آن تقریباً بیست وشش‌هزارذرع‌بود، میرزاجعفربیدآبادی فرمان صادرکرد و بصورت دیگری درآورد. [۴]

۶۳ـ باغ قورچی‌باشی سفلی :

این باغ نیزکه‌از مبانی صفویه بود در چهارباغ بالای اصفهان واقع و قریب سی هزار ذرع مساحت داشت میرزاتقی اشراقی درزمان مظفرالدین شاه قاجار فرمان‌گرفت ودیگرگون‌گردید . [۵]

۶۴ـ باغ ایشك آقاسی :

این باغ هم در چهارباغ بالای اصفهان واقع و سی هزار ذرع مساحت داشت و آنرا هم میرزاتقی اشراقی در زمان مظفرالدین شاه فرمان گرفت و در آن تصرفات کرد. [۶]

۶۵ـ باغ قرچقای‌خان :

این باغ نیز درچهارباغ بالای اصفهان واقع‌ومساحتش‌تقریباً بیست‌وپنجهزار ذرع بود آنرا نیز میرزاتقی اشراقی در(۱۳۰۳ه.ق) فرمانی چاپی برای تملك‌آن در دست داشت ودرآن عمارات‌گوناگون ساخته شد. [۷]

۱و۲ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۵۸. ۳و۴و۵و۶و۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰.

۶۶ ـ باغ توشمال‌باشی :

این باغ بسیارعالی و وسعتش از باغهای دیگربیشتربود سلطان‌حسین‌میرزا نواده علیشاه ظل‌السلطان فرمان‌گرفت و در اثر معامله شرطی بامیرزاتقی اشراقی درتصرف نامبرده اخیر درآمد و مانند دیگر باغات دیگرگون شد.[۱]

۶۷ ـ باغ داروغه :

این باغ هم درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و درحدود شانزده هزار ذرع بودکه حاج ابراهیم‌آقا فرمان‌گرفت و او خالوزاده مسعود میرزا ظل‌السلطان بود .[۲]

۶۸ـ باغ رضاقلی‌خان :

این باغ هم در خیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و بیش از دوازده هزار ذرع مساحت داشت ، برای این باغ توسط ابراهیم آقای فوق‌الذکر فرمان گرفته شد و دگرگون‌گردید.[۳]

۶۹ ـ باغ خواجه :

این باغ هم مانند باغ رضاقلیخان درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع بود و ابراهیم‌آقا آنرا با فرمان تصرف و دگرگون ساخته است.[۴]

۷۰ ـ باغ داروغه دفتر :

برای این باغ که در اصفهان واقع بود بضمیمه سر درب آن آقاکمال‌الدین شریعتمدار اصفهانی فرمان‌گرفت ومساحت‌آن قریب پانزده‌هزارذرع بود و سپس دست بدست‌گشته واز صورت نخست درآمد .[۵]

۷۱ ـ باغ وقایع نویس :

این باغ که محل سکونت وقایع نویس وقت بوده و با سردرب آن بیست‌وهشت‌هزار ذرع‌مساحت داشت مانند باغ پیش‌گفته شریعتمدار اصفهانی‌فرمان گرفت و تصرفاتی درآن بعمل‌آورد .[۶]

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰ . ۲و۳و۴و۵و۶ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱.

۷۲ - باغ دیوان‌بیگی :

این باغ را هم‌که دراصفهان واقـع و بیست و پنجهـزار ذرع مساحت داشت شریعتمدار بوسیله فرمان متصرف وآنرا تغییر صورت داد. (۱)

۷۳ - باغ تفنگچی آقاسی :

این‌باغ‌راکه دراصفهان واقع وسی‌هزارذرع مساحت‌داشت درسال(۱۳۱۲ه.ق) حاج‌میرزاحسین‌خان ولد میرزانصرالله خان‌مستوفی فرمان‌گرفته وبه محمدحسین گیوه فروش‌فروخت ولی شریعتمدار مانع تصرف‌او شده خود در دست داشت وآنرا دگرگون ساخت . (۲)

۷۴ - باغ چرخاب صفوی:

این باغ درناحیه۴ اصفهان واقع و درحدود بیست‌وهشت‌هزار ذرع مساحت دارد این‌باغ وباغهای‌دیگری‌را میرزامهدی‌بن‌ملاهاشم‌بنام اولادش: میرزاحیدرعلی و حاج‌میرزا احمد و برادرزادگانش : میـرزا حسن و میـرزا حسین پسران میرزاعبدالوهاب فرمان‌گرفت و دست‌بدست بدیگران منتقل‌کردند. (۳)

۷۵و۷۶ ـ باغ قوشچیان و غلامان مطبخ :

این دو باغ شانزده‌هزار ذرع مساحت داشت‌که میرزامهدی فرمان‌گرفت.(۴)

۷۷ - باغ میر آخور شاه‌عباس :

این باغ دراصفهان واقع ودرحدودهیجده‌هزارذرع‌مساحت داشت.محمودخان فرمان تصرف‌آن راگرفت وفروخت وقطعه قطعه‌گردید. (۵)

۷۸ - باغ مهردار شاه‌عباس :

این باغ هم‌که دراصفهان ودر اطراف چهارباغ بود قریب سی‌وچندهزارذرع مساحت داشت رضاخان نامی فرمان‌گرفت و دست بدست‌گشت. (۶)

۱و۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱. ۳و۴و۵و۶ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۳۶۲.

۷۹ ـ باغ جلودار :

این باغ هم درحدود بیست‌وپنجهزار ذرع بود و مورد تصرف اشخاص واقع و قطعه قطعه گردید.[۱]

۸۰ ـ باغ جون کمر :

این‌باغ درحدود باغ سعادت‌آباد بوده وسی و دو هزار ذرع مساحت داشته و آنرا حاج ابراهیم‌آقا سعیدالملك فرمان گرفته و دست بدست گشته است .[۲]

۸۱ ـ باغ درب کارخانه :

این‌باغ نیز درهمان اطراف واقع و سی‌وشش‌هزار ذرع وسعت داشت و آنهم جزء فرمان سعیدالملك بود .[۳]

۸۲ ـ باغ کلاه شاه :

این‌باغ هم که دراطراف سعادت‌آباد بود سی‌وچهار هزار ذرع مساحت داشت وسعیدالملك فرمان آنرا گرفت .[۴]

۸۳ ـ باغ سپهسالار :

درهمان اطراف بود وبیست وششهزار ذرع وسعت داشت وفرمان‌آنرا همان سعیدالملك گرفت ودست بدست گردید .[۵]

۸۴ ـ باغ محمود صفوی :[۶]

این‌باغ بانضمام تکیه‌آن بیست و شش‌هزارذرع مساحت داشت و عمده آنرا میرزا فضل‌الله خان دهش ضبط کرد .

۸۵ ـ باغ بهارستان :

این‌باغ‌هم درهمان حدود باغ سعادت آباد معروفیت داشت که فعلاً اثری از آن نیست .[۷]

۸۶ ـ باغ برج و ۸۷ ـ باغ حاج صالح :

این دو باغ در مشرق چهارباغ نو و راه پل خاجو واقع و بیش از یکصد و

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۲ . ۲و۳و۴و۵و۶و۷ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۴.

چهل هزار ذرع وسعت داشتند درسال (۱۳۰۳ ه . ق) بمیرزاعلی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء و میرزا مسیح خان حافظ‌الصحه فرمان چاپی دادند و سهم ناظم‌الاطباء را سادات خاجوئی خریدند وامروز قسمتی ازباغ برج را آقایان تجار روغنی محل شرکت وکارخانه بافندگی بناء نهاده‌اند . [۱]

۸۸ - باغ جشاران = جوشاران = گوشاران :[۲]

این‌باغ‌که معلوم‌میشود سابقه طولانی‌دارد و دراصل‌گوش آران بوده‌که‌گوش نام قدیم جهودان بوده واز اینرو دروازه جوباره را در قدیم‌گوش‌بر مینامیده‌اند و سپس معرب شده به جوشاران‌یاجشاران تبدیل‌گردیده‌است . وسعت آن هفتادهزار ذرع و در طرف پل‌خاجو واقع بوده است . [۳]

۸۹ - باغ جعفرخان :

این‌باغ نیز درطرف پل‌خاجو واقع و تبدیل باراضی زراعتی شده و اگرهم ساختمانی داشته ازبین رفته است . [۴]

۹۰ - باغ جلوخان :

درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائر است . [۵]

۹۱ - باغ حبشی‌خانه :

این باغ‌هم درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائر است . [۶]

۹۲- باغچهٔ یخچال :

این‌باغچه هم دراطراف هفت دست بوده ولی اکنون از میان رفته است .[۷]

۹۳ - باغ عباس‌آباد :

این‌باغ در طرف غرب چهار باغ که بطرف محله عباس‌آباد اصفهان میرفت واقع شده بود واز بناهای شاه عباس بود واکنون محله عباس‌آباد نیز درمحل‌همان باغ است . قسمت شرقی‌آن باغ را نیزعباس‌آباد میگویند . و چون این باغ هزار

---

۱ و ۲- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۴ و ۳۶۵ ۳- در مجله ارمغان سال اول شماره ۱۰۶۹ ص ۶۰ خوشاران نوشته شده است . ۴ و ۵ و ۶ و ۷- تاریخ‌اصفهان ص ۳۶۷.

جریب مساحت داشت به‌باغ هزارجریب نیز شهرت یافت .[۱]

۹۴ ـ باغ خیاطخانه :

این‌باغ جنب چهلستون بوده ودوازده هزارذرع وسعت داشت وخانه ومغازه شده است .[۲]

۹۵ ـ باغ توحید خانه :

باغی‌بوده‌که خلیفةالخلفای صوفیان در شبهای جمعه درویشان و صوفیان را جمع ودرآن باغ بذکرمشغول میشدند و درهمین شبها مقداری نان وحلوا بانظارت او میان درویشان وصوفیان تقسیم میگردید[۳] واین باغ درپشت عالی قاپو وتالار طویله واقع و درکنار آن خلوتهای تو درتو و وسطش گنبد بسیار وسیع وعجیب ـ الشکل ومرتفعی بوده است .[۴]

۹۶ ـ باغ خلیل :

۹۷ ـ باغ مستمند یا مستمن :

این‌دوباغ با باغ توحید خانه وبرج باغ مستمند در حدود شصت هزار ذرع وسعت داشته‌اند وتبدیل بخانه شده‌اند .[۵]

۹۸ـ باغ محمد امین :

این باغ درطرف جنوبی باغ تخت بوده که محل آن امـروز خیابان شیخ بهائی است وتبدیل بخانه شده است .[۶]

۹۹ ـ باغ جنت :

این‌باغ در شمال‌رودخانه زاینده رود ومجاورمحلهٔ لنبان واقع‌بوده است .[۷]

۱۰۰ ـ باغ فرح‌آباد :

این‌باغ‌که بعدها به‌کاخ فرح‌آباد معروف‌گردیده در دامنه‌کوه صفحهٔ‌اصفهان

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷ .
۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵ .
۳ـ زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۴۰۷.
۴ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵ .
۵و۶- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵.
۷- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۲۳.

بنا وبانی آن شاه سلطان حسین صفوی بوده است .

شاه سلطان حسین در ماه شعبان سال (۱۱۲۳ ه . ق) بباغ فرح آباد نزول و در دوم شهر رمضان همان سال مراجعت کرد و فرمان داد که در باغ مزبور بسرکاری ابراهیم آقا یوزباشی عمارت کنند واز جمعی از مقربان دربار نیز خواسته شد که درحوالی باغ عمارت کنند و ازآن جمله بعلامه مجتهدالزمان میرمحمد باقرمدرس مدرسه‌سلطانی نیز تکلیف عمارت گردید وآن عالم‌بزرگوار با عدم تمایل ناچار بخریدن زمینی و بنای عمارتی گردید و مقدار ده جریب شاه از آب نهر سعادت آباد باو ارزانی شد، درآن سال شاه باغ فرح آباد و بقیه زمین سعادت آباد را نیزوقف کرد .

بنای این‌باغ وعمارات داخل آن بسیار سست وبیشتر آن ازخاك وخشت‌بود وازنظر هنری ارزشی نداشته وآنجا کاخ تابستانی شاه‌بوده است . طول این‌باغ‌یك فرسنگ وعرض آن تقریباً نیم فرسنگ بوده است ، از وقایع مهم این‌کاخ ورود محمود افغان درآن وتسلیم شاه سلطان حسین در یازدهم محرم (۱۱۳۵ ه . ق) میباشد . وازآن روز ببعد فرح آباد رو بویرانی گذارد و اکنون جز ویرانه هائی درجنوب جاده اصفهان بدستگرد چیز دیگری باقی نمانده است . [۱]

۱۰۱ ـ باغ هزارجریب :

پس‌ازعبور ازچهارباغ وپل زاینده رود وارد خیابانی میشودکه اطراف آن جوی شکل است وازآن خیابان وارد زمینی مربع شکل میگردد که معروف به باغ هزار جریب است ودارای عماراتی عالی وآبشار زیادبوده وظل‌السلطان مسعود میرزا پسرناصرالدین‌شاه آنرا خراب کرد . [۲]

۱۰۲ ـ باغ وعمارات هفت دست خاقانی :

این‌باغ وعمارات راکه بهفت دست معروف است‌صدر اصفهانی برای‌فتحعلی‌ـ

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان وذیل وقایع‌السنین ص۲۷۳ .

۲ـ الاصفهان ص۴۲ .

شاه ساخت ولی بتدریج مخروبه وازبین رفت .[۱]

۱۰۳ - باغ بهشت برین :

این باغ نیز از بناهای زمان فتحعلی شاه قاجار بوده که ویرانه شده است .[۲]

۱۰۴ - باغ درب سنگ :

این باغ که در دوران صفویه ساخته شده دارای عماراتی نیز بوده که بتدریج ازبین رفته است .[۳]

۱۰۵ - باغ وعمارت کرکس صفوی :[۴]

۱۰۶ - باغ نارنجستان صفوی :

این باغ هم ظاهراً در نزدیکی باغ بادامستان و چهلستون بوده و بتدریج خراب و ویران وتبدیل بامکنه دیگری شده است.[۵]

۱۰۷ - باغ و عمارت کاخ صفوی :

این باغ و عمارات آن نیز که در اطراف عمارات دولتی بوده معدوم‌الاثر گردیده است .[۶]

۱۰۸- باغچه وعمارت حمام صفوی:

این باغچه وعمارات وابسته آن نیز خراب ومعدوم‌الاثر گردیده است.[۷]

۱۰۹ - باغ محمد علی صدری :

این باغ که از دوره قاجاریه است نیز معدوم‌الاثر گردیده است .[۸]

۱۱۰ - باغ محمد علی‌خان :

۱۱۱ - باغچه نواب صفوی :

هردوباغ وباغچه وعمارت آنها ویران شده است .[۹]

۱۱۲ - باغ وعمارت قادرخان صفوی

۱و۲- مجله ارمغان سال‌اول شماره ۹ و ۱۰ ص۵۹ . ۳- آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲. ۴- مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص۵۹. ۵و۶و۷و۸- مجله‌ارمغان سال۱ ، شمارهٔ۹و۱۰ ص۶۰. ۹- مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص ۶۱ .

۱۱۳ ـ باغ وعمارت صفی‌میرزای صفوی :

این باغ در بیرون دروازه در دشت واقع بوده و در اثر عدم توجه و بروز حوادث ویران‌گردیده است وجزنام اثری ندارد .[۱]

۱۱۴ ـ باغ وعمارت رضاقلی‌خان صفوی :

این باغ نیزکه در دوران صفویه احداث شده و دارای عمارت نیزبوده مانند سایر عمارات‌آن زمان ویران شده است[۲]

۱۱۵ـ باغ لب مادی صفوی :

این باغ هم که لب مادی واقع واز احداثات صفویه بوده خراب‌ومعدوم‌الاثر گردیده است. [۳]

۱۱۶ ـ باغ وعمارت ملك صفوی :

این باغ وعمارت نیزکه از دوران صفویه ودر اطراف چهارباغ بوده بتدریج ویران وبلااثر شده است.[۴]

۱۱۷ـ باغ وعمارت چشمه صفوی :

این باغ و عمارت‌که احداث آن مربوط بدوران صفویه و در لنجان واقع بوده بتدریج از بین رفته است. [۵]

۱۱۸ ـ باغ وعمارت کومه صفوی درلنجان :

این باغ وعمارت‌آن درلنجان واقع وگویاشکارگاه شاه‌عباس بوده واشعاری‌در وصف‌این‌کومه نیزسروده‌اند وشرح آن‌چنین‌است‌که‌شاه‌عباس‌درلنجان‌جای‌مخصوصی برای صید و شکار پرندگان ساخته بود. درماه شعبان‌سال (۱۰۱۷ه . ق)که بعزم‌شکار بآن‌ناحیه رفته‌بود بزمینی‌رسیدکه بسیار سبز وخرم و ازکنارآن نهرآبی‌میگذشت و پرندگان آبی وهوائی درآنجا بسیار دیده میشد، پس دستور دادکه درآن زمین عمارتی‌دوطبقه بااطاقها وایوان‌های‌زیبابناکردند وبرابرآن‌دریاچه‌ای‌بزرگ‌ساختند

---

۱ و۲ و۳ و۴ـ مجله ارمغان سال ۱شماره ۹و۱۰ ص۶۱ ۵ـ آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲

وکنار دریاچه کومه‌ای که دیوارهای کاشی داشت برای پرندگان آبی و پشت آن کومه علفزاری ترتیب دادند. درمیان دریاچه نیز جزیره کوچکی بصورت مربع مستطیل ساختند که با پلی بساحل مربوط میشد، وچون پل را برمیداشتند دیگر کسی به آن جزیره نمیتوانست رفت. اطراف دریاچه راهم بانواع گلهای سوسن وهمیشه بهار وشبیو و قرنفل آراستند، وپشت آنرا تایك جریب یونجه کاشتند که همیشه سبز باشد. گرد آن یونجه‌زار نیز ازهرسو چنارها نشاندند، ودورچنارها خندقی عمیق کندند، تاجانوران وحشی بآن محوطه وعمارت داخل نتوانندشد. گرد خندق نیزنی کاشتند که چون سبز گردد خود دیواری دیگر شود.

ازآن پس همه‌سال شاه برای شکار پرندگان باین مکان میرفت و آنرا کومه سگ‌علی نام داده بود درآنجا همیشه انواع غذاها و مشروبها ولوازم زندگی ازفرش و خوابگاه و وسائل روشنائی فراهم بود وبهمین سبب نیز یکی از شاعران تاریخ اتمام بنای آن را درجمله: کومه پرنعمت سگ‌علی پیداکرد. که بحروف جمل مطابق عدد هزاروبیست وسه (۱۰۲۳) هجری میشود و ذوقی معروف به علیشاه اردستانی ازشعرای دربارشاه‌عباس ومردم اردستان درتاریخ شروع آن این قطعه را سروده است:

شاه عباس آنکه در هنگام صید — شیر گردون بستهٔ فتراك او است
صید گاهی ساخت در ملك عراق — صید گاهی کاسمان را آبرو است
صیدگاهی آنچنان تا ساخته — صید از شادی نمیگنجد بپوست
شاه آنجا چون کمین سازد بصید — همچوجان درقالب ومی‌درسبواست
گفت ذوقی از پی تاریخ آن : — « صیدگاه پادشاه صید دوست »

۱۰۱۷

شاه‌دریکی از روزهای شکار دراین کومه ۱۰۴ کلنگ و ۱۸۰ اردك وکلاغ‌وهوبره و ۱۷۰ مرغابی گرفت.[۱]

۱۱۹ ـ باغچه ملای صفوی :

این باغچه‌که دارای عمارت و از بناهای زمان صفویه ودر اطراف چهارباغ

۱ ـ زندگی شاه‌عباس ج ۲ ص۲۹۹ .

بوده خراب و ویران وبلااثر است.[۱]

۱۲۰ ـ باغ وحش صفوی :

این باغ هم‌که درحدود چهارباغ اصفهـان بوده خراب و اثری ازآن بـاقی نیست .[۲]

۱۲۱ ـ باغ و عمارت دریاچه :

این باغ درشمال رودخانه زاینده رود دراطراف پل جوئی و در مقـابل باغ سعادت‌آباد اصفهان واقع بوده است.[۳]

۱۲۲ ـ باغ حسن‌پاشا :

این باغ درمحله خاجوی اصفهان واقع وازبناهای حسن‌پاشا دامادامیرتیمور بوده است.[۴]

۱۲۳ ـ باغ حاجی :

این باغ درشمال زاینده‌رود اصفهان واقع بوده و هنگامیکـه همایـون شاه باصفهان نزول‌کرد درآن محل اقامت داشت وبرای او طبق دستور شاه‌عباس عمارات دولتی بناکردند وآنجارا باب‌همایون میخواندند تا زمانی‌که حاجی‌آقا محمدحاکم اصفهان از طرف کریم‌خان‌زند مأمور تعمیر خرابیهای اصفهان‌شد در این محل‌باغ بزرگی برای‌خود بنا نهاد ومحل موسوم به‌باغ حاجی‌شد ولی‌آن باغ بتدریج تبدیل بعمارات مختلف‌گردیده است.[۵]

۱۲۴ ـ باغ عبدالعزیز:

این باغ در زمان علاءالدوله در داخل حصاری بوده که در اطراف اصفهان کشیده ومحله‌ایکه باغ درآن واقع بوده بنام باغ عبدالعزیز خوانده میشد. گویـا بانی باغ عبدالعزیز نامی بوده‌که پیش‌ازعلاءالدوله میزیسته است.[۶]

۱و۲ ـ مجله ارمغان سال۱ شماره ۹ و۱۰ ص ۶۲ ۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵ . ۴ ـ زنده‌رود ج ۱ ص۳۲ . ۵ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .
۶ ـ محاسن اصفهان ص۸۱.

۱۲۵ - باغ نگارستان :

این باغ درچهارباغ فتح آباد اصفهان واقع بوده است.[۱]

۱۲۶ - باغ معیر:

این باغ نیزدرکنار نهر نیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی‌بوده است.[۲]

۱۲۷ - باغ فراخان :

این باغ نیز درکنارنهر نیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی بوده‌است[۳]

۱۲۸ - باغ وعمارت قرچه‌خان صفوی :

این باغ وعمارت مربوط بزمان صفویه است‌که معدوم‌الاثرگردیده است[۴]

۱۲۹ - باغ عدن :

این باغ جزء حرمسرای ملکشاه سلجوقی دراصفهان و از احداثات خود او بوده است.[۵]

۱۳۰ تا ۱۴۲- باغهای: فرنگ- ارم - خالقی - پل‌کله- پهلوان‌لنجان- صفی‌آباد - قورچیها - مستوفی - مردارکش - مودون- احمدافغان- درب قلعه - انارستان [۶] **- سقاخانه** از باغهای دوره صفویه‌است‌که معدوم شده‌اند.[۷]

علاوه برباغهائی‌که ذکر شد بطوریکه نوشته‌اند درحدود چهارصدباغ مهم‌در اصفهان تا پیش‌ازقرن چهاردهم هجری‌وجود داشته‌که از بدو اسلام تا زمان‌حاضر ازبین رفته وفقط معدودی که در مبحث‌خود توصیف خواهد شد باقی مانده است گذشته از باغهای مهم چهارباغهائی‌هم‌که ذیلا نگاشته میشود درشهراصفهان وجود داشته‌که اکنون فقط نام‌آنها باقی است:

۱ - چهارباغ سلجوقی :

این چهارباغ درشمال شرقی شهراصفهان واقع ومتصل‌بمحله طوقچی‌که‌آنرا

۱و۲و۳- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۵۶ ۴- مجله ارمغان سال۱شماره۹و۱۰ص۶۰
۵- آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ ۶- تاریخچه محله خواجو ص ۲۱ .
۷- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص ۹۱-۹۲

محله دریه میگفته‌اند بوده است و ظاهراً محله جروائان یاگروائان همانجائی‌است که به چهارباغان معروف است. [۱]

۲ ـ چهارباغ قهوه‌ای :

این چهارباغ هم مربوط بدوران پیش‌ازصفویه است. [۲]

۳ ـ چهارباغ ملکشاهی :

این چهار باغ مرکب از باغهای : کاران ـ طرازآباد و خاجوی‌کنونی بوده است. [۳]

۴ ـ چهارباغ اصفهان :

این‌چهارباغ مرکب ازباغهای: فلاسان ـ بکر[۴] ـ سلم ـ عبدالله ـ عیسی‌بن‌ایوب بوده است.

و ـ عماراتی‌که بعد از اسلام احداث و جز نام اثری ازآن نمانده است:

۱ ـ عمارت جمال‌الدین :

این عمارت را جمال‌الدین محمدبن شجاع‌الدین لنبانی اصفهانی در مسقط‌الرأس خود لنبان بناکرد و بنام جمال‌الدین مشهور شد و اکنون اثری از آن باقی نیست[۵] سعید هروی در وصف‌آن سروده :

غیرت باغ خورنق رشك بستان ارم　　صورت‌ارژنگ‌مانی‌نسخهٔ صحن‌جنان

۲ ـ نقاره‌خانه:

این عمارت در دوطرف جلوخان سردر قیصریه‌اصفهان واقع بوده و درزمان صفویه عده‌ای نقاره‌چی باطبل‌ودهل و بوق وکرنا درآن جا داشته وطلوع‌آفتاب و غروب‌آن را با نواختن موسیقی ایرانی اعلام میداشته‌اند. این عمارت‌تااواخردوره قاجاریه وجود داشته است. [۶]

۱ـ مرآت‌البلدان ج ۴ درکلمه چهار باغ . ۲و۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۲
۴ـ محاسن اصفهان ص۵۴ـ۵۶. ۵ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۷۵ . ۶ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۶۵.

۳ ـ عمارت خلوت رکیب‌خانه صفوی :

این عمارت در وسعت حیاط متوسط و در نیکوئی عالی، اطاقهای فوقانی و تحتانی آن زیبا و تمام منقش ومطلا بوده است.[۱]

۴ ـ عمارت صدری :

این عمارت دیوانخانه وبی‌اندازه وسیع ومیان عمارات دولتی کمتر عمارتی باین‌وسعت و جامعیت بود چه دارای حمام و خلوتها و نارنجستانهای بزرگ بود و آنرا صدراعظم اصفهانی بعنوان تقدیمی برای قدوم فتحعلی‌شاه قاجار ساخته بود، اعیانی آن از چهارسمت تحتانی وفوقانی دور آن حیاط اطاقهای ملوکانه‌که هرکدام یکدست عمارت شمرده میشد و تالار بزرگ وبلندکه درضلع شرقی واقع بودداشت و بعداز چهلستون و عالی‌قاپو وقصر آینه عمارتی باین‌خوبی نبود، سردرب زیرتالار غیرقابل‌وصف وبی‌نظیروتالار دو رو داشت یکی‌بحیاط بزرگ ودیگری‌بنارنجستان حیاط نارنجستان نیز مشتمل برچندین‌عمارت بودکه درهریك حمامی هم ساخته شده بود و اندرونی فتحعلی‌شاه بشمار میرفت[۲] واین عمارت درسال ۱۳۱۷هجری بکلی ازمیان برداشته شد. [۳]

۵ ـ طالار طویله:

این عمارت درجنب‌کاخ عالی‌قاپوی اصفهان واقع و از بناهای صفویه وبسیار شگرف بود. درسال۱۳۱۷هجری مانند سایر قصور وعمارات سلاطین صفویه ویران گردید.[۴] و دبیرستان‌کنونی سعدی درقسمتی‌ازجای‌آن قرار دارد.

۶ ـ عمارت اشرف:

این عمارت‌که بسیار مفصل و ازجمله‌آن تالار اشرف بوده است‌که منقش و مذهب بود و قسمتی از آن تجدید عمارت‌گردیده و فعلاً محل اداره آموزش وپرورش اصفهان است[۵] ولی بقیه‌آن ازبین رفت .

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۲۲ . ۲ـ جغرافیای اصفهان ص۲۴. ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۰ . ۴و۵ـ آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۱۱۳

۷ ـ عمارت بزرگ صفوی معروف به صدری :

این عمارت نیز درسال یکهزاروسیصدونوزده هجری خراب‌گردیده است.[۱]

۸ ـ حمام خواجه‌های صفویه:

ساختمان این حمام بسیار شگرف بود و در سال ۱۲۹۹ هجری خراب گردید. [۲]

۹ ـ حمام چهارباغ اصفهان :

این حمام نیزکه از زمان صفویه و در خیابان چهار باغ عباسی واقع بود در ۱۳۱۱ هجری خراب‌گردید. [۳]

۱۰ ـ عمارات ملکشاهی:

قصور و خانه‌هائی بوده‌که دارای‌حمام واصطبل وصدها میدان وباغ وبوستان وهرکدام ازآنها مسکن امیری بزرگ وسپهسالاری عالی‌مقام باخیل وحشم ودواب و اسباب بوده و دوهزار ازآن قصوروخانه‌ها ازآن ارکان دولت ومحتشمان‌و وزرای سترك و پیشوایان و زعماء بوده‌که درهریك حجرات معمور و تالارهای فاخر بوده است . [۴]

۱۱ ـ حمام امین‌الدوله:

این حمام درکنارچهارباغ اصفهان واقع و تا سال ۱۲۹۵ هجری دائـر و از حمامهای دوره صفویه درجه دوم بوده است . [۵]

۱۲ ـ حمام حاتم‌بیك:

این حمام در خیابان شاه‌عباس اصفهان و درسه راه ملك واقع بوده‌است. [۶]

۱۳ ـ حمام قاراخان :

این حمام‌که مربوط بزمان صفویه و در اول چهارباغ نزدیك‌کوچه‌امامزاده

۱ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۱۱۴
۲- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۷۷
۳- آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۹۰
۴ـ محاسن اصفهان ص ۸۳.
۵و۶ـ تاریخچه ،محله خواجو ص۷۱

باقر واقع بوده درسال ۱۳۳۶هجری بدست متولی آن خراب گردیده است .[۱]

۱۴ ـ حمام سرچهارراه :

این حمام درمحله تلواسکان اصفهان قرار داشته ومربوط بزمان صفویه‌بوده است . [۲]

۱۵ ـ حمام محمد صالح :

این حمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع بوده است. [۳]

۱۶ ـ حمام سارو تقی : درمحله عباس آباد. [۴]

۱۷ ـ حمام درقهوه :

این دوحمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع و مربوط بزمان صفویه‌بوده است. [۵]

۱۸ ـ حمام آقاتیمور :

این حمام نزدیك باغ مراد واقع و مربوط بزمان صفویه بوده است. [۶]

۱۹ ـ حمام چادردوز:

این حمام مربوط بزمان صفویه ودرکوچه‌گاریچیان نزدیك چهارسو نقاشی که اکنون خیابان شاه‌عباس میباشد واقع بوده است. [۷]

۲۰ ـ حمام درویشان :

این‌حمام نیز درنزدیکی‌تکیه بکتاش درمحله خاجوی اصفهان واقع‌ومربوط بدوره صفویه بوده است. [۸]

۲۱ ـ حمامهای روغنی :

این دوباب حمام‌که یکی‌کوچك و دیگری بزرگ در محله خاجوی اصفهان واقع واز احداثات دوره صفویه بوده‌است.[۹]

۱و۲و۳و۵و۶و۷و۸و۹ــ تاریخچه محله خواجو ص۷۱

۴ـ تاریخچه محله خواجو ص۶۷

۲۲ ـ کاروانسراهای بی‌نقابان :

هفت‌کاروانسرا بودکه در زمان شاه‌عباس بزرگ برای‌زنان روسبی تعیین‌شده بودکه درآنها سکونت‌کنند و این کاروانسراها اختصاص بزنان روسبی داشته که مالیات دیوانی میپرداخته‌اند ومحل‌آن در اصفهان در محله‌ای بنام محله بی‌نقابان و پشت باغ شرکت هندوهلند قرار داشته است. [۱]

۲۳ ـ تکیه دولت صفوی :

این عمارت‌ازبناهای صفویه وفضای‌آن متوسط و وسعتش‌کمترازسایرعمارات عالی و دارای تالار و ایوانها وبالاخانه‌ها و طاقنماهای بسیارخوب ومرغوب‌وحوضی بسیاربزرگ واقع درجلو تالار و سایرملزومات عمارات دولتی درآن جمع‌بوده واز قدیم‌درآنجا تعزیه خامس‌آل‌عبا علیه‌السلام‌برپا میشده‌است وپس‌از بنای‌تکیه‌جدید در زمان حکومت ظل‌السلطان‌آن تکیه متروك و روبویرانی‌گذارده است. [۲]

۲۴ ـ عمارت دارالنظاره آشپزخانه وشربتخانه :

این عمارت‌که برای نظارت در امورآشپزخانه و شربت‌خانه ساخته شده بود مشتمل بر انبار وخلوتهای تودرتوی نشیمنگاه و باغ بزرگ عقب‌آن بسیار مرغوب بوده [۳]که از بین رفته است.

۲۵ ـ میدان چهارحوض صفوی :

این میدان درمقابل عمارت تیموری (باشگاه فعلی افسران) قرار داشته و از طریق بازار مسگران بمیدان شاه مربوط میگردیده است، سابق براین‌چهارحوض درچهارجای‌آن واقع ومحل سکونت یك‌فوج سربازبوده‌است میدان مزبوربمنزله جلوخان عمارات دولتی و دارای سردری مرتفع وعالی مشتمل برجاهای خوب و نیکو بوده ولی بتدریج ازبین رفته وصورت دیگری بخودگرفته است. [۴]

۱ـ زندگانی شاه‌عباس بزرگ ج ۳ ص۵۶ ۲ـ جغرافیای اصفهان ص۲۲
۳ـ جغرافیای اصفهان ص۲۳ ۴ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان ص ۸۳۱

۲۶ـ عمارت چهارسو نقاشی :

این عمارت در راسته بزرگ میان محله خاجو و محله حسن آباد در وسط بازارچه چهارسو نزدیك جهارباغ صدری اصفهان واقع و دارای کمال زینت و آراستگی، اطراف و نماهای آن بصورت سلاطین و بعضی از پهلوانان مصور بوده است، در زمان ظل السلطان نقاشیهای آن چهارسو را تغییر و نام بازارچه را به رکن آباد تغییر دادند زیرا رکن الملك نایب الحکومه اصفهان متصدی این تعمیر بوده است. (۱)

چهارسو نقاشی همان چهارسوی اسفندیار بیك است که در اثر مرور زمان و داشتن نقاشیهای گوناگون بدیع به چهارسو نقاشی معروف و اخیراً درمسیر خیابان شاه عباس واقع و خراب گردیده است. (۲)

۲۷ ـ تکیه بکتاش :

این تکیه دراصفهان درچهارباغ کهنه واقع وقریب هشتاد جریب باغ واراضی اطراف آن برای دستگیری واعانت فقرای دراویش وتعمیرات بقعه وقف شده بوده و با وجود فرمانهای متعدد ازسلاطین صفویه چون شاه سلطان حسین و شاه طهماسب وسلاطین قاجاریه چون فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه املاك آنرا ازبین برده و حتی بقعه را نیز تبدیل بمغازه کرده اند.

دراویش بکتاشیه منسوبند به حاج بکتاش ولی که درقرن نهم میزیسته ودر ۸۶۰ هجری در روم ساکن بوده وپس از وفات درقریه بکتاش ولی میان قونیه وقیصریه مدفون گردیده است. (۳)

۲۸ ـ عمارت کتابخانه صفوی :

این ساختمان پشت عمارت نمکدان صفوی دراصفهان واقع بوده که شاردن (۴) کتابهای آن کتابخانه را درحدود پانزده هزار جلد گفته وعمارت مزبوررا ضمن توصیف طالار طویله چنین بیان کرده: در دوسمت این طالار اطاقهای بزرگ است، در یکی

۱ـ نصف جهان درتعریف اصفهان ص۵۲ ۲ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۵

۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۸ ۴ـ مرآت البلدان ج۴ بنقل از سفرنامه شاردن

از این اطاقها کتابخانه پادشاه است و میرزا مقیم کتابدار است، میرزامقیم در ۱۸۵۰ مسیحی مطابق ۱۰۶۸ هجری بسفارت هندوستان مأمور شده‌بود درکتابخانه تقریباً پانزده هزار جلد کتاب بنظرم آمد و اغلب بزبان ترکی و عربی بود و فارسی کمتر داشت از میرزامقیم پرسیدم بزبان فرنگی کتابی درکتابخانه پادشاهی هست یا نه دوصندوق بمن نشان‌داد، درهرصندوقی شصت‌هفتادجلدکتاب‌بود یکی‌ازاین‌صندوقها کتبی بودکه ازکلیسای هرمز بغارت‌آورده بودند واین‌کتابها غالباً بزبان فرانسه یا آلمانی بود واطاقی دیگرمحاذی‌کتابخانه رختدارخانه است‌که هیچکس را درآن راه نمیدهند.

۲۹ ـ طویله خورشید :

این عمارت نیز جزء طالارطویله بوده است.

۳۰ ـ عمارت اصطبل کالسکه :

این ساختمان نیز در داخل طالار طویله بوده‌است.

۳۱و۳۲ ـ عمارت فردوس وعمارت میهمانخانه :

این‌دوساختمان‌درحرمخانه‌صفویه دراصفهان‌واقع بوده وزنانی‌که‌ازحرمسرای سلطنتی بشوهر میرفته‌اند درموقع ورود مجدد بحرمسرا در آن عمارت اقامت میکرده‌اند. (۱)

۳۳ ـ عمارت گمرك صفوی :

این عمارت محل فیصله امورگمرکی اصفهان بوده و دراین تاریخ محل آن بانك‌گردیده است. (۲)

۳۴ ـ سقاخانه عزیزالله : (۳)

این سقاخانه در وسط چهارسوی بازار مقابل دربزرگ ورودی مسجد جمعه اصفهان واقع و دارای سنگابی بوده وآن سنگاب پس از ویرانی سقاخانه در نیمه

۱ـ سفرنامه شاردن ۲- آگهی شهان از کار جهان ج۳ ص۹۱ و۹۲

۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۴۶.

نخست قرن چهاردهم درگوشه‌ای ازمسجد عمر نگهداری شده است کتیبه سنگاب حاکی‌ازآن‌است‌که سنگاب مزبور بوسیله عزیزالله نامی در زمان شاه‌سلیمان‌صفوی درآن محل نصب‌گردیده‌است.

کتیبه سنگاب بخط نستعلیق برجسته چنین میباشد:

«نظام داد عزیز این بنای عالی را بعهد خسرو اقلیم دین سلیمان‌شاه»

«سقی‌الله‌ثراه وجعل‌الجنة مأویه»

«زبهرخیر تراشید سنگ‌آب زلال که‌بریزیدتوان‌کرد لعن‌خاطرخواه»

«رقم زد از پی تاریخ خامهٔ مسعود: «سبیل بـاد سقاخانـه عزیزالله»

درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان سال تاریخ مطابق شعرمزبور یکهزاروهشتاد وهفت (۱۰۸۷) تشخیص داده شده ولی این تشخیص بنظر نگارنده درست نیست و سال تاریخ برطبق حروف تهجی‌که در کتابت‌آمده یکهزار و هشتاد وشش (۱۰۸۶) میباشد، زیرا ملاك حروف مکتوبه است نه ملفوظه.

۳۵ ـ گنبد دروازه طوقچی :

این‌گنبدکه بوسیله سلاطین دیالمه بر دروازه طوقچی اصفهان ساخته شده بود در سال۱۳۴۲هجری بوسیله شهرداری اصفهان بمنظور ایجاد خیابان‌های‌حافظ و هاتف خراب گردید. (۱)

۳۶ ـ گنبد مهرارت :

این‌گنبدکه درحوالی شهراصفهان واقع و در زمان ملکشاه سلجوقی عمارتی باشکوه وچنان جالب بوده‌که اگر از بالای‌آن چشم میانداختند منظره جالبی را تماشا میکردند بخصوص باغهائی‌که ملصق بآن بودآن عمارت را بسیار زیبا جلوه میداد وناظررا در دیدن‌آن خیره‌میکرد وآواز پرندگان وصفیر مرغان‌گوش‌رالذت نیوش می‌بخشید ولی مرورزمان چنان آن بنیان را برافکندکه نشانی از آن باقی نیست. (۲)

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۰۰. ۲ـ محاسن اصفهان ص۵۳.

۳۷و۳۸ ـ کوذکرت و نفاده :

این دوعمارت نیز در اطراف شهر اصفهان واز ساختمانهای باشکوه و جالب و دارای بستانهای پراز درخت و ریاحین وگلهای گوناگون بوده‌است واکنون‌نشانی جز نام ندارند. (۱)

۳۹ ـ عمارت خسروخانی صفوی :

۴۰ ـ کاروان‌سرای صفوی:

۴۱ ـ خلوت سرپوشیده صفوی:

۴۲ ـ خلوت آبدارخانه صفوی :

۴۳ ـ عمارت‌گلشن صفوی:

این پنج عمارت نیز از ساختمانهای دوره صفویه بوده‌که بمرورزمان ازبین رفته است. (۲)

۴۴ ـ عمارت پست خانه :

این عمارت نیز که از دوره صفویه بوده تبدیل ببانك شده است. (۳)

۴۵ ـ عمارت بیمارستان درویشان :

این بیمارستان درمحله حسن‌آباد خاجوی اصفهان درنزدیکی‌مسجدومدرسه وحمام درویشان از احداثات اوزون‌حسن واقع و در زمان سیاحت شاردن‌فرانسوی (۱۰۶۷ه.ق) دائر بوده ولی اکنون نشانه‌ای ازآن نیست. (۴)

۴۶ ـ عمارت بیگلربیگی :

این ساختمان را صدر اصفهانی روی پل خاجوی اصفهان بنا کرد و در سال ۱۳۱۰هجری‌آنرا خراب‌کردند. (۵)

۴۷ ـ قلعه شهر:

قلعه‌ای بوده‌که در زمان ملکشاه سلجوقی در شهر اصفهان ساخته شده است

۱ـ محاسن اصفهان ص۵۳ ۲و۳- تاریخ اصفهان و ری وآگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۹۱ـ۹۲. ۴ـ تاریخچه‌محله خواجو ص۱۳ ۵- تاریخچه محله‌خواجو ص۱۹

و اکنون اثری ازآن باقی نیست. [۱]

۴۸ ـ نقاره‌خانه شهرستان :

این نقاره‌خانه‌که درشهرستان (جی‌قدیم)اصفهان واقع بوده بمرورزمان‌ازبین رفته است. [۲]

۴۹ ـ قلعه شهرستان :

این قلعه نیز درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع‌بوده‌که بمرورزمان‌تبدیل به تل خاکی شده است. [۴]

۵۰ ـ حمام شیخ‌ابومسعودرازی :

این حمام در محله درشیخ‌اصفهان در مجاورت مسجد و بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفی (۲۵۸ه.ق) واقع بوده و درقرن سیزدهم بفتوای یکی‌از علمای زمان ظاهراً سیدصدرالدین عاملی ویران شده‌است. [۵]

۵۱ ـ خانه برّ :

خانه‌هائی بوده در دوره صفویه در شهراصفهان‌که عددآن چهل واز واردان در مدت سه روز پذیرائی میشده است. [۶]

۵۲ ـ دارالشفاء :

بیمارستانی بوده دراصفهان‌که درنزدیکی قیصریه واقع میشده است[۷]وبازار متصل بآن هم معروف ببازار دارالشفاء میباشد که بازار رنگرزها بوسیله بازار ترکش‌دوزها بآن منتهی میشود [۸]

۵۳ ـ عمارت رختدارخانه:

محلی بوده درعمارات دیوانی اصفهان‌که درآنجا در زمان صفویه خلعتهائی

۱ـ اصفهان جوانان ص۸۸ ۲و۳و۴ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۹۳.
۵ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۴ . ۶ـ الاصفهان ص۷۵ . ۷ـ تذکره نصرآبادی ص۲۳۸ . ۸ـ بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۹ .

که بمردم میداده‌اند نگهداری میشده است. [۱]

۵۴ ـ عمارت رختدارخانه‌خاصه :

جائی‌بوده درعمارات دیوانی‌صفویه‌که درآن‌لباسهای خصوصی‌سلاطین‌صفویه در اصفهان نگهداری میگردیده است. [۲]

۵۵ ـ بیمارستان ورنوسفادران :

این بیمارستان در ورنوسفادران از دهات سده اصفهان بوده‌که ساکنان محل آنرا بن‌اصفهان میخوانند، بیمارستان مزبور در زمان صفویه درقرن یازدهم دائر بوده ولی دراین تاریخ اثری ازآن نیست. [۳]

۵۶ ـ تکیه درویش محمد صالح :

درویش‌محمدصالح چندی درمسجدلنبان اصفهان تکیه‌ای داشت وسپس‌بامر شاه‌عباس ثانی برای او تکیه‌ای درکنار نهر طاق‌نما بنا کردند و درویش مزبور در آن تکیه اقامت داشت تا پس‌از اندك مدتی فوت ودرهمان تکیه مدفون شد، زمین تکیه را برحسب امر شاه‌عباس ثانی جبراً از رئیس اویس لنبانی خریدند و تکیه با صفائی ساختند . این تکیه‌که در قرن یازدهم دائر بوده اکنون اثری از آن نیست . [۴]

۵۷ ـ تکیه درویش‌صادق:

این تکیه را مرتضی‌قلیخان حاکم بندرعباس هنگامیکه دراصفهان‌بود برای درویش‌صادق که مرد درویش و بیچاره‌ای‌بود در مزار بابارکن‌الدین اصفهان‌بساخت

۱و۲ـ گنج‌دانش ص۲۵. ۳ـ تذکره نصرآبادی ص۳۲۳.

۴ـ درویش محمدصالح‌که مردی وارسته و درویش بوده طبع شعرهم داشته‌واشعاری میسروده است. از اشعار او است:

مطرب جان مینوازد سازها میرسد در گوش جان آوازها
بانگ طبل باز آن شه شد بلند میطپد دل در سر شهباز ها
بـکه ناز نـازنینان میکشم میکنم بر نـازنینان ناز هـا

(تذکره نصرآبادی ص۲۱۰).

و درآنجا زندگی میکرد، شعر کمتر از او شنیده میشد مگر این شعر:

دل خانه خداست مکن وقف چون مزار　　این خانه را بصاحب این خانه واگذار[1]

۵۸ ـ تکیه باباحیدر :

این تکیه را شاه عباس کبیر برای باباسلطان قلندر متخلص به لوائی از درویشان وقلندران وارسته در خیابان چهارباغ اصفهان بنانمود ومقرری نیز برای او تعیین کرد که بموجب آن اعاشه میکرد.

وی درحدود سال ۱۰۷۰ هجری وفات کرد و بابائی تکیه مزبور به باباحیدر انتقال یافت ، باباحیدر نیز بفاصله اندکی فوت و بابائی آن تکیه به پسرش باباصفی محول شد آنهم درسن جوانی بدرود حیات گفت وبرادرش بابارضی که درویشی وارسته بود عهده دار گردید.[2]

۵۹ ـ تکیه فیض :[3]

تکیه ای بوده که در سال یکهزاروشصت وهشت هجری بامر شاه عباس دوم در اصفهان بنا شده و میرزا مؤمن نصرآبادی ماده تاریخ آن بنا را چنین گفته:

چون ساخت شهنشاه جهان تکیه فیض　　شد اهل صلاح را مکان تکیه فیض

مؤمن تاریخ سال اتمامش گفت :　　«خالی است زنا مقیدان تکیه فیض»

۱۰۶۸

تکیه فیض دیگری نیز دراصفهان وجود داردکه علیمرادخان زند برای فیضعلیشاه اول ساخته است، وتا۱۱۹۴هجری که وفات یافت درآن تکیه مقیم وپس از وفات نیز درآنجا مدفون گردید.[4]

۱ـ تذکره نصرآبادی ص۲۱۱.　۲ـ باباسلطان قلندر علاوه بردرویشی وقلندری، مردی شاعر بود وگاهی بسرودن شعر مشغول میگردید از اشعار اواست:

قطعه

لوائی نیست شاد از وصل امروز　　چو هجران خواهدش افسرد فردا

چه باشد حال بیماری که امروز　　یقین داند که خواهد مرد فردا

تذکره نصرآبادی ص ۲۸۴.

۳ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۸۶ .　۴ـ تذکرة القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۴۶۱ .

۶۰ ـ بقعه محمد بیك :

این بقعه درمزار بابارکن‌الدین اصفهان در قرن یـازدهـم دائر بوده است و ملاعلی حبش[۱] که از احفادبلال مؤذن حضرت رسول صلی‌الله علیه‌وآله بوده پس‌از وفات (۱۰۷۰هـ. ق) درآن بقعه مدفون‌گردیده است .

۶۱ ـ قهوه‌خانه جنب دارالشفاء :

در دوره صفویه قهوه‌خانه مرکز فضلاء وشعراء و بزرگان بوده وبهمین‌جهت شاه‌عباس‌کبیر بسیار اتفاق افتاده‌که بقهوه‌خانه‌ها نزول‌کرده واغلب قهوه‌خانه‌ها بامر سلاطین بنا میشده‌است.

این قهوه‌خانه درنزدیکی‌دارالشفای‌قیصریه‌یعنی‌بیمارستانی‌که دربازارقیصریه بوده واقع میشده است و در آنجا شعراء و ادباء و موزونان و عرفاء و دوستداران آنان مجتمع میشده‌اند و ببحث و گفتگو و مشاعره و مناظره میپرداخته‌اند.[۲]

۶۲ ـ قهوه‌خانه شمس تیشی :[۳]

این قهوه‌خانه را شاه‌عباس‌کبیر دستور داده بودکه در خیابان چهارباغ برای شمس‌تیشی‌که از اواسط الناس و مردم شیراز بود و درعلم موسیقی وآواز وارد بود بسازند و درکنارآن شرابخانه هم دائرکردندکه هرکس در میخانه او شراب‌بنوشد مهری درکف دست‌او بزنند تا ملا زمان‌داروغه متعرضش نشوند، ازاین قهوه‌خانه‌هم اکنون اثری نیست.[۴]

۱ـ ملاعلی حبش مردی فاضل وکریم الطبع و شاعر بود،در اوان جوانی درمشهدمقدس بتحصیل مشغول بود و در اواخر عمر بقضای مازندران اشتغال داشت ولی بیشتر اوقات را با شعراء و موزونان صرف میکرد، دربدو امردانش و درآخر جاوید تخلص میکرد. از اشعار او است:

مجنون‌که‌خویشرابجهاندوشناس‌کرد پنداشت عاشقی نتوان در لباس کرد

تذکره نصرآبادی ص۳۷۴.

۲ـ تذکره نصرآبادی ص۳۲۶. ۳و۴ـ شمس‌را ازآن جهت تیشی میگفتندکه درلباسش شپش بسیار بود و درشیراز به شپش تیش میگویند . شمس علاوه براینکه درموسیقی وعمل آن‌وارد بود وبهمین‌جهت هم مورد توجه شاه عباس واقع شده‌بود تصنیف میساخت وشعر هم میگفت : از تصنیفانش :

←

۶۳ ـ قهوه‌خانه بابافراش :

این قهوه‌خانه در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع ودرآن‌انواع‌بازیها و سرگرمیها موجود بوده و پسربچه‌های خوب رو برقص میپرداخته‌انـد و ظاهراً اینگونه قهوه‌خانه‌ها با همراهی شاه‌عباس اول دائر میشده است و بیشتر اهل دل و صورت‌پسندان وشعراء میعادگاه آنان قهوه‌خانه‌بوده‌است.[۱] اکنون از این قهوه‌خانه اثری نیست .

۶۴ ـ قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی :

قهوه‌خانه بزرگی بوده در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان و دارای‌طاقنماها و شاه‌نشینهاکه با قالی وفرشهای دیگرمفروش‌میشده و نشیمن مشتریان‌وتماشاگران بود وهمه درآنجا برزمین می‌نشستند. شبها چراغهای فراوان برسقف میآویختند و درمیان قهوه‌خانه هم حوض بزرگی‌بودکه همیشه آب پاك وروشن ازاطـراف آن میریخت، و درشب از انعکاس نورچراغهاچون‌آسمانی‌پرستاره بنظر میرسید صاحب قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی بود، ازاین قهوه‌خانه هم اکنون اثری نیست.[۲]

۶۵ ـ قهوه‌خانه طوفان :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وبکمك‌شاه‌عباس اول دائر شده بود و بسبب وجودجوان خوب‌روئی بنام (طوفان) که درآنجا خدمت میکرد شهرت یافته بود. شاه‌عباس نیز گاه‌بگاه بآنجا میرفت. ازجمله شاعرانی‌که باین قهوه‌خانه دلبستگی داشته‌اند یکی‌رشیدای‌زرگرتبریزی ودیگری‌مظفرحسین کاشی‌لنگ شاعروطبیب خوشنویس بوده است. شاعر اخیر(مظفرحسین) این‌رباعی

→

ای خال و خط و زلف توآرایش دیده ای دیده بسی دیـده و مثل تو ندیده

ازاشعار اواست : رباعی:

ای شیخ توخبث جام احباب مزن خود را بدم گرم می‌ناب مزن

زاهد تو بافسردگی خویش بـاز چون بار تو کاغذ است برآب مزن

(تذکره نصرآبادی ص۱۴۷ - ۱۴۸)

۱ـ زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۳۶ . ۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۵.

را برای طوفان قهوه‌چی سروده و درآن به لنگی خود اشاره‌کرده است :

درقهوه طوفان‌که سر خوبان است　　سه عاشق پا شکسته سرگردان‌است
آن رفت مظفر که سمندر بودی　　مرغابی شو که کار با طوفان‌است

وچون بمنظور پاکش توجه نمیکرد و با رقیبان شاعر محبت میکرد از او رنجیده و رباعی دیگری‌گفت :

بد باطن و چاپلوس میباید گشت　　خواهان کنار و بوس میباید گشت
حیف‌است چو پروانه‌بگردت‌گشتن　　برگردتوچون خروس‌میباید‌گشت[1]

۶۶ ـ قهوه‌خانه عرب :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع و درآن‌مردمان مختلف جمع و معمولاً پسربچه‌هائی برقص‌میپرداختند وانواع سرگرمیها وبازیها دائر بود.[2] این قهوه‌خانه‌هم درقرن‌یازدهم دائربوده و در تذکره نصرآبادی‌آمده که روزی شاه‌عباس اول وارد این قهوه‌خانه شد و ملا شکوهی همدانی خوشنویس نستعلیق باتفاق میرآگهی درقهوه‌خانه بودند ، از ملاشکوهی پرسیدکه‌توچکاره‌ای؟ جواب داد شاعرم، شعر از اوخواست این‌شعررا خواند :

ما بی‌دلان بباغ‌جهان همچو برگ‌گل　　پهلوی یکدگرهمه‌درخون‌نشسته‌ایم

شاه تحسین‌کرده وگفت : عاشق‌را به‌برگ‌گل تشبیه‌کردن اندکی ناملایم‌است این شعر نیز از اوست:

چشم بددورکه در گشت گلستان وصال　　دست‌بردوش‌هم‌انداخته‌چون‌برگ‌گلیم[3]

ز ـ مناره‌هائی‌که بعد ازاسلام احداث واکنون جز نام‌نشانی ندارند:

۱و۲ ـ دومناره دشتی :

این دو مناره در دوطرف‌گنبد مغولی مسجدجامع دشتی در حدود دوازده کیلومتری جنوب زاینده‌رود واقع بوده وچون مسجد نیز روبویرانی است مناره‌ها بکلی از میان رفته است.[4]

۱و۲ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۶.　　۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۳۹.
۴ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۰۱

۳ ـ مناره شهرستان :

این مناره در مجاورت بقعةالراشدبالله وپل قدیمی شهرستان در اصفهان‌واقع و از بناهای دوره سلاجقه بوده‌که درعداد مناره‌های زیبا وجالب اصفهان بشمار میرفته. طبق‌اوصافی‌که باستان‌شناسان ازآن‌کرده‌اند دارای دوپلکان بوده‌که‌ازیکی بالا میرفته‌اند واز دیگری فرود میآمده‌اند وازلحاظ معماری نیزدارای‌تزیینات و نقوش عالی چون مناره مسجدعلی و ساربان بوده وسیاحان بخصوص سیاحان قرن اخیر ازآن توصیف‌کرده‌اند. [۱] وبرخی‌آنرا[۲] بنام مناره شهرستان و دیگری شاه رستم یادکرده‌اند.

این مناره را بطمع آجرهایش درسال ۱۳۳۳هجری عمداً خراب‌کردند.

۴ ـ مناره پاشاخ :

این‌مناره درشهراصفهان درمحله‌ایکه‌بنام پاشاخ‌معروف‌است درزمان‌شاه‌عباس ازکله شکار ساخته شده وکنایه ازکثرت شکار بزکوهی بوده[۳] که در یکروز شکار شده است. [۴]

۵ـ مناره کله :

مناره‌ای بوده که در زمان تیمور از کله مردم ساخته بوده‌اند و محل آن بازارچه اسماعیل‌کوسج بوده‌است. [۵]

۶ ـ مناره خواجه علم :

این‌مناره درآخرمحله‌گلبار اصفهان بطرف‌شمال واقع ومرتفع وکمی‌ازمناره مسجدعلی‌کوتاهتر بود[۶] و دراوائل نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط‌کرد. [۷] این مناره بشماره ۹۹ـ۱۰۱۱۵/ ۱۳۱۰ بثبت رسیده بود .

مناره مسجدعلی درحدود پنجاه متر وقطرتنه‌آن درنزدیکی زمین ۶ متر و

۱ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۱۰. ۲ـ سمیث باستان‌شناس. ۳ـ سیاحت‌نامه شاردن فرانسوی ۴ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص۲۹۷. ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۳۳. ۶ـ نصف‌جهان ص۳۲. ۷ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۶.

کلفتی دیوار خارجی ۱/۴۵ متر وقطر ستون گرد درونی یادکل مناره ۱/۶ متر میباشد[۱] وبااین ترتیب مناره خواجه‌علم در حدود چهل‌وپنج متر ارتفاع داشته است.

۷ ـ مناره مسجد امام‌حسن اردستان :

این مسجدکه درمحله‌کبودان اردستان واقع شده دارای دومناره‌بوده‌که‌یکی ازآن دوبکلی‌ازمیان رفته وازدیگری مقداری برجا است.[۲]

۸ ـ مناره‌های مسجد کاج :

این مسجدکه در۲۵کیلومتری اصفهان واقع واز بناهای قرن هشتم هجری میباشد دارای مناره‌هائی بوده‌که در این تاریخ اثری ازآن‌ها نیست.[۳]

۹ ـ مناره های مسجد جوجو :

این دومناره‌که بمسجد جوجو یا جورجیر ویا جامع صغیر اصفهان متصل بوده و در قرن چهارم‌آباد بوده برحسب مرورزمان و بروز حوادث از بین رفته است.[۴]

۱۰ ـ مناره شاه رستم :

این مناره درمجاورت پل شهرستان اصفهان واقع بوده‌است و بعضی‌گفته‌اندکه این مناره و مناره شهرستان یکی است.[۵]

ح ـ رباطها و ساباطها و کاروان‌سراها و قلعه‌ها و برجها :

۱ ـ رباط اردستان :

این رباط را سیدرکن‌الدین‌محمدیزدی متوفی(۷۳۷ه.ق)هنگامی‌که‌اردستان ونطنز یك واحد جغرافیائی بود بناکرد ولی‌آثاری جزنام ازآن رباط نیست.[۶]

۲ ـ رباط زبرقند :[۷]

کلمه‌زبرقند بتعابیر: جوگند وزفرقندنیز استعمال میشود، باین‌کیفیت‌که‌در

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۳۳. ۲ ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۲۰.
۳ـ فهرست‌بناهای تاریخی‌واماکن باستانی‌ایران ص۳۵ ۴ـ تاریخ‌اصفهان وری‌ص۲۲۴
۵ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ ۶ و۷ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

دفاتر دیوانی ونوشتجات واسناد زفرقند مینویسند ومردم‌خود محل وعوام جوگند تلفظ میکنند ولی از مفاد وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی معلوم میگرددکه‌در قرن‌هشتم زبرقند تلفظ میشده وآنهم‌معرب زبرکند است و شاید وجه‌تسمیه‌اش‌آن باشدکه شهر اردستان در پائین دره و زبرکند دربالای‌آن دره واقع میباشدوازاینرو با این نام مناسبت دارد.

این رباط در بیرون دیه زبرقندکه جزء روستای برزاوند اردستان‌میباشد[1] بناگردیده و سیدرکن‌الدین محمد یزدی بانی‌آن ـ رباط راکه ازمال خالص خود بوده وقف بر عابران و واردان و صادران که متصف بصفت صلاحیت وعفاف‌باشند واز فسق‌وفجور ومناهی دوری‌کنندکرده ومطالبه حق‌السکنی و نزول‌واخذومطالبه هرچیزی را ولو بقدر دانه‌ای باشد حرام‌کرده است.

از موقوفات آن رباط است: نصف‌وثلث تمام شایع درجماعت قریه مسماة به خوقندکه محتاج بتعریف نیست باتمام لواحق ومضافات وچشمه‌ها وباغها و اشجار و اراضی بائر ودائرو بیوت وقلاع واصطبل ومزابل وطواحین. وشرط‌کردکه‌متولی در ابتداء عمارت رقبه را بجاآورد وسپس بعمارت رباط بپردازد وآنچه زیاد آمد صرف اطعام مسافران‌کند(باشرطی‌که برای مسافران تعیین شده) وخرج سفر آنان در هرسال ۳۶۶۰ من از دونوع‌که درهر روز ده من ومبلغ ۳۶۰دینار وجه‌رایج در هرروزی یك دینار و مقدار دوهزار من انگوررنگین بتفرقه بر طبق مصلحت دید متولی است. وبکسی‌که مراقب مسافران است سالی ۷۲۰ من از دونوع غله بدهد. و دیگراینکه ۹۶ دینار و$\frac{1}{2}$ دینار مقرری واقف از متوجهات املاك بهائیه نطنز صرف رباط زبرقندشود، ونیز۶۵ دیناری‌که ازمتوجهات ضیاع‌نطنزدرقریه‌جوشقان بنام متولی ثبت است بمصرف رباط مزبور برسد.

و چنانچه رباط زبرقند خراب شد واعاده‌آن ممکن نشد موقوفات‌آن‌خرج رباط نه‌گنبدان شود، واگرآن هم‌خراب شد خرج رباط نیستانه‌گردد.

۱- آتشکده اردستان بخش۱ ص ۱۳۸.

در زمان حاضر دو رباط در دیه مزبور یکی بنام شاه‌عباس‌که در حال انهدام است و دیگری بنام تاجر یزدی‌که نام‌آن مجهول است ومورداستفاده است قراردارد وآنچه‌که در وقفنامه سیدرکن‌الدین‌یزدی مقررگردیده اثری ازآن در رباطهای فوق‌الذکر مشهود ومحسوس نیست و علی‌الاصول باید چنانچه دروقفنامه اشعارشده آن رباط سیدرکن‌الدین‌محمد خراب گردیده و موقوفات آن درجای دیگر صرف شده است.

۳ ـ ساباط دروازه اصفهان :

بقعه‌ای بوده بطور ساباط‌که سیدرکن‌الدین محمد یزدی متوفی (۷۳۷ه. ق) درخارج شهر اصفهان در دروازه نزدیك مزار علی‌بن‌سهل‌صفوی اصفهانی بناکرده و اکنون نشانی ازآن نیست. [۱]

۴ـ کاروان‌سرای سبة :

کاروان‌سرائی‌بوده درشهر اصفهان‌که‌اسماعیل‌بن‌بکیر صاحب‌آن معاصر اصمعی ومحمدبن‌عیسی مقری بوده است واین بناکه در اوائل قرن پنجم دائر بوده کنون اثر ونشانی ندارد. [۲]

۵ ـ برج ساعت :

این برج درقسمت جنوبی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تقریباً مقابل عمارت عالی‌قاپو واقع شده بوده وآن را سیاحان فرانسوی برج ساعت مینامیده‌اند . برج مزبور برای سرگرمی شاه‌عباس دوم ساخته شده بود و درون‌آن ماشینهای‌مکانیکی قرار داشت که ساعات شبانه روز را نشان میداد ، هروقت‌که این ساعت زنگ‌میزد فوجی از مجسمه‌ها مانند عروسکهای خیمه‌شب‌بازی و حیوانات‌گوناگون بیرون میآمدند و مانند سربازان بتمرین نظامی میپرداختند. این ساعت را صنعتگران اروپائی‌که در دربار شاه‌عباس دوم اقامت داشتند برای او ساخته بودند. [۳]

۱ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی. ۲ـ ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴.
۳ ـ سیاحت‌نامه هانری رنه آلمانی ترجمه فره‌وشی .

۶ ـ عمارت چراغ‌خانه :

این‌عمارت محلی بوده دراصفهان در دیوانخانه صفویه‌که امورچراغ در آن انجام و چراغها در آن نگهداری میشده است. [۱]

۷ ـ کاروان‌سرای گیلك :

کاروان‌سرای کوچکی بوده در اصفهان‌که مرکز معاملات سوداگران و مردم گیلان بوده است. [۲]

۸ ـ خان‌کاشیان :

کاروانسرائی بوده‌که درقرن یازدهم در اصفهان دائر و مسافرانی کـه مردم کاشان بوده‌اند درآن منزل میکرده‌اند از این‌کاروانسرا اثری باقی نیست. نوراولد خواجه محمدحسین‌کاشی متخلص به‌نجیب از شعراءِ درآن کاروانسرا بزازی‌داشته و از اشعار او است:

از بدی نتوان رهائـی داد ظلم انـدیشرا
بسته باچندین‌گزد برخویش‌عقرب نیش‌را[۳]

۹ ـ کاروان‌سرای نقش‌جهان :

این سرا از بناهای شاه‌عباس بزرگ و یا یکی‌از جانشینان اوبوده‌که تااوائل سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وجود داشته است ودرعهدشاه مزبور چون بمرورزمان ویران وغیرقابل تعمیربوده بوسیله ظل‌السلطان تبدیل به میدان سربازی و موسوم به میدان ناصری‌گردیده است.

این‌کاروان‌سرا مشتمل‌بود برصحنی‌وسیع‌و دوطبقه وحجرات‌بزرگ ومحتوی برچهار در و چهار دهلیز که در هر دهلیز حجرات و دوتیمچه داشت وهریـك از تیمچه‌های هشتگانه‌آن بقدرکاروانسرای متعارفی وسیع بود. خلاصه کاروانسرائی بخوبی‌آن درهمه ایران بلکه جهان نبوده است. [۴]

۱ـ گنج دانش ص ۲۵ . ۲ ـ زندگی شاه عباس ج۲ ص ۲۸۹ . ۳ ـ تذکره نصرآبادی ص۳۷۲. ۴ـ جغرافیای اصفهان ص۷۸

۱۰ ـ بازار زین سازها :

این بازار جزء چهار بازار اطراف میدان نقش‌جهان بوده و در آن در زمان صفویه زین اسب و لوازم آن را تهیه میکردند ولی امروز اثری از آن نیست. [۱]

۱۱ ـ بازار مسگرها : [۲]

در طرف غربی میدان نقش‌جهان روبروی خیابان حافظ و بموازات خیابان سپه بازاری بنام بازار مسگرها و نیز چهارسوئی وجود داشت که بمیدان چهارحوض منتهی میشد ـ این بازار منهدم و میدان چهارحوض هم قسمتی جزء خیابان استانداری و قسمتی ضمیمه اراضی بانك ملی شد و از صورت اصلی خارج گردید.

۱۲ ـ چهارسوی بازار رنگرزها :

این بازار که از بناهای شاه‌عباس بزرگ میباشد و از بازار ترکش دوزها ببازار دارالشفاء منتهی میشود چهارسوئی داشته در آخر آن درمقابل حمام شاهزادگان که کدخدای صنف رنگرز در آنجا اقامت داشت و این چهارسو از بین رفته است. [۳]

۱۳ ـ بازار ریخته‌گرها :

این بازار درحوالی بازار رنگرزها بوده و امور ریخته‌گری فلزات در آن انجام میگردید و از بازارهای دوره صفویه بوده است ولی اکنون اثری از آن نیست. [۴]

۱۴ ـ چهارسوی فراشخانه :

این چهارسو که از چهارسوی بازار رنگرزها منشعب میشد از بین رفته و امروز آنجا را خیابان تلفونخانه مینامند. [۵]

۱۵ ـ بازار شاهی :

بازار شاهی درعصر صفویه بکوی شاهزادگان متصل میشده و آنرا بنام بازار شاهزادگان مینامیدند بیشتر این بازار که همان بازار چه بلند باشد و در خیابان چهارباغ

۱و۲ ـ بخشی از گنجینه آثار ملی ص۲۷ ۳و۴ ـ بخشی از گنجینه آثار ملی ص۲۹.
۵ـ بخشی از گنجینه آثار ملی ص۳۰.

واقع است ازبین رفت و باقی‌مانده آن انبار دخانیات‌است از مدرسه چهارباغ‌وسرای فتحیه‌که اکنون مهمانسرای شاه‌عباس است وباغ هشت‌بهشت درهائی باین بازار باز میشده است. [۱]

۱۶ ـ سرای الماسیه :

این سرا در بازار مقصودبیك‌که از جنوب شرقی میدان نقش‌جهـان تا بازار حسن‌آباد امتداد داشته واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست. [۲]

۱۷ ـ چهارسوی الماسیه :

این چهارسو درنزدیکی‌سرا و مدرسه‌الماسیه در بازار مقصودبیك واقع بوده ولی اکنون اثری ندارد. [۳]

۱۸ ـ بازارمشعلدارباشی :

این‌بازار ببازار منجم‌باشی‌که به‌چهارسوی ساروتقی منتهی میشود می‌پیوسته است واکنون اثری ازآن نیست. [۴]

۱۹ ـ بازار اسلحه‌سازان :

این بازارکه درحدود بازار تفنگسازهاواقع و درآنجا مبادرت بساختن‌انواع اسلحه میکرده‌اند از بناهای شاه‌عباس بوده است و اکنون اثری ازآن نیست. [۵]

۲۰ ـ کاروانسرای اسلحه‌سازان :

این کاروانسراکه ازبناهای شاه‌عباس بوده دربازار اسلحه‌سازان واقـع بوده بوده است و اینك اثری ازآن نیست. [۶]

۲۱ ـ چهارسوی بازار مسگرها :

این چهارسوکه دربازار مسگرهادرغرب میدان‌نقش‌جهان مقابل‌خیابان‌حافظ فعلی وجود داشته پس‌از انهدام بازارآن چهارسوهم ویران‌گردید. [۷]

---

۱ - بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۳۰
۲و۳- بخشی ازآثار ملی ص۳۶
۴- بخشی ازگنجینه‌آثار ملی ص۱۸ .
۵و۷- بخشی ازگنجیه آثار ملی ص۲۷.
۶- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص ۲۶.

۲۲ ـ بازار عربان :

بازاری‌بوده‌که ازمسجد جامع‌اصفهان تا محل‌خیابان فعلی‌محمدرضاشاه ممتد وعصارخانه وسرائی بنام میرحاج درآن وجود داشته‌که اعراب ساکن اصفهان در اوایل طلوع اسلام درآنجا اجتماع میکرده‌اند واز اینرو این بازار را بازار عربان وبمناسبت‌مجاورت‌باگنبدخواجه‌نظام‌الملك‌بازارنظامیه ونظام‌الملکی‌نیزمینامیده‌اند و شایدوجه تسمیه‌آن این‌باشدکه چون امارت حاج‌مردم‌آن محل‌را عربان‌داشته‌اند ببازارعربان‌موسوم‌بوده است این بازار ببازارهای دروازه طوقچی وبازار غاز وبازار میدان‌میر وصل‌میگردید و بازارهای منشعب ازآن‌عبارت بود از: بازار ریسمان‌که بمیدان هاتف‌فعلی وصل است، مدرسه‌کاسه‌گران دربازار ریسمان میباشد.دیگر از بازارهای‌منشعب از بازار عربان‌بازار نجف‌آبادیها است‌که سراهای معروفش: سرای اردستانیها وسرای خانی میباشد. دراین‌تاریخ از بازار عربان‌که‌گفته شد اثری‌نیست واگر هم بوده از صورت نخست خارج‌گردیده است. (۱)

۲۳ ـ کاروان‌سرای امیر بقمور:

این کاروانسرا درقرن هشتم هجری در اصفهان دائر بوده است ولی اکنون اثری ازآن نیست. (۲)

۲۴ ـ کاروانسرای لله‌بیك :

این کاروانسرا نیز در زمان صفویه وبدست لله‌بیك خزانه‌دار شاه‌عباس‌کبیر احداث شده وکارهای مربوط بخزانه‌داری‌را درآن‌انجام میداده‌اند. ازکاروانسرای مزبور اکنون اثری باقی‌نیست. (۳)

۲۵ ـ کاروانسرای محله‌بازار مسگر :

این‌کاروانسرا درمحله بازار مسگر اصفهان درقرن هشتم هجری دائر بوده ولی اکنون اثری ازآن نیست. (۴)

۱ـ بخشی ازگنجینه آثارملی ص۷و۸.
۲ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .
۳ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص ۲۸۹.
۴ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی.

۲۶ ـ بازار لله‌بیك :

این بازار درجانب راست میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وتجارتخانه‌شرکت هندانگلیس درانتهای‌آن بازار بود. اکنون از این بازار اثری‌نیست. [۱]

۲۷ ـ عمارت جارچی‌باشی :

این عمارت که‌درمیان باغی‌وسیع وباشکوه ودرسه قسمت بناشده بوداختصاص به ملك‌علی‌بیك جارچی‌باشی شاه‌عباس‌کبیر داشت وچون مورد خشم واقع گردید اموالش بتصرف شاه درآمدودراین‌هنگام نماینده شرکت هندشرقی‌انگلیس‌بایران آمد، شاه‌عباس این عمارت راکه درمرکز معاملات بازرگانی و نزدیك دیوانخانه‌بود باو بخشید. سقف‌آن عمارات مذهب ونقاشیهای جالبی داشته و دیوارهای‌آن بسیار زیبا بوده وهنگامیکه شاردن فرانسوی در زمان شاه‌سلیمان دراصفهان بوده نوشته که رو بویرانی است وکارکنان شرکت هم تقلیل یافته‌اند و اخیراً بصورت خانه ییلاقی مأموران‌انگلیسی‌بندرعباس درآمده بوده‌است. از این‌باغ وعمارت‌هم اکنون اثری نیست. [۲]

۲۸ ـ بازار مستوفی :

این‌بازر را میرزاشکرالله مستوفی‌اصفهانی درسال(۹۸۱ه.ق)که‌بسمت‌مستوفی دیوان‌اعلای شاه‌طهماسب صفوی‌منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ اصفهان‌بناکرد ولی اکنون اثری ازآن نیست. [۳]

۲۹ ـ بازار صرافان :

این بازار درقرن پنجم هجری دراصفهان (شهر) دائربوده وناصرخسروعلوی در هشتم صفر ۴۴۴که وارد شهر اصفهان شده‌گفته: بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود این بازارکه درمدخل ومخرج آن دربندی داشته اکنون اثری از آن نیست. [۴]

۱و۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۴ ص۲۶۹. ۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۸۱ بنقل از منتظم ناصری. ۴ـ سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶.

۳۰ ـ بازار میان طوقچی و باباقاسم :

این بازار نیز واقع بود میان محله طوقچی‌اصفهان وباباقاسم و در زمان‌قدیم بنا شده‌بود ودر حکمرانی‌صدر اصفهانی موردتعمیر قرارگرفت ولی درتاریخ‌تألیف از بین رفته است.[۱]

۳۱ ـ بازار نقش‌جهان :

این بازار از دروازه حسن‌آباد شروع و بدروازه طـوقچی ختم میشده است و در زمان صفویه دائر بوده است ولیکن در دوره فترت افغان این بازار از بین رفته است.[۲]

ط ـ دروازه‌های شهر اصفهان :

دراصفهان (شهر) ازقدیم‌الایام مانند تمام کشوردروازه‌هائی درجهات مختلف شهر وجود داشت که در موقع هجوم دشمن آن دروازه ها را می‌بستند ونیز درهر محله‌ای چند دربند بودکه هنگام لزوم آن دربند ها را نیزمی‌بستند و وقتی بسته میشد چون شهر دارای حصار بلند بود دیگر ورود دشمن بآسانی میسر نبود این وضع تا اولدهه پنجم قرن چهاردهم باقی بود ولی‌پس‌ازطلوع دولت پهلوی وشیوع امنیت درسرتاسر کشور آن دروازه‌ها ودربندها برداشته شد .

نگارنده بخاطر دارم‌که درهای دروازه‌ها ودربندها بسیار مرتفع وباچوبهای محکم وضخیم وآهنکوبی ساخته‌شده‌بود وآن‌درها را بدون‌ادوات وآلات‌آهنگری ونجاری غیرممکن بودکه از حیّز استفاده بیرون‌آورد .

اغلب آن درها از ازمنه خیلی قدیم بود و در حقیقت جنبه تاریخی داشت . اینك برای ضبط درتاریخ آثار ملی دروازه‌های شهرقدیم شهراصفهان‌راکه اینك‌جز نام اثردیگری ندارد مینگارد :

۱ــ تاریخچه محله خواجو ص۲۰. ۲ـ نصف جهان ص۲۴.

۱ـ دروازه اسماعیل کوسج:[۱]

این دروازه درمحله‌ای بهمین نام واقع بوده است‌که نزدیکی خیابان حافظ کنونی میشود .

۲ ـ دروازه اشرف :[۲]

محل‌آن درشمال رودخانه زاینده رود وظاهراً همان محله پشت بارو است‌که بنام دروازه اشرف خوانده میشود .[۳]

۳ ـ دروازه اصفهان :

این دروازه همان دروازه معروف به تیره میباشدکه در آنجا قبـر حممةبن ابی حممة است .[۴]

۴ ـ دروازه الیاران :

این دروازه درمغرب‌شهر اصفهان واقع‌بوده است واکنون نیزجای‌آن‌معروف بدروازه الیاران است .[۵]

۵ ـ دروازه باب‌السجن :

یکی از دروازه های قدیم اصفهان که درآن نزدیکی زندانی بوده‌است .[۶]

۶ـ دروازه باغ سلم :

این دروازه ازدروازه‌های زمان ورود اعراب باصفهان میباشدکه درحدودباغ سلم و محله باغ سلم واقع و محمدبن احمدبن حسنویه محدث‌متوفی(۳۶۰ هـ. ق) و ابو مسلم نوح‌بن منصوربن مـرداس سلمی متوفی ۲۹۵ هـ . ق در آنجا سکونت داشته‌اند[۷] .

۱- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۳۳ ۲ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۹۹ ۳ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۷۲۸. ۴ـ تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص۱۵ ۵- نصف جهان ص۲۳ ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۶۴ ۷ـ ذکراخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۹۵

۷ ـ دروازه بخارا :

دروازه‌ای بوده دراصفهان‌که ابوبکر محمدبن‌ثابت دربلوشکی درحدودآن منزل‌داشته‌است .گویا وجه تسمیه‌آن بوده‌که مردم بخارا که به اصفهان میآمده‌اند یا ساکن بوده‌اند درآن حدود مقیم بوده‌اند .[۱]

۸ ـ دروازه بیدآباد :

این‌دروازه درمغرب شهراصفهان بوده است .[۲]

۹ ـ دروازه جوباره :

این دروازه درمشرق شهراصفهان واقع[۳] و از دروازه طوقچی‌شروع وکلیه قسمتهای شرقی شهردرآن بوده است .[۴]

۱۰ ـ دروازه جوزدان :

این دروازه در مغرب شهر اصفهان واقع بوده است . جوزدان در زمان پیش بیرون شهر بوده وچون بشهر اتصال یافته جوزدان دروازه شده است .[۵]

۱۱ ـ دروازه چهارباغ :

این دروازه درجنوب شهر اصفهان واقع بوده است .[۶]

۱۲ ـ دروازه چهاررو :

این‌دروازه درجهت شمال شهر اصفهان قرارگرفته بوده است.[۷]

۱۳ ـ دروازه حسن‌آباد :

این دروازه از بناهای امیر حسن‌بیك آق قوینلو[۸] و در زیر محله خاجو واقع بوده است .[۹]

۱۴ ـ دروازه خاجو (خواجو) :

این دروازه درمحلی بوده‌که نهر نیاصرم ازکنار آن میگذرد وعرض شهر

۱ـ معجم‌الادباء ج ۱۸ ص ۳۲ ۲و۵و۷ـ نصف جهان در تعریف اصفهان ص ۲۳
۳و۶ـ نصف جهان ص۲۴ ۴ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳ .
۸ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۱ ۹ـ نصف جهان ص۲۲

نیز ازاین طرف است ودرسمت جنوب شهر اصفهان واقع شده است. [۱]

۱۵ ـ دروازه درب کوشك :

این‌دروازه درمحله باب کوشك واقع بوده است .

۱۶ ـ دروازه دردشت :

این‌دروازه درسمت شمال شهر اصفهان واقع بوده است .[۲]

۱۷ـ دروازه دولت :

این‌دروازه درقدیم جای فعلی محله دولت بوده است .[۳]

۱۸ ـ دروازه ساروج :[۴]

این دروازه ازدروازه های بسیار قدیمی اصفهان بوده و شاید در همان مکان سارویه باشد .

۱۹ ـ دروازه سه پله :

این دروازه درسمت مغرب شهر اصفهان واقع بوده است. [۵]

۲۰ ـ دروازه سید احمدیان :

این دروازه درسمت مشرق اصفهان واقع بوده است [۶].

۲۱ ـ دروازه طبره :

این دروازه درشهرستان اصفهان واقع بوده است.[۷]

۲۲ـ دروازه طوقچی (تقچی) :

این‌دروازه درسمت شمال شهر اصفهان واقع‌بوده است .[۸]

۲۳ ـ دروازه ظله :

این دروازه درقسمت شرقی شهر اصفهان‌قرار داشته و از دروازه‌های قدیمی است .[۹]

۱و۲و۵و۸ـ نصف‌جهان ص۲۳ ۳و۴ـ جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۶و۹ـ نصف جهان ص۲۴ . ۷ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۳۴۸

۲۴ ـ دروازه عباسی :

این‌دروازه همان دروازه جوباره است‌که درقسمت شرق‌اصفهان واقع‌میباشد.

۲۵ ـ دروازه عطاء خشك :

از دروازه‌های اصفهان است که به عطاء خشك‌ابن سائب باب عطائی منسوب واز سرکردگان بنی‌عباس درخراسان بوده است .[۱]

۲۶ ـ دروازه کران :

این دروازه درطرف مشرق شهر اصفهان واقع و مجاور دروازه خاجو و وگلبار است .[۲]

۲۷ ـ دروازه کله :

این دروازه در شمال رودخانه زاینده رود واقع و اکنون جزء بخش ۴ از محلات شمال زاینده رود است .[۳]

۲۸ـ دروازه لنبان :

این‌دروازه درمحله لنبان ودرمشرق اصفهان واقع بوده است .[۴]

۲۹ - دروازه مارنان = مورنان = مارپانان :

این‌دروازه درسمت شمالی‌شهر اصفهان ونزدیکی‌پل‌مارنان واقع‌بوده است.[۵]

۳۰ ـ دروازه مميل = درب مميل :

دروازه ای‌بوده درشهر اصفهان‌که درسال (۳۴۹ هـ . ق) ابومحمد قرمطی مؤذن درآن ناحیه سکونت داشته است .[۶]

۳۱ ـ دروازه نو :

این دروازه درجای محله‌ایست‌که قسمتی از آن جزء بخش ۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده رود واقع شده واز دروازه‌های قدیمی است .[۷]

۱ـ عطاء خشك‌ابن سائب متوفی (۱۳۰ هـ. ق) است. (ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۱۴۷)
۲و۳و۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳
۵ ـ نصف جهان ص۲۳ ۶ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص ۱۱۹

این دروازه‌ها بتناسب عمران و آبادی شهر اصفهان کم وزیاد میشده وگاهی نام بعضی از آنها تبدیل میگردیده است . و از این رو تعداد حقیقی این دروازه‌ها در اوقات خرابی و یا عمران معلوم نیست و گاهی بانام محلات و کوچه‌ها متحد شده است .

عده دروازه های شهر اصفهان در هنگام ساختن باروی جی چهار دروازه بنامهای: خور - ماه‌بر - کوش‌بر- تیربر که‌خور در مشرق وماه‌بر در مغرب باروبود وماه‌بررا اسفیس‌واسفیش وشهیش وشئیش نام داده‌اند وکوش‌بر را جوش‌بر ویهودیه نیزخوانده‌اند .

عده‌آن دروازه ها درزمان علاءالدوله حاکم اصفهان دوازده بود که تمام‌آن درها ازآهن وبطوری مرتفع وگشاد ساخته شده بود که فیل با تخت روان براحتی داخل دروازه‌ها میگردید و در پشت باروی شهرخندق نیزکنده شده بود که مانع ورود ناگهانی دشمن‌گردد .

در طی مرور زمان عده دروازه های شهر تغییر کرده بطوریکه سی و یك دروازه برای شهر اصفهان شمردیم .

در اواخر قرن سیزدهم عده دروازه‌های شهر اصفهان شانزده[1] باین اسامی بوده است :

۱- دروازه‌دولت. ۲- دروازه حسن‌آباد. ۳- دروازه‌خاجو. ۴- سیداحمدیان ۵- ظله. ۶-کران. ۷- جوباره. ۸-طوقچی. ۹- باب‌الدشت. ۱۰- دروازه‌نو. ۱۱-ساروج ۱۲- بیدآباد. ۱۳- جوزدان. ۱۴- الیاران. ۱۵- سه پله. ۱۶- مارنان .

مؤلف نصف جهان [2] دروازه‌های اصفهان را در تاریخ هزار و سیصد و هشت هجری چهارده باین شرح نامبرده : ۱- دروازه مارنان. ۲-سه‌پله. ۳- الیاران. ۴- جوزدان . ۵- بیدآباد . ۶- چهاررو . ۷- دردشت . ۸- طوقچی . ۹- جوباره . ۱۰- سیداحمدیان. ۱۱-کران. ۱۲- ظله. ۱۳- خاجو. ۱۴- چهارباغ.

۱- جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۲ - نصف جهان ص۲۳.

فصل دوم

در ابنیه و آثار تاریخی که نام و نشان از آنها باقی است ومشتمل است بر ۲ گفتار :

گفتار اول:

دربیان آثار پیش ازاسلام:

الف ـ آتشکده‌ها :

۱ـ آتشکده اصفهان :

درمغرب اصفهان مشرف به جاده اصفهان ونجف‌آباد روی قله‌کوه ساختمانی ازخشت ضخیم وملاط رس وقطعات نی‌بشکل قلعه ساخته شده بوده و در اثر مرور زمان وباد وباران قسمت مختصری از آن‌باقی مانده‌که بنام آتشگاه خوانده میشود وکوه آنجا را نیزکوه آتشگاه مینامند. (ش ۱)

تاریخ احداث آن بطور وضوح معلوم نیست آنچه محققان معاصر نوشته‌اند اینستکه این ساختمان‌بقیه ساختمانی‌است‌که جغرافیانویسان قدیم وحمزهٔاصفهانی نگاشته‌اندکه بهمن‌بن اسفندیار در ناحیت ماربین آتشکده شهراردشیررا بناکـردو بگفته ابن‌حوقل دراین‌بخش تل بزرگی‌است‌که برروی‌آن قلعه‌ای‌بنا شده و درآن قلعه‌آتشکده‌ای‌است‌که میگویندآتش آن از آتشهای‌ازلی‌است ومراقبان‌آن‌مجوسی وهمه‌مردمانی ثروتمندند. ونیز درمحاسن اصفهان‌از قلعه ماربین وآتشکده‌مزبورنام میبردومعلوم میگردد درقرن پنجم دائر بوده‌است.این‌بنای تاریخی که‌فقط‌نشانه‌هائی



(ش ۱)

از آن‌باقی مانده طی‌شماره $\frac{۳۸۰}{۲۳۳۰/۹/۱۱}$ به ثبت تاریخی رسیده است . (ش ۲)

از وضع فعلی آتشگاه معلوم میگرددکه در زمان بعداز اسلام [۱] و دوران مغول تصرفاتی درآن بعمل‌آمده است. [۲]

۲ ـ آتشکده ساسانی نطنز :

درحوالی مسجدجمعه نطنز میان باغ ملك شخصی بنام امام سکوئی بارتفاع دومتر از سطح زمین‌آثار عمارت مختصر وجالب توجهی‌کوشك مانند بنظر میرسد

۱ ـ سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء و صورت‌الارض ابن‌حوقل و محاسن اصفهان ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵



(ش ۲)

که ازلحاظ ظرافت وتناسب‌بنا شباهت کاملی‌به‌آثار ساختمانی دوره ساسانی دارد و چنان معلوم میگرددکه جای‌آتشکده بوده است.

چهارستون ازهفت ستون اولیه ویك اطاق از چهار اطاق آن برپاوبجامانده وبقیه خراب شده‌است. و نیزدوطاقچه ازچهار طاقچه‌آن‌که سطح بنارا بطاق‌بالای گنبد سنگی وصل میکرده باقی مانده است.

ابعاد هریك از این اضلاع خارجی بنا ۱۱٫۳۵ متر وضلع داخل بنا ۷ متر طول دارد و دهانه هر اطاق ۶۹ ۵ متر است، اصل بنا را باسنگ لاشه که روی آن گچ مالیده شده ساخته‌اند.

این اثر باستانی در دیماه ۱۳۱۰ شمسی بشماره ۱۸۷ بثبت تاریخی رسیده است. (۱)

۳ ـ آتشدان سنگی :

این آتشدان سنگی که مربوط بعهد هخامنشیان است در سمیرم بختیاری اصفهان بدست آمده (۲) که ثبت تاریخی آن جریان دارد.

۴ و ۵ ـ دوسرستون سنگی متعلق بدوره ساسانی که نقش خسروپرویز روی آنها دیده میشود ویکی از آنها که سالم است درموزه ایران باستان و دیگری که کمی شکستگی دارد درکاخ چهلستون اصفهان نگهداری میشود. این دوسرستون در حدود سال ۱۱۳۰ درنزدیکی تالار تیموری اصفهان کشف شده است. (۳)

ب ـ قلعه‌ها و رباطها و نظائر آن :

۱ ـ قلعه وشاق نطنز :

دریکی از ارتفاعات کوه کرکس آثار قلعه خرابه‌ای است که دلالت بر سوابق تاریخی آن میکندوتا قرن هشتم هجری دائربوده و حمدالله مستوفی چنین گفته : وشاق قلعه‌ایست در ولایت نطنزوچون وشاق برآنجاحاکم شد به وشاق معروف گشت و این گفته میرساندکه این قلعه بسیار قدیمی واحداث آن به‌پیش‌از اسلام میرسیده است .

این قلعه که روی قله کوهی بنا شده هنگام آبادی وسایل زندگی از هرجهت مانند آسیاب بادی وغیر آن درآن فراهم بوده وآسیاب بادی آن هنوز وجوددارد.

اطراف کوه را بطوری تراشیده‌اندکه راه بالا رفتن و رسیدن بقلعه بوسیله

۱ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۳۸۸-۳۸۹ ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۵۱ ۳ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۸

میخهای ضخیم آهنین که بر بدنه کوه کوفته شده ممکن باشد. [1] نجیب الدین [2] جرفادقانی گفته :

چو سر کشی که بهر صبحدم بگاه طلوع درآید از کمرت پای آفتاب بسنگ

۲ ـ قلعه زواره :

در زمان قدیم در زواره قلعه‌ای بوده برای ذخیره آرتش و از اینرو محله‌ای را بنام بنجیره یعنی جای جیره قشون خوانده‌اند، و این قلعه چهار دروازه داشته و در فاصله از هر دروازه تا دروازه دیگر ده برج وجود داشته که تاکنون هم آثارش نمایان است، و در داخل قلعه بزرگ چهار قلعه بوده که اکنون دو قلعه از آنها باقی است. [3]

۳ ـ نارنج یا نارین قلعه نائین :

این قلعه که در شهر نائین در نزدیکی مسجد علویان در محله باب المسجد واقع است بسیار قدیمی و از خشت خام ساخته شده است .

خشتهای خام آن دارای نیم ذرع طول و یک ربع عرض و وزن هر خشت هفت الی هشت من است.

عمارات زیرین برج قلعه بتل خاکی تبدیل ولی خود برج که بیست و پنج ذرع ارتفاع دارد باقی است. در اطراف این قلعه در قدیم خندقی بوده بعرض ۲۵ ذرع ولی اکنون پر شده است. در این قلعه چیزی که دلالت بر سال احداث این بنا بکند وجود ندارد و فقط از سبك ساختمان و متلاشی شدن آن نشان میدهد که پیش از اسلام ساخته شده است، و احتمال میرود که برای آتشگاه احداث شده باشد.

معروف است که ناصر الدین شاه قاجار این قلعه را بپاداش قرآنی که مریم بانو دختر آقامحمد بن ابوطالب نائینی برایش نوشته بود اهداء کرده است. [4]

باستان شناسان معتقدند که احداث این قلعه مربوط بزمان پیش از اسلام از ساسانیان تا اشکانیان میباشد و نائین نخست همان قلعه و حمام مجاور آن بوده است، درمیان

۱ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ص۴۲۱ ۲ ـ زینت المجالس بنقل از نزهت القلوب ص۷۷۴ ۳ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶۱ ۴ـ تاریخ نائین ص۷۰

قلعه و در برجهای چهارطرف آن چاههای عمیقی بوده که از آنها بـوسیله راههـای زیرزمینی بخارج میرفته‌اند و راهی بمسجد جامع نیز دارد. ارتفاع قلعه از سطح کوچه‌ها ۲۵متر وازکف خندق ۴۰متر ومعلوم است که در روزگارپیشین ازاین‌مقدار مرتفعتر بوده واکنون بتلی‌خاك شبیه‌تراست تا بعمارت .

جنگ امیرمبارزالدین‌محمد پادشاه آل‌مظفر وملك‌اشرف چوپانی دراین‌قلعه واقع شده است. (۱)

۴ ـ قلعه رستم بافران :

این قلعه درقریه بافران درمشرق نائین واقع و چاهی در آنجا است که‌درباره آن افسانه‌هائی گفته شده و این قلعه درحال ویرانی است. (۲)

۵ ـ عمارت مخروبه شاه‌جهان :

این‌عمارت مخروبه‌که نام اصلی آن سلطان چشم‌جان است در زیر مزرعـه شهدادنائین واقع ومطابق نوشته‌مورخ ۷۴۴هجری مدفن‌مردی بزرگ ومورداحترام مردم اطراف بوده است. (۳)

۶ ـ قلعه مخروبه نیستانك :

این قلعه‌که ازلحاظ قدمت وطرز ساختمان به پیش‌از اسلام ارتبـاط دارد در قصبه نیستانك تابع شهرستان نائین واقع است. (۴)

۷ ـ قلعه بزی :

این قلعه‌که درلنجان اصفهان واقـع است در زمان ساسانیـان بنا شده و در دوران سلاجقه الحاقاتی پیداکرده ولی اکنون بائر و فقط نشانی‌از آن باقی‌وبشماره ۷۵۷ در ۱۳۴۶/۲/۲۶ شمسی بثبت تاریخی رسیده است. (۵)

۱ــ فرهنگ تاریخ‌نائین ص۱۲ ۲ــفرهنگ‌تاریخ‌نائین ص۲۳ ۳ـ فرهنگ‌تاریخ نائین ص۲۸ ۴ـ فرهنگ تاریخ‌نائین ص۳۹ ۵ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۶۰

۸ ـ قلعه فارفاآن :

این قلعه درقریه فارفاآن رویدشت اصفهان واقع و دژی نظامی بوده که در عهد ساسانیان بناگردیده‌است.فارفاآن در قدیم‌یکی از شهرهای حاکم‌نشین‌اصفهان بشمار میآمده است. [۱]

۹ ـ قلعه دیو : [۲]

این قلعه عبارت است از یك‌عده چهار دیواری‌کوچك و بزرگ بشکل قلعه که بعضی ازآنهاکه آثارشان بکلی خراب نشده میرساند ساخته آن درگاه نداشته مگربطور نقب از زیرزمین و دیوارآنها بالتمام از سنگهائی ساخته شده است که دارای شکل هرم ناقص وضلع قاعده مربع آنها قریب به ۵/۲۵ متر و ارتفاعش قدری بیشتر بوده است. دیوارهای‌کلفت که از این سنگها درست شده بوده است عادةً بغیراز بادست وکلنگ ممکن‌نبوده است خراب شود، و این قلعه‌ها را قلعه دیو گویند و احتمال میرودکه در قدیم آتش‌پرستان جهت دفن اجساد اموات خود ساخته‌اند وعمرهریك‌بیش‌ازچندین‌هزار سال‌است واین قلعه‌ها درامتداد جاده‌چشمه درویش[۳] بسمت مغرب در پای‌کوه صفه اصفهان واقع شده است .

۱۰ ـ تخت رستم :

عمارتی است واقع درسه‌هزار متری غربی‌کوه صفه اصفهان درقله‌کوهی‌که از کوهها جدا افتاده وآن‌چند دیوار است‌با خشتهای بزرگ با اضلاع قریب نیم‌متر و اثر دیگری ندارد، جنگ اسکندر، و دارا درآنجا واقع شده است. [۴] چون قلعه دیو و تخت رستم‌که حقا ازآثار باستانی است تاکنون به ثبت نرسیده اقتضاء دارد مورد توجه واقع و نسبت به ثبت و حفظ و حراست‌آنها اقدام مقتضی معمول‌گردد.

۱ــ تاریخ‌اصفهان و ری ص۲۱ ۲- الاصفهان ص ۴۳ ۳ــ چشمه درویش درسه هزارمتری باغ هزار جریب اصفهان واقع وآن حوضی است طبیعی و مسقف درپایه‌کوه صفه وآب ازآن خارج نمیشود. الاصفهان ص۴۳ ۴- الاصفهان ص۴۴

گفتار دوم :

در آثاریکه بعداز اسلام احداث و فقط نام و نشانی از آنها مانده :

الف ـ گورستانها :

۱ ـ گورستان آب‌بخشان :

گورستان آب‌بخشان [۱] یا مردبان دراصفهان‌که اکنون میدان پهلوی است ودارای هفتادهزارذرع وسعت‌بوده وبسیاری‌ازاولیاء واقطاب‌وعلماءِ درآن مدفون‌شده بودند واکنون‌تبدیل بساختمان‌های‌گوناگون چون‌اداره بهداشت ودبیرستان‌تبریزی و هنرستان دختران شده وفقط بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفی (۲۵۸ ه . ق) و قبر میرزا ابراهیم جوهری[۲] باقی مانده است.

۱ـ آب بخشان وآب بخشگان محل‌کنونی میدان‌پهلوی شهر اصفهان است و درزمان ابونعیم اصفهانی (اوائل قرن پنجم) آنجا را مردبان مینامیده‌اند ووجه تسمیه آنستکه درروز جشن آبریزان دراین‌محل‌که مادی فدین عبور میکرده‌آب بهم میپاشیدند (رجال اصفهان‌ص۱۴۲)

۲ ــ میرزا ابراهیم متخلص بجوهری پسر محمد باقر مروی اصفهانی از شعراء و وعاظ و نژادش از مرو بود ، پس‌از اتمام تحصیلات چندی در سیر و سیاحت بسربرد و زمانی‌هم در قزوین اقامت کرد وازاینرو اورا قزوینی‌هم‌نامیده‌اند . کتاب طوفان البکاء معروف بجوهری را هم در قزوین باتمام رسانیده سپس باصفهان آمد و درخدمت سید حجةالاسلام حاج سید محمد باقر رشتی معزز ومحترم میزیست تا در تاریخ سال ۱۲۵۳ هجری بدرود زندگی گفت وبدیار دیگرشتافت و درقبرستان آب بخشان مدفون گردید ، درسال (۱۲۹۰ ه . ق) ←

۲ ـ گورستان شاهزاده ابراهیم :

واقع است در محله مستهلك از گورستانهای دوران صفویه‌که بصورت باغ و خانه درآمده و عمارات دبیرستان شاهدخت وآذر و دانشسرای دختران در آن بنا گردیده است ، و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده که اخیراً بهمت مردان اخیار عمارت صحن وبقعه تجدید بنا شده است [۱]

۳ ـ گورستان امامزاده احمد :

واقع است در محله حسن‌آباد از قبرستانهای مربوط بعهد سلاطین صفویه که ازهمان زمان بتدریج از صورت‌گورستان بیرون وهمدآن تبدیل بخانه‌گردید و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده است. [۲]

۴ ـ گورستان امامزاده اسماعیل[۳] :

واقع است در محله گلبهار یا گلبارکه در قدیم آنرا خشینان یا خوشینان میخوانده‌اند، بتدریج ازصورت‌گورستان خارج‌وفقط عمارت‌امامزاده بجامانده است.

۵ ـ گورستان سرقبر آقا :

واقع‌است درمحل خاوجان‌یا خابجان[۴]که تبدیل‌به دکان وخانه وتیمارستان وهنرستان حرفه‌ای شده وحتی‌قسمتی از مقبره نیزجزء هنرستان شده است.

→

زنی‌گور اورا تعمیرکرد وچون این اواخر قبرستان ازبین رفت بهمت مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی تاجر اصفهانی اطاقی روی قبرش‌بناگردید و روی مزارش سنگی تمام قد گذارده شد وبر سر آن قصیده میرزا محمد باقر متخلص به بهای شاعر در بی‌اعتباری دنیا کـه مطلعش اینست حجاری شده :

ای برادر گربچشم اعتبار اندرجهان　　برقبور مردگان آری‌گذار و بنگری

و مقطع :

کلك سحرانگیز اوبنوشت این مصرع‌تمام　　« همره سلطان دین آید بمحشر جوهری »

۱۲۵۳

(تذکرةالقبور یا بزرگان اصفهان ص۴۵)

۱و۲و۳و۴ـ تذکرةالقبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان (ص ی)

۴ـ خابجون (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ی) .

۶ ـ گورستان امامزاده باقر :

واقع است درمحله خاجوی قدیم و ازگورستانهای کهن که مدفن ابن‌مسکویه نیز بوده و تبدیل‌به ساختمانهای گوناگون مانند اداره‌کشاورزی وغیرآن شده وتنها عمارت امامزاده بحال خود باقی مانده است. [۱]

۷ ـ گورستان بابارکن‌الدین [۲] که معروف به تخت فـولاد است مقـدار زیادی ازآن تبدیل بـساختمانهای گوناگون گردیده است. [۳]

۸ ـ گورستان باغ درویش :

واقع است در اراضی آهنگران کـه در قرن دهم هجری دائر بوده و اکنون فقط اثر چند قبر دیده میشود. [۴]

۹ ـ گورستان بابانوش: [۵]

از متفرعات‌گورستان چملان واقـع درمحله در وازه‌نواست‌که پیش‌از صفویه دائرشده وتکیه بابانوش تا نیم‌قرن‌پیش وجود داشته ولی اکنون ازصورت‌گورستان درآمده است ولی‌از وضع در و دیوار معلوم میگرددکه‌گورستان بوده است.

۱۰ ـ گورستان تکیه ظلمات[۶] نزدیك چهارراه‌کرمانی.

۱۱ ـ گورستان خواجه میرحسن[۷] واقع درمقابل مسجد مصری.

۱۲ ـ گورستان امامزاده دوقلی : [۸]

واقع درکنار خیابان شاه‌عباس درمحله خاجو از مزارات عهد صفوی .

۱۳ـ گورستان امامزاده شاه زید:[۹]

در زمینهای بافجان (بافجون هم تلفظ میکنند) در قسمت شرقـی خیابان بزرگمهر واقع و ازگورستانهای‌کهن سال اصفهان‌که مقدارکمی ازآن باقی است .

۱ـ تذکرةالقبور ص ی . ۲ـ بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله انصاری بیضاوی فارسی از اولیاء و مورداحترام شیخ‌بهائی ومجلسی‌وکلباسی و متوفی یکشنبه بیست‌وششم ربیع‌الاول (۷۶۹ هـ.ق)، وی درتکیه‌ای بنام بابارکن‌الدین مدفون است. (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ۱۵۳) ۳و۴ ـ (تذکرة القبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ی). ۵و۶و۷و۸و۹ ـ (تذکرةالقبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص باتاید .)

۱۴ ـ گورستان سادات[۱] جنب مسجد حکیم :

واقع است در محله جورجیر در قسمت چپ درب صاحب‌بن‌عباد .

۱۵ ـ گورستان ستی فاطمه [۲]:

واقع است در قسمت شمالی محله چهارسو شیرازیها و از مزارات قدیمی و بزرگ اصفهان است که در دوران پادشاهان آق قوینلو و صفوی اعتباری داشته و بتدریج بیمارستان صد تختخوابی و پرورشگاه در قسمتی از آن ساخته‌شده‌است .

۱۶ـ گورستان طوقچی[۳] یا تقچی[۴]:

از قبرستان‌های بزرگ وکهن‌سال اصفهان است که محل دفن‌اموات حنفیان بوده ، ومصلای قدیم‌هم در مجاورت این‌گورستان واقع بوده است .

قسمتی از این گورستان دبستان و دبیرستان هاتف و درمانگاه و استخر و کشتارگاه شده است و ازبقاع متبرکه بقعه امامزاده ابراهیم و علی‌بن سهل صوفی باقی مانده است .

۱۷ـ گورستان شاه سید علی[۵] :

واقع در محله خاجوی قدیم و از مزارات زمان تراکمه و صفویه‌است‌که در قرن‌کنونی بتدریج تبدیل بباغ و ملك و خانه و دبستان‌گردیده است .

۱۸ـ گورستان شاه میر حمزه[۶]:

واقع در قسمت شرقی خیابان سروش از گورستانهای وسیع زمان سلاجقه تا صفویه ومحل دفن مردگان شافعیان بوده است. درسالهای اواخر تسطیح وتبدیل بباغ و ملك و خانه و عمارات مختلف گردیده و تنها عمارت امامزاده باقی وتعمیر شده است .

۱ـ تذکرة‌القبور ویا بزرگان‌ودانشمندان‌اصفهان ص‌یا تاید. ۲و۳و۵و۶ـ تذکرة‌القبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص یه‌ـیو ۴ـ درجغرافیای‌اصفهان‌تقچی نوشته‌شده ص۳۲

۱۹ ـ سنگ سفید یامقبره امیراویس:

این مقبره درخارج شهر اردستان نزدیك راه شوسه اردستان بزواره واقع شده است در ایام قدیم بقعه‌ای کوشك مانند از آجر داشته که بمرور زمان ازبین رفته است .

آنچه مانده آجرهای اطراف قبرکه بسیار بزرگ و دو سنگ مرمرکه‌یکی بطور عمودی ودیگری افقی نصب شده‌اند . (ش ۳)

سنگ مرمر افقی دارای خطوط و نوشته‌هائی است که میرساند صاحب قبر که ازشیعیان بوده درسال نهصد و بیست در سن سی‌سالگی‌کشته شده و پدر و مادر



(ش ۳)

او زنده بوده وازدست دادن فرزند خود درسوز وگداز بوده‌اند .

عبارات مکتوب بر سنگ افقی کـه بطور مکعب و پنج سطح آن پیداست و درازای آن ۲/۷۵متر ونیم متر آن درپشت سنگ افقی پوشیده شده چنین است .

« هذا مشهد الامیرالکریم الغفیرالشهید ، نتیجةالاکابر الکرام بین‌الانام، الامیر »
« جلال‌الدولة والدین امیراویس‌ابن عالیجناب رفعت آیات ، جلالتمآب ، اکابـرانتـاب »
« شمس‌الدولة والدین محمد نجیبا ۹۲۰ »

« باو بودم شبی افسانه آن شب بگوئیدم
و گر میرم بتعظیم سگان او بموئیدم »

« مرا امروز بردار فنا جلـوات بهـر او
سرودی‌کان‌میان نوحه‌گوئید آن بگوئیدم »

« شهید خنجر عشقم بخون دیده آلـوده
بخاکم‌همچنان‌برخون درآرید و مشوئیدم »

« همه جا ازشهیدان نور خیزد و زدلم آتش
نشان‌است این‌میان‌کشتگانش گر بجوئیدم »

« گلی‌کزخاك من روید بگوش اهل‌دل‌گوید
که من بوی فلان دارم مبوئیدم مبوئیدم »

« گرازگل‌گل‌شودخرم زمن‌خواهدزدن‌بویش
مبوئیدم که از غیرت بسوزم گر ببوئیدم »

«پس‌ازکشتن‌که‌خون‌آلوده‌افتدبرزمین‌خسرو
از آن بهترکه ازغیرت بآب دیده شوئیدم »

وبعد این اشعار نقش شده :

امیر زاده اعظم دلاور دوران — امیراویس‌که‌بدفخرآل نوشروان
بهفده رمضان وبسال نهصدو بیست — شهیدگشت‌وروان‌شدبروضه‌رضوان

درحاشیه اول متصل بمتن سنگ این‌اشعار خوانده میشود :

« زیر گل سنگدل ای غنچه رعنا چونی
بی تو ما غرقه بخونیم تـو بی مـا چونی »
« سلك جمعیت ما را فلك از هم بگسست
ما که جمعیم چنینیم تو تنها چـونی »

بر حاشیه دیگر سنگ دوازده امام بخط ثلث بشرح زیر نقش شده :

« بنبی عربی‌ورسول‌مدنی‌واخیه اسدالله مسمی‌بعلی و بزهراء بتول و بام ولدتها»
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل‌زکی وبسجاد وبالباقر والصادق حقا وبموسی وعلی وتقی‌و»
نقی . وبذی‌العسکر والحجة حقا الذی یضرب بالسیف بحکم‌ازلی وعلیهم صلواتی‌وسلامی»
« بالوف وبلیل ونهار وغداة وعشی ».

دردنباله آن این‌قطعه حجاری شده :

« قضا نقش یـوسف جمالی نکـرد که ماهی‌گورش چو یونس نخورد »
« در این باغ سروی نیامد بلند که باد اجل بیخش از بن نکند »

سپس این دوبیت خواند میشود :

« نهالی به سی سال گردد درخت زبیخش برآرد یکی باد سخت »
« عجب‌نیست برخاك‌گر گل‌شکفت که‌چندین‌گل‌اندام‌درخاك خفت »

درقسمت بالائی سنگ افقی که دارای ۲/۵ طول ونیم متر ضخامت میباشد این قطعه حجاری شده :

« با حکم خداوند مکـن دل ناخـوش
در محنت فرزند خـود از آه مـکش »
« چون جای جوانیش مصیبت گشته است
تاریـخ وفات او شده : « جای خـوش »
۹۲۰

و درپائین سنگ افقی چنین حجاری شده :

« ای نور دو دیده جهان افروزم رفتی‌وزفرقت‌تو شب‌شد روزم »
« گوئی‌من‌وتو دوشمع بودیم بهم کایام ترابکشت ومن میسوزم »

درطرفین شمالی وجنوبی سنگ‌افقی اشعار زیر منقوش است :

« دردی بدل رسید کز آن درد جان برفت
کان سرور جهان بدریـغ از جهان برفت »

« بالا تمـام کـرد درخت بلنـد ناز
ناگه بحسرت از نظر باغبان برفت »

« تلخ است شربت غم هجران و تلختر
هر سرو قامتی که بحسرت جوان برفت »

« چندان برفت خـون جراحت از آستین
کز چشم مادر و پدر مهربان برفت »

« همچون شقایقم دل خونین سیاه شد
کان سرو نو برآمده از بوستان برفت »

« زخمی چنان نبود کـه مرهم تـوان نهاد
داروی دل چه فایـده کارام جان برفت »

« سعدی همیشه بار فـراق انتظار داشت
این نـوبتش ز دست تحمل عنـان برفت »

برقسمت فوقانی سنگ افقی مجدداً ماده تاریخ : امیرزاده اعظم تا آخر آن تکرار شده است

بقیه سطح فوقانی سنگ افقی باگل و بوته حجاری شده و درکنار آن این غزل نقش‌گردیده :

« بلبلی خون جگرخورد وگلی حاصل کرد
باد غیرت بصدش حال پریشان دل کرد »

« طوطئی را بهوای شکری دل خوش بـود
ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد »

« قـرةالعین مـن آن میوه دل یـادش باد
که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد »

« ساربان بار من افتاد خدا را مددی
که امید مددم همره این محمل کرد »

« روی خاکی و نم چشم حسود مه ومهر
در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد »

« نردی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چکنم بازی ایام مرا غافل کرد »

نام صاحب قبر امیراویس ولقبش جلال‌الدوله و یا جلال‌الدین بود و نام پدرش شمس‌الدوله ویاشمس‌الدین محمد نجیبا بوده‌است . وی ازبزرگان و امرای دولت شاه اسماعیل سر دودمان سلسله صفویه و خود وپدر از مفاخر آل نوشیروان بشمار و دارای مذهب تشیع وبتصوف مایل بوده‌اند .

امیر اویس مردی دلاور ودرحال پیکار وجنگ پس‌از زدوخورد های بسیار درائر جراحت وخون ریزی درسن سی‌سالگی درتاریخ هفدهم رمضان سال نهصد و بیست هجری شهیدگردیده است. (۱)

۱- در اینجا چند نکته روشن نیست که امیراویس از احفاد انوشیروان بوده که در اردستان میزیسته‌اند یا احفادیکه درشروان سلطنت داشته‌اند ، و دیگر اینکه قتل او بدست چه کسانی درکجا اتفاق افتاده است بنظر میرسدکه امیرجلال‌الدوله که ازامرای شاه اسماعیل و تاریخ ولادت او ۸۹۰ هجری بوده فرزند امیرشمس‌الدوله محمد نجیبا و فرزند زاده امیر شمس‌الدین محمد ندیم شاه منصور متوفی (۷۹۵ هـ . ق) بوده‌که دراصفهان‌میزیسته است .

زن امیرشمس‌الدین محمد طبق روایت پیرجمالی اردستانی درکتاب روح‌القدس از پیرمرتضی علی اردستانی (فرزند امیر مزبور) ازاحفاد انوشیروان عادل بوده است . و امیر شمس‌الدین محمدآنچه معلوم‌است دوپسرداشته‌یکی ازآنها درسن‌جهارده سالگی بدرودحیات گفته که شرح‌آن دربخش دوم‌آتشکده اردستان درشرح حال پیرمرتضی علی اردستانی‌مذکور است، پسردوم اوپیر مرتضی‌علی اردستانی عارف معروف‌قرن نهم هجری بوده که شرح‌حال او نیز در همان قسمت مذکور بیان گردیده پسر سومی‌هم‌داشته که پدر امیرشمس‌الدوله‌محمد نجیبا بوده است .

ولی بنظر نگارنده محمد نجیبا پسرپیرمرتضی‌علی اردستانی بوده ، زیرا درشرح‌حال پیرمرتضی نوشته‌اند که درکودکی‌یتیم شده وغیرازمادر پرستاری نداشته واگر احیاناً عموئی داشت بالطبیعه از او پرستاری میکرد در صورتیکه در شرح حال او که پیر جمالی اردستانی ←

اقتضاء دارد این‌اثر تاریخی به‌ثبت رسیده ودر اطراف آن دیواری وبناهگاهی مناسب ساخته شود که ازگزند حوادث جوی مصون باشد .

ب ـ رباطها و عمارات گوناگونی که بعد ازاسلام احداث و نام و اثر دارند :

۱ـ نارین قلعه شهراب :(۱)

این قلعه درقریه شهراب جزء دهستان سفلای شهرستان اردستان واقع و از بناهای محمد حسین‌خان عرب عامری(۲) است . قلعه مزبور شامل تارنج یا نارین

→

مریدش نوشته هیچ اشاره‌ای بداشتن چنین‌کسی نکرده است پس‌باید باورکردکه امیرجلال ـ الدوله پسر محمد نجیبا فرزند پیرمرتضی‌علی اردستانی واز احفاد انوشیروان عادل است که در اردستان میزیسته و در هنگام مبارزه شیعه و سنی شهیدشده است .

آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۶ .

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۳۲ . ۲ـ محمدحسین‌خان‌عرب عامری پسر محمد علی‌خان بن امیرشمشیر خان ازجمله کسانی بوده که باتفاق آغا محمد خان قاجار در دربار کریمخان زند خدمت سپاهی میکرده وازسران سپاه بوده‌است .

چه این‌طایفه از زمان میرزا علی بیك عرب عامری پیوسته در دربار سلاطین صفویه ببعد خدمت میکرده‌اند ، منتها بعضی دراثر ارجاع وانجام خدمات بزرگ مشهور شده‌اند و بعضی‌گمنام مانده‌اند .

محمد حسین‌خان پس‌از فوت کریم‌خان باتفاق آغا محمدخان ازشیراز خارج شد ودر بین‌راه خان‌قاجار باوگفت میروم تهران وزمام امورسلطنت‌را دردست خواهم‌گرفت و تو راهم سپهسالار قشون خواهم کرد ، محمد حسین‌خان که خود را در دوره کریم‌خان بالاتر از او میدانست جوابداد که اگر تو شاه شوی من ادعای خدائی خواهم کرد و از یکدیگر جدا شدند .

محمدحسین‌خان دراردستان ونطنز وبیابانك مستقر وعده‌ای سوار تهیه وقلاعی‌مستحکم نیزبناکرد ، بخصوص در قریه شهراب قلعه مستحکمی‌که درآن آب و حمام و مسجد و تمام لوازم زندگی فراهم بود ساخت و درآن اقامت کرد و منال دیوانی تمام اردستان و نطنز و بیابانك را وصول مینمود ، کم بکم امیراسماعیل‌خان عرب عامری عموزاده‌اش باو ملحق گردیده وبا اینکه حکومت آنان برنطنز واردستان از طرف آغا محمد خان قاجار تأیید شده بود وکسی معارضشان نبود تصمیم‌گرفتند باتفاق امیرمحمدخان طبسی اصفهان را اشغال نمایند وپس‌ازچهارده روز جنگ درمحل رویدشت مغلوب وفراری‌گردیدند ، ازآن تاریخ ببعدمحمد ←

قلعه و آب قنات وحمام ومسجد وتمام لوازم زندگی درآن‌جمع وعمارات باشکوهی داشته ونقبی‌هم داشت‌که درهنگام لزوم ازآن نقب فرارکنند و بطوریکه معروف

حسین‌خان دراردستان وبیابانك ونطنز مشغول تاخت وتاز وجمع‌آوری مالیات و آزار بمردم بود . شنیده شدکه برای ساختن قلعه شهراب دستور داده بود خاکستر ازاطراف بیاورند و حاجی ابوطالب‌که جد خوانین اولادکریم بود خاکستر ازهفت فرسخی شهراب آورده بود و چون غربال نشده بود امرکرد که بمحل برگردانیده و پس‌از غربال‌کردن بیاورد. دراثرظلم زیاد وشکایت مردم محمد حسین‌خان شیبانی حاکم‌کاشان مامور دفع اوگردید و سرانجام اورا درمحل معروف به چاه علم‌که دربیابان شهراب واقع است دستگیروبه تهران اعزام ومحاکمه ومقتول‌گردید. صباحی بیدگلی‌درتاریخ‌این‌فتح ازطرف حاکم‌کاشان قصیدهٔ ذیل‌را سروده‌است:

در زمان شه جمجاه محمد خان آن — که زفرط خدمش نام فریدون گم‌شد
آنکه رخسارظفر آنکه کلید درفتح — آشکارش ز گریبان و عبا درکم شد
زیرحکمش همه‌آفاق کران تابکران — گرچه عرض‌سپهش‌ساحتدی تاقم‌شد
روزکین روی بآورد گهی‌چون‌آورد — تیغ‌خودمعرکه‌گردون وسپاه انجم‌شد
خان‌فرزانه حسین‌آنکه زبیمش‌مریخ — متواری بفـراز فلـك پنجم شد
چاکرانش‌چوبه:من‌اشجع‌لب‌بگشادند — اهل‌لابل همه را ورد زبان آهم شد
تهنیت‌گوید از او مادرگردون وزمین — چون درآغوش ابش جازکنار ام شد
شد بچاه علم‌آنجاکه زآغاز وجود — دور چون وادی غولان زپی مردم شد
مسکن طایفهٔ راهـزن کالانعام — که بلد قائدشان تابدر بل هم شد
آن‌قدرماندکه‌شب‌خرقه بیفکندزدوش — صبحدم‌کز پی‌سنجاب روان قاقم شد
تاخت برقلب‌عدوکشت‌ازایشان‌چندان — که‌زخون‌معرکه عمان‌و زمین‌قلزم شد
نیزه‌اش گشت نهالی و سرآورد ببار — توسنش‌نعل‌رکاب‌آمد ومرجان‌سم‌شد
چرخ‌را گردبسر برشد وخون تابکمر — خنگ‌گردون‌مشکین‌کاکل‌وگلگون‌دم‌شد
کاسه‌های‌سرشان دستخوش‌وحش‌آمد — کاسهٔ خود چوبلند ازسر نیلی‌خم شد
ازطمع آتش بیداد عدو میافروخت — شدبلند آتش ونخل املش هیزم شد
مردرا می‌فکند حرص بخوادی‌آری — رهزن آدم خاکی طمع گندم شد
چون باقبال سلیمان زمان مردم را — دور از راه سرمار و دم کژدم شد
سال این‌فتح همایون زصباحی‌جستم — زد رقم: «فاتح بیرعلم دویم شد»

از مضمون این قطعه معلوم میگرددکه حاکم‌کاشان از راه غیر متعارف حرکت و شبانه دراطراف موضع‌گرفته و هنگام طلوع‌آفتاب برمحمدحسین‌خان عرب عامری و اتباعش تاخته وپس‌ازکشت وکشتار زیاد برخان عرب چیره میگردد .

وبالاخره محمد حسین‌خان پس‌از یکعمر ظلم وستم برمردم اردستان و نطنز و بیابانك دستگیر وبه تهران اعزام ومقتول میگردد . این‌واقعه درتاریخ یکهزارو دویست و شش هجری قمری اتفاق افتاده است .(آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۵۲)

است سالها مردم اطراف نائین واردستان ونطنزرا بعنف میآوردندکه دربنای مزبور کمك کنند ولی چون از روی ظلم ساخته شده بود پایدار نماند و بدست خود مردم شهراب ویران وخاك آن بمصرف زراعت رسید و اکنون جز حمام ومسجد آن که مورد استفاده عموم بود چیزی باقی نمانده است و باید اذعان کرد که :

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

مسجدی که از آن قلعه باقی مانده بحال مخروبه ویك برنج از آب شهراب و یکدرب باغ وقف بر آن میباشد.

متأسفانه بعضی ازمردم محل تمام قلعه و مسجد و حمام را در موقع تأسیس ثبت اسناد به ثبت داده‌اند واکنون صورت ملکیت دارد وتعجب ازاین است که اوقاف محل هم توجهی باین موضوع نکرده است .

۲ـ قلعه جوگند = زفرقند = زبرکند :

این قلعه درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان واقع شده و در حال انهدام و ویرانی است و فقط آثاری از آن باقی است که دلالت برقدمت تاریخی آن دارد. (۱)

۳ ـ رباط صاحب دیوان جوگند : (۲)

این رباط نیز درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان درکنار دیه در مسیر شارع واقع شده ودرحال ویرانی وغیرقابل استفاده میباشد ولی پیکره آن نشان میدهدکه هنگام عمران وآبادی با شکوه و قابل استفاده بوده است و در اثر عدم توجه وبخصوص درقرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم که اردستان وتوابع محل دستبرد وشرارت سرکشان و یاغیان و زورگویان بوده رو بانهدام نهاده‌است.

بعضی هم این رباط را بشاه‌عباس کبیر نسبت میدهندومعتقدند رباطی که دائر است از آن صاحب دیوان ویا تاجر یزدی است.

۱و۲ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۱۳۸

۴ ـ رباط زواره : [۱]

این رباط که بشاه‌عباس منسوب‌است دربیرون مدینةالسادات‌زواره‌درمسیرراه زواره بشهراب ومزدآباد واقع و ساختمان‌آن دوطبقه و با آجر ساخته شده است. بعضی‌هم‌گفته‌اندکه رباط از احداثات حاج‌سیدمحمد غراب زواره‌ای است ولی‌گویا شخص اخیرآنرا تعمیرکرده است . (ش ۴)

این رباط در چند سال قبل با اصلاحاتی تبدیل بدبیرستان و مورد استفاده



(ش ۴)

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۵۵ .

است ودرحقیقت ازصورت اول خارج شده است.

۵ ـ قسمتی از سرای مقصود واقع درچهارسو مقصود اصفهان‌که‌ازبناهای مقصود مسگربود بمرورزمان جزء خانه‌های اطراف‌گردیده است. [۱]

۶ ـ سردر زاویه باب‌القصر :

این سردردرمحله باب‌القصر معروف بدرب کوشك اصفهان واقع ودر دوره حکمرانی ابوالمظفررستم بهادرخان آق‌قوینلو بناشده و در تاریخ۱۵/۱۰/۱۳۱۰ زیرشماره ۹۷ بثبت تاریخی رسیده است. [۲]

این سردرکتیبه‌ای داشت‌که پس‌از ویرانی‌زاویه باب‌القصربه‌عمارت‌چهلستون نقل‌گردیده و درآنجا نگهداری میشود وعبارت‌کتیبه‌که بخط سفید وثلث معرق‌بر زمینه‌کاشی لاجوردی ترسیم شده چنین است:

«لقد ساعدالتوفیق باتمام هذه‌الزاویةالشریفة والجنبدالرفیعةالمنیفة لتربةحضرة » « والده طاب‌الله ثراه فی‌زمان خلافة من‌هوعین سلاطین الزمان ولعین الخواقین انسان، » «سراج‌الدنیاوالدین،ابوالمظفررستم‌بهادرخان خلدالله‌تعالی‌خلافته وملکه‌وسلطانه، الحضرة» «الاشجع‌الاکرم،افتخارالانام والصنادید فی‌العالم‌مؤیددین‌سیدالاملاك،والافلاك‌زین‌الدوله» «والسعادة والدین، علی‌بیك برنا ایدت امارته فی۹۰۲کتبه معین‌المنشی.».

در داخل مقرنسهای سردربخط‌بنائی‌سفیدبر زمینه‌کاشی لاجوردی‌این‌عبارات نوشته شده :

«یا مجیب‌الدعوات» و «یارافع‌الدرجات» و «یا مستجاب‌الدعوات » و«یـا بـدیع السموات والارض» و « انا مدینةالعلم و علی بابها » و « فرض علی‌الحاضر والغائب حب علی‌بن ابی‌طالب » .

غیراز عبارات بالا نام حضرت‌علی درچندجا تکرار شده‌که بخط بنائی‌است. در داخل قطارهای سردربخط بنائی سفید بر زمینه کاشی لاجـوردی ایـن بیت را نوشته‌اند :

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۳۷.

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۳ .

«اگر هست مرد از هنر بهره‌ور هنر خود بگوید نه صاحب هنر »

نام وکنیه (ابوالمظفر رستم بهادرخان خلدالله تعالی) شاه زمان با حروف طلائی نوشته شده است. [1]

۷ ـ چله‌خانه : [2]

عمارتی بوده درتخت پولاد اصفهان درنزدیکی تکیه بابارکن‌الدین دارای چند اطاق مرتبط بیکدیگر که یکی از آنها معروف به چله‌خانه بوده و درگذشته مرتاضان درآنجا چله مینشستند. بعضی ازآن اطاقها دارای گچبریهای ممتاز بود و تا چندسال قبل اشعارزیر برروی‌گچ دیوار خوانده میشدکه با خط نستعلیق‌عالی نقش شده بود :

« در زمان شهنشه عادل رونق‌افزای مسجدومحراب»

« زینت دودمان مرتضوی . . . . . »

« . . . . . خرد از روی‌شوق دادجواب»

. . . دوش‌سال تاریخش: «قبله‌اهل‌حاجت‌است‌این‌باب»

« سنه ۱۱۱۲ »

۸ ـ رباط شاه‌عباسی نطنز :

این‌رباط‌که درحوالی‌قصبه نطنزمرکزشهرستان‌مزبور بوسیله‌میرزاابوالمعالی برزرودی وزیرحضورومجلس‌نویس شاه‌عباس ساخته شده است دارای جلوخان و سردر وکتیبه سنگ نبشته بخط ثلث زیبا بوده وقسمتی‌ازآن ازبین‌رفته وآنچه‌هم باقی مانده در اثر سنگربندی اشرار و راهزنان درهنگام‌اغتشاش آسیب‌زیادی‌دیده و بدشواری این عبارات خوانده میشود : «ابوالمظفر شاه‌عباس الحسینی‌الصفوی» « بهادرخان بنده‌درگاه شاهی‌ابوالمعالی‌الشهیر به‌آقامیرزابن‌اسدالله‌ابن‌علی‌الحسینی» « البرزی‌النطنزی توفیق بساختن‌این بقعه خیر بتاریخ هزاروبیست‌ونه هجری و »

۱- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۸.

۲- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۰۰ بنقل از روزنامه سرنوشت شماره۳۱ سال اول.

«باتمام رسانیدباهتمام‌این بنده درگاه علاءالملك، امیدکه‌ثواب آن‌به‌روزگارفرخنده» آثار عالی شاهی...» [۱]

میرزا ابوالمعالی مشهور به‌آقا میرزا وآقامیروقایع‌نویس شاه‌عباس‌کبیر بود و اعتبارش بمرتبه‌ای رسیدکه پادشاه فرمود که مهر من اعتبار ندارد و خط آقامیر معتبر است. [۲]

وی از سادات حسینی برخواربودکه اجدادش درنطنز سکونت اختیارکرده بودند و همه منسوبانش در دیوان‌کار میکردند.

۹ ـ شکارگاه عباس‌آباد نطنز: [۳]

درپنج‌کیلومتری پل‌هنجن نطنز بطرف قصبه درکنارجاده‌اسفالتهٔ‌کاشان‌و نطنز بقایای کاخ شکارگاه و باغ عباس‌آباد ازآثار شاه‌عباس بزرگ دیده میشودوازپیکره آن معلوم میگرددکه‌آنجا زمانی گرد شگاه ییلاقی وجای سیر وشکارگاه سلاطین صفویه بوده است ولی سالها میگذرد که آن محل بصورت کشتکار و ملك شخصی درآمده است.

موقعیت‌آن بسیار دلانگیز و فرح‌افزا است، چه‌اطراف‌آن‌کوه وسبزه‌زار و از طرفی قله‌های مرتفع کوه‌کرکس‌که بلباس سفید برف‌آراسته میباشد برطراوت آن افزوده و با اینکه تقریباً بصورت‌کشتزار درآمده اکنون‌هم همان صفا وخرمی را دارد و چنانچه درآنجا مهمانخانه‌آبرومندی احداث شود برای جلب سیاحان بسیار مناسب خواهدبود.

۱۰ ـ مناره مسجد قدیمان نائین:

این مناره درکنارمسجدجامع قدیمان درمحله‌کلبان نائین واقع بوده وبمرور زمان ازبین رفته است. [۴]

۱ـ آثارتاریخی شهرستانهای‌کاشان ونطنز ص۴۱۴.
۲ـ تذکره‌نصرآبادی ص۷۰.
۳ـ آثارتاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ص۲۱۹.
۴ـ فرهنگ تاریخ نائین ص۱۱.

۱۱ ـ خانقاه شیخ ابومسعود رازی :

این خانقاه[۱] درمحله شیخ‌مسعود اصفهان‌واقع‌بوده و به‌بقعه‌آرامگاه‌ومدرسه وحمام وباغ او اتصال داشته است این محله درقدیم بزرگتراز زمان حال بوده و از جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال‌به مورنان واز مشرق‌به قبله‌دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه نو محدود میشده است، این خانقاه درقرن سوم دائر و درقرن چهارم یعنی پس‌از وفات شیخ ابومسعود رازی (۲۵۰ هـ. ق) در اثر اینکه متوفی شخصیتی بارز داشت مورد توجه قرارگرفت و از اطراف زهاد و صوفیان بزیارت بقعه او میآمدند وبتدریج برشهرتش افزوده‌میشد ومورد توجه‌سلاطین‌وقت نیز واقع‌گردید وحتی ابونعیم اصفهانی حافظ معروف پس‌از وفات درجوارآن مدفون‌شد. و درعهد یعقوب بهادرخان بقعه‌ای برمزار شیخ بنا شدکه درمحل خود بتفصیل شرح داده خواهدشد. این خانقاه تا اواخر قرن سیزده هجری باقی‌بود ولی برحسب فتوای یکی ازعلمای وقت غیراز سردر بقعه‌بقیه عمارات‌آن خراب‌گردید. خانقاه مزبور دارای موقوفاتی بوده‌که بمصرف واردان و صادران میرسیده است ولی اکنون اثری ازآن نیست. [۲]

۱۲ ـ لسان‌الارض :

در مشرق تخت فولاداصفهان محلی‌بنام لسان‌الارض میباشدکه دروجه تسمیهٔ آن به‌لسان‌الارض اختلاف است ومشهور اینستکه چون این‌زمین‌ازلحاظ شکل به زبان شباهت دارد باین‌نام معروف شده است. محل‌مزبور دارای دیواری بسیارکهنه میباشد که درشرف ویرانی است ودربعضی‌قسمتهای‌آن آجرکاری‌زمان دیلمی‌آشکار است وسبك‌آن قدمت این‌مصلی‌را تأییدمیکند. [۳]

۱ـ خانقاه معرب خانه‌گاه است‌که‌کنایه از تواضع وفروتنی درویشان و صوفیان بوده ومحل سکونت خودرا درآن‌قرار میداده‌اند ومعمولا مدرسه‌ومسجد وبیوتاتی‌برای واردان داشته است.
۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۵۳ بنقل ازکتاب خلد برین . ۳ ـ بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۷۴ .

ج- مساجدی که بعد از اسلام احداث و اکنون فقط نام و آثاری دارند:

۱ - مسجد جامع کاج :

این مسجد درحدود ۲۵ کیلومتری مشرق اصفهان ودرشمال بستر زاینده‌رود واقع وجزء برآآن. شمالی‌میباشدگنبد این‌مسجد برج‌مانندساخته شده ودراطراف آن ملحقاتی بوده‌که بمرورزمان وعدم تعمیر ازبین رفته و جزء اراضی زراعتی گردیده است. گنبد مزبور در وسط صحن متناسبی قرار داشته و بوسیله مدخلهای بزرگ وکوچك ازجوانب شمال وشرق وغرب باز بوده وفقط‌سمت‌جنوبی آن‌بسته بوده است، محراب مسجدهم در این طرف قرار دارد. مهمترین مواد ساختمانی آن آجر بوده است.

کتیبه اطراف‌گنبد درقسمت داخل‌آن باکاشی‌معرق وبخط ثلث سفیدبرزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برآیاتی از سوره یس است، این‌کتیبه‌تاریخ‌ندارد وگفته‌اند ممکن است متعلق‌بقرن هشتم هجری باشدکه‌این نظریه‌را پرفسورپوپ‌مأسوف‌علیه تأییدکرده است وبعضی ازنویسندگان احتمال داده‌اندکه از ملحقات مسجد درقرن یازدهم وبعدازآن میباشد.

اسامی خلفاء راشدین‌درطرفین محراب دردوشکل مستطیل بخط بنائی‌نوشته شده است و درپوشش داخلی گنبد چهارشکل‌مربع بخط بنائی باآجرقرمزبرزمینه سفیدآجری‌که دوبدو قرینه‌اند وجود داردکه در دو مربع آن نام محمد و در دو مربع دیگر نام علی نوشته شده است، درقسمت پائین‌گنبد و روی جرزها بخط بنائی باگچ درفاصله‌آجرها اسامی: الله، محمد، علی، حسن، حسین خوانده میشودو کلمات دیگری هم بوده‌که اکنون وجود ندارد. [۱] این مسجد دارای مناره‌هائی‌هم بوده‌که اکنون اثری ازآن باقی نیست. مسجدنامبرده طی‌شماره ۳۲۸-۲/۱۱/۳۱۸ بثبت تاریخی رسیده است. [۲]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۸۳

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵ .

۲ ـ مسجد گار (غار) :

این مسجد در دیه گار که مردم محل آنرا جار تلفظ میکنند و غارهم نوشته‌اند واقع شده است. درقرون اولیه طلوع اسلام لفظ گار را معرب کرده جار تلفظ میکردند واز این جهت است که درکتابهای مورخان وجغرافی نویسان و انساب نویسان عربی همه جا جار نوشته شده ودرمعجم البلدان متذکر گردیده که مردم محل گار تلفظ میکنند وکسانیکه تحصیل کرده‌اند بجیم مینویسند. (۱)

این دهکده در زمان قدیم دائر ومعمور و عده‌ای از محدثان از آن برخاسته‌اند که برای روشن شدن وضع قدیم این دهکده دسته‌ای از آن محدثان را ذیلاً مینگارد :

جارکه از دهات پاکیزه وپرباغ وبوستان اصفهان وبطرف لاذان امتداد دارد محدثانی باین شرح داشته است: (۲)

۱ـ ابوالطیب عبدالجبار بن فضل بن محمد بن احمد جاری ۲ـ ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن عیسی جاری ۳ـ احمد بن محمد بن علی بن مهران جاری مدینی ۴ـ ابوالقاسم علی بن محمد بن علی بن مهران جاری ۵ـ الذاکر ابوبکر ذاکر بن محمد بن عمر بن سهل جاری برائانی (متوفی ۵۵۱ هـ.ق) ۶ـ ام عمرو سعیدة بنت بکران بن محمد بن احمد جاری ۷ـ ابوالفضل جعفر بن محمد بن جعفر جاری ۸ـ ابونصر بن ابوحفص جاری ۹ـ سید الرؤساء قاسم بن احمد بن ابوالقاسم جاری بانی مناره جار در ۵۱۵ هجری قمری ۱۰ـ عبدالملك بن حسن جاری ۱۱ ـ عیسی بن عبدالرحمن جاری.

از شمارش این عده که اغلب از مشایخ حدیث بوده‌اند معلوم گردیدکه دیه مزبور درآن زمان اهمیت داشته ومرکز دانشمندان زن ومرد بوده است و قاعدةً باید درآن هنگام که قرن ششم و پنجم باشد محراب و مسجد درآنجا دائر باشد و و از همین جهت است که گفته‌اند این مسجد در زمان سلاجقه ساخته شده چه تاریخ مناره آن هم ۵۱۵ میباشد. تاریخ کتیبه موجود برجرز شمالی ویرانه های محوطه

۱و۲ـ معجم البلدان ج۲ ص۹۳.

گنبددار نشان میدهدکه در ۶۶۰ هجری ساخته شده است وتقریباً یکصدو سی‌وپنج سال بعداز عمارت مناره میباشد وبا این ترتیب بایدگفت این تاریخ اخیر ممکن است تاریخ تعمیر یا تجدیدبنای مسجد نخست باشد چه اینگونه مناره‌ها را برای مسجد میساختند.

عباراتی‌که درکتیبه مناره موجود میباشد بشروح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ــ امر ببناء هذاالمنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساء ابا»
«القسم‌بن احمدبن‌ابالقسم فی‌سنة خمس‌عشرة وخمسمائة. »

درصفحه ۱۸۴گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان عبارات کتیبه باین‌کیفیت نوشته شده ولی ازنظر املای عربی چند اشکال دارد:

یکی‌اینکه بجای هذالمنارة باید هذه‌المنارة باشد و دیگر اینکه ابالقسم چون درحالت رفع‌است بایدابوالقسم باشد و ابالقسم دوم‌هم باید ابی‌القسم باشد ولی درفهرست بناهای‌تاریخی و اماکن باستانی صفحه۲۹ نوشته شده: «سیدالرؤساءِ قاسم بن‌احمد»ودر تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان صفحه۲۰۱ نوشته:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ امر ببناء هذالمنارة الزهید الرئیس سیدالرؤسا القاسم بن احمدبن ابی‌القسم فی‌سنةخمس عشرة وخمسمائة»

و مطابق املای عربی اگر سیدالرؤساء نامش ابوالقاسم باشد باید کتیبه چنین باشد :

«امر ببناءِ هذه‌المنارةالزهیدالرئیس‌سیدالرؤساءابوالقسم‌بن‌احمدبن‌ابوالقسم» واگر نامش قاسم باشد صحیح‌آن چنین است: «امر ببناء هذه‌المنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساءالقاسم‌بن احمدبن ابوالقسم...» و اما طرز نوشتن قاسم درقدیم : قسم بوده است .

بنظر نگارنده نام سیدالرؤساء باید قاسم باشد، چه ابوالقاسم در قرن ششم کنیه اشخاص بوده وکنیه مطابق قواعد عربی مقدم برلقب بوده است و از اینرو آنچه درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان‌وفهرست ساختمانهای تاریخی‌واماکن‌باستانی نسبت بنام سیدالرؤساءِ نوشته شده محکمتر ومنطقی‌تر میباشد.

خطوط بنائی که بربدنه مناره دیده میشود عبارت: الملك‌لله میباشدکه تکرار شده است. کلمات وجملاتی روی بقایای دیوار دورگنبد مسجدکه درضلع جنوبی صحن متروك مسجد واقع شده خوانده میشود مثلاً روی دو جرزشمالی‌عبارات‌زیر بخط ثلث‌گچبری شده:

«امرعمارت هذاالمحراب .... ولیه » وسمت غربی: «رشیدالدین محمدکامل احمدبن اسماعیل» لوحد سمت شرقی: « ... ابن‌ابی‌القاسم. .رمضان‌المبارك... ستین‌و ستمائة ».

از مجموع این‌کتیبه‌های ناقص معلوم میگرددکه تاریخ بناء در حدود ۶۶۰ هجری بوده زیرا کلماتی پیش از ستین افتاده و ممکن است جای یکی از اعداد ۹گانه باشد.

و اما راجع‌ببانی ومباشروکاتب صراحتی‌این‌جملات نداردوممکن است‌کتیبه در اصل چنین باشد:

«امرعمارة هذاالمحراب .... ولیه ... ابن‌ابی‌القاسم‌رشیدالدین محمد ، کاتب احمدبن اسماعیل .... رمضان ... ستین وستمأته» و با این ترتیب رشیدالدین محمد پسر ابوالقاسم‌آمر ببناءِ محراب واحمدبن اسماعیل‌کاتب‌کتیبه بوده است.

ازآثار وخطوط دیگری‌که در نصف شرقی بخط‌کوفی‌گچبری شده این‌قسمت خوانده میشود: «...علیکم اهل‌البیت انه حمیدمجیدفلما...» و در اطراف محراب قسمتی بخط ثلث‌گچبری‌گردیده‌که درآن‌آیة الکرسی وچندآیه دیگر بوده که از بین رفته و فقط جملاتی از آن خوانده میشود ، آن قسمتی‌که خوانده میشود چنین است:

«... عنده الا باذنه یعلم مابین‌ایدیهم وما خلفهم ولایحیطون بشیء من علمه الا بماشاء وسع کرسیه السموات والارض...» و نیز « : . . احسن عملا و هوالعزیز الغفورالذی خلق سبع‌سموات طباقاً ماتری فی‌خلق‌الرحمن...».[1] مسجد گارومناره

۱ــ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۲.

طی شماره ۲۷۰ـ۱۲/۱۲/۵۱ بثبت تاریخی رسیده است .[۱]

۳ـ مسجد جامع گلون‌آباد :

این‌مسجددر۲۱کیلومتری مشرق شهر اصفهان‌درگلون‌آباد از دهستان‌قهاب و متصل بجاده شوسه اصفهان به یزد واقع میباشد و بنامهای : گلون‌آباد ـ گلناباد جیلون‌آباد خوانده و نوشته شده است.

شهرت این محل‌گذشته از اینکه در دوره صفویه‌آباد وپرجمعیت بوده از نظر وقوع جنگ تاریخی افغانها و شاه‌سلطان‌حسین صفوی درآنجا میباشد وگرنه اغلب این دهکده خراب و ویرانه‌های‌آن مشهور است .

مسجدجامع دیه‌مزبورنیز بحال ویرانی افتاده و فقط در چند سال پیش[۲] دریکی از ایوانهای جانب شرقی صحن‌کتیبه‌ای با خط زیبای ثلث موجود بوده‌که عبارات‌آن چنین خوانده شده است : «قال‌الله تبارك وتعالی انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم‌الاخر صدق‌الله‌العظیم فی‌عام ۱۱۰۹».[۳]

۴ـ مسجد بوزان :

بوزان یکی از دهکده‌های جی است که درسه‌کیلومتری مشرق شهراصفهان واقع‌شده و دارای مسجدی قدیمی است که محراب‌آن درقرن ششم احداث‌گردیده است .کتیبه‌های‌گچبری محراب‌آن بمنظورحفظ و حراست بموزه ایران باستان نقل شده و حاشیه بیرون محراب‌آن با خط‌کوفی گلدار مشتمل بر آیه ۱۸ سوره آل‌عمران است وبرجبهه محراب‌آن بخط ثلث عبارت پائین خوانده میشود :[۴]

« قوه‌والله قانتین‌هذا المحراب عمارةالعبدالمذنب علی‌شیرزاد الانصاری القزوینی فی جمادی‌الاخرة سنة ثمان وعشرین و خمسمائة » .

این مسجد در حال ویرانی است .[۵]

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی‌ایران ص۲۹. ۲ ـ ۱۳۴۳ شمسی.
۳ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۳. ۴ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲.
۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۱۴.

۵ ـ مسجد هفشویه: [۱]

این مسجد در دیه هفشویه جزء بلوك قهاب و در شمال شرقی اصفهان واقع شده است. بنای این مسجد بسبك مغولی و آثار بنا حکایت داردکه در دوره سلاطین مغول ساخته شده ودرائر متلاشی شدن گنبد ومناره و دیوارهای آن کتیبه‌ایکه تاریخ بنا را برساند باقی نمانده ،گچبری محراب باقی مانده با محراب گچبری شده کار شباهت دارد واز اینرو میتوان حدس زدکه مسجددرقرن ششم و هفتم بنا شده‌است. مناره مسجدهم خراب وفقط پایه آن باقی میباشد، این مسجد از خشت خام ساخته شده ونمای آن از آجر بوده است.

در اطراف محراب آیةالکرسی بخط ثلث ودراطراف اسپرمحراب سوره فاتحه بخط کوفی و آیات ۵۱و۵۲ از سوره قلم بخط بنائی گچبری شده است.[۲] مسجد مزبور طی شماره ۴۳۰ـ۵/۱۲/۴۱ بثبت تاریخی رسیده است .[۳]

۶ ـ مسجد شهرستان : [۴]

این مسجد در دیه شهرستان جی درمجاورت پل شهرستان ومقبره‌الراشدبالله واقع شده، مسجدی است کوچك که در اثر مرورزمان وعدم توجه بویرانه‌ای تبدیل گردیده و فقط کتیبه تاریخی بخط ثلث سفیدبرزمینه کاشی لاجوردی رنگ موجوداست که تاریخ ساختمان وکاتب آن را تعیین میکند.

کتیبه مزبور چنین است: «قال‌الله تعالی ـ انمایعمر مساجدالله من آمن بالله، «والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك‌ان یکونوا من، «المهتدین فی‌شهر رمضان‌المبارك سنة۱۰۴۲ [۵] کتبه محمد رضاالامامی‌الادهمی».[۶]

۱ـ بنابگفته حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب هفشویه درقرن هشتم قصبه‌ای آباد بوده است و اکنون‌دیهی نیمه‌خراب‌است. ۲ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۳۲۱. ۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۰. ۴ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۴۲۱.
۵ـ در تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان ص۱۹۳ تاریخ کتیبه هزار وچهل‌وسه نوشته شده است.
۶ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱.

۷ ـ مسجد نمکی :

این مسجد درحدود میدان میر درجنب میدان کهنه اصفهان واقع و بنـای آنرا بخواجه‌نظام‌الملك نسبت میدهندولی کتیبه‌ای نداردکه حکایت ازبانی‌وتاریخ بناکند وبمرورزمان روبویرانی نهاده است.

در ویرانه مسجد سنگ نبشته‌ای موجود میباشدکه حـکایت دارد زنـی از نواده‌های خواجه‌نظام‌الملك در زمان شاه‌عباس موقوفاتی برای مسجدقرار داده‌است و مفاد و عبارات آن سنگ نبشته چنین است:

«درزمان خلافت اعلیحضرت‌خاقان جمجاه،السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن» «الخاقان سلطان شاه‌عباس الثانی الصفوی الموسوی بهادرخـان توفیق‌رفیـق حـال» «علیاحضرت طهارت و نزاهت دستگاه حاجیه شاه‌خانم بنت مرحمت و غفران پناه» «میرزااحمدبیك‌نمکی‌گردید قربة الی‌الله تعالی، وقف‌مخلد نمود نصف چهارسوق[1] «نمکی‌دارالسلطنه اصفهان با نصف تیمچه ونصف حمام و نصف زمین ساده مشهور» «بزمین شترخان ونصف طاحونه‌گاوی واقعات درچهارسوق مزبور برمسجد معین » «واقع درجنب چهارسوق مزبورکه جد او خواجه‌نظام‌الملك بناکرده، وقف‌صحیح» «شرعی‌که نخرند ونفروشند و مرهون ننمایند و زیاده ازسه سال باجاره ندهند و» «صدور و متصدی موقوفات دخل درآن ننمایند وحق‌النظاره و غیره نگیرند، و » «شرط نمود واقفه‌که منافع مزبور را بعد از تعمیر مسجد و مستغلات مـزبـوره » «هریوم چهل‌وپنج دینار بشخصی دهندکه هرروز یك جزوه قرآن مجیددرمسجد» «مزبور تلاوت نماید، و ده دینار صرف روشنائی مسجدمزبور شود، وآنچه زیاده» «بماند درشب جمعه و ایام متبرك صرف اطعام عجزه ومساکین‌شود، وتولیت‌آن تا» «واقفه مزبور در قید حیات است تعلق باو داردو بعد از آنکه داعی حق را لبیك» «اجابت بگوید تولیت از شخصی خواهدبودکـه سند معتبر از واقفه در دست خود» «داشته باشد ، وشرط نمود واقفه مزبور که متولـی درتعمیر مستغلات از صلاح »

۱ــ درآخرمحله‌گلبار واقع است. نصف‌جهان درتعریف‌اصفهان ص۵۳.

«شریك که باعث آبادانی مستغلات مزبور باشد بیرون نرود و هرکس تغییر آنچه »
«واقف شرط نموده بکند بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار گردد بحق النبی وآله.».
این سنگ نبشته بخط نستعلیق برجسته وفاقد تاریخ میباشد.[1]

۸ـ مسجد امامزاده شوری :

این مسجد درمحله دردشت اصفهان درمقابل امامزاده عبدالله(شوری) واقع ومسجدی است محقر که آثار تزییناتی از آن باقی نمانده ودرحال ویرانی است ولی در قدیمی آن باقی وکتیبه روی در چنین است:

«قال الله تبارك وتعالی وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً فی سنته ۹۱۹ وقف شرعی»

«نمود جناب مفخر الاعیان خواجه عبدل بن رئیس یوسف اصفهانی». این مسجد تا کنون به ثبت تاریخی نرسیده است.

۹ـ مسجد امام حسن اردستان:

این مسجد در بازار محله کبودان اردستان واقع و موسوم به مسجد امام حسن علیه السلام است و تقریباً بحالت نیمه ویرانی درآمده است،[2] مناره مسجد هم درچند سال قبل که کمی اعوجاج پیدا کرده بود مقداری از آن خراب و ازطرف باستان شناسی تعمیر گردید.[3] این مسجد دارای سر دری زیبا و مزین بکتیبه هائی بخط کوفی درمتن کاشی فیروزه ای است. باقیمانده مناره و شبستان و محراب گچبری آن نماینده کامل ساختمانهای دوره سلجوقی است.[4] بنظر نگارنده این بنای سلجوقی بجای مسجدی که بسبك عربی بنا شده بوده و رو بخرابی گذارده بناگردیده و این نکته را معروفیت آن به مسجد امام حسن وشرحی که در تواریخ وارد شده که حضرت امام حسن پس از مراجعت از جنگ یزدیاقم درآن مسجد نماز خوانده وازطریق کهنگ باصفهان عزیمت و در اصفهان هم درمسجدی که بهمین نام معروف شده نماز خوانده است[5] وآمدن حضرت امام حسن مجتبی(ع) هم بایران تأیید میکند. مسجد

۱ـ بنقل از گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۲۹ ۲ـ آتشکده اردستان بخش یك ص۲۸.
۳ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۲۰۵ . ۴ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳. ۵ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۲۸ بنقل از خزائن نراقی و تذکرة الائمه

ومناره آن بشماره۲۴۹ بثبت تاریخی رسیده است.[۱] (ش ۵)



(ش ۵)

۱۰- مسجد دشت رامیان :

این مسجد در دشت محله رامیان اردستان واقع و بحال خرابه درآمده بود و فقط کتیبه‌ای داشت بخط کوفی که دلالت بر قدمت مسجد داشت[۲] درچندسال قبل از طرف ساکنان آن محله مسجد تعمیر و صورت نوی یافت. (ش۶)

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳ .

۲ ــ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۹ .



(ش۶)

۱۱ ـ مسجد سفیدسردشت:

این مسجد درمحله فهره اردستان در مجاورت بقعه پیر مرتضی‌علی‌اردستانی واقع و از بناهای تاریخی است‌که در دوره سلاجقه ساخته شده هـر چند تـاریخی ندارد ولی درگفته‌های[۱] پیرجمالی اردستانی شاگرد و مرید پیرمرتضی‌در رسالات عرفانی خود نام این‌مسجد تکرار شده وحکایت داردکه مسجد مزبور در آن زمان دائر بوده است و درمحل شهرت دارد که پیش‌ازمسجد جامع بناگردیده‌است.

درحدود سال ۱۳۰۵ شمسی مقدار شصت ذرع ازاین‌مسجد خـراب و جـزء

۱ـ آتشکده اردستان بخش۲ ص ۳۴۴ بنقل از رساله روح‌القدس پیرجمالی.

دبیرستان اردستان گردید.[1] این مسجد هنوز مورد توجه باستان‌شناسان قرار نگرفته ولی اقتضا دارد مورد مداقه و با سوابق تاریخی که دارد بثبت تاریخی برسد.

۱۲ - مسجد جامع جورجیر:[2]

این مسجد را صاحب بن عباد ملقب به کافی الکفات در قرن چهارم هجری در محلی که اکنون مسجد جامع حکیم داود است بنا کرده و این جامع معروف بجامع صغیر جورجیر بنا بگفته مؤلف محاسن اصفهان مشتمل بر شبستانها و خانقاهها و کتابخانه و مدارس برای فقها و مجلسهائی برای ادباء و محلهائی برای شعراء و صوفیان و قاریان قرآن بوده است و چون در بازار رنگرزان واقع بوده به آن جامع رنگرزان نیز گفته میشده است. از مزایای این جامع بر جامع عتیق این بوده که خاك رسی که از آن جامع جورجیر ساخته شده محکمتر از خاك جامع عتیق بوده و مناره آن یکصد ذراع ارتفاع داشته و ساختمانهای جامع مزبور نسبت بجامع عتیق محکمتر و مرتفعتر بوده است. جامع رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران و بر روی آن حکیم داود هندی مسجد معروف به حکیم و یا تقرب خان را در عصر صفوی بنا کرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی است که در سال ۱۳۳۵ شمسی از زیر خاك بیرون آمده است.[3]

بطوریکه ابو نعیم[4] اصفهانی در قرن چهارم و پنجم و صاحب للباب[5] فی تهذیب الانساب و یاقوت حموی[6] در قرن هفتم نوشته‌اند در شهر اصفهان محله‌ای بوده بنام جورجیر که درهمان محله جامع جورجیر بنا شده و تا زمان یاقوت دائر بوده است و بهمین جهت این جامع بنام آن محله شهرت یافته - زیرا محله مزبور از محلات آباد و دارای مردمان دانشمند و زاهد و محدث بوده است.

از معروفان آن محله ابوبکر محمد بن الحسن جورجیری از متعبدان و مصاحب

۱ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۹.
۲ـ ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳.
۳ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۱.
۴ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۱۴۷.
۵ـ اللباب ج ۲ ص ۲۴۹.
۶ـ معجم البلدان ج ۲ ص ۱۸۰.

سهل بن عبدالله که سرانجام از اصفهان بدمشق منتقل ودر آنجا وفات یافت.[۱] دیگر ابوجعفر محمدبن عمر بن حفص جورجیری متوفی ربیع‌الاول (۳۳۰هـ. ق) ازمحدثان که از اسحاق‌بن ابراهیم حدیث شنیده و ابواسحاق بن حمزه از او روایت کرده است.[۲]

نیز ابوعبدالله محمدبن یوسف بن معدان بن سلیمان جورجیری متوفی (۱۸۴ هـ.ق) که خود و برادرانش عبدالرحمن و عبدالعزیز در محله جورجیر سکونت داشته‌اند و در مصیصه فوت و درجنب مخلدبن الحسین مدفون شد.

اوراست مناقب وفضایل وهنگام فوت بسن چهل‌سالگی نرسیده بود. کتابهایش را دفن کرد ومیگفت: فرض کن که قاضی هستی سپس چه میشود، و فرض کن مفتی هستی بعد چه خواهدشد وفرض کن محدث هستی دیگر چه‌خواهد شد و درکنج خاموشی خزید و راه ورفتار رسول‌خدارا اختیارکرد. یحیی‌قطان وابن‌مهدی ومحمدبن‌عیینه فرازی وعصام وجبّرودیگران از او روایت‌دارندوخودازیونس بن‌عیینه واعمش‌ثوری وحمادبن زید و حمادبن سلمه وصالح‌المری و عمربن صبیح حدیث نقل‌میکرد.[۳]

ازجمله محدثان محله مزبور ابوالقاسم طاهربن محمدبن احمدبن عبدالله عکلی جورجیری متوفی جمادی‌الاولی (۴۳۹هـ. ق) میباشدکه خود ازابوبکرمقری حدیث نقل‌کرده است.[۴]

محدث دیگر ابومحمدقاسم‌بن‌ابی‌حامد احمدبن‌قاسم کاتب جورجیری است که در آن محله سکنی داشته و از احمدبن سلمان نجار حدیث روایت میکرده است.[۵]

دیگر از معاریف آن محله عبدالرحمن بن یوسف‌بن معدان‌بن سلیمان جورجیری از محدثان وبرادر ابوعبدالله محمدبن‌یوسف‌متوفی (۱۸۴هـ.ق) وبرادرش عبدالعزیز جورجیری میباشد[۶]

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۰.
۲ـ ذکر أخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۲.
۳و۶ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۱.
۴ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۲۴۹.
۵- ذکر أخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴ .

فصل سیم:

در آثار و ابنیه موجود و معمور و آن مشتمل است بر ۳ گفتار:

گفتار اول:

در آثار و ابنیه شهر اصفهان:

الف ـ در بیان اوضاع جغرافیائی آن:

۱ـ موقعیت نجومی:

یاقوت‌حموی[۱] درکتاب معجم‌البلدان اصفهان‌را درآخر اقلیم چهارم دانسته و طول‌آن را از جزائر خالدات ۷۴ درجه و $\frac{۲}{۳}$ درجه وعرض ۳۴ درجه و $\frac{۱}{۲}$درجه تعیین نموده‌است.[۲]

شارح چغمینی درکتاب شرح چغمینی درباب اقالیم سبعه اصفهان را جزء اقلیم سیم و ازلحاظ طول نهار۱۳ساعت و۴۵ دقیقه وازنظر عرض۲۷ساعت و۳۰ دقیقه

۱ـ ابوعبدالله یاقوت‌بن‌عبدالله رومی‌دربلاد روم ولادت یافت وچندی غلام عسکربن ابی نصر حموی بود وسپس‌آزاد شدو بتجارت وسیاحت پرداخت وسرانجام در حلب در ۶۲۶ هجری وفات‌یافت. اوراست معجم‌البلدان ومعجم‌الادباوالمشترك. ۲ـ معجم‌البلدان‌ج۱ ص۲۰۶.

و در اول اقلیم مزبور تشخیص داده است.[۱]

مؤلف نصف جهان در تعریف اصفهان گفته اصفهان در اقـلیم معتدل میانی واقع شده و طول آن شرقی است وازجزیره فره خالدات تقریباً ۷۰ درجه و عرض شمالی آن از خط استواء ۳۲ درجه وسی و هشت دقیقه میباشد ، و از گرینویچ که مبدء انگلیسی دارد تقریباً ۵۱درجه و۵۰ دقیقه طول دارد.[۲]

حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده چنین گفته: [۳] «تومانین اصفهان دروسه شهر است: اصفهان و فیروزان وفارفا آن ـ اصفهان را از اقلیم چهارم شمرده اند اما بحسب طول وعرض حکما از اقلیم سوم گرفته اند.

طولش از جزایر خالدات (عوم) وعرض ازخط استواء (لب که) [۴] و در اصل چهاردیه بوده است: کران وکوشك وجویباره ودردشت باچند مزرعه».

ولی طول وعرض جغرافیائی شهر اصفهان مطـابق مـوازین فعلی بین المللـی چنین است :

طول شرقی ازنصف النهار گرنیچ ۵۱درجه و۳۹ دقیقه و۴۰ثانیه و عرض شمالی آن ازخط استواء ۳۲ درجه و۳۸ دقیقه و۳۰ثانیه[۵]

۲ ـ حدود آن :

شهر اصفهان ازطرف شرق وشمال وجنوب محدوداست به جی که مرکب ازجی و برز رود جی باشد وازطرف مغرب بماربین[۶]. حدنهائی شرق شهر مقسم نهر نیاصرم و حدنهائی مغرب محله لنبان و جنوبی نهر نیاصرم ، وحد نهائی شمالی شهر اصفهان باروئی بوده که بمرورزمان خراب واز میان رفته است.

۳ ـ محیط شهر اصفهان :

درقرن پنجم هجری که مفضل ما فروخی کتاب محاسن اصفهان را تألیف کرده

۱ـ شرح چغمینی ص ۱۰۹. ۲ـ نصف جهان ص۶ . ۳ـ تاریخ گزیده ص۵۲ .
۴ـ علمای هیئت قدیم برای اختصار اعداد را بحروف تهجی حساب میکردند ومینوشتند چنانچه ۷۶ درجه وچهل دقیقه را (عوم) و۳۲ درجه و۲۵ دقیقه را (لب که) نوشته اند. ۵ـ راهنمای اصفهان دکتر هنرفر ص۱۱ . ۶ـ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص ۲۲ .

محیط شهر اصفهان چهارده فرسنگ طول و شش‌فرسنگ عرض وهشت دروازه و هشتصد دیه ومزرعه داشته‌است.[۱] ودرزمان شاردن سیاح فرانسوی یعنی‌قرن‌یازدهم هجری محیط شهر هشت فرسنگ بوده است. و درسال یکهزار و دویست‌وپنجاه‌و پنج زمان فتحعلی‌شاه قاجار محیطش چهل‌کیلومتر بوده‌است.[۲]

طول شهراصفهان اکنون ازطرف مشرق بمغرب هیجده‌کیلومتروعرض‌آن‌از شمال به‌جنوب دوازده‌کیلومتر است. [۳]

۴ ـ جمعیت شهر اصفهان :

جمعیت شهر اصفهان بتناسب علل‌وجهات‌کسر وازدیاد در زمانهای‌گوناگون متغیر بوده است. وضع جمعیت این شهر پیش‌از دوران صفویه روشن نیست مگر بوسیلهٔ اماراتی‌که بدست داده شده مانند اینکه درزمان امیرتیمور هنگام قتل عام هفتادهزارنفرکشته شده‌اند و میتوان پی‌برد درشهری‌که هفتادهزار نفر کشته شوند باید ده‌برابرآن جمعیت داشته باشد تا هفتادهزارنفرکشته شوند و روی این قاعده جمعیت شهراصفهان درآن زمان بالغ بر هفتصدهزارنفر میگردیده است. یااینکه در زمان امارت علاءالدوله کاکویه هرروز دوهزارگوسفند و صد رأس‌گاو ذبح‌میشده و یا اینکه درمحله گروانان پنجاه مسجد بوده است. پس اگر هر گوسفندی برای بیست نفر درنظرگرفته شود وهرگاوی برای دویست تن میتوان احتمال‌داد که در آن تاریخ جمعیت شهر اصفهان شصت‌هزارنفر بوده‌است. [۴] عددجمعیت‌شهراصفهان را در زمان شاه‌عباس اول از هفتصدهزار تا یك میلیون نفر تخمین زده‌اند. درقرن سیزدهم اوژن‌فلاندن اظهار نظرکرده که شاید جمعیت‌آن در حدود یکصد هزار نفر باشد .

مؤلف جغرافیای اصفهان جمعیت اصفهان را در زمان فتحعلی‌شاه‌قاجار در حدود دویست‌وپنجاه هزارنفر و در دوره محمدشاه قاجار یکصدوهفتادهزار نفر ودر

۱و۳ـ اصفهان جوانان ص۲.
۲ـ اصفهان جوانان ص۴ بنقل از سفرنامه اوژن‌فلاندن.
۴ـ محاسن اصفهان ص۸۶.

سال یکهزار و دویست و نودوچهار هجری‌قمری پنجاه‌هزار تن نوشته است.[۱]

اولئاریوس‌که در عهد شاه صفی بایران سفرکرده نوشته است‌که جمعیت شهر اصفهان پنجاه‌هزار نفر است وهیجده هزارخانه در داخل‌حصار دارد.[۲]

علت این نقصان جمعیت: گرانی ـ قتل‌عام ـ قحطی ـ وباء وبخصوص هجوم افغانها برشهر اصفهان واطراف‌آن وکشت‌وکشتار وقحطی‌آن دوره بوده است.

تا رسیدن دوره پهلوی‌که علل‌نقصان جمعیت‌سیر تصاعدی میکرده ازجمعیت اصفهان کاسته میشده ولی از هنگامی که حکومت بدوران پهلوی رسید روز بروز برعدد جمعیت اصفهان مانند دیگر نقاط ایران افزوده شد.

جمعیت شهر اصفهان درسرشماری سال هزاروسیصدوسی‌وپنج (۱۳۳۵شمسی) ۲۵۴۸۷۶نفر بوده‌که ۹۵ درصدآن مسلمان و دو درصد یهودی و دو درصدمسیحی بوده‌اند. و در سرشماری سال ۱۳۴۵ شمسی بالغ‌بر۴۲۳۷۷۷نفرگردیده است.[۳]

جمعیت‌کنونی شهر اصفهان طبق‌نامه[۴] وزارت‌کشور ۴۲۹۴۰۵ نفر است وبا مقایسه‌آن با جمعیتهای گوناگون که درشهر اصفهان سابقاً وجود داشته‌است معلوم میگرددکه هرچه بتدریج علل‌وموجبات نقصان جمعیت برطرف‌گردیده بر جمعیت اصفهان افزوده شده است، وطولی نخواهدکشید با موجباتی‌که‌برای عمران‌وآبادی آن فراهم شده و میشود درزمان بسیار نزدیکی‌شماره جمعیت این‌شهر بحد اعلی خواهد رسید ، واز امروز باید بفکر مسکن فردای آن جمعیت بود و اولیای امر ناچار باید دراندیشه تهیه‌آن باشند .

۵ ـ مذهب مردم شهر اصفهان :

مذهب رسمی و عمومی مردم شهر اصفهان اسلام و جعفری اثناعشری است و دو درصدآن یهودی و دو درصد دیگر مسیحی ویك درصدهم‌کمی‌زردشتی‌و بقیه از مذاهب غیررسمی پیروی میکنند .

۱ـ جغرافیای اصفهان ص ۶۵. ۲و۳ـ اصفهان جوانان ص ۵ .

۴ـ نامه ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ ـ ۵۰/۶/۲۰ وزارت‌کشور .

پیروان هر مذهبی برای انجام مراسم مذهبی خود معابدی دارند.مسلمانان درمساجدکه در این شهر بحدکافی وجود دارد واغلب آنها از آثار باستانی بشمار میرود بمراسم مذهبی میپردازند و مسیحیان هم‌کلیساهای مختلف درجلفا دارند که بعضی ازآنها جزءآثار باستانی است یهودیها هم در کنیسه‌ها عبادت میکنند.

۶ ـ موقعیت طبیعی :

شهر اصفهان درجلگه سبز و خرمی درکنار زاینده‌رود واقع شده‌که‌چنانچه اشاره شد طول آن از مغرب بمشرق هیجده‌کیلومتر و عرض آن از شمال‌به‌جنوب ۱۲کیلومتر است.

ارتفاع‌آن از سطح دریا میانه۱۴۷۵ تا ۱۵۸۴متر تعیین‌شده، جلگه‌اصفهان درحدود۳۰۰متر از تهران مرتفعتر است و اختلاف ساعت میان تهران و اصفهان‌در حدود ۲۰ثانیه میباشد.

اصفهان درمرکز فلات ایران واقع شده ومنطقه‌ایست نسبتاًکوهستانی‌که از سمت مغرب در طول دره وسیعی‌که بسترزاینده رود است ازکوههای مرتفع‌محصور گردیده وکوههای آن از شمال‌غربی به‌جنوب شرقی‌کشیده شده است.

ارتفاع‌کوههای حدود اصفهان تقریباً ۳۰۰متر است و بزرگترین رشته‌آن‌در جنوب غربی واقع‌شده وجنس‌آن‌آهکی‌است ومواضع‌صعب‌العبورنیزدارد.سرچشمه رودخانه‌های‌کارون و زاینده رود دراین‌قسمت است.

ارتفاع کوه صفه درجنوب‌اصفهان‌به۲۴۰۰مترمیرسد،این رشته‌کوه باتضاریس زیادی‌که دارد و بعلت نزدیکی بشهر بر زیبائی موقعیت طبیعی اصفهان افزوده است .

در بیست وپنج‌کیلومتری شمال غربی اصفهان کوههای سیدمحمد واقع شده که ازکنار جاده شوسه اصفهان شروع و به‌کوههای کرون و قمیشلو و علوی‌متصل میگردد. (۱)

۱ـ اصفهان جوانان ص۷-۸.

و از اینروکه جلگه اصفهان درکنار زاینده‌رود واقع شده‌آب‌وهوایش‌معتدل وفصول چهارگانه‌آن منظم است.

ب ـ خیابانهای شهر اصفهان در اوائل قرن چهاردهم هجری :

۱ـ خیابان خشك ازبناهای صفویه‌که چون‌آب ودرخت نداشته خشك‌نامیده میشده است ولی از همان اوائل قرن مزبور ازطرف حکومت وقت اقدام‌به‌آوردن آب و درختکاری شده است.

۲ ـ خیابان درکوشك ـ ۳ـ خیابان محله نو ـ ۴ـ خیابان پشت باره دروازه‌نو ـ ۵ـ خیابان یزدآباد ـ ۶ـ خیابان کران ـ ۷ـ خیابان پای قلعه ـ ۸ ـ خیابان شمس‌آباد . [۱]

ج ـ خیابانهای فعلی شهر بترتیب حروف تهجی :

۱ـ خیابان آبشار:

این خیابان از پل خاجو بطرف گبرآباد امتداد دارد .

۲ ـ خیابان آتشگاه :

این خیابان‌ازفلکه‌نصرآبادی شروع‌وبا خیابانهای‌خرم وصارمیه و رفیع‌الدین تلاقی میکند وآتشگاه‌که یکی ازآثار تاریخی‌است و در پیش بیان شده در انتهای آن خیابان واقع شده است .

۳ ـ خیابان آذر :

این خیابان از خیابان عباس‌آباد شروع و بخیابان پهلوی ختم میشود.

۴ ـ خیابان آینه‌خانه :

این‌خیابان درجنوب غربی زاینده رود و در شرق سی‌وسه پل واقع شده‌است.

۵ ـ خیابان احمدآباد :

این خیابان از دروازه جی شروع و فلکه شکرشکن را قطع میکند و طول

۱ـ نصف‌جهان ص ۴۸.

آن هزاروششصد متروعرض آن ۲۵متر است .

۶ـ خیابان ابن‌سینا :

این خیابان ازمیدان پهلوی بطرف فلکه طوقچی عبور میکندوآنراخیابان سنبلستان نیزگویند .

۷ ـ خیابان اردی‌بهشت :

این خیابان از خیابان عباس‌آباد شروع و بخیابان پهلوی منتهی‌میشود .

۸ ـ خیابان استانداری :

این خیابان در ضلع شمالی باغ چهلستون واقـع و دروازه دولت را بمیدان نقش‌جهان متصل میکند .

۹ ـ خیابان اللهوردیخان :

این خیابان ازپل سی‌وسه‌پل شروع و درنزدیکی پل مارنان بانتها میرسد .

۱۰ ـ خیابان امین :

این خیابان از منشعبات خیابان استانداری میباشد .

۱۱ ـ خیابان پارس :

این خیابان از خیابان چهارباغ منشعب میگردد .

۱۲ ـ خیابان پهلوی :

این خیابان از میدان ۲۴ اسفند شروع و با خیابان صائب تقاطع میکند ، طول‌آن۱۸۰۰ متر و عرض‌آن ۲۰ متر درجنوب شهر و در امتداد مسیر رودخـانه زاینده‌رود واقع شده است .

۱۳ ـ خیابان جامی :

این خیابان از چهارباغ منشعب و بطرف غرب امتداد دارد . مسجدرحیم‌خان دراینجا واقع‌است .

۱۴ ـ خیابان حافظ :

این خیابان از فلکه شکرشکن شروع و با میدان شاه تلاقی میکند.

۱۵ ـ خیابان تبریزیها :

این خیابان از خیابان جنوبی شمالی شاپور منشعب میگردد .

۱۶ ـ خیابان تخت‌فولاد :

این خیابان درمبدء با خیابان فیض (چهارباغ امین‌آبادسابق) تلاقی‌وبه‌تخت فولاد منتهی میشود .

۱۷ ـ خیابان تلواسکان = تل واژگون = تروا سکان = تل عاشقان :

این خیابان با خیابان ملك وگلزار تلاقی میکند .

۱۸ ـ خیابان ثریا :

این خیابان با خیابانهای چهارباغ صدر و فردوسی تلاقی میکند.

۱۹ ـ خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی :

این خیابان ازمحل تقاطع خیابانهای سعدی و هاتف شروع و بخیابان چهارباغ متصل میشود .

۲۰ ـ خیابان چهارباغ پائین = کهنه = عباسی:

این خیابان در وسط شهر واقع وازطرف‌شمال‌بجنوب‌مبدء فلکه آب‌بخشان‌و انتهای آن فلکه خیابان فرح‌آباد درجنوب‌شهر بطول ۵کیلومتروعرض ۴۲کیلومتر و دارای چهار رشته درختکاری‌است. مؤلف عالم‌آرای‌عباسی درباره خیابان چهارباغ اینطور توصیف‌کرده است :

« درسال‌ست‌والف‌هجری رأی‌جهان‌آرابدان قرارگرفت‌که دارالسلطنه‌مزبور» «را مقر دولت ابد مقرون ساخته عمارات عالی طرح نمایند. بدین نیت‌صادق وعزم» «لایق متوجه آن صوب‌گشته زمستان‌رابعیش وخرمی‌دردولتخانه مبارکه‌نقش‌جهان» «گذرانیده اکثر اوقات را بسیر و شکار صرف میفرمودند و شبها مجالس بهشت‌آسا» «آراسته بساط عشرت‌گسترانیده میشدوایام بهار عمارات عالی درنقش‌جهان طرح » «انداخته معماران ومهندسان در اتمام‌آن میکوشیدند وازدروب شهریك‌دروازه در»

«حریم باغ نقش‌جهان واقع و بدرب دولت موسوم‌است ازآنجا تا کنار زاینده‌رود»
« خیابانی احداث فرموده چهارباغی در هر دو طرف خیابان انداختند و ازکنار »
«رودخانه تا پای کوه جانب شهر انتهای خیابان‌چهارباغ قرار داده اطراف آنرا»
«بر امراء و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده‌اندکه هرکدام باغی طرح انداخته »
«در درگاه‌باغ عمارتی‌مناسب درگاه مشتمل‌بردرگاه وبساط رفیع وایوان‌وبالاخانه‌ها»
« و منظره‌ها درکمال زیب وزینت و نقاشی‌های بطلا و لاجورد ترتیب دهند و در»
«انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع‌پست وبلند نه‌طبقه جهت‌خاص پادشاهی طرح»
«انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدندو پل عالی مشتمل‌برچهل‌چشمه بطرز»
«خاص میان‌گشاده‌که درهنگام طغیان آب درکل یك چشمه بنظر درمیآید قرار»
«دادندکه برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر اتصال یابد وتاعباس‌آباد»
«یك خیابان باشد تخمیناً یك فرسخ شرعی و از دوطرف خیابان جوی‌آب جاری »
«گردد و درختان سرو و چنار و کاج وعرعر غرس شود و از میان خیابان نهری »
« سنگ بست ترتیب یابدکه‌آب از میان خیابان نیز جاری باشد ودربرابر عمارت»
«چهارباغ حوض بزرگ بسان دریاچه ساخته شود القصه هرکس از امراء واعیان»
«و سرکاران عمارات بوقوف معماران و مهندسان شروع درکارکرده و در انجام‌آن»
« ساعی‌گشتند وازآن تاریخ تا حال‌که سنه‌هجری‌به خمس و عشرین‌والف رسیده‌و»
«این‌شگرف‌نامه تحریرمییابد عمارات باصفاوباغات دلگشا بنوعی‌که‌طرح‌کارخانه»
«ابداع در عرصه ضمیر مبارك اشرف طرح افکنده بود بحیز ظهورآمده درکمال »
«لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت، درختان سربفلك افراشته واشجار میوه‌دارش »
«گوئی بطوبی‌جنان پیوند دارد .»

«الحاصل هرباغی ازآن‌رشك‌جنان و عمارات رفیعش‌که‌بنقوش بدیع‌مذهب»
« و مزین و بصور مصوران نادره‌کار آراستگی‌داردگوئی‌سدیر وخورنق ازآن‌نشانی»
« است بلکه در عرصه‌گیتی‌نظیر وعدیل آن محض خیال وگمانی» .

«عجب چهار باغی‌است‌بهجت‌فزا گرش ثانی خلد گویند شاید »

«چو تاریخ آن دل‌طلب کرد گفتم: نهالش بکام دل شه برآید [1] »

تاورنیه که درطی سالهای سیاحت خود ۹بار ایران را دیده ودر فوریه۱۶۸۹ میلادی وفات یافته راجع به‌خیابان چهارباغ چنین بیان‌کرده است:[2]

«این خیابان بیش‌از ۱۵۰۰ قدم طول و۷۰ هشتاد قدم عرض‌دارد، و رودخانه، «تقریباً وسط آن را قطع کرده ودرآن نقطه پل بسیار عالی‌ساخته شده‌که شرحش، «را بعد خواهم گفت. در ابتدای این خیابان‌که وصل‌بعمارت سلطنتی‌است‌کوشکی، «دوطبقه [3] بنا شده‌که تقریباً چهل‌پای مربع مساحت‌آن است و از بالا و پائین، «پنجره‌های زیاد داردکه از چوب ولی بسیار قشنگ نجاری‌کرده‌اند فقط شاه و، «اعضای خانواده‌اش میتوانند ازآنجا داخل خیابان بشوند، مردم دیگرکه‌ازشهر، «بیرون میروند باید از یك دروازه‌که درجنب آن‌کوشك است خارج بشوند،این، «راه موسوم است بخیابان چهارباغ و تفصیلش از این‌قرار است‌که نهر بزرگی از، «کوشك مذکورشروع‌شده درتمام طول‌خیابان امتدادیافته به‌پل‌بزرگی‌منتهی میشود، «واین نهراز چشمه‌ایکه اززیر کوشك‌بیرون‌میآید همیشه‌پرازآب است‌دوطرف‌نهر، «که‌ازتخته‌سنگهای بزرگ‌مفروش‌است‌ودوسه پاعرض‌آنست راهروئی‌تشکیل‌میدهد، «که‌گاهی عابرین ازآنجا نیز عبور میکنند، اما راه معمولی سواره و پیاده در دو، «طرف خیابان از پشت درختهائی است‌که بخط مستقیم کاشته شده تا بدیوارهای، «باغهای شاه‌که دوسر خیابان بآنها منتهی میشود این درختها خیلی بلند و صاف و، «مستقیم وموسوم به‌چنار هستندکه‌فقط درسر آنهادسته انبوهی‌از شاخه وبرگ‌دیده، «میشود. در فاصله میان نهر و درختها سنگ‌فرش نشده و زمین‌خاکی است که، «گاهی کشت و زرع مینمایند. تقریباً در دویست‌قدمی آن‌کوشك بزرگ‌آب چشمه، «از نهر داخل حوضی میشودکه ۳۰ الی ۳۵ پا قطر دائره‌آن است ودر فاصله‌های، «معینی‌باز چندین حوض دیگر ساخته شده وهرجاکه حوضی است عرض خیابان، «را سنگ‌فرش کرده‌اند و راهی‌باندازه ده دوازده پا ازکف‌خیابان‌بلندترساخته‌اند،

۱- عالم‌آرای عباسی ص ۵۴۴-۵۴۵. ۲- سفرنامه تاورنیه ترجمه عریضی ص ۳۹۳.
۳- درگزارش میرزاعلیخان نائینی و دیگران سه طبقه یاد شده.

«که از خیابان خارج میشود. درسمت چپ حوض اول کوشك دیگری نظیر همان»
« کوشك اولی ساخته شده‌که درحقیقت در دهنه خیابان واقع میشود وطبقه زیر »
«آن تالار طاق پوشی تا پل بزرگ خیابان سراشیب است و نهر آبشارهائی پیدا »
«میکند. تمام باغهائیکه درطرفین خیابان و این سروآن سرپل ساخته‌شده‌متعلق»
«بشاه است، اما نباید تصورکردکه‌این باغ وهمچنین‌باغ هزارجریب‌که‌قشنگترین»
«باغات ایران است چون باغهائی‌که ما در اروپا داریم مزین و خوب نگاهداری »
«شده باشد. در این باغها نه باغچه‌های گلکاری دیده میشود ونه خیابانهای مصفا و»
«نه زمینهائی‌که معمول باغات فرانسه و ایطالیا هستند .

«زینت باغهای ایران منحصر است‌بدرختهای میوه زیاد و همین‌چنارهائی‌که»
«بصف میکارند و فقط درسر آنها دسته انبوهی برگ‌دیده میشود، در سایر نقاط آنها»
«علفهای هرزه روئیده‌که هرگز پاك نمیکنند وعموماً شباهتی به باغهای ما ندارند»
«در دوطرف دیوار باغهائی‌که‌خیابان‌را احاطه‌کرده‌اند درفاصله‌های متساوی‌درهائی»
« ساخته شده که خیلی مزین وقشنگ هستند . درپشت سردرها همه جا تالاری »
« بناکرده‌اند . »

« ازکوشك اول تا به پل‌برسند، دروسط راه بسمت چپ خانه‌درویشی‌است[1]»
« که شاه یکی از باغهای خودرا باو داده و او این خانه‌را بنا نموده است. درآنجا»
« بعضی ازآثارمقدسه متعلق به‌علی‌علیه‌السلام وسایرائمه را در زیرطاقی‌گذارده‌اند»
« که ایرانی‌ها دروقت عبور ازمقابل آنها تعظیم وکرنشی‌می‌نمایند . این دراویش»
« هر روز سه چهارساعت بعد از ظهر دربازار آمده وهرکدام قاعده و حدی‌دارند.»
« یك پیرو یك جوان متفقاًحرکت کرده ازاین دکان بآن دکان رفته مسائل‌دینی»
«را بمردم میآموزند ».

پیترودولاواللہ ایطالیائی دربارهٔ چهارباغ چنین‌بیان‌کرده !

۱ــ منظور تکیه درویش حیدر است‌که درخیابان چهارباغ عباسی طبق فرمان شاه عباس‌برای او ساخته شده بود .

« چهارباغ بعضی روزها مخصوص گردش بانوان بوده ومثلا برای یك جاده »
« مسیر عمومی نمی‌توان چنین اختصاصی‌را قائل شد . طول این‌خیابان‌هم دویاسه »
« میل ، پهنای آن تقریباً دوبرابر پهنای خیابانی است که در رم واقع و پونت مل»
« نامیده می‌شود . »

« ابتدای این خیابان در جانب شهراصفهان عمارت کوچکی‌است که‌بشکل»
« کلاه فرنگی‌ساخته‌اند واطرافش تمام ایوان وپنجره است . »

« این‌عمارت بانقاشی وتزیینات بسیار دیگری آراسته شده و برای آن‌بنا »
« شده است که بتوان خیابان را از آن مکان بلند تماشا نمود و طول آن را »
« تشخیص داد » .

« کاخ شاهی بوسیلهٔ دالانی بآنجا راه دارد ، دو دیوار بارتفاع مساوی در »
« دو سمت خیابان است وپشت این دیوارها تا حدود نصف خیابان‌باغهائی است که»
« بشاه تعلق‌دارد مردم‌اجازه‌دارند داخل‌این‌باغها شده‌گردش کنند وحتی‌ازمیوه‌های»
« بی‌شمار آنجا در مقابل اندك انسانیت و تعارفی نسبت بباغبان استفاده نمایند . »

« درطرفین خیابان درفاصله‌های مساوی درهای این‌باغها دیده می‌شودکه »
«روبروی‌یکدیگرقرارگرفته وهرکدام‌آنهاعمارت‌کوچك زیبائی‌است‌که فقط‌برای»
« تفریح‌کسانی‌ساخته شده است‌که بخواهند درآنجا غذائی بخورند و یابرای‌کار »
« دیگری نظیر آن بدانجا روند . »

« شماره این‌عمارت‌ها بی‌اندازه زیاد ونمای آنها خیلی آراسته ودلرباست »
« وطوری باهم قرینه وجور ومتناسب است‌که نمی‌توان تصورکرد چیزی دلپذیرتر»
« ازآن وجود داشته باشد . »

« درخت‌های فراوان درهرسو چه درخیابان و چه داخل باغ در دو سمت »
« دیوارها دیده می‌شود که ردیف هم بیك اندازه در فواصل مساوی کاشته شده »
« وچنان سبزو خرم است که هراندازه تصور کنید این نقطه با طراوت و دلگشا»
« است . »

« علاوه براینها گوشه بگوشه در فاصله های معین‌مقابل بناهای بسیارزیبا»
« در وسط خیابان حوض‌های بزرگ آب باتناسب صحیح واشکال مختلف بدون‌لبه»
« دیده می‌شود . آب درکف سنگفرش خیابان موج میزند وراه نسبة عریضی دردو»
« طرف برای‌عبور پیاده وسواره ساخته‌اند . »

« نهرآب بزرگی‌که دروسط خیابان جاری است در جویباری که ازسنگ »
« ساخته شده جریان دارد وبه آب‌نماها میریزد، درچندین‌حوض فواره‌های‌بسیار »
« زیبائی دیده می‌شود و دربعضی از آنها نیز بوسیلهٔ احداث پاره‌ای سراشیبها »
« آبشارهائی که در دنیا نظیرآن باین دلپسندی وجود ندارد درست کرده‌اند . »
« قسمت وسط خیابان وپای دیوارهابا سنگ های‌کوچکی فرش‌شده‌که برای‌مردم »
« واسبها ناراحت نیست . »

« لکن‌این‌طرف‌وآن‌طرف خیابان دونقطه‌ایکه خاك خوبی‌دارد جاگذاشته »
« وگلهای رنگارنگی‌نشانده‌اند یقیناً این‌گلها درموسم خود ازعطرومنظره زیبای»
« خویش دلومشام جان را محظوظ وسرشار می‌نمایند.[1] »

مؤلف نصف جهان درسال (۱۳۰۸ ه . ق) درتوصیف خیابان چهارباغ چنین گفته است :

« واز جمله امکنه‌معروف اصفهان یکی‌چهارباغ شاه‌عباسی‌است‌که معروف»
« به چهارباغ کهنه است که چون شاه عباس عمارت دولتی خود را بقدر میسور و»
« مقتضی وقت بساخت وامرای اونیزبطرف جنوب‌آن‌که مناسب آن‌وقت می‌نمود»
« عمارات زیاد بساختندی وجای ومنزل‌گرفتند آن محل‌را بمحله دولت موسوم »
« نمود واگرچه قلعه نداشته وحصاری دورآن‌نکشیده بودند امادری ازدیواربست »
« آن‌بطرف مغرب‌که جهت محله‌های نوآباد او بود بگشاد وآنرا دروازه دولت »
« نام نهاد و از آنجا خیابانی در جنب همان عمارات دولتی بطرف جنوب تا کنار »
« زاینده رود که الحال موسوم به چهار باغ است طرح انداخت مشتمل بر دو »

۱ــ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان ص۴۸۰ بنقل ازآثار ایران .

« باغچه و دوکنار و میان آن راهی سنگ بست ساخته و راه میان وسیع وجوی»
« سنگی درمیان آن درست نمودند واطراف باغچه‌ها به‌چهارصف درخت چنار ودر»
«کنار ومیان درخت‌گل به‌ردیف یکدیگر نشاندند ، ودوطرف این خیابان باغ‌های»
« بزرگ بنا نموده و سردرها فراخور حال هرباغ منقش و خوش‌نما بساختند و »
« محاذی هر سردری درمیان چهارباغ حوضی بزرگ درست نمودند وچندموضع»
«که سمت بلندی نسبت به پیشتر ازآن داشت وممکن بود آبشار ریز بساختند »
« و زیرآن آبشاررا نیز حوضی درست نمودندکه آب از آن جوی سنگی درآن »
« ریخته وباز در جوی روان وجاری می‌گردد وبحوضهای بزرگ می‌رود وازآنجا»
« باز خارج شده وبخرج باغ‌های اطراف میرود .»

« درابتدای این‌چهارباغ قریب به دروازه دولت قصری سردر مانند برای »
«آن ساخته‌اند مشتمل بر سه طبقه که طبقهٔ زیری عمارتی وسیع و چهار فصل »
« بچهار ایوان ساخته شده است والحال وضع آن‌را تغییر اجمالی داده‌اند و در دو»
« طبقهٔ بالای آن حجرات متعدده وخوش‌نما درست‌کرده آنرا قصرجهان‌نما می‌نامند»
« چه بربالای آن تمام باغات وچهارباغ وعمارات نمایان است . »

« چهار باغ مذکور الحال روی بخرابی آورده ومحتاج مرمت کاملی گشته »
« است که خرابی آنرا درست و حالتش بجانب صلاح و خضرت و نضارت‌گراید »
« واین چهارباغ منتهی است به پل بزرگ شاه عباسی معروف به سی‌وسه چشمه »
« وباز محاذی آن خیابانی بزرگ ساخته و ازآن بلندی همچنان آبشاری ریز »
« درست نموده‌که از بالاآب درآن‌حوض میریزد ومحاذی این‌حوض مواجه‌مشرق»
«عمارت سردری عالی ساخته‌اند بر دروازه باغی که اول باغهای چهارباغ علیا است»
« وبباغ زرشك معروف‌است وبسیار باصفا جائی‌بوده واین چهارباغ‌را نیزشاه عباس»
« اول‌طرح انداخته و اتمام آنرا دیگران نموده‌اند و بچهار باغ‌بالا مشهور است »
« واین‌چهارباغ طویلتر ازاولی است ، اما عرضش‌کمتر است و بخوبی آن ساخته »
«نشده و بدستور اطرافش باغات و سردرها دارد و آنرا منتهی نموده‌اند بـه باغ»

«عباس‌آبادکه قریب به‌کوه صفه و در حقیقت درابتدای دامنه آن واقع شده است»
« وبین‌الانام این‌باغ به‌هزارجریب اشتهاردارد‌چه‌بحسب مساحت تقریباً هزارجریب»
« است ومشتمل است بر ده قطعه که هریك بطرف جنوب بلندتر از قطعه شمالی»
« آنست ودرهریك چندآبشار ریزدرعمارت داشته‌آبی‌مخصوص از رودخانه برای»
« آن آورده بودند وباغی بی‌مانند بوده است چنانکه بعضی ازاهل فرنگ که در»
« زمان‌آبادی‌آن‌باغ اصفهان‌آمده وآنرا دیده نوشته‌اندکه امروز درآسیامثل‌این»
« باغ موجودنیست ووضع‌آن‌را شرح‌داده امااز ما احدی خبردرستی ازآن ندارد»
« نهرآن‌که ممرش‌ازبالای طبقه‌بالائی‌جنوبی اوست مسلط‌برتمام طبقات وازمغرب»
« بطرف مشرق میرفت موسوم به جوی سفید بوده و در فترت افغان کـه همهٔ »
« اصفهان خراب و ویران‌گردید این آب نیز جهت خرابی ممرش بایستاد وباغ‌رو»
« بخرابی‌آورد وتا اواخر دولت زندیه دیگر اثری ازآن باقی نمانده وچنان بود»
« تا درسال یکهزار ودویست وپنجاه و پنج (۱۲۵۵) هجری که پادشاه مرحـوم »
«مبرور محمدشاه غازی انارالله برهانه باصفهان‌آمده روزی در اثنای‌گشت نظرش»
«بر اوایل ممر آن‌آب‌که از زاینده‌رود جدا نموده وبرده بودند افتاد ازهمراهان»
«سئوال ازآن فرموده کسی که آگاه ازآن بود حقیقت حال را بعرض رسانیدآن»
«پادشاه بلندهمت بعداز مراجعت ازآنجا حکم‌کرد تا مهندسان رفته بازدید آنرا»
«نموده وخرج آنرا نیز فهمیده ومعروض داشتند ».

« برفور به منوچهر خان معتمدالدوله‌که از قبل او حاکم به اصفهان بود »
«مثال دادکه بنا وعمله فرستاده آن ممر را درست و آب را بیاورندوآن را آباد »
«نمایند موافق‌حکم‌لازم‌الاتباعش‌کارکنان رفته و در همان سال باتمام‌آن‌کارپرداخته»
«وآب را آوردند وبهمان جوی سفید باز معروف‌گردید، تقریباً بقدر یك‌شعبه از»
«نهر فدین یعنی نیمه‌آن بودکه درمدرسه ملاعبدالله جاری است و درهمان‌مجاری»
«با اینکه خراب بود جاری نمودند وازآبشارهای خراب باغ‌ریختن‌گرفت‌ووسط»
«باغ را خیابان طرح انداخته، درختان از میوه وگل بکاشتند و عنقریب صورت »

«نوعی و گلستانی باصفا شدومحل تفرج و تفریح مردمان گردیدوتا سی سال‌چنین»
«بوده و ترقی و تنزل هیچکدام نداشت.»

«اما دربیست سال قبل ازین آب آنرا بازمجاوران ممر آن بردند و دوباره»
«مثل اول گردید، اما چهارباغ بالاهم که آبادی مجملی داشت درین سنوات خراب»
«گشته وکمی از باغات اطراف آن باقی مانده است.[۱]»

میرزا علیخان نائینی روزنامه‌نویس عصر ناصرالدین‌شاه در گزارشی که برای دربار وقت تهیه کرده وبصورت کتابی خطی [۲] بزرگی درآمده و تاریخ آن گزارش (۱۳۰۰ه.ق) است درباره خیابان چهارباغ چنین گفته [۳] :

«چهارباغ شاهی» .

«دوچهارباغ است طولاً مقابل‌هم که عرض زاینده‌رود فاصله مابین است ، »
«شمالی رودخانه را چهارباغ پائین مینامند که وصل به باغات و عمارات مبارکات »
«و جنوبی رودخانه را چهارباغ بالا گویندکه در دامنه سفه افتاده تمام دو سمت »
«طولانی این دوچهارباغ باغات شاهی است بسیار وسیع که دربهای باغات دوطرف»
«بچهارباغها باز است وکلاً سردربهای عالیه منقش و مذهب داشته و داردکه من »
«جمله باغات یکی همین هشت‌بهشت موصوف است. پل سی‌وسه‌چشمه شاه‌عباسی که»
«روی رودخانه بسته شده فصل میان دوچهارباغ است پلی است بسیار طویل‌وعریض»
«و مرتفع شالوده آن با سنگ وآهك ریخته و با آجر وگچ بالا رفته و دوطرف »
«پل غرفات و غلام‌گردشهای رفیع فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش زیادباعرض»
«وبلند، طول‌دوچهارباغ قریب‌ثلث‌فرسنگ، دهنه دروازه‌اول چهارباغ اول کمتصل»
«است‌بدروازه‌دولت شهروخیابان‌محله‌چهارسوق‌شیرازیان‌قصرعالی‌بسیار باصفاساخته»
«شده است، سه‌طبقه مشتمل‌بر ایوانهای رفیع وچهارجانب واطاق بزرگ‌چهارفصل»

۱- نصف‌جهان درتعریف اصفهان ص ۴۰-۴۳.
۲- این کتاب دردوجلدوتا چند سال پیش درکتابخانه وزارت دارائی بود .
۳- گزارش مزبور با مندرجات کتاب‌جغرافیای اصفهان میرزا حسین‌خان تحویلدار مطابقت دارد و معلوم نیست کدام سبقت دارند .

«در وسط بانضمام ارسیهاواطاقهای بسیارمرغوب درچهار سمت‌طبقات مزبورموسوم»
«به قصر جهان‌نما و این دوچهارباغ تمام‌سنگ فرش بسنگهای قطور تراشیده‌صاف»
«و سرتاسر طول وعرض دوچهارباغ دوباغچه عریض دارد و یك خیابان پهن در »
«بین آنها ووسط خیابان جوی سنگی و جلو سردرب‌های‌باغات هرکدام یك‌حوض »
«بسیار بزرگ ، آبش از نهری جداگانه جاری و درجوی طولانی وسط آب‌نماها»
«وآب‌افشارها است، چهارقطارچنارکهن‌درچهارکنار طول‌دوباغچه طرفین‌است،متن»
«باغچه‌ها تمام سال از علف‌کاری مدام سبز و خرم است ، درختهای قوی هیکل»
«سر بکهکشان‌کشیده و هزاران هزار طیور بشاخساران اشجار ریخته: »

« دوحةالنهر مائها صلصال سجعةالطیر مرغها موزون »
« باد در سایه درختانش گسترانیده فرش بوقلمون »

«وسط همین چهارباغ‌داخله شهر مدرسه شاه سابق‌الذکر است وخصایص‌آن»
«زایدالوصف، درش به‌چهارباغ بازمیشود وآب‌جاری‌مادی عظیم درمیانش‌میگذرد»
«عقب‌آن کاروانسرای سه طبقه که تا بحال از حجاری و سفت‌کاری وغیره‌چنین »
«سرائی ساخته نشده و نیز بازاری طویل مرتفع الطاق بسیار مرغوب دو طبقه در»
«جنبش افغان افتاده و الآن بایر است» .

« وضع چهارباغ بالا هم بهمین نحواست الاآنکه مدرسه وکارواسرا وبازار»
«ندارد و آخر چهارباغ مزبور حوضی بسیار بزرگی است عرض آن تمام عرض »
«چهارباغ راگرفته سردری دارد بسیار عالی و دورو مشتمل برعمارات و ایوانهای»
«مرتفع تحتانی و فوقانی‌که یك‌روی‌آن مشرف به‌چهارباغ و روی دیگرش منظر »
«باغ هزار جریب مشهورکه هزار هزار ذرع‌مربع مسطح سطح‌آنست و در دامنه »
«کوه سفه واقع شده نهر بزرگی دارد مخصوص شرب این باغ (هزار جریب) از »
«رودخانه سوا میشود و بباغ مزبور وارد میگردد و از آنجا خارج نمیشود . »
« عمارات میانش خراب و اشجار زمینش از میان رفته دیوارهایش هنوز برپاست »
» ومتن باغ الآن ساده است وغله‌کار و قدیم دراین باغ قصرها وکلاه فرنگیها و »

« برجها و آب‌نماها و جویها و جدولها و حوضها داشته والآن شالوده بعضی از آنها »
« پیداست باغی بوده‌که درروی زمین در آن زمان نظیر نداشته عماراتش حالا از »
« میان رفته و نقشه آبادی آن در فرنگستان و ممالك خارجه از قدیم ثبت و »
« ضبط گردیده . »

سرپرسی سایکس در تاریخ خود ترجمه سید محمد تقی فخر داعی‌گیلانی درباب چهارباغ چنین توصیف‌کرده[1] :

«از ابنیه مذکورگذشته به‌چهارباغ میرسیم(میگویند چهارتاکستان دراین »
« محل بوده‌که بامر شاه عباس خیابان‌بندی‌گشته و چهارباغ نامیده شده)که‌آن »
« دارای چهار خیابان باشکوه‌که پهنای‌آن ۱۵۰ پا و حاشیه‌های‌آنرا مخصوصاً »
« درختان چنارمشرق فراگرفته است . »

«آب ازمجراها وجدولهای سنگی عبور میکرده و درحوضهای قشنگی‌که »
« سرچهار راهها (محل تقاطع جاده‌ها) تعبیه شده بود جمع میشده است، اطراف »
« خیابانها سردرهای‌کاشی‌کاری باغهای اشراف و درباریان قرار داشت».

«دکتر فریر درکتاب : هند شرقی و ایران‌میگوید : تمام‌عظمت اصفهان را »
« در واقع میتوان در چهار باغ مشاهده کرد . در اینجا بزرگان و اعیان شهر »
« بهواخوری‌مشغول وهریك بااتباع وهواخواهان‌خود آهسته‌آهسته قدم‌زده‌پیوسته»
«کوشش دارند تادر جاه و جلال و سخاوت و عظمت بر دیگران سبقت‌گیرند . »
« فضای باغ را درختان سر سبز وگلهای معطر باچشمه‌ها و جویبارها فراگرفته »
« دل و جان هرراهگذر و تماشاچی‌را زنده میسازد ، در دو طرف حوضها قصرهای »
« تابستانی باتمام لوازم تفریح و زیبائی ساخته شده است ».

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته است :

«امروز چنانچه از وضع چنارهای‌کهن سال مشاهده‌میشود خیابانی وسط و »
« جویهای طرفین بوضع چهارباغ قدیم‌باقی و درطرفین بجای‌آن باغات وعمارات »

۱ــ ترجمه‌جلد دوم ص۳۱۳.

« شاهی تجارتخانه‌ها و عمارات شخصی وجود دارد و اهالی بعادت زمان‌قدیم هنوز »
«گردشگاه و محل میعاد خودرا بدین‌خیابان اختصاص داده واز هوای‌آن‌محظوظ »
« و مسرور میشوند ، درقسمت‌آن‌طرف پل‌آثارتاریخی بجزچنارکهن سال روبروی »
«عمارت‌باغ زرشك «محل‌کارخانه صنایع پشم» بنای‌دیگری از قصور دیده‌نمیشود .»

«سیاحان اروپائی‌درآن زمان‌نوشته‌اند چهارباغ‌چشم اصفهان است‌وبالاترین »
« و زیباترین خیابانهائی است‌که در اروپا و جاهای دیگر دیده نشده است ،دراین »
« خیابان نام باغ ستاره و باغ تخت - باغ‌طاوس - باغ نسترن و غیره هنوز ورد »
« زبانها و آثارکمی از بعضی‌ازآنها دیده میشود .»

از مجموع نوشته‌ها کیفیت خیابان چهارباغ و وضع غرس اشجار و مجاری آب و ساختمانهای اطراف و عرض و طول و آرایش و زیبائی خیابان و عمارات اطراف بخوبی‌معلوم میگرددکه در زمان‌خود یکی ازگردشگاهها و تفرجگاههای ممتاز و برجسته اصفهان بلکه ایران و آسیا بوده و عنوان خیابان و معبر نداشته بلکه اصولا برای امکان تفرج سلاطین و حرمسرای آنان ساخته شده بوده است ، و چون پس از تأسیس مورد توجه ایرانیان و خارجیان قرار گرفت پل‌اللهوردی خان نیز بر روی زاینده رود بسته شد و خیابان چهار باغ تا باغ‌هزار جریب امتداد یافت‌ولی بمرور زمان بسیاری ازاجزای خود را از دست‌داد تا اینکه در زمان حاضر باغهای اطراف بکلی تبدیل بعمارات مختلف گردیده و در متن خیابان هم تغییراتی چون برداشتن حوضچه‌ها و فواره‌ها بعمل آمده است هرچند اکنون هم مانند گذشته چهار باغ نامیده میشود ولی با چهار باغ قدیم تفاوت بسیار دارد .

در قدیم باغهائی راکه در بند ه ـ گفتار دوم برشمردیم بیشترآن چون : باغ تخست - کاج - بابا امیر - توپخانه - نسترن - چهلستون - بلبل (هشت بهشت) فتح‌آباد ـ گلدسته ـ طاوسخانه ـ پهلوان ، در این خیابان واقع بوده و مدرسه چهارباغ وکاخ هشت‌بهشت نیز دراین خیابان است .

این خیابان تاریخی بشماره ۱۰۹ بثبت باستان‌شناسی رسیده است.[۱]

۱۷- خیابان چهارباغ بالا = هزار جریب = عباس آباد :

این خیابان ازانتهای پل‌اللهوردی‌خان شروع وبدامنه‌کوه‌صفه درجنوب‌شهر اصفهان منتهی می‌شود سیاحان ومورخان هرکدام راجع باین‌خیابان و منتهی الیه آن مطالبی‌نوشته‌که چندان باهم متفاوت نیست .

خلاصهٔ نوشته‌ها اینست‌که خیابان چهارباغ بالا نیزمانند چهار باغ پائین در اطرافش باغها وسر دربهای بسیارعالی ومنقش ساخته شده بوده تا بباغ هزارجریب میرسیده است یکی ازباغهای معروف‌که دراین خیابان واقع بوده باغ زرشك است که‌فعلا درخت چناری از آن مشهود است.

چون دربیان احوال سیاحان ومورخان شمه‌ای هم از وضع خیابان بالا گفته شده قسمتی از مطالب تاورینه سیاح‌که در باب خیابان چهارباغ بالا است در اینجا نقل می‌شود :

« حالا بشرح بقیه خیابان بزرگ چهارباغ برمی‌گردیم‌ازپل‌جلفا بآن‌طرف ،
« باغ هزارجریب بهمان ترتیبی‌که شرح دادم هشتصد قدم دیگر امتداد میبابد ،
« نهری که ازپل‌بآن طرف‌کشیده شده آبش ازهمان نهرهائی‌است‌که گفتم از سه ،
« چهارلیو بالاتر ازاصفهان از رودخانه جدا کرده‌اند. »
« چهارصد قدم که از پل دور می‌شوند به آبشاری‌که میان حوض میریزد ،
« میرسند ، درطرفین‌آبشارده دوازده پله خورده ببالا میرود تاباآخرخیابان‌میرسد ،
« که درآنجا در سردرباغ هزارجریب عمارتی بنا شده‌که عبارت از تالاری است ،
« در وسط و چهار اطاق درچهار زاویه و این‌عمارت به خیابان وآب نما و آبشار ،
« نگاه می‌کنند . »

« اما باغ هزارجریب برای ایران‌خیلی قشنگ است ولی درفرانسه‌اهمیتی ،
« ندارد[۲] . من چندین باغ در اطراف پاریس دیدم که هیچ‌طرف تشبیه و قیاس »

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۴.

۲- ولی شاردن فرانسوی درسفرنامه خود راجع بخیابان بزرگ چهارباغ (بالا و پائین) نوشته : این‌خیابان زیباترین معبری است که تاکنون دیده ویاشنیده‌ام .

« با هزارجریب نمیتوان قرارداد .»

« اگر یك ایرانی باغهای رؤسا و سایر قصور سلطنتی فرانسه را بـه بینند »
« دیگر باغ هزار جریب را درنظرش قدر وقیمتی نمیماند شرح باغ هزارجریب »
« بطور اختصار چنین است : »

« چون باغ در دامنه تپه واقع شده شانزده طبقه پیدا کرده است که هر »
« طبقه ازطبقه دیگر شش‌هفت پا بلندتر است وازتمام حوضهای آن‌آب باریکی »
« جاری است وچیزیکه دراین باغ بیشتر قابل دیدن است درطبقه چهارم حوض »
« بزرگی‌است قریب ۱۲۰/ پا قطر دایره آن است وشکل این‌حوض هشت‌گوشه »
« است دورآن بفاصله‌های متساوی چندین‌لوله نصب شده که‌آب ازآنها بارتفاع »
« سه پا فوران میکند و بتوسط سه پله میتوان بمیان حوض رفت .»

« نهری ازسنگ دروسط خیابان عمده باغ که‌بعمارت منتهی‌میشود ساخته »
« شده که بعرض‌نهر خیابان چهارباغ است وآبش‌نیز همان آب است ، یعنی‌آب »
« این‌نهر بخیابان چهارباغ ویکی ازداخل درمحاذات یکدیگر واقع‌شده‌اند .»

« درطبقهٔ دهم نیزحوض دیگری‌نظیرطبقهٔ چهارم بهمان‌شکل وبزرگی دیده »
« می‌شود و درطبقه آخرکه باغ‌بانتها میرسد نهری ازعرض‌باغ می‌گذردکه باتمام »
« خیابانهائی‌که مثل خیابان عمده درطول واقع شده‌اند تقاطع می‌نماید ودرکنار »
« آن‌نهرکلاه فرنگیهائی ساخته شده‌که ازهمه طرف باز وبی‌حفاظ است و برای »
« خنکی ساخته‌اند وآبشارهائی نیز درآن نهردیده می‌شود ، اما گل‌کاری وچمن »
« وزینتهای دیگرکه برای قشنگی باغ لازم است نه هزار جریب ونه درهیچ‌یك »
« ازباغهای دیگر ایران نباید تفحص‌کرد[1].»

مجموع طول دوخیابان چهارباغ پائین وبالا در حدود یك فرسخ بوده ولی عرض خیابان چهارباغ بالا کمتر ازعرض چهارباغ پایین‌بوده است .

---

۱ ــ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۹ .

۱۸ ـ خیابان چهارسو شیرازیها :

خیابانی است که ازچهارسو شیرازیها که جزء محله ۱ از محلات شمالی زاینده رود است می‌گذرد .

۱۹ ـ خیابان حافظ (احمدآباد) :

این‌خیابان از دروازه‌جی شروع وبه فلکه شکرشکن‌منتهی می‌شود .

۲۰ ـ خیابان حافظ در (خاجو) :

این‌خیابان از فلکه شکرشکن‌شروع وبخیابان شاه عباس‌کبیر منتهی‌میشود.

۲۱ ـ خیابان حسن‌آباد :

این‌خیابان جزءِ خیابانهای واقع درشمال رودخانه زاینده رود است .

۲۲ ـ خیابان حکیم‌نظامی :

این‌خیابان درجهت شمالی جنوبی‌ساحل زاینده رودرا به‌کوه صفه درجنوب اصفهان اتصال می‌دهد .

۲۳ ـ خیابان خرم :

این‌خیابان از فلکه دروازه تهران شروع وبفلکه نصرآباد وصل می‌شود .

۲۴ ـ خیابان خوش = خشك :

این همان خیابان شاه است کـه از دروازه دولت بطرف شاپور امتداد پیدا می‌کند ومسجد قطبیه دراین‌خیابان واقع است .

۲۵ ـ خیابان خیام :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع وباخیابانهای شاپور ووحید تقاطع می‌کند .

۲۶ ـ خیابان دالان بهشت :

خیابانهای فیض ومیروآبشاررا قطع می‌کند .

۲۷ ـ خیابان دلگشا = مشتاق :

خیابانی است بطول هزارمتر وعرض‌بیست متر که باخیابانهای یزد وخیابان دور شهر بهم میرسند .

۲۸ـ خیابان دورشهر :

از سه راه یزد شروع ودرپل زمان خان ختم می‌گردد .

۲۹ـ خیابان رحیم‌خان :

این خیابان از انشعابات خیابان شاه است‌که بین‌دروازه دولت و شاپور واقع شده است .

۳۰ـ خیابان رسومات :

این خیابان نیز از خیابان ثریا منشعب میگردد .

۳۱ـ خیابان رفیع‌الدین :

این‌خیابان ازفلکه نصرآباد شروع و به‌پل زمان‌خان منتهی میگردد .

۳۲ـ خیابان سپه :

از دروازه دولت شروع و بمیدان نقش جهان ختم میشود . کاخ چهلستون دراین خیابان واقع است .

۳۳ـ خیابان سعادت‌آباد :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع و بفرودگاه اصفهان ختم میشود .

۳۴ـ خیابان سعدی :

این‌خیابان ازشرق خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق شروع وبه‌خیابان‌دورشهر متصل میشود .

۳۵ـ خیابان سنگ‌تراشها :

این خیابان ازخیابان شاپور منشعب میشود .

۳۶ـ خیابان سیدعلیخان :

این‌خیابان ازخیابان چهارباغ بطرف‌چرخاب امتداد پیدا میکند .

۳۷ـ خیابان سروش :

این‌خیابان، خیابان صغیر راقطع و بدروازه‌جی وصل میگردد .

۳۸ـ خیابان شاه :

این‌خیابان از دروازه دولت شروع و با خیابان شاپور تقاطع میکند .

۳۹ـ خیابان شاپور :

این خیابان از خیابان پهلوی شروع و بفلکه دروازه تهران منتهی‌میشود . مسجدلنبان درنزدیکی این خیابان واقع شده است .

۴۰ـ خیابان شاهزاده‌ها :

این‌خیابان از خیابان شیخ‌بهائی بطرف خیابان‌آذر منشعب است .

۴۱ـ خیابان شاه عباس‌کبیر :

از خیابان جنوبی شمالی‌گلزار شروع و باخیابان فردوسی و صوراسرافیل تقاطع و بخیابان چهارباغ وصل میشود .

۴۲ـ خیابان شهناز پهلوی :

این‌خیابان از خیابان شیخ‌بهائی شروع و بخیابان عباس‌آباد وصل میگردد .

۴۳ـ خیابان شیخ‌بهائی :

این خیابان‌که بطول ۱۵۰۰ متر و عرض ۲۳ متر است از خیابان چهار باغ شروع و باخیابان شاهزاده‌ها تقاطع وگذشته بخیابان شاپور منتهی میشود . مدرسه شمس‌آباد دراین خیابان واقع شده است .

۴۴ـ خیابان شیروانی :

این‌خیابان ازخیابان حافظ (احمدآباد) شروع‌و بقلعه طبرخ ختم میشود .

۴۵ـ خیابان صائب: (۱)

این خیابان از خیابان شاپور منشعب و پس‌از تقاطع باخیابان پهلوی در نزدیکی پل شیری بانتها میرسد . مقبره صائب و باغ او در غرب این خیابان واقع است .

۱ـ محمدعلی صائب‌تبریزی ازشعرای مبرز دوران صفویه‌است‌که دیوانش‌مکرر بچاپ رسیده و در (۱۰۸۶ه یا ۱۰۸۱) وفات‌یافته است .

۴۶ـ خیابان صارمیه :

این‌خیابان ازفلکه نصرآبادی بطرف فلکه شیخ‌بهائی امتداد دارد .

۴۷ـ خیابان صغیر اصفهانی :

خیابان‌صغیر اصفهانی[۱] از ابتدای خیابان ابن‌سینا شروع و تانزدیکی شاه میرحمزه امتداد دارد یعنی از فلکه طوقچی شروع و در اراضی زراعتی دورشهر تمام میشود .

۴۸ـ خیابان صاحب‌بن‌عباد:

خیابانهای مدرس و دورشهررا قطع میکند وقبرصاحب دراین خیابان است .

۴۹ـ خیابان صفا :

این خیابان از نزدیکی پلشیری شروع و درحوالی پلمارنان ختم میشود .

۵۰ـ خیابان عباس‌آباد :

این خیابان از خیابان چهار باغ منشعب و خیابان شهناز و شاپور را قطع میکند .

۵۱ـ خیابان فتحیه :

خیابانی است‌که از پشت مدرسه چهار باغ میگذرد و آنرا پشت مطبخ نیز گویند .

۵۲ـ خیابان فرح:

این‌خیابان از فلکه شیراز شروع و بنزدیکی پلمارنان منتهی میشود .

۵۳ـ خیابان فردوسی :

ازخیابان شاه عباس کبیر شروع وبفلکه دروازه تهران منتهی می‌گردد .

۱ـ محمد حسین متخلص به‌صغیر از شعرای مبرز معاصر و مرثیه‌سرا است‌که در ۱۳ رجب ۱۳۱۲ متولددرآخر جمادی‌الاولی(۱۳۹۰ه.ق) بدارباقی شتافت ـ وی دارای انجمنی‌ادبی بنام صغیر بود ومیان شعرای معاصر اصفهانی محترم میزیست دیوان او قسمتی بنام‌گلچین صغیر بچاپ رسیده است .

۵۴ ـ خیابان فروغی :

این‌خیابان ازفلکه پهلوی شروع وبه فلکه دروازه تهران ختم می‌شود بقعه شیخ ابومسعود وقبرستان قبله دعا درنزدیکی این خیابان واقع است .

۵۵ ـ خیابان فیض :

همان خیابان امین‌آباد است . این خیابان از خیابان میر بطرف پل خاجو ممتد است .

۵۶ ـ خیابان قاآنی :

این خیابان ازهزارجریب شروع ونزدیك خیابان تخت فولاد ختم می‌شود .

۵۷ـ خیابان کاوه :

این‌خیابان در میدان پهلوی با خیابانهای فروغی وابن‌سینا تلاقی می‌کند .

۵۸ ـ خیابان کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی :

خیابانی‌است بطول هزار و پانصد متر و عرض بیست مترکه با خیابانهای فردوسی وچهار باغ‌صدر ومیدان بیست‌و چهار اسفند تلاقی می‌کند. پل‌سی و سه‌پل و خاجو دراطراف این‌خیابان است .

۵۹ ـ خیابان کورش‌کبیر :

این‌خیابان ازشرق بابارکن‌الدین شروع وبخیابان چهارباغ بالا(هزارجریب) ختم‌می‌شود .

۶۰ ـ خیابان مارنان :

این‌خیابان ازشاپور منشعب و خیابان وحید را قطع می‌کند ، پل مارنان در این‌خیابان است .

۶۱ ـ خیابان مجمر :

این خیابان ازخیابان کمال‌الدین اسماعیل منشعب می‌شود .

۶۲ ـ خیابان محمد رضاشاه :

این خیابان ازخیابان چهارباغ شروع وبه خیابان خرم منتهی می‌گردد .

مسجد علی‌قلی آقا درشمال و مسجد سید درجنوب این‌خیابان واقع است .

۶۳ ـ خیابان مدرس :

این‌خیابان ازمیدان پهلوی (فلکه آب بخشان) شروع و بخیابان صاحب‌بن عباد منتهی می‌شود .

۶۴ ـ خیابان ملك :

این‌خیابان ازخیابان شاه عباس‌کبیر منشعب وبپای قلعه وصل می‌شود .

۶۵ ـ خیابان منوچهری :

این خیابان از خیابان چهار باغ صدر شروع و به خیابان فردوسی منتهی می‌گردد . امامزاده باقر درشمال آن واقع است .

۶۶ ـ خیابان مولوی :

این‌خیابان ازچهارباغ منشعب وبا خیابان شاپور تقاطع وتا جوزدان امتداد دارد . مدرسه درب‌کوشك مجاور این خیابان است .

۶۶ ـ خیابان میرفندرسکی:

خیابانی‌است‌که ازحوالی‌کوله‌پارچه بطرف خیابان نظرپیش‌میرود و درمیانه با خیابان فیض تلاقی می‌کند .

۶۷ ـ خیابان میهن :

این‌خیابان ازخیابان هزارجریب منشعب می‌گردد .

۶۸ ـ خیابان نشاط :

این‌خیابان ازخیابان حافظ شروع وبفلکه خیابان شاه عباس منتهی میشود .

۶۹ ـ خیابان نظر :

این خیابان از خیابان چهارباغ بالا منشعب و با خیابان وحید در نزدیکی پل مارنان تلاقی میکند .

۷۰ ـ خیابان وانك :

این خیابان از خیابان نظر منشعب میشود . کلیسای وانك در نزدیکی این خیابان است .

۷۱ ـ خیابان وحید :

این خیابان ازچهارراه خیابان نظر شروع وبفلکه دستگرد منتهی میشود .

۷۲ ـ خیابان هاتف : (۱)

این خیابان ازفلکه طوقچی شروع وبخیابان چهارباغ صدر منتهی میگردد . مقبره صاحب بن عباد ودو مناره دردشت وامامزاده اسماعیل ومقبره خواجه نظام الملك درشرق این خیابان واقع شده است .

۷۳ ـ خیابان یزد :

این خیابان با خیابان دلگشا (مشتاق) وخیابان دور شهر تلاقی میکند . طول آن پانصد متر وعرض آن بیست (۲۰) متراست .

د ـ محلات شهر اصفهان :(۲)

درقدیم الایام شهر اصفهان دارای شش محله بزرگ باین شرح بوده است :

۱ ـ محله لنبان که درقسمت غربی جنوبی شهر اصفهان واقع بوده است .

۲ ـ محله باغ کاران که درجنوب شرقی شهر اصفهان واقع و اکنون آنجا را

---

۱ ـ سیداحمدحسینی از ادباء وشعراء واطبای ماهر بود، پدرانش مردم اردوباد آذربایجان بودند ولی هاتف دراصفهان متولد ودرآن شهر نشو و نمایافت درسرودن اشعار فارسی وعربی مهارت داشت و ترجیع بند عرفانی او شهرت بسزائی دارد ، دیوانش مکرر بچاپ رسیده است . معاشران و معاصرانش از شعراء :آذر بیگدلی وصباحی بوده اند . وی درسال ۱۱۹۸ هجری درقم وفات ودر صحن حضرت معصومه مدفون گردید .

(نقل از بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۵۲۸)

۲ ـ کیفیت و وضع این محلات معلوم نیست که بیکدیگر اتصال داشته ویااز هم جدا بوده اند آنچه مسلم است اینکه هریك از این محلات بقدر و اندازه شهری وسعت داشته اند .

(نصف جهان ص۲۵)

خاجو[1] مینامند . وقسمتی از آن هنوزهم بباغ‌کاران شهرت دارد .

۳ـ محله کران‌که درمیانه شهرواقع وبطرف مشرق متمایل بوده است .

۴ـ محله چنبلان‌که در وسط شهر وبطرف مغرب آن مایل‌بوده است .

۵ـ محله جوباره‌که شمالی شهر ومایل بمشرق است .

۶ـ محله دردشت که درشمال ومایل بمغرب شهر اصفهان است .

عدد محلات شهر اصفهان در دوران سلاطین صفویه به چهل میرسیده است که درائرفترت افغانها وخرابی‌های بعد ازصفویه تا زمان پهلوی بتدریج تغییر کرده است وبرای اینکه این آثار ملی درتاریخ بماند تمام محلاتی‌که نام‌آن‌ها درمکاتبات و محاورات مردم محل ودیگران برده شده بترتیب حروف تهجی ذکرمیشود :

۱ـ محله آب‌بخشان :

این‌محله فعلا قسمتی ازآن میدان وفلکه پهلوی است وقبر ابونعیم و شیخ محمدبن یوسف بنای صوفی در آنجا واقع بوده است .

۲ـ محله آسنجان :

این‌محله بامحله دروازه‌نومتحد میباشد . وامامزاده اسحاق درآنجااست.[2] و در زمان حاضرخراب وجای‌خیابان خوراسکان فعلی‌است که درامتداد احمدآباد می‌باشد.[3]

۳ـ محله احمدآباد :

این‌محله از محله های آبادی است‌که در سمت جنوبی واقع و جزء بخش۴

۱ـ درتسمیه این محله‌بخاجو و نوشتن‌کلمهٔ مزبور به‌خواجو یاخاجو اختلاف‌است‌ولی‌آنچه مسلم بنظر میرسد این‌کلمه ازخا بمعنی‌کوبی‌که محل جمع شدن آبهای‌کثیف چون فضولات مطبخ باشد و جوگرفته شده یعنی جای اجتماع آبهای‌کثیف و این‌تسمیه‌هم مسلم‌بعد ازصفویه و هنگامی بوده‌که باغ‌کاران ازوضع قدیم خود افتاده بوده و بیشترآن محل‌جای همان آبهای راکد وکثیف بوده است و بنابراین املای‌آنهم خاجوباالف درست است .

۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۰ ۳ـ نصف جهان ص ۲۸

محلاتی است که درشمال زاینده رود واقع شده‌اند.[1]

مدرسه جلالیه و مسجد شیعا وامامزاده اسماعیل ومقبره خواجه‌نظام‌الملك ومسجد ایلچی دراین محله واقع شده‌اند.

۱ــ این محله محل نشو و نما و سکونت عده‌ای از بزرگان و دانشمندان بوده و از آن جمله است :

۱ــ ملانورالله افندی تخلص از شعرای ملازم شاه‌عباس ماضی که در بدو امر بدیهی تخلص‌داشت وسپس به‌افندی تبدیل‌کرد. از اشعار او است :

بناکامی‌دمی‌کز کوی‌او عزم سفر کردم — چوپای خویشتن درهرقدم خاکی‌بسر کردم
افندی بسکه‌نالیدم بزاری‌بر سرکویش — زگریه مردمان دیده راخون در جگرکردم

(تذکره روشن ص ۶۸)

۲ــ جلال‌الدین محمدطبیب متوفی (۱۱۳۱ ه .ق) از اطبای خاص شاه سلطان حسین صفوی و بانی‌مدرسه جلالیه درمحله‌احمدآباد مزبورو مدفون درهمان مدرسهٔ .

۳ــ میرزا محمدرضا مشتاق احمدآبادی‌عالم‌و حکیم وسخنور و شاعر بود و درعهدشاه سلطان حسین صفوی میزیست و بامیرزا عبدالباقی و برادرش میرزاعبدالوهاب پسران میرزا عبدالحکیم یکی از ارکان شاه سلطان‌حسین قرابت داشت . از اشعار او است :

قدرعنای تورا شوخ سراپا است بهشت — راست‌گفتندکه برعالم بالا است بهشت

(صبح‌گلشن ص ۴۱۳)

۴ــ محمدفاضل‌بن محمدشفیع احمدآبادی‌که درسال (۱۱۱۰ ه . ق) خطاط معروف خط نستعلیق بوده است . (تاریخ‌خط و خطاطان ص۲۱۸)

۵ــمیرزا محمدطبیب‌زاده احمدآبادی فرزندمیرزا ابوالقاسم‌ناصرحکمت(متولد۱۳۰۶ ه. ق) ازمعاصران و علماء و مؤلف‌کتاب حورمقصورات در ترجمهٔ اعتقادات صدوق بفارسی و الشمس‌الطالعة درشرح زیارت عاشورا وآفتاب درخشان .

(فهرست‌آستان قدس ج ۶ ص ۳۳۶)

۶ــ میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت پدر میرزا محمد طبیب‌زاده احمدآبادی از پزشکان مشهور و مؤلف‌رسالهٔ: الافیونیه. درمضار افیون بفارسی که‌درتاریخ ۲رع۲ر۱۳۷۱ درسن ۹۳ سالگی بدرود زندگی‌گفت ودرتکیه مادرشاهزاده‌ها مدفون شد .

۷ــ سیدمحمد تقی‌بن‌حاج میرزاعبدالرزاق احمدآبادی مولود(۱۳۰۱ ه. ق) ومتوفی (۱۳۴۸ ه. ق) از علماء وصاحب تألیفات : ۱ــ وظیفة الانام. ۲ــ سراج القبور. ۳ــ بساتین الجنان . ۴ــ تذکرةالطالبین. ۵ــ کنزالغنائم. ۶ــ نورالابصار . ۷ــ مکیال‌المکارم. ۸ــ دیوان اشعار . از اشعار او است :

زدوری رخت ای‌پادشاه حسن وجمال — رسیده جان بلب عاشقان تعال تعال

(رجال اصفهان ص ۴۶)

۴ـ محله ارجان :

این‌محله درقدیم مشهور وقاضی‌ارجانی‌مدرس مدرسه نظامیه اصفهان درعهد خواجه نظام‌الملك طوسی که نسبش بجابر انصاری میرسید مردم این محلـه بوده است[۱] .

۵ـ محله ارجاء :

این‌محله هم درقدیم دراصفهان مشهور بوده است.[۲]

۶ـ محله اشکهان :

همان محله شیئش‌است‌که در ابتداءِ ماه برواسفیش واسفیس وشئیش وشهیش گفته شده ومحل‌آن در بیدآبادکنونی بوده است .

۷ ـ محله الیادران :

این‌محله درقسمت غربی خیابان شاه واقع وقسمت غربی خیابان شیخ بهائی درجنوب آن میباشد .

۸ ـ محله امامزاده اسماعیل :

محله‌ایستکه امامزاده اسماعیل‌بن زیدبن‌حسن‌بن‌حسن‌بن‌امام‌علی‌بن‌ابیطالب علیهم‌السلام درآنجا مدفون است .

۹ـ محله بابالغت :

این محله ازمحلات خاجو بوده که شاه عباس ثانی درآن یکهـزار جریب کوچك بناکرده بوده است.[۳]

۱ـ از اشعار او است :

احب‌المرء ظـاهره جمیل — و باطنه لظاهـره سلیم
مودته تـدوم لکـل هـول — وهل کل مودتـه تـدوم

(تاریخ اصفهان وری ص ۲۱۶)

۲ـ از ساکنان‌این محله‌علی‌بن‌محمدبن‌الحسن ارجائی اصفهانی است‌که از محدثان ونامداران محله ارجاء اصفهان بوده است . (اسماء البلدان)

۳ـ مرآت اللدان ج ۴

۱۰ـ محله باب‌الدشت :

این‌محله ازمحلات قدیمی‌اصفهان و درعرف مردم محل به دردشت[۱] شهرت دارد وچون در قدیم‌الایام دروازه این محله بدشتی متصل میشده آنجا را در دشت نامیده‌اند .

در محله باب‌الدشت عده‌ای از اماکن تاریخی چون گنبد ابـن‌سینا و منارهٔ گلدسته ومدرسه شفیعیه ومناره های دردشت واقع شده ونیز عده‌ای ازمحـدثان و بزرگان قدماء از این محله برخاسته‌اند. [۲]

۱۱ ـ محله باب‌السجن :

محله‌ای بوده که دروازه باب‌السجن درآن واقع و گویا جزء یهودیه بوده است.[۳]

۱۲ ـ محله باب سلم :

محله‌ای بوده که دروازه سلم درآن واقع بوده است .[۴]

۱۳ ـ محله باب عطاء خشك :

این‌محله هم دارای دروازه‌ای‌بنام باب‌عطاءِ خشك‌که منسوب‌به عطاءخشك‌بن

۱ـ معجم‌البلدان ج۲ ص ۴۵۰ ۲ـ ازآن جمله است :

۱ـ ابوعبدالله محمدبن یعقوب‌بن‌مهران باب‌الدشتی متوفی (بعداز ۳۰۰ هـ . ق) وی‌از محدثان و پـرانش‌احمد و عبداله نیزاز محدثان بودند ، هنگامیکه ازطریق بغداد عزیمت سفر حج‌کرده بود مردم بغداد از او حدیث نوشته‌اند، و خود از محمدبن حمید و هارون‌بن مغیره و عبدالباقی‌بن قانع حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۱۴)

۲ـ امیر قطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی از بزرگان و بانیان خیر است وهمو مسجدقطبیه را کـه در خیابان شاه واقـع است بناکرده و ظاهراً در حدود سالهای ۹۵۰ ببالا مسجد ساخته شده است .

۳ـ میرمجدالدین اسماعیل‌بن امیرمظفر بن‌امیرمسعودباب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ هـ . ق) از امراء و بزرگان بوده و پس‌از وفات‌در مسجد قطبیه مدفون شده و تاریخ‌وفاتش‌روی‌سنگ باین‌کیفیت حك شده :

منادی بهر تاریخش ندا کرد : « که حیف ازسروبستان جوانی »

(مجله یادگار سال ۴ شماره‌های ۹ و ۱۰)

۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۶۶ ۴ـ معجم‌البلدان ج ۳ ص ۲۴۰

سائب باب‌عطائی‌متوفی (۱۳۰ هـ) ازسرکردگان بنی‌عباس‌که درخراسان میزیسته است بود. [۱]

۱۴ ـ محله باب‌کوشك :

این‌محله مطابق گفته یاقوت درمعجم‌البلدان ازمحلات بزرگ اصفهان بوده ولی اکنون به درب کوشك و در کوشك معروف است . مدرسه درکـوشك و مسجد رحیم خان دراین‌محله واقع است .[۲]

۱۵ ـ محله باب همایون :

این‌محله درشمال زاینده‌رود واقع وچون باغ همایون‌که شرح‌آن در بند هـ گفتار دوم مسطوراست درآن محله ایجادگردیده‌بمحله باغ همایون موسوم شده و

۱ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۴۷ ۲ــ از علماء و محدثان این محله‌است :

۱ــ ابواسحاق جلاب‌ابراهیم‌بن احمدبن‌یوسف بابکوشکی وی حدیث ازابن صاعد و طبقه اوشنیده است .

۲ــ ابوجعفراحمدبن مجاهدبن‌عبدالله مدینی باب‌کوشکی خرجانی متوفی(۲۹۰هـ. ق) وی مردم محله باب‌کوشك بود وازآنجا بمحله‌خرجان رفت‌وبمرد. او ازابوبکر وعثمان‌پسران ابوشیبة و عبدالله‌بن‌عمربن‌ابان حدیث شنید و از مشایخ ابونعیم اصفهانی بشمار میرفت .
(ذکر تاریخ اصبهان ج ۱ ص ۲۰۸)

۳ــ ابوعبدالله محمدبن نوح بن محمد شیبانی سمسار باب‌کوشکی از محدثان که از شباته و ابراهیم‌بن حمیدطویل و ابوالولید و خلاد و حسین‌بن‌حفص روایت‌کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۰۰)

۴ــ ابومحمد قاسم بن زیـد مؤدب بابـکوشکی متوفی (بعد از ۳۵۰ هـ . ق) از محدثان‌که حدیث ازبغدادیان نقل‌میکرد، و ابونعیم‌حافظ اصفهانی از اوحدیث نقل‌کرده‌است.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۳)

۵ــ ابومسعود یزیدبن خالدبن‌یزید انصاری تاجرباب‌کوشکی متوفی (۲۸۱ هـ. ق) اززهاد و عباد و محدث بود . وی ازابوالولید و ابراهیم‌بن منذرخرامی و عمروبن‌زیادگدی شاپوری روایت میکند . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۴۲)

۶ــ احمدبن ابراهیم باب‌کوشکی متوفی (۲۷۸ هـ . ق) از محدثان که حدیث از حسین‌بن حفص‌نقل میکرد . (اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۸۱)

۷ــ حاج‌ملا اسماعیل‌بن‌محمد جعفر حکیم باب‌کوشکی‌متوفی (۱۵شوال ۱۳۰۴هـ.ق) ازحکماء . وی استاد حاج سیدابوالقاسم دهکردی بوده است. (رجال اصفهان ص۵۲)

در دورانهای بعدنام آن بهمحله باغ حاجی تبدیل شده است .

۱۶ ـ محله باذانه :

محله‌ای درشهر یهودیه یعنی جوباره بوده‌که‌آنرا ولیدبن ثمامه امیراصفهان بناءِ نمود و این بنا بعد از سال یکصد و پنجاه (۱۵۰) هجری‌که از شهر قرار دادن یهودیه بدست ایوب‌بن زیاد میگذشت واقع‌گردید .[۱]

۱۷ ـ محله بازار :

محله‌ایست‌که جزءِ بخش‌سه و درشمال‌رودخانهٔ زاینده رود واقع‌شده‌است.[۲]

۱۸ ـ محله باطرقان :

محله‌ایست قدیمی که درکنار دروازه حسن‌آباد نزدیکی جاده فعلی یزد و مجاور باغ مراد واقع بوده است . این‌کلمه را باترقان و باطرخان نیز نوشته‌اند . این محله قبلا دهی نزدیك شهر بوده و سپس متصل بشهر گردیده و جزء محلات بشمار آمده است.[۳]

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۱۶ ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۶۹

۳ـ محله باطرقان نیزاز محلات قدیمی و عده زیادی ازمحدثان از آن برخاسته‌اندکه ازآن جمله است :

۱ـ ابوبکر عبدالـواحدبن احمدبن محمدبن عبدالله‌بن عباس باطرقـانی مقتول در (۴۲۱ هـ. ق) از ائمه‌قراثات و راوی حدیث‌بود و درفتنه خراسان درایام مسعودبن محمودبن سبکتکین او و پیشوایان دیگری بقتل‌رسیدند . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۸۸)

۲ـ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن‌بن‌حسن باطرقانی‌که درسال (۳۰۴ هـ . ق) زنده و ازحارث‌بن ابی‌اسامة و عراقیان ومحمدبن ابراهیم جیرانی واصفهانی‌ها روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۳ـ ابوحفص عمربن محمدبن احمدبن داود تاجر باطرقانی متوفی (۳۵۸ هـ. ق) از محدثان و شیخ بلاواسطه حافظ‌ابونعیم اصفهانی بوده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۳۵۷)

۴ـ ابوالعباس باطرقانی محدث‌که از عقیل‌بن یحیی روایت‌میکند و احمدبن شبریس معدل از او حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۲۳)

۵ـ ابوعلی‌محمدبن احمدبن رستم باطرقانی متوفی (۳۲۱ هـ . ق) ازادباء و شعراء ←

۱۹ـ محله باغات :

محله‌ای است واقع در کنار جاده محله خاجو که در آن امامزاده احمدبن علی‌بن محمدباقر حسینی مدفون است و قسمتی ازآن بنام پا قلعه خوانده میشود .

قرون سوم و چهارم و ازحکام اصفهان و فارس و ازاشعار عربی او است :

فان عسیرات الامور منوطة بیسرین صاراعمدة لرجائکا

ولیس‌صحیح‌الرای‌من‌ظن‌انه اذانابه شیئی یدوم کذالکا

یعنی پس‌بدرستی‌که دشواریهای‌کارها وابسته بدوآسانی است بتعبیر دیگر اینکه درهر مشکلی دوآسانی‌است و همین‌امر مایه امیدواری توگردیده‌است . ودرست نیست نظرکسیکه گمان میکند هرگاه مصیبتی باو رسیدآنهم مایه دوام امیدواری خواهدگردید . وی حدیث از اسحاق‌بن‌جمیل و طبقه او تازمان حیات‌حدیث شنیده ولی روایت نکرده است.

(الوزراء والکتاب‌جهشیادی ومحاسن اصفهان ص۱)

۶ـ ابوعمرو مؤدب یوسف‌بن‌ابراهیم‌بن یوسف باطرقانی از محدثان پیش‌از ابونعیم که از خالددملی در سال ۲۰۱ در صفای مکـه روایت‌کرده و محمدبن یعقوب شیبانی از او روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۴۹)

۷ـ ابومحمد عبدالله‌بن ضریس باطرقانی از محدثان پیش از ابونعیم که از حسین‌بن حفص روایت میکرد ومحمودبن‌صبیح ازاو حدیث نقل‌کرده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۵۴)

۸ـ احمدبن‌فضل‌بن محمدبن احمدبن‌محمدبن جعفر باطرقانی مولود(۲۷۲ هـ. ق) و متوفی ۲۲صفر (۴۶۰ هـ. ق) وی مردی مقری و فاضل ومحدث ومکثر درحدیث بود وخود حدیث نوشت و نیکو خط بود، قرآن رانزد جماعتی قرائت‌کرد و بروایات‌گوناگون قرائت میکرد و درآن باب تصانیفی داردکه ازآنها است. ۱ـ کتاب طبقات‌القراء . ۲ـ الشواذ .

سالها در جامع‌کبیر اصفهان بعداز ابن‌مظفربن شبیب امام بود وحدیث از ابوعبدالله محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن عبدالله‌بن خرشیدة تاجر استماع کرد و نیز از جماعتی روایت کرده است .

ابن‌منده‌گفته : در محضر امام‌عمر رحمه‌الله و شیخ حافظ ابومحمد عبدالعزیزبن‌محمد نخشبی و جماعتی دیگر از حضار ذکر باطرقانی میرفت، عبدالعزیزگفت :

باطرقانی را مسندی است‌که حاوی تمام صحیح‌بخاری‌است جزاینکه دومتن‌را از اصل نوشته و سپس‌اسناد را بآن ملحق‌کرده است و این‌رسم اصحاب حدیث میباشد.

(اعلام زرکلی ج ۱ ص ۱۸۶)

۹ـ ابراهیم شیبانی‌و راق باطرقانی ابن‌قاسم‌بن‌یونس‌بن‌عبدالملک باطرقانی ازمحدثان پیش‌از ابونعیم و از ثقات‌که خود حدیث‌از ابومسعود رازی نقل و بواسطه ابراهیم‌بن حمزه شیخ حدیث حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۶)

←

علت اینکه این محله را باغات میگفته اند گویا باغهای زمان ملکشاه سلجوقی بیشتر در این قسمت واقع بوده است .

محله قصر منشی هم که از محلات معتبر اصفهان در عصر صفویه بوده قسمتی از محله باغات محسوب میگردیده است .

بیشتر اهمیت این محله برای بودن مدفن امامزاده احمد میباشد که پیوسته مورد توجه وقدیمترین تاریخی که در آن دیده میشود (۵۶۳) قمری است که روی سنگی که در آستانه آن افتاده و معروف است کـه همان سنگ سومنات میباشد حك گردیده و در زمان صفویه عمارت امامزاده تعمیر گردیـده است و همینطور در (۱۲۷۰ هـ. ق) باهتمام چراغعلیخان حاکم اصفهان تعمیر شده است .

از نامبرداران ساکن این محله درقدیم یکی : محمد باقر بن محمد جعفر باغاتی ازدانشمندان زنده در (۱۱۲۳ هـ.ق) و ازخوشنویسان خط شکسته نستعلیق بوده است که اللئالی المستخرجه من الکلمات المکنونه فیض را بخط زیبای نستعلیق شکسته نوشته است این کتاب درکتابخانه مرکزی دانشگاه وجود دارد .[۱]

دوم معزالدین محمد میرزا ابوطالب باغاتی تعمیر کننده بقعه شاهزید بن امام علی بن الحسین علیه السلام در (۱۰۹۷ هـ . ق)[۲]

۲۰ ـ محله باغ جنت :

این محله ازمحلات شمالی رودخانه زاینده رود ومجاور محله لنبان می باشد.[۳]

۱۰ــ عبدالله مجنون باطرقانی که مناظراتی باابن عمید در اصفهان داشته و مورد توجه سلاطین وقت بوده است.

۱۱ــ ابوالفوارس نیزیکی ازمجانین موردنظر سلطان مسعودین سلطان محمود غزنوی بوده که شرح حال عبدالله و ابوالفوارس در محاسن اصفهان مسطور و منقول است که چون علاءالدوله بدیوار کشیدن دور اصفهان مشغول شد ابوالفوارس باوگفت مگر میخواهی که باغ بسازی. علاءالدوله گفت بچه دلیل میگوئی پاسخ داد برای اینکه اصفهان راخراب کرده و برگرد آن دیوار میکشی .

۱ــ فهرست کتب خطی دانشگاه تهران . ۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۸۹ .

۳ــ نصف جهان ص۲۳.

۲۱ ـ محله باغ حاجی :

این محلـه همان محلـه باغ همایـون است که در ازمنه مختلفه تغییر نام یافته است .

۲۲ ـ محله باغ سلم :

محله باغ سلم یاسلم محله‌ای بوده که دروازه‌ای هم بنام باب سلم داشته و مردانی محدث ازاین‌محله برخاسته‌اند .[۱]

۲۳ ـ محله باغ عبدالعزیز :

این‌محله منسوب بباغ عبدالعزیز عجلی‌است که در اصفهان امارت وحکومت داشته و درحدود یهودیه واقع بوده است .[۲]

۲۴ ـ محله‌باغ عبدالله:

محله‌ای بوده واقع درجوبارهٔ اصفهان که آنرا درزبان محلی بغدلی‌میگفته‌اند وابوعبدالله‌محمدبن‌سعیدبن‌اسحاق قطان‌باغ‌عبداللهی‌ازمحدثان‌که‌ابواسحاق‌بن‌حمزه ازاو وخود ازیحیی‌بن ابیطالب حدیث نقل میکرده ازمردم این محله است .[۳]

۲۵ ـ محله‌باغ عدن:

ازمحلاتی بوده که درزمان ملکشاه سلجوقی‌که باغ‌عدن را برای حرمسرای خود احداث‌کرده بود دائر بوده است.[۴]

۲۶ ـ محله باغ عیسی‌بن‌ایوب :

این‌محله ازیك طرف به محله خشینان وازطرف دیگـر به محله ملنجـه و کوراء محدود بوده وخشینان ویهودیه‌که جوباره فعلی باشد دردوطرف باغ‌عیسی‌که

۱ـ ازآن جمله است: ۱ـ ابوبکر محمدبن احمدبن حسنویه‌باغ سلمی متوفی بعد از(۳۶۰ هـ. ق) صاحب اصول‌که ازبغوی روایت میکرد . ۲ـ ابومسلم نوح بن‌منصور بن مرداس سلمی اصفهانی متوفی(۲۹۵هـ. ق) که ازمصریان‌وعراقیان نقل میکرد و درشیراز بمرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ و۳۳۲)

۲ـ محاسن اصفهان ص۱۱ . ۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۷۴ . ۴ـ آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ .

درآن‌محله است واقع بوده .[۱]

ابومحمد عیسی‌بن‌ایوب احداث کننده باغ ومحله‌که در قرون سوم و چهارم میزیسته و سندیلة عبدالله‌بن داود عابد باغ عیسائی ازعباد که حدیث از حسین بن حفص وابراهیم‌بن ایوب روایت میکرد ازمردم قدیم این محله‌اند .[۲]

۲۷ ـ باغ کاران :

قسمتی ازآن بنام محله خاجو باقی‌مانده است .[۳]

۲۸ـ محله باغ‌مراد :

محله نوفعلی جای محله باغ مراد قرارگرفته است ، وگفته میشود باغ‌نو را که‌محله‌آن جزء بخش۱ ازمحلاتی است‌که‌درآن طرف خیابان‌دور شهر افتاده‌است، مسعود میرزا ظـل‌السلطان در (۱۳۱۶ هـ.ق) در الیادران و فیمابین بنا نهاد و سپس محله مزبور بنام محله‌باغ نو موسوم‌گردید .[۴]

۲۹ـ محله‌باغ همایون :

همان محله‌ایست‌که درمحله باب همایون شرح داده است .

۳۰ـ محله باقلافروشان :

یکی ازمحلاتی است‌که محله باغات را تشکیل میداده است .

۳۱ـ محله بان لوفه :

محله‌ای بوده درنزدیکی محله ویدآباد قدیم اصفهان. [۵]

۳۲ـ محله بغدلی :

همان محله باغ‌عبدالله درجوباره بوده‌که شرح‌آن گذشت .

۳۳ـ محله بوان :

این‌محله درحدود محله جروائان بوده که شاپور ذوالاکتاف درآن محلـه

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱ـ۱۹ . ۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸ .
۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸ . ۴ـ نصف جهان ص ۱۷۷ . ۵ـ محاسن اصفهان ص ۸۹.

آتشگاهی نیز بناکرده بوده است.[1]

۳۴ـ محله بیدآباد :

این‌محله جزء بخش۱ ازمحلاتی‌است که درشمال رودخانه زاینده رود قرار دارد و مسجد تاریخی سید ومسجد علیقلی‌آقا ومدرسه میرزا حسین وحمام وچهار سوی علیقلی‌آقا دراین محله واقع شده است.[2]

درقرن پنجم هجری‌که مافروخی‌کتاب محاسن‌اصفهان را بعربی ادیبانه‌تألیف کرده این‌محله را ویذآباذ مینامیده‌اند یعنی این‌کلمه دراصل همان ویذآباذ بوده چه درآن‌زمان‌کلمات فارسی‌که آخرآن دال‌مهمله وپیش‌ازآن واو ویاء ساکن و یا الف ماقبل مفتوح‌بود دال مهمله تبدیل‌به ذال معجمه میگردید وروی همین‌قاعده آنرا ویذآباذ تلفظ میکردند وهمین‌کلمه بعینه درمعجم البلدان یاقوت حموی و انساب سمعانی ودیگرمراجع عربی آمده است.

واینکه بعضی ازنویسندگان معاصر[3] گمان‌کرده‌اند ویذآباذ معرب بیدآباد است درست نیست. چه اینکه اززمان صفویه ببعد این‌تصرفات بعمل‌آمده و مثلاً ویدآباذ بیدآباد و ویدان بیدان تلفظ گردیده است.

واصل ریشه این‌کلمه از لغت وید است که از لغات اوستائی و از ادعیه و سرودهای باستانی اوستائی است. و آبادی آن محل را منسوب به ویدکرده‌اندکه مقدس‌القاء شده بوده است. واما لفظ ویدان‌را مشروحاً درکتاب آتشکده اردستان بیان‌کرده‌ام وموجبی برای تکرار نیست.[4]

درقرن چهارم‌که علاءالدوله سورمعروف خود را بدورشهر اصفهان‌میکشیده محله بیدآباد خارج شهر اصفهان بوده است ولی درقرن پنجم قسمتی ازآن که بمحله بان لوفه نزدیك بوده جزء شهرشده بوده وقسمتی دیگر جزء قبرستان شهر درآمده بود.[5]

۱ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص۸۵ و ظاهراً درست آن یوان به یاء مثناة از تحت باشد.
۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹. ۳ـ مؤلف تاریخ نصف جهان در ص ۳۵.
۴ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۰۳. ۵ـ محاسن اصفهان ص۸۹.

آنچه مسلم است این محله در زمان صفویه از محلات بزرگ و پرجمعیت اصفهان وداخل درحصار بوده است . ازمحله نامبرده بزرگانی ازعلماء و دانشمندان ومحدثان پیش از صفویه و نیز بعدازآن برخاسته‌اند و درآن محله اماکن تاریخی بوجود آمده است[1] .

---

۱ ــ کسانی‌که پیش‌ازصفویه دراین محله عرض‌اندام کرده‌اند بقرار زیراست :

۱ ــ ابوعبدالله احمدبن محمد بن عبدالله بن اسحاق بن ماجة ویذآبادی مؤدب متوفی (۴۲۲ه. ق) وی مردی‌زاهد و مکثرالحدیث بود واز قاضی ابواحمد محمدبن‌احمدبن ابراهیم عسال روایت میکرد . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۳)

۲ــ ابومحمد جابربن‌منصوربن‌محمدبن صالح ویذآبادی شیخ‌حدیث ابوسعیدسمعانی وخود ازابوالعباس احمدبن عبدالغفاربن اشته اصفهانی و برادرش ابوالعباس‌احمد در تحبیر حدیث نقل‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۸۶)

۳ــ ابومحمداعرج عبدالله‌بن اسحاق‌بن ابراهیم اعرج‌خیاط ویذآبادی متوفی (پیش‌از ۳۶۰ ه . ق) که ازابوحنیفه روایت میکرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۹۱)

واما بعداز صفویه :

۱ــ آقا محمدبن ملامحمد رفیع‌گیلانی بیدآبادی متوفی (۱۱۹۷ ه.ق) ازاجله حکماء ومتالهان و افاضل سیر وسلوك بود و بزرگانی چون : ملاعلی نوری و میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه چهارباغ و ملامحراب عارف گیلانی ازشاگردان اویند . (مکارم‌الآثار ج ۱ص۶۷)

۲ ــ حجةالاسلام مطلق حاج‌سیدمحمد باقربن‌محمدتقی موسوی شفتی گیلانی‌اصفهانی بیدآبادی مولود (۱۱۷۵ه.ق) ومتوفی(۱۲۶۰ه.ق) که درنجف ازمحضربحرالعلوم استفاده کرده چندی هم درکربلا ازمحضر درس صاحب شرح‌کبیر ونیز درمحضر سیدمحسن‌کاظمینی استفاده‌کرد . پس ازمراجعت هشت‌سال درقم نزد میرزای قمی درس خوانده وترقیات بسیاری کرد و سپس باصفهان‌آمد . در اوائل حال بسیار درسختی بود ولی بتدریج مکانتی یافته و از سردمداران علمای ایران‌گردید . وازآثار اواست مسجد معروف به‌مسجد سید درمحله بیدآباد اصفهان‌که خود نیز درآن مدفون وبقعه وبارگاهی دارد و مورد زیارت مردم است.
(مصفی‌المقال ص۹۲)

۳ ــ حاج‌سیداسدالله‌بن حاج سیدمحمدباقرحجةالاسلام بیدآبادی مولود (۱۲۲۷ه.ق) ومتوفی (سلخ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۰ه.ق) ازعلمای مبرز وشاگرد صاحب جواهر ومعروف به حجت‌الاسلام ثانی بود ودرعصر خود سلمان محسوب میگردید وگذشته ازتمام محاسن علمی وزهدی وخانوادگی خط را نیز بسیارشیوا مینوشت هنگام مراجعت ازسفرنجف‌اشرف درکرند دارفانی را وداع گفت ونعشش بنجف حمل ودرآنجا مدفون گردید .
(نقل بمعنی از تاریخ اصفهان‌وری)

←

۴ ــ آقا سیدهاشم‌بن حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۳ه.ق) ازمجتهدان عصرخود بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۹۶)

۵ ــ آقا سیدمؤمن‌بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی (رمضان ۱۲۹۴ ه . ق) وی ازعلماء ومجتهدان بود وپس‌ازوفات در نزدیکی قبر پدر درهمان مسجد سید مدفون گردید و حاج‌میرزا بهاء شاعر اصفهانی درماده تاریخ وفاتش چنین گفت :

ماه صیام نزد رسول آمد از جهان آن سیدی که مؤمن آل رسول بود

او بعد از حجت‌الاسلام ثانی درمسجد سید سمت امامت داشت .

(رجال اصفهان ص ۱۴۷)

۶ ــ حاج سیدمحمدباقر معروف به‌حاج‌آقاابن حاج‌سید اسدالله‌بن حاج سیدمحمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی (سوم رمضان ۱۳۳۳ ه.ق) وی پس از وفات پدر باتفاق مادرش که دختر حاج ملاعلی‌بن میرزا خلیل طبیب بود بنجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا بتحصیل پرداخت وپس‌ازمدتی جزء اعلام نجف اشرف بشمارآمد و محضرش از نظر علم وادب قابل توجه بود . نیکومعاشرت ــ تیزذهن ــ لطیف روح ــ سخی‌الطبع بود پس‌ازاقامت درنجف باصفهان برگشت ومورد قبول‌مردم واقع‌شد وبعدازانقلاب استبداد بمشروطیت بنجف برگشت و پس‌ازمدت کمی وفات کرد .

در سرودن شعرعربی بسیارقوی بود مطلع قصیده‌ایکه درمدح حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام سروده چنین است :

یابن عم‌النبی خیر مقال لك فی ارفع‌المدایح تذکر

بعد ما انزل‌الاله کتابا فیك لایستطاع للقوم ینکر

یعنی ای پسر عموی پیغمبر بهترین گفتاری که در بالاترین مدایح تویادآوری میشود اینستکه بعدازآنکه خداوند قرآن را درباره تو نازل کرد دیگر امکان انکار مقام تو را کسی ندارد . (اعیان‌الشیعه ج۱۳و۱۴ ص۳۳۳)

۷ ــ سید مهدی‌بن سیدمحمدعلی‌بن حجةالاسلام شفتی بیدآبادی مولود (۱۲۷۸ه.ق) ومتوفی بعد(۱۳۱۹ ه. ق) و ازعلماء و بزرگان و اوراست‌کتاب غرقاب‌که از۱۳۰۳ هجری تا ۱۳۱۲ آنرا تألیف‌کرده و مشتمل برمقدمه وخاتمه و دو مرحله است‌که شرح حال علمای قرن یازدهم ودیگر بعد ازآن قرن‌را شرح‌کرده است .

(الذریعة الی تصانیف‌الشیعه ج ۱۶ ص۴۴)

۸ ــ سید ابوالقاسم‌بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۰ ه.ق) ازعلمای بارع‌که‌پس‌از پدر مرجع امور شرعی دراصفهان بود وپیش‌ازبرادرش حاج سیداسدالله حجت‌الاسلام ثانی درگذشت . (اعلام‌الشیعه ج۲ ص۵۱)

۹ ــ شیخ عزیزالله بیدآبادی از مشایخ بیدآباد اصفهان که درعلم جفر ورمل و اعداد استاد وفقیهی عالیمقدار بود واواخر قرن سیزدهم درگذشت . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۱۰ ــ حاج میرزا یحیی مدرس بیدآبادی معروف به کاشی‌پز فرزند میرزا اسماعیل ←

۳۵ ـ محله بیرون دروازه :

۳۶ ـ محله پاچنار :

این محله جزء بخش۱ ازمحلاتی است‌که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۱] .

۳۷ ـ محله پاشاخ :

این‌محله بطوریکه درسفرنامه تاورنیه نوشته شده دروسط شهراصفهان واقع بوده ودر آنجا مناره پاشاخ از سرشکار ساخته شده بوده است و جزء محله جوباره بزرگ بوده است[۲] .

۳۸ ـ محله پافجان :

اکنون بصورت کشتکاراست ولی در قدیم از محلات شهر اصفهان بوده و بقعه شاه‌زید نیز درآنجا است[۳] .

۳۹ ـ محله پاقلعه :

چون قلعه طبرك اصفهان دراین محله واقع بوده باین نام موسوم‌گردیده‌است. فخرالدوله دیلمی در این قلعه وفات کرد و در زمان صفویه خزانه جواهرات بود ولی در ۱۲۹۳ هجری فقط دیوار قلعه وجود داشت[۴] وامروز فقط نامی ازآن‌باقی مانده است . این محله اکنون جزء بخش۴ ازمحلاتی است که درشمال زاینده‌رود قراردارند[۵]. محله پاقلعه که بعدازصفویه باین‌اسم معروف‌شده ودرقدیم جزء محله باغات بشمار میرفته مرکز رجال ودانشمندان و شعرای بزرگ و اقطاب و صوفیان

→

مدرس بیدآبادی مولود (۱۲۵۴ ه.ق) ومتوفی ششم ذی‌قعده (۱۳۴۹ ه.ق) ازبزرگان شعراء ومدرسان و مؤلفان و تخلصش در شعر یحیی بود . اوراست‌کتاب مرآت‌المصنف در احوال حاج میرزا رضا کلباسی‌که ضمیمهٔ‌کتاب انیس‌اللیل بچاپ رسیده است . از اشعار معروف او مخمس نوروزیه اواست‌که مطلع آن اینست :

امروز بفیروزی و بهروزی و نوروز　　با شور عرب نیك بود نغمهٔ نوروز

(رجال اصفهان ص۶۱)

۱ ـ نصف جهان ص ۲۸ .　　۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۹۹ .　　۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۱۶.　　۴ـ نصف جهان‌ص۳۱.　　۵ـتاریخ اصفهان‌وری ص۱۰۰.

بنام بوده وچندین بقعه وتکیه درمزار تخت فولاد ازعلماء ورجال این‌محله بیادگار مانده است وبرای نمونه عده‌ای ازآنها را دراین موقع و محل یادآوری‌میکند [1].

گویا محلات قصرمنشی وباغات و پاقلعه و خاجو وباغ کاران بهم‌اتصال داشته و بعد از صفویه در این محلات خرابی راه یافته و از هرقسمت مختصری آبادانی داشت ولی پاقلعه نسبت بدیگر قسمت‌های آن آبادتر بوده است .

---

۱ ــ از نامبرداران محله مزبور است :

۱) میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (۱۱رجب۱۳۱۱ه.ق) ازعرفاء ومرید رحمتعلی‌شاه ومجاز درارشاد از نورعلیشاه وسرپرستی فقرای صوفیه اصفهان را داشت .
(رجال اصفهان ص ۱۰۵)

۲ ــ میرمحمداسماعیل پاقلعه‌ای ازعرفاء وبرادر میرمحمدهادی پاقلعه‌ای وپس ازوفات میرمحمد هادی سرپرستی‌فقرای اصفهان را عهده‌دار بوده است .

۳ ــ میرزا ابوالحسن پاقلعه‌ای ازعلمای پاقلعه متوفی درحدود (۱۳۳۰ه.ق) .

۴ــ میرزا محمدحسن منجم‌باشی ولایتی پاقلعه‌ای، وی ازطایفه مدرسهای پاقلعه ومنجم بود ودر (۱۲۹۳ه. ق) بمهمات مملکتی اشتغال داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۵ ــ میرزاعباس صابر علیشاه فرزند سیدمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (پنجم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ه.ق) ازمشایخ سلسله نعمت‌اللهی، وی درحسن خلق ومعاشرت وبسط ید کم‌نظیر بود وعموم مردم ازصوفی وغیر صوفی باو ارادت میورزیدند . پس از وفات درتکیه خاتون‌آبادی مدفون گردید درماده تاریخ وفاتش معلم حبیب‌آبادی چنین گفته :

سر برون کرد یکی ناگه و گفت : « از جهان عارف ربانی رفت »

۶ ــ حاج میرزاعبدالحسین سیدالعراقین پا قلعه‌ای مولود (۱۲۹۴ ه.ق) ومتوفی (دهم شوال ۱۳۵۰ ه.ق) ازبزرگان ورؤسای علمای اصفهان ومدرس ومتولی مدرسه‌چهارباغ‌سلطانی اصفهان است‌که تحصیلات عالیه را در نجف انجام داده بود . ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری‌چنین سروده :

تو هم پا بکش از عراق و بگو : « عراقین بی سید و سرور است »

و بعدازفوت درتکیه بنام سیدالعراقین مدفون گردید .

۷ ــ میرزا عبدالغفار سحاب متوفی حدود اوائل قرن چهاردهم هجری ازادباء و شعراء محله پاقلعه .

۸ ــ حاج میرزا اسدالله پاقلعه‌ای متوفی (۱۳۶۰ه.ق) از علمای منزوی وماهردرعلوم ریاضیات ونجوم .

۹ ــ آقا میرمحمد باقربن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (هفدهم ذیقعده ۱۳۴۸ه.ق) از معاریف علماء وفضلاء وعرفاء .

←

۴۰ ـ محله پائین دون :

محله‌ایست جزء بخش۱ از محلاتی که درشمال زاینده‌رود واقع شده است .

۱۰ ـ آقا مرتضی بن میرزاعلینقی بن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی(رجب۱۳۵۴ه.ق) از عرفاء .

۱۱ ـ محمدرضا قلیخان هما فرزند بدیع خان شیرازی اصفهانی پاقلعه‌ای مولود (۱۲۱۲ ه . ق) ومتوفی (دوازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۰ه.ق) ازبزرگان شعراء وادباء وعرفاء وصاحب خانواده ودیوان بود. اشعار وقصاید بسیاری درمدایح‌ائمه طاهرین دارد درزمان خود مشار بالبنان بود و اشعارش را دست بدست میبردند خط نستعلیق را شیوا و زیبا مینوشت . ازغزلهای عارفانه اواست که درحال تحیر وجذبه وآشفتگی سروده است :

بسکه اندرخویش حیرانم نمیدانم کیم — کافرم گبرم مسلمانم نمیدانم کیم
گه عزیز مصر جانم بر سریر عزوناز — گاه چون‌یوسف بزندانم نمیدانم کیم
گه ظلمنا گوی و گه رب بما اغویتنی — گاه آدم گاه شیطانم نمیدانم کیم
گاه‌چون‌بدر آشکارم‌گاه‌پنهان‌چون هلال — گه کمال و گاه نقصانم نمیدانم کیم
گاه دردم گاه درمان گاه خارم گاه‌گل — گاه گنج و گاه ثعبانم نمیدانم کیم
گه‌سگ‌اصحاب کهفم‌گاه‌گرگ یوسفم — گاه مورو گه سلیمانم نمیدانم کیم
گاه رندبادەنوشم‌گاه شیخ خرقه پوش — گاه دانا گاه نادانم نمیدانم کیم
گاه در بزم خردمندان ندیم عاقلان — گاه مجنون بیابانم نمیدانم کیم
گه فقیر خاکسارم گه امیر نامدار — گاه سلطان گاه دربانم نمیدانم کیم
گه گدای کوی درویشان با حق آشنا — گه همای بزم سلطانم نمیدانم کیم
صلح کل کردم بهفتادودوملت‌چون هما — باهمه‌یك‌رنگ ویکسانم نمیدانم کیم

(مقدمه دیوان طرب ص۳۰)

۱۲ ـ میرزاابوالقاسم محمدنصیرمتخلص‌بەطرب مولود (دوازدهم ذی‌قعده۱۲۷۶ه.ق) ومتوفی دوازدهم ربیع‌الثانی‌سال (۱۳۳۰ ه.ق) فرزند همای مذکور ازشعراء وادباء وعرفاء وخوشنویسان زمان خود ومشهور درمجامع فضل وادب وشعر وصاحب دیوان بود وهمانطور که درباب هما پدرش گفته شد طرب هم درسرودن اشعار وقصاید درمدح رسول وائمه اطهار تمایل بسزا داشته است. مطلع‌یکی ازقصایدش درمدح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام چنین است :

شکر لله زنده گشتم از ثنای بوتراب — هم برآرم سربمحشر با ولای بوتراب
خامه‌ام‌گوهرفشان‌است‌ازمدیح بوالحسن — خامه‌ام عنبرفشان است از ثنای بوتراب
سر بتاج قیصر و خاقان نمی‌آرم فرود — برسرم افسر بود تا خاك پای بوتراب
گردضای حق همی جویی‌رضای اوبجو — چونکه‌باشدخوددرضای‌حق‌رضای‌بوتراب
چون ولای بوترابستی محك قلب ونقد — قلب مملو است از نقد ولای بوتراب

←

۴۱ ـ محله پشت بارو

محله‌ای است جزء بخش ۱ ازمحلاتی که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است وازکنار مدرسه چهارباغ شروع میشود .

۴۲ ـ محله تحت‌الشارع :

محله‌ای باین نام درشهر اصفهان در قرن یازدهم هجری وجود داشته و گویا

→

ومقطع چنین است :

چون سپاس‌او پیمبر گفت‌وحق گفتش درود — من چه گویم لایق مدح وسزای بوتراب
آید آمین دعایش از لب روح‌الامین — چون گشاید لب طرب‌بهردعای بوتراب
(نقل ازدیوان طرب ص۵۳)

۱۳ ـ محمدحسین متخلص به‌عنقا ملقب به ملك‌الشعراء مولود (۱۲۶۰ ه.ق) ومتوفی (۱۳۰۸ ه.ق) فرزند ارشد هما وازبزرگان شعروادب وعرفان وخوشنویسان زمان خود بشمار میرفت و او همانطور که درباب پدر و برادرش گفته شد متمایل بسرودن قصاید و اشعار در اوصاف اهل‌بیت اطهار بود و از اشعار او است که در منقبت مولای متقیان علی علیه‌السلام سروده است :

بتا ز باده برافروز در بهار آتش — که آب‌گل زده برخاك لاله‌زار آتش
بنوبهار بده باده‌ای چوآب حیات — که در بهار نیاید بتا بکار آتش
ازآن شراب‌که گرساغری‌بروم برند — ز عکسش افتد درخاك زنگبار آتش

۱۴ ـ ملك‌الادباء محیی‌الدین محمد متخلص به‌سها فرزند هما مولود (۱۲۶۲ه.ق) و متوفی سوم ماه صفر (۱۳۳۸ ه.ق) از شعراء و ادباء وعرفاء که مانند پدر و برادران محبت خاصی نسبت بخاندان رسول داشت وقصایدی نیز دراوصاف ومراثی آنان سروده واز اشعار او است :

منت خدای را که سها آفتاب‌وار — مداح آستان علی شاه اعظم است
شیر خدا امیر عرب کزده شرف — پشت سپهر از پی تعظیم او خم است

سها مردی آزاده و وارسته بود ودرتمام زندگی تأهل اختیارنکرد تا از داردنیا رحلت کرد . در ماده تاریخ وفاتش استاد جلال‌الدین همائی متخلص به سنا فرزند برادرش طرب چنین سروده :

ز رضوان دوش تاریخ وفاتش — سنا پرسید از روی تألم
ز مینو پا بجمع‌آورد و گفتا : — « سها پوشیده‌شد از چشم مردم »
(نقل از برگزیدهٔ دیوان سه شاعراصفهان)

در نزدیکی مسجد جامع عتیق واقع بوده است[۱] .

۴۳ ـ محله تحت گنبد :

این محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع‌وجزء بخش‌چهاراصفهان‌است[۲].

۴۴ ـ محله تر واسکان = تل‌واژگون = تل‌استخوان :

این‌محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع وجزءبخش چهاراصفهان‌است[۳].

۴۵ ـ محله تکیه ظلمات :

این محله از کوچه‌ای شروع میشود کـه از شمال شرقی میدان نقش جهان منشعب میشود ومسجد مقصودبیك نیز درآن واقع است[۴] .

۴۶ ـ محله تل عاشقان :

این محله متصل بدروازه نو بوده است .

۴۷ ـ محله تلواسکان :

این محله همان است که بچند لفظ وعبارت خوانده میشود . ازمعروفان‌این محله شیخ محمدعلی واعظ تلواسکانی است که درسال (۱۳۴۰ هـ . ق) حیات داشته وسید محمد نجم‌الواعظین عالم حکیم وشاعرادیب متوفی (۱۳۴۲هـ.ق) که تألیفاتی دارد ، و نیز آقا محمد تلواسکانی که در سال (۱۲۹۳ هـ . ق) کدخدای محله مزبور بوده است[۵]. بقعه معروف به شاه‌زید که از قرن دهم هجری باقی مانده در این محله است[۶].

۴۸ ـ محله تیران و آهنگران :

این محله از محلات قدیمی اصفهان بوده و دانشمندانی نیز از آن محله برخاسته‌اند که نام آنان درتاریخ ثبت افتاده است و امروز محله مزبور معروف به

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۲۱ . ۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص۹۹ .
۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۰۰ . ۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۷ .
۵ ـ جغرافیای اصفهان ص۱۲۶ . ۶ ـ تاریخچه محله خواجو ص۶۳ .

محله شمس‌آباد است[۱] .

۴۹ ـ محله تیجاباد :

این محله هم ازمحلات قدیمی اصفهان ودانشمندانی ازآنجا برخاسته‌اند و معلوم میگردد که محله مزبور دراوائل اسلام‌آباد بوده است[۲] .

۵۰ ـ محله جروائان :

باین نام محله بزرگی درشهر اصفهان وجود داشته که تاقرن هفتم دائربوده است ومردانی نامی از اهل حدیث از آنجا برخاسته‌اند و در فارسی نام این محله گروائان بوده‌است[۳] .

درترجمه محاسن اصفهان راجع باین محله چنین توصیف شده :

« محلتی باصفهان که از تمامت محلها واطراف آن خوشتر است . ابومسلم» «گفت : دربع مسکون خوشتر از خانه من موضعی نیست ، حاضران تمامت چشم» «تعجب بیکدیگر بازگذاشتند وآن دعوی را ازجاده‌عقل متجاوز ودورپنداشتند.» «ابومسلم گفت : شما از هفت اقلیم خوشتر و بهتر باعتدال از اقلیم چهارم زمینی» «میدانید؟ گفتند نه . بر قاعده اهل‌هیئت ودرباب هندسه وسیاحان بحروبرمحقق»

---

۱ ـ از دانشمندان تیران وآهنگران است :

۱ـ شیخ نورالدین تیرانی از محققان وعرفاء وشیخ‌سید حیدرعاملی عارف محقق قرن هشتم هجری که درتیران نزدیك شهر اصفهان ازطرف دروازه دردشت سکونت داشت .
(المحیط‌الاعظم ص۴۳)

۲ ـ میرزا عباس فایض فرزند ملا محمدعلی سهیلی شمس‌آبادی تیرانی وآهنگرانی مولود (۱۳۰۸ ه.ق) ازفضلاء وشعراء واز اشعار اواست :

نسبتی روی نکویش را بمهر و ماه نیست مهرومه‌هرگزچوروی‌خوب‌اودل‌خواه‌نیست
(تذکره شعرای معاصراصفهان ص۳۴۱)

۲ ـ ازدانشمندان تیجاباد است :

۱ ـ ابوزید تیجابادی ازعلمای نحو وشعراء درقرن پنجم هجری .
(محاسن اصفهان ص۳۳)

۲ ـ ابونصر تیجابادی ازمهره علم نحو ولغت وازشعراء قرن پنجم هجری .
(محاسن اصفهان ص۳۳)

۳ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۰ .

«است که ازجهت آب گوارنده شیرین صافی سبك و هوای تروتازه وتنگ وفضای» «فراخ وروشن اصفهان که ناف آن است خوشتر وبهتراست وباتفاق اهل اصفهان از» «تمامت اطراف ومحله‌هاجروائان درآن محلت خوشترازخانه من نیست[۱]. وصاحب» «مرآت‌البلدان احتمال داده که محل این‌محله چهارباغان باشدکه منظورچهارباغ» «طوقچی است که اکنون اثری‌ازآن بجای نمانده است[۲]. »

مؤلف تاریخ اصفهان و ری‌گفته شاید جیران پائین دروازه باشد[۳]. وابونعیم گفته ازمحلات نزدیك مسجد جامع اصفهان است که همان گروائان باشد[۴].

و نیزدرمحاسن اصفهان[۵] گفته شده که برحسب روایات‌موثق درمحله‌جروائان در زمان کمی دورتر از قرن پنجم پنجاه مسجد معمور بوده است که مردان نامی بمناسبت رقابت دراینکه در مسجد دیگری برای نماز حاضر نشوند خود بعمارت مسجد پرداخته‌اند و در هریك از آن مساجد کمتر از پنجاه مرد بنماز جماعت نمی‌ایستادندکه هریك از مردان مزبور درمحل خود ریاست داشتند و الآن (قرن پنجم) آن محله ومساجد آن بیشترش نشانه‌ها و آثار باستانی گردیده است.

ازاین‌محله‌که درقرن‌پنجم ازبین‌رفته بوده محدثان ودانشمندانی‌برخاسته‌اند ودرتاریخ نام‌آن محله را ثبت‌کرده‌اند[۶]. اما دراشتقاق ووجه تسمیه‌کلمه جروائان چند وجه احتمال دارد : یکی اینکه جروائان معرب گروائان مشتق از گریوه

۱ــ ترجمه محاسن اصفهان ص۲۱. ۲ــ مرآت‌البلدان ج۴ ص۲۲۲. ۳ــ تاریخ اصفهان وری ص ۴۱۰. ۴ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ص۱۶-۱۷. ۵ــ محاسن اصفهان ص ۸۹. ۶ــ کسانیکه منسوب باین محله میباشند و درکتب رجال و تاریخ و حدیث ثبت شده‌اند اسامی آنان چنین است :

۱ــ ابوعلی‌عبدالرحمن‌بن‌محمدبن‌الخصیب‌بن‌دسته (ابراهیم‌بن‌الحسن‌الجروائانی‌الضبی) متوفی (۳۸۶ هـ. ق) ازمحدثان که ازفضل‌بن خصیب روایت کرده است.
(معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۰)

۲ ــ ابوبکر احمدبن عبدالله‌بن سهیل جروائانی ازمحدثان که یك واسطه شیخ‌حدیث ابونعیم‌حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ هـ.ق) بوده است. (ذکراخباراصبهان ج۱ص۱۶۸)

۳ ــ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن‌بن‌الخصیب جروائانی از محدثانی که از عبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس روایت میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۸)

←

→

۴ ــ ابوجعفر محمدبن علی جروائانی ازمحدثان که پیش‌از ابونعیم میزیسته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۵ــ ابوحاتم غانم‌بن عمربن‌محمدبن احمدبن‌مسلم جروائانی وی ازمحدثان و پسرعم همام قاضی بود واز ابراهیم‌بن محمدبن‌الحسن روایت میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۵۰)

۶ ــ ابوحامد محمدبن‌الازمع‌بن‌الاشنع‌بن طلعة‌بن‌عبیدبن مالك‌الازدی جروائانی‌محدث که ازمحمدبن بکیر روایت میکرد . (ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴)

۷ ــ ابوداود محمدبن‌الازمع که همان ابوحامد باشد چه‌اورا دوکنیه بوده است .

۸ ــ ابوسعید اعین‌بن محمدبن مندویه‌بن حمادبن‌زهیربن سعیدبن عطیة مولی‌العباس‌بن مرداس متوفی (۲۷۰ ه.ق) ازمحدثان که از ابوالولید طیالسی‌و ابوحذیفه روایت میکرد و جدش حماد ازکوفه باصفهان انتقال یافته بود . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۸)

۹ ــ ابوعامر جروائانی ازشعراء وکتاب اصفهان قبل‌ازقرن پنجم هجری که از اشعار او است :

سقی‌الله جیا ان جیا لذیذة — من‌الغیث ما یسری لها ثم یبکر
فلا بقة فی‌اللیل یؤذیك لسعها — لنوم ولا برغوثة حین تسهر
و ماء رکایاها زلال کانه — اذاماجری فی‌الحلق ثلج و مکر

یعنی خداوند سیراب گرداند جی را که جی لذت‌بخش است از باران تا زمانی که شب بروز وروز بشب میآید، پس نه پشه‌ای درشب نیشش تورا آزار میدهد درهنگام خواب ونه‌کیکی هنگام بیداری و آب چاه‌های آن چنان صاف است‌که در هنگامی‌که درحلق جاری گردد گویا برف و قند است . (محاسن اصفهان ص۵)

۱۰ ــ ابوالعباس احمدبن محمد (معروف به ابوجعفر جروائانی)بن علی جروائانی ازمحدثان و راوی از عمروبن علی ورياش وحسن‌بن عرفه و بیك واسطه شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۱۱ ــ ابوعبدالله حسین‌بن محمد مؤدب جروائانی از محدثان که از ابراهیم‌بن متویه روایت‌کرده است ودرسن شصت‌سالگی وفات کرد . (ذکراخباراصبهان‌ج۱ ص۲۸۴)

۱۲ ــ ابوعبدالله محمدبن احمدبن اسباط جروائانی متوفی رجب (۳۰۸ ه . ق) وی شیخی ثقة بود ومحمدبن حیان ازاو وخود ازاحمدبن بدیل حدیث روایت میکرد .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۴۶)

۱۳ ــ ابوعبدالله محمدبن سلیمان‌بن عبدالله جروائانی از محدثان که معروف به وکیل بود ، الناس ازاو حدیث نقل میکرد ، ولی ازخود اوحدیثی بیرون نیامده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۸)

۱۴ ــ ابوعبدالله محمدبن عبیدة‌بن‌یزیدبن عبیدة جروائانی متوفی (۳۰۱ ه. ق) از
←

ثقات محدثان که از سلیمان بن عمر بن الاقطع ومؤمل وابن عسکر ویوسف قطان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۳۸)

۱۵ ــ ابوعبدالله محمدبن نوح جرواثانی ازمحدثان و حدیث ازبصریان نقل میکرد ویوسف مؤذن وعبدالله بن محمدبن جعفر ازاو حدیث نقل کرده است .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۱۶ ــ أبو عمروسعیدبن بشربن حماد قرشی جرواثانی وی ازأهل فضل وپرسش ممشاذ از محاسبان اصفهان بود وی از مقری و خلاد و بکربن بکار و عاصم بن یوسف روایت میکرد وعبدالله بن جعفر ازاو روایت دأشت . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۷)

۱۷ ــ ابوغسال یا ابومحمد رجاءبن صهیب جرواثانی متوفی (۲۵۱ ه.ق) واو است رجاءبن ابودجاء مؤذن مسجد فضل بن برغوث و وی از افاضل اهل اصفهان و مجاب الدعوة بود ، خود ازمحمدبن زنبور وابوعاصم نبیل وروح بن عبادة و بکربن بکار وسعیدبن عامر و یعقوب حضرمی وغیرآنان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵)

۱۸ ــ ابومسلم محمدبن بحر جرواثانی مولود (۲۵۴ ه.ق) ومتوفی (۳۲۲ ه.ق) از کتاب ومترسلان وشعراء معاصرالمقتدربالله ومؤلف کتابهای : ۱ ـ جامع التأویل لمحکم التنزیل علی مذهب المعتزلة ۲ ـ کتاب جامع الرسائل است . اومدتی ازطرف خلیفه عامل فارس بوده است . (اخبارالوزراء والکتاب جهشیاری)

۱۹ ــ احمدبن یحیی بن حجاج جرواثانی از محدثان پیش ازقرن پنجم که حدیث از شاذکونی و سهل بن عثمان و عمروبن علی که اخبار مجهول نقل میکرد حدیث گفته است و شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی بیك واسطه بوده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۱۷)

۲۰ ــ حافظ ابراهیم بن عمروبن حفص بن معدان جرواثانی متوفی (۲۵۱ ه . ق) از محدثان واز بکربن بکار وسلیمان بن حرب وعلی بن عبدالحمید ومحمدبن ابان وحسین بن حفص روایت میکند ، وهارون بن سلیمان ومحمدبن یحیی بن مندة ازاو روایت دارند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۱)

۲۱ ــ سعیدبن عطاءبن سعید جرواثانی وی برادر حسن بن عطاء واز عامربن ابراهیم روایت میکرد واحمدبن حسین انصاری ازاو روایت میکند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۹)

۲۲ ــ عبدالرحمن بن احمد جرواثانی از محدثان بود ، احمدبن اسحاق از وی و خود از ابان بن شهاب روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۲)

۲۳ ــ عبدالله بن احمدبن خازن جرواثانی وی أزخدام و خازن کتب صاحب کافی واز بلغاء وفصحاء وشعراء وادباء بود أزاشعار اواست :

کالغزال التفاتة و دنواً والهلال استدارة و استنارة
فض تقصاره و حل حباه و لوی صدغه و ارخی ازاره

بمعنی تل وپشته یا پستی وبلندی باشد وآن اخر بمعنی نسبت یعنی جای پستی و بلندی که بااین فرض محله مزبور درچنین جائی واقع بوده است[۱] .

دوم اینکه جروائان معرب گروائان مأخوذ ازگوروائان باشد وگورهم جای پست ونهان راگویند وتقریباً با معنی اول متقارب است[۲] .

واینکه گفتیم حروف آن برای نسبت است این وضع دراسامی واعلام جغرافیای اصفهان واطراف که مربوط به پیش ازاسلام است زیاد دیده میشود چون: اشکهان ـ باطرقان ـ سنبلان ـ کمائان ـ خرجان ـ دلیجان = دلیگان ـ فرسان ـ یوان و غیر ذلك .

۵۱ ـ محله جرین :

این محله دارای بازاری بوده موسوم به سوق جرین که در نزدیکی دروازه خور درمحله واذار واقع بوده و سالی دوماه ازروز نوروز درآن بازاری جامع تمام امتعه تشکیل میگردیده ومردم اصفهان دراین مدت بعیش و شادی می‌پرداختند و چون عضدالدوله درایام کودکی این بازاررا دیده بود هنگام پادشاهی خود درشیراز هم دستورداد دربازار امیر همین رویه را معمول دارند[۳]. اما وجه تسمیه جرین که معرب گرین است بنظر میرسدکه تصحیف گران است وچون درآن بازارامتعه گران

→

یعنی مانند آهو درنگاه کردن وزیبائی وچون ماه نو درگردی ونورانیت بود، لباسهای کوتاه اورا درهم ریخت وجامه روی او را گشود ، و گونه‌اش را درهم پیچید و جامه‌اش را رها کرد . (معجم‌الادباء)

۲۴ ـ ممشاذ محمدبن سندیله‌نحوی جروائانی‌وی‌صاحب عربیت‌بودوحدیث ازمحمدبن بکیر وسهیل و شاذکونی نقل میکرد و نام سندیله پدرش عصام بود ، اسماعیل شروطی از او حدیث نقل کرده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۲۵ ـ هیثم‌بن فورك جروائانی ازمحدثان وبرادر مادری عمران‌بن عبدالرحیم است که جماعتی ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۹)

۲۶ ـ یوسف‌بن مهران جروائانی وی ازاصحاب نعمان ویکی از ثقات بود . رسته و محمدبن عاصم ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۶)

۱و۲ ـ برهان قاطع درحرف کاف فارسی ص ۱۳۱۵ . ۳ ـ محاسن اصفهان ص۹۳ .

بهاء را میفروختهاند باین نام خوانده شده است[۱] .

۵۲ ـ محله جسر الحسین :

نام محلهای بودهکه پل‌حسین درآن واقع بوده وازآن محله استابراهیم‌بن علی‌بن‌الجسری راوی از ابوعمروبن حکیم و طبقه‌اش[۲].

۵۳ ـ محله جلفا :

این محله که درقدیم آنرا جولاهه میگفته‌اند جزءبخش۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده و دارای کلیساهای معروف وانك و بیدخم وغیرآن میباشد وسکنه نخست‌آن ازجلفای روس باصفهان‌کوچ‌داده شده‌اند ومؤسس این انتقال شاه‌عباس بزرگ بوده است[۳] .

ازجلفا مردان نامی هم برخاسته‌اند ونشان داده‌اند که مردمانی وطن‌پرست وبکشور ایران علاقمندند[۴] .

۵۴ ـ محله جلك :

در معجم‌البلدان[۵] از ابوسعد بنقل ازتاریخ ابوبکربن مردویه اصفهانی‌که

---

۱ ـ واحتمال هم داردکه جرین معرب ژیرین باشد که معنای زیرین را میدهد وبا این فرض استنباط میشودکه بازاری دربالا بوده است که آنرا بازار جرین یا ژیرین مینامیده‌اند .

۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۰۳ ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۴ ـ ازنامبرداران محله جلفاست‌که اکنون قصبه‌ای بزرگ بشمار میرود :

۱ ـ ناظم‌الدوله میرزا ملکم‌خان‌بن یعقوب ارمنی جلفائی متوفی (۱۳۲۷ هـ . ق) از دانشمندان سیاس روزگار قاجاریه و مؤلف : ۱ ـ رساله کشف‌الغائب . ۲ ـ رساله رفیق و وزیر مطبوع در (۱۳۲۵ شمسی) . ۳ ـ رساله رسم‌الخط جدید . وی مدیرروزنامه قانون نیز بودکه چند شماره ازآن انتشار یافت . (تاریخ سرپرسی‌سایکس‌ج۲ ص۴۱۶)

۲ ـ فریدون‌بن میرزاملکم‌خان جلفائی متوفی (بعد۱۳۲۶هـ.ق) وی پسرمیرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله واز مورخان . اوراست : تاریخ گزیده دربیان وقایع‌تاریخی سلطنت شارل پادشاه انگلستان که جلداول آن باهتمام دکترجلیل‌بن عبدالباقی درسال (۱۳۲۶ هـ.ق) درپاریس به طبع رسیده است . (فهرست کتابهای چاپی فارسی مشارج۱ص۳۳۴)

۳ ـ دکتر تومانیانس جلفائی ازمعاصران ومؤلف کتاب بهداشت دراسلام .
(فهرست‌کتابهای چاپی فارسی ج۲ ص۱۸۹۲)

۵ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۵۵ .

گفته جلك بروزن جرز گمان میکنم از دهات اصفهان است . ولی بنظر نگارنده چون در هیچ کجا چنین دیهی نه درگذشته و نه‌حال دراطراف اصفهان نبوده بیقین باید گفت که محله‌ای بوده است و این محله هم وسعتی داشته و مردانی از آنجا برخاسته‌اند[۱] .

۵۵ ـ محله جماله کله :

این محله جزء بخش۳ از محلات شمالی رودخانه زاینده رود میباشد و در شمال درب مسجد حکیم وتل عاشقان واقع است[۲] .

محله مزبور بمناسبت اینکه کدخدای آن مردی بنام جماله‌کله یعنی‌جمال شل بوده باین اسم خوانده شده است .

۵۶ ـ محله جوباره :

نام این محله بچندوجه خوانده شده است :

۱ ـ جوبره مخفف جوباره .

۲ ـ جویباره که ازلغت جویبار وجائی‌که‌درآن جوی آب روان باشدگرفته شده است[۳].

۳ ـ جوبار و باین ترکیب محل دیگری هم غیراز جویباره اصفهان وجود دارد[۴] .

---

۱ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ ابوصالح محمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن حفص جلکی‌که ازاحمدبن‌عصام روایت میکرد ومردی ثقه بود واحمدبن موسی‌بن مردویه ازاو روایت‌کرده است .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۲ ـ ابوالفضل‌عباس‌بن ولیدبن‌مرداس جلکی محدث‌که ازقاسم‌بن‌حکم عرفی‌واحمدبن یونس ضبی واصرم‌بن حوشب وقتیبة‌بن مهران روایت‌میکرده است .
(اللباب فی تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۳۳)

۳ ـ ابویعقوب اسحاق‌بن اسماعیل‌بن موسی‌بن مهران جلکی متوفی(۲۷۹ ه.ق)شیخی ثقة وازبصریان چون : ابوالولید وسهل‌بن‌بکار ومعاذبن‌اسد وابوالربیع واسماعیل‌بن‌ابی‌اویس وسعیدبن منصور وغیرآنان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۷)

۲ـ تاریخ‌اصفهان‌و دی ص۹۹. ۳ـ نصف‌جهان ص۲۴. ۴ـ المشترك ص۱۱۰.

۴ ـ جوباره که مخفف جهودباره یا جویباره باشد وبهردووضع درست بنظر میرسد[۱].

۵ ـ جهان‌باره که کنایه از باروی بسیار بزرگ میباشد و شاید از این نظر باشد که با روی طهمورثی و با روی علاءالدوله و اشرفی در آنجا بیکدیگر اتصال یافته بوده است.

تحقیق موضوع اینستکه هنگامیکه یهودیان مهاجر وارد اصفهان شدند در محلی نزول کردندکه بعدهابزبان عبری آنجا رابنجار (یعنی فرود آئید) مینامیدند و چون اسلام در آنجا نفوذ یافت همانجا را یهودیه خواندند و زمانی که تسلط اعراب کاهش یافت مردم محل آنجا را بزبان خود جهودباره گفتند ودراثر کثرت استعمال به کلمه جوباره تبدیل گردید. آنچه معلوم است تا قرن پنجم نامی از جوباره در محاورات نبوده است[۲] و بعد متداول شده است. این محله‌که از شمال شهراصفهان بمشرق مایل است درقدیم بسیاروسیع و دارای ۹ محله تابع خود بوده است وسپس دراثر خرابی این محله سایر محلات تابع آن مجزا شده‌اند.

عده‌ای از دانشمندان وعلماء و شعراء باین محله منسوبند[۳] و مسجد جامع

۱ـ جغرافیای‌اصفهان ص۳۲. ۲ ـ کمال‌الدین اسماعیل گفته :

تاکه در دشت را چو دشت کند جوی خون آورد به جوباره
عده مردمان بیفزاید هر یکی را کند دوصدپاره

۳ ـ ازقدماء که منسوب باین محله‌اند چنین است :

۱ـ ابوبکرمحمدبن‌احمدبن علی‌بن الحسین‌السمسار الجوباری‌النیلی متوفی بعد۴۶۵ هجری قمری از محدثان‌که حدیث از محمدبن ابی عبدالله‌بن دلیل‌الدلیلی و حرب‌بن طاهر و عبدالعزیز سبط احمدبن شعیب صوفی وغیرآنان استماع کرده است، و در دینور نیز از ابو عبدالله‌بن فنجویه حدیث شنید. (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۲ ـ ابوالحسین احمدبن ابراهیم‌بن صالح‌بن منذر جوباری که حدیث ازاهل اصفهان وبغدادیها روایت میکرد. وی ازبندگان صالح‌بود وحدیث ازحسن‌بن‌محمدبن جبلة وابومحمد حرب‌بن محمد وغیرآنان شنید ـ اودرقرن پنجم میزیسته است. (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب)

۳ ـ ابوعبدالله قاسم‌بن فضل‌بن محمود ثقفی جوباری مولود (۳۹۵ یا ۳۹۷ هـ. ق) ومتوفی رجب ۴۸۹ هـ.ق) وی رئیس اصفهان و از محدثان و شجاعان و مبارزان و متمولان ←

قدیم‌یهودیه و بقعه باباقاسم و بقعه صاحب‌بن‌عباد ومناره ساربان ومناره‌های‌دارالضیافة وچهل‌دختران وقبر کمال‌الدین اسماعیل دراین محله واقع است .

بشمار میرفت‌وازشاگردان ابوالفرج‌ربضی وابومحمدبن جوآة وابوعبدالله‌جرجانی وابوبکربن مردویه وابومحمد کرخی دراصفهان واز شاگردان ابوالفتح هلال حفار و ابوالحسین‌بن فضل دربغداد واز شاگردان ابوعبدالله‌بن نظیف فراء درمکه معظمه و از تلامذه ابوطاهربن جحمش وابن بالویه ومحمدبن موسی صیرفی وابوبکرحیری وغیرآنان درنیشابور ونیزشاگرد عده‌ای ازاهل اصفهان بود . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۴ ــ ابومسعود عبدالجلیل‌بن محمدبن عبدالواحدبن کوتاه حافظ جوباری ازمحدثان که درقرن ششم میزیست واز اصحاب ابوبکربن مردویه روایت‌کرده وسمعانی نیزازاوروایت دارد اومردی متقن وحافظ و پرهیزگار بوده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۵ ــ ابوالمطهر عبدالمنعم‌بن ابی‌نقل احمدبن یعقوب‌بن احمدبن‌علی سامکانی جوباری محدث‌که حدیث از جدش یعقوب‌بن احمدبن علی سامکانی جوباری نقل‌کرده است .
(انساب سمعانی)

۶ ــ ابومنصور محمودبن عبدالمنعم‌بن ماشاذه جوباری مولود (۴۵۳ یا ۴۵۸ ه.ق) و متوفی (ربیع‌الثانی۵۳۶ یا ۵۲۴ ه.ق) ازاصحاب ابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد، وابوسعد سمعانی نیز ازاو روایت‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۷ ــ کمال‌الدین اسماعیل‌بن‌جمال‌الدین عبدالرزاق خلاق‌المعانی مقتول‌در(۶۳۵ه.ق) از مشاهیر شعرای فارسی زبان بودکه درآخر روزگار برطریقه سهروردی رفت وهنگام هجوم مغول درخارج اصفهان مقتول گردید . ازاشعار اواست :

کارم همه ناله و خروش است امشب — نه‌صبرپدیداست ونه‌هوش‌است امشب
دوشم خوش بود ساعتی پنداری — کفاره خوش‌دلی دوش است امشب
(گنج سخن ج۲ ص۹۹)

۸ ــ جمال‌الدین عبدالرزاق متوفی (۵۸۵ ه.ق) وی ازبزرگان شعراء فارسی‌گوی بود از اشعار او است :

بشنو از من نصیحتی که ترا — کار هردو جهان شود بنظام
بد نخواهی که باشدت هرگز — بد مکن خاصه با اولوالارحام
حق مادر نگاهدار و مترس — زایزد ذوالجلال والاکرام
کانکه با مادر و پدر بد کرد — نبود جز همیشه دشمن کام
(بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۱۴۸)

۹ ــ ملامحمد صالح‌بن‌ملامحسن‌بن فاضل‌سراب جوباری متوفی(غره‌محرم۱۲۸۵ه.ق) ازاحفاد فاضل سراب و از علماء و امام جماعت و مرجع ترافع بود ، ازکارهای خیر اوتعمیر

۵۷ ـ محله جورجیر :

محله‌ایست دراصفهان و در آن جامعی است و عده‌ای ازعلماء و محدثان بآن محله منسوبند[1]. وجامع جورجیر بطوریکه درجای خود شرح داده شده بوسیله صاحب‌بن‌عباد برروی خرابه مسجد دیگری بنا وهنگام بنای مسجد حکیم دراین محله جامع جورجیرمعدوم‌الاثرشده بوده است ولی اخیراً آثاری ازجامع‌جورجیر بدست آمده است شرح‌حال رجال و محدثان محله مزبور در شق ۱۲ بند ج گفتار دوم کتاب بیان گردیده است وموجبی برای تکرار نیست .

اماوجه‌تسمیه‌آن به‌جورجیر اصولاً کلمه‌جور دراسامی‌دهات‌ومحلات‌اصفهان زیادددیده میشودمانند: جور وجورتان وجار وجیران وجرین‌وچنین‌بنظر میرسدکه دراصل جیم آن کاف فارسی بوده ومعرب وتبدیل بجیم شده است و با این ترتیب میتوان گفت که جورجیر دراصل گورگیر بوده یعنی کسیکه کاراوگورگرفتن بوده یااینکه گور جای گودی بوده وچون آن محله چنین جائی بوده باین‌نام خوانده شده و جزء دوم آن یعنی گیر یا مخففاز گریوه است و با این فرض معنی هردو جزء پستی وبلندی خواهد بودکه دلیل آنستکه محله مزبور دارای پستی وبلندی بوده است و یا اینکه گیر تغییری نیافته باشد وبا این‌صورت از توابع خواهد بود مانند کیت وزیت و حیص و بیص و نظائر آن . و ممکن است در اصل ژورژیر

→

مسجد شیشه‌گرها در محله جوباره در ۱۲۷۶ بوده است . ماده تاریخ تعمیر مسجد را پرتو شاعر چنین سروده است :

ساخت طاعتگهی برای عباد — صالح آن مقتدای شرع هدی
شد ز پرتو سئوال تاریخش — گفت : « قداست علی‌التقوی »

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۰ ـ حاج میرزامهدی‌بن‌ملامحمد صالح‌بن ملامحسن‌بن فاضل سراب جوباری‌مولود (۱۲۶۱ هـ. ق) و متوفی (۱۳۲۵ هـ . ق) ازعلماء و فضلای جوباره اصفهان .

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۱ ـ زهرابیگم جوباری دختر سید صدرالدین‌عاملی وزوجه حاج‌میرزامهدی‌جوباری متوفاة (۱۳۲۵ هـ.ق) اززنان فاضل وعالم بنام بوده است . (رجال اصفهان ص۷۴)

۱ ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۴۹ .

بمعنی رو و زیر باشد ودرتلفظ متمایل به جیم گفته شده است .

۵۸ ـ محله جوزدان:

طبق گفته یاقوت حموی[۱] جوزدان درقدیم الایام دیهی در دروازه اصفهان بوده است وعده‌ای ازعلماء ومحدثان نیز بآن منسوبند ولی در زمانهای بعد که اصفهان توسعه یافته جزء محلات شهر اصفهان گردیده‌است، واکنون جزءبخش۱ ازمحلاتی است که آن طرف خیابان دور شهر افتاده است[۲] .

این کلمه درعرف محل گوزدان تلفظ میشود ومعلوم میگردد که در هنگام تسلط اعراب معرب وبه جوزدان تبدیل یافته است .

گوز بمعنی گردکان ودان هم از دات ظرفیت است یعنی جای گردو وشاید در اعصارگذشته دراین محل گردو بعمل میآمده است[۳] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۸۳ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۳ ـ از رجال ومحدثان این محله است :

۱ ـ ابواسحاق ابراهیم‌بن معمربن شریس جوزدانی متوفی (۲۶۴ ه . ق) جزء سه برادری بودکه‌کسی غیراو حدیث‌نگفت. عبدالله‌بن جعفر ازاوحدیث نقل‌کرده وخوداز شامیان هشام‌بن عمار وسلیمان‌بن عبدالرحمن وحوطی وطبقه‌شان وسهل‌بن عثمان وحانی وحامدبن‌یحیی وابن ابی‌السری ویزیدبن مؤدب‌الرملی روایت دارد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۸۵)

۲ ـ ابوبکر محمدبن‌علی‌بن احمدبن‌حسین‌بن بهرام جوزدانی متوفی(ذیقعده۴۴۲ه.ق) امام جامع عتیق اصفهان درایام تراویح بود ونیزاز مقریان و شاگرد حافظ ابوبکربن ابراهیم مقری‌دراصفهان‌وشاگرد ابوطاهرمخلص وابوحفص‌عمربن‌شاهین‌دربغداد بود، وابوزکریابن‌مندة وعده‌ای دیگر ازاو حدیث شنیدند . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۲۵۱)

۳ـ ابوصالح‌عبیدالله‌بن‌محمدبن احمدبن‌فیار جوزدانی متوفی(پیش از۳۶۰ ه.ق) وی باابومحمدبن‌حیان شیخ‌جمعه سالهای‌بسیارمجالس وهم‌نشین‌بود، وازصوفی‌احمدبن‌الحسن‌بن عبدالجبار وبغدادیان واصفهانیان حدیث شنید . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۰۴)

۴ ـ ابوعبدالله محمدبن ممشاذبن‌خزیمة جوزدانی وی بطرسوس منتقل‌گردید وهمانجا وفات کرد او قرائات ابوحاتم را گرد آورد وکتابهای شافعی را بواسطه ربیع نوشت . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۰۷)

۵ ـ ابوعبدالله محمدبن هارون جوزدانی ازمحدثان و شیخی متدین وفاضل بود و به مجلس بزار رفت وآمد داشت. ابومحمدبن حیان از او وخود از حسن‌بن عرفه حدیث روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۱۸)

←

۵۹ ـ محله‌جوی شاه :

این محله جزءِبخش۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع گردیده است[۱].

۶۰ ـ محله جیران :

در المشترك[۲] یاقوت و نیز درالباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳] جیران بفتح‌جیم وکسر یاء و جیران بفتح جیم وسکون یاء ازدهات درب دروازه اصفهان معرفی‌شده و اکنون نیز جیرانی از دهات جی‌باقی است ولی از خلال اخبار مربوط بگذشته اصفهان برمیآید که محله‌ای هم‌که مجاور آن ده بوده جیران خوانده میشده است و عده‌ای از محدثان و دانشمندان باین محله منسوب بوده‌اند[۴] .

→

۶ ــ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن منصور جوزدانی متوفی بعداز (۳۶۰ هـ . ق) از محدثان که ازابن‌منیع وابن سکن ومحمدبن سهل‌بن‌الصباح ووليدبن ابان روایت دارد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۹۲)

۷ ــ ابومسلم طاهربن محمدبن عبدالله‌بن حمزة جوزدانی از احفاد ابومسلم معروف بخراسانی . (محاسن اصفهان ص۲۵)

۸ ــ ام‌ابراهیم فاطمه دخترعبدالله جوزدانی مولوده (۴۳۴هـ.ق) ومتوفات (۵۲۴هـ.ق) از محدثات که شیخ حدیث اسعدبن ابی‌الفضایل محمودبن خلف عجلی اصفهانی متوفی (۶۰۰ هـ.ق) بوده است . (روضات‌الجنات ص۱۰۱)

۹ ــ محمدبن علی جوزدانی ازعلمای قرون سوم وچهارم وازشاگردان‌عمربن‌عبدالعزیز اسواری بوده است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

۱۰ ــ ملااسدالله‌بن ملامحمدعلی جوزدانی متوفی (۱۳۲۳ هـ.ق) ازعلماء ودانشمندان ومؤلف کتاب جواهرالایمان بفارسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱۱ ــ حاج فتح‌الله جوزدانی واقف سنگاب مسجد آقا میرزا محمدهاشم چهارسوئی در (۱۲۸۰ هـ.ق) . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۲۴)

۱۲ ــ حاج محمد صادق بزرگ الوارساکن محله جوزدان اصفهان در(۱۲۹۳هـ.ق) . (جغرافیای اصفهان ص۱۳۶)

۱ ــ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۸ . ۲ــ المشترك ص۱۱۷ . ۳ــ اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۲۶۲ . ۴ ــ ازمحدثان ودانشمندان منسوب به‌محله جیران است :

۱ــ ابوبکرعمربن احمدبن محمدبن‌سهل تمیمی جیرانی فرسانی متوفی ۲۳ ربیع‌الاول (۳۷۷ هـ.ق) وی در محله جیران فرسان جی سکونت داشت و از ابوالبشر احمدبن محمدبن ←

عمر مروزی حدیث نقل میکرد ، وابو بکر بن مردویه ازاو حدیث روایت میکرد .
(انساب سمعانی)

۲ ــ ابو بکر محمد بن عبدالرحمن بن احمد جیرانی ازمحدثان که ازابن محمویه عسکری حدیث نقل کرده است (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۱۰)

۳ ــ ابوزفر هذیل بن عبدالله ضبی ابن قدامة بن عامر بن حشرج بن خولی بن فضلة بن ظالم بن غضبان بن تمیم بن ثعلبة بن ذویب بن سید بن مالك بن بکر بن سعد بن ضبة بن ادبن طابخة بن الیاس بن مضر جیرانی متوفی سال (۳۲۲ هـ.ق) وی از محدثان جیران اصفهان بود که خود ازاحمد بن موسی وابومحمد بن حیان ازاو روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۰)

۴ ــ ابوالعباس احمد بن محمد بن سهل بن مبارك معروف به ممجمة بزارمعدل جیرانی متوفی (۳۰۶ هـ . ق) از محدثان ثقه که از لوین و حمید بن مسعدة وعمرو بن علی ومحمد بن عیسی المقری وابومسعود روایت میکرد . (المشترك ص۱۱۷)

۵ ــ ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن ابان مکتب جیرانی متوفی (۲۷۸ هـ . ق) از ثقات محدثان که ازحسین بن حفص وبکر بن بکار وحاتم بن عبیدالله حدیث نقل میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۰)

۶ ــ ابومحمد ابن الجیرانی ازاهل علم وصلاح بود و ابن ماکولا گفته که من درقریه فردوزان اصفهان ازاو حدیث نوشتم و آن حدیث ازاملای ابوعبدالله جرجانی ازابوالخیر بن زرا فردوزانی امام جامع اصفهان بود . (اللباب فی تهذیب الانساب ج۱)

۷ ــ افندی میرزا عبدالله بن عیسی بیك بن محمد صالح بیك بن حاج شاه ملاولی بیك بن حاج میرمحمد بیك ابن خضرشاه جیرانی مولود حدود (۱۰۶۶ هـ.ق) ومتوفی حدود (۱۱۱۰ هـ.ق) ازعلمای فاضل ومتبحر و صاحب تألیفات رشیقه چون : ۱ ـ الاجازات . ۲ ـ الامان من النیران . ۳ ـ الانفعالیة . ۴ ـ بساتین الخطباء . ۵ ـ تفسیر سوره واقعه . ۶ ـ ثمارالمجالس . ۷ ـ جاماسب نامه . ۸ ـ حاشیه برآیات الاحکام . ۹ ـ حاشیه بر مختلف علامه . ۱۰ ـ حاشیه شرح مختصرالاصول . ۱۱ ـ روضة الشهداء . ۱۲ ـ ریاض العلماء وحیاض الفضلاء . (مصفی المقال ص۲۴۰)

۸ ــ جمال الدین بن محمدقاسم جیرانی از بزرگان علماء و منشی اجازه نامه ملامحسن فیض برای سبط برادرش هادی بن مرتضی درسال (۱۱۲۴ هـ.ق) . (الذریعة الی تصانیف الشیعه)

۹ ــ شیخ یوسف بناء از عرفای بزرگ اصفهان که مقبره اش در مجاورت چهارسوق نقاشی درمحله جیران واقع ودرزمان ریاست هیئت علمیه مسجد شاهیان دراصفهان ازبین رفت.
(رجال اصفهان ص۱۴۳)

۱۰ ــ محمد ممجه ابن ابراهیم جیرانی متوفی (۳۰۶ هـ.ق) وی از محدثان وحدیث از بکر بن بکار نقل میکرد و آخرین کسیکه از او حدیث گفته ابوبکر قباب اصفهانی و احمد بن ابراهیم اصفهانی است . (اللباب فی تهذیب الانساب ج۱ ص۲۴۴)

۶۱ ـ محله چرخاب :

این محله جزءبخش چهار از محلات واقع درشمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱].

۶۲ ـ محله چلمان = چلمون = چنبلان[۲]:

همان محله‌ایست که امروز آنرا سنبلستان مینامند و آن دروسط شهر اصفهان متمایل بغرب واقع است .

۶۳ ـ محله چنارسوخته :

از محلات معروف اصفهان است[۳] .

۶۴ ـ محله چهارباغ بالا :

ازمحلات جزءبخش ۵ واقع درجنوب رودخانه زاینده رود میباشد[۴] .

۶۵ ـ محله چهارباغ کهنه :

این محله جزءبخش۱ از محلاتی است که در شمال زاینده‌رود واقع شده و چهارباغ عباسی و مدرسه چهارباغ وهشت بهشت دراین محله واقع شده است[۵].

۶۶ ـ محله چهارسو شیرازیها :

این محله جزءبخش۱ ازمحلات واقع در شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد و چون در این محله چهارسوئی واقع شده که بانی آن قطب‌الدین علی باب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ ه . ق) بوده به محله چهارسو نامیده شده و چون شیرازیها در آنجا سکونت داشته‌اند کلمه شیرازیها هم بآن اضافه گردیده است[۶] .

این محله بعد از صفویه رونقی بسزا داشته و مردمانی عالم و دانشمند از

→

۱۱ ـ میرزا عیسی بیك‌بن محمد صالح بیك‌بن حاج‌میرمحمدبیك‌بن خضرشاه‌جیرانی اصفهانی متوفی (۱۰۷۴ه.ق) وی درجیران درمحله شیخ‌یوسف بناء منزل داشته واواست پدر صاحب ریاض‌العلماء وخود از بزرگان علماء ومؤلف‌الحواشی علی‌الکتب‌الاربعة است .
(فهرست‌کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج۲ ص۵۸۷)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .
۲ ـ نصف جهان ص۲۵
۳و۴ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۱۰۰ .
۵ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .
۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۸ و۹۸ .

آن برخاسته‌اند که نام آنها درتاریخ مدون گردیده است[1] .

۱ ــ ازعلمائی که باین محله منسوبند عده‌ای‌را در ذیل مینگارد :

۱ ــ حاج میرزا زین‌العابدین‌بن سیدابوالقاسم خوانساری چهارسوئی مولود ذیقعده (۱۱۹۲ ه.ق) ومتوفی نهم‌ربیع‌الثانی (۱۲۷۵ ه. ق) ازبزرگان علماء ومؤلفان ومجتهدان واز تألیفات او است : ۱ - شرح معالم‌الاصول . ۲ - شرح زبدةالاصول شیخ بهائی . ۳ - رساله‌ای درقواعد عربیه . ۴ - رساله اجماع . ۵ - تداخل اسباب . ۶ - رساله نیت . ۷ - احباط وتکفیر . ۸ - نوادرالاحکام . ۹ - تعارض حقیقت مرجوحه و مجاز را جح . ۱۰ - حواشی برکتب علامه . ۱۱ - دیوان اشعار . (رجال اصفهان‌ص۷۶)

۲ ــ میرزا ابراهیم‌بن سیدمحمد صادق‌بن میرزا زین‌العابدین خوانساری چهارسوئی مولود پانزدهم رمضان سال (۱۲۶۹ ه.ق) ومتوفی بیست‌وسوم ربیع‌الاول (۱۳۳۱ ه.ق) وی برادرزاده صاحب روضات‌الجنات وازعلماء وفضلاء واثمه جماعت بود و پس‌ازوفات درتکیه صاحب روضات درتخت فولاد مدفون گردید . (رجال اصفهان ص۱۹۶)

۳ــمیرزا محمدباقربن زین‌العابدین‌موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌صاحب‌روضات مولود بیست‌ودوم صفر سال (۱۲۲۶ ه.ق) و متوفی هشتم جمادی‌الاولی (۱۳۱۳ ه.ق) از عالمان و رجالیان بزرگ قرون‌سیزدهم وچهاردهم وبرادر میرزا محمدهاشم چهارسوئی معروف است .

وی‌صاحب تألیفات رشیقه ومورد توجه اعلام است . علاوه برمقام علمی وادبی وزهد و تقوی واصالت خانوادگی صاحب طبع وقاد درشعر عربی وفارسی بوده . ازمؤلفات اواست :

۱ - روضات‌الجنات فی فضائل‌العلماء والسادات در رجال که مرجع مؤلفان است . ۲- اسباب‌البلایا . ۳- احسن‌العطیة . ۴ــقرةالعین . ۵- رساله ضروریات . ۶- رساله ضروریات دین و مذهب . ۷ - شرح حدیث حماد . ۸ - فضیلت نماز جماعت . ۹ - منظومه عربی دراصول . ۱۰ - رساله امر بمعروف ونهی‌ازمنکر . ۱۱ - تسلیةالاحزان. ۱۲- مجالس درمصیبت. ۱۳- قصاید عربی درتحیت براهل‌بیت . ۱۴- حواشی برقوانین. ۱۵ - حواشی برشرح لمعه .

وی ازشاگردان شیخ‌محمدتقی وآقا میرسیدمحمد شهشهانی ونیزازعلمای نجف وکربلا و اصفهان و شیخ محمدبن‌شیخ علی‌بن‌شیخ جعفرکبیر و شیخ قاسم نجفی و صاحب ضوابط و آقا میرسیدحسن مدرس اجازه داشتند . پس از وفات درتخت فولاد مدفون وتکیه او معروف است . (تذکرةالقبور ص۹۶)

۴ ــ میرزا محمدهاشم‌بن میرزا زین‌العابدین‌بن ابوالقاسم جعفربن سیدحسین موسوی خوانساری چهارسوئی مولود (۱۲۳۵ ه.ق) ومتوفی هفدهم رمضان (۱۳۱۸ ه.ق) ازفقهاء و اصولیان و در رجال علامه و استاد بسیاری از علماء از آن جمله شیخ نوری و شیخ‌الشریعه اصفهانی وصدر بود وخود ازمحضرشیخ‌مرتضی‌انصاری وسید صدرالدین عاملی استفاده‌کرده وازتألیفات نامبرده است :

←

۶۷ ـ محله چهارسو کوچك :

این محله جزءِ بخش ۱ ازمحلات واقع درشمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱].

۱ـ اصول آل‌الرسول . ۲ـ الاربعین . ۳ـ مبانی‌الاصول. ۴ـ الفوائدالرجالیة. ۵ـ شرح مشیخهٔ فقیه. ۶ـ الاستصحاب. ۷ـ رساله در قرائت مطبوع. ۸ـ احکام‌الایمان (رساله عملیه) . (مصفی‌المقال ص۴۹۰)

۵ ـ میرزا هدایت‌الله‌بن میرزا محمدباقر خوانساری چهارسوئی مولود بیست و هفتم جمادی‌الثانیه (۱۲۷۱ ه.ق) متوفی دوم شوال (۱۳۴۵ ه.ق) از علماء و فضلای اصفهان بود ودرتاریخ فوت اوچنین سروده‌اند :

ازل ثلثاً صار تاریخ فوته : «لقد افجع‌الاسلام موت‌الهدایة»

(رجال اصفهان ص۹۸)

۶ ـ میرزاعطاءالله‌بن میرزا محمدباقرموسوی چهارسوئی مولود بیست‌ونهم‌ربیع‌الاول (۱۲۶۶ ه.ق) و متوفی ششم جمادی‌الاولی (۱۳۳۵ ه. ق) وی ازعلماء و فضلاء و مؤلف فهرست روضات‌الجنات است . (رجال اصفهان ص ۹۸)

۷ ـ میرزامحمدهاشم روضاتی‌ابن جلال‌الدین‌بن میرزا مسیح‌بن میرزامحمدباقرصاحب روضات‌الجنات مولود (۱۳۱۹ ه.ق) و غریق در کوفه در (۱۳۵۶ ه.ق) ازعلماء برجسته و محشی مغنی‌اللبیب درنحو . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۸ ـ سید صدرالدین‌بن سید علی‌بن سید محمد باقر خوانساری چهارسوئی صاحب روضات‌الجنات زنده درسال (۱۳۴۸ه.ق) ازعلماء ومؤلف رسالهٔ نورالایمان دراحکام‌اجماعی و احتیاطی . (فهرست استان قدس ج ۵ ص۶۳۵)

۹ ـ میرزا احمدبن محمدباقر موسوی خوانساری چهارسوئی‌ابن میرزا جلال‌الدین‌بن میرزا مسیح‌بن میرزا محمدباقر صاحب روضات مولود (۱۳۴۷ ه . ق) ازعلماء معاصر و از تألیفات اواست : موقظ‌الاعلام در سه مجلد . (مصفی‌المقال ص۶۴)

۱۰ ـ سیدمحمدمهدی‌بن سیدمحمد موسوی خوانساری چهارسوئی‌مولود(۱۳۲۹ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۸ ه.ق) ازعلماء وازشاگردان شیخ‌حسین‌بن عبدالکریم رشتی واز تألیفات اواست: ۱ـ احسن‌الودیعة. ۲ـ انوارالکاظمیة. ۳ـ متمم‌جنات‌الخلود. ۴ـ مصباح‌الوصول الی علم‌الاصول . (اعلام زرکلی)

۱۱ـ سیدابوتراب‌بن سیدابوالقاسم موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌مولود (۱۲۷۱ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۶ ه.ق) ازعلماء ومؤلف : الدرالنضید فی شرح‌التجرید در کلام است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۶۸ ـ محله حسن آباد :

حسن آباد درقدیم وپیش از صفویه دیهی نزدیك شهر اصفهان[۱] ، بوده است و سپس که دهات نزدیك شهر باصفهان وصل شده حسن آباد نیز جزء محلات آن شده بطوریکه دراوائل قرن چهاردهم ازمحلات اصفهان درنزدیکی پل خاجو بوده است[۲]. ازمحله‌مزبوردرزمانهای گذشته عده‌ای‌ازمحدثان‌ودانشمندان‌برخاسته‌اند[۳].

۶۹ ـ محله حسین آباد طوقچی :

دراطراف شهراصفهان دو حسین آباد وجود دارد یکی جزءبخش۱ازمحلاتی که درجنوب رودخانه زاینده‌رود ودرحومه شهر واقع شده است و عده‌ای از علماء هم بآن منسوبند[۴] ودیگری حسین آباد طوقچی‌است‌که درنزدیکی دروازه طوقچی وجزء محلات شهر محسوب میشود[۵] .

---

۱ ـ المشترك ص۱۳۳ . ۲ ـ نصف‌جهان ص۲۸ . ۳ـ ازمحدثان ودانشمندان محله حسن‌آباد است:

۱ ـ ابوالحسن‌بن‌عیسی حسن‌آبادی ازمحدثان قرون سوم وچهارم هجری‌که در محله حسن‌آباد میزیسته است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

۲ ـ ابوطاهر عبدالکریم‌بن عبدالرزاق‌بن عبدالکریم‌بن عبدالواحدبن محمدبن‌سلیمان حسن‌آبادی متوفی بعدازسال (۵۰۰ ه.ق) وی حدیث ازپدرش عبدالرزاق وابوبکرباطرقانی ونیز ازعراقیان شنیده وجماعتی بسیار ازاو روایت‌کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ص۲۶۰)

۳ ـ عبدالکریم مکشوفی ابن‌عبدالواحدبن محمدبن سلیمان حسن‌آبادی وی صوفی و محدث بود وبعراق وشام سفرکرد وحدیث ازابوالشیخ‌حافظ وابوبکربن‌منده شنید وابومحمد نخشبی ازاو حدیث شنید . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ص۱۷۴)

۴ ـ ابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم‌بن محمدبن عبدالرحمن‌بن محمدبن سلیمان‌الوفاء حسن‌آبادی متوفی (۴۶۹ ه.ق) وی محدث وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد ومردی فاضل بود . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ص۲۹۹)

۵ ـ ابوالفتح عبدالرزاق‌بن عبدالکریم‌بن عبدالواحدبن محمد حسن‌آبادی متوفی (۴۸۴ ه.ق) ازخانواده حدیث وتصوف بود و از ابوبکربن مردویه روایت داشت ، و حافظ اسماعیل‌بن فضل ازاو روایت میکرد ، ودرعراق وجاهای دیگر حدیث شنید وپرحدیث بود . پسرش ابوطاهر نیز ازاو روایت میکرد . (المشترك ص۱۷۳)

۶ ـ ابوالمظفر حسن‌آبادی از شعرای فارسی زبان قرن پنجم هجری است که درمحله حسن‌آباد اصفهان میزیسته است . (محاسن اصفهان ص ۳۳)

۴و۵ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷۰ ـ محله حصارپشت مسجدشاه :

این محله ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است ومسجدشاه دراین محله است[۱] .

۷۱ محله خابجان = خاوجان = فابجون = خوابجون :

این محله معروف بسرقبر آقا است که درشمال محله دردشت واقع گردیده وقبور امام‌جمعه‌های اصفهان درآنجا است .

۷۲ ـ محله خرجان :

درمعجم‌البلدان[۲] . خرجان بروزن درمان وهم بروزن جبران خوانده و در اللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳] گفته شده‌که‌مردم‌محل‌آنرا خورجان میگویند وبسیاری ازعلماءِ بآنجا منسوبند ، ودرتاریخ اصفهان و ری‌گفته ممکن‌است‌خارجان‌یا جرگان جی باشد[۴] . برخی خرجان را از قرای اصفهان[۵] . و بعضی دیگر از محلات اصفهان دانسته‌اند[۶] .

تحقیق اینستکه در زمان قدیم جزءِ دهاتی بوده‌که نزدیك دروازه شهرواقع میشده وسپس که شهر روبتوسعه گذارده از محلات متصل باصفهان شده است . در هرحال محله بزرگی بوده وعده‌ای ازمحدثان وعلماءِ بآن منسوبند[۷] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .
۲ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۳ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۱۰ .
۵ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۶ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۷ ـ کسانیکه باین محله منسوبند بشرح زیراست :

۱ـ ابن‌تانه ابونصر محمدبن عمربن محمدبن‌عبدالرحمن خرجانی‌مقری متوفی چهارم رجب(۴۷۵ ه.ق)وی شیخی‌صالح وثقه‌بود ودربغداد ازابوعلی‌بن شاذان واقران او ودراصفهان از ابوبکربن مردویه و طبقه او استماع حدیث کرد ، و در اصفهان مجلس املاء هم داشت . ابوسعدگفته اسماعیل‌بن محمدبن‌فضل وابونصر احمدبن‌محمدغازی از وی‌حدیث نقل‌کرده‌اند. (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۲ ـ ابوبکر محمدبن ادریس خرجانی از محدثان که حدیث از ابوحامد علی‌بن احمدبن‌الحسین خرجانی روایت میکرد . (اللباب ج۱ ص۳۵۳)

۳ ـ ابوبکر احمدبن حسین‌بن محمود بزاراابن علی خرجانی از محدثان را وی از ←

→

پسربرادر ابوزرعة وابوالاسود وغیرآنان . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۸)

۴ ــ ابوجعفر محمدبن ابراهیم‌بن حسن فرایضی خرجانی از فقهای عالم وفاضل بود وبرمذهب شافعی میرفت او درخرجان ازابن غیلان وابوالقاسم عبدالله‌بن محمد بغوی و اقران او حدیث نقل میکرد . (انساب سمعانی)

۵ ــ ابوجعفر محمدبن یزیدبن مالك ضبی خرجانی متوفی (۲۹۱ ه.ق) ازمشایخ ثقه وحدیث ازمحمودبن غیلان وحسین‌بن حریث ومحمدبن ابان بلخی ورازیان نقل میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲۱)

۶ ــ ابو حامد معافر احمدبن محمدبن حسین‌بن ابراهیم‌بن کوشید خرجانی متوفی بعداز (۳۶۰ ه.ق) وی ازعبدان وابن زهیر وغیرآنان روایت‌کرده است ، وابوبکربن‌مردویه ودیگران ازاو حدیث نقل کرده‌اند . (ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱۵۹)

۷ ــ ابوحامد علی بن احمد بن محمدبن حسین خرجانی محدث که از ابواسحاق ابراهیم‌بن احمدبن فراش مکی وپسرش و ابواحمد محمدبن محمدبن مکی خرجانی حدیث شنید ، وابوبکر محمدبن ادریس خرجانی وابوبکر خطیب بغدادی برسبیل اجازه ازاوروایت میکردند ، وابوالحسن احمدبن محمدبن معلم صوفی نقل‌کرده که کتابی بنام سفرنامه نوشته است . (اللباب ج۲ ص۳۵۳)

۸ ــ ابوالحسن علی‌بن حامد خرجانی متوفی (۳۶۵ ه.ق) از محدثان .
(لغت‌نامه دهخدا)

۹ ــ ابوسعید جبیربن هارون‌بن عبدالله معدل خرجانی متوفی (۳۰۵ ه.ق) از محدثان وی در ری حدیث ازعلی‌بن محمد طنافسی ومحمدبن حمید نوشت ، ودراستماع حدیث در ری با ابوحاتم وکبار همراه بود . هنگام مرگ فقط دارائی اوجای اقامت و پرده و دیگی بود . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۵۳)

۱۰ ــ ابوالعباس زیادبن محمدبن زیادبن هیثم خرجانی متوفی(۳۷۸ ه.ق) ازمحدثان که ازحسن‌بن محمد دارکی ومحمدبن حمزة‌بن عمارة وجماعتی دیگرحدیث نقل‌کرده است .
(ذکراخباراصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۱۱ ــ ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق‌بن یوسف خرجانی محدث که ازپدرش اسحاق و اواز حفص‌بن عمر عدنی روایت کرده‌اند ، وابوعبدالله محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی و عده دیگر ازاو حدیث نقل کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۱۲ ــ ابوالحسن ضراربن احمدبن ضرار خرجانی وی محدث واز احمدبن یونس و او از ابوالقاسم سلیمان‌بن احمد طبرانی حدیث نقل‌کرده ودر مسجد جامع اصفهان نقطه‌ای است بنام ضرارآباد که ازمستحدثات جدش ضراراست ابوالحسن درقرن سوم‌میزیسته است.
(ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۳۵۱)

۱۳ ــ محمدبن نصربن عبدة خرجانی متوفی (۲۵۲ ه.ق) ازمحدثان که از یحیی‌بن
←

۷۲ ـ محله خاجو :

این‌محله درقسمت غربی رودخانه زاینده رود واقع و از شمال شهر بجنوب میرود و با محله تلواژگون مجاورت دارد وپلهای خاجو و چهارباغ صدر را مجاور ودرمشرق چهارباغ صدر قرارگرفته‌است. [۱]

این محله اکنون جزء بخش۴ ازمحلات واقع درشمال زاینده رود است[۲].

واما لفظ واملاءِ درست آن و وجه تسمیه‌اش در پیش اشاره‌گردید و خلاصه این‌که خا درلغت فارسی بمعنی‌گودال است و چون زاینده رود درنزدیکی‌پل خاجو گودی داشته آنرا خاجوی[۳] یعنی جوی گود نام نهاده‌اند و الا نام قدیم آن همان بـاغ کاران بوده است .

محله خاجو پیش‌ازصفویه ونیز درزمان صفویه درنهایت توسعه وجلال بوده ورجال وعلماءِ ومردان نامبرداری از آنجا برخاسته‌اند .

ابی‌بکر وداودبن ابراهیم حدیث نقل‌کرده است ؛ ومحمدبن یحیی‌بن مندة وپسرش عبدالله‌بن محمدبن نصر ازاو حدیث روایت‌کرده‌اند وخود و پسرش هردو موثقند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۹)

۱۴ ـ محمدبن‌ابونصرشجاع‌بن ابراهیم‌فتوانی‌حافظ خرجانی مولود(۴۶۰واندة.ق) ومتوفی(۵۳۰واند ه.ق) ازمحدثان‌که درمحله خرجان سکونت داشت وازاینرو اورا خرجانی میگفتند، خود از ابومنصوربن بکرویه قاضی وتنی‌چند خبرشنید وبسیاری نیزازاوخبرشنیدند.
(انساب سمعانی)

اما وجه تسمیه خرجان درلغت‌نامه دهخدا گفته شده‌که دراصل خرگان بوده و این نکته درست بنظر میرسد ، پس‌ازاینکه این لفظ را معرب خرگان دانستیم اگرآنرا خرگان بروزن مژگان بخوانیم معنی اینستکه جای خورشید است و شاید این محله در همان جائی بوده که باب خور یعنی دروازه خور درقدیم بوده است . و اگر آنرا خرگان بروزن مردان تلفظ کنیم جای ونشیمن بزرگان معنی میدهد وشاید چنانچه گفتیم عده‌ای ازبزرگان محدثان وبخصوص ضرار خرجانی وابوسعیدبن جبیرکه مسجدش معروف است و از معاریف زمان خود بوده در این محله سکونت داشته‌اند . درگنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحهٔ۴۵ خرچان تعبیرشده‌که نتوانستم برای صحت آن مجوزی بدست آوردم مگراینکه بمعنی کسیکه خر را میگرداند که عرقش سرد شود ویااینکه مخفف خرچران باشد .

۱ـ نصف‌جهان ص۲۴. ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹
۳ـ فرهنگ دکتر معین .

این‌محله در قدیم مرکب از محله های باغات و باقلا فروشان وپا قلعه و حسن‌آباد وتلواسکان وخاجوبوده است . پیش ازصفویه این‌محله‌را بنام حسن‌آباد می‌نامیده‌اند وخارج شهرواقع‌بوده .

پس‌ازصفویه به محله خاجو خوانده میشده است وقسمتی‌راهم حسن‌آباد و باغات ودیگر نامها میخوانده‌اند. محله خاجو از دروازه حسن‌آباد شروع میشده و پس‌ازعبور ازخرابه‌های قصرشاه حسن‌بمدرسه‌ای بهمین‌نام میرسیده است‌که‌اکنون آنجا محل‌مدرسه صارمیه است وقبرشاه حسن نیز درآنجا بوده است.

دراین‌محله‌در دوران‌صفویه‌رجالی‌سکونت داشته‌وقصوری برپاکرده بوده‌اند، خاجوی‌کوچك‌که متصل‌بدروازه حسن‌آباد میشده‌مرکزقصورعده‌ای ازبزرگان‌بوده چون قصر قاضی‌معز وقصر حوابیگم‌که آن‌را قصر میرزا رضی‌نیز میگفته‌اند چه میرزا رضی‌شوهر حوابیگم بوده است ، ونیزقصر علی‌قلیخان وقصر میرکشیك‌بیك وقصرعلی‌بیك پسرعلیمرادخان حاکم قندهار .

بازارقدیم حسن‌آبادومسجد حمام درویشان ومسجد میرزا رضی دراین‌محله واقع بوده واین قسمت را بمناسبت وقوع قصر وحمام و مسجد میرزا رضی منشی‌الممالك درآن ، قصر منشی خوانده‌اند .

بازارحسن‌آباد ازبازارهای طویل‌وروشن وبسیار زیبا بوده ودرآن دو چهار سوی بزرگ قرار داشته یکی چهارسوچوبی ودیگری چهارسوی اسفندیاربیك که چون‌دارای نقاشی‌هائی بوده به چهارسو نقاشی معروف شده است[1].

خاجوی کوچك تا حدود چهار باغ امتداد داشته و قصور میرزا طاهر ناظر وقایع‌نویس ونقاره چیان هندی وگاریچیان وحمام چادر دوزان دراین قسمت‌قرار داشته است .

چهارسونقاشی در مسیرخیابان شاه عباس قرارگرفته ولی چهارسو چوبی که اهمیت‌کمتری دارد باقی‌است .

۱ــ تاریخچه محله خواجو ازص۱۰ تاص۱۵

محله خاجوی بزرگ به صحرا منتهی میشده و قصر تفنگدار باشی و بازار مستوفی وخانه شیخ بهاءالدین محمد عاملی وآسیابهای آبی متعددی وغسالخانه در این‌قسمت قرارداشته وکاخ شیخ‌بهائی‌آخرین بنای‌خارج شهر این‌محله بوده‌است و از آنجا تا دهکدهٔ شهرستان مزارع با صفا وبیشه محمد علی‌بیك پیوسته بوده است.

شاردن فرانسوی درسفرنامه خود نوشته :

محله خاجو درکوچه‌های‌آن نهرها جاری است واطراف آن درختان‌تنومند غرس‌شده واز اینرو مانند شهرهای هلند میباشد در این‌قسمت اصفهان کسی جز اشراف ساکن نیست و جزعمارات با شکوه ومجلل مشاهده نمیگردد .

درجای دیگر ازسفرنامه خودگفته : درمحله خاجو یکهزارو یازده خانوار ودوازده مسجد وبیست وپنج کاروانسرا و هشت باب مدرسه وبیست حمام و دوازده بازار قرار دارد .

ولی‌درهمین محله دراواخرسلطنت قاجاریه هزارخانه مخروبه وغیرمسکون ودویست وپنجاه باب خانه‌مسکونی‌وجود داشته است وبخوبی درجه تنزل وویرانی وآبادی‌آن معلوم میگردد .

در زمان صدراصفهانی متوفی(۱۲۳۹ هـ. ق) تعمیرات وعماراتی دراین محله بعمل‌آمده‌که ازاین‌قرار است :

۱ـ ایجاد چهار باغ خاجو معروف به چهارباغ فتح‌آباد[۱] یاچهارباغ‌نوکه‌از انتهای محله حسن‌آباد شروع شده و تانهر نیاصرم امتداد دارد. ودرکنارآن‌بسبك چهارباغ شاه‌عباسی‌باغهای باصفا و سردرها ومدرسه‌ها وحمامها بناشده است، مدرسه آن تاکنون باقی وازحمام آن‌اثری نمانده است .

۲ـ ساختمان عمارت بیگلربیگی روی‌پل خاجوکه درسال (۱۳۱۰ هـ . ق) آن‌را خراب‌کرده‌اند .

مساجد واقع درمحله خاجو عبارت است از :

۱ـ تاریخه محله خاجو ص۲۲

۱ـ مسجد میرزا اشرف ۲ـ مسجد پانارون ۳ـ مسجد خرابه ۴ـمسجد چهارسوآجری ۵ـ مسجد رکن‌الملك ۶ـ مسجدحاج‌میرزا صادق‌جنب چهارسو آجری ۷ـ مسجدعلی‌اکبربیك معروف به‌مسجد آقاسید محمدلطیف ۸ـ مسجد فریدون ۹ ـ مسجدکازرونی ۱۰ـ مسجد حاج منوچهرخان ۱۱ـ مسجد حاج مهدی معروف به مسجد ابراهیم زاغی .

تکیه‌هائی‌هم دراین‌محله وجود داشته‌که اغلب آن‌ها برای استفاده ازاراضی آن ازبین رفته است چون تکایای : بکتاش وعلی اکبربیك و تکایای موجود بشرح زیر است :

۱ ـ تکیه میرزااشرف . ۲ ـ تکیه حسن‌خاکی واقع درکوچه‌میرزاکریم. ۳ ـ تکیه خاجو معروف به‌حسینیه صرافها . ۴ـ تکیه نایب‌جواد واقع در کوچه درویشان . ۵ ـ تکیه نورباران آخر خیابان شاه‌عباس. در این محله چه قبل از صفویه وچه بعدازآن مدارسی برای تحصیل طلاب علوم دینیه تأسیس شده بوده‌که عده‌ای ازآن مدارس خراب واندکی هم باقی مانده است :

۱ ـ مدرسه اسفندیاربیك معروف به انیس از بناهای اسفندیاربیك ندیم مخصوص شاه‌عباس متوفی (۱۰۲۳ ه.ق) که ازبین رفته است .

۲ ـ مدرسه اسماعیلیه واقع در کوچه قصرمنشی که تا کنون موجود است .

۳ ـ مدرسه افتخارالملك در محله شیخ‌یوسف .

۴ ـ مدرسه دده که محل آن درکنار خیابان ثریای فعلی بوده است .

۵ ـ مدرسه ساروتقی که با خانه ومسجد اواتصال داشته و امروز معروف به مدرسه ثقةالاسلام است .

۶ ـ مدرسه شاه‌حسن درجنب مقبره شاه‌حسن که ازبین رفته ومحلش حدود دبیرستان صارمیه درباغ نو بوده است .

۷ ـ مدرسه شیخ‌یوسف درمحله شیخ یوسف‌که از بین رفته است .

۸ ـ مدرسه محمدصالح درمحله شیخ‌یوسف‌که ازبین رفته است.

۹ ـ مدرسه صدر در چهارباغ خاجوکه دائر است .

۱۰ ـ مدرسه عربان نزدیك امامزاده احمدکه هنوزباقی‌است .

۱۱ـ مدرسه مریم‌بیگم که خراب وتبدیل بمدرسه جدید گردیده است[۱] .

امامزادگانی که در محله خاجوی قدیم مدفون شده‌اند بشرح زیراست :

۱ ـ امامزاده احمد که گویند فرزند علی‌بن امام محمدباقرعلیه‌السلام‌است وبرادرش دربارکرس یا بارکرسب مشهد اردهال‌مدفون‌است ونسب اورا نگارنده در باب امامزاده احمد شرح داده است .

۲ ـ بقعه باباعلمدار درکنار خیابان دلگشا . ۳ ـ امامزاده‌باقر درقبرستان قدیمی درکنارچهارباغ خاجو. ۴ ـ چهل‌دختران درنزدیکی بقعه شاه‌زید دروسط قبرستان قدیمی . ۵ ـ مقبره شاهزاده‌حسین . ۶ ـ شاهزاده ابراهیم واقع‌درقریه شهرستان چهارکیلومتری شرقی خاجوکه درقدیم منتهی‌الیه‌محله خاجوبوده است.

۷ـ و۸ـ بقعه امامزاده دوقلی در کنار خیابان شاه‌عباس . ۹ ـ بقعه شاه‌زید واقع دراراضی تلواسکان . ۱۰ ـ شاه‌سیدعلی دریکی از کوچه‌های جنوبی خیابان شاه‌عباس[۲] . ازاین محله علماء وشعراء وفضلائی برخاسته‌اند که قابل توجه بوده و اغلب تألیفاتی نیز داشته‌اند[۳] .

---

۱ ـ تاریخچه‌محله خاجو از ص۱۵ تا ص۲۸ . ۲ ـ تاریخچه محله خاجو ازص۲۸ تا ص۷۱ . ۳ ـ از نامبرداران این محله است :

۱ ـ ملااسماعیل‌خاجوئی‌آبن محمدحسین‌بن محمدرضابن علاءالدین محمدمازندرانی اصفهانی خاجوئی متوفی (۱۱۷۳ ه.ق) ازدانشمندان بزرگ ومؤلف : ۱ ـ رساله‌ابطال زمان موهوم . ۲ـ شرح اربعین شیخ بهائی . ۳ـ شرح مدارك . ۴ ـ فوائد رجالیه . ۵ ـ جامع‌الشتات. ۶ـ حاشیه برار بعین شیخ بهائی. ۷ـ حاشیه برآیات‌الاحکام اردبیلی. ۸ـ هدایة‌الفؤاد . ۹ ـ رساله امامت . ۱۰ ـ رساله حرمت‌غناء در رد بر ملامحمدباقر سبزواری . ۱۱ ـ رساله فارسی در رد برصوفیه . ۱۲ ـ رساله در مالایتم‌الصلوة . ۱۳ ـ رساله درتفضیل عید نوروز . ۱۴ ـ رساله دررضاع . ۱۵ ـ شرح‌دعای صباح. ۱۶ ـ رساله درفضل اولاد فاطمه علیهما السلام . (تذکرة‌القبور جزی ص۵۳)

۲ ـ ملاابوالحسن خاجوئی‌که درقرن سیزدهم میزیسته ازعلماء ومؤلف رساله‌ای در تجوید قرآن . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

←

→

۳ ــ ملامحمد صادق‌بن ابوالقاسم‌بن محمدباقر خاجوئی از علمای قرون یازدهم و دوازدهم ومؤلف کتاب حدایق‌المعارف فی‌طرایق‌المعارف که در(۱۱۰۸ ه.ق) تألیف گردیده است . (الذریعة اُلی تصانیف‌الشیعه)

۴ ــ میرزا کوچك خاجوئی وی از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۸۴)

۵ ــ میرزا ابوطالب خاجوئی ازعلماء بوده است .

۶ ــ آقا محمداسماعیل‌بن محمد جعفربن ملااسماعیل خاجوئی متوفی بیست‌وپنجم ربیع‌الثانی(۱۲۸۲ ه.ق) ازعلماء وحکماء بود وپس‌ازوفات درنزدیکی قبرجدش ملااسماعیل مدفون شد .کفاش درماده تاریخ اوچنین‌گفته :

حال کفاش بتاریخ وفاتش تو بگو «شد زدنیا سوی‌بستان‌جنان اسماعیل»

(رجال اصفهان ص۱۹۹)

۷ ــ میرزا اشرف ازعلماء وادباء و از ملازمان میرزامهدیخان اعتمادالدوله وزیراعظم اواخر زمان شاه‌عباس دوم وازسادات جلیل‌القدر وبانی آثارخیرازقبیل مسجد وحمام وحسینیه . (تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۸ ــ میرزا محمدباقر طبیب‌ابن حاج‌محمداسماعیل‌بن ابراهیم‌بن حسینعلی‌بن شمس‌علی پوده‌ای اصفهانی خاجوئی ازاطبای حاذق وازشاگردان حاج‌میرزا محمدباقرحکیمباشی‌متوفی (۱۳۲۷ ه.ق) . (تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۹ ــ میرزا کریم‌بن حاج محمداسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای اصفهانی‌خاجوئی از اطباء اوائل قرن‌چهاردهم . (تاریخچه محله خاجوص۷۶)

۱۰ ــ حاج‌میرزاعلی جراح فرزند حاج‌محمد اسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای ازجراحان . (تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۱۱ ــ میرزا محمدباقر بهاء تخلص ازشعراء ووعاظ وادباء متوفی اوایل‌قرن چهاردهم هجری. از اشعار اواست‌که در مرثیه سروده است :

مرحبا ای‌پیك خاص کردگارم جبرئیل مرحبا خوب‌آمدی بنشین‌کنارم جبرئیل

۱۲ ــ شیخ‌بهاءالدین محمدبن شیخ‌حسین‌بن عبدالصمد جبعی عاملی مولود چهارشنبه هفدهم ذی‌حجة (۹۵۳ ه.ق) ومتوفی شوال (۱۰۳۰ ه.ق) از اعلام و افاضل علمای زمان و ارکان دوران و شهرت او تمام عالم را فراگرفته بود تألیفاتش بسیار وکلماتش دردربار همه ازدل برخاسته وعموماً بردل نشسته است پس‌ازوفات نعشش به مشهد رضوی حمل ودرآنجا مدفون گردید واکنون مزار عمومی است .

ازتألیفات اواست : ۱ ــ اثنی‌عشریات درطهارت و صلوة و صوم و حج و زکوة . ۲ ــ اربعین . ۳ ــ اسرارالبلاغة . ۴ــ جامع عباسی درفقه فارسی . ۵ ــ حبل‌المتین. ۶ــ حواشی برکتب عدیده. ۷ــ خلاصه‌الحساب . ۸ــ زبدةالاصول . ۹ــ صمدیه در نحو . ۱۰ ــ شرح صحیفه سجادیه . ۱۱ــ عروةالوثقی درتفسیر . ۱۲ ــ کشکول. ←

→

۱۳ ـ مشرق‌الشمسین . ۱۴ ـ مفتاح‌الفلاح . ۱۵ ـ تشریح‌الافلاك . ۱۶ ـ رساله اسطرلاب . ۱۷ ـ حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی . ۱۸ ـ رساله ارتفاع قله دماوند .
شیخ‌بهائی با تمام فضایل طبع شعر نیز داشت و بتازی و فارسی شعر میسرود و نان و حلوای او معروف است . از اشعار او این رباعی ذکرمیشود :

رباعی

در میکده دوش زاهدی دیدم مست — تسبیح بگردن و صراحی در دست
گفتم ز چه درمیکده جاداری گفت : — ازمیکده هم بسوی حق راهی هست

(تاریخچه محله خاجو ص۷۷ ومجمع‌الفصحاء ج۴ ص۱۲)

۱۳ ـ سیدمحمدحسن مجتهد اصفهانی فرزند سیدمحمدتقی مستجاب‌الدعوة علامه‌فقیه عالم عابد مولود حدود (۱۳۰۵ ه.ق) ومتوفی (۱۲۶۳ ه.ق) ازشاگردان حاج‌محمدابراهیم کلباسی صاحب اشارات‌الاصول و از مجازان از سید صدرالدین عاملی و سید محمدرضابن بحرالعلوم ومیرزا محمدمهدی نایب‌الصدارة اصفهانی وملامحمدمهدی قمبوانی اصفهانی. از تألیفات اواست : ۱ ـ رساله درشرط ضمن‌العقد . ۲ـ رساله درشیربهاء . ۳ـ درمناسك حج . ۴ ـ در رد مظالم . ۵ ـ رساله دروجه اعجازقرآن . ۶ ـ شرح تهذیب منطق تفتازانی . ۷ـ یك دوره فقه استدلالی در۶مجلد . ۸ـ شرح ارشاد علامه‌حلی‌در۱۲مجلد بنام مهجة‌الفؤاد . (تاریخچه محله خاجو ص۷۹)

۱۴ ـ سیدمحمدتقی‌بن سیدمحمد سعید موسوی خاجوئی متوفی (۱۲۳۶ ه . ق) از علماء واتقیاء و ادباء بود و نزد حجة‌الاسلام رشتی و حاجی‌کلباسی محترم بود و میان مردم به مستجاب‌الدعوة شهرت داشت پس‌از وفات در جنب تکیه خاتون‌آبادیها در تخت‌فولاد مدفون گردید . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۵ ـ آخوند ملامحمدحسین‌بن ملامحمدجعفر فشارکی خاجوئی مولود آخر ذیحجه (۱۲۶۶ ه.ق) ومتوفی ۸ذیقعده (۱۳۵۳ ه.ق) ازعلمای اعلام که دراصفهان و عراق تحصیل کرده وبیشتر تلمذش ازمحضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی کربلائی بوده و پس‌ازفراغت از تحصیلات عالیه ووصول بمقامات شامخهٔ اجتهاد به‌اصفهان مراجعت ودرمحله خاجو ساکن و درمسجدحاج‌میرزا صادق‌امامت داشت وبعدهاعلاوه‌برامامت‌مسجد مزبور درمساجدمحله نیم‌آورد وجمالکله نیز امامت میکرد ولی تا پایان عمر در محله خاجو مقیم بود . اوراست حواشی برکتب علمیه ورسایل عملیه . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۶ ـ سید زین‌العابدین طباطبائی ابرقوئی خاجوئی متوفی هشتم‌صفر (۱۳۷۲ه.ق) عالم‌فاضل وزاهد ومحدث خبیرومتقی ازتلامذه مرحوم سیدمحمدباقردرچه‌ای وشیخ محمدرضا مسجدشاهی ومجاز ازجمعی ازعلماء بود. اوراست : ۱ ـ تریاق‌اعظم . ۲ـ ولایة‌المتقین، در فوائد تقوی وفضایل شاه ولایت مطبوع دردوجلد . (تاریخچه محله خاجوص۸۰)

۱۷ ـ ملامرتضی‌بن ملافتحعلی لنجانی خاجوئی متوفی هیجدهم شوال (۱۳۴۷ ه.ق)

←

۷۴ ـ محله خشینان :

این محله که بروزن مریوان تلفظ میشود وگاهی بضم‌خاء وزمانی خوشینان با واو گفته میشود از محلات قدیمی اصفهان است[۱] . اهل محل‌آن‌را خوشینان تلفظ میکرده‌اند و بنابراین باید گفت صحیح‌آن خشینان بضم‌خاء بوده است .

درتطبیق این محله قدیمی با وضع کنونی شهر اصفهان اختلاف است بعضی آنجا را بامحله[۲] احمدآباد تطبیق میدهند درهرحال چون اصفهان قدیم درحدود یهودیه و جی بوده باید محله مزبور را درهمان حدود دانست .

خشینان درابتدای امریکی ازدهات اطراف یهودیه بوده وبهمین‌جهت است که بعضی از نویسندگان آنجا را جزء قرای اصفهان و بعضی دیگر جزء محلات ، دانسته‌اند وهردودرست است، چه درابتداء دیهی جدا بوده وبتدریج که شهروسعت یافته دیه مزبور هم جزء شهرگردیده است .

این محله پس از انضمام به‌شهر اصفهان روز بروز بزرگتر شده و عده‌ای از محدثان ودانشمندان نیز ازاین محله برخاسته‌اند[۳] .

→
ازشاگردان حاج‌میرزا بدیع درب‌امامی وآقا سیدمحمدباقر درچه‌ای و ثقةالاسلام مسجدشاهی بشمار میرفت ودرمحله خاجو ساکن ودر یکی از مساجد محله امامت داشت تااینکه در سن متجاوز ازهفتاد بدرود حیات گفت . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۱۸ـ میرزا رضی‌منشی‌الممالک‌صدراعظم‌شاه‌عباس وشوهرخواهیگم‌متوفی(۱۰۲۶ه.ق) از صدور و بزرگان و اخیار محله خاجو بود و از آثار او است : ۱ - بازارمنشی . ۲- حمام‌منشی. ۳- قصرمنشی. ۴- قهوه‌خانه منشی . ۵-کاروانسرا منشی . ۶- مسجد منشی‌متصل بقصرمنشی که تاکنون بهمین نام باقی است . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۵ ـ ابوعبدالله شیخ‌محمدبن یوسف‌بن معدان‌بن یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بنای صوفی خاجوئی متوفی (۲۸۶ ه.ق) .

۱ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص ۳۷۴ و اللباب ج۱ ص۳۷۶ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۸ . ۳ ـ کسانیکه بمحله خشینان منسوبند ازقرار زیراست :

۱ ـ ابویحیی غالب‌بن فرقد خشینانی‌راوی‌ازمبارك‌بن فضالة وعقیل‌بن‌یحیی‌واسماعیل‌بن یزید ازاو روایت‌کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۷۴)

۲ ـ ابوشجاع ادریس‌بن عباس‌کرجی‌خشینانی وی شیخ‌حدیث ابونعیم‌حافظ اصفهانی ←

۷۵ ـ محله خوز وخوزیون ودر خوزیان :

محله‌ای دراصفهان بوده‌که مردم‌خوزستان درابتدای امردرآن‌خانه داشته‌اند و اول کسیکه در آنجا سکونت اختیار کرد[۱] ، ابوالعباس معروف به‌ابن نجوکه احمدبن حسن‌بن احمد خوزی متوفی (۵۱۷یا۵۱۸ ه.ق) بود که در حدیث شاگرد ابونعیم حافظ اصفهانی بوده و آخرین کسی است که از او سمعانی روایت کرده است[۲] . ازاین محله دانشمندانی دیگر نیز برخاسته‌اند[۳] .

۷۶ ـ محله خیابان :

گویا محله‌ای دراطراف خیابان چهارباغ بوده است .

۷۷ ـ محله دارالبطیخ = دالبتی :

این محله جزءبخش۴ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع

→

بود . ازکرج باصفهان آمد ودرخشینان بماند و حدیث املاء میکرد .
(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۲۴)

۳ ـ ابوغسان احمدبن محمدبن اسحاق‌بن یزیدبن عجلان خشینانی از محدثان وداماد رجاءبن صهیب بودکه ازمکی‌بن‌ابراهیم واصمعی وفراء روایت میکرد وخود ازمشایخ‌ابونعیم اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۲)

۱ـ قاموس‌اللغة درلغت خوز . ۲ـ المشترك ص۱۶۴ . ۳ ـ ازآن جمله است :

۱- ابوالنصر احمدبن‌محمدبن ابی‌القاسم‌بن فلیزامین‌خوزی اصفهانی متوفی چهارشنبه سیزدهم‌شوال (۵۳۱ ه.ق) وی درمحله خوزیان ساکن بود ودرآنجا حدیث‌ازابوعمروبن‌مندة وابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم حسن‌آبادی شنید . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۰۴)

۲ ـ عبدان‌بن محمد خوزی ازشعرای معاصر ثعالبی است که برسیاق و روش شعرای مولد شعر میگفت واز پیشروان معاصران آن زمان بود . وی در حدود سالهای (۴۰۰ ه . ق) میزیست واشعاری بتازی ملیح میسرود وازاو است .

ترکنا لخوف‌الخیل دورنا فلله صرف‌الدهر کیف ترددا
دهالیزناضاقت لخوف نزولهم کأنا یهود ندخل‌الباب سجداً

یعنی برای ترس ازخیل سپاه خانه‌های خودرا ترك کردیم . پس قسم بخداکه چگونه روزگار در رفت‌وآمد است ودهلیزهای ما تنگ شد ازترس فرودآمدن آن سپاه ، مثل‌اینکه ما یهودانی هستیم‌که درحال سجده داخل در خانه میشویم . (اعیان‌الشیعه ج۱و۲ ص۱۹۰)

شده است[۱] . این محله درقدیم از محلات فرعی جوباره و از محلات نعمتی خانه بوده است[۲] . مقبره خواجه نظام‌الملك وعده‌ای دیگر ازپادشاهان سلجوقی دراین محله واقع شده است .

۷۸ ـ محله درب امام :

این محله همان است که بنامهای چملان وچملون ویا جمیلان ویا سنبلان ویاسنبلستان خوانده‌شده‌وازمحلات قدیمی‌اصفهان‌است[۳] که درآن‌بقعه‌امامزادگان:

۱ ـ ابوالحسن زین‌العابدیـن علی بن نظام‌الدین احمدالابج ابن شمس‌الدین عیسی‌الرومی ابن جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌ابن‌الامام‌الهمام جعفر الصادق .

۲ ـ ابراهیم بطحائی واقع است .

محله درب‌امام از محلاتی است‌که در ادوارگوناگون مردمانی نامدار ازآنجا برخاسته‌اند که ما هریك را درذیل نامهای مختلف آن محله شرح خواهیم‌داد[۴] .

---

۱ ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۷و۱۰۰ . ۲ ـ نصف‌جهان ص۲۸ . ۳ ـ تذکرة‌القبور یا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ط . ۴ ـ منسوبان به‌محله درب‌امام بشرح‌آتی است:

۱ ـ ابوسعید امامی درب امامی از نویسندگان خط ثلث که در سال (۹۶۲ ه . ق) میزیسته وکتیبه بقعه شاه‌حسن را نوشته است . (گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۸۸)

۲ ـ سیدامیر ابوطالب امامی درب امامی از علمای دولت شاه‌طهماسب صفوی و بعد اوبود ومدتی نیزتولیت مشهد امامزاده زین‌العابدین اصفهان واقع دردرب امام را داشت ولقب امامی ازاین تاریخ درخانواده اوادامه یافت . (اعیان‌الشیعه ج۶ ص۲۹۲)

۳ ـ میرزا محمدباقر امامی درب امامی متوفی (بعد از ۱۰۷۵ ه.ق) از اولاد امامزاده زین‌العابدین وبرادرزاده شمسا ومیر سیدمحمدمستوفی موقوفات ممالك محروسه ودارای فضل وکمال وانسانیت وشریعت‌پروری بود ، دربدایت حال منصب احتساب خطه یزد واستیفای کل موقوفات باومحول بود ولی بعدازچندسال‌سمت اقضی‌القضاتی یافت، سپس در(۱۰۷۵ه.ق) تقسیم وجوه مستحقان نیز باومحول شد . (جامع مفیدی ج۳ ص۳۷۵)

۴ ـ سیدرضابن سیدمصطفی توفیقی درب امامی اصفهانی که در صفر (۱۲۷۶ ه.ق) میزیسته ازخوشنویسان خط نسخ بوده است .
(فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج۸ ص۷۰۲)

۵ ـ سیدحسین‌بن حسن موسوی درب امامی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۱ ه . ق) از شاگردان شیخ‌مرتضی انصاری که خط نسخ را نیز بسیار خوش مینوشته است .
(اعلام‌الشیعه ج۲ ص۳۸۴)
←

درب امام جزء محلات حیدری خانه بوده است .

۷۹ ـ محله درب دربه :

محله‌ای بوده که مدفن صاحب‌بن عباد درآن واقع شده است ومعنای آن در دروازه است[۱] .

۸۰ ـ محله درب دریچه[۲] :

این محله نیزازمحلات قدیمی شهراصفهان است ودرزمانهای پیش‌ازمحلات تابع جوباره ودرعداد محلات نعمتی‌خانه بوده است[۳] .

۸۱ ـ محله دربدشت = دردشت = باب‌الدشت :

این محله نیز ازمحلات قدیمی اصفهان و جزء حیدری‌خانه و قسمتی ازآن جزءبخش۲ وقسمتی دیگر جزءبخش۳ واز محلات واقع درشمال شهراصفهان است. مناره‌های دردشت دراین محله واقع شده است[۴] .

درمعجم‌البلدان نوشته شده که دردشت محله‌ایست دراصفهان وظاهراً منظور همان باب‌الدشت است[۵] . مؤلف‌اللباب فی‌تهذیب‌الانساب نیز گفته که دردشت محله‌ایست دراصفهان[۶] . ودرنصف جهان گفته : دردشت واقع است در مغرب شهر اصفهان[۷] .

---

۶ ـ محمد بدیع‌بن سیدمصطفی موسوی درب امامی متوفی ۲۱ شعبان (۱۳۱۸ ه.ق) ازبزرگان‌علماء وادباء وشعراء ومؤلفان وازخوشنویسان خط نستعلیق‌که ازنمونه خط اواست: کتاب زواهرالجواهر بهاءالدین محمد نائینی بتاریخ ۱۲۸۴/۱/۲۶ که جزءکتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران موجود است . پس‌ازوفات درتکیه میرسید محمد شهشهانی دفن‌شد . (بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۲۰۰)

۷ ـ میرسید محمد درب امامی متوفی پانزدهم ذیقعدةالحرام (۱۳۵۹ ه.ق) از علماء وفضلاء وائمه جماعت . (رجال اصفهان ص۹۴)

۸ ـ میرمحمدحسین‌بن میرمحمدتقی موسوی درب‌امامی ازخوشنویسان خط نسخ‌ممتاز که در (۱۲۶۲ ه.ق) حیات داشته است . (فهرست کتابخانه مجلس ج۲ ص۱۲۴)

۱ ـ ارشادکوپائی ص۵ . ۲ ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ . ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ . ۵ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص ۴۵۰ . ۶ـ [illegible] ج ۱ ص۴۲۰. ۷ ـ نصف‌جهان ص۲۵ .

آنچه مسلم میباشد قدمت این محله است که نام آن از قدیم‌الایام متداول بوده وحتی دراشعار کمال‌الدین اسماعیل خلاق‌المعانی نیز آمده است ودرضمن نام عربی این محله که باب‌الدشت باشد نام عده‌ای ازمحدثان وبزرگان نوشته شد ودر ازمنه اخیر نیز کسانی ازآنجا برخاسته‌اند[1] .

---

۱ ــ کسانیکه در ازمنه اخیر باین محله انتساب دارند بقرار زیراست :

۱ ــ نورالدین عبدالرحمن دردشتی جامی‌ابن نظام‌الدین احمدبن شمس‌الدین محمد دشتی اصفهانی‌جامی متوفی یازدهم محرم (۸۹۸ ه.ق) ازبزرگان علماء وعرفاء وشعراء وادباء و اوراست : ۱ - نفحات‌الانس . ۲ - لوامع . ۳ - شرح فصوص‌الحکم. ۴- شرح نصوص یا نقدالنصوص . ۵ - دیوان جامی . ۶ - تفسیرسوره فاتحه . ۷ - شرح‌چهل حدیث . ۸ - احادیث منقوله ازاباذر . ۹ - رساله درتوحید . ۱۰ - آداب حج . ۱۱ - ترجمه کلمات صوفیان بزرگ - ۱۲ - رسائل دراخلاق - ۱۳- شرح قصیده‌تائیه و میمیه و خمریه عمربن‌الفارض مصری . ۱۴ ــ نی‌نامه . ۱۵ - شرح رباعی امیر خسرو دهلوی . ۱۶- شرح بعضی ازرباعیات خود . ۱۷- رسائلی درعروض وقافیه‌ودرموسیقی. ۱۸ - شرح مفتاح‌الغیب . ۱۹ - شرح برکتاب‌کافیهٔ‌ابن حاجب درنحو . ۲۰ - مجموعه مراسلات ومنشئات . ۲۱ - رسالاتی درفن معما . ۲۲ - بهارستان . ۲۳- هفت‌مثنوی. ۲۴ - هفت اورنگ . ۲۵ - فاتحة‌الشباب . ۲۶ - واسطة‌العقد . ۲۷ - خاتمة‌الحیات . ۲۸ - سلسلة‌الذهب . ۲۹ - سلامان وابسال و بنابرقول سام میرزا ۴۶ کتاب و رساله و در مرآت‌الخیال ۹۲ کتاب ورساله ذکرکرده است .

ازاشعار اواست :

آنکه ناکس بود باصل سرشت　　بتقالیب دهر کس نشود

(ازسعدی تاجامی ص۵۶۲ تا ص۵۹۷ وتحفه سامی ص۸۶)

۲ ــ ملاحاج محمدکریم متخلص بمجنون فرزند حسن دردشتی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۵ ه.ق) ازشعراء وصاحب دیوان بنام آشوب وازاشعار اواست :

شتاب عمرتو مجنون اگرچه پنهان است　　شود ز سرعت و تعجیل آب جو واضح

(فهرست کتابهای اهدائی مشکوة ج۱۰ ص۱۵۰۷)

۳ ــ ابومسلم عبدالرحمن‌بن محمدبن احمدبن سیاه‌دشتی مذکر متوفی (۳۷۶ ه . ق) ازمحدثان که ابوبکربن مردویه از او روایت کرده است . باغ احمدسیاه که تا زمان ملکشاه سلجوقی دائر بوده ازمستحدثات جداعلای اواحمدبن سیاه‌دشتی بوده‌است . ودرکلمه دردشت تاریخ وفات ابومسلم را (۳۴۶) گفته است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۵۶)

۴ ــ ملك‌المتکلمین حاج میرزا نصرالله بهشتی فرزند محسن دردشتی اصفهانی مولود (۱۲۷۷ ه . ق) ومقتول در اواخر جمادی‌الاولی (۱۳۲۶ ه. ق) وی از رجال روشن‌فکر و ←

۸۲ ـ محله درب کوشك = درکوشك :

این محله جزءبخش۲ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وازمحلات حیدری خانه بوده است[۱] .

کسانیکه بعنوان دربکوشکی باین محله منسوبند :

۱ ـ ابوبکر نمیری محمدبن ثابت‌بن محمدبن سواربن علوان دربکوشکی امام مسجد جامع اصفهان در دربکوشك ومردی سنی‌مذهب وفاضل ودرادب وشعر بارع وفصیح وکثیرالسماع و قلیل‌الروایة بود مسکنش درنزدیکی دروازهٔ بخارا[۲] بود واز عبدالله‌بن محمدبن محمدبن فورك وابوبکر محمدبن ابراهیم‌بن‌المدینی و احمدبن‌عبدالله نهردیری روایت میکرد ویحیی‌بن مندة از او روایت‌کرده است[۳] .

۸۳ ـ محله درب مسجد حکیم :

این‌محله جزءمحلات غربی‌ازشمال به‌جنوب اصفهان است وجزءحیدری‌خانه محسوب میشده ومسجد حکیم‌داود دراین محله واقع گردیده است[۴] .

آزادیخواه صدر مشروطیت ایران وازخطباء ووعاظ فصیح‌البیان بود . درابتدای امردرفصاحت ازمحضر آخوند ملاصالح فریدنی تحصیل‌کرد و از محضر سیدجمال‌الدین اسدآبادی کسب فیوضات نمود وتحت تأثیر افکار عالیه اوقرارگرفت ودر جرگه آزادیخواهان تهران وارد شد تا پس از چندسال کوشش مداوم بامر محمدعلیشاه قاجار درباغ شاه محبوس و سپس مقتول گردید . درابتدای کار چندسالی درهندوستان دست بانقلاب زد و باصفهان مراجعت کرد ودر اصفهان هم با مخالفت ظل‌السلطان روبرو گردید وناچار بمسافرت تهران شدکه سرانجامش درپیش‌گفته شد . (زندگانی ملك‌المتکلمین)

۵ـ دکتر سیدمهدی‌ملکزاده فرزندحاج‌میرزا نصرالله‌بهشتی ملك‌المتکلمین فرزندمحسن دردشتی اصفهانی متوفی‌دوشنبه سی‌ام جمادی‌الثانیه (۱۳۷۵ ه.ق) از پزشکان حاذق وفضلاء و نویسندگان ونماینده مجلس شورای‌ملی وسنا ازتألیفات او است : ۱ ـ تاریخ مشروطیت ایران درشش مجلد . ۲ ـ زندگانی ملك‌المتکلمین که درشرح حال پدرخودملك‌المتکلمین برشته تحریر درآورده است . (زندگانی ملك‌المتکلمین)

و(تذکرةالقبور یابزرگان ودانشمندان اصفهان ص۵۲۱)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ . ۲ ـ دروازه بخارا دروازه‌ای بوده در اصفهان‌که بخارائیهادرآن‌سکونت‌داشته‌اند معجم‌الادباء ج۱۸ ص۳۲. ۳ـ معجم‌الادباء ج۱۸ ص۳۲.
۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .

۸۴ـ محله دروازه اشرف:

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ودرقدیم جزء نعمتی‌خانه بوده است[۱] .

۸۵ ـ محله دروازه دولت :

این محله که بدروازه دولت ومحله دولت هردومعروف است حدجنوبی نهر فرشادی است واین حد ازکناربازارچه بلند معروف تاپیش دروازه حسن‌آباد ممتد است . وحد شرقی آن ازدروازه حسن‌آباد و بازار ممتد است بطرف شمال تا پیش دروازه اشرف ، وحدشمالی آن از همان دروازه اشرف کشیده است بطرف مغرب تا پیش خیابان درکوشك ، وحدغربی آن خیابان درکوشك است ممتد پشت باروی اشرف چهارباغ کهنه عباسی تا پیش دروازه بازارچه بلند ، وتمام قصور و عمارات شاهی وباغات خاصه ومیدان نقش جهان وغیره ومسجد جامع‌عباسی‌وبعضی‌بازارهای جزءکه بعضی ازآنها ببازاربزرگ متصل وبعضی منفصل ازقبیل بازارقیصریه و بازار چیت‌سازهاوصباغان وزرگرها وشمشیرگران وبازارمسگرها وقناديها وحمام شاه[۲].

۸۶ ـ محله دروازه‌نو :

این محله همان محله آب‌بخشان است[۳] .

۸۷ ـ محله دشت عطاء :

این محله منسوب به ابـوزید عطاء خشك ابن‌السائب‌بن ابی‌السائب متوفـی (۱۳۰هـ. ق) اصفهانی است[۴] .

۸۸ ـ محله دیلمان :

بنابگفته حافظ ابونعیم اصفهانی[۵]. دیلمان ازمحلات خرجان اصفهان است وچندتن ازمحدثان بآنجا منسوبند[۶].

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹ .
۲ ـ نصف جهان ص۲۸.
۳ ـ نصف جهان ص۱۰۱ .
۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴ .
۵ ـ ذکراخباراصبهان ج۲ ص۸۱ .
۶ ـ ازمنسوبان بمحله دیلمان خرجان است :
۱ـ ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق‌بن‌یوسف دیلمانی‌خرجانی ازمحدثان‌که ازپدرش روایت ←

۸۹ ـ محله ذوالفقار :

متصل ببازاربزرگ ودرآن مسجد ومدرسه وحمام ذوالفقار واقع شده است.

۹۰ ـ محله ربض اصفهان :

این محله دراطراف اصفهان بوده وبشهراتصال داشته است وابوشکراحمدبن محمدبن علی ربضی که پیش‌ازقرن هفتم‌هجری میزیسته منسوب باین محله‌است[۱].

۹۱ ـ محله روشاباد[۲] = روشاباذ = دوشاباذ = دوشاباد :

درسال (۲۸۷ هـ.ق) نام محله‌ای دراصفهان بوده‌که احمدبن عمروبن‌ابی‌عاصم ضحاك شیبانی قاضی اصفهان در آنجا مدفون گردیده[۳] . و نیز شیخ یوسف بنای صوفی معروف[۴] وپسرش شیخ‌محمدنیای مادری ابونعیم واحمدبن یوسف بناء پسر دیگرش درآنجا مدفون و جزء خاجوی کنونی بشمار میرود .

→

میکرد وابوعمروبن‌حکیم شهرستانی وابواحمد وابومحمد وجماعتی ازاوحدیث نقل‌کرده‌اند. (اللباب ج۱ ص۴۳۸)

۲ ـ اسحاق‌بن یوسف خرجانی دیلمانی متوفی (۲۴۵ هـ . ق) از ساکنان محله دیلمان خرجان اصفهان و ازمحدثان ثقه‌که حدیث از سفیان‌بن عیینه و حفص‌بن عمر عدنی وطارق‌بن عبدالعزیز مکی شنیده وعقیل‌بن یحیی و پسرش عبدالله ازاو روایت کرده‌اند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۶)

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۵ . ۲ ـ درذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ دوشاباذ بدال مهمله دراول‌آمده ولی درطرایق‌الحقایق وتذکرةالقبور روشاباد بهراء مهمله آمده‌است وناچار باید گفته ابونعیم را مقدم داشت مگرآنکه اشتباهی ازناسخ شده باشد. ۳ـ ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ . ۴ ـ شیخ‌یوسف ازعرفای معروف قرن سوم وازنیاهای مادری ابونعیم ومجلسی بوده‌که سلسله طریقتش چنین است : شیخ یوسف ازشیخ‌ابوالعباس موسوس واو ازشیخ محمدبن اسماعیل مغربی واو ازشیخ ابوبکروراق واو ازشیخ ابوعبید بصری و او از شیخ عبدالله مکی واواز ابوعبدالله واوازفضل واوازاحمد واوازیحیی واواز ابوالحسین نوری واواز سیدرقة منصور واواز عمار واواز احمد واوازعاصم واوازابوتراب نخشبی واواز عمرحداد واوازیحیی‌بن معاذ رازی واواز حاتم‌اصم واواز سلیمان دارانی واو ازیزید بسطامی واو ازشقیق بلخی واو از معروف‌کرخی واو ازفضیل عیاض و او از ذوالنون مصری و او از ابراهیم ادهم و او از حسن بصری و او از امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام .
(طرایق‌الحقایق ج۲ ص ۱۵۱)

۹۲ ـ محله سرجوی رکن‌الملك :

از محلاتی است که نهر فرشادی پس‌ازعبور ازمدرسه چهارباغ ازآن محله میگذرد .

۹۳ ـ محله سرنجان :

در کتاب اللباب فی‌تهذیب‌الانساب در جلد یکم صفحه ۵۴۲ حرف سوم نون نوشته شده درصورتیکه در کتاب معجم‌البلدان ج‌سوم صفحه ۲۱۸ سریجان بر وزن سلیمان مصغر سرجان بیان شده ودرذکراخبار اصبهان ابونعیم نیز سریجان مسطور است . وبظن قوی صاحب اللباب دچاراشتباه شده وصحیح آن همان سریجان بیای مثناة منقوط ازتحت است وظاهر اینستکه معرب سریگان باشد و در لغت در اصل به‌جائی گفته میشده که لغزنده باشد . و اگر فرض کنیم که سرنجان بنون درست باشد معرب سرنگان خواهد بود[۱] .

۹۴ ـ محله سریجان :

این‌محله طبق‌گفته‌ابونعیم اصفهانی ازمحلات جزء مدینة(شهرستان) اصفهان بوده ومحدثانی نیز ازآنجا برخاسته‌اند[۲] .

۹۵ ـ محله سلطان سنجر :

این محله ازمحلات جزء جوباره ودرقدیم سکنه قابل‌توجهی داشته است[۳].

---

۱ ـ صاحب‌اللباب، ابوطاهرعمربن ابراهیم‌بن محمدبن فاخررا سرنجانی دانسته وازمحدثان منسوب بآنجا آورده درصورتیکه اووچندتن دیگر را ابونعیم مردم سریجان بیاء شمرده است.

۲ ـ وازمحدثان آنجا است :

۱ـ ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن فاخربن محمدبن‌یحیی فقیه سریجانی مدینی متوفی ربیع‌الاخر (۳۵۸ ه.ق) ازمحدثان که ازمنیعی وابن ابی‌داود ومحمدبن هارون‌بن‌حمید مجدر وبغدادیان وکوفیان وبصریان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۲۰۳)

۲ ـ ابوجعفر محمدبن احمدبن بشیر سریجانی اصفهانی از روات ومحدثان .
(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۱۶۴)

۳ـ ابوطاهرعمربن ابراهیم‌بن محمدبن‌فاخرسریجانی‌معدل متوفی هفتم‌صفر(۴۰۵ه.ق) ازمحدثان که درعراق ازاحمدبن سلیمان نجار وجعفر خالدی ورازیان حدیث شنید .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۳۵۷)

۳ ـ نصف جهان ص۲۸ .

۹۵ ـ محله سلم :

بفتح اول و سکون دوم نام مردی است که دراصفهان دراوائل تسلط اعراب سکونت داشته واوراست بابسلم ونیز باغ‌سلم ودرلغت بمعنی دلوی است‌که یکدسته داشته باشد[۱] .

۹۷ ـ محله سنبلان :

بضم سین وسکون نون وضم‌باء موحدة وبعدش الف و در آخرش نون محله بزرگی است دراصفهان[۲] .

یاقوت در معجم‌البلدان گفته این کلمه (سنبلان) تثنیه سنبل و محله‌ای در اصفهان میباشد[۳] .

ابونعیم اصفهانی درکتاب ذکر اخبار اصبهان دریکجا گفته سنبلان از دهات متصل باصفهان است[۴] .

ودرجای دیگر گفته‌محله‌ایست دراصفهان[۵]. وگویا ازدهات متصل‌بشهر بوده که بعد محله شهر شده است .

درتاریخ اصفهان و ری گفته شده که سنبلان همان سنبلستان امروزی است، که معروف میباشد[۶] .

این محله درقدیم سنبلان استعمال میشده وامروزسنبلستان گفته میشود و محل کنونی آن میان دردشت ودرب امام میباشد ولی دراصل چنبلان و یا چلمان ویا چلمون وبعضی گفته‌اند جمیلان بوده ودر زمان تسلط اعراب معرب گردیده و سنبلان خوانده شده و اینکه معجم‌البلدان آنرا تثنیه سنبل خوانده منظور وزن است نه مطابق وضع لغوی .

عده‌ای محدث هم باین محله قدیمی منسوبند[۷] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۴۰ .
۲ ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۵۶۸ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱ .
۴ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹ .
۵ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۳۰۵ .
۶ ـ ذکر اخبار اصبهان و ری ص۴۱۰ .
۷ ـ از محدثان منسوب باین محله است :

←

→

۱ ــ قاسم‌بن ابی‌ایوب بهرام سنبلانی معروف به‌اعرج است وگفته شده‌که سعیدبن‌جبیر براو وپدرش درقریه سنبلان فرود آمد ودوسال بماند واحادیثی ازاوشنیدند : شعبه و هشیم و اصبغ‌بن زید از او وخود ازسعیدبن جبیر روایت میکردند وسعید از ابن عباس .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹)

۲ ــ ابوبکر احمدبن یحیی سنبلانی ازمحدثان‌که بدمشق وارد شد ودرآنجا حدیث از ابوعبدالرحمن هارون‌بن سعید داعی و ابراهیم‌بن عیسی اصفهانی روایت کرد ، ابراهیم‌بن عبدالرحمان‌بن عبدالملک‌بن مروان ازاو روایت میکرد . (معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱)

۳ ــ ابوجعفراحمدبن سعیدبن‌جریربن یزید سنبلانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازجریربن عبدالحمید وانس‌بن عیاض وابن‌مبارك وعبدالرحمان وعده‌ای دیگرنقل‌کرده وابونعیم‌اصفهانی نیز ازاو حدیث نقل کرده وی مردی ثقة بود ومحمدبن یحیی‌بن مندة اصفهانی‌که ازاهل‌بیت حدیث بود ازاو روایت دارد . (اللباب ج۱ ص۵۶۸)

۴ ــ ابوعبدالرحمان خالدبن ابی‌کریمة سنبلانی از محدثان است‌که مردم محله سنبلان بود ولی ساکن کوفه شد . ابن‌عیینه ومسعر وثوری وشعبه ازاو حدیث نقل کرده‌اند .
(ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۳۰۵)

۵ ــ ابوعلی حسن‌بن علی‌بن سعید سنبلانی جعفی یکی ازابدال بود و از ابومسعود و سهل‌بن‌عبدالله ابوطاهر روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۹)

۶ ــ ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمان سنبلانی اصفهانی متوفی (۱۸۱ ه.ق) از محدثان وعم محمدبن سعیدبن‌الاصفهانی است که ازسهیل‌بن ابی‌صالح و ابواسحاق شیبانی و عطاءبن‌السائب و محمدبن عبدالرحمن‌بن ابی‌لیلی روایت دارد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۲)

۷ــ یحیی‌بن ابوعلی محمدبن‌سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی‌اصفهانی ازمحدثان‌که خود وپدرش درسنبلان سکونت داشتند وپسر ازپدر روایت میکرد وپدر چنانچه‌گفته شد ازسهیل‌بن ابی‌صالح وابواسحاق شیبانی ودیگران . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۲)

۸ ــ ابوجعفر محمدبن سعیدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن‌بن اصفهانی سنبلانی متوفی (۲۲۰ ه.ق) وی برادرزاده ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی بود که در کوفه سکونت کرد ودرآنجا معروف به حمدان بود. حدیث ازقاسم‌بن معن روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۵)

۹ ــ ابوعمرعامربن‌اسیدبن واضح‌الواضحی‌سنبلانی‌امام مسجد ایوب‌بن زیاد وازوکیع و ابن عیینه و یحیی قطان و ابن‌مهدی و معتمر روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۸)

۱۰ــ ابومحمددلیل‌بن‌ابراهیم‌بن دلیل سنبلانی ازقدمای محدثان‌اصفهان است ویادآوری شده‌که او سعیدبن‌جبیر را دراصفهان دیده وگمان‌کرده‌که اویکصدوبیست‌سال دارد . ابومحمد
←

۹۸ ـ محله سنگ‌تراشان[۱] .

این محله ازمحلاتی است که درجلفا وجود دارد وچون عده‌ای درآن محله سنگتراشی میکرده‌اند باین نام خوانده شده ودرهرحال بعد از صفویه نامگذاری شده است . ومردمان نامداری در دوره قاجاریه ازاین محله برخاسته‌اند[۲] .

۹۹ ـ محله سیچان :

این محله جزءبخش۵ ازمحلات جنوبی رودخانه زاینده‌رود میباشد ودرواقع از دهاتی است که بشهر اتصال یافته است[۳] . ومعدودی ازسکنه آنجا قابل یادآوری میباشند[۴] .

از لوین و ابی‌الدرداء مروزی و دیگران روایت کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۲)

۱۱ ــ داودبن سلیمان سنبلانی وی از دیه سنبلان بود و علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را دیده است . این نکته را ابونعیم اصفهانی درکتاب خود بنقل ازحمزه اصفهانی گفته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۱)

۱۲ ــ عبدالله‌بن علی سنبلانی از محدثان که ازیحیی‌بن سعید قطان روایت میکرد ، و احمدبن عصام ازاو روایت دارد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۵۲)

۱ ــ زنده‌رود ج۱ ص۶۵ . ۲ــ کسانی‌که ازاین محله برخاسته‌اند :

۱ ــ ناظم‌الدوله میرزا ملکم‌خان فرزند یعقوب ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی مولود (۱۲۴۹ ه.ق) مطابق (۱۸۳۱ــ م) و متوفی (۱۳۲۸ ه.ق) مطابق (۱۹۰۸ــ م) از رجال نامدار ودانشمند ایران در دوران قاجاریه بود . وی سفارت ایران را در نقاط مختلف دنیا عهده داشت وازنویسندگان وروشن‌فکران بودکه شرح آن درمحله جلفا ذکرشده است .

۲ ــ فریدون‌بن ناظم‌الدوله میرزاملکم‌خان ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی‌متوفی بعد (۱۳۳۶ ه.ق) فرزند ناظم‌الدوله که درمحله جلفا شرح حالش ذکر گردیده است .

۳ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۴ ــ ازمنسوبان بآنجا است :

۱ ــ عبدالله‌بن محمدعلی سیچانی از خوشنویسان خط نستعلیق که در (۱۰۹۵ ه.ق) میزیسته است . (تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۲۱۲)

۲ ــ آقا عبدالمولی ــ مولی تخلص سیچانی اصفهانی ازشعراء معاصر شیخ‌علی‌حزین واز سادات واز مصاحبان میرنجات و میرزا نوری ودر عربیت دست داشت و خط شکسته را درست مینوشت . ازاشعار اواست :

تنها نه‌گل دراین باغ بوی وفا ندارد گلزار هستی ما رنگ بقا ندارد
(صبح گلشن ص۴۴۳)

۱۰۰ ـ محله سیداحمدیان :

این محله درقدیم جزء جوباره وازمحلات نعمتی‌خانه[۱] بوده و از هنگامی که جوباره بخرابی‌گرائیده محله سیداحمدیان استقلال حاصل کرده است واکنون جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۰۱ ـ محلهٔ سینه پائینی :

محله‌ایستکه قسمتی ازآن جزءبخش۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳] .

۱۰۲ ـ محله شاه‌شاهان = شهشهان .

این محله پیش‌ازاینکه خانقاه و مدفن شاه علاءالدین در آن بناشود ظاهراً بهمان نام محله طوقچی یا حسینیه خوانده میشده و جزءِ آن محله بوده است . ولی پس از آنکه شاه علاءِالدین که از عرفاء و اقطاب بنام آن زمان بوده و او را عرفاءِ شاه‌شاهان میخوانده‌اند در آنجا توطن کرد بتدریج محله بنام او شهرت و انتساب یافته است . و کم‌بکم روبتوسعه و از محلات بزرگ اصفهان شده است . محله شاه‌شاهان یاشهشهان دراوائل قرن چهاردهم برمحله طوقچی هم برتری‌داشته وحتی کدخدای شهشهان کدخدائی طوقچی را نیز عهده‌دار بوده است[۴] . واکنون جزءبخش۳ محلات‌شمال زاینده‌رود است. ازاماکن تاریخی واقع دراین‌محله همان حسینیه‌شهشهان‌است که‌مدفن‌شاه‌علاءِالدین شده‌وازهرجهت موردتوجه‌باستان‌شناسان میباشد . این محله درادوار تاریخی ازقرن نهم ببعد رجالی ازآن برخاسته‌اند[۵] .

---

۱ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ . ۲و۳ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ .
۴ ــ جغرافیای اصفهان ص۳۲ . ۵ ــ ازآن جمله است :

۱ــسلطان‌النقباء بالاتفاق، برهان‌نجباءالافاق،مقدم‌السادات، السعیدالشهیدالاعلی‌محمدبن محمدبن محمدبن یحیی بن محمدبن‌محمدبن حیدربن‌الحسین‌بن‌محمدبن‌قوام‌الشرف‌بن‌محمدبن قوام‌الشرف‌بن‌هادی‌بن‌اسماعیل‌بن‌حسین‌بن‌علی‌بن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌عمربن‌الحسن‌بن علی‌بن‌علی‌بن‌الحسین‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) شاه علاءالدین در رمضان (۸۵۰ ه.ق) در ساوه بامر شاهرخ‌بن‌امیرتیمور باتفاق افضل‌الدین ترکه وعده‌ای دیگر مصلوب‌گردید و بعدازهشتاد روز شاهرخ بمرد وسلطان محمد بهادر نعش اورا با احترام تمام باصفهان منتقل ودر حسینیه و ←

خانقاه او دفنش کرد و بر بقعهٔ اوعماراتی ساخت و قرای درزیان و اصفهانك و قرائی دیگر را بر آن وقف کرد . (ازسعدی تاجامی ص۶۵)

۲ ــ سیدمحمدبن عبدالصمد حسینی مدرس شهشهانی متوفی(۱۲۸۷ ه.ق)ازشاگردان صاحب ریاض‌المسائل وفرزندش سیدمحمد مجاهدوکلباسی واستاد فاضل‌اردکانی وازمدرسان قرن‌سیزدهم‌هجری وازتألیفات‌اواست: ۱- انوارالریاض‌وانیس‌المتقین. ۲-رضوان‌الآملین. ۳ - رساله‌ای درارث . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۳ ــ سیدابوالحسن شهشهانی متوفی (۱۲۵۹ ه.ق) از اعلام و افاضل اصفهان بشمار میرفته است . (اعلام‌الشیعه جزء۲ ص۳۱)

۴ ــ میرمحمد علی‌بن میرعبدالصمد حسینی شهشهانی متوفی (۱۲۶۵ ه.ق) ازعلماء و فضلاء وبرادر میرسیدمحمد شهشهانی بوده است . (رجال اصفهان ص۵۹)

۵ ــ میرزا عبدالوهاب‌بن محمدامین‌شهشهانی‌متوفی‌بعد (۱۲۷۱ ه.ق) ازعلماء وفضلاء وریاضی‌دانان ومؤلف بحرالجواهر درسیاق . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۶ ــ ضیاءالدین شهشهانی ازخوشنویسان خط نستعلیق که درسال (۱۳۰۴ ه.ق) حیات داشته است . (فهرست کتابهای خطی دانشگاه تهران)

۷ ــ میرزا عبدالغفارخان ازمؤسسان فرهنگ جدید در اصفهان ومؤسس مدرسه شرف ازمدارس جدید دراصفهان درقرن چهاردهم هجری . (الاصفهان ص۶۴)

۸ ــ میرزا محمدجعفرحسینی شهشهانی ازاحفاد شاه علاءالدین شهشهانی ونیای‌اعلای حاج سیدحسین شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه.ش) از علمای معاصر حاج سید محمدباقر رشتی حجةالاسلام ومورد احترام و وثوق ومتولی قریهٔ اصفهانك در حومه اصفهان .
(رجال اصفهان ص۱۹۱)

۹ ــ میرزا ابوالقاسم لشکرنویس زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) وی از خانواده شهشهانیان ودرتهران سمت لشکر نویسی داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۰ ــ میرزاابوالحسن مستوفی شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان وصاحب خط وقلم بوده است . (جغرافیای اصفهان ص ۷۸)

۱۱ ــ میرزاابوتراب مستوفی‌شهشهانی ازخانواده میرزانصرالله مستوفی ــ سررشته‌دار ومستوفی بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۲ ــ حاج‌میرزاهادی مستوفی متوفی‌پیش‌از (۱۲۹۳ ه.ق) از مستوفیان شهشهان بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۳ ــ حاج‌میرزا اسدالله‌بن حاج‌میرزاهادی‌زنده در (۱۲۹۳ه.ق) مستوفی‌وسررشته‌دار. (جغرافیای‌اصفهان‌ص۷۸)

۱۴ ــ میرزا احمد شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان شهشهان .

۱۵ ــ میرزاعلینقی‌شهشهانی سرسلسله‌مستوفیان شهشهان. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۶ ــ حاج سیدحسین‌بن یحیی حسینی شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه . ش) از علماء و رجال ایران واحیاءکننده موقوفات بقعه شهشهان .

۱۰۳ ـ محله شروانشادان = شروانشاذان :

این‌محله‌درقرن سوم‌هجری درشهر اصفهان دائر بوده‌است[۱]. وبعضی‌ازمحدثان نیز باین محله منسوبند[۲] .

۱۰۴ ـ محله شمس‌آباد :

این محله جزءبخش۱ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳] . وعده‌ای ازمردان نامدار بآن منسوبند[۴] .

۱۰۵ ـ محله شمیکان :

بفتح وکسر وبعد یاء کاف وآخرش نون محله‌ایست دراصفهان که عده‌ای از رواة بآن منسوبند[۵] . ودراللباب‌گفته : بضم شین وفتح آن وکسرمیم وسکون یاء

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ .

۲ـ ازآن جمله است : ۱ ـ سعیدبن‌یحیی‌بن طویل سعدویه شروانشاذانی اصفهانی متوفی (۲۲۷ ه.ق) از راستگویان محدثان بود که از مسلم زنجی وابوبکربن عیاش وسلمةبن صالح روایت میکرد و درمحله شروانشادان سکونت داشت . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۵)

۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ .

۴ ـ ازآن جمله است :

۱ـ میرزا ابوالقاسم‌شمس‌آبادی ازمستوفیان دیوان اصفهان‌که قبل‌از(۱۲۹۳ه.ق) فوت شده ودرخط وربط شفیعای ثانی بشمار میرفته وکمالات وهنرهای دیگری نیز داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۲ ـ میرزا احمدبن میرزا ابوالقاسم شمس‌آبادی صاحب کمالات در نویسندگی و مستوفیگری بوده ودر (۱۲۹۳ ه.ق) حیات داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۳ ـ میرزااسماعیل‌بن میرزاابوالقاسم شمس‌آبادی متوفی‌بعد (۱۲۹۳ ه.ق) ازاربابان کمال ومنشی‌باشی خاصه منوچهرخان حاکم اصفهان بوده وپسری بنام میرزا محمدعلی داشته که او نیز ازصاحبان فهم وکمال بوده ودرحیات پدر فوت شده بوده است .
(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۴ ـ میرزا محمدحسن‌بن میرزا ابوالقاسم شمس‌آبادی صاحب کمالات و هنر و امین وظایف ومستمریات مشهد بوده ودر (۱۲۹۳ ه.ق) حیات داشته است .
(جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۵ ـ میرزا محمدعلی مازندرانی شمس‌آبادی ازمترجمان جلددهم بحارالانوار مجلسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۵ ـ معجم‌البلدان ج ۳ ص۳۶۶ .

آخر حروف وفتح کاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان[۱] . وابونعیم بضم شین وفتح‌میم وسکون یاء خوانده است[۲] . درهرحال همانطورکه درمعجم‌البلدان گفته چندتن محدث نیز باین محله قدیمی که اکنون جزنام چیزی از آن باقی نیست منسوبند[۳] .

۱۰۶ ـ محله شهیش = شئیش = اسفیس = اسفیش = شیش :

این محله همان محله اشکهان و جزء بخش۱ از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۴] .

۱۰۷ ـ محله شیخ ابومسعود = درشیخ :

این محله ازطرف جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال به مورنان وازمشرق به قبله دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه‌نو محدود میشده است وچهارسوئی هم‌نزدیك آن بوده که چهارسوی درشیخ نام داشته است . خانقاه و بقعه شیخ ابومسعود رازی وقبر ابونعیم دراین محله واقع و در قدیم از محلات بزرگ اصفهان بشمار میآمده است[۵] .

۱۰۸ ـ محله شیخ سبنا = شیخ یوسف بناء :

این محله در خاجو واقع ودر قدیم آن را دوشاباد یا روشاباد مینامیده‌اند . مقبره شیخ یوسف بناء دراین محله بوده است[۶] .

---

۱ ـ اللباب ج۲ ص۲۹ . ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۴ . ۳ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ جعفربن ناجیة شمیکانی اصفهانی از محدثان که جماعتی از تابعان را درك و از ابوعطاءبن ابی‌رباح پرسش‌کرده وازنعمان‌بن عبدالسلام روایت دارد . (اللباب‌ج۲ص۲۹)

۲ ـ قدامةبن میمون شمیکانی اصفهانی ازساکنان محله شمیکان واز روح‌بن‌مسافرکه از طرف مادر جد عبدالله‌بن محمدبن زکریابن الصلت‌الفقیه‌الخطیب است روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴)

۳ـ هذیل‌بن فروخ شمیکانی اصفهانی محدث‌که ازسفیان‌ثوری ازمسئله‌ای درنمازپرسش کرده ودر نود سالگی وفات کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۳۶)

۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۵ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۳ .

۶ ـ ذکر تاریخ اصبهان ج۱ ص۱۰۰ .

۱۰۹ ـ محله صالحان

در معجم‌البلدان گفته صالحان تثنیه صالح پیغمبر است و نام محله‌ای از محلات اصفهان که عده‌ای از علماء بآن منسوبند[۱] بنظر نگارنده چون مردمان صالحی دراین محله ساکن بوده‌اند به‌این نام خوانده شده است و در لباب گفته صالحان محله بزرگی است دراصفهان[۲]. ولی اکنون ازمحله مربوراثری نیست ولی همانطورکه یاقوت گفته علماء ومحدثانی باین محله منسوبند[۳]

۱۱۰ ـ محله طراز :

این محله که دراطراف باغ‌کاران وچهارباغ خاجو بوده[۴] دررمان خود از محلات بزرگ بشمار میآمده است. در قاموس‌اللغة‌گفته طراز بکسرطاء راه حامه

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص ۳۸۹ . ۲ ـ اللباب ج۲ ص۴۵ ۳ ـ از منسوبان باین محله است :

۱ ـ ابوبکر محمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی از محدثان که از جدش ابوذر روایت میکرد (اللباب ج۲ ص۴۶)

۲ ـ ابوالحسین عبدالغفوربن عبدالله‌بن احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازمحدثان که ازعبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۳۲)

۳ ـ ابوذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌بن ابراهیم صالحانی متوفی ربیع‌الاول (۴۴۰ه.ق) از وعاظ ومحدثان که حدیث ازابوالشیخ حافظ وغیر اونقل میکرد ونواده اوابوبکرمحمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی ازاو روایت میکرد (اللباب ج۲ ص۴۶)

۴ ـ ابوعبدالله احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازفقهای پرهیزگار ومتقی اصفهان (اللباب ج۲ ص۴۶)

۵ ـ ابومحمد عبدالله‌بن احمدبن ایوب صالحانی محدث‌که ازمحمدبن یحیی‌بن مندة روایت میکرد وابوبکربن مردویه ازاو . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۶ ـ ابونصر صالحانی از وزرای آل‌بویه (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۷ ـ حسین‌بن طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی صالحانی از محدثان متأخر (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۸ ـ سعیدبن طلحة‌بن‌حسین‌بن‌ابی‌ذرمحمدبن ابراهیم‌بن‌علی‌صالحانی‌متوفی (۵۳۲ه.ق) از محدثان‌که خود نیز استماع حدیث‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۹ ـ طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌صالحانی متوفی (۵۱۵ه.ق) از محدثان ومکثران درحدیث که درآخر عمر نابینا گردید . (معجم‌البلدان‌ج۳ ص۳۸۱)

۴ ـ تاریخچه محله خاجو ص۱۰

ومعرب‌تر ازاست و محله‌ای در مرو و نیز نام محله‌ایست در اصفهان. در سفرنامه ناصرخسرو[۱]. هم ازمحلات پر ثروت و بزرگ اصفهان درآن زمان ذکر گردیده است. درالباب فی‌تهذیب‌الانساب[۲]. این محله را کوچه عنوان‌کرده وگفته است: ابوطاهرمحمدبن ابی‌نصرابراهیم‌بن مکی معروف به‌هاجرطرازی متوفی (۵۰۷هـ.ق) ازمحدثان آنجا بوده وخود ازابومنصورشجاع وابوزید احمد پسران علی‌بن‌شجاع مصقلی و غیرآنان روایت میکرد و ابوسعد سمعانی از او. و در محاسن اصفهان[۳] ابونصر طرازی را جزء شاعران اصفهان شمرده است. درمعجم‌البلدان پس ازآنکه گفته طراز در آخر اقلیم پنجم و از شهرهای ترکستان و نزدیك اسپیجاب است نوشته: ونیز محله‌ایست در اصفهان وشاید چون بازرگانان اهل شهرطراز ترکستان در آنجا اقامت میکرده‌اند باین نام خوانده شده است وابوطاهر نامبرده بالا را نیز ذکرکرده است[۴].

۱۱۱ـ محله طوقچی = تقچی = تخجی = دربه = دریه :

این محله همان است که به دربه یا دریه معروف وبقعه و خیابان صاحب‌بن عباد درآن واقع[۵]. ودرمجاورت منار باغ قوشخانه میباشد.

دروجه تسمیه این محله به طوقچی ونیز املای آن اختلاف است ومعمول نویسندگان امروزی طوقچی است. در رساله‌الارشاد[۶]. فی‌احوال‌الصاحب‌الکافی اسماعیل‌بن عباد درباب مدفن او چنین گفته :

«نعش صاحب باصفهان نقل شد ودرمحله معروف به‌باب دربه مدفون گردید»
«واز شهید ثانی نقل شده که مدفن اودراصفهان وقبرش نزدیك دروازه طوقچی در»
«مقابل مسجد (باباسوخته) است و نیز شهید ازابن‌خلکان نقل کرده که صاحب در»
«خانه خودش مدفون شد ونیز گفته‌که این دروازه را عموم‌تخجی میخوانند ووجه»
«تسمیه آنرا چنین بیان میکنند بعضی از حکام که باصفهان آمدند مردم آنجارا»

۱ ـ سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶ . ۲ـ الباب ج۲ ص۸۴ . ۳ ـ محاسن اصفهان ص۳۴ . ۴ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷ . ۵ ـ الاصفهان ص۱۸۵ .
۶ ـ رساله ارشاد ص۴۴ .

«مستجاب‌الدعوه شناختند وچون این نکته مانع مقاصد آنان بود ازتمام مردم شهر» «خواستند که تخم‌مرغی بیاورند ونزدیك دروازه بگذارند، چون این کارانجام شد» «وتخم‌مرغها مختلط شد دستور داد که هرکس تخم‌مرغ خود را بردارد ومردم هم» «هرکدام تخم‌مرغی برداشتند وچون هرکسی مالدیگری را برداشته بودآن‌تخمها» «مورد شبهه واقع ودیگر دعای‌آنان مورد استجابت نبود . » و چون تخم‌مرغها را روی هم چیده بودند آن دروازه را دروازه تخم‌چین خواندند و برحسب کثرت استعمال تخچی گردید و سپس آنرا معرب کرده طوقجی و تحریف کرده طوقچی خواندند. صاحب ارشاد درپایان ذکراین وجه تسمیه اظهارنظر کرده گرچه ممکن است مردم اصفهان مستجاب‌الدعوه بوده باشند ولی با اوضاع و احوال و گفته‌های شعراءکه : بهشت روی زمین‌است خاك اسپاهان. بشرط آنکه تکانش‌دهند در دوزخ بعید بنظر میرسد .

۱۱۲ ـ محله طهران = طیران = تیران وآهنگران :

این محله که فعلاً درشمال‌شهراصفهان ونزدیك محله مورنان وآب‌بخشان ودر شمال خیابان فروغی واقع است در قدیم دیهی در نزدیکی دروازه شمالی شهر بوده وعالمان ومحدثانی نیز ازآن‌جا برخاسته‌اند . درکتاب معجم‌البلدان گفته[۱] : طهران بکسروسکون وراءوآخرش نون وآن فارسی است ومردم محل میگویند: تهران زیر اطاء درلغت فارسی نیست و آن دیهی در ری و دیهی دیگر در اصفهان است که عده‌ای از آن برخاسته‌اند . ودر المشترك[۲] . هم همین مضمون را تأیید کرده است . درالباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳]. گفته دیه بزرگی‌است دردروازه‌اصفهان که عده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[۴] .

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲. ۲ـ المشترك ص۲۹۸ . ۳ ـ اللباب ج۱ص۹۲.
۴ـ ازآن جمله است :
۱ ـ ابوبکر ابراهیم‌بن سفیان طهرانی محدث کثیرالحدیث که ازعراقیان واصفهانیان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۳)

۲ ــ ابوبکر ابراهیم‌بن سلیمان طهرانی محدث که حدیث ازابراهیم‌بن‌نصروغیراوشنید.
(المشترك ص۲۹۸)

۳ــ ابوبکرمحمدبن احمدبن محمود طهرانی‌متوفی (۴۳۲ ه.ق) وی درشیرازسکونت داشت ومردی پیر ومتجاوز ازنودسال داشت وحدیث از دارکی کبیروصغیرومحمدبن‌احمدبن مخلد فرقد روایت میکرد . وابوعبدالله قصار شیرازی ودیگران ازاو روایت میکردند .
(المشترك ص۲۹۸)

۴ ــ ابوبکرمحمدبن‌جعفرطهرانی محدث که ازاسماعیل‌بن یزید قطان‌کتاب ابراهیم‌بن اشعث را ازفضیل روایت میکرد (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۶)

۵ ــ ابوجعفر محمدبن احمدبن عمرطهرانی مؤدب ازمحدثان که دربغداد ازابن سماك ونجار ونقاش حدیث نوشته وخود ازمشایخ حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۴۱)

۶ ــ ابوجعفر محمدبن محمدبن صخربن سدوس تمیمی طهرانی متوفی (۲۶۸ ه.ق) از محدثان‌که حدیث از حسین‌بن حفص و حمیدی ومقری ومحمدبن حرب وخلادبن یحیی و ابی‌عاصم وسلیمان‌بن حرب وغیرآنان روایت‌کرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۴)

۷ ــ ابوالحسن علی‌بن رستم‌بن مطیار طهرانی متوفی (۳۰۳ ه. ق) وی از محدثان و ازخانواده رستمی و عم ابوعلی‌بن رستم‌که از لوین واحمدبن معاویة وجبر و عبدالله‌بن عمر برادر رسته وعقیل‌بن یحیی وطبقه‌اش ابراهیم‌بن‌معمرویحیی‌بن واقد ومحمدبن محمد وحسن‌بن علی‌بن عفان روایت میکند (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰)

۸ ــ ابوصالح عقیل‌بن یحیی‌بن اسود طهرانی متوفی رمضان (۲۵۸ ه.ق) از محدثان که حدیث ازیحیی‌بن سعید قطان وابوداود وابن عیینه وابن مهدی روایت میکند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۴)

۹ ــ ابوالعباس احمدبن محمدبن احمدبن قاسم‌بن سهلویه طهرانی متوفی رمضان (۴۶۹ ه.ق) ازمحدثان‌که ازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکند وابونصر احمدبن عمرمغازلی و ابوسعید احمدبن‌محمد بغدادی ازاوروایت دارند (اللباب ج۲ ص۹۴)

۱۰ ــ ابوعثمان سعیدبن مهران‌بن محمد طهرانی از محدثان که از خوارزمی روایت دارد وشعاروعبدالرحمن‌بن سیاه ازاو روایت میکنند . اوبیك‌واسطه شیخ‌ابونعیم حافظ‌اصفهانی است (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۳۰)

۱۱ ــ ابوالقاسم ناجیته‌بن سدوس طهرانی از محدثان که ساکن طهران بود واورا در آنجا اعقاب وخانه وضیاع مشهوراست ودهقانی با ثروت وصاحب ضیاع وعقاربزرگی بود. محمدبن احمدبن تمیم ازاو حدیث نقل کرده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۲)

۱۲ ــ ابونصر محمودبن عمربن ابراهیم‌بن احمد طهرانی ازمحدثان‌که حدیث ازابن مردویه نقل میکرد و ابوالفضل مقدسی از او حدیث استماع کرده است .
(معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)
←

۱۱۳ ـ محله طیرا[۱] = تیره :

این محله درقدیم در نزدیکی دروازه تیره که در مغرب شهر اصفهان بوده واقع میگردیده است ودانشمندانی نیزبآنجا منسوبند[۲] . درزمانی هم جزء دهات اصفهان محسوب میشده ولی پس‌ازتوسعه ضمیمه شهر شده است

۱۱۴ ـ محله ظله :

این محله ازجمله محلاتی است که اززمان صفویه ببعد دائرشده ودر اوائل قرن چهاردهم بویرانی کشیده شده بود ولی ازآن تاریخ ببعد بعمران وآبادی آن افزوده شده است . احتمال میرود ازظله عربی‌که بمعنی صفه وسایبان است گرفته شده باشد یعنی در دروازه ظله چیزی چون صفه و یا چادری بوده که واردان در هنگام گرما ونظائر آن ازآن استفاده میکرده‌اند

۱۱۵ ـ محله عباس آباد :

این‌محله درزمان شاه‌عباس بزرگ‌احداث شده وعلت احداثش فزونی‌جمعیت بطوری بوده که بشاه گزارش دادند بیست‌وپنج‌نفر زن ومرد دریك اطاق میخوابند

→

۱۳ ـ علی‌بن یحیی طهرانی از محدثان که حدیث ازقتیبةبن مهران اصفهانی استماع کرد (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)

۱۴ ـ محمدبن جعفربن احمد طهرانی از محدثان و از مشایخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲)

۱ ـ بروزن شیوا بکسراول وسکون ثانی . معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴ ۲ ـ ازمنسوبان بآنجا است :

۱ ـ ابوالعباس احمدبن محمدبن‌علی‌بن متنه طیرانی‌که مسافرتی درطلب حدیث‌کرده وحدیث بسیار استماع ولی‌جزکمی حدیث نگفته است ازابوعبیدة عبدالله‌بن‌محمدبن‌الحسن‌بن زیاد جهرمی خود حدیث شنید وابوبکربن مردویه ازاو (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۲ ـ ابوبکرمحمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن احمدبن‌یزید انصاری طیرانی‌متوفی (۴۲۳ ه.ق) ازصلحای‌شیوخ وثقات وصاحب رأی واستواری دردین وپرکتابت وثابت‌قدم و نیکو تصنیف بود . یحیی‌بن‌منده در تاریخ اصفهان از او چنین یاد کرده است . (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۳ ـ ابومحمد طیرانی ازمقریان قرون چهارم و پنجم هجری بوده است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

و شاه دستور داد که این محله را بنا کنند ولی بعدها در اثر حوادث افغان و غیره رو بخرابی گذارد. محله عباس‌آباد درکنارشمالی‌رودخانه زاینده‌رود واقع وخانه‌های پشت مسجدشاه جزء محله مزبور بوده است . در این زمان محله مزبور درحال عمران و آبادی میباشد .

ازمحله عباس‌آباد نیزعلماء وشعرائی‌برخاسته‌اند[1] . دردوره صفویه‌محله‌ای بسیارآباد وبزرگ بوده است . وچون مردم تبریز را درآنجا سکونت دادند آنرا محله تبارزه وسکةالتبریزیة نیزگفته‌اند .

---

۱ ــ ازمنسوبان به محله عباس‌آباد است :

۱ ــ میرزا محمدمهدی عباس‌آبادی تاجر وبانی مدرسه شمس‌آباد اصفهان که درسال (۱۱۲۵ ه.ق) زنده بوده است .

۲ ــ میرزا مهدی الهی عباس‌آبادی شاعری خوش‌فکر و خوش‌خیال و بتحصیل علوم اشتغال داشت وخودرا در هرعلم متفرد میانگاشت . مولدش تبریز ولی درعباس‌آباد سکونت داشت . ازاشعار اواست :

سخت میترسم بحسرت انتظارم بگذرد — رفته باشم‌ازخودآن‌ساعت‌که‌یارم بگذرد
ایکه خاکم را بباد از جلوهٔ خودداده‌ای — آنقدر بنشین که از پیشت غبارم بگذرد

(صبح گلشن ص۳۵)

۳ ــ بهرام بیك‌بیانی فرزند نقدی‌بیك تبریزی عباس‌آبادی زنده در(۱۰۹۹ ه.ق) وی ازمردم تبریز ولی‌ساکن عباس‌آباد اصفهان ومردی خاموش وآرام بود وخط نستعلیق‌را خوش مینوشت ، بهار بشغل کتابت ودرزمستان به پوستین‌دوزی مشغول بود ومنتی ازکسی نمیکشید. از اشعار اواست :

کیست‌ازما تنگ‌دوزی‌ترکه دائم رزق‌ما — آید از شق قلم یا دیدهٔ سوزن برون

(احوال خوش‌نویسان نستعلیق بخش۱ ص۱۰۲)

۴ ــ میرسیدعلی جواهر رقم فرزند میرزا مقیم تبریزی عباس‌آبادی از شاگردان میرزا ابوتراب رئیس‌الخطاطین است شاه جهان اورا از هند خواست و مدتی در هندوستان بسمت کتابداری مشغول و در سال سیصدتومان مواجب داشت. وی خط نستعلیق‌را مانند پدر نیکو مینوشت وازاین‌جهت در دربار صفویه‌مورد توجه بود، نامبرده ازاحفاد میرشاهمیر جد سادات طباطبائی تبریز که از زواره اردستان بآنجا مهاجرت کرده‌اند بشمارمیرفت .

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۷۱)

۵ ــ میرزامقیم جوهری‌بن میرزا علی‌اکبر عباس‌آبادی از زرگران و شعراء بود ودر محله عباس‌آباد سکونت میکرد . ازاشعار او است :

←

→

دلیل فائده خامشی بس است همین　　که چون زبان بگزیدی نمیگزد زنبور
(تذکره نصرآبادی ص۱۳۶)

۶ ــ حاج اسماعیل خـان تبریزی عباس آبادی از شعرای متصوف که چند نوبت به هندوستان سفر کرد ازاشعار اواست :

تا خاك نشین کوی دلدار شدم　　از لذت هردو کون بیزار شدم
چون موج بروی بحر میغلطیدم　　روداد کشاکشی و هموار شدم
(دانشمندان آذربایجان)

۷ ــ حاج عبدالمطلب بن محمدحسین عباس‌آبادی متوفی بعد (۱۲۷۷ ه.ق) ازعلمای قرن‌سیزدهم هجری وشاگردشیخ‌احمد احسائی‌در(۱۲۶۶ه.ق) واوراست : ۱ـ الحجةالبالغة بفارسی . ۲ ـ حجیةالمظنة بفارسی . ۳ ـ رساله‌ای در بداء . ۴ ـ تنبیه‌المقال .
(طبقات اعلام‌الشیعه ج۲ ص۷۹۴)

۸ ــ سیدعبدالله حالی تخلص عباس‌آبادی ازشعراء واز اشعار اواست :

طپد در سینه‌ام دل از خیال حلقهٔ زلفش　　چو گنجشگی که‌ماری گرددش‌در آشیان پیدا
(صبح گلشن ص۱۱۶)

۹ ــ میرزا ابوتراب حجاب تخلص عباس‌آبادی معاصر نادرشاه افشار از شعراء واز سادات ساکن‌عباس‌آباد ازاشعار او است :

زین پیش‌گردون ، دردشیرمن خون　　میکرد و اکنون ، در باده‌ام خون
(تذکره روز روشن ص۱۹۵)

۱۰ ــ محمد امین خازن تخلص فرزند ضیاءالدین عباس‌آبادی جامع کمالات و از شعراء بود . چندی بشیراز توقف داشت وهمانجا فوت شد . ازاشعار اواست :

بود ز تنگی دل غنچه سان دل جمعم　　چو گل شکفتگیم باعث پریشانی‌است
(تذکره نصرآبادی ص۲۰۶)

۱۱ ــ میرزا شریف‌بیك خازن تخلص فرزند نوری‌خان عباس‌آبادی معاصرشاه‌سلیمان صفوی بود واز شعرای نامدار بشمار میرفت . ازاشعار اواست :

شد تازه آب گیری تیغ جفای او　　ممنون شدم زگریه بی‌اختیار خویش
(تذکره روز روشن ص۲۳۴)

۱۲ــ محمدرضا راضی تخلص‌عباس‌آبادی ازتبارزه ساکن عباس‌آباداصفهان وازشعراء وزرگران بود مدتی بهند رفت وسپس مراجعت‌کرد وبزرگری پرداخت و باز بهند رفت . از اشعار اواست :

رباعی

جان گر از سینه ما شاد برون میآید　　کی خیال توام از یاد برون میآید
بامیدی که بسرو قد او دل بندد　　قمری از بیضهٔ فولاد برون میآید
(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)
←

۱۳ــ رشید عباس‌آبادی ازشاعران ورزگران ومیناکاران و باصائب تبریزی معاصربود . ازاشعار اواست :

چو رفتم از سر کوی توعیر گلها چید　　چو باغبان رود ارباع مفت گلچین است

(تذکره روز روشن ص۲۹۲)

۱۴ــ میرزا قاسم‌خان زاهد تخلص عباس‌آبادی ازاکابر شعراء ومعاه رشاه‌سلیمان بود ازاشعار اواست

مبان کعبه و دل فرق این‌قدر باشد　　که‌دل‌خراب‌چوگردید بیت معموراست

(تذکره روز روشن ص۳۲۳)

۱۵ ــ محمدقلی‌بیك شاکر تخلص عباس‌آبادی ازتبارزه ساکن عباس‌آباد اصفهان واز ماهران در زرگری ونقاشی وازشعراء معاصر نصرآبادی بود وازاشعار اواست .

هجر هرچند که دل بیشترم میسوزد　　در فنا وصل دو چندان قدرم میسورد

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۲)

۱۶ ــ حواجه محمدصادق معروف به‌صادق عباس‌آبادی و متخلص به‌ناظم تبریزی از شعراء واوراست نظم‌گزیده که‌آنرا درسال (۱۰۳۶ ه.ق)گردآورده وشاید همان‌تذکرةالشعراء باشد

بطوریکه نصرآبادی نوشته هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (۱۰۸۳ ه . ق) خواجه محمدصادق عباس‌آبادی بدرود زندگی‌گفته بوده است . از اشعار اواست .

آغوش گل زسینه چاکم نشانه‌ایست　　دستان بلبلان ز سرودم ترانه‌ایست

خاشاك راه او که بمژگان ربوده‌ام　　از بهر مرغ دیده من آشیانه‌ایست

(تذکره نصرآبادی ص۴۱۱)

۱۷ ــ میرزا محمدرضا صدرالکتاب عباس‌آبادی متوفی (۱۱۱۸ ه . ق) از شاگردان میرزا ابوتراب‌اصفهانی وازخوشنویسان‌بود. مهندسی‌کتیبه حیاط‌نو حضرت امام‌رضا علیه‌السلام ازاوست نامبرده پس‌ازوفات درمزار تخت فولاد دفن گردید . (امتحان‌الفضلاء ص۳۳۶)

۱۸ــ میرزاابراهیم عارف تخلص عباس‌آبادی ازشعراء وبرادرمیرزاآقاسی‌عباس‌آبادی متوفی پیش‌از (۱۰۸۳ ه.ق) وازاشعار اواست

ازحوادث‌گردغم بنشست بررخسارما　　پامبان خانه شد کوتاهی دیوار ما

(تذکره نصرآبادی ص۴۳۱)

۱۹ ــ عارفا عباس‌آبادی از تبارره ساکن عباس‌آباد اصفهان مردی آرام و وارسته و مصاحب صائب تبریزی وکاتب دیوان اوبود ، خود نیز شاعربود وشعر نیکومیگفت . زمانی قصد مسافرت‌بهندکرد چون بافغان‌رسید اموالش‌را بتاراج بردند ونادم‌شده باصفهان‌برگشت . از اشعار اواست :

دوران شراب محنت وردم بجام ریخت　　دندان شکوفه‌وار زباد زکام ریخت

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

←

→

۲۰ ــ میرسیدعلی مشتاق عباس‌آبادی متوفی (۱۱۷۰ ه.ق) ازشعرای متأخر و استاد آقامحمد عاشق ورفیق ومیرزا صبوح واومعتقد بود که هرشاعر باید درغزل بسعدی ودرقصیده به‌انوری ودر رزم به فردوسی وبزم به‌نظامی ودرقطعه بابن‌یمین ودر رباعی به عمرخیام اقتدا کند. نمونه شعراواست :

روتافتم از دل بسراغ حرم دوست　　غافل که دراین‌خانه به‌آن‌خانه رهی هست

(تذکره روز روشن ص۷۳۸)

۲۱ ــ ملامحمدعلی مفرد تخلص فرزند محمدقلی‌بیك تبریزی عباس‌آبادی ازشعراء و خوشنویسان خط نسخ ومردی درویش و مدارش بکتابت حدیث میگذشت و با مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود ازاشعار اواست :

کسی‌پا دررده عشق توکافرکیش‌نگذارد　　من‌آنجا سرنهادم‌تاکسی‌پاپیش نگذارد

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۹)

۲۲ ــ مطیعا عباس‌آبادی ازاکابر عباس‌آباد بود وشعر نیکو میسرود وبا پسرخود از اصفهان بهند رفت ودرآنجا پسرش وفات‌کرد وخود به‌عباس‌آباد بازگشت. ازاشعاراواست :

با گرفتاری چنان سازم‌که درگلزارعشق　　می‌خلد درديده‌ام خاری‌که دامن‌گیرنیست

(صبح گلشن ص۴۲۵)

۲۳ ــ ملاعباس‌بن محمدبیك زیاد اوغلی عباس‌آبادی متوفی (بعد ۱۰۸۳ ه . ق) از تبارزه ساکن عباس‌آباد وازشعراء و اوراست قصیده تأویلیه که بعضی از فضلاء عصرش آنرا شرح‌کرده‌اند ودیباچه شرح آنرا ملامحمدامین‌بن ملاعبدالفتاح وقاری طبسی درکتاب‌گلدسته اندیشه ایراد کرده است وازتألیف آن در (۱۰۸۳ ه.ق) فراغت یافته .

(الذریعة ج۱۷ ص۱۱۱)

۲۴ ــ عبدالوهاب موسوی عباس‌آبادی زنده در رجب (۱۰۷۸ ه.ق) از خوشنویسان خط نستعلیق بوده‌که نمونه خطش درکتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .

(فهرست آستان قدس ج۵ ص۲۳۱)

۲۵ ــ میرزا طالب‌بن حاج‌میرزاخان‌بیك عباس‌آبادی ازشعراء وفضلای دوره صفویه و ازتبارزه ساکن عباس‌آباد وبا مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود. پدرش حاج‌میرزاخان‌بیك مردی ثروتمند بود وآن مکنت به‌پسر رسید ولی تمام شد و با فقر ودرویشی زندگی میکرد. از اشعار اواست :

بااینکه بتان شکوه ماگوش نکردند　　جرمی که نکردیم فراموش نکردند

آغوش گشادیم برین کبك خرامان　　یك جلوه باندازه آغوش نکردند

(تذکره نصرآبادی ص۱۲۵)

۲۶ ــ میرزا مقیم عباس‌آبادی متوفی اندکی پیش‌از (۱۰۸۳ ه . ق) از خانواده‌های میرشاهمیر جداعلای سادات طباطبای تبریز است‌که اززمان امیرتیمورگورکان اززواره به‌تبریز ←

مهاجرت کرده‌اند میرزا مقیم ازتبریز بهائی بودکه درزمان شاه‌عباس در عباس‌آباد اسکان داده شده بودند .

اوصاحب فضایل وکمالات وخط نستعلیق را بسیارخوش مینوشت وازاین‌رو جزء کتاب دربار بود ، و پس‌ازمدتی باتفاق پسرش میرسیدعلی جواهر رقم به هندوستان رفت و درآنجا نیز دردربار هند در کتابخانه اشتغال داشت وهمانجا بدرود زندگی گفت .

نسب علیاحضرت شهبانوی ایران نیز به میرشاهمیر میرسدو ترتیب‌آن برحسب آنچه در مجالس‌النظامیه نوشته شده ودرتاریخ خط وخطاطان جلداول نقل شده باین‌ترتیب است :

«علیاحضرت‌فرح‌پهلوی شهبانوی‌ایران فرزند برومند مرحوم‌سهراب دیبا فرزندمرحوم»
« سیدمهدی‌شعاع‌الدوله دیبا فرزند عالم‌نامدار سید میرزا رفیع‌الدین نظام‌العلماء صاحب »
« مجالس‌النظامیه ازاعاظم علمای عصرناصرالدین‌شاه فرزند حاج‌میرزا علی‌اصغرمستوفی‌پسر »
«میرزارفیع‌پسرمیرزا ابوطالب‌معروف به‌وزیرفرزندمیرزا سلیم‌نایب‌الصدارة پسرمیرمحمدسعید»
«پسرمیرعلی‌اکبرفرزندمیرزا رفیع‌پسرمیرمطلب‌پسرمیرفتاح پسرمیرصدرالدین فرزند میرمحمد»
« پسرمیراسماعیل دیباج (ازاین‌تاریخ لقب‌دیبا درمیان‌سادات طباطبای تبریزرایج‌شده)فرزند »
« میرعلی‌اکبر شاهمیر (ازمعاصران شاه‌اسماعیل صفوی) پسر امیرعبدالوهاب (وی بهمراهی »
« اسحاق صاحب‌کتاب حاوی ومولانا شکرالله مغانی وحمزه‌خلیفه وجمعی کثیر بعنوان‌سفارت »
« ازطرف‌شاه‌اسماعیل‌نزدسلطان‌سلیم رفتند ولی‌پوزش‌پادشاه‌ایران را نپذیرفت ومیرعبدالوهاب »
« وقاضی وصاحب حاوی را باهمراهان به‌حصار دیموته اعزام ومحبوس‌کرد) پسرامیرجلیل »
« عبدالغفارپسر میرعمادالدین پسر امیرالحاج پسر میرحسن فخرالدین پسرکمال‌الدین محمد »
« فرزندکمال‌الدین حسن پسرشهاب‌الدین علی پسرمحمد مکنی به‌ابوجعفر پسر احمدملقب »
« به‌فتوح‌الدین‌پسرمحمد پسراحمد مشهوربه‌رئیس پسرابراهیم طباطبا پسراسماعیل‌دیباج‌پسر »
« ابراهیم‌غمر پسرحسن مثنی پسر امام‌حسن مجتبی پسرامیرالمؤمنین علی وفاطمهٔ زهرا دختر »
« پیغمبرخاتم علیهم‌السلام . » (مجالس‌النظامیه ص۳۴۸ وتاریخ خط وخطاطان ج۱ص۷۱)

۲۷ ــ کلبعلی‌نادر تخلص عباس‌آبادی ازتبارزه عباس‌آباد وصائغ و نقاش وشاعربود ونژادش نیز اصفهانی است . نمونه شعرش :

بپای مد هر تقصیر مهر توبه‌ای دارد مفاصائی است نادرچون‌گشائی‌دفتر مارا
(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۲۸ ــ میرزا عزت ناصح تخلص عباس‌آبادی از شعرای فارسی‌زبان است‌که صائب تبریزی اورا ستوده ودیوانی دارد . ازاشعار اواست :

بهار عمرگذشت وزمن گلی نشکفت در این حدیقه بموسم نکشته‌اند مرا
(تذکره روزروشن ص۷۹۰)

در تذکره نصرآبادی درصفحه ۱۲۵ نام ناصح را میرزا عرب نوشته ولی‌عزت درست بنظر میرسد .

۲۹ــ ملامهدی واثق تخلص فرزند محمدقاسم‌نجفی‌عباس‌آبادی زنده در(۱۰۸۳ه.ق)

۱۱۶ ـ محله عطاء خشك :

یکی ازمحلات قدیمی اصفهان است که بنام عطاءخشك[۱]. نیای مادری حسین بن حفص بن فضل متوفی (۲۱۲ ه.ق) خوانده شده است .

۱۱۷ ـ محله فابجان :

این محله درقدیم ازقرای متصل به‌شهر بوده وبتدریج که شهر توسعه یافته جزء محلات شمرده شده است . در معجم‌البلدان[۲] . گفته فابجان بعد الف‌باء یك نقطه اززیر ومکسور و جیم وآخرش نون بنابقول ابوسعد دیهی از دهات اصفهان است وگفته نمیدانم که منظورهمان فابزان است یا جای دیگر. ودرلباب[۳]. گفته: بفتح فاء و سکون الف وفتح باء یك نقطه و جیم وبعد الف دوم نون دیهی ازدهات اصفهان است .

واینکه درلفظ درست آن‌که فابجان یافابزان باشد یااینکه دوجاباشد تردید گردید اینطور بنظر میرسد که در تلفظ و لهجه قدیم مردم اصفهان حرف ژ فارسی طوری‌تلفظ میشده‌که بین‌جیم وزاء بوده واینستکه بعضی‌بلفظ فابجان وبرخی‌فابزان فهمیده‌اند وگرنه نبایستی ابوموسی عقیلی راهم هردوفریق ذکرکنند وچون‌ابونعیم فابزان‌ذکرکرده ازنظراینکه اهل اصفهان بوده وآگاهی‌بیشتری داشته است‌بایستی درست آنرا فابزان قبول کرد نه فابجان مگراینکه گفته شود در زمان ابونعیم فابزان معمول بوده وهنگامیکه یاقوت حموی و مؤلف اللباب نوشته‌اند چند قرن

→

دارای فضایل اخلاقی ودراکثرعلوم ربط داشت وبیشترخطوط حتی‌کوفی را خوش مینوشت . از اشعار اواست :

بی‌تو اندیشهٔ گلزار مرا زندان است　　نغمه‌پردازی بلبل اجل پران است

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۱۴۵)

۱ ـ اواست : ابوزید عطاءبن‌السائب‌بن ابی‌الحارث متوفی(۱۳۰ ه.ق) که ازطرف‌بنی‌عباس بخراسان رفت وریاست سپاه را داشت ولی اواصفهانی بود و دشت عطاء وباب عطاء نیز باو منسوب است . دخترش خالده زن حفص‌بن فضل بود واعقابی درمرو داشت ونیزازاعقابش در اصفهان : صباح‌بن عطاء وشاذویة‌بن عطاء بوده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۴۷)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ .　　۳ ـ اللباب ج۲ ص۱۸۶ .

گذشته بوده و معمول فابجان بوده است . در هرحال عده‌ای از محدثان به فابجان منسوبند[1] .

۱۱۸ ـ محله فابزان :

در معجم‌البلدان[2] گفته : بعد الف باء موحدة وزاء و آخرش نون : جائی وگفته شده دیهی است وگفته شده شهرکوچکی است ازاصفهان .

درهرحال به‌محله فابزان نیز عده‌ای ازعلماء و محدثان منسوب شده‌اند[3] .

---

۱ ـ از آن جمله است : ۱ ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم‌بن بشافابجانی متوفی (۳۰۱ ه.ق) آزاد کرده قریش ومردی ثقة بودکه از سلیمان شاذکونی وغیراو روایت میکرد ، و محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی ازاو . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق فابجانی متوفی بعد (۲۷۰ ه.ق) ازمحدثان‌که حدیث ازجد مادریش‌ابوموسی فابجانی نقل کرده‌است. (اللباب‌ج۲ص۱۸۷)

۳ ـ ابوموسی عیسی‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی فابجانی اصفهانی متوفی (۲۷۰ ه.ق) مردم شهراصفهان بود ودر دیه فابجان سکونت داشت . خود از آدم‌بن ابی‌ایاس وابوتوبة‌الربیع‌بن نافع روایت میکرد وابومحمد عبدالله‌بن‌محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌فابجانی پسردخترش ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۴ ـ علی‌بن مغیره اثرم فابجانی اصفهانی ازعلمای لغت واز کسانی بود که شهرهای عراق را برای جمع لغت وشعر دور زد ونزد علمای آنجا تصحیح کرد .
(معجم‌الادباء ج۱ ص۳۶۴)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۳ ـ ازمنسوبان به‌فابزانند :

۱ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم بشارفابزانی متوفی (۳۰۱ ه.ق) ازموالی قریش‌وبواسطه ابواحمد محمدبن احمدبن ابراهیم شیخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی‌است .
(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۱)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی معروف به‌سکویه فابزانی‌ازجد مادریش عیسی‌بن ابراهیم عقیلی واسحاق عموی مادرش‌روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۸۸)

۳ ـ یزیدبن هزاری‌الفابزانی که حدیث ازسعیدبن‌جبیر دراصفهان استماع کرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۳)

۴ ـ محمدبن‌ابراهیم فابزانی نفیلی خود ازاحمدبن اسحاق ومحمدبن‌حمیدازاوحدیث نقل میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۹۲)

۵ ـ ابوبکر محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح عقیلی فابزانی متوفی (۲۸۳ ه.ق) خود از دحیم وهشام وابوعثمان اسحاق‌بن ابراهیم ازاو روایت میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۳۱)

۱۱۹ ـ محله فاذجان :

درمعجم‌البلدان[۱] . واللباب[۲] . آنرا بافاءِ وذال وجیم و آخرش نون ذکر وگفته‌اند ازدهات اصفهان است ویك نفررا[۳] هم بآن نسبت داده‌اند[۴] .

۱۲۰ ـ محله فرائان :

ازمحلاتی‌است‌که درهنگام توسعه مسجد جامع‌یهودیه جزءِ شهرشده‌است[۵].

۱۲۱ ـ محله فرح‌آباد :

این محله جزءبخش۵ ازمحلاتی است‌که درجنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۶] . ودرزمان شاه‌سلطان‌حسین صفوی محله‌ای آباد بوده ودراثرمهاجمه افغانها بتدریج روبویرانی‌نهاده است ولی امروز دومرتبه روبعمران وآبادی میرود. این محله بمناسبت کاخ فرح‌آباد که بنا بدستور شاه‌سلطان‌حسین در آنجا بناشده بوده بنام فرح‌آباد منسوب شده ولی آن کاخ همانطور که درجای خود یادآور شده ازمیان رفته است .

۱۲۲ ـ محله فرسان :

در معجم‌البلدان[۷] گفته : بکسر اول وسکون ثانی و آخرش نون از دهات اصفهان است ، وسلفی‌گفته: بضم فاء میباشد و قومی ازاهل حدیث بآنجا منسوبند . درالمشترك گفته[۸] : بضم فاءِ و سکون راءِ و سین مهلة والف و نون دیهی‌است در

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۲ ـ اللباب ج۲ ص۱۸۸ . ۳ ـ از منسوبان بمحله فاذجان است :

۱ ـ ابوبکرمحمدبن ابراهیم‌بن‌اسحاق فاذجانی‌که دربغداد ساکن شد ودرآنجا حدیث از ابومسعودبن الفرات رازی نقل کرد و ابوبکربن مالك قطیفی از او .
(اللباب ج۲ ص ۱۸۸)

۴ ـ بنظر نگارنده اسامی فابجان وفایزان وفاذجان وخابجان‌که محله سرقبرآقای‌کنونی باشد یکی است . منتهی در ادوار تاریخی لهجه‌ها و تلفظها تغییر یافته و اکنون آنجا را سرقبرآقا میخوانند وعده‌ای از امام‌جمعه‌های اصفهان وغیرآنان درآن محل مدفونند .

۵ ـ ذکرتاریخ اصبهان ج۱ ص۱۷ . ۶ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۸ ـ المشترك ص۳۳۲ .

دروازه اصفهان . ودرتاریخ نصف جهان[1] . گفته : قریه‌ای بوده درمشرق شمال‌شهر اصفهان‌که ضمیمه‌شده ومحله اول‌آن بوده‌است. درهرحال عده‌ای ازعلماء ومحدثان باین محله منسوبند[2] . شاه‌میرحمزه دراین محله واقع است :

---

۱ ــ نصف جهان‌فی‌تعریف‌الاصفهان ص۲۷ . ۲ــ از منسوبان به‌محله فرسان است :

۱ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن ایوب عنبری فرسانی ازمحدثان‌که به‌دو واسطه شیخ حدیث ابونعیم‌بوده وخود حدیث ازثوری ومبارك‌بن فضالة وابوهانی واسودبن‌رزین شنیده وعبدالله‌بن داود از وی . اوازصاحبان تهجد وعبادت بود ومدت چهل‌سال بفرائض نرفت . سروریشش را خضاب میکرد و درقرن سوم هجری میزیست . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۷۲)

۲ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن‌عاصم‌فرسانی ازمحدثان‌که ازخلادبن یحیی‌حدیث نقل‌میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۳ ــ ابوالحجاج یوسف‌بن ابراهیم‌بن شبیب‌بن مزید فرسانی متوفی (۲۴۲ هـ . ق) از موالی‌بنی اسد قریش وازحفاظ بودکه باابومسعود رازی معارضه میکرد. شیوخ تصنیف‌کرد، وحدیث ازابونعیم حافظ اصفهانی و عبیدالله‌بن موسی و ابوغسان نهدی و سلیمان‌بن حرب و ابوالولید شنید ولی حدیثش خارج نویس نگردید . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۷)

۴ ــ ابوالحسن علی‌بن عمربن عبدالعزیزفرسانی متوفی بعد (۳۷۰ هـ.ق) از محدثان که حدیث ازمحمدبن‌سهل‌بن الصباح ویحیی‌الذارع وطبقه‌اش‌شنید وبهمه مجالس‌حدیثمیرفت تا بمرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱)

۵ ــ ابومحمد بذال‌بن سعدبن خالدبن محمدبن ایوب فرسانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازمحمدبن بکیرحضرمی روایت میکرد و ابواحمدبن عبدی حافظ از او روایت دارد . (اللباب ج۲ ص۲۰۵)

۶ ــ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن‌جعدفرسانی ازمحدثان‌که ازسهیل‌بن عثمان وعبدالله‌بن عمران روایت میکرد واورا دیداری ازابراهیم‌بن ایوب فرسانی صاحب نعمان دست داد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۶۹)

۷ــ احمدبن‌جعفربن‌سلم‌فرسانی ازمحدثان فرسان اصفهان وشیخ‌حدیث ابونعیم بواسطه محمدبن عبدالرحمن‌بن مخلد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۲)

۸ ــ ابراهیم‌بن حیان‌بن حکیم‌بن حنظلة‌بن سویدبن‌علقمة‌بن سعدبن معاذاشهلی فرسانی ازمحدثان‌که حدیث ازپدرانش و شریك‌بن عبدالله روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۹ ــ عبدالعزیزبن محمدبن جعفر ضبی فرسانی مولود (۴۱۲ هـ.ق) ومتوفی‌ربیع‌الثانی (۴۹۶ هـ.ق) ازشیوخ معمر وبزرگ و صالح و کثیرالسماع بود . خود حدیث ازابوالحسن احمدبن محمد عبدی وابوالقاسم معمری اسدآبادی شنید . (المشترك ص۳۳۲)

۱۲۳ ـ محله فلفلان :

این محله درزمان خیلی قدیم ازقرای درب دروازه شهر اصفهان بوده و گویا در همان اطراف دروازه طوقچی قرارداشته و شاید بمناسبت اینکه درآنجا درخت فلفل یا مردمان تندوتیزی وجود داشته‌اند باین نام خوانده شده است والف ونون آخر آن برای نسبت است .

درمعجم‌البلدان[۱] . فلفلان بکسر سپس سکون وفاء دیگرمکسوروآخرش نون‌گفته دیهی‌است ازقرای اصفهان وابونعیم‌اصفهانی‌وابویعقوب اسحاق‌بن‌اسماعیل سکین فلفلانی متوفی‌بعد از (۲۶۰ هـ.ق) محدث را که از اسحاق‌بن سلیمان رازی روایت میکرد و نیز محمد بن اسماعیل سکین برادرش را منسوب به محله فلفلان دانسته است[۲] .

۱۲۴ ـ محله فلفلچی :

ازمحلات اصفهان که در فتنه افغان خراب شده است[۳] . و درگنجینه آثار تاریخی اصفهان‌گفته[۴]. این‌محله درزمان سلجوقیان درانتهای محله طوقچی درآن طرف حصار قدیم اصفهان بوده و اکنون درمهرآباد در خیابان دور شهر میباشد.

۱۲۵ ـ محله قبله دعاء :

این محله که در دردشت[۵] . واقع شده جزءبخش۱ ازمحلات شمالی‌رودخانه زاینده‌رود است[۶] .

۱۲۶ ـ محله قصر اصفهان :

این محله بنام باب‌القصر موسوم ومنسوب بآن را قصری میگویند وکسانی نیز بآن منسوبند[۷] .

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۲ـ ذکرتاریخ‌اصبهان‌ج۱ص۲۱۶ . ۳ـ نصف جهان در تعریف اصفهان ص۲۸ . ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۶ . ۵ـ رجال‌اصفهان ص۱۹۱. ۶ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۹ . ۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۵۵ .

۱۲۷ ـ محله قصرمنشی :

این محله جزء بخش ۴ از محلات شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱] و منسوب است به میرزا رضی منشی‌الممالك که درزمان شاه‌عباس درآن محله قصر و عمارات دیگری ساخته است ودرواقع همان محله باغات است

۱۲۸ ـ محله قلعه طبرك :

این محله بدقسمتی اطلاق میشود که قلعه طبرك در آن واقع و در حقیقت همان محله پاقلعه و محدود به‌چشمه‌های خوراسگان و راهروان میشده و درقسمت جنوب شرقی اصفهان میباشد[۲] .

۱۲۹ ـ محله قنادر :

درمعجم‌البلدان گفته که قنادر بفتح وکسردال وراءِ محله‌ایست دراصفهان[۳] ودراللباب[۴]. گفته‌محله‌ایست دراصفهان‌که‌گروهی ازمحدثان‌ازآن برخاسته‌اند[۵].

۱۳۰ ـ محله قناطر :

در منتهی‌الارب گفته : قناطر موضع یا محله‌ایست در اصفهان ودر المشترك گفته[۶] . قناطر جمع قنطرة موضع یا محله‌ایست در اصفهان که چون ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن‌اسحاق خلقانی قناطری دائی‌ابوالمهلب سکونت داشته به‌قناطری معروف شده است . در معجم‌البلدان[۷] . نیز گفته محله یا دهی است در اصفهان . قناطر ازمحلات قدیمی‌اصفهان است وفعلاً جزنامی ازآن نیست . عده‌ای‌ازمحدثان نیز بآنجا منسوبند[۸] . وبنظر میرسد که قنادروقناطر متحد باشند، زیرا ابوالحسن را درقنادر وقناطر هردو ذکر کرده‌اند .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۰ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۷

۳ ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص۴۰۰ . ۴ ـ اللباب ج ۳ ص ۵ ۵ ـ از منسوبان این‌محله است : ابوالحسین محمدبن علی‌بن یحیی قنادری اصفهانی از محدثان‌که از محمدبن علی‌بن مخلدبن فرقدی متوفی (۳۰۷ هـ.ق) روایت میکند وابن مردویه حافظ ازخود او (اللباب ج۳ ص۵)

۶ ـ المشترك ص۳۵۹. ۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ص۴۰۰ . ۸ ـ از منسوبان باین محله است :

←

۱۳۱ ـ محله قینان :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان اصفهان متصل به‌شهر وازمحلات آن‌محسوب میشود وجزءبخش۵ ازمحلات جنوبی زاینده‌رود میباشد[۱]. ابومنصوربن بزرگ امیدبن آذرجشنش اصفهانی دروصف آن گفته :

قینان ریان انیق زاهر غض النوابت جنةالزوار

یعنی قینان سیراب و شکوفان ودرخشنده وگیاهان آن شاخ برهم نهاده و بهشت زیارت‌کنندگان است[۲] . در زمان قدیم یکی از دهستانهای اطراف شهر و تفرجگاه مردم بوده ولی بتدریج دراثر توسعه شهربشهر متصل شده است .

۱۳۲ ـ محله کران :

این محله جزء بخش ۴ از محلاتی است که در شمال رودخانـه زاینده‌رود واقع[۳] و از محلات قدیمی است‌که در حدود دارالبطیخ بوده و در هرحال‌در وسط شهر واقع و مایل بمشرق شهر است[۴] . یاقوت در معجم‌البلدان[۵]. گفته : کـران بفتح اول و تشدید دومش و آخرش نون محله‌ایست مشهور در اصفهان کـه مدفن نظام‌الملك درآن بوده است ، و بسیاری از اهل علم و روایت بـآن منسوبند . در المشترك نیز همان گفته را تأییدکرده است[۶] . درالباب گفته : کران محله‌ایست در اصفهان[۷] .

محله کران از محلات قدیمی اصفهان است که نام آن از قرن سوم هجری

---

۱ ـ ابوالحسن محمدبن علی‌بن یحیی طبیب قناطری از محدثان که ازفرقدی روایت میکرد وابوبکربن مردویه ازاوحدیث نقل‌کرده است و در اللباب اورا قنادری خوانده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۰۴)

۲ ـ ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن اسحاق قناطری خلفانی وی خال ابوالمهلب بود و حدیث ازقاضی احمدبن موسی انصاری و از ابوعلی اسماعیل‌بن محمدبن اسماعیل صفار نقل کرده است . (معجم‌البلدان ج۴ ص۴۰۰)

۱و۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۲ـ محاسن اصفهان ص۵۹ . ۴ـ نصف جهان ص۲۵ . ۵ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص ۴۷۷ . ۶ ـ المشترك ص۳۱۸ .
۷ ـ اللباب ج۳ ص۳۳ .

ببعد در محاورات زمان معمول و ظاهراً محله‌ای بزرگ و وسیع بوده و عده‌ای از علماء ومحدثان نامی بآن منسوبند[1] .

---

۱ ــ ازمنسوبان به محله کران است :

۱ــ ابن اسودکاتب‌معمراحمدبن علویة کرانی مولود (۲۱۲ ه.ق) ومتوفی (۳۱۲ ه.ق) از رواتمصنفات ابراهیم‌ثقفی وصاحب لقبی بوده‌که تأدیب وآموزگاری انجام میداده است. وی ازاصحاب‌ابوعلی لغذة اصفهانی بود، وپس‌ازچندی شغل آموزگاری را ترك وجزءندیمان احمدبن عبدالعزیز و دلف‌بن ابی‌دلف عجلی درآمد ، اوراست رسائلی برگزیده که آنها را ابوالحسن احمدبن‌سعد درکتاب خود تدوین‌کرده است وآنها هشت‌کتاب دردعاء و رساله‌ای درپیری وخضاب است، واوشعرنیکو دارد، ازآن‌جمله درباره احمدبن عبدالعزیزعجلی سروده:

یری خیر ما یبدو اوائله حتی کان علیه‌الوحی قدنزلا

یعنی آنچه درابتداء براوظاهر میشود آن را خوب میداند وگمان میکندکه وحی براو نازل گردیده است . الفیه‌ای هم در مدح امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد موسوم به محبرة . وفاتش بقول صاحب اعیان‌الشیعه در سال (۳۲۱ ه.ق) اتفاق افتاده ، درلغت‌نامه دهخدا وفات را (۳۲۰ ه.ق) نوشته ولی کسان دیگر دروفاتش در (۳۱۲ ه.ق) اتفاق دارند .

(اعیان‌الشیعه ج۱و۲ ص۲۲۵ ولغت‌نامه دهخدا ومعجم‌الادباء واسماءالمصنفین)

۲ ــ ابوبکر احمدبن ابراهیم‌بن احمدبن روزویه کرانی ازمحدثان‌که از دارکی وپسر برادر ابوزرعه روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۴)

۳ ــ ابوبکر عمربن ابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم کرانی ازمحدثان که از علی‌بن‌سعید عسکری روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۵۶)

۴ــ ابوبکرمحمدبن عبدالله‌بن محمدبن‌مندة مقری مفتولی کرانی ازمحدثان‌که ابونعیم حافظ اصفهانی حدیث ازاو نقل میکرد ، وخود از حاجب‌بن دکین .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۲۹۱)

۵ ــ ابوحامد احمدبن حسین‌بن‌علی سمسارکرانی وی درکوچه ماجشون‌کران درمیدان انماطیین سکونت داشت وشیخ بلاواسطه ابونعیم حافظ اصفهانی در حدیث بود .

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۶ ــ ابوالحسن‌احمدبن محمدبن موسی‌بن بحرادیب کرانی ازمحدثان‌که ازعبدالله‌بن محمدبن عباس روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۷ــ ابوطاهرمحمدبن عمربن‌عبدالله‌بن‌احمدبن عبیدالله‌کرانی متوفی‌هفدهم‌جمادی‌الاولی (۴۹۶ ه.ق) ازمحدثان وبافاده پسردائیش یسرخفی حدیث ازابوبکربن علی ذکوانی استماع کرد . (اللباب ج۳ ص۳۳)

۸ ــ ابوعلی احمدبن محمدبن عاصم‌کرانی متوفی جمعه (۳۳۹ ه.ق) از محدثان که

←

۱۳۳ ـ محله کروائان :

ظاهراً نام درست این محله گروائان بکاف فارسی بوده و بعدکه معرب شده جروائان گفته شده ودرجای خود شرح داده شدد است[۱] .

۱۳۴ ـ محله کلکه :

این محله درزمان ابونعیم اصفهانی دائر و سکنه داشته و گمان میکنم که

حافظ ابونعیم اصفهانی بواسطه ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن حمزة از او حدیث نقل کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۴۷)

۹ ـ ابومحمد جعفربن‌محمدبن جعفر رفاعی‌کرانی متوفی صفر(۳۷۹ ه.ق) ازمحدثان که ازمحاملی وابن‌عقدة وطبقه‌اش حدیث روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ص۲۴۸)

۱۰ ـ ابونصرعبدالواحدبن عبدالرحمن مذکرآبنوسی‌کرانی ازمحدثان که ازولیدبن ابان وغیراو روایت میکرد، وأبونعیم اصفهانی اورا دیده ولی حدیثی ازاونشنیده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰۶)

۱۱ ـ اخت ملارحیم وابنة ملای کرانی اززنان دانشمند و کتاب قرن یازدهم هجری بوده و با صاحب ریاض‌العلماء معاصر و در وصفش گفته : شرح لمعه‌ای را که با خط نسخ شیرین‌ونسخ تعلیق نوشته ودرنزد برادر وپدرش خوانده بوده دیده است .
(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۸۵)

۱۲ ـ صلحی کرانی ازشعرای ساکن محله کران بود . این رباعی را در هجو احمد جگربخون اصفهانی گفته است :

رباعی

ای آنکه ز گوهر زبون آمده‌ای — از روز ازل لجوج دون آمده‌ای
ازکاوش همچومن دلت خون شده است — کز پشت پدر جگر بخون آمده‌ای
(تذکره روز روشن ص۴۷۹)

۱۳ ـ عمربن احمدبن محمدبن حسین عنبری‌کرانی از محدثان‌که ازضراب ومحمدبن حمزة روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۳۵۷)

۱۴ ـ محمدبن زید ذکوانی‌کرانی از محدثان معاصر ابوالفتوح‌بن محمودبن خلف عجلی واستاد حدیث ابوالحسن علی‌بن‌محمدبن احمد انصاری قبری بوده است .
(حلل سندسیه ج۲ ص۴۵)

۱۵ ـ ملارحیم کرانی ازعلمای معاصر صاحب ریاض‌العلماء بوده است .
(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۸۵)

۱ ـ درشرح محله جروائان ذکرشده است .

دراین محله چون کلکهای گلی میساخته‌اند باین نام خوانده شده است و یکنفر را هم ابونعیم حافظ باین محله نسبت داده است[۱] .

۱۳۵ ـ محله کمائان :

این محله درقدیم‌الایام ازدهات نزدیك شهر اصفهان بوده که درقرن سوم جزء شهر وازمحلات آن محسوب میشده است[۲] . ویکی ازحدود یهودیه بوده ولی در تاریخ اصفهان و ری[۳] . مینویسد کمائان همان کمبرکجی[۴] . یا کلمان است[۵] .

۱۳۶ ـ محله کوداء :

این محله‌ای دراصفهان ازقدیم‌الایام جزء محلات یهودیه بوده وبه‌محله ملنجه منتهی میشده است[۶] . این کلمه اصلش فارسی است وممکن است از دولفظ کوداه بصورت استفهام یااینکه کورراه یا کورها بوده و سپس دراثر کثرت استعمال تبدیل به‌کوراء شده باشد . وجه دیگر اینکه درزمان قدیم دیده شده که بجای‌های جمع و آن جمع الف ممدود استعمال و پاره‌ای اوقات علاوه برالف ممدود الف و نون هم میآورده‌اند مانند گروائان و اندائان ودر مورد کلمه کوراء هم ممکن است جمع کور باشد یا محل کوران .

۱۳۷ ـ محله کون گنبد :

محله‌ای است دراصفهان که بقول صاحب عیون‌الانباء شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا

---

۱ ـ ازمنسوبان باین محله است : قاسم‌بن مندة‌بن کوشید ضریر کلکه‌ای اصفهانی از محدثان که ساکن محله کلکة اصفهان بود وازسعدویه و شاذکونی وسهل‌بن عثمان روایت میکرد ودر آخرعمرش احادیث را تخلیط میکرد و ازاینرو اورا تضعیف کرده‌اند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۲)

۲ ـ محاسن اصفهان ص۸۱ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۱۰. ۴ ـ درذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۱ کنبرك نوشته شده و چون ابونعیم در آن زمان واقف بدرست‌آن بوده باید همان را پذیرفت و گفته است‌که ابومحمد قاسم‌بن فورك بن سلیمان‌کنبرکی متوفی (۳۰۱ ه.ق) ازمحدثان این محله بوده که حدیث از عراقیان و شامیان نقل و قاضی محمدبن احمدبن ابراهیم ازاو روایت میکند . ۵ ـ درمعجم‌البلدان ج۴ ص۴۷۷ گفته : کلمان دیهی است دم دروازه جی اصفهان ونعمان‌بن عبدالسلام ازبزرگان زمان خود بآنجا منسوب و درهمانجا مدفون است . ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱-۱۹ .

درآن دفن‌گردیده است وظاهراً منظور همان‌گنبد معروف به‌گنبد ابن‌سینا میباشد که در محله دردشت واقع گردیده است[۱] .

۱۳۸ ـ محله گبر آباد :

محله‌ای بوده زردشتی‌نشین‌که درنزدیکی عمارت نمکدان دراصفهان ساخته شده بوده است[۲] .

۱۳۹ ـ محله گروائان :

شرح این محله درتوصیف محله جروائان وکروائان بیان شده ونیازبتکرار ندارد .

۱۴۰ ـ محله گلبار = گلبهار = جلبار وجلباره :

ازمحلات قدیمی اصفهان است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و جزء نعمتی‌خانه بوده است . جلبار وجلباره‌که معرب گلبار وگل بهار است[۳] . نزدیکی میدان قدیم واقع وخوابگاه سلطان‌محمد سلجوقی دراین محله میباشد[۴] .

۱۴۱ ـ محله گود مقصودبیك :

این محله جزءمحلات نه‌گانه جوباره و نعمتی‌خانه بوده است[۵] . و اکنون جزاین محله ویکی دومحله دیگر همه ازبین رفته است .

۱۴۲ ـ محله لتور جوباره :

این محله از محلات نه‌گانه جوباره وجزءبخش۳ ازمحلاتی است‌که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزء نعمتی‌خانه بوده است[۶] .

۱۴۳ ـ محله لنبان :

بنابگفته یاقوت حموی لنبان بضم سپس سکون وباء موحدة و آخرش نون دیه بزرگی است در اصفهان و آن را دروازه‌ایست که به دروازه لنبان معروف میباشد[۷] .

۱ـ اعیان‌الشیعه ج ۲۶ ص۲۸۸ . ۲ـ زنده‌رود ج۱ ص۲۸ . ۳و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۴ ـ نزهت‌القلوب ازص۵۳-۵۶ . ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .
۷ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳ .

صاحب اللباب گفته : لنبان محله‌ایست دراصفهان وآن را دروازه‌ایست بنام دروازه لنبان[1] . ودرتاریخ نصف جهان گفته : محله‌ایست واقع در مغرب جنوبی شهر اصفهان[2] .

تحقیق اینستکه لنبان درابتدای امر تا زمان علاءالدوله یکی‌ازدهات‌نزدیك شهر اصفهان بوده و دروازه شهر که نزدیك آنجا بوده به دروازه لنبان معروف بوده است ولیکن پس‌ازتوسعه شهرجزء شهرشده وازمحلات‌مهم وازدوقسمت لنبان سفلی وعلیا تشکیل میگردیده است . دراین محله مسجد باستانی وتاریخی لنبان وجود دارد . عده‌ای ازدانشمندان نیز باین محله منسوبند[3] .

۱ــ اللباب ج۳ص۷۰ . ۲ــ نصف‌جهان ص۲۵ . ۳ــ ازمنسوبان باین‌محله است:

۱ ــ ابوبکر احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی لنبانی ویا ابوالحسن متوفی بیستم ربیع‌الاول (۳۳۲ ه.ق) وی ازمحدثان مشهور وثقه است‌که از عراقیان روایت میکند، وخود ازابوبکربن ابی‌الدنیا تصانیفش را شنید و نیز مسند احمدبن حنبل را ازپسرش عبدالله شنید. ابراهیم‌بن محمدبن حمزة حافظ وعبدالله‌بن احمدبن اسحاق اصفهانی پدرابونعیم ازاوروایت میکنند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۷ واللباب ج۳ ص۷۱)

۲ ــ ابومنصور معمربن احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی صوفی لنبانی متوفی (۴۸۹ ه.ق) ازعالمان بتاریخ وانساب واخبار صوفیه وازمحدثان‌که هم استماع‌کرد وهم نقل کرد . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳)

۳ ــ رفیع‌الدین عبدالعزیزبن مسعودلنبانی متوفی (۶۳۹ه.ق) ازشعرای قصیده‌سراکه با کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی وپدرش جمال‌الدین عبدالرزاق مناظره ومباحثه داشته ومدتی عمرخودرا در ولایت ری گذرانید و سپس بوطن بازگشت و درسن جوانی دارفانی را وداع گفت . ازاشعار اواست :

نسیم لطف تو بی‌منت چمن هر روز — بدست باد صبا دسته‌های ریحان داد
حسود را ز نهیب سنان تو ایزد — چوزلف پرخم تو خاطر پریشان داد

(تذکره روزروشن ص۳۰۵)

۴ ــ عبدالعزیزبن محمد لنبانی از افاضل محله لنبان و معاصر با رافعی قزوینی متوفی (۶۲۳ ه.ق) بوده است . (فهرست اسماءالرجال‌التدوین رافعی‌قزوینی‌ص۴۲)

۵ ــ رئیس یوسف لنبانی ازمعاریف و بزرگان محله لنبان درقرن دهم هجری‌که منشاء اوقریه زمان بوده است . (تذکره نصرآبادی ص۴۱۴)

۶ــ خواجه عبدل‌بن رئیس یوسف لنبانی متوفی بعد (۹۱۹ ه.ق) ازاعیان واخیارمحله ←

محله لنبان درقدیم جزء حیدری‌خانه بوده وامروز جزءبخش۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده‌اند[۱] .

۱۴۴ ـ محله لو بیاباذ :

مطابق گفته معجم‌البلدان بضم سپس سکون و کسر باء موحده و یاءِ و بعد

لنبان وواقف مسجد امامزاده شوری‌که آنرا در (۹۱۹ ه.ق) بنانهاده ودر محله دردشت واقع میباشد . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲)

۷ـ آقاحسین‌بن ملاحسن‌گیلانی لنبانی متوفی (۱۱۲۹ ه.ق) ازمعاصران میرزاعبدالله افندی است‌که خود باتفاق پدرش ازگیلان باصفهان آمد ودرمحله لنبان منزل و درمدرسه شاه تدریس میکرد ، واز ملامحمدتقی اصفهانی معروف بملاتقیا روایت میکرده است . مؤلفات ذیل : ۱ ـ شرح صحیفه سجادیه. ۲ـ اصول عقاید بفارسی . ۳ـ زیارات. ۴ـ شرح ذخیره سبزواری . ۵ ـ شرح مفاتیح فیض کاشانی ازآثار اواست . نامبرده پس‌ازوفات در تکیه آقاحسین خوانساری مدفون گردید .
(اعیان‌الشیعه ج۲۵ص۲۸۶ وریحانةالادب ج۳ ص۴۱۸)

۸ ـ محمدبن سعدالدین محمدحسینی اوحدی لنبانی اصفهانی معروف به‌میرتقی‌الدین مولود (۹۷۳ ه.ق) ومتوفی (۱۰۳۰ه.ق) ازشعرا وفضلاء وازنسل سیدعبدالله لنبانی است‌که حالت معنوی داشته وبهندوستان رفت ودرآنجا شعر بسیارگفت ودرگجرات اورا دیده‌اند . از آثار اواست : ۱ ـ تذکره عرفات‌العاشقین . ۲ ـ سرمه‌سلیمانی. ۳ ـ یعقوب ویوسف. ۴ ـ کعبه مراد . ازاشعار او است :

صدگره دردلم ازحسرت پیکان تو بود سست جنبیدی وزد بخت‌کمان دگرم
(تذکره نصرآبادی ص۳۰۳)

۹ ـ حاج‌سیداحمد لنبانی متوفی (۱۳۶۳ ه.ق) ازعلماء وفضلاء و ائمه جماعت واز سادات محترم بهشتی محله لنبان اصفهان ومردی وارسته وخطیب وواعظ بود . پس‌ازوفات در جنب مسجد مصلی درتخت‌فولاد مدفون گردید و سپس مردمان خیر تکیه مخصوصی برقبر او بنانهادند . (رجال اصفهان ص۱۹۸)

۱۰ ـ ملامحمدتقی‌بن ملاحسین‌بن ملاحسن لنبانی متوفی بعد (۱۱۰۳ ه.ق) ازعلماء وخانواده علم بود ودرمحله لنبان زندگی میکرد . تاریخ قطعی وفاتش بدست نیامد .

۱۱ ـ زیادبن یحیی القسام لنبانی‌که ازبکربن بکارحدیث نقل میکرد وعلی‌بن‌حسن‌بن سلم اصفهانی از او . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۱۲ ـ رئیس اویس لنبانی‌که درقرن یازدهم ازرؤسای لنبان بوده است .
(تذکره نصرآبادی ص۲۰۹)

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸.

الف‌باء موحده و آخرش ذال معجمه جائی است دراصفهان[۱]. ودراللباب[۲] . گفته: محله یا قریه‌ایست در اصفهان . وآنچه مسلم است سرانجام جزء محلات شهر شده است وابوالفضل محمدبن ابی‌بکراحمدبن ابی‌جعفرمحمدبن‌احمد لوبیاباذی‌معروف به قبح فرضی مولود عاشورای (۴۱۱ ه.ق) ومتوفی بعد (۴۸۰ ه . ق) ازمحدثان را منسوب باین محله دانسته است .

۱۴۵ ـ محله ماربان :

دراللباب[۳]. گفته شده قریه‌ای است نزدیك اصفهان‌که ابوعلی احمدبن رستم ماربانی عامل سلطان ازآنجا است[۴] . و در معجم‌البلدان و نزهت‌القلوب ماربانان نوشته شده وجزءناحیه جی قلمداد شده است وکسانی ازمحدثان وبزرگان‌رامنسوب بآنجا کرده‌اند . بنظرنگارنده لفظ ماربان سیرهای تاریخی‌کرده وچندی ماربان و سپس ماربانان واخیراً مارنان ومورنان تلفظ میگردد، وپلی‌هم بآن منسوب است و درهرحال‌جزءِ محلات جنوب غربی اصفهان بشمار میرود .

درکتاب اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ماربان ودرمعجم‌البلدان وذکراخباراصبهان ماربانان ودرفرهنگ جغرافیائی‌ستادآرتش وکتب‌جغرافیائی وتاریخی جدیدمارنان نوشته شده است .

۱۴۶ ـ محله ماربانان :

درمعجم‌البلدان گفته[۵] . به‌راء سپس باء موحدة ونون وآخرش نون‌ازدهات اصفهان است که تا شهر نیم‌فرسنگ مسافت دارد .

وصاحب نزهت‌القلوب گفته : ماربانان ازناحیت جی است[۶] . در ذکراخبار اصبهان هم‌ماربانان‌نوشته وآن‌رادر عداد قرای شهراصفهان شمرده‌است[۷]. وچنانچه در تاریخ نصف جهان گفته در زمان صفویه این قریه هم جزء محلات شهر اصفهان

۱و۵ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴. ۲ـاللباب ج۳ ص۷۱. ۳ـاللباب ج۳ ص۷۹.
۴ ـ ابوعلی احمدبن رستم ماربانی متوفی (۲۹۱ ه.ق) ازعاملان سلطان و از شیوخ صالح وثقه بود وحدیث ازکثیر میشنید و درهمان اصفهان وفات‌کرد . (اللباب ج۳ ص۷۹)
۶ ـ نزهت‌القلوب ص . ۷ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷ .

بوده ودراثر خرابی افغانها اغلب عمارات تبدیل بکشتزار شده ومدتی از شهر جدا بوده است[1] . درهرحال عده‌ای ازمحدثان ودانشمندان باین محل منسوبند[2] .

۱۴۷ ـ محله مارنان :

در فرهنگ جغرافیائی استان دهم ستاد آرتش در کلمه مارنان چنین نوشته شده :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان‌اصفهان درجنوب باختری‌ومتصل بشهر ویکی از محلات اصفهان است پل مارنان بروی زاینده‌رود در نزدیکی این آبادی است .

در تاریخ اصفهان و ری نوشته : مارنان جزءبخش۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[3] . ازآثارتاریخی همان پل‌مارنان است که روی زاینده‌رود بسته شده است .

۱۴۸ ـ محله مردبان :

مردبان نام قدیمی محله آب‌بخشان است که پیش از اسلام باین نام خوانده میشده است و بمناسبت اینکه هنگام جشن آبریزان در آنجا رسومی بعمل میآورده‌اند یا اینکه مرکزپخش آب بوده بنام آب‌بخشان هم خوانده‌اند بعضی را هم عقیده اینستکه مورنان مصحف مردبان است ولی نمیتوان محملی برای صحت

---

۱ ـ نصف جهان ص۲۲ . ۲ ـ از منسوبان باین موضع است :

۱ـ ابوبکر محمدبن فرخان‌بن ابان مارباننانی ازمحدثان‌که ازابومسعود روایت میکرد و حسین‌بن‌علی‌بن احمدبن‌بکر ازاو حدیث نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۶)

۲ ـ ابوعبدالله محمدبن فضل‌بن خطاب عنبری از محدثان مارباننان و شیخی ثقة و کثیرالحدیث بود . محمدبن جعفربن یوسف از او و خود از محمدبن عمر بنلانی روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۳ ـ احمدبن تاجیکة مارباننانی متوفی (۲۷۱ ه.ق) ازمحدثان وشیوخ صالح مارباننان بود واین نکته را ابونعیم ازغزال نقل‌کرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۳)

۴ ـ شبیب‌بن عبدالله‌بن محمدبن احمدبن خورة مارباننانی اصفهانی .
(معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴)

۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

این تصحیف پیدا کرد ، چه مردبان با مورنان مناسبت اشتقاقی نه صغیر و نه‌کبیر ندارند بلکه مورنان را میتوان مصحف مارنان ومخفف مارباناندانست[۱] .

۱۴۹ ـ محله مستهلك :

این محله درقدیم نزدیکی محله شمس‌آباد فعلی بوده وخراب وازبین رفته و بقیه خانه‌ها هم جزء شمس‌آباد شده است اکنون از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و بصورت مخروبه است .

۱۵۰ ـ محله ملقاباذ :

یاقوت‌گفته : ملقاباذ بضم‌سپس‌سکون وقاف وآخرش ذال معجمه محله‌ایست دراصفهان[۲] . وظاهر اینستکه ملك‌آباد بوده است .

۱۵۱ ـ محله ملنجة :

بنابگفته یاقوت‌حموی ملنجه بکسرسپس‌فتح ونون ساکن وجیم محله‌ایست دراصفهان[۳] . در ذکر اخبار اصبهان گفته شده : ملنجه در قرن چهارم از محلات یهودیه اصفهان بوده که به‌محله کوراء منتهی میشده است[۴] . و در اللباب گفته : ملنجه ازدهات اصفهان وگفته شده محله‌ای است دراصفهان[۵] . و در اسماءالبلدان خطی نوشته : ملنجه محله‌ایست ازاصفهان که عده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[۶] .

---

۱ ــ از منسوبان به محله مردبان است : حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن احمدبن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران مردبانی اصفهانی مولود رجب (۳۳۰ یا ۳۳۴ ه . ق) و متوفی ۲۲ محرم (۴۳۰ ه.ق) ازبزرگان علماء ومحدثان و نیای مجلسی و مدفون درقبرستان مردبان که درمحله شیخ‌مسعود نیزواقع‌است وبقعه‌اش معروف به‌بقعه‌حافظ میباشد. اوراست: ۱ـ ذکرتاریخ‌اصبهان دردومجلد . ۲ـ حلیةالاولیاء در ده‌جلد . ۳ـ اربعین درمناقب حضرت‌علی(ع) . ۴ـ در مهدویت چون درمحل دیگری بطورکامل شرح‌داده شده موردی برای تکرار نمی‌بیند . (رجال اصفهان ص۱۴۳)

۲ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص ۱۹۳ . ۳ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵ . ۴ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱-۱۹) . ۵ ــ اللباب ج۳ ص۱۷۷ . ۶ ــ از منسوبان به محله ملنجه است :

۱ ــ ابوعبدالله مقری احمدبن محمدبن حسن‌بن برد ملنجی‌اصفهانی متوفی(۴۳۷ه.ق)

←

۱۵۲ ـ محله منجان ومنوجان :

این محل‌که اکنون ازدهات جی است درقرن چهارم وپنجم جزءمحلات شهر بوده وکسانی نیز باین محله منسوبند[۱] .

۱۵۳ ـ محله هورنان :

این محله جزءبخش۱ از محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۵۴ ـ محله میدان :

یاقوت حموی‌گفته[۳] . میدان محله‌ای است دراصفهان که عده‌ای ازمحدثان بآن منسوبند[۴] .

→

ازمحدثان‌که حدیث ازابوبکر قیار وابوالشیخ حافظ نقل میکرد وابوبکر خطیب ازاو .
(اللباب ج۳ ص۱۷۷)

۲ ـ ابوعبدالله قرشی محمدبن ابراهیم‌بن سالم‌بن عبدالله ملنجی معروف به ابن شاوال وساکن ملنجه بود از حسن‌بن عرفة وعلی‌بن داود قنطری وغیرآنان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۲)

۳ ـ ابوعبدالله محمدبن محمدبن ابی‌القاسم‌المؤذن ملنجی متوفی (۶۱۲ هـ . ق) از محدثان‌که حدیث از ابوالفضل‌بن ابی‌الرجاء ضبابی و ابوالقاسم اسماعیل‌بن علی حمامی و ابوطاهر معروف به هاجر و غیرآنان روایت میکرد و ببغداد رفت و در (۵۱۸ هـ.ق) درآنجا حدیث گفت ومحمدبن مبارك وغیراو دردمشق ازاو حدیث شنیدند و سپس باصفهان برگشت و همانجا بمرد . (معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵)

۴ ـ ابومسعود سلیمان‌بن ابراهیم‌بن سلیمان ملنجی اصفهانی متوفی (۴۸۶ هـ . ق) از محدثان و مصنف تخریج بر صحیحین و غیر ذلك و کتاب : الاربعین علی مذهب‌المحققین در حدیث . (اسماءالمؤلفین ص۳۹۸)

۵ ـ جعفربن ابوسنان ملنجی ازمحدثانی‌که حافظ عبدالعظیم براواملاء کرده است :
(اسماءالبلدان)

۱ ـ ابومنصور ابراهیم‌بن ابجه‌بن اعصرابواسحاق منجانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازمحمدبن عاصم اصفهانی‌روایت‌میکرد وابواسحاق سیرجانی‌ازاو. ۲ ـ تاریخ‌اصفهان و ری‌ص۹۹.

۳ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۹۹ . (المشترك ص۴۱۲)

۴ ـ ازمنسوبان به محله میدانند : (اللباب ج۳ ص۱۸۱)

←

۱۵۵ ـ محله میدان اسفریس :

و ظاهراً اسفریس معرب اسبریس و اسپریس است که میدان اسبدوانی و چوگان‌بازی باشد بنا بگفته ابوموسی که از قدمای اصفهان است میدان اسفریس محله‌ای دراصفهان بوده است[۱] . وکسانی ازعلماء ومحدثان نیزباین محله انتساب داده شده‌اند[۲] . وبنظر نگارنده محله میدان با این محله یکی است .

۱۵۶ ـ محله میدان شاه :

ازمحلات جزءبخش۴ شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد[۳] . وحدود آن در اطراف میدان شاه وبالاتر خواهد بود .

۱۵۷ ـ محله میدان کهنه :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[۴]. وازمحلات معروف اصفهان است . کسانی‌ازنامداران نیزباین محله منسوبند[۵]. مدرسه‌کاسه‌گران ونوریه درنزدیکی این‌میدان واقعند.

۱۵۸ ـ محله میدان میر :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزءِ محله بزرگ جوباره ونعمتی‌خانه بوده است[۶] .

→

۱ ــ ابوالفتح مطهربن احمد مفیدبیع میدانی که بنابگفته حافظ ابوالفضل مقدسی از محدثان اصفهان است که حدیث از ابونعیم حافظ شنیده است ولی ابوموسی حافظ اظهار بی‌اطلاعی ازوجود چنین محدثی کرده است . (المشترك ص۴۱۲)

۲ــ محمدبن محمدبن عبدالرحمان‌بن‌عبدالوهاب مدینی میدانی‌که ابوموسی‌گفته پدرم ازاو حدیث نقل میکرد . (المشترك ص۴۱۲)

۱ ــ المشترك ص۴۱۲ . ۲ ــ ازمنسوبان بمحله میدان اسفریس است: محمدبن‌محمدبن عبدالرحمن‌بن عبدالوهاب میدانی‌که ابوموسی وپدرش ازاو حدیث شنیده‌اند . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۴۲) . ۳ و۴ و۶ــ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۵ــازمنسوبان بمحله میدان‌کهنه است :

۱ــ میرزا غلامحسین استاد اسطرلاب واکرکه در خدمت وزارت پست‌وتلگراف بود و درقرن‌چهاردهم هجری‌میزیست . سیدحسن‌مشکان طبسی استاد ریاضی معروف متوفی‌ازمحضرش استفاده‌کرده است . (مجله آستان قدس شماره۱ دوره هشتم ص۱۰۳)

۱۵۹ ـ محله ناجونان = ناژونان :

ازمحلاتی است که‌جزءبخش۱ واقع‌و آن طرف‌خیابان دورشهر اصفهان‌است[۱].

۱۶۰ ـ محله نخان :

ازدهات درب دروازه اصفهان است که گاهی خارج شهروزمانی جزءمحلات اصفهان محسوب میشده است یاقوت گفته[۲] : نخان بضم و آخرش نون دیهی است درب دروازه اصفهان که بآن گفته میشود شهر جی یا نزدیك آن یا محله‌ایست از اصفهان . مؤلف اللباب گفته[۳]. نخان ازقرای اصفهان است‌که آنرا جی‌میگویند. ابونعیم حافظ اصفهانی گفته[۴] ؛ نخان دیهی از سواد شهرستان بوده است . ویکی ازمحدثان را نیز بآنجا منسوب ساخته‌اند[۵] .

۱۶۰ ـ محله نیم‌آورد = نم‌آورد :

این محله جزء بخش ۳ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود وحیدری‌خانه بوده است[۶] .

مدرسه نیم‌آورد ومسجد حاج محمد جعفرآباده‌ای وچند مسجد دیگر در این‌محله واقع شده است وبه محله یمابرت نیز رجوع شود .

۱۶۱ـ محله واذار = واذار = وذار :

ابونعیم حافظ اصفهانی‌متوفی (۴۳۰ ه.ق.)گفته:[۷] واذار درشهر اصفهان‌محل دفن احمدبن عیسی‌بن زیدبن علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام است‌که هنگام‌فرار درخلافت هارون‌الرشید باصفهان‌آمد وهمانجا وفات‌کرد ودرمحل واذار

۱و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۲ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۲۷۵. ۳ـ اللباب ج۳ ص۲۱۹ . ۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰ . ۵ ـ از منسوبان به‌محله نخان است :

۱ ـ ابوجعفر زیدبن بنداربن زید نخانی اصفهانی فقیه متوفی (۲۷۳ ه . ق) از مردم نخان‌که دیهی ازسواد شهرستان است بوده وخود ازعثمان‌بن ابی‌شیبه وقعنبی وعمروبن رافع ابوحجر واسماعیل بجلی‌روایت میکرده است واحمدبن‌محمدبن نصیراصفهانی ازاو- ابوجعفر مزبوروزن وپسرش چهل‌سال روزه گرفتند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۷ـ ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۸۰

دفن گردید .

درمعجم‌البلدان گفته:[1] و اذار بذال معجمه و آخرش راء از دهات اصفهان است. ودراللباب[2] گفته : واذار ازقرای اصفهان‌است. درالمشترك‌گفته:[3] وذار بفتح واو و ذال معجمه ازدهات اصفهان است .

آنچه مسلم است اینکه محله واذار اکنون همان محله موسوم به امامزاده احمد است که دربازار ساروتقی ونزدیکی مدرسه عربان واقع است و این‌حدود را درقدیم‌واذار میگفته‌اند وظاهراً در دوره ملکشاه سلجوقی‌که شهر روبتوسعه‌گذارده جزء شهرشده است .

ازاماکن تاریخی واقع دراین محله همان امامزاده احمد ومسجد ساروتقی و مدرسه عربان است . وامکان دارد واذار بجا و معنای بازار باشد چون بازار سار و تقی‌هم درآنجا است .

وعده‌ای‌ازعلماء ومحدثان وبزرگان‌باین محله منسوبند[4]، وجه تسمیه شاید این باشدکه درمحل و اذار توقفگاه وایستگاهی بوده‌که امر بایستادن و واداشتن میکرده‌اند .

۱۶۲ـ محله وذنکاباذ :

درمعجم‌البلدان[5] وذنکاباذ را بفتح اول وثانی وسکون نون‌گفته ومعنای‌آن را آبادی وذنك نوشته است .

۱ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۶ ۲ـ اللباب ج۳ ص۲۵۵ ۳ـ المشترك ص۴۳۵

۴ـ ازمنسوبان به محله واذارند :

۱ ـ حسن‌بن مصقله واذاری متوفی (۲۹۰ هـ . ق)
(ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۲۶۱)

۲ـ ابوالعلاء محسن‌بن ابراهیم‌بن احمد واذاری متوفی بعد از (۴۰۰ هـ . ق) از محدثان‌که ابوعلی حسن‌بن عمربن یونس از او روایت میکرد .
(اللباب ج ۳ ص ۲۵۵)

۳ـ محمدبن جعفربن‌یحیی‌بن فرقد ضبی معبر واذاری ازصاحبان تفسیر برای‌عبدالرزاق بنقل ازسلمةبن شبیب. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۸)

۵ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۶۹

این‌محله هم در قدیم جزء دهات خارج شهر بوده وزمانی جزء شهر وخلاصه تابع‌عمران وویرانی شهر بوده است .

ابو نعیم گفته[1]: وذنکاباذ از دهاتی بوده‌که منصل بحصار شهرستان بوده است . درالباب گفته :[2] وذنکاباذ از قرای اصفهان است. و عده‌ای را منسوب بآنجادانسته است[3].

۱ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ س۱۲۹ ۲ــ اللباب ج۳ ص۲۶۵ ۳ــ از منسوبان به این‌محله است :

۱ــ ابوبکرمحمدبن ابراهیم‌بن عمرو ذنکاباذی‌که حدیث ازحسن‌بن محمدبن عبدالله‌بن حسنویه اصفهانی شنید و ابوالقاسم شیرازی از او روایت میکرد .
(اللباب ج ۳ ص ۲۶۵)

۲ــ ابوبکر محمودبن فرج‌بن عبدالله‌بن‌بدر وذنکاباذی متوفی (۲۸۴ه.ق) ازمحدثان ونیای ابومحمدبن حیان وازابدال بود ، سه‌بار بطرسوس‌رفت ، ازاحمدبن عبدة وبشیربن‌هلال وعبدالجبار وابن‌ابی‌عمر وازابوحجررازی وعبدالله‌بن عمران وسعیدبن عنبسه واسماعیل‌بن‌ثوبة وابوعثمان رازی روایت میکرد . (ذکر اخباراصبهان ج ۲ ص۳۱۲)

۳ــ ابوعبدالرحمن عبدالله‌بن محمودبن‌الفرج الوذنکاباذی متوفی (۳۲۵ ه . ق) از محدثان ودائی ابومحمدبن حیان بودکه ازبوحاتم رازی وهلال‌بن‌العلاء رقی وابوعمرو روایت میکرد ، وحسن‌بن اسحاق‌بن ابراهیم اصفهانی از او روایت داشت .
(اللباب ج ۳ ص ۲۶۷)

۴ــ ابوعبدالله محمدبن علی‌بن محمدبن‌احمد وذنکاباذی ازمحدثان که حدیث ازابن‌ــ الشیخ روایت میکرد . (معجم البلدان ج ۵ ص۳۶۹)

۵ــ ابوالعباس احمدبن محمودبن صبیح‌بن‌سهل‌بن ابراهیم مدینی‌ثقفی وذنکاباذی‌متوفی (۳۱۰ ه . ق) ازصاحبان اصول وثقة واز اصفهانیان روایت میکرد ودارای فواید بسیار بود، نامبرده در وذنکاباذ با روی شهرستان سکونت داشت ، و از عبدالله‌بن ابی‌عمرو و ابــومسعود مصنفاتش را ونیزاز احمدبن سعیدبن جریر روایت میکرد .
(ذکرتاریخ اصبهان ج۱س۱۲۹)

۶ــ عبدالرحمن‌بن محمودبن‌الفرج وذنکاباذی متوفی (۲۹۸ ه . ق) ازمحدثان‌که با برادرش احادیث بسیار نوشت ولی حدیثش بیرون نیامد .
(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۱)

۷ــ علی‌بن‌حسین‌بن محمدبن‌علی‌بن‌الحسین الحنظلی‌المؤدب الوذنکاباذی ازمحدثان‌که خود از اسماعیل‌بن راشد وابوعمر طلحی از او روایت میکرد .
(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۸)
←

۱۶۳ـ محله واذنان :

درالباب گفته:[۱] ازقرای اصفهان است که جمعی از علماء آن منسوبند در معجم‌البلدان گفته :[۲] واذنان بکسرذال معجم ونونین ازقرای اصفهان است وشیخ عارف محمدبن احمدبن‌عمر منسوب بدانجا است.[۳]

۱۶۴ ـ محله ورگان :

بفتح واو وسکون راء وکاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[۴] .

درالباب گفته : محله‌ایست دراصفهان[۵]. یاقوت نوشته: ورکان بفتح‌وسکون وکاف و بعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[۶] . ورگان یعنی جای‌گرگ .

→

۸ـ فرح‌بن عبدالله وذنکاباذی از محدثان و ذنکاباذ که حدیث از عثمان‌بن سعید نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۷)

۹ـ هبةالله مؤدب وذنکاباذی از محدثان وذنکاباذ شهرستان وابوبکر محمدبن ابراهیم سبط اوبود . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۶۹)

۱ـ اللباب ج۳ ص۲۰۶ ۲ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۲۶ ۳ ـ دیگرازمنسوبان‌به واذنان است :

۱ـ ابوجعفر احمدبن مالک‌بن یحیی‌بن‌احنف‌بن قیس واذنانی ازمحدثان‌که ابواسحاق سریجانی از او روایت‌کرده است . (اللباب ج ۳ ص۲۵۶)

۲ـ مالک‌بن بحرواذنانی‌ازمحدثان‌که ازاحمدبن صالح‌سمومی روایت‌میکند وابوحامد اشعری ازاو حدیث نقل‌کرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ص۳۱۹)

۳ـ محمدبن احمدبن عمر واذنانی‌که درمعجم‌البلدان یادآوری‌گردیده است .
(معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۹)

بنظرمیرسدکه واذنان ازمحلات شهرستان بوده‌که ازمیان رفته است . بیشترازمحلات و آبادیهائی‌که دارای عالمان ومحدثان بوده وازبین رفته ازشهرستان بوده است .

۴ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۳۷۳ ۵ـ اللباب ج ۳ ص۲۶۹ ۶ـ ازمنسوبان باین محله است :

۱ـ ابوالعباس‌احمدبن حسن‌بن ابراهیم مفتش ورکانی‌متوفی صفر (۴۵۴ه.ق) محدثی
←

۱۶۶ ـ محله ویذآباذ :

که شرح آن ومنسوبان بآن درمحله بیدآباد شرح داده شده است .

۱۶۷ـ محله وعل :

درکشف‌الظنون گفته[۱] وعل ازقرای اصفهان است وابوبکروعلی ازمنکران حیله درطلاقرا منسوب بآنجادانسته‌است وگفته طاهربن‌یحیی‌یمینی کتاب‌الاحتجاج الشافی بالردعلی‌المعاند فی‌طلاق‌التنافی‌را در رد براو تألیف‌کرده است.

۱۶۸ ـ محله هفتشور = هفتشویه :

ابونعیم[۲]، اصفهانی‌گفته : هفشور از دهات اصفهان است و یکی از محدثان را منسوب بآنجا شمرده است[۳] . ولی در قرون ششم وهفتم و هشتم‌که ناحیه قهاب درنهایت عمران و آبادی بوده این محل بنام هفشویه تقریباً متصل بشهراصفهان و ازمحلات آن محسوب میشده است . منتهی معلوم میگردد که درقرن سوم‌وچهارم نام آن هفشور وبعدازآن بنام هفتشویه بوده است ودرهرزمانی هم منسوبانی داشته است . از اماکن تاریخی در آنجا مسجدی است که از قرون مربوط بسلجوقی‌ها

→

کثیرالسماع وقلیل‌الروایة بود وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد . (المشترك ص۴۳۵)

۲ـ ذوالنون مصری ورگانی ازشیوخ ابوالفضل باطرقانی .

(معجم‌البلدان ج ۵ ص ۳۷۳)

۳ـ عایشه بنت حسن‌بن‌ابراهیم ورگانی متوفاة (۴۶۳ هـ.ق) ازدانایان و واعظان بود واز ابوعبدالله‌بن‌مندة روایت میکرد وام‌الرضا ضوء بنت‌محمدبن علی‌حبال‌ورگانی ازاوروایت میکرد . (اللباب ج ۳ ص۲۶۹)

۱ـ (کشف‌الظنون ج۱) ۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷. ۳ـ و از منسوبان به‌آنجا است: ۱ـ احمدبن ابراهیم‌بن عبدالله مؤدب هفشوری از ساکنان قریه هفشور و از محدثان که حدیث از محمدبن المثنی و سلمةبن شبیب ومقری نقل میکرد.

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷)

۲ ـ پیرسلیمان هفتشوئی از شاگردان آخوند ملانصیراواز شعرای معاصر شاه سلیمان صفوی واز اشعار اواست معمائی بنام صدر :

چون‌صبا زلف‌ازجمال‌روی یارم دورکرد برکنار لب دوخال هندویم رنجور کرد

(تذکره نصرآبادی ص ۵۳۸)

بصورت ویرانه‌ای درآمده است وشرح آن گفته شده . اکنون بنام هفتشویه و جزء ناحیه قهاب و در ۵ کیلومتری شمال شوسه اصفهان بیزد واقع است و در حدود دویست‌وبیست‌نفر سکنه دارد[۱] .

۱۶۹ ـ محله هفتان :

این محله درابتدای امر دیهی واقع در درب دروازه اصفهان ودارای آبهای جاری و منبر بوده است[۲] . و هرچه شهر روبخرابی میرفته از شهر دور میشده و هنگام عمران وآبادی ازمحلات شهر بوده است .

۱۷۰ ـ محله هیسان :

بفتح‌سپس سکون وسین‌مهملة وآخرش نون ازقرای اصفهان است. این‌نکته را یاقوت حموی درقرن هفتم هجری گفته است[۳] . ولی در دوران صفویه که شهر اصفهان به‌نهایت معموریت رسیده بود این دیه ونظائر آن همه جزء محلات‌اصفهان بوده‌اند . درالباب نیزگفته[۴] : هیسان قریه‌ای ازقرای اصفهان است‌که عده‌ای از علماء بآن منسوبند[۵] .

۱۷۱ ـ محله یارم :

درمعجم‌البلدان بکسر راء خوانده وآنرا از دهات اصفهان دانسته است[۶] . و در المشترك براء مفتوحه و از ابوموسی حافظ اصفهانی نقل کرده که از قرای

---

۱ ـ فرهنگ جغرافیائی استان دهم اصفهان . ۲ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۸ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۲۲ . ۴ ـ اللباب ج۳ ص۲۹۷ . ۵ ـ از منسوبان به محله هیسانند :

۱ ـ ابوعلی حسن‌بن محمدبن حمزه هیسانی از محدثان که از علی‌بن محمد طنافسی و یحیی‌بن اکثم روایت میکند وخود از عبدالله‌بن محمدبن عیسی اصفهانی .
(اللباب ج۳ ص۲۹۸)

۲ ـ ابوعمرمحمدبن احمدبن حسن‌بن محمدبن حمزه ضبی‌هیسانی مولود (۲۷۲هـ.ق) ومتوفی (۳۵۸ هـ.ق) ازمحدثان‌که حدیث ازابوبکربن نعمان وابوطالب‌بن سوادة و محمدبن عبدالله‌بن‌الحسن وابراهیم‌بن نائله استماع کرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۷)

۶ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص ۴۲۵.

اصفهان وعده‌ای ازعلماءِ بآن منسوبند[1] . درقاموس‌اللغه آنرا یرم بفتح را نوشته وازقرای اصفهان دانسته است .

درهرحال نام یارم اکنون در محاورات نیست و از آن دهاتی بوده که دراثر توسعه شهرآن نام ازبین رفته است، وجزء محلات شهردرآمده است و فقط عنوان تاریخی دارد .

۱۷۲ ـ محله یازده پیچ :

چنانچه صاحب تاریخ نصف جهان گفته این محله در جوباره اصفهان واقع ونعمتی‌خانه بوده است[2] .

۱۷۳ ـ محله یزدآباد :

محله‌ایست دراصفهان جزءبخش۴ ازمحلاتی که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[3] . وعده‌ای ازعلماء وفضلاءِ بآن منسوبند[4] .

۱۷۴ ـ محله یمابرت :

بنا بگفته یاقوت حموی بفتح وبعد الف‌باء موحدة و راءِ ساکنهٔ وتاءِ مثناة از قرای بزرگ اصفهان است که درآن بازار و منبراست و گاهی بجای باء فاء تلفظ میشود ومیگویند «یمافرت»[5] . ودراللباب گفته[6] : یمابرت یکی ازمحال‌اصفهان است وآنرا « یمافرت » بفای غیر خالص نیز تلفظ میکنند و عده‌ای از علماءِ بآن منسوبند[7] .

از گفته‌های یاقوت وصاحب اللباب برمیآید که یمابرت یا از قرای اطراف

---

۱ ـ المشترك ج۳ ص۴۴۱ . واز منسوبان آنجا است : ابوموسی حافظ یارمی ازمحدثان .
۲ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۴ ـ ازمنسوبان بهاین محله است : ۱ ـ میرزا مهدی یزدآبادی از خوشنویسان خطوط نستعلیق وشکسته در دوره قاجاریه . (جغرافیای اصفهان ص۸۲)
۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۴۱ . ۶ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۳ . ۷ ـ از منسوبان بآنجا است : ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم یمابرتی اصفهانی ازمحدثان که بعراق سفرکرد وحدیث از ابوالقاسم بغوی وابوبکربن الولاد شنید و ابوبکربن مردویه حافظ ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۳ ص۳۱۳)

اصفهان ویا محله‌ای بوده و چون درذکر تاریخ اصبهان که از ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم خشاب نامبرده ذکری ازقریه ویا محله نکرده دلیل اینستکه در آن تاریخ مردم اصفهان محسوب میشده است وطوری بوده که یمابرت از اصفهان (شهر) محسوب بوده است مطلب تازه‌ای که بنظرمیرسد (یمابرت) یا (یمافرت) احتمال زیاد دارد که منظور همان محله (نماورد) باشد که در قدیم (یمابرت) یا (یمافرت)وشاید (نمابرت) و(نمافرت) بوده و تصحیف‌گردیده است و اینکه ابونعیم ذکری نکرده برای این بوده‌که این کلمه بعد از ابونعیم پیدا شده است .

۱۷۵ ـ محله یوانان :

درمحاسن اصفهان یوان را بصورت یوانان نوشته وگفته است ازقرای‌قدیمی اصفهان است که درآنجا دو قلعه مهم بوده است و میتوان گفت تثنیه یوان یا جمع فارسی آن باشد[۱] .

واما ابونعیم‌گفته:یوان‌قریه‌ای‌بوده‌که‌اکنون‌محل‌مسجدجامع‌اصفهان‌است[۲]. درانساب سمعانی گفته : یوان دیهی است ازدهات اصفهان که بردر دروازه اصفهان است و قبر علی‌بن سهل صوفی در آنجا است . در اللباب‌گفته شده : یوان دیهی از اصفهان است وعده‌ای از علماء بآن منسوبند[۳] . و یاقوت گفته[۴] : یوان آخرش نون واولش مفتوح قریه‌ایست بردروازه اصفهان که جماعتی بآن منسوبند[۵] .

---

۱ ـ محاسن اصفهان ص۸ . ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴ . ۳ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۴ . ۴ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۲ . ۵ ـ از منسوبان به محله یوان است :

۱ ـ ابوبکر محمدبن احمدبن معرة یوانی ازبندگان صالح خدا که حدیث ازمظالمی وابوعلی‌بن غانم والحساب و عبدالله‌بن جعفر شنید . (اللباب ج۳ ص۳۱۴)

۲ ـ ابوجعفر احمدبن عبدالله بن محمدبن‌الحکم‌الیوانی‌الاصفهانی متوفی (۳۲۲ه.ق) ازمحدثان ثقه‌که از: سری‌بن یحیی ویحیی‌بن ابوطالب روایت میکرد، وابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن حمزة اصفهانی وابوبکربن مقری و شیخ ابونعیم اصفهانی بایك واسطه ازاو حدیث نقل میکردند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۱)

۳ ـ ابوعبدالله محمدبن‌الحسن‌بن عبدالله‌بن مصعب‌بن سلیم‌بن‌کیسان ثقفی یوانی‌متوفی (۳۲۲ ه. ق) وی از دیه یوان درب دروازه شهر بود و محمدبن عبدالرحمن‌بن الفضل و ابواسحاق‌حمزه اصفهانی ازاو وخود ازسهل‌بن عثمان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۱۷۶ ـ محله یونارت :

در معجم‌البلدان چنین ضبط شده : یونارت بضم سپس سکون وبعد الف راءِ مفتوحه وتاء مثناة ازفوق قریه‌ایست درب دروازه اصفهان[۱] . ودر اللباب نوشته[۲]: یونارت: دیهی است ازاصفهان درب دروازه‌آن وعده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[۳].

این دیه ازدهاتی است‌که درزمان صفویه جزء شهرشده واز محلات محسوب میگردیده است ولی اکنون نشانی ازآن هم دیده نمیشود .

۱۷۷ ـ محله یهودیه :

در المسالك والممالك مقدسی گفته شده که قسمت یهودی‌نشین اصفهان را یهودیه میگفته‌اند ودر المشترك گفته[۴] : یهودیه نام شهر فعلی اصفهان است . در معجم‌البلدان‌هم‌گفته :یهودیه شهرکنونی‌اصفهان‌است[۵].درنخبة‌الدهر فی‌عجایب‌البر والبحر نیز نظر معجم‌البلدان والمشترك تأیید گردیده است . مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته است‌که یهودیه عبارت ازقسمتی ازاصفهان فعلی بوده که از خیابان هاتف امروز ازفلکه شکرشکن تا دروازه طوقچی محورآن‌محسوب میشود وهمچنین جوباره یعنی قسمت یهودی نشین فعلی اصفهان .

درواقع این محله همان محله جوباره کنونی است باکمی تفاوت وآن‌راکوی جهودان نیز نامیده‌اند واین نام مربوط بزمان پیش از اسلام است . درهرحال این محله معروف ومشهور وعده‌ای ازعلماءِ ازآن برخاسته‌اند[۶] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۳ . ۲ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۶ . ۳ ـ از منسوبان بآنجا است: ابونصرحسن‌بن محمدبن ابراهیم‌بن‌احمدبن علی‌بن حیویه‌المقری‌الیونارتی متوفی حدود (۴۳۰ ه.ق) دراصفهان ازحفاظ مکثر وکثیرالکتابة بود سفری بعراق وخراسان کرد و حدیث ازحسن‌بن احمد سمرقندی درنیشابور وازابوالقاسم احمدبن محمد خلیلی دربلخ‌شنید. اوراست معجم‌الشیوخ درچند جزء . دراسماءالمؤلفین و انساب سمعانی و اللباب ولادتش در ۴۶۶ ووفاتش در حدود ۵۳۰ هجری نوشته شده است .
(معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۵۳ واسماء المؤلفین واللباب)
۴ ـ المشترك ص۴۴۳ . ۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۳. ۶ ـ ازمنسوبان‌به‌محله یهودیه است :

←

این بود فهرست نامهای محلات شهر اصفهان در ادوار مختلف تاریخی که ملاحظه میشود برای یك محله درزمانهای گوناگون نامهای مختلف قرارداده‌اند. هرچند عدد محلاتیکه شمردیم زیاد بنظر میرسد ولی چون اغلب آنان مترادف میباشند نمیتوان عدد واقعی آن محلات را از پنجاه ببالا دانست.

ازطرف دیگر عده‌ای ازکوچه‌ها هم‌همان نام محلات را دارند وبنظرمیرسد که ازنظروسعت بهردونام خوانده شده است. اصولاً درزمان قدیم‌که‌خیابان بمعنی امروزی متداول نبوده شارعهائی که وسیع و درروهای گوناگون داشته است کوی مینامیده‌اند مانندکوی جهودان وکوی خوزیان‌که درواقع محلاتی‌بوده‌که‌شارعهای گوناگون ازهرطرف داشته‌اند واگر شارع‌بن بست میشده کوچه مینامیده‌اند.

ذکر معابر ومحلات وکویها وبرزنها دراین نوشته از جهت وجود آثارملی و باستانی درآنها درگذشته ویا درحال است وگرنه بنفسه اطلاع ازمحله یا کوچه یا کوئی که در زمانهای پیشین وجود خارجی داشته است و خبرش بما رسیده ثمری ندارد چنانچه در ابتدای وضع ساختمانی شهر اصفهان متذکر گردید درشهر مزبور علاوه برکوچه وشارع محلات‌آن به‌سیبه‌هائی تقسیم میشده یعنی یك‌کوچه منقسم

۱ــ ابوجعفرمحمدبن‌الفرج‌الفقیه‌یهودیه‌ای ازمردان خیروفاضل‌بودکه درکتابهای‌کوفیان نظر میکرد وازمتولیان جامع یهودیه بشمارمیرفت، جدش فرج از موالی خالدبن یزید قرنی بود. خود ازقاسم‌بن حکم عرنی ومحمدبن یحیی‌بن منده ازاو روایت میکرد.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۰۰)

۲ ــ ابوعبدالله محمدبن‌العباس‌بن‌خالدبن یزیدبن‌ماهان یهودیه‌ای متوفی (۲۶۶ ه.ق) ازمحدثان وازیاران عباس طامه‌ای وزکریابن‌الصلت وعبدالرحمن‌بن علی است، و حدیث از ابوعاصم وحسین‌بن حفص ومقری و عبیدالله‌بن موسی روایت میکرد وآخرین کسی‌که حدیث از اونقل‌کرده عبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس است. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۵)

۳ــ عمروبن المبارك البجلی یهودیه‌ای اصبهانی متوفی بعد از (۲۸۰ه. ق) ازساکنان یهودیه‌که حدیث ازقیس وابوهانی عمربن بشیر و اسرائیل و مندل نقل کرده است. ابونعیم گفته: درکتاب من اکره‌الروایة عنه دیدم گفته درکتاب ابویعقوب اسحاق بن یوسف یافتم‌که ازمحمدبن حارث صیداوی مسموع شد درسال (۲۸۰ ه.ق) عمروبن‌المبارك البجلی‌الاصبهانی ساکن یهودیه مارا حدیث گفت. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۴)

به چند کوچه میشده وتمام این کوچدها یك در رو داشته و دربی داشته که هنگام اغتشاش یا درموقع فرارسیدن شب آن درها را می‌بسته‌اند واین‌عده‌کوچه بادربندان آن راسیبه مینامیده‌اند ودرابتداء اشاره گردید که این وضع تا دوره پهلوی ادامه داشت وازآن زمان‌ببعد متروك گردید ودرها برداشته شد والا اکنون هم درامکنه قدیمی شهر اصفهان بعضی از سیبه‌ها وجود دارد .

هـ ـ کوچه‌های شهر اصفهان :

۱ ـ کوچه اسماعیل کوسج :

این‌کوچه درمحله باغات واقع شده است .

۲ ـ کوچه جهودان :

یاکوی جهودان که همان محله یهودیه ویا جوباره میباشد .

۳ ـ کوچه باباسرخ :

این‌کوچه واقع است دردنبال جوی شاه درمحله سرجوی شاه وبقعه باباسرخ که یکی ازباباهای قدیم است درآنجا واقع شده است[۱] .

۴ ـ کوچه باقلافروشان :

این‌کوچه در محله باقلا فروشان جزء بخش ۴ از محلات شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۲] .

۵ ـ کوچه بی‌نقابان :

این کوچه جزء کوچه‌هائی بوده که در دنباله مدرسه صفویه اصفهان واقع و درآن کوچه‌ها کاروانسراهائی قرارداشته که مسکن زنان بدکار بوده است[۳] .

۶ ـ کوچه حران :

این کوچه درزمان قدیم دراصفهان معروفیت داشته ورجالی نیزازآن‌کوچه برخاسته‌اند[۴] .

---

۱ ـ رجال اصفهان ص۶۴ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۳ ـ زندگی شاه‌عباس ج۳ ص۵۶ . ۴ ـ اللباب ج۱ ص۲۸۹ .

۷ ـ کوچه بازارچه خان :

این کوچه دربازارچه‌خان که درمحله دارالبطیخ واقع است میباشد ومسجد خان در آنجا بوده است[۱] .

۸ ـ کوچه‌باغ :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد کوچه‌باغ واقع شده است .

۹ ـ کوچه باغ قلندرها :

این کوچه مسجد حکیم را ببازار بزرگ شهراصفهان متصل میکند وعلاوه برمسجد حکیم مسجد دیگری بنام مسجد شیشه که معروف به‌مسجد خلوت‌نشین است واقع گردیده است[۲] .

۱۰ ـ کوچه باغ حاجی :

درمحل باغ حاجی‌که موقعیت آن درمحله باغ‌حاجی شرح داده‌شده‌کوچه‌ای است بنام کوچه باغ حاجی‌که درآن مسجدی بنام مسجد خواجه روح‌الله واقع‌است که در زمان شاه‌عباس بنا گردیده است . تاریخ بنای آن سال یکهزار و بیست وسه هجری میباشد[۳] .

۱۱ ـ کوچه بواسحاقیه :

کوچه‌ای است‌که ازگوشه شمال غربی‌مسجدجامع اصفهان بطرف‌آن میروند واین کوچه را ازآن‌جهت بواسحاقیه گفته‌اندکه عمارت دیوانی شیخ‌ابواسحاق‌انجو درآن کوچه بوده است ودرست آن همین است . مسجد جامع نیز درنزدیکی این کوچه واقع شده است[۴] .

۱۲ ـ کوچه پاکاریها :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد پاکاریها واقع شده است .

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۶۱۰ .
۲ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهانص۸۵۵.
۳ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۷۹ .
۴ــ تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۲ .

۱۳ - کوچه پشت مسجدشاه :

این کوچه درپشت مسجدشاه واقع وکتیبه سردرمدرسه سلیمانیه بسوی این کوچه قرارگرفته است[۱] .

۱۴ - کوچه پهن :

دراین کوچه هم مسجدی بنام مسجد کوچه پهن وجود دارد و چون کوچه عریض بوده بنام کوچه پهن خوانده شده است .

۱۵ - کوچه تکیه ظلمات :

این‌کوچه درمحله تکیه ظلمات واقع ومسجد مقصودبیك‌که مردم محل‌آنرا مسجد ظلمات میخوانند درآن قرار دارد و شاید وجه تسمیه این باشدکه درآنجا تکیه‌ای‌بوده‌که بیشتر تاریك وبی‌روشنائی وچراغ دیده‌میشده واز اینروآن تکیه‌را تکیه ظلمات یعنی تاریکیها خوانده‌اند .

۱۶ - کوچه جماله کله :

این کوچه که اکنون بنام محله خوانده میشود درعصر شاردن فرانسوی که درزمان صفویه باصفهان‌آمده کوچه نامیده میشده است ودرآن موقع شاردن‌کوچه جماله کله را تابع محله نیم‌آورد خوانده است[۲] .

۱۷ - کوچه رندان :

ازکوچه‌های قدیم اصفهان است‌که شیخ‌عزالدین متوفی (۷۹۰ه.ق) درابتدای آن‌کوچه مدفون شده‌است. وازآن‌جهت‌آن‌کوچه‌را باین نام خوانده‌اندکه مردمان عیار وغارتگر درآن سکونت داشته‌اند .

۱۸ - کوچه ساوجیان :

این‌کوچه‌که بمناسبت سکونت سعیدالدین محمد ساوی بنام‌کوچه ساوجیان معروف بوده ودرنزدیکی مسجد جامع کنونی واقع میشده تغییر نام داده و اکنون

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۷ . ۲ــ سفرنامه شاردن ترجمه‌عریضی ص۸۹.

به کوچه سبزیان شهرت دارد[1] .

۱۹ ـ کوچه طراز :

کوچه‌ای بوده در اصفهان که تجار مردم شهر طراز ترکستان در آن منزل میکرده‌اند ودرآن پنجاه‌کاروانسرا وجود داشته است واین طرازهمان محله طراز میباشد که درپیش شرح داده شده است[2] .

۲۰ ـ کوچه دارالبطیخ :

درواقع همان است که محله دارالبطیخ ودالبتی میخوانند و در محله کران که امروزه احمدآباد نامیده میشود واقع گردیده است ونهرفدین آنجارا مشروب میکند وتربت نظام‌که مقبره خواجه نظام‌الملك و دیگران باشد در این‌کوچه واقع شده است[3] .

۲۱ ـ کوچه درویشها :

این کوچه واقع است درمحله خاجو ومسجدی نیز درآن کوچه میباشد بنام مسجد حاج‌محمدمهدی‌که به‌مسجد زاغی شهرت دارد وچون تکیه بکتاش‌ازصوفیه درآنجا بوده بنام کوچه درویشها خوانده شده است[4] .

۲۲ ـ کوچه سلطان سنجر :

این کوچه قدیمی ودر محله سلطان‌سنجر واقع شده که از محلات جوباره بوده است .

۲۳ ـ کوچه عمریها :

دراین‌کوچه مسجدی بنام مسجد عمریها وجود دارد وشاید این نام بمناسبت سکونت سنی‌ها درآن بوده است .

۲۴ ـ کوچه مسجد ذوالفقار :

این کوچه درمحله ذوالفقارکه منشعب ازبازار ومحله نیم‌آورد میباشد واقع

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۹۸ . ۲ ـ اللباب ج۱ ص۲۸۹ . ۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۳۵ . ۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۰ .

گردیده است ومسجد وحمام ومدرسه ذوالفقار دراین کوچه است

۲۵ ـ کوچه مسجدسرخی :

در این کوچه مسجدی است که در دوران شاه‌عباس اول بنا شده و بانی آن خلف سفره‌چی بوده وازاینرو بنام مسجد سفره‌چی خوانده‌اند ولی در الحان عموم معروف به مسجد سرخی است .

۲۶ ـ کوچه مشیر :

این کوچه منسوب به مشیرالملك انصاری اصفهانی‌است ودرآن نیزمسجدی قراردارد که آنرا مسجد کوچه مشیر میخوانند .

۲۷ ـ کوچه مصری :

این‌کوچه درشمال جوباره واقع ونزدیکی قبرستان شورقرارگرفته ومسجدی بنام مسجد مصری درآنجا میباشدکه در زمان شاه‌عباس دوم بناگردیده است .

۲۷ ـ کوچه نمکی :

این کوچه واقع است درنزدیکی میدان میر جنب میدان کهنه شهراصفهان ودرآن کوچه مسجدی است که بخواجه نظام‌الملك طوسی نسبت میدهند و آنرا مسجدکوچه‌نمکی میخوانند چهارسوئی هم داشته‌که خراب‌شده ومعروف‌به‌چهارسو نمکی بوده است[۱] .

۲۹ ـ کوچه گازران :

این‌کوچه ازکوچه‌های بسیارقدیمی اصفهان است که گازران درآن سکونت داشته‌اند وازاینرو کوچه گازران نامیده شده است، چه دردوران قدیم بیشترمردم اصفهان بافنده وجولاه بوده‌اند[۲] . وعلمائی ازآنجا برخاسته‌اند[۳] .

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۲۹ . ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۶۲ .

۳ ـ ازمنسوبان باین کوچه است : ۱ ـ محمدبن سلیمان‌بن علی کوچه گازرانی از سکنه کوچه گازرها وازمحدثان که از بکر وابوحذیفه ومسلم روایت میکرد وکتابهای حمادبن‌سلمة که ازحجاج‌بن‌منهال روایت میکرده نزد اوبود. ۲ـ ابومحمد عبدالله‌بن‌الصباح بزارکوچه گازرانی متوفی (۲۹۴ هـ . ق) از صدوقان و موثقان‌که از عراقیان و مکیان روایت میکرد .

۳۰ ـ کوچه ماجشون :

کوچه‌ای بوده واقع درمحله‌کران (احمدآباد فعلی) درمیدان فرش‌فروشهای شهر اصفهان[۱] . که در زمان ابونعیم دائر بوده است[۲] . ماجشون معرب ماه‌گون است وبکسانی که بسیارزیبا و ماهرو بوده‌اند این کلمه گفته میشده است و معلوم میشود دراین کوچه چنین کسانی بوده‌اند .

۳۱ ـ کوچه باباسنگکی :

این کوچه درپشت مسجدجامع اصفهان واقع ومزارباباسنگکی دراین‌کوچه قرار گرفته است .

۳۲ ـ کوچه طبرك :

۳۳ ـ کوچه مرداویج :

۳۴ ـ کوچه مؤیدالدوله :

۳۵ ـ کوچه فخرالدوله :

۳۶ ـ کوچه‌علاءالدوله :

۳۷ ـ کوچه جباخانه :

این چند کوچه دراطراف محل سابق قلعه طبرك قرار گرفته و هرکدام بنام یکی ازکسانی که درآن قلعه جاداشته‌اند موسوم گردیده است ویك کوچه هم بنام خود قلعه است .

۳۸ ـ کوچه باب‌التبریزیه :

این کوچه هم از کوچه‌های قدیمی اصفهان است که آنرا سکةالتبریزیه میخوانده‌اند و ظاهراً کوچه‌ای بوده که مردم تبریز درآن سکونت داشته‌اند .

۳۹ ـ کوچه خوز :

کوچه‌ای بوده که مردم خوزستان درآن اقامت میکرده‌اند وشاید در محله خوز واقع بوده است .

---

۱ ــ ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰ .

۲ــ وازآنجا است: ابوحامد احمدبن‌الحسین‌بن علی‌السمسار کوچه ماجشونی ازمحدثان . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰) .

۴۰ ـ کوچه جهودان :

کوچه‌ای بوده درمحله جوباره که یهودان درآن اقامت داشته‌اند .

و بیست‌ویك کوچه دیگر نیز وجود دارد که چون جنبه تاریخی ندارند از ذکر آنها . خودداری میکردد .

و ـ میدانهای شهر اصفهان :

درزمان قدیم جائی را میدان میگفته‌اندکه دارای وسعت‌کافی وازچند جهت دررو داشته باشد و معمولاً میدان برای چوگان بازی و اسبدوانی مساعد باشد و همچنین برای سان دیدن سپاه و نظائر آن مناسبت داشته باشد . از لابلای تاریخ اصفهان برمیآید میدانهائی بوده است که بعضی باقی وبرخی هم نامشان مانده‌است:

۱ ـ میدان اسپریس :

میدانی بوده دریکی‌ازمحلات قدیم‌اصفهان‌که برای اسبدوانی وچوگان‌بازی استفاده میشده است وشرح آن درمحلات داده شد .

۲ ـ میدان کهنه :

این میدان که به میدان عتیق نیز شهرت دارد ازبناهای سلاطین آل‌بویه و نزدیك بآنان است که برای بیاعان اجناس مختلف بناشده وهرقسمتی ازآن برای عرضه و فروش وخرید متاعی اختصاص دارد و بااینکه قرنها از بنای آن میگذرد هنوز مورد استفاده است .

۳ ـ میدان میر :

این میدان ازبناهای تیموریان است ونزدیکی میدان قدیم واقع شده است. معروف است‌که ازساختمانهای این میدان به‌قلعه طبرك راهها ونقبهای زیرزمینی بوده است که درموقع لزوم بیکدیگر ارتباط پیدا میکرده‌اند .

۴ ـ میدان کاه‌فروشان :

میدانی بوده که درشهرقدیم اصفهان در محله یهودیه وجود داشته است . و سوق جرین نیز درهمان حدود واقع بوده است .

۵ ـ میدان چهارحوض :

این میدان که چهارحوض دراطراف آن بوده واز میدان نقش‌جهان و سایر میادین کوچکتر و دارای حجراتی نیز برای سکونت داشته است خراب و اکنون خیابان ومحل عبور ومرور است ودرقدیم بمنزله جلوخان عمارات دولتی بوده ودر پشت چهلستون قرار داشته است . شرح آن در آثار باستانی معدوم‌الاثر داده شده است .

۶ ـ میدان سلیمان :

میدانی بوده که محمدبن سلیمان اصفهانی معاصر مأمون عباسی در نزدیك کنیسه‌ایکه شاه ایران برای حکیم رومی در اصفهان ساخته بوده احداث‌کرده‌اند ، واین میدان در نزدیکی محل فعلی مسجد جامع اصفهان و تا زمان ابونعیم وجود داشته است[۱] .

۷ ـ میدان سربازخانه :

این میدان درفرح‌آباد اصفهان واقع شده است . واختصاص بسربازان دارد .

۸ ـ میدان دروازه دولت :

این میدان درمحل دروازه سابق دولت واقع گردیده است .

۹ ـ میدان فرش‌فروشان (اغاطیین) :

این میدان درقدیم‌الایام درمحله کران در کوچه ماجشون قرار داشته است که درآن فرش‌فروشان متاع خودرا عرضه میکرده‌اند[۲] .

۱۰ ـ میدان ادب :

این میدان بطوریکه نوشته‌اند درکوچه‌آداب شهراصفهان وجودداشته است.

۱۱ ـ میدان باغ همایون :

این میدان درنزدیکی باغ همایون معروف به‌باغ حاجی واقع‌شده‌بوده‌است.

---

۱ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴ـ۳۸ . ۲ــگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۹ .

۱۲ ـ میدان نقش جهان = میدان شاه :

در محل این میدان وبانی آن‌اختلاف است . برخی‌گفته‌اند این میدان در زمانی پیش از صفویه بناء شده و محل آن درجای باغ چهلستون فعلی واقع بوده است ولی‌آنچه مشهوراست اینکه میدان نقش‌جهان همان میدان شاه‌کنونی‌میباشد که میان مسجدشاه و سردر قیصریه قرار گرفته و بصورت مستطیل و مساحت آن ۱۲۵ جریب میباشد . در زمان شاردن فرانسوی این میدان زیباترین میدانهای جهان وطول آن دویست‌وچهل (۲۴۰) قدم وعرض آن یکصدوشصت‌پا بوده است .

این میدان دوازده مدخل بزرگ وچند راهرو کوچك داشته وابتدای بنای آن از یکهزارویازده هجری بوده است . یعنی اززمان شاه‌عباس تغییراتی دروضع این میدان داده شده و ازآن‌ببعد بنام میدان شاه معروف شده است[۱] .

درسال ۱۳۱۱ شمسی حوضی درمیدان ساخته شد و در (۱۳۵۳ ه.ق) اتمام و آب درآن انداختند[۲] .

۱ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۵ .

۲ ـ وبرای این کار جشنی برپا داشتند و مرحوم جابری مؤلف تاریخ اصفهان و ری چکامه‌ای در وصف آن حوض و ماده تاریخ آن سرودندکه در ذیل درج میگردد :

زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر — چو ترعه لب دریا زمان اسکندر
سکندر ارکه باسکندریه حوضی ساخت — ببین که مصنع میدان شه است زیباتر
چوآب آینه‌گون موج میزند لب حوض — همی در آب بلرزد چو مرد اشناور
فرات‌ودجله‌کم‌آبی‌زحوض وخورنق‌خورد — به آستان علی‌قاپو و خجل منذر
و یا که حوض بود رود نیل و مسجد شاه — کمینه کفش کنش صحن جامع ازهر
چو عکس گنبد رخشان شیخ لطف‌الله — نیامده است در این نه فلك یکی اختر
اگرکه سرپوشی وارونه خواهی ازمه‌ومهر — درآب عکس دوگنبد سپید و سبز نگر
بچرخ صورت این مصنع درخشنده — نگر نه حوض که دریاچه‌ایست پرگوهر
بویژه سال دگر سرکشیده بر افلاك — هزار سرو صنوبر هزار طرفه شجر
نسیم نالد و خندد چمن بگرید ابر — درخت بالد و آرد گل و ببارد زر
شود چو بوقلمون رنگ رنگ طاوسی — که از جمالش طاوس هند ریزد پر
دوچشم مردم روشن ز نرگس و اطلس — دماغ خلق بعطر از قرنفل و عبهر
ز داغ لاله لب غنچه بسته و سوسن — زبان گشوده پی پیلگوش و سیسنبر

←

از آثار باستانی موجود دراین میدان‌عمارت عالی‌قاپو ومسجدشاه وطالارطویله و مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه میباشد . این میدان زیرشماره ۱۰۲ بثبت تاریخی رسیده است .[۱]

۱۳ ـ میدان چوگان‌بازی :

این میدان درعصر شاه‌عباس صفوی برای چوگان‌بازی و اسب‌دوانی اختصاص داشته ومحل آن همان میدان نقش‌جهان بوده که شاه‌عباس ازبالای‌عمارت عالی‌قاپو بتماشای چوگان‌بازی میپرداخته‌اند و شعراء و ایلچیان خارجی نیز در معیت شاه میبوده‌اند[۲] .

۱۴ ـ میدان خاجو :

این میدان درخاجوی اصفهان واقع شده است .

۱۵ ـ میدان پهلوی :

این میدان در محله آب‌بخشان‌که درقدیم به‌مردبان شهرت داشته است واقع گردیده .[۳]

۱۶ ـ میدان هاتف :

این میدان درخیابان هاتف اصفهان واقع‌گردیده است .

هزار پوشش از اشکوفه‌های رنگارنگ — دوصد قطیفهٔ ز نسرین و یاس و نیلوفر
زنند بلبل و قمری نوای عشق بشور — کبوتران که ببوسند روی یکدیگر
چوکبك خوش بخرامد برای وصل حبیب — رقیب گردد زاغ و خطیب بر منبر
بلطف آب نگر در پیاله زر سرخ — شقایقش بنموده چو باده احمر
چو باد حمله کند پوشد آب سیم زره — که سرو تیغ بدست است وبید با خنجر
ویا که آب چو دختی درون چادر سبز — نهان شده‌است وکشیده‌است برسرش بستر
چو«جوی‌کوثروتسنیم» شدروان‌در حوض — به ابتدای بنا سال شمسیش بنگر
چو حوض گشت تمام وز آب شد روشن — چنانچه عکس وی افتاد در مه انور
تو سال را قمری بشمرو بگو تاریخ : — « زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر »

نقل ازتاریخ اصفهان و ری از ص ۳۴۰ تا ص۳۴۲ .

۱ ـ فهرست آثار تاریخی ایران ص ۴۵ .
۲ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص ۳۰۵ .
۳ ـ تاریخچه محله خاجو ۲۲ .

۱۷ ـ میدان هزار جریب :

این میدان در دروازه شیراز اصفهان واقع گردیده است .

۱۸ ـ میدان بازار :

میدانی‌است‌که درابتدای بنای شهر جی ازطرف‌آذرمانان‌در یکصدوهفتادسال پیش‌از اسلام وجود داشته ودروازه خور مقابل‌آن واقع بوده است[۱] .

۱۹ ـ میدان بیست‌وچهارم اسفند :

این میدان در محل تقاطع خیابان پهلوی با خیابان کمال الدین اسماعیل واقع‌گردیده است .

ز ـ رودخانه زاینده‌رود

نام این رودخانه در عرف نویسندگان گوناگون در ازمنهٔ مختلف متفاوت نوشته‌شده، برخی زرین‌رود ودیگران زرینه‌رود وزرنروذ وزرینه‌رود و زاینده‌رود و زندك‌رود . حمزهٔ اصفهانی متوفی حدود (۳۶۰ هـ . ق) در کتاب سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء[۲] . زرین‌رود نوشته وگفته است طول میان منبع آن‌که چشمه جانان‌باشد تا جائی که درانتهای رویدشت فرو میرود پنجاه فرسخ میباشد .

ابونعیم حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ هـ.ق) زرنروذ نوشته ومحلی را که آب این رودخانه فرومیرود بنام (هنام) خوانده است[۳] .

صاحب‌عجایب‌المخلوقات نام‌آن‌را زاینده‌رود نوشته وگفته است‌که مکررنی در رودخانه مزبور انداخته‌اند و در کرمان گرفته‌اند ؛ گرچه پذیرفتن این مطلب دورازعقل‌سلیم ومنطق است ولی درهرحال نام رودخانه را زاینده‌رود نوشته است.

درمحاسن اصفهان‌که در قرن پنجم تألیف شده : زرین‌روذ[۴] و وزرنروذ[۵] و زنده‌روذ[۶] نوشته وزرین‌رود را گفته چون‌آب آن مانند زربرمردم انفاق میشود

---

۱ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۵ .
۲ ـ سنی‌الملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۴ .
۳ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰ .
۴ ـ محاسن اصفهان ص۲۸ و ۵۳ .
۵ ـ محاسن اصفهان ص۵ .
۶ ـ محاسن اصفهان ص۹ .

به زرین‌رود نامیده شده‌است . بدیهی است زرنرود هم‌مشتق‌و مخفف زرین‌رود است ولیکن زنده‌رود معنی رودخانه دائر وزنده را میدهد که پیوسته در احیای اراضی موات بکارمیرود وممکن است مخفف زاینده‌رود باشد .

صدرالدین عبداللطیف[1] خجندی که ازشعرای زمان آل خجند دراصفهان بوده درشعریکه دراوصاف اصفهان سروده نام آنرا زرین‌رود گفته :

ای چو سیم مذاب زرین رود — اصفهان پرنوا شده ز تو رود
گشته‌ای عین زندگی در جی — فی مجاریك کل شیء حی
در لقای تو داشت خضر برات — آب گشته ز شرم تست فرات

خواجه حافظ گفته :

اگرچه زنده‌رود آب‌حیات است — ولی شیراز ما از اصفهان به

درجای دیگری آنرا چنین یاد میکند:

یاد باد آن روزگاران یاد باد — زنده‌رود و باغ‌کاران یاد باد

استاد سعدالدین هروی ازشعرای‌قرن هشتم دروصف اصفهان قصیده‌ای‌سروده ونام زاینده‌رود را چنین گفته :

هرکه‌رابینی‌همه‌لطف‌است‌واحسان‌وکرم — هرکجاباشی‌همه‌آب‌است وباغ‌وبوستان
آب حیوان است گوئی پیش بستان ارم — زنده‌رود اوکه دارد باغ کاران برکران

ابوالفضل اسماعیل‌بن محمد جربادقانی[2] . از شعرای قرن پنجم در وصف اصفهان قصیده‌ای بتازی سروده ونام رودخانه زاینده‌رود را زندروذ سروده است :

یـا اصفهان سقیت‌الخمر صافیة — اذقلت قلت لها سقیا غوادیها
لاحبذا جبل‌الریان من بلد — وحبذا لی مصلاها و وادیها
بزنده‌رود دیون قد مطلت بها — وان اعش‌فزمانی‌سوف یقضیها[3]

۱ــ زنده‌رود ج ۱ ص۲ . ۲ــ محاسن اصفهان ص ۱۱۸ . ۳ــ یعنی ای اصفهان من از شراب صافی هنگامی سیراب‌گردیدم‌که گفتم‌کم باد سیرابی شیران بیشه‌های اصفهان . کوه ریان نیکونیست ازهیج‌شهری ونیکو و پسندیده است برای من مصلاو رودخانه اصفهان، زنده‌رود را وامهائی برمن است‌که اگر زنده‌مانم زود باشدکه روزگار آن وامها را ادا کند .

ونیز ابوالعلاء بختیاربن بنیمان‌بن خرزاد اصفهانی دروصف اصفهان قصیده‌ای بتازی سروده که درآن نام رودخانه زاینده‌رود را زنده‌رود خوانده است[۱] :

و زندرود الضحی بصفحته سبائك للجین مذرورة[۲]

ونیز جوهری واعظ اصفهانی[۳] . از شعرای اصفهان در قرن پنجم قصیده‌ای بتازی دروصف اصفهان سروده و درآن نام رودخانه را زنده‌رود گفته است :

کان حنین‌الزندرود خلالها حنین اسود للمجاعة تزار

تری مائها مثل‌اللجین و ارضها کجنة عدن روضها یتعطر[۴]

ونیز قاضی محمدبن احمد قمی ازشعرای[۵] اصفهان دروصف این شهر بتازی سروده ونام رودخانه را زرنرود آورده است .

حبذا زرنرود واد تغطی من لجین مذوب بجلال[۶]

ونیز شیخ ابوجعفر محمدبن‌الحسین‌بن‌محمدبن الحسن‌بن یزید اصفهانی[۷] . در قصیده‌ایکه در وصف اصفهان سروده نام رودخانه را زرین رود گفته :

سلام علی زرین رود وشعبه سلام محب لاسلام مودع[۸]

حمدالله مستوفی قزوینی درنزهت‌القلوب[۹] . نوشته :

« رودخانه اصفهان امروز به زنده‌رود موسوم است ومصنفین مختلف آن را زاینده‌رود وزرین‌رود نیز نوشته‌اند . زرین‌رود اکنون بیکی از شعب این رودخانه اطلاق میشود . قسمت علیای شاخه اصلی این رود جوی سرد نام دارد و از زردکوه سرچشمه میگیرد . این‌کوه‌که هنوز بمناسبت سنگهای آهکی زردرنگ خود باین نام خوانده میشود در سی فرسخی باختر اصفهان نزدیك سرچشمه رود دجیل یعنی

---

۱ ــ محاسن اصفهان ص۱۱۸ . ۲ــ یعنی زنده‌رود درهنگام چاشت برروی آن‌شمشهائی ازسیماب پراکنده است . ۳ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۰. ۴ ــ ناله‌ایکه زنده‌رود در درون خود دارد چون ناله شیرهای‌گرسنه است‌که میغرند . آب آنرا مانند سیماب می‌بینی و زمین آن مانند بهشت جاوید سرسبز و معطر است . ۵ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۲ . ۶ــ چه بسیارخوب است زرنرودکه پوشیده شده است از سیمابی‌گداخته . ۷ــ محاسن اصفهان ص۶۲ . ۸ ــ یعنی بر زرین‌رود و نهرهای منشعب از آن باد درود دوستدار نه درودکسیکه آنرا ترك میکند . ۹ــ اصفهان جوانان ص۲۱ بنقل از نزهت‌القلوب .

کارون واقع است .

پائین سهروفیروزان واقع درخان لنجان یکی ازشعب زاینده‌رود که ازحیث بزرگی با خود رودخانه همسری میکند واز حدود گلپایگان سرچشمه میگیرد ، به زاینده‌رود میریزد ، آنگاه پس‌ازعبورازاصفهان وسیراب‌کردن نواحی‌هشتگانه آن اندکی بسمت خاور رودشت پیچیده بالاخره در باتلاق گاوخانی که در حاشیه کویر واقع است فرومیرود . طبق یك عقیده عمومی که ابن‌خرداذبه در قرن سوم نیز آن را ذکر کرده است این رودخانه پس ازفرورفتن در باتلاق گاوخانی دوباره درشصت فرسخی آن باتلاق در کرمان ظاهرمیشود و آن‌گاه بدریا میریزد ، اما این روایت ضعیف مینماید، زیرا که ازگاوخانی تاکرمان زمینهای سخت وجبال محکم درمیان است و ممری درزمین که چندان آب درآن روان باشد متعذر مینماید و زمین‌کرمان بلندتر از زمین گاوخانی است . »

یاقوت حموی درمعجم‌البلدان[1] . دربیان این رودخانه چنین میگوید .

زرنروذ . بفتح اول و ثانی و نون ساکن پس ازآن راء مهملة و آخرش ذال معجمه[2] نام نهر اصفهان است و آن رودی است معروف بگوارائی و صحت‌که از بناکان بیرون میآید وبده دریم میگذرد وسپس به ده دیگری بنام دنبا و دراین ده آبهای زیادی جمع میشود که اهمیت پیدا میکند و بستانها و روستاها را سیراب میکند تابشهر میرسد وسپس در ریگزاری فرومیرود و در کرمان خارج میشود و فاصله آن شصت فرسخ است . پس از خروج در کرمان جاهائی را درآنجا سیراب میکند وسپس بدریای هند میریزد . واینطوریاد کرده‌اند که نئی را علامت‌گذارده ودرآن مواضع‌که آب درآن فرومیرود رها کردند ، پس ازآن آن نی‌را درآنجائی که درکرمان آب خارج میشود یافتند ، وازاینروگفته‌اند که همان آب زاینده‌رود اصفهان است‌که ازکرمان بیرون میآید .

---

۱ ــ معجم‌البلدان ج۳ ص۱۳۹ . ۲ ــ مؤلف کتاب زنده‌رود در صفحه ۲ کتاب خود اشتباهاً گفته یاقوت را : بفتح‌اوله وسکون ثانیه و فتح دال مهملة وراء مهملة مضمومة و واو ساکنة واخره ذال معجمة نقل کرده است .

از اقوال گوناگونی که در نام رودخانه ذکر گردید روشن شد که نام اصلی زرین‌رود بوده و بتدریج زرنرود و زاینده‌رود و زرینه‌رود گفته‌اند و وجه تسمیه همانطوریکه در نزهت‌القلوب گفته چون کوهی که سرچشمه آب در آن است زرین‌رنگ بوده نهر هم بهمان نام خوانده شده است وچون در قسمتی از رودخانه مزبور دربین راه زایشی تولید میگردد گاهی هم بنام زاینده‌رود خوانده‌اند و زنده‌رود مخفف همان زاینده‌رود و زرنرود و زرینه‌رود هم مشتق از همان زرین‌رود نام اصلی آن است .

ودلیل آن‌گفته‌های حمزه اصفهانی ومؤلف محاسن اصفهان وابونعیم‌اصفهانی است‌که درزمان قدیم میزیسته‌اند وآشناتر بنامهای گذشته بوده‌اند .

سرچشمه رودخانه زاینده‌رود ازکوههای زرد بختیاری و انتهای آن باتلاق گاوخانی است وتقسیم رودخانه مزبور چنین است :

گردش‌آب رودخانه پس ازعبور ازکوههای فریدن و مشروب نمودن اراضی ساحلی وبلوك ایذ غمش میان هفت بلوك مشروح زیر از لحاظ زمان در طول مدت یك‌سال روی سه اصل زیراست :

۱ ـ اختصاصی :

آب زاینده‌رود از ۱۵ اردی‌بهشت تا آخر برج واز ۱۵ آذر تاآخر برج مخصوص بلوك رودشتین است .

۲ ـ اشتراکی :

ازآخر اردی‌بهشت تا شش‌ماه بطور مشترك دراختیار بلوك زیرین است :

۱ ـ بلوك لنجان شش‌سهم . ۲ ـ بلوك‌النجان چهارسهم . ۳ ـ ماربین چهارسهم . ۴ ـ جی شش‌سهم . ۵ ـ کرارج سه‌سهم . ۶ ـ رودشتین و برائان ده سهم .

۳ ـ آزاد :

از آخر آذرماه تا ۱۵ اردی‌بهشت آب زاینده‌رود آزاد بوده و همه آبادیها

میتوانند ازآن استفاده‌کنند . طبق طومار معروف به‌طومار شیخ‌بهائی آب رودخانه به ۳۳ سهم تقسیم میشود که بوسیله انهاری که از رودخانه زاینده‌رود منشعب شده و هر نهر را مادی میخوانند آب را بقراءِ میرسانند و این ۳۳ سهم به ۲۷۵ سهم و ۱۳ مادی تقسیم میگردد . ۶سهم لنجان وایدغمش به۱۳ سهم قسمت شده وهمین سهام دوباره به۳۵۷ سهم تقسیم میگردد، ۴سهم لنجان مابین مادیهای ۴۷/۵ قسمت شده ومجدداً به ۳۱۵/۱۵ سهم تقسیم میشود . چهارسهم ماربین به۲۹سهم و دوباره به۳۸۲ سهم تقسیم میشود . ۶ سهم جی به ۳۷ ومجدداً به ۳۸۷ سهم تقسیم میشود . ۳ سهم‌کرارج به ۱۲ ومجدداً به۳۸۷ سهم تقسیم میشود . از۱۰سهم رودشتین به ۲۴ مادی وبین قراء به ۲۳۰سهم تقسیم میشود[۱] .

از رودخانه زاینده‌رود نهرهائی جدا شده که آنها را مادی میخوانند و در محلات شهر اصفهان گردش کرده وبخارج شهر میرود . مهم آنها چنین است :

۱ ـ مادی نیاصرم :

اصولاً کلمه مادی در لغت معمول قدیم اصفهان به نهری اطلاق گردیده که از رودخانه کوچکتر وازنهربزرگترباشد ومادی نیاصرم بهمین منوال است . کلمه نیاصرم هم مرکب است از نه وصرم که جزءِ اول بمعنی شهرکوچك و یا قصبه است و صرم هم معرب سرم است که نام محل است . و معلوم میشود که محلی که مادی مزبور درآن جاری شده نیاصرم نام داشته است .

این مادی ازسایر مادیهائی که درشهر اصفهان جاری است بزرگترومعروفتر میباشد ودر حدجنوبی شهرواقع وازکنار پل مارنان‌که ابتدای شهراست‌ازرودخانه جدا شده وازکنار باغ جنت ومحله لنبان بطرف مشرق میرود ودرنزدیکی دروازه ظله که مشرق مایل بجنوب شهر است بسه شاخه تقسیم و زمینهای جی را آبیاری میکند . این مادی در زمان وفورآب رودخانه زاینده‌رود در حدود دویست سنگ آب دارد ودر زمان کم‌آبی کمترازپنجاه سنگ آب ندارد .

---

۱ ـ نقل بمعنی ازفرهنگ جغرافیائی استان دهم .

۲ ـ مادی فرشادی :

محل انشعاب این مادی بالاتر از مادی نیاصرم و در کنار قریه ناجوان یا ناجنون یا ناژونان ماربین است و آب آن درحدود ربع آب مادی نیاصرم است .

معبر این مادی ازمحله لنبان و شمس‌آباد و از زیرچهارباغ قدیم میگذرد و از وسط مدرسه چهارباغ و کاروانسرای بازارچه بلند که پشت مدرسه است عبور نموده وازمحله دولت‌خارج‌میگردد ، سپس ازشمال محله‌خاجوگذشته و شاخه‌هائی ازآن جدا شده ومحلات چرخاب وحسن‌آباد و چهارباغ صدری و باغات آن ومحله خاجو وپاقلعه را سیراب کرده وارد محله ترواسکان میشود و درآنجا منشعب شده واز شهر خارج ودر اراضی جی می‌نشیند .

۳ ـ مادی شاه :

آب آن نصف مادی فرشادی است . ازلنبان وچهارسوی شیرازیها ومستهلك وشمس‌آبادگذشته اطراف خودرا سیراب وبدوشاخه تقسیم ووارد دوحوض‌چهارباغ که محاذی باغ هشت بهشت است شده واز آنجا داخل باغ میگردد وباغات شاهی وخانه‌های دولتی وبعضی ازباغهای چهارباغ ومدرسه سلطانی را سیراب میکند .

از اینرو این مادی را جوی شاه گفته‌اند که بیشتر باغات وعمارات شاهی را سیراب میکرده است[۱] .

۴ ـ مادی فدین = فدا = فدن .

وجه تسمیه این مادی آنست‌که چون نیمی ازآن را بعضی ازسلاطین صفویه فدای نفس خود و اکثر آنرا وقف شهر کرده‌اند هردوقسمت را فدین ویك قسمت آن را فدا گفته‌اند . قبل‌ازصفویه آنرا فدن و فدین میگفته‌اند ودر زمان صفویه به فدا شهرت یافته است . محل انشعاب آن بالاتر از سه مادی مرقوم فوق است و آب آن زیادتر از فرشادی است .

این‌مادی ازمحله لنبان وشمس‌آباد عبورکرده ودرمحله دروازه‌دولت بدوشعبه

۱ ـ نقل بمعنی ازنصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۹۹ .

منقسم میشود و آنجا را لت محمدحسین‌بیك مینامند . شعبه‌ای از آن به‌محله در کوشك و بیدآباد و چهارسوی علیقلی‌آقا رفته و از آنجا بکنار محله دروازه‌نو (آب‌بخشان) رفته و باز آنجا دوشاخه میشود . شاخه کوچکتراز زیر دروازه چهاررو خارج از شهر شده و قریه سواری باغ جی را آب میدهد و شاخه بزرگتر وارد باغ صفی میرزا شده واز آنجا بباغ کلعنایت رفته سپس سه‌شاخه شده ، یك شاخه آن تمام محلات دردشت وشهشهان را سیراب میکند ودوشاخه دیگر بیلوك جی درقریه سودان وچمبرك (کمبرك) وجاهای دیگر میرود .

واماشعبهٔ‌دیگر از لت‌محمدحسین‌بیك ازمحله‌دروازه دولت‌عبورکرده‌وداخل بعضی ازعمارات و باغات شاهی میگردد و از کنار میدان نقش جهان گذشته داخل مدرسه ملاعبدالله شده ودرپشت آن سه شاخه میشود ، کوچکتر آنها خرج محله قصر منشی شده وشاخه دویم که بزرگتراست به محله یزدآباد رفته ودرمحله‌کران و جنوبی جوباره مصرف شده و اندکی از آن از شهر خارج میگردد . شاخه سیم از کاروانسرای طباطبائی وعقب آن ازمدرسه جده بزرگ گذشته و از محله گلبار عبور میکند و وارد محله جوباره شده وازشهر بیرون میرود وپاره‌ای ازدهات جی را سیراب میکند واین مادی از پرمنفعت‌ترین مادیها است و قریب دوثلث شهر را مشروب میکند . در عرض سال سه ماه تابستان را آب ندارد ، درگذشته در محل انشعاب چشمه‌ای داشته‌که هیچگاه آب آن‌کم نمیشده ولی چون آن چشمه پرشده آب آن نقصان پذیرفته است .

شعرای تازی‌زبان درباب این مادی قصایدی سروده‌اندکه ازآن جمله است:

بدت زهرةالدنیا و مد فدین وطاب لدیه للمحب مجون[1]

هرچند ریشه‌کلمه فدین معلوم نیست ولی آنچه مسلم است این‌کلمه فارسی است‌که درهنگام تعریب دال‌آن مبدل به‌ذال معجمه شده است . نکته دیگراینکه این تقسیمات درقرن پنجم رایج بوده ومربوط بزمانی دور بوده است .

۱ــ یعنی زهره‌دنیا و مد فدین ظاهرشدند وسختیها برای دوستداران فدین پاکیزه وگوارا شد.

۵ ـ مادی تیران :

این مادی ازمغرب شهر گذشته به محله بیدآباد وچهارسو شیرازیها میرود و محله‌نو وشئیش‌ومورنان را سیراب‌کرده بقریه معروف به‌تیران وآهنگران‌سرازیر ومزارع اطراف آن‌را مشروب میگرداند وسپس به‌شاخه مادی فدین‌که به‌سواری‌ـ باغ میرود متصل میشود .

۵ ـ مادی قمش :

این مادی بالاترازمادیهای پیش گفته از زاینده‌رود جدا میشود وازمادیهای مزبور مهمتراست ، چه درمحل انشعاب آن چشمه‌ای وجود داردکه اگرخشکسالی هم شود از آب آن چشمه استفاده میشود . این مادی از میان قرای ماربین مانند نصرآباد ـ گورتان ـ جوزدان میگذرد[۱] .

چنانچه مؤلف کتاب اعلاق‌النفیسه که در قرن سوم هجری میزیسته و نیز حمزه اصفهانی[۲]. نوشته‌اند نخستین‌کسی‌که‌آب رودخانه زاینده‌رود را تقسیم‌کرده اردشیر بابکان بوده که بدست مهربن وردان انجام داده و مطابق فرمان آن پادشاه قری و قصبات مجاور رودخانه بفراخور آبخور خود استفاده میکردند وکسانی هم که بعد از اوآمدند همان رویه را پیروی‌کردند .

ولی‌آنچه معروف است تقسیم‌کنونی‌آب زاینده‌رود برطبق طومار شیخ‌بهائی است که در زمان صفویه تنظیم شده .

مؤلف دانشمند و محقق کتاب زنده‌رود[۳] . درباب فرمان تقسیم آب مزبور چنین نوشته :

[«آنچه مشهور است تقسیمات کنونی آب زنده‌رود مربوط بدوره صفوی و ایام شیخ بهائی میباشد ، بعضی ازمؤلفین جدید هم همین نظررا تأیید کرده‌اند که تقسیمات کنونی زنده‌رود مطابق طومار صفویه است وتوسط دایره میاه مالیه اجرا میشود ، اما باید دانست که دائره‌ای بنام میاه درادارہ مالیه اصفهان نیست ومباشر تقسیم آب ازطرف ملاکین وزارعین انتخاب شده با نظارت حکومت اصفهان‌شروع

۱ ـ اصفهان جوانان ص۲۸ . ۲ ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۳۴ .
۳ ـ ج۱ ص۱۱ .

بکار میکند ، در قسمت طومار صفویه هم نگارنده اهتمام بسیارنمود که شاید اصل فرمان یا سواد مصدق آنرا بدست آورد چیزی معلوم نشد ، فقط سواد غیر مصدقی ازفرمان مشهور دراداره مالیه اصفهان موجود بود که معمول به‌آن ایام همان سواد است وعین آن برای مزید استحضار خوانندگان درج میشود :

« سواد فرمان شاه طهماسب راجع به‌آب زاینده‌رود مورخ رجب ۹۲۳ : »

« فرمان همایون شد که چون بعضی اختلاف درقراروسهام رودخانه مبارکه »
« زاینده‌رود اصفهان .... بنابراین امنای دولت قاهره چندنفرازمعتمدین ومعمرین »
« را مشخص نموده بامضای عالیجاهان مستوفیان عظام ، و تصدی کدخدایان و »
« ریش سفیدان بلوکات مشترکه ازآن که قرارسهام وحصه هریك ازقراء ومزارع »
« را درجزء هربلوکی‌که گنجایش وقابلیت بدون تقلب وتعمد تعیین نموده درقید »
« التزام ثبت آن را در دفاتر برقرار داشتند که ازآن قرارمعمول دارند ، وچون »
« بلوك جی در وسط بلوکات مشروبه ازرودخانه مبارکه است ازقدیم چنان قرار »
« بوده که خدمت میرآبی رودخانه مبارکه به‌یك‌نفر از کدخدایان معتمد معتبری »
« ازبلوك مذکوره‌بوده الحال نیز بهمان دستورمعمول دارند، مقررآنکه عالیجاهان »
« عمال وضباط وکدخدایان و ریش سفیدان بلوکات مفصله ومیراب و مباشرین و »
« مادی سالاران رودخانه مبارکه حسب‌الامر ازقرار دستورالعمل در طومار حقابه »
« هریك را موافق سهم وقرارداد معمول داشته تخلف جایز ندارند وازمؤاخذه و »
« سیاست امنای دولت قاهره باهره محترز بوده در عهده شناسند تحریراً فی‌شهر »
« رجب‌المرجب سنه ۹۲۳ انتهی . بعداز فرمان در بیست‌ویك صفحه درکاغذ ورق »
« بزرگ صورت تقسیم جزء آب زنده‌رود وترتیب تقسیم واسامی قراء و قصبات و »
« املاك ومزارع وعمارات وباغها ذکرمیشود . خلاصه آنکه سال را به ۳۶۰/روز »
« شمسی تقسیم کرده‌اند ، ازاول حمل (نوروز) تا هفتاد وپنجم عید آب رودخانه »
« برای همه‌کس آزاد است وتحدید وتقسیمی وجود ندارد ، ازروز هفتادوششم تا »
« اول قوس‌که جمعاً مدت۱۶۵ روزمیباشد (هرماهی بدون کم‌وزیاد سی‌روزحساب »

« میشود) آب رودخانه را به۳۳سهم قسمت میکنند ، هرسهمی ۵ شبانه‌روز است »
« که جمع کل سهام ۱۶۵ روز میگردد وهربلوکی سهم معینی دارد ، مثلاً بلوك »
« رودشتین دارای ۹سهم یعنی ۳۰شبانه‌روز آب است‌که ۱۵روز آنرا از۱۶تاآخر »
« جوزا و ۱۵ روز دیگر را از اول تا ۱۵ عقرب آب میبرد ، این تقسیم مطابق »
« مندرجات فرمان است وفعلاً با مختصرتغییراتی اجراء میگردد ، تمام اسناد و »
« مدارکی‌که راجع به‌تقسیم‌آب و طومار وفرمان صفویه در دست‌است همان سواد »
« فرمان وضمائم‌آن میباشدکه عین فرمان فوقاً درج شد واستنادآن بشاه‌طهماسب »
« ازچندجهت قابل تأمل است . »

« اولاً ـ درماه رجب ۹۲۳ هجری (تاریخ سواد فرمان) شاه‌طهماسبی درکار »
« نبوده وپدرش شاه‌اسماعیل‌درایران سلطنت میکرد،اتفاقاً درسال۹۲۳شاه‌اسماعیل »
« دراصفهان اقامت داشته ولی همان موقع خبررسیدکه سلطان‌سلیم عثمانی‌مهیای »
« حمله به‌ایران شده است، شاه‌اسماعیل بطرف سرحد عثمانی حرکت کرد ومدتی »
« سرگرم زدوخورد بود، مخصوصاً درسال۹۲۳هجری شاه‌اسماعیل درشهرنخجوان »
« میزیست شاید هیچ هم درفکرزاینده‌رود نبود، شاه‌طهماسب درسال۹۳۰ بتخت »
« نشست وتاحدود سال ۹۳۵ درخراسان با ازبکها منازعه داشت . »

« ثانیاً ـ طرزانشاء وکلمات وارده درفرمان بقدری تازه است‌که به‌منشئات »
« قرن سیزدهم بیشتر شباهت دارد وبوی انشاء ایام صفویه را نمیدهد . »

«ثالثاً ـ درتقسیم نامه‌ضمیمه فرمان‌اسامی‌عمارات ونقاطی‌مانند: طالاراشرف ـ»
« جامع‌عباسی ـ سعادت‌آباد ـ هشت بهشت وغیره ذکرشده‌که ازابنیه اواسط صفویه »
« است ودرتاریخ ۹۲۳ چنین عماراتی دراصفهان وجود نداشت، حدس قوی میرود »
« که فرمان وتقسیم نامه از ایام صفویه موجود بوده ولی بواسطه عملی‌نشدن آن »
« یا مصلحت دیگرمفقود نموده‌اند وفرمان وطومارفعلی را جدیداً باعبارت‌امروزی »
« انشاء کرده‌اند ، بالاخره گذشته از آنکه سواد معتبر مصدق فرمان معهود در »
« اصفهان دیده نشد هیچکس هم لااقل دعوی رؤیت سواد مصدق‌آنرا ننمود واین »

« خود دلیل دیگری بر مجعولیت فرمان است ، معذلك عده زیادی مصرند که »
« تقسیم کنونی بدست شیخ بهائی انجام یافته وترتیبی بهتراز آن نمیشود . »]

بطوریکه ازکتاب زنده‌رود نقل گردید فرمان شاه طهماسب که مصدق نیست بنظرمؤلف دانشمند مجعول رسیده است . ولی باتوجه بنظری‌که مؤلف جغرافیای اصفهان‌که درقرن سیزدهم وچهاردهم میزیسته وخود ازمتصدیان اموراصفهان بوده اظهارکرده میتوان باورکردکه چنین فرمانی ازشاه‌طهماسب‌اول صادرگردیده منتهی تاریخی را که درسواد غیرمصدق ۹۲۳ نوشته شده تحریف شده و ممکن است ۹۳۲ باشد وبا این‌ترتیب بخصوص که در جغرافیای اصفهان تصریح شده[۱] . که فرمان ممهور شاه‌طهماسب در دفتر مربوط بوده است . و اینکه مؤلف زنده‌رود نوشته‌اند که عبارات ضمیمه فرمان جدید است درست بنظر میرسد ، چه مؤلف جغرافیای اصفهان هم نوشته که عمل بمفاد فرمان اسمی است ودر عمل اختلاف است وبا این ترتیب دستور ضمیمه فرمان غیرمصدق ازمنشئات جدید وبرطبق‌عمل زمان تدوین شده است وغیراز دستوری است که با فرمان شاه‌طهماسب صادر گردیده است .

اما راجع به کلمه گاوخانی ووجه تسمیه آن‌که درنوشتجات مختلف‌متفاوت نوشته شده است چنین باید گفت : در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء نامی برده نشده ولی در ذکر اخباراصبهان ابونعیم نام آن هنام نوشته شده ودرمحاسن‌اصفهان بنقل از ابونعیم گفته که نام آن جاخوانی است در نزهت‌القلوب هم جاخانی و در تاریخ اصفهان و ری گاوخانی[۲] . و در تاریخ نصف‌جهان[۳] . گاوخوانی نوشته شده است . ازگفته ابونعیم دانسته میشود نام دریاچه محل فرورفتن‌آب زاینده‌رود هنام که فارسی قدیم است بوده واما جاخانی یا گاوخانی وگاوخوانی مرکب از دوکلمه گاو وخانی است که گاو بمعنی بزرگ وخانی یعنی حوض و چشمه آب است ومثل اینکه دریاچه گاوخانی را چشمه‌ای برای نقاط پائین‌دست‌آن یاچون حوض فرض کرده‌اند وبهمین‌جهت است که بعضی ازجغرافی‌نویسان قدیم نوشته‌اند که آب این

۱ــ جغرافیای اصفهان ص۴۱ . ۲ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۰ . ۳ــ نصف جهان ص۳۰۶ .

دریاچه ازکرمان بیرون میآید ، ودرهرحال اگر بمعنی حوض وچشمه باشد املای درست آن گاوخانی با الف خواهد بود . احتمال هم میرود جاخانی ، بمعنی ظرف بزرگی که اشیاء را درآن میریزند باشد وبااین فرض مخفف جانخانی است .

واما درمقدارآب رودخانه زاینده‌رود چون‌متناسب باازدیاد ونقصان بارندگی در منبع آن بوده در ازمنه گوناگون متفاوت بوده است . چنانکه در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء[1] در حوادث سال ۳۱۰ هجری گفته : بطوری آب رودخانه مد پیدا کرد که آب برپشت پلها سوارشد ودیگر پلها قابل عبورنبود ودرآن موقع اصفهان مرکب از دوشهر یهودیه وشهرستان بود وبرای اینکه مطلبی را ازیهودیه به‌شهرستان اطلاع دهند نامه‌ای را مینوشتند وبوسیله تیری‌بطرف شهرستان ناحیه ورزق‌آباد پرتاب میکردند وطوری آب زیاد گردید که دیوار شهر درخطر انهدام واقع گردید واندك اندك فروکش کرد .

آنچه در خلال ایام معلوم شده اینستکه حداکثر آب رودخانه در سالهای بارندگی در حدود سی‌هزار سنگ میرآبی‌که هفتهزار وپانصد سنگ گردش باشد میرسد[2] . وازماه دوم سال بتدریج روبنقصان میگذارد . ولی درسرچشمه تغییری نمیکند ، نقصان حاصل از لحاظ کم شدن آب برفها در وسط راه میباشد . طول رودخانه زاینده‌رود هشتاد فرسنگ وپهنای‌آن دویست ذرع است[3]. نخستین‌جائی که مطابق دستور دیوان مشروب میشود آخربلوك ایدغمش درلنجان وآخرش اول گاوخانی رودشتین‌که اراضی مقسوم‌علیه بطول ۳۲ فرسنگ وبعرض برروی هم به زیاد وکم چهارفرسنگ باشد .

یکصدوپنج مادی ازدوجانب طول رودخانه جدا میشود وازاین رودخانه آب میگیرد . غیرازآبهای مادیها فاضل‌آب رودخانه در اوقات سیل‌آبی بزرگ باندازه شطی‌میشود وتمام را زمین‌گاوخانی‌میخورد. محیط گاوخانی درحدود دوسه‌فرسنگ وکنارش گزستان و قلم است[4] .

۱ــ سنی‌الملوك الارض‌والانبیاء ص۱۲۴ . ۲ــ نصف‌جهان‌ص۹۶ . ۳و۴ــ نصف‌جهان‌ص۳۷ .

بعضی ازمورخان[1]. نوشته‌اندکه نرسیده بمیدانی‌که در آن دریاچه‌گاوخانی واقع است محلی بنام شهرسبا بوده که ویران گردیده است ودرآنجا گل‌رنگ که شبیه زعفران میباشد زراعت میشده است وشاید از همین‌جا گفته‌اند که در اصفهان زعفران کشت میشده است .

ح - پلها

بطوریکه در بند ز گفته‌شد رودخانه زاینده‌رود ازمغرب به‌مشرق جاری‌است ورودخانه‌ایست قدیمی و از هنگامی که شهر اصفهان محل سکونت شده و ساکنان نیاز به‌ارتباط با قسمتهای دیگرآن داشته‌اند ناگزیربساختن پل‌گردیده‌اند، بدیهی است هرارتباطی‌که بین دوقسمت اصفهان ضرورت یافته پل‌ارتباطی‌آن زودترساخته شده است .

آنچه مسلم است پلهای مارنان (شهرستان) واللهوردیخان و خاجو از پلهائی هستند که درمرحله اول احتیاج ساخته شده‌اند ، منتهی دراثرکثرت ایاب و ذهاب فرسوده و خراب شده و تجدید بناء گردیده‌اند ازهمین نکته که گفته شد معلوم گردید اینکه میگویند پل شهرستان از احداثات سلسله ساسانیان است درست میباشد چه نخستین پلی‌است‌که دوقسمت اصفهان را بیکدیگرارتباط میداده است . ولی دراثر فرسودگی درزمان دیالمه ودیگران ترمیم وتجدید گردیده است. برای اینکه روشن‌گردد که درچه محلهائی نیازمند ارتباط بوده‌اند تمام پلهائی‌که درخود شهر واطراف آن برای ارتباط بین دوقسمت رودخانه ساخته‌اند ذکر میگردد :

۱ - پل اورگان :

این پل در روی زاینده‌رود برای امکان عبور مردم چهارلنگ بختیاری به فریدن احداث گردید آنرا پل حاج‌کاظم نیز مینامند .

۲ - پل بابامحمود :

پلی است‌که درباغ محمود ازدهات گرکن‌لنجان ساخته شده وتا پل کله ۴۸

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۱ .

کیلومتر فاصله دارد وقافله رواست . ثبت تاریخی این پل درجریان است .

۳ ـ پل زمان‌خان :

این پل دودهانه وسه پایه طبیعی سنگ دارد ودرآخر بلوك آیدغمش‌لنجان قرارگرفته و واسطه ارتباط راه ماشین‌رو نجف‌آباد به سامان و شهرکرد میباشد وتا اصفهان ۱۶ فرسخ مسافت دارد .

۴ ـ پل ورزنه :

این پل درنزدیکی ورزنه رویدشت روی آب زاینده‌رود ساخته شده است .

۵ ـ پل سروش آذران :

این پل‌که آنرا پل سروشفادران وپل دشتی نیز میخوانند درشش‌کیلومتری پل چوم واقع ولی اکنون بعلت تغییر بستر رودخانه آبی از آن خارج نمیگردد .

۶ ـ پل چوم :

این پل درشش کیلومتری شرق پل خاجو واقع و محل ایاب و ذهاب قوافل میباشد .

۷ ـ پل جویی :

این‌پل میان پلهای‌اللهوردیخان وخاجوبناشده ووسیله اتصال وارتباط باغهای سلطنتی واقع درشمال وجنوب رودخانه زاینده‌رود بوده است ، وچون جوی‌کوچك سنگی روی این پل تهیه شده بوده که آب از آن عبور کند باین نام مشهور شده است . این پل بیست‌ویك دهانه داردکه باسنگ وآجربناشده است . ولی‌درسالهای اخیر جوی پرومسطح گردیده است . نسبت به ثبت تاریخی این پل اقدام گردیده است ولی تاکنون بدثبت نرسیده است[۱] .

۸ ـ پل فلاورجان :

این کلمه معرب ازپل ورگان است چه‌ورگان نام دهی در لنجان میباشد که الان معروف به فلاورجان است ولی دراصل پل ورگان بوده است .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی ص۳۳۸ .

این پل هم محل عبور ومرور قوافل واتومبیل نیز هست و تا پل بابامحمود ۱۲ کیلومتر فاصله دارد[۱] .

۹ ـ پل نیاصرم :

پل کوچکی است که در داخل شهراصفهان برروی مادی نیاصرم که بطرف لنبان میرود ساخته شده ومعبراست .

۱۰ ـ پل مادنان :

چهارفرسنگ بشهراصفهان مانده رودخانه زاینده‌رود بشکل مارپیچی راست و خم گشته وارد شهر میگردد و گفته‌اندکه بهمین‌جهت قریه مارنان را مارنان یا مارپانان گفته‌اند ودر همین محل پل مارنان را ساخته وجلفا را بقریه مارنان اتصال میدهد پل مزبور اکنون دارای هفده دهانه است ولی در پیش بیش از هفده دهانه داشته است که حالا بسته شده است . این پل را پل سرفراز هم نامیده‌اند و وجه

۱ـ منسوب به‌فلاورجان است: ۱- تاج‌الدین حسن‌بن شرف‌الدین محمد فلاورجانی متوفی (۱۰۵۸ ه. ق) از علماء و فضلاء و مجتهدان وپسرش فاضل هندی ازاو روایت میکرد وخود شاگرد ملاحسنعلی شوشتری بودکه او از پدرش ملاعبدالله شوشتری روایت میکرد . و نیز به سیدحسین‌بن سیدحیدرکرکی عاملی اجازه داده است . اوراست: ۱- بحرمواج درتفسیر قرآن بفارسی . ۲ - رساله در زوجتی عثمان . ۳ - شرح برکافیة .
(اعیان‌الشیعه ج۲۳ ص۷۷)

۲ ـ محمدبن حسن‌بن محمد فلاورجانی معروف به فاضل هندی و ملقب به بهاءالدین مولود (۱۰۶۲ه.ق) ومتوفی۲۵ رمضان (۱۱۳۷ ه.ق) ازعلمای بزرگ وجامع ونادرروزگار که درهشت‌سالگی شرح تلخیص تفتازانی را تدریس میکرد ، و در سال یازدهم عمر بتألیف پرداخت ، ودرسال سیزدهم بعلوم عقلی توجه‌کرد او درهند پرورش یافت وبا علمای‌آن‌سامان که سنی‌مذهب بودند مباحثاتی داشت وازاینرو به‌فاضل هندی معروف بود . وی درنزدمجلسی دوم تلمذ وبا خاندان مجلسی مصاهرت‌کرد ودراصفهان بتدریس ومرجعیت امورشرعی اشتغال داشت وبا حرفه کتابت امرارمعاش میکرد .

اوراست: ۱- کشف‌اللثام فی‌شرح قواعدالاحکام . ۲- اصالة‌النظرفی‌القضاءوالقدر. ۳ - تفسیرالقرآن . ۴- تلخیص‌الشفاء . ۵ - التمحیص. ۶ - چهارآینه . ۷ - حاشیه برشرح عقاید . ۸- المناهج‌السویة . ۹ - بینش غرض آفرینش. ۱۰ - شرح برقصیده حمیری. ۱۱-کلید بهشت . ۱۲- شرح عوامل . ۱۳- زبده دراصول دین. ۱۴- خور البریعة فی‌اصول‌الشریعه . ۱۵- شرح ملخص‌التخلیص. (تذکرة‌القبور جوی ص۵۶)

تسمیه‌اش را چنین بیان کرده‌اندکه در زمان شاه‌سلیمان صفوی یکی از ثروتمندان ارامنه آنرا ساخت و بلقب سرفراز نائل گردید و مدتی هم بهمان نام سرفراز مشهور بود .

در هرحال متمول مزبور تعمیری کرده است چه این پل قبل از آن وجود داشته است . منتهی هرچه عبور و مرور بنسبت جمعیت زیادتر میشده پل فرسوده میگردیده است واحتیاج بتعمیر وتجدید بناء حاصل میگردیده است ثبت‌تاریخی این پل درگردش اداری است .

۱۱ ـ پل شهرستان :

این پل در ناحیه جی قدیم ساخته شده و یکی از پلهای باستانی است که در چهارکیلومتری مشرق اصفهان واقع و از دوطرف ازآن پل عبورمیکنند . یکی از خیابانهای‌مشتاق وساروبه وازدامنه تپه‌اشرف ودیگرازدالان بهشت؛ دردوطرف این پل بیشه‌ها وباغها وآپارتمانهای تابستانی وجود دارد . (ش۷)



(شکل ۷)

این پل ازنظر معماری بسیار جالب وبعقیده باستان‌شناسان مربوط به دوره ساسانیان است وپایه‌های آن برروی سنگهای طبیعی کف رودخانه استوار گردیده

استعده‌ای‌هم‌ساختمان آن‌را به‌دروه‌دیلمیان مربوط میدانند. این‌پل‌درنه‌کیلومتری مشرق پل‌خاجو واقع شده‌است. ثبت تاریخی این‌پل درگردش اداری است . (ش۸)



(شکل ۸)

۱۲ ـ پل خاجو :

این پل درانتهای شرقی خیابان کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی وانتهای‌جنوبی خیابان خاجو واقع شده است . بطوریکه باستان‌شناسان تحقیق کرده‌اند پل مزبور برروی پلی‌که درپیش‌وجود داشته وخرابی بآن‌راه یافته‌بوده بناگردیده‌است. (ش۹)



(شکل ۹)

درباب ساختمان این پل وزمان ساختمان وبانی ساختمان وکیفیت آن اقوال گوناگونی نوشته‌اند ولی آنچه مناسب بنظرمیرسد شرحی است که مؤلف‌تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان دراینباب نگاشته وازاینرو نوشته مزبور عیناً نقل میگردد[1]:

(ش۱۰)



(شکل ۱۰)

« درانتهای شرقی خیابان‌کمال اسماعیل وانتهای جنوبی خیابان خواجوکه »
« بطرف تخت فولاد (قبرستان‌اصفهان) وراه یزد میرود پل زیبا وتاریخی خواجو »
« واقع شده ـ این‌پل برروی خرابه‌های پل حسن‌بیك بوسیله شاه‌عباس‌دوم‌صفوی »
« درسال (۱۰۶۵ه) ساخته شده است . آنرا باسامی : پل‌خواجو ـ پل حسن‌بیك ـ »
« پل بابا رکن‌الدین ـ پل گبرها نوشته‌اند . »

۱ ـ از صفحه ۱۸۷ تا ص۱۹۲ .

« تاورنیه سیاح اروپائی نوشته است که در دوطرف خیابان این پل دوخانه »
« زیبا وجود داردکه متعلق بشاه است ورودخانه درهیچ‌کجا بستری بقشنگی این »
« نقطه ندارد وچون این‌محل ازهمه‌جا گودتراست همین امرتا اندازه‌ای شاه‌عباس »
« را وادارساختمان این‌پل نمود وچون محله‌گبرها آن‌طرف رودخانه بوده برای »
« اینکه آنان ازخیابان چهارباغ نگذرند وازاین پل که راه را کوتاهترمینمود »
« وزودتر بمنزل برسند ساخته شد وتاریخ آن ۱۰۵۷ تا ۱۰۷۷ هجری است . »

« ونیز نوشته شده است وقتی‌که پل باتمام رسید بهمان نام حسن‌بیك‌نامیده »
« میشد - این پل‌که طولش ۱۵۰متر وعرضش ۱۴ ومعبرآن ۷/۵متر میباشد از »
« سنگ وآجرساخته شده و۲۱جوی و۲۶ چشمه دارد . »

« این پل بمنزله سد واز حیث معماری واستحکام بی‌اندازه زیبا و بی‌نظیر »
« است ، شامل چهارطبقه ودردوطرف داخلی معبرفوقانی هرطرف۵۱ غرفه بزرگ »
« وکوچك دارد . »

« طول سنگهای این‌پل متجاوزازدومتروامتداد ستون‌های فاصله هرچشمه »
« وپایه سقف ۲۰متراست جلوهرسقف ودیوار پیش‌آمدگی وفرورفتگی وجوددارد »
« که اگرتخته‌ای‌باندازه دهانه پلها بگذارندآب رودخانه بالاآمده ومدتی ذخیره »
« میشود . »

« ودرقدیم مواقع جشن وغیره نیز قایقرانی مینموده‌اند . درهذه‌السنه از »
« طرف شهرداری تخته‌گذاری وقایقرانی‌ومنظره زیبائی‌ایجاد شده وچنانچه برای »
« پل‌خسرانی نداشته باشد اقدام خوبی‌است اما نه‌برای همیشه. درقسمت‌شرقی پل »
« درطرفین‌دوصفه مسطح‌سنگی وجود دارد ودروسط آن‌دوتقریباً درکف رودخانه »
« آثارسنگفرش‌مفصلی دیده میشود وچنانچه نوشته‌اند دریاچه‌ای وجود داشته‌که »
« آب‌ازفواره‌های آن جستن مینموده‌است، تاکف‌رودخانه یازده پله‌سنگی‌میخورد، »
« دردوطرف شرقی‌قسمت پائین‌پل دوشیرسنگی بزرگ ازقدیم موجود است‌که در »
« اثربی‌مبالاتی وجهالت افراد خرابیهائی بدان وارد شده. غرفه‌ها واطاقهای وسط »

« پل بهمان طرز نقاشی و طلاکاری دوره صفویه باقی است و طبقه بالای اطاقها »
« را درچندین‌سال قبل خراب نموده‌اند . پشت بغلهای این پل ازکاشیهای خشت »
« هفت‌رنگ تزیین شده که متأسفانه دراثر لاقیدی و بی‌مواظبتی مسئولین امرویا »
« تأثیر باد وباران همه‌ساله تعداد زیادی ازآنها خراب وازبین رفته بود. ازوسط »
« پل درطرفین تالار دوراه پله موجود است‌که بوسیله آن دوبطبقه زیرین‌میتوان »
« رفت وآمدکرد . تاریخ تعمیراین پل مطابق‌کتیبه‌کوفی‌که درطرف راست‌جنوبی »
« پل‌روبکارخانه نوراست‌درسال ۱۲۹۰هجری‌بسعی‌نصرالله‌خان‌درزمان‌ناصرالدین‌شاه »
« قاجار میباشد . »

« اطراف پل مانند قدیم درایام بهاروتابستان وروزهای‌تعطیل‌محل‌گردشگاه »
« عموم اهالی است وبعضی روزها بحدی جمعیت زیاد است که راه عبورومرور در »
« طبقه دوم تقریباً مشکل میشود . »

« درکتاب عباسنامه تألیف محمدطاهروحیدقزوینی بسال(۱۱۱۰تا۱۰۱۵ه) »
« شرح مفصلی راجع بساختمان‌پل حسن‌آباد «خواجو» نوشته بخلاصه‌اینکه‌پس‌از »
« اتمام شاه‌عباس دوم دستور آئین بستن و گلریزان نمودن پل را بعهده و اهتمام »
« مقصودبیك سفره‌چی باشی واگذارنمود وتزیین هریك از طاقهای آن پل بعهده »
« یکی ازامرا محول‌گردید وچشمه‌های وسط‌که بمنزله دل دربدن ومعنی درسخن »
« است ازطرف شاه‌آئین بسته شد ومینویسد : آب رودخانه را ببالا پل سد نموده »
« بطوریکه فواره حوض آن تقریباً سه‌گز میجست ، سایبانهای زر نگار از مبدا »
« تامنتهای‌پل‌برسرپا بود ورشته‌های‌مفتول جهت‌آویختن فانوس وقنادیل‌بطرحهای »
« مختلف کشیده بودند . »

« ودرهرمجلسی فرشهای قالی کرمانی و قائنی افتاده بود ودر هرحجره‌ای »
« شاهد سنبل موبرپای ایستاده وجوانان خطه ارم عباس‌آباد وسیمبران خوش‌آب »
« ورنگ هندو وارامنه شمشاد قامت گلرخسار مجلس را بصورت نگار گردانیده »
« بودند و اعلیحضرت ظل‌اللهی کامران و کامیاب تا حین طلوح صبح عالمتاب در »

« عمارت شرقی پل مزبوراستراحت وامرا ومقربان و ملازمان هریك در حجرات »
« مختلف خود غنودند . »

« حبذا زین پل مبارك فال — که بود آسمان جاه و جلال »
« بر سرش سایبان رنگارنگ — چون کله بر سر بتان فرنگ »
« باطن او ز جوشش سرشار — چون رگ شاخ گل بفصل بهار »

* * *

« گشت در عهد پادشاه زمان — جنتی بر پل صراط عیان »

* * *

« در آن خلد برین گردیده پیدا — ز مینا شمع و از آیینه مینا »
« کس از بینندگان کم دیده آنسان — چراغان درچراغان درچراغان »

در وصف ساختن دریاچه و سد بر روی پل مزبور بابا محمد علی اصفهانی متوفی حدود (۱۰۸۱ هـ. ق) از شعرای مصاحب حکیم شفائی چنین سروده است :

ندانم چون‌کنم تعریف آن پل — کزو ایجاد شد راه توکل
شکوه بحر اگر آنجا کشد سر — جهد مانند میمونی زچنبر[۱]

و نیز شیخ رمزی کاشی در تاریخ بستن سد بر روی زاینده رود چنین گفته : [۲]

حبذاسدی‌که از خارا به‌پیش‌زنده رود — ازعطای‌شاه دین عباس ثانی بسته‌اند
بهر تاریخش گذشت‌از آب‌رمزی‌ونوشت: — (سداسکندر بآب‌زندگانی بسته‌اند)
(۱۰۶۷)

ازمزایای اختصاصی این‌پل سدی بوده‌که برای آن درموقع ساختن درنظر گرفته‌اندکه هرزمان اقتضاء داشته بابستن چشمه‌های پائین‌آب بالا میآمده وحکم دریاچه وسدی پیدا می‌کرده است واز اینرو گفته‌اند :[۳]

۱- تذکره نصرآبادی ص۴۲۶.
۲- تذکره نصرآبادی ص۴۸۴.
۳- تذکره نصرآبادی ص۱۰ .

دارای جهان پناه عباس دریاچه و سد و پل بناکرد

وبنای این‌سد ودریاچه برای این بوده که منظره عمارات وباغهای واقع در آن محل باشد و درهنگام جلوس درآن عمارات و باغات از منظره دریاچه‌ای که بابستن سد ایجاد میگردید لذت برند .

منظور ازعباس‌که در شعربالاگفته شده شاه عباس‌ثانی است‌که امر ببنای پل و سد نمود ، زیرا بانی‌آن همان شاه عباس دوم است وتاریخ بنای[1] پل (۱۰۶۰هـ.ق) وبنای سد [2] (۱۰۶۸ هـ . ق) بوده است .

این‌پل علاوه براینکه برای عبور ومرور قوافل و عابران ساخته شده بوده برای تفرج وگردش مردم وپادشاه نیز مستعد بوده است. چنانچه از قصص‌الخاقانی نقل‌شده[3] درسال (۱۰۶۰ هـ . ق) که‌پل‌ساخته شد وبه پل شاهی اشتهار یافت بعد از تعطیلات نوروز آن‌سال برحسب فرمان‌شاه عباس‌ثانی پل‌را آئین‌بندی وچراغان کردند وهریك از غرفه‌های آنرا یکی‌از امراء وبزرگان تزیین‌نمود وبرای جشن مهیاگردید وسائرای مشهدی قصیده‌ای‌در۴۵ بیت ونیز صائب تبریزی قصیده‌ای در وصف آن چراغانی وجشن سروده‌اند: [4]

۱و۳ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۸۳.

۲ـ تذکره نصرآبادی ص۴۸۴ .

۴ـ قصاید مزبور باین‌شرح است :

۱ ــ قصیده سائرای مشهدی :

بحکم پادشاه استاد تردست پلی بر زنده رود اصفهان بست
که ریزد سیل هنگام بهارش بجوی کهکشان از آبشارش
پلی بر روی دریا تازه بستند بر اجزای زمین شیرازه بستند
بحکم پادشاه هفت کشور بطاق آسمان شد پل برابر
دلش آئین گلریزان پل خواست رخ از جام چراغان می‌آراست
بفرمود ازپی‌جشن آن زمان زود بیزم افروز آن هنگام مقصود
که پل را چون بروج آسمانی ببند آئین نگه‌کن بین که دانی
چه سیلاب بهاری شد سوی پل که تاپل را کند رنگین‌تر ازگل
ز بس تصویر گوناگون نمودار روان بانی آنجا نقش دیوار
عجب نبود اگر از عکس آئین شود آئینه صورتخانه چین

←

اگر یك گل زمین را تازه دیدند — برویش عقد از گوهر کشیدند
پل از دریاچه بیند جلوه خویش — نهاده چون عروس آئینه در پیش

چراغان شد ز حکم پادشاهی
زمین تا آسمان مه تا بماهی

۲ ــ قصیده صائب تبریزی :

اصفهان یك‌دل‌روشن ز چراغان شده است — پل ز آراستگی تخت سلیمان شده است
باده‌چون‌سیل زهرچشمه روان گردیده است — کمر پل زمی لعل بدخشان شده است
از گل و شمع که افروخته و ریخته دست — کهکشان دگر ازخاك نمایان شده است
چون مه عیدکه گردد ز شفق چهره فروز — طاقها ازمی گلرنگ فروزان شده است
عالم آب دوبالا شده از عشرت پل — شادی و عشرت ایام دوچندان شده است
رنگ سیلاب طلائی شده از نور چراغ — چشمها مشرق خورشیددرخشان‌شده است
میدهد یاد سرپل ز خیابـان بهشت — شمع‌وگل‌چهره‌حوراست که‌تابان‌شده است
بادبانها است پی کشتی دریا دل می — سایبانها که ز اطراف نمایان شده است
شده چون قوس وقزح هرخم طاقی رنگی — از تماشا پروبال نگه الوان شده است
زنده‌رود از کف مستانه که برلب دارد — جوی‌شیری‌است که‌درخلدخرامان‌شده است
از رگ ابر هوا چنگ بدامان دارد — ازگل سرخ زمین چهره مستان شده است
بسکه درمغز هوا نکهت گل پیچیده است — مغز ابراز اثر عطسه پریشان شده است
دفتر عیش که هرفردی ازاو جایی بود — از رگ ابر به‌شیرازه وسامان شده است
توبه عاجز ز عنان داری تقوی گشته است — زهد خاروخس سیلاب بهاران شده است
کشتی پل شده هرطاق می از بادهٔ ناب — لنگر توبه خراباتی طوفان شده است
توبه کز سنگدلی داشت ز فولاد اساس — همچوموم ازنفس‌گرم چراغان شده است
خون خاك آمده از جرعه‌فشانان درجوش — کوچه‌ها ازمی‌گلرنگ‌رگ‌کان شده است
روزگار طرب و مستی و بی‌پروائی است — که می ومطرب‌ومعشوق‌فراوان شده است
مه احسان ز رگ ابر کشیده است بهار — دامن خاك پراز گوهر غلطان شده است
خون خود میخورد و خاك به لب میمالد — زهد از توبهٔ‌خودبسکه پشیمان شده است
خاك از سبزهٔ مینا شده چون طوطی مست — چرخ تنگ شکرازخنده‌مستان شده است
آسمان یك لب خندان شده ازتابش برق — خاك‌ازجوش‌طرب‌یك‌خم‌جوشان‌شده است
میزند قهقههٔ کبك به طاوس بهشت — بط که شهباز دل باده‌پرستان شده است
بیستونی است پراز صورت شیرین سرپل — که ز تردستی فرهاد گلستان شده است
ابر گریان گل رخسار مه کنعان است — که کبود از اثر سیلی اخوان شده است
چشم بد دور از این عهد که هر چشمه پل — زندگی‌بخش‌چوسرچشمه‌حیوان‌شده است
کمر خدمت شه بسته زپل زرین رود — به‌دل زنده ازآن شهره دوران شده است
سربسر سجده شکر است زپل زرین رود — که مقام طرب خسرو ایران شده است

←

مؤلف تاریخ اصفهان وری چنین گفته : [1]

« و اما مبانی شگرف اصفهان یکی پلهائی است که روی زاینده رود زده شده»
« مانند پل بابارکن‌الدین که به‌پل خواجو معروف است . ریشه واساسش قبل از»
« عجم بوده وزمان ترکمان‌های آق‌قوینلو تعمیری از آن شده وبعهد صفویه مرتبه»
« بالاراطرح انداخته و در بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه»
« ساخته بود بنام خودکه در ۱۳۱۰ اجزای ظل‌السلطان خراب کردند و راه »
« چهارباغ‌نو است برای تخت پولاد . » .

اینکه مؤلف تاریخ اصفهان وری گفته اساسش قبل از عجم بوده معلوم نشد چه زمانی‌را درنظرداشته است ولی آنچه مسلم‌می‌نماید اینستکه پیش‌ازدولت اسلام اساس آن پل وجود داشته است و درزمان ترکمانها تعمیری ازآن شده ودردوران صفویه طبقه بالای آن ساخته شده ودرزمان بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه‌ای بنام‌خود ساخته که درسال (۱۳۱۰ ه . ق) ازطرف ظل‌السلطان خراب گردیده است .

این پل‌را باسامی : بابارکن‌الدین ـ خاجو ـ گبرها ـ شیراز ـ حسن‌آباد ـ پل‌شاهی تیموری خوانده‌اند اما اینکه آن‌را پل بابارکن‌الدین گفته‌اند ازاین‌جهت است‌که درتخت فولادکه نزدیکی‌جاده قدیم‌شیراز واقع‌شده قبروبقعه بابارکن‌الدین که ازعرفای معروف‌زمان خود ودر ۲۶ ربیع‌الاول سال (۷۶۹ ه . ق) وفات کرده درآنجا واقع‌ومورد توجه ومزار عمومی‌است ازاینرو پل‌بنام‌او معروف‌گردیده‌است.

اما نامیدن آن به پل‌خاجو بمناسبت اینستکه در مجاورت محله خاجو ساخته شده وپل شیراز از این نظرکه نزدیك جاده اصفهان بشیراز واقع گردیده وپل‌گبرها ازنظر اینکه گبرها ازاین‌پل بمحله خود میرفته‌اند وپل حسن‌آباد از

شاه عباس جوان‌بخت که از بخت جوان کیمیای طرب عالم امکان شده است
روزش از روز دگر خوشتر و نیکوتر باد
که ازاو روی زمین یك‌گل‌خندان شده است

۱- تاریخ اصفهان وری ص۱۸۳ .

جهت این‌که محله خاجورا درقدیم حسن‌آباد مینامیده‌اند واما پل‌شاهی‌ازاینجهت بوده‌که‌چون شاه عباس دوم درسال یکهزاروشصت‌پل‌را کامل‌کرد وازهرجهت‌آراسته گردید به پل‌شاهی‌معروف‌گردید وتیموری ازآن نظرگفته‌اند که تیمور بدامادخود حسن‌پاشا دستور داده بوده که آن‌پلرا بناکنند وبناکرد.[۱]

مؤلف نصف جهان درباب پل‌خاجو چنین نوشته است:[۲]

« پل هشتم ـ پلی‌است‌که الحال به پل خواجو اشتهار دارد زیراکه درآخر،
« چهارباغ مشهور به‌خواجو واقع است وقبل ازچهارباغ درآخر وکنار آن محله،
« واقع بوده وپل‌طرف‌یمین است، و دراول قبل ازخرابیها برسرمحله حسن‌آباد،
« بوده وبانی آن‌را باسم‌پل حسن‌آباد موسوم نموده‌بوده و چون محله حسن‌آباد،
« در فترت افغان وفتنه‌های بعدازآن خراب وبکلی‌ازآبادی افتاده است و محله،
« خواجو نزدیك آن بوده باسم آن معروف شده. این پل‌درکمال خوبی وزیبائی،
« است وزیاده خوش‌نماتر ازپل سی‌وسه چشمه است اما بآن عرض و طول نیست،
« لکن‌بهمان استحکام ساخته‌شده ودقیقه‌ای ازاستحکام وخوش‌نمائی‌را فروگذار،
« ننموده‌اند، آنرا شاه عباس‌ثانی بنا نموده و میرزاطاهر وحید تخلص‌که در آن،
« زمان وقایع نگار ومورخ زمان آن پادشاه بود آنرا ضبط و درتاریخی‌که بنام،
« او نوشته ثبت‌نموده است وآورده که درمحل‌این‌پل یك‌پل‌کهنه مدروس‌وویران،
« بود وشاید آن پلی بوده است‌که درکتاب مافروخی باسم جسر حسین‌نوشته‌شده،
« وبالجمله بحکم پادشاه آنرا خراب نموده و برداشتند واین پل‌را باین وضع،
« خوب و هئیت مرغوب مشتمل بربیست وچهار چشمه بزمان اندك بساختند و،
« چون پیش محله حسن‌آباد و جنوب آن بوده آنرا پل حسن‌آباد نام نهادند و،
« تصریح نموده است‌که یك طرف‌آن باغ سعادت آباد است‌که مشتبه به پل دیگر،
« بهیچوجه نیست، ومرحوم امیرالشعراء رضاقلی‌خان هدایت تخلص نیز درکتاب،
« روضة‌الصفای ناصری درآخراحوال شاه عباس‌ثانی‌اشاره‌ای‌ازبنای این‌پل‌ازپادشاه،

۱- زنده رود ج۱ ص۳۱. ۲- نصف جهان ص۱۰۹.

« مذکور نموده است . بربالای این‌پل بدستور خیابان و دوطرف غرفه‌ها بسته‌اند »
« وسرطاقهای غرفه‌ها را کاشی‌کاری نموده و در میان آن عمارت و نمائی‌ساخته‌اند »
« که درغرفه‌ها وآن عمارت همه نشیمن مردمان عام وخاص میباشد که بتفرج و »
« تماشاآیندوشاه عباس‌بعداز اتمام آن‌درآنجا چندشبی‌جشن وچراغان فرموده‌اند »
« ومرحوم صدراعظم‌اصفهانی حاجی‌محمدحسین‌خان‌هم‌چهارباغ خود راکه موسوم »
« به‌فتح‌آباد است متصل‌باین‌پل بناکرده‌است . زیرااین پل‌رابطرز دیگرساخته‌اند »
« که زیاد ازحد مزید حسن‌آن‌گشته . دوطرف شرقی‌وغربی پل‌را که جهت‌دخول »
« وخروج آب است مهتابی طرح انداخته ومیان پلهارا طاقنمائی ساخته‌اند و در »
« میان هرطاقنمائی نهربزرگ سنگی بناکرده‌اندکه آب قسمت‌آن چشمه ازمیان »
« نهرمیرود ودوطرف‌آن‌شهرراه‌روی است‌که مردمان‌برسرآن میروند ومی‌نشینند »
« وگاهی‌که درفصل بهارآب زیاده طغیان میکند تا بالای جویهای میان‌آمده راه »
« عبورومرور را می‌بندد وبرای مهتابی روی بمشرق درمیان ممرهای آب ومحل »
« ریزش آن زینه‌ها قالب آب ساخته‌اندکه مردمان برآن نشسته ازصفا وتماشای »
« آب محظوظ شوند و نمائی دیگربطرف طول‌درمیان پل ساخته‌اند ایوان‌مانند »
« ازاول تاآخر چشمه‌ها محاذی یکدیگر ، چنانچه ازاول چشمه‌آخری آن‌پیدا »
« است ، مجملاً مانند این‌پل‌وپل‌سی‌وسه چشمه پلی‌بایران ساخته نشده وبنفاست »
« واستحکام آنها نپرداخته‌اند . ودرنزد مردم عام وکسانی که ازتاریخ خبرندارند »
« این‌پل به‌پل حسن‌خان ترکمان مشهور شده‌است ومراد ایشان امیرحسن‌بیك‌آق »
« قوینلو است که امیرآذربایجان بوده وبراین‌سمتها نیز فرمان‌روا بود ولیکن‌او »
« هرگز باین‌جاها نپرداخته وچنین همت وسلیقه نداشت بلکه تمام دولت‌اوبهمه »
« عمربقدرخرج این‌پل نبوده است واوقبل‌اززمان سلطنت صفویه بوده وسلطنت »
« ازاولاد اوبصفویه منتقل شده واگراین پل را اوبنانموده بود وشاه‌عباس بزرگ »
« که بسیارسال بعد از او بود و این وضع و ترکیب را دیده بود سلیقه شاه‌عباس »
« هرگزبوضع وهیئت پل سی‌وسه چشمه رضا نمیداد وهمت بشکل ووضع به‌ازاین »

« میگماشت نه‌کسر ازآن ، چه این پل هیئتی فایق دارد وزیاده قابل تعریف و ،
« تحسین است هزار آفرین بدانش وذهن مهندسان آن زمان و صدهزار آفرین ،
« بهمت آن پادشاه با فروتمکین بادکه ذره‌ای درمخارج آن خست واهمالی ننموده ،
« است و مسلماً وجه اشتباه نزدیکی اسم شده وازبی‌خبری پل حسن‌آباد را پل ،
« حسنخان گفته ودانسته‌اند وحال آنکه آنهم غلط است نه‌خان است ونه‌شاه بلکه ،
« امیرحسن‌بیك ترکمان است وهرگز لقب خانی وشاهی نداشته . (ش۱۱)



(شکل ۱۱)

از گفتار مورخان معلوم گردید که درجای کنونی پلهای خاجو پل دیگری بوده که بوضع اندراس درآمده بوده وقابل استفاده نبوده است واز اینرو شاه‌عباس دوم دستورداده برطبق نقشه پلی برروی زاینده‌رود که در نزدیکی باغ سعادت‌آباد وعمارت آینه‌خانه بوده ساخته شود و کارکنان برطبق دستور ساعی بوده‌اند که این پل ازپل اللهوردیخان وسایرپلها زیباتر وبهترساخته شود ومسلم پل باوضع کنونی بعداز شاه‌عباس دوم ایجاد شده وپلی که پیش بوده ، اهمیتی ازنظرساختمان نداشته است ومسلم سطح معماری آن پل درهنگام احداث پل اللهوردیخان پائین‌تر بوده است . (ش۱۲)



(شکل ۱۲)

درطول این پل اختلاف است ، چنانچه در گفته‌های پیش نوشته شد طول را ۱۵۰وعرض‌را ۱۴متر نوشته‌اند ولی درگنجینه آثارتاریخی اصفهان طول ۱۳۲/۵متر وعرض ۱۲ متر نوشته شده است .

عدد چشمه‌های این پل را بعضی ۲۶ وبرخی ۲۴ وکسانی ۲۱ و دیگران ۲۸ نوشته‌اند وگمان‌میرود بعضی ازچشمه‌های آن درزیرشن وخاك مسطورشده باشد .

این پل زیرشماره ۱۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۱۳ ـ پل اللهوردی‌خان :

این پل در سال (۱۰۱۱ هـ. ق) باهتمام اللهوردیخان سپهسالار شاه‌عباس و بنا بدفرموده شاه مزبورشروع بساختمان‌گردید وبطوریکه درعالم‌آرای عباسی[۲] نوشته

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .

۲ ـ عالم‌آرای عباسی ج۱ ص۵۴۴ .

شده دارای چهل چشمه (دهانه) بوده‌که ازهرچشمه‌ای آب خارج میگردیده، پلی بسیارعریض وطویل ومرتفع ، شالوده آن با سنگ و آهك ریخته شده وباآجر و گچ بالا رفته ودوطرف پل غرفات وغلام‌گردشهای بلند فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش زیاد با عرض ومرتفع وطول آن ۳۵۰قدم و عرضش بیست قدم وشش معبر باین شرح داشته است :

۱ـ راه وسطکه مخصوص عبورسواره وگردونه‌ها بوده است . ۲و۳دوطرف پل که ازمیان گالاریهای زیبا میگذشت وبه پیاده‌رو تخصیص داشت . ۴و۵ پشت بامهای گالاری از دو طرف که دور آن نرده داشته و موقع طغیان رود تفرجگاه باشکوهی بوده است، سرانجام‌گالاریهای پل بوسیله پله‌های ظریف بزیر پل متصل میشد واز زیرپل هم موقع کم‌آبی عبور میکردند . ۶ اززیر پل بود .

مساحت این پل را سیاحان انگلیسی چهارصد و نود یارد تعیین کرده‌اند . هفت دهانه این پل گرفته شده و اکنون ۳۳ دهانه دارد واز اینرو به پل۳۳ چشمه شهرت دارد .

این‌پل‌رابنامهای : پل‌شاه‌عباسی ـ پل اللهوردیخان ـ پل جلفا ـ پل‌چهل‌چشمه ـ پل سی‌وسه چشمه خوانده‌اند ووجه تسمیه هریك چنین است : ۱ ـ پل شاه‌عباسی ازآن‌جهت گویند که شاه‌عباس اول دستور بنای آن را داده است . وچون بمباشرت و اهتمام اللهوردیخان ساخته شده به پل اللهوردیخان معروف گردیده و از لحاظ اینکه معبر مردم به جلفا بوده آنرا پل جلفا هم گفته‌اند و چون در ابتداء چهل چشمه داشته پل چهل چشمه و اینك سی و سه چشمه دارد به پل سی و سه چشمه اشتهار دارد .

این پل برای اتصال خیابان چهارباغ‌کهنه عباسی به‌خیابان چهارباغ بالا وباغ هزارجریب وعباس‌آباد ساخته شده است . این پل در جشن آبریزگان و آب‌پاشان محل اجتماع شاه وبزرگان وشعراء ورجال وسایرمردم بوده است . (ش۱۳)

شرحی‌را که سرپرسی‌سایکس انگلیسی راجع به‌این پل نوشته ازنظراینکه



(شکل ۱۳)

بسیار دقیق ووضع پل را درآخر قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم هجری مجسم مینماید عیناً دراین‌جا نقل میگردد :

« خیابان باشکوه چهارباغ از یك‌طرف به پل اللهوردیخان کشیده میشود »
« که بااینکه‌حالیه روی بویرانی‌نهاده معهذا ازپلهای درجه‌اول عالم بشمارمیآید، »
« اینجا از یك شاهراه سنگ‌فرش شده وارد مدخل عمومی پل میشوند شکل »
« فوق‌العاده وشگفت‌آور این پل‌که ۳۸۸یارد طول‌آنست مقابل یك‌جاده‌سنگ‌فرش »
« شده‌ای به‌عرض ۳۰پا بدین‌قرار است‌که درآن سه‌معبر درسه‌سطح مختلف تعبیه »
« شده که یکی از آنها راه معمولی روی پل است که در دوطرف آن طاق‌نماهای »
« سرپوشیده ساخته‌اند . طاقنماها ازطرفی برودخانه وازطرفی بهمین‌جاده مشرف »
« میباشند ، دربالا وپائین این طاقنماها که با تابلوی نقاشی شده تزیین یافته بود »
« هرکدام یك پیاده‌روهائی است‌که با پله‌کانها باین‌راه اصلی وصل میشود ودرکنار »
« سطح رودخانه معبر دیگری است‌که بطول رودخانه امتداد مییابد . تنها انتقاد »
« مخالفی‌که برای ساختمان این‌پل میشودکرد وآن ازتصویرهم نمایان‌است آنکه »
« پل مزبور درمقابل جریان ضعیف وباریك زنده‌رود دربیشتر فصول سال بیش از »

« اندازه جنبه ظرافت دارد[1] . »

در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[2] درباره این پل تاریخی چنین نوشته است :

« درانتهای جنوبی خیابان چهارباغ پل اللهوردیخان است که بنام بانی و
« سازنده آن خوانده میشود ودرهمان موقعی که شاه‌عباس دستور کاشتن درختان
« چهارباغ را میداده رفیق وسپهسالارشاه نیز درساختمان این پل بوسیله آجر و
« سنگ‌تراش فعالیتی بخرج میداد، وضعیت این‌پل باقدیمش تفاوت‌زیادی نکرده
« است . ایوانچه‌ها وغرفه‌های زیبا ومتناسب طرفین پل که جای نشستن اهالی و
« یا عبورومرور است بهمان‌حالت اولیه باقی است . طول این‌پل ۲۹۵ مترو عرضش
« ۱۳/۷۵ متر میباشد . نوشته‌اندکه درابتدا چهل‌چشمه داشته و بتدریج سی‌وسه
« چشمه شده . درسنوات اخیر قسمت زیادی از بستر رودخانه را تصرف کرده و
« اشجاری غرس نموده بودند بطوریکه چندچشمه پل از عبورآب محروم گشته
« وممکن بود بکلی متروك شود ولی درسال ۱۳۳۰ که آقای مصطفی‌خان مستوفی
« ریاست شهرداری اصفهان را داشت شهامت وشجاعت بخرج داده و اراضی مزبور
« را ازتصرف غاصبین‌خارج ومجرای عبورآب چشمه‌ها را بازکرد واقدام‌بساختمان
« دیوارهای سنگی‌درطرف شمال رودخانه نمودکه هنوزآثارش پابرجا وعملیاتش
« زبانزد مردم این شهراست . دردوره صفویه ارامنه حق داشتند تامیدانی‌که اول
« پل احداث شده بود جمع شوند ومال‌التجاره وصنایع خویش را با صنعتگران
« اصفهانی تبدیل نمایند وحق نداشتند ازاین پل عبورکرده داخل شهر شوند در
« جلو این پل مجسمه رضاشاه‌کبیر برروی ستونی بارتفاع ۵ متر دیده میشود که
« براسبی سواروبطرف شمال‌متوجه است اطراف این‌مجسمه فعلاً میدان ۲۴ اسفند
« ویا میدان مجسمه نامیده میشود . »

« درشمال شرقی پل‌یعنی‌اول خیابانی‌که بطرف شرق امتداد دارد ساختمان

---

۱ ــ ترجمه تاریخ ایران سرپرسی‌سایکس ج۲ ص ۳۱۵ . ۲ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۸ .

« آجری است‌که بیاد مقبره‌کمال‌الدین اسماعیل (قبرش درجهانباره است)ساخته »
« شده وخیابان مزبور بنام‌آن بزرگوار نامیده‌میشودکه بطرف‌پل‌جوئی وخواجو »
« امتداد دارد . »

بطوریکه‌ملاحظه شدگفتارتاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان وضع‌پل زاینده‌رود را درگذشته وحال تشریح کرده و اقتضاء داشت که برای استحضار سرگذشت پل در ایام گوناگون درج گردد .

تاورنیه سیاح فرانسوی راجع باین‌پل درسفرنامه خودکه نظم‌الدوله‌ابوتراب نوری آنرا ترجمه کرده[1] چنین نوشته است :

« پلی که دروسط خیابان تقاطع میکند موسوم به‌پل اللهوردیخان که بانی »
« آن بوده است میباشد وآنرا پل‌جلفا هم میگویند. این پل‌تمام ازآجروسنگ »
« بناشده وسطح‌آن بیك میزان است . دوطرف‌آن ازوسطش پست‌ترنیست، / ۳۵۰ »
« قدم طول وبیست‌قدم عرض دارد وزیرآن چندین چشمه وطاق ازسنگ ساخته »
« شده که خیلی پست وکم‌ارتفاع است ، دردوکناره پل راهروی بعرض هشت نه‌پا »
« و بطول تمام امتداد پل که چندین طاق با پایه‌های مرتفع بارتفاع ۲۵ یا ۳۰ پا »
« سقف آنرا نگاهداشته‌اند دیده میشود ، اشخاصی که میخواهند هواخوری‌کنند »
« وقتی‌که خیلی‌گرم نباشد ازبالای سقف راهروها عبور مینمایند، امامعبرمعمولی »
« از زیر آن راهروها است که بمنزله نرده و نگهبان است و روزنهائی بطرف »
« رودخانه داردکه هوای لطیف وخنك ازآنها داخل راهرومیشود . زمین راهرو »
« ازسطح پل خیلی بلندتراست و بتوسط پله براحتی بالای آنها میروند . فضای »
« وسط پل مخصوص عبورگاری ودواب است وتقریباً ۳۵پا عرض دارد . یك معبر »
« دیگرهم دارد که درتابستان وموقع کمی‌آب بواسطه خنکی خیلی‌مطبوع است »
« وآن ازمیان خود رودخانه‌است درخط مخصوصی‌که تخته‌سنگها نزدیك‌هم‌اتفاق »
« افتاده میتوان ازروی آنها رد شد بدون‌اینکه پا تربشود. ازتمام دهنه‌های زیر »

---

۱ ــ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۶ .

« پل بواسطه درهائی که بهرچشمه گذارده‌اند میتوان عبورنمود وازپلکانی که در »
« قطرپایه پل ساخته شده ازروی‌پل بزیرچشمه‌ها وطاقها پائین‌میروند وهمینطور »
« پله‌هائی دردوطرف دارد که ببالای مهتابی روی راهروها صعود مینمایند وعرض »
« راه‌پله‌ها بیش‌از۲ تواز(۴ذرع‌تقریباً) است، ودردوطرف نرده ومحافظی‌کشیده‌اند »
« که ازپرت‌شدن جلوگیری مینمایند . »

« بنابراین شش‌معبر درروی این پل وجود دارد: یکی دروسط وچهارتا در »
« دوطرف‌که عبارت است اززیروبالای راهروهای پلکان تنگی که بزیرپل میرود، »
« حقیقةً این پل ازروی صنعت واستادی بناشده ومیتوان‌گفت قشنگترین‌صنعت »
« وشاهکار ابنیه ایران است ، اما بسی‌دور است ازاینکه به‌استحکام پل نف پاریس »
« ساخته شده باشد . »

سرپرسی‌سایکس انگلیسی در شرحی که راجع به‌پل زاینده‌رود نوشته بود گفته بودکه این پل بااینکه روی به‌ویرانی نهاده ازپلهای درجه اول عالم است واما تاورنیه تعصب ملی نگذارده که در تفاوت خود انحراف نورزد ، گرچه تاورنیه در کلیه موارد نظرش‌ساده نبوده واغلب خواسته است بناها ودیگر آثارایران‌راکوچك وپست جلوه دهد وازدیگران هم استفاده کرده که درتجلیل اصفهان غلو کرده‌اند.

اینکه آرای مختلفی راجع به‌این پل نگاشته شد برای‌امکان استخراج نظر صحیح وصائب درباره آن بود واینکه درستی ونادرستی نظرهائی چون‌نظر تاورنیه معلوم گردد . درهرحال اکنون این پل دراصفهان ممتاز ودر درجه اول قراردارد و چون از آثار باستانی بشمارمیرود زیرشمارهٔ ۱۱۰ ، بثبت تاریخی رسیده است[۱].

شاه‌عباس اول بطوریکه مورخان و سیاحان خارجی نوشته‌اند در هر حال در جشن آبریزان شرکت میکرد و اگر در اصفهان بود در کنار زاینده‌رود برابر پل سی‌وسه پل واگر درمازندران‌بود درکنار دریای خزر، وگاهی روی‌پل سی‌وسه‌چشمه برگزار میکرد[۲] .

۱ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .

۲ــ درشرح جشن‌آبریزان ←

در کتاب زندگانی شاه‌عباس اول راجع به جشن نوروز که شاه درسال ۱۰۱۸ هجری درروی پل سی‌وسه‌پل برگزارکرده چنین‌نوشته‌است[۱] .

« جشن نوروز غالباً از سه تا هفت شبانه‌روز دوام می‌یافت . گذشته از باغ »
« نقش‌جهان پل اللهوردی‌خان‌را نیز آئین می‌بستند وچراغان میکردند. وگاه به »
« فرمان شاه‌عباس برسرپل مراسم‌گل‌ریزان صورت میگرفت، وگلهای فراوان در »
« راه شاه و همراهان او ریخته میشد . ازآن جمله در سال ۱۰۱۸ باآنکه جشن »
« فروردین مصادف با ماه محرم بود ، بفرمان شاه هفت شبانه‌روز جشن نوروزی »
« گرفتند، وبرسرپل‌گل‌ریزان‌کردند، وچون مردم اصفهان درچراغان‌وآئین‌بندی »
« هنرنمائی بسیارکرده بودند ، شاه مبلغ پانصدتومان ازمالیات‌آن‌سال را بایشان »
« بخشید . »

شاعری قطعه‌ای سروده که بنقل ازاصفهان جوانان ص۱۴۱ عیناً درج میگردد .

چو هر سال روز نخستین مهر — برافروزد از برج خرچنگ مهر
بود آب پاشان برسم عجم — که‌کسری‌شگون‌کرده بوده‌است‌وجم
شهش نیز نیکو شمردی بفال — بامرش شدی جشن آن روز سال
در آن روز در چهارباغ ازدحام — نمودند بیش از شمر خاص و عام
ز بس ریختند آب بر یکدیگر — جهان گشت تا ماهی و ماه‌تر

اصولا این جشن در ایران و بخصوص در اصفهان معمول بوده وگویامحله‌آب‌بخشگان ویا آبریزان هم یکی ازمحلهائی بوده‌که مردم اصفهان درآنجا باین جشن میپرداخته‌اند وآب برسرورروی یکدیگر میریخته‌اند . وشاید بیت‌الماء که ملکشاه احداث کرده بوده برای انجام همین منظور بوده است .

مرسوم ایرانیان قدیم چنین بوده‌که در روز ۱۳ تیرماه هرسال جشنی برپا میکردند ودر آن‌جشن باآب وگلاب برسرورروی هم‌آب میپاشیدند. شاه‌عباس هم‌دراین جشن شرکت میکرده ومراسم مخصوص وتشریفات خاصی دراین جشن بکارمیبرده است ، اگرددراصفهان میبوددرزیر طاقنمای پل می‌نشست و بتماشای جشن میپرداخت در روز جشن باندازه‌ای جمعیت ازدحام میکردکه گاهی سرودستها شکسته میشد وزمانی کسانی‌کشته میشدند وآنموقع شاه‌دستورمیداد که دست ازآب‌پاشی بردارند .

تاورنیه سیاح فرانسوی‌جزئیات جشن آبریزان شاه‌عباس‌اول را درروی پل‌سی‌وسه‌چشمه شرح داده است .

۱ ــ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۱۸ تا ص۳۱۹ .

« درتاریخ این جشن و گلریزان میرحیدر معمائی کاشی[1] چنین سروده است:»

«گل گشت روی پل چو کند خسروعجم گل گشت روی پل پی تاریخ کن رقم»

۱۰۱۸

موضوعی که باقی ماند تاریخ بنای پل است که بامر شاه‌عباس کبیر انجام شده است . آنچه مسلم است درسال ۱۰۱۸ که جشن گلریزان درحضور شاه‌عباس انجام گردید پل مزبور ساخته بوده است ولی مورخان سال اتمام را متفاوت نوشته‌اند :

اسکندربیك درعالم آراء دروقایع سال (۱۰۱۱) چنین نوشته[2] :

« ... درانتهای خیابان باغی بزرگ ووسیع، پست‌وبلند، نه‌طبقه جهت خاص »
« پادشاهی طرح انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدند و پل عالی‌مشتمل بر »
« چهل‌چشمه بطرزخاص ، میان گشاده‌که درهنگام طغیان آب درکل ، یك‌چشمه »
« بنظردرمیآید ، قرار دادند که برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر »
« اتصال یابد . »

حاج‌میرزا حسن‌خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال (۱۰۰۵ هـ. ق) چنین نوشته[3]:

« شاه‌عباس اصفهان را پای‌تخت دائمی نموده طرح عمارات عالیه انداخت ، »
« سردرب قیصریه جنگ اواست با ازبکان . »

ودروقایع سال (۱۰۰۸ هـ.ق) چنین نوشته[4] :

« شاه ازهرات باصفهان آمده وتکمیل طرح عمارات وباغات که هریك از »
« امراء باغی بنام خود ساخته درحواشی چهارباغ کهنه وچهارباغ بالا . »

۱ــ میرحیدر معمائی کاشی و از سادات معتبرکاشان وشاعر ودر سرودن معما توانا بود ، اورا بهجو شاه‌عباس اول‌متهم‌کردند و شاه امرکرد اموالش‌را تصاحب‌وخودش‌را محبوس‌کردند. ازحبس گریخته و بهندوستان رفت و درآنجا مکنتی حاصل کرد و قصد مراجعت داشت ولی در راه کشتی او تباه‌شد و با تخته‌پاره‌ای سرازبندر سورت درآورد. خبرمراجعتش بشاه‌عباس رسید و او را خواست و مورد نوازش قرارداد و در حدود سی هزار تومان بجبران اموال از دست‌رفته‌اش باو داده شد . (نقل بمعنی ازتذکره نصرآبادی ص۴۷۵)

۲ ــ تاریخ عالم‌آراء ج۲ ص۱۱۱۱ . ۳ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۸۹ .

۴ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰.

ونیز دروقایع سال (۱۰۰۸ ه. ق مینویسد[۱] :

« شاه‌عباس باصفهان برگشت ، اللهوردیخان را فرمود پل زاینده‌رود را با » « عمارات دیوانی بساخت . »

دروقایع سال (۱۰۱۲) نوشته است[۲] :

« بنای سردرب عالی قیصریه وکاشی‌کاری ممتاز آن ... »

میرزاعلینقی کمره‌ای متخلص به‌نقی که از شعرای زمان بوده ماده تاریخی سروده که ابیات آن چنین است[۳] :

فلك قدر الله‌ویردی که قدر — ز عباس‌شاه اندر ایام یافت
بامداد بیگ‌ویردی دادگر — پلی کرد آغاز و انجام یافت
بسعی ملك سیرت آقا حسین — بخیرالعمل حسن اتمام یافت
بدست زبردست صعب امیر — چو بند امیر این بنا نام یافت
پی سال تاریخ این پل نیافت — کسی خوبتر از«پل اتمام یافت»

ظاهرگفته عالم‌آرا اینستکه پل درسال (۱۰۱۱ ه.ق) ساخته شده و گفته‌های جابری انصاری قسمتی حاکی است‌که درسال مزبور ساخته شده و قسمتی می‌رساند که دستور داده شده که بسازند و در قسمتی نوشته که ساختن‌آن با سر در قیصریه مقارن بوده وحال‌آنکه ساختمان سردرقیصریه را ازوقایع سال ۱۰۱۲ نوشته است. و هیچ اشاره بسند این‌گفته‌ها هم نشده است.

ماده تاریخ منسوب به‌نقی کمره‌ای هم حاکی است‌که ساختمان پل‌امیردرسال (۱۰۰۵ ه.ق) انجام یافته است ولی تاریخ شروع آن معلوم نیست وباید اذعان‌کرد که اگر منظور همان پل چهل‌چشمه ویا اللهوردیخان باشد محال است که درظرف یکسال چنین پلی ساخته شده باشد و حداقل باید در سال (۱۰۰۳ ه.ق) شروع شده باشد تا در (۱۰۰۵ ه.ق) باتمام برسد .

آنچه بنظر میرسد اینستکه برای ساختمان عباس‌آباد مسلم است که باید

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۹۰ . ۲ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۱ .
۳ ــ موادالتواریخ نخجوانی ص۶۴۹ .

ابتداء پل واسطه ساخته شود و سپس شروع بساختمان آن‌طرف پل شود . تاریخ ساختمان چهارباغ یعنی اتمام آن مطابق ماده تاریخی که سروده‌اند وعالم‌آراء نوشته است[1] . هزار وپنج هجری است و ماده تاریخ چنین است :

عجب چارباغی است بهجت‌فزا — گرش ثانی خلد گویند شاید
چوتاریخ آن‌دل‌طلب‌کرد گفتم : — « نهالش بکام دل شه برآید »

که با حساب حروف جمل با هزار و پنج مطابقت دارد و نیز تاریخ تکایائی که در خیابان چهارباغ طبق دستور شاه‌عباس ساخته شده سال هزار و یازده است‌که در تذکره‌نصرآبادی[2] بنقل از تاریخ جلال منجم بشاه‌عباس اول منسوب شده وآن ماده تاریخ چنین است :

کلبه‌ای را که من شدم بانی — مطلبم تکیه سگان علی است
زین سبب فیض یافتم ز اله — که مرا مهر با علی ازلی است
« خانه دلگشا » شدش تاریخ — چونکه‌ازکلب‌آستان علی است

و از طرفی اللهوردیخان در سال (۱۰۰۴ ه.ق) از طرف شاه‌عباس اول بایالت فارس منسوب گردید ودرآنجا باداره امور و تمشیت میپرداخت تااینکه حکومت کوه گیلویه هم برحوزه حکومتش افزوده گردید وازمجموع این تواریخ استنباط میشود که شاه‌عباس پس‌ازاستقرار بسلطنت وپیش‌ازاینکه مقر خودرا اصفهان قرار دهد درصدد بوده که اصفهان را بپای‌تختی انتخاب کند واز اینرو دستورداده بوده که طرحهائی برای آبادی اصفهان و مهیا کردن آن برای پای‌تختی ریخته شود و شاید اعزام اللهوردیخان بفارس هم ازاین‌نظر بوده که اقدامات عمرانی اصفهان هم زیرنظر اوقرارگیرد وعادةً باید عمران اصفهان از بعدازتاریخ اعزام اللهوردیخان یعنی بعداز سال (۱۰۰۴ هجری) انجام یافته باشد و تقریباً هم همین‌طور است چه مطابق ماده تاریخ نقی کمره‌ای هم ساختمان پل اللهوردیخان درسال (۱۰۰۵ ه.ق)

۱ــ عالم‌آرا ج۱ درص۵۴۴تاص۵۴۵ . ۲ــ تذکره نصرآبادی ص۹. ۳ــ مقاله دوپل تاریخی مندرج درص۱۷ مجله هنر ومردم شماره ۸۱ .

اتمام‌یافته وعمران خیابان چهارباغ در(۱۰۰۵ه.ق) وتکایای چهارباغ‌در(۱۰۱۱ه.ق) ودرسال (۱۰۲۵ه.ق) تمام ساختمانهائی‌که اززمان شاه‌عباس شروع شده‌بوده‌سرانجام یافته بوده است .

واما اینکه‌گفته‌شده درسال (۱۰۱۱ه.ق) مأمورساختمان پل‌شده باتاریخ‌اتمام پل که (۱۰۰۵ ه. ق) باشد مغایر است ، میتوان گفت اللهوردیخان ابتداء طبقه زیرین پل را برای امکان عبورومرور ساخته بوده که در (۱۰۰۵ه.ق) باتمام رسیده بوده و بعد در (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور شده که پل را باتمام برساند یعنی طبقه بالا را نیزبسازد که درموقع طغیان رودخانه هم عبورومرور ازطبقه دوم مقدورباشد وشاید طغیان رودخانه زاینده‌رود موجب تکمیل پل‌بوده است وبااین فرض‌دیگرمغایرتی در بین نخواهد بود .

نظر دیگری هم امکان دارد و آن اینستکه بگوئیم پل موضوع ماده تاریخ نقی کمره‌ای در فارس بوده نه در اصفهان ولی چون در تاریخ چنین اشاره‌ای نشده ناچار باید پل موضوع ماده تاریخ نقی را همان پل سی‌وسه‌پل دانست .

۱۴ ـ پل محمدرضاشاه :

این پل‌که دارای۱۳۶مترطول و۱۶مترعرض و۳۷۵تن وزن است میان پلهای تاریخی مارنان و۳۳چشمه واقع شده واصفهان را به جلفا مربوط میکند ساختمان این پل در مهرماه سال ۱۳۲۷ بدست مبارك شاهنشاه آریامهر شروع وسرانجام در اردی‌بهشت سال ۱۳۳۸ باتمام رسید وبهره‌برداری ازآن شروع گردید . این پل با آهن وفلز ساخته شده وامروزکلیه وسایط نقلیه سنگین ازروی‌آن عبور میکنند وایجاد این پل بمنظور حفظ سایرپلهای تاریخی‌ازعبورومرور وسایط نقلیه سنگین ازروی آنها بوده است. درحقیقت این پل بمنزله مکمل پلهای تاریخی است وآنها را ازخرابی حفظ می‌کند . پل مزبوردارای پنج‌دهانه وبرای عبور۹وسیله نقلیه که هریك بوزن ۴۵تن درردیف‌های ۳تایی حرکت کنند محاسبه گردیده ر ۵۵میلیون ریال هزینه‌آن‌شده است این پل شامل دوپیاده‌رو هرکدام بعرض ۲/۵مترووسواره‌رو

بعرض ۱۱متر میباشد[۱] .

ط ـ کاخهای شهر اصفهان

۱ ـ کاخ هشت بهشت :

این کاخ که درهنگام سلطنت شاه‌سلیمان صفوی بناء شده ازبهترین کاخهائی است که درروزگار صفویه ساخته شده و چون کیفیت ساختمان و وضع بناء دراثر مرور زمان تغییر کرده ناچار برای امکان بیان وضع آن در ازمنه مختلفه باید نوشته‌های‌کسانی را که درازمنه گوناگون کاخ را مشاهده وازوضع‌آن آگاهی‌کامل داشته‌اند از نظر اهل تحقیق‌گذرانید.

ازکسانی‌که مکرر دراین‌کاخ رفته و باوضاع آن آشنائی کامل حاصل کرده شاردن فرانسوی‌است‌که درسفرنامه خود بطورمشبع شرح‌اوضاع‌کاخ را نوشته است و قسمتی از ترجمه نوشته اورا ذیلاً مینگاریم :

« من قول داده‌ام که درطی توصیف باغهای اطراف خیابان زیبای اصفهان ،
« شرح یکی ازتالارهای یکی ازباغها را بنام باغ بلبل بدهم ، این تالاررا عمارت ،
« هشت‌بهشت مینامند . تمام سقفهای‌آن موزائیك بسیارعالی‌است دیوارها وجرزها ،
« دوطبقه ودالانها و غلام‌گردشهائی دراطراف‌آنها است. دراین‌دالانها صدها مکان ،
« است‌که دلکشترین وفرح‌انگیزترین‌نقاط دنیا محسوب میگردد وهریك‌بوسیله ،
« منفذی‌که بدان نورمیتابد روشن میشود این روشنائی متناسب باتفریحاتی است ،
«که این امکنه ویژه آنها ساخته شده است . »

« هیچیك ازاین نقاط ازحیث شکل وساختمان و تزیینات بدیگری شبیه ،
« نیست ، درهرجائی چیزتازه وگوناگون است چنانکه دربعضی بخاریهای متنوع ،
« ودربرخی حوض‌ها وفواره‌ها است که از لوله‌هائی که درداخل دیوارها میباشد ،
« آب میگیرند ، این تالارعجیب در حقیقت لابیرنتی است زیرا انسان درقسمت ،
« فوقانی هرجاگم میشود وپله‌ها چنان مخفی‌است‌که بآسانی پیدا نمیشوند. قسمت ،
« پائین تا ده‌پا ازسطح زمین ازسنگ یشم ونرده‌ها از چوب زرنگار ، و قاب‌ها و ،

---

۱ ـ نقل ازاصفهان جوانان ص۳۰ .

« چهارچوبها ازنقره، وجامهاازبلور، وآلتها ازشیشه‌های رنگارنگ‌ظریف ساخته »
« شده است . »

« اما راجع به تزیینات نمیتوان این اندازه شکوه و عظمت و دلربائی و »
« فریبندگی را که درهم‌آمیخته است تصور کرد . میان نقاشیهای این بنا تصاویر »
« برهنه وفرح‌انگیز بسیارزیبا وجود دارد ودرهمه‌جا آئینه‌های بلورین دردیوارها »
« بکار رفته است ، دراین تالار اطاقهای آئینه‌کاری‌کاملی است‌که اثاثه هر اطاق از »
« باشکوهترین و شهوت‌انگیزترین نوع‌خود دردنیا است . اطاقهای‌کوچکی نیز »
« درآنجا میباشد که فقط گنجایش یك رختخواب دارد . درخاورزمین رختخواب »
« پرده نداشته وروی زمین پهن میشود . یك رختخواب جالب توجهی دیدم که »
« فقط لحاف آن دوهزار اکو میارزیدکه برای گرمی وسبکی ازپوست سمورتهیه »
« شده بود . بمن گفتند شاه تشکهای بسیاری ازهمین جنس دارد من یك‌کتاب از »
« تزیینات وتصاویرواشکال ومینیاتورها وظروف وکتیبه‌های‌این تالارتصنیف‌خواهم »
« کرد برخی ازاین‌کتیبه‌ها شامل افکارلطیف عاشقانه وبرخی قطعات‌اخلاقی‌است. »

« چندقطعه زیرنمونه‌ای ازآنها است‌که دردفترخود ثبت کرده‌ام : »

« بالای‌گلدانی چنین نوشته شده است: گل لاله نماینده راز درون‌من‌است. »
« من چهره‌آتشین و دلی سوخته دارم . هرچه زیبائی‌گردنی افراشته داشته باشد »
« همواره پای درگل است . دل من صدهاباربچپ وراست بدون‌اینکه بکسی تعلق »
« یابد منحرف‌شد تاتورا دید وبتوپیوست. من بیش‌ازاین‌تاب دردهجر تورا ندارم »
« ونمیتوانم آنجاکه تونیستی مسکن‌گزینم. تومردمك چشم منی . توراگم‌کرده‌ام. »
« نمیدانم بچه‌نظر افکنم . کاری جزمردن نتوانم . »

« پادشه پاسبان درویش است گرچه نعمت بفر دولت اوست »
« گوسفند ازبرای چوپان نیست بلکه‌چوپان‌برای‌خدمت‌اواست»

***

« زیر پایت گربدانی حال مور همچوحال‌تواست زیرپای‌پیل »

« روی یك پیش بخاری عبارت زیررا نگاشته‌اند : »

« از زمستان نترسید ، زیرا فقط سردی وسلامت است . »

« نمیتوانم ازبیان این نکته خودداری کنم که بهنگام گردش دراین محل ،
« که مخصوصی‌لذت وحظ وعشق‌ساخته‌شده‌است ودرحال عبوراز اطاقهاوشاه‌نشین‌ها ،
« آدم چنان تحت تأثیر قرارمیگیرد که بگاه بیرون‌شدن ازخود بیخود میگردد ،
« بدون تردید هوای این تالاراثرمهمی دراین‌حالت عاشقانه‌که بانسان‌دست‌میدهد ،
« دارد . اگر چه این بناء چندان با دوام و استوار نیست ولی فرح‌انگیزتر از ،
« مجللترین کاخهای ممالك اروپائی است[1] . » (ش۱۴)

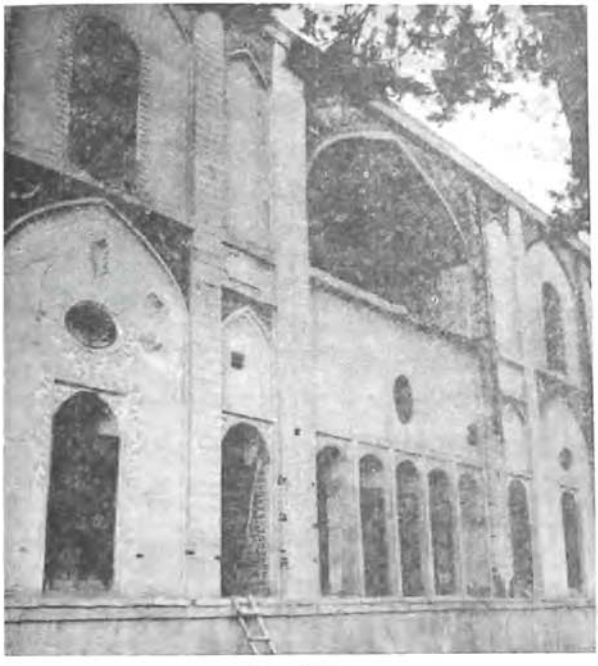

(شکل ۱۴)

۱ ــ ترجمه سفرنامه شوالیه شاردن عریضی ازصفحه ۱۲۳ تا ۱۲۴ .

گوست سیاحی‌که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار بایران آمده واصفهان را دیده درباره این کاخ چنین نوشته است :

« این عمارت دروسط باغ باندازه دومتر ازسطح زمین بلندتر و۳۵متر طول »
« و۲۵/۲۶متر عرض دارد، اطاقهای این عمارت تمامی منقش وگچ‌بری ودرهایش »
« خاتم‌سازی وزیبا میباشد . تالار وسط گنبدی شکل است که از یك‌نوع پنجره »
« ساختمان گردیده، درگنبد آن هشت پنجره بطور مساوی باطراف قراردارد که »
« ازچوب ساخته‌اند ، ودر وسط این تالار حوضی هشت ضلعی بقطر۸۳ سانتیمتر »
« ازمرمرعالی ساخته شده وبه‌حوض مروارید معروف است، وطوری حجاری شده »
« که وقتی‌آب ازسوراخهایش خارج میشود چون‌دانه مروارید میباشد؛پلکانهای »
« این عمارت طوری بناشده که از هرطرف بعمارت فوقانی و تحتانی عبورومرور »
« میشود، دارای غلام‌گردش‌ها وبالاخانه‌های زیادی است درختان‌کهن وچنارهای »
« مرتبی دارد ، و قسمتی ازآب جوی شاه از برابر عمارت بالائی داخل این باغ »
« میشود . درزمانی‌که دراصفهان بودم فتحعلی‌شاه دراین‌عمارت می‌نشست وتماشای »
« رقاصه‌هائی‌که میرقصیدند مینمود، درودیوار، ازاره‌ها ، هلالیها،گنبدها وبالاخره »
« تمام‌این عمارت سرتاپای ازطلا تزیین‌یافته واشکال وتصاویرگوناگون پرندگان »
« وگلها وغیره برزیبائی قصرافزوده است ، دارای تابلوهای منقش و زیبا است‌که »
« جلب توجه مینماید[1] . » (ش ۱۵)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نویس عصرناصرالدین‌شاه قاجارکه ازطرف دربار وقت مأموریت یافته بود نسبت باوضاع جغرافیائی وتاریخی ایران مطالبی‌تهیه‌کند ونسبت‌بقسمتی ازکشور موفق شد ومطالبی دردوجلد بزرگ تهیه‌کردکه آن دوجلد را درکتابخانه وزارت‌دارائی‌مطالعه‌کردم راجع‌بکاخ هشت‌بهشت درسال(۱۳۰۰هـ. ق) چنین گزارش داده است :

« باغ هشت بهشت وعمارت تحتانی‌وفوقانی قصرمیان ووسعت دستگاه‌آن از»

۱ ــ نقل ازصفحه ۲۲ تا ۲۴ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان .



(شکل ۱۵)

« حد توصیف بیرون است غیر ازایوانهای عالی وارسیها یکصدوپنجاه ویکزوج »
« درب اطاق تنهادربالا وپائین دارد . ازمعماران معتبر شنیده شده که طرح آنرا »
« درطرز عمارت کرامت کرده‌اند چنانچه نقشه این‌قصر را بکشند و درجای دیگر »
« بخواهندمثل آن بناکنندمشکل‌که بتوانند ازعهده‌برآیند. باغ مزبورباغی‌است »
« بسیار بزرگ خیابانهای عریض و قطعه بندیهای وسیع در آن است ، دیوار یك »
« طول باغ باقدری از دیوار چهارباغ‌شاه مشترك ، دونهر بزرگ ازچهارباغ عرضاً »
« این‌باغ‌را تقاطع‌میکند ، یکی مقابل قصر موصوف وسط وارد دو دریاچه‌بزرگ »
« میشود که بعرض باغ در دو طرف عمارت متقابل یکدیگر است ، ودو حوض »
« بزرگ هم در دو سمت دیگر عمارت است ، و دوره عمارت نیز جوی سنگی »
« وآب نماها قرار داده‌اند که آب دائماً ازاینها جاری است . مقابل این دریاچه »

« وقصر ، سردری است عالی ودو رو که یك‌روش مشرف بچهارباغ وحوض بزرگ »
« پای‌آن ، وروی دیگرش منظرقصر وسط‌باغ است ، سردر مزبور نیز وصف‌زیاد »
« دارد ، نهر دیگرهم مقابل وهم عرض نهر بفاصله زیاد باز از چهارباغ میآید و »
« بعرض باغ جاری است. بهمین قانون سردری دارد عالی مشتمل برتالار بزرگ »
« مشرف برباغ ، و عمارات عقبش منظر چهار باغ ، و اینجاست کـه سالها است »
« تلگرافخانه شده . در این‌باغ حیاط دیگرهـم هست وسیع ، صاحب اطاقها و »
« ارسیهای مرغوب و آشپزخانه و طـویله و غیره معـروف به نارنجستان هشت »
« بهشت است . » (ش۱۶)

موضوع قابل توجه این‌که گـزارش میرزاعلیخان نائینی روزنامه نـگـار



(شکل ۱۶)

ناصرالدین‌شاه وشرحی‌را که میرزاحسین‌خان تحویلدار[1] در سال (۱۳۰۸ هـ . ق) نوشته‌اند عیناً مطابقت‌دارد وناچار باید گفت یکی‌ازآنها از دیگری‌گرفته وبنظر میرسد چون تاریخ ختم تألیف جغرافیای اصفهان (۱۳۰۸ هـ . ق) وبعد از (۱۳۰۰ هـ . ق) است . جغرافیای اصفهان ازگزارش میرزا علی‌خان نائینی‌گرفته است وذکر مأخذی هم نشده است .

آنچه‌ازگزارش مزبورمعلوم‌میگردد اینستکه‌کاخ مزبور تا اول‌قرن چهاردهم بوضع سابق زمان صفویه باقی‌بوده ونقصی درآن‌راه نیافته وتغییراتی‌که درآن راه یافته درقرن چهاردهم هجری انجام شده است .

میرزاحسن‌خان جابری‌انصاری که‌ازمعمران اصفهان وآگاه بتاریخ‌وتغییرات مبانی‌آن سامان بوده راجع باین‌کاخ چنین نوشته است :

«وهشت بهشت نیز بمنوال چهلستون طرح‌باستانی بستانیش‌که ازنقش‌جهان، « جدا کرده زمان شاه‌عباس بزرگ شده با ساختمانی‌مختصر، وبنای‌عمارت شکرف، « هشت بهشت را سایرشاعر مشهدی‌گفته زمان شاه سلیمان به هزاروهشتاد (۱۰۸۰)، « وکاشی‌کاریهای زیبا خصوصاً طاوسها ودیگرمرغان در ۱۱۰۲ باز بفرموده شاه ، « و عرصه این‌باغ از چهلستون بسی بیشتر بود برای حرمخانه شاهی ، چوحد « جنوبیش به بازارچه بلند منتهی میشد و در حکومت ظل‌السلطان بانوی عظمی « خواهرش با همه اولاد وخانواده درآن‌بزرگترین پارك سلطنتی میدان جولانی « برای خوش‌گذرانی داشتند ، امروزه‌آن‌باغ را قطعاتی‌کوچك نموده وبه‌مقبلان « فروخته‌اند که شاید پنجاه خانه وباغچه سرا ازآن جدا شده وباز قسمت‌بزرگی « را خود دارند، بنگاهها وسراچه‌ها ومغازه‌های بسیاری درچهارباغ عباسی‌بیرون « انداخته که نفع بزرگی دارد وکوچه جهانبانی با خانه های دوطرف وحمام‌نمره « نامی را ازمیان باغ‌ردکرده ودرآنجا حوض‌مرمری یکپارچه مروارید میدیدم «

۱ــ جغرافیای اصفهان ص۲۵

« و از آثار صفویه دوسه حوض یك قطعه مرمر موسوم به مروارید پدید بود یکی»
« درعمارت اشرف وآن چنان بودکه همه آن سنگ را شبیه به حوض حجاری »
« استادانه‌کرده وبرای همه فواره‌های کوچك باندازه انگشت سبابه ازتمام‌سنگ »
« درآورده هرحوضی بیش‌از صد فواره داشت وآن حوض‌را که نصب نموده بودند »
« از زیر سنگ آب جریان یافته مانند دانه‌های مروارید بوسیله آن فواره‌ها »
« جستن‌کرده وحوض‌را پرازآب نموده، بانوی عظمی یك حوضش‌را ببدیع‌الملك »
« پسرش‌داد درعماراتش ازباغ بادامستان تلگرافخانه‌جدا نموده داد وآن‌عمارات »
« بعد به بختیاریها و ازآنها منتقل‌به جلاءالسلطنه شد ، قنات آب حلال که روی »
« به ماربین بالا میرفته وآبش متصل به جوی شاه میشد برای آب دائمی هشت »
«بهشت ودیگرعمارات صفویه احداث کرده بودند وهرعمارتی بهری‌وبخشی معین»
«داشت، وزیر ومستوفی خاصی‌ازنیاکان‌بنده برای‌آن‌مقرربود تابتواند درحرمخانه»
« سلطنتی حکم بخش‌آب را بدهد ورفع مشاجره سکنه باغچه سراها را بنماید »
« و وجه نامش به‌آب حلال ازآن‌رهگذر بودکه شاه عباس دوم وجهی‌را که بنظر »
« خود وعلماء حلال شرعی میدانستند بخرج احداث آن قنات داده تاآب غسل و »
«وضوی حرمخانه نهایت‌حلیت‌را داشته‌شبهه‌کم و زیادآب رودخانه ازحقوق‌دیگر »
« محلها نرود . حالیه شنیده‌ام آن آب را ازپشت‌آتشگاه به جروکان اولادبانوی »
« عظمی میبرند وچون بانوی عظمی واولادش شصت سال وکسری‌است[1] درهشت »
« بهشت ساکنند ضمناً باغات وعمارات دولتی‌دیگرمجاور را بدست داشتند مانند »
« بهشت آئین ورشك جنان وانگورستان، وبهشت آئین امروزه درکوچه فتحیه »
« کالج دختران شده وانگورستان را با عمارت خسرو خانی بدست سردار اعظم »
« داده بودند . »

این کاخ که روزی از کاخهای کم نظیر بوده درسال ۱۳۳۴ شمسی که‌آقای

۱ــ این‌کتاب درسال (۱۳۲۱ هـ . ش) به چاپ رسیده و اگر ۶۰ سال را از ۱۳۲۱ کسر کنیم میشود (۱۲۶۱ هـ . ش) ولی آخرین تاریخ قمری که مؤلف گفته ۱۳۵۸ بوده و بنابراین ابتدای تصرف بانوعظمی ۱۲۹۸ قمری خواهد بود .

نیکزاد حسینی از طرف اداره باستان‌شناسی اصفهان مورد بازدید قرارداده چنین گزارش واظهارنظرکرده است:[۱]

«این‌عمارت‌را فعلاً آقای ابوالفتح‌قهرمان(سردار اعظم) بموجب دستخطی، « مالك‌و در تصرف دارد ازقرار مشهور در اراضی‌وباغات قدیمی آن تغییراتی‌داده، « وکاخ اصلی بحال خود ولی مخروبه باقی‌است . ذخائرآن ازبین رفته است . یك، « دفعه در دوره وزارت سید ضیاءالدین باغ ملی‌شد ولی درزمان‌شاه فقید مسترد، « ومجدداً درش بسته شده است . درسال ۱۳۳۴ شمسی‌که از این عمارت بازدیدی، « بعمل آمده محتاج بتعمیرات کامل است، زیرا نقاشیهای زیبا وگچبریهای‌عالی، « (نظیرتزیینات عالی‌قاپو) آن ازبین رفته وآنچه باقی‌است نیز جلب توجه را، « مینماید ، اشکال‌وحوش وطیور وشکارگاهها که بعضی‌قدیمی وبرخی جدید برروی، « کاشی‌نقش‌ودرپشت بغلهای اطراف‌نصب شده جالب‌توجه وتماشائی‌است ، مساحت، « فعلی آن قریب ۷۵۰۰ مترمربع است . »

برخی نوشته‌اندکه کاخ و باغ مجموعاً درابتدای ساختمان مساحت آن ۸۵ جریب بوده است [۲] ولی مساحت کنونی‌آن درحدود پنجهزار مترمیباشد . [۳] و در تاریخ شهریور ۱۳۴۳ شمسی تحویل دولت‌گردیده است .[۴]

این‌کاخ در خیابان چهارباغ عباسی در مقابل خیابان‌کنونی شیخ‌بهائی واقع شده واکنون در دست دولت است .

ازگزارش‌های گوناگونی‌که درتوصیف این‌کاخ داده‌اند معلوم‌گردید که علت شهرت‌آن برای بکاربردن سنگهای مرمر عالی درآن و داشتن طاقهای مقرنس‌کاری ونقاشی بوده است .

ساختمان کاخ دوطبقه و دارای شاه نشین و غلام گـردش‌هـای زیبا و نقوش گوناگون طلائی وتزیینات جالب وپشت بغلهای‌کاشی بی‌نظیر و نقوش وحوش وطیور

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۴ ۲ــ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان‌ص۶۲۲ .
۳ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵ ۴ ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۳

وآئینه‌کاری بسیار ممتاز ودرواقع از قصور ممتاز دوره صفویه است .

کاخ‌مزبورکه آنرا باغ بلبل نیز نامیده‌اند قسمتی از باغ نقش‌جهان زمان شاه‌عباس بوده و در زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵ - ۱۰۷۸) مجزا و شروع بساختمان گردیده است .

این‌کاخ تاریخی زیرشماره ۲۲۷ به ثبت رسیده است[۱] .

در توصیف و تاریخ‌ساختمان آن شعرای زمان اشعاری نیز سروده‌اند .[۲]

۱ــ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵ ۲ــ ازجمله‌شعرائی‌که درباب کاخ هشت بهشت ماده تاریخ سروده میرزا طاهر نصرآبادی بشرح زیر است :

زهی دولت‌سرای پادشاهی — بود در سایه‌اش مه تا بماهی
بود زیبا عروسی‌شوخ وسرمست — که از جامش بود آئینه دردست
شود تا حلقه‌اش برروی درگاه — دل خود میخورد زین آرزو ماه
پی نقش و نگار آن ستوده — ز چشم حور آوردند دوده
ز آب دست نقاشان گل کار — شده شبنم بروی گل نمودار
گه نظاره‌اش از نارسائی — بود مد نظر تیر هوائی
نه‌فواره‌است‌کان را درمیان است — بشکر شاه دائم‌تر زبان است
رسیده تا بعیسی رفعت او — شده فواره شمع خلوت او
بود طالارش ازطوبی بسامان — گل او شد خمیر از آب حیوان
ستونش تکیه‌گاه آسمان است — دوام گردش افلاك از آن است
بتاریخش قلم قد راعلم کرد — خیالم (مشرق دولت) رقم کرد
۱۰۸۰

بتاریخ دگر دل کرد تکرار — (مکان عشرت بی‌روی اغیار)
۱۰۸۰

بتجدیدش‌شد این مصرع بسامان — (مکان شاه دین‌پرور سلیمان)
۱۰۸۰

ز فیض شاه دیگر گوهری سفت — بدیهه (قطعه خلد برین) گفت
۱۰۸۰

باینها همتم راضی نگردید — بساط مصلحت با خویشتن چید
ز خاطر این رباعی‌ها مهیا است — که ازهرمصرعش‌تاریخ پیدااست

رباعی

«چون شاه‌سلیمان شه اقبال بلند» — «شدبانی‌این‌مسکن‌بهجت پیوند»
(۱۰۸۰) (۱۰۸۰)

←

«از جشن‌ونشاط وکامرانی دایم»
(۱۰۸۰)

« در وی جای پادشه دولتمند »
(۱۰۸۰)

ایضاً

« از قصر بلند زیبا ارکان »
(۱۰۸۰)

«گردید زمین اصفهان تاج جنان»
(۱۰۸۰)

«درگاه عبادت این‌بود ورد ملك»
(۱۰۸۰)

«پاینده عمارت از سلیمان زمان»
(۱۰۸)

« ایضاًهرمصرعی تاریخ است :

« چون بدوران شه اعلاشان »
(۱۰۸۰)

« که زدل گشته سلیمان زمان »
(۱۰۸۰)

«جان‌پناهی که مدیحش عام‌است»
(۱۰۸۰)

« مرشد و داد ده ایام است »
(۱۰۸۰)

« تاج داری که زوی شد نازان »
(۰۸۰)

« زدل وصدق همه خلق جهان »
(۱۰۸۰)

« صوفی صافی تابع مقصود »
(۱۰۸۰)

«کو باخلاق و صفا ساعی بود»
(۱۰۸۰)

«آنکه مقصود وی ازعمروحیوة»
(۱۰۸۰)

« بندگی ره شه باطاعات »
(۱۰۸۰)

« کرد سرکاری این‌مسکن سعد »
(۰۸۰)

«که چووی نیست مقدر من‌بعد»
(۱۰۸۰)

« دل‌گشائی‌است که ازلطف‌صبا »
(۱۰۸۰)

« شد فرح لازم و شادی افزا »
(۱۰۸۰)

« چه مکان شبه بنای فلك است »
(۱۰۸۰)

«چون لب‌قند سراپا نمك است»
(۱۰۸۰)

«طاق‌ازآن سرشکن قوس‌وقزح»
(۱۰۸۰)

« رکن او قائمه جشن و فرح »
(۱۰۸۰)

« آفتاب آینه درگاهش »
(۱۰۸۰)

« طلبد سرمه گرد راهش »
(۱۰۸۰)

« بنم آورده گلش آب حیات »
(۱۰۸۰)

« میل شادی بادم داده زکات »
(۱۰۸۰)

« از لب شکر لیلی لعلیش »
(۱۰۸۰)

« شد از آیینه جان به کاشیش »
(۰۸۰)

« دوده‌اش سرمه بیننده کشید »
(۱۰۸۰)

«زگچش شد قصب صبح سفید»
(۰۸۰)

« آیه نور ز سنگش شامل »
(۱۰۸۰)

« بدرش حاتم بی‌حد سایل »
(۱۰۸۰)

اشعاری راکه نصرآبادی درتوصیف وماده تاریخ بنای کاخ هشت‌بهشت سروده بخوبی روشن میدارد که کاخ مزبور در دوران سلطنت شاه‌سلیمان صفوی و در سال یکهزاروهشتاد هجری (۱۰۸۰) ساختمان آن بپایان رسیده و این ساختمان بسعی واهتمام مقصود نامی که ازصوفیان سرسپرده درگاه بوده انجام گردیده است .

گرچه ممیزاتی برای مقصود نگفته ولی نمیتوان بانی مسجد مقصود بیك واقع درتکیه ظلمات در سال یکهزار و ده را با مباشر ساختمان‌کاخ هشت بهشت‌که در سال یکهزار وهشتاد انجام شده است متحد دانست .

۲ ـ کاخ چهلستون :

این‌کاخ درجنوب خیابان سپه‌کنونی واقع و/ ۶۷۰۰۰متر مربع مساحت دارد. اغلب مورخان نوشته‌اند که کاخ مزبور قسمتی ازباغ نقش جهان بوده ومقداری از

« زندگی‌بخش زجو آب زلال »
(۱۰۸۰)

« چشم دل ازهمه‌سو حیرانیش »
(۱۰۸۰)

«نه فلك شیفته از سایهٔ وی»
(۱۰۸۰)

« شوکت اوبرد زنگ ازجان »
(۱۰۸

« تا کند دور نجوم مه و مهر »
(۱۰۸۰)

« دولت شاه سلیمن افزون »
(۱۰۸۰)

« باشدش مرکب اقبال بزین »
(۱۰۸۰)

« برهش طاهر نصرآبادی »
(۱۰۸۰)

« بیتها گفته نجیب و نیکو »
(۱۰۸۰)

« دیده از هر مصرع سال بناش»
(۱۰۸۰)

« یابد ازبوی هوا جان تمثال »
(۱۰۸۰)

« جوش گل دل شده ایوانیش »
(۱۰۸۰)

«عرش از سربرد پایهٔ وی »
(۱۰۸۰)

« شد ازو تاج فلك اصفاهان »
(۱۰۸۰)

« تا بود دایره سان سیر سپهر »
(۱۰۸۰)

« دشمنش باد بهر ویل نگون »
(۱۰۸۰)

« زیر فرمان بادش جمله زمین »
(۱۰۸۰)

« بسته در بندگیش آزادی »
(۱۰۸۰)

« ز گلستان بها یافته بو »
(۱۰۸۰)

« آنکه باشد هنر این دعواش »
(۱۰۸۰)

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۷ تا ص ۴۹۰)

آن را شاه‌عباس بزرگ جدا کرده ودروسط آن عمارت کلاه فرنگی سبکی ساخته بوده وجشن نوروز سال بیست‌وسوم جلوس خودرا درآن محل برپا داشته است .

سپس درزمان سلطنت شاه‌عباس دوم برعمارات آن افزوده وکاخ چهلستون بناگردید ودرتاریخ یکهزارو پنجاه وهفت هجری پایان یافت وماده تاریخ آن را : «مبارکترین بناهای دنیا» گفتند .

برخی ازمورخان گفته‌اند[1] چهلستونی‌که بدست شاه‌عباس دوم ایجاد گردید دارای چهل ستون بوده ودرهنگام آتش‌سوزی که در۲۱ رمضان سال هزارویکصدو هیجده (۱۱۱۸) هجری اتفاق افتاد ازپنج‌ستون هشت‌تائی فقط بیست‌ستون‌آن باقی مانده ودرواقع قسمتی ازعمارت وبیست ستون طرفین ازجلوسوخته است . وتاریخ آتش‌سوزی آنرا چنین سروده‌اند :

هزارویکصدوهیجده زهجرت نبوی گذشته‌بودکه آتش به‌چهلستون‌افتاد

وتاریخ تعمیر آن‌را که درزمان سلطنت شاه‌سلطان‌حسین صفوی اتفاق افتاده چنین سروده‌اند : «مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی» که سال (۱۱۱۸ ه . ق) را میرساند .

این کاخ که شامل چهلستون وباغ است عمارت چهلستون دروسط آن واقع شده ومساحتش دوهزارویکصدوبیست متر مربع میباشد ویك شعبه ازمادی فدا از وسط آن میگذرد ، محل بنای عمارت یك متر از زمین باغ بلندتراست و حوض بزرگی درمقابل عمارت ساخته شده که حکم دریاچه دارد . گویا بعنوان دولتخانه بناشده بوده ولیکن‌چون چهلستون داشته بنام‌اخیرمعروف شده‌است.کاخ‌چهلستون مشتمل برایوان بزرگ بطول ۳۸متر و عرض ۱۷متر و به‌ارتفاع ۱۴متر روبطرف مشرق‌ساخته شده وهیجده ستون ازچوب چنار وکاج دارد وشکل آن کثیرالاضلاع و۱۶ ضلعی و۸ضلعی مدور میباشد . چهارستون وسط برروی چهارشیرسنگی قرار دارد وطوری حجاری شده که دوشیربایك سرنشان داده میشود وازدهان چهارشیر

---

۱ ــ مؤلف‌الاصفهان .

جلوآب جستن کرده وارد حوض مرمر وسط میشده است .

درایوان دومی که اندکی مرتفع‌تر است دوستون چوبی با ارتفاع دوازده‌متر قرارگرفته که با ستونهای ایوان بزرگ بالغ بر بیست ستون میشود . (ش۱۷)



(شکل ۱۷)

بالای این ایوان دوکتیبه یکی اززمان شاه‌عباس دوم شامل این اشعاراست :

بعهد شهنشاه عباس ثانی — که‌عهدش‌جوان‌کردپیرجهان را
بنا کرد از فیض لطف الهی — بنائی‌که شد رشك نه سقف‌مینا
زبس رفعتش بر سپهرکواکب — نماید چو ریگ ته جو ثریا
کواکب چوگلهای باغش‌نمایان — مجره‌دراوهمچوجوئی‌است‌پیدا
کند سالها اندرآن کامرانی — بود قرنها سجده‌گاه برایا
مبارك‌بود زانکه تاریخ‌آن‌شد : « مبارکترین بناهای دنیا »

(۱۰۵۷)

کتیبهٔ دیگر ازاول تا آخرایوان ودرزمان سلطنت شاه‌سلطان حسین صفوی و بخط نستعلیق سفید محمد صالح نوشته شده که شامل ۲۸ فرد بوده و قسمتی از آن‌که خوانده میشود چنین شروع میگردد:

بحمدالله که باز از نو باقبال شهنشاهی
مرصع شد زمین وآسمان ازماه تا ماهی
تجلی در گریبان طالع از جام جهان‌بین شد
صفای صبح عید و فیض انوار سحرگاهی
بحکم شاه دین سلطان حسین آن ماه مهرآئین
که صبح و شام عالم را کند خورشیدی و ماهی
سهیل صبح عید زندگانی خسرو عادل
فروغ اختر روشن دلی خورشید آگاهی
ز شیر و پرچم سرپنجه تیغ جهانگیری
بلند و پست عالم را گرفت از ماه تا ماهی
ز بس در کفه میزان احسانش سبك گشته
خجالت میکشد دائم طلا از چهره کاهی
شب وروز جهان را ریخت درهم مهرومه یکجا
که ریزد طرح ورنگ این بنای آسمان جاهی
زهی عالی بنا کاندر بلندیهای اوصافش
قبای لفظ براندام معنی کرده کوتاهی
جهان پیدا
سپهری بر سپهر افزود معمار یدالله‌ی
مگر از عالم بالا دری بر رویش بگشوده
که بر کریاس آن چرخ چهارم کرده درگاهی
خدا زان بستون گرداند خلق این آسمانها را
که برپاباشد ازاین چهل ستون از ماه تا ماهی

فلك برخویش میبالید از ترصیع کوکبها
مرصع کا

گشت درگاهی

چو شمع محفل خضر نبی زرین ستونهایش
ید بیضا بکف با خضر و موسی کرده همراهی
برنگ چل تنان چلستون در ربع آن مسکون
گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی
مرصع کاری سرو ستونهایش بآن ماند
که آیین کرده با دست دعا با عرش همراهی
چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را
ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی
بجز در آب و آئینه ندیده مثل و مانندش
سکندر گرد عالم گشت همچون حرف افواهی
زهی نقاش صورت آفرین کلك نقاشی
کشیده دربن روشندلی تصویر آگاهی
زرنگ روحی و جسمی نموده ظاهر باطن
بهر معنی که میجوئی وهرصورتکه میخواهی
به نیرنگی شبیه جان گرفته بهر درمانی

ز آهنگ شبیه چارتاری هم نیم غافل
دوگاهی میرساند گاه بر گوشم سحرگاهی

صفای منبع فواره گوهرفشان آن
کبوترهای زرین بال انجم را کند چاهی
ضیاء چار دیوار مرصع کار مینایش
بود تا صبح حشر آئینه‌دار طلعت شاهی
اگر چه ماه اوج سلطنت دارد بهر شهری
مکانهای همایونی و منزلهای جمجاهی
ولیکن این همیون بارگاه آسمان رفعت
گرفت از کرسی اعلی خطاب عرش درگاهی
نگهدارش بود از چشم زخم دیده بدبین
علی مرتضی تعویذ بازوی یداللهی
چو شد اتمام این عالی بنا زینت ده گردون
بتأییدات یزدانی و توفیقات اللهی
نجیب از نو بطاق آسمان بنوشت تاریخش :
« مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی »
(۱۱۱۸)

(کتبه محمد صالح)

از قصیدهٔ مزبور که بعضی از ابیات آن خوانده نمیشود معلوم میگردد که نامیدن این کاخ به‌چهلستون برای شکون عدد چهل ودارای بیست ستون بوده‌که درآب منعکس وجمعاً چهلستون میشده است .

این نکته ازشعر :

بر نگ چل‌تنان چل‌ستون در ربع آن مسکون
گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی

و شعر :

چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را
ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی

کاملاً معلوم میگردد . ازدوموضوع دیگر بسیار توصیف شده یکی فواره‌ها ودیگر تذهیب‌کاری ستونها وسقف[1] .

این اشعارسرودهٔ نورالدین محمد نجیب کاشانی است که ملك‌الشعرای دربار شاه‌سلطان حسین صفوی بوده و کتابی هم بنام کشیك‌خانه در (۱۱۰۹ هـ . ق) تألیف کرده است که درکتابخانه سلطنتی کاخ گلستان دیده شده است[2] .

در دوطرف شاه‌نشین چهلستون و ایوان مدخل سالون پادشاهی و در داخل تزیینات آئینه‌کاری دوطرف مقرنس سقف آن دردولوح بخط نسخ مشکی برزمینه گل وبوته‌دارمذهب‌بخط شمس‌الدین‌بن‌ملامحمدسعیدجیلانی مورخ‌بسال(۱۱۱۹هـ.ق) این عبارات نوشته شده[3] :

۱ ـ لوح جنوبی شاه‌نشین: «نصرمن‌الله وفتح‌قریب وبشرالمؤمنین‌رب‌انزلنی» «منزلاً مبارکاً وانت خیرالمنزلین‌فان تولوا فقل‌حسبی‌الله‌کتبه‌العبد شمس‌الدین‌بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی فی۱۱۱۹» .

۲ ـ لوح شمالی : «نصرمن‌الله وفتح قریب وبشرالمؤمنین رب‌انزلنی منزلاً» «مبارکاًوانت‌خیرالمنزلین‌ولایؤده‌حفظهما وهوالعلی‌العظیم‌کتبه‌العبدشمس‌الدین‌بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی . » (ش ۱۸)

تمام آنچه درساختمان و نقاشیها وتذهیبها که درکاخ مزبور دیده میشود از دوره صفویه است مگرچند تابلو که عبارت از :

۱ ـ جنگ شاه اسماعیل اول باسپاه عثمانی درچالدران. ۲ـ مجلس‌جنگ نادرشاه افشار با هندوها ، که بعدازصفویه الحاق شده است . (ش۱۹)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نگار دربارناصری درسال یکهزاروسیصدهجری قمری گزارشی راجع به عمارت چهلستون داده که با مطالب جغرافیـای اصفهان میرزاحسین‌خان تحویلدار عیناً مطابقت دارد وآن چنین است :

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۷۲ تا ص۵۷۳ . ۲ـ مجله یادگار سال‌چهارم شماره۷ ص۷۰ . ۳ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۷۴ .



(شکل ۱۸)

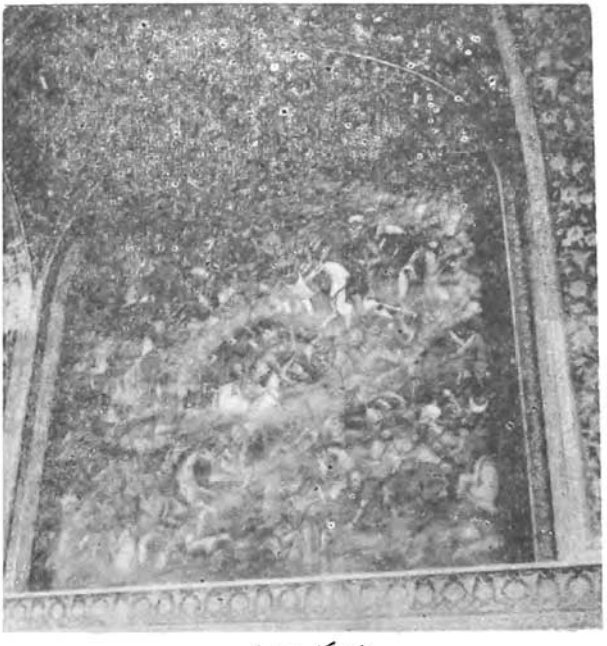

(شکل ۱۹)

« عمارت باغ چهلستون و دریاچه‌های دو طرف تالار وسط باغ و اطاقهای »
« بزرگ جنبین وبیوتات فوقانی واطاق طنابی تحتانی که سرتاسرعقب تالارافتاده »
« با عرض‌عریض وارتفاع طاقی‌که دارد ودرهاش بچهارسمت باز، بانضمام ایوانهای »
« بزرگ وایوانچه‌ها وغلام‌گردشهای اطراف ، عماراتی است قوی‌بنیاد که نظیر و »
« مانند ندارد ازبنائی ونجاری وحجاری و آینه‌کاری وطلا و لاجورد و تصویرات »
« کثیره کارهای استادان بزرگ وستونهای رفیعه وحمالهای عظیمه و سایرآلات »
« وادوات جرانقالی که در زیرورو وجوف سقف تالار وغیره بکاررفته درغرابت و »
« عظمت ، ودر رفعت وصناعت عقل همه اهالی خبره و بصیرت بحیرت است : »
« یك زبان خواهد زافواه ملك تابگوید وصف‌آن رشك فلك »

« یکی ازاوصاف این عمارت آن است که دربزرگی ووسعت هم میان تالار »
« جلو و هم دراطاق طنابی عقب میتوان سلام عام ملوکانه بست و نیز یك دریاچه »
« بزرگ جلوطنابی عقب ویك دریاچه عظیم که درعظمت ثانی ندارد درپیش‌روی »
« تالار افتاده که همیشه‌آب رودخانه ازآنها جاری است، وجوی وجداول سنگی »
« وآب‌نماها وآب‌افشارها درمیان خیابانهای باغ واقع شده‌که بسیارنقل دارد[1] . »
(شکل۲۰)

مؤلف تاریخ نصف جهان بیشتر به توصیف کیفیت ساختمان کاخ چهلستون پرداخته وچنین گفته است[2] :

« دیگرازعمارات عالیه دولتی که قابل ذکراست : عمارت چهلستون است »
« که آنرا شاه‌عباس ثانی ساخته و وضع آن مرکب است از طرز عمارات چین و »
« فرنگستان وایران ، وبنفاست وخوبی‌این عمارت درتمام ایران نیست،طالارعالی »
« با سقف آینه وستونهای غریب چوبی که در زیر چهارعدد آنها سنگی بزرگ »
« واطراف آن سنگها را صورت شیربال‌دار درآورده وساخته‌اند، وحجاری‌بکمال »
« خوبی نموده وحوضی درمیان این‌چهارستون است‌که اطراف آنها بسنگ‌مرمر »

۱ ــ عبارت جغرافیای اصفهان ازصفحه ۲۳تا۲۴ عیناً با گزارش میرزاعلیخان نائینی‌مطابقت دارد . ۲ ــ نصف جهان ص۳۴ .



(شکل ۲۰)

« فرش نموده‌اند ساخته وازدهان آن شیرها روی بحوض راه و سوراخ آب هست ،
« که درآن حوض میریخته ودرسقف آن مهندسان صنعتهای عجیب نموده‌اند ودر ،
« استحکام آن مبالغه فرموده، ستونهای آن بیست عدد است وتمام آنها را نقش و ،
« آینه‌کاری نموده بودند ، عقب آن طالار طنابی است بس عالی وزیبا که آن را ،
« سقفی رفیع به‌سه‌چشمه زده‌اند ومذهب بتذهیب وزرنشان نموده ودرنماهای آن ،
« صورت بعضی از سلاطین صفویه را ساخته‌اند که اکثر آن مطابق واقع است ، ،
« چنانچه صورت شاه‌اسماعیل وهردوشاه‌عباس موافق صورت شاه‌اسماعیل درمیدان ،
« جنگ اوزبك است و از دیگران مجلس بزم است ، ودر نماهای میان صورت ،
« جنگ شاه‌اسماعیل با رومی . »

« وجنگ نادرشاه را با محمدشاه هندی ساخته‌اند درزمان متأخراز آنها و »
« هیچیك ازصورتها موافق نیست .»

« وبالجمله این عمارت مطمح نظر همه‌کس میباشد ، واین عمارت و طالار »
« درباغی است‌که معروف به‌همان چهلستون‌است ودرپیش روی‌آن عمارت‌دریاچه »
« مربع طولانی ساخته‌اند که اکثر پرآب ودرکمال صفا است.»

جابری انصاری‌که درتاریخ اصفهان بصیرت‌کافی داشته راجع بساختمان این کاخ وبانی وزمان آن نیز مطالبی نوشته‌که عین آن نگاشته میشود[1] :

«وباغ‌چهلستون‌که‌آن هم‌ازباغ‌نقش‌جهان‌گرفته‌شده یکی‌ازبزرگترین مبانی»
« صفویه‌است، طرحش‌را زمان‌شاه‌عباس اول‌ریختند،وبنای چهلستون‌راشاه‌عباس‌دوم »
« در (۱۰۵۷) پس‌ازصلح‌باعثمانی اقدام‌کرد، ومساحت‌آن باباغچه‌های‌گرداگردش »
«قریب‌پنجاه‌جریب‌میشود. عمارت‌وسط چون‌دیگرمبانی‌قدیم تیموریه‌روی‌به‌مشرق»
« افتاده، طنابی‌بزرگ‌عقب‌تالارایوان‌است‌که‌شاه‌نشین سلطنتی‌بوده ودارای‌سه‌گنبد، »
« طول‌تقریباً بازیردیوارها ۲۸ذرع وعرض بیش‌از۱۱ذرع‌ونیم‌ودربهایش ازاطراف »
« روبه‌ایوانهای‌گرداگردباز‌میشود، ودواطاق بزرگ خروجی جنبین‌ایوان‌شاه‌نشین »
« است، وصندوق خانه‌ها وبالاخانه عقب‌هم‌دارد، وخود تالارچهلستون‌جلوشاه‌نشین »
« واطاقها است وبیست ستون بلند پایه‌های آن سقف بیستون مانند است وبیست »
« ستون هم عکس آن ستونها که درحوض آب جلوافتاده چهلستون میشود ، یا »
« عکسش‌که درآینه‌های‌سقف میافتاد. طول حوض بیرون تخمیناً۱۲ذرع وعرضش »
« بیش‌از۱۰ذرع، وآن سقف محیرالعقول راازچوبهای کاج زده‌اند حقیقةً دیدنی »
« است، چوتیرهائی قویتراز تیرهای عصاری وبلندتر باچه‌آهنها ومیخها بهم‌بسته »
« و با جرثقیل بالا کشیده‌اند ، و بچه زنجیرها پیوسته میان کف سقف زیرین و »
« سقف بالائین ایستاده براحتی گردش توان کرد ، و دربها روبباغ باطراف برای »
« دخول هوا میان دوسقف بازاست، وتذهیب ستونها وقابهای سقف زیرین نمایشی »

۱ــ تاریخ اصفهان و ری از ص۳۴۲ تا ص۳۴۶ .

« زیبا دارد ، وسقف ایوان ودیوارهایش همه به‌آینه‌های سنگ بزرگ ونقشهای ،
« کار استاد مزین بود ، و در این شصت ساله پس از (۱۳۰۰)[1] همی بردند و فقط ،
« شاه‌نشین آینه‌کاری ماند ، آینه‌های بزرگ دیوارها حکایتی از چرخ آینه‌گون ،
« مینمود خصوصاً آینه چهلستون‌نما یاجهان‌نمای دیوار بالای سرحوض که چندان ،
« بزرگ وعالی وشفاف وروشن بود هرقدر جمعیت از درب عراد، چهلستون که تا ،
« عمارت تقریباً ۱۸۰متر فاصله داشت پیدا میشد عکس آن جماعت درآن آینه ،
« بخوبی نمودار بود و دربها یکسره خاتم و پارهٔ منقش بنقوش دلربا کار اساتید ،
« بزرگ وستونها نیز بآینه‌های ریزه ورنگارنگ با نقاشیهای قشنگ زینت‌افزا ،
« وآن‌آینه‌ها را با دربها بحدود (۱۳۰۰ قمری) بمسعودیه طهران بردند وشنیدم ،
« آینه چهل ستون نما را یکپارچه دربی بزرگ قرقره‌دار ساخته که با فنرباز و ،
« بسته میشد وجیوه را برداشته ودوروبلورنمایان ، وبعضی‌ازآن آینه‌ها درهجوم ،
« بختیاری بطهران شکسته وبعضی را به‌عمارات دیگر پیوسته ، پنجره‌های بالای ،
« سردرب‌ها نیز بسی زیبائیها داشت . وسط ایوان حوض مرمراست ، چهارگوشه ،
« چهار شیر دارد که آب از دهان شیرها در آن حوض میریخت ومنبع آن آب ،
« ازهزارجریب وجوی سیاه بود ودر شاه‌نشین پرده شکل جوانی ناصرالدین شاه ،
«کارحسن‌خان لال مصور بودگوئی خود ناصرالدین‌شاه است سخن میگوید ، و از ،
« محمدشاه نیز صورتی عیناً در طنابی بود ، و دو آیةالکرسی خط میرزا احمد ،
« نیریزی استاد نسخ بستونها و سلام سلطنتی دراین ایوان بود ، و حوض بزرگ ،
« وسط باغ وطول تالار بیش‌از۳۲ذرع وعرض ۲۲ذرع . »

«در۱۱۱۸ عمارت چهل‌ستون سوخت‌که‌بفال بدگرفتند و پس از چهارده‌سال،
« فتنه افغان عراق و فارس را ویران نمود خاصه اسپهان را ، دیوارهای دوایوان ،
« شمالی وجنوبی طنابی‌را نقشهائی بود ازچهره دختران‌گرجی وارامنه‌که دیده‌را،
« خیره میساخت ودل بدان نقش‌ونگار بی‌روان میباخت ، امروزه‌که برآن گچها،

---

۱ ــ منظور بعدازسال ۱۳۰۰ هجری قمری است .

« کشیده‌اند و طرح برداشته باز حسنش نمودار است . »

« بالاخانه‌های گوشه ایوانها برای خلوت نشینی وخواب بود وخرقه شاه‌صفی»
« وطومار عهدنامه منسوب به حضرت امیر (ع) وقرآن منسوب بخط امام حسن »
« عسکری (ع) درآن بالاخانه محفوظ وخواص‌را ملحوظ ، خط طومار وقرآن‌را»
« چنین نسبت‌میدادند ولی خلجانی‌بقلب مؤلف بخاطراست‌که شاید مانندسیاست »
« آل‌عثمان در قرآن‌منسوب بخط عثمان، صفویه نیز درمورد این‌قرآن خط قدیم»
« نظرسیاسی داشته‌اند . »

« در طنابی چهل ستون ازاره‌های سنگ مرمر وگچبری کار اساتید معتبر »
« و طلا ومیناکاری و شش مجلس نقاشی است : چهار مجلس‌آن را گویند از عهد »
« صفویه بوده ، یکی مجلس همایون شاه پسرظهیرالدین با برکه پس از هجوم »
« شیرخان بدو او بدربار »
«ایران‌پناه‌آورد در(۹۵۱)»
« هرچند آن روزگار »
« قزوین مرکزیت داشت »
« اما همایون را بگردش »
«بلاد تا اصفهان آوردند »
«که‌طهماسب بزرگ‌همه‌جا»
«سلطان‌محمد پدرشاه‌عباس»
« را بمهمانداری او مقرر »
« داشت و اگر مهمانی هم»
« شهر دیگر بوده نقشه »
« را اینجاکشیده‌اند. »
(ش ۲۱)

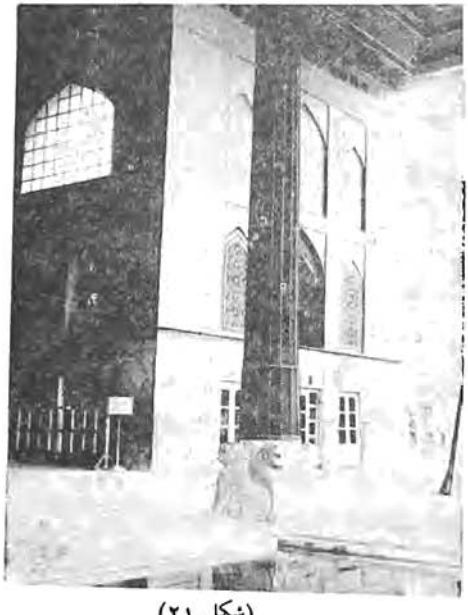

(شکل ۲۱)

« ومجلسی‌هم بزم شاه عباس بزرگ و حضور ولی محمدخان پادشاه ترك »
« در ۱۰۱۹ که اونیز ملتجی بدربار صفویه شد . » (ش ۲۲)



(شکل ۲۲)

« ومجلسی‌هم جنگ شاه عباس و باز مجلسی دیگر ازشاه صفوی و اکبر »
« یکی ازشاهزادگان هندی که باصفهان آمده و دومجلس‌هم پس‌ازصفویه نقاشی »
« شده وبامر نادر بوده ویقیناً نقاشی مجالس قدرت صفویه را قبلا داشته ازآمدن»
« سلاطین ترك چون ولی محمدخان وعبدالعزیزخان و ندر محمد خان باصبهان »
« یاجنگهای فاتحانه شاه عباس بزرگ بارومیان وبامر نادر بسیاست اتحاد اسلام »
« وبرانداختن نام صفویه حك نموده‌اند وروی آنها نقشه شکست شاه اسماعیل‌را »
« از سلطان سلیم وفتح نادر هند راکشیده‌اند ظنی‌قوی‌است وهم‌گمان میبرم نقش»
« بزم‌باده‌گساری صفویه نیز بامر نادر پیوست بوده‌خصوصاً مجلس شاه‌طهماسب‌که »

« یقینی است باده نبوده و اوسالها بوده همه را ازمیگساری توبه داده وخود لب »
« نیالوده ، پس ازنادرهم کریمخان زند صورت خود راگفته کشیده‌اند . بکودکی »
« یاد دارم درطنابی چهلستون قالی یك تخته دو رو بافت بودکه هروجبی ازآن را »
« ببهائی گزاف میخریدند بی‌مبالاتی از سال ۱۲۹۸ قمری تا ۱۳۰۵ قطعه قطعه »
« از میان رفت . »

مسترسایکس انگلیسی درجلد دوم تاریخ ایران ترجمه فخرداعی[۱] درباب کاخ چلهستون که آنجا را در اواخر قرن سینزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری مشاهده‌کرده شرح مختصری چنین ایرادکرده است :

« عالی قاپو انسان را به باغهای وسیعی هدایت میکند که در آن کاخهای »
« متعددی قرار داشته ومهمتر از همه کاخ چهلستون است . این تختگاه مجلل »
« بابام آن از تنه درختان عظیم چنار بنا شده وبر بیست ستون ساخته شده‌ای از »
« همان درخت یعنی‌درخت چنارنگاهداشته‌اند. اطراف این ایوان ازسنگ‌مرمر »
« سفید پوشیده شده بود و روی‌آن‌آئینه کاری کرده بودند . جایگاه واقعی‌سریر »
« سلطنت درعقب این ایوان واقع شده بود وازآنجا بشاه نشینی تکیه گاه سریر »
« راه داشت ، درهرطرف اطاقهای‌کوچکی برای وزیران وکار آنها تعبیه شده‌بود »
« وپشت سرکه درتمام طول ساختمان امتداد دارد ، راهرو ویا غلام‌گردش درازی »
« باسه تابلو نقاشی روغنی بسیار بزرگ و نفیس در هرطرف آن وجود دارد که »
« هرسه تای آنها در این‌کتاب گراور شده است لردگرزن شرحی‌که در این‌باب »
« نوشته ما آنرا ذیلاً نقل میکنیم :

« این تابلوها دوره مجلل سلطنت شاه عباس واسلاف واخلاف او را درنظر »
« ما مجسم میسازد ، دراین‌تابلوها شاه‌ایران درحال جنگ ویا درمجلس‌بزم با پیاله»
« شراب مشاهده میشود ، سبیلهای بلند وضخیم ، چانه‌های تراشیده و عمامه‌هائی»
« که دراین تابلوها بنظر میرسد نماینده یك نوع آرایشی است که مدتها است »

۱- ج ۲ ص۳۱۱ .

« از مد افتاده و منسوخ گردید است . سلاح و لباس جنگجویان ، آلات طرب ،
«مطربان وحرکات رقاصه ها درهای‌بسته گذشته را برروی ما باز و تاریخ روزگار ،
«پیشین‌را درپیش‌چشم بیننده‌مصور می‌نمایند وگوئی بی‌اختیار هربیننده‌ای‌خودرا،
« دراین مجالس پرشور ومجلل‌بزم ورزم پادشاهان صفوی شریك وسهیم میبابد . »
« کروزنیسکی میگوید : عمارت اولیه چهلستون طعمه حریق شده واین »
« بنای فعلی‌را دوباره شاه سلطان حسین بجای آن ساخته است . » (ش ۲۳)



(شکل ۲۳)

این‌بود وضع‌گذشته‌کاخ چهلستون‌که مورخان‌شرح‌آنرا نوشته‌اند ودربرخی موارد اختلافات مختصری دیده میشود واما وضع‌کنونی این‌کاخ مطابق‌آنچه‌اخیراً نوشته‌اند بررسی میگردد :

مؤلف تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان[1] که درسال ۱۳۳۵ شمسی انتشار یافته شرح مبسوطی راجع بکاخ چهلستون نوشته که منتخبی ازآن این است :

در جنوب خیابان سپه باغ‌مشجر بزرگی بمساحت ۶۷۰۰۰ مترمربع واقع شده‌که میگویندد‌رابتداء جزء باغ‌نقش‌جهان‌بوده واز وسط آن‌مادی فدا میگذرد. این باغ دارای سه درب خروجی است و در قدیمی باغ درطرف خاور میباشد . در وسط باغ‌تقریباً یك متربلندتر کاخ چهلستون ساخته شده و مساحت‌آن دوهزار و یکصد وبیست (۲۱۲۰) مترمیباشد. پس‌ازنقل قول‌میر سیدعلی‌جناب‌مؤلف‌الاصفهان راجع بسوختن‌بیست ستون از چهلستون گفته‌که‌آقای معارفی‌معمار ابنیه تاریخی آثارسوختگی‌را درقسمت‌غرب‌عمارت دیده است . ونیز گفته بعضی‌را عقیده‌براینست عمارت چهلستون دورو بوده وتالار بیست ستونی یاکمتر درطرف مغرب عمارت وجود داشته واین‌قسمت آتش‌گرفته که آثار در وپنجره‌آن هنوز باقی و در زمان شاه سلطان حسین تعمیرات کلی درآن بعمل آمده‌است . و نیز متذکر شده که سلاطین صفویه پس‌ازعالی‌قاپو جشن‌های مهم را در کاخ مزبور برگزار میکرده‌اند ووضع‌کنونی‌را چنین بیان کرده است :

ایوان بزرگ‌کاخ بطول۳۸ متر وعرض۱۷ متر و بارتفاع ۱۴ متر روبطرف مشرق بناشده و دارای۱۸ ستون ازچوب چنار وکاج است‌که بشکل کثیرالاضلاع ۱۶ ضلعی و ۸ ضلعی مدور میباشد، چهارستون وسط برروی چهار شیرسنگی قرار دارد وحجاری آنها طوری‌است‌که دوشیر بایك سر نشان داده میشود وازدهان چهار شیر جلوآب فوران نموده داخل حوض مرمر وسط میریخته است .

تاریخ حجاری شیرها را بعضی بزمان هخامنشیان وعده‌ای بساسانیان (خسرو پرویز) وحتی اشکانیان وبرخی بدیالمه وبالاخره بصفویه مربوط میدانند .

درایوان دومی‌که کمی مرتفعتراست دوستون چوبی بارتفاع ۱۲ متر قرار دارد که با ستونهای ایوان بزرگ بیست‌ستون میشود. بالای این‌ایوان دوکتیبه‌دارد

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۵۰ تا ص۶۸.

یکی مربوط ببنای آن در سلطنت شاه عباس دوم یعنی سال (۱۰۵۷ ه . ق) و دیگری مربوط به تغییر آن بعد ازحریق یعنی سال یکهزار ویکصد وهیجده قمری هجری است که درسال ۱۳۲۷ هجری شمسی از زیرگچ بیرون آمده است .

سقف ایوان از آئینه های مستطیل شکل و اطرافش ازقطاربندیهای رنگین ساختمان شده است ، دیوارهای سفیدیکه دیده میشود در قدیم نقاشی وآینه کاری بوده و ازاره‌اش از سنگهای مرمر منقوش میباشد .

در دوطرف ایوان دواطاق که بچهار طرف در دارد واقع شده و هریك دارای تصاویر گوناگون است که اززیرگچ بیرون آمده است ومیرزا عبدالله نقاش طرحهای اولیه‌رضا عباسی را باتغیراتی تعمیر نموده‌است دراطاق شمالی درمنبت کاری ومنبر خاتم دوره صفوی و کاشیهای متفرقه سلجوقی و صفوی و سقفف زر اندودی که از زیرگچ بیرون آورده‌اند و نیز در اطاق جنوبی تصویرهائی دیده میشود .

ایوان سومی که مرتفعتر وکوچکتر است بنام شاه نشین وبمساحت۵/۵×۷ متر میباشد . ازاره‌اش ازسنگهای مرمر گلدار وسقفش ازآئینه‌های ریز و قطارهای زرین‌ساخته‌شده. درطرفین ایوان‌علاوه‌برآینه‌های مستطیل شکل‌سنگی، چهارتابلو مصورکه دوتای آنها بسیار خوب وبلباس اروپائی و دوتای دیگر را تعمیر بسیار بدی‌کرده‌اند و دولوحه‌ازآیات قرآنی بخط شمس‌الدین‌بن‌ملامحمد سعیدالجیلانی در۱۱۱۹ دیده میشود .

درطرفین شاه‌نشین دواطاق منقوش است که درهایش به‌ایوان شمالی وجنوبی بازمیشود . نقاشیهای اطاق جنوبی که دارای صورتهای اصلی و قدیمی است درسال (۱۳۳۱ ه.ش) اززیر گچ بیرون آورده شده است وشامل مجلس بزم مفصلی‌است‌که بسبك‌ایرانی وهندی نقاشی‌شده شاید طرح عروسی رضاقلی‌میرزا باشد یاقصه وامق وعذرا وطاقچه بلند سمت راست مجلس یوسف وزلیخا وروبرویش خسرو وشیرین است وچند تصویر دیگر . ودراطاق مقابل شمالی که دردیماه سال ۱۳۳۴ شمسی از زیرگچ خارج شده روبرو مجلس بزم شاه‌عباس است که در کنار نهرآبی نشسته و

جمعیت زیادی ازمرد و زن در اطرافش میباشند و در طاقچه سمت راست یکی از شاهزادگان صفوی وروبرو شاه‌عباس باکلاه مخصوص گرجی دیده میشودکه ازساقی با حضور چندنفر جام میگیرد .

درجرزهای طرفین درورودی دواطاق سه‌تصویرزیبا دیده میشودکه بنابگفته حاج مصورالملکی نقاش ازآثار رضاعباسی است .

دربالای شاه‌نشین محفظه‌ای وجود داردکه درقدیم قرآن امام‌حسن‌وعهدنامه علی‌بن‌ابی‌طالب بانصاری‌وجبه‌شیخ صفی‌الدین اردبیلی درآنجا محفوظ بوده والحال در ویترینهای سالن گذارده شده است .

شاه‌نشین بسالن بزرگی که طولش ۲۲ وعرضش ۱۱متر ازشمال بجنوب وبه ارتفاع ۱۲متر میباشد متصل میگردد . سالن دارای سه‌گنبد منقوش زراندود عالی است که بیننده را مات ومبهوت مینماید . لچکهای رنگارنگ و طرحهای طلائی وشفاف از شاهکارهای هنری و نفیس محسوب است ازاره طالارکه فعلاً با گچ سفید پوشیده شده درقدیم ازکاشیهای منقش مستور بوده است .

ولی اکنون روی نمونه کتاب بررسیهای هنر ایران پرفسور پوپ کاشیهائی تهیه وزینت‌افزای تالار گردیده است دربالای ازاره دورتا دور ۲۴مجلس مینیاتور مختلف دیده میشود که درحال عیش وسرورند همه برروی گچ واز طرحهای اولیه زمان شاه‌عباس صفوی است‌که درسال ۱۳۰۷ شمسی بدون توجه بطرز وسبك‌قدیمی آنها تعمیر و روغن‌مالی شده است . بالاتر شش مجلس نقاشی نفیس بطول ۶×۴ مشاهده میشود که دو مجلس وسط طرفین تالار جنگ چالدران و کرنال را نشان میدهد ومربوط بدوره نادرشاه افشار است که در زمان محمدخان قاجار بقلم استاد صادق نقاش تعمیرگردیده است . ودرزیرتابلوجنگ‌کرنال چنین نوشته شده است:

« بحسب‌الحکم شاهنشاه دوران فریدون‌فر محمدخان قاجار »

« زکلك صادق نقاش نو شد نشان و فر نادرشاه افشار »

یا صادق‌الوعد

چهارمجلس که دوتا از آنها مجلس پذیرائی شاه‌عباس اول ودوم از پادشاهان ازبك ودوتا دیگرمجلس پذیرائی شاه‌طهماسب ازهمایون‌شاه هندی پسرظهیرالدین بابر که ازشیرزاد افغان شکست خورد ودرسال ۹۵۱ هجری قمری به‌ایران‌پناهنده شد ویکی جنگ با ازبکان ازنقاشیهای خوب قدیمی و جالب است . بنابنظرحاج مصورالملکی نقاش معروف مجالس آخرین بقلم استاد رجبعلی شاگرد مظفرعلی و دوتای اول بقلم استاد صادق است .

عکس ناصرالدین‌شاه قاجاربقلم محمدحسن افشارنقاش درتاریخ ۱۲۷۶هجری درزیر لنگه طاق نیز دیده میشود . چهاربخاری دراطراف سالن بدستیاری مرحوم استاد حاجی اسماعیل گچبر و میرزاعلی بطرز قدیم در سال ۱۳۲۷ شمسی ساخته شده است .

اشیائی که دراین سالن دیده میشود بیشتر مربوط به مقبره شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی‌است‌که برحسب مساعی جناب سیدمحمدتقی مصطفوی ریاست وقت اداره‌کل باستان‌شناسی و مساعدت مرحوم احسنی رئیس فرهنگ وقت و سرپرستی مهندس روانبد ازتهران به‌اصفهان نقل شده واعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر هنگام مسافرت برای زدن‌کلنگ تونل کوهرنگ، موزه چهلستون را نیزافتتاح‌فرمودند واین افتتاح درتاریخ هشتم مهرماه ۱۳۲۷ واقع گردید .

درسه طرف دیگراین سالن سه‌ایوان وجود دارد که هریك دارای نقاشیها و صورتهای بسیارعالی ایرانی واروپائی است‌که بالباسهای قرن۱۷میلادی ترسیم شده وامکان دارد صورت سفرا یاشاهزادگان فرانسوی وایطالیائی باشدکه بدست نقاشان هندی وایطالیائی ساخته شده است .

درتوصیف آن محمدبیك شاعر معاصر شاه‌عباس دوم سروده است :

عکس آئینه‌اش بجلوه‌گری میکند دیو را بشکل پری
در و دیوارگشته رنگارنگ همه تصویرهای کار فرنگ

(ش۲۴)

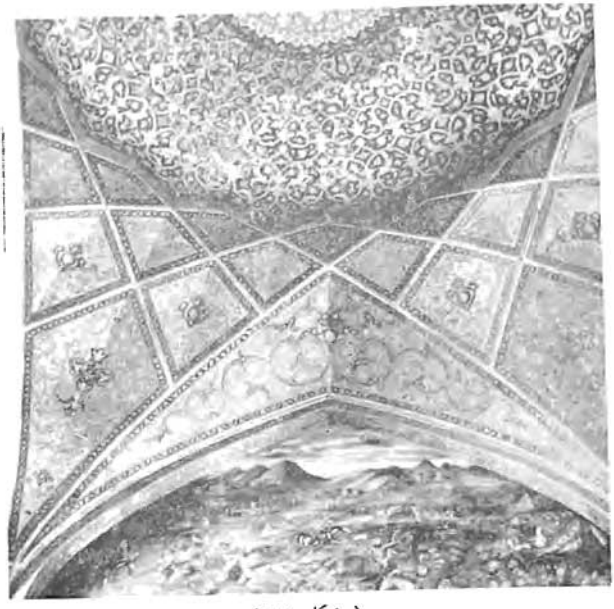

(شکل ۲۴)

روی دوایوان بزرگ چوب‌بست عجیب وغریبی ازالوارهای قطوروبلند بایك اسلوب هندسی وفنی درست‌کلاف شده‌که بیننده را متعجب‌میسازد، وبفاصله سه‌متر بالاتر شیروانی آجری که بمنزله بام عمارت است ساخته شده وپنجره‌های اطراف برای هواکش وعبورومرور پرندگان میباشد . اطراف عمارت مجرای آب است که دروسط آن فواره‌های سنگی ازقدیم موجود است .

درجنوب شرقی باغ عمارت استانداری از زمان قاجاریه است و برج هشت ضلعی سه طبقه مرتفعی از زمان صفویه نیز دیده میشود . قسمت فوقانی آن مورد استفاده استانداری وتحتانیش در تصرف اداره آمار میباشد. نکته‌ایکه ممکن‌است مورد مداقه وبحث واقع شود چهلستون است که بااینکه کمتر از چهل‌ستون‌داشته و دارد آنرا چهلستون نامیده‌اند . (ش ۲۵)



(شکل ۲۵)

آنچه ازمطالعه تاریخی اینگونه اسامی استنباط میگردد اعداد ۷و۴۰و۱۰۰ درموقع اغراق درتوصیف وغرابت ابنیه بکارمیرفته است .

مثلا کاخ صد ستون درتخت جمشید ویا چهلستون مسجد جامع اصفهان و چهلستون‌مسجد جمعه تهران و نظائر آنها ویا چهلستون مسجد گوهرشاد درمشهد مقدس‌که هیچکدام از نظرعدد بااسم مطابق نیست بلکه‌چهلستون‌کنایه از اینستکه آن‌قصر یاشبستان دربزرگی وتوسعه بحد اعلی‌که احتیاج بداشتن چهل ستون باشد رسیده و آن اندازه وسیع است که بدون اتکاء به چهل ستون ابقای آن مقدور نبوده است .

و همینظور است‌کلمه صد ستون درکاخ صدستون‌که حاکی ومبین وسعت‌زیاد کاخ است که درحدود صدستون تکیه‌گاه لازم دارد .

وبا تشریح نکات مزبور روشن‌گردید اینکه گفته‌اند کاخ چهلستون درموقع حریق چهل‌ستون داشته وبیست ستون‌آن سوخته است اساسی ندارد وهمان بیست ستون را داشته است ، زیرا اگر این‌کاخ چهل‌ستون پیش از حریق داشته بود خلف

شاه عباس دوم هنگام حریق همان چهل‌ستون را میساخت نه اینکه نقصی درآن قائل شود وبا بیست ستون تجدید بناکند.

درکاخ چهل‌ستون سر درها و ساختمانها و تابلوها وآثار دیگری مشاهده میشود که جزء کاخ مزبور نبوده وبرای محافظت بآنجا نقل گردیده است:

۱ـ پنجره عالی‌گچبری‌که ازشاهکارهای این‌صنعت است و ابتداء تمام‌آن از گچ ریخته شده وسپس ازقسمت پشت خلل وفرج‌آن باشیشه‌های رنگی تزیین‌شده و سرانجام ترکیبی بی‌نظیر و عالی شده است این‌پنجره ازبنای تاریخی درب امام که ساختمان آن مورخ بسال (۸۵۷ هـ. ق) است بعمارت چهل‌ستون انتقال داده شده است.

۲ـ پایه ستونهائی‌که بصورت مجسمه‌های شیر وانسان درچهارگوشه استخر قرار دارد وچهار قطعه است و دوتخته سنگ حجاری شده بشکل چهارشیرکه در دو باغچه دوطرف خیابان ورودی‌کاخ قرار دارد ازبقایای عمارات سرپوشیده صفوی وآینه خانه بکاخ چهلستون نقل شده است.

۳ـ سردر کاشیکاری مسجد قطبیه مربوط بزمان شاه طهماسب اول که در مسیر خیابان‌واقع وبرای محافظت بعمارت چهل‌ستون انتقال یافته وروی‌دیوارهای جنوبی‌باغ چهلستون قرار داده شده است.

۴ـ قطعات کاشیکاری از مسجد آقاسی ـ مسجد خواجه علم ـ مسجد درب جوباره ـ پیربکران نیز برروی دیوارهای جنوبی باغ کاخ مزبور دیده میشود.

۵ـ سردرب‌کاشیکاری بنای تاریخی درکوشك مورخ بسال (۹۰۲ هـ. ق) ازعهد رستم آق‌قوینلو که برای محافظت به کاخ چهل‌ستون منتقل و درقسمت ضلع‌غربی باغ نگهداری میگردد.

این کاخ باستانی طی شماره ۱۰۸ بثبت تاریخی رسیده است[۱].

۳ـ عالی‌قاپو:

این‌نام بدو صورت تلفظ‌گردیده‌که برای هرکدام وجه تسمیه‌ای است. آنچه

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص۵۰.

بیشتر درمورد محاورات ومکاتبات متداول میباشد عالی‌قاپو است که مرکب ازکلمه عالی وقاپوی ترکی بمعنی درمیباشد یعنی‌باب عالی و مراد اینست همان طورکه در عثمانی باب عالی‌معمول بوده بین ایرانیان شیعه هم چنین‌بابی وجود داشته‌کهمانند باب عالی‌عثمانیها مورد احترام بوده است و از اینرو کلیه کسانی که میخواستند وارد عالی‌قاپوشوند باید خم‌شده آستانه‌را بوسیده وداخل شوند وحتی شاه‌عباس‌هم هنگام دخول باین‌عمارت از اسب پیاده میشده است . گذشته از این عالی‌قاپو محل تحصن مقصران و گناهکاران بوده‌که هرجانی و یاگناهکاری که وارد درب عالی قاپو میگردیدکسی نمیتوانست اورا ازآنجابیرون بیاورد مگربامر شاه صفوی وخلاصه عالی‌قاپو همان احترامی‌را داشت‌که باب عالی درعثمانی .

و اما عده‌ایکه آنرا علی‌قاپو و علی‌قاپی نوشته‌اند معتقدند که هنگامیکه شاه عباس‌کبیر درب نقره برای بارگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بـه نجف برد و نصب کرد دری‌را که در پیش‌آنجا نصب شده بود برای تیمن و تبرك باصفهان آورد و درعلی‌قاپو نصب‌کرد وازاین جهت آنرا علی‌قاپو و یا قاپی نامیدند که این در منسوب به حضرت علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است واز اینرو مـورد احتـرام شاه ومردم بود وحتی‌تا چندسال پیش‌هم مردم در اطراف آنجا آش‌ها می‌پختند و نذوراتی میکردند و بزنجیر جلو در مزبور رشته هائی بعنوان دخیل می‌بستند و همانطورکه گفته شد درزمان سلاطین صفویه جای بست گناهکاران بود .

درهرحال ازهردونام و وجه تسمیه چیزیکه استنباط میگردد نصب این در و رفتاری‌که در مقابل‌آن در میشده مربوط بیك امرسیاسی بوده‌که همان استقلال صفویه درمقابل عثمانیها باشد .

واما عمارت عالی‌قاپو بنیانش اززمان سلطنت سلاجقه است و درزمان صفویه دارای آن همه زیبائی‌وشکوه شده است ودرب آنرا شاه عباس بزرگ ازنجف‌اشرف آورده وازاین‌جهت مورداحترام سلاطین صفویه و مردم بوده است و چون این‌کاخ درمقابل باب عالی عثمانی‌ها قرار داشته فوق‌العاده درجهت‌عظمت وزیبائی آن‌همت مصروف داشته‌اند .

کاخ عالی‌قاپو سه طبقه وهرطبقه منقسم بدوطبقه اطاق است‌که درواقع شش طبقه میشود وچون ازبام طبقه‌آخر میتوان تمام مناظر شهررا دید خـودبام را هم یك طبقه حساب‌کرده‌اند ومیـگویند عالی‌قاپو هفت طبقه است ارتفاع‌آن ۴۸ متر و در ۲۸ متری دارای ایوان بزرگی است‌که درمیان ستونهای‌آن حوض مسی‌قـرار داردکه آب ازآن فوران میـکرده است .

گچبری و نقاشیهای عالی اطاق‌های متعدد آن هر بیننده را خیره میـکرده و اکثرگچبریها بشـکل بطری وشیشه‌های شراب است . (ش۲۶)



(شکل ۲۶)

این‌کاخ در غرب میدان شاه است‌که عرصه آن ۳۸۶ مترطول و ۱۴۰ متـر عـرض است ، در مقابـل عالی قاپـو مسجد شیخ لطف‌الله در شرق میـدان واقـع شده است .

شاردن‌فرانسوی‌که‌سه مرتبه باصفهان مسافرت‌کرده وعمارات وکاخهای‌دولتی را دیده گفته است :

« عالی‌قاپو بزرگترین کاخی است‌که ممکن‌است دریك پایتخت وجود داشته باشد » . پس میتوان گفت که این کاخ در زمان صفویه از بهترین کاخهای دنیا محسوب میشده است و ازاین‌رو محتوی برتمام مزایا ومحاسن بوده وآنچه لازمه یك کاخ سلطنتی بوده درآن وجود داشته است . (ش۲۷)



(شکل ۲۷)

برای اینکه وضع کاخ مزبور درپایان قرن سیزدهم هجری معلوم گردد بهتراین‌است‌که نظریه مورخان‌آن زمان‌را نقل‌کنیم. مؤلف نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان[۱] چنین‌گفته است :

« اما عمارت علی‌قاپی‌که دروازه بزرگ عمارات دولتی برآن‌است وآن‌مثل»

۱ــ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۸ تا ص ۴۰ .

« سردری بر آن واقع شده محل‌نظر مهندسان وتمام معماران‌ایران وغیره است و »
« بوضعی ساخته شده‌که مایه حیرت جمع‌گشته‌است . عمارت باین ارتفاع و باین»
« قطر وباین پایه واین‌استحکام‌که ازوقت بنای آن تا کنون که قریب سیصد سال »
« است با وجود تواتر شلیك توپ و تفنگ که در آن میدان واقع است اصلا »
« خللی و تزلزلی دراصول وبنیان آن‌راه نیافته مگر بعض فروع‌آن ازکاشیکاری »
« وغیره‌که فی‌الجمله‌ریخته است ، ومجملاً عمارت مذکور ارتفاعاً محتوی برپنج »
« طبقه‌است که درزیری آن‌راه ودهلیز عمارت است ودوجهت عرض نیزهریك‌پنج»
« چشمه‌دارد که همه آنها مشتمل‌برحجرات وهمه بالای یکدیگراست ومحلهای »
« نیکو است و یك جهت آن با دیگری چشمه ها متفاوت است ، این عمارت را »
« شاه عباس بزرگ بنا و تمام نموده و دروازه ازصحن نجف اشرف تیمناً و تبرکاً »
« آورده است وبرآن نصب کرده وتا حال‌دروازه عمارات است وبجا است وبهمین »
« سبب آنرا علی‌قاپی‌نام نهاده است . سلاطین بعدازاو پیش‌این‌دروازه را عمارت »
« خروجی‌بطرف میدان‌طرح انداخته وساخته‌اند ودوطرف آنراهم یمیناً ، یساراً »
« دخولی وحجرات بنا کرده و بربالای همه آن طالاری بطرزی خوب و وجهی »
« مرغوب بنا و تمام نموده‌اند با ستونهای بلند و سقف مرتفع باستحکام استوار »
« کرده که بیننده را حیرت افزاید و در میان آن طالار حوضی ساخته‌اندکه در »
« زمان پیش‌آب مینموده‌اند وبا استحکامی‌است که اصلاً رطوبتی بسقف بنای‌زیر »
« آن نشرنمیکرده واین‌طالار محل‌نشیمن‌پادشاه برای عرض لشکربوده وازچند»
« حجره میانی آن‌عمارت رفیع‌راه ورود باین طالاراست وچنان استادی‌درساخت »
« واتصال این دوعمارت نموده‌اندکه‌کسی‌گمان نمیکند اینها را در دو وقت ساخته »
« و متصل نموده‌اند و چون بربالای این عمارت بطبقه‌آخری روند تمام شهر بل »
« اطراف آن نمایان وناظر را حالت انبساط وفرح روی‌بنماید و درآن بالاهم‌یك»
« مربعی محلی باز ساخته‌اند که چون برآن روند نمایندگی زیاد وصفا بیشتر و »
« کیفیت غریب‌ترباشد . مثل‌این‌عمارت وغرابت ونفاست‌آن‌که درتمام ایران‌بلکه »

« بسیاری ازممالك دیگر موجود نیست . » (ش۲۸)



(شکل ۲۸)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نویس ناصرالدین‌شاه قاجار درسال ۱۳۰۰ هجری قمری گزارشی که راجع بتاریخ وجغرافیای ایران در دوجلد تهیه کرده که هنوز مخطوط وتا چند سال قبل درکتابخانه‌وزارت دارائی بود و بطوریکه در پیش اشاره شده آنچه راجع باصفهان نوشته عیناً با کتاب جغرافیای اصفهان میرزا حسینخان تحویلدار که بچاپ رسیده بعین منطبق میباشد راجع بـه کاخ عالی قاپـو چنین نوشته‌است[۱] :

« تالار وقصرعلی‌قاپو تاحال به نیکوئی وعظمت وارتفاع آن عمارتی درایران ،
« ساخته نشده پنج‌طبقه قصرمزبور بانضمام کلاه‌فرنگی عرشه آن ۳۴ذرع ارتفاع ،

۱ ـ ازصفحه ۲۱ جغرافیای اصفهان تا ص۲۲ باگزارش مزبور منطبق است .

« دارد هرکدام ازطبقاتش مشتمل برمکانهای ملوکانه واطاقهای وسیع وطاقهای رفیع »
« وبیوتات زمستانه وتابستانه وجلوقصر ازپایه روی زمین الی محاذی سقف طبقه »
« دوم قصر ، پایه وصحن تالارعظیم فوقانی واقع شده که تالارمزبورمشرف برمیدان »
« نقش جهان و۱۸ ستون بسیاربلند درآن استواراست . محسنات وخصوصیات تالار »
« وبیوتات طبقات قصر مزبور ازتوصیف بیرون است ، معلوم میشود چاه‌دم وتلنبه »
« هم درآن زمان ایران معمول ومصطلح بوده زیرا که درطبقه دوم قصر که عقب »
« زیرین مرتبه تالار واقع شده چاه ومنبع بزرگی است وجای دوتلنبه داردکه‌اول »
« با گاو وطناب ازچاه آب میکشیده‌اند درمنبع بالای طبقه دوم قصر، من بعداز »
« آن منبع با تلنبه‌ها بالا میبرده‌اند بطبقه سیم که ازآشپزخانه ومطبخ آن‌طبقه »
« قصرراه داردکه وارد حوض‌مرمربزرگ وسط تالارمزبور میشود،کف ودیوارهای »
« آن حوض ازمس یکپارچه است وغیراز مجرای دوسوراخ تنگ تلنبه ممر و »
« مدخلی بجهت قصروتالار ندارد که با چرخ ودلو بتوان آب‌کشید . ودیگردرب »
« بسیارعالی که بدروازه دالان تحتانی قصر منصوب است از چوب زیاد با دوام و »
« قوامی است معروف به‌چوب‌کلوزه[1] که جوزق درختی باشد ، از هر چوبی‌هست »
« درب اول بقعه متبرکه حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام‌است‌که سلاطین‌هندوستان »
« در نجف اشرف برده بودند . وقتی شاه‌عباس صفوی درب نقره را برد وبجای آن »
« نصب‌نمود درب مزبور را جهت تیمن وتبرك باصفهان آورد وبدروازه دالان قصر »
« وتالار برقرار فرمود، الآن قصرمنسوب بآن درب است ودرب موسوم به‌علی‌قاپی »
« وقبله‌گاه خلایق . »

وضع ساختمان عالی قاپو را مستر سایکس انگلیسی بطور اختصار چنین توصیف‌کرده[2] :

« درطرف مشرق میدان شاه علی‌قاپی یاعالی‌قاپو (دروازه بزرگی) قراردارد »

---

۱ ــ درخت کلوزه‌که درایران بصورت بوته است درهندوستان درخت دارد ودربی را که از هندوستان به‌نجف برده‌اند ازچوب درخت مزبورساخته شده بوده است . ۲ ــ ترجمه ج۲ تاریخ مسترسایکس ص۳۰۹ .

« که آن مدخل قصرسلطنتی بوده است . این بناعبارت از یك طاق‌نمای بزرگی »
« است که روی آن یك تالاربزرگ برروی ستونهای چوبی قرارگرفته ویکی از »
« نمونه‌های خاص معماری عصرصفوی است . دراین تالار پادشاهان صفوی بالباس »
« تمام رسمی سلطنتی‌روزعیدنوروزرا بارعام میدادند. شاردن میگوید : (این تالار »
« زیباترین تالاری است درنوع خود که من درتمام دنیا دیده‌ام) وازهمین‌عمارت »
« بود که شاه صفوی مسابقه‌های چوگان بازی، اسب سواری ، و جنگ حیوانات »
« وحشی را درحضور هزاران رعایای خود تماشا میکرد . » (ش ۲۹)



(شکل ۲۹)

جابری انصاری درتاریخ اصفهان و ری[1] اظهار نظرکرده که اشتهار اینکه درب عالی‌قاپو را ازنجف آورده‌اند برای جلب افکارعمومی واحترام بدربارصفوی

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۳۸ .

بوده است واگر نه‌آوردن درب از نجف اشرف محرز نیست.

درتاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان وضع‌گذشته وزمان تألیف (۱۳۳۵ هـ.ش) را تشریح کرده و چنین‌گفته[۱] :

« عالی‌قاپو ـ علی‌قاپی ـ درمیدان نقش‌جهان دوره تیموریان که تبدیل به »
« میدان‌شاه‌امروزی‌شده است‌عمارتی‌اززمان‌تیموریان‌باقی‌بودکه‌درزمان‌شاه‌اسماعیل »
« صفوی تااندازه‌ای‌آباد وسپس‌بحالت خرابی درآمد، وقتی‌که شاه‌عباس‌اول صفوی »
« پای‌تخت را باصفهان انتقال داد ابتدا درباغ بزرگی‌که درطرف طوقچی‌بودمنزل »
« نمود وسپس‌که میدان را مسطح ومرتب کرد عمارت قدیمی را نیز برای‌سکونت »
« خود و درباریان ساختمان نمود. و در دوران شاه‌صفی وشاه‌عباس دوم (۱۰۵۳) و »
« شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین نیز تعمیراتی ازآن بعمل‌آمده است. سیاحان و »
«مورخین‌خارجی وداخلی شرح مفصلی نسبت بوضعیت وشکوه این‌کاخ نوشته‌اند »
« بخلاصه اینکه : درآن تاریخ این قصر ازتمام قصور سلاطین زیباتر و دلرباتر و »
«جامع‌تر بوده است ».

« این‌عمارت فعلاً دارای جلوخانی‌است‌که درطرفین‌آن دواطاق وازاره‌اش »
« تماماً بارتفاع‌یك‌متر و نیم ازسنگ‌سیاه پوشیده واستوارشده وتمام بنااز‌آجرهای »
« تراش ویکنواخت ساختمان‌گردیده است وکسی حق نداشته سواره وارد شود . »
« درجلو این جلوخان ازقدیم زنجیردانه درشت آهنی وجود داشت که بحلقه‌های »
« طرفین بازوبسته میشد که هرکس پناهنده میشد درامان سلطان بوده است . »

« بفاصله چندمتردراصلی کاخ ببلندی ۵متر واقع است‌که روی آنرا ازفلز »
« مطلا جدول‌کشی نموده‌اند و درطرفین دوسکوی بزرگی بابعاد ۲/۵×۴متر از »
« شش‌پارچه سنگ‌مرمرظریف ساخته شده وبالای درورودی عبارت: انامدینةالعلم »
« وعلی بابها برروی‌کاشی زمینه زرد نوشته شده است . آستانه این درسنگ مرمر »
« مدوری است‌که میگویند شاه‌عباس هروقت سواره میآمد دراینجا پیاده میشد و »
« پا روی آستانه نمیگذاشت وعبور میکرد . »

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۸۷ تا ص ۹۰.

« درباره وجه تسمیه عالی‌قاپو بعضی را عقیده آنست‌که این دررا شاه‌عباس »
« ازنجف وبجای درنقره‌ای که بدانجا برده آورده و ازاین‌جهت علی‌قاپی نامیده »
« میشود . عـده دیگری گویند بجهت اینکه در بلند و عالی است بنام عالی‌قاپو »
« گفته‌اند ویا دربرابر باب‌العالی ترکیه نام گذارده شده، این در نیزدارای زنجیر »
« مطلائی بوده‌که حکم بست را داشته والحال نیز قطعهٔ ازآن باقی است‌که تااین »
« اواخر مردم متوسل بآن شده نذوراتی مینمودند و مـانند مقابر متبرکـه نیز »
« پارچه‌ای باین زنجیر می‌بستند . »

« بالای درورودی پنجره مشبك چوبی‌اززمان قدیم باقی‌است . دهلیزعمارت »
« ازاره‌اش ازسنگهای سیاه وبالاتر تماماً ازنقاشیهای زیبا گل‌وبوته تزیین یافته »
« وروی آنرا گچ‌کشیده بودندکه این اواخرکم‌وبیش نقاشیهارا اززیرگچ بیرون »
« آورده‌اند . »

« دودهلیز ورودی وخروجی عمارت از مشرق بمغرب یابعکس بطورعمود »
« بریکدیگر مانند صلیب ساخته شده‌که دراصلی وسکوهای سنگ مرمرطرفین »
« واسطه بین آن دواست . در یکی از جادرهای این کاخ طبقات مختلفه تعمیر و »
« نقاشی کاخ را درگذشته بخوبی نشان میدهد ، در روی یکی از ورقه‌های نقاشی »
« دیوار این عبارت خوانده میشود : گرکند براه تو ... زانکه تقوی سرهم کرم »
« است . »

« ناگرفتن درم بوجه حرام بهتراز بذل کردن .. امیرالمؤمنین علی... »
« فرماید ... نمیدانم چرا بامن عداوت بیشتردارد . کتبه‌الفقیرسیدافضل‌مقصودعلی »
« دورانی بتاریخ جمادی‌الاول ۱۰۳۲ ومخصوصاً نامی ازشاه‌صفی و تاریخ آن برده »
« است . »

« این بنا درقدیم دوراه پلکان پیچ‌مانند داشته‌که اکنون‌باقی‌است وشاه‌عباس »
« راه وسیع‌تری برای ایاب‌وذهاب خود وسفراء ساختمان نموده‌که کف تمام‌آنها »
« ازکاشیهای هفت رنگ عالی‌تزیین شده‌بوده است . این‌راه شامل ۴۰پلکان ودوراه »

« دیگر دارای ۱۷ پله میباشد وتا طبقه چهارم اطاقهای متعدد ومنقوش دراطراف »
« دهلیز ببالا دارد که مختص بدرباریان بوده است . »

« شاه‌عباس‌کبیر بیشتر وقت خود را در این قصر بسر میبرد و پذیرائی‌های »
« رسمی را نیز درهمین‌جا اختصاص داده وازبالای تالار سان قشون و پیشکشهای »
« سفرا وچوگان‌بازی ویا عملیات‌ورزشی پهلوانان را تماشا میکرده . »

« این ایوان بطول ۲۸ و عرض ۱۶ و ارتفاع ۱۲ متر وازکف میدان تازیر »
« سقف ۲۴متر میباشد که فقط طرف غرب‌آن متصل بکاخ یا اطاقهای مسکونی »
« است، ایوان دارای۱۸ستون چوبی وبرروی پایه‌های سنگی منشوری‌شکل قرار »
« دارد ، این ستونها مانند ستونهای عمارت چهلستون ۱۶ضلعی و۸ضلعی و دارای »
« نقاشی وآینه‌کاری بوده است که دردوره قاجاریه ازبین رفته ودرسال ۱۳۲۷ نیز »
« برای تعمیروجلوگیری ازنفوذ موریانه تخته‌های روکوب آن برداشته شد . در »
« وسط این ایوان حوض مستطیل‌شکلی بابعاد ۳در۵٫۶متر است که اطرافش از »
« سنگهای مرمر وکف حوض ازمس پوشیده شده ودارای سه‌فواره بوده است . »

« درپاشویه این حوض قسمتی ازسنگ مرمر مشبك وبرای خروج‌آبهای »
« زیادی بوده که از دوناودان مطلای طرفین طالار روبطرف میدان‌شاه میریخته »
« است . منبع آب این حوض را دردامنه کوه صفه میدانند که از آنجا بعمارات »
« سلطنتی دنباله رودخانه مانند آینه خانه وهفت دست و غیره میرسیده و سپس »
« باین عمارت میآمده است . ولی ازنوشتجات سیاحان وغیره مخصوصاً بنا بگفته »
« شاردن چنین معلوم میشود که درجنب این‌کاخ نیزچاهی بوده که بوسیله چهار »
« گاو با دم مخصوصی آب بطبقات مختلفه میرسیده‌است، دربالای این‌تالاراشعاری »
« بشرح زیرموجود است که چند فرد آن نوشته میشود : »

« یاالله ـ ازپی امرشهنشاه باایمان ودین ـ یامحمد »
« داور دین‌پرور . . . امین ـ یا علی »
« کلب درگاه علی فخر شهان ـ یا الله »
« حامی دین جان سلطان زمان ـ یا محمد »

« زانکه آب رحمتست خاك بهشت ـ یا علی‌مدد »
« دست قدرت طینت گردون سرشت ـ یا الله »
« پایه ایوان کاخش بی‌حساب ـ یا محمد »
« باشد آن‌جائی که سرزد آفتاب ـ یامحمد یاعلی »
« منتظم باشد ازآن گردون مآب ـ یا الله »
« ران . . . همچو . . . انتخاب ـ یا محمد »
« روز بادا امیرالمؤمنین ـ یا علی »
« شاه دین شاه زمان سلطان حسین »
« یا الله . . . این سلیمان‌بن سلیمان بارگاه . »

« ازاره دیوارها تماماً ازنقاشیهای بسیارزیبا ومطلا تزیین‌شده بوده‌که الآن »
« نیز مشاهده میشود ودرقسمتهای بالا هم تصاویر متعدد ایرانی واروپائی موجود »
« استکه هر بیننده را مات ومتحیرمیسازد این‌نقاشیها دردوران هریك ازسلاطین »
« بطرزخاصی تعمیرونقاشی‌شده‌وبعد درزیرگچ مستورگردیده روی بعضی‌صورتهای »
« موجوده را درسال۱۳۲۸ ازطرف باستانشناسی شیشه نصب نمودند که ازدستبرد »
« وخرابکاری جهال محفوظ ماند ، ولی متأسفانه افراد مغرض ونادان از شکستن »
« شیشه‌ها وخرابی صورتها دریغ نداشته‌اند . »

« سقف این طالار ازتخته چوبهای مثلث‌الشکل و با رنگهای عالی منقش »
« تزیین‌گردیده استاطاق شاه‌نشین بمساحت ۷×۸×۹مترودرطرفین آن‌شش‌اطاق »
« کوچکتر ومنقش بنقاشیهای‌گوناگون‌که هریك دلپذیرتر از دیگری‌است واقع »
« شده وطول زمان وگچ‌کشی روی آنها کمترین تأثیری وتغییری درنقاشی وآب »
« ورنگ آنها نداده است . »

« در شاه‌نشین اطاق از ازاره ببالا همان نقاشی‌های عالی و قلم معجزآسای »
« نقاشان باایمان صفوی که بااستادی علیرضا وامثالهم ساخته شده بقدری زنده با »
« روح ومتناسب استکه هرقدرنگاه‌کنی غیرممکن است که دیده خسته ویاکسل »

« شود . هرقسمتی ازاین اطاقها وطاقچه‌ها نوعی مخصوص وبقلم نقاشان ایرانی و »
« اروپایی تزیین شده است . »

« اطراف این ایوان درقدیم نرده و طارمیهای چوبی مشبکی‌داشته است . »
« چوب‌بست روی ایوان که ازالوارهای قطور وچوبهای عظیم بااصول معماری و »
« هندسی کلاف‌کشی شده و سقف ایوان وستونها را استوارداشته موجب حیرت و »
« تعجب است . »

« درسال ۱۳۳۴ بنابرتصمیم اداره‌کل باستان‌شناسی تعمیرات لازمه سقف و »
« طره‌های اطراف بعمل آمده وشیروانی آهنی زده شده . در طبقه پنجم عمارت »
« اطاقها وایوانچه‌هائی است که همه از نقاشیهای بسیارزیبا وخوش آب ورنگ »
« نقاشی‌شده وچنانچه معروف‌است ومورخین نیز نوشته‌اند ازاین‌طبقه‌ببالا مسکن »
« حرمسرای شاهی بوده که مسلط برطالار وایوان شاهی باشند وبتوانند عملیات »
« وجشنها وپذیرائی‌های شاهانه را مشاهده نمایند . »

« درطبقه ششم که وارد شوید برحیرت وتعجب شما افزوده میشود ، زیرا »
« اطاقهای متعدد تودرتو و گچبریها و نقاشیهای حیرت‌انگیز مختلف را خواهید »
« دید که هرقسمتی بطرزخاصی جلوه‌گراست ازاره وبدنه این اطاقها وطاقچه‌ها »
« تماماً ازصور مختلفه زن ومرد ایرانی واروپائی بنوعی خاص نقاشی شده و در »
« بالا گچبریهای زیبائی مانند جای ظروف ویاباشکال هندسی ساخته‌اند . عده‌ای »
« را عقیده برآنستکه در زمان شاه‌عباس حبس‌الصوت بوده که وقتی نوازندگان »
« دست از نواختن میکشیدند مجدداً همان صدا و آواز بگوش میرسیده است ، »
« ودر کتب و نوشتجات نیز این اطاقها را بسفره‌خانه ویا شرابخانه ویا چینی‌خانه »
« نامیده‌اند . »

« طبقه هفتم عمارت یا سقف بام که بارتفاع ۴۸متر از روی زمین میباشد »
« مشرف برتمام‌شهراصفهان‌است ومنظره بی‌نهایت‌عالی وجالب توجهی را دربیننده »
« ایجاد میکند وبیشتر سیاحان و یا تماشاچیان آمدن به‌عالی‌قاپو را برای دیدن »

« منظره شهر اصفهان و نقاشیهای زیبای آن انتخاب مینمایند . ازبالای این کاخ »
« آثار تاریخی اصفهان در مشرق مانند بناهای دوره سلجوقی ومسجد سلطانی در »
« جنوب وطرف مغرب کوه آتشگاه ومدرسه سلطانی وسایر بناهای زیبای اصفهان »
« را میتوان بخوبی مشاهده وعکس برداری نمود . »

« منظره میدان شاه و مسجد زیبای شیخ لطف‌الله روح تازه‌ای بهر بیننده و »
« عاشق این ابنیه میدهد . درمغرب این کاخ عمارت شهربانی است که گنبدآجری »
« توحیدخانه یا گنبد طاوس دوره صفوی واقع شده ، این گنبد داخلش تزیینات »
« آجری زیبائی داردکه درزمان صفویه قابل توجه بوده واکنون زندان شهربانی »
« است وعوام آنرا گنبد شیرگویا مینامند . »

« این کاخ درزمان صفویه احترام خاصی داشته وتمام مردم درباره آن بچشم »
« احترام وبزرگواری نگاه میکردند وبتمام باغات وعمارات سلطنتی متصل بوده »
« است. شاه‌عباس جشن نوروزسال (۱۰۰۶ه ۱۵۹۸م) را برای اولین مرتبه دراینجا »
« برپا نمود و بعداز او نیز هریك ازسلاطین دراین قصر جشنهائی ترتیب داده و »
« پذیرائیهای شاهانه ازبزرگان وسفرای خارجی نموده وبرشکوه وجلال این قصر »
« افزوده‌اند، شاه‌عباس‌دوم وشاه‌سلیمان هریك پذیرائیهای مفصلی دراین کاخ نموده »
« که شرح تفصیلی آنها درتاریخ درج است . »

« درزمان شاه‌سلطان حسین نیزاین قصر تعمیر شده ودردوره افاغنه واواخر »
« قاجاریه خراب گردیده است . مطابق کتیبه سر در ورودی بر روی کاشی بسال »
« ۱۲۷۴ هجری درزمان ناصرالدین شاه قاجار تعمیر گردیده وبعداً متروك مانده »
« تا دردوره رضاشاه فقید تحت تعمیردرآمده ومدتی اداره شهرداری بوده واکنون »
« درتصرف وزارت فرهنگ واداره باستان‌شناسی محافظت میشود . »

« دراین پانزده‌سال اخیر که نگارنده عهده‌دار قسمتی ازامورباستان‌شناسی »
« میباشم بعلت نبودن اعتبار نمایندگان محترم باستان‌شناسی موفق نشدند کنجکاوی »
« بیشتری نسبت بنقاشیها ویا تاریخ وکتیبه‌های آن بنمایند، علاوه براین احتیاج »

« کاملی بتعمیر اطاقها وکلاف کشی اطراف وتعویض بعضی ستونهای معوج آن دارد، »
« زیرا شکافهای گوناگون براین بنای باستانی وارد گردیده وامید است بزودی »
« تعمیرات شایانی ازاین بعمل آید » .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع بوضع ساختمان عالی‌قاپو چنین نوشته است[1] :

« تالار عمارت عالی‌قاپو ازالحاقات دوره شاه‌عباس دوم است : »

« بطبقه سوم عمارت عالی‌قاپو در دوره شاه‌عباس دوم تالاری با ۱۸ ستون از »
« چوب چنار اضافه شده است که ستونهای آن باآینه پوشش میشده وسقف آن با »
« صفحات بزرگ نقاشی روی آلتهای چوبی تزیین شده . بایك‌نظر بساختمان این »
« تالار، الحاقی بودن آن بعمارت اصلی واضح میشود . دروسط این تالارحوضی از »
« مرمر ومس قراردارد که دارای فواره‌هائی بوده ودرمراسم مخصوص آب ازآنها »
« جستن‌میکرده (شاردن‌سیاح‌فرانسوی‌که دردوره سلطنت‌شاه‌عباس‌دوم وشاه‌سلیمان، »
« در اصفهان بوده و این عمارت را در سفرنامه خود توصیف کرده است صریحاً »
« مینویسدکه‌آب را بوسیله ماشینهای مخصوصی بالا میآوردند وبدیهی است‌آنچه »
« را که شاردن ماشین مینامد چیزی غیراز چرخ آبهای معمولی منازل اصفهان »
« نمیتواند باشد : مؤلف) اصولاً توجه بساختمان تالارها باحوض وجهش آب از »
« فواره یاشیرهای سنگی‌ازاختصاصات بناهای‌دوره شاه‌عباس ثانی‌است واین‌کیفیت، »
« درتالارچهلستون‌وتالار عمارت‌آئینه‌خانه‌که دردوره سلطنت این‌پادشاه باتمام‌رسیده، »
« به‌خوبی‌مشاهده میشود. دیوارهای تالارعمارت عالی‌قاپو بطوریکه عیان‌است‌دارای، »
« دوپوشش تزییناتی میباشدکه برروی‌هم قرارگرفته‌اند . پوشش زیرین تزیینات »
« عهد شاه‌عباس‌دوم است وپوشش بعدی تزیناتی است‌که بذوق وسلیقه شاه‌سلطان »
« حسین درتالاراین کاخ اضافه شده است. تزیینات نقاشی واشعاری بخط نستعلیق »
« قرمزرنگ‌برزمینه گچ‌سفید درزیرقشری ازگچ دیگرکه دراواخر عهدقاجاریه »

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۴۲۲ تا ص۴۲۶ .

« دو پوشش عهد صفوی را مستور نموده بوده است آسیب زیاد دیده معذلك در »
« بعضی قسمتها تشخیص این تزیینات وبعضی خطوط که درسنوات اخیراززیرگچ »
« خارج شده امکان‌پذیر شده است . »

« کلمات ومصرعهائی‌ازاشعارمنقوش بردیوارعمارت عالی‌قاپوکه ازتعمیرات »
« یااضافات دوره شاه‌سلطان‌حسین حکایت میکند وهنوز قابل خواندن‌است بشرح »
« زیر میباشد : »

« یاالله ..... شهنشاه دین(یامحمد) داور دین‌پرور ایران‌زمین(یاعلی‌مدد)،
«کلب درگاه علی فخرشهان(یاالله) حامی دین نبی .... (یامحمد) آنکه زآب »
« رحمت وخاك بهشت(یاعلی‌مدد) دست‌قدرت طینت‌گردون سرشت(یاالله) پایه»
« ایوان قدرش بی‌حجاب (یا محمد) باشد آنجائیکه سرزد آفتاب (یا علی‌مدد) »
« منتظم باشد از آن‌گردون مآب(یاالله) ....ملت همچون‌آن جناب (یامحمد).... »
« (یاعلی‌مدد) شاه‌دین‌شاه‌زمان سلطان‌حسین(یاالله) بن‌سلیمان این‌سلطان‌بارگاه »
« اشعارمحمدبیك فرصت راجع بساختمان ایوان عالی‌قاپو:(بنقل ازقصص‌الخاقانی »
«خطی): درسال۱۰۵۳ هجری شاه‌عباس ثانی‌بمیرزا تقی‌الدین محمد وزیراعظم‌خود»
« دستورداد معماران عالی‌قدردرعمارت عالی‌قاپو روبطرف میدان‌نقش‌جهان تالاری »
« بنا نمایند وروز پنجشنبه بیست‌وچهارم شهرذی‌القعده سال ۱۰۵۳ بنای این‌تالار »
« گذاشته شد ودر عرض اندك مدتی باتمام رسید . شاعری موسوم به محمدی‌بیك »
« متخلص به (فرصت) که توپچی سرکار شاهی بود درتاریخ بنای تالار این اشعار »
« را سروده است : »

« ای معلا بنای عرش نظام — وی فلك کرسی فرشته مقام »
« سربسر عالم از تو گلشن شد — از تو چشم زمانه روشن شد »
« گرچه فرزند مادر خاکی — خلف خاندان افلاکی »
« تا زمین از تو یك نشان دارد — سرفرازی برآسمان دارد »
« آسمان از بلندیت شده پست — تا تو برخاستی سپهر نشست »

« گر فرو ریزد آسمان برهم نشود خشتی از بنای توکم »
« چل ستون تو چهلستون باشد که مدامت نگاه بآن باشد »
« هرستونی که ازتوپای بجاست فلك پیر را بدست عصاست »
« هر ستون تو ای رفیع بنای شده راهی بعالم بالای »
« طرحش ازگرد نور ریخته‌اند در گچ او ستاره بیخته‌اند »
« آسمان با مهی در افشانش کهنه فانوسی از شبستانش »
« بهر دیوان آن سپهربنا زحل افکنده خشت بربالا »
« حسن خورشید بام دیوارش من ندانم که بوده معمارش »
« سقف اورا چه‌جای زیور بود قبه زر بسی مکرر بود »
« نصب کرد آخر اوستاد هنر مهر انور بجای قبه زر »
« زده آن طارم فلك پایه آسمان را بسر گل سایه »
« سقف تالار آن رفیع بنا بر سر عرش گشته چتر گشا »
« تا فلك دیده سرفرازی او خوانده تکبیر جان درازی او »
« روی طاقش ز فیض یزدانی چون کریمان گشاده پیشانی »
« در و دیوارش از کرشمه نگار گل تصویر او همیشه بهار »
« بلبلان خمش بناله زار میسرایند بر در و دیوار »
« مرغ تصویرش ار نظاره کند گل گریبان رنگ پاره کند »
« نیست ممکن که هیچ دانائی بخیال آورد چنین جائی »
« دم عیسی هوای منظر او لوح تقدیر تختهٔ در او »
« بت چنین‌است نقش‌خاك درش در فردوس سینه چاك درش »
« دیده کی بیند از نظر سیرش دل گرفتار زلف زنجیرش »
« بارها خورده آسمان بلند بسر آستانه‌اش سوگند »
« که برون ازتلاش گفت وشنید کس چنین نقش‌بی‌قرینه ندید »
« هست دروصف او زبان مغرور شاه بیت است درجهان مشهور »

« الواحی از کاشی بر جبهه شرقی عمارت عالی قاپو از تعمیرات دوره ناصر الدین شاه »
« قاجار حکایت میکند چهار جانب عمارت عالی قاپو در دوران پادشاهی شاه عباس اول »
« وشاه عباس دوم با کاشیهای خشتی خوش نقش تزیین شده بود که توأم با درها و پنجره های »
« نفیس آن منظره ای بس جالب باین عمارت تاریخی میداده است و موجب نهایت »
« تأسف است که از آن همه در و پنجره فقط یك پنجره در طبقه سوم عمارت برجای »
« مانده و بقیه آنها بتاراج رفته است . در دوره سلطنت ناصر الدین شاه قاجار که »
« مختصر توجهی نسبت بتعمیر بعضی بناهای تاریخی اصفهان شده در عمارت عالی قاپو »
« هم ظاهر آکارهائی صورت گرفته که بطور حتم تعویض طره های فوقانی عمارت یکی »
« از آن جمله کارها است و باین مناسبت بجای کاشی های خشتی گل و برگ عهد »
« صفویه بر جبهه بالای سر در ورودی فعلی کاشیهای دیگری که در بین آنها سه لوح »
« خط نیز جای داده شده قرارداده اند. عبارت این سه لوح اشعاری است که شاعری »
« بنام کفاش سروده وضمن تعمیرات سال ۱۲۷۴ هجری قمری بخط تستعلیق سفید »
« درهم بر زمینه لاجوردی بجای کاشیهای عهد صفویه نصب شده است .

« عبارات واشعار لوح وسط این کاشیکاری بشرح زیر است : »

« هوالله »

« ناصر الدین شاه قاجار »

« درزمان ناصر الدین شاه قیصر پاسبان شد ز تعمیر علی قاپی جهان رشك جنان »
« باده دولت بجامش تا در آید آفتاب سکه شاهی بنامش تا بگردد آسمان »

« السلطان بن السلطان »

« ۱۲۷۴ »

« لوح سمت راست : »

« دلا تاریخ تعمیر علی قاپی است این انشاء
که شد از ناصر الدین شاه این نیکو بنا احیاء »

« ناظمه کفاش »

« لوح سمت چپ بشرح زیراست : »

« تا علی در عالم امکان ولی‌الله باد صدراعظم درپناه ناصرالدین‌شاه‌باد »

درفهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران[۱]. نیز تأییدگردیده‌که‌عمارت عالی‌قاپو در سال ۱۲۷۴ هجری قمری تعمیرگردیده است و حاج میرزا حسن‌خان جابری انصاری درکتاب آگهی شهان از کارجهان تاریخ تعمیر را سال ۱۲۷۲ نوشته است[۲] .

دراشعاری که کفاش اصفهانی برای تعمیر علی‌قاپو در زمان ناصرالدین شاه سروده تاریخ تعمیرکه درشعر گفته شده با تاریخی که در ذیل اشعار نوشته شده و نیز با تاریخ مرقوم درآگهی شهان ازکارجهان مطابقتی ندارد .

تاریخی که صراحةً در ذیل السلطان‌بن‌السلطان نوشته شده : ۱۲۷۴ میباشد وتاریخی که ازشعر ماده تاریخ کفاش برمیآید : که شد از ناصرالدین‌شاه این‌نیکو بنا احیا یکهزارو دویست وهشتادونه میباشد واگر فرض کنیم‌که لفظ‌که‌که عددآن بحروف جمل ۲۵ است جزء تاریخ نباشد میشود : ۱۲۷۴ وبا تاریخ تصریح شده در کتیبه مطابقت دارد و قسمت دوم درست بنظر میرسد و ممکن است گفت که تاریخ مندرج درآگهی شهان ازکارجهان تاریخ شروع تعمیربوده است .

در هرحال درسال (۱۲۹۹ ه.ق) ممیز مالیه اصفهان عمارت عالی‌قاپو را جزء عمارات نیمه خراب قلمداد کرده ودرمجله ارمغان سال اول شماره ۹۶۸ صفحه ۵۹ مندرج میباشد .

آنچه مسلم است بعداز ناصرالدین‌شاه توجهی که بعمارت عالی‌قاپو نشده‌که هیچ حتی‌المقدورحکام وقت درصدد خرابی وبرداشتن آثارعتیقه آن بوده‌اند وحتی آثار گذشتگان را محو میکرده‌اند و از همین‌جهت بوده که روی نقاشیها را گچ میگرفته‌اند .

۱ــ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ازص۴۹ تا ص۵۰.

۲ــ آگهی‌شهان ازکارجهان ج۳ ص۶۳ .

نگارنده بخاطردارم پیش‌ازطلوع سلسله پهلوی این عمارت‌گردشگاه عمومی بود وهرکسی بسلیقه خود میتوانست درآنجا تصرفاتی کند و یا یادگاری بنویسد و آنجا محل آش‌پختن ودخیل بستن شده بود ودرواقع خرابه وجغدنشین بود .

ولی پس از طلوع سلسله پهلوی روزبروز موجبات تعمیر و حفظ اینگونه عمارات با تصویب قانون عتیقات وتأسیس‌ادارات وابسته بآن فراهم گردید واکنون این کاخ تاریخی ودیگرابنیه باستانی تقریباً بحال اول برگردانیده شده‌اند. عمارت عالی‌قاپواکنون موردتعمیرات اساسی وتزیینی ومهارکشی‌آهنی بناواصلاح‌نقاشیهای داخل ساختمان وتجدید کاشیکاری جبهه خارجی و پشت بغلهای آن میباشد. کاخ مزبور درطی شماره ۱۰۴ بەثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۴ ـ تالار اشرف :

این تالار در مغرب خیابان سوراسرافیل اصفهان چند قدم پائین‌تر از تالار تیموری وباغ کاج وعمارت محل سکونت استانداری اصفهان واقع ومحل سکونت اداره‌کل آموزش وپرورش استان اصفهان است .

اصل ساختمان این تالار از احداثات شاه‌عباس دوم است و شاه‌سلیمان درآن درسال(۱۰۸۸ ه.ق) تاجگذاری کرده است . (ش۳۰)

در وجه تسمیه آن به‌تالار اشرف وجوهی ذکر کرده‌اند : بعضی گفته‌اند که این تالار را اشرف افغان ساخته و برخی پنداشته‌اند که چون اشرف درآن اقامت داشته بنام اومعروف گردیده است وکسانی هم گفته‌اند چون عمارت این تالارمتصل به تالار طویله واشرف برسایرعمارات بوده باین نامش نامیده‌اند ولی‌بنظرنگارنده هیچکدام ازاین وجوه درست نیست . (ش۳۱)

ممکن است گفت این تالار ازقصراشرف مازندران اقتباس شده یعنی‌ازلحاظ ساختمان مناسبتی داشته ولذا بنام تالاراشرف معروف شده است یا اینکه چون در زمان شاه‌عباس‌بشاه، خطاب اشرف میکردند و شاید چون جای او ویا جانشینانش

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۹ .



(شکل ۳۰)

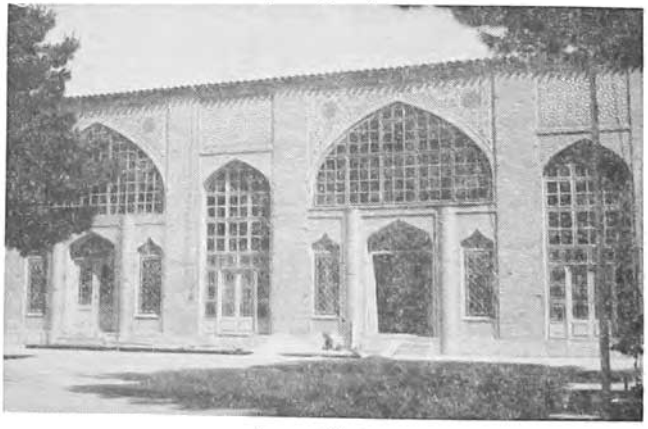

(شکل ۳۱)

بوده باین‌نام خوانده‌اند راجع بوضع ساختمان وبنای این تالاره‌شرحی راکه مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته[1] . عیناً نقل میشود :

« این عمارت مشتمل برسه قسمت وروبطرف جنوب ساخته‌شده وتالاراصلی ،
« به مساحت ۱۴×۱۴مترو بارتفاع ۱۱مترداراى سقفهای ضربی ونقوش طلائی و ،
« گچبریها وگل وبوته‌های لاجورد وزیبا است درچهارطرف تالار چهارشاه‌نشین و ،
« بالاخانه‌های کوچك به اطراف دارد ، سقفش دارای مقرنس‌کاری‌های رنگین و ،
« مخصوصی است که درهیچیك از ابنیه دوره صفوی نظیر ندارد ودرطرفین تالار ،
« دواطاق مجلل دیگری است که سقفشان طلاکاری ودیوارهای اطراف منقش به ،
« نقوش زیبا وعالی است بخصوص اطاق سمت شرقی‌که دفتر ریاست فرهنگ‌است ،
« بقدری نقاشیهایش دلچسب وقشنگ است که بی‌اندازه جلب توجه مینماید . ،
« این‌کاخ نیزخرابی بسیاردید، مدتی انبارعلوفه وزمانی سربازخانه بوده وقسمتی ،
« ازنقاشیهای نفیس آن از بین رفته بود تا در زمان رضاشاه فقید این نقاشیها و ،
« گچبریها بوسیله باستان‌شناسی اززیرگچ بیرون آورده شد و بطرز پسندیده‌ای ،
« تعمیرودروپنجره‌هائی بسبك قدیم برآن نصب‌گردید. دروسط این‌عمارت‌حوضی ،
« مستطیل‌شکل بزرگی است که درچهارطرف‌آن چهارباغچه مشجراحداث شده ،
« ودرزوایای‌عمارت، ساختمانهای جدیدی‌برای نیازمندیهای اداره فرهنگ‌استان ،
« دهم درسنوات اخیربعمل‌آمده است . »

« درشمال غربی عمارت‌زمین مسطح وسیعی است‌که باقیمانده عمارت‌صدربه ،
« ومتصل بباغ چهلستون میباشد . این عمارت از طرف مشرق بوسیله طارمیهای ،
« چوبی بخیابان صوراسرافیل متصل است . »

« دانشمند محترم جناب‌آقای مصطفوی رئیس‌اداره‌کل باستان‌شناسی‌شرح ،
« مفصلی راجع به‌ابنیه تاریخی واین عمارت مرقوم فرموده و تحویل آنرا باداره ،
« فرهنگ در ۲۳خرداد سنه ۱۳۰۶ ذکر فرموده‌اند .

---

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۷۴ تا ص۷۶ .

نگارنده درحدود سالهای ۱۳۰۸و۱۳۰۹شمسی بخاطردارم که هنگام خرابی و تعمیر محل کنونی اداره‌آموزش و پرورش استان اصفهان طلاکاریهائی از زیرگچ بیرون آمد وروی همین زمینه‌گچ اطاقهای دیگررا نیز برداشتند تانقاشیهای طلائی خارج‌گردید. مؤلف دانشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان چنین نوشته است[۱] :

(ش۳۲)

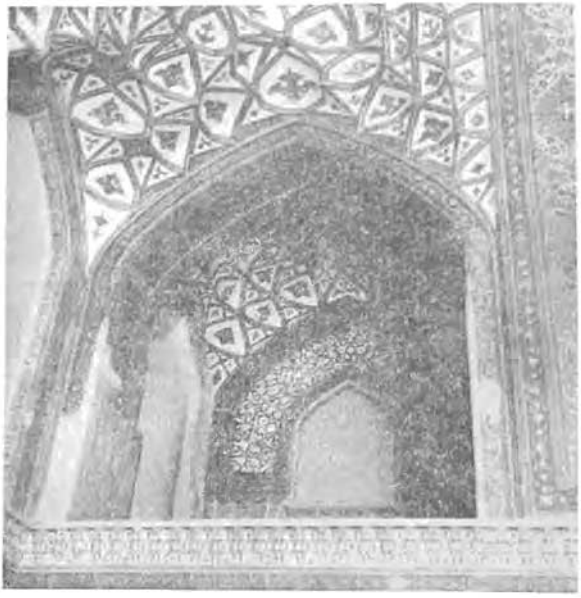

(شکل ۳۲)

« این بنا مجموعه‌ای ازاطاقها وتالارهای مزین وطلاکاری است وبه‌منظور »
« سکونت پادشاه و حرم سلطنتی از آن استفاده میشده است . خوشبختانه تالار »
« مرکزی این‌کاخ ویکی ازاطاقهای بزرگ‌آن برجای مانده‌است وعمده تزیینات »

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۸۱ .

« اصلی آنها باقی‌مانده ودرتالار دیگری نیز قسمتهای کمی ازتزیینات باقی‌است، »
« اطاق وتالار اصلی بسیارمجلل است وگچبریهای برجسته لاجوردی و طلاکاری »
« دارد . طاقهای آن بلند واز مقرنسهای زیبای طلاکاری پوشیده شده است . زیر »
« مقرنسها هم با صفحات بزرگ‌گچبری و طلاکاری تزیین شده ودر تالار مرکزی، »
« ترنج‌وسط اطاق‌که طلائی خالص است جلب‌توجه میکند،کلیه درها وپنجره‌های »
« این‌عمارت بسمت جنوب بازمیشده ولی باکمال تأسف حتی‌نمونه‌ای ازآنها باقی »
« نمانده است . » (ش۳۳)

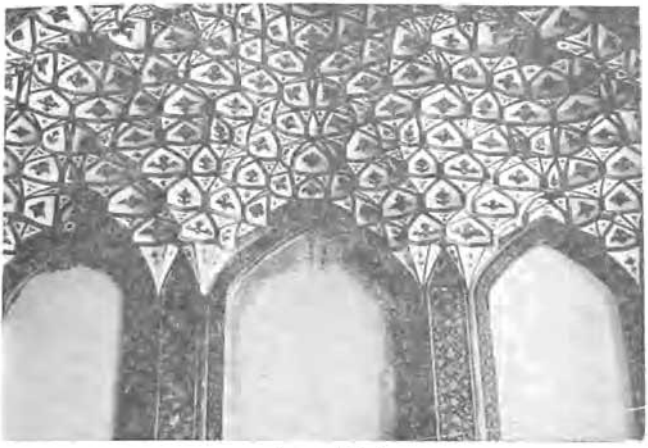

(شکل ۳۳)

حاج میرزا حسنخان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری چنین نوشته است[1] :

« عمارت اشرف نیز دستگاهی و نقشهائی شگرف داشت ، چنداطاق سمت »
« مغرب واطاقهای قبلی و ۱۳۰۸ که ظل‌السلطان میرزا حبیب‌الله‌خان مشیرالملك »
« انصاری را چندماهی درآنجا محبوس داشت شرحش را درآگهی شهان نوشته‌ام، »
(ش۳۴)

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۱ .

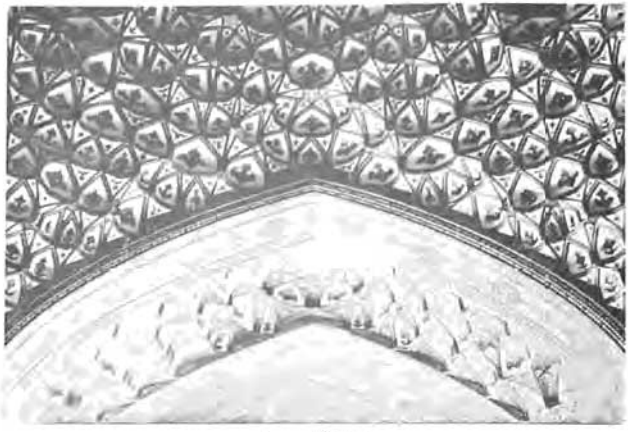

(شکل ۳۴)

« دوماهی هر روز بنده تماشای نقاشی استادانه اطاقها را میکردم و نقاشان استاد »
« میآمدند ازروی آن نقاشیها نقشه برمیداشتند وباصطلاح خود (گرته) میگرفتند »
« ازگچبریهای ممتازبی‌انبازش بشکل درختان ومرغان . امروزه درب آن عمارت »
« در خیابان تقاطعی میان خیابان دروازه دولت و خورشید باز میشود . و بعضی »
« عمارت اشرف را میگویند همان زمان صفویه که ساختند این نام گذاردند، از »
« چنداطاق که پس‌از عزل ظل‌السلطان در عمارت اشرف‌که باقی بود میرزا محمد »
« دستجردی نظام‌الاسلام‌آقای حاج‌آقا نورالله را اغفال‌کرد وویران نمود، بعد جلو»
«گرفتند .» (ش ۳۵)

درجای دیگر آن کتاب دروجه انتساب این عمارت به‌اشرف چنین گفته که چون اشرف دراین کاخ جلوس میکرده بنام اومعروف شده مانند عمارت صدری‌که مربوط بدوره صفویه بوده و در اثر اقامت صدر اصفهانی درآن بدیوانخانه صدری معروف گردیده است[۱] . خرابی عمارت اشرف در (۱۳۱۷ ه.ق) اتفاق افتاد[۲] . و

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۰ . ۲ــ آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۱۱۳.

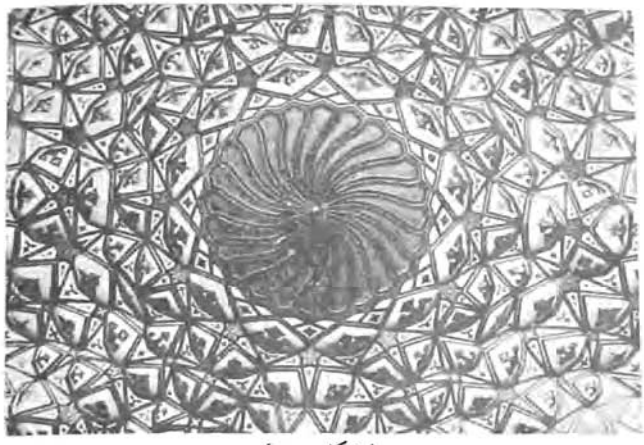

(شکل ۳۵)

فقط قسمتی از آن باقی ماند که شرح آن داده شد . این اثر باستانی زیر شماره ۱۰۶ به ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۵ ـ تالار تیموری = عمارت تیموری :

در طرف جنوب خیابان صوراسرافیل که بخیابان استانداری نیز شهرت دارد عمارت تیموری واقع گردیده ومعروف اینستکه این تالار و عمارت یا از احداثات تیمورلنگ ویا ازعماراتی است که درآن جلوس کرده است و در هرحال بنای آن مربوط بدوره تیموریان است .

این تالار دارای سقفهای آجری مقرنس است که با رنگهای لاجوردی و طلائی ساخته شده و آثارگچبریهای جالب و خیره‌کننده درآن باقی است ، وپس ازاینکه مقرباشگاه افسران قرارگرفت از روی مینیاتورهای کاخ چهلستون تابلوهائی درآن اضافه گردیده است . (ش۳۶)

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع باین تالار تاریخی شرحی مختصر

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص۵۶ .

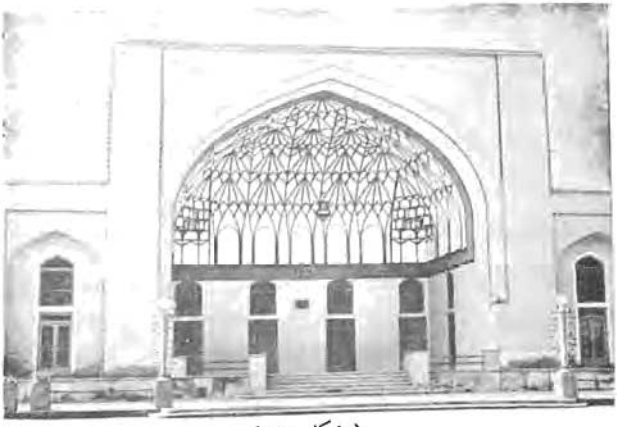

(شکل ۳۶)

وجامع نوشته که عیناً درج میگردد[۱] :

« این بنا ازآثار زمان تیمورلنگ است که پس‌ازقشونکشی بایران وقتل »
« وغارتی که نمود ازلحاظ ذوق هنری که داشت دستور ساختمان این بنای رفیع »
«را درمجاورت‌باغ نقش‌جهان‌که ازآثارسلاجقه باقی‌بوده‌داده وبدستوراووسرپرستی»
« وسعی شاهرخ‌بن تیمور این بنا بصورت بسیارزیبائی ساختمان گردید . »

« این بنا درحال حاضر دارای دواطاق بزرگ (سالن) وسیعی است که جلو »
« آنرا ایوان وسیع ومرتفعی فراگرفته . دراطراف‌آن چندین اطاق تودرتومتصل »
« بیکدیگر میباشد . »

« این اطاقها وایوانهای اطراف که حالا جلو ایوان جنوبی آن بسته شده »
« دارای سقفهای مقرنس آجری است که بارنگهای لاجورد وطلائین ساخته شده »
« بود ودرقسمتهای بالا نیزگچبریهائی بوده که اکنون نیزآثارش نمایان است این »
« عمارت پنجره‌های گچبری بسیار ریز وقشنگی داشته است . »

---

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۶۸ .

« درجلواین تالار رو بطرف مشرق حوضهای آبی وجود داشته که دردوره »
« صفویه بنام چهارحوض مشهور بوده ودرسنوات اخیرخراب وقسمتی‌ازآن جزو »
« خیابان وبانك ملی شده ، این بنای تاریخی قبل‌ازدوران پهلوی بایر وخرابیهای »
« بسیاردید ، ومدتی نیز کتابخانه وقرائت‌خانه شهرداری ومحل انجمن شهربوده »
« است . »

« درابتدای سلطنت رضاشاه فقید زمانی که سرلشکر فیروز دراصفهان بود »
« تعمیراتی ازاین عمارت و چهلستون بعمل آورد سپس در سال ۱۳۲۷ سرلشکر »
« معتضدی فرمانده لشکر اصفهان با همکاری مالی عده‌ای ازمدیران کارخانجات و »
« تجار وهنرمندان ومهندسین اصفهان تعمیرات شایان وقابل توجهی دراین‌عمارت »
« نموده وآنرا محل باشگاه افسران قرارداد ودرموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی‌باصفهان جهت‌کلنگ‌زدن تونل‌کوهرنگ این باشگاه نیزبدست شاهانه »
« درمهرماه۱۳۲۷ شمسی‌رسماً افتتاح‌گردید. سپس سرلشکرمعتضدی ازسال۱۳۳۰ »
« بایك عشق وعلاقه خاص وذوق سرشاری برزیبائی وتکمیل این عمارت تاریخی »
« افزود و بخصوص قسمت غرب عمارت را که رو بانهدام میرفت با ساختن بنای »
« جدیدی درپشت آن موجب استحکام واستواری بنای قدیم ورفع حوائج باشگاه »
« را ازحیث اطاق کافی فراهم ساخت ، چنانچه درموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی باصفهان درمهرماه ۱۳۳۲ باشگاه ازهرحیث با وسائل شایسته وشاهانه »
« بطوری آراسته ومجهزبودکه درتمام مدت دراین کاخ بسربردند . بربدنه دیوار »
« ایوان شرقی عمارت این عبارت برسنگ لوح مرمری نوشته شده است : »

« درعهد سلطنت اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی ومساعی تیمسار سرلشکر »
« نصرت‌الله‌معتضدی فرمانده لشکراصفهان عمارت باستانی تیموری تعمیروباشگاه »
« افسران تأسیس گردید مهر۱۳۲۷ . »

درجنوب عمارت سنگابی است که دراطراف آن این اشعار نقش شده است:

یافت توفیق ز رب متعال　　باغبان شه دارین کمال

کرد آراسته جامی ز رخام | که شود بهره‌ور از کوثر و جام
تا خورد آب از او تشنه لبی | گردد آمرزش او را سببی
چون شد از آب بقا مالامال | «باغبان» گشت سنه جام کمال
۱۰۵۶

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان فرد آخر اشعار نوشته شده : باغبان گشت بسر حد کمال و بدیهی است که اشتباه خوانده شده است، بعلاوه کلمه (باغبان) بحروف جمل مساوی ۱۰۵۶ است درصورتیکه درکتاب مزبور ۱۰۵۹ ثبت شده‌است .

این اثر باستانی درجریان ثبت تاریخی است[۱] .

۶ ـ سردرقیصریه :

درمقابل مسجدشاه درشمال میدان‌شاه اصفهان سردری هلالی‌شکل باکاشیکاری مجلل وبا شکوهی پدیدار است که ازآنجا داخل بازار قیصریه میشوند .

این سردر بامر شاه‌عباس بزرگ درسال (۱۰۱۱ هـ.ق) از روی سردر قیصریه آسیای صغیرساخته شده وچون درقدیم‌الایام‌عموم مردم بخصوص سلاطین‌وپادشاهان باوضاع کواکب توجه داشتند ساختمانها را نیز در ساعات میمون و اقترانات سعد بنا میکردند وگویا هنگام شروع بساختمان این بنا طالع دربرج قوس بوده است و ازاینرودربالای سردربرج قوس را که ازستاره‌هائی تشکیل میشود که پیکره‌کمان را نشان میدهد ترسیم وانسان نیم‌تنه‌ای که نیم‌تنه دیگرآن بصورت‌حیوان‌درنده‌ای است با دردست داشتن تیروکمان نقاشی کرده‌اند ودروسط این سردر نقش خورشید با طرزی جالب وعالی مشاهده میشود . (ش۳۷)

درداخل این سردرنقاشیهای بسیارزیبا وجود داردکه دراثرمرورزمان خراب وازبین رفته وآن تصویر یکی از جنگهای شاه‌عباس بزرگ با ازبکها میباشد . در بالا وپائین سمت راست تصاویری از مردان وزنان اروپائی درحال عشرت نمودار و طرف چپ شکارگاه است . درقسمت بالا روبرو دریچه‌ای است که درقدیم‌جای‌ساعت

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۱ .



(شکل ۳۷)

بزرگی بوده و در اوقات روز زنگهائی میزده و پاندولش موجب حرکات و بازیهای گوناگون باشکال منقش مانند پرندگان و حیوانات که از چوب نقاشی شده بود میگردید . وگفته‌اند که دربالای آن‌ساعت ناقوسی وجود داشته‌که ازدیر هرمزشاه آورده بود[۱] .

طرفین سردر قیصریه سکوهای وسیعی ازسنگ یشم وسماق نصب شده‌است، درقدیم جواهرفروشان وزرگران بساط خودرا روی‌آنها گسترده و متاعهای خود را بفروش میرسانیدند . درجبهه چپ سردر منظره شکار دسته جمعی‌شاه‌عباس ونیز تصویر جوانی‌را نشان میدهد .

درطرفین سردر نقاره خانه‌ای وجود داشته‌که تا این‌اواخر در ایوانهای آن هنگام غروب و طلوع آفتاب چنانچه مرسوم بود نقاره مینواختند ، نگارنده بیاد دارم‌که در سالهای تا ۱۳۰۷ شمسی این عمل انجام میشد . در حجرات و ایوانهای نقاره‌خانه نقاشیها وگچبریهای عالی مانند تزیینات طبقه ششم عالی‌قاپو وجود داشت که در۱۳۰۷ شمسی از میان رفت و تزیینات جدیدی انجام دادند .

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۸۶ .

هنگامی که عابران وارد سردر میشوند داخل بازار قیصریه میگردند، این بازار از بناهای شاه عباس بزرگ است که در زمان قدیم گران بهاترین پارچه‌های زربفت را در آنجا میفروخته‌اند. نمایندگان تجارخارجی نیز در این بازار حجره‌هائی داشتند.

بازارمزبورکه ببازار شاهی نیز شهرت دارد از سردر قیصریه شروع وببازار چیت‌سازهاوازآنجاببازار دارالشفاء منتهی میشود وامروزمحل فروش بهترین قلمکارها وکارهای دستی اصفهان است. دراین بازار محلی بنام ضرابخانه معروف شاهی وجود دارد و سرای معروف شاه نیز دراین بازار واقع است.

چهارسوی ضرابخانه که مانند آن نه دراصفهان و نه درایران وجود دارد و چهارسوی بازار چیت‌سازها درجنب دارالشفاء دراین بازار واقع است. تیمچه‌های جهانگیر وشله نیز درهمین بازار است. بازار سماورسازهای کنونی که در قدیم به بازار مثقالی‌فروشها موسوم بوده دارای چهارسوی بی‌نظیری است مسمی به‌چهارسو کرباس فروشهاکه حوضی بسبك صفوی دروسط آن میباشد وبوسیله بازارکوچکی به چهارسوی چیت‌سازها متصل میشود.

این‌که این بازار را مثقالی فروشها میگفته‌اند از این‌رو بوده‌که پارچه های گران‌بها و زربفت‌را درآن بازار مثقالی میفروخته‌اند. از بازارهای متصل ببازار قیصریه است بازار زرگر هاکه بامر شاه‌عباس و بوسیله محبعلی للهبیك بنا گردیده است، این بازار از چهارسوی کرباس فروشها ببازار قهوه کاشیها منتهی میشود، در وسط آن چهارسوی زیبائی قرار دارد و انشعاب آن بازاری است‌که به دارالشفاء منتهی میشود.

دارالشفاء نام تاریخی بیمارستان بسیاربزرگ شاهی است که در عهد صفویه وجود داشته واکنون قسمتی از زمین ویرانه‌آن بصورت مسجدی‌کوچك بنام‌مسجد دارالشفاء بناشده ومعروف است.

بازار دیگر بازار تفنگسازها میباشدکه ازمبانی دوره شاه‌عباس بزرگ است. بازار مزبور ازدر سرای مخلص‌ببازار سماورسازها منتهی میشود، و بازار منشعب

از آن چخماق سازها نام دارد ، این دو بازار را زمانی بنام بازار شمشیرگرها میخواندند[۱]

تاریخ قطعی ساختمان سردرمذکورمعلوم نیست آنچه مسلم است درسال۱۰۱۴ که شاه عباس بازار قیصریه وتمام بازارهای اطراف میدان نقش‌جهان وکاروانسرا و حمام نزدیك میدان از ساخته‌های خود را وقف بر پیغمبر اسلام نموده و صورت وقفنامه آن درکتاب قصص الخانانی ضبط شده[۲] سردرقیصریه‌هم ساخته شده بوده است ولی این نکته با آنچه در آثار ایران گفته شده[۳] که تاریخ اتمام ساختمان سردر قیصریه سال (۱۰۲۶ هـ . ق) است مطابقت ندارد ، مگر این‌که گفته شود تزیینات ونقاشیهای آن در سال (۱۰۲۶ هـ . ق) انجام یافته است .

در گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان در باره کتیبه سردر قیصریه چنین نوشته شده است :[۴]

« بین‌نقاشیهای‌جبهه های سه‌گانه سردر قیصریه وپشت بغلهای‌کاشیکاری عهد، « صفویه در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار بدستور ظل‌السلطان حکمران ، « اصفهان یك حاشیه کاشیکاری در امتداد سه جانب سردر و بعرض سی‌سانتیمتر ، « به‌تزیینات این‌سردر اضافه شده‌است وباین‌مناسبت‌کتیبه‌ای نیز نصب شده‌که بخط ، « نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی بشرح زیر است : »

« در عهد دولت وزمان وسلطنت اقتدار سلطان الاعظم و الخاقان الاکرم ، ، « اعدل‌الخواقین‌واکرم‌السلاطین اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاه جمجاه پادشاه‌اسلام، « پناه السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان ابو... خسرو ، « صاحب قران ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه برحسب امرقدر قدر، « مبارك حضرت سپهر رفعت اقدس اشرف امجد ارفع والا شاهنشاه زاده اعظم ، « ظل‌السلطان حکمران و فرمانفرمای ایالات اصفهان وفارس رعراق وعربستان و،

۱ــ بنقل‌ازبخشی ازگنجیه آثارملی صفحات ۱۹و۲۵و۲۷.
۲ــ زندگانی‌شاه عباس‌اول ج۳ ص۲۱ .
۳ــ آثار ایران ج۲ ص۲۹ .
۴ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۶ تا ص۴۶۷

« لرستان ویزد ومضافات بسرکاری واهتمام‌مقرب‌الخاقان میرزا نصرالله‌خان‌مستوفی»
« مخصوص صورت اتمام وسمت انجام پذیرفت کتبه المنتسب بسیادة‌القرشی‌چاکر»
« درگاه اسدالله‌الحسینی‌القرشی سنه ۱۲۹۸ » .

« و در وسط این حاشیه‌کاری در جانب غربی سردر بخط نستعلیق آبی »
« برزمینه کاشی سفید نوشته شده : »

« بسعی مقرب‌الحضرة‌الوالا مصطفی قلیخان فراشباشی باتمام رسید . »
« ودرانتهای‌این‌حاشیه‌کاشیکاری بخط نستعلیق آبی برزمینه سفیدنوشته‌شده:»
« عمل‌کمترین آقاجان فخار سنه ۱۲۹۸ . »
« خطوط بنائی درطرفین جلوخان سردر قیصریه : »
« برجرزهای طرفین مدخل بازارقنادهادرسمت راست سردر قیصریه وبازار»
« کفاش‌ها در سمت چپ سردر دو شکل مربع بخط بنائی لاجوردی رنگ معرق »
« برزمینه آجری دو بیت شعر بشرح ذیل منقوش است : »

« غرض نقشی‌است‌کزما باز ماند — که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگرصاحب‌دلی روزی‌برحمت — کند در کار مسکینان دعائی »

درکتاب‌تاریخچه ابنیه‌تاریخی‌اصفهان راجع‌ببازار قیصریه‌چنین‌نوشته‌است:[۱]

« در عقب سردر بازار شاهی مشهور به «قیصریه » است‌که در سال ۱۰۲۹ه »
« ۱۶۱۹م دربرابرقیصریه رم ساختمان‌گردیده. این‌بازار بزرگترین وباشکوهترین»
« بازارهای اصفهان بوده است ، دروسط‌بازار محوطه بزرگ مدور شکلی است که»
« گنبد زیبای بلندی دارد و درطرف مغرب‌کاروانسرای با شکوه شاهی‌که دوطبقه»
« ودارای تقریباً ۱۵۰ حجره است قرار دارد ، درمشرق بازار ضرابخانه بوده‌که »
« حالاتجارتخانه می‌باشد ، دراین بازارمانند قدیم پارچه‌های‌گوناگون وقلمکارهای»
« اصفهانی وغیره بفروش میرسد . »
« درجلو این‌سردر درقدیم‌حوض‌آب بسیار بزرگی وجود داشت وچهاربازار»

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۸۶ و۸۷

« شاهی نیز همین جلوخان شروع میشده که فعلاً بجای حوض قدیمی گلکاری ،
« وحوض کوچك دیگری ازطرف شهرداری ساخته شده ونسبة قابل توجه است . ،
« دربالای سردر قیصریه روی‌کاشی بخط نستعلیق نوشته شده که : »

« درزمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وحکمرانی ظل‌السلطان بسرکاری ،
« میرزا نصرالله خان مستوفی بسال ۱۲۱۸[۱] تعمیر بعمل‌آمده و برای نگهداری ،
« این‌سردر تاریخی تا این‌سال توجهی بعمل نیامده و نقاشیهای‌آن ازبین رفته و ،
« بداخله‌آن نیز خرابی وارد شده اکنون باستان شناسی درنظر دارد تا حد امکان ،
« تعمیرات آنرا بنماید . »

مجموعه سر در و بازار و نقاره‌خانه طی شماره ۱۰۳ بثبت تاریخی رسیده است .[۲]

ی ـ بازارها

بطوریکه در قسمت بازارهائی‌که سابقاً وجود داشته وازمیان رفته است‌گفته شد دراصفهان بازار ازقدیم الایام وجود داشته است ویك‌یك ازبازارهای ویران‌شده نیزدرجای خود بیان‌گردید .

بازارهائی‌که بیشترآن ازساختمان سلاطین وبخصوص سلاطین صفویه است ووجود دارد بقراری است‌که درپائین‌مینگارد:

۱ـ بازار قیصریه :

شرح این‌بازار وانشعابات آن درسردر قیصریه تشریح‌گردید و نیازی باعاده آن نیست .

۲ـ بازار گلشن یاجارچی :

این‌بازار از چهار سوی قلندرها تا محل دروازه اشرف امتداد دارد واز ساختمانهای عصر صفوی است .

۱ـ درمتن کتاب ۱۲۱۸ نوشته شده ولی این‌تاریخ اشتباه و درست آن ۱۲۹۸ می‌باشد.
۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۹ .

اماکن قدیمه‌ایکه دراین‌بازار واقع‌شده مسجدملك علی‌بیك جارچی‌باشی از عهدشاه عباس‌کبیر (۱۰۱۹ هـ . ق) ومدرسه ملاعبدالله (۱۰۲۲ هـ . ق) میباشد .

سراهای : جارچی‌باشی ، بزرگ ، گلشن ، ارباب ، فخر ، دوتیمچه که همه تجارتی هستند دراین‌بازار واقع شده‌اند .

۳ـ بازار دروازه اشرف :

این‌بازار ازدروازه اشرف شروع وتا چهارسو شاه و مدرسه ملاعبدالله امتداد دارد وازاحداثات عصرصفویه است . مدرسه جده بزرگ(۱۰۵۸ هـ . ق) ومدرسه ملاعبدالله ازبناهای شاه‌عباس‌کبیردراین‌بازار واقع است ، چهارسوی شاه از بناهای شاه عباس است .

سراهای : محمدصادق خان ، مخلص ، تیمچه درقهوه‌کاشیها ، تیمچه‌ملك و عصارخانه وحمام شاه در این بازار قرار دارند ، بازار منجم باشی‌که بـه چهارسوی ساروتقی منتهی میشود از انشعابات ایـن بازار است و قسمتی از کاشی‌کـاری آن باقی می‌باشد .

مدرسه جده‌کوچك (۱۰۵۶ هـ . ق) ازاحداثات زمان شاه عباس‌ثانی نیز در این‌بازار (منجم‌باشی)واقع است. دنباله این‌بازار در زمان‌صفویه‌ببازار بسیارطولانی وبزرگ مشعلدار باشی متصل میشده‌که امروز اثری ازآن نیست.

۴ و ۵ ـ بازار لوافها و آهنگران :

این دوبازار دردوطرف خیابان حافظ که از میدان‌شاه منشعب میشود قـرار دارند. درشرق بازار آهنگرها کوچه‌ایست بنام بیگدلیها وسرائی بزرگ وحمامی ومحل‌دیگری هم بهمین‌نام معروف است .

خاندان بیگدلیها مربوط بسلسله شاملو و از طوایف قزلباش بوده‌اند وآذر بیگدلی صاحب تذکره معروف ازاین خاندان است .

مدرسه خواجـه ملك درشمال مسجد شیخ لطف‌الله ومشرق بازار لـوافان و

آهنگران واقع بوده است .

۶ ـ بازار کفشدوزها :

این بازار ازدرمسجد شیخ‌لطف‌الله بدر مسجدشاه امتداد دارد، ازجانب جنوب و غرب میدان نقش جهان و طرفین کاخ عالی قاپو دنباله چهار بازار اطراف میدان نقش‌جهان پیوسته بوده واکنون جزء ادارات شهربانی ودخانیات است .

۷ ـ بازار رنگرزها :

این‌بازارکه ازبناهای شاه‌عباس‌کبیراست ازبازارترکشدوزها ببازار دارالشفاء منتهی میشود واکنون هم دائر است .

۸ ـ بازار چهارسو نقاشی :

بازار بزرگی بوده که قسمتی از آن باقی مانده و اکنون در جنوب خیابان شاه‌عباس واقع است مدرسه مریم بیگم وچهارسو نقاشی دراین بازار واقع بوده‌اند .

۹ ـ بازار مقصودبیك = یا چهارسو مقصود :

این بازار ازجنوب شرقی میدان نقش جهان تابازار حسن‌آباد امتداد دارد . امامزاده احمد ، مسجد ساروتقی ، در این بازار در نزدیکی حسن‌آباد واقع‌شده‌اند ونیز تکیه‌گلبنده‌ها در نزدیك امامزاده احمد قراردارد .

۱۰ ـ بازار غاز :

این بازار ازآخرگلبهار شروع وبه‌محله جوباره اتصال داشت وازطرف دیگر بواسطه‌بازارخروجی‌بزازها ببازاربزرگ‌متصل میشداوکنون‌دربین‌خیابان رضاپهلوی وکمال اسماعیل قراردارد .

۱۱ ـ بازار ریسمان :

این بازار ازانشعابات بازارعربان وبه‌میدان هاتف متصل ومدرسه کاسه‌گران درآن بازار (ریسمان) واقع است .

۱۲ ـ بازار نجف‌آبادیها :

این بازارازمنشعبات بازار عربان قدیم بوده است وسراهائی که دراین بازار

قراردارند : خانی واردستانی میباشد . ازاین بازارکوچه‌ای منشعب میشودکه به دو مناره گنبد سلطان‌بخت‌آغا ملکه آل‌مظفرمیرسد ، دروسط راه حمام کوچکی است ازآثار شیخ بهائی[1] .

۱۳ ـ بازارمقابل بازارعربان :

این بازار بازاری است مقابل بازار عربان از جانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه تا محل معروف به‌پادرخت سوخته یادرخت سوخته، این قسمت نیز از بازارهای قدیمی اصفهان و از منشعبات آن بـازار هارونیه است که تامسجد علی ادامه دارد، ودرقدیم‌این بازاررا بازار بوریابافها مینامیدند وسرائی هم هنوزبنام سرای بوریابافها باقی است . انشعاب دیگر بازار عربان بازارچه آقا میباشد . سراهای واقع دراین بازار: سرای‌آقا وسرای پادرخت سوخته است . یکی ازدرهای هارونیه از بناهای دورمیش‌خان‌شاملو (۹۱۸ه.ق) دراین بازارچه میباشد، قسمتی ازکاشیکاری سردرآن مورددستبرد وخرابی قرارگرفته است، باغچه عباسی‌که

---

۱ ـ حمام شیخ بهائی مانند حمام علیقلی‌آقا دوحمام است ، کوچك وبزرگ ، زنانه‌ومردانه، ولی بطرح وطرز دیگرعالی ومرغوب است ومذکور ومعروف است که آن حمام تازمان غلبه افغان دردب‌گلخن آن بسته وگل گرفته بوده وهیچ آتش درآن نمیشده، هرروزه آب تازه‌روی خزانه میکردند آبش یك میزان گرم بوده است ، تاآن زمان سرش را بازکردندکه سرش‌را یابند ، چراغی دیده بودند روشن زیرپاطیل‌گذاشته بمجرد بازشدن گلخن فوراًچراغ‌خاموش شده غالب اهل اصفهان‌هم اعتقاد بروقوع این مطلب دارند ، صدق وکذب‌آن راخدادانااست، چله‌خانه دارد بسیاربزرگ در سرحمام که یك درآن بخانه شیخ باز بوده حال درب روبخانه را گرفته‌اند ازوصله‌های شیخ‌مرحوم چیزی که‌کماکان درآن حمام تاکنون‌باقی است‌جام‌برنجی پشت‌ورو ، آیات واعداد کنده شده است‌که میگویند افسون‌کردهٔ شیخ است وازشهروبلوکات هرکس بداند برای حاجات مردوزن میروند و آب ازآن جام برسرمیکنند واز جماعت کثیر شنیده شده‌که گشایش حاصل کرده‌اند ، اززمانی‌که حمام مزبورساخته شده اکنون بازار این حمام بهمین‌جهت رواجی دارد دیگرخلایق بحسن عقیده و اعتقاد صاف خود بمطلب میرسند، یااینکه درواقع اثرجام است ، کسی نمیداند عالم‌السرایر خدا است . (جغرافیای اصفهان از ص ۲۰ تا ص۲۱ که با گزارش (۱۳۰۰ ه.ق) میرزاعلیخان نائینی مطابقت دارد) نگارنده بخاطردارم وباین‌حمام رفته‌بودم (بین‌سالهای (۱۳۰۷تا۱۳۰۰ شمسی) وچنین‌جامی‌که اعداد روی‌آن کنده شده بود وکلماتی ازقرآن نیزدیده میشد در خزانه حمام وجود داشت و هرکس میل داشت ازآن جام برنجی آب برسر میریخت .

درحدود سال (۱۰۰۰هـ.ق) محل اقامت شاه‌عباس کبیر بوده درجانب غرب این‌بازار واقع ودر مقابل هارونیه میباشد .

۱۴ ـ بازار در تالار = بازار نیماورد :

این بازار ازپادرخت سوخته تاچهارسوی درباغ قلندرها ممتد ودنباله همان بازارهای قدیمی اصفهان است که ساختمان آن مربوط به پیش از سلاطین صفویه میباشد .

ازسراهای معروف این بازار است : سرای سفید ، میراسماعیل ، مردارکشها (مروارید فروشها) ، میرزا کوچك ، سرای تالار ، سرای حاج کریم (سه سرای اخیر تجارتی است) ، سرای خوانساریها ، تیمچه قزوینیها .

۱۵ ـ بازار نیم‌آورد :

ازبازار تالاربازاری منشعب میشود بنام بازارنیم‌آورد وبخیابان جدید متصل میگردد ، مدرسه تاریخی نیم‌آورد که ازبناهای عهد شاه‌سلیمان صفوی است دراین بازار واقع ونیز مساجد : خیاطها ، مسجدنو ، مسجد ذوالفقار ، مسجد شیشه‌واقع درجنب باغ قلندرهاکه کتیبه آن بخط محمدرضا امامی و تاریخ آن (۱۱۰۰ هـ.ق) قمری است دراین بازار قراردارند .

۱۶ ـ بازار زرگرها :

بازاری است‌که ازچهارسوی کرباس‌فروشها ببازار قهوه‌کاشیها منتهی میشود، دروسط‌آن چهارسوئی است وبدارالشفاء منشعب میشود . چنانکه گفته شده مسجد کوچك دارالشفاء در این بازار انشعابی قراردارد .

۱۷ ـ بازار تفنگ‌سازها :

این بازارکه ازاحداثات عصرشاه‌عباس بزرگ است از درسرای مخلص‌ببازار سماورسازها می‌پیوندد و بازار انشعابی آن چنانکه گفته شده بازار چخماق‌سازها است که هردوبازار زمانی بنام شمشیرگرها موسوم بوده‌اند .

۱۸ ـ بازار کلاهدوزها :

این بازار بدرقیصریه منتهی میشود ومقابل بازار قنادها واقع گردیده است.

۱۹ ـ بازار قنادها :

در عهد صفویه این بازار مخصوص قلمزنها و قندیل‌سازان بوده و در دوران قاجاریه تبدیل ببازار قنادیها شده است .

۲۰ ـ بازارشاهی = بازارچه بلند :

این‌بازاربابازارچه درخیابان چهارباغ‌واقع ودرعصر صفوی بکوی‌شاهزادگان متصل میشده وآن را بنام شاهزادگان مینامیدند . باقی مانده این بازار نفیس انبار دخانیات است ، ازمدرسه چهارباغ وسرای فتحیه (مهمان‌سرای کنونی شاه‌عباس) و باغ هشت بهشت درهائی باین بازاربازمیشده است . این بازار درتاریخ حاضر تعمیر شده و مرکز فروش کارهای دستی اصفهان میباشد و بهمت متصدی قابلی از صورت اندراس بیرون آمده است ووضع‌کنونی نمودارگذشته دوران زیبائی این بازاراست.

۲۱ ـ بازار علیقلی‌آقا :

این بازاردرمحله بیدآباد واقع ودارای چهارسوئی زیبا میباشدکه دردوران شاه‌سلطان‌حسین بوسیله علیقلی‌آقا از درباریان احداث گردیده است در این بازار مسجد وحمامی نیز ازهمو قراردارد .

۲۲ ـ بازارمجلسی :

بازاری است‌که ازنزدیکی مقبره مجلسی امتداد دارد، ومسجدجامع ومقبره مجلسی درنزدیکی این بازار قرارگرفته است .

۲۳ـ بازارجماله کله :

این بازار ازحدود نیم‌آورد بطرف مسجد حاج محمدجعفر آبادهای امتداد دارد و مسجد مزبور دراین بازار است .

۲۴ ـ بازارچه دردشت :

این بازارچه درمحله دردشت واقع‌گردیده وخود درحکم بازاربزرگی است.

۲۵ ـ بازارچه بیدآباد :

این بازارچه درحدود مسجدسید واقع ودارای طاقهای ضربی وگنبد وچهارسو نیز میباشد ومقداری ازآن دراثر وقوع درخیابان جدید خراب شده است . دراین بازارچه مسجد و مدرسه هم قراردارد .

۲۶ ـ بازارچه حمام قاضی :

این بازارچه درمحله دردشت نزدیك فلکه شهشهان قراردارد ومسجدکوچك حاجی‌یونس ازخواجگان شاه‌عباس ثانی که در(۱۰۷۳ ه.ق) بناشده دراین بازارچه میباشد[۱] .

۲۷ ـ بازارچه خان :

این بازارچه درمحله دروازه‌نوواقع ومسجدکوچك سلیمان‌بیك‌ازکارگزاران شاه‌عباس ثانی‌که در (۱۰۷۲ ه.ق) احداث‌گردیده درآن قرار دارد .

۲۸ ـ بازارچه‌آقا :

همانطورکه گفته شده ازانشعابات بازارعربان ویکی ازدرهای هارون‌ولایت دراین بازارچه بازمیشود[۲] .

۲۹ ـ بازار هارونیه :

این بازار ازبازاری که درمقابل بازار عربان ازجانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه میگذرد منشعب میگردد وتا مسجد علی ادامه دارد.

۳۰ ـ بازار بوریابافها :

این بازار همـان بازار هارونیه است که بمناسبت بودن کاروانسرائی بنام بوریابافها درآن محل‌که‌آنجا را بازار بوریابافها گفته‌اند وهنوزهم آن سرا وجود دارد و وجه تسمیه آن به این نام اشتغال عده‌ای در آن کاروانسرا به بوریا بافی بوده است .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۱۱ . ۲ ـ بخشی از گنجینه آثارملی ص۱۰ .

۳۱ ـ بازارچهارسوق شیرازیان :

این بازار درمحله چهارسوق شیرازیان قراردارد و بازار بزرگی است[۱] .

۳۲ ـ بازار میدان میر :

این بازار درمحله میدان میرواقع ومنشعب ازبازار عربان است .

۳۳ ـ بازار حبیب‌الله خان .

۳۴ ـ بازار خیار :

این بازار با بازاریکه بنام بازار ریسمان معروف است منطبق میگردد، چه سرائی که دربازار ریسمان بنام سرای بازارخیارنامیده میشود درهمان بازاری است که ریسمان نامیده میشود ومدرسه کاسه‌گران هم درهمین بازارکه نامهای مختلفی دارد قرارگرفته است .

۳۵ ـ بازارچه حاجیه خانم .

۳۶ ـ بازارچه حسن‌آباد .

۳۷ ـ بازار ساروتقی :

این بازارکه بقیه بازار ساروتقی اعتمادالدوله شاه‌عباس ثانی است میان بازار مقصودبیك وبازارچه حسن‌آباد واقع ودر نزدیکی امامزاده احمد قراردارد قسمتی از طاق بازارخراب و قسمتی برفراز سردر مسجد ساروتقی و منزلش باقی‌مانده که جالب است . مسجد ساروتقی ومنزل او دراین بازارواقع بوده است .

۳۸ ـ بازار مرغ :

این بازار روبروی مسجد جامع در خیابان هاتف واقع وشاید باعتبار اینکه درآنجا روزی مرغ میفروخته‌اند باین نام خوانده شده است .

۳۹ ـ بازار بزرگ اصفهان :

این بازار ازمیدان شاه شروع وببازار طوقچی ختم میشود ودراین‌بازارعمده سرایها وتیمچه‌ها ومساجد ومدارس اصفهان واقع گردیده است .

---

۱ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۰ .

۴۰ ـ بازارچه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای :

این بازارچه دردنباله بازار نیم‌آورد ودرمحله جماله‌کله واقع است. مسجد حاج‌محمد جعفرآباده‌ای و تیمچه حوابیگم دراین بازارچه قرارگرفته است[۱] .

۴۱ ـ بازارمنشی[۲] :

این بازار ازبناهای میرزا رضی‌منشی‌الممالك است‌که آثارزیادی چون قصر منشی وحمام‌منشی ومسجدمنشی ازاو بجامانده است .

۴۲ ـ بازار نجارها :

این بازار ظاهراً جزء بازارهای متصل ببازار قیصریه است .

۴۳ ـ بازار گندم‌فروشان :

این بازار ازانتهای بازار میدان کهنه اصفهان است .

۴۴ ـ بازارچه اسماعیل کوسه :

این بازارچه درمحله باغات واقع و مناره‌کله که درزمان امیرتیمور از کله مردم اصفهان ساخته شده بود دراین بازارچه قرارداشته است[۳] .

یا ـ چهارسوها

این‌کلمه بدوقسم تلفظ ونوشته میشود، نخست چهارسو، ودیگری‌چهارسوق . وچون درشهر اصفهان این کلمه زیاد مورد محاوره است چندکلمه‌ای برای‌توضیح مطلب مینگارد :

چهارسو بمکانی اطلاق میشود که چهارسمت وگنبدی داشته باشد، حالاگاهی چهارسمت آن بازاراست درچنین فرضی آنجا را چهاربازار یاچهارسوق میخوانند و اما اگر چهار سمت آن بازار نباشد دیگر اطلاق کلمه چهارسوق مورد نخواهد داشت . ودرهرحال چه چهارسمت بازارباشد چه نباشد اطلاق چهارسوبرآن درست خواهد بود ازاینرو درتمام موارد این کلمه را بلفظ چهارسو بکارمیبریم :

۱و۲ ـ تاریخچه محله خاجو ص۸۶ . ۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۳۳ .

۱ ـ چهارسو شیرازیها :

این چهارسو دربازار محله چهارسوشیرازیها واقع وازبناهای قطب‌الدین‌علی باب‌الدشتی (۹۵۵ هـ.ق) وجزء بخش۱ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد. گنبد این چهارسو ازمیان رفته است .

۲ ـ چهارسو شاه :

این چهارسو در اول بازارشاه و نزدیکی مدرسه ملا عبدالله وحمام شاه واقع میباشد .

۳ ـ چهارسو درشیخ :

این چهارسو که بسیار وسیع و مرتفع است در نزدیکی محله شیخ ابومسعود رازی قرارگرفته است .

۴ ـ چهارسو آجری :

این چهارسو که بمناسبت ساختمان آن باآجر بنام آجری معروف استدر محله خاجو واقع گردیده است .

۵ ـ چهارسو نقاشی یا چهارسو اسفندیاربیك :

شرح این چهارسو هم درباب آثاریکه نامی فقط از آنها مانده‌بیان گردیده است ونیازی بتکرار نیست .

۶ ـ چهارسو نمکی :

این چهارسو هم که از ساختمانهای زمان دیالمه بوده و اینك جزنام اثری ندارد درجای خود شرح داده شده است .

۷ ـ چهارسوی قیصریه . ۸ـ چهارسوی بازار مثقالی فروشها .
۹ ـ چهارسوی بازار چیت‌سازها . ۱۰ـ چهارسوی امامزاده اسماعیل.
۱۱ ـ چهارسومقصود . ۱۲ـ چهارسوعلیقلی‌آقا . ۱۳ـ چهارسوی بیدآباد . ۱۴ ـ چهارسوی دروازه‌نو واقع در محله دروازه‌نو .

۱۵ ـ چهارسو فریدون واقع درمحله خاجو .

۱۶ ـ چهارسو مخلص :

این چهارسو درنزدیکی سرای مخلص دربازاربزرگ میباشد که کمی زیرتر از سرای مخلص بطرف شمال ساخته‌اند . چهارسوهای دیگری نیز وجود دارد که معروفیتی ندارند .

۱۷ ـ چهارسوچوبی :

این چهارسو که ازچهارسوهای بزرگ است در قسمت خاجوی کوچك قرار دارد واز مستحدثات زمان صفویه است[۱] .

۱۸ ـ چهارسو کوچك :

این چهارسو درچهارسو شیرازیها وبجانب مشرق آن واقع است .

۱۹ ـ چهارسوی ساروتقی :

این چهارسو در بازار قهوه‌کاشیها واقع و مسجد و کاروانسرائی نیز از همان ساروتقی بجامانده بوده‌که کاروانسرای آن دردست مالك‌آن ومسجد بحال‌نیم‌ویران افتاده است . واحد ساختمانهای منسوب به ساروتقی عبارت از : بازار ـ چهارسو ـ کاروانسرا ومسجد میباشد .

این سه‌واحد ازبازاراصلی منشعب میشود، کاروانسرا درضلع شمالی‌چهارسو ومسجد ساروتقی درایوان‌جنوبی آن‌واقع است. درحال حاضرکاروانسرا با تغییراتی که درآن داده‌شده معمورشده ولی مسجد وضع اسفناکی دارد وقسمتی ازمقرنسهای آجری سردر وکتیبه‌خط ثلث‌آن‌که بقلم محمدرضا امامی‌است ریخته وازبین رفته است. سقف بازارآن دربعضی قسمتها فروریخته ، این بازارچون درقدیم معبرمردم بمیدان قدیم بوده وضع بهتری داشته است ولی اکنون‌که مسیر تغییرکرده بصورت یك بازارچه متروك در آمده است .

دراطراف‌چهارسودرهشت لوحه دربالای چهارگوشواره زوایای چهارسو بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمدرضا امامی ومورخ

---

۱ ــ تاریخچه محله خواجو ص۱۵ .

بسال (۱۰۵۶ هـ.ق) چهاربیت شعر نوشته شده است که فرد آخر آن حاکی است که بنای مزبور پس‌ازگذشتن یکسال ازکشته‌شدن او باتمام رسیده است . اشعار مزبور چنین خوانده میشود :

دولت عباس ثانی در جهان . . . .
خاك درگاهش . . . . چشم . . . از شرف شد جانشین توتیا
سال تاریخش چوجستم از خرد در ره این مصرعم شد رهنما
حاسد شه را سرافکندند و شد « چاراركان چار ركن این بنا»
(۱۰۵۶)

ودریك نیم‌لوح درآخر این اشعاربخط نستعلیق‌سفیدبرزمینه کاشی‌لاجوردی رنگ نوشته شده است :

«کتبه‌المذنب‌المحتاج محمدرضا الامامی» .

بریکی ازدیوارهای بازارچهارسوی مزبورکه درحال ویرانی است‌لوح‌سنگی بطول نیم‌متر و عرض سی‌سانتیمتر نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« مخفی نماندکه چهاردانگ ازدکان نشاسته‌گری جنب‌چهارسوق ساروتقی »
« بامتعلقات‌آن به‌موجب وقفنامه جداگانه وقف است برتعزیه‌داری جناب خامس »
« آل‌عبا حضرت سیدالشهداء علیه‌الاف‌التحیة والثناء ویکدانگ دیگروقف است »
« براامامزاده واجب‌التعظیم امامزاده اسماعیل. هرکس تبدیل وتغییردهد به‌لعنت »
« خدا ونفرین رسول گرفتارشود . فی‌غره ذیحجةالحرام ۱۲۹۸ . »[۱]

یب ـ حمامها

اصفهان در زمان صفویه حمامهای بسیار داشته که بویرانی گرائیده است و بیشترآنها اززمان تراکمه ودیالمه باقی مانده بوده که درفتنه افغان و بعد دراثراز

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۴۹ تا ص۵۵۲ .

بین رفتن جمعیت بتدریج ازمیان رفته است.

هنگامیکه مؤلف جغرافیای اصفهان کتاب خود را تألیف میکرده حمامهای اصفهان را ۷۲ باب یاد کرده است که گمان دارم این عدد تقریبی بوده است والا ممکن نیست حمامهای شهر اصفهان باین عدد تقلیل یافته‌باشد درهرحال حمامهای معروف اصفهان ازاین قرار است :

۱ ـ حمام شاه :

این حمام درچهارسوی شاه ونزدیکی سردر مدرسه ملاعبدالله وابتدای بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده است .

۲ ـ حمام خان :

حمامی است‌که شیخعلی‌خان زنگنه مولود (۹۲۲ـ۱۰۲۰ هـ. ق) و متوفی (۱۱ محرم۱۱۰۱هـ.ق) در دوره سلطنت‌شاه سلیمان درمحله تروا‌سکان بنا کرده وتاکنون دائر است .

۳ ـ حمام علیشاه = شاه‌علی :

این‌حمام را علیشاه فرزند تکش‌سلطان خوارزم درقرن ششم هجری‌هنگامی که والی اصفهان بوده ساخته است[۱] .

۴ ـ حمام علیقلی آقا :

این حمام دربازار علیقلی‌آقا در محله بیدآباد واقع وشاخه مادی فدین بنام نهر باباحسن ازمیان آن میگذرد حمام مزبور ازاحداثات علیقلی‌آقا ازخواجگان حرم شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین صفوی میباشد که در قرن دوازدهم هجری (۱۱۱۲ هـ.ق) پایان یافته است[۲] . آثارتاریخی آن بهموزه چهلستون انتقال و طی شماره ۲۲۶ ـ ۲۲/۹/۱۳ بهثبت تاریخی رسیده است[۳] .

۵ ـ حمام کوچك علیقلی آقا :

این حمام درپهلوی حمام بزرگ ساخته شده که هروقت حمام‌بزرگ مردانه باشد این حمام اختصاص بزنان داشته باشد واین دوحمام وقف برمسجد علیقلی‌آقا

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۹ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۳ .

۳ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی‌ایران ص۵۹ .

که درمجاورت حمامها بنا شده قرارداده شده است[۱] .

۶ ـ حمام خسرو آقا :

این حمام درقسمت شمالی میدان معروف به چهارحوض واقع شده و اینك میدان‌تبدیل به‌عمارات‌گردیده است. خسرو آقا برادر علیقلی‌آقا و از خواجگان حرم‌شاه سلیمان صفوی بوده است .

حمام مزبور بسیار زیبا و جامه خانه آن چون دیوان خانه بنظر میآید و گرمخانه بکمال اسلوب ساخته شده است. این حمام‌صحن داخل و خارجش محاذی سطح زمین است و هوای آن مطلقا غلظتی ندارد[۲] .

۷ ـ حمام بیگدلی :

این‌حمام‌درطرف مشرق شمالی میدان‌شاه واقع ودرکوچه معروف به‌بیگدلی قرارگرفته است .

۸ ـ حمام شاهزادها :

این حمام محاذی بازار رنگرزان و مجاور مدرسه شاهزادگان قرار گرفته بوده که بوسیله یکی ازشاهزاده‌های صفوی ساخته شده ومدرسه‌آن که دوطبقه بود خراب وتبدیل بدبستان جدیدالاحدائی گردیده است[۳] .

۹ ـ حمام شیخ بهائی :

این حمام‌که توصیف آن درپیش گذشته تبدیل بحمام جدیدی شده وآثاری ازگذشته درآن دیده نمیشود .

۱۰ـ حمام‌نو . ۱۱ـ حمام‌کرسی . ۱۲ـ حمام گود . ۱۳ ـ حمام ذوالفقار . ۱۴ـ حمام خاجو . ۱۵ـ حمام دردشت . ۱۶ـ حمام دوقلودر بیدآباد . ۱۷ـ حمام زعفران . ۱۸ـ حمام وزیر . ۱۹ ـ حمام شوری . ۲۰ـحمام‌حاجی‌هادی . ۲۱ـ حمام‌آقاتیمور . ۲۲ـحمام چادردوز ۲۳ـحمام

۱و۲ـ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۷۹ . ۳ ـ نگارنده درحال عمران مدرسه‌را دیده بودم دوطبقه و پر ازطلاب علوم دینی بود .

درویشان . ۲۴ـ حمام درقهوه‌خانه . ۲۵ـ حمام محمدصالح. ۲۶ـ حمام محمدکریم‌بیك . ۲۷ـ حمام منشی . ۲۸ـ حمام میرقاسم . ۲۹ ـ حمام فروهر . ۳۰ـ حمام‌خوره‌آزاد . ۳۱ـ حمام شریف .

پنج ـ کاروانسراها و تیمچه‌ها

دردوران صفویه عدد کاروانسراهای اصفهان بسیار بوده که پس‌ازفترت‌افغان روزبروز برکاهش آن افزوده است .

شماره‌کاروانسراها و تیمچه‌های‌اصفهان بطورکلی درهنگام تألیف‌الاصفهان‌که اوایل قرن حاضر بوده یکصدوچهل‌وچهار باب بوده است که در ذیل بترتیب درج میگردد[1] .

۱ـ کاروانسرای آفتابگاه . ۲ـ کاروانسرای آقا . ۳ ـ کاروانسرای اردستانیها. ۴ـکاروانسرای اسکرو. ۵ـکاروانسرای‌اناریها. ۶ـکاروانسرای بارانداز . ۷ـ باربند گلشن . ۸ـکاروانسرای‌بازارخیار. ۹ـکاروانسرای بازار کفشدوزها . ۱۰ ـ کاروانسرای بانك استقراضی . ۱۱ ـ کاروانسرای بخشعلی. ۱۲ـکاروانسرای‌بروجنیها. ۱۳ـکاروانسرای‌بلبلیها. ۱۴ـکاروانسرای بوریاباف. ۱۵ـکاروانسرای‌بیگدلی. ۱۶ـکاروانسرای‌پاسنگ. ۱۷ـکاروانسرای پای درخت . ۱۸ ـ کاروانسرای پستخانه . ۱۹ ـ کاروانسرای پیزری . ۲۰ ـ کاروانسرای توتی . ۲۱ ـ کاروانسرای تیمچه . ۲۲ ـ کاروانسرای جارچی. ۲۳ـکاروانسرای جلوخان‌میدان. ۲۴ـکاروانسرای چهارسومقصود. ۲۵ـکاروانسرای‌چیت‌سازی . ۲۶ـکاروانسرای‌حاجی‌باقر. ۲۷ـکاروانسرای حاجی بنان‌السلطنه . ۲۸ ـ کاروانسرای حاجی‌حیدر . ۲۹ ـ کاروانسرای حاجی عبدالصمد. ۳۰ـکاروانسرای حاجی‌علینقی. ۳۱ـکاروانسرای حاجی غلامرضا. ۳۲ـکاروانسرای‌حاجی‌غلامعلی. ۳۳ـکاروانسرای حاجی‌غلامعلی‌عصار.

۱ـ الاصفهان ازص۵۷ تاص۵۹ .

۳۴ـکاروانسرای حاجی کریم. ۳۵و۳۶ـکاروانسرای حاج محمدحسین ارباب دوباب.
۳۷ـکاروانسرای حاجی محمدرضا عرب. ۳۸ـکاروانسرای حاجی محمدعلی.
۳۹ـ کاروانسرای حاجی محمدکاظم. ۴۰ـکاروانسرای حاجی مشیرالملك.
۴۱ـکاروانسرای حاجی یوسف. ۴۲ـکاروانسرای حسن آباد. ۴۳ـکاروانسرای
حسین علاف. ۴۴ـکاروانسرای حوض. ۴۵ـکاروانسرای خاجو. ۴۶ـکاروانسرای
خانی. ۴۷ ـ کاروانسرای خسرو آقا. ۴۸ ـ کاروانسرای خواجه علم.
۴۹ـکاروانسرای خوانساریها. ۵۰ـکاروانسرای دالان دراز. ۵۱ـکاروانسرای
دخانیات. ۵۲ـکاروانسرای در نیم آورد. ۵۳ـکاروانسرای دروازه دردشت.
۵۴ـ کاروانسرای دومنار. ۵۵ ـکاروانسرای زفره‌ایها. ۵۶ـ کاروانسرای
زیگلر. ۵۷ـکاروانسرای ساروتقی. ۵۸ـکاروانسرای سرچاه. ۵۹ـکاروانسرای
سفید. ۶۰ـکاروانسرای سلطانی. ۶۱ـکاروانسرای سنگتراشان ۶۲ـکاروانسرای
سیدحسن. ۶۳ ـ کاروانسرای سیورسات‌خانه. ۶۴ ـ کاروانسرای شاه.
۶۵ـ کاروانسرای شاه‌علی. ۶۶ـ کاروانسرای شماعیها. ۶۷ ـ کاروانسرای
شیشه باغ قلندرها. ۶۸ ـ کاروانسرای شیشه‌گری. ۶۹ ـ کاروانسرای
شیشه‌گری مسجدنو. ۷۰ ـ کاروانسرای صفا. ۷۱ ـ کاروانسرای طالار.
۷۲ ـ کاروانسرای عبابافی. ۷۳ ـ کاروانسرای عربها. ۷۴ ـ کاروانسرای
عزیزالله. ۷۵ـکاروانسرای عطاء. ۷۶ـکاروانسرای علی‌اکبر. ۷۷ـ کاروانسرای
علیقلی آقا. ۷۸ـ کاروانسرای علی‌محمد. ۷۹ ـ کاروانسرای غلامحسین.
۸۰ـ کاروانسرای غلامعلی. ۸۱ ـ کاروانسرای فخر. ۸۲ ـ کاروانسرای
فعله‌گاه. ۸۳ـکاروانسرای فیل. ۸۴ـکاروانسرای قالی‌بافها. ۸۵ـکاروانسرای
قهرودیها. ۸۶و۸۷ـکاروانسرای قیچی‌سازهادوباب. ۸۸ـکاروانسرای کهنه‌چین‌ها.
۸۹ـکاروانسرای گلشن. ۹۰ـکاروانسرای لنج. ۹۱ـکاروانسرای ماست‌بندی.
۹۲ـکاروانسرای محمدصادق‌خان. ۹۳ـکاروانسرای محمدعلاف. ۹۴ـکاروانسرای
محمد یوشنی. ۹۵ ـ کاروانسرای مخلص. ۹۶ـ کاروانسرای مرتضی‌خان.

۹۷ـ کاروانسرای مردارکشها(مهره‌کشها). ۹۸ـ کاروانسرای مرغ ۹۹ـ کاروانسرای مسجد علی. ۱۰۰ ـ کاروانسرای مشهدی ابراهیم. ۱۰۱ ـ کاروانسرای مشهدی باقر. ۱۰۲ ـ کاروانسرای مشهدی رجبعلی. ۱۰۳ ـ کاروانسرای مصطفی. ۱۰۴ـ کاروانسرای مغزی. ۱۰۵ـ کاروانسرای ملاباشی. ۱۰۶ـ کاروانسرای ملك. ۱۰۷ ـ کاروانسرای منجم. ۱۰۸ ـ کاروانسرای میراسماعیل. ۱۰۹ـ کاروانسرای میرپنج. ۱۱۰ـ کاروانسرای میرحاج. ۱۱۱ـ کاروانسرای میرزاحسین. ۱۱۲ـ کاروانسرای مقصود. ۱۱۳ـ کاروانسرای میرزاکوچك ۱۱۴ـ کاروانسرای نادعلی. ۱۱۵ـ کاروانسرای نجات. ۱۱۶ـ کاروانسرای نجف‌آبادیها. ۱۱۷ ـ کاروانسرای نو. ۱۱۸ ـ کاروانسرای نقش جهان. ۱۱۹ ـ کاروانسرای هندوها. ۱۲۰ ـ کاروانسرای یاور. ۱۲۱ ـ تیمچه حاجی عظیم. ۱۲۲ـ تیمچه حاج‌سیدعبدالرحیم. ۱۲۳ـ تیمچه‌حوابیگم. ۱۲۴ـ تیمچه‌زنجیرخانه. ۱۲۵ـ تیمچه‌حمام‌وزیر. ۱۲۶ـ تیمچه تخت‌کشی. ۱۲۷ ـ تیمچه حاجی سید مصطفی. ۱۲۸ ـ تیمچه یزدیها. ۱۲۹ ـ تیمچه حاجی‌کریم پوستی. ۱۳۰ـ تیمچه محمودیه. ۱۳۱ـ تیمچه حاجی‌محمدحسین حریری. ۱۳۲ـ تیمچه ارباب. ۱۳۳ـ تیمچه حاجی‌رضا. ۱۳۴ـ تیمچه حاجی علینقی. ۱۳۵ ـ تیمچه قهوه کاشیها. ۱۳۶ ـ تیمچه ملك. ۱۳۷ـ تیمچه نبی. ۱۳۸ـ تیمچه چهارسوق مقصود. ۱۳۹ـ تیمچه پاقلعه. ۱۴۰ـ تیمچه میرزا علی‌اکبر. ۱۴۱ـ تیمچه عبابافی‌نارون. ۱۴۲ـ تیمچه سعادت. ۱۴۳ـ تیمچه ضرابی. ۱۴۴ـ تیمچه مهره‌کشها.

درواقع عددکاروانسرا اعم از تجارتی و مال‌بند و تیمچه‌ها در ۱۳۰۳ شمسی بالغ بریکصدوچهل‌وچهار باب بوده است.

تیمچه ملك‌که درضمن تیمچه‌ها نگاشته شد از احداثات حاج‌محمدابراهیم ملك‌التجار اصفهانی است‌که ازمردان خیراصفهان بشمارمیرفته است. تیمچه‌مزبور ازتیمچه‌های‌معروف دربازار اصفهان‌است ودارای‌کتیبه وتزیینات‌کاشیکاری میباشد. کتیبه‌اشعارفارسی داخل‌آن‌که‌گوینده‌آن طرب‌اصفهانی فرزند همای‌شیرازی وبخط

نستعلیق برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ بربالای درورودی نوشته‌شده چنین‌است[1]:

در زمان خسرو ایران مظفر پادشاه — آن شهنشاهی که نامش زیب هفت‌اقلیم شد
هم‌بدور ظل سلطان حکمران اصفهان — آنکه خم پشت سپهرش از پی تعلیم شد
دراوان‌این دورخشان‌مهروماه مملکت — این سرا بنیان اواز میر با تکریم شد
بس‌بسرکاری ابراهیم و محمود این‌بنا — غیرت خلدبرین فی‌احسن التقویم شد
الغرض‌چون‌ساخت‌این‌عالی‌بنارامیرراد — عقل را تاریخش ازروح‌الامین‌تعلیم شد
زدرقم‌کلك گهرسلك طرب تاریخ او: — این بنابرپا در اصفاهان از ابراهیم شد»

(۱۳۲۴)

و اشعار داخل‌تیمچه بخط نستعلیق زرد برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ اثرطبع میرزا محمد سها فرزند دیگرهمای شیرازی بشرح زیراست :

دوره شاه جهان مظفردین شاه — آنکه بودشاه و ملتجای‌تجارت
خسرو گیتی‌ستان شهنشه دوران — آنکه ازاو شد بپا بنای تجارت
دست کرم تا نهاد برسر تجار — برسر گردون نهاد پای تجارت
ملك‌تجارت زپاس امن‌چوفرمود — ماه درخشنده سمای تجارت
طبع سها . . . سلطان — ساخت ملك‌این‌بنا برای‌تجارت
ساخت درایام نیرین دوشاهی — حاج‌ملك‌این‌نکو سرای‌تجارت
وه چه‌سرائی زباغ جنت قصری — قصرجنان‌بینکه‌گشته‌جای‌تجارت
حاج‌ملك ساخت ازفتوت وهمت — روضه خلدبرین برای تجارت
جای سرای تجارتی‌زکرم ساخت — تازه سرائی پی نمای تجارت

(سلام‌علی‌ابراهیم)

زنده تجارت شد ازعطای نبوت — زنده بود عالم از عطای تجارت
باب تجارت‌گشود احمد محمود — آنکه بود شاه وپیشوای‌تجارت
خواجه والاگهر سمی بن‌آذر — آنکه بخورشیدزد لوای‌تجارت
اعنی نسل حسن سلیل محمد — آنکه بود صدراصدقای تجارت

۱ ــ نقل ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۸۳۴ تا ص۸۳۶ .

خان رفیعی بنا نهادو شد آن خان عدل در او گشت کدخدای تجارت
تا گره غم گشاد از دل تجار رأی ملك شد گره گشای تجارت
دوخته خیاط صنع از ید تقدیر نیست ملك جم ولیك . . . تجارت
جمله دعای ملك کنند چو ببندد برشتران ساربان درای تجارت
از پی حفظ ملك بکنگره عرش روح الامین میکند دعای تجارت
مهر فروزنده سپهر نبوت تجارت
گشت مهندس در اینسرای چو محمود تجارت
، . گفت بتاریخ : « به به زیبا بود سرای تجارت »
(۱۳۲۲)

دروسط هردو مصراع از اشعار فوق الذکر جمله : (یا اباعبدالله الحسین) بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است .

ید ـ مهمانسرای شاه عباس کبیر

این مهمانسرا همان کاروانسرای جده یا مادرشاه است که درزمان شاه سلطان حسین صفوی درضلع شرقی مدرسه چهارباغ ساخته شده ودرچندسال قبل باحفظ نماهای داخل و تغییرات و اضافاتی تبدیل به مهمانسرا گردیده و اکنون بنام مهمانسرای شاه عباس کبیر موسوم است . (ش۳۸)

کاشی کاریهای داخلی این مهمانسرا نیز تعمیر گردیده و خلاصه اینك از مهمانسراهای با شکوهی است که هر تازه واردی از دیدنش خیره میگردد .
(ش۳۹)

یه ـ مناره ها

کلمه مناره مصدر میمی است ازفعل نار ثلاثی مجرد مانند مقامه ومنامه و معنی اسم مکان میدهد یعنی جای روشن .



(شکل ۳۸)



(شکل ۳۹)

منارهرا درقدیم‌الایام بین‌دو مرز میساختند و درآن چیزی نورانی قرار میدادند تامرز وابسته را نشان دهد وکم بکم درمیان راههای عمومی نیز اینگونه منارههارا بنا میکردند تامسافران وکاروانان بتوانندمسیر ومقصد خودرا بشناسند.

اول مناره‌ای که گفته‌اند بنا گردید مناره اسکندریه بود کـه ارتفاع آن دویست وسی‌ذراع بوده است.[1]

این‌گونه مناره‌ها بعداز اسلام ودرممالك اسلامی برای‌گفتن اذان بناگردید وازاینرو دربیشتر جاهائی‌که‌بعد ازاسلام احداث گردیده مناره‌ها پیوسته به‌مساجد ویا عماراتی است‌که جنبه مذهبی وتقدیس‌دارد .

بیشتر مساجدیکه درقرون اولیه اسلام ساخته شده مناره هـم داشته است : مانند مسجد جورجیر اصفهان‌که نوشته‌اند مناره‌آن بیش ازیکصد[2] ذراع بوده و یا مسجد شهرستان که اینك اثری ازمسجد ومناره آن دیده نمیشود .

دراین‌مناره‌ها جائی‌هم برای مؤذن درنظرگرفته‌اند که درآنجا اذان بگوید وآن‌را مأذنه میگویند وروی این اصل‌است‌که بعضی ازمناره‌ها راکه درآن چنین جائی ساخته نشده مربوط به پیش‌از اسلام میدانند .

شرح مناره ها چنین است :

۱ـ مناره باغ قوشخانه :

این‌مناره در آخـر قسمت شمالی محله جوباره واقع و در حاشیه زمینهای موردکشت قرارگرفته است . این‌محل‌را بنام طوقچی نیز میخوانند چه متصل‌بآن محلـه است و بعلاوه خود محله طـوقچی هم از محلات متفرقه جوباره محسوب میشده است .

این‌مناره را بمناسبت این‌که در محل زراعتی باغ قوشخانه میباشد مناره باغ قوشخانه وچون درمحله طوقچی است مناره طوقچی وچون در مجاورت مقبره علی‌بن‌سهل است مناره علی‌بن سهل‌نیز می‌نامند .

بلندی این‌مناره درحدود ۳۸ متر است . ازکتیبه مناره مزبور که درسه‌رگ خوانده میشود فقط کلمات : الی‌والله باقی‌مانده است[3] این مناره درقدیم دو باب

۱ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص۱۸۶ ۲ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۶۳

۳ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۱ .

بوده و درطرفین مسجد بابا سوخته یامصلی قرار داشته‌که یکی از آن دو بامسجد مزبور خراب شده است.

این اثـر باستانی بموجب شماره ۳۱۳ ـ ۱۷/۸/۲۱ بثبت تـاریخی رسیده است[۱] (ش۴۰)



(شکل ۴۰)

ارتفاع مناره‌را برخی ۴۰ متر و تـاریخ بنای آنرا مربوط بقرن هشتم‌هجری‌دانسته‌اند. باغ فوشخانه که عوام آنرا قوچخانه می‌نـامند باغی بـوده جزءِ قصر سلطنتی‌کـه در آن در بدو امـر قـوشهای سلطنتی را نـگهداری میکرده‌اند وسپس‌درابتدای ورود شاه‌عباس‌کبیر باصفهان دراین‌محل اقامت‌کرده است.[۲]

۲ـ مناره ته برنجی :

این مناره نیز در محلـه جوباره اصفهان قرار داشت[۳] و نگارنده بخاطر دارم دخترانی‌که میخواستند بختشـان‌گشوده شود میرفتند در محل مناره و چون قسمتی از آن مناره ساقط شده بود روی آن دانه گردوئی میگذاشتند و بـر آن می‌نشستند وگـردو را میشکستند و بمناره خطاب میکردند و میخواستند که بخت آنان باز شود و اکنون دیگر اثـر درستی از آن باقی نیست .

۱ـ فهرست ابنیه تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۶ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۹ ۳ـ نصف‌جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۲

۳ـ مناره چهل دختران :

مناره مزبود درپایان جهت شمالی‌جوباره محل سکونت یهودیان واقع‌بوده وگویا درزمانهای قدیم متصل بعمارتی بوده‌که اکنون اثری از آن نیست و ارتفاع آنرا از ۲۱ متر [۱] تا ۲۹ متر [۲] گفته‌اند وظاهراً مقداری از سرآن افتاده است.

(ش۴۱)



(شکل ۴۱)

دربالای‌آن پنجره ایست‌که دهانه‌آن بشکل مستطیل ومواجه با قبله‌ساخته شده وسه‌کتیبه داردکه دوتاکوفی ویکی بخط نسخ‌قدیمی است. قسمت بالای‌پنجره ازچوب ودرطرفینش ستونهای کوچکی است‌که نیمی ازآنها درداخل دیوار مناره قرار دارد وبخوبی دانسته میشودکه مناره مزبور برای اذان‌گفتن ساخته شده‌است.

این‌مناره را سکنه اطراف بنام مناره گارلنگ و یا گارلند مینامند و شاید

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹ ۲ـ تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان ص۱۶۰

ازآن‌نظر بوده‌که مبلغی مسیحی بهمین‌نام در اوائل قرن چهاردهم درآن اطـراف ساکن ویهودیان را تبلیغ‌میکرده است.[1] (ش ۴۲)

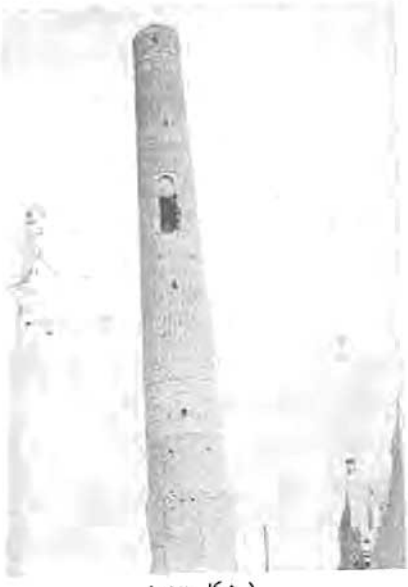

(شکل ۴۲)

متن‌کتیبه تاریخی‌را چنین نوشته‌اند :

«هذه‌المنارة بنیت من‌ماله»
«الاسفهسالارابی‌الفتح‌بن‌محمدبن»
« عبدالواحد النهوجـی تقربـاً»
« الی‌الله سبحانه و تعالی وابتغاء »
« مرضاته وجزیل ثوابه تقبل‌الله»
«منه برحمته وفرغ من اتمامها»
« فی سنة احـدی و خمسأتـه »
« هجروية . »[2]

وکتیبه حـاکی است مناره مزبور در تاریخ سال پانصد و یك هجری‌بامخارج سپهسالارابوالفتح ابن محمدبن عبدالواحد نهوجی تقرباً الی‌الله ساخته شده است .

ولی با مراجعه دقیق بنوشته‌کتیبه آجری‌آن معلوم‌گردیدکه‌کلمه «من ماله» درست نیست بلکه (من‌مال) است ونیزکلمه (هجروية) واوآن زیادی خوانده شده ونوشته کتیبه (هجریه) است . خلاصه اینکه در خود کتیبه (من‌مال) و (هجرية) نوشته شده است ودرست آن هم چنین است بدلائل زیر :

۱ ـ جمله : هذه‌المنارة بنیت من ماله‌الاسفهسار درست نیـت زیرا کلمه بنیت مجهول است ومرجعی برای ضمیر من‌ماله نخواهد بود که این مناره از مال

۱و۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹

سپهسالار نهوجی ساخته شده است .

۲ـ هجرت درتمام مواردیکه یاء نسبت بآن ملحق میشود هجری واگرمؤنث باشد هجریة خواهد بود ودرمورد بحث هم چون هجریت صفت سنه است هجریة با تاء تأنیث آورده شده است .

درکتیبه دیگری بخطکوفی آجری برجسته بر زمینه آجریپنج آیه اول سوره طه بشرح زیر نوشته شده است[۱] :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . طه . ماانزلنا علیك‌القرآن‌لتشقی . الاتذکرة لمن» «یخشی . تنزیلاً ممن خلق‌الارض والسموات‌العلی. الرحمن علی‌العرش استوی . »

درقسمت فوقانی قاعده مناره بخط ثلث برجسته برزمینه آجری کتیبه ذیل درپنج سطر بشرح زیر گچبری شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدرسول‌الله صلی‌الله» «علیه ..... علی‌بن‌ابی‌طالب رضی‌الله عنهم اجمعین » که معلوم میشود در قسمتی که اسامی خلفاء ثلث نوشته شده بوده حك کرده‌اند . و در اصل چنین بوده که (بعد از رسول‌الله صلی‌الله علیه) : (ابوبکر و عمر و عثمان) محوگردیده است . و البته چون اصفهان تا زمان شاه‌اسماعیل صفوی مذهب تسنن رواج کامل داشته باید این حك اسامی خلفاء را مربوط بزمان صفویه وبعد دانست .

و اما بانی مناره چنانکه کتیبه حاکی است سپهسالار ابوالفتح‌بن محمدبن عبدالواحد نهوجی است که درزمان ملکشاه وجانشین اوسمت سپهسالاری داشته و رمسقط‌الرأسش نهوج ازقرای برزاوند اردستان بوده است . واین مناره برای‌اذان گفتن ساخته شده واحتمال میرود مسجدی هم داشته‌که ازبین رفته است .

وجه تسمیه آن به مناره چهل‌دختران معلوم نیست وکسی تاکنون متعرض آن نشده است . ممکن است در نزدیکی آن مناره گورستانی بنام چهل‌دختران بوده که سپس ازمیان رفته باشد . برخی آنرا مناره چهل‌اختران[۲] . خوانده‌اند

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۰ .

۲ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۶۰ .

وآن ممکن است از این نظر باشد که خانه‌های مربع آن که شبیه ستاره است در حدود چهل مربع وبیشتر بوده که باین نام شهرت یافته است . این مناره بموجب شماره ۲۳۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۴ ـ دومناره دارالضیاء = دارالضیافة :

این مناره‌ها درمحله جوباره در طرفین کوچه‌ای بنام حاج‌کاظم قراردارد و معلوم میگردد که درقدیم جای کوچه عمارتی بوده‌که‌آن دومناره متصل‌بآن بوده‌اند وبمرورزمان ازمیان رفته است ولی آثار سردر مجللی‌که برفرازمناره‌ها میگذشته است دیده میشود .

چون کتیبه‌ها ازمیان رفته ویکی دوجمله بیشترباقی نمانده نمیتوان بطور قطع وجه‌تسمیه مناره‌ها را تعیین‌نمود وبایدگفت اگر دارالضیافة نام حقیقی‌مناره‌ها باشد عمارت ویران شده مهمانسرائی بوده برای فقراء و زهاد و امثال آنها که در هنگام ورود درآن مهمانسرا پذیرائی میشده‌اند، ولی معلوم نیست‌مهمانسرا بامناره چه ارتباطی دارد مگراینکه گفته شود مهمانسرای مزبور جزء دستگاهی بوده که هم مسجد داشته وهم مهمانسرا و درواقع مانند خانقاههای قدیم چون خانقاه شاه علاءالدین‌محمد شهشهانی‌است که‌مجموعه‌ای ازمدرسه ومسجد وحسینیه ومهمانسرا وامثال آن بوده است واما اگر نام آن دارالضیاء باشد ممکن‌است گفت این‌دومناره برای روشنائی بوده یعنی درشبها برفراز مناره‌ها آتش میافروخته‌اند تا ازراه دور اصفهان را به‌بینند ومسیر خودرا گم نکنند و این وجه تسمیه با عمرمناره‌ها که گفته‌اند درحدود قرن هشتم هجری ساخته شده مباینت دارد[۲] . چه مناره‌هائی‌که برای روشنائی بنامیکردند مربوط به‌قرون اوائل بوده است . ممکن است هم‌گفته شود بانی‌مناره‌ها وساختمان موسوم به‌ضیاء بوده وساختمان را دارالضیاء نامیده‌اند. ساختمان اطراف مناره‌ها معروف به سنجریه است وازهمین‌جا ممکن‌است استنباط

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۸ .

۲ ـ پرفسور پوپ ایران شناس نامی تاریخ بنای مناره‌ها را قرن هشتم هجری وسمیث بنای آنرا در ربع اول قرن هشتم میداند. (ترجمه آثار ایران ج۱ جزوه ۲ ص ۱۸۱)

کردکه ساختمان مزبور بامناره‌ها مرتبط باشد و در زمان سنجر ساخته شده باشد و تقریباً ازنظر تاریخ بنا مربوط به حدود قرن ششم میگردد . (ش ۴۳)



(شکل ۴۳)

از کتیبه زیر مقرنسهای بالای مناره که بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ است فقط جمله (و من دخله) باقی‌مانده‌که درواقع‌قسمتی از آیه :

«ان اول‌بیت وضع للناس» «للذی‌ببکةمبارکاوهدی‌للعالمین» «فیه‌آیات بینات مقام ابراهیم و» «من دخله کان‌آمناً . » میباشد .

بنظر نگارنده این آیه دلالت دارد که محل مزبورمشتمل برمسجدی بوده و دراثر مرورزمان ازمیان رفته است .

در داخل مقرنسهای مناره‌ها هرسوسن یاطاس شامل یك‌کلمه است و کلمات موجود بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

«محمد» «وعلی» «وفاطمه» «والحسن» «والحسین» .

پوشش تزیینات مناره‌های مزبور بخط بنائی فیروزه‌ای بر زمینه شطرنجی آجری درهفت ردیف بشرح زیراست :

ردیف اول کلمه (الله) ، ردیف دوم تکرار کلمه « اکبر » ، ردیف سوم تکرارکلمه (الله) ، ردیف چهارم تکرارکلمه «محمد» ، ردیف پنجم تکرار کلمه

«وعلی» ، ردیف ششم تکرارکلمه «وحسن» ، ردیف هفتم تکرارکلمه «و حسین»[1].
این مناره زیرشماره ۲۷۲ بثبت تاریخی رسیده است[2] .

۵ ـ مناره ساربان :

این مناره هم درمحله جوباره درمیان فضائی وسیع واقع شده واز مناره‌های بسیارزیبای عهد سلاجقه دراصفهان است .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع باین مناره چنین نوشته است :

«این مناره که یکی اززیباترین مناره‌های عهد سلاجقه دراصفهان است در»
«انتهای شمالی محله جوباره ناحیه یهودی‌نشین‌اصفهان نزدیك مناره‌چهل‌دختران»
«درگوشه یك میدان‌کوچکی که یقیناً درزمان ساختمان‌آن محل مسجدکوچکی»
«درپای مناره‌بوده است واقع شده .»

«ارتفاع این مناره درحدود ۴۸متراست و محیط قاعده آن ۱۴مترمیباشد و»
«ازپائین ببالا دارای هفت قسمت متمایزاست : »

«قسمت اول آن آجرچینی ساده است. قسمت دوم وسوم‌آن دارای‌تزیینات»
«عالی‌آجری میباشد . قسمت چهارم آن تاج اول مناره است‌که مقرنسهای آجری»
«توأم باکاشی فیروزه‌ای دارد وبسیارجالب وپرحالت‌است. قسمت پنجم‌آن‌تزیینات»
آجری است . قسمت ششم‌آن تاج‌دوم مناره است وقسمت هفتم آن‌تارك‌مناره‌است.»

«درقاعده دوتاج این مناره دوکتیبه بسیار زیبا از بهترین رنگ فیروزه‌ای»
«کاشی‌دیده وخوانده میشود . مناره مزبورکه ازارتفاع اولیه‌آن اندکی کاسته‌شده»
«است درحال حاضر بسمت مغرب متمایل شده واین تمایل از دورونزدیك کاملاً»
«نمایان است . سال ساختمان این مناره در کتیبه‌های فعلی آن موجود نیست لذا»
«بطور قطع نمیتوان زمان ساختمان آنرا معلوم کرد . پرفسورپوپ سال ساختمان»

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان ص۲۹۱ .
۲ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص۳۵ .

«این مناره را اواخر قرن پنجم هجری میداند و آقای (مایرون بمنت سمیث) »
«ساختمان آنرا بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری تخمین زده است . کتیبه فوقانی»
«مقرنسهای تارك این مناره بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه آجری بشرح»
«زیراست : »

«لااله‌الاالله صادقا مخلصا محمد رسول‌الله» .

«کتیبه زیر مقرنسها بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه‌آجری بشرح»
زیراست : »

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال»
«انني من‌المسلمین . »



(شکل ۴۴)

« کتیبه وسط این مناره »
«بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه»
«آجری‌تکرار نامهای: (محمد) »
« و(بوبکر) و (عمر) و(عثمان) »
و(علی) . »

درنصف‌تحتانی‌مناره مزبور و در اشکال مربع بخط بنائی فرو رفته بر زمینه شطرنجی و بطور درهم و بر هم عبارات زیر تکرار شده است : »

«(لااله‌الاهو) (وهو بکل »
« شیء علیم) (و هوالسمیع »
«البصیر)[1] . » (ش۴۴)

درتاریخچه آثارتاریخی اصفهان نوشته شده که مناره ساربان بمناره مسجد

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۱۹۹ تا ص۲۰۳ .

علی شباهت دارد وارتفاع آن ۲/۴۴ مترومدخل پلکان درارتفاع۷ متری تنه‌مناره واقع شده وتعداد پلکانش ۱۳۵ است و پهنای پلکانها ۶۸ سانتیمتر است .

و نیزگفته است‌که ساختمان مناره متعلق بعهد سلجوقیان و بنا بگفته گدار فرانسوی مربوط بسالهای از ۵۲۵ تا ۵۵۰ هجری است .

کتیبه های مناره‌را چنین‌بیان‌کرده که از سه‌کتیبه کوفی تزیین‌یافته است :

۱ ـکتیبه یکم باکاشی‌آبی عبارت : لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمدرسول‌الله برآن منقوش است .

۲ـ کتیبه دوم شامل آیه ۳۳ سورهٔ فصلت قرآن است .

۳ـ کتیبه سوم بخط کوفی چهارگوش باآجر تراش بر روی کاشی‌آبی شامل اسامی: محمد (ص) وخلفای راشدین است .

این‌مناره کمی‌بسمت مغرب تمایل پیدا کرده وزیرمناره که خالی وبجای‌زیر زمین ازآن استفاده میکردند در سال یکهزار و سیصد وبیست وچهار شمسی‌بطرز خوبی بسته وپرشده است. [۱]

پس‌میتوان گفت که مناره ساربان ارتفاعش بین ۲/۴۴ متر تاحدود ۴۸ متر ومحیط قاعده آن ۱۴ متر ودارای ۱۳۵ پلکان وسه کتیبه کوفی میباشد و تاریخ ساختمان قرن پنجم وششم بوده است .

درکتاب نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان چنین‌گفته :[۲]

«ودرمحله‌جوبباره‌هم‌چند مناره‌معتبردارد یکی‌ازآنهارا مناره‌ساربان‌مینامند»
« وازهمه این‌منارها منار ساربان‌بلندتر وخوشنماتر ساخته شده ومعتبرتر است و »
« بخاطر فقیر چنان‌میرسد که این‌منارارا نام منار سارویه بوده و درآن محل‌واقع»
« بوده است ، اسم آن محل متروك ومهجور شده وکسی نام سارویه ندانسته است »
« آنرا ساروان خیال‌کرده و بآن نام اشتهار یافته باشد والله‌اعلم . »

اما وجه تسمیه منار ساربان بنظر میرسد گفته نصف جهان درست باشد و

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه‌تاریخی‌اصفهان ص۱۶۲ ۲ـ نصف‌جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲

ساختمان سارویه‌که شرح آن در مبانی معدومةالاثر بیان گردیده در همین محله بوده وهنگامیکه خمارتکین تصرفاتی درآن بناکرد احتمال دارد این مناره را هم اوساخته باشد ومناره بنام محل اشتهار داشته وکم بکم سارویه به ساروان وساروان به‌ساربان تغییروضع داده است .

این‌مناره زیرشماره ۲۳۲ به ثبت تاریخی رسیده است. [۱]

۶ و ۷ ـ مناره های دردشت :

مناره‌ها که سر آنها افتاده وصل بساختمانی بوده که واحدی از مدرسه و مسجدی اززمان آل‌مظفررا تشکیل میداده و پس‌از خرابی مسجد و مدرسه تبدیل بکاروانسراگردیده و در زمان حاضرکاروانسراهم خانه شده است .

درجوار این دومناره مقبره‌ای است‌که گنبدی خشتی وبسیار زیبا و مرتفع دارد و درآن سنگ قبری است که ازآن نام صاحب قبر معلوم میگردد .

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع باین دو مناره چنین نوشته است : [۲]

« درمحله دردشت دومناره قدیمی کاشیکاری مغولی وجود دارد که قسمتی،
« ازسرآنها خراب شده ومیگویند هرکس قصدخرابی این‌دومناره‌را نموده ازبین ،
« رفته است ومربوط بدوره دوم سلجوقی است . »

« این دومناره طرفین‌سردر مدرسه‌ای‌بوده‌که درزمان‌شاه ابواسحاق مسجدی،
« وجود داشته وخراب شده وبعدها بکاروانسرا وحالیه‌اراضی‌آن تبدیل بچندخانه»
« مسکونی گردیده واین دومناره بحالت مخروبه‌ای هنوز باقی است. درجنب‌این»
«دومناره مقبره‌ای است‌که‌گنبد خشتی بسیار زیبا وبلندی دارد . در این‌بنا سنگ»
« قبرعالی است که این‌عبارات برروی‌آن خوانده میشود : »

« هذه‌الصخرة المقدسة انشاتها الخاتون العظمی سلطان بخت آغا ابنةالامیر »

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۰ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۲۹

« خسروشاه ادامه‌الله توفیقها لنفسها بعد وفـاتها فی رمضان سنة ثلث و خمسین .... »
« ومنظور دخترکیخسرو اینجو میباشدکه در سال ۷۵۹ ه وفات یافته ، شوهرش »
« شاه محمود و برادر شوهرش شاه شجاع‌نام داشته‌که درجنگ دوبرادر رشادتهای»
« زیاد بخرج داد وعاقبت شاه محمود اورا درحال مستی درسال ۷۶۹ ه بـکشت . »
« گویند این‌سنگ را قبل‌از فوت خود نقش‌کرده بوده است . در کنار این کتیبه »
« اطاق کوچکی موجود است که بزیرنقب یا دخمه‌ای راه دارد . »

« نام سلطان بخت آغا یا آغا سلطان درکتیبه ایوان جنوبی بخط نستعلیق»
« و درسر درب مسجد جامع رو بکوچه ساوجیان بخط کوفی معرق بسال ۷۶۰ ه »
« موجود است .»

درگفته‌های مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان دو اشتباه دیـده میشود : یکی‌این‌که درعبارت‌سنگ قبربجای ادام‌الله اشتباهاً ادامه‌الله نوشته‌اند درصورتی‌که عبارت‌سنگ‌قبر همان ادام‌الله است . دوم این‌که بانو سلطان‌آقا بانی تزیینات ایوان جنوبی مسجد جامع عتیق اصفهان را که در قرن دهم میزبسته با سلطان بخت‌آغا دخترکیخسرو ویا خسروشاه که درقرن هشتم بوده‌است اشتباه‌کرده‌اند .

مؤلف گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان درباره مناره‌های مزبور بحثی محققانه کرده‌که قسمتی ازآن‌بشرح‌زیرنقل‌میگردد :[۱]

« دومناره دردشت برفراز سردربلندی بارتفاع حدود پانزده متر که‌ازعظمت» « دیرین‌آن حکایت میکند قرار دارند. ارتفاع باقی‌مانده‌های دومناره دردشت از» « سطح پشت‌بام آن بیش‌از ۸ متر نیست وحکایت ازبنای مفصل ووسیعی میکندکه » « درعقب مناره‌ها وسردرمجلل‌آن واقع‌میشده‌است. ازترتیب استقرار ساختمانهای» « بعد ازسردر بعلت تغییرات زیادی‌که در وضع این ناحیه داده شده اطلاعی در » « دست نیست ، و ازساختمان وسیع آن غیر ازفضای مختصری که در عقب سردر » « واقع است چیزی باقی‌نمانده ولی‌بطوریکه معمرین ساکن دراطراف این بنای »

۱ــ گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۳۱۷ تا ص۳۲۰ .

« تاریخی برای نگارنده نقل‌کرده‌اند تا یك قرن پیش‌هم اطاقهای ویرانه اطراف »
« مدرسه دردشت‌که مناره‌ها وسردرفعلی مدخل‌آن محسوب میشده باقی بوده‌است »
« وتدریجاً ضمیمه خانه‌های اطراف شده وتا یك قرن پیش‌بصورت (تکیه) محلی »
« برای اجتماع مردم محله دردشت بوده است . »

« دراطراف گردنه‌گنبد آرامگاه سلطان بخت‌آغانیز آثاری مشاهده میشود »
« که اتصال بقعه را ببناهای دیگر دراطراف‌آن میرساند وچنین استنباط میشود »
« که باقی‌مانده آثاری ازیك مجموعه ساختمانی مفصل و وسیع بوده است که »
« باحتمال‌قوی بانی ساختمان‌آن خود سلطان بخت‌آغا ویا شوهراوسلطان محمود »
« آل مظفر بوده است . »

« بقعه فعلی از طرف ضلع شمالی راهی بداخل مدرسه داشته است‌که فعلاً »
« مسدود میباشد وترتیب ساختمان درمجاورت سردر وراه داشتن آن بمدرسه باز »
« مؤید این‌مطلب است‌که ساختمان مناره‌ها و سردر فعلی مدرسه نیز از اقدامات »
« خودسلطان‌بخت‌آغا بوده‌است وبقعه‌اختصاصی آرامگاه‌وی نیز درزمان‌حیات‌خود »
« او ساخته شده وکلیه این‌اقدامات ساختمانی بافراغت تمام صورت‌گرفته است ، »
« حتی‌سلطان بخت‌آغا بموجب الواح موجود برسنگ قبرنفیس اوسنگ مزبور »
« را در زمان حیات خود درسال ۷۵۳ هجری وشانزده سال قبل از آنکه کشته »
« شود دستور تهیه وتزیین آنرا داده است وبعداز قتلش دربقعه اختصاصی خود »
« مدفون‌شده وسنگ مزبورنیزبرآرامگاه اوقرار داده شده‌است. باعلاقه زیادی »
« که محمود شاه آل مظفر باین‌زن داشته‌است وتأثر وتحسر شدیدی‌که پس‌ازقتل »
« اوارکان زندگی‌اورا فراگرفته وتا آخرعمر اورا سخت نادم وپشیمان نموده‌است »
« وعلاقه خود شاه محمودآل‌مظفر بعمران وساختمان که آثار دوره اونیز درصفه »
« عمر درمسجد جمعه اصفهان ودرامامزاده اسماعیل موجود است میتوان‌احتمال »
« دادکه اگرملکه زیبا وزیباپرست اوخود بانی ساختمان بنای مزبور نبوده است »
« یقیناً درتشویق پادشاه وقت بانجام‌این‌قبیل امور مشوق مؤثری بوده ونقش‌مهمی »

« داشته است وباتوجه‌بجنگهای متعدد ولشکرکشی‌های‌دائمی‌این‌سلطان وجنگ »
« وستیزهای دائمی بین او وبرادران ورقیبانش‌که اورا وادار میکرده ازپای‌تخت»
« خود اصفهان خارج شود میتوان باحتمال قریب بیقین گفت که سرپرستی و »
« نظارت‌درعملیات ساختمانی دوره‌حکومت او بازن‌رشید ولایق اوسلطان بخت‌آغا»
« بوده است.»

« جای تأسف است‌که بعلت انهدام تدریجی تارك مناره ها وبالنتیجه‌ازبین »
« رفتن‌کتیبه‌ها و بالاخص ساختمان وسیع مدرسه دردشت وکتیبه سردر مدرسه‌که »
« جای آن خالی است هیچ کتیبه و لوحه‌ای که ممیزات ساختمان این مجموعه »
« وسیع معماری را صریحاً بیان کند باقی نمانده است ، ولی از طرف دیگرجای»
« خوشوقتی‌است که سنگ نفیس‌آرامگاه دختر اینجو و ملکه مظفری بیغما و »
« تاراج نرفته وعلت آنرا بطوریکه نگارنده تحقیق نموده است جنبه قدسی این »
« بقعه میباشد که عامه مردم درقرون اخیرآنرامتبرك ومقدس میدانسته‌اند وحتی»
« امروزهم که حدود هفت‌قرن ازتاریخ بنای‌آن میگذرد مانند عموم زیارتگاهها »
« واماکن مقدسه مردم اصفهان برمزار ملکه مقتول شمع روشن میکنند.»

« داخل بقعه سلطان بخت‌آغا فعلاً هیچگونه تزییناتی ندارد وباقشری از »
« گچ پوشیده شده است وسنگ آرامگاه او دروسط بقعه قرار دارد و در اطراف »
« آن هم فعلا صورت قبور دیگری مشاهده نمیشود ولی‌دربعضی‌جاها از زیر قشر »
« گچ‌آثار نقاشی های ساده‌ای پدیدار است و بطور مسلم داخل بقعه تزیینات »
« نقاشی‌داشته‌است. جدار خارجی‌گنبد سلطان‌بخت‌آغا دارای تزییناتی ازکاشیهای »
« فیروزه‌ای ولاجوردی برزمینه‌آجری میباشد. »

« یك نام تاریخی ازاین‌محل که تا این‌عصر باقی مانده (شوری) است‌که »
« هم اکنون حمام شوری نزدیك این‌بنا و امامزاده شوری ویا امامزاده عبدالله »
« باین‌نام موجود است وبعید نیست‌که مدرسه متصل بمناره‌های دردشت‌هم‌مدرسه »
« شوری نام داشته است. »

راجع بخطوط و کتیبه سردر مدرسه و مناره های دردشت نیز چنین نوشته است : [1]

« کتیبه مناره‌های دردشت که یکی ازآنها ریخته ودیگری باقی‌است بخط، « بنائی‌آجری برزمینه کاشی‌فیروزه‌ای بشرح زیراست : »

« لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقا .»

« تزیینات جدار خارجی مناره‌ها شبیه تزیینات مناره باغ قوشخانه میباشد، «که درهمین دوره ساخته شده و بخط بنائی‌فیروزه‌ای بر زمینه‌آجری‌تکرارجمله « (الله‌اکبر) است . »

« خطوط سردر مجلل آن بخط بنائی با کاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری « بشرح زیر است : »

« درسه شکل مربع : (یادیان) در دو مربع : (یاحنان) و در دوشکل « مربع دیگر. (یامنان) ».

« در زیرکتیبه خط سابق‌سردرکه چیزی ازآن‌باقی‌نمانده در دوشکل‌مربع « مستطیل‌بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه‌آجری درطرف راست‌جمله (لااله‌الاالله)، « ودرسمت چپ جمله (محمد رسول‌الله نوشته شده است . »

« بالای سکوهای طرفین سردر بخط‌بنائی فیروزه‌ای برزمینه‌آجری‌نوشته « شده است : (یاحنان یا منان) وبرجرزهای طرفین‌سردر جملات : (الملك‌لله) « (القوت لله) (العزت لله) . »

بنظر نگارنده چون‌بانوی نامبرده درواقع ازخصومت شوهر وکسانش آگاهی داشته پیش ازمرگ سنگ لوح خودرا تهیه‌کرده‌که پس ازاو برگورش‌گذارده شود و مدرسه و مسجد متصل بمناره‌ها اگر از ساختمانهای خود آن بانو نبوده از ساختمانهائی بوده که آنرا مرمت و تعمیرکرده و از اینرو آنجا را برای مدفن و مقبره خودآماده‌کرده است .

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۲۰ تا ص۳۲۱

مناره‌ها وگنبد ومقبره وسنگ لوح‌که مجموعه‌آن از آثارملی باستانی‌بشمار میرود بشماره ۱۱۵ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۱]

درکتاب فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایـران[۲] : نوشته شده : (ساختمان این‌مقبره‌برطبق«کتیبه روی سنگ قبر باید درحدود سال ۷۶۹ هجری قمری باشد » . درصورتیکه درکتیبه رقمی‌که خوانده میشود (۵۳) میباشد ورقم مآت‌آن‌که ۷۰۰ باشد افتاده و خراب شده است و چون مسلم است‌که عدد دیگری بجز ۷۰۰ نمیتواند باشد پس‌سال ساختمان سنگ لوح ۷۵۳ بوده ورقم۷۶۹هجری که در فهرست بنا های تاریخـی و اماکـن باستانی ایران مذکـور گردیده موجـه نخواهد بود .

۸ ـ مناره گلدسته :

درکوچه رستی‌محله‌دردشت‌نزدیك مدرسه شفیعیه وحمام نم‌بنات ودرمجاورت گنبد ابوعلی‌سیناکه بمدرس ابن‌سینا نیزشهرت دارد مسجدی است‌که در کنار آن پایه مناره قدیمی وجود دارد که بربالای‌آن‌بارتفاع سه متر ازکف پشت‌بام گلدسته مسجد بناشده و سبك ساختمان بسبك ساختمان مناره مسجد شعیا شباهت دارد و میتوان احتمال داد که ساختمان مناره مزبور بـا ساختمان گنبد در قدیم مـربوط بوده است .

وضع‌ساختمان نشان میدهدکه مناره در دوره دوم سلجوقی بناشده ولی‌مدرسه شفیعیه ازآثارزمان شاه عباس‌دوم است [۳] وممکن‌است‌مدرس مزبور جزء مدرسه‌ای بوده‌که ازبین رفته است .

۹ـ مناره مسجد علی :

این‌مناره‌درخیابان هاتف‌کنونی‌نرسیده بمسجدجامع عتیق‌طرف‌دست چپ در خیابانی‌فرعی واقع ودرگوشه شمال غربی‌مسجدعلی‌قرارگرفته‌است، وبهمین‌مناسبت

۱و۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۹ . ۳ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۰ تا ص ۱۵۱

بنام‌مناره مسجدعلی شهرت‌یافته‌است ارتفاع این‌مناره‌را بین۴۷/۸۵[۱] مترتا ۵۱/۵ متر[۲] وابعاد کامل را چنین نوشته‌اند :[۳] محیط قاعده در سطح زمین ۱۶ متر ، محیط مناره محاذی پشت بام مسجد علی ۱۵ متر ، محیط تعلیکی مناره ۱۲/۸۰ متر محیط قاعده منارچه‌ای که برفراز مناره بنا شده ۷/۷۵ متر ، ارتفاع هرپله تا تعلیکی مناره ۳۵/ سانتیمتر ارتفاع‌هرپله منارچه ۳۰/ سانتیمتر، تعداد پله‌های منار ازسطح زمین تابالای منارچه ۱۶۴ پله .

تاریخ ساختمان‌مناره معلوم نیست ولی‌طرزوسبك ساختمان بامقایسه بدیگر مناره‌های همزمان نشان میدهدکه مربوط بقرن‌پنجم وششم هجری است بطوریکه نوشته‌اند درقدیم مسجدی بوده‌که بنام سنجریه معروف واین‌مناره درکنارآن‌مسجد بوده ومسجد علی‌بجای آن‌مسجد ساخته شده است .



(شکل ۴۵)

و چون دوره قدرت و حکمرانی سلطان‌سنجر سلجوقی در اواخر قرن‌پنجم و اوائل قرن ششم بوده میتوان قبول کرد که چنین مسجدی درزمان‌حکمرانی او بنا و در زمان صفویه بویرانی گرائیده بوده واز این‌رو با تعمیر ویا ازنو برخرابه‌آن‌مسجد قدیم بناگردیده است . (ش ۴۵)

مناره مزبور پنج کتیبه از بالا بپائین دارد که بسیاری از کلمات کتیبه ریخته است [۴] .

۱ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۳۳ ۲و۳ - گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص ۱۹۸ . ۴- گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۱۹۹ .

کتیبه اول - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری درقسمت بالای مناره تکرار کلمات : (لااله‌الاالله) است .

کتیبه دوم - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای درزیر مقرنسهای مناره عبارت : (الملك‌لله) تکرار شده است .

کتیبه سوم - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله) است.

کتیبه چهارم - بخط بنائی گچی برزمینه شطرنجی درمربعهای بزرگ : (هوالله‌الذی لااله الاهو) است .

کتیبه پنجم - بخط بنائی آجری برجسته برزمینه گچی‌که هم سطح با بام مسجد علی میباشد چنین است :

(شهدالله انه لااله‌الاهو والملئکة و اولوالعلم قائما بالقسط) .

ازمناره مزبور درسال یکهزارو سیصدو چهل ودو هجری شمسی تعمیر اساسی بعمل آمده است .[1]

مناره ومسجد بشماره ۹۶ - ۱۵/۱۰/۱۰ بثبت تاریخی رسیده است .[2]

یو - مدارس شهر اصفهان

۱- مدرس ابن‌سینا :

این‌مدرس‌که به‌آن گنبد بوعلی نیزمیگویند ودارای گنبدی آجری و زیبا میباشد درمحله دردشت درنزدیکی مدرسه شفیعیه وحمام نم‌نبات واقع‌گردیده است و چنان شهرت دارد که شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا در زمانی که در اصفهان اقامت داشته در این مدرس‌که بنظر میآید جزء مدرسه‌ای بوده و از میان رفته تدریس میکرده است .

---

۱ - بخشی ازگنجینه آثارملی ص ۹

۲ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۰

۲ـ مدرسه احمدآباد :

این‌مدرسه درمحله احمدآباد واقع واز بناهای جلال‌الـدین محمد طبیب ـ خاص حرم‌شاه‌سلطان حسین‌صفوی است‌که آرامگاه بانی مزبور نیزدر همان مدرسه میباشد . کتیبه سر در مدرسه بخـط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق لبناء هذه‌المدرسةالمباركة بميامن دولة السلطان الاعظم والخاقان ، « الاكرم ظل‌الله‌في‌الارضين مروج‌مذهب آبائه‌الائمة المعصومين‌السلطان‌بن‌السلطان ، « والخاقان‌بن‌الخاقان ابوالمظفر شاه سلطان حسين الموسوى الصفوى بهادر خان ، « خلدالله ملكه و سلطانه و افاض علی‌العالمين بره و عدله و احسانه وزيدت نعمه ، « المتواترة المتوالية طبيب خدام حرمه العلية‌العالية الداعی لخلود دولته جلال‌ـ ، « الدين‌محمد فی۱۱۱۴ » .

و درپشت بغل سردر بخط بنائی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه‌آجری سورهٔ نصر نقش شده و بخط نستعلیق سفید بر کاشی لاجوردی رنگ این دو بیت خوانده میشود .

اجر وتاریخ این بنای رفیع — خواستم از خدا و خیر انام

بشنیدم ندا ز عالم غیب : — « بدهد ذوالجلال والاکرام »

بطوریکه از فحوای‌کتیبه سردر معلوم میگردد بنای‌مدرسه درسال یکهزار ویکصدو چهارده هجری باتمام رسیده است ولی‌کتیبه پشت بغل حاکی است که در سال یکهزارویکصدو پانزده باتمام رسیده است که یکسال پس‌ازتاریخ سردر باشد و ظاهر امر بین‌این دو تاریخ مباینت است ولی مباینت آن را باین‌ترتیب ممکن است مرتفع نمودکه‌کتیبه سردر درتاریخ ذیحجه سال هزارویکصدو چهارده هجری نوشته شده وکتیبه پشت بغل را در محرم بعد از ذیحجه‌که مقارن باسال یکهزارو یکصد و پانزده هجری میشود نوشته‌اند .

مؤلف دانشمند گنجینهٔ تاریخی‌اصفهان‌که کتیبه‌ها ازآن کتاب نقل‌گردیده

تاریخ ابیات پشت بغل‌را همان یکهزار و یکصد و چهارده بحساب[1] آورده ولی درست نیست و بطور دقیق که محاسبه شود منطبق با سال ۱۱۱۵ هجری میشود. ثبت تاریخی سردرب مدرسه مزبور درگردش اداری است.[2]

۳ـ مدرسهٔ اسماعیلیه :

این‌مدرسه در محله قصرمنشی واقع و وسعتش نزدیك هفتصد ذرع است، و درآن قبری است‌که میگویند پیش ازبنای مدرسه بقعه صاحب آن زمین بوده و اطـراف آن درختان بسیار از آن جمله درخت فلفل وجود داشته که هنوز باقی است.[3]

۴ـ مدرسه امامزاده اسماعیل :

این مدرسه درصحن امامزاده اسماعیل ساخته شده است.[4]

۵ـ مدرسه امین‌الدوله :

این مدرسه که بمدرسه صدرمعروف است ازبناهای عبدالله خان امین‌الدوله ابن‌حاج محمد حسین‌خان صدر اعظم‌اصفهانی است‌که درچهارباغ صدر قرارگرفته است.[5] ثبت تاریخی آن درگردش اداری است[6]

۶ـ مدرسه باباقاسم :

این‌مدرسه‌که بمدرسه‌امامیه نیزشهرت‌دارد درخیابان هاتف‌ودرکوچه باباقاسم ونزدیك مقبره باباقاسم قراردارد. مدرسه دوطبقه و دارای ۳۲ باب حجره تحتانی وفوقانی‌است که بیشتر حجره‌های فوقانی‌آن ویران شده است.

برای اینکه وضع مدرسه بخوبی نمایانده شود شرحی‌را که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان درباره ساختمان و وضع مدرسه نوشته‌بعینه نقل‌میگردد :[7]

« نزدیك مقبره بابا قاسم‌درکوچه‌ایکه بطرف‌دست راست واقع است مدرسه»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۰ ۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۶
۴ـ جغرافیای اصفهان ص۳۵ ۵ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۹
۲ و۶ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۸ ۷ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۳ تا ص۱۵۵

« بسیار قدیمی وزیبائی معروف بمدرسه بابا قاسم یا امامیه میباشد ».

« سبك معماری و ساختمان این‌مدرسه با مقبره باهم متناسب ومتعلق بیك »
« زمان است . سردر مدرسه رو بطرف جنوب و بجلوخان باز میشود که کاشیهای
« آن ازبین رفته است . پس ازعبور از دهلیز کوتاهی بفضای مربع شکل مدرسه »
« وارد میشویم ، ساختمان بنا دوطبقه و در اطراف بچهار طرف ایوان وسیعتری »
« است‌که درطرفین هریك حجراتی قرار دارد و در اطراف همگی آیات قرآنی »
« (سورهٔ انا فتحنا وسوره الدهر) بخط خوشی‌نوشته شده و باکاشیهای معرق خوش»
« رنگی تزیین گردیده است ، درایوان شمالی‌که شکاف بزرگی برداشته و بیشتر »
« کاشیهایش ازبین رفته علاوه برآیات قرآن وکتیبه‌های اطراف درپیشانی داخلی»
« آن بخط‌کوفی درهم نام : الله ربی ـ الحکم‌لله ـ الحمدلله ـ محمد نبیی ـ محمد»
« ابوبکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی ـ بخط شکسته بنائی بر روی کاشی مشکی منقوش»
« است ودر دور هفتی روبروی ایوان بطورمنقوش نام: ابوبکر، عمر، عثمان، علی»
« طلحه ، زبیر ، سعد ، سعید ، عبدالرحمن ، ابوعبیده نوشته میباشد . (خطوط »
« بنائی یاکوفی‌این‌کتیبه ها برای اولین‌بارخوانده وبوسیله این‌جانب منتشرشد). »

« در داخل صفه جنوبی با خط‌کوفی (قال‌النبی علیه‌السلام الحکم‌لله الدنیا »
« جیفة وطالبهاکلاب ـ عمل‌شیخ محمد عمر، درمربع مستطیلی دیده میشود . »

« درآخر کتیبه سمت غربی مدرسه تاریخ ۷۲۵ هجری بروی کاشی نوشته »
« شده‌که درضمن تعمیرنتوانسته‌اند حروفها را بگنجانند و میرساند که این بنا »
« مربوط بقرن هشتم هجری ودوره آل‌مظفراست . »

« این‌مدرسه دارای ۳۲ باب‌حجره است‌که اغلب حجرات فوقانی‌آن خراب»
« شده وبرخی‌را همسایگان تصرف‌کرده‌اند . درسنوات اخیرمرتباً ازطرف‌باستان »
« شناسی تحت تعمیر بوده مخصوصاً درسال هزاروسیصدوسی‌وپنج دالان ورودی‌که »
« خراب بود از نو ساختمان گردید و با وجود این‌باز محتاج به تعمیرکامل‌است »
« که ازصورت فعلی خارج وتزیینات آن تعمیرشود . »

چون این‌گونه اماکن بمرور زمان بالاخره آثار باستانی خود را از دست خواهند داد لذا برای ثبت آثار مزبور در تاریخ هرچه بیشتر مشخصات و ممیزات این‌گونه آثار ذکر گردد از نظر بقای در تاریخ مفیدتر خواهد بود از این رو شرحی را که مؤلف دانشمندگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان نیز نوشته و تاحد مقدور کامل است بشرح زیر نقل مینماید: (۱)

« مدرسه باباقاسم که آنرا مدرسه امامیه نیز مینامند بنای زیبائی‌است‌که »
« حیاطی دروسط و چهار ایوان و اطاقهائی‌که حجرات طلاب بوده است دراطراف»
« دارد . ساختمان این‌مدرسه که ازقدیمی‌ترین مدارس موجود طلبه نشین‌اصفهان »
« است دوطبقه است و درطبقه دوم‌نیز حجراتی دارد نمای خارجی صحن‌وایوانهای»
« بزرگ وکوچك مدرسه باکاشیهای مخصوص این دوره که از جهت لعاب کاشی »
« رنگ مخصوصی است ونظیرآن فقط درمحراب صفه عمر در مسجد جمعه دیده »
« میشود تزیین شده است ایوانهای بزرگ و کوچك دارای مقرنسهای کاشیکاری »
« میباشد که بعضی ازآنهاجنبه تزییناتی دارد و بعضی دیگر باخطوط بنائی‌وکوفی»
« وثلث تزیین‌شده است» .

« خطوط ضلع شرقی مدرسه ازجنوب بشمال :»

« درداخل مقرنسهای ایوان اول این‌ضلع دراشکال مربع بنائی باکاشی سفید»
« معرق برزمینه‌لاجوردی نوشته شده است : اللهالاعلی . و محمد . و علی . وحسن»
« وحسین . »

« بردوجانب ایوان‌بزرگ وسط این ضلع بخط بنائی لاجوردی وفیروزه‌ای»
« برزمینه شطرنجی آجری درهم و مکرر نوشته شده است : « قل‌استغفرالله . »

« در داخل مقرنسهای ایوان چهارم این ضلع بخط‌کوفی آجری برزمینه »
« فیروزه‌ای دریك لوحه نوشته شده: (الملك‌لله) وبخط کوفی فیروزه‌ای و سفید»
« برزمینه‌آجری: (الملك‌لله) ودرداخل‌همین‌ایوان بخط‌آجری برزمینه فیروزه‌ای»

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۳۰۳ تا ص۳۱۰

« دریك طرف (الله) ودر طرف دیگر کلمه (اکبر) نوشته شده است . »

« درزیر مقرنسهای ایوان پنجم این‌ضلع بخط بنائی با کاشی سفید معرق »

« برزمینه سبز دروسط نوشته شده: (الصلوة نورالمؤمن) ودرطرفین بخط‌کوفی »

« سفید برزمینه لاجوردی اسامی‌زیر نوشته شده است : »

« (الله) (ومحمد) (وعلی) (وحسن) (وحسین) »

« ایوان شمالی مدرسه بابا قاسم . »

« درایوان بزرگ شمالی مدرسه باباقاسم در بین‌حاشیه ومتن طاق ایوان در »

« یك‌شش‌ضلعی‌که بدون زمینه است وهمه تزیینات‌آن خطی‌است شش‌کلمه(علی) »

« نوشته شده‌که سه‌کلمه آن سفید وسه کلمه دیگر آن لاجوردی رنگ است . »

« قسمت عمده تزیینات متن طاق این ایوان بمرور زمان ریخته است و »

« آنچه‌که باقی‌مانده چهارشکل مربع‌است‌که درداخل آنهاکلمات وعباراتی بشرح‌زیر خوانده میشود :»

« دریك مربع بخط بنائی آجری معرق برزمینه فیروزه‌ای : (وحسن) »

« (وحسین) دریك مربع بخط سفید معرق‌برزمینه‌لاجوردی: (عمل‌الشیخ‌محمدبن »

« عمر) دردو مربع‌بخط بنائی‌سفیدبرزمینهٔلاجوردی (الدنیاداحة) (وترکهاراحة)، »

«در وسط هلال طاق این ایوان دریك شمسه بخط کوفی فیروزه‌ای سورهٔ اخلاص »

« نقش شده است .»

« اسامی خلفای راشدین واصحاب پیغمبر : »

« دررأس اسپر دیوارشمالی مدرسه باباقاسم دریك ته شمسه بخط‌ثلث سفید »

« معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله حقا) شمسه »

« وسط اسپر از ده مربع کوچك تشکیل شده که در هرمربع بخط سفید معرق »

« برزمینه کاشی لاجوردی یکی ازاسامی زیر نوشته شده است . »

« ابی‌بکر . عمر. عثمان . علی . طلحه . زبیر. سعد . سعید . عبدالرحمن. »

« ابوعبیدة . درحاشیه اطراف اسپر بخط بنائی با کاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه »

« آجری صلوات برچهارده معصوم نقش‌شده ودرحاشیه‌های پراکنده درمتن بخط »
« بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده است: »
(سبحان‌الله والحمدلله ولا اله الاالله والله اکبر) (سبحان‌اللهربی‌الاعلی‌وبحمده)»
« (سبحان ربی‌العظیم و بحمده) (العظمةلله) (سبحان‌الله الفردالصمد) »
« (سبحان‌الملکوت) ».

« در مقرنسهای پائین‌اسپر در یك مربع بزرگ (الله) وبخط بنائی سفید »
« معرق برزمینه لاجوردی سورهٔ (اخلاص) نوشته شده ، در چهار لوحه بخط »
« بنائی سفید ولاجوردی سه رگی بر زمینه فیروزه‌ای نوشته‌شده است :»
« (الله ربی) (محمدنبیی) (الحکم‌لله) (الحمدلله) »
« در یك شش ضلعی بخط کوفی باکاشی سفید معرق برزمینه مشکی‌نوشته»
« شده است . »
« (محمد) (ابوبکر) (عمر) (عثمان) (علی) .»

« برجانب شرقی ایوان شمالی بخط بنائی شطرنجی لاجوردی وفیروزه‌ای »
« برزمینه آجری بطور درهم ومکرر جمله (سبحان‌الله) وبرجانب غربی جمله »
« (الحمدلله) تزیینات دیوارهای این ایوان را تشکیل میدهد . »

« در داخل ایوان کوچك واقع درمشرق ایوان بزرگ شمالی بخط بنائی با»
« کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است : (الدنیا ساعة و جعلها »
« طاعة) »

« و در داخل ایوان‌کوچك غربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی‌نوشته»
« شده است : (الله) (محمد) (علی) . »

« ضلع غربی مدرسه باباقاسم .»

«دراین ضلع ازشمال بجنوب نقوش ایوان کوچك اول دراین‌ضلع تزییناتی»
«است . درایوان کوچك دوم دریك مستطیل بخط بنائی سفید معرق برزمینه‌کاشی»
«لاجوردی نوشته شده : (اللهربی) ایوان بزرگ ضلع غربی‌مدرسه دروسط‌این ضلع»

«واقع است و خطوط تزیینائی آن بخط بنائی شطرنجی فیروزه‌ای و لاجوردی»
«برزمینه آجری بطور درهم تکرار جمله (لااله‌الاالله) است . »

«درایوان کوچك چهارم درمقرنسها بخط بنائی باکاشی معرق سفید برزمینه»
«لاجوردی نوشته شده : (محمد نبیی) » .

«درایوان کوچك پنجم درپنج شکل مربع بخط بنائی با کاشی سفید معرق»
«برزمینه لاجوردی نوشته شده است (یاالله) (محمد) (حبیب‌الله) (الله‌دیی) (وعلی) .»

«نام شیخ‌محمد عمر استاد کاشیکار مدرسه باباقاسم درتزیینات ایوان و گنبد»
«جنوبی مدرسه ذکرشده است . »

«درداخل مقرنسهای ایوان بزرگ ضلع‌جنوبی مدرسه باباقاسم دریك مربع»
«کوچك بخط بنائی فیروزه‌ای معرق بر زمینه آجری نوشته شده است : (محمد) »
« (وعلی) » .

«تزیینات داخل این ایوان بخط بنائی شطرنجی لاجوردی و فیروزه‌ای»
«بر زمینه آجری تکرار جمله (والله‌اکبر) است . گنبد و محراب مدرسه در این»
«ضلع واقع شده وبردیوار شمالی محوطه زیرگنبد دریك لوح بشکل مستطیل به»
«خط بنائی با کاشی معرق لاجوردی برزمینه سفید نوشته شده است : (عمل‌الشیخ»
«محمد عمر) ودررأس‌قسمت داخلی‌گنبد بخط بنائی باکاشی‌فیروزه‌ای‌معرق‌برزمینه»
«آجری عبارت زیر نوشته شده است : (قال‌الله عزوجل عسی ان یبعثك ربك مقاماً»
« محموداً) . »

«ایوان‌کوچك غربی‌این‌ضلع‌دارای نقوش تزییناتی‌است ولی‌درزیرمقرنسهای»
«ایوان کوچك شرقی که تزیینات قسمت فوقانی منتهی‌الیه دالان ورودی را بسمت»
«صحن تشکیل میدهد در الواح کوچك بشکل مربع مستطیل بخط بنائی معرق»
«سفید برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است : »

« (قال‌النبی علیه‌السلام) (الحکمة‌لله) (الدنیا جیفة وطالبها کلاب) »

«کتیبه‌های قرآنی مدرسه باباقاسم مورخ بسال ۷۲۵ هجری : »

«داخل ایوانهای بزرگ چهارگانه شمالی وجنوبی و شرقی و غربی مدرسه»
«باباقاسم با کتیبه‌های زوجی که شامل آیات قرآنی میباشد تزیین شده است . »

«سطرهای بالا بخط کوفی باکاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه لاجوردی‌شامل»
«سوره (دهر) که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی است و پس از گردش بدور »
«مدرسه درهلال ایوان‌بزرگ شرقی ختم‌میشود ودرآخرسوره فقط جمله(صدق‌الله)»
«نوشته شده است . »

« سطرهای پائین بخط ثلث‌باکاشی‌سفید معرق برزمینه لاجوردی شامل‌سوره»
« (فتح) است که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی درزیر کتیبه کوفی است و»
«به‌آخر هلال ایوان‌کوچك دوم ضلع غربی (ازشمال‌بجنوب) ختم میشود ودرآخر»
«این کتیبه سال تاریخ آن که ناتمام ولایقرء میباشد نوشته شده است . »

«گویا برحسب تصادف قسمت آخر این کتیبه‌که سال تاریخ بنا را درآنجا »
«نوشته بوده‌اند خراب شده وبعداً بشکل بدی تعمیر شده است .کلمه (خمس) که»
«رقم آحاد سال تاریخ است بخوبی خوانده میشود و بعدازآن حرف اول رقم مآت»
«نیزکه مسلماً(سبعمائه)بوده دیده‌میشود لکن‌رقم عشرات‌آن لایقرء است وبهرحال»
«میتوان حدود سال ساختمان مدرسه را (۷۲۵ هجری) تعیین کرد . »

از گفتارهای گذشته بخوبی مشخصات و ممیزات ساختمانی مدرسه باباقاسم که ساختمان اولیه آن در ۷۲۵ هجری بوده و سپس در ادوار بعد درآن بطورحتم تصرفاتی شده معلوم گردیدکه مدرسه مزبور هنگامی ساخته شده‌که مذهب تسنن دراصفهان رواج داشته و باباقاسم ونیزبانی‌آن ازاهل سنت ودرعصرآل مظفر بوده است وسپس درعصر صفویه تزییناتی اضافه شده‌که درآن تزیینات آثار تشیع دیده میشود بخصوص در ایوان پنجم که کلمات . الله و محمد و علی و حسن و حسین نقش شده است .

اما وجه تسمیه آن بمدرسه امامیه یا امامی‌که متفاوت نوشته‌اند و کسی‌هم متعرض آن نشده از گفتار بالا مفهوم میگردد که چون در مدرسه اسامی خلفاء

نوشته شده بوده و در واقع مرجع طلاب اهل سنت بوده سپس که از آن وضعیت خارج و مرجع طلاب امامیه شده بنام مدرسه امامیه معروف و مشهور شده است و بطور حتم از عهد سلاطین صفویه این تغییر نام عملی گردیده است . این مدرسه بموجب شماره ۱۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۷ـ مدرسه پاقلعه :

این مدرسه از آثار دوره صدارت حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی است که درمحله پا قلعه اصفهان قراردارد، نمای اطراف صحن آن با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده وکتیبه سردر آن که بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی نقش شده باین شرح است :

« لقد بنی هذه العمارة المشتملة علی المسجد الشریفة والمدرسة الرفیعة فی »
« زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید »
« قواعد ملة البیضآء مروج آثار ائمة الطاهرین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان »
« فتحعلی شاه قاجار شیدالله اطناب دولته باوتادالخلود ، اعدل حکام الزمان و زائر »
« بیت الله الحرام حاجی محمدحسین خان صانه الله من حوادث الدوران ، الوالی »
« فی دارالسلطنة اصفهان صینت عن طوارق الحدثان ، فی عام سبع عشرة ومأتین بعد »
« الالف .»[۲]

ومعلوم میگردد که مدرسه دارای مسجد نیز میباشد ـ ثبت تاریخی این مدرسه درجریان است.[۳]

۸ـ مدرسه ترکها :

این مدرسه درمحله درب کوشك قرار دارد ویکی ازمدارس قدیمی طلبه نشین عهد تراکمه آق قوینلو[۴] و صفوی بشمار میرود وساختمان مدرسه مزبور یك طبقه ودارای صحنی کوچك ونماهای کاشی وحجراتی دراطراف است . دراطراف مدرسه

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۸ ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۴۹ تا ص۷۵۰ ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ . ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۵

کتیبه‌ای نیست وفقط سنگابی‌دارد که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« صفی‌قلی‌که‌بود بنده شهنشه دین چوخضر آمده‌سیراب‌چشمه رحمت»

« زمانه‌گفت بتاریخ سنگ‌خیراتش (بنوش‌آب وبکام یزیدکن لعنت) »

(۱۰۸۱)

چنانکه بخاطردارم درسال (۱۳۰۸ هـ . ش) که بنا بردستور وزارت معارف سابق مقررگردیدکه عده‌ای از محصلان درمدرسه‌ای اسکان‌داده شوند مدرسه ترکها که درآن‌ایام مخروبه وغیر مسکون شده بود وفقط بقال زیربازارچه مدرسه‌لوازم اضافی کارخود را درآن انبار میکرد مورد تعمیر قرارگرفت و عده‌ای از محصلان که نگارنده هم در میان آنان بودم سکونت کردیم ، درامر تعمیر مدرسه مرحوم محمدعلی دانشور رئیس‌وقت‌اداره‌معارف‌واوقاف‌اصفهان وآقای‌حاجی‌آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی معاون اداره‌معارف مجاهدت بسزائی نمودند .

ثبت تاریخی‌این‌مدرسه درجریان است .[۱]

۹ـ مدرسه جده بزرگ :

این مدرسه دربازار بزرگ واقع واز دوره شاه عباس ثانی‌است که جده او بناکرده است. نام‌جده شاه درکتیبه نیست ولی نوشته‌اند[۲] که این مدرسه را جده کوچك شاه عباس دوم بناکرده است ازمیان مدرسه نهرآبی عبور می‌کند واطراف صحن کاشیکاری ودارای محراب دوطبقه وطلبه نشین میباشد وپیوسته این‌مدرسه محل‌تدریس وتحصیل‌بوده ومدرسان بزرگی درآن تدریس میکرده‌اند .

نگارنده در این مدرسه از درس‌حاج میرمحمدصادق مدرس خاتون‌آبادی و میرسید محمد نجف‌آبادی استفاده کردم و اغلب علماء و فضلای کشور از محضر آنان استفاده کردند .

از کتیبه سردر مدرسه معلوم میگرددکه مدرسه را جده شاه عباس دوم در سال (۱۰۵۸ هـ . ق) بنا نموده و وقف بر طلبه علوم کرده است . کتیبه سردر

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷ ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۵۳ .

بخط ثلث سفید با کاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط محمد رضا امامی چنین است :

« قد وفقت علیاحضرت المفخمةالمکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة ، « العالیة جدةالسلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة، «الاثناعشر علیهم السلام السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه عباس، « ثانی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ایام دولته ومعدلته وسلطنته الی ، « یوم الدین ببناء هذه المدرسة المبارکة ووقفها علی الطلبة الاثنی عشریة وذب فی، « نفعها ببنائها الدین و وفقها لتحصیل مآرب النشأتین بحق النبی سیدالکونین فی ، « ثمان وخمسین والف کتبه محمدرضا الامامی . »

تزیینات داخلی مدرسه منحصر به کاشیکاری اطراف است و چیزی که بنظر میآید در لوحه کوچك برسرپشت بغل ضلع شرقی با خط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ نقش شده :

«گشت تعمیر این خجسته بنا ۱۳۳۴» [۱]

و معلوم میگردد درتاریخ مزبور ازمدرسه تعمیری بعمل آمده است . متولی مدرسه مزبور تا (۱۳۰۸ هـ . ش) از خاندان آقا جمال الدین خوانساری بود . این اثر باستانی بموجب شماره ۸۹۲ ـ ۱/۱۰/۴۸ به ثبت تاریخی رسیده است .[۲]

۱۰ـ مدرسه جده کوچك :

این مدرسه دربازار قهوه کاشیهاکه ازبازار بزرگ منشعب میشود قراردارد و بعد از مدرسه جده بزرگ بناشده است .

آنچه شهرت دارد وبرخی ازنویسندگان نیز متعرض شده‌اند[۱] مدرسه جده بزرگ را جده کوچك شاه عباس ثانی و مدرسه جده کوچك را جده بزرگش ساخته است .

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۳

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران اداره کل باستان شناسی .

ولی درستی این نکته و مطابقت آن با واقع محـرز نیست و بظاهر میتوان گفت که چون مدرسه جده کوچك از لحاظ وسعت کوچکتر است کوچك و بزرگتر چون توسعه آن بیشتر است بزرگ گفته‌اند و با قرینه این که مدرسه جده کوچك پیش‌ازمدرسه جده بزرگ ساخته شده ونام‌بانی درآن دلارام خانم‌برده شده وچون معموربوده دیگردرکتیبه مدرسه جده بزرگ نام جده‌برده نشده است وبانی یکنفر بوده‌است وبا این‌ترتیب نسبت‌کوچکی و بزرگی‌هم باتوجه بمساحت مدارس مزبور بوده است .

مگر این‌که در وقف‌نامه های مربوط معلوم باشد که واقفان و بانیان دونفر بوده‌اند .

طبق لوحی ازسنگ مرمر بطول ۹۵ وعرض ۷۰ سانتیمتر که بردیواریکی ازغرفه‌های شمالی مدرسه نصب شده این مدرسه را دلارام خانم جده شاه‌عباس ثانی در رجب (۱۰۵۷ هـ . ق) بسعی ولی آقا باتمام رسانیده است . کتیبه لوح مزبور که بخط ثلث برجسته میباشد چنین‌است :

« قد صدر الامر بانشاء هذه العمارة المباركة و بنائها من‌جانب علیاحضرت »
« المعظمة المطهرة المكرمة المفخمة المخدرة الموفقة جدة سلطان الاعظم و »
« الخاقان الاكرم مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك العرب والعجم اشرف سلاطین‌العالم »
« سمی عم خیرالمرسلین نور حدقةالزمان ، عین‌الاعیان، السلطان‌بن‌السلطان‌بن »
« السلطان و الخاقان‌بن الخاقان‌بن الخاقان شاه عباس الثانی الصفـوی الموسوی »
« الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی‌ملكه وهی‌الناموس‌العظمی والمخدرة الكبری »
« المحلیة باخلاق الزهراء دلارام خانم وفقهاالله‌لماتحب وترضی فی‌تاریخ شهررجب»
« سنة سبع وخمسین بعد الالف بسعی‌ولی‌آقا باتمام رسید .»

کتیبه مزبور بعینه ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] نقل‌گردید منتهی در کتاب مزبور هنگام مراجعه بعکس‌لوح (لماتحب‌وترضی) اشتباهاً (یحب‌ویرضی)

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۳ . ۲ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۵

خوانده شده ولذا اصلاح گردید ولی درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[1] اشتباهات زیادی دیده میشود ازآن جمله : (بنائها)که درست آن (وبنائها) و(ومن جانب) درست آن (من جانب) و (مطهرة) درست آن (المطهرة) و (الـوقفة) درست آن (الموفقه) و (مالب رقاب) درست آن (مالك رقاب) و (شرف) درست آن (اشرف سلاطین) و (خیرالمرصلین) درست آن (خیرالمرسلین) و (ثانی) درست آن(الثانی) و (الحلیة) درست آن (المحلیة) و (وفقهالله) درست آن (وفقهاالله) و (لمایحب) درست آن (تحب) و (یرضی) درست آن (ترضی) میباشد .

مدرسه جده کوچك دوطبقه و پشت بغلهای نمای اطراف آن تزیینات کاشی کاری دارد ودرسردر آن کتیبه‌ای بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجـوردی رنگ بخامه محمد رضا امامی چنین است :

« قدوفقت علیاحضرت المفخمة المکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة ،
« العالیة جدة السلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة،
« الاثنی عشر علیهم السلام ابوالمظفر شاه عباس الثانی الحسینی الصفوی خلدالله تعالی،
« ایام معدلته وسلطنته الی یوم الدین ببناء هذه المدرسة المبارکة ووقفها علی الطلبة ،
« الاثنی عشریة وجعلت ثوابها هدیة لروح خلف السلاطین العظام سلالة الخواقین،
« الکرام المرحوم المغفور المبرور الواصل الی رحمة ربه الغفور السلطان صفی میرزا،
« اشمله الله بغفرانه وببنائها نفعها فی الدین ووفقها لتحصیل مئآرب النشأتین بحق النبی،
« سیدالکونین کتبه محمدرضا الامامی فی ۱۰۵۶ . »[2]

این مدرسه بموجب شمارهٔ ۳۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است .[3]

۱۱ـ مدرسه چهارباغ :

این مدرسه که ازبهترین مدارس بنا شده درایران است درضلع شرقی خیابان

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۱۷۴ تا ص۱۷۵ . ۲ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۵ تا ص۵۵۶. ۳ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۵ .

چهارباغ واقع گردیده است .

نمای خارجی آن مـواجه خیابان چهارباغ و دارای غرفه های روبـروی خیابان میباشد .

این‌مدرسه را مدرسه مادرشاه ومدرسه سلطانی‌هم خوانده‌اند وبرای هرکدام وجه تسمیه‌ای است .

مدرسه مادرشاه ازآن‌جهت‌گفته‌اندکه مادرشاه سرای فتحیه وبازارچه بلندرا وقف برمدرسه چهارباغ کرده بودکه بمصرف طلاب آن برسد واز این‌رو مدرسه را نیزمدرسه مادرشاه می‌نامیده‌اند واما مدرسه سلطانی‌ازنظر این‌که شاه‌سلطان‌حسین بانی‌بوده و مدرسه چهارباغ ازآن لحاظ که درخیابان چهارباغ واقع شده‌است .

وضع ساختمانی مدرسه چنین است :

از طرف ضلع شرقی چهارباغ نود مترمساحت مـدرسه است ونمای آن رو بخیابان و دارای سردر بسیار ممتاز وزیباست واطرافش هفده دهانه ایوان آجری دوطبقه دارد ، وعقب‌آنها حجره‌هائی است .

درجبهه فوقانی‌سردر مدرسه‌کتیبه‌ای بخط ثلث برزمینه لاجوردی نوشته‌شده است . دور دهانه سردر ازکاشیهای فیروزه‌ای‌است که برروی دوپایه سنگ‌گلدانی شکل مرمر حجاری شده بسیار زیبا قرارگرفته وپهنای دهانه سردر هفت (۷) متر وطرفین در دوسکوی مرمرعالی قرار دارد .

کتیبه پیشانی سردر مشرف بخیابان مانند کتیبه ایوان شرقی داخل مدرسه است‌که بعد نوشته خواهد شد ، و اماکتیبه بالای در بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی معرق درهشت لوحه مستطیل‌که برروی جرزها نصب شده چنین‌است :

« احمدکه شه سریر لولاك آمد — جانی‌است‌کزآلایش تن‌پاك آمد »
« یك حرف‌زمجموعه عزوشرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »
« دریای سپهر کافتابست کفش — نبود چوعلی‌گوهری‌اندر صدفش »
« خورشیدگهی بدر شودگاه هلال — گر عکس دهد بماه در نجفش »

فاصله میان کتیبه خط ومقرنس کاریهای داخلی سردر باسوسنهای کاشی معرق ونقوش جالب زینت داده شده وازجمله روی سوسن میانی صورت طاوسی نقش شده که بالای آن عبارت : (انا مدینة العلم وعلی بابها) بخط نستعلیق خوش نقش شده است .

در دم طاوس صورتهائی نمایان است که بیشتر بصورت پادشاهان صفوی که معمم بوده‌اند شباهت دارد این دوبیت نیز درچهار لوحه بخط نستعلیق با کاشی سفید زمینه مشکی زیرطاق نقش شده است :

« دانی زچه این چرخ کهن میگردد نه بهرتو و نه بهر من میگردد »
« ازگردش او چون علی آمد بوجود میبالد و گرد خویشتن میگردد »

در اصلی مدرسه دولنگه ازیکپارچه چوب کلفت روکش نقره مذهبی دارد که ازنظر زرگری ونقاشی وقلمزنی شایان توجه است . روی لنگه سمت راست عبارات زیر بخط نسخ برجسته درمیان دوترنج نقره حك شده است :

لنگه راست : فوقانی : « بسم‌الله الرحمن الرحیم » ـ درپائین : « قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله » وروی لنگه چپ بالا : « انا فتحنا لك فتحاً مبینا ـ انامدینة العلم وعلی‌بابها » و دراطراف لنگه در سمت راست با خط نستعلیق خوش برجسته هشت بیت نوشته شده :

« خدیو کشور دین کلب آستان علی
گل محمدی گلشن مدینهٔ علم »
« ابوالمظفر سلطان حسین‌شاه کزو
شکست خاره جهل است‌ز آبگینهٔ علم »
« شهی که طینت صافش برنگ در نجف
نسب رسانده بخاك درمدینه علم »
« بناخدائی آن سایه خدا باشد
ز موج خیز خطر در امان سفینه علم »

« نبی مدینهٔ علم و علی بود در او
شه است بنده خاص در مدینه علم »
« عیان محبت آن قبلـه گـاه در دلـها
برنگ نور ز مشکـوة آبگینه علم »
« ببادبانی لطف و سحاب مـرحمتش
بـروی آب گهـر میـرود سفینه علم »
« بحفظ مملکت دین‌زفیض یزدان ساخت
برای لشکـر ملك دعا خزینه علم »
وبرلنگه چپ نیز همین بیت نقش شده :
« بنای مدرسهٔ کرد همتش که شونـد
درآن قرینه هـم اهل بی قرینه علم »
« نجـات از خطـر آب داد کشتی نـوح
رهاند از ضرر آتش ایـن سفینه علم »
« دو عادل است پی خرق و التیام سپهـر
بگاه بست و گشاد این در مدینه علم »
« اگردومصرع موزون بود درش چه عجب
که شاه بیت بلندی است از سفینه علم »
« بـود قـرینه شق‌القمـر بـلا تشبیه
چو وا شود در این شهر بی‌قـرینه علم »
« خجستهٔ کـه بسرکاریش مـوفق گشت
کمال سعی نمود این که شد کمینه علم »
« بسان کوکب رخشنده خادمش هر شام
چراغ فضل فـروزد در آبگینه علم »
« نگاشت کلك بدیع از برای تاریخش
« گشاد حـق بصفاهان در مـدینهٔ علم »

و در میان دوبیت آخر نام کاتب چنین نوشته شده :

« کاتب الحروف محمد صالح غفرذنوبه »

ازجمع عددحروف فردآخرشعرآخرکه ماده تاریخ بنا میباشد سال یکهزار و یکصد ونوزده (۱۱۱۹ هـ. ق) حاصل میگردد وبدیهی است باوجودتاریخهای دیگری که درجاهای دیگرنوشته شده که بیشتراز میزان مزبور است بایدگفت که اساس بنای مدرسه دراین تاریخ انجام شده بود و درسالهای بعد بر تزیینات ومزایان آن افزوده شده است .

روی دماغه لنگه چپ در برلوحه‌ای ازنقره‌که قسمتی ازآن ازمیان رفته کلمات زیر خوانده میشود :

«حسب الامراعلی » و « بسرکاری مقرب الخاقان » و « زرگری ونقاشی ومطلا» « ومنبت ومليله وقالب » و « عبدالطيف التبريزی » .

ومعلوم میشودکه عبدالطیف تبریزی زرگرونقاش وبالاخره متصدی امورفنی ساختمان دربوده است وظاهرآنست که منظور ازسرکار مقرب الخاقان که حك شده همان آقاکمال باشدکه درامرساختمان مدرسه جهارباغ سرکاربوده است .

در سرسرای مدرسه و در قسمت بالای در برلوحه بزرگی بشکل مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌های خشت لاجوردی رنگ کتیبه زیرخوانده میشود که علی نقی امامی خطاط آن بوده است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله انا مدينة العلم وعلی بابها » و در پائین مستطیل نام کاتب که علینقی امامی باشد و تاریخ آن که ۱۱۱۹ باشد نوشته شده است .

در چهار طرف لوحه مزبور و در وسط هرضلع درقسمت های مثلث شکل کلمات و عبارات : الله ـ یا مفتح الابواب ـ محمد ـ علی ـ نصرمن الله و فتح قریب نقش شده است .

دراطراف سرسرای مدخل مدرسه اشعاری از شاعری متخلص به افهم که هر

مصراعی از آن در لوحه‌ای جداگانه نقش گردیده در زیر درج میگردد :

« شاه پیغمبر خصال و نقـد شیر ذوالجلال
آفتاب اوج دولت ظـل رب المشرقین »

« شعلهٔ کـافر گـداز و رشحهٔ مؤمن نواز
سروران‌را سرفراز وسلطنت را زیب وزین »

« وارث تخت سلیمان خسرو گیتی ستان
پادشاه شیعیان جان جهان سلطان حسین »

« آنکه از تیغ کجش شد راست کار عالمی
آنکه ازخلق وکرم بگرفت حد مشرقین »

« شد مقرر تا غلام و خـازنش آقا کمال
کز کمال‌عقل‌و دانش‌عقل‌و دانش‌راست عین »

« سازد این عالی بنا را پایـه از اقبال شاه
کز علوشان گـذارد پا بفرق فرقدین »

« ساخت عالی‌مسجدی‌با مدرسی ازلطف حق
زان سبب شد بهـره یـاب آرزوی نشأتین »

« هرستونش ز اعتقاد راست همدوش فلك
از دو سو گلدسته ها دست دعا را ساعدین »

« یافت چون اتمام حسب‌الامراعلی این بنا
گفت رضوانش بحسرت این جنت انت‌این »

« فکرافهم‌خواست تاریخی‌که باشد ازشرف
قابل عـرض جناب کامیاب نشأتیـن »

« ازپی اتمام این عالـی بنا از شـوق گفت :
(مدرس‌کلب علی وشاه دین‌سلطان‌حسین) »

(۱۱۱۹)

« کتبه محمد صالح »

و معلوم میگردد که کاتب آن محمد صالح وبخط نستعلیق سفید بر زمینهٔ کاشی خشت لاجوردی و در ذیل آن تاریخ را به اعداد یکهزار و صدو نوزده (۱۱۱۹) نوشته‌است درصورتیکه مصراعی‌که ماده تاریخ است بحساب جمل‌مطابق سال یکهزار ویکصدو بیست (۱۱۲۰) میشود .

دربالاترین‌کتیبه‌مدخل مدرسه اشعاری نقش‌شده ازشاعری متخلص به‌ازهری که در قرن دوازدهم از شعرای معروف بوده وآن اشعار بخط نستعلیق‌محمدصالح اصفهانی بشرح زیر است :

« بعهد دولت‌سلطان‌حسین شاه جوان — که ازعدالت اوگشت ملك دین‌آباد »
« شهنشهی که ز معماری عنایت او — بنای‌دولت‌ودین‌محکم‌است‌چون‌فولاد »
« خدایگان سلاطین دهرکزسرصدق — کمینه بنده درگاه اوجم‌است و قباد »
« ز بس بنای مساجد بعهد او پابست — مصالحی‌نشودصرف جز صلاح‌وسداد »
« بچارباغ‌صفاهان برنگ هشت بهشت — بنای مدرسهٔ‌کرد همچو سبع شداد »
« زهی بنای فلك رفعت مبارك پی — که‌دل زدیدن او شد زبند غم آزاد »
« چگونه وصف‌کنم‌آب نهرصحنش‌را — که سلسبیل‌روانی‌ازاوگرفت ارشاد »
« عجب نباشد اگر صبح تا بشام رسد — ز لوح شمهٔ او روشن آفتاب سواد »
« نگارخانه چین است طرح کاشی او — که نقش کرده بدیوارخانه بهزاد »
بسنگ‌کاری‌صحن‌وازاره‌اش‌شده‌فرش — هزار صنعت شیرین زتیشه فرهاد »
« کشیده‌اند زگلدسته‌اش بگلشن دین — مؤذنان همه گلبانگ الصلوة عماد »
« معلمی‌که در آنجا مدرس است بود — کتابخانهٔ یونان علم را استاد »
« زصدق بود چو آفاکمال سرکارش — شدست منزل اهل‌کمال و استعداد »
« قلم‌گرفت ونوشت‌ازهری بتاریخش: — (بنام مدرسهٔ شه شد از کمال آباد) »
(۱۱۱۹)

« کتبه محمد صالح »

با این‌که درذیل اشعار تاریخ را (۱۱۱۹) نوشته‌اند ماده تاریخ آن‌بحساب

حروف جمل‌مطابق‌باسال یکهزار ویکصد وهیجده (۱۱۱۸) میباشد وگمان میرود یا اینکه کاتب درهنگام محاسبه اشتباه‌کرده ونوشته یا اینکه اختلاف یکسال را بمسامحه واگذار کرده‌اند. و در هرحال ماده تاریخ اول با حساب دقیق مطابق با (۱۱۲۰) و ماده تاریخ دوم مطابق باسال (۱۱۱۸) میگردد.

درسرسرای مدرسه سنگابی‌وجوددارد که دراطراف‌آن‌کتیبه‌ای است مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم و بخط نستعلیق برجسته با رقم: «کتبه اقل الطلبة محمد مهدی الحسینی عفی عنه» و رقم حجار و سازنده سنگاب چنین است:

«درشهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۰ باتمام رسید عمل کمترین محمد طاهر» وباتوجه باینکه سنگاب سرسرای‌مدرسه درسال (۱۱۱۰) باتمام رسیده باشد درست بنظر میرسد که تاریخ اتمام کتیبه سردر درسال (۱۱۲۰) انجام شده باشد.

ونیزسنگاب دیگری در صحن مدرسه درمقابل ایوان بزرگ جنوبی در حاشیه باغچه گل ازسنگ پارسی قرار داردکه کتیبه‌آن چنین است:

«وقف حضرت امام حسین صلوات‌الله و سلامه علیه نمود این سنگ آب را حاجی ابوالحسن اردکانی فی‌شهرشوال المکرم سنه‌تسعین والف». و از آن برمیآید که سنگاب مزبور درزمانی پیش‌ازساختمان مدرسه ساخته شده و درجای دیگری قرار داشته وپس‌ازساختمان مدرسه بآنجا انتقال یافته است.

و احتمال هم میرودکه زمین مدرسه پیش‌از ساختمان تکیه یا سقاخانه‌ای بوده که سنگاب درآن نصب شده بوده و پس از عمارت مدرسه در همان‌جا ابقاء شده است.

مدرسه چهارایوان داردکه بیشترکتیبه‌ها درآن ایوانها وگنبدی‌که درایوان جنوبی قراردارد واقع شده است. (ش۴۶)

الواح وکتیبه‌های ایوان شمالی مدرسه‌که درمقابل ایوان وگنبد جنوبی‌قرار دارد با کاشیهای نفیس هفت رنگ وکتیبه و خطوط تزیینی آراسته شده و دارای پنجره نفیس‌معرق‌است‌که درقسمت فوقانی‌مدخلی که ایوان سرسرای شمالی‌مدرسه



(شکل ۴۶)

را ارتباط میدهد منصوب است .

مدخل‌شمالی مدرسه بوسیله در نفیسی ببازارچه بلند متصل میشود . سردر مدرسه دربازارشاهی با کاشیهای معرق تزیین شده و دارای‌کتیبه‌ای است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم عبدالرحیم جزایری بشرح‌زیر :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم . امر بانشاء هذه‌المدرسة المبارکة السلطان‌الاعظم، « والخاقان الافخم خادم روضات الائمة سادن سدات سادات الامة ابوالمظفر شاه، « سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان جعل‌الله تعالی بابه مآباً، « للسلاطین وجنابه مطافا للخواقین ولماصرف فی‌بنائها خالص‌المال بخلوص‌البال، « اهدی ثوابها للمعصومین الاربعة عشر علیهم‌السلام کتبه عبدالرحیم فی ۱۱۲۱».

دراطراف سرسرای شمالی درالوح جداگانه‌ای اشعاری بخط خوش نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین نقش شده است :

« ابر عالم گیر گوهر قطره بحر کرم
عالم آرا آفتاب داد و دین سلطان حسین »

« آن شهنشاهی که باشد مردمان دیده را
از غبار آستانش عین نور و نور عین »
« آسمان می‌خواست تا آفاق را سنجد به‌او
کهکشان میزان شد وخورشیدوماهش کفتین »
« آنکه‌دست قدرت حق چارعنصر کرده است
در سرشتش مشتری و زهره را با نیرین »
« آنکه جدش سرنوشت خانه تقدیر را
خوانده در پیشانی مردم زبین الاصبعین »
« ساخت باهم مسجد و مدرس چوعلم باعمل
شد بتوفیق الهی کامیاب نشأتین »
« مسجد گردون اساسی چون سپهر آراسته
گنبدش‌را گوی سرطوق است گوی نیرین »
« شهرعلمی‌مدرسش کردم‌غلط نه‌کشوری‌است
صد چو یونانش نهان درجیب بین‌الدفتین »
« مایه عمر ابد در طول دارد عرصه‌اش
عرض‌آن عرض‌عریض فکر داناراست عین »
« یافت چون اتمام این عالی‌بنا ازجود شاه
داد چون سرکاری آقاکمالش زیب و زین »
« بهر تاریخ بنا و سال اتمامش نجیب
مطلعی‌چون مهرو مه گرداند زیب خافقین »
« مسجد سلطان عادل ماه اوج مشرقین
۱۱۱۸
مدرس عالیجناب شاه دین سلطان حسین »
۱۱۱۹
« کتبه محمد صالح »

دو تاریخ دارد یکی بسال (۱۱۱۸) تاریخ تمام شدن بنا و دومی (۱۱۱۹) تاریخ آماده شدن مدرسه برای طلاب است.

کتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر است:

«روی عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم انه قال من سلك طریقاً یطلب فیه علما، «سلك الله به طریقاً الی الجنة وان الملئکة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضابه وانه، «لیستغفر لطالب العلم من فی السموات ومن فی الارض حتی الحوت فی البحر وفضل العالم، «علی العابد کفضل القمر علی سایر النجوم لیلة البدر وقال صلی الله علیه وآله طلب العلم، «فریضة علی کل مسلم ومسلمة وان العلماء ورثة الانبیاء وان الانبیاء لم یورثوا دیناراً، «ولادرهماً ولکن ورثوا العلم فمن اخذمنه اخذ بحظ وافر. وعن ابی جعفر علیه السلام، «انه قال من علم باب هدی فله اجر من عمل به ولاینقص اولئك من اجورهم شیئاً، «و عنه علیهم السلام انه قال ان الذی یعلم منکم العلم له اجر مثلا المتعلم له و، «الفضل علیه فتعلموا العلم من حملة العلم وعلموه اخوانکم کما علموکم العلماء کتبه، «علی نقی الامامی سنة ۱۱۱۹».

کتیبه مزبور طابق النعل بالنعل ازکتاب آثار تاریخی اصفهان[1] نقل گردیده که در آن نوشته شده:

«طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة» در صورتی که در حدیث مربوط باین موضوع کلمهٔ مسلمة وجود ندارد ودلیل آن عمومیت کلمه مسلم است که دلالت برجنس مسلم دارد وشامل زنان هم میگردد ولی چه شده که کلمهٔ مسلمة درکتیبه آمده است موجبی بنظر نمیرسد و احتمال دارد چون در محاورات عمومی گفته میشود: العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة بدون توجه بعدم صحت آن نوشته شده باشد.

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۱۲.

کتیبه‌های داخل ایوان شمالی :

۱ـ برهلال داخل ایوان شمالی مدرسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بترتیب آیات (۳۵) ازسورهٔ نور و ۵۶ از سورهٔ احزاب و ۵۵ از سورهٔ مائده نقش گردیده و پایان آن عبارت : « صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم » قرار دارد .

۲ـ کتیبه داخل‌ایوان بخط سفید برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم روی‌عن‌علی‌علیه‌السلم‌قال قال‌لی‌رسول‌الله صلی‌الله‌علیه »
« وآله الائمة بعدی اثنی‌عشر اولهم انت یاعلی وآخرهم القائم الذی یفتح‌الله علی »
« یدیه المشارق الارض ومغاربها. عن‌ابن عباس‌قال‌قال رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله »
« لما عرج بی‌الی‌السمآء رایت علی‌باب‌الجنة مکتوباً لااله الاالله محمد رسول الله »
« علی‌حبیب‌الله الحسن والحسین صفوة‌الله وفاطمة امة الله لعنة‌الله علی باغضیهم »
« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم لعلی علیه‌السلم انت منی بمنزلة هرون »
« من موسی الا انه لانبی بعدی وقال علیه‌السلم انا مدینة العلم و علی بابها کتبه »
« ابن‌محمد محسن‌الامامی علی‌نقی‌الاصفهانی ۱۱۱۹ » .

دررأس‌پشت بغل ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی زرد دریك لوحه چنین نقش‌گردیده است :

« درعهد دولت خسرو جهان آرا شاهنشاه اسلام پناه اعلیحضرت رضا شاه »
« پهلوی تعمیر شده » .

کتیبه‌های ایوان شرقی :

۱ ـ کتیبهٔ افقی نمای خارجی ایوان شرقی بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« عن‌ابی‌عبدالله علیه‌السلم اذاکان لیلة الجمعة نزل من‌السماء ملئکة بعدد »
« الذروفی ایدیهم اقلام الذهب وقراطیس‌الفضة لایکتبون الی‌لیلة السبت‌الاالصلوة »
« علی محمد وآل محمد فاکثروا منها ، قال‌ان من‌السنة ان تصلی علی محمد واهل »

« بیته فی کل جمعة » .

و در حاشیه چپ کتیبهٔ مزبور دریك سطر تاریخ تعمیر چنین نوشته شده :

« فی شوال ۱۳۴۶ »

۲ـ کتیبهٔ داخل ایوان شرقی بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« لما وقع الترغیب والتحریص علی طلب العلم وسلوك سبیله فی محکم الکتاب، « والحث والتنصیص علی تحصیله وکسبه فی السنة الاخبار المأثورة عن اطیاب الائمة، « علیهم صلوات الله الملك الوهاب فقال العزیز الحکیم فلولا نفر من کل فرقة منهم « طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم[1] یحذرون وقال « رسول الکریم علیه و آله التحیة والتسلیم طلب العلم فریضة علی کل مسلم الا « ان الله یحب بغاة العلم امر مسلك الملوك الذی حساذ من قصب السبق بین ملوك « البلاد باستباق الخیرات وجمع بیدر الذخر لیوم الحصاد بالتبادر الی القربات لا « زال معمار البنیان الدولة الابدیة کما هو رافع للواء الفضل والنعمة ومابرح معطرا « لمعاطس ارکان السلطنة البهیة کما انه ناصب لعلم العلم والحکمة ببناء هذه المدرسة « السلطانیة المبارکة النازلة منزلة الجنة التی وعد المتقون واهلها کسکانها فی الغرفات « آمنون ثم امر بترصیف هذا الایوان الرفیع لمدارسة کتب العلوم وسنة اتمامه : « هو لمصباح العلم مشکوة » کتبه محمد رضا ۱۱۱۹ » .

که میرساند ایوان مزبور در سال ۱۱۱۸ باتمام رسیده وکتیبهٔ آن در ۱۱۱۹ نوشته شده است .

بر دو جرز طرفین ایوان شرقی بخط بنائی سه رگی معرق کـه دو تای آن مشکی و یکی سفید رنگ برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ قدر و عصر نقش شده و سال تعمیر آن ۱۳۴۵ تعیین گردیده است .

برچهار جرز داخل ایوان هم بخط بنائی سه رگی که دو تای آن لاجوردی ویکی زرد برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ اخلاص خوانده میشود ، و بردیوار مقابل و

۱ـ در کتاب گنجینهٔ تاریخی اصفهان هم اشتباهی لعلم چاپ شده است .

هلال داخل ایوان وطاق آن باخط بنائی لاجوردی معرق برزمینهٔ سفید در لوحه‌های جدا ازهم اسماءالله و تعدادی روایات مذهبی نقش و تزیینات خطی آن را تشکیل میدهد .

۳ـ کتیبهٔ دیگر ایوان شرقی چنین است :

« اخرج احمدفی‌مسنده ان رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم قال انی‌اوشك»
« ان‌ادعی‌فاجیب وانی‌تارك فیکم‌الثقلین کتاب‌الله حبل ممدود من‌السماء الی‌الارض»
«وعترتی اهل‌بیتی‌وان‌اللطیف‌اخبر نی‌انهمالن‌یفترقا حتی‌یردا علی‌الحوض‌فانظروابم»
« تخلفونی فیها . روت عـایشة سمعت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله یقول علی »
« مع‌الحق والحق‌مع‌علی لن‌یفترقا حتی‌یرداعلی‌الحوض صدق‌النبی علیه‌السلم‌کتبه »
« عبدالرحیم‌الجزایری . »

ایوان جنوبی مدرسه که دارای گنبد ودومناره و درواقع ایوان اصلی‌مدرسه بشمار میرود دارای کتیبه‌هائی است که بتفصیل ذکر میگردد :

۱ـ کتیبهٔ ایوان جنوبی صحن مدرسه واقع در مدخل گنبد که بخـط ثلث سفید برزمینهٔ‌کاشی خشت لاجوردی نقش شده چنین‌است :

« روی‌الترمدی عن‌زیدبن ارقم قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم »
« من‌کنت مولاه فعلی مولاه اللهم والمن‌والاه وعاد من‌عاداه وانصرمن‌نصره واخذل »
« من‌خذله. عن‌ابن‌عباس رضی‌الله تعالی قال لما نزل‌قوله تعالی‌انما انت منذر ولکل»
« قوم هاد قال صلی‌الله علیه‌وآله انا‌المنذر وعلی‌الهادی وبك یاعلی‌یهتدی‌المهتدون.»
« فی‌صحیح‌البخاری قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم‌لعلی‌علیه السلم اما »
« ترضی ان‌تکون منی بمنزلة هرون من‌موسی . کتبه عبدالرحیم . » . (ش ۴۷)

۲ ـ کتیبه های عمودی داخل گنبد صلوات بـرچهارده معصوم باین شرح خوانده میشود :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. اللهم‌صل‌وسلم‌علی‌النبی‌الامی‌العربی‌الهاشمی‌القرشی»
« المکی‌المدنی الابطحی التهامی فخرالعالمین و حجةالله علی‌الخلـق اجمعین و »



(شکل ۴۷)

« رحمة‌الله علی‌اهل‌السموات والارضین خیرالبشر وشفیع یوم‌المحشر السیدالبهی و»
«السراج‌المضیء والکوکب الدری‌صاحب‌الوقار والسکینة المدفون بارض‌المدینة»
« الخاتم لماسبق والفاتح لما استقبل سیدالانام ومبین‌الحلال والحرام العبدالمؤید»
« والرسول‌المسدد المحمودالاحمد الامجدالکریم قایل قولما عرفناك والمخاطب»
«بخطاب‌لولاك‌لماخلقت‌الافلاك ذی‌المعجزات‌والبینات‌مظهرالبراهین والایات‌اشرف»
« الاولین والاخرین الذی کان نبیاً وآدم بین‌الماء والطین وانزل فی‌شأنه الاعلی »
«سبحان‌الذی‌اسری بعبده‌لیلا ودنی فتدلی‌فکان قاب‌قوسین اوادنی‌سبح‌فی‌کفه‌الحصی»
«ونبع من‌اصابعه‌الماء وجری‌المختص‌بتکریم من‌یطع‌الرسول‌فقد اطاع‌الله والمعزز»
« بتشریف و انه لذکر لك و لقومك وانذر عشیرتك الاقربین فاتبعونی یحببکم‌الله»
« صفوة المرسلین وحبیب‌اله العالمین . ابی‌القاسم محمد المصطفی خاتم‌النبیین .»

« اللهم صل وسلم على السيد المطهر والامام المظفر والشجاع الغضنفر ابى »
« شبير وشبر قاسم طوبى وسقر صاحب احد وخيبر عامل لواء الحمد وساقى الكوثر »
« الذى من تولاه فازوا من من كل خطر ومن عاداه فقد خاب وخسر وفى امه نظر الانزع »
« البطين الاشرف المكين العالم المبين الاشجع المتين والناصر المعين ولى الدين »
« الوالى الوالى المخلص الصفى الحاكم بالنص الجلى المدفون بالغرى السيد الرضى »
« اخ الرسول وزوج البتول وسيف الله المسلول حجة الرحمن مفتح الجنان اب الائمة »
« المعصومين خليفة حبيب رب العالمين ليث بنى غالب وغالب كل غالب مطلوب كل »
« طالب مفرق الكتايب والشهاب الثاقب و الهزبر السالب امام المشارق و المغارب »
« مظهر العجايب ومظهر الغرايب مولانا ومولى الثقلين سيد الوصيين و امام المتقين »
« ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين امير المؤمنين ابى الحسن على بن ابى طالب . »
« اللهم صل وسلم على السيدة الجليلة الصديقة النبيلة المحدثة العليمة »
« الكريمة الشهيدة المعصومة المكروبة المضطهدة المظلومة ذات الاحزان الطويلة »
« فى المدة القليلة المغصوبة جهراً المدفونة سراً ام الائمة النجباء النقباء المزوجة »
« فى السماء وشهودها الملأ الاعلى ونثارها الدرر والياقيت التى حملتها شجرة طوبى »
« بنت سيد المرسلين و حليلة خير الوصيين المطهر[1] من الارجاس المنزهة من »
« الادناس العطية السنية النبوية الموهبة البهية الاحمدية البتول العذراء الانسية »
« الحوراء سيدة النساء فاطمة الزهراء . »
« اللهم صل وسلم على السيد المجتبى و الامام المرتجى سبط المصطفى وابن »
« المرتضى علم الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا بضعة الرسول قرة عين »
« البتول العالم الرفيع ذى الحسب المنيع الشفيع بن الشفيع المقتول بالسم النقيع »
« المدفون بارض البقيع معز المؤمنين وسيد شباب اهل الجنة فلذة كبد سيدة نساء »
« العالمين الحبر المعصوم والامام المظلوم الكريم السخى الحليم السنى الكوكب »

---

١ ــ درمتن كتيبه منقوله ازكتاب گنجينهٔ آثار تاريخى اصفهان المطهر نوشته شده ولى درست آن المطهرة ميباشد .

« الدرى و النورالبهى العالم بالفرايض والسنن صاحب الجود والمنن ابى محمد »
« الحسن . » .

« اللهم صل و سلم على السيدالزاهد والامام العابد زين المنابر والمساجد »
« ولى الملك الماجد قتيل الكافر الجاهد الذى عوضه الله تعالى عن شهادته استجابة »
« الدعاء تحت قبته وجعل الشفاء فى تربته والائمة من ذريته صاحب المحنة والكرب »
« والبلاء المدفون بارض كربلاء خامس آل العباء وثانى السبطين وبضعة رسول الثقلين »
« مولانا ومولى الكونين سيدالشهداء ابى عبدالله الحسين . »

« اللهم صل وسلم على اب الائمة وسراج الامة وكاشف الغمة ومحيى السنة وسنى »
« الهمة رفيع الرتبة انيس الكربة وصاحب الندبة المدفون بارض طيبة حجة الخالق »
« شفيع الخلايق خازن الكتاب المسطور و وارث التورية و الانجيل و الزبور »
« سيد الساجدين و اسوة الصالحين امام الزاهدين و زين العابدين صاحب المفاخر »
« والمناقب سليل اسدالله الغالب قرة عين رسول الثقلين وامام الكونين ابى محمد »
« على بن الحسين . »

« اللهم صل وسلم على قمر الاقمار و نورالانوار و سيدالابرار و قايد الاخيار »
« السيدالوجيه والامام النبيه المدفون عندابيه حجة الله على الخلق اجمعين رحمة الله »
« على اهل السموات والارضين سلالة سيدالنبيين قرة عين خير الوصيين الممتاز بسلام »
« جده على لسان جابر والناشبة بين خلفاء بسيدالاوائل و الاواخر مخزن اسرارالله »
« معدن علم الله الطهر الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر والبحر الزاخر والدر الفاخر »
« امام الكونين ومقتدى الثقلين ابى جعفر محمد بن على الباقر . »

« اللهم صل وسلم على الصادق الصديق العالم الوثيق الحليم الشفيق خليفة »
« خير الانبياء وصى سيدالاوصياء المظهر البراهين ومبين الايات الحجج والبينات »
« منبع العلوم المكنونة خازن الاسرار المكتوبة بضعة رسول الثقلين قرة عين نبى »
« الخافقين حجة الخالق هادى الخلايق صاحب الشرف الرفيع والحسب المنيع والفضل »
« الجميع المدفون بارض البقيع المهذب المؤيد والامام الممجد قدوة الانام والحبر »

« الهمام محقق الحقايق و مظهر الدقايق ابى عبدالله جعفر بن محمد الصادق . »

« اللهم صل و سلم على السيد الكريم و الامام الحليم سمى الكليم و الصابر »
« الكظيم قايد الجيش المدفون بمقابر قريش مخزن اسرار علوم الابد وحجة الله »
« الواحد الاحد الصمد هادى الانام ومبين احكام الحلال والحرام المظلوم المسجون »
« والغريب المغموم المحزون صاحب الشرف الانور والجبين الازهر مولى الثقلين »
« ومقتدى الكونين قرة عين خير الخلق اجمعين موسى بن جعفر الكاظم . »

اللهم صل وسلم على السيد المعصوم و الامام المظلوم و الشهيد المسموم و »
« الغريب المغموم وارث علوم انبياء المرسلين وسليل خير النبيين وسيد الوصيين »
« بدر النجوم وشمس الشموس انيس النفوس المدفون بارض طوس عالم اسرار التنزيل »
« والتاويل كاشف رموز التورية والزبور و الانجيل حجة الله على البرايا رحمة الله »
« على اهل الارض و السماء الراضى المرتضى المجتبى المرتجى ابى الحسن على بن »
« موسى الرضا » .

« اللهم صل وسلم على السيد العالم العامل الفاضل الكامل الباذل العادل الاجود »
« الجواد العارف باسرار المبداء والمعاد ولكل قوم هاد مناص من لامناص له يوم »
« ينادى المناد المدفون بارض بغداد حجة الله على البريات شفيع الامة فى العرصات »
« المعصوم من الذنوب والخطايا منبع الهمم والعطايا قدوة اهل الهدى وذوى التقى و »
« المختص بالامامة فى الصبى مقتدى الكونين و للنبى قرة عين السيد العربى والامام »
« الاحمدى والنور المحمدى الملقب بالتقى المكنى بابى جعفر محمد بن على . »

« اللهم صل وسلم على الامام الهمام وفخر الانام مقتدى الخواص والعوام السيد »
« السند المجد المؤيد كهف التقى و غيث الورى بدر الدجى طود النهى علم الهدى »
« المدفون بسر من رأى مظهر المعجزات ومبين الايات سلالة سيد الاولين والاخرين »
« خليفة قائد الغر المحجلين معدن العلوم الربانية مخزن الاسرار السبحانية حجة الله »
« على كافة البرية امام الكونين و قدوة الثقلين صاحب المفاخر و الايادى افضل كل »
« حاضر وبادى ابى الحسن على بن محمد التقى الهادى . »

« اللهم صل وسلم على الامام الهمام الفاضل و السيد العالم الكامل المعصوم ،
« المؤيد والمحدث المسدد حجة الله الناطق ولسانه الصادق وبرهانه القاطع ونوره الساطع ،
« اللامع حامل امانات النبوة كافل هداية الامة قدوة الابرار والاخيار امين الله في البرارى ،
« والبحار منبع العلوم ومجمع الانوار كاشف المحن و البلوى المدفون بسر من رأى ،
« الامام الولي خازن سر النبي ابي محمد الحسن بن على العسكرى . »

« اللهم صل و سلم على صاحب الدعوة النبوية و الصولة الحيدرية والعصمة ،
« الفاطمية والحلم الحسنية والشجاعة الحسينية والعبادة السجادية والمأثر الباقرية ،
« والاثار الجعفرية والعلوم الكاظمية والحجج الرضوية والجود التقوية والسخاوة ،
« النقوية و الهيبة العسكرية الامام المنتظر صاحب العصر والزمان سمى حبيب ،
« الرحمن صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين ولعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين ،
« كتبه عبدالرحيم . في ١١٠٤ »

٣ـ كتيبهٔ ايوان غربى داخل گنبد بخط افقى چنين است :

« روى ابن المغازلى والديلمى عن سلمان قال سمعت حبيبى رسول الله صلى الله ،
عليه وآله يقول كنت انا و على نورا بين يدى الله عزوجل قبل ان يخلق الله آدم باربعة ،
« عشر الف عام فلما خلق الله آدم قسم ذلك النور جزأين فجزء انا وجزء على ففى النبوة ،
« وفى على الخلافة. فى كتاب جامع الاصول روى الترمذى عن ام سلمة قالت قال رسول الله ،
« صلى الله عليه وآله وسلم من اراد ان ينظر الى نوح فى تقواه والى ابراهيم فى حلمه ،
« والى موسى فى هيبته والى عيسى فى عبادته فلينظر الى على. و روى ابو القاسم سليمان بن ،
« احمد الطبرانى رحمه الله بسنده الى عبدالله بن حكيم الجهنى ان رسول الله صلى الله ،
« عليه وآله قال انتهيت ليلة الاسراء الى سدرة المنتهى فاوحى الى فى على انه امام ،
« المتقين و قائد الغر المحجلين الى جنات نعيم و قال لو يعلم الناس متى سمى على ،
« امير المؤمنين ما انكر فضله كتبه عبدالرحيم الجزايرى . ١١٢١ »

۴ـ كتيبه ولوحه‌هاى نماى خارجى ايوان جنوبى :

الف ـ كتيبه نماى خارجى ايوان جنوبى در زير مناره هاى طرفين بخط

ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ در وسط چنین است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لعلی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه ـ »
« السلام یاعلی نوم العالم افضل من عبادة العابد یاعلی رکعتین یصلیها العالم افضل من »
« الف رکعة یصلیها العابد وروی حفص بن غیاث انه قال قال ابوعبدالله علیه السلم »
« من تعلم وعمل به و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً فقیل تعلم لله و عمل لله »
« عن معویة بن وهب قال سمعت ابی عبدالله علیه السلم یقول اطلبوا العلم وازینوا معه »
« بالحلم والوقار و تواضعوا لمن تعلموا العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم ولا تکونوا »
« علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم . عن ابی عبدالله علیه السلم یقول ان من حق »
« العالم الا تکثر علیه السؤال ولا تأخذه بثوبه واذا دخلت علیه وعنده قوم فسلم علی[1] »
« جمیعاً وخصه بالتحیة دونهم واجلس بین یدیه ولا تجلس خلفه ولا تغمز بعینك ولا »
« تشر بیدك ولا تکثر من القول قال فلان خلافاً لقوله و لا تضجر بطول صحبته فانما »
« مثل العالم مثل النخلة تنتظر متی یسقط علیك منها شیئی والعالم اعظم اجراً من »
« الصائم القائم الغازی فی سبیل الله . وعن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله یقول من علم »
« خیرا فله مثل اجر من عمل به قلت فان علم غیره یجری ذلك له کتبه عبدالرحیم »
« فی ۱۱۱۲ »

ب ـ خطوط بنائی نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه :

۱ ـ روی دو جرز دو طرف ایوان جنوبی در یك شکل چهار ترنجی بخط بنائی مشکی برزمینهٔ سفید چنین نوشته شده :

« اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم و اهلك اعدائهم .

ودر ترنج دیگر نوشته شده :

« اشهد ان لااله الاالله واشهد ان محمداً رسول الله واشهد ان علیا ولی الله » .

در ترنج سوم نوشته شده :

« استغفر الله الذی لااله الا هوالحی القیوم واتوب الیه ».

---

۱ ـ درست روایت (علیهم) میباشد .

و در ترنج چهارم چنین خوانده میشود :

« وصلی‌الله علی جمیع الانبیاء والمرسلین والحمدلله رب‌العالمین» .

ودرشکل مربع وسط چهار ترنج چهارمرتبه کلمهٔ (علی) نقش شده است .

۵ ـ کتیبهٔ قسمت فوقانی محراب ومنبرمدرسه چنین است :

« رواه البیهقی فی‌کتابه الذی صنفه فی‌فضایل الصحابة یرفعه بسنده الی ، « رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم من اراد ان‌ینظر الی‌نوح فی‌تقواه والی ابراهیم ، « فی‌حلمه‌والی‌موسی‌فی‌هیبته والی‌عیسی فی‌عبادته فلینظرالی علی. وروی ابوالقاسم ، « سلیمان بن احمد الطبرانی رحمه‌الله بسنده الی عبدالله‌بن حکیم الجهنی ان ، « رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله قال انتهیت لیلة الاسراء الی‌سدرة المنتهی فاوحی ، « الی‌فی علی‌انه امام‌المتقین وقائد الغرالمحجلین‌الی‌جنات نعیم وقال لویعلم‌الناس ، « متی سمی علی امیرالمؤمنین ماانکرفضله کتبه عبدالرحیم الجزائری ۱۱۲۱ » .

۶ ـ کتیبه های شبستان مدرسه :

شبستان مدرسه که درضلع خاوری گنبد واقع وبوسیلهٔ در منبت‌کاری جالبی بفضای زیرگنبد مربوط میشود سه محراب دارد ودر اطراف یکی از آنها با خط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره و پایان آن باین کلمات ختم میشود : «صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم ونحن علی ، « ذلك من‌الشاهدین کتبه محمد مؤمن‌الحسینی» .

در اطراف محراب دوم ازآغاز آیهٔ ۷۸ تا پایان آیهٔ ۸۲ سورهٔ اسری نقش شده و قسمت آخرآن برقم زیر ختم میشود: «کتبه محمد مؤمن‌الحسینی ۱۱۱۸» .

درکتیبهٔ محراب سوم آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره نقش شده بوده‌که فقط : «قدنری تقلب وجهك» ازآن باقی مانده است .

۷ ـ کتیبهٔ مناره های مدرسه :

درزیرستونهای تارك دومناره کتیبهٔ زیر بخط ثلث لاجوردی برزمینهٔ کاشی زرد باین شرح دیده میشود :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم انعلیا منی وانا من علی وهو مولی »
« کل مؤمن بعدی لایؤدی عنی الا انا اوعلی . قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله »
« انا وعلی من نور واحد .»

۸ ـ کتیبه نمای خارجی گنبد مدرسه :

درگردنهٔ گنبد مدرسه درقسمت بالا باخط بنائی سه رگی برزمینهٔ فیروزه‌ای عبارت : « اللهم صل علی محمد وآله وسلم » چهار بار نقش شده است ، ودر پائین قسمت مزبور برلوحه های پراکنده‌ای با خط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمینهٔ سفید عبارات زیرچهار بارتکرارشده است : (ش ۴۸)



(شکل ۴۸)

۱ ـ « توکلت علی الحی‌الذی لایموت» چهار بار.
۲ ـ «الله‌اکبر» چهار بار .
۳ ـ «هوالله‌الذی لااله‌الاهو» چهار بار .
۴ ـ «الله‌اکبر» چهار بار .
۵ ـ «الملک‌لله الواحدالقهار» چهاربار .

و در اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی چنین نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. الحمدلله‌رب‌العالمین رافع‌السموات وباسط‌الارضین ،
« والصلوة والسلام علی خاتم‌الانبیاء و سیدالمرسلین محمد صاحب‌الفرقان و مهبط ،
« وحی القرآن و علی‌اله الطیبین الاخیار وصحبه‌المنتجبین الابرار لاسیما اخیه و ،
« وصیه و مستودع علمه و موضع سره وباب حکمته وخلیفته فی‌امته الداعی الی ،
« شریعته علی‌بن‌ابیطالب علیه وعلی اولاده سلام‌الله الملك الواهب وبعد فان عمارة ،
« المساجد لاقامة ذکرالله وتأسیس المدارس لتنفیذ امرالله من‌اعظم‌المثوبات لدیه ،
« و اقرب‌القربات الیه و قدحث سبحانه وتعالی علیه فقال عز من قائل انما یعمر ،
« مساجدالله‌من آمن بالله‌والیوم‌الاخر وممن من‌الله‌علیهم بهاتین‌الموهبتین هوالسلطان ،
« العادل والخاقان الباذل ملك‌الانام ناشر احکام الاسلام مروج الشریعة الغراء ،
« والسالك سبیل‌المحجة البیضاء الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی ،
« بهادرخان‌لازال ایام‌دولته مرفوعة الی‌سمك‌السماء وصیت‌معدلته‌مسموعا فی‌سطوح ،
« المساجدوالافلاك لماصرف‌فیهما صفوالمال بطیب‌البال وصدق‌النیة اهدی ثوابهما ،
« الی مواليه سادات الخلق والبریة والمعصومین الاربعة عشر علیهم‌السلم کتبه ،
« عبدالرحیم الجزایری فی ۱۱۲۲ » .

و در یك حاشیه‌که برکتیبه مزبور عمود است چنین خوانده میشود :

« تعمیرات مدرسه درتاریخ هزاروسیصدوپانزده بامر وزارت معارف واوقاف ،
« انجام یافت » .

۹ ـ حجرهٔ شاه سلطان حسین :

بطوریکه مشهور است شاه سلطان حسین حجره‌ای در قسمت ضلع شمالی مدرسه ازسمت مغرب داشته‌که درآن گاه‌گاهی جلوس وتدریس میکرده وباهنگام سرکشی بمدرسه درآن فرود میآمده است .

حجرهٔ مزبورباسایرحجرات مختصرامتیازی داردکه یکی زیلوی سیاه‌رنگ

تاریخ وکتیبه‌داری است که کتیبهٔ آن چنین است :

« فرش این مدرسه که روح افزا است وقف نواب اشرف والا است »

و دیگر اینکه داخل حجرهٔ مزبور با حاشیه های طلاکاری آراسته شده و بخاری بسیار زیبائی دارد .

هرچند انتساب حجره بشاه سلطان حسین سندی ندارد ولی ممکن‌است بنام آن پادشاه ساخته شده باشد برای حفظ عنوان نه‌اینکه پادشاهی در حجره مدرسه اقامت داشته باشد .

۱۰ ـ شاخص مدرسه :

ازقدیم برای تعیین ظهر وهمان‌طور تشخیص قبله دانشمندان فن چون شیخ بهائی وغیره شاخصهائی درست کرده‌اند یکی ازآنها در مسجد شاه و دیگری که نگارنده دیده‌ام در مدرسه نیم‌آورد میباشد .

درسال ۱۳۱۱ شمسی‌هم بهمت دانشمند منجم سیدجلال‌الدین طهرانی چنین شاخصی سنگی‌که مبین ظهر حقیقی‌است درطرف شرقی ایوان‌شمالی مدرسه‌سلطانی چهار باغ نصب‌گردیده‌که مورد استفاده نیازمندان است .

کتیبهٔ شاخص چنین است :

«در روز یکشنبه ۲۹ جمادی‌الاخرة ۱۳۵۱ قمری و ۷ عقرب و ۸ آبان‌ماه ۱۳۱۱»
«شمسی این سنگ برای تعیین ظهر حقیقی بیادگار سفر اصفهان این جانب سیدجلال‌الدین»
« الحسینی الطهرانی درمدرسهٔ چهارباغ نصب شدکه چون‌جدار غربی این‌سنگ »
« سایه‌اش معدوم شد ظهرحقیقی واقع میگردد . درزمان تولیت آقای آقا مصطفی»
« مدرس نجل مرحوم سید عبدالحسین سیدالعراقین طول اصفهان ۵۱ درجه و۳۵ »
« دقیقه شرقی گرینیچ وعرض آن ۳۲ درجه و۴۰ دقیقه شمالی استوا و انحراف »
« قبله از جنوب بمغرب ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقه و جنوب جغرافیائی۴ درجه و ۵۲ »
« دقیقه در مشرق جنوب مقناطیسی قطب‌نما است وارتفاع‌اصفهان ازسطح‌اقیانوس»
« مابین ۱۴۷۵ و ۱۵۲۰ متر میباشد وبواسطه انکسار شعاع روزهای سال از سه »

« دقیقه تا ۷ دقیقه بلندتر از روزهای حقیقی میشود و تیزه مابین جدار غربی و »
« جدار جنوبی سنگ نماینده قبله مدرسه چهار باغ است و چون ظل جدارغربی »
« معدوم شد در جدار شرقی ظل حادث میگردد . مرحوم‌شیخ بهاءالملة والدین »
« علیه‌الرحمه درمسجدشاه اصفهان در مدرسه غربی آن سنگی نصب فرموده‌اند که »
« آن نیز برای تعیین ظهرحقیقی است‌که چون ظل‌آن معدوم‌شد ظهرواقع میشود »
« و سطح فوقانی‌آن سنگ بشکل مثلث قائم‌الزاویه است که وتر مثلث درجهت »
« طرفی است‌که ظهررا تعیین میکند ویك ضلع مجاور بزاویه قائمه وصل بدیوار »
« است وضلع دیگر نماینده قبله است و اینجاست‌که بایدگفت الفضل‌للمتقدم .»

این‌بود کتیبه‌های مدرسه چهارباغ‌که تاکنون خوانده شده و بیشتر آنها را ازگنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان‌که الحق در جمع‌آوری وقرائت کتیبه ها زحمت بسیارمتحمل‌شده وتاآنجاکه امکان داشته درنقل‌صحیح‌آن‌کوشیده است نقل‌کرده‌ام. کتیبهٔ مهمی‌که در قسمت نمای خارجی ایوان غربی درزیرگلدسته بخط ثلث سفید برزمینهٔ‌کاشی خشت لاجوردی‌نقش شده وتاریخ آن‌سال۱۱۲۰هجری قمری است درست خوانده نمیشود مگر اینکه کسی اصل آن اشعار را ازجای دیگر بدست آورده باشد .

تاریخ شروع وبنای مدرسه مزبور بدرستی وقطعی معلوم و مشخص نیست و تاریخهای گوناگونی دیده میشود که باید مورد بررسی واقع‌گردد .

مثلاً تاریخ سنگابهای مدرسه یکی۱۰۹۰ هجری ودیگری ۱۱۱۰ هجری است وتاریخ بنا از۱۱۰۴ هجری شروع وتا ۱۱۲۶ هجری ادامه داشته است که در تاریخ اخیر درب نقرهٔ‌آن نصب گردیده است .

و تاریخهای گفته شده جزتاریخ ۱۱۲۶ هجری بقیه در ذیل کتیبه هائی که یادگردیده وجود دارد وتاریخ ۱۱۲۶ نیزضمن ذکر وقایع سال ۱۱۲۶ ایام سلطنت شاه سلطان حسین درکتاب وقایع السنین‌خاتون‌آبادی مخطوط موجود درکتابخانه مجلس شورای ملی‌مذکور است[۱] .

۱ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۹۲ بنقل از مجله یادگار سال‌سوم شماره ۳ ص ۵۸

طول صحن مدرسه ازمشرق بمغرب ۶۵/۵ متر وعرضش ازشمال بجنوب ۵۵/۵ متر است .

زمین زیر بنای مدرسه وصحن همگی قریب ۸۵۰۰ متر مربع است ویکصدو پنجاه حجره برای سکونت طلاب دارد .

چند اصله چنار قدیمی نیز در صحن مدرسه وجود دارد و شعبه‌ای از مادی فرشادی اززیر دالان وایوان شرقی بسمت سرای فتحیه میگذرد . سرای فتحیه امروز بنام مهمانسرای شاه عباس نامیده میشود .

این اثر باستانی طی‌شماره ۱۰۹ به ثبت تاریخی رسیده است [۱]

۱۲ـ مدرسهٔ حاجی حسن :

این مدرسه‌که در جنب مسجد علی و در برابر هارون ولایت واقع گردیده دو طبقه و مشجر میباشد و در زمان قدیم مدرسهٔ سلطان محمد سلجوقی نامیده میشده است .

درسال ۳۰۸ شمسی‌که نگارنده آن مدرسه را دیدم عده‌ای ازمحصلان‌جدید وکمی طلبه ومتفرقه درآن سکونت داشتند وبتدریج روبخرابی‌گذارده بود ولی در این اواخر مورد توجه وتعمیر واقع گردیده است .

سبك ساختمان مدرسه مشابه سبك ساختمان مسجد و بالای در ورودی آن روی‌کاشی این عبارات خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم » « انا مدینةالعلم وعلی بابها »

« سرمایهٔ نجات‌بود مهر بوتراب خواهی‌اگر نجات‌ازاوروی‌برمتاب»

و اگر ساختمان مدرسه مربوط بزمان سلاجقه‌هم باشد شکی نیست‌که کتیبهٔ مزبور اززمان صفویه ببعدایجادشده وازهمان‌موقع بمدرسه حاجی‌حسن‌شهرت‌یافته است وقاعدةً باید درزمان صفویه‌بحالت ویرانی درآمده‌باشدتا حاجی‌حسن درصدد احیاء وتعمیرآن برآمده است .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۸.

۱۳ـ مدرسه حاجی‌شیخ محمدعلی ثقة الاسلام :

این مدرسه دربازارچه حسن‌آباد ودرحد جنوبی‌مسجد ساروتقی قرار دارد و ازبناهای ثقةالاسلام حاج‌شیخ محمدعلی اصفهانی متوفی (۱۳۱۸ هـ. ق) میباشد ومساحت آن درحدود شانزده قفیز است.

سکنه مدرسه مزبور ازطلاب علوم دینیه بوده‌اند وتانیمه دوم قرن‌چهاردهم هم پراز طلاب علوم دینی بود ، و علمای مسجد شاهی درترویج طلاب بسکونت و تحصیل درآن میکوشیدند .

۱۴ـ مدرسه دربکوشك = باقریه = پاشیر :

این‌مدرسه درمحله دربکوشك ودرمجاورت باب‌القصر قرارگرفته وازمدارس قدیمی بدون تزیینات میباشد وطلبه نشین است ولی درزمان قدیم دارای کاشیهای معرق وتزییناتی بوده است‌که دراثرمرور زمان و ابتلای بویرانی ازمیان رفته‌است وچون درمحله درب‌کوشك واقع شده بمدرسه دربکوشك وچون شیری‌سنگی‌درآن محل‌بوده بمدرسه پاشیر وچون بانی‌آن باقر نام داشته بباقریه خوانده شده است .

ثبت تاریخی این مدرسه درگردش اداری است[۱] .

۱۵ ـ مدرسه ذوالفقار :

این مدرسه درکوچه‌ای موسوم به کوچه ذوالفقار منشعب از بازار بزرگ واقع درمحله نیم‌آورد قرار دارد ودرهمان‌کوچه مسجد و حمامی نیزبنام ذوالفقار وجود دارد و معلوم میگردد که در عصر شاه طهماسب صفوی این سه بنا ایجاد شده است . هرچند مدرسه‌کتیبه‌ای ندارد ولی‌کتیبه مسجد ذوالفقار حاکی است که در سال (۹۵۰) هجری در عهد شاه طهماسب شیخ محمد صفی نامی مسجد موسوم به ذوالفقار را تعمیرکرده است و با این ترتیب باید گفت که اصل بنا از زمان جلوتری بوده ودرعصرشاه طهماسب تعمیرگردیده است وعلت تسمیه بنامذوالفقارهم معلوم نیست واگربگوئیم که بانی‌اول ذوالفقار نام داشته با عکسهای شمشیر دوسر

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

روی دیوارهای گچی شبستان وفق نمیدهد . مگر اینکه گفته شود از نظر عقیده و احترامی‌که صفویه بحضرت علی‌داشته‌اند مسجد ومدرسه و حمام بنام ذوالفقار علی نامیده شده‌اند .

۱۶ ـ مدرسه سلیمانیه :

این مدرسه درگوشه جنوب غربی مسجد شاه قرار دارد و بوسیله دو مدخل بزرگ بصحن مسجد وسه مدخل بزرگ‌دیگر بمحوطه زیرگنبدغربی ارتباط دارد . غرفه های اطراف صحن مدرسه در پائین با ازاره های مرمری و در بعضی جاها با سنگهای پارسی واز ازاره ببالا با کاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده .

سنگ شاخص منسوب به شیخ بهاءالدین عاملی در قسمت تحتانی یکی از جرزهای ضلع شمالی صحن‌مدرسه نصب‌شده است؛ شاخص مزبورظهرحقیقی اصفهان را در چهار فصل سال نشان میدهد .

سردرمدرسه‌که بطرف‌کوچه پشت مسجد است‌کتیبه‌ای دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ وبخط محمدرضا امامی باین شرح :

« .... جامع کبیرالاعظم‌الشاهی العباسی الصفوی فی‌زمن‌الدولة السلطان و »
« الخاقان الاکرم مالك رقاب‌الامم مولی ملوك‌العرب والعجم مروج مذهب‌الائمة »
« المعصومین علیهم‌السلم السلطان‌بن السلطان ابوالمظفر شاه سلیمان الموسوی »
« الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی‌کافةالعالمین بره »
« و عدله و احسانه لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و جباه افاخم »
« السلاطین معفرة بتراب اعتابه فی‌ثمان وسبعین والف‌کتبه محمدرضا الامامی . »

در درون مقرنس کاشیکاری سردرمزبور دردوشمسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی عبارات :

«یاصمد» و«یاغافر» و«یاشکور» و«یارازق» و«یاصبور» نقش شده؛ ودر دولوحه بردوطرف شرقی وغربی سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین خوانده میشود :

« عمل فقیرشجاع‌بن مرحوم استاد قاسم بناء اصفهانی »[1] .

از آغاز کتیبه سردر مقداری افتاده که ظاهراً مربوط بتاریخ اتمام بنای مدرسه بوده است .

این مدرسه و تمام ساختمانهای مسجد شاه بموجب شماره ۱۰۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۱۷ ـ مدرسه شفیعیه دردشت :

این مدرسه بهمت محمد شفیع‌بن جمال‌الدین محمدخوزانی درمحله دردشت ودر دوره شاه‌عباس‌دوم ساخته شده است . نمای خارجی صحن‌مدرسه آجرساده ولی درون ایوانهای چهارگانه چهار سمت صحن قطاربندی‌های‌گچی دارد و با قطارهای مسجد علی مشابهت دارد . ایوان جنوبی از دیگر ایوانها بزرگتر است و تزیینات گچی بیشتری‌دارد ویك چشمه‌آن تجدید بناگردیده است .

کتیبه سردرمدرسه بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی‌لاجوردی‌چنین‌است :

« قداتفقت عمارة هذه المدرسة الحقيرة والمساجدالمبينة فيها فی‌ایام‌خلافة »
« السلطان الاعظم والخاقان الاكرم مروج مذهب ابائه ائمة الطاهرين السلطان‌بن »
« السلطان شاه عباس‌الثانی الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملكه و »
« وفق باحدائه و اتمامه احقرعبادالله و احوجهم الی عفوربه‌الغفورابن جمال‌الدین »
« محمدالخوزانی محمدشفیع‌الاصفهانی عفی‌عنهمافی ۱۰۶۷ کتبه محمدرضاالامامی. »

در راهرو ایوان بزرگ جنوبی مدرسه دولوح بزرگ سنگی بردیوارهای دوطرف ایوان نصب شده ودر آن فهرست رقبات موقوفه نقش گردیده است ، در حدود نیمی از نوشته هریك از لوحه‌ها از میان رفته است وآنچه مانده و خوانده میشود چنین است :

« هوالواقف‌علی‌الضمائر بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وقف نمود احوج‌المحتاجین »

---

۱ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۵۵ تا ص ۴۵۷ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۴۶ .

« الی عفور به‌الغفور محمد شفیع‌ابن جمال‌الدین‌محمد خوزانی اصفاهانی‌کل این »
« مدرسه حقیره محدثه خود را با بیوتات معینه معلومه مربوطه بآن‌که بیوتات »
« مسفوره مشتمل است برسه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها »
« و غسالخانه مربوطه بمدرسه و فضاء دیگرکه کروچاه و مستراح در آن واقع »
« است و ممر بیوتات مذکوره از میان مدرسه مسطوره است و این چهار صفه و »
« شبستان متصله بکریاس در مدرسه که مسجد است بر طلبه علوم دینیه اثنی »
« عشری که ادای صلوات در مسجد و شبستان و تغسیل و تکفین اموات مؤمنین »
« درغسالخانه مزبوره وطلب‌علوم دینیه درمساجد ومدرسه وبیوتات مزبوره نمایند »
« وقفاً صحیحاً دائماً شرعیاً و بعد ذلك وقف نمود قربة الی‌الله تعالی‌کفارة لبعض »
« سیئاته همگی و تمامی آنچه تا این وقف بعنوان ملکیت بلامنازعی در تصرف »
« شرعی واقف بود از رقبات وعقارات‌که عبارت است ازهفت حبه ویکدانگ‌ونیم »
« یکحبه ازکل هفتادودوحبه قریه معروفه بمحمدآباد قهاب وقاطبت سه‌حبه‌ونیم »
« ازکل هفتادودوحبه موضع طادلنجان وموازی شش سهم و چهاردانگ یك سهم »
« از جمله بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارت است از چهارحبه از کل »
« هفتادودوحبه قریه و سفاباد ماربین وکلیت شش سهم و چهاردانگ‌ونیم از جمله »
« بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارتست از کل سه حبه از هفتادودوحبه »
« موضع امین‌آباد ماربین وتمامت سه حبه و دو دانگ‌ویك ..... شعیر از »
« جمله یك‌حبه دیگرازکل هفتاد ودوحبه موضع کنگاز (جی) وهمگی هفتادودو »
« حبه .... تیمچه معینه مربوطه ... ملکی احداث نموده واقف حقیر مذکور »
« و واقع .... »

لوح سنگی دیگری در روبروی لوح گفته شده در بالا برروی دیوار ایوان نصب شده بطول ۱/۶۵ و عرض ۸۸ سانتیمترکه در واقع متمم فهرست موقوفات و کیفیت‌آن میباشد وآن چنین است :

« ماه مبارك رمضان که همه ساله در مدرسه مزبوره روضته‌الشهداء خوانده »

« شود از رعایت قاری واسراج مجمع ولوازم آن بهمه جهت آنچه کرده شود . . . »
« از جهات و عوارضات دیوانی و تعمیر عمارات وتنقیه قنوات و مرمت مستغلات »
« وقفی ومسجد ومدرسه وغسالخانه مربوطه بمدرسه و بام‌اندود وتجدید بوریا و »
« مؤنات زراعت . . . . . وتکلفاتی‌که بحکام جور وعمال دیوانی وغیره درکار باشد »
« ومتضمن مصلحت و انتظام وقف باشد که هرگاه آن تخلف بعمل نیاید ضرری »
« بموقوفات یاحاصل آن رسد یا امری بخلاف شرط واقف بعمل آید یاچیزی نزد »
« مستأجران وزارعین وقف باقی ماند وضایع شود دغدغه شرعی نکرده آنچه در »
« کاروضرور نموده باشد درمساجد وکریاس دهلیز هرشب چراغ روشن‌کرده بعداز »
« وضع اخراجات مزبوره بترتیبی‌که مذکورشده آنچه باقیمانده متولی میانه طلبه »
« ساکنین حجرات و بیوتات جنب مدرسه بشرط آنکه طلبه مشغول بطلب . . . . »
« علوم دینیه باشند و بیکار نباشند فراخور استحقاق وصلاح وتقوی وفضل هریك »
« قسمت نماید و همچنین شرط نمودکه موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و »
« مرهون نسازند و زیاده از سه سال باجاره ندهند نه بعقدی واحد و نه بعقود »
« متعدده واحدی ازارباب وحکام وارباب مناصب دیوان وملازمان امراء ومقربان »
« پادشاه والاجاه عصررا مالك انتفاع‌ازانها نسازند بواسطه .... موقوفات را اصلاً »
« بجهت ساکنین بیوتات وخانه وسکنی‌نمودن درآنها ... درمدرسه مدون‌سازند... »
« مزبوره بنای عمارت نکنند و بهمین سنت و کیفیت گذاشته تعمیر و مرمت »
« نمایند ... سنة تسع و ستین بعد الف من هجرة النبویة کتبه محمد رضا الامامی »
« الاصفهانی » [1].

بطوریکه شرح داده شد بنای مدرسه در سال ۱۰۶۷ هجری در دوره شاه عباس ثانی بوسیله محمد شفیع‌بن جمال‌الدین محمد خوزانی انجام‌گرفته وبترتیب موقوفات وعواید مدرسه و تکلیف سایر احتیاجات تا تاریخ یکهزار و شصت و نه (۱۰۶۹ هـ .) یعنی دوسال بعداز اتمام مدرسه بدرازاکشیده است .

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۸۹ تا ص۵۹۲

قسمتی‌از لوحه‌ها ازمیان رفته وبیشتر ازموقوفات نیز ازلوحه‌ها سترده شده است و درواقع سابقاً که اوقاف سروصورتی داشته آزمندان برای تصرف مقداری از رقبات موقوفه باین‌عمل زشت مبادرت‌کرده‌اند.

ثبت تاریخی مدرسه مزبور درگردش اداری است[۱].

۱۸ ـ مدرسه شمس‌آباد :

این‌مدرسه در محله شمس‌آباد و اکنون در حاشیه خیابان شیخ‌بهائی واقع و تزیینات ساختمانی داخل‌آن مشابه مسجد شیخ علیخان است‌که درزمان شاه‌سلطان حسین صفوی انجام شده است.

کتیبه سر در مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق باتمام هذه‌المدرسةفی‌ایام سلطنة السلطان الاعظم‌والخاقان‌الاکرم »
« الافخم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم‌شاه سلطان حسین‌الموسوی»
« الحسینی خلدالله ملکه و افاض علی العالمین بره و احسانه عالیحضرت الاکرم »
« آمیرزا محمد مهدی‌ابن المرحوم میرزا محمد تقی التاجر العباسابادی کتبه»
عبدالرحیم ۱۱۲۵» [۲]

میرزا محمد مهدی‌که ساکن محله عباس‌آباد بوده درسال (۱۱۲۵ هـ . ق) یعنی درعهد سلطنت شاه سلطان حسین بعمارت این‌مدرسه درمحله شمس‌آبادهمت گماشته است وکتیبه مزبور بخط عبدالرحیم جزایری خوش‌نویس معروف عهد شاه سلطان حسین صفوی است . ثبت تاریخی این مدرسه بموجب تصویبنامه شماره ۴۸/۱۰/۱/۸۹۳ انجام شده است. [۳]

۱۹ ـ مدرسه صدر بازار :

این‌مدرسه که در حدود هشت جریب مساحت دارد مانند مدرسه چهارباغ

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ ۲ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۸۴ ۳ـ فهرست‌اداره کل‌باستان شناسی .

منتهی یك طبقه ساخته شده وچون عمر بانی کفایت نکرده ناتمام باقی مانده بوده است . (ش ۴۹)



(شکل ۴۹)

مدرسه صدر بازار بهمت حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی متوفی (۱۲۳۹ هـ. ق) صدر اعظم فتحعلی‌شاه قاجار بناگردیده وچون آن راد مرد بزرگ نیت خیر داشته پیوسته محل اقامت بزرگان علماء و مدرسان بوده است .

تا سال (۱۳۴۰ هـ . ق) این‌مدرسه بهمان وضعی بود که بانی ساخته بود و حجرات آن آماده برای سکونت و تحصیل طلاب بود و نیز مدرسها برای تدریس مدرسان ولی ساختمان از لحاظ تزیینات کامل نبود و لذا از سال (۱۳۴۱ هـ . ق) درزمان تولیت حاج‌شیخ محمد حسین‌خان صدر بتکمیل ساختمان پرداختند و نخستین کار کتیبه سردر مدرسه بود که خط آن از آن عبدالجواد خطیب[1] و شعرش از استاد

۱ــ میرزاعبدالجواد خطیب فرزند ملا عبدالله بن ملامحمدحسین بن حسن ریزی لنجانی ملقب به‌لسان‌الدین از علماء وفضلاء و ادباء وخطباء وخطاطان وشعراء بود ودراصفهان تحصیلات خود را در محضر بزرگان فن انجام و از طرف امام جمعه اصفهان سمت خطیب یافته بود و دراعیاد ومجالس خطبه میخواند و ماده تاریخهای بسیاری در تاریخ وفات بزرگان سروده ←

جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا فرزند طرب بود وسپس بتکمیل ایوانهای‌مدرسه پرداختند تا سرانجام عمارت‌کتابخانه مدرسه هم ساختمان و آماده استفاده گردید و اکنون مدرسه صدر بازار ازهرجهت آماده برای مدرسان وطلاب است .

حیاط مدرسه دارای درختان کهن‌سال کاج‌است که برصفای محوطه‌گلکاری مدرسه میافزاید وازاینرو طلاب همواره دربدست‌آوردن حجره درآن برای‌اقامت وتحصیل بریکدیگر سبقت میگرفتند .

دراواخر نیمه اول قرن‌چهاردهم‌هجری‌که نگارنده تحصیل میکردم‌حجرات این‌مدرسه طبعاً اختصاص به طلابی‌داشت‌که ازلحاظ وسائل معاشی‌در رفاه بودند و برای سکونت طلبه فقیر مناسب نبود وخود بخود فقط کسانی‌که در رفاه بودند در آن مدرسه سکونت داشتند ازمدرسان معقول مدرسه صدر آخوند ملامحمدکاشانی حکیم زاهد معروف متوفی (۱۳۳۳ هـ . ق) وجهانگیرخان دهاقانی حکیم‌متوفی (۱۳۲۸ هـ . ق) بوده‌اند .

مدرسانی‌که درزمان نگارنده یعنی ازسال (۱۳۴۰ هـ. ق) ببعد وجود داشتند: حجةالاسلامان حاج شیخ محمد حسین‌فشارکی متوفی (۱۳۵۳ هـ. ق) فقیه‌معروف و حاج سید ابوالقاسم دهکردی رجالی مشهور ودیگر حاج میرسید علی‌نجف‌آبادی متوفی (۱۳۶۲ هـ . ق) که از علمای‌نامی وافاضل نادرالوجود بشمار میرفت‌ودیگر شیخ علی‌یزدی ازفضلاء وادباء و زهاد متوفی (۱۳۵۳ هـ. ق) و شیخ محمد حکیم خراسانی ازحکمای‌بنام‌وزهاد مجرد زمان متوفی(۱۳۵۵ هـ . ق) بودندکه نگارنده ازمحضر سه تن اخیر استفاده کرده‌ام .

کتیبه سر در مدرسه درقسمت فوقانی بخط نستعلیق سفید بر زمینه مشکی معرق دریك لوحه : (بسم‌الله الرحمن الرحیم) وبرزمینه معرق مشکی‌گل و بوته

→ است‌در (۱۲۷۹ هـ . ق) متولد ودرشب سه شنبه ۲۱ ربیع‌الاول سال (۱۳۵۹ هـ . ق) وفات یافت ودردخت فولاد درسمت جنوبی آب‌انبار تکیه کازرونی مدفون‌گردید . او راست دیوان اشعار و شرح حالش را نگارنده در فرهنگ اصفهان و تاریخ خط و خطاطان بتفصیل نگاشته‌ام .

چنین نقش شده است :

« قال رسول‌الله(ص) انا مدینة العلم و علی بابها کتبه الادیب عبد الجواد ، « الخطیب . »

در دوطرف سر در دو لوحه دایره مانند بخط نستعلیق‌سفید برزمینه مشکی معرق نقش‌شده :

« دست علی» « تراش غفار »

در سر در مزبور اشعاری فارسی بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکی کاشی معرق باین شرح خوانده میشود :

« ضمایر دوجهان ازپس هزار حجاب چوآفتاب درخشد در آبگینه علم »
« بشوق‌چرخ نگر کزپس هزاران‌سال هنوز دست تمنا دهد بسینهٔ علم »
« روان صدر ازین مدرس سپهر اساس روان‌درآب‌حیات‌است یاسفینهٔ علم »
« بعون لشکر نصرت نظام دولت داد بحفظ‌کشور دین نظم‌این‌مدینهٔ علم »
« بدستیاری الماس فکر تا بابد پر از جواهر کانی بود دفینهٔ علم »
« صفای سعی بلیغش‌بطوف کعبهٔ دین چوکرد‌قفل یقین باز ازخزینهٔ علم »
« بتولیت چوبرافراخت سرزاستحقاق حسین‌شبل علی‌آن زجان‌کمینهٔ‌علم »
« نوشت کلك سنا ازبرای تاریخش : «گشوده‌شد بره‌دل در از مدینهٔ علم »

۱۳۴۱

کتیبه مزبور ازسال(۱۳۴۱ هـ. ق) حکایت میکندکه‌تزیینات سردر آن‌انجام گردیده است و تولیت مدرسه در عهده حاج محمد حسینخان‌بن میرزا علیخان صدری و شاعر آن استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا بوده‌است. (ش ۵۰)

درمرحله بعد ساختمان‌کتابخانه مدرسه باهتمام وکوشش حجت‌الاسلام حاج سید محمدرضا خراسانی مدرس مدرسه انجام شد ودرسردرکتابخانه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی چنین‌نقش‌گردیده :

« بعدالحمدلله والصلوة علی محمد (ص) وآله فقد اقدم السیدالسند الفقیه» « وآیةالله‌الملك‌الجلیل السید محمدرضا الخراسانی لتأسیس هذا البناء وتکمیله »



(شکل ۵۰)

« احیاء للعلوم والمعارف الدینیه و حفظاً للکتب العلمیهٔ حرره خلیقی پور . »

ونیز دریك لوحه‌کوچك درقسمت فوقانی سردر کتابخانه خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ۱۳۶۴ » .

و در اطراف نمای خارجی کتابخانه بخط نستعلیق سفید خلیقی‌پور برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ اشعار زیرکه شاعر آن استاد جلال‌الدین همائی‌متخلص به‌سنا است‌نوشته شده :

« دانش‌طلب‌که‌دانش‌ودین‌درکمال‌نفس — مس وجود را مثل کیمیا بود »

« بر رهروان ز منزل شك تا در یقین — دانش چراغ روشن و دین‌رهمنابود »

« با پرو بال علم هیولای محض را — تا عقل مستفاد همی از بقا بود »

« افشاند آستین بجهان آنکه باادب — برآستان علم و ادب جبهه سا بود »

« آنرا که دست علم وهنردستگاه‌داد — درپایه آسمان وزمین زیر پا بود »

« هرمجلسی ز علم بود باغی ازبهشت این گفته نکتهٔ ز شه اولیا بود »
« باشد کتابخانه یکی گنج پرگهر کز هر گهرش مخزن دل پربها بود »
« یا منبعی زنور که هر ذره‌ایش را افزون از آفتاب فروغ وضیاء بود »
« یا گلشنی زعلم که اوراق گلبنش اندر دماغ ناطقه دانش فزا بود »
« پاینده باد حجت اسلام ودین رضا کزوی اساس و شالده این بنا بود »
« سرمایه نجات بکار دو عالم است کاری که ازبرای رضای خدا بود »
« بشنو دو جمله از پی تاریخ این بنا کان هر دو یادگار زطبع سنا بود »
« از این‌کتابخانه بجو علم دین سپس برگو : بنای علم زسعی رضا بود »
۱۳۶۳

وسپس نوشته شده : « قدتم هذا البناء فی‌منتصف شعبان ۱۳۶۵ » ونیز بخط نستعلیق نوشته شده : «ساخت ابوالقاسم کاشی‌ساز ـ الکاتب الاثیم میرسیدالملقب » « بخلیقی پور» .

در دولوحه وسط دوپشت بغل کاشیکاری کتابخانه بخط ثلث مشکی برزمینه کاشی سفید این عبارات خوانده میشود :

« قال علیه‌السلم احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیها .» و در لوحه دیگر: « قال علیه‌السلم اکتبوا فانکم لاتحفظون حتی تکتبوا .»

وسپس بخط نستعلیق‌مشکی برزمینه‌کاشی سفید نقش شده: « عمل ابوالقاسم کاشی ساز» . (ش ۵۱)

سنگابی هم در صحن مدرسه وجود داردکه‌کتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی یا پارسو چنین است :

« می نوش‌آب‌ولعنت حق بریزیدکن جان را فدای مرقد شاه شهید کن »

« وقف جناب‌اباعبدالله نمود حاجی‌محمد ابراهیم‌خلف مرحمت‌وغفران پناه »
« میرزامحمد بیك شیروانی فی‌سنه ۱۳۷۵ حمل‌ونقل‌کننده ازمدرسه صدر بلعنت »
« خداوند گرفتارگردد مادامی‌که این مدرسه آباد است .»



(شکل ۵۱)

ومعلوم میگرددکه سنگاب مزبور مدتها بعداز ساختمان مدرسه وقف بر آن گردیده است . هرچند تاریخ قطعی بنای مدرسه صدر بازار روشن نیست ولی آنچه مسلم است پیش‌از (۱۲۳۹ ه . ق) که صدروفات یافته انجام شده بوده است وظاهراً در اوایل قرن سیزدهم که بحبوحه قدرت او بوده مانند سایر اعمال خیر او انجام گردیده است . دربخشی ازگنجینهٔ آثارملی‌سال بنارا (۱۲۲۰ ه . ق) نوشته است[۱] .

ثبت تاریخی این مدرسه هنوز انجام نشده ودرگردش اداری است .

۲۰ ـ مدرسه عربان :

این مدرسه‌که درنزدیکی امامزاده احمد ومقبره آقانجفی قراردارد درزمان صفویه دائر و طلبه نشین بوده است و شاردن فرانسوی درسفرنامه خود ازآن یاد کرده وشاید مدرسه مزبوربزمان عربها ارتباط پیدا میکرده ودرهرحال چون سکنه آن مدرسه ازطلبه عرب بوده‌اند بنام مدرسه عربان نامیده شده است و بااین فرض در ابتدای امرنام دیگری داشته‌که مهجورگردیده است .

۱ ـ بخشی ازگنجینهٔ آثارملی ص ۱۳ـ۱۴ .

این مدرسه در چند سال پیش رو بویرانی گذارده و خالی از طلبه شده بود ولی بهمت حجةالاسلام حاج سیدمحمدرضا خراسانی از علمای بزرگ معاصر و از مدرسان عالیمقام ازآن تعمیری بعمل‌آمده وکتیبه‌ای درسردرآن نصب شده است.

کتیبه مزبور شامل نصف آیه ۳۵ تاآخر آیه۳۷ از سوره اسری میباشد ودر پایان آن نقش شده :

« سنه ۱۳۶۲ عمل سیدحسین موسوی‌زاده‌کاشی‌ساز.» و بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت سفید اشعار زیر خوانده میشود :

« ز آقای سید محمد رضا خراسانی آن آیت و مقتدا »
« بشد پایدار این اساس علوم که ویران بد ازجهل اهل‌خطا »
« بلی سعی اشخاص همت بلند کنند تازه آثار عالی بنا »
« چوتاریخی ازجابری‌خواستند که باشد بتجدید بنیان سزا »
« چوروشن‌شد ازعلم این‌مدرسه بگو: « بد زنور محمد رضا » »

« کتبه میرسید خلیقی پور ۱۳۶۲»[1] .

اکنون مدرسه مورد استفاده طلاب قرار دارد و از وضع‌گذشته و مخروبگی خارج شده است . ولی بااینکه مدرسه بسیار قدیمی است چون‌آثارتاریخی نداشته تاکنون نسبت به‌ثبت تاریخی‌آن اقدامی نشده است .

۲۱ ـ مدرسه کاسه‌گران :

این مدرسه‌که در محله کاسه‌گران ودر بازار ریسمان منشعب از بازار عربان ومیدان‌کهنه شهر اصفهان قراردارد هنگام‌بنا معروف به‌مدرسه‌شمسیه بوده وپس‌از آنکه حکیم‌الملك مدرسه را ساخته مدرسه حکیمیه نام گرفته است ودر وقفنامه مورخ (۱۱۰۴ هـ. ق) هم‌همین‌نام‌را برآن اطلاق‌کرده‌اند ولی‌چون درمحله‌کاسه‌گران واقع شده بود . عوام بتدریج آن را مدرسه کاسه‌گران یعنی مدرسه‌ایکه در محله کاسه‌گران قراردارد خوانده‌اند .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۸۵۸ تا ص ۸۵۹ .

و اما اینکه قبل ازبنای حکیم‌الملك اردستانی آنجا را شمسیه میخوانده‌اند گمان میرود که مدرسه ویرانه‌ای بوده که شمس‌الدین محمد یزدی بانی آن بوده و چون مخروبه شده بود . حکیم‌الملك باصلاحدید وتصویب مراجع وقت تجدید بنا کرده است .

مدرسه کاسه‌گران دارای سردرکاشیکاری معقلی وقطاربندی قابل توجهی است و از بهترین کارهای اواخر دوره صفویه محسوب میگردد . این مدرسه در عصر شاه سلیمان صفوی ساخته شده ودارای اطاقها وحجره‌های دوطبقه است و پیوسته طلاب علوم دینی‌که بیشتر آنها اردستانی ومردم حومه شهربوده‌اند درآنجا بتحصیل علوم دینی‌میپرداخته‌اند چند سالی بودکه مدرسه روبخرابی نهاده بود ولی باتوجه اوقاف محل خرابیها ترمیم ومدرسه سروصورتی پیدا کرد و اکنون عده‌ای از طلاب و مدرسان درآن اشتغال دارند .

کتیبه سردر ورودی مدرسه و مقابل بازار ریسمان که در سال آخر سلطنت شاه سلیمان بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط عبدالله نوشته شده چنین است :

« حمدالمن وقف حجرات‌القدس فی‌السموات و مدارس‌الحکمة فی‌الارضین »
« علی‌محمد فخرالمرسلین وعترته المهدیین ، صلوات‌الله علیهم اجمعین وبعد لقد »
« وفق‌الله تعالی فی‌ظل حمایة اشرف السلاطین رافع لواء الشرع المبین مشید »
« اساس‌العلم والیقین فروع‌الشجرة الطیبة الاحمدیة غصن‌الدوحة العلیة العلویة »
« الخاقان‌بن الخاقان‌السلطان سلیمان‌الحسینی‌الموسوی الصفوی متع‌الله المؤمنین »
« بطول‌بقائه الی آخرالزمان‌لبناء هذه‌المدرسة‌الرفیعة والجامعة‌المنیعة‌السیدالسدید »
« النجیب الفاضل امیرمحمد مهدی الحسنی‌الحسینی الشهیر بحکیم‌الملك اطال‌الله »
« بقائه و جعلها فی‌بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو »
« والاصال رجال کتبه عبدالله ۱۱۰۵ . »

در پائین‌کتیبه ودربالای در ورودی بخط بنائی مشکی سه‌رگی سفید ومشکی

برزمینه آجری نوشته شده :

« انما یعمر مساجدالله من آمن بالله » ودر بالای سکوهای طرفین سردر بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری این عبارات خوانده میشود :

« سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم .»

در اطراف پشت بغل سردر مدرسه بطرف بازار بخط بنائی مشکی برزمینه سفید سوره‌های : الحمد ، الکافرون ، اخلاص ، الناس نقش گردیده است ودر پایان بکلمات : «وفی سنته ۱۱۰۳» ختم میگردد . در راس پشت بغل مزبور دریك شکل چهارضلعی نگاشته شده: «طلب العلم فریضة » وبطورپراکنده نامهای: (الله) (محمد) (علی) نیز نوشته شده است .

در دو شکل مربع مستطیل در طرفین سردر مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ نام استاد بناکننده سردر مدرسه چنین نوشته شده :

« عمل ابن استادعلی بیك ، محمد مؤمن بناء اصفهانی » ونام سرکار بنای مدرسه چنین آمده :

« بسرکاری سیادت وفضیلت پناه ابن محمد قاسم ، محمد محسن الحسینی ، « المشهدی » .

در درون سوسنهای قطار سر در داخلی مدرسه‌که قرینه ایوان شمالی است درچهار شکل مربع بخط بنائی قرمز برزمینه سفید این ابیات منقوش است :

« غرض نقشی است کزما بازماند که هستی را نمی‌بینم بقائی »

« مگر صاحب‌دلی روزی برحمت کند در حق درویشان دعائی »

و درچهار شکل مربع مستطیل بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید این اشعار کتیبه شده است :

« دریای سپهر کافتاب است کفش نبود چوعلی گوهری اندر صدفش »

« خورشید گهی بدرشود گاه هلال گر عکس دهد بماه در نجفش »

در دوشکل مربع مستطیل بخط ثلث مشکی برزمینه سفید نام سازنده سر در

داخلی چنین خوانده میشود :

« عمل ابن استاد اسمعیل بناء ، محمد ابراهیم الاصفهانی ۱۱۰۳ ».

در اطراف سردر درونی مدرسه کتیبه‌ای دارد بخط ثلث لاجوردی بر زمینه سفید بشرح زیر :

« روی عن علی بن موسی الرضا عن آبائه علیهم السلم قال قال رسول الله صلی الله »
« علیه وآله طلب العلم فریضة علی کل مسلم فاطلبوا العلم من مظانه واقتبسوه من اهله »
« فان تعلیمه لله حسنة وطلبه عبادة والمذاکرة به تسبیح والعمل به جهاد وتعلیمه من »
« لایعلمه صدقة وبذله لاهله قربة الی الله تعالی لانه معالم الحلال و الحرام و منار »
« سبل الجنة والمونس فی الوحشة والصاحب فی القربة والوحدة والمحدث فی الخلوة »
« والدلیل علی السرآء والضراء والسلاح علی الاعداء والزین عند الاخلاء یرفع الله به »
« اقواماً فیجعلهم فی الخیر قادة تقتبس آثارهم ویهتدی بفعالهم وینتهی الی رأیهم »
« وترغب الملئکة فی خلتهم وباجنحتها تمسحهم و فی صلوتها تبارك علیهم یستغفر »

در اطراف ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط ثلث سفید بر زمینه قهوه‌ای گچبری شده که چنین خوانده میشود :

« قال رسول الله صلی الله علیه وآله قال الله تبارك وتعالی الاان بیوتی فی الارض »
« المساجد یضیئی لاهل السماء کما تضیئی النجوم لاهل الارض الاطوبی لمن کانت »
« المساجد بیوته ، الاطوبی لعبد توفنا فی بیته ثم زارنی فی بیتی ، الاان علی المزور »
« کرامة الزائر ، الابشر المشائین فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیمة »
« وقال صلی الله علیه وآله لاصلوة لجاد مسجد الافی مسجد وقال صلی الله علیه وآله »
« من اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة ومن اخرج مایقذی عیناً کتب الله له کفلین من رحمته »
« وقال امیر المؤمنین صلوات الله علیه ان الله عزوجل اوحی الی عیسی علیه السلم قل للملاء »
« من بنی اسرائیل لایدخلوا بیتاً من بیوتی الابقلوب طاهرة وابصار خاشعة واکف »
« نقیة وقال الصادق علیه السلم علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض ومن اتاه »
« مطهراً اطهره الله من ذنوبه وکتب من زواره فاکثروا فیها من الصلوة والدعاء فی »

« المساجد وصلوا فی المساجد من بقاع مختلفة فان کـل بقعة یشهد للمصلی علیها »
« یوم القیمة . کتبه جعفر بن عبدالله ۱۱۰۳ » .

کتیبه های مدرسه کاسه‌گران چون بیشتر مربوط به احادیث است درقرائت آن اختلافی وجود ندارد ولی درقسمتی که مربوط باصل بنا و القاب بانی است اختلافات مختصری دیده میشود .

مثلاً درکتیبه سردرمقابل بازارریسمان‌که آیه‌های ۳۷ و ۳۸ سوره نورکلمه : رجال پایان آیه آمده و دنبال‌آن نام نویسنده کتیبه : عبدالله ۱۱۰۵ نوشته شده‌در گنجینه آثارتاریخی اصفهان[۱] کلمه رجال بعدازعبدالله آورده شده وموهم اینست که رجال لقب عبدالله بوده است . دیگر کلمه حمداً میباشد که در گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] بصورت احمد نوشته شده درصورتی‌که حمداً بوده وازنظرمعانی بیان و نحو هم اقتضاء دارد که حمداً باشد زیرا شخص معینی در مقام بیان نیست و کتیبه هم همان حمداً را میرساند .

مورد اختلاف سوم کلمه : وقف است که درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۳] بشکل وصیغه اوقف‌آورده شده درصورتیکه وقف متعدی‌است ونیازی بمتعدی‌کردن آن بوسیله بردن آن به باب افعال نیست . اختلاف چهارم[۴] کلمه خطا میباشدکه اصولاً دراین عبارات زاید بنظرمیرسد .

درکتیبه‌ها دوتاریخ جلب نظرمیکند ، یکی تاریخ (۱۱۰۳ هـ . ق) و دیگری (۱۱۰۵ هـ . ق) ومعلوم‌میگرددکه پایان بنائی‌وتزیینات‌مدرسه‌دریکهزارویکصدوپنج هجری خاتمه یافته است ولی تاریخ شروع را نمیتوان معین‌کرد آنچه مسلم است پیش ازسال (۱۱۰۳ هـ . ق) شروع بساختمان شده بوده‌است زیراکتیبه هرساختمان درآخرکار نوشته میشود واولین تاریخ مربوط بسال (۱۱۰۳ هـ . ق) میباشد . برخی ازنویسندگان[۵] نوشته‌اندکه ساختمان‌آن مربوط بسال (۱۰۹۶ هـ . ق) بوده است

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۲ . ۲و۳و۴ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۳ سطر ۱۱ . ۵ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۴۸ .

هرچند مدرکی برای این نظر در بین نیست ولی امکان داردکه آغازساختمان از آن سال باشد .

نکته‌دیگری‌که ازکتیبه‌ها برمیآید نام‌دوکاتب‌است یکی پدرموسوم به‌عبدالله نویسنده‌خط ثلث‌ودیگری‌جعفربن‌عبدالله پسر نویسنده‌خط ثلث . نام استاد بناکننده سردر استاد محمد مؤمن فرزند استاد علی‌بیك و نام استاد بناکننده سردر داخلی مدرسه‌محمد ابراهیم‌بن استاداسمعیل بنای‌اصفهانی وسرکاربنای مدرسه‌محمدمحسن حسین مشهدی نوشته شده است .

بانی‌مدرسه همانطورکه‌درمتن‌کتیبه نوشته شده امیرمحمدمهدی‌حکیم‌الملك اردستانی است[1] که در دربار اورنگ زیب میزیسته و از اطبای بزرگ عصر خود محسوب میشده و چون در هندوستان ثروت هنگفتی نصیبش گردید دستور داد که نمایندگانش در اصفهان و اردستان ضیاع و عقار و مستغلاتی بخرند و پس‌ازفراغت از این کارآنانرا بساختن مدرسه کاسه‌گران امرکرد و پس‌از اتمام بنای مدرسه در شوال سال (۱۱۰۴ هـ . ق) مقداری ازرقبات خریداری شده را وقف برمدرسه نمود وصورت وقفنامه بطورکلی چنین است :

الف : رقبات موقوفه :

۱ ـ هشت حبه وکسری از قریه ناجوان واقع در بلوك ماربین‌که از میرزا هدایت‌الله خلف میرزا محمد مهدی الشهیر به شریف‌الملك ، ابتیاع شده است .

۲ ـ چهارده سهم ازاملاك وباغات اصفهان خریداری ازمیرزا نورالدین ولد مرحوم شریف‌الملك .

۳ ـ چهارده سهم از املاك و باغات اصفهان خریداری ازمیرزا محمد زمان

۱ـ نسب حکیم‌الملك چنین است: امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك‌ابن میرآقابیك‌بن میریحیی‌بن میرحسین‌بن سید روح‌الله‌بن سیدرضی‌بن سیدحسین‌بن سید روح‌الله‌بن سید مرتضی علی‌بن سید روح‌الله‌بن سید قوام‌الدین‌بن سید ابوالشجاع‌بن سید علی‌بن سید عبادبن سیدحسن‌بن سید احمدبن سیدحسین‌بن سیدعلی‌بن سید محمدبن سید احمدبن سید محمدبن سیداحمدبن سید ابراهیم طباطبابن سید اسمعیل‌بن سید ابراهیم‌بن سید حسن‌المثنی ابن الامام حسن (ع) (آتشکده اردستان بخش اول ص ۶۳) .

پسر دیگر شریف‌الملك .

۴ـ هفت سهم‌دیگر ازشریف‌الملك‌خریداری اززبیده‌خانم دخترشریف‌الملك.

۵ ـ بازاریسمان‌که بوسیله حاج محمد رشیدا ازمیرزا محمد باقرگلستانه خریداری شده است .

۶ ـ حمام سرخ نزدیك مسجد جامع خریداری ازگلستانه .

۷ ـ دکاکین قریب مسجد جامع قدیم اصفهان خریداری ازمیرزا علاءالدین گلستانه .

۸ ـ املاك و باغات ایرستان‌جی خریداری از ملامحمد باقر مجلسی بوسیله رشیدا .

۹ ـ املاك و باغات ابهرجی خریداری از حاجی‌حسین اردستانی .

۱۰ ـ املاك اردستان‌خریداری ازمیرزا محمدرضا ومیرمحمدحسین معروف بزمین باغستان‌که بوسیله حاجی محمد رشیدا انجام شده است .

۱۱ ـ املاك مزروعی واقع در محله مون اردستان خریداری ازآقا شفیع اردستانی .

۱۲ ـ املاك‌خریداری ازحکیم مظفر اردستانی بوسیله حاجی‌محمد رشیدا .

۱۳ ـ املاك خریداری از میرسید احمد کچویه مثقالی که عبارت از نصف شایع کامل ازکل یك خانه طاق واقع درقریه مزبوره مشهوره وطاق‌آقانظام متصل بخانه طاق حاجی‌حسن وتمامی مجری المیاه یك حبه‌آب ازپانصد حبه‌که عبارت است از قنوات خمسه‌کچویه.

۱۴ ـ املاك خریداری ازحاجی شفیع زوارهای .

۱۵ ـ املاك خریداری‌از محمد مقیم ومحمد مؤمن ولدان پهلوان اسماعیل تفنگچی‌که عبارت ازممرومجری المیاه هفت سهم‌ونیم ازنهرجدال محله ازمحلات اردستان مشتق از قنات قدیم وجدید .

۱۶ ـ یك درب باغ معین و معلوم واقع در محله محال از محلات اردستان

مشهور بباغ فوق‌المقسم که ازقنات ارونه مشروب میشود خریداری از عالیحضرت میرزا محمد حکیم وزیر اردستان بوسیله حاجی محمد رشیدا .

۱۷ ـ چهار حبه شایعه در هفتادودوحبه مزرعه اونج ازتوابع علیای اردستان من اعیان یکدرب باغ معین واقع درمزرعه مشهوره بباغ میرمحمد سعیدخریداری ازمیرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۱۸ـ املاك خریداری ازمیرزا محمدرضا مشهور بمیرمیران ولد میرمحمد صادق مشهور به‌آقا میرزا ومیرمحمد هاشم ولد میرمحمد جعفر.

۱۹ ـ مجری المیاه نودوپنج (۹۵) سرجه از سرقات آب محله باب‌الرحی ازقناتین قدیم وجدید و پنج سرجه ازسرقات معینه نهر استون .

۲۰ ـ باغ معین مشجر باشجار مشهور بباغ مولانا ابراهیمی واقع در محله باب‌الرحی بمساحت دوازده قفیز.

۲۱ ـ یك قطعه زمین ساده قابل زراعت مشهور به‌مالك خاتونی خریداری از میرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۲۲ ـ هفده سهم‌ونیم ازمحله باب‌الرحی .

۲۳ ـ دوقطعه زمین ازمحله باب‌الرحی .

۲۴ ـ املاك خریداری ازمیرزا ظهیر ولدمیرزامحمد یوسف اردستانی واقع درقریه اونج .

۲۵ ـ قطعات دیگری درمحله مون اردستان ودرقریه اونج علیا .

۲۶ ـ مزرعه تقی‌آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمدرضا کلباسی ومیرزا محمد تقی .

۲۷ ـ سه طاق ازمزرعه جعفرآباد برخوار خریداری از میرزا محمدعلی و میرزا علیرضا ولدان میرزا ابوالقاسم سمنانی .

۲۸ـ صد سرقه ازکل سرقات محله‌کبودان اردستان خریداری ازمیرزا باقر کجکانی .

۲۹ـ سه شبانه‌روزوپنج سبع شبانه روزدیگرازکل ده شبانه روزمجری‌المیاه مزرعه هرمزآباد مشهور به‌مزدآباد ازقنات‌دائره وبائره مع املاك تابعه خریداری از ورثه میرسیدعلی‌کچویه مثقالی .

۳۰ ـ بیست‌وشش حبه لنگان اصفهان .

۳۱ ـ دودانگ‌ونیم و یك طاق کربکندی برخوار اصفهان .

ب ـ مصارف وقف

۱ ـ مخارج تعمیر مدرسه ورقبات موقوفه برداشت گردد و سپس‌عشر بعنوان حق‌التولیه .

۲ـ سالی پانزده‌تومان بکسی داده شودکه هم بتدریس وهم بعنوان نظارت درمدرسه اشتغال داشته باشد .

۳ ـ بطلاب ساکن هرحجره از حجرات مدرسه روزی پنجاه (۵۰) دینار داده شود .

۴ ـ بمؤذن روزی پنجاه (۵۰) دینار وفقط یکنفر مؤذن درمدرسه باشد .

۵ ـ دونفرخادم درمدرسه باشدکه بهرکدام روزی شصت (۶۰) دینار اجرت داده شود .

۶ـ یکنفر برای چراغ روشن کردن و یکنفر آبکش بقرار روزی پنجاه (۵۰) دینار اجرت داده شود .

ج ـ تولیت :

۱ـ سیادت و نجابت پناه ، فطانت و متانت دستگاه ، حمیده خصالی ستوده فعالی، غنی‌الاوصافی مقراللسیادة والنجابة والفطانة والمتانة والکمالات میرمحمد سعیدا خلف‌سیادت ومرحمت پناه، الواصل الی‌جوار مرحمة الملك‌الباری میرمحمد حسین‌اردستانی‌کد بشرف مصاهرت واقف و فقه‌الله تعالی مشرف است متولی‌خواهد بود وپس‌از اوامر تولیت مخصوص اسن اولاد ذکور مومی‌الیه‌که بصفت‌صلاح وسداد موصوف وبه‌رموز فضل‌وعلم‌متصف، وازبطن‌صبیه عالیحضرت واقف‌مومی‌الیه جعل‌الله

آماله مجیبًا بوده باشد .

واگر اسن اولاد او متصف بصفت مزبوره نبوده باشد وعقب او موضوف بصفت علم وفضل بوده باشد امر تولیت مخصوص اوبود و درهرمرتبه ازمراتب علم وفضل را منظور و ملحوظ کلی دانسته تقدم اعلمیت وافضلیت و اورعیت بـر اکبریت را شرط دانسته وبعد ازایشان باولاد اولاد ایشان ما تعاقبوا تناسلوا نسلاً بعدنسل و عقبابعد عقب الی ان یرث الله الارض ومن علیها وهوخیر الوارثین مفوض ومرجوع بوده باشد.

واگر العیاذبالله اولاد اولاد ذکور متولی ازبطن صبیه واقف موفق معزی الیه منقرض گردد امر تولیت مخصوص اولاد ذکور اناث متولی که از بطن صبیه آن عالیحضرت ملکی صفات بوده باشد بالشرط المذکور لابالترتیب . وبعد از اوباولاد اووبعد باولاد اولاد او و هکذا هلم جراً .

واگر العیاذبالله من ذلك اولاد متولی مومی الیه از بطن صبیه واقف منقرض گردند امر تولیت باولاد ذکورکه ازبطن دیگری باشد مخصوص و متعلق بوده باشد واگر اولاد ذکور مذکور نیز منقرض شوند اولاد ذکور اناث متولی مزبور کـه از بطنی دیگری بوده باشد الی انقراض الزمان و در همه مراتب اعلمیت و افضلیت و صلاح وسداد مقدم است .

وایضاً شرط گردندکه هرگاه ذکور اولاد ذکور وذکور اولاد اناث میرمحمد سعید مومی الیه بالکلیه منقرض ومنقطع گردند امر تولیت مخصوص یکی ازسادات عظام گرام که نسب او به ثمره شجرة طیبه طاهره و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین نقاوه احفاد خاتم النبیین، خاصه اعقاب امام المتقین کاشف اسرار الحق والیقین ، نور الواصلین سید روح الله روح الله تعالی گردد مخصوص و متعلق بوده باشد .

اگر العیاذبالله سلسله رفیعه کریمه سید روح الله نیزمنقرض گردند امر تولیت مخصوص یکی از اولاد امجاد عالیحضرت سامی مرتبت ، متعالی منزلت ، قدسی صفات ، ملکی ملکات ، اسلام واسلامیان ملاذی ، مجتهدالزمانی مولانا محمد باقر مجلسی که بزیور فضل وکمال وصلاح وسداد موصوف بوده باشد ، باشد .

واگر العیاذ بالله کل اولاد اسلام ملاذ مومی الیه منقرض گردند امر تولیت موقوفات مزبوره و رواج و رونق مدرسه مزبوره مخصوص بوده باشد بفقیه راوی احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام‌که درتحت توقیع شریف بقیةالله فی ارضه باشد عبارت شریفه : واماالحوادث الواقعة فارجعواالی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجةالله باذن علمای زمان داخل باشد .

د ـ تنفیذکنندگان وقف‌نامه :

عده‌ای ازعلماء وبزرگان اصفهان وقفنامه مدرسه‌را امضاء وتنفیذ کرده‌اندکه عمده آنان چنین‌است :

۱ ـ علامه زمان آخوند ملامحمد باقرمجلسی دوم‌که درمحرم(۱۱۰۶هـ. ق) که مدت یکسال و چندماه از وقوع عقد وقف‌گذشته بوده امضاءِ کرده است . سجع مهر: « محمد باقرالعلوم » است .

۲ـ عالم دیگری بنام ملامحمد قاسم‌که اونیز در (۱۱۰۶هـ.ق) تنفیذکرده‌است سجع مهرش « العبدالاثیم محمد قاسم » میباشد .

۳ـ سید مرتضی‌طباطبائی‌ازاحفاد شرف‌الدین‌علی‌میرمیران طباطبائی‌اردستانی که سجع مهرش : « مرتضی الطباطبائی » و عبارات تنفیذ : (اقرالسید السند الواقف بالوقف المزبور لدی‌کتبه ابن ابوالحسن‌الحسنی الحسینی مرتضی الطباطبائی »

۴ ـ میر زین‌العابدین حسینی تبریزی باسجع مهر : « عبده زین‌العابدین » وعبارات تنفیذ :

« قد استشرفت باستماع الاقرار بما فی‌هذه السطور متناً وظهراً السیدالسند، «الامیرذی‌المجدالواقف باسرارالحکمةوالموفق فی‌الدارین للعز والمکرمة وکتبه، « العبدالاقل میر زین‌العابدین‌الحسینی‌التبریزی »

۵ ـ امضاء و تنفیذ دیگری بنام : سید محمد الحسینی کـه شخصیت او معلوم نگردید .

۶ ـ امضای یکی از شهود مورد اعتماد بنام : حسن اردستانی‌که ازمعاریف

و معتمدین اردستان بوده است .

۷ ـ امضای یکی از شهود وقف بنام : محمد علی رادی .

۸ ـ امضای یکی ازعلمای وقت و تنفیذ آن باین عبارت: « فزت بسماع الاعتراف» « من السید السند الجلیل النبیل ادام الله ایام دولته وعزه وعوالیه . کتبه العبدابن » « المرحوم احمدبن سلامة النجفی محمد ابراهیم » و سجع مهر :

« سلام علی ابراهیم » .

از تاریخ اقرارات بخصوص در محضر مجلسی معلوم میشود که واقف در سال (۱۱۰۶ هـ . ق) دراصفهان وزنده بوده است .

حکیم‌الملك علاوه برساختمان مدرسه کاسه‌گران ووقف رقبات مذکوربرآن موقوفات دیگری نیز در اردستان واطراف دارد که انتفاع آن‌را برای سادات سید روح‌الله جد اعلای خود قرارداده است .

ونیز در لم‌لم وسماوات وحله عراق رقباتی را برمقبره خودکه درنجف‌اشرف واقع است وقف‌کرده بوده که صرف اسراج وتلاوت قرآن‌گردد .

مساجدی‌هم درمهرآباد سفلای اردستان وماربین ونیسیان‌برزاوند[۱] اردستان ساخته وموقوفاتی‌هم داشته‌اند که ازبین رفته است . صفه‌ای هم درمسجد جامع اردستان باومنسوب میباشد .

تا چند سال پیش تولیت مدرسه هم در خانواده واقف قرار داشت و آخرین متولی متصدی مرحوم دکتر سید ارسطو علاج[۲] فرزند میرزا رشید ناظم‌الاطبای اردستانی بود و اینك درتصرف اوقاف است .

مدرسه مزبورکه یکی‌ازآثارباستانی بشمار میرود بموجب تصویبنامه شمارهٔ ۳۸۶ ـ ۱۱/۱۱/۳۴ به ثبت تاریخی رسیده است .[۳]

---

۱ ـ تاریخ بنای مسجد جامع نیسیان سال (۱۱۱۷ هـ . ق) میباشد .

۲ ـ دکتر سید ارسطو علاج در (۱۲۷۱ هـ .) شمسی متولد و در (۱۳۴۹ هـ . ش) وفات یافت .

۳ـ فهرست ابنیه وآثار تاریخی ایران گزارش باستان شناسی .

۳۲ ـ مدرسه ملاعبدالله :

این مدرسه‌که دراول بازار شاهی ودرنزدیکی حمام شاه وچهارسوی شاه‌واقع گردیده از احداثات شاه عباس اول صفوی است‌که برای ملاعبدالله شوشتری‌ساخته و از او برای تدریس درآن دعوت بعمل‌آورده و از اینرو بنام ملاعبدالله معروف شده است . (ش ۵۲)



(شکل ۵۲)

ملاعبدالله شوشتری[۱] از بزرگان علمای زمان شاه عباس اول بشمار میرفته

۱ـ عزالدین ملا عبدالله‌بن حسین شوشتری اصفهانی درشوشتر متولد گردید و برای ادامه تحصیلات‌عالیه بعتبات عالیات تشرف‌یافت ومدت سی‌سال در اعتاب مقدسه بتحصیل‌وریاضت اشتغال داشت وازمحضر مقدس اردبیلی و شیخ احمدبن نعمت‌الله‌بن خاتون و پدرش شیخ نعمت‌الله مستفیض‌گردید واز آنها در روایات واجتهاد مجاز شد سپس بایران آمد ومدتی در ←

→
اصفهان اقامت کرد سپس ازترس شاه‌عباس ماضی بمشهد رضا علیه‌السلام هجرت کرد وچندی درآنجا مقیم شده وشاه‌عباس با او درمشهد دیدارکرد واو را بسیارگرامی داشت وهمان دیدار وگفتگوها سبب شد که‌شاه موقوفاتی برای چهارده معصوم قرار داد ومدرسه ملاعبدالله‌انیز برای محل‌تدریس اودراصفهان بناکردواورا به‌اصفهان خواند ومقیم‌گردید وتاپایان عمرباقامت نماز وتدریس ملاعبدالله ادامه داد وپیوسته مورد تکریم وترویج شاه‌عباس ماضی قرارداشت. مرحوم شوشتری درسفر اخیر خود باصفهان مدت چهارده سال دوام یافت و در پایان مدت مزبور اجلش در رسید وبدار باقی شتافت وچون درعشر اول‌محرم (۱۰۲۱ ه.ق) وفات‌یافته پس میتوان گفت که ابتدای سفر دوم او باصفهان سال یکهزار و هفت (۱۰۰۷ ه. ق) بوده است.

مولانا عبدالله شوشتری از علماء بزرگ وزهادسترگ زمان خود بوده وعده بی‌شماری شاگردان بزرگ از محضر او برخاسته‌اندکه ازآن جمله است: سید فاضل امیر محمد قاسم کوپائی وشریف‌الدین محمد رویدشتی اژه‌ای ومیرزا رفیع‌الدین محمد نائینی معروف‌بمیرزا رفیعا شارح‌کافی ومؤلف شجرة و ثمرة الهیه و ملا محمد تقی مجلسی و پسرش ملا حسنعلی شوشتوی.

اوراست: شرح قواعد در۷ مجلد وتعلیقاتی بر تهذیب الحدیث و تعلیقاتی براستبصار ورساله‌ای بفارسی در طهارت و صلوة ورساله‌ای در مناسك حج ورساله‌ای در وجوب صلوة جمعه وحاشیه برالفیه شهید ونیز شرح مفصلتری بر الفیه وحاشیه‌ای بر شرح ارشاد علامه.

چنانچه نقل کرده‌اند میان او و میرداماد مناقشاتی بوده و میرداماد این نامه را بعنوان ملاعبدالله نوشته:

« عزیز من جواب است‌این‌نه جنگ‌است کلوخ انداز را پاداش سنگ است »

« رحم الله امرء عرف‌قدره‌ولم‌یتعد طوره نهایت مرتبه بی‌حیائی‌است که‌نفوس‌معطله‌و»
«هویات هیولائیة در برابرعقول مقدسه وجواهر قادسیه بلاف‌گزاف ودعوی بی‌معنی برخیزند»
«این قدر شعور باید داشت که سخن من فهمیدن هنر است نه بامن جدل‌کردن و بحث نام»
«نهادن‌چه معین است که ادراك مراتب عالیه وبلوغ بمطالب دقیقه کار هر قاصر المدرکی و»
«پیشه هر قلیل البضاعتی‌نیست فلامحاله مجادله با من در مقامات‌علمیه از بابت قصورطبیعت»
«خواهد بود نه ازباب‌دقت طبع مشتی خفاش‌همت که‌احساس محسوسات را عرش المعرفت»
«دانش پندارندواقصی الکمال هنر شمرند با زمره‌ملکوتیین‌که مسیرآفتاب تعلقشان‌برمدارات»
«انوار عالم قدسی باشد لاف تکافؤ زنند ودعوی مخاصمت کنند روانبود ودرخور نیفتد و»
« لیکن مشاکسه وهم با عقل و معارضه باطل باحق وکشاکش ظلمت با نور منکری است »
« نه‌حادث وبدعتی است نه امروزی والی الله المشتکی والسلام علی من اتبع‌الهدی:»

« و اذا اتیك مذمتی من ناقص فهی‌الشهادة لی بانی‌کامل »
« خاقانی آن‌کسان که طریق تو میروند زاغند وزاغ را روش‌کبك‌آرزو است»
« گیرم که مارچوبه‌کند تن بشکل مار کوزهر بهردشمن وکومهره‌بهردوست»
←

که مقیم درنجف اشرف بوده وسپس بایران آمده است ومدرسه را شاه عباس برای محل تدریس او بنا کرده است.

مدرسه مزبور درابتدای ساختمان‌که تاریخ قطعی آن روشن نیست دو طبقه بنا شده ودارای کاشیکاریهای زیبا بوده و شعبه‌ای ازمادی فدیـن نیز از صحن آن میگذرد وازاینرو مدرسه‌ای باصفا وجالب بوده است.

مرحوم شوشتری در مدت حیات درآن مدرسه باقامه نماز و تدریس اشتغال داشته وپس ازوفات علامه مجلسی دوم بجای اوتعیین‌گردیده است.

واما تاریخ قطعی‌بنای مدرسه روشن‌نیست آنچه معلوم است اینکه شاه‌عباس درسال (۱۰۰۷ هـ. ق) بمشهد مشرف شده و درآن سال با مولانا ملاقات واورا دعوت باصفهان‌کرده است وگویا درهمان سال باصفهان عودت یافته چه اینکه درسفردوم درحدود چهارده سال‌دراصفهان اقامت داشته وچون درمحرم سال۱۰۲۱ وفات یافته ابتدای چهارده سال تقریبی همان سال ۱۰۰۷ خواهد بود و میتوان گفت شروع ساختمان مدرسه از همان سال باشد و همین‌طور اتمام بنای آن نیز معلوم نیست. قدیم‌ترین‌تاریخی‌که درمدرسه‌دیده‌میشود تاریخ‌سنگی‌است‌که حاج‌میرزا محمدنامی

→

وسپس ملا عبدالله‌در جواب نوشت: «جانا سخن از زبان من میگوئی رحم‌الله‌امره» «عرف قدره وبداحال کسیکه من‌ارسل الیه را ازنفوس معطله شمارد ودعوی اعلام‌کند.»

واما هنگام وفات که مصادف باشب یکشنبه بیست و ششم محرم (۱۰۲۱ هـ. ق) بود میرداماد وشیخ لطف‌الله میسی عاملی او را عیادت کردند وبا آنان وبخصوص میرداماد معانقه کرد وپس از اقامه نماز شب و نوافل‌آن برای تعیین وقت ازحجره بیرون‌آمد وچون‌بازگشت برزمین افتاد وروحش بعالم بقاء شتافت.

درتاریخ وفاتش شعراء وبزرگان اشعاری سرودند وکلماتی گفتند. ازآن جمله امیـر صحبتی‌تفریشی‌گفت: «آه‌آه ازمقتدای شیعیان» که تذکره نصرآبادی آنرا ذکرکرده وبحساب جمل(۱۰۱۶) میشود ودرست نیست وظاهراً: «آه وه ازمقتدای شیعیان» بوده است‌که مطابق باهمان سال۱۰۲۱ میشود و دیگری‌گفته: «حیف از مقتدای ایران حیف» وشیخ محمود عرب جزائری‌گفته: «مات مجتهدا لزمن» که دوماده تاریخ اخیر مطابقت دارند.

بطوریکه ازخلال گفته‌های بزرگان مؤلفان برمیآید شوشتری درعلم وزهد و تقـوی در عصر خود کم نظیر بوده است. (نقل ازروضات الجنات ازص ۳۵۹ تا ص ۳۶۲.)

برای وقف رقباتی برسقاخانه نزدیکی مدرسه نصب کرده و تاریخ آن (۱۰۸۸ هـ. ق) میباشد ، تاریخ دیگری هم هست که درحکومت صدر اصفهانی وسلطنت فتحعلیشاه قاجار درکتیبه سر در مدرسه نوشته شده است .

مدرسه ملاعبدالله بطوریکه ازگفته‌های نویسندگان معلوم میگردد در زمان حیات ملاعبدالله دائر بوده و درحدود هزار طلبه برای درس و اقامت بآن مدرسه مراجعه میکرده‌اند ولی دراواخرقرن سیزدهم بکلی‌خالی‌ازطلبه وانبارکسبه بازار ومحل‌اقامت فقراء وبینوایان بوده است .

درقرن چهاردهم روزبروز برخرابی آن میافزود واطاقها نم‌آورده بود وحتی بخاطر دارم که دردالان مدرسه قهوه‌خانه دائرشده وبعضی میرزاها درآنجا برای جماعات متفرقه کاغذ ونوشتجات دیگر مینوشتند .

درسالهای اخیرمورد توجه مردم و انجمن‌آثار ملی واقع‌گردید وتعمیرات و ترمیماتی شده ومیشود واینك مدرسه سرو صورتی یافته است .

کتیبه‌هائی‌که درمدرسه وجود دارد ازاین‌قرار است :

۱ ـ کتیبه سردرمدرسه‌که مربوط بدوره سلطنت‌فتحعلی‌شاه قاجار وحکومت صدر اصفهانی است، بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است .

«فی‌ایام‌دولة السلطان العادل الباذل ظل‌الله فی بسیط الارض عام المعمورة فی الطول»
« والعرض سریر السلطنة بالاستحقاق مالك ممالك الافاق مؤسس مبانی الانصاف قامع»
« قواعد الاجحاف السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی شاه قاجار»
« سقی‌الله حیاض الشوکة بسحاب جوده و نضر ریاض الدولة با مطار بره وجوده وقدتوفق»
« بتعمیرهذه المدرسة والسوق فی بابها جنب الحوض والمسقی الموقوف علی المسلمین»
« بمد اذیال صاحب المفاخر والعدالة خیر الحاج والمعتمرین الحاج محمد حسین »
« خان الحاکم بامره المطاع فی شهر رمضان سنة ۱۲۱۸ . ».

کتیبه حاکی است که مدرسه و هم بازار نزدیك در مدرسه و هم سقاخانه بیرون مدرسه را تعمیر کرده‌اند .

۲ـ کتیبه سنگ لوح پارسی‌که بردیوار ضلع غربی ایوان جنوبی مدرسه بطول ۱/۳۵ وعرض ۱/۲۰ مترنصب شده بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم‌وقف شرعی‌نمود توفیق‌آثاری حاج‌الحرمین‌میرزا،
« محمدسه‌باب دکان درجنب یکدیگر بادوبالاخانه محدود بدکان تنباکوفروشی‌و ،
« بشارع وبخانه آقاصالح وبدکان نجاری وبدکان‌نخود بریزی وعطاری از دوطرف ،
« بشارع وبکوره آجرپزی و بملك واقف و نصف خان ونصف دکان متصل بخان ،
« مزبور ازطرفین بشارع وتیمچه علی‌اکبر وبکوره آجرپزی مستغلات مزبوره ،
« واقعه دربازار غاز برسقاخانه متصله بمدرسه ملاعبدالله‌که‌کرایه موقوفات‌مزبوره ،
« راحاجی‌مزکور[1] که تاحین‌حیاته تولیت‌بااوست‌صرف اخراجات سقاخانه‌وتعمیر ،
« آن‌ومستغلات‌مزبوره بعدازوضع‌سدس‌که بحق‌التولیه‌شرط شده‌میبوده باشدوبعد ،
« از واقف تولیت با اصلح اولاد او وبطناً بعد بطن‌ونظارت باطلبه مدرسه مزبوره ،
« خواهد بود که اگرمتولیان درباب دایرنمودن آن وتعمیر وآبادی موقوفات و ،
« سنگی‌ازحوضها وچاه منهدم شود اهمال‌نمایند ناظران متوجه شوند وازمضمون ،
« وقیودی‌که شده درنگذرند واگراولاد واقف‌برطرف‌شوند تولیت با متولی‌مدرسه،
« مزبوره خواهد بود واگرمتولی درباب جاری ومعموردداشتن سقاخانه ومستغلات ،
« اهمال نماید ناظران اسامی خود را نوشته قرعه زنند باسم هرکه برآید او را ،
« متولی‌دانند وباین دستور نیزعمل مینموده باشند و ازپانزدهم قوس تا پانزدهم ،
« حوت آب نکشند و منافع این‌سه ماه را متولی جهت تعمیر مستغلات ضبط ،
« مینموده باشد واگرسقاخانه بسبب حوادث خراب شود و بهیچوجه جاری‌نتوان ،
« نمود منافع‌را به پنج نفرطالب علم مستحق میداده باشند و تغییر دهنده بلعنت ،
« خدا و نفرین ائمهٔ هدی صلوات‌الله علیهم گرفتار شود امید است که واقف وراقم ،
« رابدعا یادکنند ۱۰۸۸ . »

این‌مدرسه که ازبناهای باستانی بشمار میرود طی‌شماره ۲۲۴ به ثبت تاریخی

۱ــ درمتن‌کتیبه‌مذکور بزاء معجمه نوشته شده است .

رسیده‌است[۱] .

جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری مینویسدکه درسال (۱۰۸۸ه.ق) مدرسه مزبور از طرف شاه سلیمان صفوی تعمیرگردیده است[۲]. (ش ۵۳)



(شکل ۵۳)

مساحت مدرسه در حدود سه هزار ذرع و کاشیکاریهای خوبی‌دارد . ضیاء کفرانی[۳] شاعر تصنیف سرا در تاریخ آغاز بنا در مدرسه مزبور مقیم و تحصیل میکرده و در حجره او در زمان بعد احفادش سکونت داشته‌اند و حاج میرزا بهاء شاعرکه از نژادکفرانی بود تاسال (۱۳۲۰ ه. ق) حجره‌را دراختیار داشت .

---

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران صفحه ۴۵ . ۲ ــ تاریخ‌اصفهان وری ص ۲۶۸ . ۳ ــ میرزا نورالله متخلص به ضیاء از مردم کفـران روی دشت و از اکابر آنجا بود وبجمیع کمالات آراسته چنانچه درعلوم متداوله ازطالب علمان سرکمـی نداشت در زمان شاه عباس ماضی بتحریر جلد توجیه مشغول بـود ودر سال (۱۰۵۰ ه.ق) بدرود حیات گفت از اشعار او است ترکیب بند مشهور:

۲۳ ـ مدرسه میرزاحسین :

این مدرسه راکه مدرسه میرزاحسین‌خان نیز گفته‌اند درمحله بیدآباد واقع وبا مسجد سید رشتی مجاورت دارد .

مدرسهٔ مزبور طلبه نشین و در دوره شاه سلیمان صفوی احداث گردیده و دارای تاریخ است .

کتیبه سر در مدرسه بخط‌نستعلیق سفید برزمینهٔ‌کاشی‌خشت لاجوردی بطور منظوم چنین است :

« درجهان بانی سلیمان شاه افتخار انام و فخر امم »
« خلف صدق میرزا مهدی . . . . . »
« فخر آبا علیرضا که بعلم چون قلم در شباب گشت علم »
« داشت بهر بنای مدرسهٔ بانی همتش گلی در نم »

→

ای‌بت هرزه‌گرد هر جائی ای بر آورده سر بسرسوائی

ونیز قطعه‌ایکه در مدح نواب خلیفه سلطان صدر اعظم شاه عباس ماضی سروده و آن قطعه اینست :

قطعه

داورا ایران مدارا قبله‌گاها صاحبا از غبار آستانت سرمهٔ چشم ترم
کار من ازدست‌رفت‌وغافلی‌ازکار من از ضرورت چند حرفی برزبان‌میآورم
نخل‌طورم‌لیك‌خشك‌ازقحط‌سال مردمی طوبی باغ بهشتم لیك بی بار و برم
مکتبی‌میخواستم‌درخورد همت‌ای‌دریغ رستم بی‌گرز و تیغم جبرئیل بی پرم
نه فلك بردرگهت‌دارند هریك‌خدمتی من‌که اینجاهرزه‌گردم ازکدامین‌کمترم
لطف‌کردی منصبی دادی وممنونم‌ولی دم بدم در کار بی‌پرگارخودحیران‌ترم
نفع نه مرسوم نه عزت نه استقلال نه مجملا شرمنده‌کلك ودوات و دفترم
ازپریشانی غلام‌ونوکر از من شد نفور نیست‌کس کز قطرهٔ آبی‌گلوسازد ترم
سکه‌وجه‌جیره‌ومرسوم برمن جمع شد چون شتر درزیر بار ساربانو مهترم
چون‌ندارم‌هیچ‌چیزازچاپلوسی‌چاره‌نیست ساربانم را غلامم مهترم را کهترم
بیش‌ازاین‌میسندبی‌سامان‌وسرگردان مرا رخصتی گرهرزه‌کارم‌شفقتی گرنوکرم
خط آزادی اگر لایق نیم در بندگی سرخط‌مرسوم اگر بهرغلامی درخورم
قصه‌کوته طاقت‌محنت ندارم بیش‌ازین رخصتم ده‌گر نخواهی داد چیزدیگرم

(تذکره نصرآبادی ص۸۹ تا ص ۹۰)

« لیکن ازجا اساس عمرش را کند سیل اجل که عمرش کم »
« لاجرم در بنای این مدرس یافت توفیق والد اکرم »
« . . . . . شدکه شدچون‌بنای‌دین‌محکم »
« خشت‌خشتش‌کتابی‌ازعلم است که بحکمت نهاده برسر هم »
« دم عیسی مگر مدرس اوست که شد احیای علم در عالم »
« بهر تاریخ این بنا سامی « مجمع اهل فضل » کرد رقم »
(۱۰۹۹)

از اشعار فوق نام بانی افتاده ومعلوم میگرددکه میرزا حسین فرزند میرزا علی‌رضا فرزند میرزا محمد مهدی‌این مدرسه‌را در عصرسلطنت‌شاه سلیمان صفوی در(۱۰۹۹ هـ . ق) بناکرده ومسکن طلبه علم بوده‌است .

میان مصراع اول ودوم ازفرد ماقبل آخر دریك لوحه نوشته شده : « العبدا المذنب » ومیان شعرماقبل آخروبیت‌آخر دریك لوحه خوانده میشود: «ولایت‌الله» و درمیان مصراع نخست و دوم ازفرد آخر نوشته شده : « گلپایگانی » که معلوم میشود خط ازولایت‌الله گلپایگانی وشعر ازسامی بوده است .

مدرسه میرزا حسین را سنگابی است‌که دارای کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی بشرح زیرمیباشد :

« سلام‌الله علی‌الحسین واصحابه . لعنت‌الله علی‌قاتل‌الحسین‌واعدائه. وقف بر» « سقاخانه نمود اقل حاج محمد کاظم ابن‌مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان » « آرامگاه حاجی محمد مهدی شهیر بقاری ، هرکس ازجائی‌که واقف قرار داده » « حرکت بدهد بلعنت خدا ونفرین رسول‌گرفتار شود . بتاریخ بیست و سوم شهر » « ذی‌حجةالحرام سنه ۱۲۷۵ عمل‌استاد محمد حسین ابن‌استاد محمد رضای‌حجار.»

ازکتیبه سنگاب معلوم میگردد که وقف مزبور بعداز انقضای ۱۷۶ سال از بنای مدرسه و درسلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار انجام‌گردیده است. قرائت‌کتیبه‌های مزبور ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده‌است .(۱)

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۴۹ تا ص ۶۵۰ .

مساحت فضای مدرسه قریب دو جریب و دو قفیز و نیم میباشد یعنی کلیه محوطه مدرسه این مساحت‌را دارد ثبت‌تاریخی‌این‌مدرسه درگردش اداری‌است[1].

۲۴ ـ مدرسه میرزا مهدی :

این‌مدرسه درکنار نهر بیدآباد واقع وبیش‌از دوجریب مساحت دارد[2]، وآن را میرزا مهدی اشتهاردی منشی نادرشاه افشار بناکرده است.

۲۵ ـ مدرسه ناصری :

این‌مدرسه درگوشه جنوب شرقی‌صحن‌مسجد شاه واقع و دردوره شاه‌سلیمان تکمیل شده ولی بنای نخست آن مربوط بزمان شاه‌عباس اول است وچون درزمان ناصرالدین شاه قاجار در مدرسه مزبور تعمیراتی شده بمدرسه ناصری موسوم گردیده است.

درضلع شرقی‌مدرسه چند اطاق برای سکونت طلاب ساخته شده است ، این مدرسه ومدرسه سلیمانیه قرینه یکدیگرند ، تفاوت آنکه مدرسه سلیمانیه بجای حجرات برای سکونت طلبه غرفه‌هائی داردکه خارج وداخل آنها باکاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده است [3].

ایوان‌جنوبی مدرسه دارای لوحه‌ها وکتیبه‌هائی‌است ازآن جمله‌کتیبه‌ایست بخط ثلث مشکی‌برزمینه زرد درشش‌لوح که درآن صلوات بر چهارده معصوم نقش شده ورقم آن چنین است : « کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷ ».

کتیبه دورمحراب‌ایوان مزبور بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ مشتمل برسورهٔ اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سورهٔ اسری ورقم آخرآن‌چنین خوانده میشود : « وقال سبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی و قوموالله قانتین » و رقم آن چنین است : « کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷ ».

کتیبه داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷. ۲ـ تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۸. ۳ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۴.

عبارات را دربر دارد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم اوان‌الغیاض »
« اقلام والبحر مداد والارض قرطاس‌والجن والانس حساب وکتاب ما احصوافضائل »
« علی‌ابن[1] ابی‌طالب صلوات‌الله علیه‌کتبه محمد حسن‌الامامی ۱۰۹۵ » .

این‌مدرسه بانضمام مسجد شاه طی شماره ۱۰۷-۱۵/۱۰/۳۱۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۲۶ ـ مدرسه نوریه :

این مدرسه درانتهای بازار عربان وتقریباً با بازار ریسمان مجاذی است و درعهد سلطنت شاه سلیمان وشاه سلطان حسین‌بناگردیده است .[3] بانی‌آن میرزا نورالدین محمد جابری‌انصاری نبیره میرزا نظام‌الدین جابری‌انصاری وزیر ازنژاد میرزا سلمان اعتمادالدوله وزیر وخواجه جلال‌الدوله جابرا بوده و کموترآباد برائان با دکاکین و غیر آنها که موقوفه خواجه جلال الدوله بوده مجدداً میرزا نورالدین وقفنامه برای آنها نوشته و منافع دو دانگ آن موقوفات را برای طلاب مدرسه و دو دانگ نیز برای‌حق‌الارتزاق سلسله جابریان‌که ازپیش‌هم‌مقرر بوده برقرار ساخته است .

مساحت فضای مدرسه یك جریب و سه قفیز و نیم است و علاوه بر طلاب هنرمندانی چون : آقا محمدعلی مذهب[4] صاحب یخچالیه ومیرزاآقاجان‌پرتو[5] خطاط نسخ وشاعر درآن مدرسه سکونت داشته‌اند .

۱ــ هرچند درکتیبه منقول‌ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ابن باهمزه نوشته‌شده ولی درست‌آن بی‌همزه است. ۲ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۶. ۳ــتاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۷. ۴ــ محمدعلی بن‌ابی‌طالب‌مذهب اصفهانی‌متخلص به‌بهار متوفی (۱۲۷۵ ه.ق) ازشعراء ومذهبان‌زمان محمدشاه قاجار بودکه نخست‌بهار تخلص‌میکرد وسپس تخلص خود را بفرهنگ تبدیل‌کرد. اوراست: ۱ــ بامدایح معتمدیه درتذکره شعرای مداح معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان و ۲ــ یخچالیه‌که آنهم تذکره شعرائی است بطور مطایبه از اشعار او است:

یادب این‌تنگ قبایان‌که‌چه تنگ‌شکرند — تاکی از حال دل تنگدلان بی‌خبرند
نتوانم من از این طایفه برداشت نظر — که بچشمان سیه فتنه اهل نظرند
(مجمع الصفحاء ج۵ ص ۸۴۰)

این‌مدرسه با آنکه مربوط باواخردوره صفویه میباشدبلحاظ اینکه‌تزیینانی نداشته تاکنون نسبت به ثبت‌آن اقدامی بعمل نیامده است ولی باتوجه بقدمت بنا اقتضا دارد مورد توجه واقع‌گردد .

۲۷ ـ مدرسه نیم‌آورد :

این مدرسه در محله نیم‌آورد که نم‌آورد هم گفته میشود قرارگرفته است . وازمدارس طلبه نشین اواخردوره صفویه میباشد .

بانی مدرسه زینب بیگم زوجه امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی است که از خیرات زنان عصر خود محسوب میشده است ودرواقع بانی واقعی خود حکیم‌الملك بوده‌که زن خود را تشویق و استمداد دراین عمل خیرنموده است .

تاریخ بنای مدرسه بعلت نداشتن کتیبه تاریخی ونیزدردست نبودن وقفنامه روشن نیست . جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری[1] نوشته که در سال (۱۱۱۷ ه . ق) این بنا ساخته شده وشایدمتکی باین‌نکته شده‌که مدرسه‌کاسه‌گران راکه خود حکیم‌الملك بانی بوده در ۱۱۰۵ ساخته شده بوده پس مدرسه نیم‌آورد راهم بعدازاین تاریخ ساخته‌اند ودرهرحال مدرك تاریخ مزبورمعلوم نیست . متولی پیشین[2] مدرسه که او هم از پدرش شنیده بود میگفت تاریخ وقفنامه مدرسه

→

۵- میرزا آقاجان پرتو نامش میرزا علیرضا مشهور بمیرزا آقاجان و متخلص به پرتو متوفی سال (۱۳۰۳یا۱۳۰۴ ه.ق) وی از استادان خط نسخ وثلث‌ورقاع وشاعر نکته‌پرداز وخوش طبع ومحضربود ودراواخر زندگانی درتهران بسرمیبرد وددردربار ناصرالدین شاه‌قاجارمقامی داشت. ازاشعار اواست :

پدرخواهدکه‌برد زلفکان‌چون‌کمندش‌را　　پسر درفکرچون‌سازد گرفتاران بندش را

درگفتن ماده تاریخ نیز مهارتی داشت وازماده تاریخهای او است که‌گفته :

بنا شد چو این مسجد با صفا　　بعون خداوند رکن و حطیم

ز پرتو بتاریخ آن شد سئوال　　بگفتا: «لساعیه‌فوز عظیم۱۲۸۹»

(عمل آقاجان)

(تاریخ اصفهان وری ص۲۹۳)

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۷ .　　۲ ـ آقا عطاء الله جدلی فرزند میرزا محمد علی متولی که اولی در۱۳۱۳ شمسی ودومی در۱۳۴۰ قمری وفات یافته‌اند .

(۱۱۱۱ ه . ق) بوده ومرحوم آقاجمال خوانساری مجری صیغه وقف ونیز ناظر قرار داده شده بوده است .

مدرسه دوطبقه ودارای دو ایوان برای نماز وتدریس ودر روبروی درورودی نیزمدرسی است‌که درآن تدریس میشود . چهار باغچه برای گلکاری و درختکاری دارد ودر وسط مدرسه‌حوضی بزرگ ساخته شده‌که مورد استفاده است . چهارسمت مدرسه بالا و پائین مشتمل بر۷۸ حجره و یك مدرس و دو ایوان میباشد .

مدرسه تزیینات کاشیکاری وگچبری فراوان دارد و نکته جالب توجه اینکه هنرمندان بوسیله گچهای رنگارنگ نوع مخصوصی معرق ترتیب داده‌اند که در سایر بناها وجود ندارد .

کتیبه اطراف سردرمدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برسوره اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری است و پایان کتیبه چنین است :

« وقال‌سبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی وقوموالله قانتین وقال »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله وسلم لوان‌الغیاض اقلام والبحرمداد والارض قرطاس »
« والجن حساب والانس کتاب ما احصوا فضائل علی‌بن‌ابی‌طالب سنة ۱۳۴۹ » .

این‌کتیبه‌را بخاطردارم‌که باهتمام‌مرحوم سیدعبدالعلی‌عقدائی‌که نایب‌التولیه بود نوشته شد و از کتیبه های دوره پهلوی است و الا مدرسه هیچگونه کتیبه تاریخی ندارد .

خطوط بنائی سردر مدرسه مشتمل برآیاتی ازقرآن وبرخی احادیث است ، خطوط بنائی درون مدرسه واطراف صحن معرق ومشکی برزمینه‌آجری سوره‌های واقعه واخلاص ودرواقع تزیینات مدرسه را تشکیل میدهند .

در زیر قطارهای گچبری مدخل مدرسه بخط نستعلیق مشکی اشعار پائین گچبری شده است :

« احمد که شه سریر لولاك آمد — جانی‌است‌کزآلایش تن پاك آمد »
« یك‌حرف زمجموعه قدروشرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

و در ایوان شرقی چنین نوشته شده :

« دریای سپهر کافتاب است کفش　　نبود چوعلی گوهری اندرصدفش »

« خورشید گهی بدرشود گاه هلال　　گر عکس دهد بماه در نجفش »

و رقم آن چنین است : «کتبه ابوالفتوح گلستانه »　　(ش۵۴)



(شکل ۵۴)

و اما موقوفات مدرسه و ترتیب آن چنین است که بانیه نامبرده بهوکیل خود میرزا رشیدا که ازمنسوبانش نیز بوده دستورمیدهدکه مدرسه‌ای درمحله نیم‌آورد بنا نماید و چون از ساختمان مدرسه که ظاهراً سال (۱۱۱۱ هـ . ق) بوده فراغت حاصل میشود سفارش میدهد که رقباتی را دراصفهان و اردستان که خریداری شده بوده وقف برمدرسه و طلاب آن نماید ودر همان سال رقباتی را بشرح زیر وقف بر آن میکند :

۱ ـ دویست و ده سرجه مجری المیاه بانضمام املاك تابعه آن از محله فهره اردستان .
۲ ـ هفتاد (۷۰) گرداب آب بااملاك تابعه آن ازمحله باب‌الرحی اردستان .
۳ ـ نودودو (۹۲) سرجه آب واملاك تابعه آن واقع درمحله رامیان اردستان .
۴ ـ نیم طاق آب و املاك تابعه آن در محله کبودان اردستان .
و چند مغازهٔ در بازار نیم‌آورد اصفهان .

مجری صیغه وقف آقاجمال‌الدین خوانساری بوده که علاوه سمت نظارت بروقف‌هم درخانواده اوتعیین شده است وتولیت درخانواده میرزا رشیدا که باواقفه نسبت وبستگی داشته وبعدازاو دراولادش بشرایطی‌که دروقف‌نامه حکیم‌الملك در مدرسه‌کاسه‌گران مرقوم‌گردیده قرارداده شده‌است ودرهرحال‌ملاك تولیت اصلحیت بوده ولی بعدازمدتی تولیت ازخانواده میرزا رشیدا خارج ودرخانواده دیگری‌که فرد بارز آنان مرحوم میرزا محمدعلی متولی متوفی (۱۳۴۰ هـ . ق) از علماء و متدینان بود قرارگرفت .

در باره مصارف منافع موقوفه هم‌چنین مقرر گردیده که پس از برداشت هزینه‌های رقبات موقوفه وخود مدرسه یك عشر حق‌التولیه وعشردیگرحق‌النظاره باشد و بقیه بمصرف مدرسان وطلاب وخادم وسایر مصارف برسد . عواید این املاك قسمتی‌که باقی مانده در حدود سیصد هزار ریال در سال میباشد .

این بانوی نیکوکار وقف دیگری هم داردکه مصرف آن زوار عتبات عالیات بوده و تولیت هم در خانواده متولی مدرسه کاسه‌گران قرار داده شده است و چون موضوع‌وقف‌را متصدیان بعنوان‌ملکیت به‌ثبت داده‌اند مقدورنگردیدکه ازجزئیات رقبات‌آن استحضار حاصل نماید . (ش۵۵)

این مدرسه پیوسته درزمان رواج بازار علم در اصفهان مرکز بزرگان علماء وطلاب بوده و نامدارانی چون : حاج میرزا بدیع هرندی و حاج ملاحسن دری و حجةالاسلامان سید محمدباقر درچه‌ای و برادرش سید مهدی درچه‌ای و آخوند ملاعبدالکریم‌جزی از آنجا برخاسته‌اندومعلوم میگرددکه بانیه‌آن ازروی اخلاص

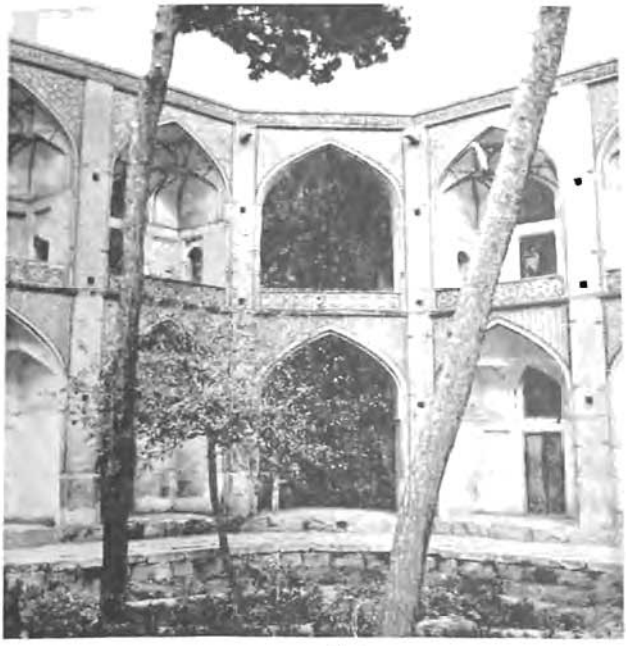

(شکل ۵۵)

بساختمان مدرسه مزبور پرداخته است . کسان دیگری نیز از علماء و بزرگان و اوتاد از مدرسه نامبرده فارغ‌التحصیل شده‌اند که ذکر تمام آنها موجب تطویل خواهد بود یکی ازمعاصران استاد جلال‌الدین همائی متخلص بهسنا و نگارنده هم افتخار تحصیل در آن مدرسه را دارم . مدرسه مزبور طی شماره ۳۷۸ ـ ۳۰/۹/۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] . (ش ۵۶)

۲۸ ـ مدرسه هارونیه :

این مدرسه درمغرب هارون ولایت واقع وفضای‌کوچکی دارد و دراطراف‌آن حجره‌هائی است وجرزها و پشت بغلهای دورآن بتزیینات آجروکاشی آراسته شده است . ایوان جنوبی‌آن هم دارای محرابی است‌که با کاشیکاری معرق نفیس تزیین

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۷ .



(شکل ۵۶)

شده . مدرسه مزبور با سردر مجللی بصحن شمالی هارون ولایت متصل میگردد و کتیبه همین سردر است که ایجاد ساختمان هارونیه را بزمان شاه اسماعیل صفوی ربط میدهد . و رقم تاریخی آن چنین است : «کتب فی اوایل شهر ربیع الاول من سنة ۹۱۸» .

چون هارونیه که متصل بمدرسه میباشد بوسیله دورمش‌خان حسین که از وزرای دربار شاه‌اسماعیل بوده ساخته شده مدرسه‌را هم باید ازاحداثات اوخواند ، ولی جابری انصاری معتقد است‌که چون سنگی را که سلطان محمود ازهندوستان آورده بود در همین مدرسه برو انداخته شده پس باید بنای نخست مدرسه هارونیه مربوط بزمان غزنویان وسلاجقه باشد . و همین مدرسه است که بانی وتعمیرکننده

آن میرزا شاه‌حسین وزیرشاه طهماسب بوده است[1] .

این مدرسه بضمیمه امامزاده هارونیه طی شماره ۲۲۰ به ثبت تاریخی رسیده است[2] .

یز ـ مساجد معمور شهر اصفهان

مساجد شهر اصفهان بر دو قسم میباشد : قسم اول ـ مساجدی را که دارای آثارتاریخی بوده ومورد توجه باستان شناسی است بشرح زیر مینگارد :

۱ ـ مسجد آقامیرزا محمد باقر چهارسوقی :

این مسجد در محله چهارسوی شیرازیهای اصفهان واقع و سردر و محراب وشبستان آن دارای تزیینات کاشی‌کاری و در یك لوحه درمیان کاشیکاریهای جبهه مقابل محراب این‌کتیبه خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ فنادته الملائکة و هو قائم یصلی فی‌المحراب ، « وصلی‌الله علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین . واقف کاشی محمدجعفر. ، « عمل استاد عبدالرزاق فی ۱۳۲۶ » .

سنگابی‌که در مسجد قراردارد با این کتیبه بخط نستعلیق برجسته تزیین گردیده است :

« وقف جناب اباعبدالله‌الحسین(ع) نمود حاجی فتح‌الله خلف مرحوم ، « آقاعبدالرضا لرشیروانی که در مسجد چهار سوق شیرازیها باشد فی‌شهر محرم ، « ۱۲۹۱ . مگربکرب‌بلا آب قیمت جان بودکه ازعطش بفلك ناله اسیران بود .، « سلام‌الله‌علی‌الحسین(ع) لعنت‌الله‌علی‌قاتل‌الحسین علیه‌السلام‌حجّره حاجی‌حسین.،

ازکتیبه سنگاب وسردرمسجد معلوم میگرددکه عمارت مسجد پیش‌از۱۲۹۱ انجام شده بوده ودر۱۲۹۱ کتیبه سنگاب‌حجاری ودر(۱۳۲۶ ه . ق) کتیبه محراب

---

۱ ــ تاریخ اصفهان وری ص ۲۲۱ .

۲ ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۲ .

وسردر مسجد نوشته شده است .

واقف کاشی برای کاشیکاری محمدجعفر وکاشیکار استاد عبدالرزاق وحجار سنگاب حاجی‌حسین بوده است .

این‌مسجد چون محل اقامت نمازصاحب روضات‌الجنات‌آقامیرزا محمدباقر چهارسوقی بوده بنام آن عالم رجالی نامیده شده است .

۲ ـ مسجد آقامیرزا محمدهاشم چهارسوقی :

این مسجد نیزدرمحله چهارسوشیرازیهای اصفهان قراردارد . گنبد وایوان جنوبی دارد که صفه‌هائی در دوطرف آن واقع‌گردیده ودرشمال نیزدارای ایوان و غرفه‌هائی دراطراف است . نمای خارجی گنبد آجری است وداخل‌آن پوشش ساده گچی میباشد . کاشیکاری کتیبه دورگنبد و محراب آن قدیمی است ولی تزیینات نمای خارجی ایوانها و صحن‌آن جدید است .

کتیبه داخل گنبد مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ درآغازچنین نوشته شده :

« قال‌الله تبارك وتعالی » و دنبال آن آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۳ ازسوره اسری نوشته شده است .

کتیبه هلال محراب مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌لاجوردی بعدازعبارت : «قال‌الله تعالی» آیات ۳۵ و ۳۶ و۳۷ سوره نور و پس‌ازآن چنین خوانده میشود :

«وقال‌سبحانه‌فی‌سورة‌البقرة‌واقیموا‌الصلوة وآتوا‌الزکوة واركعوامع‌الراکعین»

در داخل محراب کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح وجود دارد :

«قال‌الله تبارك‌وتعالی» ودنبال‌آن‌آیه ۱۸ سوره توبه وآیه ۱۴۴ سوره بقرة و آیه ۵۵ سوره مائده نوشته شده و آخرکتیبه چنین است : « صدق‌الله العلی‌العظیم فی ۱۲۸۵ کتبه محمد ابراهیم الاصفهانی» ونیز درداخل محراب‌کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بشرح زیرخوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ناد علیا مظهرالعجائب تجده عونالك فی‌النوایب »
« کل هم وغم سینجلی بنبوتك یا محمد بولایتك یا علی . » .

کتیبه‌های فوقانی ایوانهای شمالی‌وجنوبی‌که درزمان نزدیك‌کاشیکاری شده بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی رنگ چنین است که ابتداء عبارت : « قال‌الله تبارك‌وتعالی» نوشته شده و سپس آیه ۱۸ سوره توبه وآیات ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ سوره اعراف و پایان‌آن : «صدق‌الله‌العلی‌العظیم‌الکریم» است .

بردوجرزعمودی طرفین ایوانهای شمالی وجنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌لاجوردی سوره جمعه وپایان‌آن چنین است : «بانی‌کاشیهای خطی میرزاحسن بصیری رمضان ۱۳۳۶ » .

احادیثی نیز در داخل ایوان شمالی بخط ثلث لاجوردی برزمینه گچی در باب فضیلت نمازنوشته شده است .

درایوان جنوبی مسجد لوح سنگی‌که بردیوارنصب شده بخط نسخ برجسته کتیبه زیرکه موضوع‌آن وقف یکدانگ‌وربع قریه جوان است حجاری شده :

«هوالواقف بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌وقف شرعی نموده‌خیرالحاج‌حاجی‌فتح‌الله »
«جوزدانی یکدانگ‌ویك‌ربع ازطاحونه جوان راکه مال‌الاجاره را صرف‌روشنائی »
« وبوریا وتعمیرمسجد نوچارسوی شیرازیان بشود وصیغه جاری شد ۱۲۷۶ » .

درمسجد سنگابی نیزدرزیرایوان‌جنوبی قراردارد‌که‌کتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

«آب‌درکرب‌وبلا ای‌قوم بداختر نبود یاحسین تشنه‌لب‌فرزند پیغمبر نبود»

« سلام‌الله علی‌الحسین لعنت‌الله‌علی‌قاتل‌الحسین وقف‌جناب اباعبدالله‌الحسین»
« علیه‌السلام نمود طایف بیت‌الله‌الحرام حاجی فتح‌الله ولد مرحوم آقاعبدالرضا »
« لرشیروانی فی‌شهررمضان سنهٔ ۱۲۸۰ » .

تاریخهائی‌که درکتیبه‌ها موجود است: ۱۲۸۶ و۱۲۸۰ و۱۲۸۵ و۱۳۳۶هجری میباشد و چون ۱۲۷۶ تاریخ وقف طاحونه برمسجد است پس باید قبول کرد که

ساختمان مسجد در آن تاریخ انجام شده بوده است و سپس در تاریخهای بعدی بتزیینات و نصب سنگاب پرداخته شده است . واقف طاحونه و سنگاب حاجی فتح‌الله و نویسنده کتیبه داخل محراب محمد ابراهیم اصفهانی بوده است . بانی مسجد معلوم نیست و ظاهراً مردم دسته‌جمعی ساخته‌اند و چون علامه چهارسوقی درآن مسجد اقامه نمازمیکرده بنام اومعروف شده‌است، بانی‌سنگاب دراین مسجد ومسجدآقامیرزا محمدباقر یکنفر بوده است[1]. ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[2] .

۳ ـ مسجد آقانور:

این‌مسجددرمحله دردشت واقع وازبناهائی است‌که درعهد پادشاهی شاه‌عباس ماضی شروع ودرنخستین سال سلطنت شاه‌صفی بپایان رسیده است و باین‌جهت نام هردو پادشاه درکتیبه اصلی مسجد وسردر شرقی درج‌گردیده است .

این مسجد چند کتیبه دارد که عمده‌آن مربوط بابتدای ساختمان و برخی مربوط بقرنهای بعد است . دوکتیبه دیده میشودکه یکی حاکی است مسجد درسال ۱۰۳۴ هجری ساخته شده وکتیبه دیگری حاکی است که در سال ۱۰۳۹ درآغاز سلطنت شاه صفی باتمام رسیده است و تاریخهای ۱۲۵۸ و ۱۲۷۹ مربوط بتزییناتی است‌که درقرن سیزدهم در مسجد انجام شده‌است .

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قال‌الله تعالی انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة »
« وآتی‌الزکوة درایام‌دولت جاوید مدت‌کلب‌آستان علی‌بن‌ابی‌طالب[3] صلوات‌الله »
(۱۲۹۱)
« وسلامه‌علیه عباس‌حسینی ودراول جلوس پادشاه عادل شاه‌صفی بهادرخان‌خلدالله »

---

۱ ـ بنقل معنی ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۸۲۲ تا ص ۸۲۴ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .
۳ـ درزیرکلمات‌علی‌بن‌ابی‌طالب‌عدد(۱۲۹۱) نوشته شده وگویا سنه یکی ازتعمیرات باشد.

« ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین بره وعدله و احسانه توفیق یافت نورالدین ،
« محمد اصفهانی باتمام عمارة این مسجد خالصاً لوجه‌الله تعالی کتبه محمدرضا ،
« الامامی » .
(۱۰۳۹)

در دو پشت بغل سردر بخط بنائی سه‌رگی شطرنجی مشکی برزمینه آجری سوره اخلاص ودرطرفین سردر دردوشکل مربع بزرگ کلمه محمد نوشته شده‌است.

کتیبه ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد باقرشیرازی ومورخ بسال ۱۲۵۸ میباشد ودرآخرکتیبه باکاشی طلائی‌رنگ سال (۱۲۷۹) اضافه شده است .

دراشکال مربع‌بزرگ داخل ایوان‌بخط بنائی‌ساده لاجوردی برزمینه‌آجری نامهای : محمد ، علی ، حسن ، حسین نوشته شده ودردوطرف نمای خارجی ایوان دردو شکل مربع بخط بنائی ساده عباراتی‌بشرح زیرخوانده میشود :

۱ ـ حاشیه مربع سمت شرقی بخط بنائی حنائی رنگ برزمینه فیروزه‌ای شامل عبارت : «لم یلد ولم یولد ولم یکن له‌کفوااحد» است .

۲ـ درمتن‌آن بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه‌آجری عبارات : «سبحان الحی الذی لایموت» نقش شده است .

در نمای خارجی ایوان غربی مسجد در دو شکل مربع بخط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمینه آجری سوره اخلاص نوشته شده است .

درداخل ایوان شرقی در یك حاشیه کاشیکاری برمتن زرد رنگ درده لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ این اشعارنقش‌گردیده :

« صاحب خلق و فیض آقا نور — که‌چوخورشید مهربان‌علم‌است»
« مسجدی ساخت درکوی مکی — که بگیتی یگانه حرم است »
«این‌چنین‌مسجدی‌که خاك درش — غیرت افزای جنت و ارم است »
« سال تاریخ آن خرد گفتا : — مصرع آخرین این رقم است »

« معبد اهل اصفهان چون شد: « مسجد نور کعبه عجم است »
(۱۰۳۴)

« کتبه العبد نورا »

ظاهر امر اینست که دراین تاریخ پیکره مسجد تمام شده بوده و نویسنده کتیبه هم میرزا نورای معروف بوده است[۱] .

مسجد آقانور دارای شبستانی است بسیارزیبا و ستونهای آن سنگی وطاقهای متعدد آن از قطعات سنگ مرمر شفاف تشکیل شده و در روز فضای شبستان را روشن میکند ، در این شبستان محراب کوچکی است که دردوطرف آن در دوشکل مربع بخط بنائی مشکی ساده برزمینه زرد عبارات : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله » نوشته شده است .

سردر خارجی شبستان جنب سردرشمالی مسجد نیز تزییناتی از نوع کاشیهای گره وخطوط بنائی دارد . در اسپر بالای در بخط بنائی شطرنجی مشکی سه رگی برزمینه فیروزه‌ای کتابت شده : « بسم الله‌الرحمن‌الرحیم وبه نستعین » و درچهار اسپر اطراف سردر : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله » خوانده میشود .

این شبستان درقرن سینزدهم بمسجدکه از بناهای اوایل قرن یازدهم است الحاق گردیده است .

کتیبه سردر شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمدباقر شیرازی ومشتمل بر آیات ۸۴ تا نصف آیهٔ ۹۲ سورهٔ مؤمنون است و در دوپشت بغل آن بخط بنائی شطرنجی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه آجری

۱ــ میرزا نورا فرزند صدرالشریعة اصفهانی ازشعراء وخوشنویسان خط نستعلیق وازشاگردان بنام میرعماد بود وخط نستعلیق را چون استاد خود مینوشت وقطعات بسیاری نوشت. درآخر عمر بکیمیاگری اشتغال داشت .

از اشعار او است :

شب وصل غیر چشمم زخیال باز باشد — که مباد چون شب من شب اودراز باشد

(تاریخ خط و خطاطان ج ۱ ص ۹۳)

نوشته شده : « انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم‌الاخر »[1]
ثبت تاریخی این‌مسجد درگردش اداری است .[2]

۵ ـ مسجد اولجایتو :

این مسجد درشمال ایوان‌استاد مسجد جمعه اصفهان وپس‌از سردرکاشیکاری بیت‌الشتاء قراردارد وآن مسجد عبارت از شبستان‌کوچکی است‌که دارای اطاقهای آجری متنوع وزیباترین‌محراب گچبری است . این شبستان بنام مسجداولجایتو خوانده میشود . ودرکتیبه محراب زیبای آن نامهای سلطان محمد خدابنده یعنی اولجایتو ووزیر او خواجه سعدالدین محمد مستوفی ساوجی ملقب بصاحب دیوان مندرج است .

کتیبه تاریخی محراب چنین است :

« سلطان محمد »

« هذاالمحراب المستطاب من مضافات العمارات التی اتفقت اعادتها فی‌ایام »
« معدلةالسلطان حامی‌حوزةالاسلام والایمان غیاث‌الدنیا والدین‌ظل‌الله فی‌الارضین »
« حرس‌الله ببقائه الاسلام من فواضل صدقات العمیمة الصاحبیة الاعظمیة صاحب »
« دیوان‌المالک‌شرقاًوغرباً بعداً وقرباًسعدالحق‌والدین‌المخصوص‌بعنایةرب‌العالمین »
« محمدالساوی اعزالله انصاره وضاعف اقتداره تولاه العبدالضعیف الراجی الی »
« رحمةالله تعالی وغفرانه عضدبن علی‌الماستری احسن‌الله‌عاقبته فی‌صفرسنة عشر »
« و سبعمئة ختم‌الله تبارك وتعالی بالخیر والظفر. ».

مفادکتیبه حاکی است‌که محراب مزبور از مضافات عماراتی بوده که پس از اتفاق حریق در مسجد جمعه اصفهان تجدید بنا شده و عمارات محراب درزمان سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) و از وجوه صدقات صاحب دیوان و مباشرت عضدبن علی‌الماستری اختتام پذیرفته است .

۱ـ نقل بمعنی ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۵۰۱ تا ص۵۰۴ .
۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷.

در متن کتیبه تاریخی القاب سلطان محمد نوشته شده ولی نام سلطان محمد از نظر تجلیل واحترام درفوق کتیبه مزبور یاد شده است . دراطراف این کتیبه بخط ثلث چنین گچبری گردیده است :

«عن جابر بن زید الجعفی قال سمعت جابر بن عبدالله انصاری[1] یقول لما انزل الله» « علی نبیه صلی الله علیه وآله یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی-» « الامر منکم قلت یا رسول الله قد عرفنا الله و رسوله فمن اولوالامر الذین قرن الله » « طاعتهم بطاعته وطاعة رسوله فقال علیه السلم . » درآخر کتیبه بعد از (السلم) نام سازنده باین شرح خوانده میشود : « عمل حیدر » دنباله کتیبه مزبور در حاشیه فرورفتگیهای محراب در دو ردیف بشرح زیر نوشته شده است :

« هم خلفائی یا جابر وائمة المسلمین بعدی اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن» « ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التورية بالباقر وستدرکه » « یاجابر فاذا لقیته فاقرئه منی السلم ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن» « موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمیی وکنیی حجة الله فی» « ارضه وبقیته فی عباده الحسن بن علی ذاك الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یده مشارق» « الارض ومغاربها . » و بخط کوفی مشبك در بالای فرورفتگی محراب نقش شده :

« لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله » .

درحاشیه بزرگ محراب مزبور بخط ثلث چنین گچبری شده :

« قال الصادق المصدق رسول الرحمن صلی الله علیه وآله من بنی مسجداً » « کمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة وقال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه» « سلام الله ورسوله وملائکته من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان اخا مستفاداً » « فی الله اوعلماً مستظرفاً اوآیة محکمة او رحمة منتظرة اوکلمة رده عن ردی او» « یسمع کلمة تدل علی هدی اویترك ذنباً خشیة اوحیآء »

در ورودی شبستان اولجایتو درروبروی محراب قرار دارد وبرروی هردولنگه در بخط ثلث برجسته این عبارات خوانده میشود :

۱ــ درگنجینه آثارتاریخی اصفهان انصاری نوشته شده ولی درست آن الانصاری است.

« وان‌المساجدلله فلا تدعوا معالله احدا صدق‌الله العظیم . »

« وقف‌کرد این‌درب را برمسجد قربةالی‌الله تعالی‌استاد حسین‌بن استادشاه »
« میرزای . . . اصفهانی ».

بردیوار مقابل درقدیمی شبستان اولجایتو دراوایل دالان حوضخانه یك‌لوح سنگی بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی این‌کتیبه نوشته شده است :

« وقف شرعی نمودآقا رضا ولد استاد فخرالدین شوشتری تمامی‌یکبابخانه،
« معینه واقعه درمحله تحت‌الشارع که‌بموجب وقفنامه علیحده وقف نموده (تولیت،
« بامیرزاخان ابن‌آقا رضا شوشتری) براولاد خود و غیره ازجماعت مفصله ذیل ،
« بدین موجب اولاد واقف مزبوره ثلث اولاد محمدکاظم و رجبعلی برادران واقف ،
« ثلث اولادمسماتان صفیه بانو وکشورجان همشیره‌های واقف ثلث وشرط نبودند ،
« موقوف علیهم‌که هرساله مقدار شش‌من‌روغن‌چراغ بوزن‌شاه تسلیم خدمه‌مسجد ،
« جامع قدیم اصفهان نمایندکه صرف روشنائی شود . زمستان در شبستان طرف ،
« طنبی وتابستان درصفه سنگ تراشان سنه ثلاث و سبعین والف . » .

ازکتیبه اخیر معلوم میگردد وقف مزبور در عصر شاه‌عباس ثانی بعمل‌آمده است درصورتیکه اصل‌بنا ۷۱۰ هجری باتمام رسیده است[۱] .

ایـن مسجد ضمن مسجد جامـع عتیق طـی شماره ۳۲۸ به ثبت تاریخـی رسیده است[۲] .

۶ـ مسجد ایلچی :

این‌مسجد درمحله احمدآباد واقع ودارای کتیبه تاریخی است که میرساند درزمان سلطنت شاه سلیمان صفوی بوسیله صاحب سلطان بیگم دختر حکیم نظام‌الدین محمد (یااحمد) ملقب بحکیم‌الملك ایلچی بسرکاری خواجه سعادت باتمام رسیده است .

۱ـ عبارات کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است. ازص۱۱۵ تاص۱۲۱.
۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۲۶ .

هنگامیکه کتیبه‌های محراب را مینوشته‌اند مقارن‌سال ۱۰۹۳ وپس ازاتمام تزیینات محراب سال ۱۰۹۴ و هنگام نوشتن‌کتیبه سردر مسجد مقارن ۱۰۹۷ هجری بوده است . پس میتوان گفت سال ختم بنا همان باشد که در سر در مسجد نوشته شده است . (ش۵۷)



(شکل ۵۷)

کتیبه سردر مسجد مطابق نقل‌گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان چنین است :

« قد وفقت‌لبناء هذه‌المسجد فی‌زمان دولة السلطان الاعظم والخاقان‌الاکرم»
« مروج مذهب‌الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان‌بن‌السلطان وخاقان‌بن‌خاقان»
« ابوالمظفرشاه سلیمان‌الحسینی‌الموسوی‌الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه‌وسلطانه»

« وافاض علی العالمین عدله واحسانه صاحب سلطان بیگم بنت حکیم نظام الدین ،
« محمد الملقب حکیم الملك ایلچی و بسر کاری خواجه سعادت باتمام رسید فی ۱۰۹۷ ،
« کتبه ابن محمدرضا محسن الامامی . » .

بدیهی است کلمه هذه در این عبارت غلط است حالا غلط از که باشد معلوم نیست وممکن است که چون عبارات را از سایرامکنه اقتباس میکرده‌اند این کلمه را ازکلمه هذه المدرسة که راجع بمدرسه ایلچی بوده فراگرفته باشند و با این فرض غلط ازگرده برداران وکاشیکاران بوده است.

دربالای سکوها وداخل مقرنسهای سردرمسجد خطوط بنائی بسیاری وجود دارد یکی ازآنها در بالای سوسنهای قطار سردر درچهار شکل مثلث بخط بنائی سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نام استادآن چنین آمده است :

« عمل العبد محمد علی بن استاد علی بیك » .

گرچه تاریخ ندارد ولی چون سردر تاریخی کتیبه بعداز انجام عمل مقرنس کاری وبنا بوده حداقل میتوان گفت تاریخ آن همان سال ۱۰۹۷ هجری میباشد .

در داخل سوسنهای قطار سر در بخط بنائی با کاشی لاجوردی بر زمینه زرد در دوشکل مربع این بیت نوشته شده :

« اگرهست مرد از هنر بهره‌ور هنرخود بگوید نه صاحب‌هنر »

و در دوشکل مربع دیگر بخط بنائی با کاشی لاجوردی برزمینه سفید نوشته شده است : « عاقبت محمود باد ».

در ایوان جنوبی مسجد و در اطراف دیواری که محراب را در بردارد بخط بنائی باکاشی معرق مشکی دو رگی برزمینه آجری چنین نوشته شده :

« بسم الله الرحمن الرحیم اذاجاءِ نصر الله والفتح ورأیت الناس یدخلون فی »
« دین الله افواجاً فسبح بحمد ربك واستغفره انه کان تواباً صدق الله العظیم سنة ۱۰۹۳ »

و دربالای این کتیبه بخط بنائی نوشته شده :

« انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة »

« ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین - یا الله - محمد - علی -»
« فاطمة - حسن - حسین . »

در داخل محراب بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی آیه ۱۰۳ سوره نساء خواند میشود .

در اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات ۱۸و۱۹ سوره توبه نقش و آخر آن باین عبارات ختم میشود : « صدق الله العظیم کتبه »
« محمد محسن الامامی فی ۱۰۹۴ » .

درقسمت فوقانی محراب ایوان بزرگ مسجد بخط ثلث برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ در یك شمسه کتیبه تاریخی زیر خوانده میشود :

« هوالعلی »

« لما سمعت المخدرة الصالحة المستورة صاحب سلطان بیگم بنت المرحوم»
« المغفور حکیم نظام الدین احمد شهرة ایلچی آیه انما یعمر مساجدالله وفقت »
« لبناء هذاالمسجد المبارك واتفق بنائه و اتمامه فی سنة ثلث وتسعین والف .» و در آخر آن بخط نستعلیق نوشته شده است : « عبده حسینی ».

کتیبه محراب ایوان کوچك مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ مشتمل بر آیه ۴۵ سوره عنکبوت چنین است :

« قال الله تبارك وتعالی اتل ما اوحی الیك من الکتاب واقم الصلوة ان الصلوة »
« تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر والله یعلم ما تصنعون . » .

درپشت بغل بزرگ داخل مسجد نیز بخط بنائی مشکی معرق برزمینه آجری این جملات و عبارات نوشته شده است :

« یا سیدالسادات - یاولی الحسنات - یا مجیب الدعوات - یاقابل التوبات - یا»
« غافر الخطایات - یا عالم الخفیات . »

درکتیبه‌های تاریخی دواشتباه بنظر میرسد یکی نام حکیم نظام الدین که در کتیبه سردر محمد نقل شده ودرکتیبه بالای محراب احمد وبطور حتم یکی از آن

دو نادرست‌است اشتباه دیگر این‌که درکتیبه‌سردر هذه‌المسجد نقل‌شده درصورتیکه درست آن هذا میباشد و گمان میرود همانطورکه در پیش‌گفته شد موقع‌گرده‌برداری اشتباه شده باشد و نام حکیم هم چون درکتیبه آخرین یعنی سردر محمد نوشته شده درست‌آن همان محمد باشد و کلمه احمدکه نقل شده شاید در اثر سائیدگی میم نخست محمد چنین بنظرآمده است . اشتباه ادبی دیگرکلمه غافرالخطایات است که خطایا اصولاً جمع خطیئه بمعنی گناه است و جمع آن بیشتر بروزن خطایا است وگاهی‌هم خطیئات و درهرحال خطایات وجود ندارد . (ش۵۸)



(شکل ۵۸)

اثر تاریخی دیگری که درمسجد مزبور موجود است زیلوی قدیمی است که این عبارت بر آن بافته شده است :

« وقف شد برمسجد ایلچی درداراالسلطنه اصفهان این فرد زیلومع چهارفرد »
« دیگر بجهت شبستان مسجد مزبور مشروط آنکه ازمسجد مزبور بیرون نبرند »
« مگر بجهت عذر شرعی تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۲۷۵ عمل عبدالوکیل »

و میرساند که درسالهای اوائل سلطنت ناصرالدین شاه زیلوی مزبور برمسجد وقف گردیده وواقف وبافنده آن عبدالوکیل بوده است .

قسمتی ازکتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است[۱]. اماعلت شهرت مسجد به ایلچی اینستکه حکیم نظام‌الدین ایلچی بوده، برخی گفته‌اند که او ایلچی عثمانی و بعضی دیگر گفته‌اند که ایلچی هند بوده است ولی بنظر نگارنده از رجال ایران بوده که بسفارت وایلچیگری بکشورهای دیگر رفته بوده وازاینرواورا ایلچی میخوانده‌اند و کمتر دیده شده که یك مرد اجنبی برای کشور دیگری مبادرت بساختمان اینگونه ابنیه کند . این مسجد طی شماره ۲۷۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۲]

۷ ـ مسجد باغ حاجی :

در نزدیکی باغ حاجی که اکنون بباغ همایون اشتهار دارد کوچه‌ای بنام کوچه باغ حاجی وجود دارد که درآن مسجدی اززمان صفویه قرار دارد .

عبارات کتیبه سردرمسجد حاکی است درعصر شاه عباس اول خواجه روح‌الله ابن نورالله فراهانی درسال (۱۰۳۳ هـ . ق) مسجد مزبور را بناکرده ، ونویسنده کتیبه محمد امین بن اخی بوده است .

از تزیینات کاشیکاری مسجد غیر ازسردر آن چیزقابلی باقی نمانده و کتیبه سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین است :

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۴۳ تا ص ۶۴۵.
۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۷ .

« فی ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان الاعدل الاعظم مالك رقاب الامم »
« مولی ملوك العرب والعجم ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله »
« تعالی ظله ابداً بتوفیقات ملك سبحانی بناکرد این مسجد را توفیق آثار خواجه »
« روح الله بن نورالله فراهانی درسنه هزار وسی وسه کتبه محمد امین بن اخی . ».

درحقیقت مسجد بنام خواجه روح الله است ولی چون درنزدیکی محل معروف به باغ حاجی واقع شده مسجد را بنام باغ حاجی نامیده‌اند . ثبت تاریخی مسجد درگردش اداری است[1] .

۸ ـ مسجد جارچی :

این مسجد دربازار بزرگ اصفهان واقع و بانی آن ملك سلطان جارچی باشی شاه عباس اول بوده است . مسجد صحن ندارد ودرحقیقت شبستانی است که قسمتی ازسقف آن پس‌ازخرابی تعمیرشده است . اطراف شبستان تزییناتی داردکه برروی زمینه های لاجوردی و فیروزه‌ای انجام شده . محراب مسجد از سنگ ساده و در ورودی آن اززمان ساختمان باقی‌مانده است .کتیبه سردرمسجد بخط ثلث برجسته برسنگ چنین است :

« تیمنا وتبرکا بذکره الکریم الوهاب قدانفق لعمارة هذاالمسجد فی ایام »
« خلافة الخاقان الاکرم الاکمل الاشجع الاعدل الاعظم مولا ملوك العرب والعجم »
« قهرمان الماء والطین ظل الله فی الارضین خلف اخلاف سیدالمرسلین رواج »
« دهنده مذهب ائمه اثنی‌عشر صلوات الله علیهم اجمعین ابوالمظفر شاه عباس »
« الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین »
« عدله و احسانه اللهم متع المسلمین بطول حیاته وضاعف ثواب جمیله وحسناته »
« و ارفع درجاته وظفره جمیع اعدائه بما فی القرآن من آیاته اللهم آمن بلده الی »
« یوم القیام بانی این عمارة خجسته ملك سلطان جارچی باشی سنة تسع عشروالف »
« رقم صحیفی جوهری » .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷.

درگنجینه آثارتاریخی اصفهان ضمن نقل‌کتیبه بعدازکلمه ظفره جمیع‌کلمه (کنا) که درواقع علامت تعجب ودرست نبودن‌آن است نوشته است وگمان میکنم (ظفره) را که بصیغه امر از باب تفعیل است بلفظ مصدری خوانده وچون ازلحاظ مفهوم عبارت نارسا میشود تعجب‌کرده‌اند درصورتیکه باخواندن بصیغه امر از باب تفعیل مطلب‌کاملاً درست خواهد بود ودیگرجای شگفتی نیست وکلمه علی‌پیش از جمیع افتاده است.

جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری کتیبه سردر را چنین درج کرده است[1]:

«تیمنا و تبرکا بذکر الکریم الوهاب قدانفق لعمارة هذاالمسجد فی‌ایام»
«خلافة الاکرم الاکمل الاعدل الاعظم مولی ملوك‌العرب والعجم قهرمان الماء»
«والطین‌ظل‌الله فی‌الارضین‌خلف‌الانبیاء والمرسلین برواج مذهب ائمة الاثنی‌عشر»
«صلوات‌الله علیهم اجمعین ابوالمظفر شاه‌عباس الموسوی الحسینی بهادرخان»
«خلدالله ملکه و سلطانه وافاض علی‌العالمین بره و عدله و احسانه واظفر بانی»
«این عمارت خجسته ملك سلطان خان جارچی باشی سنة تسع عشروالف رقم»
«صحیفی جوهری».

ازمقایسه این دو چنین معلوم میگردد که اختلافاتی وجود داردکه آنها را باین موارد میتوان بیان‌کرد:

۱ ـ درکتاب‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان[2] کلمه بذکره باضمیریکه مرجع آن معهود است ذکر شده ولی درکتاب تاریخ اصفهان وری بدون ضمیرنوشته شده است وازنظرمفاد هردو درست است.

۲ ـ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بعداز الاکمل کلمه الاشجع نیز وجود دارد درصورتیکه درکتاب تاریخ اصفهان وری این‌کلمه موجود نیست.

۳ـ درگنجینه آثارتاریخی‌اصفهان بعدازفی‌الارضین(خلف‌اخلاف‌سیدالمرسلین

۱ ـ تاریخ اصفهان وری از ص ۲۷۵ تا ص ۲۷۶.
۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۷۷ سطر ۱۴.

رواج دهنده مذهب ائمه اثنی‌عشر) نوشته شده ودر کتاب تاریخ اصفهان وری نوشته شده :

« خلف‌الانبیاء والمرسلین برواج مذهب ائمة الاثنی‌عشر» .

۴ ـ درگنجینه آثار تاریخی اصفهان بعد ازکلمه علی‌العالمین نوشته شده : « عدله و احسانه » و در تاریخ اصفهان وری بین آن دوکلمه ـ لفظ بره هم اضافه شده است .

۵ ـ درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان بعدازکلمه احسانه نوشته شده: « اللهم » « متع‌المسلمین بطول حیاته وضاعف ثواب جمیله وحسناته وارفع درجاته وظفره » « جمیع اعدائه بما فی‌القرآن من‌آیاته اللهم آمن باده الی یوم‌القیام » ودر تاریخ اصفهان وری چنین است : «واظفر» .

دراین مورد علاوه براین‌که عبارات زیادی درتاریخ اصفهان وری ساقط شده بجای ظفره گنجینه آثارتاریخی اصفهان : اظفرآمده واگر بگوئیم اظفرهم درست است چون‌مفعولی برای‌آن ذکرنشده نمیتوان مورد توجه قرارداد .

۶ـ درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان بعداز القیام نوشته شده : «بانی این عمارة خجسته ملك سلطان» (جارچی باشی) ودرکتاب تاریخ اصفهان وری چنین مذکور است : «ملك سلطان‌خان جارچی باشی» که‌کلمه‌خان اضافه گردیده است .

از مقایسه مفاد دوکتاب معلوم گردید که آنچه درکتاب تاریخ اصفهان وری مندرج شده درخواندن‌کتیبه دقت نشده و بطورحدس مطالبی والفاظی مرتب شده است وازاینرو بایدآنچه درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان مرقوم شده مصدر و مرجع قرارداد و چون عبارت کتیبه از لحاظ اسلوب عربی است عبارت (رواج دهنده) را بایدگفت مروج درست است وچون نگارنده‌خودکتیبه را نخوانده‌ام بنوشته‌صاحب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که در خواندن کتیبه‌ها رنج بسیار کشیده‌اند اعتماد میکنم .

ازکتیبه سردر معلوم گردید که ملك سلطان[1] جارچی باشی شاه عباس اول این مسجد را بناکرده وتاریخ بنا سال ۱۰۱۹ ودر دوره شاه عباس اول انجام شده و کاتب وخطاط کتیبه صحیفی جوهری بوده است.

در مقابل در ورودی مسجد سنگاب کوچکی قراردارد که کتیبه‌آن درچهار لوحه کوچك در دورآن این عبارات خوانده میشود:

« وقف حضرت عباس علیه‌السلم نمودند ۱۲۶۷ حمل ونقل‌کننده بلعنت خدا گرفتار شود ».

این مسجد درطی شماره ۲۹۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2].

۹ ـ مسجد جامع عتیق = جمعه:

دراغلب موارد مسجد جامع وجمعه مصداق واحدی دارد ولی تفاوتهائی بین آن‌دو نیزوجود داشته‌است، اصولاً مسجد جامع در شهرها ساخته میشده‌که مردم بتوانند درآن اجتماع‌کرده بعبادت وتعلم اموردین بپردازند ودر اینگونه مساجد کتابخانه ومدرسه وخانقاه نیزوجود داشته است ولی درمسجدجمعه چنین شرایطی وجود نداشته فقط درآن نمازجمعه اقامه میشده‌است ولکن درهرمسجدی‌که نماز جمعه اقامه میشده بعنوان مسجد جمعه خوانده شده و امام جمعه‌آن نیز از طرف سلطان وقت ویا اولوالامر منصوب میگردیده‌است البته هرجامعی‌که ازلحاظ فاصله بین‌دومحل نمازجمعه‌که نبایدکمتر ازمقدارمعین شرعی باشد مانعی نداشت ممکن بود محل اقامه نمازجمعه نیزباشد واینگونه مساجدرا هم مسجد جامع وهم مسجد جمعه میگفتند مثل اینکه اغلب مساجد جامع شهرهای کوچك مانند اردستان و نائین ونطنزهم بنام مسجدجامع وهم باسم مسجد جمعه خوانده میشوند وامام این مساجد را امام جمعه میخوانند.

---

۱ ـ ملك سلطان مردم رستاق اصفهان بود وبوسیله‌ای ملازم شاه عباس ماضی‌گردید ورفته‌رفته بسبب حسن خدمات و رشد جارچی باشی شده مورد اعتماد بود ودرمصلحتها دخیل بود. (تذکره نصرآبادی ص ۴۱)

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۴۵.

پس‌ازطلوع اسلام موضوع نمازجمعه‌وادای‌آن‌فریضه‌گردید ودرزمان پیغمبر اسلام و سپس خلفاء تا انقضای دوره خلافت ونیز در دوره سلاطین مسلمان تا عصر صفویه کسانی برای امام جمعه‌گی از طرف مصادر امور تعیین میگردند . اززمان صفویه نیزکه طرفدار تشیع بودند باین موضوع بخصوص‌که بسیاری ازعلمای شیعه نماز جمعه را واجب عینی میدانستند توجه خاصی مبذول گردید .

نخستین‌کسانی‌که از طرف سلطان وقت عنوان امام جمعه داشته‌اند وترتیب آن معلوم نیست ، یکی شیخ بهاءالدین محمد عاملی و دیگری میرداماد و نیز شیخ لطف‌الله میسی‌عاملی ومحقق سبزواری بوده‌اند واماکسانیکه امامت‌آنها مرتب میباشد چنین است :

۱ـ ملامحمدتقی مجلسی اول‌متوفی (۱۰۷۰ ه . ق) ومؤلف‌شرح من‌لایحضره الفقیه و دیگر تألیفات .

۲ ـ علامه ملامحمد باقرمجلسی دوم مولود (۱۰۳۷ ه . ق) ومتوفی (۱۱۱۰ ه . ق) مؤلف‌کتاب بحارالانوار وتألیفات بسیار دیگر مدفون دردالان مسجد .

۳ ـ میرمحمد صالح داماد مجلسی اول که از علمای بزرگ وصاحب مسند ومدرس بوده ودر۱۰۵۸ متولد ودر۱۱۲۶ وفات کرده است .

۴ ـ میرمحمدحسین فرزند میرمحمد صالح خاتون‌آبادی متوفی (۱۱۵۱ ه . ق) .

۵ ـ میرزا محمدتقی الماسی نواده پدری مجلسی اول ونواده مادری مجلسی دوم متوفی (۱۱۵۹ ه . ق) .

۶ ـ شیخ زین‌الدین خوانساری متوفی (۱۱۶۷ ه . ق) از بزرگان علماء و مجاز از میرمحمدحسین .

۷ ـ میرمحمد مهدی پسر بزرگ میرمحمدحسین متوفی (۱۱۸۳ ه . ق) .

۸ ـ میرعبدالباقی فرزند کوچك میرمحمد حسین خاتون‌آبادی متوفی (۱۲۰۸ ه . ق) از بزرگان علماء .

۹ ـ حاجی میرمحمد حسین‌بن میرعبدالباقی متوفی (۱۲۳۳ ه . ق) ملقب به سلطان‌العلماء .

۱۰ ـ حاجی میرزاحسن‌بن حاجی میرمحمد حسین‌خاتون‌آبادی امام جمعه مسجد شاه متوفی (۱۲۴۸ ه . ق) .

۱۱ ـ آقامیرمحمد مهدی سلطان‌العلماء فرزندحاجی میرزاحسن امام جمعه متوفی (۱۲۵۴ ه . ق) .

۱۲ـ آقامیرسید محمدسلطان‌العلماء ابن‌حاجی میرزاحسن امام‌جمعه متوفی (۱۲۹۱ ه . ق) .

۱۳ ـ آقا میرمحمد حسین‌بن حاجی میرزا حسن امام جمعه متوفی رجب (۱۲۹۸ ه . ق) .

۱۴ـ آقامیرزا محمدعلی امام‌جمعه فرزند میرزاجعفربن حاج‌میرسیدمحمد متوفی (۱۳۰۰ ه . ق) .

۱۵ ـ حاجی میرزا هاشم امام جمعه فرزند میرسید محمد خاتون‌آبادی متوفی (۱۳۲۱ ه . ق) .

۱۶ـ آقامیرزا محمدصادق امام‌جمعه فرزند میرزا محمدعلی‌بن میرزاجعفر خاتون‌آبادی متوفی رمضان (۱۳۴۸) .

۱۷ ـ پس‌از بیست سال فاصله آقامیرمحمد مهدی امام جمعه‌گردید[1] .

که این عده ازطرف سلطان وقت سمت امام جمعه داشته ومیتوانسته‌اند در مساجد معین وموسوم به‌مسجد جمعه اقامه نمازکنند ـ نامبردگان برخی درمسجد شاه و بیشترآنان درمسجد جامع عتیق نمازجمعه را بجا میآورده‌اند واز اینروآن مسجد بمسجد جمعه اشتهار یافته است .

در قدیم یعنی پیش‌ازقرن پنجم چند جامع بزرگ دراصفهان وجود داشته‌که دوتای آن در محل مسجد جمعه کنونی بوده است و پس‌از اندراس و حریقی‌که در

---

۱ ـ مکارم‌الاثار در احوال رجال دوره قاجار ج۲ ص ۳۱۴ تا ص ۳۲۰ .

۵۱۵ هجری اتفاق افتاد مورد تجدید بنا واقع و بتدریج و دراعصار متوالی بصورت کنونی درآمد.

وضع ساختمانی کنونی مسجد جمعه چنین است:

بطوریکه شادروان گدارفرانسوی متخصص امور باستان شناسی درآثارایران بیان کرده و تحقیق شده در ابتدای رواج مذهب اسلام در ایران مساجدی بسبك عربی که عبارت ازعمارتی کوشك مانند بود بنا گردید ولی پس‌ازگذشتن حدود پنج قرن سلیقه ایرانی آن سبك را نپذیرفت و مساجد را بصورت عمارت چهار ایوانی صحن‌دار درآورد و شبستانی نیز برآن افزود و این تغییر سبك و روش تقریباً در اواخردوره خلفای‌عباسی شروع گردید، دربعضی ازمساجد مهم‌که بسبك‌تازی ساخته شده بود ازقرن پنجم ببعد تغییراتی داده شد بطوریکه ساختمانهای سبك تازی هم باقی ماند مانند مسجد جامع نائین و جامع اردستان و مسجد جامع عتیق اصفهان که با ساختمانهای سبك تازی توأم شده است.

اما ترکیب مساجد نائین و اردستان از دو سبك را خود بنا حکایت دارد ولی درمسجد جامع اصفهان‌که جامع قدیم‌آن باخشت‌خام بنا شده بود وساختمان زمان ملکشاه ببعد بوسیله آجر ساخته شده در هنگام تعمیر و خاکبرداری آثاری از خشتهای قدیم بدست‌آمده‌که ائتلاف ساختمان سبك تازی را با سبك ایرانی محرز میدارد.

اینك مسجد جامع عتیق از این اجزاء تشکیل میشود[1]:

۱ ـ ضلع جنوبی:

در این ضلع در قدیم بناهائی بسبك عربی ساده وجود داشته که بنا بگفته باستان شناسان ونیز طبق گفته مافروخی ازخشت خام بوده است.

سپس درقرن پنجم مسجد باشکوهتری‌که تزیینات آجری وگچبری داشته در محل ساختمانهای اولیه بعمل آمده مانند گنبد نظام‌الملك. در جلو این گنبد

---

۱ ـ ترجمه آثار ایران ج ۱ از ص۹۹ تا ص ۱۰۷.

بطرف صحن مسجد ایوان جنوبی واقع است که درآغاز قرن ششم هجری اساس ساختمان آن که سلجوقی است بنا شده و سقف آن درآخر قرن نهم هجری بامر حسن‌بیك‌آق قوینلو ازنوساخته شده ، این ایوان دومناره دارد . ازاره‌های مرمری و کاشیکاریهای گوناگون معرق برجسته که پائین ایوان را تزیین کرده وکاشیکاری پشت بغلهای طاق نماهای فوقانی وتحتانی اطراف صحن ازدوره حکمرانی اوزون حسن است . در این ایوان کتیبه‌ای از زمان شاه طهماسب وکتیبه دیگری از دوره شاه عباس ثانی وجود دارد . (ش۵۹)



(شکل ۵۹)

درطرفین گنبد و ایوان مذکور دو چهلستون عهد جانشینان ملکشاه (اوایل قرن ششم) وجود دارد ، درطرفین هردوچهلستون در سمت‌مشرق ساختمانهای دوره آل‌مظفرازقرن هشتم‌هجری است‌که درسمت‌چپ دالان ورودی مسجد قرارمیگیرد و یك راهرو جنوب شرقی مسجد آن را از ساختمانهای سلجوقی جدا میکند .

در سمت مغرب چهلستون دیگری ازقرن یازدهم از دوره شاه عباس بزرگ قرار دارد که سبك ساختمان چهلستونهای سلجوقی را پیروی کرده است، این چهلستون را چهلستون عباسی مینامند.

۲ ـ ضلع غربی :

مهمترین ساختمان این ضلع ایوان غربی مسجد است‌که اساسش سلجوقی و در اوایل قرن ششم هجری بنا گردیده است ودارای مقرنسهای درشت میباشد. در زمان شاه سلطان حسین صفوی داخل و خارج ایوان مزبور از کاشیهای زیبا و خطوط بنائی آراسته شده و تزیینات آجری دوره سلجوقی آن از سادگی بیرون رفته است.

راه شبستان بزرگ‌مسجد درجنوب این‌ایوان واقع وشبستان‌کوچك دیگری نیز درهمین قسمت قرار دارد.

درشمال ایوان‌غربی یك سر درکاشی‌کاری نفیس ازقرن نهم‌هجری وجوددارد که سر در شبستان وسیعی است‌که درعقب ساختمانهای این ضلع واقع است.

درآخرین قسمت ساختمانهای ضلع مزبور شبستان بزرگ زمستانی موسوم به بیت‌الشتاء ازعهد حکمرانی سلطان محمدبن بایسنقربن شاهرخ تیموری قرار گرفته است و دارای مرمرهای درخشانی است‌که حکم‌چراغ‌را برای‌شبستان دارد. این شبستان دارای هیجده چشمه طاق است که ازسال ۸۵۱ هجری‌کتیبه دارد.
(ش۶۰)

۳ـ ضلع شمالی :

درمیان این‌ضلع ایوان است که از اوایل قرن ششم هجری و دوره دوم عهد سلجوقی شناخته شده و درآن قطعه سنگ یکپارچه مرمری است که در انتهای درون ایوان تعبیه شده و دارای خطوط زیبای کوفی گل و بوته‌دار میباشد، این ایوان دارای تزیینات آجری و کتیبه گچبری از زمان شاه سلیمان صفوی است و درطرفین آن چهلستونهائی ازدوره دوم عهد سلجوقی قرار دارد.



(شکل ۶۰)

درشمال ایوان مزبور وچهلستونهای طرفین آن چهلستون مفصل دیگری وجود داردکه ساختمانهای دوره دوم عهد سلجوقی‌را به‌گنبد تاج‌الملك اتصال‌میدهد وهمه آن درضلع شمالی مسجد قرار دارد . دیگر ازساختمانهای ضلع شمالی‌گنبد تاج‌الملك است که به گنبد خاکی اشتهار دارد و بانی‌آن تاج‌الملك وزیر دیگر ملکشاه سلجوقی بوده و بنای آن مربوط به سال ۴۸۱ هجری است .

۴ـ ضلع شرقی :

وسط این‌ضلع ایوانی‌است‌که یك‌کتیبه‌کاشی‌کاری اززمان شاه سلیمان‌صفوی دارد و میرساندکه درآن زمان تعمیراتی از ایوان بعمل آمده است .

درشمال این ایوان مدخل صفه و مدرسه عمرقرار دارد و دنباله آن شبستان وسیعی است که دارای هیجده ستون و ازبناهای دوره آل مظفر میباشد . درصفه عمر کتیبه والواحی از دوره حکومت موقتی اشرف افغان نیز وجود دارد .

کتیبه‌های مهم مسجد جمعه :

الف ـ کتیبه‌هائی که مربوط به مسجد است :

۱ ـ کتیبه گنبد خواجه نظام‌الملك :

گنبد نظام‌الملك بوسیله حسن بن علی بن اسحاق طوسی وزیرملکشاه سلجوقی ساخته شده وازآثار جالب سلجوقی است وکتیبه‌ای در داخل دارد که چنین است:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم امر ببناء هذه القبة فی ایام السلطان المعظم شاهانشاه، « الاعظم ملك المشرق والمغرب رکن الاسلام والمسلمین معزالدنیا والدین ابی ـ، « الفتح ملکشاه بن محمدبن داود یمین خلیفةالله امیرالمؤمنین اعزالله نصره العبد، « الفقیر الی رحمةالله الحسن بن علی بن اسحق علی ید ابی‌الفتح احمدبن محمد، « الخازن . »

ازمفاد کتیبه مزبور چنین معلوم میشودکه خواجه نظام‌الملك حسن بن علی بن اسحق طوسی فرمان داده است که گنبدمورد بحث بناشود واجراءکننده این دستورابوالفتح احمدبن محمدخازن اصفهانی بوده و درزمان سلطنت ابوالفتح ملکشاه صورت یافته است . وچون تاریخی ندارد محتمل است که میان سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۷ هجری‌قمری که مدت سلطنت ملکشاه بوده انجام شده باشد . چه در کتیبه صراحت دارد که ساختمان گنبد درعهد سلطنت سلطان نامبرده انجام گردیده است .

پروفسور پوپ امریکائی درکتاب بررسیهای هنر ایران گفته که تاریخ اتمام ساختمان گنبد خواجه نظام‌الملك ۴۷۳ هجری بوده است. [۱]

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[۲] تاریخ ختم بنای گنبد خواجه نظام الملك را ۴۸۱ هجری‌قمری نوشته است ولی مدرك آن معلوم نیست شاید

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶. ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۲۹.

بمناسبت اینکه تاریخ اتمام ساختمان گنبد تاج‌الملك که قرینه آن میباشد سال ۴۸۱ نوشته شده تصور کرده است که دریك زمان هردو گنبد ساخته شده است.

کتیبه گنبد تاج‌الملك :

این گنبد که به‌گنبد خاکی وگنبد تاج‌الملك هردو اشتهار دارد در بانی آن اختلاف کرده‌اند بعضی گفته‌اند که بانی آن پسر خواجه نظام‌الملك است.[۱]

ولی این گفته اساس ندارد و برطبق کتیبه‌ایکه در زیر نگاشته میشود بانی آن ابوالغنائم تاج الملك مرزبان‌بن خسرو فیروز بوده است . کتیبه گنبد باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ان ربکم الله‌الذی خلق‌السموات والارض فی‌ستة »
« ایام ثم‌استوی علی العرش یغشی اللیل والنهار یطلبه حثیثاً والشمس والقمر »
« والنجوم مسخرات بامره الاله‌الخلق والامر تبارك‌الله رب‌العالمین امر ببناء هذه »
« القبة ابوالغنائم المرزبان‌بن خسرو فیروز ختم‌الله له بالخیر فی‌شهورسنة احدی »
« وثمانین واربع مائة » .

بطوریکه‌در کتیبه بیان گردیده ساختمان‌این گنبد بوسیله ابوالغنائم تاج‌الملك انجام گردیده است[۲] .

در زیر کتیبه دورگنبد تاج‌الملك سی‌ودو پشت بغل قراردارد که درهریك دو کلمه باخط‌کوفی ساده باآجر این‌کلمات نوشته شده :

«هوالعلی» «هوالدیان» «هوالغنی» «هوالحکیم» «هوالحق» «هوالله» «هوالرحمن» «هوالمجید» «هوالملك» «هوالحی» «هوالسلام» «هوالمؤمن» «هوالمهیمن» «هوالعزیز» «هوالکریم» «هوالمنجی» «هوالخالق» «هوالباقی» «هوالمصور» «هوالفرد» «هوالصمد» «هوالاول» «هوالاخر» «هوالصادق» «هوالناصر» «هوالخبیر» «هوالغفور» «هوالبصیر» «هوالواحد» «هوالقادر» «هوالعالی» «هوالاعلی» .

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۷ .

۲ــ عبارات کتیبه از مفاد کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۷ اقتباس گردیده است .

درگوشه های دوره داخل گنبد مزبور ابتداء : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و سپس آیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری بخط‌کوفی ساده برجسته آجری نوشته شده ، شروع آیات مزبور از زاویه جنوب غربی درون‌گنبد است .

درمدخل‌جنوبی‌گنبد زیرهلال بزرگ‌کتیبه‌ای بخط‌کوفی‌ساده‌آجری برجسته وجود دارد که پس از بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم آیات ۲۶ و ۲۷ سوره عمران نوشته شده است .

۳ ـ کتیبه سردر شمال شرقی :

این‌کتیبه‌که درسردرشمال شرقی مسجد جمعه نوشته شده بخط‌کوفی باآجر برجسته باین شرح است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ومن اظلم ممن منع مساجدالله ان یذکرفیها اسمه ، « وسعی . . . . . اعادة هذه العمارة بعدالاحتراق فی‌شهور سنة خمس عشرة وخمس ، « مأته» واولاً میرساند که قسمتی از آیه بعدازکلمه سعی ساقط شده و آن قسمت عبارت از: « فی‌خرابها اولئك ماکان لهم ان‌یدخلوها الاخائفین لهم فی‌الدنیا خزی ، « و لهم فی‌الاخرة عذاب عظیم» . بوده است . و ثانیاً معلوم میگردد که عمارت و ساختمان سردر بعد از ۵۱۵ که باطنیه قسمت مهم مسجد را آتش زدند اتفاق افتاده است .

آنچه بعداز حریق باقی مانده بطور یقین معلوم نیست برخی نوشته‌اند که فقط‌کتابخانه وخانقاه‌ها ومدارس سوخته بوده است و دیگری‌گفته بقایای حریق دو گنبدنظام‌الملك و تاج‌الملك بوده و بقیه آثاری نیمه سوخته بجامانده بوده است .

آنچه‌مسلم است مسجد شباهتی بصورت اولیه نداشته وحمیت‌اسلامی ایجاب میکرده‌که بصورت نخست اعاده گردد و بهمین جهت بانیان خیر قسمت قسمت را بصورت اول درآورده‌اند .

۴ ـ کتیبه محراب صفه صاحب :

در طرفین مدخلی‌که صفه صاحب را بگنبد نظام‌الملك مربوط میکند دو

محراب ازسنگ مرمروجود داردکه هریك دارای کتیبه‌ای میباشند . کتیبه اطراف محراب غربی بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر چنین است :

« قال‌الله تعالی و ما ارسلناك الارحمة للعالمین» و سپس صلوات بر پیغمبر و دوازده امام را ذکر وتاریخ نصب سال ۹۱۸ نوشته شده است . بالای محراب مزبور کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته باین‌شرح وجود دارد :

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقاً » .

کتیبه محراب شرقی دردوقسمت حاشیه ومتن چنین نوشته شده : در حاشیه محراب چنین خوانده میشود :

« ان‌الله و ملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین آمنوا صلواعلیه وسلموا تسلیماً» وسپس صلوات بردوازده امام ودرپایان عبارت: «العبد تاج‌الدین سنه ۹۱۸» خوانده میشود .

کتیبه متن محراب بخط ثلث برجسته باین شرح است :

«لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله الحسن والحسین سبطا نبی‌الله» .

دردوطرف مدخل صفه صاحب بگنبد نظام‌الملك دوستون سنگی مرمری‌که دارای نقوش برجسته است وجود دارد و در بالای آنها بخط ثلث برجسته عباراتی بشرح پائین حجاری شده است : ستون سمت راست :

« ناد علیاً مظهرالعجائب تجده عوناً لك فی‌النوائب .» ستون سمت چپ :

«کل هم وغم سینجلی بولایتك یا علی یا علی یا علی .»

۵ ـ کتیبه‌کاشیکاری داخل صفه صاحب :

این کتیبه بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بخط کمال‌الدین حسین حافظ هروی وتاریخ ۹۳۸ هجری چنین است :

« چون برسماءِ معالی سمات‌کریمه انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله‌کوکب »
« افادات این معانی ونجوم دلالات این مبانی طالع میشودکه قابل خلعت تعمیر و »
« تزیین مساجدکه بمزیة شرف ان بیوتی فی‌الارض المساجد اختصاص داردکسی »

« تواند بودکه نورنیر ایمان که سور ظلمت موانع قرابة است برساحة احوال او »
« تافته و بوسیله تصدیق بیوم‌الاخر بمعارج سعادت دینی و دنیوی ارتقاء یافته و »
« لباس اقبال وزینت اقامه صلوة‌که متسمست بسمت ما اعلم شاءٍ بعدالمعرفة افضل »
« من‌هذه الصلوة وبحلیة ایتاءِ زکوة‌که‌متصف بصفت من‌اقام الصلوة ولم یؤت‌الزکوة »
« فکانه لم یقم الصلوة محلی بطراز کسبة حسبة‌الله‌که شیمه ارباب انبیاء هست‌مزین »
« شد تا در زمان خلافة اعلیحضرت بهرام صولت جم جاه ملائك سپاه تاج بخش »
« سلاطین کامکار تخت‌ستان خواقین‌عالیمقدارقامع‌الظلم ومارالعدوان مزین‌سماقدرا »
« بثواقب لعدة‌کواکب وله الاحسان قائد عسکر المهدی صاحب‌الزمان السلطان‌بن »
« السلطان ابوالمظفرشاه‌طهماسب الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله علی بسیط »
« الارض ظلال اعلامه ولازال اعناق الجبابرة و رقاب الاکاسرة طائعین لقهرمان »
«اوامره واحکامه و من فارق جناه من حوزة الوفاق مسودة کغیاهب‌الظلم منشرة »
« فی‌الافاق متصدی شد بتزیین و تعمیر این مسجد بهجت آئین‌که رشك فردوس »
« برینست ابتغاءِ لوجه‌الله وطلبالمرضاته من‌خالص ماله‌آصف سیرت فرشته‌صفت »
« بانی‌مبانی الخیرات ناشرمآثرالمبرات‌ناظم امورالملك بفکره الصائب عامربنیان »
« الوزارة برأیه الثاقب منقذالضعفاء عن‌المهالك بلطائف التدبیر معین‌الواقفین »
« حبّالله بحقایق‌التقدیر الساعی‌لله فیما یحب و یرضی‌الکافی لانجاح مقاصدنا البر »
« حامی‌الفقراءِ والمساکین‌خادم‌عتبات الائمة المعصومین شمساً لسماء الدنیا والدین »
« محمدالاصفهانی لازال فاتن المسمی مالا ومال الاجرلله علی صفحات الایام و بانی »
« زینة معابد لتحصیل المطالب الدنیویة والاخرویة و این تزیین سعادت قرین »
« بسعی واهتمام علیارتبت‌جلیلة وعفت پناه وفقهاالله للخیرات انجام یافت فی‌تاریخ »
« سنة ثمان وثلثین وتسعمأته کتبه کمال‌الدین حسین‌الحافظ الهروی » .

(ش۶۱)

نام ساعیه و اهتمام‌کننده درکتیبه جرز شرقی نمای خارجی ایوان آقاسلطان ذکرگردیده وآن‌کتیبه بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه‌کاشی مشکی چنین است:

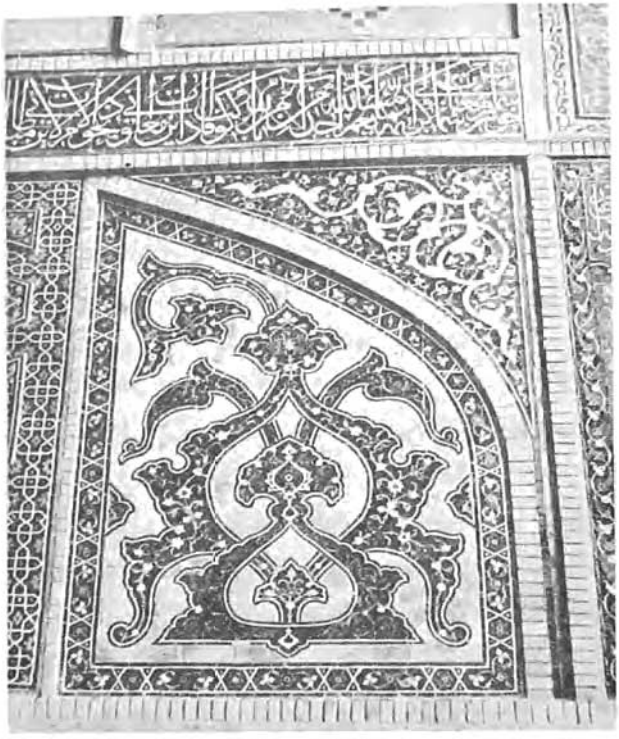

(شکل ۶۱)

« واین تزیین سعادت‌قرین بسعی و اهتمام علیارتبت عصمت پناه عفت شعار »
« ساعیةالخیرات والمبرات آقاسلطان‌لازال ایام عصمتها وعفتها الی یوم‌القیام‌صورت »
« اتمام یافت امیدکه ثواب این خیر باو عاید گردد بمحمد وآله .» ودر پائین این جرز بخط نستعلیق سفید برزمینه‌لاجوردی نوشته شده : «عمل استاد شمس‌الدین »
« کاشی تراش » .

۶ ـ خطوط بنائی ایوان صاحب :

دردرون مقرنسهای صفه‌صاحب عباراتی بخط بنائی‌مشکی برزمینه شطرنجی

آجری بطور متفرق خوانده میشود و آن عبارات چند اسم از اسماء الله چون : یا حنان ـ یا منان ـ یادیان ـ یا برهان ـ یاکریم ـ یا رحیم ـ یاالله ونیز عباراتی چون : «لااله‌الاالله ـ محمد رسول‌الله ـ علی‌ولی‌الله ـ سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله والله‌اکبر ـ یا رفیع‌الدرجات» ونظائر آنها خوانده میشود.

دردیوارجنوبی صفه مزبور دریك لوحه شش ضلعی نام یکی از استادانی‌که تزیین صفه بوسیله او انجام یافته چنین نوشته شده: « عمل استاد ابراهیم‌بن استاد اسماعیل بناء اصفهانی » .

۷ ـ کتیبه تاریخی مربوط بتعمیرات اوزون حسن آق قویلوئلو در صفه صاحب :

دریك‌قطعه مثلث شکل برسقف صفه صاحب ودرمیان مقرنسهای طاق ایوان بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین نوشته شده :

« حمداً‌لله و صلوة علی نبیه محمد قدامرالسلطان الاعدل الاعظم ابوالنصر »
« حسن بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه باصلاح مااختل من‌هذاالجامع المنیع »
« و اعادة هذا السقف الرفیع بعدالاندراس و لما جرغب‌الانطماس من‌ماله الحلال »
« فی‌سنة ۸۸۰ » .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که بیشترکتیبه‌ها ازآن اقتباس شده عبارت : حمداً‌لله نوشته شده حمدلله درصورتیکه درست‌آن همان حمداً لله است و آن مفعول مطلق است ودرکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان هم حمداً‌لله نوشته شده است و گمان میرود که در چاپ گنجینه آثار تاریخی اصفهان الف حمداً افتاده باشد .

۸ ـ کتیبه ذیل کتیبه تاریخی :

درزیرکتیبه تاریخی مربوط به‌اوزون حسن بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ در یك شکل مکعب مانند این عبارت نوشته شده است : « هذاالتجدید عمل جمال خادم‌الشیخ محمدبن یوسف‌البناء رحمه‌الله» ومیرساندکه

جمال عامل و بجاآورنده تجدید بنای قسمتی ازمسجد جامع ازطرف اوزون‌حسن بوده است وچون نامبرده خادم بقعه ومقبره شیخ محمد پسر شیخ یوسف بناءِ بوده پس مقبره شیخ محمد درتاریخ ۸۸۰ هجری دائر بوده است .

و اما اینکه درعبارت عربی مزبور نوشته شده : هذه‌التجدید اگر درخواندن سهوی نشده‌باشد میتوان‌گفت‌که چون الف ولام التجدید عهدی است ومنظوربنای معهود است پس مشارالیه بناءِ میباشد و لفظ بناءِ مؤنث است وازاینرو هذه نوشته شده است .

۹ ـ کتیبه هلال داخل صفه صاحب :

در داخل هلال صفه صاحب بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی نخست عبارت : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس هشت آیه اول سوره اسری نوشته شده ودر پایان چنین خوانده میشود :

« تحریراً فی‌تاریخ سنة ثمان وثلاثین وتسعمائة» ودرقسمت‌آخرکتیبه مزبور در دو سطر بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ اشعار و عبارات زیر خوانده میشود :

«آنها که خاك را بنظرکیمیاکنند آیا بودکه‌گوشه چشمی بماکنند»

« بعمل الفقیر یوسف‌بن تاج‌الدین بناءِ اصفهانی » .

در اسپرهای طرفین ایوان زیرهلال عباراتی بخط ثلث سفید معرق برزمینهٔ کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیرنوشته شده :

اسپرباختری ایوان : «قل‌امرربی بالقسط واقیموا وجوهکم عندکل مسجد » « وادعوه مخلصین له‌الدین » .

اسپر خاوری ایوان : « و قال‌الله تبارك و تعالی یا بنی‌آدم خذوا زینتکم » « عندکل مسجد صدق‌الله العظیم . » و بخط آجری برزمینه لاجوردی این عبارات خوانده میشود :

«کتبه العبد تاج‌الدین معلم اصفهانی » .

در درون صفه صاحب (دوطرف سفه) در هرطرف یك اسپر کاشیکاری دارد و هر اسپر دارای چهارپر(شمسه) است که بخط بنائی ساده حنائی برزمینهٔ کاشی معرق لاجوردی این اشعار خوانده میشود:

« ناد علیا مظهرالعجائب تجده عوناً لك فی‌النوائب »

« کل هم و غم سینجلی بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »

درطاقنماهای این ایوان درسمتهای چپ و راست درشکلهای مثمن عبارت: لااله‌الاالله تکرار شده است.

۱۰ ـ کتیبه های نماهای خارجی صفه صاحب:

کتیبه مناره‌های مسجدکه در دوطرف ایوان جنوبی یعنی صفه صاحب قرار دارد در زیرستونهای هردومناره یك عبارت بخط کوفی ساده‌آجری برزمینه کاشی فیروزه‌ای باین شرح نوشته شده:

« لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقاً » وجدار خارجی مناره‌ها بخط بنائی باکاشی فیروزه‌ای برزمینهٔ آجری وبشکل مارپیچ بااین جملات تزیین شده است: « الحکم‌لله ـ الملك‌لله ـ الحمدلله ».

۱۱ ـ کتیبه نماهای خارجی ایوان جنوبی:

جرزهای دوطرف ایوان که بطور عمودی قرارگرفته و از جرز غربی آغاز میشود جرز شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نخست: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس‌هشت‌آیه اول سوره الفتح‌ودنباله‌آن ازآیه شانزدهم تا بیستم همان سوره تزیین شده است.

۱۲ ـ کتیبه نمای فوقانی صفه صاحب:

کتیبه افقی و فوقانی صفه صاحب (ایوان جنوبی) که دارای تاریخ و بنام شاه عباس دوم است بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح است:

« زین هذا المسجد الرفیع المؤید من‌اعلی المؤید بصدور من‌السلطان »
« المبرورالملحق بآبائه الطاهرین شاه طهماسب حشره‌الله من‌الائمة المعصومین »

« وشرف بمرورالدور والاعوام‌علی‌الخروب‌والانهدام امر بتجدیده وتعمیره وتزیینه »
« نجله وسبطه اعظم‌الافخم سلطان‌السلاطین و ملاذالخواقین و مروج مذهب‌آبائه »
« الطاهرین السلطان‌بن السلطان شاه عباس الثانی الصفوی الحسینی الصاحب »
« قران خلدالله ظلال معدلته علی مفارق العالمین بمحمد وآله المعصومین فی‌سنة »
« الف وسبعین من‌الهجرة النبویة صلی‌الله علیه وآله » .

درهلال خارجی‌صفه مزبورلوحه‌هائی دردوقسمت وجود دارد : اول لوحه‌های مستطیل‌شکل بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی‌لاجوردی رنگ ودوم لوحه‌های مربع دایره مانند کوچکتر از قسمت اول و هرلوح دسته دوم در میان دولوح از دسته اول جا دارد و کتیبه آن بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی مشکی بشرح زیر است :

« اللهم صل وسلم علی نبینا وسیدنا و مولانا ابی‌القاسم محمدالمصطفی » .
« ناد علیا مظهرالعجائب » .
« وصل وسلم علی‌الامام الهمام‌الوصی المصطفی علی‌المرتضی » .
« تجده عونالك فی‌النوائب » .
« وصل وسلم علی‌سیدة النساء البتول العذراء ام‌الائمة الاتقیاء فاطمة الزهراء » .
«کل هم وغم سینجلی » .
« وصل وسلم علی سبط‌المصطفی وقرة عین‌المرتضی الحسن‌المجتبی » .
« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی » .
« وصل‌علی الامام الحرمین هادی ومربی الخافقین الامام ابی‌عبدالله الحسین » .
« ناد علیا مظهرالعجائب » .
« وصل علی سیدالمتقین و امام المؤمنین و نورالعارفین علی زین‌العابدین » .
« تجده عونالك فی‌النوائب » .
« وصل وسلم علی الامام النور الزاهر والبدر الباهر ابی‌جعفرمحمدالباقر» .
« یا قاضی‌الحاجات » .

« وصل وسلم علی اعلم‌المشارق والمغارب الامام ابی‌عبدالله جعفرالصادق » .
« کل هم وغم سینجلی » .
« وصل وسلم علی العابد المتهجد الصائم الامام بالحق موسی الکاظم » .
« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی » .
« وصل وسلم علی وصی الاوصیاء و وارث علوم الابنیاء علی‌بن موسی‌الرضا »
« ناد علیاً مظهرالعجائب » .
« وصل و سلم علی‌العالم صاحب الهدایة والارشاد الامام محمدالتقی الجواد » .
« تجده عونالك فی‌النوائب » .
« وصل علی الشمس المضیئی والبدر البهی الامام بالحق ابی‌الحسن علی‌النقی » .
« کل‌هم وغم سینجلی » .
« وصل وسلم علی الامام وارث‌الوصی والوالد الحجة الصفی الحسن‌العسکری » .
« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی » .
« وصل وسلم علی‌الامام القائم‌المنتظر ابی‌القاسم محمدالمهدی الحجةبن‌الحسن »
« صاحب‌الزمان » .

برروی پایه ستونهای مرمری زیرهلال خارجی ایوان در دوطرف دولوحه کاشیکاری باین شرح وجود دارد :

لوحه سمت راست : « عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت » .

لوحه سمت چپ : « عجلوا بالتوبة قبل‌الموت » .

۱۳ ـ کتیبه آقاسلطان :

که شرح‌آن در ردیف ۵ گذشت .

۱۴ ـ کتیبه‌های چهلستونهای طرفین‌گنبد نظام‌الملك :

چهلستونهای اطراف‌گنبد نظام‌الملك‌که مربوط بدوره دوم‌عهد سلاجقه است دارای خطوط و نوشته‌هائی است که بعضی از قسمتهای‌آن در ضمن تعمیرات ازگچ پوشیده شده ولی در بعضی جاها خطوطی باقی مانده است ازآن جمله درچهلستون

واقع در مشرق گنبد نظام‌الملك جای چند چراغ گچی برروی ستونهای دوره سلجوقی تعبیه شده‌که یکی از آنها دارای خطوطی است‌که شرح داده میشود :

دریك لوح‌کوچك بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید چنین نقاشی شده :

« بهتر بود بنزد فقیران زباغ وراغ درکنج‌مسجدی‌که‌بسوزندچون‌چراغ»

ودرقسمت بالائی جای چراغ‌که ازگچ ساخته شده در اطراف آن این اشعار بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید نقاشی شده :

« روشن بفروغ حق دل آگاهست درویش بعالم فقیری شاهست »

« دل‌دربرعارف است سرگرم‌گداز می‌پنداری چراغ بیت‌الله است »

« دل‌دردرون سینه‌آگاه روشن‌است دایم‌چراغ‌حضرت‌الله‌روشن‌است »

در مغرب گنبد نظام‌الملك یك چهلستون مربوط بسلاجقه وجود دارد که دارای‌محرابی ازسنگ یکپارچه‌مرمر وبخط ثلث‌برجسته این عبارات را دربردارد:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله وسلم انا مدینةالعلم وعلی بابها .» و دنباله آن چهلستون دیگری قرار دارد که مربوط بزمان شاه عباس بزرگ است و دارای محرابی عالی ازسنگ مرمری یکپارچه است‌که دردوطرف‌آن بخط ثلث برجسته این عبارات نوشته شده :

کتیبه سمت راست :

« مصطفی شد شهرعلم‌آن مملکت را درعلی است

تا دهندت راه در این شهر علم از در درا »

کتیبه وسط بخط بنائی : «قال‌النبی علیه‌السلام انا مدینةالعلم وعلی بابها » .

کتیبه سمت چپ :

« از در اهل صفا روی مگردان ایدل راه دوراست‌ازین‌دربخدا نزدیك‌است»

در پشت بغل سنگ مرمری محراب بخط بنائی ساده عباراتی باین شرح خوانده میشود :

سمت راست : «لااله‌الاالله» . وسط دوپشت بغل : «محمد رسول‌الله» .

سمت چپ : «علی ولی‌الله» .

۱۵ ـ کتیبه‌های صفه استاد :

ایوان غربی مسجد جمعه را که صفه استاد مینامند دارای نقوش و خطوط وکتیبه‌هائی است که در داخل و خارج بشرح زیر تزیین‌گردیده است . (ش۶۲)

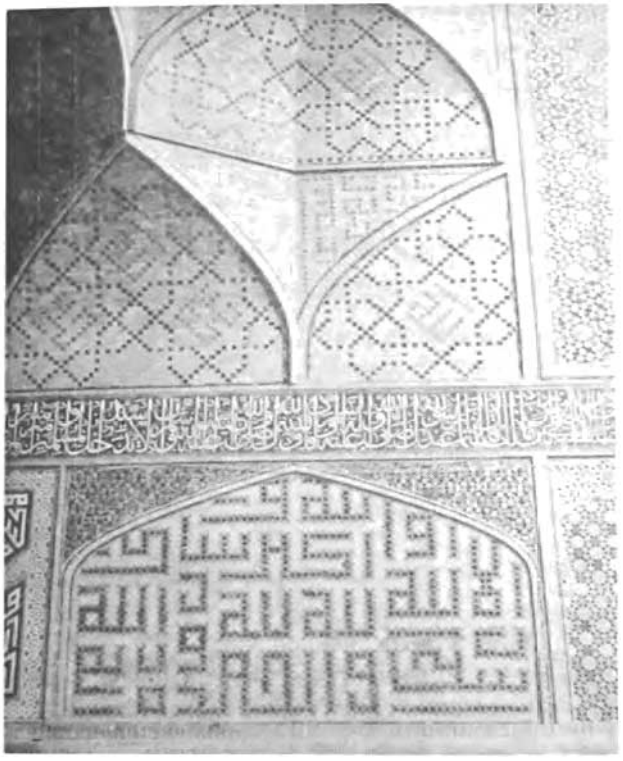

(شکل ۶۲)

اول ـ دردوپشت بغل بزرگ ایوان بخط بنائی شطرنجی باکاشی فیروزه‌رنگ برزمینه سفید آیه ذیل خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. شهدالله انه‌لااله‌الاهو والملائکة واولوا‌العلم‌قائماً »
« بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم » .

دوم ـ درپشت بغل سمت چپ ایوان معکوس عبارت مزبورنوشته شده است . درقسمت فوقانی جرزهای طرفین ایوان درحاشیه دو پشت بغل کوچك بخط بنائی لاجوردی برزمینه زرد سوره نصرنوشته شده . بقیه خطوط بنائی‌هریك ازجرزهای طرفین ایوان باین شرح است :

بخط بنائی‌سه رگی فیروزه‌ای ومشکی برزمینه‌آجری : «لااله‌الاالله الملك الحق المبین» و بخط بنائی قهوه‌ای رنگ برزمینه آجری : « محمد رسول‌الله الصادق‌الامین» وبخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری :

«علی ولی‌الله ووصی رسول‌الله امیرالمؤمنین» .

سوم ـ کتیبه‌های داخل ایوان غربی (صفه استاد) = ایوان‌گلدسته :

کتیبه اصلی این صفه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . فی مناقب الفقیه‌ابن المغازلی عن انس‌بن مالك »
« قال بینما انا‌عند رسول الله صلی‌الله علیه وآله وسلم . . . . . قال صلی‌الله علیه »
« وآله‌وسلم الان یدخل سیدالمسلمین‌وامیرالمؤمنین وخیرالوصیین واولی‌الناس »
« بالنبیین اذطلع علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله »
« وسلم واللهم الی وقال الی » .

دنباله کتیبه مزبور درسمت چپ همان ایوان باین ترتیب ادامه دارد :

« فجلس بین یدی رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم فاخذ رسول‌الله »
« صلی‌الله علیه وآله وسلم یمسح‌العرق عن وجهه وجبهته ویمسح به‌وجه علی‌بن »
« ابی‌طالب و یمسح‌العرق من‌وجه علی و به یمسح علی وجهه فقال علی علیه‌السلم »
« یا رسول‌الله انزل فی‌شیء قال صلی‌الله علیه وآله وسلم اما ترضی ان‌تکون »
« منی بمنزلة هرون من موسی الاانه لانبی بعدی وانت اخی ووزیری وخیرخلقه »

« من بعدی تقضی دینی و تنجز موعدی کتبه ابن محمد محسن علی نقی الامامی ۱۱۱۲ ».

درکتیبه مزبورکه بتمامها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده قبل از وزیری حرف و ساقط شده ولی در اینجا اضافه گردید زیرا معلوم است که در چاپ افتاده است .

قسمت وسط کتیبه مزبورکه مبین آمر بنا میباشد درکتیبه جداگانه باحترام بانی یا اینکه چون اصل بنا مربوط ببانی دیگری بوده بشرح زیرخوانده میشود :

« قد امر بعمارة هذه السقيفة المنيفة ملك ملوك العالم و مستعبد صنادید »
« الامم الشهنشاه الاعظم السلطان بن السلطان المؤید ابوالمظفر السلطان حسین »
« الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان عزبالتایید ونصرمدة عمره بالتابید بهغیاث »
« الخطوب ومغیث الشعوب و نظام الامور ماضآء الدیجور . . . . . خلدالله تعالی »
« ملکه . » .

عبارات کتیبه مزبور ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] اقتباس شده است :

در اطراف ایوان استاد در اسپرهای داخل آن از ضلع شمالی بترتیب بخط بنائی شطرنجی سه رگی که یکی ازآن سه مشکی ودوتا فیروزه‌ای است برزمینه آجری چنین نوشته شده است :

« سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر » ومعکوس آن در اسپر قرینه آن خوانده میشود .

در این ایوان صفحه کاشیکاری جالبی وجود دارد که دارای چهارترنج بخط بنائی ساده وسفید رنگ برزمینه کاشی لاجوردی میباشد واین اشعار درآن ترنجها خوانده میشود :

« چون نامه جرم ما بهم پیچیدند — بردند و بمیزان عمل سنجیدند »
« بیش ازهمه کس گناه ما بود ولی — ما را بمحبت علی بخشیدند »

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۰۹ .

ودر یك شكل چهارگوش‌كه درمیان ترنجها واقع شده بخط بنائی نام‌كاشیكار و پدرش چنین نوشته شده است :

« عمل‌ابن محمد مؤمن محمد امین . » .

در اسپر سوم نوشته شده : « ولاحول ولاقوة الاباالله العلی‌العظیم» و معكوس آن درقرینه‌آن درضلع جنوبی ایوان استاد خوانده میشود .

دراسپرچهارم : «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله» و در قرینه‌آن در ضلع‌جنوبی معكوس عبارت مزبور ذكر شده است .

در شاه نشین ایوان استاد در داخل و بالا واطراف آن‌كتیبه‌هائی وجود دارد :

اول ــ كتیبه داخل شاه نشین‌بخط ثلث سفید برزمینهٔ كاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله وسلم مثل‌اهل‌بیتی‌كمثل سفینة نوح من‌ركبها» « نجی ومن‌تخلف عنها غرق » ودنباله آن بر دیوار روبروی شاه نشین باین شرح ادامه دارد :

« بنبی‌عربی ورسول مدنی‌واخیه‌اسدالله مسمی‌بعلی‌وبزهراء بتول وبام ولدتها» « وبسبطیه وشبلیه هما نجل‌ذكی وبسجاد وبالباقروالصادق حقا وبموسی وعلی‌وتقی» « و نقی و بذی‌العسكر والحجة والقائم بالحق الذی یضرب بالسیف بحكم ازلی » .

و دنباله آن درضلع جنوبی شاه‌نشین چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم حب علی حسنة لایضر معها سیئة » « وبغضه سیئة لاتنفع معها حسنة كتبه ابن شیخ محسن ــ محمد حسن الجزائری » « فی‌سنة ۱۱۱۲ ».

درحاشیه طاق‌شاه نشین مزبور بخط بنائی ساده برزمینهٔ گچی آیات ازاول تا آخر ششم ازسوره الدهر خوانده میشود و درمیان طاق آن درسه چهار گوش بخط بنائی با كاشی این‌عبارات باین ترتیب نوشته شده : دروسط : « لااله الاالله محمد

رسول‌الله » و درسمت راست : « امیرالمؤمنین علیا ولـی‌الله » و درسمت چپ : « الحسن والحسین سبطا رسول‌الله . » . در اطراف شاه نشین ایوان مزبور اشعاری فارسی وعربی درکنار یکدیگر باین ترتیب خوانده میشود :

« چون بحکم کارفرمای جهان »
« شد عمارت سجده‌گاه مسلمان »
« خسرودوران شه کیوان غلام »
« داور دارا دل انجم سپاه »
« نایب خیرالبشر کا لطاف اوست »
« شیعیان را درجهان پشت وپناه »
« آنکه امرش باقضا باشد قدر »
« پادشه سلطان حسین ظل اله »
« مؤمن بی شبهه ودستور عهد »
« خان عالم صوفی یکرنگ شاه »
« بست حاجی قاسم اخلاص کیش »
« بهر سرکاری کمر بیگاه وگاه »
« فکر افهم ازپی تاریخ گفت: »
« گشته نو این مسجد از لطف اله »

« علی حبه جنة »
« قسیم النار و الجنة »
« نادعلیاً مظهرالعجائب »
« تجده عوناً لك فی‌النوائب »
« کل‌هم و غم سینجلی »
« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »
« دراین لوح گل وبوته نقش است »
« نادعلیاً مظهر العجائب »
« تجده عوناً لك فی‌النوائب »
« کل هم و غم سینجلی »
« بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی »
« وصی المصطفی حقاً »
« بنبوتك یامحمد یامحمد یامحمد »

(۱۱۱۲)

۱۶ ـ کتیبه محراب ایوان استاد :

در داخل محراب ایوان استاد کتیبه‌ای بخط ثلث سفید محمد زمان بن عبدالباقی اصفهانی برکاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر وجود دارد:

« قال النبی صلی‌الله علیه وآله من مشی الی مساجدالله عزوجل فله بکل »
« خطوة خطاها حتی یرجع الی منزله عشر حسنات ویمحی عنه عشر سیئات وله »
« رفع عشر درجات فی سنة ۱۱۱۲ کتبه محمد زمان بن عبدالباقی الاصفهانی . »

کتیبه‌اطراف محراب‌بخط ثلث‌سفیدمعرق برزمینه‌کاشی لاجوردی‌چنین‌است:

« قال‌الله تبارك وتعالی قل‌لوکان البحر مداداً لکلمات ربی‌لنفد البحر قبل »
« ان تنفدکلمات‌ربی‌ولوجئنا بمثله مدداً انما قل‌انابشرمثلکم‌یوحی الی‌انما الهکم »
« اله واحد فمن‌کان‌یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً ولا یشرك بعبادة ربه احداً»
« وقال‌الله تعالی فنادته الملئکة وهوقائم یصلی فی‌المحراب صدق‌الله العلی‌العظیم . »

ودرپشت بغل‌محراب مزبور دروسط در داخل مربع موربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی رنگ این‌جمله‌ها نوشته شده است : « لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله حقاً . » .

در داخل مقرنسهای دیوار مقابل ایوان بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی کبود چنین‌خوانده میشود :

« انامدینةالعلم وعلی‌بابها »
« درغره رمضان‌المبارك سنه ۱۱۱۲ »

ودراطراف پنجره مشبك‌کاشی‌که درزیر عبارات بالاقرارگرفته بخط‌نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی گل‌وبوته دار دریازده لوحه صلوات‌برچهارده معصوم نوشته شده ورقم‌کاتب آن درلوحه دوازدهم چنین‌است :

«کتبه العبدالمذنب ابوالمعالی النقیب‌الحسینی۱۱۱۲ ». و دریك حاشیه‌بخط نستعلیق مشکی برزمینه زرد نوشته شده : « نقی بروز حشر بگو یاعلی مدد »

در دو طرف پنجره مشبك مزبور درفاصله های میان چهار مصراع شعربخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نام استادکاشی‌کار باین شرح خوانده میشود :

« غرض نقشی‌است‌کزما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« عمل‌ذره بیمقدار ابن‌محمد مؤمن »
« مگرصاحبدلی روزی‌برحمت کند درحق مسکینان دعائی »
« محمد امین بناء اصفهانی »

۱۷ ـ کتیبه های بیت الشتاء :

درانتهای ضلع غربی مسجد جمعه شبستان وسیع زمستانی قرار داردکه در عهدسلطان محمدبن بایسنقربن شاهرخ تیموری بامر عمادبن مظفر ورزنه‌ای ساخته شده‌است. طول آن ۵۰ و عرض آن ۲۵ متر است وستونهای قطور وطاقهای خیمه‌ای شکل‌دارد و درمیان هرچشمه طاق‌سنگ مرمری شفاف نصب شده‌که بمنزله‌چراغ اطراف خود را روشن میکند .

شبستان مزبور دو در داردکه یکی‌درانتهای راهرو جنوب ایوان استاد واقع ودر دو پشت بغل‌گچی آن عبارت زیربخط نستعلیق گچبری شده است :

« عمل‌العبدالضعیف شیخ حسن‌بن شرف‌الدین‌بن‌حسین‌بناء رویدشتی . » ودر دو مربع مورب بخط بنائی ساده سفید برزمینه‌لاجوردی چنین نوشته شده : سمت راست : « عجلوا بالصلوة‌قبل‌الفوت » و در سمت‌چپ : «عجلوا بالتوبة قبل‌الموت» .

در سردر بیت الشتاء که درشمال ایوان استاد قرار دارد کتیبه‌ای است بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ باین شرح :

« امر ببناء هذه‌العمارة الموسعة لبیت شتاء هذاالجامع‌الشریف فی‌ایام دولة » « السلطان الاعظم اعدل سلاطین العالم غیاث الحق والدین سلطان محمد بهادر » « خلدالله ملکه و سلطانه اقل عبیده عمادبن مظفر ورزنهٔ وفقه‌الله لمراضیه وجعل» « مستقبله خیراً من‌ماضیه فی‌شوال‌سنة احدی وخمسین وثمنمئة کتبه سید محمود» « نقاش. » ودرقسمت‌فوقانی سردر بخط بنائی‌مشبك آجری برزمینه لاجوردی‌رنگ چنین‌نوشته شده : « قال‌النبی انامدینةالعلم وعلی‌بابها » .

درقسمت فوقانی ستون پنج روی کاشیکاری دوجانب سر در مشرف بصحن بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی این عبارات خوانده میشود : « قال‌النبی علیه السلام ـ الصلوة عمادالدین » .

۱۸ ـ کتیبه ایوان درویش :

این‌کتیبه درروی دیوار مقابل ایوان درویش‌بخط‌ثلث گچبری شده‌که حاکی

ازتجدید بنای مسجد درزمان شاه سلیمان صفوی بشرح زیر میباشد :

« قدامر سیدالسلاطین و مفخرالخواقین مشید اساس‌الدین المبین مروج »
« شریعة آبائه‌الطاهرین معدن‌الجود و الکرم و الامتنان السلطان‌بن السلطان و »
«الخاقان‌بن الخاقان ابوالمظفر السلطان سلیمان الحسینی الصفوی جعله‌الله‌خلیفة»
« من‌الرحمن بتجدید هذاالمسجدالعتیق‌الذی اسس‌علی‌التقوی‌للعاکفین والمصلین»
« والرکع‌السجود الداعین محبوباً للدولة والحکومة فی۱۰۹۳ »

شاه‌نشین واقع درانتهای ضلع شمالی‌ایوان درویش درقسمت فوقانی‌آن‌دارای مقرنسهای‌گچی است وطاق شاه‌نشین دارای‌تزیینات‌گچی و دراطراف‌آن بخط‌کوفی گل وبوته‌دار آیات ۳۶و۳۷و۳۸ سوره (نور) بشرح پائین‌گچبری شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. فی‌بیوت اذن‌الله ان‌ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح »
« له فیها بالغدو والآصال رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکرالله و اقام الصلوة و »
ایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم‌الله احسن‌ما عملوا »
« ویزیدهم من‌فضله والله یرزق من‌یشاء بغیرحساب . ».

در بالای پنجره مشبك مرمری شاه نشین بخط نستعلیق مشکی بر زمینه سفید این اشعار نقش‌شده است :

« شکرلله که طاق درویشان با صفا شد چو کعبه دلشان »
« چون حسینای کارگر کارش شد تمام از توجه ایشان »

در طاقنمای شاه نشین مزبور بخط بنائی این عبارات‌گچبری گردیده است :

در دو مربع قرینه هم : « لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله . » ونیز در دومربع دیگر قرینه هم : « محمد وعلی خیرالبشر . » و در دو مربع دیگر قرینه هم : « یاالله المحمود فی‌کل فعاله . » و در یك چهار پروسط پنج‌کلمه « الله » خوانده میشود .

درطاق ایوان درویش کلمات الله ومحمد وعلی وعبارت: سبحان‌الله و الحمدلله ولااله الاالله والله اکبر باین‌ترتیب در هشت موج درمیان یك موج یك‌کلمه الله و

چهار کلمه محمد و در اطراف کلمه محمد چهار کلمه علی نوشته شده و جمع آنها مربعی را تشکیل میدهد و دراطراف مربع عبارت سبحان‌الله تا آخر که نوشته شد بخط بنائی آجری برجسته خوانده میشود.

درانتهای امواج گفته شده شانزده شکل چهارگوش که درهشت شکل آن چهارکلمه علی و در هشت مربع دیگر عبارت یا الله و اسم محمد نقش شده است.

کتیبه جرزهای داخل ایوان درویش بخط بنائی آجری فرورفته برزمینه برجسته بشرح زیرخوانده میشود:

در دوچهارپر بالا وپائین: «یاقاضی‌الحاجات» و درموج‌وسط عبارت «یاالله» تکرارشده ونیزکلمات محمد ـ علی‌بطور قرینه تکرار شده‌اند.

درهلال بزرگ ایوان مزبور مشرف برصحن عبارات پائین درهشت شکل چهار گوش بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فرو رفته از آجرقرمز خوانده می‌شود:

در دوشکل مربع قرینه هم: «سبحان‌الملك والملکوت».

ونیز در دو شکل مربع قرینه یکدیگر: «سبحان‌الحی الذی لایموت.» و در دوشکل مربع‌قرینه‌هم: «سبحانه تعالی عما یصفون.» ودرشکل‌چهارگوش میان هلال‌طاق: «صدق‌الله‌العلی‌العظیم» نوشته شده‌است.

نوشته های لوحه های نمای خارجی ایوان مانند کتیبه‌های جرزهای‌داخلی آن است جزاینکه درموجهای کتیبه آن برزمینه آجری برجسته وخط کاشی فیروزه‌ای فرورفته این عبارات خوانده میشود:

در دوشکل مستطیل قرینه: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله‌اکبر» ودرچهارگوش میان کتیبه: «یا الله ـ محمد ـ علی».

برروی جرزهای خارجی ایوان در شکلهای چهارگوش مانند، چهارکلمه: «الله» و چهارکلمه «علی» از بالا بپائین قرینه یکدیگر نقش‌شده است.

برستونهای سنگ مرمر دوطرف‌ایوان بخط‌کوفی دربالاوپائین: «الحکم‌لله»

نوشته شده است .

کتیبه‌های گچبری ایوان درویش یکی در بالا و دیگری در پائین واقع شده وازلحاظ محتوی ارتباطی ندارند .

سطربالا حاوی احادیثی است درمناقب وفضایل خاندان نبوت بطریق عامه و سنت وسطردوم احادیث مربوط بفضیلت مساجدوآداب شرعی است که درباره مساجد وارد شده است وهردوکتیبه بخط ثلث گچبری شده ودرحدود یکمترونیم الی دومتر ازآغاز وپایان کتیبه ریخته شده است .

کتیبه اول چنین است :

« قال‌الله تبارك وتعالی ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجدالله شاهدین علی »
« انفسهم بالکفر اولئك حبطت اعمالهم وفی‌النارهم‌خالدون انما یعمر مساجدالله »
« من‌آمن بالله والیوم‌الاخر و اقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك »
« ان‌یکونوا من‌المهتدین اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجدالحرام کمن آمن »
« بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل‌الله لایستون عندالله و الله لایهدی القوم »
« الظالمین . روی فی‌جامع‌الاصول من صحیحی البخاری انه افتخر طلحةبن شیبة »
« بالحجابة و عباس بالسقایة فقال امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلم لقد »
« صلیت الی‌القبلة ستةاشهر قبل‌الناس وانا‌صاحب‌الجهاد فنزلت تصدیقا له‌علیه‌السلم »
« وروی من صحیحی مسلم والترمذی عن سعدبن ابی وقاص قال سمعت ثلثا قالهن »
« رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فی‌علی‌لان‌تکون‌لی واحدةمنهن‌احب‌الی‌من حمرالنعم »
« ثم‌سمعته صلی‌الله علیه وآله یقول‌له علیهم‌السلم وقد خلفه فی‌بعض مغازیه‌فقال‌له »
« علی‌خلفتنی مع‌النسآء والصبیان فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله اما ترضی‌ان »
« تکون منی‌بمنزلة هارون من‌موسی الاانه لانبی بعدی وسمعته یقول یوم خیبر »
« لاعطین الرایة غداً رجلاً یحب‌الله ورسوله ویحبه‌الله ورسوله فتطاولنا لها‌فقال »
« ادعوالی علیافاتی بدارمد فبصق‌فی‌عینه ودفع‌الرایة الیه‌ففتح‌الله‌علیه ولمانزلت‌قل »
« تعالوا ندع ابنائنا وابنائکم ونسائنا ونسائکم وانفسنا وانفسکم ثم‌نبتهل فنجعل »

« لعنة الله على الكاذبين دعا رسول الله صلى الله عليه وآله علياً وفاطمة وحسناً وحسيناً »
« عليهم السلام فقال اللهم هؤلاء اهلى . ومنهما عن ابن عمر بن حصين قال شكوا علياً »
« الى النبى صلى الله عليهما فاقبل اليهم والغضب يعرف فى وجهه فقال ما تريدون »
« من على وعليا منى وانا منه وهو مولى كل مؤمن بعدى . وفى الترمذى قال على منى »
« وانا من على ولا يؤدى عنى الا انا او على ومن صحيح النسائى قال كان عند رسول الله »
« صلى الله عليه و آله طير فقال اللهم ائتنى باحب خلقك اليك ياكل معى هذا »
« الطير فجاء على فاكل معه . ومن صحيحى مسلم والترمذى عن عايشة قالت خرج »
« رسول الله صلى الله عليه و آله وعليه مرط مرحل[1] سود فجاء الحسن فادخله »
« ثم جآءِ الحسين فادخله ثم جائت فاطمة فادخلها ثم جاءِ على فادخله ثم قال انما »
« يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا . و فى الترمذى عن »
« انس ان رسول الله صلى الله عليه وآله كان يمر بباب فاطمة عليها السلم اذا خرج »
« الى الصلوة حين نزلت هذه الاية قريباً من ستة اشهر يقول الصلوة ياهل البيت انما »
« يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيراً . »

كتيبه دوم كه از ضلع شرقى ايوان آغاز ومربوط بمساجد ميشود چنين است:

« بسم الله الرحمن الرحيم. روى عن عبدالله بن جعفر عن ابيه قال قال رسول الله »
« صلى الله عليه وآله قال الله تبارك وتعالى الا ان بيوتى فى الارض المساجد تضيئى »
« لاهل السمآءِ كما تضيئى النجوم لاهل الارض . الا طوبى لمن كانت المساجد بيوته . »
« الا طوبى لعبد توضأ فى بيته ثم زارنى فى بيتى. الا ان على المزور كرامة الزائر. الا بشر »
« المشائين فى الظلمات الى المساجد بالنور الساطع يوم القيمة و قال صلى الله عليه »
« وآله يا اباذر كل خطوة تخطوها الى الصلوة صدقة يا اباذر كل جلوس فى المسجد »
« لغو الا ثلثة قراءة مصل اوذكر الله تعالى اوسائل عن علم. يا اباذر من اجاب داعى الله »
« واحسن عمارة مساجد الله كان ثوابه من الله الجنة قال كيف يعمرها قال لا ترفع »
« فيها الاصوات ولا يخاض فيها بالباطل ولا يشترى فيها ولا يباع واترك اللغو مادمت »

۱ــ اگر مرجل بهجيم باشد معنى جامه صورت‌دار ميدهد ولى در كتيبه مرحل بحاء مهمله نقل شده است كه بمعنى جامه پشمى صورت جل‌شتر بر آن ميباشد وهردو درست است. مجمع البحرين

« فيها فان لم تفعل فلا تلومن يوم القيمة الا نفسك . يا اباذر تحية المسجد ركعتان »
« تركعهما وقال صلى الله عليه وآله من اسرج في مسجد من مساجد الله سراجاً لم تزل »
« الملئكة وحملة العرش يستغفرون له مادام ذلك في المسجد ضوء من السراج و »
« قال ايضاً من اقمر مسجداً كتب الله له عتق رقبة و من اخرج ما يقذى منه عيناً »
« كتب الله له كفلين من رحمته. وعن امير المؤمنين صلوات الله عليه قال ان الله عزوجل »
« اوحى الى عيسى عليه السلام قل للملاء من بنى اسرائيل الا تدخلوا بيتا من بيوتى »
« الا بقلوب طاهرة وابصار خاشعة واكف نقية وقال صلوات الله عليه ليس لجار المسجد »
« صلوة اذا لم يشهد المكتوبة في المسجد اذا كان فارغا صحيحا. وقال الامام جعفر بن »
« محمد الصادق عليه السلام شكت المساجد الى الله تعالى الذين لا يشهدونها من »
« جيرانها فاوحى الله عزوجل وعزتى وجلالى لا قبلت لهم صلوة واحدة ولا اظهرت »
« لهم في الناس عدالة ولا نالتهم رحمتى ولا جاوروني في جنتى . و قال صلوات الله »
« عليه عليكم باتيان المساجد فانها بيوت الله في الارض و من اتاها متطهراً طهره »
« الله من ذنوبه وكتب من زواره فاكثروا فيها من الصلوة والدعاء وصلوا في المساجد »
« من بقاع مختلفة فان كل بقعة يشهد للمصلى عليها يوم القيمة وقال صلوات الله عليه من »
« اكل شيئا من الموذيات ريحها فلا يقربن المسجد و قال صلوات الله عليه من وقر »
« مسجداً لقى الله يوم يلقاه ضاحكا مستبشراً و اعطاه كتابه بيمينه و من رد ريقة »
« تعظيماً لحق المسجد جعل الله ذلك قوة في بدنه وكتب له بها حسنة ولم تمر بداء »
« في جوفه الا ابرأته ومن كنس المسجد فاخرج منه التراب ما يذر في العين غفر الله »
« له كتبه محسن الامامى سنة ثمان وتسعين بعد الالف »

بطوريكه مؤلف گنجينهٔ آثار تاريخى اصفهان در پاورقى كتاب مزبور تذكر داده است عبارت ازكلمه : ابراته تاپايان كتيبه قابل قرائت نبوده واز جاى ديگرى اقتباس شده است ونيز ازابتداى كتيبه تاكلمه المساجد ريخته شده بوده و با توجه باصل حديث تكميل شده است .

۱ــ گنجينه آثار تاريخى اصفهان پاورقى ص۱۲۹ وص۱۳۱ .

۱۹ـ کتیبه‌ها و نوشته‌های ایوان شاگرد (شرقی) :

ایوان‌شاگردکه درضلع شرقی‌مسجد قراردارد دارای‌نماهای خارجی‌وتزیینات ساده آجری میباشد و در واقع تمام حکمرانان و پادشاهان وقت در این ایوان و ایوانهای دیگر باندازه همت خود اقداماتی کرده وآثاری ازخود باقی‌گذارده‌اند .

و اما وجه تسمیه ایوان به ایوان شاگرد چنین‌گفته شده ودر افـواه اشتهار دارد که بنّای ایوان شرقی شاگرد بنّای ایوان غربی بوده است واز اینرو ایـن دو ایوان بنام استاد وشاگرد خوانده شده‌اند .

درنمای خارجی ایوان شاگرد در داخل دوطاقنمای پائین دست جرزهای دو طرف‌کتیبه‌ای بخط‌کوفی ساده آجری برجسته باین شرح خوانده میشود :

درسمت راست: « لااله الاالله الملك الحق‌المبین » ودرسمت چپ : « محمد رسول‌الله الصادق‌الامین » .

در داخل ایوان کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجـوردی مربوط بزمان شاه سلیمان صفوی باین‌شرح نوشته شده است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله لاتجعلواالمساجد طرقا حتی‌تصلوا فیها، «رکعتین‌وقال صلی‌الله‌علیه وآله من‌کان‌القرآن حدیثه والمسجد بیته بنی‌الله له، « بیتاً فی‌الجنة وقال الامام جعفربن محمد الصادق صلوات الله علیه من مشی‌الی ، « المسجد لم یضع رجله علی رطب ولا یابس الا سبحت له‌الارض الـی الارضین ، « السابعة صدق . ».

دنباله این‌کتیبه برجبهه شرقی وشمالی ایوان شاگرد چنین است :

« لقد جدد مجدد اساس الدین المبین ومشید قواعد شریعة آبائه الاطهرین، « وعزالایمان والمؤمنین مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك العرب والعجم فرع الشجرة، « الطیبة النبویةغصن‌الدوحةالعلیة العلویةالسلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن الخاقان، « شاه سلیمان الصفوی‌الموسوی بهادرخان‌لازالت سرادق‌دولته قائمة والفتن‌فی‌عهده ، « نائمة هذا البیت العتیق الذی یسامی سموالسمآء رفعة و یاوی الیه العباد عشیاً ،

« وغدیاً فزینه باسمه السامی وجعله مانعاً للعاکف والبادی. روی الترمذی فی صحیحه »
« عن امیرالمؤمنین صلوات الله علیه ان رسول الله صلی الله علیه وآله اخذیدا حسن »
« و حسین علیهما السلم و قال من احبنی واحب هذین و اباهما وامهما کان معی »
« فی درجتی یوم القیمة ومنه زیدبن ارقم قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله لعلی »
« و فاطمة والحسن والحسین علیهم السلم انا حرب لمن حاربتم وسلم لمن سالمتم »
« کتبه محمد محسن بن محمدرضا الامامی فی سنة ثلث وتسعین بعدالالف ».

شاه نشین این ایوان دارای مقرنس کاری آجری است و در هلال آن بخط کوفی آجری برجسته چنین کتیبه شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . شهدالله انه لااله الاهو والملائکة واولوا العلم »
« قائماً بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . ان الدین عندالله الاسلام صدق الله . » ودر دوطرف شاه نشین مزبور درداخل دوطاقنمای کوچك بخط ثلث این عبارات گچبری گردیده است :

سمت راست : «ان الله وملائکته یصلون علی النبی .» ودر سمت چپ : نوشته شده : «یاایهاالذین آمنوا صلواعلیه وسلموا تسلیماً ».

درمحراب این ایوان که بردیوار جنوبی آن سنگ یکپارچه مرمری نصب شده در اطراف و بالا و برروی سنگ مزبور لوحه‌ها وکتیبه‌هائی وجود دارد . در اطراف محراب در لوحه های جداگانه صلوات برچهارده معصوم بخط ثلث گچبری گردیده ولی اکثر لوحه‌ها ازبین رفته وفقط شش لوحه باقی مانده است .

لوحه‌های باقی مانده چنین است : «اللهم صل علی محمد المصطفی وصل علی »
« علی المرتضی . . . . . و صل علی محمدالباقر وصل علی جعفرالصادق و صل علی »
« موسی الکاظم وصل علی موسی الرضا . . . .»

این کتیبه بخط ثلث زیبای برجسته برسنگ مرمر محراب ایوان شاگرد نوشته شده :

« قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم اذا رایتم الرجل یتعاهدالمسجد فاشهدوا »

« لهبالایمان قالالله تبارك وتعالی یقول انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر »
« صدق رسوله الکریم . »

در بالای سنگ مرمر محراب بخط ثلث برجسته چنین گچبری شده :

« لااله الاالله محمدرسول الله علی ولی الله حقاً حقا. یجاهدون فی سبیل الله »
« ولایخافون لومة لائم ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیهم صدق الله »
« العظیم کتبه نظام الاصفهانی ۹۹۲ » .

بردیوار شرقی ایوان کوچکی که درگوشه ضلع جنوب شرقی ایوان شاگرد قرارگرفته خطوط گچبری باین شرح وجود دارد :

در حاشیه : (اسماءالله) وسوره های حمد و اخلاص وآیةالکرسی و متن که مانند صفحه بزرگی است مزین باشکال کوچك چهارگوش و دایره مانند از گچ است . کلمات و عبارات درون اشکال مزبور بخط ثلث محتوی اسماءالله است و در شکلهای دایره مانند بخط کوفی چهار بار محمد وچهار بار ابوبکر وچهاربار عمر وچهار بار عثمان و چهار بار علی گچبری شده است .

در برخی اشکال دائره مانند نام حضرت رسول صلی اله علیه وآله و خلفای راشدان باهم گچبری شده ودر دوائردیگرعباراتی چون لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله گچبری گردیده است . درگچبریها علاوه برنامهای محمد و علی نام فاطمه نیزدیده میشودکه بخط ثلث گچبری شده است .

۲۰ ـ کتیبه‌ها ولوحه های صفه عمر:

صفه عمرکه در انتهای ضلع شرقی مسجد واقع شده برخی ساختمان آن را منسوب به‌عمربن عبدالعزیز اموی وبرخی به‌عمربن عبدالعزیز الابی دلف میدانند بعضی هم برآنندکه چون اسماء خلفای راشدان درآن مسجد نوشته شده ومشهور خلفاء عمر بوده به‌مسجد وصفه عمرمشهورشده است .

کتیبه صفه عمر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی که برهلال آن است چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم الحمدلله المحمود العلی الماجد الذی وفق عبده »
« المرتضی لعمارة المساجد والصلوة علی محمدالمصطفی نبیه واصحابه والتابعین »
« لهم الذین هجروابهم العشایر فالذین استجابوا بالله و فی‌سبیل‌الله و بعدالحمد »
« والصلوة لقد ساعدنی‌الله لتاسی بقوله تعالی انما یعمرمساجدالله من آمن بالله »
« والیوم‌الاخرواقام‌الصلوة وبقوله تعالی فی‌بیوت اذن‌الله ان‌ترفع ویذکرفیها اسمه »
« یسبح له فیها بالعدووالاصال رجال لاتلهیم تجارة ولابیع عن‌ذکرالله واقام‌الصلوة »
« وایتاءِ الزکوة یخافون یوما تتقلب فیه القلوب والابصار وممن بادر واجازوآثر »
« فاجاد واجتهد فی‌ایام سلطنة سلطان محمود خلدالله ملکه و سلطانه ببناءِ »
« هذاالایوان‌العالی لابتغاءِ مرضاة ربه‌واضافة الی‌البناءِ الجامع باصفهان هذه‌العمارة »
« المبارکة للعابدین و فیها معابدالله اضعف عبادالله مرتضی‌بن‌الحسن العباسی »
« الزینبی‌عمرالله الواحداخراه حین یجازی العباد ونودوا بان‌طبتم وطاب‌الموعد »
« فی‌شهور سنة ثمان وستین و سبعمائة من هجرة محمدالرسول الشاهد خصّه‌الله »
« بالصلوات ماحمده الحامدکتبه عزیزالتقی الحافظ . »

این کتیبه حکایت میکندکه صفه عمر در دوره سلطنت سلطان محمود در قرن هشتم هجری برعمارت مسجد جامع افزوده شده است :

این سلطان محمود ازآل مظفر است‌که عمارت مزبور در عهدش انجام شده و بانی آن مرتضی‌بن‌الحسن‌العباسی‌الزینبی بوده‌که ظاهراً باخلفای‌بنی‌عباس ارتباط نسبی داشته یا از احفاد عباس‌بن علی علیه‌السلام بوده است .

کاتب‌کتیبه‌که‌عزیزالتقی الحافظ باشد نامش درجای دیگری ازاماکن باستانی اصفهان دیده نشده و اختصاص به‌این صفه دارد .

خطوط تزییناتی صفه مزبور در دو چهارپر مندرج است باین ترتیب که عبارات و نوشته های اطراف هرچهارپر (شمسه) یکسان است ولیکن متن آنها متفاوت میباشد .

اطراف هرچهارپر هشت شکل چهارگوش را دربردارد که در داخل هرچهار

گوش بخط بنائی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی هریك ازاین کلمات : «الله ـ محمد ـ و ابوبکر ـ و عمر ـ و عثمان ـ و علی ـ و حسن ـ وحسین .» چهار بار تکرار شده است .

متن میان چهارپرغربی بخط بنائی چنین خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم اذا رایتم الرجل یتعاهد المسجد »
« فاشهدوا له بالایمان . »

متن میانی چهارپرخاوری بخط بنائی باین شرح نام بانی را بیان میکند :

« عامر بیت الله تعالی العبدالفقیر الی الله الغنی مرتضی بن الحسن العباسی »
« الزینبی تقبل الله منه » .

درطاق هلالی شکل مدخل صفه عمر بطرف شبستان محراب جنوبی عباراتی با سه نوع خطوط بنائی بشرح پائین خوانده میشود :

یکی بخط بنائی درشت سه رگی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده : «قال الله تعالی قل کل یعمل علی شاکلته » .

دوم ـ بخط بنائی یك رگی لاجوردی برزمینه آجری : « قال النبی صلی الله علیه و آله انما الاعمال بالنیات» .

سومی بخط فیروزه رنگ بر زمینه آجری چنین نوشته : « عمل العبد حسن کارون» .

عبارت اخیر نشان میدهد که نام استاد کاشیکار صفه عمر ـ حسن کارون بوده است .

کتیبه اطراف محراب صفه مزبور بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« قال الله تعالی فی کتابه الکریم وکلامه القدیم وهو اصدق القائلین واکرم »
« الاکرمین انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة »
« ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . اجعلتم سقایة الحاج »

« وعمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الاخر وجاهد في سبيل الله لايستون »
« عندالله والله لايهدى القوم الظالمين صدق الله العظيم وقال رسول الله صلى الله »
« عليه وسلم من بنى مسجداً بنى الله له بيتا في الجنة وقال عليه من الصلوات افضلها »
« ومن التحيات اكملها احب البلاد الى الله مساجدها وابغض البلاد الى الله اسواقها »
« ختم الله تحريراً في سنة ثمان و سبعين و سبعمائة كتبه على كوهيار الابرقوهى » .

كتيبه فوقانى محراب مشتمل بردو سطر است كه سطر اول آن بخط كوفى حنائى ومعرق برزمينه كاشى لاجوردى رنگ ومشتمل برعبارات زير است :

« ربنا و اجعلنا مسلمين لك و من ذريتنا امة مسلمة لك وارنا مناسكنا و »
« تب علينا » .

سطردوم بخط ثلث سفيد معرق برزمينه كاشى لاجوردى چنين است :

« قال الله تبارك وتعالى واذيرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسمعيل ربنا »
« تقبل منا انك انت السميع العليم » .

ازكتيبه هلال محراب صفه عمربخط كوفى سفيدمعرق برزمينه كاشى لاجوردى رنگ اين كلامها خوانده ميشود :

« الملك لله ـ الحمدلله ـ يا مجيب الدعوات » .

درداخل مقرنسهاى محراب بخط بنائى سفيد معرق برزمينه كاشى لاجوردى نوشته شده :

«سبحان ربى الاعلى و بحمده» « سبحان الواحد الصمد» « سبحان الدائم الابد» .

و بخط سبز برزمينه سفيد نوشته شده : « سبحان الودود المجيد » « سبحان الغنى الحميد» «قال النبى صلى الله عليه وسلم» و بخط سفيد برزمينه لاجوردى :

«لاصلوة لمن لم يقرء بالكتاب» «سبحان القائم الدائم» «سبحان الدائم القائم» «قال النبى عليه السلام» «المصلى يناجى ربه» .

نام كاشيكاران صفه مزبور درددوسمت راست وچپ در دولوحه مربع مستطيل و باكاشى لاجوردى رنگ باين شرح نوشته شده است :

درسمت راست : «عمل العبد الضعیف شمس بن تاج» ودرسمت چپ : «فخر بن» «عبدالوهاب شیرازی البناء» .

درصفه عمر کتیبه دیگری درزمان استیلای افاغنه دراصفهان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اضافه شده که چنین خوانده میشود :

« الحمدلله الذی تفرد بالوحدانیة والبقاء وتقدس عن الامثال والاکفاء واشهد »
« شهادة صادقة والانباء و نشهد نبیاً بعثه الله رحمة لاهل الارض والسمآء صلی الله »
« علیه وعلی آله واصحابه خیر الال وخیر الاصحاب الذین آمنوا وجاهدوا فی سبیل الله »
« سیما علی الامام الذی بمفاخر صدقه یضرب الامثال الموصوف فی القرآن بالتقوا »
« وقوی لما ینال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیر المؤمنین ابی بکر الصدیق رضی الله »
« عنه وعلی الامام الذی یضرب بمآثر عدله الامثال ویمحی عن الاسلام اصول الکفر »
« والضلال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیر المؤمنین عمر الفاروق وعلی الامام التقی »
« الوقور کالراسیات من الجبال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیر المؤمنین عثمان »
« ذی النورین الزکی و علی الامام الکبیر النوال خلیفة رسول الله علی التحقیق »
« امیر المؤمنین علی الرضی السخی الوفی وسلم تسلیماً کتبه علی المولوی فی ۱۱۴۹» .

درصفه عمر لوحه‌های بزرگتر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی ولوحه‌های کوچکتر که نام خلفای راشدان را دربردارد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت قهوه‌ای رنگ چنین خوانده میشود :

« لقد امر السلطان خاقان عصره » « زصدیق است انوار صداقت »
« و من فاق فی ایران عز جلاله » « زفاروق است اسرار عدالت »
« واشرف سلطان السلاطین اسمه » « زذی النورین فیض و نوررحمت »
« ومن داستفاض الناس حسن نواله » « زانوار علی حب ولایت »
« بتعمیر هذا المسد الجامع الذی » « زصدیق است انوار صداقت »
« افاض علی العباد فیض جماله »
« بترغیب مولی زعفران و انه » « زفاروق است اسرار عدالت »

« هوالفاضل المعروف فضل کماله »
« تصدی له یعقوب خان و انه » « زانوار علی حب ولایت »
« یفوق علی الاقران حسن خصاله » « کتبه الفقیر مهر علی المولوی ۱۱۳۹ »

کتیبه سردر صفه عمر واقع در جنب مدخل اصلی مسجدکه مقداری از آن دراثر خرابی ریخته شده بود ومورد تعمیر قرارگرفته واکنون بصورت معمولی درآمده بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. الحمدلله المحمود العلی الماجدالذی وفق عبده »
« المرتضی لعمارة هذاالمسجد فی‌ایام سلطنة سلطان محمود خلدالله سلطانه الی »
« یوم‌الموعود بنیت‌هذه‌العمارة المبارکة فی‌شهور سنة ثمان وستین وسبعمائة من‌هجرة »
« محمدالنبی .» ودر بالای اسپرهای طرفین سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده :

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله و سلم . اذا رایتم الرجل یتعاهدالمسجد »
« فاشهدوا له بالایمان » .

۲۱ـ لوحه‌ها و کتیبه‌های سردرها وراهروهای مسجد جمعه :

کتیبه سردر جنوب شرقی‌مسجد یعنی‌سردر ورودی بخط ثلث سفید برکاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« قدتشرف بتعمیرباب المسجد الجامع العتیق والسوق الموقوف‌علیه فی »
« جنبه والمسقی الموقوف‌قدامه‌علی‌المسلمین فی‌زمن‌دولة السلطان الاعدل‌الاکرم »
« والخاقان‌الاعظم الافخم‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان السلطان فتحعلی »
« شاه قاجار خلدالله ملکه ذوالهمم العالیة وذومجدالتالیة خیرالحاج والمعتمرین »
« الحاج محمدحسین‌خان الحاکم بامره المطاع فی‌دارالسلطنة اصفهان ادام‌الله »
« توفیقه و دولته فی‌شهرالله الاعظم رمضان المکرم من‌شهور سنة ۱۲۱۸ کتبه »
« ابوالحسن الاصفهانی» .

ازمفادکتیبه فهمیده میشود که مسجد و بازار پهلوی‌آن و بازار جلو روی

مسجد که بازار طوقچی‌باشد درزمان فتحعلی‌شاه قاجار بوسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی حاکم وقت اصفهان در سال ۱۲۱۸ هجری قمری تعمیر گردیده است .

هنگام ورود به راهرو مسجد درطرف راست سردرکاشیکاری دیده میشودکه درواقع سردر اصلی صفه عمراست وشرح آن گذشت . درمیان کاشیهای خشت هفت رنگ اسپرهای طرفین سردر ورودی جملات و عباراتی بترتیب که درپائین گفته میشود نوشته شده است :

در بالانوشته شده : « المؤمن فی‌المسجد کالسمك فی‌الماء ». و در وسط نوشته شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه‌ثقتی» و درپائین : « المنافق فی‌المسجد کالطیر فی‌القفس » .

در دواسپرپشت در ورودی اصلی عبارات زیر بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه آجری خوانده میشود :

در اسپرشمالی : « عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت » و در اسپر جنوبی : « عجلوا بالتوبة قبل‌الموت » .

درضلع شمالی‌دالان ورودی ایوان‌کوچکی است که‌آنرا صفه حکیم‌مینامند و مربوط بدوره سلجوقیان است و دیوار مقابل‌آن با مقرنسهای گچی تزیین شده است و درپائین مقرنسها بخط بنائی برجسته چنین خوانده می‌شود :

« قال علیه‌السلام المسجد بیت‌کل تقی. »

دراطراف ایوان مزبورکتیبه‌ای است اززمان شاه عباس‌بزرگ‌که حکایت‌دارد صفه گفته شده بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد حکیم‌اصفهانی‌درسال ۹۹۶ مورد تعمیرقرارگرفته است . این کتیبه بخط ثلث صحیفی گچبری شده است وآن کتیبه مقداری ازآغازآن ریخته و آنچه باقی مانده چنین است :

« . . . . فی‌ایام خلافة السلطان الاعظم الاعدل الاکرم الاشجع مالك رقاب »

« الامم مولا ملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطين ظل‌الله فی‌الارضین خلف »
« اخلاف سید المرسلین السلطان‌بن السلطان و الخاقان‌بن الخاقان ابوالمظفر »
« ابوالغازی شاه عباس الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض »
« علی‌العالمین‌بره وعدله واحسانه وفق بتعمیر هذه‌الصفة خادم‌الفقراء نورالدین »
« محمدبن جلال‌الدین‌محمد حکیم‌الاصفهانی‌غفرالله ذنوبهما وسترعیوبهما فی‌سنة »
«۹۹۶ رقم صحیفی غفر ذنوبه وسترعیوبه . »

کتیبه مزبور حکایت دارد که درزمان‌شاه عباس صفه معروف به حکیم‌بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد اصفهانی‌که‌گویا همان نورالدین محمد بانی مسجد آقانور دردشت میباشد ساخته شده است .

ونیز در دوطرف دالان ورودی دو لوح سنگی چهار گوش قراردارد که در حواشی و متون‌آنها عباراتی حجاری شده ؛ لوح سنگی شمال دالان‌که طول‌آن ۵۵ وعرض‌آن ۵۲ سانتیمتر است درحاشیه آن این‌عبارات خوانده میشود :

« ناد علیا مظهرالعجائب تجده عونالك فی‌النوائب کلهم و غم سینجلی »
« بولایتك یاعلی یاعلی فرض علی الحاضر والغایب حب علی‌بن‌ابی‌طالب . سنة »
« خمس وثلاثین وتسعمائة » .

ودرمتن لوح مزبور عبارات زیرنوشته شده است :

« اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفی وعلی‌المرتضی وحسن‌الرضی وحسین‌الشهید »
« بکربلا وعلی زین‌العابدین ومحمدالباقر وجعفرالصادق وموسی‌الکاظم و علی‌بن »
« موسی‌الرضا ومحمدالتقی وعلی‌النقی و حسن‌العسکری و محمدالمهدی » .

درمتن لوح سنگی جنوبی‌که عرض وطول‌آن مانند لوح شمالی است ابتداء « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس قسمتی ازآیة‌الکرسی ودر حاشیه‌آن این عبارات نبشته شده :

« رب‌هب‌لی من‌المعیشة سؤلی واعف‌عنی بحق‌آل رسول واسقنی شربة بکف »
« علی سیدالاولیاء زوج بتول » .

« زمشرق تابمغرب گرامام است علی و آل او ما را تمام است »

در سمت جنوب دالان ورودی مسقف شرقی مشرف بصحن مسجد محراب گچبری شده‌ای وجود داردکه سال ساختمان آن معلوم نیست ولی بامحراب مسجد اولجایتو بی‌شباهت نیست واز بناهای قرن هشتم بنظرمیرسد .

برهلال بالائی محراب مزبور بخط محقق سوره فاتحه گچبری و بعبارات : « سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله » ختم میشود . برسرستونهای محراب بخط‌کوفی در یك طرف : «الملك‌لله» وطرف دیگر «الحکم‌لله» خوانده میشود .

در هلال خارجی محراب بعد از «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» آیةالکرسی بخط کوفی‌گچبری‌گردیده است .

۲۲ ـ کتیبه سردرگنبد خاکی (تاج‌الملك) :

گنبد خاکی بوسیله سردری بکوچه مجاور شمالی ارتباط دارد وکتیبه‌ای داشته‌که مقداری ازآن ازمیان رفته است‌آنچه ازآن مانده بخط‌کوفی اسلیمی‌دار سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی در حاشیه سمت راست مشتمل برآیات از اول تا چهارم سوره (دهر) ودر حاشیه سمت چپ قسمتی ازآخرآیات ۲۱ تا ۲۶ همان سوره است و در پایان بعبارت : «تم فی‌شهرالمحرم سنة ثمان و ستین و سبعمائة » ختم میشود .

۲۳ ـ کتیبه‌ها ولوحه‌های سردر مجلسی :

یکی ازدرهای هشتگانه مسجدجامع عتیق در مجلسی‌است‌که درباختر گنبد خاکی قرارگرفته است ومقبره مجلسی درجنب‌آن میباشد وباین مناسبت‌آن در را در مجلسی مینامند .

آخوند ملامحمد تقی مجلسی اول و فرزندش علامه محمد باقرمجلسی دوم وچند تن دیگر ازعلماء بزرگ و معروف درگوشه شمال غربی مسجد مدفونند[۱] .

۱ـ مدفونان درمقبره مجلسی عده‌ای ازبزرگان علماء باین شرح میباشند:

←

۱- ملامحمد تقی‌مجلسی فرزند ملامقصود علی‌نطنزی معروف بمجلسی‌اول از اکابرعلماء وفقهاء شیعه وازثقات ومعتمدان ومحدثان ، فقیه محدث اصولی رجالی زاهد عارف در فقه و رجال وتفسیر وحدیث ، که بر عموم علمای زمان خود تفوق داشته و در محضر پدر خود و شیخ بهائی ومیرفند رسکی وملاعبدالله شوشتری تحصیل کرده و او اول کسی است از علماء که بنشر اخبار آل محمد علیهم‌السلام همت‌گماشته و درفقه و اصول وتفسیر ورجال وحدیث و ادعیه کتابها تألیف وخود اهل ریاضت وذکر بوده واربعینهاریاضت‌کشیده ومکاشفاتی‌داشته که برخی از آنها معروف است.

وی در سال ۱۰۰۳ متولد و در ۱۰۷۰ هجری وفات یافت ماده تاریخ وفاتش : « صاحب علم رفت‌از عالم » ونیز: «مسجد ومنبر ازصفا افتاد» و «افسر شرع اوفتاد وبی‌سرو پا گشت فضل» میباشد درعموم‌کتب رجال وتراجم ازمنامات ومکاشفات او داستانهانقل‌میکنند طالبان مراجعه فرمایند.

خود درشرح فقیه در باب نماز میت فرموده : « والحمد لله رب العالمین که بنده در چهارده سالگی‌همه اینها رامیدانستم‌یعنی‌خدا ونماز وبهشت‌ودوزخ‌ونماز شب میکردم درمسجد صفا ونماز صبح‌را بجماعت میکردم واطفال را نصیحت میکردم وبه‌آیت وحدیث بتعلیم‌بدرم».

کتب زیر از اوست:

۱- احیاء الاحادیث. ۲- اربعون‌حدیثا. ۳-حدیقة المتقین. ۴- حاشیه بر صحیفه سجادیه . ۵ - حاشیه نقدالرجال . ۶ - حواشی بر اصول کافی . ۷-رساله درنماز جمعه ووجوب‌تعیینی‌آن. ۸- رساله دررضاع. ۹-رساله دراوزان. ۱۰- رساله درریاضات شرعیة. ۱۱- رساله در رد ایرادهائی که برملای روم‌گرفته‌اند. ۱۲- روضةالمتقین شرح عربی‌من لایحضر. ۱۳- شرح‌مشیخه‌فقیه . ۱۴- شرح‌خطبه همام. ۱۵- شرح زیارت جامعه. ۱۶- شرح خطبه استسقاء از خطب نهج‌البلاغه . ۱۷ - شرح صحیفه سجادیه . ۱۸ - شرح صحیفه بفارسی . ۱۹ - طبقات‌الرواة . ۲۰- طریق روایت صحیفه کامله . ۲۱ - لوامع صاحبقرانی شرح فارسی من‌لایحضر . ۲۲- مناسك حج وغیرآن، اورا سه‌پسر وچهار دختر بود، پسران مجلسی دوم وملاعبدالله و ملا عزیزالله که اکبر اولادش بوده است . جد مادریش ملا درویش محمد نام داشته و از مشایخ اجازه بوده‌است، پدرش عارف زاهد مقدس فاضل ودائی اوملا محمدقاسم ازشاگردان شهید ثانی وراوی ازوی بوده است. وپس ازوفات در گوشه شمال غربی مسجد جامع که اکنون بمقبره مجلسی شهرت دارد دفن‌شد. مشایخ اجازه مجلسی: شیخ بهائی وملاعبدالله تستری و قاضی معزالدین محمد اصفهانی وشیخ یونس جزایری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبدالله‌بن شیخ ابوالبرکات وملامحمد قاسم دائی خود وجمعی دیگر از علماء بوده‌اند .

۲ــ علامه ملامحمد باقر مجلسی دوم فرزند ملامحمد تقی‌بن ملامقصود علی نطنزی از اعاظم علماء واکابر فقهاء و محدثان شیعه و اسلام واز مفاخر علمی فرقه امامیه، عالم فاضل ومحقق‌کامل ومتکلم جامع، مجدد مذهب شیعه دررأس قرن یازدهم.

←

در اصفهان امام جمعه وشیخ‌الاسلام بوده وتمام عمر شریفش بدرس وبحث وترویج دین و تألیف کتب احادیث و اخبار آل محمد علیهم السلام و اجرای حدود و احکام و امر بمعروف ونهی از منکر و احقاق حقوق مردم ودفع شر ظلمه وقلع و قمع بدع صوفیه وغیر آنان گذشته است. وچون بالطبع نادانان با عالمان وعلم وبی‌دینان با دینداران و مروجان آن در مخالفتند عده ای در زمان حیات با مجلسی مخالف بودند و بعد از حیات هم آنانکه با روبه او مخالفند همان رویه مخالفت را ادامه داده‌اند ولی با تمام این مخالفتها کمترخانه مسلمانی است که یکی از کتابهای مجلسی دوم درآن نباشد. تألیفات او زیاد است برخی بعربی و بعضی بفارسی تألیف شده است وعدد آن بالغ بریکصد و پنجاه میشود که بیشتر آن بچاپ رسیده است ومقداری از آن اینست:

۱- اختیارات. ۲- اربعین. ۳- اعتقادات. ۴- اوزان. ۵- بحارالانوار که‌خوددائرةالمعارف‌شیعه‌ودر بیست‌وپنج مجلدگردآوری گردیده‌است. ۶- تحفةالزائرین ۷- جبائر. ۸- جلاءالعیون. ۹- جنت‌ونار. ۱۰- حق‌الیقین. ۱۱- حلیة المتقین. ۱۲- حیات القلوب‌درسه مجلد. ۱۳-ربیع‌الاسابیع. ۱۴-زادالمعاد. ۱۵- شرح اصول کافی. ۱۶- شرح جوشن کبیر. ۱۷- شرح عهدنامه مالك اشتر ۱۸-شرح‌احادیث‌مشکله. ۱۹- صراط‌النجات. ۲۰-صلوةاللیل. ۲۱-صواعق‌ـ الیهود. ۲۲ - صیغ العقود. ۲۳- صیغ النکاح. ۲۴ - طریق النجات. ۲۵- علائم الظهور. ۲۶- عین الحیات. ۲۷ - عین الیقین. ۲۸ - الفرق بین الصفات الذات و صفات الفعل. ۲۹ - الفوائد الطریفة. ۳۰ - کفارات. ۳۱- مقباس‌المصابیح. ۳۲- مفاتیح الغیب. ۳۳- ملاذالاخیار. ۳۴- مشکوة الانوار. ۳۵- مآل النواصب. ۳۶- الوجیزة در رجال. نامبرده در ۱۰۳۷هجری متولد و در ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ وفات یافته و در مقبره خود (مجلسی) مدفون گردید و قبرش اکنون مزار عمومی است.

۳ـ میرزا محمدعلی امام‌جمعه فرزند میرزا جعفر بن‌حاج میر سید محمد صاحب‌فضل و علم وتحقیق وحسن اخلاق وفضائل وکمالات ممتاز بوده ومدت چهار سال در مسجد جامع امامت جمعه داشته است. از تألیفات او است: ۱- رساله در جواز تقلید بمیت. ۲- رساله درکفایت هرغسل ازوضوء وغیر اینها. نامبرده پیش ازغروب‌آفتاب روز دوشنبه ۱۹ ربیع الاول سال (۱۳۰۰ هـ. ق) بدرود زندگی گفت و در مقبره مجلسی مدفون گردید. ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری چنین گفته است: «لقد غاب الامام».

۴- ابوالفضایل حسام‌الدین محمد صالح‌بن احمدبن شمس‌الدین طبرسی مازندرانی‌عالم فاضل ومحقق مدقق فقیه جامع از شاگردان مجلسی اول وشیخ بهائی وملا عبدالله شوشتری و داماد مجلسی مزبوروصاحب تألیفات بسیارچون: ۱- حاشیه‌برشرح‌لمعه. ۲-حاشیه مختصرالاصول عضدی. ۳- حاشیه برمعالم. ۴- شرح‌قصیده برده. ۵- شرح بر اصول‌کافی معروفترین تألیفات او. ۶- شرح روضه کافی. ۷- شرح‌زبدةالاصول ←

→
شیخ بهائی. ۸- شرح برمن لایحضر. ۹- شرح برمعالم. ۱۰- شرح قصیده در یدیه وغیر اینها . نامبرده در سال ۱۰۸۶ هجری در اصفهان وفات یافت و در ایوان بقعه مجلسی مدفون گردید. زاهد ازشعرای اصفهان در ماده تاریخ وفاتش چنین گفته است:

« جست تاریخ وفاتش زاهد که کی آن ذات مؤید شده فوت »
« هاتفی گفت بتاریخ که : (آه صالح دین محمد شده فـوت) »

(تذکرة القبور یا بزرگان اصفهان ص ۳۸۴)

ملا محمدصالح‌ازآمنه دخترمجلسی‌اول‌چندپسر ودختر داشته‌پسران: ۱- ملاحسنعلی ۲-ملامحمد حسین. ۳- ملا محمداشرف. ۴- ملاعبدالباقی. ۵-ملا نورالدین محمد . ۶-آقا هادی مترجم‌که دارای ترجمه‌های بسیار واکمل و اعلم فرزندان‌ملامحمد صالح بوده و اوراست : ۱- ترجمه قرآن مجید وشأن نزول ونیك وبد استخاره‌وبهمین سبب اورا آقا هادی‌مترجم‌خوانده‌اند. ۲- ترجمه صحیفه‌کامله سجادیه. ۳- ترجمه شافیه. ۴- ترجمه‌کافیةابن‌حاجب . ۵- ترجمه وشرح معالم‌الاصول. ۶-حاشیه عربی برتفسیر بیضاوی . ۷- حاشیه مواریث قواعد الاحکام علامه . ۸ - حدود و دیات فارسی . ۹ - شرح بر فروع کافی . ۱۰ - شرح کافیه . ۱۱ - شرح تلخیص المفتاح فارسی . ۱۲ - شرح شافیه که بنام نواب حسینعلی خان تألیف شده . ۱۳- شرح نظام بفارسی. ۱۴- شرح شمسیه. ۱۵- شرح صحیفه سجادیه بفارسی . ۱۶-شرح‌قواعد علامه. ۱۷- رسالةرضاعیه که در ۱۱۰۷ تألیف‌گردیده. ۱۸-رساله رسم الخط .

نامبرده در ۱۱۲۰ هجری فوت و در مقبره مجلسی مدفون گردید .
(تذکرة القبور یا بزرگان اصفهان ص۳۸۵)

۵- میرزا محمدتقی الماسی فرزند میرزاکاظم‌بن میرزا عزیزالله بن ملامحمدتقی مجلسی‌از علماء وفضلاء مولود ۱۰۸۹ هجری ومتوفی شعبان ۱۱۵۹ و مجاز از علامه مجلسی دوم جد مادریش وخود نیز شیخ اجازه عده‌ای از علماء و دانشمندان بود .

اوراست: ۱-کتاب بهجةالاولیاء بفارسی در ذکر کسانیکه بشرف‌حضور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی وفرجه رسیده‌اند. ۲- الوسائل الکثیرة ورسائل دیگر .

وی درزمان نادرشاه امام‌جمعه اصفهان بوده وپس ازوفات دربقعه مجلسی مدفون‌گردید. وجه تسمیه او به الماسی این بوده‌که پـدرش میرزا کاظم قطعةالماسی در جـای دو انگشت امیرالمؤمنین در ضریح مطهر نصب کرد که قیمت آن در آن زمان هفت هزار تومان بوده و اکنون نیز وجود دارد.

۶- میرزا محمد علی‌بن‌میرزاکاظم برادرمیرزا محمدتقی‌نیز ازعلماء معروف‌سلسله مجلسی است‌که در صحن مقبره مجلسی مدفون است .

۷- ملا عزیزالله‌بن میرزا محمد تقی الماسی متوفی (۱۱۶۳ هـ. ق) ازعلماء وفضلاء و اوراست‌کتابی در اصول عقاید. پس ازوفات دربقعه مجلسی مدفون‌گردید .

۸- میرزا جعفر امام‌جمعه فرزندحاج میر سیدمحمد امام‌جمعه ازرؤساء و علماء اصفهان ←

بردولنگه درشمالی مسجد جمعه نزدیك مقبره مجلسی لوحه‌هائی بخط ثلث برجسته چنین نوشته شده است :

بود وپس‌ازوفات باذن حجة الاسلام رشتی دربقعهٔ مجلسی مدفون‌گردید .
(تذکرةالقبور یا بزرگان اصفهان ص ۲۳۲)

۹ - شیخ شمس‌الدین محمد اصفهانی از علماء و ازمشایخ مجلسی اول متوفی (۹۳۶ هـ. ق) بالای‌سر مجلسی مدفون گردیده است. (رجال اصفهان ص ۱۲۶)

۱۰ــ میرزا رضا حسینی از سادات علمای اصفهان در طرف پائین پای مجلسی مدفون است . (رجال اصفهان ص ۱۴۷)

۱۱- میر عظیم‌بن میر عنایت‌الله اصفهانی از اکابر علمای قرن سیزدهم متوفی (۱۲۲۳ هـ. ق) مدفون دربقعه مجلسی وقبرش پیوسته بگور مجلسی است.

۱۲- میرزاحیدر علی‌بن ملامیرزا شیروانی از اجله علماء وفقهاء نواده دختری ملامحمد تقی مجلسی وداماد علامه مجلسی دوم اوراست: ۱- تعلیقه بر مسالك. ۲ - رسالة فی‌العصمة. ۳- رساله درتکفیر غیرامامی. ۴-رساله‌درتکفیر منافقین. ۵-رساله در حد قصر در نماز وروزه . ۶ - رساله در طریق استنباط احکام در زمان غیبت امام علیه السلام. ۷- شکوك الصلوة وغیر اینها. نامبرده پس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید.

۱۳ــ میرزاکمال‌الدین محمدبن معین‌الدین محمد فسائی شیرازی متوفی درحدود عشر سوم‌قرن دوازدهم معروف بمیرزاکمالا داماد مجلسی‌اول وازعلماء وفقهاء ومفسران وادبای‌کامل بود واوراست: ۱- بیاض کمالی. ۲- شرح شواهد مطول. ۳ــ شرح‌قصیدهٔ تائیه دعبل خزاعی. ۴- القیود الوافیة درشرح شافیه درعلم صرف. پس ازوفات دربقعه مجلسی دفن شد. (تذکرة القبور یا بزرگان اصفهان ص ۷-۸)

۱۴- ملامحمدعلی استرآبادی داماد مجلسی اول وشاگرد اوکه تعلیقاتی برکتب حدیث دارد مدفنش بقعه‌مجلسی است. (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۵ــ ملا محمد صادق بن ملامحمد باقر مجلسی از اجله تلامیذ پدر بوده و مجلسی مرآت‌العقول وشرح تهذیب را بخواسته او تألیف‌کرده است. ولی درحیات پدر وفات یافت ودربقعه مجلسی مدفون شد. (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۶ــ ملامحمدنصیربن ملاعبدالله‌بن‌ملامحمدتقی‌مجلسی‌اول ازاجله‌علماء وصاحب‌تألیفات واوراست: ۱- حاشیه برشرح‌لمعه. ۲- رساله‌ای‌درائبات‌رؤیت‌جن. ۳-ترجمه مجلدفتن و محن بحارالانوار . در بقعه مجلسی مدفون است . (رجال اصفهان ص۱۲۸)

۱۷- میرزا محمد باقربن میرزا عبدالله‌بن ملا محمدباقر مجلسی معروف به‌مجلسی سوم ازعلماء که ازپدر خود روایت میکرده است. پس ازوفات در بقعه مجلسی مدفون گردید . (رجال اصفهان ص۱۲۸)

« قال‌الله سبحانه و تعالی فی‌بیوت اذن‌الله ان ترفع و یذکرفیها اسمه یسبح »
« له فیها بالغدو والاصال رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن ذکرالله و اقام‌الصلوة »
« وایتاء الزکوة یخافون یوماتتقلب فیه‌القلوب والابصار رقم صحیفی‌الجوهری ».

درکتاب‌گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان‌که بیشتر این‌کتیبه‌ها ومشخصات باستان‌شناسی ازآن اقتباس شده نام‌کاتب‌کتیبه صحیفی جویمری نوشته شده درصورتیکه درمتن‌کتیبه جوهری یاد شده ودر مواضع دیگرهم جوهری رقم گردیده است پس باید اذعان‌کرد که‌کلمه جویمری اشتباه چاپی است .

برلنگه راست در مزبور بهمان خط این عبارت نوشته شده : « قال‌النبی « علیه‌السلام انا مدینةالعلم و علی بابها » و برلنگه چپ آن : «این در بسعی حضرة آقا محمدرضا فرمدی اتمام یافت » .

بردو لوحه سنگی‌که بردیوار سردر قدیمی مقبره منصوب است و مشرف بردالان شمالی مسجد است درلوحه اول چنین نوشته شده :

« مطلب ازتعمیر این مقام و بنای این لوح‌آنستکه حضرت صاحب‌الزمان » « علیه‌السلم را شخصی ازمؤمنان درین مکان شریف درخواب دیده است .» ودرلوحه دوم چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اللهم صل‌علی محمد وآل‌محمد ومنّ علینا بظهور » « امام زماننا الذی ببقائه بقیت‌الدنیا و بیمنه رزق‌الوری و بوجوده ثبتت‌الارض » « والسمآء وبه‌یملاءالله‌الارض قسطاً وعدلابعدما ملئت جوراً و ظلماً کتبه المذنب » « حاجی محمد مؤمن الکاظمی فی ۱۰۹۲ العبدالاقل حاجی امام قلی از مؤمنان » « التماس فاتحه دارد . آمرزیده باد که اورا بدعاء خیر یاد فرماید » .

درمجاورت سردرمجلسی‌سقاخانه‌ای قراردارد‌که برسنگاب‌آن بخط نستعلیق این عبارات حجاری شده است :

« قربة الی‌الله وقف نمود این برنج‌را آقاذوالفقار ولدآقانصیرهرکس ازاین » « مکان تغییردهد بلعنت خدا گرفتارشود تحریراً جمادی‌الثانی سنه ۱۰۹۳ » .

درمحوطه مقابل سردرشمالی مسجد سنگاب شکسته‌ای‌وجود داردکه دارای نقش ونگارونوشته‌هائی میباشدکه قسمتی ازآن بعلت شکستگی ازبین‌رفته وآنچه خوانده میشود بخط ثلث برجسته چنین است :

« . . . . وصل‌علی زین‌العبادعلی والباقرمحمد والصادق‌جعفروالکاظم موسی »
« والرضاعلی والتقی محمدوالنقی . . . » ودرزیرکتیبه مزبوربخط نستعلیق برجسته ابیاتی حجاری شده‌که سه فرد آن باقی مانده وآن چنین است :

« کرد وقف شاه مظلومان حسین‌بن‌علی هرکه نوشدآب‌گوید لعن برابن‌زیاد »
« شد تمام این‌جام‌درعصرشه ایران‌صفی . . . . . »

۲۴ ـ کتیبه تاریخ سنگفرش مسجد :

درمحل اتصال دهلیزمجاور سردرمجلسی بصحن مسجد لوحی ازسنگ مرمر بردیوار سمت جنوبی بطول ۶۳ و عرض ۴۳ سانتیمترنصب شده که روی‌آن بخط نستعلیق برجسته این اشعارکنده شده است :

« محمد قلی آنکه در دور او گریزان بود فتنه از چارسو »
« زپاسش دل پر دلان درهراس زبیداریش چشم بد خواب‌جو »
« پی مور در سنگ اگرگم شود زجوهر نمایان کند تیغ او »
« زبس خدمت مسجد جمعه‌کرد میسر شدش هرچه‌کرد آرزو »
« بمسجد زاطلس بیفکند فرش که اطلس بنایش بود پشم ومو »
« بساطی فروچید ازسنگ لعل که هرروز نوگردد ازرفت‌ورو »
« پی سال تاریخ اتمام او میان من و عقل شد گفتگو »
« بتاریخ اتمام او عقل گفت : (شده سجده‌گاه ملك فرش او) »
(۱۰۸۴)

از اشعار مزبور برمیآیدکه محمدقلی در زمان شاه سلیمان صفوی در مسجد جامع عتیق هم فرش انداخته است‌که از پشم ومو بوده وهم سنگفرش‌کرده است .

۲۵ـ کتیبه سردر بواسحاقیه :

سردربواسحاقیه‌که درگوشه شمال‌غربی‌مسجد قرارگرفته وبکوچه‌بواسحاقیه

بازمیشودکتیبه‌ای دارد بخط ثلث‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی‌رنگ‌که آیات از۳۲ تا آخر۳۹ سوره(ص) بر آن نوشته شده ولی مقداری ازکاشیهای خط ازمیان رفته است . وجه تسمیه آن به بواسحاقیه ازآن جهت است‌که شیخ ابواسحاق انجو در اطراف درمزبورسکونت داشته است. البته‌این‌سکونت مربوط بزمان‌حکمروائی او دراصفهان میباشد .

۲۶ـ کتیبه سردر باب‌الدشت :

این‌سردر درگوشه جنوب غربی مسجد واقع ودر انتهای یکی از راهروهای اصلی مسجد ازدوره سلاجقه قرار دارد .

کتیبه سردر مزبور بخط ثلث برزمینه لاجوردی رنگ‌گچبری شده و درآن کتیبه ازآیه اول تا آخر آیه سوم‌سوره جمعه خوانده میشود .

۲۷ـ کتیبه درچوبی دردشت :

بردولنگه‌راست وچپ دردشت باین‌ترتیب وشرح عباراتی‌بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی‌کنده شده :

« قال‌الله تعالی واذ یرفع ابراهیم القواعد من‌البیت واسمعیل ربنا تقبل منا» « انك انت‌السمیع‌العلیم صدق الله فی‌شهور سنة ۹۹۹ » ودرلوح دیگر « وقف‌کرد» « این در را قربةالی‌الله مولینا محمد مطلق برمسجد کبیر. » و دنباله آن برلنگه چپ نوشته شده : « عمل استاد محمدبن علی‌بن محبعلی کتبه جعفرالامامی . »

۲۸ـ کتیبه درجنوب غربی :

درپایان دالانی‌که چهلستون سلجوقی مغرب‌گنبد نظام‌الملك را ازچهلستون شاه عباس‌گوشه جنوب غربی مسجد جدا میکند یکی‌از درهای قدیمی وجود دارد که معمولا بسته است وازآن رفت‌وآمد نمیشود وبردولنگه راست وچپ آن‌بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی این‌جملات نوشته شده است :

« قال‌الله تبارك وتعالی ان‌المساجدلله فلاتدعو مع‌الله احداً . »

« موفق‌شداستاد محمودبن صدرالدین نجار واین‌دررا که ازمال وبعمل‌خود»

« ترتیب نموده وقف نمود بر مسجد جامع اصفهان قربةالی‌الله تعالی فی غره شهر»
« شعبان‌المعظم سنة اثنی وستین وتسعمائة . »

۲۹ ـ کتیبه‌های ساختمان روی حوض مسجد :

روی حوضی‌که وسط صحن مسجد جمعه ساخته شده بر دو جـرز آجری چهارستون ساختمان آن دولوح سنگ مرمرهریك بطول ۵۷ وعرض ۵۰ سانتیمتر نصب وکتیبه‌آن دو بشرح وترتیب زیراست :

کتیبه لوح غربی بخط ثلث برجسته :

« فی‌ایام خلافة السلطان الاعظم‌الاعدل الاکرم قهرمان الماء والطین ظل‌الله»
« فی‌الارضین مالك رقاب الامم مولاملوك العرب و العجم ابوالمظفر خدای بنده »
« سلطان محمد خلدالله ملکه وسلطانه رقم فقیر صحیفی سنة ۹۸۵ ». کتیبه لوح شرقی بخط نستعلیق شامل اشعار فارسی چنین‌است :

« به‌یمن داور دین صدر اعظم غیاث‌الملة والدین میر میران »
« موفق‌شد باحسان یوسف آقا قدم زد بی ریا درخیرو احسان »
« بروی‌حوض‌مسجد ساخت‌تالار که باشد سجده‌گاه اهل ایمان »
« صحیفی‌اینعمارت‌یادگاری‌است که ازوی ماند درشهر صفاهان»

سنه ۹۸۵

از فرد آخر معلوم میگردد که نویسنده و شاعر همان صحیفی جـوهری شیرازی معروف بوده است .

۳۰ـ کتیبه‌های مربوط به آب مسجد :

درمقابل محراب گچبری ضلع جنوبی دالان و روی (دالان شرقی‌مسجد) لوحی ازسنگ سفید بطول ۱/۲۱ و عرض ۸۳ سانتیمتر وجود دارد که کتیبه آن بخط ثلث برجسته محتوی عبارات واشعاری چنین است :

«بیمن توفیق‌ربانی وتأیید سبحانی درزمان دولت خاقان‌الاعدل الاعظم‌مالك»
« رقاب الامم مولی سلاطین العرب و العجم السلطان بن‌السلطان ابوالمظفر شاه »

« طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه در ملازمت شاهزاده عالمیان نور »
« حدیقه امن وامان ابوالنصر سلطان احمد میرزا بنده درگاه امیراصلان بن رستم »
« سلطان لله افشار ارشلو از زنده رود اصفهان حفر نهری نموده و آب مباح مسجد جامع »
« مذکور مجری وممر آب مزبور راکه این بند تحت بند نهر ظهر است آنرا بلافاصله »
« مع التوابع واللواحق وقفاً مخلداً مؤبداً باین وجه که مسلمین ومسلمات ازشرب »
« وطهارت آن محظوظ باشند و چون ازمسجد خارج شود بهرمحل که جاری شود »
« منافع آنرا بمصرفی که دروقفیه مسطوراست صرف نمایند وشرط نمودکه باشراف »
« ونظارت حضرت افادت وافاضت پناهی شیخ الاسلامی زیناعلیا منشارا خود بنفس »
« نفیس وبعد متولی وقف مزبور بوده وبنظارت تولیت چنانچه دروقفیه مسطوراست »
« قیام و اقدام نمایند و قبل از ورود آب بمسجد جامع مذکور احدی از بالا آب »
« بباغات و مزروعات نبرد و بغیراز طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند سوای »
« حضرت شیخ الاسلامی که در بردن آب . . . . » و مفاد آن حاکی است که امیراصلان سلطان ارشلو لله سلطان احمد میرزا فرزند شاه طهماسب درعهد سلطنت شاه طهماسب بمعیت سلطان احمد میرزا نهری اززنده رود اصفهان حفر و بمسجد جامع آورده ووقف برمسجد کرده است وشرایطی برای استفاده مردم ازآن قرارداده است ولی مفاد وقف بتدریج متروك وفراموش شده بوده ومجرای مزبور درسال ۱۳۴۰ شمسی مورد لاروبی قرارگرفته است این آب که درگذشته اختصاص بمسجد داشته اینك محله خاوجان راکه درمجاورت مسجد قراردارد سیراب میکند؛ درپائین لوح سنگی که کتیبه آن نوشته شد این اشعار نیز خوانده میشود :

« آفاق بفر شه دین دار جهان جو چون صورت مینا شده وروضه مینو »
« برخاك درش سجده کنانند چوخورشید . . . . رخ بنهد رو »
« بردرگهش آن بنده که منظور نظر هست در حکم سکندر شدو . . . »
« . . . افشار آن کس للگی داد شهنشاه هنرجو »
« از رود صفاهان بسوی مسجد جامع . . روان کرد یکی جو »

« این کار نیامد زخدا بنده و غازان وین آب نیاورد . . . . . »
« تاریخ گفت : (آب‌ملك‌اصلان بیك سلطان ارشلو)»

مفاد اشعارکه مقداری‌هم ازآن ریخته حاکی است‌که درسال ۹۸۴ یعنی سال آخرسلطنت شاه‌طهماسب آب مزبوررا اززنده رود بمسجد جامع آورده است وضمناً استنباط میگرددکه درزمان غازان خان و سلطان محمد خدابنده نیزچنین نظری بوده ولی انجام نشده است .

ب ـ کتیبه‌هائی‌که مفادآن بمسجد ربطی ندارد :

۱ ـ توبه‌نامه شاه طهماسب :

درسمت راست محراب‌گنبد نظام‌الملك بریك لوح سنگی بطول ۷۰ و عرض ۶۶ سانتیمتر بخط ثلث برجسته کتیبه‌ای باین شرح خوانده میشود :

« العزةلله جمیعاً » .

« بحمدالله وحسن توفیقه که بتأیید مسند صدرنشین معزالله اولیائه و مذل »
« اعدائه لوامع سرمکتوم و رمز مکنون مضمون یمحوالله الباطل و یحق الحق »
« بکلماته ازمشرق خاطر مهر انور اعلیحضرة شاه عالمپناه ظل‌الله ابوالمظفر شاه »
« طهماسب بهادرخان‌خلدالله ملکه وسلطانه نورتأثیربرافق تقدیرانداخته درحین »
« تقبیل عتبه‌علیه رضیه رضویه علی مشرفها الصلوة والتحیّة جبین مبین اعتقادش »
« بطلایه توبوا الی‌الله توبة نصوحاً محلی ومطلی‌شده بعدازاین توبه نصوح ازکل »
« منکرات‌کوکب امرمطاعش بذروه اتباع رسیدکه فردی ازافراد . . . » وبطوریکه ملاحظه‌میگردد بقیه سنگ لوح نیست ومعلوم نگردیده‌که درچه زمان دوقسمت سنگ از یکدیگر جدا شده است آنچه مفهوم میگردد اینست‌که شاه طهماسب پس‌ازتشرف بزیارت حضرت رضا علیه‌السلام این توبه نامه را نصب‌کرده است .

۲ ـ فرمان منع ورود بخانه مردم :

درضلع غربی‌گنبد نظام‌الملك میان گنبد وچهلستون سلجوقی برروی دیوار یکی ازمدخلهای بازکه‌گنبدوچهلستون‌را بیکدیگر ربط میدهد لوح سنگی بطول

یك متروعرض ۷۲ سانتیمتر منصوب گردیده ولی قسمت پائین آن که ظاهراً محتوی کتیبه تاریخی بوده ازبین رفته وشکسته شده است .کتیبه مزبور بخط ثلث برجسته چنین حجاری شده است :

« فرمان همیون شدآنکه چون حضرت ملك ذوالجلال و خداوند لم یزل و »
« لایزال جلت شانه و عظم برهانه طغرای غرای سلطنت پادشاهی عرصه جهان »
« برحسب آیه کریمه اناجعلناك خلیفة فی الارض باسم سامی ونام نامی نواب همیون »
« مارقم فرموده توقیع وقیع خلافت وکشورگشائی دارالسلطنه وآتیناه ملکاً کبیراً »
« را بحکم یفعل الله مایشآء ویحکم مایرید بالقاب همیون ماموشح ومزین ساخته »
« بعون عنایت ازلی وتاییدات محض لم یزلی وجودکثیرالجود ما راکه مظهر آثار »
« لطف واحسان است سرمایه امن و امان گردانیده واراده خجسته صفات ما که »
« مصدر انواع مکرمت وامتنان است منبع مرحمت و احسان فرموده پایه قدر و »
« منزلت ودرجه قرب و رفعت ما را باوج مدارج خلافت جهانی ودر پناه ابهت و »
« کشورستانی رسانیده عالمیان بل کافه جهانیان را بموجب آیه وافی هدایت و ما »
« ارسلناك الارحمة للعالمین درظل رأفت وسایه معدلت ماجای داده لاجرم مضمون »
« باصدق مشحون ان الله یامر بالعدل والاحسان را نصب العین ضمیر انورو نظر کیمیا »
« اثرداشته بشکرگذاری این مراتب علیه و سپاس ادای این مواهب سنیه همواره »
« توجه خاطر فیض مآثر وپیوسته نیت ضمیرمنیرمان ناظروبدان مصروف ومعطوف »
« داریم که در عهد سلطنة بی زوال و زمان خلافت ابدی الاتصال کافه رعایا و برایا »
« که ودایع بدایع حضرت خالق البرایا بیمن معدلت همیون درمهد فراغت وبستر »
« استراحت غنوده درمساکن واوطان مرفه الحال وفارغ البال روزگارگذرانند سیما »
« جمعی که بخلوص عقیدت وصفای طویت ازسایر اهل زمان ممتاز بوده درمضمار »
« اخلاص ویك جهتی واختصاص ونیکو بندگی گوی مسابقت ورجحان را از اکفاء »
« واقران ربوده باشند مکرر دارالسلطنه اصفهان بیمن نزول موکب نصرت قرین »
« غیرت افزای بهشت برین گشته همگی مردم آنجا را درشاه راه مخالصت وبندگی »

« و جاده اخلاص و یکجهتی نواب کامیاب همیون ثابت قدم و راسخ دم یافته‌ایم »
« حقیقت ولاویکرنگی وصدق عقیدت ودولتخواهی مردم‌آن بلده برحسب مثال »
« مرآت ضمیر منیر آفتاب تأثیرکالشمس الشارق من‌السمآء ظاهروروشن گشته و »
« همگی سرومال و جان در راه نواب همیون ما نهاده‌اند بنابراین مجدداً سادات »
« عظام ونقباء کرام وقضات اسلام و ارباب و اهالی فخام و اصول اعیان وصواحب »
« کدخدایان وجمهورمقیمان وسایراهالی ومتوطنان ورعایا دارالسلطنة مذکورة و »
« بلوکات‌وولایات‌را مشمول عواطف بیکران‌شاهی وملحوظ مکارم واحسان بی‌پایان »
« پادشاهی فرموده خانها کل دارالسلطنه مزبوره و مواضع فرود . . . . از نزول »
« بلعنت نامه برطرف فرموده مقرر داشتیم‌که من بعد هیچ آفریده از امراء عظام »
« و مقربان‌کرام وملازمان درگاه فلك احتشام وقورچیان‌ظفر فرجام خاصه‌غلامان »
« وملازمان بیوتات شریفه . . . . از هرطایفه و طبقه وهرکه بوده باشد در خانه »
« احدی نزول ننموده پیرامون نگردند وهرکس درهرخانه نزول داشته باشد در »
« روز بیرون رفته و توقف ننمایند تا همگی بفراغت خاطر درخانه و مکان خود »
« ساکن بوده دعا بدوام دولت ابدی الاتصال ما نمایند » .

هرچند ازکتیبه مزبوربرخی ازکلمات ازبین رفته ولی مطلب را حاکی است که چون درزمانهای پیش رسم این بوده‌که متابعان سلطنت درخانه های مردم شهر جبراً سکونت وموجب اضرار وآزارمردم میشده‌اند دراین فرمان مقررگردیده‌که از این رویه خودداری کنند ، درکتیبه مزبور صادرکننده فرمان تصریح نگردیده ولی بقرینه کلمه دارالسلطنه و شیوه تحریری فرمان میتوان گفت صادرکننده آن شاه طهماسب بوده است .

۳ ـ فرمان شاه اسماعیل صفوی :

در سمت راست مدخلی‌که صفه صاحب را بگنبد نظام‌الملك وصل میکند

دوفرمان ازشاه اسماعیل وشاه طهماسب صفوی وجود دارد . که فرمان شاه اسمعیل آن بخط ثلث برجسته برسنگ سفید چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال‌الله تبارك و تعالی اطیعوا‌الله و اطیعوا الرسول »
« واولوالامر[1] منکم مستفاد ازکلام معجز نظام‌وامر باحکام‌ثلاثه آنکه برهرفردی »
« از افراد اطاعة وانقیاد واجب ولازم وهرآینه مصدوقه این مقال ذکرحکمتیست »
« که از خلیفةالزمان ناشرالعدل والاحسان الامام العادل الکامل الهادی الغازی »
« الوالی ابوالمظفرالسلطان شاه‌اسماعیل الصفوی بهادرخان‌خلدالله ملکه وسلطانه »
« نفس مبارك همایون شدکه من بعد هرکس‌که برخانها ومحلات اصفهان وسکنه »
« آنها چیزی‌حواله نماید یاهرکس‌که دهد و . . . ستاند واجب‌القتل باشد . . . . »
« خلاف‌کننده درلعنت خدا و رسول و بعتاب شاهی‌گرفتار .» .

مفاد این فرمان هم اینستکه کسی نباید وجهی از خانها (کاروانسراها) و محله‌ها و سکنه اصفهان گرفته شود و هرکس برخلاف این دستور عمل‌کند مورد مؤاخذه دولت و نفرین ولعنت قرار خواهد گرفت .

در لوح مزبور تاریخی نوشته نشده ولی در زیرلوح مزبور سه لوحه دیگر گچبری شده‌که متن‌آنها اشعاری‌فارسی ودرمصراع‌آخرماده تاریخی داردکه با ۹۱۱ منطبق است :

« آنکه جهان مظهر شانش بود بسمله طغرای نشانش بود »
« شاه زمان شاه ملائك حشر رایت مهر آیت فتح و ظفر »
« خلق جهان را زکرم این عطا کرد بسال الف و یا وطا »

فرد آخرشعر آخرمیرساندکه لوحه درسال الف و یا و طا نصب شده و چون این حروف را بمراتب خود بنویسیم میشود ۹۱۱ که با سلطنت شاه اسماعیل اول منطبق میشود[2] .

۱ــ در آیه اولی‌الامر است . ۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۸ .

۴ ـ فرمان شاه طهماسب راجع به بخشیدن مالیات :

در زیر لوح سنگی که فرمان شاه اسماعیل بر آن نوشته شده لوح دیگری سنگی بطول ۲/۴۵ و عرض ۱/۸ متر موجود است که کتیبه آن بخط ثلث برجسته چنین است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم قال‌الله تعالی من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و »
« عن النبی صلی‌الله علیه و آله وسلم من سن سنة حسنة فله اجرها و اجر من یعمل »
« بها الی یوم القیامة مصداق این مقال هبوب نسیم افضال است که در این اوقات »
« برقوی وضعیف ازاینروح فیض وکرم اختر برج مکارم و نعم‌السلطان بن السلطان »
« ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان لابرحت رایات دولته منصورة واعداء حشمته »
« مقهورة وزیده و عنایة شامله برفع قوانین فساد از دارالسلطنه اصفهان فرموده »
« که هیچ یك از سلاطین ماضیه برفع آن توجه ننموده بلکه درهرعصری علاوهٔ »
« بر آن افزوده و فرمان واجب‌الاذعان مؤکد بلعنت نامه شرف نفاذ یافت آنکه »
« مضمون مال و جهات و وجوهات و اصناف محترفه بلده و بلوکات و ولایات و »
« تمغاوات از سرجواز و بیع‌الحوائج و زکوة گوسفند و مواشی بلده و بلوکات و »
« ولایات ودارالسلخ وسوق‌الدواب وطریق قومشه و مالواجرد وقلعه ملوس و باج »
« و بلدی و بیع‌الحلیج وسرجواز خورده و بازار مرغ وخلقانی و برد و میزر و »
« طریق ریدو رباط و دروب سلطان و مورچه خورت و سرزر و داروغگانه و »
« سرکلکی‌کرون و احداث و هوایی رار ومزدج وفریدن و دارالضرب که مبلغ »
« دوهزار تومان تبریزی تخمیناً میشده براهالی و رعایا وتجار محترفه وعابرین »
« این دیار تصدق فرموده‌اند و این مثوبات راهبه ارواح مقدسه چهارده معصوم »
« علیهم‌السلام نموده‌اند و اهداء این ثواب نیز اهداءِ بروح پرفتوح الامام العالم »
« موسی‌الکاظم علیه‌السلام هدیه فرموده‌اند فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی »
« الذین یبدلونه و صورت این موهبت را حسب‌الامرالمطاع ذره بیمقدار علی »
« الکرکی . . . این‌مضمون کالنقش فی‌الاحجار برخواطرسکنه این دیاروالعابرین »

« من‌جمیع الامصار جای‌گیر شد و با همگنان در دعا و دوام دولت آن اعلیحضرت »
«کوشیده تغییر کننده درلعنت الهی‌وعتاب نامتناهی باد. کتبه العبد علی‌بن‌جعفر.....»

در جاهائی‌که نقطه گذارده شده یا کلمات خوانده نشده و یا سائیده شده بوده است .

۵ ـ فرمان شاه طهماسب راجع بچوپان بیگی :

در دالان ورودی مسجد درقسمت جنوبی لوحی سنگی بطول ۱/۱۰ وعرض ۸۸ سانتیمتر وجود داردکه‌کتیبه‌ای بخط خوش ثلث برجسته برسنگ مرمر باین شرح برآن حجاری شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین » .

« فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون مقصد اصلی از تکفل امور »
« جهانبانی ومطلب‌کلی ازتصدی مهام‌کشورستانی مراعات جانب عموم رعایا ورفاه »
« احوال‌کافه برایا است وحضرت واهب بی‌منت‌که پادشاه علی‌الاطلاق‌است جل‌شانه »
« وعظم سلطانه منشورمبرور خلافت بیزوال مارا بطغرای‌غراانی جاعل فی‌الارض »
« خلیفة مزین ونشان‌عالیشان سلطنت ابدی‌الاتصال مارا بتوقیع اطیعوالله واطیعوا »
« الرسول واولی‌الامرمنکم موشح‌گردانیده وشمسه‌رایت فیروزی ماراآیت‌المطلع »
« اذاجاء نصرالله والفتح وماهچه رخشان لوای‌فلك فرسای ما ازمکمن وینصرکالله »
« نصراً عزیزا تابان و درخشانست الحمدلله الذی فضلنا علی کثیر من عباده لاجرم »
« ما نیزبشکرانه عواطف اللهی همواره همت والانعمت صافی طویت به‌بسط بساط »
« معدلت و احسان نسبت بکافه زیردستان مصروف و معطوف فرموده‌ایم و پیوسته »
« مطمح نظرفرخنده برآنست‌که‌کافه‌برایا وعموم‌خلایق ازتکالیف دیوانی سبکبار »
« بوده ودرکل‌موارد مرفه وآسوده باشند وچون دراین چند سال رعایا ومتوطنین »
« دارالسلطنه اصفاهان عن‌بلده وبلوکات به‌جهت استیلای‌مخالفان بولایات‌خراسان »
« وآمدوشد ایشان بآنجا از تردد دواب واخراجات عساکرمنصوره تعب وتشویش »
« بسیارکشیده در جمیع موارد تا یك جهتی ایشان بمنصه ظهور رسیده ودرخاطر »

« فیض مأثرما رسوخ یافته بودکه‌چون اعادی دین ودولت منکوب‌گشته بتوفیق »
« الله‌تعالی ممالك خراسان بحیطه تسخیر و تصرف درآمده ضمیمه سایر ممالك »
« محروسه گردد و بسعادت زیارت طواف روضه مشهد مقدس منور معطر حضرة »
« امام‌الجن والانس ابوالحسن علی‌بن موسی‌الرضی فایزگردیم در رفاهیت احوال »
« کل ساکنین و متوطنین دارالسلطنه مذکور توجه خاطر اشرف مبذول فرموده »
« وجوه چوپان بیگی وکدو ایشان را بتخفیف و تصدق مقرر فرموده ثواب آنرا »
« بروح مطهرمنور آن حضرة هدیه فرمائیم چون درین اوقات بعون عنایت ازلی »
« وتوفیقات لم یزلی ابواب فتوحات غیبی وعواطف لاریبی برروی روزگارفرخنده »
« آثار اولیای دولت ابدی الاتصال ماگشوده مملکت‌خراسان بتسخیراولیای نواب »
« دولت همایون ما درآمد وبشرایف زیارت و طواف‌آن . . . . حضرة حسب‌کلام »
« معجز نظام سیدالمرسلین صلی‌الله‌علیه و من زارالذی بطوس فکمانما زاربیت‌الله »
« الحرام استسعادیافته بامداد روح مقدس معطرآن‌حضرة مخالفان نیست ونابود »
« گشته‌دارالسلطنه هراة مرکزسرادقات‌جلال‌گشت عنایت بیغایت شاهانه شاملحال »
« عموم سکنه و متوطنه دارالسلطنه اصفاهان از سپاهی ورعیت فرموده از ابتدای »
« تنگوزئیل وجوه کدو وچوپان بیگی دارالسلطنه مذکور که ابواب المال قدیم »
« را انفراداً . . . . تنفیذ مینمودند. » . بطوریکه مؤلف‌گنجینه‌آثارتاریخی‌اصفهان تذکرداده‌اند سبك املاءِ مطابق خود کتیبه است وتصرفی درآن نشده ولی در مورد طغرا و غرا که متذکرشده‌اند در متن کتیبه بدون (ی) میباشد درصورتیکه عبارت اقتضا دارد که طغرای غرای باشد نگارنده در عکس‌کتیبه مزبور بدقت رسیدگی کردم ولی معلوم شد که بالای کلمه طغرا حرف (ی) وجود دارد و چون در خط ثلث از یك حرف در دو مورد گاهی استفاده میشود ممکن است حرف (ی) ازآن طغرا و غرا هردو باشد . نکته دیگر اینکه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تذکرداده شده‌که درکتیبه موردبحث: اولوالامرمنکم‌باواو نوشته‌شده درحالی‌که در آیه شریفه‌ومطابق قوانین‌نحوی باید اولی‌الامربیانوشته‌شود این‌موردهم روی‌عکس

بررسی ودقت شد ومعلوم گردیدکه‌درکتیبه هم اولی‌الامربیا نوشته شده‌است .

نکته دیگراینکه درقسمت عبارت : (رعایا ومتوطنین دارالسلطنه اصفاهان) نوشته‌اند که صفاهان بدون همزه درکتیبه خوانده شده است ، باین موضوع هم رسیدگی گردید وعکس کتیبه میرساندکه اصفاهان باهمزه میباشد .

۶ ـ فرمان شاه طهماسب راجع بوجوه راهداری مأکولات :

در مقابل لوح سنگی جنوبی دالان شرقی که گذشت دو لوح سنگی دیگر وجود داردکه باخط نستعلیق خوش حجاری شده است .

مفاد لوح فوقانی بطول ۱۰۷ و عرض ۶۲ سانتیمترکه قسمتی ازآن ازمیان رفته وقسمتی باقی مانده بشرح زیر است :

« . . . .آنکه در این . . . . . و بنابر ازدیاد موارد . . . . . شفقت »
« بیدریغ شاهی درباره . . . . . وفراغ بال ایشان وجوه راهداری ماکولات را از »
« غله و میوه و برنج و روغن و امثال ذلك که جهت فروختن بدارالسلطنه مذکور »
« آورند وبمحال دیگر برند سوای عقاقیل وشکرواجناس ابریشمی وریسمانی‌که »
« تجارازجانب هند بدارالسلطنه مذکورآورند وابریشم‌که ازگیلان وشفت و. . . .»
« که از روم میآورند و اجناس ابریشمی وریسمانی‌که ازیزد وکاشان وسایر محال »
« بدارالسلطنه مزبورآورند وباطراف‌وجوانب برند تخفیف وتصدق مقررفرمودیم »
« که من‌بعد بدین جهت طلبی از مترددین ننمایند . . . . . ومستحفظان شوارع »
« دارالسلطنه‌مذکورسیما ملازمان امارت‌پناه نظام‌الدین‌شیخ . . . . وجوه راهداری »
« ماکولات‌را بتخفیف وتصدق مقررفرمودیم . . . . . بدین‌علت ازمترددین بازیافت »
« نکنند و مزاحمت تجار . . . . واقمشه و اجناس ابریشمی و ریسمانی . . . . که »
« بدارالسلطنه مذکورآورده از وجوه راهداری . . . . دستورالعمل ازدیوان اعلی »
« قراریافته بازیافت ننموده زیاده‌ازآن یکدینارویکمن بار . . . . . سوای‌معمول »
« که اسب وگاو وگوسفند والاغ‌که . . . . ازمخالف‌که موجب عتاب و خطابست » .

دوفرمان اخیرکه بشاه طهماسب صفوی نسبت داده شده در متن‌کتیبه‌ها این

انتساب صراحتی ندارد وبعلاوه تاریخی هم درفرمان دیده نمیشود .

مؤلف گنجینه آثارتاریخی اصفهان هم آنرا باتوجه بقرائن تاریخی منسوب بشاه طهماسب دانسته است .

۷ ـ فرمان دیگر ازشاه طهماسب راجع بتخفیف مالیات اصناف :

در پائین لوح سنگی فوق‌الذکر لوح سنگی دیگری بطول ۱/۵۶ و عرض ۵۴ سانتیمتر نصب شده‌که کتیبه آن بخط نستعلیق خوش برجسته برسنگ پارسی چنین خوانده میشود و بعضی از سطور وکلمات آن نیز محو شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . ثواب‌جزیل این امرجمیل را هدیه ارواح مطهره »
« مقدسه منوره متبرکـه حضرات چهارده معصوم . . . . بنت خیرالانـام . . . . . »
« علیهماالصلوة والسلم شد چون مشیت ازلی واراده لم یزلی بانتظام اسباب حضور »
« صوری ومعنوی . . . . متعلق گشت بمقتضاء حکمت بالغه ذات قدسی . . . . شده »
« زمام حل خواص و عوام و عنان قبض و بسط ارزاق اهالی بکف کافی آن مرکز »
« دوایر مفاوضات سبحانی درآمده کافه انام وعامه اهل اسلام درظل رافت وکنف »
« عاطفتش‌مرفه وفارغ‌البال‌اند مصداق این‌مقال وقیرالاجلال صورت ... والحدثان »
« که در ظل رایات عرش‌سای سلطان سلاطین زمان باسط بساط امن وامان‌المروج »
« للشریعة الحقة الامامیه بتأیید الملك المنان حامی بیضةالاسلام عن‌الانکسار »
« من‌رجوم الشیاطین الزمان‌السلطان‌بن السلطان‌بن‌السلطان ابوالمظفرمعزالدین...»
« شاه طهماسب بهادرخان . . . لواء معدلته . . . . مبین و ایده بالجود والامتنان »
« نشوونما یافته هبوب عواصف . . . . . عندلیب زمان پیرامن حدایق ذات بهجة »
« و بساتین ذات نضرتشان‌نگشته ازوصمت فتور وانحلال وحدت وقصور واختلال »
« مغیرالحال‌نیستند از انعامات عامه وتصدقات شامله‌که درین زمان فرخنده اوان »
« ازان مصدر مفاوضات سبحانی . . . . وکیفیت شیوع . . . و بلاد . . . ومعمورند »
« سیما اکابر و اهالی دارالسلطنه اصفهان صانهاالله تعالی عن‌آفات الزمان آنکه »
« مال ووجوهات اصناف وتمقاوات از . . . جواز وتمقاء . . . قلعه ملوس . . . . »

« ومالواجرد وبیع‌الحوایج وقرارزکوة وباج‌وبلدی وبیع‌الحلیج‌ومواشی‌وسرکلکی »
« کرون وسرجواز خورده وسوق‌الدواب و تمقاطریقات ازطریق قومشه و مورچه »
« خورت ورید ورباط . . . سلطان . . . وسبزه زر داروغگانه وامثال مذکورات در »
« دارالسلطنه‌مذکوره وسایر بلاد ممالك محروسه . . . ماضیه‌داخل . . . سلاطین...»
« امضاء نموده درمخیله احدی ازایشان‌صورت این‌موهبت‌خطورننموده خاطرقدسی »
« مأثر بندگان نواب اشرف اقدس اعلی ایده‌الله تعالی باین هدیه عظیمه و عطیه »
« جسیمه توجه فرموده تا مبلغ دوهزارتومان‌که بهرجهت . . . شد مذکورات بود »
« بتخفیف و تصدق . . . دارالسلطنه مذکوره . . . سپارده احکام مطاعه بتواریخ »
« مختلفه‌که متمم‌آنها اوایل سنه احدی‌وسبعین وتسعمائه سمت‌صدور یافته برفع »
« سدومنع‌آمد. . . رسوخ وتایید این موهبت مولد لعنت‌نامه شده . . . ومرکوز »
« گشت تادرصحایف خواطرکالنقش فی‌الحجرصورت پذیرگردد ومن‌بعد در . . . . »
« تغییر وتبدیل آن متصور نشود واز مضمون آیه کریمه ومن بدله بعد ماسمعه »
« فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه متغط‌گشته تغییرکننده درسخط ولعنت الهی باد . »

این بود وضع ساختمان مسجد جامع عتیق اصفهان وکتیبه‌های‌آن‌که بیشتر آن ازکتاب‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس شده است .

بطوریکه درهرمورد تشریح گردیده اولین تاریخی‌که از قدیمترین ایام در مسجد مزبور جلب نظر میکند تاریخ بنای گنبد تاج‌الملك است که در سال ۴۸۱ هجری انجام‌گردیده است وتاریخی‌صریح‌که مقدم برآن باشد اکنون‌درمیان نیست.

بعدازآن تاریخ ۵۱۵ هجری‌است‌که‌درقسمتی ازساختمانهای مسجدکه پس‌از حریق ملاحده تجدید بناگردیده سال مزبور درکتیبه‌کوفی آن تصریح شده است . سپس تاریخ ۷۱۰ هجری وزمان سلطان محمد خدابنده اولجایتومیباشدکه بناهائی در مسجد در وزارت سعدالدین محمد ساوی و با اهتمام عضدبن علی الماستری و بمباشرت ابوالفتح احمدبن محمد خازن وبنائی حیدرنام انجام‌گرفته است . در پی آن تاریخ ۷۶۸ هجری است‌که مربوط بدوره سلطان محمود آل مظفر است وصفه

عمر بوسیله واهتمام مرتضی‌بن حسن عباسی زینبی درآن تاریخ ساخته شده است وکاتب‌کتیبه‌آن بخط ثلث عزیزالتقی الحافظ الهروی بوده است . دنباله آن تاریخ ۷۷۸ هجری است که محراب صفه عمر درآن تاریخ مورد تعمیر واقع وکتیبه آن بخط ثلث علی کوهیار ابرقوهی است .

در ۸۵۱ هجری که زمان سلطان محمدبن بایسنقر تیموری باشد عمارت بیت‌الشتاء مسجد بوسیله‌عمادبن‌مظفرورزنه‌ای‌انجام‌شده وکاتب‌کتیبه‌آن سیدمحمود نقاش میباشدکه بخط ثلث نوشته است .

در ۸۸۰ هجری ابوالنصرحسن بهادر اصلاحاتی در مسجد معمول داشته ودر صفه صاحب کتیبه آن بخط ثلث موجود است و بنّای‌آن جمال خادم شیخ محمدبن شیخ یوسف بنا بوده است .

درسال ۹۱۱ لوحه‌ای ازشاه اسماعیل صفوی راجع بمنع پول گرفتن ازمردم اصفهان وصدورحواله بخانه‌ها درسمت راست مدخل صفه‌صاحب نصب‌گردیده‌است .

در۹۱۸ هجری درمحراب شرقی صفه صاحب تعمیراتی بعمل‌آمده وکتیبه‌آن بخط ثلث تاج‌الدین میباشد . در سال ۹۳۸ هجری در زمان شاه طهماسب صفوی شمس‌الدین محمد اصفهانی تزییناتی بسعی واهتمام بانوآقاسلطان درمسجد معمول داشته وکتیبه‌آن بخط ثلث‌کمال‌الدین حسین‌حافظ هروی وتاج‌الدین معلم اصفهانی وعمل‌ساختمانی بدست بنایان استاد ابراهیم‌بن استاد اسماعیل ویوسف‌بن تاج‌الدین بنای اصفهانی صورت گرفته است .

در سال ۹۶۲ هجری استاد صدرالدین نطنزی دری ساخته و برمسجد وقف کرده است. در۹۸۴هجری‌درزمان شاه‌طهماسب امیراصلان‌بن رستم سلطان للهافشار ارشلو نهری از زنده رود بمسجد جامع‌آورده است .

درسال ۹۸۵ هجری درعصرسلطان محمد خدابنده‌صفوی وصدارت‌غیاث‌الدین میرمیران ـ یوسف‌آقا نامی روی حوض صحن مسجد ساختمانی‌کرده است و خط کتیبه و شعرآن از صحیفی جوهری میباشد . در سال ۸۹۲ هجری عصر خدابنده

تعمیراتی درایوان شاگرد بعمل آمده وکتیبه آن بخط ثلث نظام اصفهانی است .

در سال ۹۹۶ هجری عهد شاه عباس بزرگ بوسیله نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد حکیم اصفهانی درصفه‌حکیم مسجد تعمیراتی بعمل‌آمده وکتیبه آن بخط ثلث گچبری شده صحیفی میباشد . در سال ۱۰۷۰ هجری عهد شاه عباس دوم درصفه‌صاحب تعمیراتی شده واشاره‌گردیده‌که شاه طهماسب نیزدرآن تعمیراتی کرده بوده است .

در سال ۱۰۷۳ استاد فخرالدین شوشتری خانه‌ای را وقف و قسمتی ازعوائد آن را برای روشنائی مسجد اختصاص داده است . در ۱۰۹۲ هجری در سلطنت شاه‌سلیمان‌صفوی‌درسرقبرمجلسی تزییناتی انجام شده وکتیبه‌آن بخط حاجی‌محمد مؤمن‌کاظمی است . درسال ۱۰۹۳ هجری وعهد شاه سلیمان صفوی درایوان‌درویش تعمیراتی شده وکتیبه‌ای بخط ثلث گچبری شده دارد که حکایت ازتعمیر مزبور میکند .

درسال ۱۰۹۸ هجری درسلطنت شاه سلطان‌حسین صفوی نیزدرایوان‌درویش تعمیراتی انجام‌گرفته وکتیبه‌آن بخط ثلث محسن امامی است .

در سال ۱۱۰۲ هجری استاد امین‌بن استاد اسماعیل سرنج پز سنگابی را وقف کرده که در زیرهلال ایوان صاحب قراردارد ، این وقف در زمان سلطنت شاه سلطان حسین انجام‌گرفته است . در۱۱۱۲ درعهد شاه سلطان‌حسین نیز تعمیرات و تزییناتی در مسجد بعمل آمده و نویسندگان کتیبه‌ها علینقی امامی و محمدحسن جزایری ومحمدزمان‌بن عبدالباقی اصفهانی بخط ثلث وابوالمعالی النقیب‌الحسینی بخط نستعلیق وشاعران کتیبه‌ها افهم ونقی ومسعود بوده‌اند .

درسال ۱۱۳۹ هجری‌که دوره اقتدار اشرف افغان بوده درصفه عمر تعمیرات وتزییناتی انجام شده ومتصدی‌آن یعقوب‌خان ازسران اشرف وناظرآن ملازعفران مفتی بزرگ افغانی وخطاط کتیبه آن بخط ثلث محمدعلی مولوی بوده است .

درسال ۱۲۱۸ هجری یعنی عهد فتحعلی‌شاه قاجار و حکومت حاجی محمد

حسین‌خان صدراعظم اصفهانی درب ورودی مسجد جامع مورد تعمیر قرارگرفته و نویسنده کتیبه سردرآن ابوالحسن اصفهانی بخط ثلث بوده است.

آخرین تاریخی‌که در مسجد مشاهده شده ۱۳۰۱ هجری و مربوط بزمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است که درآن تاریخ کتیبه قرآنی سردر بواسحاقیه نوشته شده است.

این مسجدکه مجموعه‌آثار باستانی را تشکیل میدهد بموجب شماره ۳۲۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۱۰ ـ مسجد جنب پیرپینه‌دوز = جوباره :

مسجد جوباره از مساجدی است که پیش از صفویه وجود داشته و در زمان شاه طهماسب صفوی بوسیله مهتر و رکابدار شاهزاده ابوالفتح بهرام میرزا حسینی برادر شاه تعمیرگردیده است. این مسجد که در یکی ازکوچه‌های محله جوباره واقع شده آنرا مسجد درب جوباره ومسجد جنب پیرپینه‌دوز نیز مینامند اما وجه تسمیه به‌مسجد درب‌جوباره بعلت وقوع‌آن درمحله جوباره است واما وجه تسمیه دوم گویا قبر پیرپینه‌دوز درهمان اطراف میباشد درگنجینه‌آثارتاریخی اصفهان[۲] نوشته شده‌که وجه تسمیه نخست درست است ولی در تاریخ اصفهان وری[۳] مسجد را به مسجد جنب پیر پینه‌دوز معرفی‌کرده است و با این ترتیب هر دو نام و وجه تسمیه درست خواهد بود.

کتیبه سردر این مسجدکه اکنون برای محافظت درباغ چهلستون نگهداری میشود بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود:

« تیمناً باسمه سبحانه‌قدتشرف ببناء هذاالمسجدالمؤسس البنیان علی‌تقوی »
« من‌الله و رضوان فی‌ایام دولة سلطان سلاطین الزمان و خاقان خواقین الدوران »
« المتمکن علی سریرالعدل و مسندالاحسان السلطان‌بن السلطان‌بن السلطان »

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۲۶ . ۲ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۲۸۶ . ۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۴۰ .

« ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی فی‌ظل‌الامن والامان »
« من انتسب رسم‌الخدمة علی اهل‌الایمان نواب الکامران الکشورستان ابوالفتح »
« بهرام میرزا الحسینی خلدظله‌العالی‌من‌خاص ماله مقرب‌الحضرة مهترمحمدعلی »
« رکاب‌دار نواب المشارالیه وهومن اعیان الاصفهان کتبه شیخ محمد بابربن خالد »
« معلم سنة ۹۵۵ . » .

درعبارات‌کتیبه پیچیدگی‌وافتادگی بنظرمیرسد عبارات‌کتیبه بعینه‌ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل شده ولی بنظر میرسد که بعد از (بهادرخان خلد) ضمیر غایب متصل‌که فاصله بین فعل و فاعل بوده افتاده است و قاعدة باید عبارت چنین باشد : «خلده‌الله تعالی فی‌ظل الامن والامان» ودروضع‌کنونی ناقص‌است .

دیگر اینکه : «من‌خاص ماله مقرب‌الحضرة» درست بنظر نمیرسد چه‌ضمیر ماله مرجعی ندارد ودرست آن چنین است : (من‌خاص مال مقرب‌الحضرة) وخلاصه ترجمه‌آن چنین خواهد بود که تشرف پیدا کرده است کارگزار بهرام میرزا یعنی مهتر محمدعلی رکابدار ببنای مسجد ازمال خاص خود درزمان شاه طهماسب وشاید منظور این بوده‌که محمدعلی رکابدارموفق‌شده مسجدرا ازمال بهرام میرزا بسازد .

در دو لوحه چهارشعر بخط نستعلیق سفید درسردر خوانده میشودکه تعمیر مسجد مزبور بوسیله محمدعلی رکابدار بهرام میرزا انجام شده است وآن بشرح زیر است : لوحه اول :

« در ایام شاهی طهماسب شاه که در عهد او عدل انشا شده »
« که صیت‌عدالت ازآن شاه دین زتحت ثری تا ثریا شده »

لوحه دوم :

« زمهتر محمد علی خالصاً لوجه‌الله این مسجد احیا شده »
« گرش سال تاریخ خواهی بگو: زاقبال بهرام میرزا شده »

که مفاد اشعار بالا حکایت دارد مهتر محمد علی که از اعیان اصفهان و رکابدار بهرام‌میرزا بوده درتاریخ ۹۵۶ مسجدرا احیا وتعمیرکرده است ولوحه‌های

مزبور بعدازکتیبه سردرکه ۹۵۵ بود نوشته شده است وممکن است گفت‌که کتیبه درآخرسال ۹۵۵ نوشته شده ولوحه‌ها درمحرم دنبال آن نوشته شده است .

ولی درکتاب تاریخ اصفهان‌وری[۱] ماده تاریخ مزبور باین‌شرح نوشته شده : «باقبال بهرام میرزا شده» ودراین‌صورت سال تاریخ ۹۵۱خواهد بود ولی درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] ماده تاریخ بشرحی که در بالا گفته شد نوشته شده است . مسجد مزبور وسردرآن بموجب شماره ۲۷۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۳] .

۱۱ ـ مسجد جنب باغ حاجی :

این مسجد درجنب باغ حاجی (باغ همایون سابق) واقع و در سال (۱۰۳۳ هـ . ق) بوسیله خواجه روح‌اللّه‌بن نوراللّه فراهانی از خواجه سرایان شاه عباس اول ساخته شده هرچند کوچك و وسعتی ندارد ولی سردرکاشیکاری آن جالب است .) کتیبه این مسجد بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین خوانده میشود :

« فی‌ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان‌الاعدل الاعظم مالك و قاب‌الامم »
« مولی‌ملوك‌العرب والعجم ابوالمظفرشاه‌عباس الحسینی الصفوی بهادرخان‌خلداللّه »
« تعالی ظله ابداً بتوفیقات ملك سبحانی بناکرد این مسجدرا توفیق‌آثار خواجه »
« روح‌اللّه‌بن نوراللّه فراهانی درسنه هزاروسی‌وسه‌کتبه محمدامین‌بن اخی . »

درتاریخ اصفهان وری[۴] بانی مسجد را خواجه فرهاد نوشته وبا صراحتی‌که درکتیبه موجود است نادرستی آن محرز میگردد و درست آن همانست‌که مؤلف دقیق‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان بیان کرده است[۵] . ثبت تاریخی این مسجد در گردش اداری است[۶] .

ضمناً متذکر میگردد اینکه درص ۸۵ ردیف ۱۲۳ بنقل ازجغرافیای‌اصفهان

---

۱ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۴۰ . ۲ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۳۸۶ تا ص۳۸۷. ۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۴۳. ۴ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۷۴ . ۵ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۴۷۹ . ۶ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

گفته‌شد زمان نزول و اقامت همایون‌شاه در اصفهان طبق دستور شاه عباس عمارتی دولتی بناکردند و آنرا باب همایون نامیدند فقط ازنظر استشهاد وجه تسمیه‌وفقه اللغة بوده وگرنه خلاف‌گفته مزبور مسلم است ودرآن زمان شاه طهماسب سلطنت داشته وپدرشاه‌عباس میهماندار بوده است.

۱۲ ـ مسجد حاجی سیدجواد = صفا :

این مسجد درمحله چهارسوواقع وبنام مسجد صفا نیزخوانده میشود وشاید چون امام‌آن حاجی سیدجواد بوده بنام او مشهورشده است ولی صفا را بعنوان نام آن اختیارکرده‌اند ودرکتیبه منظوم آن‌که اثرطبع طرب میباشد این نکته اشعار گردیده است .

مسجد مزبورشبستان‌کوچکی داردکه بسیارجالب ودرمحراب‌آن بخط خوش نستعلیق برنگ سفید برزمینه لاجوردی این اشعارکاشیکاری‌گردیده است :

« شمس فلك رفعت و مصباح دجی علام زمان مروج شرع هدی »
فرخنده عطاءالله ذومجد و بها مصداق سیادت زنژاد موسی »
« نجل و خلف حجة اسلام قویم کوباقر علم آمد و عنوان تقی »
« از رهگذر خلوص وصدق وتقوی این مسجد همچو خلد فرمود بنا »
« انجام و بنا را قلم فتح‌الله بنمود دو مصرع بدو تاریخ انشا »
« این کعبه دلها است فولواشطره » « این قبله حاجتست صلوا فیها »
(۱۲۹۶) (۱۲۸۴)

« کتبه العبدالمذنب فتح‌الله غفرله »
(۱۳۱۶)

ازکتیبه مزبورمعلوم میگرددکه شروع ساختمان مسجد درسال۱۲۸۴هجری و اتمام آن در سال ۱۲۹۶ هجری بوده و در واقع دوازده سال مدت ساختمان بوده است وکتیبه در سال ۱۳۱۶ هجری یعنی بیست سال بعد از اتمام ساختمان نوشته شده است .

برجبهه‌جنوبی ایوان مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی نوشته

شده : «قال‌الله تبارك‌وتعالی» وسپس آیات۱۵۸ و۱۵۹ سوره بقرة وآیه ۱۸ سوره توبه نوشته شده است .

در محراب ایوان جنوبی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی عبارات و اشعار زیر نوشته شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، هذا مسجدالصفا »

« لوحش‌الله‌زین نکومسجدکه‌چون بنیاد شد
از صفا شد در صفاهان کعبه دیگر بنا »

« چاررکن کعبه آمد بهرطوف این حرم
چاررکن این‌حرم ازفیض حق چون شد بپا »

« بارك‌الله زین بنای دلگشای سخت پی
صانه‌الله زین مقام جان فزای دلگشا »

« بیت معمورش بدان و مسجد اقصاش خوان
گرچه نام او صفا گردید منزل از سما »

« همچو کعبه قبله اهل دعا شد از شرف
مستجاب است هردعا دروی نمائی آن دعا »

« چون‌بناشددرصفاهان این‌نکومسجد زلطف
اصفهان شد از شرف همسایه عرش علی »

« گرخلیل‌الله شد معمار کعبه‌ای عجب
این بنا را شد عطاءالله بانی از صفا »

نجل پاك حجةالاسلام میر راستین
باقر ثانی مهین ذریه آل کسا »

« رحمة حق برروانش باد کزوی بازماند
زادگان متقی هریك جهان را مقتدا »

« خاصه بدرالعلم کنزالحلم علام زمان
میرزا آقا عطاء الله گردون عطا »

« الغرض چون این نکو مسجد باتمام آمدی
خواست تاریخی پی اتمام او فکرت مرا »
« از پی تاریخ اتمامش طرب با شور گفت :
« قبله دین و تقی شد کعبه اهل صفا »
(۱۳۲۵)

ازکتیبه فوق روشن میشودکه تزیینات مسجد ادامه داشته‌است وحتی‌سنگاب کوچکی درسال۱۳۳۲ هجری قمری درمسجد نصب شده . درمقابل‌کتیبه‌کاشیکاری محراب ایوان جنوبی اشعارمعروف محتشم (هفت‌بند) درمرثیه امام سوم‌کاشیکاری گردیده است[۱] . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد تاکنون اقدامی نشده است .

۱۳ ـ مسجد حاجی محمد امید :

این مسجد در محله قصر منشی واقع و باحمام قدیمی‌آن محله مجاور است کتیبه مسجد که بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ میباشد حاکی است‌که مسجد مزبوردرسال (۱۱۲۹ هـ . ق) وزمان سلطنت شاه سلطان‌حسین بوسیله حاجی محمد امید ساخته شده و وقف گردیده است و چون در زمانهای بعد روبخرابی نهاده در سال (۱۳۰۸ هـ . ق) بهمت رکن‌الملك میرزا سلیمان خان نایب‌الحکومه اصفهان تعمیرشده است . نسبت به‌ثبت تاریخی این مسجد تاکنون اقدامی معمول نگردیده است[۲] .

۱۴ ـ مسجد حاجی محمد جعفر آباده‌ای :

این مسجدکه میان محله نیم‌آورد وجمالدکله ودرب امام دربازارچه‌ای بنام بازارچه حاجی‌محمد جعفر آباده‌ای واقع است شبستان آن درقرن سیزدهم بوسیلهٔ حاجی محمد جعفر آباده‌ای[۳] از روحانیان بزرگ اصفهان ساختمان گردیده ولی

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۸۲۶ تا ص ۸۲۸ .
۲ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۱۰۳۹ .
۳ ـ حاجی محمد جعفربن محمد صفی آباده‌ای از شاگردان مرحوم حجةالاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی بوده که بهمراه او بمکه مشرف شده وخودش عالمی محقق وبسیار زیرك ودانا وباتدبیر بخصوص در مرافعات و تمام‌کردن آنها ورساله عملیه نوشته ومقلدین هم داشته ←

بقیه مسجد پیش‌ازآن برجا بوده است ، تنخواه ساختمان شبستان مزبور از وجوه بربعضی ازتجار قزوینی‌بدست آمده و مصرف شده است . مساحت مسجد قریب سه جریب میباشد[1] .

تاریخ شروع و خاتمه بنای شبستان بصراحت معلوم نیست ؛ مسلم اینستکه در هنگام وفات حاجی‌آباده‌ای (شب ۱۹ رمضان ۱۲۸۰ هجری) مسجدآماده برای امامت بوده است منتهی تزیینات مسجد در تاریخهای ۱۲۹۶ و ۱۳۶۷ و ۱۳۷۰ هجری قمری تکمیل‌گردیده است . (ش ۶۳)

اینکه‌درکتاب‌فهرست بناهای تاریخی‌واماکن‌باستانی‌ایران‌صفحه۶۰ اظهارنظر شده‌که ساختمان مسجد حاج محمد جعفرآباده‌ای در سال ۱۲۹۶ هجری بوسیله حاجی محمد جعفرآباده‌ای مزبور انجام شده اشتباه بنظرمیرسد زیرا حاجی‌محمد جعفر در شب ۱۹ ذیحجةالحرام سال ۱۲۸۰ هجری بدرود حیات گفته است و زنده نبوده تا مسجدرا باتمام برساند ولی ممکن است در زمان شیخ عبدالجوادآباده‌ای

→ و معروف است که قرار او ثبت اموراتی که نزد او میشده بوده است که من‌بعد اشتباه کاری نشود، ومدرس دراصفهان وامام مسجدی بوده‌که برای او باسم اوبنا شده ومسجد خوش‌وصفی است ومزاحهای شیرین از آن مرحوم معروف است، شوخیها وخوش‌صحبتیهای بسیار داشته نظیر آقاجمال خوانساری وکتابهای فاضلانه نوشته، یکی نقودالمسائل است در فقه‌استدلالی که ملمع است یعنی فارسی وعربی باهم است؛کتاب مرایا دراصول ، رساله حمامیه در محل نزاع حمام شیخ بهائی، شرح تجرید الکلام، شرح دروس فقه جعفری، سئوال وجواب وغیر اینها میباشد مرحوم حاجی درشب شنبه۱۹ ذیحجة الحرام سال ۱۲۸۰ هجری قمری‌دراصفهان وفات یافت و در تخت فولاد در تکیه‌ای بنام خود مدفون گردید وعلیرضا معروف به آقاجان لنجانی متخلص به پرتوکه از شعراء و خطاطان قرن سیزدهم و چهاردهم هجری بود در ماده تاریخ‌وفاتش‌جنین سرود :

سال تاریخ‌زپرتو شد سئوال　　گفت : «اللهم نور مضجعه »

که حساب‌آن‌بحروف ابجد همان سال ۱۲۸۰ هجری میباشد. آن مرحوم دوپسرداشت یکی‌شیخ عبدالجوادکه بعد از پدر در مسجد او امامت داشت و در سفر عتبات وفات‌کرد و دیگری حاجی اعطاءالله که مردی وارسته و ازدنیا گذشته ومجاور نجف اشرف بود و در ایام طاعون در نجف وفات کرد وهردو برادر در وادی‌السلام مدفون شدند .

(تذکرة القبور جزی از ص۳۱-۴۲)

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۲۹۱ .



(شکل ۶۳)

پسرش‌که امام جماعت‌آن مسجد بعداز فوت پدر بوده انجام شده باشد . کتیبه های مسجدآ باده‌ای‌که درزمانهای مختلف نوشته شده چنین است :

۱ ـ کتیبه ایوان شمالی :

در هلال ایوان شمالی و اطراف آن بخط ثلث سوره اسری تاآخر آیه ۱۳ نوشته شده و بسال ۱۲۸۰ خاتمه مییابد و بطوریکه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته شده رقم‌آحادآن هنگام نصب‌کتیبه افتاده‌است بنابراین ممکن است که در تاریخ دیگری غیراز ۱۲۸۰ خاتمه یافته باشد . در اسپرهای متعدد ایوان شمالی بخط بنائی عبارات وجملاتی بشرح زیرخواندە میشود :

۱ ـ حاشیه‌ای مشتمل برسوره فیل و در متن جمله‌های : « یا علام‌الغیوب ، «یا غفارالذنوب» «یا ستارالعیوب» .

۲ ـ حاشیه مشتمل برسوره فاتحه و متن آن سوره اخلاص .

۳ ـ یك متن باعبارت : «لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله» .

۴ ـ درحاشیه متن یك اسپرکاشیکاری بخط بنائی مشکی برزمینه زرد این اشعار نوشته شده است :

« دور پرگار در میان آمد نقطه در دائره عیان آمد »
« سر توحید قطب عالم شد مهدی آخر زمان آمد »
« پادشاه همه جهان گردید زانکه‌سلطان‌ملك‌جان‌آمد »
« عکس دلدار در دلم بنمود سرور جمله عاشقان آمد »
« هرکه‌سرباخت‌اندراین‌سودا آن مبرا از این وآن‌آمد »

۲ ـ کتیبه ایوان غربی :

این کتیبه‌که در سال ۱۳۶۸ هجری کاشیکاری شده بخط ثلث سفید برزمینه کاشی معرق لاجوردی باین شرح است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وسپس آیه ۳۵ سوره نورکتیبه شده است .

در یك لوحه بخط ثلث مشکی برزمینه کاشی سفید معرق «لاحول ولاقوة الابالله العلی‌العظیم سنه ۱۳۷۰ نوشته شده است . و در لوحه دیگر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی معرق مشکی چنین خوانده میشود :

« بسمه تعالی وان‌المساجدلله فلاتدعوامع‌الله احدا سنة ۱۳۶۷ » و در جاهای دیگر نیزکلمات و جملاتی مانند : « ان‌الصلوة تنهی عن‌الفحشاءِ والمنکر » وکلمه (الله) و «اکبر» وجود دارد .

۳ ـ کتیبه سردر شرقی :

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بعد از ذکر آیه ۳۰ سوره (ص) تاریخ کاشیکاری در انتهای کتیبه سال ۱۲۹۶

هجری قمری نوشته شده است[1] .

این مسجد طی شماره ۳۸۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۱۵ ـ مسجد حاجی محمد مهدی :

این مسجد که بمسجد زاغی مشهور ودرکوچه درویشان محله خاجو واقع است‌درزمان شاه سلطان‌حسین ساخته شده وکوچك است .کتیبه سنگی سردرمسجد مزبور بشرح زیر حکایت میکند که حاجی محمد مهدی‌بن حاجی محمد رضابن حاجی غیاث‌الدین محمد مسجد را ساخته و بجهت روشنائی و بوریا و آب کشی یکباب‌خانه و بجهت تعمیر و خدمه دو حبّه اربابی قریه مهرآبادجی را وقف‌کرده است وآن‌کتیبه چنین است :

« بنا نمود توفیق‌آثاری حاج الحرمین الشریفین حاجی محمد مهدی ولد »
« مرحمت‌پناه حاجی محمدرضابن مغفرت‌پناه حاجی غیاث‌الدین محمد این‌مسجد »
« را ووقف‌نمود بجهة روشنائی وبوریا وآب‌کشی یکباب‌خانه متصله بمسجدمزبور »
« و بجهة تعمیر وخدمه مسجد مزبور وقف‌نمود همگی وتمامی دوحبّه اربابی از »
« جمله هفتادودوحبه قریه مهرآبادجی‌مشهوربه‌باب‌الحکمةمتصله بقریه‌شهرستان »
« و تغییردهنده بلعنت خدا و رسول گرفتار شود تحریراً فی‌شهر رمضان‌المبارك »
« من شهور سنه ۱۱۰۷»[3] . این مسجد تاکنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است .

۱۶ ـ مسجد حاجی منوچهر:

این مسجدکه محقر است درمحله خاجوقراردارد و بانی‌آن حاجی منوچهر نامی بوده است ، ازآثار تاریخی این مسجد سنگ نبشته‌ای است بطول ۵۰ وعرض ۳۰سانتیمترکه بربالای سردرمسجد مزبور نصب شده ومفاد سنگ نبشته‌چنین‌است:

« درزمان معدلت نواب‌کامیاب سپهرر‌کاب اشرف اقدس اعلی شاه‌عباس ثانی »
« صفوی‌الحسینی بهادرخان‌خلدالله ملکه ابداً احیاء نمود این‌مسجدرا فی‌سبیل‌الله »

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۷۸۹ تا ص ۷۹۲ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۰ .
۳ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۷۳۰ تا ص ۷۳۱ .

« حاجی منوچهر ووقف مسجد نمود یك دکان بقالی ویك دکان نانوائی ویك دکان »
« علافی که مجموع سه جسم بوده باشد وکرایه آنها را صرف روشنائی وضروریات »
« دیگر نموده وطمع کننده بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر »
« رمضان سنه ۱۰۷۲ » .

کتیبه عیناً ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل گردید[۱] . ولیکن در شمارش دکانها بعداز (یك دکان بقالی) (و) اضافه شده است . موضوع دیگری که بنظر میرسد اینستکه در عبارت «که مجموع سه جسم باشد» تحریفی شده باشد زیرا دراین جورموارد دکان را تخته وچشمه مینویسند وظاهراً درنوشته «سه چشمه» بوده وبصورت (سه جسم) خوانده شده است وگرنه اطلاق جسم بردکان درست نیست واگرچنین مفاهیمی را بخواهند اطلاق کنند بایدحجم بگویند نه جسم. دیگراینکه ازکلمه احیاء معلوم میشود مسجد ویران شده بوده واحیاء شده است . ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[۲] .

۱۷ ـ مسجد حاجی میرزا محمد صادق :

این مسجد درمحله خاجوودرنزدیکی چهارسوآجری ساخته شده وازمساجد زمان فتحعلی شاه قاجار است که بهمت مرد خیری بنام حاجی میرزا محمد صادق بناگردیده است ، مسجد مزبور وسعت زیادی ندارد ولی ازلحاظ نمای آن باکاشیهای معقلی جالب است .

کتیبه سردر مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ که قسمتی ازآغاز ووسط و پایان آن تعمیرگردیده چنین است :

« بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی لقدوفق لبناء هذه العمارة الشریفة والمسجد »
« الرفیعة فی الزمن الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم الشریعة »
« الغراء و مشید قواعدالبیضاء مروج دین ائمة الطاهرین السلطان بن السلطان و »

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۳۰ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

« الخاقان بن الخاقان فتحعلی شاه قاجار ادام الله ملکه ودولته ، الموفق بتوفیقات »
« الملك الخالق کهف الحاج والمعتمرین حاجی میرزامحمد صادق غفرالله سیئاته »
« فی سنة سبع وثلثین و مأتین بعدالف من الهجرة النبویة وقدتم بعون الله و حسن »
« توفیقه فی سنة اثنی و اربعین و مأتین بعدالالف ۱۲۴۲ » .

بانی مسجد در سال ۱۲۳۸ وفات کرده و چنین استنباط میگرددکه عمارت مسجد در ۱۲۳۷ خاتمه یافته بوده وقسمت اول کتیبه هم نوشته شده بوده است ولی چون بعدازوفات بانی هم دنباله آن تکمیل شده تاسال ۱۲۴۲ یعنی چهارسال بعداز وفات بانی طول کشیده است .

در عبارات کتیبه سر در الغرا والبیضا بدون همزه ممدوده درکتیبه مزبورکه عیناً ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان[1] گرفته شده نوشته شده است ولی چون اسلوب عبارات کتیبه عربی است و ضرورت دارد که الغراء و البیضاء ممدود نوشته شود درست آن نوشته شد و ممکن هم هست که در قرائت کتیبه همزه‌ها از نظرمحو شده باشد .

نکته دیگر اینکه درعبارت کتیبه المسجد الرفیعة نوشته شده درصورتیکه درست آن روی قوانین نحوی المسجدالرفیع میباشد ولی بمتابعت اصل همان المسجد الرفیعة نوشته شد .

بانی مسجد مزبور پس ازوفات درایوان کوچکی که درشمال صحن آن میباشد دفن شده و روی سنگ مرمری بطول یك متر و عرض ۳۸ سانتیمترکه بطور قائم نصب شده کتیبه‌ای بخط ثلث چنین حجاری گردیده است :

«الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون » .

« قدارتحل من دارالمحنة والغرور الی دارالبهجة والسرور المرحوم المغفور »
« المبرور الذی موته حیوته الجمیل وحیوته غرق رحمة ربه الجلیل یده للارامل »
« والیتامی کفیل اسمه لقوله دلیل و معرض عن لذات الدنیا قبل الرحیل ومات »

۱ ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۷۶۱ .

« لولایة اهل بیت الوصی والتنزیل خیرالحاج حاج میرزا محمد صادق فی احدی »
« وعشرین شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۴۸ » و سپس اشعار زیر بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر مزبور کنده شده است :

« معدن جودوسخا جامع دنیا ودین — مجمع صدق وصفا پیرواهل یقین »
« آنکه بتأیید حق برد سبق ازسبق — کرد بنا مسجدی رشك سپهر برین »
« شدچو بلاراهدف یافت شرف ازشرف — مدفن اوگشت پس خانه جان آفرین »
« گشت روانش روان چون بسفر ازجهان — شدبریاض بهشت باشه دین همنشین »
« دربراوگسترید خوان ضیافت خلیل — برسر راهش دوید عطر فشان حورعین »
« ازپی تاریخ اوخواست برآرد خرد — از صدف بحر نظم لؤلؤ در ثمین »
« جلوه گرافتاد عقل ازپی تاریخ فوت — گفت: (لکان هوجامع فضل مبین) »

(۱۲۴۸)

نکته‌ای که در فرد اول شعر چهارم بنظر میرسد اینستکه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۱] که اشعارمزبور ازآن نقل شده (جنان) نوشته‌شده درصورتیکه جنان درست نیست وصحیح آن (جهان) میباشد وازاینرو درست آن درج شد. نسبت به ثبت تاریخی این مسجد اقدامی نشده است.

۱۸ ـ مسجد حاجی یونس :

این مسجد در محله دردشت در بازارچه حمام قاضی نزدیك فلکه شهشهان واقع ومحقر است وکتیبه آن حاکی است که شخصی بنام حاجی یونس که آزادکرده حاجی صفی‌قلی بوده این مسجد را ساخته و ثواب آنرا نثار روح معتق خود قرار داده است. درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] اظهار نظر شده که حاجی یونس از خواجه سرایان دوره شاه عباس ثانی بوده است ولی در مواردیکه خواجه سرایان مبادرت بعمل خیری میکرده‌اند مخصوصاً درکتیبه‌ها کلمه خواجه اضافه میشده است ودراینجا چنین‌چیزی وجود ندارد وبعلاوه حاجی یونس غلام حاجی صفی‌قلی

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۲ . ۲ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۱۱ .

بوده نه شاه‌عباس ثانی وخلاصه مدرکی برای خواجه سرائی او دردست نیست مگر مدرکی تاریخی درمیان باشدکه ارائه نشده است .

کتیبه سردرمسجددرسه‌سطرحجاری شده ، سطراول آن‌که بخط ثلث برجسته میباشد چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله من بنی مسجداً کمفحص قطاة بنی‌الله »
« له بیتاً فی‌الجنة صدق نبی‌الله . » .

سطردوم وسوم‌کتیبه بخط نستعلیق برجسته باین شرح‌کنده‌کاری شده است :

« توفیق بناءِ این مسجد یافت سعادت‌مآب حاجی‌الحرمین الشریفین‌حاجی »
« یونس ازخالص مال خود قربةالی‌الله وطلباً لمرضاته وثواب‌آنراهبه کرد بروح »
« مرحوم حاجی‌الحرمین الشریفین حاجی صفی‌قلی معتق خود سنه ۱۰۷۳ کتبه »
« محمدرضا الامامی » .

ونیز روی دولنگه در مسجد کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته کنده شده که سال ساختمان مسجد را حکایت میکند وآن کتیبه چنین است :

«قال‌الله‌تعالی وان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداًصدق‌الله تحریراً فی‌اربع »
« وعشرین من‌شهرربیع‌الاول سنة اثنی وخمسین وتسعمائة الهجریة . » .

نکته‌ایکه‌دراین‌قسمت‌کتیبه بنظرمیرسد اینکه‌درعبارت : (فی‌اربع‌وعشرین) چون درمقام بیان مرتبه عدد است معمولا مینویسند : (فی‌الرابع والعشرین) و یا (فی‌رابع وعشرین) وگمان میرود درکتیبه هم (فی‌رابع) نوشته شده باشد . و چون کتیبه از گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] نقل شده همانطورکه درآنجا بوده نقل گردیده است .

سال ساختمان در که مطابق کتیبه در ۹۵۲ هجری میباشد با زمان سلطنت شاه طهماسب اول صفوی انطباق دارد . وناچار بایدگفت که این در ازجای دیگری باین مسجد نقل گردیده است ، چه تاریخ بنای مسجد بعد از ساختن در میباشد .

۱ ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۶۱۲ .

ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[1] .

۱۹ ـ مسجد حکیم :

این‌مسجد درنزدیکی بازارچه نو درپایان بازار رنگرزان قراردارد ودرقرن یازدهم‌هجری درزمان شاه‌عباس ثانی بوسیله‌حکیم داود اصفهانی ملقب به‌تقرب‌خان برروی خرابه مسجد جامع صغیرجورجیر بنا گردیده است .

علت اینکه‌آن مسجد را مسجد جورجیر نامیده‌اند ازآن‌رو بوده‌که درمحله جورجیر که ازمحلات قدیمی اصفهان محسوب‌میشده قرارداشته است .

حکیم داود بطوریکه نوشته‌اند درابتداء پزشك شاه‌صفی وشاه‌عباس دوم بوده است و چون بجهاتی مورد بی‌مهری واقع شده بهندوستان گریخته ودرآنجا درائر ملازمت اورنگ زیب و انجام خدماتی بلقب تقرب‌خان مفتخر واموالی اندوخته و آن اموال را بوسیله‌خانواده‌اش دراصفهان هزینه ساختن این مسجدکرده است .

مسجد حکیم دارای چهار در خروجی است . (ش۶۴)

درسردر شرقی مسجددرکتیبه‌ای‌بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ اشعاری نوشته شده‌که درآن پادشاه زمان ساختمان و بانی ساختمان وتاریخ ساختمان بشرح زیر بیان گردیده است :

« در ایام سریرآرائی خاقان گردون تخت
سلیمان زمان عباس ثانی سایه یزدان »
چنان از غیب ملهم شد حکیم کاردان داود
بپای تخت هند آمد خطاب او تقرب‌خان »
« که بی‌تأخیرمیباید روان شد سوی‌اصفاهان
یکی‌مسجد توچون‌گلزارداودی نهی بنیان »
« بسعی‌کارفرمائی بنا شد اندراین دوران »
خجسته مسجدی چون عالم تجرید روحانی
مصفا معبدی خاطرگشا چون شیوه احسان »

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .



(شکل۶۴)

« بتاریخ بنا واضح نوشت این تازه مصرع را:

(مقام کعبه دیگر شد از داود اصفاهان) »

(۱۰۶۷)

میان مصرع پنجم‌وششم بخط سفید بر زمینه سبزرنگ نوشته شده : «درسال ۱۳۲۳ خورشیدی» «تعمیرشد» و میان مصرع ششم و هفتم درلوحه دیگری نوشته شده : «فی‌خمس وثمانین بعدالالف» ودرآخر اشعار در یك نیم لوح بخط لاجوردی رنگ برزمینه سبز چنین خوانده میشود : « عمل میرزا محمد کاشی پز ۱۰۸۵ » ودر رأس هلال سردر درلوحه‌کوچکی نوشته شده :

« درتاریخ شوال ۱۳۶۳ بهمت حاج ابوالقاسم تبریزی تعمیرشد .»

کتیبه تاریخی مسجد در سردر شمالی قرار دارد وآن کتیبه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین نوشته شده :

« قد وفق لاتمام هذاالمسجدالرفیع فی‌زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان »
« الاکرم مالك رقاب‌الامم مولی‌ملوك‌العرب والعجم مروج مذهب‌الائمةالمعصومین »
« السلطان‌بن السلطان ابی‌المظفر شاه‌عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی »
« بهادرخان خلدالله ملکه اقل‌العباد الملك‌الکریم محمد داود الحکیم‌المخاطب »
« بتقرب‌خان ادام‌الله‌تعالی افضاله و رفع قدره الی یوم‌الدین‌کتبه محمدرضاالامامی »
« فی ۱۰۷۳ » .

در دو طرف سردر شمالی در دو لوحه کوچك بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی رنگ چنین نوشته شده :

« عمل فقیر محمد علی‌بن استاد علی بیك بناء اصفهانی » .

درقسمت بالای نمای‌خارجی ایوان‌جنوبی مسجد بخط بنائی سه‌رگی برزمینه فیروزه‌ای معرق کاشی نوشته شده :

« سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله‌والله‌اکبر» . در داخل ایوان جنوبی ابتداء نوشته شده : «قال‌الله سبحانه وتعالی» و دنباله آن آیةالکرسی و سپس این عبارات خوانده میشود :

« وقال عزوجل ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین‌آمنوا صلوا »
« علیه وسلموا تسلیماً صدق‌الله العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم‌کتبه محمدرضا »
« الامامی ۱۰۷۱ » .

کتیبه اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره جمعه است وسپس باین عبارات تمام میشود :

« صدق‌الله‌العظیم وصدق‌رسوله‌النبی‌الکریم تم فی‌تسع وستین والف ۱۰۶۹ »
« کتبه‌المذنب محمدرضا الادهمی الاصفهانی . »

کتیبه اطراف محراب مسجد بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی

رنگ مشتمل بر آیات ازاول تاششم سوره اسری وباین عبارات اتمام میپذیرد :
« قال‌الله سبحانه و تعالی انما یعمرمساجدالله من آمن بالله و الیوم‌الاخر و »
« اقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان‌یکونوا من‌المهتدین‌کتبه»
« محمدرضا الامامی فی۱۰۷۱ » .

کتیبه درون محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌لاجوردی رنگ بعد از آیه ۱۴۴ ازسوره بقره چنین‌نوشته شده :
« قال‌الله عزوجل و ان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداً کتبه محمد رضا »
« الامامی ۱۰۷۱ » .

کتیبه نمای خارجی‌محراب شبستان شرقی‌گنبد بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی مشتمل بـر صلوات برچهارده معصوم بوده و بـاین عبارت ختم میشود :
« فی‌تسع وستین والف » و درآخرکتیبه در دوسطر کوچك بخط نستعلیق سفید بر زمینهٔ‌کاشی لاجوردی چنین‌نوشته شده :
«کتبه العبد المذنب المحتاج الی‌الله الغنی محمدرضا الامامی‌الاصفهانی . ».
کتیبه محراب شبستان غربی گنبد مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود :
« قال‌الله تبارك وتعالی انما ولیکم‌الله ورسوله والذین‌آمنوا الذین یقیمون »
« الصلوة ویؤتون الزکوة‌وهم راکعون صدق‌الله و رسوله کتبه محمدباقر الشیرازی »
« ۱۲۵۴ » .

دراطراف ایوان شمالی مسجد کتیبه‌ای بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ مشتمل بر سوره‌های دهر و اخلاص نوشته شده و رقم تاریخی آن چنین‌است : «کتیبه محمدرضا الامامی فی۱۰۷۱ »

کتیبه هلال‌مقابل ایوان مزبور بخط ثلث برجسته برزمینه لاجوردی ابتداء سورهٔ شمس گچبری شده ودنباله آن چنین‌است : « قال‌الله‌تعالی ان‌الله وملائکته»
« یصلون‌علی‌النبی یا ایهاالذین‌آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً. قال‌الله تعالی انما»

«ولیکم‌الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون‌الصلوة ویؤتون‌الزکوة وهم‌راکعون»
« کتبه محمدرضا الامامی فی۱۰۷۰ »

بردست‌انداز دوحجره طرفین‌ایوان شمالی مسجد بخط بنائی ساده برهریك یك مصرع از بیت زیر نوشته شده :

« هست کلید درگنج‌حکیم » « بسم‌الله الرحمن الرحیم »

درایوان شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی سوره‌تکویر ودنبال آن این‌عبارت خوانده میشود :

« وقال عزوجل قل‌الحمدلله الذی لم‌یتخذ ولداً ولم‌یکن‌له شریك فی‌الملك »
« ولم‌یکن له ولی‌من‌الذل وکبره تکبیراً . » .

درایوان غربی نیزسوره نصر وانفطار وعبارت زیر بخط ثلث سفید بر زمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است : « صدق‌الله العظیم وصدق رسوله »
« النبی‌الکریم کتبه محمدرضا الامامی حامداً تعالی فی۱۰۷۳ » .

و درمیان پشت بغل‌نمای خارجی ایوان مزبور در شکلی چهار گوش بخط بنائی لاجوردی برزمینهٔ کاشی سفید نام استاد معروفی‌که در این مسجد کارکرده و میتوان گفت براستادان دیگربرتری داشته بشرح زیر ذکرشده است :

« عمل محمد علی‌بن‌استاد علی‌بیك » .

شبستان غربی مسجد حکیم از نمونه شبستانهای بزرگ وجالب مساجد اصفهان هم محسوب ومحراب کاشیکاری آن بسیار زیبا است و کتیبه‌آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین‌است :

« وعن‌ابی‌حمزة عن‌الامام ابی‌جعفر محمدبن علی‌الباقر انه قال قال‌له رجل »
« کیف سمیت الجمعة قال‌ان‌الله عزوجل‌جمع خلقه‌لولایة محمد ووصیه فی‌المیثاق»
فسماه یوم‌الجمعة لجمعه فیه خلقه . »

این مسجد دارای هفت هزار ذرع مساحت است‌که عمارات مسجد وصحن و ملحقات‌آن درآن قرارگرفته است .

نوشته‌اندکه حکیم داود از اموالی که در هندوستان بدست آورده بوده این مسجدرا ساخته‌است وحکایت‌کرده‌اندکه باندازه‌ای درکیفیت ساختمان دقت‌میکرده که دستور داده بود حیوانهائی که بار مصالح برای مسجد میبردند بجای اینکه‌در تند رفتن آنها را آزارکنند علف در راهشان میریختندکه با علاقه‌آن مسیر را طی کنند وکسی‌حیوانی را آزارندهد[۱].

مقبره معروف به سادات درگوشه شمال غربی‌قرار داشته است وقبر ملامحمد جعفر فرزند ملا محمدباقر سبزواری[۲] پشت مجسد و مقبره حاج محمد ابراهیم کلباسی[۳] وآقای محمد مهدی کلباسی[۴] و عده‌ای دیگر در مقابل درب شرقی مسجد واقعند .

۱ــ تاریخ‌اصفهان‌وری ص۱ــ۲۷۰. ۲ــ ملامحمدجعفر شیخ‌الاسلام‌فرزند ملامحمدباقر سبزواری از اجله علماء وفقهای اصفهان بود و در محضر پدر وجمعی دیگر از علماء استفاده کرده بود و در اصفهان بتدریس و امامت اشتغال داشت وپس ازوفات درجنب مسجد حکیم درقبرستان‌کوچکی مدفون‌گردید. ۳ــ حاج محمدابراهیم‌کلباسی فرزند حاج‌محمدحسن ابن محمد قاسم خراسانی اصفهانی پدرش از هرات به‌کاخك واز آنجا باصفهان آمده و در اصفهان و قم ونجف اشرف وکاشان از محاضر وحید بهبهانی و بحرالعلوم وشیخ جعفرنجفی وصاحب ریاض و میرزای قمی و ملامهدی نراقی استفاده وپس از اینکه از طرف اساتید خود مجاز گردیده در اصفهان مشغول تدریس و امامت و افتاء و ارشاد گردیده است وبزرگانی چون میر سیدحسن‌مدرس وآقا سیدحسن مجتهد موسوی وآقامیرسید محمد شهشهانی‌را تربیت کرده است . مرحوم کلباسی از زهاد بنام و علمای عظام زمان خود بوده و تـألیفات زیادی داردکه از آن جمله است :

۱ـ اجوبة المسائل . ۲ ـ اشارات الاصول . ۳ ــ ارشاد المسترشدین . ۴ــ ایقاظات. ۵ــ رساله در تقلیدمیت. ۶ـ رساله درصحیح واعم. ۷ـ رساله در مفطر بودن قلیان . ۸ــ شوارع الهدایة. ۹ــ مناسك حج. ۱۰ــ منهاج‌الهدایة. ۱۱ـ نخبه. ۱۲ــ نقد الاصول .

وی در نوزدهم ربیع‌الثانی سال ۱۱۸۰ هجری در اصفهان متولد و در شب پنجشنبه هشتم جمادی الاولی سال ۱۲۶۱ هجری در اصفهان درگذشت و در مقبره مخصوص مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید .

۲ــ آقا محمد مهدی‌کلباسی فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی عالم و زاهد متقی از فحول علماء ومجتهدان ومحققان بود در نزد پدرخود و سید حجةالاسلام رشتی وجمعی دیگر ←

این مسجد بموجب شماره ۲۲۳ به ثبت تاریخی رسیده[۱] مطالب کتیبه‌ها بیشتر آن ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است[۲].

۲۰ ـ مسجد خان :

این‌مسجدراکه درمحله خاجو درکوچه‌ایکه بطرف تر واسکان‌میرود واقع‌شده شیخعلی‌خان زنگنه مولود (۱۰۲۰ ویا ۱۰۲۲ هـ . ق) ومتوفی محرم (۱۱۰۱هـ.ق) وزیر شاه سلیمان صفوی ساخته وساختمان درسلطنت شاه مزبور انجام شده است.

مسجد مزبور نسبت بسایر مساجد دوره صفویه‌کاشیکاری مختصری دارد ولی تزیینات آجری‌آن جالب است وکتیبه‌هائی‌داردکه بترتیب زیرشرح داده میشود :

۱ـ کتیبه ایوان شمالی مسجد برهلال دیوار مقابل آن بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ مشتمل برصلوات برچهارده معصوم و بایـن جمله ختم میشود : « کتبه عباس المولوی ». و دنبالـه آن کتیبه تـاریخی آن بشرح زیر است :

« قد امر ببناء هذا المسجد المبارك فـی‌زمان دولـة السلطان‌بن السلطان »

→

تلمذکرده ودر مسجد حکیم امامت وتدریس میکرد ومرجعیت داشت ومورد وثوق عموم بود. از آثار اواست :

۱ـ رساله در استصحاب. ۲ـ رساله در اراضی مفتوح‌العنوة . ۳ ـ رساله درطهارت. ۴ـ رسائلی دراصول. ۵ـ شرح طهارت لمعه. ۶ـ شرح‌منهاج‌الهدایة درهشت مجلد. ۷ـ شرح روضة‌البهیة. ۸ـ شرح‌تصریف. ۹ـ شرح بر قسمتی از لمعه در چهار مجلد . ۱۰ ـ شفاء الاسقام در شرح تهذیب المنطق . ۱۱ ـ ضیاءالعوالم در اصول فقه . ۱۲ ـ عیون الاصول در اصول مختصر . ۱۳ـ مشارق‌الاصول . ۱۴ـ مصابیح الاصول . ۱۵ـ منهج‌السداد در شرح ارشاد . ۱۶ ـ نورالعیون . ۱۷ـ هدایة‌الطالبین .

نامبرده در شب چهارم جمادی الثانیه ۱۲۷۸ هجری وفات یـافت و در جنب پدر در مقبره مقابل مسجد حکیم مدفون شد . (نقل از تذکرة‌القبور یا بزرگان اصفهان)

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی ص ۵۵. ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۶۱۲ تا ص ۶۱۹ .

« والخاقان بن الخاقان ظل الله المنان شاه سليمان الموسوى الصفوى بهادرخان خلدالله »
« ملكه اعتمادالدولة العلية العالية شيخعليخان آصفجاهى ايده الله تعالى كتب فى سنة »
« تسعين بعدالالف » .

۲ ـ كتيبه ايوان جنوبى بر ديوار شرقى آن در يك شكل سه گوش چنين نوشته شده است :

« قال الله تعالى فى محكم كتابه المنزل على نبيه المرسل انما يعمر مساجدالله »
« من آمن بالله واليوم الاخر واقام الصلوة وآتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى اولئك »
« ان يكونوا من المهتدين و بحول الله تعالى و قوته قدقام باقدام الصدق فى صف »
« المبشرين بتلك الاية الكريمة حين ماسفر صبح السلطنة العلية العلوية القائمة »
« فى الذرية الموسوية الصفوية من افق سريرا عدل ملوك مشارق الارض و مغاربها »
« واكمل من حملته الدنيا على سنامها و غاربها ذى السطوة القاهرة الذى اذ اتليت »
« آيات باسه على الذين عتوا فى الارض ارتعدت اكتافهم و اذا خيلت للذين ضربوا »
« صفحاً وطووا كشحاً عن النفل والفرض شرارة من جحيم غضبه اذابترت اطرافهم »
« مذانشدت على المنابر خطب سلطنته يقوى ظهر الاسلام بفقرات مناقبه بحيث لاغرو »
« ان لم يبق كالمحاريب على الجدران وحيثما بسطت همة طايرها الميمون جناح »
« الرافة على بيضة المملكة تقاصرت يدالظلمة فافرّ من شديد بطشه بحيث لايستعجب »
« ان استوكرا لعصافير فى مخالب العقبان صاحب الدولة الكيوانية مروج الشعائر »
« الايمانية السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه سليمان الحسينى الموسوى الصفوى »
« بهادرخان جعل الله انتظام الدولة موكولاً الى قديم عنايته وصير بخليفته دوام سلطنته »
« موصولاً بقيام حجته وظهور خليفته من هو اصدق الطائفين حول ذلك السرير نية »
« واخلصهم طوية واصفاهم سريرة و انقاهم عقيدة طود الطول والمرحمة جـودى »
« الجود والمكرمة ناحت قلم الوزارة بسيف الامارة رافع لواء الامارة بيمين الوزارة »
« اعتماد هذه الدولة العلية و اعتضاد تلك السلطنة البهية المطيع لامر الله المنفق فى »
« سبيل الله المؤيد بتأييدات الملك المنان شيخعليخان لازالت جوامع همم مقصورة »

« علی اقامة شعائر الدین و ادامة مآثر سید المرسلین حیث امر ببناء هذا المسجد الذی »
« اسس علی التقوی من اول یوم وافترشت و طویت فیه للمصلین اجنحة الملائکة »
« فی کل قعدة وقوم وکان فوزه دام توفیقه بتلك السعادة الجلیلة فی سنة تسعین بعد »
« الالف کتبه محمد محسن الامامی . »

هردو کتیبه بعینه ازگنجینه آثار تاریخی[1] اصفهان نقل گردیده و باتوجه بعکس کتیبه معلوم گردید که تمامی آن مطابق اصل کتیبه میباشد فقط واوی از عتووا حذف گردیدو کلمه نقوی ظهر الاسلام هم بامراجعه بعکس معلوم گردید نقطه‌ای روی نون نیست و درواقع همان یقوی بصیغه مفرد مضارع غایب است که بامضمون کتیبه وفق میدهد و لذا نقوی مذکور در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان به یقوی اصلاح گردید .

کتیبه حاکی است که پیش ازسال یکهزار و نود هجری دستور ببنا داده شده بوده‌است ولی خاتمه بنا را حکایت نمیکنند، مگر اینکه بگوئیم معمولاً کتیبه‌های تاریخی بعد از اتمام بنا نوشته می‌شود و با این فرض فقط تاریخ شروع بنا معلوم نیست . این مسجد که از آثار تاریخی است طی شماره ۳۲۷ به‌ثبت رسیده است.[2] مسجدخان دیگری درمحله احمدآباد وجود داردکه بانی آن باقرخان خوراسگانی بوده است .

۲۱- مسجد خلوت نشین = شیشه :

این مسجد درکوچه باغ قلندرها واقع شده وچون بانی آن محمد قاسم زاهد مشهور بخلوت نشین فرزندمحمدبن محمدمحسن زاهد از درباریان زمان بوده آنرا مسجد خلوت نشین نامیده‌اند ولی بمناسبت اینکه در اواخر صحن کوچك مسجدرا با شیشه پوشانیده‌اند به‌مسجد شیشه شهرت یافته است .

مسجد مزبور از نظر تعمیراتی که درآن شده از صورت قدیمی بیرون رفته ولی محراب شبستان جنوبی آن بحالت اصلی باقی ودارای تزیینات کاشیکاری میباشد .

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۳۸ تاص ۶۴۰ .
۲ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۷.

کتیبه هائی کـه ذکـر میشود از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقـل شده است [1] .

دراین‌مسجد سه کتیبه بخط ثلث بشرح زیر وجود دارد :

۱ـ کتیبه محراب شبستان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ در اول آن‌آیه ۱۴۴ سوره بقره و آخـر آن چنین است : « کتبه محمد محسن‌الامامی » .

۲ـ کتیبه سر درمسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی بخط محمد محسن امامی باین شرح است :

« لما توفرالداعی علی‌اتخاذ المساجد وتعهدها فی‌الکتاب‌والسنة کما قال‌الله» « تعالی انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله وقال‌رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله من‌بنی » « مسجداً بنی‌الله له بیتا فی‌الجنة ، اقام بمجامع الهمم فی زمن السلطان الاعظم و » « الخاقان‌الافخم‌مالك رقاب‌الامم‌مولی‌ملوك‌العرب‌والعجم‌ظل‌الله فی‌العالم‌السلطان‌بن » « السلطان‌ابن‌السلطان‌ابی‌المظفرشاه سلیمان الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله » «ملکه وسلطانه‌لبناء هذاالمسجدمثابا للناس‌من‌العاکف والعابدخادم اهل‌بیت‌العصمة» « وملازم سدة السلطنة محمد قاسم الزاهد الشهیر بخلوت نشین وفقه‌الله لمرضاته » « وافاض‌علیه من‌برکاته وقد وفق اتمامه السنة المأته‌بعد الالف‌کتبه ابن‌محمدرضا » « محسن الامامی . »

عبارت از : (شاه سلیمان تا سلطانه) برای تجلیل وتعظیم در بالای کتیبه نوشته شده و این‌نکته درقدیم مرسوم بوده‌است ولی‌برای اینکه تولید اشتباه نشود درکتیبه مذکور درمحل خود منظورگردید .

۳ـ کتیبه حاشیه دالانی که سردر مسجد را بصحن وصل میکند بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ باین‌شرح نوشته شده است :

« اللهم‌اغفرلبانی‌هذاالمسجد ولوالده الورع الماجد محمدبن محمد محسن»

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص۶۵۱ تا ص۶۵۲

« زاهد ولابائه المشهورین بخلوت نشین رحمةالله علیهم اجمعین فی۱۱۰۱ »

ازکتیبه آخرمعلوم میگردد که خانواده بانی‌مسجد معروف به خلوت نشین ونیز زاهد بوده‌اند واین عنوان اختصاص بشخص‌بانی نداشته است و دیگر اینکه مسجد در سال ۱۱۰۰ ساخته شده و دنباله تزیینات تا سال ۱۱۰۱ هجری کشیده شده است . ثبت‌تاریخی این‌مسجد درگردش اداری[۱] ومساحت آن درحدود چهار قفیز است [۲].

۲۲ـ مسجد دروازه حسن آباد :

این مسجد در ابتدای دروازه حسن‌آباد واقع و در عصر محمد شاه قاجار یعنی قرن سیزدهم بنا شده وبانی‌آن مشهدی‌حسن‌سلمانی‌بوده‌که سه دکان نیزوقف براین مسجد کرده است .

کتیبه سردرمسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل بر آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه است .

در داخل محراب مسجد لوح سنگی بطول ۸۵ وعرض۲۸ سانتیمتر منصوب است که روی‌آن چنین حجاری شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لقد بنا هذه العمارة الشریفة و المسجد الرفیعة »
« فی‌الزمن الدولة السلطان الاعظم‌والخاقان الاکرم محمد شاه قاجار خلدالله‌ملکه »
« وبفضل وکرم خالق ربانی توفیق یافت مشهد حسن سلمانی برین بنای روحانی »
« مخفی‌نماندکه این‌عبارت ازخود واقف است واینقبه محققاً مسجداست ودودکان »
« یکی متصل بعقب این‌قبه وجنب دروازه حسن‌آباد ویکی‌دیگر دکان نعلبندی »
« درب اینقبه وقف مؤبد صحیح شرعی این قبه است وبلعنت خدا و نفرین رسول »
« گرفتار شود هرکه تغییر وتبدیل دراین اساس دهد فمن‌بدله بعد ماسمعه فانما »
« اثمه علی‌الذین یبدلونه واحتیاطاً مجدداً صیغه جاری شد ۱۳۳۷» .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷
۲ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۷۸ .

این‌کتیبه نیزعیناً ازکتاب گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان [1] نقل گردیده است نکته‌ایکه دراین‌کتیبه جلب توجه میکند اینستکه مشهدی حسن‌سلمانی درزمان محمدشاه قاجار این‌مسجدرا بناکرده و اگر فرض‌کنیم‌که سال بنا مصادف باآخرین سال عمر محمد شاه یعنی سال یکهزار ودویست وشصت وچهار هجری باشد تاتاریخ (۱۳۳۷ هـ . ق) بالغ برهفتاد وسه سال میشود واگر واقف و بانی درهنگام بنای مسجد سی‌سال هم داشته باشد سنین عمر او در۱۳۳۷ بالغ بر یکصدوسه سال‌خواهد بود و معمولی بنظر نمیرسد وممکن است‌کسانی عبارت پائین‌کتیبه را نوشته باشند که وارث او بوده‌اند و صلاحیت این‌کار را داشته‌اند .

۲۳ ـ مسجد ذوالفقار :

این‌مسجد در محله نیم‌آورد درکوچه ذوالفقار در بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده است ومساحت آن درحدودنیم [2] جریب است . مطابق محتوای‌کتیبه بانی مسجدشخصی بنام شیخ محمد صفی‌بوده که درعصر شاه طهماسب مسجد را بناکرده است و نام‌آنرا نیز ذوالفقار نهاده و از اینرو بالای سردرمسجد صورت دو شمشیر دیده میشودکه ذوالفقار از آن مفهوم میگردد .

مؤلف تاریخ اصفهان وری [3] نوشته که مسجد و مدرسه و حمام ذوالفقار را ذوالفقارخان اسپهانی خاصه تراش‌شاه ساخته است و این‌مطلب کاملاً اشتباه است . زیرا اولا خاصه تراش شاه مطابق محتوای یکی از کتیبه‌ها استاد علیرضا بوده نه ذوالفقارخان واصولا ذوالفقارخانی در بین نبوده است واینکه تصورکرده‌اند که مسجد را خاصه‌تراش شاه ساخته است از آنجا ناشی شده که درلوحه سنگی‌که‌در مسجد نصب‌است مقررگردیده‌که درریاست خاصه تراش‌شاه برصنف دلاك وسلمانی و نظائر آنها وجوهاتی‌که درپیش‌گرفته میشده مطالبه‌نگردد وازطرفی‌هم بالای‌سردر صورت دوشمشیر بوده ازمجموع این‌مطالب نتیجه موهومی‌باین‌طورکه ذوالفقارخان خاصه تراش بانی مسجد ومدرسه وحمام بوده گرفته شده است .

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۸۳۹ . ۲و۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۴۷ .

درمسجد مزبور دونوع کتیبه وجود دارد که قسمتی مربوط بمسجد و قسمت دیگر ارتباطی بمسجد ندارد وبرای اینکه درنظرمردم بوده وکسی‌هم نتواند محل آن‌را تغییر دهد درمسجد نصب شده است .

الف ـ کتیبه‌هائی که بمسجد ارتباط دارد :

۱ـ کتیبه‌سردر مسجد بخط ثلث‌باکاشی سفیدمعرق برزمینه لاجوردی رنگ چنین است :

« قد عمرالله هذا المسجد الموسوم بذی‌الفقار فی‌ایام خلافة السلطان‌الاعظم »
« الاکرم ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وافاض علی‌ـ »
« العالمین عدله اضعف عبادالله شیخ محمد الصفی نمقه محمد سیاوش‌فی‌سنة۹۵۰. »

۲ ـ کتیبه اشعار کنده شده بردر قدیمی مسجد که بطرف بازار باز میشود بخط ثلث برجسته بشرح زیر :

« محمد عربی آبروی هر دو سرای
کسی که خاك درش نیست خاك بر سراو »
« شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او »
« که من مدینهٔ علم علی دراست مرا
عجب خجسته حدیثی‌است من‌سگ در او »

۳ ـ روی دری‌که بسوی کوچه باز میشود این جملات خوانده میشود :

« قال‌الله تبارك وتعالی » « وان‌المساجدلله فلا تدعوا مع‌الله احداً »

۴ ـ کتیبه‌ایکه حاکی‌است رقباتی‌برمسجد وقف‌شده وآن‌لوحی‌است سنگی بطول ۵۷ و عرض ۴۰ سانتیمتر که بربالای کتیبه سردر نصب شده وآن بخط‌ثلث برجسته چنین‌است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی واقف علی‌الضمائر و السرائر و »
« الصلوة‌والسلم علی‌محمد وآله اجمعین‌وقف شرعی نمود عالیجناب‌حاجی‌الحرمین »

« الشریفین سیدالساداة حاج میرزا اسدالله همگی دوباب دکان قصابی و نوار . . »
« فروشی درجنب مسجد ذوالفقار معین‌درسرنم آورد بموجب وقف‌نامچه علیحده »
« و وقف مسجد مزبور نمود وقفاً صحیحاً شرعیاً و این‌کلمات بجهة وقف نامچه »
« قلمی‌شد فی‌پنجم شهر رمضان ۱۱۰۹ کتبه محمد نصر.»

ب ـ کتیبه‌ایکه ارتباط بمسجد ندارد وآن عبارت از فرمانی‌است راجع به بخشش مالیات بعضی از کسبه‌کـه برسنگی سیاه بطول ۹۰ و عـرض ۵۵ سانتیمتر منصوب بریکی ازجرزهای ایوان‌جنوبی مسجد بخط نستعلیق برجسته بشرح‌زیر حجاری شده است :

« فرمان همیون‌آنکه چون‌بعرض رسیدکه ازقدیم‌الایام مقرر بودکه خاصه»
« تراش مبالغی‌ازجماعت‌سلمانی‌وسلیمانی‌که عبارت از دلاکان وآینه‌داران وفصادان»
« وختنه‌کاران وکیسه مالان وخدمتکاران وآبگیران حمامات مردانه وزنانه‌بعنف »
« وتعدی با آنان رفتارمینموده‌اند ـ دراین‌زمان‌خجسته اوان‌که‌امرخاصه‌تراشیرا »
« بعمدةالصناع استاد علیرضاخاصه‌تراش شفقت‌فرمودیم مشارالیه مطالبات‌مذکوره»
« رامعاف داشته شرط نمودکه یك دینار طلب ندارد وثواب آنرا بروزگارفرخنده»
« آثاربندگان نواب‌کامیاب سپهرر‌کاب اشرف اقدس‌شاه بابام اناالله برهانه‌هبه‌نمود »
« بنابرین مقرر نمودیم که احدی ازحکام و تیولداران وکلانتران و سربلوکان و »
« ضابطان فیوج ممالك محروسه اصلاً ومطلقاً بعلت اخراجات ازعلفه و علوفه و »
« قنلقا و الاغ وپیکار وشکار و دست‌انداز وپیشکش وعیدی وسایر تکالیف دیوانی »
« بهراسمی‌که بوده باشد حواله ننمایند وقلمرا کوتاه دارند وهرساله حکم‌مجدد »
« طلب ندارند وآیه کریمه فمن بدله بعد ما سمعه‌را منظور دارند تحریرا فی‌شهر»
« صفر ۱۰۳۷ » .

هرچند درمتن فرمان صادرکننده‌آن تصریح‌نگردیده ولی‌تاریخ‌آن میرساند که صادرکننده آن شاه عباس اول بوده است .

مأخذکتاب‌درباب‌کتیبه‌هاگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان[1] است. ثبت‌تاریخی‌این

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۳۸۴ تا ص۳۸۶ .

مسجد درگردش اداری است[1].

۲۴ـ مسجد رحیم‌خان :

این مسجد در ابتدای محله نو در جائی‌که بدرب‌کوشك متصل میشود واقع وبنای نخست‌آن ازمرحوم میرسید حسن‌مدرس‌متوفی (۱۲۷۳ هـ. ق) استاد میرزای شیرازی وآقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی ومیرزا محمد حسن نجفی بوده است. تاریخ شروع بنا معلوم نیست ولی‌بطوریکه مؤلف نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان نوشته‌است[2]:

«پس‌از وفات میرسیدحسن مدرس (۱۲۷۳هـ. ق) محمد رحیم خان بیگلر-» «بیگی[3] بعمارت‌آن پرداخته و عمراونیز وفا باتمام‌آن نکرده وبرادرانش محمد» «کریمخان ومحمدحسینخان بعمارت‌آن مشغول‌شدند وباز درآن‌اثنا محمدکریم-» «خان‌بمرد ومحمد حسین‌خان بکار عمران‌مسجد مشغول‌است وقریب‌الاتمام میباشد» «خداوند توفیق عطا فرماید که تعجیل در اتمام آن کرده شودکه مسجدی نیکو» «شده‌وآن درکوچکی وبزرگی‌متوسط است‌سمت قبلی‌آن‌گنبدی خوش وضع‌ساخته» «شده ودوطرف‌آنرا نیزصفه مانند باستونهای سنگ ساخته‌اند ومسجدی باشکوه» «شده صحن‌آن بقاعده وسعتی‌دارد ، حوض ومهتابی‌درآن انداخته‌اند وموافق همت» «و دولت خود خوب ساخته‌اند .»

«این مسجد سه دروازه دارد یکی بطرف مشرق ودیگری بجانب مغرب و» «دیگری بطرف شمال‌که مقبره بانی نخست در جنب آن است .»

در ساختمانهای مختلف مسجد تاریخهای‌گوناگون دیده میشودکه عبارت از تاریخهای : ۱۲۹۰ و ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ و ۱۳۰۴ و ۱۳۷۸ می‌باشد.

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

۲ـ نصف جهان‌فی‌تعریف الاصفهان ص۶۶. ۳ـ رحیم‌خان سدهی اول فراش حکومتی بود وهیچ سواد وخط نداشت وبنیروی هوش وحافظه ترقیاتش بجائی رسیدکه ضابطی کل بلوکات اسپهان وگمرك کرمانشاهان وکاشان ویزد واصفهان‌را اداره میکرد و بیگلربیگی‌گریرا نیز برمنصبش افزودند یك‌کرور نقد ومقادیری جنس ابوابجمعی دولت‌را داشت اتمام مسجد رحیم خان ازهمت اوشد . (تاریخ اصفهان وری درص۲۸۹ تا ص۲۹۰) .

تاریخ شروع بنای مسجد پیش‌از ۱۲۷۳ هجری بوده و از گفته مؤلف نصف جهان‌فی‌تعریف الاصفهان استنباط میشودکه حداقل پنج سال مشغول عمارت مسجد بوده که فوت شده‌است وچون‌تاریخ فوت میرسید حسن۱۲۷۳ هجری بوده میتوان گفت شروع بساختمان در ۱۲۶۸ هجری شده وخاتمه آن در۱۳۰۴ هجری بوده و تغییرات بعدی پس‌از اتمام ساختمان بوده است .

درمسجد رحیم خان که عمارت آن بوسیله بانیان مختلف انجام شده‌کتیبه‌هائی وجود دارد که هرکدام درزمان بانی دیگری انجام شده است :

۱ ـ کتیبه سردرشرقی‌مسجد بخط ثلث‌سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه وآله انا مدینةالعلم وعلی‌بابها درایام دولت‌جاوید
« مدت محیی مراسم شریعت سیدالمرسلین ومشید قواعد ملت ودین مخرب آثار»
«الکفار السلطان ناصرالدین‌شاه قاجارخلدالله ملکه واوان حکمرانی معدن جود »
« و احسان حضرت اشرف اقدس و الاظل السلطان دام اجلاله بسعی خلد آشیان »
« مرحوم محمد رحیمخان امیرالرعایا واهتمام عالیجاهان محمدکریم‌خان وکیل»
« الرعایا ومحمد حسینخان امین‌الرعایا اتمام یافت . ۱۳۰۱ » .

ازمفاد کتیبه مزبورمعلوم میگردد که‌گردش عمارت مسجد موقوف‌نگردیده و پس از وفات محمد رحیم خان امین‌الرعایا ادامه داشته و برادرانش باتمام رسانیده‌اند .

دربالای دوسکوی بزرگ طرفین دربخط بنائی آجری سورهٔ عصر ودربالای دوسکوی کوچك طرفین در بخط بنائی اسامی : الله ـ محمد ـ علی ـ فاطمه را نقش‌کرده‌اند .

دریك لوحه چهار ضلعی منصوب بربالای سردر بخط نستعلیق لاجوردی بر زمینه کاشی زرد چنین نوشته شده :

« انا مدینةالعلم وعلی‌بابها ۱۲۹۵ » ودر ذیل آن بخط نستعلیق لاجوردی

صلوات بردوازده‌امام بشرح زیر نوشته شده است :

« صل‌علی‌النبی‌العربی‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وامیرالمؤمنین‌علی‌بن‌ابی‌طالب »
« والحسن‌والحسین وعلی‌بن‌الحسین ومحمدابن علی وجعفرابن محمد وموسی‌ابن »
« جعفر وعلی‌ابن موسی ومحمدابن علی وعلی‌ابن‌محمد والحسن‌ابن علی والقائم .»

در صلوات مزبورکه عیناً ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] نقل شده و در اصل کتیبه چنین‌نوشته شده غلط املائی وجود دارد وآن همزه ابن‌است‌که درموردیکه ابن میان دو علم واقع میشود مطابق قانون خط باید همزه آن ساقط گردد ولی در کتیبه مزبور وجود دارد .

۲ـ درحاشیه چهارپر طاق سردر بخط بنائی لاجوردی بر زمینهٔ سفید معرق درآغاز سورهٔ اخلاص و دنبال آن عبارت « باهتمام کریمخان و حسینخان » نوشته شده است .

۳ ـ کتیبه فوقانی‌نمای خارجی‌ایوان جنوبی‌مسجد بخط ثلث سفیدبرزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی ابتدا « قال‌الله تبارك وتعالی » وسپس‌آیات ۳۵و۳۶ و نصف آیه ۳۷ سوره نور و پایان کتیبه باین عبارت : « کتبه محمدباقرالشیرازی فی‌سنة ۱۳۰۴ » منتهی میگردد .

۴ ـ درهمین تاریخ برطرفین‌ایوان بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی نوشته شده است :

« از علو همت ستوده دوران — خان حسین آسمان عالم احسان »
« لشکر اقبالدرا امیر جهانگیر — کشور اقبالدرا خدیو جهان بان »
« کوثر دیگرظهور یافت بجنت — کعبه دیگر پدید شد بصفاهان »
« ازپی تاریخ این بنای معظم — زدرقم‌این‌شعر نغزکلك سخن‌دان »
« قبله دیم عیان نموده بن‌آزر » — « مسجداقصی بنانهاده سلیمان »
(۶۸۷) (۶۱۷)

دربالای مصراع ماقبل آخر بخط نستعلیق ریزنام معمار مسجد «معمارااستاد

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۷۹۶ تا ص۸۰۳ .

آقاجونی» ودرزیر مصراع آخربخط نستعلیق نوشته‌شده:«کتیبه‌حسن خان ۱۳۰۴».

ضمناً قابل‌یادآوری است که‌برای بدست‌آوردن تاریخ بنای مسجدرحیم‌خان که ۱۳۰۴ هجری است باید حروف هر دو فرد بحساب در آید تا مجموع آن به ۱۳۰۴ هجری برسد.

۵ـ کتیبه‌های ایوان ومحراب مسجد:

بر سقف ایوان دوکلمه علی‌وسال «۱۲۹۴» برآجرنقش‌شده ولی داخل‌ایوان وگنبدکاشیکاری نشده است محراب مسجدکاشیکاری شده وکتیبه‌هائی دارد.

۶ـ کتیبه اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت‌لاجوردی‌ابتدا: «قال‌الله تعالی» و سپس آیات ۱۸ و۱۹ سورهٔ‌توبه ودنبال آن «قال تعالی‌شأنه وآیه۵۵ سورهٔ مائده و پایان‌کتیبه چنین است : «صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق‌رسوله الکریم فی ۱۳۰۴ ».

۷ـ کتیبه فوقانی محراب بخط ثلث سفید برزمینه لاجـوردی رنگ چنین نوشته شده است:

«قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله‌الصلوة عمودالدین اذا قبلت قبل‌ماسواه و» «اذا ردت رد ماسواه». اصل‌حدیث در هردوجا ماسواها میباشد.

۸ـ بریکی ازستونهای سنگی صفه غربی مسجد که درسمت راست محراب است بخط نستعلیق برجسته این اشعار کنده شده است.

« بعهد شه دادگر ناصرالدین — که‌چون اوبگیتی نیامدجهانبان»
«زاخلاص و همت‌امین الرعایا — خداوندا‌حسان‌محمد رحیم‌خان»
«چوکعبه‌که‌درمکه‌بنیان‌آن‌شد — بنا کرد این‌مسجد اندرصفاهان»
«بتاریخ ارکان آن گفت خرم : — بمسجد پی‌طاق جنت‌شد ارکان »
(۱۲۹۰)

با اینکه درزیر این اشعار نوشته‌شده ۱۲۹۰ ولی اشتباه است وبحساب جمل مطابق میشود بایکهزار ودویست وشصت هجری واز مفاد شعر استنباط میگرددکه

این تاریخ پی‌گذاردن مسجد است یعنی وقتی که میرسید حسن مدرس شروع ببناء کرده است نه‌تاریخ اتمام.

۹ـ کتیبه سنگابی که در زیر ایوان جنوبی مسجد قرار دارد بخط نستعلیق برجسته الواح واشعاری باین ترتیب حجاری شده است:

« از عنایات کردگار رحیم — یافت توفیق این ثواب عظیم »
« اسد الله دبیر نیکو خو — که‌ورا حسن خلق طبع کریم »
«از برای حسین تشنه جگر — سنگ آبی چوکوثر و تسنیم »
« وقف بنمود بهر تشنه لبان — بی‌ریا از خلوص قلب و صمیم »
« دل آن‌سنگ رانمودچو آب — تاکه بر تشنگان دهد تعلیم »
« لعن بر قاتل حسین کنند — بعد ذکر تحیت و تسلیم »
« بهر تاریخ او بهاء میگفت : — «جام ده سنگ آب فوز عظیم »
(۱۲۹۹)

بر قسمت دیگری از سنگاب چنین خوانده میشود :

« وحید عصر اسدالله با نژاد و گهر — که درنوشتن افراد و فردهست وحید»
«دراین‌مکان‌خوش‌این‌سنگ‌آبرا‌آورد — که شیعه آب بنوشد بیاد شاه شهید »
«طلب نمود ز خرم خجسته تاریخی — بگفت: «باد دوصد لعنت خدا به‌یزید»

این ماده تاریخ را مؤلف‌گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان جزء تاریخهای ۱۲۹۹ هجری ذکرکرده است درصورتیکه بحساب جمل مطابق بایکهزار و سیصد وچهار میشود .

لوحه دیگر سنگاب چنین است:

« یا ابا عبدالله »
« ز همت اسدالله راد مستوفی
که وقف کرده سرو جان براه‌آل عبا »
« تمام‌گشت چو این سنگ آب‌جان‌پرور
که‌خضر خورد از او جرعهٔ و یافت بقا »

« گرفت روی دو تاریخ را و عنقا گفت :
۱۲۹۹

« سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا »
۱۲۹۹

« السلام علیك »

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان کتیبه[۱] شعری عنقا بشرح فوق نقل شده و تاریخ آنرا یکهزار و دویست ونود ونه (۱۲۹۹) تصورکرده‌اند درصورتیکه بحروف‌جمل‌شعرحاضر(سلام‌ما ولب تشنگان‌کرب‌وبلا) باسال یکهزار ودویست نود ودو منطبق میگردد ولی در دیوان عنقا ماده تاریخ چنین نقل‌شده :

نهاد پای‌چوعنقا بجمع‌شدتاریخ: سلام ما بلب تشنه‌کام‌کرب وبلا

که بحساب جمل۱۲۹۶ میشود[۲] واگر واقعاً درسال ۱۲۹۹ سنگاب تمام‌شده باشد باید گفت‌که شعرتاریخ‌دراصل‌چنین بوده : « سلام‌مابادولب‌تشنگان‌کرب‌وبلا » که‌کلمه باد حذف ودرنوشتن اسقاط شده‌باشد ولی‌این‌تأویل برخلاف ظاهرومیتوان گفت هنگامی‌که حجاری سنگاب‌تمام شده بوده سال۱۲۹۲ هجری بوده وزمانیکه وقف برمسجد شده سال ۱۲۹۶ ویا سال ۱۲۹۹ و زمانی‌که در مسجد نصب‌کرده‌اند سال ۱۳۰۴ بوده است واین ترتیب باتمام ماده تاریخها موافق‌است .

درلوح دیگری بخط نستعلیق وبرروی سنگاب چنین حجاری شده است :

« وقف جناب سیدالشهداء علیه السلام نمود عالیجاه آقا میرزا اسدالله ولد »
« حاجی‌ابوالقاسم بجهة مسجد رحیم‌خان بیگلربیگی اصفهان ۱۲۹۹».

بانی‌وواقف‌سنگاب چنانکه درکتاب‌جغرافیای‌اصفهان‌تألیف میرزاحسین‌خان تحویلدار[۳] اصفهان نوشته شده است :

« میرزا اسدالله اونیزازبنی‌اعمام میرزا جواد است والآن درحیات وحرکت »
« ومحررمحمد رحیم‌خان بیگلربیگی‌است وراجع بمیرزاجواد چنین‌گفته است[۴] »

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۰۱. ۲- دیوان عنقا ص۸۹۵ .
۳و۴ــ جغرافیای اصفهان ص۷۷ .

« سلسله بناهاکه اهل قلم شدند : ۱ـ مرحوم‌میرزا جواد سرسلسله بوده ودرسلك »
« میرزائی وداخل‌النسب مستوفی باخط وربط بی‌نظیری بود . زمان قلیلی‌وزارت »
« با تسلطی دراصفهان نمود اوصاف‌کمال وکفایتش بسیار است بواهمه شخصیت او،
« مرحوم فضلعلیخان قراباغی امیرتومان ملقب به بیگلربیگی‌که حاکم اصفهان »
« بود دراوان عهد شاهنشاه مبرور شب‌طناب بحلقش انداخت و مقتولش ساخت‌در »
« خانواده خودش اولاد ذکوری نمانده » .

ازتعریف جغرافیای اسفهان وعبارت وقفنامه سنگاب چنین‌مستفاد می‌گردد که میرزا اسدالله مستوفی فرزند حاج ابوالقاسم از بنی اعمام میرزاجواد از سلسله بناهای اصفهان و محرر محمد رحیم‌خان بیگلربیگی اصفهان بوده است.

در دوپشت بغل‌غرفه وسط شمالی‌شبستان مسجد که درسالهای اخیرکاشیکاری شده بخط ثلث برکاشی‌لاجوردی نوشته شده : «عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت» و«عجلوا بالتوبة قبل‌الموت » و دنباله آن با خط نستعلیق ریز قرمز رنگ بـر زمینه سفید چنین نوشته شده: [۱]

« ساخت کاشی‌سازی کهرنگی ـ طراح حاج‌عباس‌کرباسی ـ بانی هفت‌دهنه» حاج محمد طلائی تفنگ ساز ۱۳۷۸ » و بر پائین دوجرزکاشیکاری ایوان غربی مسجد بخط ریز برکاشی خشت نوشته شده : «حقیرفقیرآقاجان‌کاشی‌پز» و درطرف دیگر « عمل‌کمترین‌حسین‌کاشی‌پز » و درزیراین‌لوحه آخری نوشته شده : «حقیر فقیرعلی‌نقاش » .

۱۰ـ کتیبه سردرشمالی :

در داخل سردر شمالی مسجد که درمجاورت مقبره میرسید حسن‌مدرس‌قرار داردکتیبه‌ای بخط ثلث‌سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی بعداز: «قال‌الله تعالی» آیات ۱۸ و ۱۹ سورهٔ توبه و سپس عبارت : « قال‌الله تعالی شأنه » و آیه ۵۵ سورهٔ مائده نوشته شده است .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۷۹۶ تا ص ۸۰۲ .

دربالای سردربخط نستعلیق‌سفید برزمینه مشکی : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» وبخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید : « نصرمن‌الله وفتح قریب » خوانده میشود .

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجـوردی آیات ۳۳ تا نصف آیه۴۴ سوره (ص) وکتیبه باین‌عبارات : « صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق رسوله الکریم . بسعی عالیجاه محمد حسینخان امین‌الرعایا اتمام یافت . » ختم میشود .

ثبت تاریخی این‌مسجد درگردش اداری است[۱]

۲۵ ـ مسجد رکن‌الملك :

این مسجد در تخت فولاد واقع و از بناهای میرزا سلیمانخان رکن‌الملك متخلص به خلف نایب‌الحکومه اصفهان است[۲] که در اوائل قرن حاضر ساختمان شده است . مسجد مزبور دارای کتیبه‌هائی میباشد : (ش۶۵)

۱ـ کتیبه سردر :

کتیبه سردر مسجد ومدرسه ازنوع ثلث وبرزمینه کاشی خشت لاجـوردی

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷.

۲ـ میرزا سلیمان خان رکن‌الملك شیرازی فرزند کاظم در ۱۲۵۴ هجری متولد و در ۱۳۳۱ هجری بدرود حیات‌گفت . مردی فاضل وشاعر وخیر بود ومانند جد خود خلف سفره‌چی در مدت حیات کارهای خیری چون ساختن‌کاروانسرا درشیراز ومسجد ومدرسه در تخت فولاد و تعمیر مسجد درخاجو وچاپ قرآن و زاد المعاد وصحیفه سجادیه وساختمان تکیه حاج محمـد جعفرآباده‌ای در تخت فولاد انجام‌داد. وی در ۱۲۷۹ که مسعود میرزا ظل‌السلطان بحکمرانی فارس منصوب گردید بسمت منشی‌باشی همراه اورفت وهنگامیکه ظل‌السلطان حاکم اصفهان گردید (۱۲۹۶) رکن‌الملك بسمت نایب‌الحکومه انتخاب و این سمت ادامه داشت‌تا زندگی را بدرود گفت ودر اطاق مجاور مسجد خود در تخت‌فولاد مدفون‌شد؛ رکن‌الملك شاعر بود وخلف تخلص میکرد و از اشعار او است :

دل غمین بوصال بتی ز نوشاد است — که‌رشگ‌لعبت فرخاروشوخ‌نوشاداست
بکوی خسروشیرین ما دلا بگذر — ببین که تیشه‌بفرق هزار فرهاد است

خطوط شکسته‌ونستعلیق ونسخ وسایر خطوط را خوش مینوشت ودرانشاء قدرتی‌بسزا داشت. نامبرده پیش از اینکه در فارس منشی‌باشی ظل السلطان شود کارگزار بحرین بود واو پیوسته دردستگیری ضعفاء وفقراء ودر تعظیم وتکریم علماء وسادات میکوشید .



(شکل ۶۵)

رنگ ابتدا آیه اول سورهٔ اسری وآیه ۵۵ سورهٔ مائده ودنبالهٔ آن چنین است :
« وفی حدیث القدسی قال جل شأنه ولایة علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن،
« من عذابی وقال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم انا مدینة العلم وعلی بابها صدق الله،
« العلی العظیم و صدق رسوله النبی الکریم کتبه محمد تقی ابن محمد ابراهیم »
« الاصفهانی . »

در دوطرف سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیه ۵۱ سورهٔ قلم ودر دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی عبارت : « الله اکبر

سبحان‌الله والحمدلله » خوانده میشود .

۲ـ کتیبه اشعار فارسی سردر :

در هلال سر در ورودی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی این‌اشعار که حاوی ماده تاریخ نیزهست چنین نوشته شده است :

« بعهد زیب اورنگ کیان وتخت جمشیدی
مظفرخسرو عادل که رونق داد ایرانرا »

« بدور ظل سلطان حضرت مسعود مه خرگه
که اندرسایه خورشید خود پروردرخسانرا »

« سلیمانخان رکن‌الملك میر مسند دیوان
که زینت‌داده ازاعمال‌خیر اسلام و ایمانرا »

« امین دولت و ملت معین ملت و دولت
که ذخروفخرباشد حضرتش‌هم‌این‌وهم‌آنرا »

« جنابش‌متصف در زهد وعدل وتقوی ودانش
صفات حق پرستی بدینسان باشد انسانرا »

«ز زهدش زهدرا رونق‌زصدقش‌صدقرا زینت
مطیع صدق بوذر را مرید زهد سلمان را »

« دراصفاهان که باشد سالها والی بروزوشب
کند دلشاد محزون‌را کند معمورویران‌را »

« بدیوانش نگرکز نظم ونثر نغز وشیرینش
بهم زد دفتر خاقانی و سحبان و حسان را »

« بنا در تخت فولاد او نمود این‌مسجد عالی
کش‌ازفولاد محکمتر بنا فرموده بنیان را »

« رقم‌ازسلك هدهد کلك طغرل‌زدبتاریخش:
« بنای مسجد اقصا مبارك شد سلیمان را »
فی ۱۳۲۱

واین اشعار حاکی‌است‌که مسجدبوسیله رکن‌الملك درسال ۱۳۲۱ ساخته‌شده و مصادف بوده باسلطنت مظفرالدین‌شاه‌قاجار وحکومت ظل‌السلطان مسعود میرزا دراصفهان وشاعر آن طغرل‌بوده است [۱]

سردر مسجد ومدرسه رکن‌الملك بحیاط محقری متصل میگردد که بیش‌از چند حجره‌کوچك ندارد ودرآنجا آب‌انبار مسجد واقع است وکتیبه‌ای منظوم‌بر دیوار آن بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر باین‌شرح خوانده میشود :

« از همت رکن‌الملك معمور صفاهان شد
در مسجدش‌آب انبار سرچشمهٔ حیوان‌شد »

« نوشاندش از کوثر هرلحظه عوض حیدر
کین‌آب روان پرور زان منبع احسان شد »

۱- میرزا محمد علی‌بن میرزا محموداصفهانی متخلص به‌طغرل مولود ۱۲۷۴ ومتوفی ۱۳۳۲ هجری قمری‌برادرشهاب اصفهانی و از شعرای ماهر و در ماده تاریخ گوئی ممتاز بوده‌است. از آثار و اشعار او است:

۱ــ ماده تاریخ‌های مسجد جنب حمام کوچه قصر منشی ــ و مسجد رکن الملك ــ و تکیه حاج محمد جعفرآباده‌ای درتخت فولاد .

۲- از اشعار او است‌که سید اسدالله غراء شاعررا درخواب دیده وماده تاریخ ختم‌طبع قرآن رکن الملکی را باو گفته برکن‌الملك برساند که آن‌تاریخ را درقرآن بگنجاند :

. . . . . هم ملالت بوددردل هم کسالت در مزاج
دیدم اندر خواب در شیراز درشاه چراغ سیدی بس محترم آمد برم با ابتهاج
گفت رکن‌الملك‌را برگو که‌غراعرض‌کرد ای معرا از فسادووی مبرا از لجاج
زان کلام الله‌که‌کردی‌طبع شد سبع‌طباق تخت‌وجاهت‌زین‌عمل‌خورشید وماهت‌گشت‌تاج
عامل اعمال خیر است و خداوندش کناد درد های ظاهر و باطن بدو عالم علاج
یك‌مجلد کن‌برای این قدیمی دوست‌لطف تا که از قرآن نمایم رفع هرنوع احتیاج
سرزده تاریخی ازطبع من‌آن هم‌طبع‌کن تازمن مانده نتیجه چون ز تو ماند نتاج
مصرعی خواند وشدم بیدار بد درخاطرم خالی از درد درون بیرون شدم زود ازدواج
برنوشتم مصرع وکردم‌حساب و وفق داد در عجب ماندم از آن طبع سعادت امتزاج
مرده نبود سید غراءکه دائم زنده است زین کرامت میـزد کز زندگان گیرد خراج
طالع بیدار رکن‌الملك‌زین‌خواب‌است‌فاش پرتوش واقع همی گیرد زساطع مهر باج
عامل اعمال خیر است‌و خداوندش کناد دردهای ظاهـر و باطن بدو عالم علاج
چیست‌آن‌مصرع که‌غراگفت‌وطغرل‌برنوشت: «شرع احمد را سلیمان داده آئین رواج»

« خواهی اگرش اطوار بنگر تو بدین آثار
کاین مسجد و آب انبار شرذمهٔ از آن شد »

«میجست خطیب[1] ازغیب تاریخ که ذوقش گفت:

« این صرح ممرد نیز بنیان زسلیمان شد »
سنه ۱۳۲۵

در داخل سردر مسجد ومدرسه کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح خوانده میشود :

«قال‌الله سبحانه تبارك و تعالی انه‌من سلیمان وانه بسم‌الله الرحمن‌الرحیم الا «تعلوا علی و آتونی مسلمین نمقه‌العبد الاقل‌الآثم سیدهاشم المتخلص‌بطوبی ۱۳۲۰».

از این طوبی اثری جز این کتیبه در جای دیگری دیده نشده نه از شعر و نه از خط .

ودر بالای درورودی در لوحه‌ای این عبارات نوشته شده: «قال‌الله تعالی وان‌المساجد «لله فلاتدعوا مع‌الله احداً»

۳- برسر درمسجد رکن‌الملك اشعاری فارسی بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر خوانده میشود:

«در زمان شه‌جمجاه منوچهر کلاه — خسرو عهد مظفر شه اقلیم ستان »
« شاه قاجارجم آثار جهان‌دارکه‌هست — زیب دیهیم فریدونی واورنگ کیان»
«فخر شیراز در اصفاهان فرمود بنا — مسجدی سخت پی محکم عالی‌بنیان»
«مهتر راد سلیمان زمان رکن‌الملك — کش بود راستی بوذر وصدق سلمان»
« صدر دیوان قضا گوهر دریای کرم — خلف‌الصدق‌خلف‌ذخر زمین‌فخر زمان»
«دروجودش زازل پاك خدا جمع نمود — زهد سلمانی با معدلت نوشروان »
«چون‌که‌او نام‌نکوخواست بگیتی برجا — نام نیکوش بماند بجهان جاویدان»
«در ره حق ننماید ز زر وسیم دریغ — تا بپاداش خدایش‌بدهد باغ جنان »

۱ــ میرزا عبدالجواد خطیب ازفضلاء وخطباء وشعراء وخوشنویسان اصفهان بودو در ۱۲۸۰ قمری متولد ودر ۱۳۵۰ قمری وفات یافت .

« هر کجا یابد ویرانه‌ای آباد کند — غیر بنیاد ستم کز کرمش شد ویران »
« از پس ابنیهٔ پادشهان صفوی — دیدهٔ دهر ندیدست بنائی اینسان »
«مال را خاصیت آن است که تا صاحب مال — خانهٔ آخرت آباد نماید بجهان »
«صرف شد عمر گران مایه آن میر کریم — همه در خدمت مخلوق و رضای یزدان»
«وه از این میر فلك قدر که مالش همه شد — صرف در ساختن مسجد و طبع قرآن»
«ساخت این خانه در امروز پی راحت خلق — تا کند خانهٔ فرداش خدا آبادان »
«همچو کاخ فلك و رای خود آن میر کریم — ساخت این معبد عالی پی محکم ارکان»
«نامزد گشت بسر کاری این طرفه بنا — نایب را دمحمد فلك عزت و شان »
«الغرض چونکه بتوفیق خداوند رحیم — از سلیمان زمان گشت تمام این بنیان»
«گشت ملهم طرب از غیب و بتاریخش گفت: — «شاد شد مسجد اقصی ز سلیمان زمان»

« قائله وراقمه طرب ابن هما ۱۳۲۱»

این کتیبه وماده تاریخی که نوشته شد مطابق است با آنچه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۱] مندرج گردیده ورقم ماده‌تاریخ مزبور بحساب جمل مطابق است با سال ۱۲۱۳ که برخلاف تاریخ ذیل کتیبه و تاریخ واقعی بنا میباشد ومسلم در نقل اشتباه‌شده است.

برای بدست آوردن درست آن بدیوان طرب[۲] گرد آورده شاعر مقدام و فرزند مفضال آن مرحوم استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا معلوم گردیدماده تاریخ درست آن چنین است:«تازه‌شد مسجداقصی زسلیمان زمان» که بحساب‌جمل منطبق است با سال یکهزارو سیصد وبیست ویك (۱۳۲۱) هجری که در ذیل‌کتیبه نیز نوشته شده است . و در یك نیم لوحه دیگر نیز تاریخ ۱۳۲۲ هجری خوانده میشود. دراشعار کتیبه‌ایکه در گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده با آنچه در دیوان طرب است مختصر اختلافی وجود دارد باین کیفیت که بعداز: «زیب دیهیم فریدونی و اورنگ‌کیان» دردیوان طرب این‌دوشعر اضافه است:

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۱۰ . ۲ــ دیوان‌طرب ص۷۱۴ .

«سدّه اورا مهر است کمین فرمانبر درگه‌اوراچرخ‌است‌کهین‌مدحت‌خوان»
« هم در ایام جهانداری سلطان مسعود حضرت والاجم مرتبه ظل‌السلطان »

و دیگر اینکه در فرد اول شعر نهم در گنجینهٔ آثار تاریخی نوشته شده :
« چونکه او نام نکو خواست بگیتی باد . »

درصورتیکه درست آن که در دیوان طرب نوشته شده چنین است: «چونکه او نام نکوخواست بگیتی برجا».

و ترتیب‌ذکر بعضی‌از اشعارنیز باترتیب مندرج در دیوان‌طرب اختلاف‌دارد.

۴ـ کتیبه ایوان جنوبی مسجد:

کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی بخط ثلث برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود: « بسم الله الرحمن الرحیم» و سپس آیات ۴۳ تا ۴۵ و نصف آیه۴۶ سورهٔ اسری ودنباله آن باین عبارت: « کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی «الآتشی فی سنة سبع وخمسین ومأتین‌بعدالالف[1] » ختم میشود.

دردو پشت بغل کاشیکاری این ایوان دردو لوحه‌بخط نستعلیق‌مشکی‌برزمینه کاشی خشت زرد رنگ چنین نوشته شده : « انه من سلیمان » « و انه بسم الله » الرحمن الرحیم».

دو اسپر دو طرف ایوان جنوبی مسجد در سال ۱۳۷۹ هجری کاشیکاری شده و اشعاری از خلف‌که رکن‌الملك باشد در دو طرف ایوان بخط نستعلیق سفید بر

۱ـ محمد باقر شریف شیرازی متخلص به آتش ازشعراء و خطاطان ثلث ساکن اصفهان‌بوده که تا سال ۱۳۱۲ هجری زنده بوده است ودر اغلب مساجد و اماکن تاریخی اصفهان رقم و اثری از او باقی است. اثر خطی او از۱۲۵۱ هجری شروع‌میشود. باین ترتیب که‌در۱۲۵۱ کتیبه گنبد شاه سید علی اکبر در شهرضا را نوشته ودر ۱۲۵۴ کتیبه‌ای در مسجد حکیم‌و در سال ۱۲۵۵ کتیبه‌ای در مسجد سید ونیز در ۱۲۵۶ و ۱۲۵۷ و ۱۲۵۸ در مسجد آقا نور ودر ۱۲۵۹ در مسجد سید ومسجد گز ودر ۱۲۶۱ در مسجد شاه ودر ۱۲۸۸ در مسجدسید وهمچنین در ۱۲۹۸ درهمان مسجدکتیبه نوشته است. ودر۱۳۰۴ هجری‌کتیبه مسجد رحیم‌خان را نوشته است و با این ترتیب میتوان تعیین کرد که نامبرده تا اوایل قرن چهاردهم هجری حیات داشته وبکار خود ادامه‌داده است، وچون عمارت مسجد رکن‌الملك بعد ۱۳۱۲ هجری انجام شده محقق است،که‌کتیبه مزبور ازکتیبه مسجد سید گرده‌برداری شده است .

زمینه‌کاشی خشت لاجوردی باین شرح نوشته شده است :

« یا ایهاالمدثر تا چند در پلاسی برخیز در عبادت‌کز شب‌نمانده پاسی»
« تاسرخوشی ودل‌گرم ازجام قم‌فانذر هرگز مدار دردل از دشمنان هراسی»
« مستجمع کلامی مستغرق وصالی از خم لایزالی برخیز و نوش کاسی»
« پروردگارت ازمهر بهرتوکرد بنیاد نیکوترین بنائی محکمترین اساسی»
« احکام‌حق‌بفرما ظاهر به‌بندگان فاش بی بیم اشتباهی بی خوف التباسی »
«ازکید دیگر اعداء خاطرپریش منما ازوصل دوست‌درباب‌جمعیت‌حواسی»
« تا در زوال وحدت با دوستت وصالت درخویشتن مده راه نه نوم‌ونه‌نعاسی»
«برخیز در عبادت چالاك‌باش ودرپوش کو تا بیابی هشته پاکیزه‌تر لباسی »
« از ماسوی سفرکن درکوی لی‌مع‌الله کانجا گذر ندارد اندیشه و قیاسی »
«حصنی‌طلب‌که‌هرگز درآن‌نمیبردراه سستی و انهدامی تحلیل واندراسی »
« ازبوته اطاعت‌خالص‌خلف برون‌آی کزکیمیای ایمان بل زرکنی نحاسی»

« اشعار از مرحوم رکن‌الملك (خلف) بفرمایش دکتر حسین‌رکنی ۱۳۷۹، اصفهان بازارچه‌نو کاشی‌سازی کهرنگی » .

۵ ـ کتیبه نمای خارجی ضلع شمالی :

کتیبه نمای خارجی ضلع شمالی بخط ثلث آیـات از ۴۳ تا آخر ۴۵ سورهٔ اسری نوشته شده و بعبارت: « ۱۳۲۳ هجری» ختم میشود و در دوپشت بغل‌کاشی‌کاری‌آن در دو لوحه بخط نستعلیق مشکی بر زمینه‌کاشی خشت زرد چنین نوشته شده : « انه من سلیمان » « انه بسم‌الله الرحمن الرحیم » .

۶ ـ کتیبه منظوم اطراف صحن مسجد :

در اطراف صحن‌مسجد اشعاری‌که هرفردآن دریك لوحه‌جای داده‌شده بخط نستعلیق سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح خوانده میشود :

« خامه چو جاکرد در انامل دانا حمدخداوندانس‌وجان‌کند انشا »
« منعم ومعبود و چاره ساز مقدر داور یکتا وبی نیاز و توانا »

« قادرقدرت‌نما ز ذره وخورشید صانع هستی فراز قطره و دریا »
« رازق روزی رسان بعالم وجاهل خالق‌خلق آفرین زمقطع‌ومبدا »
« موجد اجسام از سمك بسموات مبدع اجرام از ثری بثریا »
« خلق‌پدید آورد ز اصغر و اکبر دهرهویداکننده ز اسفل واعلی »
« ذاتش از گردش و زوال منزه وصفش از دانش و خیال مبرا »
« امرش‌بالاتر ازقیاس چه و چون حکمش‌والاتر از خط نعم و لا »
« رحمتش‌آموده از تفکر واعداد نعمتش افزوده ازتصور واحصا »
« نامش از سنخ کائنات تقدس شأنش از جنس ممکنات تعالی »
«عرصه‌حمدش‌چگونه‌پویدوجوید این‌قدم‌لنگ واین‌دودیده اعمی»
« بار خدایا بروزگار چو آمد نطق خلف ازکمال فضل توگویا »
«خواست‌بتوحیدلب‌گشودخردگفت پای چوبیرون نهی زحدادب ها »
« قدر نگهداروشرم‌دار و بیندیش بیش زحد گلیم خویش منه پا »
« خود چه تند عنکبوت تاربطارم کس‌چه‌زندازبروت[1] تیربجوزا»
« یاچه‌کنددام‌حوت شیرفلك صید یا چه پردصعوه در مقابل عنقا »
« پشه‌چرا خود پرد بشاخه طوبی ذره چسان ره برد بچشمه بیضا »
« ای‌زحواس‌وخیال‌وفکرت‌بیرون وی زقیاس وگمان و وهم معرا »
« ای‌توبری‌ازمثال‌و مونس‌ومانند وی‌توعری‌ازهمال وهمسروهمتا »
« هم‌بتواین‌کاخ‌بیستون‌شده‌محکم هم‌زتواین‌چرخ‌واژگون‌شده‌پویا »
« هم تورروان دادهٔ و دیده بینا هم تو توان دادهٔ و دیده بینا »
« حکم‌تو نافذتر ازمقام کم‌وکیف امر تو عالی‌تر از کلام ام و یا »
« مطرب‌درپرده‌ازتوبرزندآهنگ بلبل در باغ از تو برکشدآوا »
« از تو ببازار مصر آمده یوسف وز توگرفتار عشق گشته زلیخا »
« ازتوبود ارتباط لیلی و مجنون وز تو بود اختلاط وامق وعذرا »

۱- بروت بمعنی سبیل است .

« از تو بود اختیار ویسه ورامین وز تو بود اشتهار سلمی و سلما »
« ازائر فحل‌فضل تست‌که دربحر حامله گردد صدف بلؤلؤ لالا »
« ازنظر خشم‌وقهرتست‌که درکوه زلزله افتد بجان صخره صما »
« راهنمای رهی توگشتی ازاین‌ره از لا ره یافته بشهره الا »
« ورنشود رهنمون لطف تو رهبر کس‌نتواند قدم برون نهد از لا »
« عقل‌برد ره بکنه ذات توهرگز فهم‌کند درك وصف قدر توحاشا »
«خودتومگرخویشتن‌شناسی ورنه کس نرساند کمند دانش‌آنجا »
« ازتوگذشته است نام‌سید سادات از طبقات سپهر و گنبد مینا »
« احمد محمود برگزیده معبود باعث ایجاد کل مخاطب طاها »
« قطرهٔازجوی اوست چشمه‌کوثر شمه‌ای ازبوی اوست عنبرسارا »
« آنچه‌پیام ازتوداده دارم تصدیق آنچه رسانیده ازتوگفتم اهلا »
« شرع نبی را زسر نهادم گردن امرتوراکرده‌ام بجان ودل اصغا »
« بعد نبی آن رسول پاك مصدق هست بما پیشوا و سرور ومولا »
« مظهر قدرت ولی قادر بیچون مفخر امت علی عالی اعلا »
« ازپس اوشد حسن‌امام که باشد مسئله دان رموز علم الاسما »
« بعدحسن‌مقتداحسین‌شهیدآنك هست بمحشر شفیع خلق بفردا »
« سید مظلوم آنکه بی‌کس‌ویاور کشته‌کین‌شد زجور لشکر اعدا »
« ازپس اومقتدا علی‌است‌که‌گشته هادی راه خدا بمردم دنیا »
« بعد علی پیشوای خلق جهان‌شد باقر علم نبی شهنشه والا »
« ازپس باقر بود سلیل جلیلش جعفرصادق‌که دین‌ازاوشده برپا »
« موسی‌جعفردگرکه ازشرف‌وقدر زنده جاوید کرد سنت آبا »
« بعد علی آن‌که آستان رفیعش خلق جهان را ملاذ باشد وملجا »
« باز محمد خدیو ملك امامت کز همهٔ خلق بود ازهد و اتقی »
« نور علی آفتاب چرخ ولایت کرده بامت رموز شرع هویدا »

« یازدهم عسکری که کرده زاعجاز عسکر حق بهر خصم ناحق پیدا »
« حجت قائم امام حی که ز افضال هست مقامات جملگی را دارا »
« پر کند از عدل بعد ما ملئت ظلم جمله جهان امر حق نماید اجرا »
« بخش خدایا فرج باو که ظهورش دین هدا را کند بدنیا احیا »
« بارالها گواه باش که دارم در همه عالم باین ائمه تولا »
« گرچه مرا معصیت برون ز حسابست بخش گناهان من بعصمت زهرا »
« دست تولا زدم بدامن ایشان خون برگ وجان بجسم وموی براعضا »
« هست خلف را پرا ز محبت ایشان بار خدایا مرا بایمان افزا »
« یافت چو اتمام این بنای مقدس گشت خلف سال اختتامش جویا »
« سر زبنا کرد عقل داخل و گفتا: « شد زسلیمان تمام مسجدالاقصی»
« یاسبحان ۱۳۲۴ » « کتبه طرب ابن هما ۱۳۲۴»

در شعر آخر که ماده تاریخ است درگنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] که این کتیبه‌ها از آنجا نقل شده فرد آخر چنین نوشته شده :

« شد زسلیمان تمام مسجد الاقصا »که الاقصا پایانش با الف و بحروف جمل مطابق میشود با ۱۳۱۳ وچون سر (بنا) که (ب) باشد و بحروف جمل با عدد دو منطبق است به ۱۳۱۳ اضافه گردد جمع آن میشود ۱۳۱۵ و حال آنکه درست نیست و تاریخ منظور ۱۳۲۴ هجری است ولی اگر فرد آخر چنین نوشته شود : « شد ز سلیمان تمام مسجد الاقصی »که اقصی بیاء نوشته شود عدد آن بحساب جمل ۱۳۲۲ میشود وچون عدد دو بر آن اضافه شود تاریخ مطلوب بدست میآید .

اشعار کتیبه مزبور ازخود رکن الملك و نویسنده آن مرحوم طرب فرزند همای شیرازی بوده است که درسال ۱۳۲۴ کاشیهای آن نصب شده است .

۷ ـ کتیبه ایوان جنوبی مسجد :

دراطراف ایوان جنوبی مسجد کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق سفید برزمینه

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۸۰۵ تا ص ۸۲۱ .

کاشی‌لاجوردی باین‌شرح خوانده میشود .

« حبذا از همت والای والی زمان
رکنملك و یاور دین حکمران اصفهان »

« آصف ملك عجم خان سلیمان راد خان
افتخار دین و دولت اعتبار این و آن »

« این چنین فرمانروا ازعدل وفیض‌ودادجو
نه کسی برده است نام ونه کسی دارد نشان »

« گشته تعمیر بقاع و تربت اخیار از او
نیت خیرش ضمین و فطرت پاکش زمان[1] »

« درّه لله در خیراتش از حق اجر باد
قصر خلد و حور عین فیهن خیرات حسان »

« در ره حق بنده گراینسان کند طی طریق
پایگاه قرب را این گونه سازد نردبان »

« از سلیمان نبی شد مشتهر نامم زنور
زین سلیمان مشتهر آمد نبی اندر جهان »

« از سلیمان سلف بیت المقدس شد خلف
و ز سلیمان خلف بیت المقدس شد نشان »

« بهر آبادانی و بنیان این تقوی اساس
شد اشارت از جناب کامیابش از بنان »

« پا درون‌آورد ادیب وکلك تاریخش‌نوشت:
« سازشد بیت‌المقدس از سلیمان زمان »
۱۳۱۹

درکتاب‌گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان[2] فرد اول شعر هفتم چنین‌نوشته شده :

« ازسلیمان نبی شد مشتهر نامم زنور » درصورتیکه درست‌آن چنین است :

۱ ـ درست آن ضمان بنظر میرسد . ۲ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۸۱۶ .

« ازسلیمان نبی شد مشتهر نامه زبور » بقرینهٔ اینکه در فرد دوم چنین گفته :

« زین سلیمان مشتهر آمد نبی اندر جهان » که منظور قرآنی است که رکن‌الملك انتشار داده است .

۸- کتیبه‌های درون گنبد :

دراطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی ابتداء : «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و سپس از آیات ۲۶ تا نصف آیه ۲۹ و نصف آیه ۴۵ سوره اسری وسپس (۱۳۲۳هجری) ودر دنباله آن درچهار سطر بخط نسخ سفید برزمینه کاشی لاجوردی اشعاری عربی باین‌شرح نوشته‌شده است :

« ان السلیمان و رکن الاعلی	اسس ذلك المسجد المثوی »
« جزاه ربنا جزاء الاوفی	قصور مجد فی جنان المأوی »
« ارخ الانصاری بدوالمسمی	و شطر شطراً للمعاد الاقوی »
« کفی السلیمان ذابناء الاقصی	واسست ارکانه بتقوی »

که بحساب جمل با سال ۱۳۱۶ منطبق میشود و چنین بنظر میرسد که در مصرع اخیر تحریفی شده باشد و ممکن است که سال شروع بساختمان ۱۳۱۶ هجری باشد .

در داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی آیات از ۲۵۵ تا آخر ۲۵۷ سوره بقره و درپایان « ۱۳۲۳ » نوشته شده است. ونیز دردرون آن بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم» وبخط ثلث مشکی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ:

« سبحان ربی العظیم وبحمده و درچهارترنج بخط ثلث زرد برزمینه صورتی رنگ :

« یا حنان ـ یاغفران ـ یا رضوان » .

۹ـ کتیبه ستون‌های سنگی گنبد :

درسرستونهای چهارگانه قسمت فوقانی زیرگنبد بخط نستعلیق سیاه برجسته اشعاری بشرحی که درپائین آورده میشود حجاری شده :

« شد ز رکن‌الملك چون‌بنیان این‌محکم بنا
سال اتمامش خلف ازاین و آن جویا شده »

« عقل دوراندیش او ازبهر تاریخش سرود :
« از سلیمان مسجد الاقصی نگر برپاشده »

که به‌حروف جمل با سال ۱۳۲۲ هجری منطبق میشود .

«چو این‌زیبا مکان‌را دیدمرشد[۱] بگفت ازکیست این‌ترویج‌اسلام»
« یکی آمد برون‌گفتا بتاریخ: « و ز اقدام سلیمان یافت اتمام »

که بحساب حروف جمل باسال (۱۳۲۳ هجری) منطبق‌می‌گردد وچون‌یکی خارج شود میشود ۱۳۲۲که مطلوب است .

دیگری درباره تاریخ گفته :

سال آغاز بنا و انجام آن زین دومصرع‌گفته‌تاهستت‌شنو:
«کزسلیمان حشمت آصف مقام» « گشت برپا مسجد الاقصی بنو»

که بحساب حروف‌جمل شروع بنا سال ۱۳۱۸ هجری وسال اتمام بنا ۱۳۲۲ هجری میشود . این دوشعر نیز ازمرحوم حاجی‌آقانورالله متخلص‌به نور است[۲]که تاریخ ۱۳۲۴ را تعیین میکنند :

۱ــ سید عبدالوهاب مستشار دفتر فرزند سیدهاشم اصفهانی از فضلاء و ادباء و شعرای‌معروف قرن چهاردهم بود ودرشعر مرشد تخلص داشت وشعر نیکو میسرود و ماده تاریخی‌که درمتن ذکر شده از اشعار او است .

نامبرده در تاریخ هفدهم صفر ۱۳۴۳ هجری در اصفهان وفات یافت و در تخت‌فولاد در یکی از اطاقهای تکیه ملك مدفون شد. ماده تاریخ وفاتش را چنین سروده‌اند :

سال تاریخ فوت پرسیدم از مقیمان روضهٔ رضوان
باغبان سربرون نمودوبگفت: « مستشارآمده مقیم جنان »

۲ ـ حاجی آقا نورالله‌بن شیخ محمد باقر بن شیخ محمد تقی بن عبدالرحیم ایوان کیفی مسجدشاهی اصفهانی مولود (۱۲۷۸ هـ. ق) ومتوفی(۱۳۴۶ هـ. ق = ۱۳۰۶/۱۰/۴ هـ. ش) از فقهاء وعلماء وبزرگان اصفهان و از مقدمان مشروطیت بود او مصلحی با تقوی و مجاهدی بزرگ و روحانی مبارز بشمار میرفت وبی‌شك یکی از رهبران واقعی مشروطه است‌که روی ←

« چون زرکن‌الملك والدین آن سلیمان دوم
شد بنای مسجد اقصی هدی للمتقین»
« سر برون آورد نور وبهر تاریخش سرود :
« از سلیمان شد بنای مسجد اقصی متین »

۱۰ـ کتیبه خارجی گنبد :

در اطراف نمای خارجی گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی بعد از ذکر آیاتی از سوره جمعه در چهار سطر اشعار عربی : (ان السلیمان ورکن الاعلی » تا آخر تکرار شده و سال تاریخ آن نیز در پایان کتیبه (۱۳۲۲) نوشته شده است .

۱۱ ـ کتیبه شبستان مسجد :

بر هلال شبستان سقف‌دار مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی نخست جمله : « قال‌الله تعالی » وسپس آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه ودنباله آن بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این اشعار کتیبه شده :

« حبذا ز این بلند اساس مقام — که بود رکنی از جنان بصفا »
« گشت برپا زسعی رکن‌الملك — گوئیا کعبه‌ای نموده بنا »
« بهر تاریخ او نوشت ادیب[1]: — « ولقد اسست علی التقوی »
۱۳۱۸

→
احساسات ملی مبارزه کرد و از هیچ‌چیز دریغ نداشت، باشرافت و تقوی زیست و در حفظ حقوق مردم وحدود احکام الهی و عدالت اجتماعی تا آنجاکه توانست جهادکرد . پس از فوت برادرش شیخ محمد علی ثقةالاسلام لقبش باو داده شد ولی مردم در محاوره اورا همان حاجی نورالله خطاب میکردند. نامبرده شعری میسرود و تخلصش نور بود.
(نقل بمعنی از رهبران مشروطه)

۱ـ ادیب آنچه‌مسلم است اینکه ازشعرای قرن چهاردهم بوده و شعرهم بخصوص ماده تاریخ نیکو میسروده وعلاوه برچند ماده تاریخ که راجع بمسجد رکن‌الملك گفته درموارد دیگری‌هم سروده است ولی تاکنون از نام و خصوصیات زندگی او چیزی بدست نیاورده‌ام اشعار ماده تاریخ او از ۱۳۱۴ هجری تا ۱۳۱۹ دیده شده است وبا اینکه با طرب‌بن هما معاصر بوده است استاد جلال‌الدین همائی در مقدمه دیوان طرب نامی از او نبرده‌اند درصورتیکه از شعرای معروف نزد رکن‌الملك بوده است .

ماده تاریخ مزبور در واقع تاریخ شروع مسجد را تعیین‌کرده است .

کتیبه‌ها از لحاظ مفاد و خصوصیات از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس‌گردیده است .

آرامگاه رکن‌الملك نیز چنانچه در پیش اشاره گردید دراطاقی در مسجد مزبور قرار وکتیبه هائی نیزدارد ولی ازلحاظ اصولی شرح و چگونگی‌آن درباب آرامگاهها وبقاع تاریخی اصفهان داده خواهد شد .

ثبت تاریخی این‌مسجد درگردش اداری است[1] .

۲۶ـ مسجد سارو تقی :

این مسجدکه به‌مسجد بزرگ ساروتقی شهرت دارد در فاصله میان بازار مقصودبیك وبازارچه حسن‌آباد درمجاورت امامزاده‌احمدواقع‌گردیده‌است. هرچند صحن مسجد وسعتی ندارد ولی‌گنبد مذهب تاریخی‌آن جالب توجه و قابل بررسی هنری است . قسمتی ازطاق بازار ویران‌گردیده ولی‌قسمتی دیگرازآن برفراز سر در مسجد ومنزل ساروتقی باقی‌مانده است .

نمای‌گنبد مسجد ساروتقی درخارج آجرساده است ولی در داخل مانند سقفهای زمان صفویه با نقاشی وگچبری تزیین شده وهمین تزیینات است‌که گنبد مسجد مزبور را ازسایرگنبدها جدا می‌کند و برآنها امتیاز دارد . در داخل گنبد کتیبه‌ای وجود ندارد وکتیبه آن درسردر مسجد که مشرف بربازار است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است : (ش ۶۷)

« فی‌ایام الدولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مروج المذهب الائمة »
«المعصومین‌علیهم‌السلم السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان‌ابوالمظفرشاه‌عباس الموسوی»
« الحسینی‌الصفوی الثانی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه توفیق بنای این مسجد»
« یافت مخدوم الامراء و خادم‌الفقراء اعتمادالدولة العلیة العالیة میرزا محمدتقی »
«المشهور بساروتقی فی۱۰۵۳کتبه محمدرضا الامامی الاصفهانی‌الادهمی[2] » وحاکی

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .
۲ ـ بنقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۴۹ .



(شکل۶۶)

است‌که مسجد ساروتقی درعهد شاه‌عباس ثانی درسال ۱۰۵۳ بناگردیده . ونویسنده خطکتیبه محمد رضا امامی ادهمی اصفهانی بوده است . این‌مسجد طی شمارهٔ ۱۱۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۲۷ ـ مسجد کوچك ساروتقی :

مسجد کوچك ساروتقی درچهار سوی بازار ساروتقی دربازار قهـوه کاشیها واقع‌شده است . مسجد درایوان جنوبی چهارسو قرار دارد و کاروانسرای ساروتقی که درضلع شمالی چهارسو میباشد چون مالك خصوصی‌دارد درحال معموریت است ولی مسجد وضع اسفناکی دارد و قسمتی از مقرنسهای آجری و کتیبه آن ریخته

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

است ، سقف بازارهم دربرخی جاها فروریخته وچون برخلاف گذشته محل‌عبور و مرور نیست بازار مزبور بصورت بازارچه‌ای متروك درآمده است .

کتیبه سر در مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین‌است :

« قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی انمایعمرمساجدالله من‌آمن بالله و الیوم‌الاخر ، « واقام‌الصلوة و آتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من‌المهتدین ، « و قال عزوجل یا ایهاالذین آمنوا . . . . وذروالبیع ذلکم خیرلکم ان‌کنتم ، « تعلمون . قال‌الامام الناطق جعفربن محمدالصادق صلوات‌الله علیهما وعلی‌آبائهما ، « من بنی مسجداکمفحص قطاة بنی‌الله له‌بیتا فی‌الجنة فی ۱۰۵۶کتبه محمد رضا ، « الامامی.»[۱]

نسبت به‌ثبت تاریخی این‌مسجد هنوز اقدامی معمول نگردیده است واقتضاء داردکه نسبت به‌ثبت تاریخی ومحافظت آن توجه لازم معمول‌گردد .

۲۸ـ مسجد سعیدبن جبیر :

درب این‌مسجد درصحن درب امام باز میشود وبنای اصلی آن پس‌ازمسجد شعیا کهن‌تر از دیگر مساجد بوده است .

سعیدبن جبیر درسال ۸۱ هجری همراه عبدالرحمن اشعثی باصفهان آمده ودراین مسجد بعبادت میپرداخته است .

درداخل‌این‌مسجدکوچك‌درزمان صفویه مختصرکاشیکاری شده وکتیبه‌اطراف آن بخط بنائی مشکی باکاشی معرق برزمینه زرد شامل سوره الضحی وقسمت‌آخر آن عبارت : « سبحان ربك رب‌العزة عما یصفون وسلام علی‌المرسلین و الحمدلله » « رب‌العالمین» میباشد .

و در پشت بغل محراب بخط بنائی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین مکتوب است :

۱ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۱.

« نصرمن‌الله و فتح قریب و بشرالمؤمنین ـ یا الله ـ یا محمد ـ یاعلی ».
کتیبه داخل محراب بخط بنائی مشکی معرق شامل سورهٔ اخلاص است و در پایان آن تاریخ (۱۱۲۳) خوانده میشود[۱] که حکایت دارد در سال ۱۱۲۳ هجری یعنی درسلطنت شاه سلطان حسین کاشیکاری مزبور انجام گردیده ومساحت آن بیش از یك قفیز است .[۲] درب امام به‌ثبت تاریخی رسیده ولی این مسجد هنوز بـه ثبت تاریخی نرسیده واقتضاء دارد که موجبات ثبت آن نیز فراهم شود .

۲۹ـ مسجد سفره چی = سرخی :

این مسجدکه درکوچه‌ای بنام‌کوچه مسجدسرخی واقع‌شده از بناهای دوره شاه عباس اول وبانی آن خلف سفره‌چی شاه عباس بوده است . و اما اینکه به‌مسجد سرخی معروف شده بیشترگفته‌اندکه همان سفره‌چی است که دراثرکثرت استعمال درمحاورات تبدیل به سرخی شده است ولی‌احتمال‌هم داردکه درهنگامیکه مسجد بنا شده‌چون ازآجرهای سرخ‌رنگ ساخته‌شده بوده برای امتیاز از دیگرمساجد آن را بنام مسجد سرخی خوانده باشند .

داخل مسجد ونیز سردرآن تزییناتی‌ازکاشیکاری دارد وکتیبه سردرش بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود :

« قداتفق فی‌ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاشجع الاعظم مالك رقاب»
« الامم مولا ملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین غـلام »
« باخلاص امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌الصلوة والسلام‌ابوالمظفر شاه عباس»
« الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی»
« العالمین‌بره وعدله واحسانه وعظمته وشوکته ومعدلته ونصرته و حشمته الی‌یوم »
« القیامة بنده درگاه خلف سفره‌چی بتاریخ اربع عشر[۳] والف رقم صحیفی . » در جلوخان مسجد مزبور درطرف غربی‌آن سنگابی‌قراردارد که درسال ۱۱۱۷ هجری

۱ـ وضع مسجد وکتیبه‌آن ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است. ۲ـ تاریخ اصفهان وری ص۲۴۹ . ۳ـ بنا بر قاعده علمی درست آن رابع‌عشر میباشد .

وقف برحضرت امام حسین شده است وکتیبه آن باین‌شرح خوانده میشود :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام‌نمودا‌ستاد محمد شفیع خیاط بتاریخ» « شهرجمادی الاخر فی‌سنه ۱۱۱۷ . »[۱] .

نکته‌ایکه دراینجا لازم بتذکر است اینکه درچندجای تاریخی اصفهان‌نام صحیفی نویسنده خط ثلث برده شده و بیشترآن‌مربوط بزمان شاه‌عباس اول‌میباشد دربعضی موارد صحیفی جوهری و در برخی کتابها صحیفی جویمری و در مورد دیگر صحیفی شیرازی وصحیفی فارسی و درتذکره نصرآبادی ملاصحیفی شیرازی درج شده است درجائی‌هم صحیفی مطلق ذکرگردیده است .

درکتیبه صفه حکیم مسجد جمعه مربوط بسال ۹۹۶ هجری صحیفی مطلق رقم کرده وبخط ثلث است ونیز درکتیبه ساختمان روی حوض صحن مسجد جمعه اصفهان چنین رقم‌کرده : « رقم فقیرصحیفی سنة ۹۸۵ » ودیگرکتیبه مسجدسرخی که نوشته‌شد رقم‌آن «بتاریخ اربع‌عشر والف رقم‌صحیفی» است ونیزدرکتیبه مسجد جارچی باشی رقم‌آن : « سنه تسع عشر و الف رقم صحیفی جوهری » میباشد . در کتیبه‌های دولنگه راست وچپ درشمالی مسجد جمعه‌که تاریخ ندارد چنین‌نوشته شده : « رقم‌فقیرصحیفی‌الجویمری[۲] » درکتیبه لنگه چپ‌درمقبره شاه‌زند نوشته :

۱- نقل‌ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۷۵ تا ص۴۷۷ .

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۵۹ .

بطوریکه تذکره‌نویسان نوشته‌اند صحیفی جوهری شیرازی ازکتابه نویسان پرکاربوده که‌کمتر مزاری بوده در زمان اوکه درآن مزار کتابه بخط اودرآن نباشد. وی ازبزرگزادگان طایفه ذوالقدر فارس بوده ودر شیراز متولد گردیده است. در جوانی از شیراز باصفهان‌آمدو چون آن زمان‌دوران تشویق هنرمندان‌وخطاطان بود در آنجا اقامت کرد وبکار کتابت‌پرداخت وشعر هم میسرودتا اینکه درسال ۱۰۲۲ هجری وفات کرد و در محل سه‌تنان نزدیکی مسجد جامع مدفون گردید و این اشعار را حکیم شفائی درسوك وماده تاریخ وفاتش سرود :

چون‌صحیفی‌جوهری‌ز قضـا	از جهان رفت جانب عقبی
دل خلق‌جهان بسوخت براو	همه را دیده گشت خون پالا
بی بدل بود در فنون سخن	در فن شعر بود بی همتـا
تا قیامت بر این کتابه دهر	رقم خط او بود پیدا

←

«رقم صحیفی جوهری ۹۹۴» ودر کتیبه سر در مسجد کوچك جورجیر «رقم فقیر صحیفی جوهری فی سنة ثمان عشر والف » و در کتیبه داخل بقعه شهشهان بخط ثلث : « فی شهر ذی الحجة سنة ثلاث وعشر والف من الهجرة النبویة خط صحیفی الفارسی. »

ازمجموع یادآوریها استنباط میشودکه صحیفی شیرازی وجوهری وفارسی وجویمری یکی بوده وخط ثلث را خوش مینوشته و شعرهم میسروده است و علاوه بر اشعاریکه در کتیبه روی ساختمان حوض مسجد جمعه از او باقی مانده این یك شعر نیز درتذکره نصرآبادی[۱] ازاو نقل شده است :

شدم موئی و پیچیدم برآتش یار حاضر شد

عزایم خوان پری حاضر کند چون مو بسوزاند

مسجد سفره‌چی = مسجدسرخی طی شماره ۲۷۵ به ثبت تاریخی رسیده است[۲]

۳۰ ـ مسجد سلیمان بیك :

این مسجدکه در محله نوکوچه بازارچه خان واقع است کوچك وبانی آن سلیمان بیك ازدرباریان شاه عباس ثانی بوده وکتیبه سردرآن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« قدوفق لاتمام هذاالمسجد فی زمن دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم »
« مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه »
« عباس الثانی الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وسلطانه »
« اقل خلق الله سلیمان بیك چینی کش خاصهٔ شریفه خالصاً لله تعالی فی ۱۰۷۲ کتبه »
« محمد رضاالامامی[۳] » .

→

سال فوتش زعقل جستم گفت: «رفت ملا صحیفی از دنیا » ۱۰۲۲

از اشعار معروف ملا صحیفی ساقی نامه او است که مطلع آن چنین است:

بده ساقی آن آب فکرت گداز که پیرون دهددل ازاین پرده راز

۱ـ تذکره نصرآبادی ص ۳۰۵ . ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۴ . ۳ ـ نقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۱۱ .

۳۱ ـ مسجد سید :

پس از انقراض صفویه تقریباً ساختن مساجد بزرگ در اصفهان رو به‌رکود گذارد ومساجدی‌هم که گاه‌بگاه بوسیله مردان خیر ساخته میشد کوچك و محقر بود تااینکه درعصر فتحعلی‌شاه ومحمدشاه قاجار حجةالاسلام حاجی‌سید محمدباقر شفتی رشتی بیدآبادی تصمیم ببنای مسجد جامع معروف به مسجد سید گرفت و میتوان‌گفت این مسجد یکی ازمساجد بزرگ وباعظمت اصفهان است .

تاریخ صریح بنای مسجد ازآغازمعلوم نیست ولی‌آنچه مسلم‌است دراواخر نیمه‌اول قرن‌سیزدهم[۱] شروع‌گردیده وتا آخرقرن مزبور و اوائل قرن چهاردهم ادامه داشته ومعذلك بعضی ازتزیینات مسجدهم تاکنون انجام نشده است .

این مسجد واقع است در محله بیدآباد و ببازارچه بیدآباد اتصال دارد و دارای چهار درب‌است[۲] ومساحت‌آن ازلحاظ طول۹۵متر وعرضش ۸۵متر میباشد ومجموع مساحت‌آن بالغ برهشتهزار وهفتادوپنج (۸۰۷۵) متر است .گنبداصلی وشبستانهای طرفین درقسمت جنوب واقع شده است ، ازاره مسجد ازسنگ سیاه و قسمتهای فوقانی ازکاشیهای هفت رنگ بنا گردیده ، خطوط کتیبه‌های مسجد که مشتمل‌براخبار واحادیث وآیات‌قرآنی‌است اغلب‌مربوط به‌محمدباقرشیرازی‌است.

درشمال غربی شاخصی منصوب است که ساعت ظهـر را تعیین میکند و در بالای ایوان جنوبی گلدسته واقع و ساعت بزرگی نصب‌شده و درطرفین‌آن دومناره ساخته شده است .

درسمت شرقی وغربی‌مهتابیهای وسیعی درطبقه دوم وجود داردکه دراطراف آن حجره‌هائی‌را برای سکونت طلاب‌بناکرده‌اند در وسط مسجد حوضی مستطیل شکل و درمشرق مسجد شبستان بزرگی قرار دارد . معروف است‌که زمین مسجدرا

۱- درتاریخ اصفهان وری ص۲۸۸ نوشته‌اندکه تاریخ شروع‌بنا / ۱۲۴۰ هجری بوده است.

۲- ۱ـ در جنوب‌شرقی. ۲ـ در زنجیر(شمالی). ـ۳ درحمام‌دوقلو. ۴ـ در جنوب غربی معروف به‌درملاعلی‌میرزاکه مؤذن‌خوش‌صوت مسجد ومورد اعتمادسید بوده‌است. نامبرده نیای مادری پدر نگارنده است وپسرش ملایوسف درزمان حاج سیداسدالله مؤذن بوده است برای‌اطلاع ازشرح‌حال آنان به ص۸۰ بخش اول آتشکده اردستان رجوع شود.

درزمان شاه سلطان‌حسین فتحعلی‌خان اعتمادالدوله وزیرشاه مزبور خریده بودکه درآن مسجدی بناکندولی دراثرهجوم افغانها مقدور نگردید تااینکه حجةالاسلام شفتی مبادرت باین‌کار بزرگ‌کرد .[1] (ش ۶۷)



(شکل ۶۷)

کتیبه‌های مسجد سید باین شرح است :

۱ ـ کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۷۷ .

لاجوردی رنگ شامل سوره اسری تا آخر آیه ۲۵ وآخر کتیبه چنین‌است: « کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۵۶ ».

۲ ـ در زیر کتیبه افقی نمای فوقانی ایوان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ درچهار لوح بزرگ این‌عبارات مکتوب است :

« قال تعالی یا ایهاالذین آمنوا ان‌تنصروا الله ینصرکم‌الله فلاغالب لکم وان، « یخذلکم فمن‌ذا الذی ینصرکم من‌بعده و علی‌الله فلیتوکل المؤمنون ان‌المتقین » فی‌جنات‌النعیم کتبه محمدباقر الشیرازی » .

۳ ـ دربالای اسپرهای‌دوطرف ایوان بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی اشعار زیرخوانده میشود :

« خدیو کشور دین شهریار خطه ملت
که کیوانش‌برد حسرت همی برخادم‌ایوان »
« شه ملك سیادت حجة الاسلام آن کامد
بدم‌چون‌عیسی‌مریم‌بکف چون موسی‌عمران»
« بامرش شد بنا این‌مسجد عالی بآن نزهت
که باشد هر شبستانش نظیر روضه رضوان »
« سزدگر کعبه‌اش‌خوانی‌که‌شد سرکاراتمامش
سمی زاده آزر سلیل خواجه کیهان »
«چوشدمعموراین‌معبدهلال[1] ازبهر تاریخش
بگفتا : « شد بنای کعبه ثانی با صفاهان »
(۱۲۵۵)

۴ـ کتیبه داخل ایوان جنوبی بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ نخست : « قال‌الله تعالی » وسپس‌آیات از۱۴ تا ۱۷ سوره رعد وآیات از۳۱ تا ۳۳ سوره ابراهیم ودنباله آن چنین است :

۱ـ آقا محمد حسین فرزند آقامحمد علی‌مذهب متخلص به‌هلال وهمت از شعرای اواخرقرن سیزده واوائل قرن‌چهاردهم هجری است . (مقدمه دیوان طرب) .

« صدق‌الله العلی العظیم کتبه محمد باقر الشیرازی سنة خمس و خمسین و » « مأتین بعد الف ۱۲۵۵ ».

در پائین حاشیه دو اسپر ایوان مزبور نام استادان کاشی‌پز مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین ترتیب نوشته شده‌است: «عمل کمترین معصوم فی ۱۲۵۵ ».

ودر حاشیه کوچکی بخط نستعلیق لاجوردی برزمینه کاشی سفید رنگ نوشته شده : « عمل کمترین آقاجان ۱۲۹۹ » و در ایوانهای کوچك فوقانی ایوان جنوبی بخط بنائی مشکی معرق برزمینه سفید خوانده میشود :

« یامن هوخالق لکل شیئی » « سبحان ربی العظیم وبحمده »

« سبحان ربی الاعلی وبحمده »

۵ـ کتیبه داخل گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی شامل سوره جمعه و آخر آن چنین است :

« کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۸۸ » وبرکاشی دیگری نوشته شده : « اللهم اغفر لحمد اسمعیل ».

۶ـ در اطراف هلالها نخست عبارت : «قال‌الله سبحانه تبارك و تعالی» و سپس آیات ۴۰ تا ۸۵ سوره مریم وبجملات زیر تمام میشود : « صدق‌الله العلی العظیم . کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۹۸ ».

۷ ـ کتیبه اطراف محراب بزرگ داخل گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی ابتدا : « قال‌الله تبارك و تعالی» و سپس از آیه ۸۳ تا ۱۰۰ سوره مؤمنون و پایان کتیبه چنین است :

« صدق الله العلی العظیم کتبه محمد باقر الشیرازی فی ۱۲۵۹ ».

۸ ـ کتیبه داخل محراب بزرگ بخط ثلث ونستعلیق برزمینه کاشی برجسته هفت رنگ عبارات : « یاسامع المناجات » و « یامجیب الدعوات » هریك سه‌مرتبه تکرار شده است .

۹ ـ کتیبه محراب کوچك سمت راست بخط ثلث پس از ذکر آیه اول تا دهم سوره علق در داخل قطارها بخط بنائی مشکی برزمینه سفید نام کاشیکار بشرح پائین خوانده میشود :

« عمل استاد حسن بن استاد علی »

۱۰ـ کتیبه محراب کوچك سمت چپ بخط ثلث نخست از آیه ۱۱ تا آخر سوره علق و کتیبه مزبور باین قسمت ختم میشود :

« صدق الله العظیم والنبی الکریم کتبه عبدالجواد ابن عبدالحمید ۱۲۹۷[۱] »

۱۱ـ کتیبه زیر ایوان شمالی مسجد بخط ثلث سفید برزمینهٔ خشت لاجوردی جمله : « قال الله تبارك و تعالی » وسپس آیات از ۳۴ تا ۳۶ سوره نور و درپایان آن این عبارات نوشته شده است :

« صدق الله العلی العظیم کتبه محمد باقر الشیرازی فی سنة ۱۲۵۹ » .

۱۲ـ کتیبه داخل ایوان شمالی بخط ثلث ابتداء از آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۲ سوره اسری وسپس در آخر آن تاریخ : « ۱۲۹۹ هجری » ذکر شده است .

۱۳ ـ کتیبه منظوم بالای دوپشت بغل کاشیکاری داخل ایوان مزبور بخط نستعلیق لاجوردی برزمینه کاشی خشت سفید رنگ باین شرح نوشته شده است :

« نجل پاك حجة الاسلام آن میر همام
جعفر ثانی کز اول شد ملاذ خاص و عام »

« بانی اتمام این صفه چه شد گوئی که گفت
ایزدش بادا جزایت خیر فی دارالسلام »

« ازخرد کردم سؤال ازسال تاریخش جواب
گفت طوبی لك چه شداین صفه عالی تمام »

پا بنه اندر مقامان بهر تاریخش بگو:

« صفه مسجد بیامد قبله گاه خاص و عام »

۱ـ عبدالجوادبن عبدالحمید خطاط ونقاش بوده ونقاشی اطاق عمارت مسعودیه اهدائی بوزارت فرهنگ سابق ازقلم اواست . تذکرة القبور چاپ دوم ص ۱۲۹ .

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1] که این کتیبه ها از آن اقتباس شده در مصرع اخیر « قبه‌گاه » نوشته شده است در صورتیکه درست آن « قبله‌گاه » میباشد ؛ زیرا مصرع مزبور بحساب جمل بطوریکه درکتاب مزبور درج شده بالغ بر ۱۲۸۰ میشود و وقتی لفظ (پا) که بحساب با رقم۳ برابر است از ۱۲۸۰ کم کنیم میشود ۱۲۷۷ هجری وحال آنکه باید مطابق ۱۳۰۷ هجری باشدکه تاریخ مساوی آن در دو اسپرداخل ایوان (۱۳۰۷) اعلام گردیده‌است ولی اگر « قبله‌گاه » خوانده شود مجموع حروف مصرع آخر بحساب جمل با ۱۳۱۰ منطبق میشود وچون لفظ (پا) بحروف جمل بارقم ۳ تطبیق میکند از ۱۳۱۰ کسر کنیم همان عدد مطلوب که ۱۳۰۷ باشد بدست میآید .

۱۴ ـ کتیبه دواسپر داخل ایوان بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ چنین است :

« انامدینة العلم وعلی بابها ۱۳۰۷ » .

۱۵ ـ درکتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی آیات از ۲۵ تانصف آیه ۴۵ سوره اسری وبعبارت زیر پایان میگیرد :

« کتبه‌محمد باقرالشیرازی الآتشی‌فی‌سنة سبع وخمسین ومأتین‌بعدالالف. »

۱۶ ـ بخط نستعلیق طلائی برزمینه لاجوردی رنگ نام‌خطاط اشعار چنین نوشته‌شده است : « کتبه الاحقراسدالله[2] غفرله وستر ذنوبه ۱۳۰۸ ».

نام کاشی‌ساز درزیر مصرع : « بدانا ازپی تاریخ اتمامش خرد گفتا » چنین نوشته شده :

« عمل آقاجان کاشی‌پز غفرله »

ونام حجار در زیر گلدانهای سنگی طرفین ایوان چنین نوشته شده : « عمل کمترین‌حسن‌ابن‌حسینعلی حجارسنه۱۳۰۹» «التماس‌دعا ۱۳۰۹» ونیز بخط نستعلیق

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۸ .

۲ـ اسدالله رجالی فرزند عبدالجوادبن عبدالحمید اصفهانی مولود ۱۲۸۲ و متوفی پنجم ذیحجه ۱۳۷۲ از شاگردان میرزا فتح‌الله جلالی‌درخط ونویسنده خطوط نسخ ونستعلیق بوده‌است .

سفید برزمینه مشکی درسمت راست ستون سنگی نوشته شده :

« خادم بیت‌الله حسینعلی ۱۳۰۸» و برقسمت پائین ستون سنگی سمت چپ نوشته شده :

« هاجی[۱] اسمعیل حجار » « التماس دعا دارم سنه ۱۳۰۹ »

۱۷ ـ بردیوار شمالی ایوان کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق ریز لاجوردی بر زمینه کاشی خشت سفید وصورتی چنین خوانده میشود :

« ایوان این گلدسته راپرداخت از حسن عمل
سید محمد جعفر آن بدر امم صدر ملل »
« زهدش چوسلمان بی‌ریارایش چوبیضا پرضیا
رویش چوبستان باصفاخویش چوگلشن درعمل »
« ازسعی او شد با صفا مانند سعی صفا
صحن فضایش چون منی لیکن بوادی جبل »
« گلدسته آن ازصفا چون باغ رضوان بی‌نظیر
ایوانی اما در بنا چون قصرکسری بی‌بدل »
« ازبعد چندین سال ومه فصل ربیع انجام شد
خرم چوماه فرودین فرخ چوآغاز حمل »

« تاریخ اتمامش یکی میخواست بانی گفتمش :
« گاه نماز آمد بگو حی‌علی خیرالعمل »

تاریخ اتمام برحسب حروف جمل مطابق است باسال ۱۳۰۵ هجری ولی در نوشتن اشعار مزبور اختلافاتی وجود داردکه درست آن همانست‌که نوشته شد وآن اختلافات چنین است‌که درکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان[۲] که مبنای نقل است درمصرع: (رویش چوبستان باصفا خویش‌چوگلشن در عمل) (صفای) با یاء نوشته

۱ـ برای امتیازکسانی‌که دراثرتشرف بمکه حاجی‌نامیده میشوند بکسانیکه درروز عیدقربان متولد میشوند هاجی با هاء هوز میگویند .

۲ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۹ .

شده درصورتیکه درکتاب تاریخچه ابنیه‌تاریخی[۱] اصفهان(صفا) نوشته شده وچون مفاد دوم درست بنظر میرسد بدون یاءِ نوشته شد . درمصرع : (صحن‌فضایش چون منی لیکن بوادی جبل) در گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] :

(صحن فضایش درمنالیکش‌بوادی‌ملل) ودرتاریخچه‌ابنیه تاریخی‌اصفهان[۳]: (صحن‌فضایش چون منی لیکن‌بوادی جبل) نوشته شده است‌که چون درست آن منی ولیکن وجبل‌بود همانطور تصحیح ودرج‌گردید .

درگنجینه آثارتاریخی[۴] این‌مصرع(گلدسته‌آن‌ازصفا) (گلدسته‌آنك‌ازصفا) و درتاریخچه‌ابنیه[۵] تاریخی (گلدسته آن ازصفا) نوشته شده و درکتاب حاضر مانند تاریخچه ابنیه تاریخی درج‌گردید .

درگنجینهٔ آثارتاریخی‌اصفهان[۶] این‌مصرع (ایوانی امادربناچون قصرکسری بی‌بدل) و در تاریخچه ابنیه تاریخی[۷] (قصرکبری) نوشته شده که چون درست آن‌همان است‌که درگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان مرقوم شدبهمان وضع درج‌گردید .

مورد اختلاف دیگرمصرع‌آخر ماده تاریخ است‌که درتاریخچه‌ابنیه تاریخی اصفهان نوشته شده:[۸] « کان‌ماه بازآمد بگوحی‌علی خیرالعمل » که بحساب جمل باسال۱۳۰۸منطبق میشود ودرگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان[۹] نوشته شده : «گاه نماز آمد بگوحی‌علی‌خیرالعمل» که بحساب‌جمل‌مطابق‌است باسال ۱۳۰۵هجری وچون مفادگنجینه آثار تاریخی اصفهان درست بنظر رسید بهمان منوال نوشته شد .

۱۸ــ کتیبه ایوان کوچك واقع درخاور ایوان شمالی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« هنا مصرع‌الحلم والقدس‌والتقی هنا مطلع‌الانوار من‌جهة العلی »

« هنا بیت معمور و واد مقدس وجنة عدن انزلت جانب الثری »

« هنا معدن التقوی و کنز فتوة هنامخزن‌التوفیق‌والرشدوالهدی»

« نظمه اقل‌الحاج میرزافتح‌الله »

---

۱ ، ۳ ، ۵ ، ۷ ، ۸ ــ تاریخچهٔ ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص ۱۷۸ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۶۹ . ۴ ، ۶ ، ۹ ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۷۷۰ .

« ایا قبة النور من فیك ضاجع اباقر علم‌الله ام آیة النهی »
« ایا قبره ان‌الذی قد ضمنته لحجة اسلام و منتخب الوری »

« کتبه اسدالله شهیر برجالی »

« تضمنت بحر الجود والعلم والکرم ووارث نورالله فی اظلم الدجی »
« وزینها بالنقش سید ولده ابوجعفر السامی مقتدی الوری »
« سئلت عن التاریخ قال کمابدا « هنامصرع الحلم والقدس والتقی »

۱۳۱۳

در پائین اشعارمزبور در دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی این دوشعر نوشته شده است :

« این بارگه نور جلی میباشد جاروب کشش حسینعلی میباشد »
« هرکس که چواو براستی خدمتکرد شایسته لطف ازلی میباشد »

درضلع غربی ایوان مزبور بخط ثلث زرد رنگ برزمینه کاشی خشت لاجوردی برجسته چنین نوشته شده است :

« قال‌الله تعالی وان‌المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً » ودر بالا وپائین :
« یاقاضی‌الحاجات یاکافی‌المهمات » نوشته شده است .

۱۹ ـ کتیبه ایوان کوچك واقع در باختر ایوان شمالی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی باین‌شرح است :

« لمسجد اسسه اس‌التقی تم لسعی نجله نجم‌الهدی »
« اسسه مؤسس العلوم اتمه متم تأسیس النهی »
« اسسه الحصن لدین الله اتمه الرکن لشرع المصطفی »
« اسسه‌القمقام استاد البشر اتمه العلام مقتدی الوری »
« اسسه باقر علم الدین اتمه الجعفر ذوالمجدالعلی »
« تاریخ هذاالبیت للاتمام اطلبه من بیت الاخیر المنتهی »
« اسسه رکن الهدی مجدالنهی « وجعفر سلیله فیه سعی »

۱۳۱۸

« عبده العاصی اسدالله رجالی غفرذنوبه »

۲۰ ـ کتیبه‌داخل ایوان غربی بخط ثلث سفیدبرزمینهٔ کاشی لاجوردی مشتمل بر آیه ۳۰ تا نصف آیه ۴۵ سوره اسری است .

۲۱ـ کتیبه مهتابی‌شمال‌غربی‌بخط بنائی‌معرق سفیدوزرد برزمینه فیروزه‌ای نخست سوره‌اخلاص وسپس درزیر چهار اسپرشمال وجنوب‌آن بخط نستعلیق‌سفید برزمینه لاجوردی این‌اشعار نوشته شده است :

« احمدکه شه سریر لولاك آمد — جائی‌است‌کز آلایش‌تن‌پاك آمد»
« یك‌حرف‌زمجموعه‌عزوشرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

* * *

« دریای سپهر کافتابست کفش — نبودچوعلی‌گوهری اندرصدفش»
«خورشیدبدرگهش‌شودهمچه هلال — تا عکس دهد بماه در نجفش »

۲۲ـ کتیبه مهتابی شمال شرقی درچهار اسپربخط بنائی برزمینه فیروزه‌ای باین‌شرح خوانده میشود :

« قال‌الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجدالله من‌آمن بالله والیوم الاخر ».

و درذیل اسپرهای مزبور بخط نستعلیق‌سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این‌کتیبه منظوم نوشته شده :

« گفتا بوصی خود نبی مطلق — نشناخت تراکسی‌بغیرازمن‌وحق»
«حق‌را نشناخت‌کس بغیرازتوومن — نشناخت مراکسی بغیرازتووحق»

* * *

« مسلم‌است علی‌راهمه‌صفات صمد — بغیرازاین دوصفت‌لم‌یلدولم‌یولد»
« به‌احمدوبه‌احدجزازاونیابی‌راه — که مظهراحداست وخلیفه‌احمد »

۲۳ـ کتیبه مهتابی جنوب شرقی :

درچهار اسپر بخط بنائی معرق برزمینه کاشی سفید سوره ماعون و دریك مربع بزرگ آیه ۵۱سوره قلم‌نقش گردیده است ، ودر ذیل اسپرهای مذکور بخط

نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی این کتیبه منظوم خوانده میشود :

« گفتا بوصی خود نبی مطلق نشناخت مرا کسی بغیر از تو وحق »

« حق را نشناخت کس بغیر از من و تو نشناخت تو را کسی بغیر از من و حق »

* * *

« دوش احمد زد قدم بتها شکست ازهم علی
ساخت ویران کفر را از امر حق آن دم علی »

« آن که از تیغش سپر افکند جبریل امین
بود سیف الله فوق ایدیهم علی »

کتیبهٔ مهتابی جنوب غربی مسجد مانند مهتابی شمال غربی مسجد است و خطوط بنائی آن شامل سورهٔ کوثر است .

۲۴- کتیبه سردر جنوب شرقی مسجد :

در بالای در ورودی بخط ثلث برزمینه کاشی لاجوردی نخست: « قال الله تعالی » وسپس آیات ۱۳ و۱۴ ونصف آیه ۱۵ سوره رعد کتیبه شده و پایان آن چنین ختم میشود: « کتبه محمد باقر الشیرازی » .

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید پس از : «قال الله تبارك وتعالی »آیات ۳۴ و ۳۵ و۳۶ سوره نور و دنباله آن چنین است : « صدق الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی الکریم فی سنه ۱۲۵۹ کتبه محمد باقر الشیرازی » ودریك کاشی بالای عبارت : « فی سنه ۱۲۵۹ » نوشته شده « سنه ۱۳۱۱ » که میرساند خط در ۱۲۵۹ نوشته شده ولی در ۱۳۱۱ هجری گرده برداری شده است .

در زیر گلدان اسپر بالای کتیبه در دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی این شعر نوشته شده است :

« رواج مذهب جعفر چو شد پیدا از این مسجد
بگو تاریخ او طغرل : « رواج مذهب جعفر »

که بحساب جمل باسال ۱۳۱۰ هجری منطبق میگردد. درقسمت بالائی اسپر

این‌دوشعر بخط نستعلیق‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی چنین خوانده‌میشود :

« اقل بندگان استاد محمود که‌برجانش‌زایزدباد رحمت»

« بفرمان سمی‌جعفر آراست دری‌کوطعنه‌زدبرباب‌جنت »

برنمای‌خارجی‌سردرمزبور بخط نستعلیق‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ اشعار زیرکتیبه شده :

« سلیل حجةالاسلام فخرالصادقین جعفر
که دارد علم جعفرصدق بوذر زهد سلمانی »

« نشد ترویج ار اسلام ز آبای عظام او
نه اسمی‌بود از اسلام ونه نامی ازمسلمانی »

« بود هرخیر درعالم ز گردون تا ابد باقی
شود آن‌خیررا راغب بودآن فیض را بانی »

« چه شد خاك‌صفاهان ازغبار مقدمش زینت
بهرجا طوطیای دیده شد کحل صفاهانی »

«کتبه‌اسدالله شهیر برجالی۱۳۱۱»

« سزد گر عرش اعظم دانی ایـن دارالعبادة را
نگنجد عرش واجب گر درون فـرش امکانـی »

« بنا شدکعبه و مشعر ولی درقدر و جاه آمد
برفعت مشعر اول بـرتبت کعبه ثانی »

« چه شد مفتوح این باب‌العطا جمعی ز دانایان
پی تاریخ او گشتند غرق بحر حیرانی »

« درآن‌محفل یکی از اهل دل داخل شد وگفتا
« بسوی ماگشود ابواب رحمت لطف یزدانی »

۱۳۱۱

ونیز دراطراف حاشیه های اسپرهای‌دوطرف سردر مشرف بجاده مجاوراین اشعار بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین نقش‌شده است :

« خلف حجة اسلام و سلیل اطیاب
غوث ایتام غیاث ضعفا ملجأناس »
« کز ششم حجة و هفتم بودش نام و نسب
بوالحسن سیرت موسی‌کف و عیسی انفاس »
« مسجدی را که پدر کرد بنا همچو خلیل
این پسر کرد ز اتمام مصون از اطماس »
« بانی مسجد اقصی بود و کفو حرم
زانکه سر دفتر تقوی بودش اس اساس »
« چون‌که فرمود به تزیین درون سعی بلیغ
نیز پرداخت باین سر در و باب و کرباس »
« هاتفی از پی تاریخ ندا زد از غیب :
« فتح الباب الی الجنة امنا للناس »
۱۳۱۱

این ماده تاریخ در صورتی با سال ۱۳۱۱ منطبق میگردد که الف (امنا) را حساب نکنیم و بگوئیم علامت تنوین است والا اگر مطابق نوشته حساب شود منطبق با سال ۱۳۱۲ هجری میگردد .

۲۵ـ کتیبه سردر شمالی :

کتیبه‌های نمای خارجی سر در زنجیرکه در اصلی بشمار میرود بخط ثلث سفید وزرد بر زمینه کاشی لاجوردی مشتمل بر سوره قدر وکوثر وجمعه و آیة ـ الکرسی وآیاتی از سوره یس میباشد وازنویسندگان آن خطوط حبیب‌الله فضائلی ازخوشنویسان معاصرکه انواع‌خطوطرا خوش مینویسد و دیگران‌که درکاشیکاری دخالت داشته‌اند نامبرده شده است .

اصول‌کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است .

این‌مسجد که یکی ازآثارمهم بشمار میرود طی شماره ۳۷۸ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۱ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن‌باستانی‌ایران ص۵۹.

۳۲ ـ مسجد شاه = عباسی = سلطانی :

این مسجد که درمحله‌ای بنام‌مسجد شاه ودرجنوب میدان شاه واقع‌گردیده ازبناهای شاه عباس اول شاه مقتدر وخیر صفوی میباشد .

مشهور اینستکه مسجد شاه بعد از اتمام ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله بنا گردیده وتاریخهای مختلفی برای سال‌اتمام وجود دارد .

مؤلف تاریخ اصفهان وری درباره بنای مسجد شاه چنین‌گفته [۱] :

«و امامسجد شاه‌شالوده مسجدی‌بزرگ درآن‌ناحیه‌بسلطنت سلطان‌محمدبن»
« طهماسب که نورچشمانش ضعیف بود و ولیعهدی سلطان حمزه بکوشش میرزا »
« سلمان جد بنده مؤلف نذرنموده بود درشکرانه نجات ازقتل‌خود زمان‌اسماعیل»
« ثانی تأسیس‌نماید ومیرزا سلمان جابری اصفهانی اعتمادالدوله و سیدالوزراء »
« زمام مهام امور دولت او مستقلاً بکفایتش بود و دختـرش زن سلطان حمزه »
« چنانچه خود گیلان وگرجستان را بگشود ومالیات دو سال بگرفت ، سال۹۸۰ »
« میرزا سلمان نبیره خواجه میرزا مسعود جابری بودکه به ۹۳۰ وزارت دربار »
« طهماسبی داشت وخانه‌های او حوالی سرای گلشن‌تاکوچه حاج عباس درسلسله »
« جابریان هنوز بعضی‌باقی‌است ونوشتجاتش نزدبنده موجود پس‌از شهادت میرزا»
« سلمان دربیرون‌قلعه هرات بدست امرای‌خائن‌در۹۹۱ وسپس‌شهادت حمزه‌میرزا »
«در۹۹۴وانقلاب احوال وآمدن شاه‌عباس بزرگ در۹۹۸ باصفهان تصمیم‌بوفای‌نذر »
« پدر و توسعه مسجد گرفت، چو او نیزازخطر قتل‌نظربشب جمعه‌بودن درهرات »
« نجات یافت وجنگهای بااوزبکان و عثمانی وانقلاب خراسان و آذربایجان عزم »
« شاهانه را دوسالی تأخیرانداخت تا آغازهزار (۱۰۰۰) که میدان نقش‌جهان را »
« ساخت سال‌بسال بتکمیل ابنیه پرداخت اواخر ۱۰۱۹ باتمام مسجد اهتمام شده »

درنصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان راجع باین مسجد چنین‌گفته شده است :

« ازمساجد بزرگ معتبر مسجد جامع عباسی‌است که بمسجد شاه معروف »

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۲۵۴ تا ص۲۵۵ ۲ ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان از ص۶۲ تا ص۶۴ .

« و در سمت جنوب میدان نقش‌جهان است آنرا شاه عباس بزرگ هفده سال قبل »
« ازوفات و انقضای زمان سلطنت خود شروع بعمارت نموده و تاریخ اتمام آنرا »
« متعرض نشده‌اند که خود او باتمام رسانیده یا دیگری از اخلاف او تمام نموده »
« است ومذکور درافواه مهندسان ومعماران مشهور میان ایشان آنست که محوطه »
« مسجد را تمام‌کنده بآب رسانیده‌اند وازآنجاباسنگ وساروج ساخته بمحاذات »
« زمین رسانیده‌اند وبنای جدار وسقوف نهاده برای این‌مسجد بزرگ سه گنبد »
« وچهار ایوان عالی‌ساخته‌اند وایوان سمت‌قبله عالیتر وگنبد آن وسیعترورفیعتر »
« است وازجمله ابنیه منیع‌تر بردوطرف این ایوان یعنی سربالای آن دو مناره »
« زیبا ساخته‌اند که درآن اذان هم‌توان‌گفت. ارتفاع این‌ایوان سی‌ودوذرع (۳۲) »
« وارتفاع گنبدآن پنجاه (۵۰) ذرع شاه است . در این گنبد بجنب محراب آن »
« منبری ازسنگ مرمر یك پارچه ساخته ونصب نموده‌اند که زیاده قابل نظاره »
« ودرکمال تعریف است‌ودر دوطرف این‌گنبد وچهلستون‌طرح انداخته‌وساخته‌اند »
« وعقب آنها دوصحن بزرگ با ایاوین اطراف‌که هریك آنها بقدر مسجد متعارفی »
« است شاه سلیمان ساخته و بسمتهای دیگر مسجد بطبقه بالا غرفات وحجرات »
« جهت طلاب علم‌بنا نموده‌اند. صحن این‌مسجد وسیع است وعرض‌آن طرف‌طول »
« واقع‌شده ومحل عبرت مهندسان‌گشته است‌که‌چرا چنین نموده‌اند وتاحال سبب »
« آن معلوم کسی‌نشده . تمام این‌مسجد ازداخل وخارج‌کاشیکاری وازاره‌های آن »
« سنگ مرمر است وصحن‌آن‌را ازسنگ پارسی متعارف‌فرش نموده‌اند و دراین »
« زمان بحکم پادشاه مرمت‌کامل نموده و دو مهتابی بصحن‌آن بناکرده و حوض »
« بزرگ‌میان مسجدراکه بطرزقدیم ونامرغوب‌بود تغییرداده‌حوض بزرگتر بطرز »
« این زمان با سنگهای قائم ساخته‌اند . این‌مسجد را سردری است عالی باکمال »
« زیبائی وبالای‌آن سنگ مرمر وسرآن را مقرنس کاشی سنگین‌که ازآن بهتر »
« متصور نباشد در نهایت تکلف بطرف میدان ساخته‌اند و دری‌که روی آن تنکه »
« نقره گرفته ودورآن کتیبه که میگویند خط رشیدای خوشنویس است وآنرا »

« گرده نموده بر آن کنده‌اند بر آن نصب و مرتب داشته و دو دروازهٔ دیگر هم »
« درآن دوصحن شاه سلیمانی بطرف محله درست نموده وگشاده‌اند ودو شبستان »
« نیزکه یکی ازآنها بزرگ وقابل تعریف است ودیگری کوچکتر بطرف مشرق »
« ومغرب آن درست ومرتب‌کرده‌اند . طول این‌مسجد یکصدوچهل‌وشش (۱۴۶) »
« ذرع شاه و عرض آن هشتاد وچهار (۸۴) ذرع است . گلدسته این مسجدراکه »
« موضع اذان است بربالای ایوان مغربی ساخته‌اند ، بسیاربزرگ وخوشنما که‌از »
« آن بهتر متصور نباشد وبالجمله باستحکام و درستی‌وزیبائی این مسجد درایران »
« بلکه سایر ممالك جهان موجود نیست . » (ش۶۸)



(شکل ۶۸)

درعالم آرای عباسی [1] دروقایع سال۱۰۲۰ چنین‌گفته شده است :
« در اوایل این‌سال فرخنده آغاز خجسته انجام شهریار ظفر قرین نصرت »
« فرجام را نیت خیر امنیت به‌اسطرلاب فکرت بدان مقصور ومعطوف گردید که »

۱- عالم آرای عباسی ج۲ ص۸۳۱

« درحوالی نقش‌جهان اصفهان ببنای مسجد عالی‌بنیان‌که دربلاد ایران بل‌معموره،
« جهان مثل آن نشان نتواندداد بپردازند وچون دارالسلطنه اصفهان را ازعمارات،
« عالیه ومنازل مرغوبه ودلگشا وباغات عنبر شمیم روح‌افزاوانهار وبساتین نمونه،
« خلد برین‌گردانیده‌اند اگر چه مسجد عالی [۱] و مدرسه‌ای[۲] در جانب شرقی،
« و شمالی میدان نقش جهان ترتیب داده بودند اما آنها در برابر همت بلند آن،
« حضرت پست مینمود ومکنون ضمیرانور بودکه همچنانکه آن بلده جنت‌مثال،
« ازعمارات عالیه وباغات وقیصریه وخانات واسواق رشك بلاد ومصدوقهٔ ارم ذات،
« العماد التی لم‌یخلق مثلها فی‌البلاد است مسجد عالی‌اساس ومدارك وبقاع‌الخیر،
« آن‌حضرت‌نیزارفع‌مساجد وبقاع‌ایران ودرزینت وصفا ازبیت‌المعمور ومسجداقصی،
« نشان‌دهدبعد ازملاحظه اطراف‌میدان‌نقش‌جهان‌جانب‌جنوبی‌میدان‌که خانی‌بزرگ،
« درآنجا ترتیب یافته بود اختیار فرمودند وعمارت خان مذکوررا کنده درساعت،
« سعدکه اهل‌تنجیم‌از زایجه طالع‌میمون همایون‌استخراج نمودند معماران‌حاذق،
« ومهندسان مدقق‌که دراعمال‌هندسی ودقایق‌کارهریك چون‌مرکزپرگاردم ازتفرد،
« ویکتائی میزدند طرح‌مسجد ومقصوره انداخته استادان نادره‌کار بمبارکی واقبال،
« شروع‌درکارکردند. ازغرایب‌حالات ونوادر اتفاق‌پیدا شدن‌معدن‌سنگ‌مرمراست،
« درحوالی[۳] صفاهان‌که درهیچ‌زمان کسی‌ازآن نشان نیافته بود وهماناسنگهای،
« مذکور درآن مکان ودیعت نهاده دست قدرت ازلی‌است‌که تا غایت بجهت زیب و،
« زینت‌این‌معبد شریف ازنظرخلق پنهان بوده وازمیامن‌بخت بلند ونیت ارجمند،
« این‌خسرو فیروزمند دراین عهد ظهوریافت وازاین معنی استدلال توان‌کرد که،
« ظهور این‌آیتی است روشن وعلامتی واضح برصدق نیت وحسن‌اعتقاد بانی وقدر،
« ومنزلت این‌بنا در درگاه مبدع جهان آرا که چنین‌سنگهای یکپارچه طویل‌و،
« عریض منقوش ایوان را که در معموره جهان مثل آن نشان نمیتوان یافت،
« آرایش‌این‌ثانی بیت‌المعمورگردانید :

۱ - منظور مسجد شیخ لطف‌الله است .
۲ - اشاره به مدرسه ملاعبدالله میباشد .
۳ - مقصود اردستان است .

« تاریخ این خجسته بنا خواستم زدل

از شوق گفت : « کعبه ثانی بنا شده » »

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[1] راجع باین مسجد چنین گفته :

« ازسال ۱۰۲۱ تا ۱۰۴۰ هجری ۱۶۱۲ـ ۱۶۳۰ م در جنوب میدان شاه یا »
« میدان نقش جهان ساختمان با شکوه مسجد شاه واقع‌شده است ، شاه عباس‌کبیر »
« برای زیبائی میدان ومقر سلطنت خود بعد از ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله در »
« بیست‌وپنجمین‌سال سلطنت خود (۱۰۲۱ هـ ـ ۱۶۱۲ م) تصمیم گرفت این‌مسجد »
« راکه پدرش سلطان محمد قصد بنای آنرا کرده بود ساختمان نماید . در کتابی »
« خواندم که ماده تاریخ مسجد شاه را اینطور نوشته :

« تاریخ این خجسته بنا خواستم زدل

ازشوق‌گفت: (کعبهٔ ثانی بناشده) ۱۰۱۸»

« شاه درنظر داشت ساختمان این مسجد را زودتر از مدت پانزده سالیکه »
« صرف بنای مسجد شیخ لطف‌الله شده بود باتمام رساند و بهمین جهت در امر »
« ساختمان آن عجله وشتاب مینمود وبطوریکه مشاهده میشود ابتدا بنابود تمام »
« کاشیکاری مسجد مانند سردر ورودی آن ازکاشیهای معرق تزیین شود ولی‌بعد »
« بانظر استادان فن اتمام این‌عمل بکاشی خشت هفت رنگ مبدل‌گردید و برای »
« سرعت اتمام بنای مسجد میخواست از سنگهای مرمرمسجد جامع استفاده‌کند »
« ولی‌مخالفت علماء وبزرگان او را منصرف‌نموده وپس‌از رسیدن سنگهای مرمر »
« از اردستان در مسجد نصب‌گردید .»

« در دوطرف سردر زیبا وبا شکوه کاشیکاری مسجد دو مناره بلند طرفین »
« بارتفاع ۴۸ مترقرار دارد و در جلو محوطه آن بشکل کثیرالاضلاع ده ضلعی »
« است حوض هشت ضلعی قشنگی میباشدکه در سالهای قدیم مملو ازآب وبرای »
« مصرف مجاورین‌وضو ونمازگزاران بکار میرفته و اکنون مدتها بدون آب‌آنرا »

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۹۷ ص۹۸ .

« نگهداری مینمایند ، گویند این حوض بمنزله ترمومتر هوای اصفهان ، « بوده است . »

ازگفته‌های مؤلفان که بتفصیل ذکرگردید چنین معلوم شد :

۱ ـ ساختمان مسجد جامع‌بزرگی در اصفهان ازخواسته‌های سلطان محمد پدر شاه عباس بوده وچون شاه عباس بزرگ هم از قصد پدر آگاه و موافقت داشته پس از پای تخت قرار دادن اصفهان و آماده بودن وسائل بانجام خواسته مزبور پرداخته است .

۲ ـ این‌که محل‌فعلی‌مسجد شاه پیش‌از ساختمان مسجد کاروانسرای بزرگی بوده که مورد استفاده‌بوده است وپس‌ازتصمیم بساختن‌مسجدابتدا کاروانسرا خراب وسپس‌ببنای مسجد پرداخته‌اند .

۳ ـ تاریخ شروع بنا سال یکهزار وبیست هجری بوده است و این‌که برخی گفته‌اند[۱] که درصفر سال ۱۰۱۹ بوده درست بنظر نمیرسد ، زیرا صفویه بخصوص کارهای خیر و بزرگ را در ماههای محرم و صفر انجام نمیدادند و بعلاوه مؤلف عالم آرای عباسی‌که خود معاصر بوده تاریخ شروع بنا را (۱۰۲۰) نوشته است. امکان دارد درسال۱۰۱۹ مشغول تخریب‌کاروانسرا بوده‌اندکه برای ساختمان‌مسجد آماده ومهیا باشد . (ش ۶۹)

۴ـ درنظر بوده‌که سنگهای مرمر مسجد جامع در مسجد شاه بکار برده شود واین‌طور استنباط میشود که میخواسته‌اند مسجد جامع را خراب و از مصالح آن در مسجد جامع شاهی استفاده کنند و چون عملی غیرمجاز و نادرست بوده علماء وبزرگان شاه را ممانعت‌کرده‌اند .

۵ ـ سنگهای مرمریکه درمسجد شاه بکار برده شده از رنگون[۲] اردستان بوده است[۳] واین‌نکته را شاردن فرانسوی نیز درسفرنامه خوداشعار داشته است[۴]

۱ـ وقایع السنین والاعوام خاتون‌آبادی .

۲ ـ رنگون از دهات روستای علیای اردستان است و در حدود لاسیب واقع‌گردیده است .

۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۳۲ .

۴ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۲.

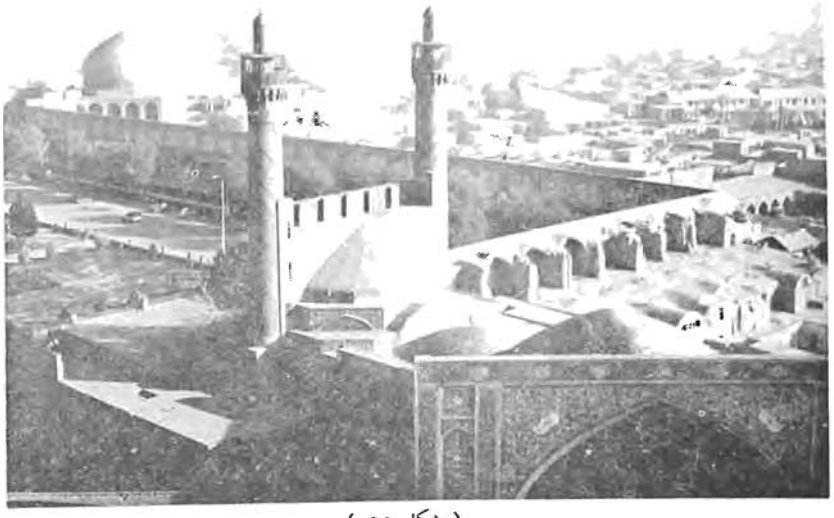

(شکل ۶۹)

کتیبه‌های مسجد بردوقسم است :

الف ـ کتیبه‌هائی که مربوط به‌مسجد است :

۱ـ کتیبه سردر ورودی بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه‌کاشی‌لاجوردی مربوط بسال ۱۰۲۵ هجری وبخط علیرضا عباسی چنین‌خوانده میشود :

« امر ببناء هذاالمسجد الجامع من‌خالص‌ماله اشرف خواقین‌الارض نسباً و» « اکرمهم‌حسباً واعظمهم‌رفعةً وشاناً واقواهم‌حجة وبرهاناًواشملهم عدلاً واحساناً » «ترابالعتبةالمقدسةالنبویة وقمامةالساحةالمطهرةالعلویةابوالمظفرعباس‌الحسینی» « الموسوی الصفوی بهادرخان لازالت رقـاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و » « جباه افاخم السلاطین معفرة بتراب اعتابه وقد اهدی ثوابه الی‌روح جده‌الاعظم » « الاکرم الافخم شاه‌طهماسب سقی‌الله ضریحه صوب‌الرضوان واسکنه غرف‌الجنان» «کتبه علیرضا العباسی فی‌سنة ۱۰۲۵ »

ازمفهوم کتیبه استنباط میشود که درسال ۱۰۲۵ هجری بنای مسجد باتمام نرسیده بوده است چه لفظی‌که مفید معنی اتمام بنا باشد درکتیبه دیده نمیشود.

۲ ـ در ذیل کتیبه بالا بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی چنین‌نوشته شده است:

« قد تمت بعون‌الله وحسن‌توفیقه عمارة المسجد الذی حری به ان یکون »
« جامعاً لما صلیت صلوة الجمعة بشرایطها فیضاهی‌المسجدالاقصی الذی بورك »
« حولها فطوبی ثم طوبی لمن‌رعی ترصیف بنیانها وارکانها اعنی‌من‌عظم قدره بین »
« اقرانها لازال کاسمه محب علی‌بیکالله و بمعماریة من‌فی‌العمل کالمهندسین و »
« هوالنادر الاوانی استاد علی‌اکبر الاصفهانی وباشراف من یشرفه‌الله شرفاً جزیلاً »
« فرعوابها بیکالاله کتبه محمد رضا الامامی ».

دراین کتیبه تصریح‌گردیده که عمارت مسجد بسرکاری و اهتمام محب علی بیك‌لله و مهندسی و معماری استاد علی اکبر اصفهانی اتمام یافته است ولی تاریخ اتمام معلوم نیست.

۳ ـ بر دو اسپر کاشیکاری دو طرف در ورودی درهشت لوحه بخط مشکی برزمینه فیروزه‌ای چنین کتیبه شده:

« قال‌الله سبحانه و تعالی انما یعمر مساجدالله من‌آمن بالله و الیوم الاخر و »
« اقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من‌المهتدین »
« قال النبی صلی‌الله علیه‌وآله اذارایتم الرجل یتعاهدالمسجد فاشهدواله بالایمان».

و در دو طرف جلوخان سر در بخط ثلث زرد رنگ بر زمینه کاشی خشت لاجوردی این عبارات خوانده میشود:

« قال‌النبی صلی‌الله‌علیه وآله انامدینة العلم‌وعلی‌بابها. » و بردو اسپرطرف خاوری وباختری جلوخان درقسمتهای فوقانی بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی این‌دوشعر نوشته شده است:

« ناد علیاً مظهر العجایب تجده عوناً لك فی‌النوایب »

« کل هم و غم سینجلی بنبوتك یامحمدو بولایتك یاعلی »

« کتبه العبدالمذنب الراجی ادیب مجلسی. »

و درپائین اسپرهای مزبوراین اشعار بخط نستعلیق حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی خوانده میشود .

« امی لقبی کز انبیا اعلم بود احمد نامی که سرور عالم بود »

« زان سایه نبودیش بهمراه که بود محرم جائی که سایه نامحرم بود »

۴ ـ در ضلع غربی جلوخان تخته سنگی بزرگ نصب شده که میگویند در قدیم روی آن وقفنامه موقوفات مسجد نوشته شده بوده و در زمان نادرشاه آنرا محوکرده‌اند و فقط این عبارت خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم »

۵ ـ کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ باین شرح است :

« قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی لمسجد اسس علی‌التقوی من‌اول یوم احق‌ان »
« تقوم‌فیه فیه رجال‌یحبون ان‌یتطهروا والله یحب‌المطهرین. عن‌ابن‌عباس رضی‌الله »
« عنه قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم ان‌علیاً وصیی وخلیفتی وفاطمة »
« زوجته‌سیدة نساء العالمین بنتی‌والحسن‌والحسین‌سیدا شباب اهل‌الجنة[1] والذی »
« والاهم‌فقد والانی ومن‌عاداهم فقدعادانی ومن‌اتاهم فقد اتانی‌ومن‌جفاهم‌فقد جفانی »
« ومن‌برهم‌فقد برنی‌ومن‌وصلهم‌وصل‌الله ومن‌قطعهم قطع‌الله ومن‌اعانهم‌نصرالله وخذل »
« من‌خذلهم اللهم‌من‌کان له‌من‌انبیائك ورسلك ثقل واهل‌بیت فعلی وفاطمة والحسن »
« والحسین‌اهل‌بیتی‌وثقلی‌فاذهب عنهم‌الرجس‌وطهرهم‌تطهیراً. قال‌کان‌امیرالمؤمنین »
« علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام یقول من‌اختلف‌الی‌المساجد اصاب احدی‌الثمان اخاً »
« مستفاداً فی‌الله عزوجل اوعلماً مستظرفاً اوآیة‌محکمة اورحمة‌منتظرة اوکلمة‌رده »
« عن‌ردی اویسمع‌کلمة تدل علی‌هدی اویترك ذنباً خشیة اوحیاء قال‌النبی صلوات‌الله »
« وسلامه علیه انا مدینة‌العلم و علی بابها . صدق رسول الله صلی‌الله علیه وآله . »

۱ ـ درحدیث بعد ازسیدا شباب اهل‌الجنة ولدی دارد .

۶ ـ کتیبه های مناره های سردر جنوب میدان شاه باخطوط بنائی تکرار سوره اخلاص وکلمات : لااله الاالله محمد رسول‌الله و الله‌اکبر است ، و درزیر مقرنسهای هردو مناره بخط ثلث بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین خوانده میشود :

« ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین‌آمنوا صلوا علیه وسلموا »
« تسلیماً وقل‌الحمدلله الذی لم‌یتخذ ولداً ولم یکن‌له ولی من‌الذل وکبره تکبیراً »

۸ـ کتیبه درنقره وطلا اندود ورودی اشعاری است بخط نستعلیق برجسته که احتمال داده‌اند خط رشیدای خوشنویس است[۱] وآن اشعار چنین است :

روی لنگه راست :

« چون خدیو زمانه شاه صفی — شاه دشمن‌گداز و بنده نواز »
« که از این‌در شه فرشته‌خصال — میبرد ره بکعبه بی‌تك وتاز »
« کی بانجام میرسد حرفم — وصف‌این مسجد ارکنم‌آغاز »
« مسجدی کز شرف بیك مسجد — کرده با مسجد الحرام نماز »
« خانهٔ بانی زمان و زمین — کعبهٔ ثانی عراق و حجاز »
« مرغ روح کبوتران حرم — میکند در هوای آن پرواز »
« نقرهٔ قرص مه ز رشك درش — میخوردچون طلای مهرگداز »
« بازشد چون بتازگی این در — در صفاهان بروی اهل‌نماز »

روی لنگه چپ :

« این بنا خلقتی که صبح ازل — در توفیق شد برویش باز »
« آنکه سعیش ببوستان نجف — داد آب روان بعمر دراز »
« شهسوار قلمرو دانش — خسرو عهد داور ممتاز »
« شرع پرور شهی که جبریلش — بدعا یاد کرده وقت نماز »
« داد فرمان که این در مسجد — یابد از نقره و طلا پرداز »

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص ۶۲

« زرگرانش بکارخانهٔ ذوق گرم‌خدمت شدندچون‌دم‌وگاز »
« چون باقبال شاه گشت تمام آمد از روی آسمان آواز »
« فکرتاریخ کرد واهب[1] وگفت « شد در کعبه در صفاهان باز »

۱ــ تاجا میرزا حسن‌بن میرزا بیك‌بن خواجه نعمت‌الله مالمیری اصفهانی متخلص به‌واهب‌متوفی (۱۰۵۸ هـ. ق) نبیره خواجه نعمت‌الله مالمیری است که اوهم ازنبیره‌های خواجه قوام الدین وزیر شاه شجاع است. واهب در زمان شاه صفی (۱۰۴۴ هـ.ق) بسمت مستوفی یزد منصوب شد وچهارده سال‌باین خدمت مشغول‌بود وسپس مستعفی‌گردید وچون قبل‌ازشغل مستوفی‌گری یزد در اصفهان عاشق پسری بنام زاغی بود واوهم گرفتار دیگری بود در این‌باب واهب‌غزلی سروده که نقل میشود :

ایکه صیاد مرا کرده نگاهت نخجیر با خبر باش که‌صیدش نشوی‌سهل مگیر
چنگ بر سینه شاهین قضا بند کند زاغ سیمرغ شکاری که تراگشته اسیر
منما چین جبین تا نربائی دل او دام عنقا نتوان یافتن از موج حصیر
آفتابی که رخ از مطلع حسن تونمود میبرد پرتو او روشنی از مهر منیر
تواگر باغ گلی او چمن یاسمن است در گلستان جهان هردو ندارند نظیر
عطر زلف تو اگر برده دل عالم را اوهم از نکهت خط‌کرده جهان‌راتسخیر
تیغ ابروت بابروی کمانش نرسد کار شمشیر نیاید ز غلاف شمشیر
پنجه عشق ودل نازك او انصاف است بنده گردیده بگلبرگ تری ناخن شیر
عشق ترکیت‌که از گوشه ابروی کمان پادشه را بزمین افکند از روی سریر
عشق بود آنکه بیکدم زدن همت او سر منصور ز دار ادب افتاد بزیر
عالمی‌صید توگردید چو او صید توشد بود در طالع حسنت‌که شوی عالمگیر
شب که مستانه بیزم تو قدم بگذارد سجده شکر کن ودرقدم دوست بمیر
به‌نگاهی‌که اسیرانه کند چشمش پوش بنیازی که فقیرانه زند دستش گیر
همچو مژگان‌خودانگشت بچشمت‌بگذار گر زمژگان تو خواهد که‌بسازد پر تیر
چمن‌خوبیت‌امروز که بابرگ ونواست گل به‌جیبش کن‌وچون‌غنچه مسازش‌دلگیر
نار پستان تو فرد است که‌بر نخل‌قدت بطریقی‌است که بر شاخ بخشکدانجیر
بصفای نظر و مهر و محبت سوگند که اگر آینه‌اش از تو شود زنگ‌پذیر
میکنم زود ترا چون شب خودتیره وتار میکشم زلف ترا چون‌خط اودر زنجیر

واهب علاوه برنظم در نثر نیز ید طولائی داشته که مختصری از یکی از رقعه‌های او نوشته میشود:

«امید که طره عنان سمند جهانگرد قضا و دنباله لگام توسن عالم مورد قدم همواره در « دست اختیار بندگان عالیمقدار . . . . » (جامع مفیدی ج۲ ص ۲۵۷) . در تذکره نصر-آبادی ص ۱۰۸ مرقوم است که در ترتیب نظم‌پایه سخن را باعلی مدارج رسانیده رباعیات ←

که میرساند درمزبور واندود کاری آن در سال ۱۰۴۶ هجری باتمام رسیده است . وچون شاه صفی‌درسال ۱۰۳۸ بسلطنت رسیده[۱] پس هنگام اتمام در مزبور مقارن با هشتمین سال سلطنت او بوده است .

۹ـ میان در نقره ولوح سنگی در اطراف یك طاق کاشیکاری در لوحه‌های متفرق‌بخط بنائی صلوات برچهارده معصوم وبعد: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله‌اکبر » در راهرو ورودی بچشم میخورد .

۱۰ ـ کتیبه فوقانی درون گنبد بزرگ ایوان جنوبی‌مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« من‌مناقب ابن‌المغازلی عن‌ابن عباس قال کنت جالساً مع‌فتیة من‌بنی‌هاشم »
« عندالنبی صلی‌الله علیه وآله اذا انقض کوکب فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله »
« من‌انقض هذاالکوکب فی‌منزله فهوالوصی‌من‌بعدی فقام‌فتیة من‌بنی‌هاشم فنظروا »
« فاذاالکوکب قدانقض فی‌منزل علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلم قالوا یارسول‌الله‌اغویت »
« فی‌حب علی فانزل‌الله والنجم اذا هوی ماضل صاحبکم وما غوی الی‌قوله‌بالافق »
« الاعلی . وفی‌مسندابن حنبل عن‌عبدالملك ابن عطیة قال اتیت زیدبن‌ارقم فقلت »
« له ان‌خالی حدثنی عنك بحدیث فی‌شأن علی یوم غدیر خم‌فانا احب ان اسمعه »
« منك فقال انکم معشر اهل‌العراق فیکم مافیکم فقلت‌له لیس‌علیك منی‌بأس قال »
« نعم کنا بالجحفة وخرج رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله ظهراً و هوآخذ بید علی »
« علیه‌السلم فقال ایهاالناس‌الستم تعلمون انی‌اولی بالمؤمنین من‌انفسهم قالوابلی »

→ ستهٔ میرزا محتشم را در جلوس شاه‌صفی جواب‌گفته بتحسین اهل بلاغت سرافراز گردیده در استیفای یزد فوت شد واهب تخلص داشت شعرش اینست :

واهب‌سفر بحر فنا کن‌که نمیری　　اینجانفس بازپسین باد مرادست.

۱ ـ در تاریخ جلوس شاه صفی غروری شاعر دو شعر گفته که هرمصرع آن جلوس شاه صفی است :

دادند سریر پادشاهی بصفی　　دوران زمان لایتناهی بصفی
۱۰۳۸　　۱۰۳۸
گویندزصدق اهل‌عالم همه شکر　　کافزود بهای تاج شاهی بصفی
۱۰۳۸　　۱۰۳۸

« قال فمن كنت مولاه فعلى مولاه . ومن مناقب ابن المغازلى عن جابر بن عبدالله قال »
« اخذ النبى صلى الله عليه وآله بعضدى على عليه السلم وقال هذا امير البررة وقاتل الكفرة »
« منصور من نصره مخذول من خذله ثم مدبها صوته فقال انا مدينة العلم و على بابها »
« فمن اراد العلم فليأت الباب ـ قد تشرف بكتابتها عبدالباقر التبريزى فى سنة ست »
« وثلثين والف حامداً لله تعالى. »

این کتیبه مطابق است با کتیبه‌ایکه در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان مذکور شده و بعینه نقل شده در قسمت منقول ازجابر نوشته شده « عن جابر ابن عبدالله » یعنی میان جابر و بن همزه قرار گرفته درصورتیکه مطابق قانون خط هرگاه کلمه ابن میان دوعلم واقع گردد همزه آن ساقط میشود علاوه بر این که ملفوظ نیست در خط هم نوشته نمیشود حالا این اشتباه از نویسنده خط کتیبه یا درقرائت کتیبه یا درچاپ کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان واقع شده باشد موکول برسیدگی بیشتری میباشد . (ش ۷۰)

۱۱ ـ کتیبه ایوان بزرگ جنوبی و اطراف محوطه زیر گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی از آغاز ضلع غربی شروع وپس از طی محوطه زیر گنبد بنقطه مقابل شروع درضلع خاوری ایوان ختم میشود وآن چنین است :

« قال ابن المغازلى فى مناقبه عن انس انه قال لما كان يوم المباهلة وآخى النبى
« صلى الله عليه وآله بين المهاجرين والانصار وعلى واقف يراه ويعرف مكانه لم يواخ »
« بينه وبين احد فانصرف على باكى العين فافتقده النبى صلى الله عليه وآله وسلم فقال »
« ما فعل ابو الحسن قال انصرف باكى العين يا رسول الله قال يا بلال اذهب فأتنى به »
« فمضى بلال الى على عليه السلم وقد دخل منزله باكى العين فقالت فاطمة ما ابكيك »
« لا ابكى الله عينيك قال يا فاطمة آخى النبى بين المهاجرين والانصار و انا واقف »
« يرانى ويعرف مكانى لم يؤاخ بينى وبين احد قالت لا يحزنك الله لعله انما ادخرك »
« لنفسه فقال بلال يا على اجب النبى صلى الله عليه وآله فاتى على النبى عليه السلم »
« فقال النبى صلى الله عليه وآله ما يبكيك ياعلى قال آخيت بين المهاجرين والانصار »

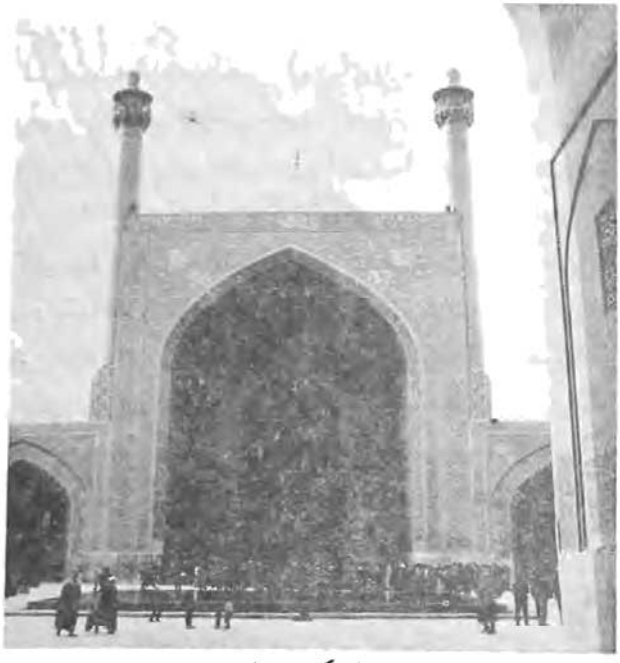

(شكل ٧٠)

« يا رسول الله وانا واقف تراني وتعرف مكاني لم تؤاخ بيني وبين احد قال انما ذخرتك ،
« لنفسي اما يسرك ان تكون اخا نبيك قال بلى يا رسول الله انى بذلك فاخذ النبى ،
« بيده وارقاه المنبر فقال اللهم ان هذا منى وانا منه الا انه منى بمنزلة هرون من موسى ،
« الا من كنت مولاه فهذا على مولاه فانصرف على قرير العين فاتبعه عمر بن الخطاب فقال ،
« بخ بخ يا ابا الحسن اصبحت مولاى و مولى كل مسلم . من مناقب ابن المغازلى عن ،
« جابر بن عبدالله قال وقد قدم نجران على النبى صلى الله عليه وآله العاقب والطيب ،
« فدعاهما الى الاسلام فقالا اسلمنا يا محمد قال كذبتما ان شئتما اخبرتكما ما يمنعكما ،
« من الاسلام قالا فهات انبئنا قال حب الصليب و شرب الخمر و اكل لحم الخنزير ،
« فدعاهما الى الملاعنة فوعداه ان يغادياه بالغداة فغدا رسول الله صلى الله عليه وآله واخذ ،

« بید علی وفاطمة والحسن والحسین ثم ارسل الیهما فابیاان یجیبا واقراله بالخراج »
« فقال النبی صلی الله علیه وآله والذی بعثنی بالحق نبیاً لوفعلا لامطرالله علیهما »
« الوادی نارا قال جابر نزلت فیهم هذه الایة فقل تعالوا ندع ابنآئنا و ابنائکم ونساءنا »
« ونسآءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین، قال الشعبی »
« ابنائنا الحسن والحسین ونسآئنا فاطمة وانفسنا علی بن ابی طالب. وتلك فی المناقب »
«عن زید بن ارقم قال انه دخلت رسول الله صلی الله علیه و آله فقال انی مؤاخ بینکم »
« کما آخی الله بین الملائکة ثم قال لعلی انت اخی ورفیقی ثم تلا هذه الایة اخوانا »
«علی سرر متقابلین الاخلاء فی الله بعضهم ینظر الی بعض وعن محمد بن عبدالله بن »
« ابی رافع قال نادی المنادی یوم احد لاسیف الاذوالفقار ولافتی الاعلی و فی مناقبه »
« ایضاً قال رسول الله صلی الله علیه وآله مکتوب علی باب الجنة محمد رسول الله علی »
« اخو رسول الله قبل ان یخلق السموات بالفی عام کتبه بحمدالله وحده عبدالباقی[1] »

۱ـ عبدالباقی دانشمند ازمردم تبریز وبفنون وهنرهای گوناگون آراسته بود مدتها دراکتساب علوم وفضایل رنجها کشید و در خدمت علاء یك که از فحول هنرمندان بود تلمذ میکرد تا خود دانشمندی گران مایه گشت وبرکرسی اشتهار نشست آنگاه از تبریز بجانب بغدادسفر کرد و در آن‌وقت مصطفی دده از مهره حسن خط بود که نظیر نداشت عبدالباقی بخدمت‌او شتافت و آنقدر رنج برد تا آنکه خطش شهره آفاق‌گردید واین خبر بسمع شاه‌عباس‌رسید اورا باصفهان دعوت کرد عبدالباقی امتناع کرد شاه‌عباس هم نوشتن کتیبه جامع بغداد رابه حسن چلپی محول کرد اوهم عبد الباقی را برای نوشتن کتیبه جامع بغداد انتخاب نمود ، پس از فتح قندهار شاه عباس مجدداً عبدالباقی را باصفهان دعوت کرد وروانه اصفهان شد و مورد نوازش واقع گردید ونوشتن کتیبه‌های مسجد شاه باومحول شد وبنوشتن آن‌پرداخت . دانشمند در نوشتن خطوط ثلث ونسخ ونستعلیق جلی‌ماهر وبر سایرین مقدم بود با اینکه مورد احترام ونوازش شاه عباس بود باززبان شکایت واعتراض داشته واشعاری در این زمینه سروده است، نامبرده در اوایل قرن یازدهم وفات کرد. ازاشعار اواست :

صاحبا عید آمد و ما را مهیا هیچ نیست — جامه‌دربرفوطه برسرکفش‌درپا هیچ‌نیست
شال و مندیل و قباوکفش در بازار هست — قیمتش بسیار کردم پول پیدا هیچ‌نیست
کردم از پوشیدنی قطع نظر اما چه سود — خوردنی‌درخانه ما غیر سرما هیچ‌نیست
سفره اعلای دون از نان وازحلوا پر است — پیش ما غیر ازکتاب نان‌وحلوا هیچ‌نیست
گرچه‌دربازار رنگارنگ‌انگور است لیك — درکف اطفال ما جزریش بابا هیچ‌نیست

←

۱۲ ـ کتیبه بالای محراب مرمری بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« روی عن‌النبی صلی‌الله علیه وآله انه قال یاعلی لوان عبداً عبدالله مثل »
« ما قام نوح فی‌قومه وکان له مثل‌احد ذهباً فانفقه فی‌سبیل‌الله ومد فی‌عمره حتی »
« حج الف حجة علی قدمیه ثم قتل بین‌الصفا والمروة مظلوماً ثم‌لم یوالك یاعلی »
« لم یشم رایحة الجنة کتبه محمد صالح ۱۰۳۸ » .

این‌کتیبه را محمدصالح درهمان‌سال وفات شاه‌عباس بزرگ نوشته ولی‌معلوم نیست‌که درسلطنت‌شاه صفی بوده یا این‌که هنوز شاه عباس بزرگ زنده بوده است .

۱۳ ـ کتیبه محراب غربی چهلستون خاوری بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین‌خوانده میشود :

« عن ابی‌عبدالله علیه السلم قال لما هبط جبریـل علیه‌السلم بالاذان علی »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله کان رأسه فی‌حجر علی علیه‌السلم فاذن جبریل‌علیه »
« السلم واقام فلما انتبه رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله قال سمعت یاعلی‌قال حفظت »
« قال نعم قال ادع بلالافعلمه فدعا علی علیه‌السلام بلالاً فعلمه کتبه محمد رضا »
« الامامی [1] » درداخل همین محراب بخط‌ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت‌لاجوردی

→

حال خدمتکار و نوکر را چگویم درلباس — جز زمین و آسمان درزیروبالا هیچ‌نیست
این همه بگذار حرف‌قرض خواهان‌داشتو — وجه قرضی دابجز امروزوفردا هیچ‌نیست
جزوئی قرض ازکسی کردم‌طلب‌گفتا بچشم — تاقیامت صبرکن زیرا که حالا هیچ‌نیست
ازره طبع آزمائی چند بیتی گفته شد — ورنه مارا جزخدا ازکس تمنا هیچ‌نیست

(نقل از تاریخ خط و خطاطان ج۱ ص۴۷ تاص ۴۸)

۱ ــ محمدرضا امامی‌اصفهانی‌قدوه خطاطان وخوشنویسان عهد شاه‌عباس‌بزرگ(۱۰۳۸-۹۹۶) تا شاه سلیمان (۱۱۰۶–۱۰۷۸) بود ودر نوشتن خط ثلث جلی ثانی علیرضا عباسی‌بود، این نویسنده زبردست دربیشترکتیبه‌های مسجد شاه اصفهان هنرنمائی‌کرده وهمینطور درکتیبهٔ سایر مساجد وبقاع اصفهان خط چون بال طاووسش در کاشیهای معرق وآجری یافت میشود چنانچه در محراب دست چپ مسجد شاه رقم‌کرده: «کتبه محمدرضا الامامی‌الاصفهانی سنه ۱۰۳۸» واین سالی بوده که شاه عباس بزرگ بدرود زندگی‌گفته است .

←

رنگ خوانده میشود :

« قال الله عزوجل یا ایهاالذین آمنوا اذانودی للصلوة من یوم الجمعه فاسعوا »
« الی ذکرالله وذروا البیع ذلکم خیرلکم ان کنتم تعلمون . »

۱۴- کتیبه اطراف محراب شرقی چهلستون شرقی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

«عن ابی عبدالله علیه السلم قال من سمع المؤذن یقول اشهدان لااله الاالله واشهدان»
« محمداً رسول الله فقال مصدقاً محتسباً وانا اشهدان لااله الاالله و اشهدان محمدا »
« رسول الله اکتفی بها عمن ابی و جحدواعین بها من اقرو شهد الا کان له من الاجر »

→

و نیز در بیرون محراب مسجد شاه سلیمان نوشته است: « کتبه محمد رضا الامامی سنه ۱۰۷۷» ازنوشتن کتیبه‌های مختلف معلوم میشود که محمد رضا امامی عمر طولانی کرده چه اولین کتیبه اودر (۱۰۱۲ ه.ق) وآخرین کتیبه او (۱۰۷۷ ه.ق) میباشد و با این ترتیب معلوم میشودکه زمان اساتیدی چون میرعماد وعلیرضا عباسی وعبدالباقی و محمدصالح همه‌را درك کرده است واین مرد بزرگ نزد سلاطین‌عصر خود بسیار محترم‌وبزرگوار بوده وسلاطین وامراء وشاهزادگان صفویه در موقع بنای عمارتی اورا مأمور نوشتن کتیبه آن میکردندبطوری که هیچ مدرسه ومسجد وبقعه‌ای درعصر او ساخته نشده که فاقد خط او باشد بیشتر قصور و عماراتی که در آن‌تاریخ بناشده وپر از خطوط خطاط مزبور بوده در حکومت مسعود میرزا ظل‌السلطان مورد بی‌مهری قرار گرفته و تیشه بیداد آن قصور و عمارات را ویران ساخت بطوریکه نوشته‌اند درمدت‌حکمرانی خود قریب هفتاد عمارت وبناهای بزرگ‌را خراب کرد. مدیر روزنامه چهره‌نما که خود اصفهانی است خرابی عمارات عهد صفوی را در اصفهان بخوبی مجسم کرده و در این اشعارکه در ذیل درج میگردد بیان نموده است :

گامی بصفاهان زنهان‌ای‌دل حسرت زا — بین‌قصرشهنشاهان ویران شده سر تا پا
هرسو که سرا بوده یکسرشده ویرانه — هرجاکه بنا بوده ویرانه شده یکجا
کاخان‌که زدی‌هریك برچرخ‌سر ازرفعت — از فر شه عباس شاهنشه ملك آرا
هریك شده بومان را ویرانه و کاشانه — کاشانه وویرانه هر یك شده بومان را
هان رود صفاهان بین باناله همی‌گوید: — کوقصر شهنشاهان‌چون گشت عمارتها
از هشت بهشت او نبود اثری اکنون — وز نقش جهان آرا نقشی نبود برجا
هفت‌دست‌شده ازدست ازدست‌ستمکاران — گلدسته شده بی دست ازدست ستم والا
پالای سرشك‌از چشم از باغ زرشگ‌او — کزصرصرعدوان‌سوخت‌آن‌باغ‌بهشت‌آسا

محمد رضا امامی در سال یکهزار وهشتاد واندی وفات یافت.
(نقل از تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۱۱۱ تاص ۱۱۳)

« عدد من انکر وجحد و عدد مثل من اقر و اعترف کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی »
« الادهمی ۱۰۳۸ » .

و در داخل محراب مزبور بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی کتیبه‌ای باین شرح خوانده میشود :

« . . . . انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون »
« الزکوة وهم راکعون قال النبی علیه السلم الصلوة معراج المؤمن . »

۱۵ـ کتیبه درون ایوان شمالی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل است برسوره دهر ودرپایان آن چنین رقم شده است : « کتبه ـ عبدالباقی فی الف وثلاثین وخمس. » که درزمان شاه عباس بزرگ نوشته شده است.

۱۶ـ کتیبه ایوان وسط ضلع شرقی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح نوشته شده:

« قال ابو نعیم المحدث فی کتابه فی قول الله عزوجل واسأل من ارسلنا من قبلك »
« من رسلنا فقال النبی صلی الله علیه وآله لیلة اسری به جمع الله بینه وبین الانبیاء »
« ثم قال اسألهم یامحمد علی ما بعثتم فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم بعثنا »
« علی شهادة ان لااله الاالله والاقرار بنبوتك و ولایة علی بن ابی طالب علیه السلم . »
« و عن ابی ذرالغفاری قال قال رسول الله صلوات الله وسلامه علیه لعلی بن ابی طالب »
« علیه السلم انك قسیم الجنة والنار وانك تقرع باب الجنة و تدخلها بغیر حساب . »
« تعمیر آذر ۱۳۲۹» .

ازقسمت آخر کتیبه معلوم میگردد که درسال ۱۳۲۹ شمسی درآذرماه کتیبه مذکور مورد تعمیر قرارگرفته است.

۱۷ـ کتیبه داخل گنبد شرقی درقسمت فوقانی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی ابتدا سوره فتح تا آخر آیه دهم آن و دنباله آن این عبارت خوانده میشود: «صدق الله العظیم حر ره محمدغنی.» ومعلوم میگردد که یکی از نویسندگان خط ثلث آن زمان محمد غنی بوده است که کمتر خط اودیده شده است.

۱۸- کتیبه درون گنبد بخط ثلث برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

«فی مسند ابن حنبل عن البراء بن عازب قال اقبلنا مع النبی صلی الله علیه و آله»
«فی حجة الوداع حتی کنا بغدیرخم فنودی فینا الی الصلوة جامعة وکسح لرسول-»
« الله صلی الله علیه و آله بین شجرتین واخذ بید علی فقال الست اولی بالمؤمنین»
« من انفسهم قالوا بلی یا رسول الله قال الست اولی بکل مؤمن من نفسه قالوا بلی»
«یا رسول الله قال هذا مولا من انا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فلقیه عمر »
«فقال هنیئاً لك یا ابن ابی طالب اصبحت وامسیت مولا کل مؤمن ومؤمنة. ومن مناقب»
«ابن المغازلی عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی بن ابی طالب»
«علیه السلم یوم فتح مکة اما تری هذا الصنم یا علی قال بلی یا رسول الله قال فاحملك فتناوله»
«قال بل انا احملك یا نبی الله فقال صلوات الله وسلامه علیه لو ان ربیعة ومضر جهدوا ان یحملوا»
«منی بضعة واناحی ما قدروا ولکن قف یا علی فضرب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم»
«ویدیه الی ساقی علی فوق القربوس ثم اقتلعه من الارض بیده فرفعه حتی تبین »
«بیاض ابطیه ثم قال تری ما اری یا علی قال الله عزوجل قد شرفنی بك حتی لواردت»
«ان امس السماء لمستها فقال له تناول الصنم یا علی فتناوله علی فرمی به ثم خرج»
«النبی صلی الله علیه و آله من تحت علی وترك رجلیه فسقط علی الارض فضحك فقال»
« ما اضحکك یا علی فقال سقطت من اعلی الکعبة فما اصابنی شیئی فقال النبی »
«صلی الله علیه و آله کیف یصیبك وانما محمد حملك وانزلك جبریل علیه السلم و »
« عن ابی ذر الغفاری قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله من ناصب علیاً علی -»
«الخلافة بعدی فهو کافر وقد حارب الله ورسوله کتب بحمد الله الغنی القوی فی ثمان »
وثلثین والف. » .

هرچند در این کتیبه نام کاتب بصراحت برده نشده ولی ازطرز بیان فهمیده میشود که نویسنده خط آن همان محمد غنی است و درکتیبه اول که تاریخ نوشتن معلوم نبود ازمجموع دوکتیبه استنباط میگردد که محمد غنی ازنویسندگان خط ثلث در سال یکهزار وسی وهشت کتیبه‌ها رانوشته است.

۱۹ـ کتیبه درون محراب گنبد شرقی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل بر آیه ۱۴۴ سوره بقره و سپس باین رقم « کتبه محمد صالح [۱] الاصفهانی ۱۰۳۸ . » پایان می‌پذیرد.

۱ــ محمد صالح‌بن میرزا ابوتراب اصفهانی ازخوشنویسان معروف عصر صفوی و مؤلف تذکره‌ای راجع بهاحوال خوشنویسان است و در آن تذکره شرح حال خود را نیز بیان‌کرده است، در امتحان الفضلاء گفته که پس از قتل میرعماد شاه عباس اورا بهندوستان فرستاد تا رشیداخواهرزادهٔ میر را بایران بیاوردوشاه جهانمقدم اوراگرامی داشت ولی مانع ازبازگشت رشیدا شد وخود او باصفهان بازگشت واین‌درست بنظرنمیرسد چه محمد صالح‌تاسال۱۱۱۸ که کتیبه مدرسه چهارباغ را نوشته یا ۱۱۲۲ که کتیبه مسجد علیقلی آقا را نوشته حیات او مسلم‌بوده ومرحوم دکترمهدی بیانی درجلد سوم‌احوال وآثارخوشنویسان‌حیات اورا تا۱۱۲۶ هجری مسلم دانسته است وبا این ترتیب نمیتوان گفت که محمد صالح پسر میرزا ابوتراب بهندوستان رفته است‌ممکن است خود میرزاابوتراب‌رفته باشد وچون رشیدا نیامده‌خودبازگشته باشد. راجع بشرح حال خود چنین نوشته است :

«بعد چون بعضی از مخادیم کرام بگمان اینکه فقیرحقیر خاکسارا حقر کتاب محمد «صالح بن ابی‌تراب را اطلاعی برچگونگی خط وبهمرسیدن خطوط خطاطان هرزمان میباشد» «خواهش فرمودندکه تذکره‌ای دراوضاع خطوط‌واحوال‌خوشنویسان درسلك‌تحریر درآورد » «بنا برفرمان وامتثال وامرملازمان ذی‌شأن ایشان‌آنچه ازاین‌مراتب‌که مسموع این بی‌بضاعت» «شده بود در مقام تنمیق آن درآمده بعزعرض میرساندکه قلم بر دو نوع است: یکی نباتی» « است و آن کام شیرین‌کن خوشنویسان و کاتبان کرامت آیات است . . . دیگری » «قلم‌موست.. ذکر احوال خود کمترین‌هرچند که درعالم خوشنویسها از همه شاگردان‌مرحوم» «والد خود وباقی خوشنویسان عهد در دنیا نسبت وحسن خطی که موجب امتیاز و افتخار » «باشد ندارد،اما قریب به‌چهل‌سال است که سررشته تعلیم خط نستعلیق در دست بنده وباین» «تقریب درخدمت اکابر واصاغر ترك وتاجیك این ولایت واهل هر دیاری که وارد این شهر» شوند مشغول است وشعر ابوطالب کلیم‌که :

«درجهان طالع خاکستر صیقل دارم　　خودسیه رو وهزار آینه‌روشن‌کردم»

«و این رباعی از خود مناسب حال خود است:

«نیستم‌قدری‌که گویم‌رطل ومدگردیده‌ام　　از گناه اما گرانتراز احد گردیده‌ام »

«چون‌خمیر ترش‌اگرخودنان‌نمیگردم‌ولی　　مایهٔ نان هزاران بذر خود گردیده‌ام »

« ما صدق حال است ، از فقیر فیضهای وافی و شافی بخلق‌الله رسیده که هرکس تعلیم » «از بنده گرفت، نشد که صاحب خطی و لب نانی نشود، بلکه اکثر باعلی مدارج مراتب » «عالیه دنیا رسیده صاحب مزینهای بلند و خدمات ارجمند گردیده‌اند. شاید باین تقریب »
←

→
«جمعی طلب مغفرتی بکنند یا ازراه قدرشناسی نام حقیر را گاهگاهی ببرند یادر نوشتجات»
«به تقریبات بخیر یاد فرمایند، از آن جمله چون مناسب مقام است بذکر آن میپردازد که »
«بیست و سه سال قبل از این ارسطوی عهدکه قوت متخیله افلاطون طفل‌رضیع افکاربدیع »
«وخیالات دقیق نیتش را مهد بود اعنی غریق رحمت ربانی، بلبل گلشن سخندانی ، نواب »
«مستطاب فضایل مآب، وحیدالزمانی میفرمودند که اگر درخوشنویسی‌منشور خواهی ، اول »
«کسیکه چیزی خواهد نوشت من خواهم بود. بعد ازچند روز این فقرات را انشاء فرموده»
«قطعه‌ای برای‌بنده نوشته‌اند وعبارات‌آن قطعه اینست:

«نهال قابلیت شخصی که ازقطعه زمین ترابها اصقل من الماء وماؤها الطف‌من‌الهواء»
«بیار آمده باشد صالح است‌که بگلهای‌بدایع اعجارمنور وبروایح امتیاز معطر باشد،صدق»
«فهم صادق وصحت قول با نفس‌الامر مطابق دوگواه عدلند که شمیم نسرگسی که از قلم »
«سحر رقم این زبدة الاقران بمشام ادراك رسیده ازریحان خط یاقوت لبان شیده وبنفشه‌ای »
«که از جدول این خامه اعجاز شمامه بالاکشیده غبار خط بناگوش سیمین عذاران‌بگسرد »
«آن نرسیده، زمان حصول ترقیات نزدیك‌وچشم بد دورباد.»

« اما در این ایام که بازار کمالات کساد وخرمن هستی هنرمندان وارباب استعداد »
«نزدیك است به‌باد رود چند بیتی بطرح مثنوی با یك دو رباعی‌که مبتنی براین مطلب‌است»
« خود موزون‌کرده درین‌مقام‌ایراد می‌نماید ومسموع‌هوش‌وگوش هنرپروران هرعهدمی‌سازد»
«که هرچند روزگار برایشان تنگ گیرد باز ازعهد خود راضی‌باشند:»

« چه‌شدحق‌سعی‌وکجا شد سپاس چرا خلق گشتند حق ناشناس »

رباعی

«آنها کـه درین دیر فنا یارهمند پیوسته پی شکست بازارهمند »
«ارباب‌کمال را هنر معشوق‌است گرنیست‌چنین بهرچه اغیارهمند»
«قلم اینجارسید وسربشکست .»

در تاریخ وفات محمد صالح اختلاف است. سپهر در تذکرهٔ خود تاریخ وفاتش را ۱۱۳۰ هجری ضبط‌کرده ولی درجای دیگر تاریخ فوتش را ۱۱۲۶ هجری نوشته‌اند درهر حال یکی از خطوط اوکه در راهرو مدرسه چهار باغ وجود دارد حاکی از آنستکه در سال ۱۱۲۰ هجری حیات داشته است ونیزمحمدطاهروحید که‌برای او منشور نوشته درسال۱۱۱۲ هجری قمری مطابق گفته تذکره نصرآبادی وفات کرده است.

بنا بگفته مؤلف امتحان الفضلاء محمد صالح پس ازوفات در جوار آرامگاه پدرش میرزا ابوتراب در مسجد لنبان بخاك سپرده شده است .

(نقل از ج ۳ احوال خوشنویسان ص۷۶۷ تاص ۷۷۱)

موضوعی که بایدمورد توجه واقع شود سن محمد صالح است‌که در سال ۱۰۳۸ خط اوجزء خطوط خوشنویسان ثلث در مسجد شاه وجود دارد وباید گفت در آن موقع‌بسن۲۵ سالگی رسیده بوده است که توانسته است در حسن خط مشهور باشد پس سال ولادت او
←

۲۰ـ کتیبه ایوان غربی مسجدبخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت‌لاجوردی چنین است:

«قال‌الله تعالی شانه وتعاظم سلطانه انما یعمر مساجد الله من آمن‌بالله والیوم، «الاخر واقام الصلوة وآتی‌الزکوة ولم‌یخش‌الاالله فعسی‌اولئك ان یکونوامن‌المهتدین، « وقال تعالی فی سورة الجن وان المساجد لله فلا تدعوا مع‌الله احداً و عن مولانا « ابی عبدالله الصادق علیه السلم عن ابیه‌الباقر علیه السلم قال قال رسول‌الله صلی‌الله « علیه و آله وسلم من کان القرآن حدیثه و المسجد بیته بنی‌الله له بیتاً فی‌الجنة، « کتبه محمدرضا الامامی حامداً‌لله تعالی فی ۱۰۴۰ . »

۲۱ـ کتیبه درون‌گنبد غربی بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی باین شرح نوشته‌شده است :

« من مسند ابن حنبل عن سلمان قال سمعت‌حبیبی محمداً‌رسول الله « صلی الله علیه وآله یقول کنت انا وعلی نوراً بین یدی الله عز وجل یسبح‌الله « ذلك النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم بالف عام فلما خلق الله آدم رکب « ذالك‌النور فی صلبه فلم یزل فی‌شیئی واحدحتی ترقیا فی‌صلب عبدالمطلب‌ففی‌ـ»

→

۱۰۱۳ هجری بوده است وبا این ترتیب درسال ۱۱۲۰ که آخرین خط او وجود داردسن او بالغ بر ۱۰۷ سال خواهد بود، مگر اینکه گفته‌شود بیست سال داشته که خط سال۱۰۳۸ را نوشته است و با این فرض‌هم سن او بالغ بر ۱۰۳ سال میشودکه مستبعد بنظر میرسدکه بتواند در سن ۱۰۳ سالگی خطوط خوش بنویسد.

آنچه بنظر نگارنده میرسد اینستکه در قرن یازدهم چند محمد صالح باین شرح بوده‌اند :

۱ـ محمدصالح‌بن میرزا ابوتراب اصفهانی که درثلث‌نویسی شهرت داشته است.

۲ـ محمد صالح‌بن میرزا علی خاتون آبادی‌که درخط نستعلیق‌اشتهار داشته‌است .

۳ـ محمد صالح‌بن عباس مولوی که اوهم درخط‌ثلث مشهور بوده است.

وچون محمد صالح بن میرزا ابوتراب همانطور که خود در تذکره‌اش گفته متخصص در خط نستعلیق بوده نه ثلث پس کتیبه‌های مربوط بسال ۱۰۳۸ که بخط ثلث است ازآن‌او نیست وممکن است خط آن کتیبه مربوط بمحمد صالح مولوی باشد که اوهم‌درسال۱۰۳۹ کتیبه نوشته است وچون رقمها نیز تفاوت دارد بایدگفت که‌این‌سه‌نویسنده درموارد حالاتشان اختلاط پیدا کرده‌اند وتعیین خصوصیات آنان احتیاج برسیدگی بیشتر دارد.

«النبوة وفی علی الخلافة وایضاً من مسنده عن جابر بن عبدالله عن النبی صلی الله»
«علیه وآله قال ان الله عزوجل انزل قطعة من نور فاسکنها فی صلب آدم فساقها حتی»
«قسمها جزئین فجعل جزءاً فی صلب عبدالله وجزءاً فی صلب ابی طالب فاخر جنی »
« نبیاً واخرج علیاً وصیاً. ومن مناقب المغازلی عن عایشة قالت اقبل علی بن ابی طالب»
« قال النبی صلی الله علیه وآله من سره ان ینظر الی سید شباب العرب فلینظر الی»
« علی فقلت یارسول الله الست سید شباب العرب فقال انا سید ولد آدم وعلی سید»
« العرب فی الف وثلاثین وخمس کتبه عبدالباقی حامداً لله ومصلیاً علی محمد وآله.»

۲۲ ـ کتیبه دور زیر گنبد غربی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی چنین نوشته است : (ش ۷۱)

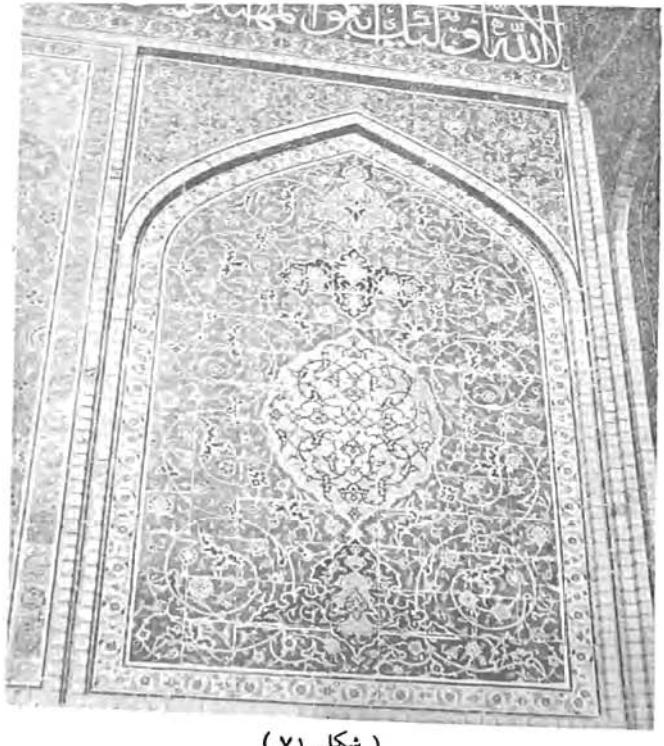

(شکل ۷۱)

« عن ابن عباس قال كنا جلوساً مع النبی صلی الله علیه وآله اذهبط علیه جبریل ،
« الامین علیه السلم جام من البلور الاحمر مسکا وعنبراً وکان الی جنب النبی صلی الله ،
« علیه وآله علی بن ابیطالب وولداه الحسن والحسین فقال له السلام علیك الله یقرأ ،
« علیك السلم ویحییك بهذه التحیة ویأمرك ان تحیی علیاً وولدیه. قال ابن عباس فلما ،
« صارت فی کف النبی صلی الله علیه وآله هللت وکبرت ثلثاً وقالت بلسان طلق ذرب ،
« بسم الله الرحمن الرحیم طه ما انزلنا علیك القرآن لتشقی فاشمها النبی صلی الله ،
« علیه وآله ثم حیی بها علیاً فلما صارت فی کف علی قالت بسم الله الرحمن الرحیم انما ،
« ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون ،
« فاشمها علی علیه السلام وحیی بها الحسن علیه السلم فلما صارت فی کف الحسن قالت ،
« بسم الله الرحمن الرحیم عم یتسائلون عن النبأ العظیم الذی هم مختلفون فاشمها ،
« الحسن وحیی بها الحسین علیه السلم فلما صارت فی کف الحسین علیه السلم قالت ،
« بسم الله الرحمن الرحیم قل لا اسئلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی ومن یقترف ،
« حسنة نزدله فیها حسناً ان الله غفور شکور ثم ردت الی النبی صلی الله علیه وآله ،
« فقالت بسم الله الرحمن الرحیم الله نور السموات والارض . قال ابن عباس فلا ادری ،
« اسماء صعدت او فی الارض توارت بقدرة الله عزوجل. عن علی علیه السلم قال رسول الله ،
« صلی الله علیه وآله الائمة بعدی اثنی عشر اولهم انت یا علی واخرهم القائم الذی ،
« یفتح الله علی یدیه مشارق الارض ومغاربها. عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله ،
« علیه وآله لما عرج بی الی السماء رأیت علی باب الجنة مکتوباً لااله الاالله محمد ،
« رسول الله علی حبیب الله الحسن والحسین صفوة الله و فاطمة امة الله لعنة الله ،
« علی باغضیهم کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی ۱۰۳۹. » (ش۷۲)

۲۳ـ در دوطرف محراب گنبد مزبور در دولوحه تازه بخط نستعلیق سفیدبر زمینه کاشی لاجوردی چنین کتیبه شده است :

« عمل عبدالرزاق کاشی پزکرمانی » در لوح دیگر « توسط باستان شناسی تعمیر شد ».



(شکل ۷۲)

۲۴ـ کتیبه نمای خارجی محراب شبستان غربی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی مشتمل بر آیات اول تا آخر آیه چهارم سوره اسری و دنباله آن چنین است : « کتبه محمد رضا الامامی غفرله ۱۰۷۷ ».

۲۵ ـ کتیبه درون محراب شبستان مزبور بخط ثلث طلائی بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود :

« قال الله سبحانه تبارك وتعالی سیقول السفهاء من الناس ماولیهم عن قبلتهم »
« التی کانوا علیها قل لله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم . قال »
« النبی صلی الله علیه وآله الصلوة معراج المؤمن کتبه محمد رضا الامامی ۱۰۷۷ ».

۲۶ـ کتیبه نمای خارجی ایوان بزرگ جنوبی مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر خوانده میشود :

« الحمدلله الذی زین مساجدالاسلام بتسبیحه و شیدبایدی الملوك کعبة ،
« الانام والصلوة والسلم علی محمد الذی شرف بصلوته مسجدالحرام و علی صاحب ،
« الصمصام و وصیه وبعد قد وفق الله الملك المؤید قبلة السلاطین وکهف الخواقین،
« السلطان بن السلطان بن السلطان محمد شاه الغازی خلدالله ملکه لتشیید هذا ،
المسجد الذی اسس علی التقوی بعون رکن السلطنة البهیة العلیة منوچهر خان ،
« معتمدالدولة کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی فی ۱۲۶۱ ».

از کتیبه مزبور استنباط میگردد که ایوان مسجد شکستی برداشته بوده و در دوران محمد شاه قاجار درسال ۱۲۶۱ هجری بوسیله منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان تعمیر گردیده است .

۲۷ ـ کتیبه بدنه مناره های ایوان جنوبی مسجد شاه که هریك ۴۸ متر ارتفاع دارند بخط بنائی حنائی رنگ شطرنجی بر زمینه فیروزه‌ای عبارت است از تکرار نام : « محمد » و «علی» وکتیبه فوقانی هردو مناره بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است :

« ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا ،
« تسلیماً وقل الحمدلله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن،
« له ولی من الذل وکبره تکبیراً ».

۲۸ ـ کتیبه نمای خارجی گنبد بزرگ دوپوش مسجد :

وضع این گنبد که بزرگترین گنبد دوپوش مساجد اصفهان است باین شرح می باشد :

تارك جدار خارجی گنبد از سطح مسجد ۵۴ متر ارتفاع دارد وارتفاع دیوار داخلی آن ۳۸ متر است ومیان دوپوش گنبد فضائی خالی وجود دارد. تزیینات کاشیکاری هفت رنگ درون گنبد ووجود منبر یك پارچه از سنگ مرمر وقطعات بزرگ سنگ

مرمر از تزیینات قابل توجه است و از خصوصیات دیگر گنبد مزبور انعکاس صوت در درون این گنبد است.

درگردنه این گنبد درهشت لوحه بزرگ بخط بنائی ساده لاجوردی بر زمینه فیروزه‌ای صلوات بر چهارده معصوم و پائین تر از آن بخط بنائی لاجوردی بر زمینه سفید: « سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر » و « الحکم لله » تکرار گردیده و در آخرین قسمت پائین گردنه گنبد بخط بنائی معرق لاجوردی بر زمینه سفید سوره دهر خوانده میشود.

۲۹ ـ کتیبه اطراف گنبد بزرگ مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است:

« بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله الواحد الاحد الملک القیوم الصمد »
« الدائم الباقی بلاامدالذی رفع قبة السمآء فبنی سقفاً مرفوعاً بلاعمد وزین ایوان »
« الفلک وشمسه بشمس مضیئة وقمر منیر وکواکب غیر محصورة فی اتقن عدد »
« صنع العالم وجعل فیه من الحکم والمصالح مالا یحصی ولایعد بنیان اسس علی قواعد »
« الصنع قائمة وثابتة وابدع فی الوجود بناءً بدیعاً لایضعضع ولایهد والصلوة والسلم »
« علی نبینا وسیدنا الرسول الامجد الصادق الامین رحمة للعالمین خاتم الانبیاء و »
« المرسلین ابی القاسم محمد صلی الله علیه وآله واصحابه الذین بذلوا مهجم فی »
« سبیل الله وبایعوا النبی بالصدق یداً بید سیما ابن عمه وصهره و وصیه وخلیفته و »
« اخیه ووزیره المعتمد امام الوری ومنار الهدی وکلمة التقوی و حجة الله العظمی »
« مولانا ومقتدانا علی بن ابیطالب علیه السلم صلوة دائمة مستمرة الی الابد و بعد »
« فقد تشرف ببناء هذه البقعة الشریفة و السقیفة المنیفة والجنبد الرفیع المطبق »
« تلو السماء البدیع المعلق للمسجد الجامع الذی اسس علی التقوی المخصوص بقوله »
« تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة ملک ملوک العالم »
« ومستعبد صنادید الامم الشهنشاه الاعظم المؤید المنصور المخصوص بعنایة رب العالمین »
« ظل الله فی الارضین السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه عباس الموسوی »

« الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و نصر جنده وابد دولته وحرس مهجته »
« وعافیته وافاض عارفته وابد دوام مدة فیض دولته القاهرة و خذل اعدائه بفضل »
« حقه وقرة عینه وخصه بمد عمره وعزه ومن علی الشیعة الفایزة الاثنی عشریة حتی »
« الجبابرة واقتل الاحبة من ابناء امیة والذی تبعهم فی الخسران وبوئهم دار جهنم و »
« بئس القرار اللهم ایده و انصره بحق محمد وآله الاطهار فی سنة سبع و ثلثین »
« و الف . »

۳۰ ـ کتیبه همان گنبد که در سال ۱۳۲۸ شمسی بوسیله اداره کل باستان شناسی مورد تعمیر واقع گردیده ولذا دنباله کتیبه ایکه درپیش گفته شد این قسمتهم اضافه گردیده است :

« درعصر سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی ضمن تعمیرات »
« اساسی مسجد سلطانی این کتیبه که بمرور زمان قسمتهای زیادی از آن ریخته »
« ومعدوم شده بود بوسیله دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد دانشگاه »
« تهران با استفاده ازباقیمانده کتیبه قبلی تکمیل وتلفیق گشته تحت نظر آقای »
« مهندس روان بد رئیس باستان شناسی اصفهان تهیه ونصب شد بخط آقایان بهادری »
« ومسمی پرست . عمل ایلیائی کاشی پز ومحمد علی کاشی تراش مقضی دیماه ۱۳۲۸ ».

ب ـ کتیبه‌های وابسته بمسجد شاه :

۱ـ کتیبه سنگاب چهلستون غربی گنبد مسجد بخط نستعلیق برجسته در الواحی باین کیفیت وشرح خوانده میشود :

« چون بفرمان سلیمان زمان شاه جهان — علی حبه جنة »
« آنکه باشد فلکش از مه نو حلقه بگوش — »
« شاه جمجاه کز آوازه آب تیغش — قسیم النار والجنة »
« شد بکانون جهان آتش بیداد خموش — »
« گشت در مسجد شاه این قدح آب تمام — وصی المصطفی حقاً »
« که ز هم چشمی او جام جم آمد بخروش — »

« نیست بر ساغر زرین فلك چشمك زن امام الانس و الجنة »
« بسکه موجش شده چون آب گهربار زنوش »
« گر چه سرپوش بدریا نتوان پوشیدن یا قاهر العدو »
« لیك بر شهرت بحرست حبابش سرپوش »
« خضر چون وصف روان‌بخشی این آب شنید یا والی الولی »
« گفت با آب بقا آب رخ خود مفروش »
« چون بیاد شهدا آبخوری میکوید یا مظهر العجائب »
« لب باز قدح اوکه بجان بادت نوش »
« فکر سامی پی تاریخ بهر سو میکشت یا مرتضی علی »
« گفتمش : زمزمی ازکعبهٔ ثانی‌زده جوش» ۱۰۹۵

کتیبه‌مزبور حاکی است که سنگاب درزمان شاه سلیمان صفوی درسال۱۰۹۵ آماده شده است وشاعریکه اشعاررا سروده سامی بوده است ولی خطاط آن معلوم نیست. در مسجدشاه چند سنگاب دیگر وجود دارد ولی هیچکدام جز سنگابی‌که نوشته شد کتیبه‌ای ندارند.

ج- کتیبه‌هائی که ارتباطی بامسجد ندارند:

۱- فرمان شاه عباس بزرگ راجع به‌بخشش ۸۴ تومان وکسری دلالی بازار ریسمان :

این فرمان که درلوحه‌ای درغرب ایوان بزرگ جنوبی مسجدشاه نصب شده بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر چنین است :

« چون همگی همت‌والانهمت بندگان‌اشرف‌همایون اعلی مصروف ومعطوف»
« بر آن است که عجزه ورعایا مرفه الحال وفارغ البال بدعای دوام دولت ابد »
« مقرون مشغولی نمایند بتاریخ شهر جمادی الثانی اودی‌ئیل موافق سنه خمس »
«وثلاثین والف من‌الهجرةالنبویة درجواب فصلی ازفصول عالیحضرت وزارت‌ورفعت»
« واقبال پناه اصفی ظهیرا محمد ابراهیما فرمان قضاجریان‌قدر توامان صادرشده »

« که از ابتداء پارس ئیل دلالی بازار ریسمان به‌تخفیف وتصدق مقرربوده باشد و »
«بعلت دلالی مذکور احدی متعرض حال عجزه ودرویشان نگردند ومضمون این »
«عطیه رابرسنگ نقش نمایند بموجب فرموده اشرف وجه دلالی مذکورکه مبلغ »
« هشتاد و چهار تومان وکسری است بتصدق فرق مبارك اشرف مقررگردید امید»
«که بمضمون کلام‌بلاغت نظام من جآءبالحسنة فله‌عشر امثالها ثواب آن بروزگار»
« فرخنده آثار عاید گردد وتغییرکننده بلعنت الهی‌گرفتار باد. »

۲ـ فرمان دیگری ازشاه‌عباس بزرگ راجع بتخفیف مطالبات دیوانی درماه رمضان که درقرینه لوح غربی نصب‌شده بخط نستعلیق برجسته باین‌شرح است:

« امرخاطر خطیر ومکنون ضمیر معدلت اثرهمایون ما آنستکه درزمان »
« دولت روزافزون عهد خلافت‌ابد مقرون‌کافه‌رعایا وعموم برایا ازمطالبات‌دیوانیه»
« سبکبار بوده ودرمهد امن‌وامان‌آسوده فارغ‌البال ملهم‌توفیق‌ازلی و. . . . بخاطر»
« فیض مآثرپرتوانداخت‌که درماه رمضان‌که ایام طاعات وعبادات است و شیعیان»
« اهل‌بیت طیبین وطاهرین‌که سالکان‌مسالك حق ویقین .... وادای صوم وصلوة و »
« وظائف طاعات وعبادات‌قیام واقدام‌نمایندکه هرآینه مثوبات آن‌بروزگارفرخنده»
« آثارهمایون ما عایدگرددلهذا شمهٔ ازمراحم‌والطاف. . . شیعیان ممالك محروسه»
« فرموده درکل قلمرو همایون مالوجهات . . . رمضان المبارك سوای جهاتی که »
« باجاره میدهند تخفیف وتصدق مقرر فرموده ارزانی داشتیم واین‌حکم همایون »
« ازمکمن . . . دارالسلطنه اصفهان‌که مردم آنجا اباًعن‌جد از زمره شیعیان‌اند »
« وحلقه اخلاص وبندگی این دودمان ولایت نشان برگوش‌جان دارند عزا صدار »
« یافته مستوفیان عظام دیوان . . . وثبت نموده از شوائب تغییر و تبدیل مصون و »
« محروس دارند . وزرا وعمال و متصدیان مهمات‌دیوانی دارالسلطنه مذکوره از »
« ابتدای تو شقان‌ئیل مالوجهات ووجوهات . . . بتخفیف وتصدق‌مقرر دانسته در »
« آن‌ماه مبارك‌که ایام ولیالی متبرکه است‌بعلت حقوق دیوانی حواله و اطلاقی‌بر »
« رعایا و عجزه ننموده ازحشو بنیچه جمع هر محل وضع نمایند و . . . برعایا»

« نرسانیده قلم وقدم کشیده وکوتاه دارند . سادات عظام وعلماءِ کرام وقضاة اسلام»
« واهالی‌واعیان وارباب ورؤسا وکدخدایان واهل حرفت وعموم رعایای‌دارالسلطنه »
« اصفهان‌ازبلده وبلوکات بدین‌عطیه عظمی مبتهج ومسرور بوده از روی‌امیدواری »
« تمام در لوازم دعاگوئی و دوام دولت ابد پیوند » ذیل آن ناتمام وممکن است
« قیام واقدام‌نمایند » بوده وازبین رفته است .

۳ـ فرمان شاه عباس بزرگ راجع به بخشش عوارض بعضی ازاصناف :

بریك لوح بزرگ از سنگ مرمر که در دالان غربی مسجد شاه منصوب گردیده کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته‌چنین نقش‌گردیده است :

« فرمان همیون‌شرف نفاذیافت‌آنکه چون‌توجه خاطرخطیر مرحمت اثرو »
« تعلق ضمیرمنیر معدلت‌گسترهمایون بترفیه‌حال وفراغ بال‌کافه خلایق وعبادالله »
« بتخصیص کاسبان ودرویشان سلمانی وسلیمانی که عبارت ازدلاکان وآینه داران »
« و فصادان و ختنه‌کاران و جامه داران وکیسه مالان و آبگیران و خدمتکاران »
« حمامات مردانه وزنانه وتیغ سازان وچرخگران وسنگ سایان وسایرجماعت »
« سلمانی‌که بخاصه‌تراش‌منسوب ومتعلق‌اند درجه‌اعلی ونهایت کمال دارد درزمان»
« فرخنده نشان نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی جنت آشیانی جد بزرگوارم طاب »
« ثراه که امرخاصه تراشی بسعادت نصاب زبدةالصناع استاد علیرضا دلاك خاصه »
« شریفه مرجوع گشته احکام مطاعه لازم‌الاطاعة نواب‌گیتی‌ستانی خصوصاً حکمی»
« که بتاریخ شهرذی‌حجةالحرام سنه۱۰۲۱ عزّاصدار یافته مشعر برآنکه درزمان»
« سابق خاصه‌تراشی مبلغی بعنف و تعدی از جماعت سلمانی و سلیمانی بازیافت »
« مینموده‌اند وسعادت نصاب مشارالیه ازتاریخی‌که خدمت خاصه تراشی‌باو متعلق»
« گشته آن‌جماعت را ازمطالبات مذکوره معاف گردانیده وشرط‌کرده‌که یکدینار»
« ازجماعت کاسبان ودرویشان سلمانی وسلیمانی طلب‌ندارد وثواب آنرا بروزگار »
« فرخنده آثار نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی شاه بابا ام انارالله برهانه هدیه »
« نموده ودراحکام مذکور است که هیچ‌آفریده ازحکام و تیولداران و کلانتران و »

« سربلوکان‌محال وضابطان وصاحب اختیاران فیوج ممالك محروسه اصلا ومطلقاً،
« بهیچوجه من‌الوجوه بعلت اخراجات وعوارضات مسدودةالابواب از علفه وعلوفه،
« و قتلغا والاغ والام وپیکار وشکار وطرح ودست‌انداز وپیشکش‌وسلامی و عیدی و،
« نوروزی وجوه کپك مرتی وزرتفنگچی وسایر تکالیف دیوانی بهراسم و رسم‌که ،
« بوده باشدحواله واطلاقی‌بجماعة دلاکان‌وسایرکاسبان مذکور فوق‌که بخاصه‌تراش،
« تعلق‌دارند ننموده وقلم وقدم کشیده کوتاه دارند و شکرشکایت ایشان را مؤثر ،
« شناسند وچون جماعة تیغ‌سازان وچرخگران ازقدیم‌الایام بخاصه‌تراشان متعلق،
« و منسوب‌اند و هرگز نسبتی بجماعة شکاك نداشته‌اند بهمان دستور بمومی الیه ،
« متعلق دانسته بقاعده زمان اعلیحضرت شاه جمجاه جنت مکانی علیین آشیان ،
« کدخدایان شکاکی دخل درایشان ننموده وطمع وتوقعی ازایشان‌نکنند وازقانون،
« قدیم درنگذرند ومقدمات مذکور مؤکد بلعنت نامه گردانیده چون سعادت‌نصاب،
« مشارالیه بدستور بخدمت بخاصه تراشی‌نواب‌کامیاب همایون‌ما مفتخر وسرافراز،
« است وشفقت ومرحمت بیدریغ‌شامل‌حال مومی‌الیه‌است مقرر فرمودیم‌که‌جماعت،
« سلمانی وسلیمانی‌را بدستورنادرالعصرمشارالیه منسوب ومتعلق‌دانند وایشان را ،
« ازاخراجات وعوارضات مسدودةالابواب مؤکد بلعنت‌نامه معاف ومسلم ومرفوع ،
« القلم دانسته حکم‌نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی‌را بامضاءِ نواب همیون مامتصل ،
« ومقرون شناسند وحکام وکلانتران وارباب واهالی وضابطان فیوج وسفیدریشان ،
« ممالك محروسه این‌عطیه را درباره‌ایشان مستمر وبرقرار داشته از فرمان قضا ،
« جریان درنگذرند وخلاف‌کننده‌را مورد سخط الهی وغضب پادشاهی شناخته از ،
« مدلول آیه کریمه « فمن‌بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه ان‌الله ،
« سمیع علیم » عدول وانحراف نورزند وهرساله درین‌باب حکم مجدد نطلبند و،
« چون پروانچه بمهر مهرآثار اشرف اقدس اعلی مزین و محلی‌گردد اعتماد ،
« نمایند تحریراً شهر ذی‌حجة الحرام سنه ۱۰۳۸ » .

نظیرفرمان مذکوردرمسجد ذوالفقار نیزفرمانی وجود داردکه درصفر۱۳۰۷

از طرف شاه عباس راجع بعوارض صنف سلمانی و امثال آن صادر گردیده منتهی مختصرتر است ، ولی موضوع فرمان وصادرکننده فرمان یکی‌است و در واقع‌برای تأکید فرمان قبلی‌بوده است .

۴ ـ فرمان فتحعلی‌شاه قاجار راجع به بخشش عوارض نانوائی وآردفروشی:

در مدخلی‌که صحن بزرگ مسجد شاه بصحن مدرسه سلیمانیه اتصال پیدا میکند دولوح سنگی‌وجود دارد که در روی یکی ازآنهاکتیبه‌ایست بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر باین‌شرح :

« بسم‌الله تعالی شأنه‌العزیز »

« العزة لله »

« قرار درکف شاه زمانه فتحعلی (۱۲۱۲)

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی »

«الملك‌لله‌تعالی ـ حکم‌همایون‌شدآنکه‌چون‌رعایت‌رعایای‌دارالسلطنه‌اصفهان»

« وترفیه احوال ایشان همواره منظور نظرمهر اثرپادشاهی می‌باشد در هذه‌السنه »

« تخاقوی ئیل خجسته دلیل ومابعدها یکهزار وپانصد تومان تبریزی مالیات و »

« وجوه خبازی وآردفروشی‌دارالسلطنه مزبور راکه همیشه‌ازصنف خباز دیوانیان»

« بازیافت مینموده‌اند بطریق سایر بلاد ممالك محروسه بتخفیف ابدی مرحمت »

« فرمودیم که بعدالیوم احدی ازدیوانیان ومباشرین ولایت مطالبه دیناری‌ازبابت»

« مالیات وغیره ازجماعت خباز وکسانی‌که خواسته باشند بتجدید دکان خبازی »

« بازنمایند یادرمحلات‌وکوچهانان‌بفروشند مطالبه ننموده هرکس‌خواهد درهرجا»

« وهرگذر وهرکوچه وهرخانه نان بپزد ودرمعابروغیرمعابر بدون اندیشه‌بفروش»

« برساند تاباعث ارزانی وفراوانی‌نان‌بوده عموم ضعفا وفقرا را رفاه آسایش‌حاصل »

« وبدعاگوئی دوام دولت ابد مدت اشتغال نمایند مقرر آنکه عالیجاهان نایبان و »

«کلانتران وداروغگان ومستأجرین وجوه وکدخدایان محلات دارالسلطنه اصفهان»

« این حکم را بقید لعنت بود ابد معمول داشته دیناری وجه ازبابت مالیات‌وسایر »
«وجوه خبازی‌وآرد فروشی بهیچ‌اسم‌ورسم‌مطالبه ننمایند وتخلف را موجب سخط»
«قهار سبحانی ومؤاخذه شدید قهرمانی دانند ودرعهده شناسند. تحریراً فی شهر »
« رمضان المبارك ۱۲۴۰ »

از مفاد فرمان بالا معلوم میشود که‌فتحعلی‌شاه قاجار درسال ۱۲۴۰ هجری مقرر داشته است که مالیات وعوارض خبازی و آرد فروشی را که بر خلاف سایر قسمتهای ایران ازرعایای دارالسلطنه اصفهان دریافت میکرده‌اند بخشوده شود و دیگر دیوانیان چنین وجهی را مطالبه نکنند.

۵ـ فرمان ناصرالدین شاه قاجار در موضوع‌معافیت‌مالیات صنف‌خبازوعلاف:

بطوریکه در مقدمه فرمان فتحعلی‌شاه نوشته شد درجائی که‌صحن مدرسه سلیمانیه باصحن بزرگ مسجد شاه متصل میشوند دو لوحه سنگی وجود دارد که یکی ازآنها شرح داده شد ودیگری که راجع بفرمان ناصرالدین شاه قاجار در باب معافیت مالیات خبازان وعلافان است وکتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته‌برلوح سنگی مرمری بطول یك‌متر وعرض‌چهل سانتی‌متر ومفاد آن چنین است:

« بسم‌الله تعالی شأنه العزیز »

« الملك لله تعالی »

«تاکه‌دست‌ناصرالدین‌خاتم‌شاهی‌گرفت صیت داد معدلت‌ازماه تا ماهی‌گرفت»

« الملك‌لله تعالی حکم همایون شد که‌چون ازقرار فرمان خیریت تو امان»
« خاقان خلد آشیان مغفور [1] البسه‌الله تعالی حلل النور و ازعهد قدیم جماعت »
« خباز و علاف دارالسلطنه اصفهان ازجمیع تکالیف و تحمیلات دیوانی معاف و »
«مسلم بوده‌اند وحکام سابق برخلاف این‌رفتار کرده وهرساله جنس‌مبلغی برآنها»
«طرح و تحمیل نموده و دو هزار تومان تفاوت قیمت آنرا میگرفتند و این »

۱ـ درمتن گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان‌که مأخذ کتاب حاضر است نوشته‌شده : «مغفوراً»واین درست نیست ودرست آن مغفور وبعد آن: «البسه‌الله» میباشد.

« مرحله باعث شکستگی وپریشانی آنها شده بود لهذا سرکار اقدس همایون ما »
« محض شمول مراحم واشفاق خاطرملوکانه درباره‌عامه انام وحصول دعای‌خیربرای»
« دولت ابد فرجام ازمعامله هذه السنه سیچقان‌ئیل خیریت دلیل ومابعدها طرح »
« جنس مبلغی را موقوف‌داشته‌اند ومقرر میفرمائیم که عالیجاهان رفیعجایگاهان »
« حکام و عمال و مباشرین حال واستقبال دار السلطنه اصفهان‌بموجب همین‌منشور»
« قضا دستور جماعت‌خباز وعلاف اصفهان‌را من جمیع‌الجهات ازتکالیف‌وتحمیلات»
« دیوانی معاف ومرفوع القلم داشته و این بدعت را از آنها موقوف دارند مقرر »
« آنکه کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاتر »
« خلود ثبت وضبط‌نمایند ودر عهده شناسند حرر فی‌شهر رجب ۱۲۶۸ باستدعای »
« چاکردرگاه اسلام‌پناه ودولتخواه بالاشتهارچراغ علی‌خان حکمران دارالسلطنه »
« اصفهان اینمرحمت شامل احوال اهالی اصفهان گردید. »

از ذیل فرمان فهمیده میشودکه مالیات وعوارض مزبور درزمان سابق‌گرفته نمیشده است‌چون‌مردم ناراضی بوده‌اندازاینرو چراغعلی‌خان حاکم اصفهان‌پیشنهاد کرده که مردم اصفهان نیز ازمالیات مزبور معاف شوند وبرطبق آن پیشنهادفرمان صادرگردیده است . بیشتر متن کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۱] اقتباس گردیده‌است.

این مسجد بموجب شماره۱۰۷ جزء آثار تاریخی ثبت‌گردیده است [۲].

۳۳ـ مسجد شعیا:

شرح آن درمرقد شعیا نوشته خواهدشد.

۳۴ـ مسجد شیخ لطف‌الله :

این مسجد درمیدان شاه اصفهان ومواجه‌عمارت عالی‌قاپو واقع‌گردیده‌وپیش از اینکه مسجد مزبور ساخته شود جای آن خرابه مسجدی قدیمی وجود داشته

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۴۲۸ تاص ۴۶۴. ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۶.

است که بامر شاه‌عباس بزرگ بجای آن مسجد معروف به‌مسجد شیخ لطف‌الله بنا گردیده است.

در تاریخ شروع بنای مسجد اختلاف است برخی بمناسبت کاشی مورخ ۱۰۱۱هجری که در شبستان مسجد موجود است تاریخ شروع را همان سال ۱۰۱۱ دانسته‌اند ولی بنظر نگارنده چون درکتیبه سردر مسجدکه ۱۰۱۲ هجری میباشد نوشته‌شده: « امر بانشاء» میرساند که‌همان سال ۱۰۱۲ سال شروع بوده است واما تاریخ اتمام ساختمان وتزیین مسجد همان سال ۱۰۲۸ هجری است که در کتیبه محراب اشاره گردیده است . وجه تسمیه مسجد هم باتفاق نویسندگان این بوده‌که چون شیخ لطف‌الله میسی که‌از بزرگان علمای شیعه درآن‌زمان بوده درآن مسجد امامت داشته بنام او خوانده شده است .

ابهت وشکوه وظرافت کاشیکاریهای این‌مسجد وسبك‌بنا وتناسب هندسی‌آن مورد اعجاب باستان شناسان ومستشرقان خارجی واقع شده وکسیکه ازهمه بیشتر تحت تأثیر واقع شده پرفسور پوپ معروف میباشد.

نگارنده دریکی ازکنفرانسهای آن شادروان دراصفهان حاضربودم که‌گفتند ذوق ایرانی مسبب شده که شکلی مافوق تمام اشکال هندسی اختراع شود و آن شکل گنبد مسجد شیخ لطف‌الله است که با هیچ یك ازاشکال هندسی منطبق نیست ودرهمین‌حال ذوق سلیم‌آنرا یکی‌از بهترین‌اشکال میداند وازدیدن آن لذت میبرد و درعظمت آن دچار شگفتی میگردد وانسان در مقابل این صنعت عظیم سرتعظیم واحترام فرود میآورد.

ترجمه‌شرحی را که‌آن شادروان راجع بهمین مسجد وساختمان‌آن درکتاب بررسیهای هنر ایران نوشته ودرکتاب راهنمای اصفهان دکتر هنرفر نقل‌شده ذیلاً مینگارد[۱] :

« مسجدی که درسمت مشرق میدان شاه و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار »
«دارد یکی ازشاهکارهای‌بی‌نظیر معماری است که‌درسراسرآسیا خودنمائی‌میکند »

۱- راهنمای اصفهان دکترهنرفر ص ۱۰۶ .

« این‌مسجد زیباکه همچون‌جواهری‌درخشان در تاریخ معماری ایرانیان میدرخشد»
« شیخ لطف‌الله نام‌دارد، شاه‌عباس بزرگ این مسجد را بافتخار پدرزن خود شیخ. »
لطف‌الله که یکی ازپیشوایان عالیقدر آن زمان‌بود برروی خرابه‌هائیکه‌ازبقایای»
« مسجد قدیمی بجای مانده بود بناکرد. درحقیقت میدان بزرگی که‌قصرباشکوه»
« عالی‌قاپودریکطرف‌آن‌قرار داشت‌بچنین گوهری گران بها دربرابر خوداحتیاج»
« داشت وشاید همین‌نکته شاه‌عباس را برآن داشت تا با ساختن این‌بناکه‌بسختی »
« میتوان‌آن را محصول‌دست‌بشر دانست زیبائی میدان رابکمال رساند.درساختمان»
« این‌مسجد باردیگر استادی ومهارت هنرمندان ایرانی یك مسأله مشکل‌را حل»
«کرده است بدین معنی که‌چون مسجد درضلع شرقی میدان واقع است وخواه و »
« ناخواه درورودی‌مسجدبسمت مشرق خواهد بود اگر بنا بود مسجدرا نیزبهمین»
« جهت میساختند کار جهت‌یابی ازلحاظ قبله مختل میشد. دراینجا با ایجادیك»
« راهرو که ازابتدای مدخل مسجدبسمت‌چپ وسپس‌بسمت راست میچرخدبراین»
« مشکل فائق آمده‌اند یعنی اگرچه ساختمان مسجد درمشرق است و از نمای »
«خارجی آن چنین‌برمیآید که دیوارجبهه آن درجهت شمال بجنوب است‌لیکن »
«در همین دیوار محراب بنا شده که‌بسوی قبله است ووقتی بعظمت این فکرپی »
« میبریم که‌دربیرون مسجد اثری‌ازکژی وزاویه بچشم نمیخورد اما بمجردورود»
« ناچاریم قبول‌کنیم‌که‌صحن نسبت به‌نمای خارجی پیچشی دارد درصورتیکه‌گنبد»
« کوتاه این مسجد بعلت مدوربودن جهت یازاویه مخالفی‌نشان‌نمیدهد، این‌گنبد»
« یکی از زیباترین‌گنبدهای اصفهان است‌که از طرفی بخاطرعظمت و از طرف »
دیگر براثر تزییناتی‌که از زمینه کرمی با نقش و نگارهائی برنگ آبی سیر »
« تشکیل میشود نظر هربیننده‌ای را بخود جلب میکند. »

« گنبد مسجد شیخ لطف‌الله یکی ازچند گنبد یك پوششی زمان صفویه »
« است‌که با ارتفاع‌کم پوشش مناسبی برای صحن‌کوچك آن بشمار میرود.ازطرفی»
« بلندی‌آن تا اندازه‌ای است‌که بتواند درکنار میدان بزرگ خودنمائی‌کرده وبر»

«آن فضامسلط باشد. خمیدگی گنبد از نقطه برآمدگی بزرگ ناگهان بسمت داخل،
«گرائیده ورأس گنبدرا تشکیل داده است و این فشار زیادرا دیوارهای قطورمسجد،
« تحمل میکند. دیوارهای داخلی از یك هشت ضلعی شروع میشود. این هشت ،
« ضلعی ها هریك بوسیله کاشیهای طناب مانند فیروزه‌ای محصورشده و خطوط ،
« بسیار زیبائی که از آثار علیرضا میباشد مانند قابی هریك از اضلاع هشت گانه را،
« درمیان میگیرد. این خطوط از کاشیهائی برنگ سفید خیره کننده درمیان کاشیهای،
« آبی تیره بکاررفته است وزاویه‌هائی ازاین هشت ضلع بوجود میآیند پایه خمیدگی،
« بزرگ را تشکیل میدهند لکن انحنای تدریجی گنبد نقطه شروع انحناء و ،
«دایره بزرگ گنبد را از نظر پنهان میکنند. خمیدگی گنبد را دیوارهای بادبادك ،
«شکل زاویه‌داری باضلاع هشتگانه وصل میکند . قسمت بعدی بسمت خمیدگی ،
« بزرگ گرایش دارد. سرتاسر این خمیدگی باندازه‌ای عادی ویك نواخت است ،
« که بندرت احساس شده ویا بچشم میآید .کاشیکاری پوشش داخلی گنبد ازابتدا ،
« تا انتها تقریباً بیك اندازه بوده وتزیین گنبد را تشکیل میدهد. دیوارهای جانبی،
«صحن مسجد باگل وبوته‌های متصل بهم برنگ آبی دریك متن کرمی رنگ تزیین،
« شده‌است. زاویه‌های فوقانی دیوارهای جانبی ازگل وبوته‌هائی که طرح آن باسایر،
« قسمتها تفاوت کلی دارد پوشیده شده وتنوع خاصی بتزیین کلی صحن بخشیده ودر،
« اولین نظر بیننده‌را جلب میکند. زیبائی کاشیکاری این مسجداعم ازکاشیهای معرق،
« یاکاشیهای هفت رنگ درنوع خود بی نظیر است. اصولا شروع دیوارهای صحن با،
« کاشی هفت رنگ وتبدیل آن بکاشیهای معرق خود تنوعی است دلپذیر کاشی معرق،
« ظریف ترین نوع کاشی ومتعلق بقرن هفدهم است. در حقیقت کاشی معرق نوع ،
« ظریفی ازکاشی هفت رنگ قرن پانزدهم وشانزدهم میباشد. تزیینات سطح داخلی،
« گنبد عبارت است ازستاره‌های بسیار بزرگ مکرر برنگ زرد طلائی که باطرح ،
« درهمی ازپیچك‌های بهم پیچیده پوشیده شده. طرح وترسیم این مسجد ونقشه ،
« قالیهای اردبیلی منبع الهام مشترکی دارند. ضمناً شباهت بسیار نزدیك باتزیینات ،

« مسجد شاه دارد. کاشیکاری بقیه گنبد ازطاق رومیهائی تشکیل‌شده که هر یك »
« شامل گل وبوته‌های زیبائی‌است. این‌گل وبوته‌ها درپارچه‌بافی هم‌بکاررفته و هم»
« اکنون نمونه‌هائی ازآن وجود دارد. روشنائی داخل این‌مسجد نیز قابل توجه »
« است. در اطراف‌گنبد بفواصل منظم سوراخهائی‌درقطرگنبد تعبیه شده‌که‌بوسیله»
« پنجره‌های گچبری از داخل و خارج مسدود میشود. این گچبریها عبارتند از »
« طرحهای منظمی که‌بنسبت مساوی فضای‌خالی درمیان آنها وجود دارد.مجموع»
« نورهائی‌که ازاین پنجره‌ها بداخل میتابد زیبائی‌آسمانی وخیال‌پروری‌بتزیینات»
« کلی صحن می‌بخشد. کوچکترین نقطه‌ضعفی دراین‌بنا دیده نمیشود . اندازه‌ها »
« بسیار مناسب نقشه طرح بسیار قوی‌وزیبا وبطور خلاصه توافقی است بین‌یك‌دنیا»
« شور وهیجان ویك‌سکوت وآرامش با شکوه‌که نماینده ذوق سرشار زیباشناسی»
« بوده ومنبعی جز ایمان مذهبی والهام آسمانی نمی‌تواند داشته‌باشد. کتیبه‌های »
« زیبائی که علیرضا برداخل وخارج این مسجد نگاشته زیباترین خطزمان خود »
« میباشد. نابغه‌ای که این همه‌شکوه وجلال‌وزیبائی وهنررا باین مسجد بخشیده»
« کسی است که سمت چپ وراست‌محراب را امضاء نموده وخودرا : « فقیر حقیر»
« محتاج برحمت خدا محمدرضابن استاد حسین‌بناء اصفهانی» معرفی کرده است»
« وبعد از نام او تاریخ ۱۰۲۸ هجری (۱۶۱۸میلادی) دیده‌میشود. » (ش۷۳)

علاوه برکتابه‌هائی‌که در مسجد شیخ لطف‌الله وسر درآن بوده بسرطاق بازار خفافان‌وحلاجان‌که بدرمسجد مزبور واقعند دورباعی‌بخط نسخ تعلیق علیرضاعباسی نوشته شده بوده که‌بسیار خوب بوده است ولی اکنون اثری ازآن نیست [1] و اما

۱- علیرضا عباسی ازمردمان تبریز بسیار پاکیزه وضع وآدمی روش‌بوده وهفت‌قلم را خوش مینوشت‌کتابه درمسجد مشهور بمسجد شیخ لطف‌الله وکمرصفه در مسجد جامع عباسی‌خط او است وبطاقهای روی بازار خفافان وحلاجان واقع‌بدر مسجدشیخ‌لطف‌الله دورباعی بخط‌نسخ تعلیق نوشته وخوب نوشته. این طرفه‌که (خوش نویس‌عهد) با علیرضا در عدد موافق آمده این‌رباعی از او مسموع شد:

تا خانه نشین‌شدی توای درخوشاب — پیوسته مراست از غمت دیده پرآب
من خانه دل خراب کردم ز غمت — توخانه نشین شدی ومن خانه‌خراب
(تذکره نصرآبادی ص ۲۰۷)

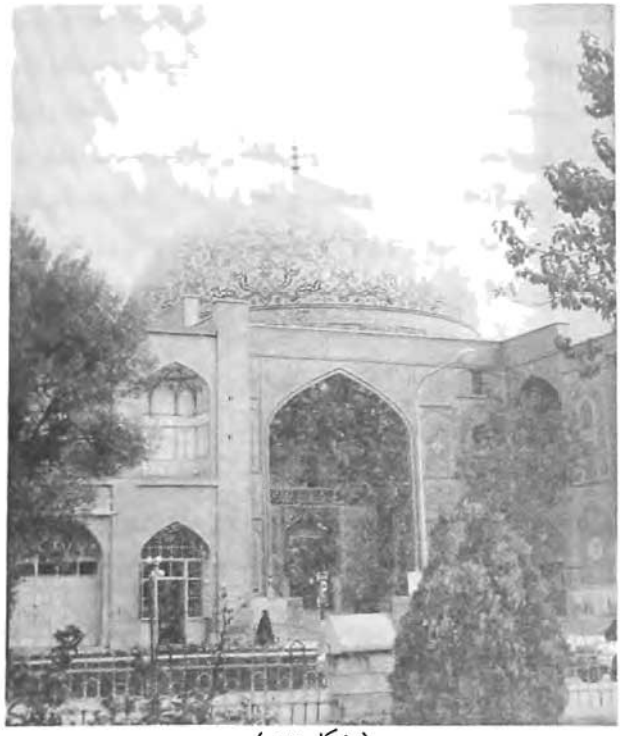

(شکل ۷۳)

وضع و اسلوب ساختمان مسجد شیخ لطف‌الله خلاصه آن بشرحی است که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان باین‌شرح نگاشته است[۱]:

« سردر این مسجد بانمای‌جلو خان آن تماماً ازکاشیهای زیبا بناشده‌بود، « این‌مسجد عالی که‌نماینده روح ایرانیست وایمان وآینه قلب استادان آن‌عصر، « میباشد بنام: فتح‌الله وسپس‌بنام‌شیخ لطف‌الله که ازنزدیکان شاه وامام جماعت‌بوده، « اشتهار یافت ، درجلو این‌مسجد حوض هشت ضلعی قشنگی بوده که در سنوات « سال ۱۳۱۶ و۱۸ نظر بخرابی آن متروك وسنگهایش برداشته‌شد.

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۱۱۱ تا ص ۱۱۵ .

« بنای این مسجد ببلندی ۶ پله سنگی اززمین بلندتر وسر در کاشیکاری »
« بسیارریز وظریف دارد. کتیبه بالای دربنام‌شاه‌عباس وبخط زیبا ورقاع ازعلیرضا»
«عباسی درتاریخ ۱۰۱۲ مشاهده میشود.»

« ودر وسط یکی از قطارها بخط نستعلیق عبارت : (مایه محتشمی خدمت»
« اولاد علی است) خوانده میشود ودربالای پنجره کاشی نوشته شده‌است: در عهد»
« سلطنت اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلدالله ملکه وسلطانه‌تعمیر»
شد آبان ۱۳۰۸.»

« درجنب پله ورودی پنجره سنگی یکپارچه دیده میشود که از زمانهای »
« قدیم بانقش مخصوص باقی است. درطرفین درورودی دوسکوی سنگ مرمر با »
« نهایت ظرافت‌ساختمان‌شده‌که ابعاد هریك۱×۱ در۲ متر میباشد درچوبی‌مسجد»
«ازیکپارچه چوب وبقطر ده‌سانتیمتر وابعادش بطول ۳ و عرض ۱متر میباشد که »
« درهیچیك ازابنیه تاریخی نظیرش وجود ندارد .»

« راهرو مسجد بشکل‌زاویه قائمه وتمام‌سقف واطراف باکاشیهای‌هفت‌رنگ»
« خوش نقش پوشیده شده است وبرای روشنائی مسجد پنجره‌های مشبك ظریف »
« قشنگی درطرف چپ دهلیز که‌سابقاً حوضخانه مسجد بوده قرارداده شده‌است. »
« درب‌شبستان از قابهای هندسی شکل گوناگون ساخته شده ، شبستان مسجد از »
« زیباترین وگرانبهاترین‌بناهااست که‌بمحض‌ورود بیننده رامبهوت وخواه‌وناخواه»
« زبان به‌تحسین‌بانی وسازنده میگشاید واز تلؤلؤ و روشنائی و وضع ساختمان »
« کاشیهای معرق آن‌آفرین میگوید.»

« تناسب ساختمان قدرت فن معماری وقشنگی ومتجانس‌بودن مصالح‌شخص»
« را بعظمت خداوندی و نیروی ایمان متوجه ساخته ومات ومبهوت میشود.صحن»
« زیرگنبد که ابتدا بچهار قسمت وسپس بهشت‌قسمت مساوی تقسیم‌شده دورتادور»
« هرقسمت بوسیله پیچهای کاشی‌فیروزه رنگ ازیکدیگر متمایز وجدا میباشد،»
« قسمتهای چهارگوش این‌صحن ازپائین‌تاکمرازکاشیهای هفت‌رنگ عالی ساختمان»

« شده‌که بی‌نهایت جالب توجه است وازکمربالا تماماً از کاشیهای نفیس معرق،
« خطوط بسیار زیبا تزیین گردیده است، در بالای این قسمتها هشت ترنج‌لوزی ،
« از کاشیهای معرق حنائی‌رنگ وجود دارد،درزیر این قسمتها شانزده پایه‌سنگی،
« ازسنگ مرمر منشوری شکل نصب شده که بر روی آنها شانزده پیچ کاشی ،
« محیرالعقول قرار دارد. محراب این‌مسجد که ازاول ورودجلب توجه بیننده را،
« مینماید یکپارچه جواهری است که آنرا زیباترین محرابها میتوان شمردوبا،
« بهترین‌کاشیهای‌معرق پوشیده‌شده. درطرفین این‌محراب این عبارت نوشته‌است:،
« عمل‌فقیر حقیرمحتاج برحمت خدا محمدرضابن‌استاد حسین بناء اصفهانی۱۰۲۸،
« وکتیبه دوم زیرگنبدسوره یسبح‌لله بخطزیبای علیرضا عباسی درسال۱۰۲۵است.،
« محیط‌دایرهٔ که‌گنبد را تشکیل میدهد ازسی‌ودوقطعه اشکال‌هندسی وپنج‌ردیف ،
« بتدریج کوچکتر ومنتهی بنقش و نگارهای لوزی‌شکل بی‌نهایت‌کوچك وزیبای،
« سقف‌شده وبکاشی فیروزه مدور وسط گنبد ختم‌میگردد.»

« بلندی گنبد تا زیرسقف ۳۲ متر است ، روشنائی داخل این شبستان از ،
« پنجره‌های ۱۶گانه معرق ومشبك است ونور از هرطرف‌که میتابد جلوهٔ خاصی،
« بکاشیهای‌سقف میدهد ، درزیر این‌صحن‌مربع شکل ۲۴ در ۲۴ مترعالی‌شبستان ،
« زیر زمینی روی چهارستون منشوری شکل قطور قرار داردکه از پنجره های ،
« اطراف روشنائی بداخل میرسد ، ودر زمستان برای ادای فریضه بکار میرود .
« درمحراب شبستان زیرزمینی نمونه کاشیهائی‌که ازجلوخان سردر مسجدخراب ،
« شده نصب است وروی یکی‌ازآنها تاریخ ۱۰۱۱ هجری که سال شروع بنا است،
« سابقاً دراطراف مسجد همه‌گونه وسائل تطهیر بوده که بمرور خراب شده و یا ،
« چون برای مسجد ضرر داشته خراب‌کرده‌اند .

« دراطراف شبستان زیرین راهرو بسیار طولانی وسیعی‌است که در قدیم ،
« بقسمت شرقی مسجد راه داشته بعلاوه در زاویه های مسجد اطاقهای متعددی ،
« بوده است . درقسمت فوقانی مسجد نیز ایوانچه و اطاقهای مخروبه است .گنبد،

« مسجد که یکی از قشنگترین گنبدهای اصفهان است « یك‌پوش و محیطش »
۷۰ متر وارتفاعش از سطح زمین ۴۲ متر است ، نقش ونگار خارج گنبد بی‌اندازه»
« زیبا و مطبوع و دلربا است ، میله طلائین روی گنبد بارتفاع سه متر ودارای»
« سه گومیباشد که بزرگترین آن محیطش ۲ مترمیباشد. »

« میگویند این‌مسجد را شاه عباس‌بجهت ملاعبدالله شوشتری ساخت و پس»
« از اتمام چون مشارالیه امام جماعت مسجد جامع ومدرس مدرسه ملاعبدالله‌بود »
« امامت را به شیخ لطف‌الله محول نمود وپس‌از شروع بساختمان مسجد شاه این »
« مسجد مخصوص شاه و نزدیکانش‌گردید ». (ش۷۴)

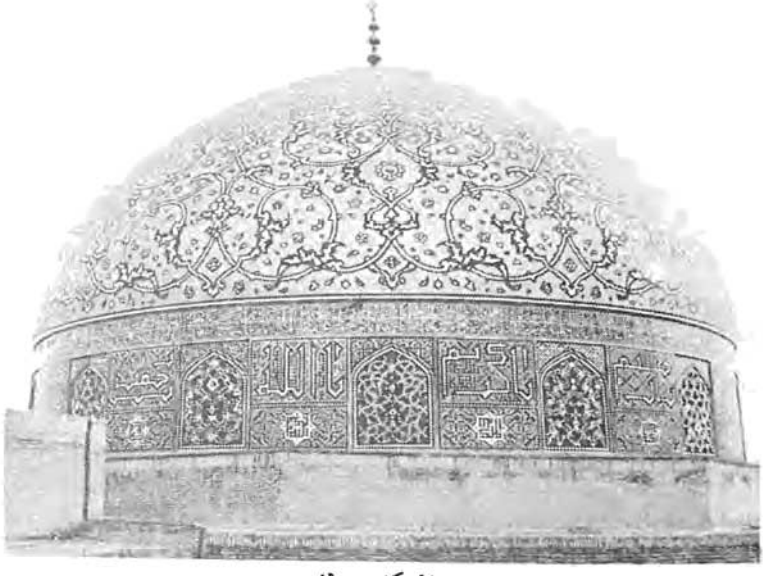

(شکل ۷۴)

« مساحت مسجد مطابق نوشته مرحوم جناب[1] ۳۲ در۲۶ است » .

۱ــ حاج میرسید علی‌بن میرمحمدباقربن میرمحمدحسین حسینی معروف به جناب مولود۲۵ ←

ذیحجة الحرام ۱۲۸۷ هجری در اصفهان و متوفی شب جمعه ۳۰ شوال ۱۳۴۹ هجری در تهران ومدفون در امامزاده عبدالله. وی از ادبا ورجال فضل ودانش بود و در همه رشته‌ها بخصوص دررياضيات قديم يدطولائی داشت و درتنویر وروشن‌کردن افکار عمومی از طریق روزنامه وکتاب زحماتی کشید. ازآثار اواست: ۱ــ الاصفهان در ده مجلد که‌فقط جلد اول آن بطبع رسیده است. ۲ــ روزنامه الجناب‌که ۹ شماره ازآن انتشار یافته است. ۳ــ راهبر مسافر اصفهان. ۴ــ ترجمه مسافرت شاردن در اصفهان‌که در پاورقی‌الاصفهان درج شده است. ۵ــ مقالات مختلفه درروزنامه‌های اصفهان.

(بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۲۴۰ تاص۲۴۱.)

۱ ـ شیخ لطف‌الله‌بن عبدالکریم‌بن ابراهیم‌بن شیخ نور الدین علی‌بن عبدالعالی العاملی‌میسی ازعلماء وفضلاء وفقهاء وازمتبحران‌ومحققان وادباء وشعراء وازمعاصران شیخ‌بهائی بود وی‌در اوائل‌عمر بمشهد مقدس مهاجرت‌کرد ودرآنجانزد ملاعبدالله شوشتری‌بتحصیل پرداخت تااینکه خود درمسلك مدرسان‌آستانه درآمد ونظارت برامورخدام‌نیز درعهده اوشد وچندی‌بعدبقزوین رفت وسپس که اصفهان مقر شاه عباس شد او را باصفهان دعوت‌کردند ومقیم اصفهان‌گردید وشاه عباس مسجد شیخ لطف‌الله را برای اوساخت وسالها بتدریس وامامت اشتغال داشت در تاریخ وفات او اختلاف است ودرست آنستکه دراوایل سال ۱۰۳۳ هجری وفات‌یافته‌است و شعر فارسی هم که دراینباب گفته‌شده مؤید این‌عقیده میباشد وآن نقل ازتاریخ عالم آرای عباسی است:

شیخ‌لطف‌الله رفت‌ازدار دهر — رخت‌بربست ازجهان بی‌مدار
عزم عقبی کرد ازدنیای دون — شد جنانش مامن ودارالقرار
سال تاریخش‌همی‌جستم‌زعقل — گفت بامن‌نکته‌ای آن پیرکار
چون دولاازنام آن ساقط‌کنی — سال تاریخ وفاتش‌زان شمار

منظور ازنام مجموعه «شیخ لطف‌الله» میباشد که جمع آن بحساب جمل (۱۰۹۵) است وچون دولا یعنی ۶۲ را از ۱۰۹۵ کسر کنیم میماند ۱۰۳۳ و اینکه در عالم آراء در وقایع سال ۱۰۳۲ آورده از این نظر بوده که اواخر آن سال با اوائل سال ۱۰۳۳ متقارن بوده است وبعلاوه درهمان تاریخ‌گفته که پنجسال‌پیش ازوفات شاه عباس رحلت کرده‌وچون شاه مزبور در ۱۰۳۸ بدرود حیات گفته وفات شیخ لطف‌الله مقارن سال ۱۰۳۳ خواهدبود و در روضات الجنات هم این احتمال داده شده است. واینکه در روضات‌گفته شده‌که وفات‌او در ۱۰۳۵ اتفاق افتاده محمل درستی‌برای آن نمیتوان بدست آورد وفقط فرضی است. شیخ لطف الله علاوه‌برمقامات علمی در سرودن شعر عربی نیز مهارت داشته واشعاریکه دردوجانب شمالی وجنوبی مسجد نوشته شده ازاشعار او است که‌موضوع التجاء بدرگاه باری تعالی است ویك بیت آن‌که متضمن نام اواست چنین‌میباشد:

«وشفعهم فی عبد عبدعبیدهم — عبیدك لطف‌الله فی‌العرصات»

استادان زمان نوشته شده باین شرح است :

۱ـ کتیبه سردر بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود .

« امر بانشاء هذا المسجد المبارك السلطان الاعظم والخاقان الاكرم محيى »
« مراسم آبائه الطاهرين مروج مذهب الائمة المعصومين ابوالمظفر عباس الحسينى »
« الموسوى الصفوى بهادرخان خلدالله تعالى ملكه واجرى فى بحار التأبيد فلكه »
« بمحمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين صلوات الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين »
« كتبها علیرضا العباسى ۱۰۱۲ »

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که کتیبه از آن اقتباس گردیده نوشته شده: « فی البحار التأبید » ، یعنی تأبیدرا با دوپای حطی املاءکرده‌اند درصورتیکه درست آن « التأبید » که حرف اول آن با ی‌دومین حرف ابجد و حرف دوم آن پای حطی که بمعنی جاویدگردانیده است میباشد .

۲ـ کتیبه خارجی گنبد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی مشتمل برسور شمس و دهر و کوثر و باین جملات پایان میپذیرد :

« قال الله وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً » ودر یك سطر درحاشیه بخط نستعلیق این عبارت : « درسال هزاروسیصدو پانزده خورشیدی تعمیرشد . » که حاکی از حال تعمیرگنبد است خوانده میشود .

در لوحه دیگری بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی در بالای پنجره مشبك کاشیکاری سردر مسجد چنین نوشته شده :

« درعهد سلطنت اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاه رضاشاه پهلوی خلدالله »
« ملکه وسلطانه تعمیرشد آبان ۱۳۰۷ »

برگردنه گنبد بخط بنائی دریك جاکلمات : (یاکریم) (یاالله) (یارحمن) (یارحیم) تکرارشده و درمحل دیگر : (الله اکبر) (الملك لله) (الحکم لله) (الحمدلله) (الله ومحمد علی) تکرارگردیده است .

۳ـ کتیبه فوقانی داخل گنبد مسجد بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینهٔ کاشی لاجوردی بخط علیرضا عباسی چنین‌است :

« عن‌النبی صلی‌الله علیه وآله انه قال من توضأ ثم خرج الی‌المسجد فقال ،
« حین یخرج من‌بیته بسم‌الله‌الذی‌خلقنی‌فهو یهدین هداه‌الله الی‌الصواب والایمان ،
« واذاقال والذی یطعمنی‌ویسقین اطعمه‌الله من طعام‌الجنة وسقاه‌من‌شرابها واذاقال ،
« واذا مرضت فهو یشفین جعل‌الله ذلك کفارة لذنوبه و اذا قال والذی یمیتنی‌ثم ،
« یحیین اماته‌الله میتة الشهداء و احیاه حیوة السعداء و اذا قال والذی اطمع ان ،
« یغفرلی خطیئتی یوم‌الدین‌غفرالله له خطاه کله وان‌کان کزبد من‌البحر واذاقال ،
« رب هب‌لی حکماً والحقنی بالصالحین وهب‌الله له حکماً وعلماً والحقه بصالح ،
« من‌مضی وصالح من‌بقی و اذا قال و اجعل‌لی لسان صدق فی‌الاخرین کتب‌الله له ،
« فی‌ورقة بیضاء ان فلان‌بن فلان من‌الصادقین واذا قال‌واجعلنی من ورثة جنة‌النعیم،
« اعطاه‌الله منازل‌فی‌جنة‌النعیم‌واذا قال واغفرلابی غفرالله‌لابویه . عن‌ائمة اهل‌البیت ،
« سلام‌الله علیهم اجمعین اذا دخلت المسجد فقدم رجلك‌الیمنی وقل بسم‌الله وبالله ،
« ومن‌الله والی‌الله وخیرالاسماء کلها لله توکلت علی‌الله ولاحول‌ولاقوة الابالله اللهم،
« صل علی محمد وآل محمد وافتح‌لی ابواب رحمتك وتوبتك و اغلق عنی ابواب،
« معصیتك واجعلنی من زوارك وعمار مساجدك وممن یناجیك‌فی‌اللیل والنهار و ،
« ادحرعنی‌الشیطان‌الرجیم وجنود ابلیس اجمعین. وقال‌الامام ابو عبدالله جعفربن،
« محمد الصادق علیه‌السلم من مشی الی‌المسجد لم یضع رجلاً علی رطب‌ولا یابس،
« الا سبحت له‌الارض الی‌الارض السابعة صدق رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله کتبها ،
« علی رضاالعباسی فی ۱۰۲۵». (ش ۷۵)

۴ـ کتیبه قسمت فوقانی داخل گنبد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نیز بخط علیرضا عباسی مشتمل بر سور جمعه و نصر و پایان آن چنین است :

« سبحان‌ربك‌رب العزة‌عما یصفون وسلام‌علی‌المرسلین والحمدلله‌رب‌العالمین»

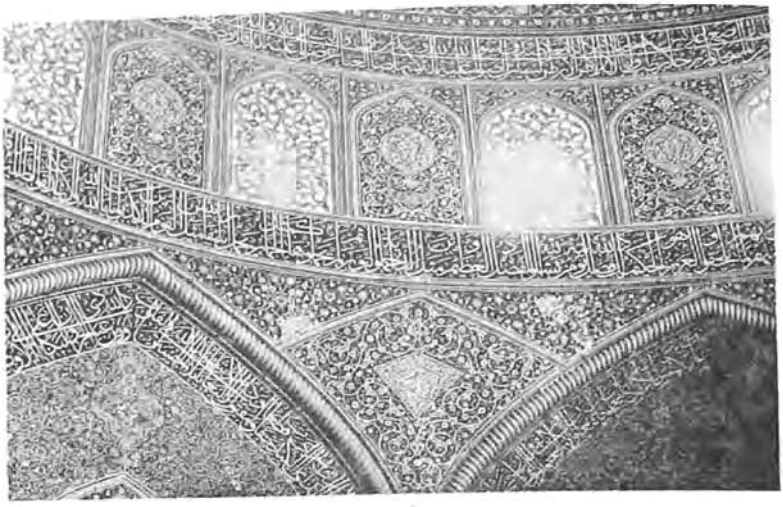

(شکل ۷۵)

« صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله‌النبی الکریم ونحن علی ذلك من‌الشاهدین والحمد» « لله رب‌العالمین کتبها علی رضا العباسی غفرالله ذنوبه.» هر چند این کتیبه تاریخ ندارد ولی چون دنبال‌کتیبه تاریخ‌دار پیش است‌میتوان گفت‌که درهمان تاریخ چون نوشته شده تکرار آن لاطائل تلقی شده است.

۵ـ در زیرکتیبه دوم کمربندی داخل گنبد درهرگوشه در دو شکل لوزی مانند بخط بنائی سور قدر وهمزه وکافرون وانشراح وفیل وماعون و تین و فاتحه خوانده میشود. (ش ۷۶)

۶ـ کتیبه گوشه جنوب غربی محوطه داخل گنبد بخط ثلث سفید باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی‌سوره‌انفطار وبعد ازآن چنین نوشته‌شده:

« صدق‌الله العظیم الکریم. عن‌ابی‌عبدالله علیه‌السلم اذا کان لیلة الجمعة‌انزل» «من السماء ملئکة بعدد الذر فی‌ایدیهم اقلام الذهب و قراطیس الفضة لا یکتبون » « الی لیلة السبت الاالصلوة علی محمد فاکثروا منها قال ان من‌السنة ان‌تصلی‌علی»

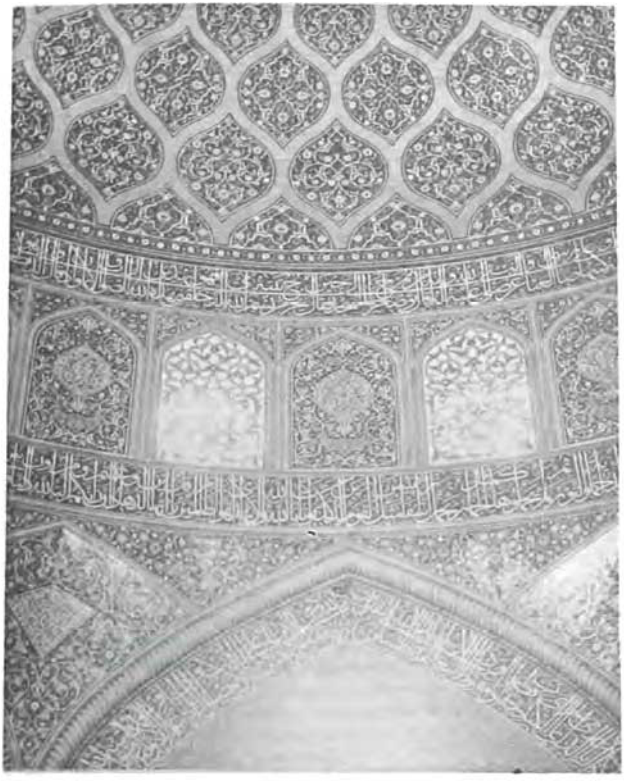

(شکل ۷۶)

« محمد واهل‌بیته فی‌کل جمعة الف مرة وفی‌سایرالایام مأة مرة ».

۷ـ کتیبه گوشه جنوب‌غربی محوطه داخل‌گنبد بخط‌ثلث سفیدمعرق‌برزمینه کاشی لاجوردی رنگ ابتداء سوره لیل وپایان آن چنین است:

« صدق‌الله العظیم وصدق رسوله‌الکریم. عن جابر عن ابی‌جعفرعلیه السلم »
« قال قال النبی صلی‌الله علیه وآله لجبریل علیه السلم وای البقاع احب الی‌الله »
« تعالی قال المساجد و اهلها احب الی‌الله اولهم دخولا و آخرهم خروجاً صدق »
« نبی‌الله ». .

۸ـ کتیبه گوشه شمال شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نخست سوره شمس وسپس این عبارت نوشته شده است:

« وقال الله تبارك وتعالی وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً صدق الله العظیم»
« وصدق رسوله الکریم ونحن علی ذلك من الشاهدین برحمتك یا ارحم الراحمین»
« عن ابی جعفر علیه السلام قال لما اسری برسول الله صلی الله علیه وآله الی السماء»
« فبلغ البیت المعمور فحضرت الصلوة فاذن جبرئیل علیه السلام واقام فتقدم رسول الله»
« صلی الله علیه وآله صف الملئکة والنبیون خلف محمد صلی الله علیه وآله . » .

(ش ۷۷)

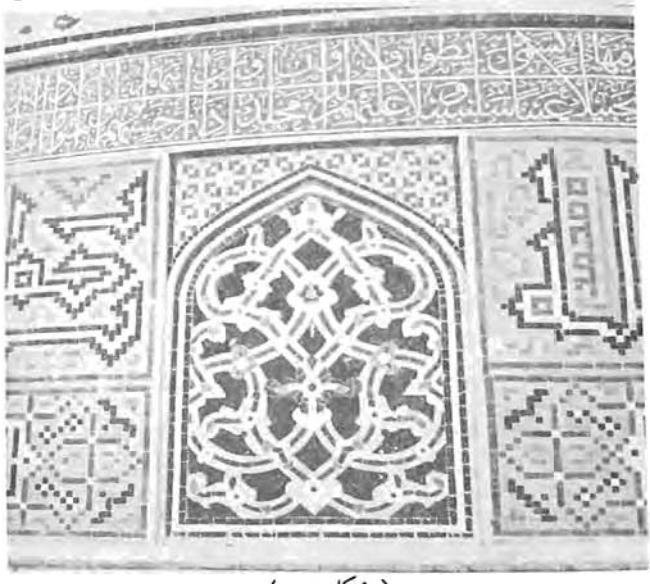

(شکل ۷۷)

۹ـ کتیبه منظوم عربی دوضلع شرقی وغربی داخل گنبد بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است:

« الهی بحق نبی الانام شفیع الذنوب بیوم القیام»
« الهی‌الهی بنفس الرسول قسیم الجنان‌وزوج‌البتول»
« الهی بحق‌الزکی الحسن بحق الحسین اسیرالمحن »
« الهی الهی بزین العباد وبالباقر الطهر کرالرشاد »
« الهی وبالصادق‌المقتدا[1] وبالکاظم‌الغیظ‌بحرالندا[2] »
« الهی بحق الامام المبین علی الرضا قبلة الطالبین »
« الهی الهی بحق التقی الهی الهی بجاه النقی »
« الهی وبالعسکری‌الحسن الهی و بالقائم المؤتمن »
« بلطف‌بعفوك یاذا الجلال علی‌هائم فی مهاوی‌الضلال »
« بهائك المذنب المستهام غریق بحار الخطایا العظام»
« واعتقه یارب یوم الورود علیك من‌النار داب‌الودود »
« و یسر له کل امر عسیر فانت علی کل شیء قدیر »
« باربعة وعشرة اعتضادی وهم‌شفعای فی‌الیوم‌العبوس»
« بطیبة و الغری و کربلا وسامرا و بغداد و طوس »

ودنبال آن این عبارات نیز آمده است:

« عن جابر قال دخلت علی فاطمة علیهاالسلم و بین یدیها لوح فیه اسماء »
« الاوصیاءِ من‌ولدها فعددت اثنی‌عشر احدهم القائم ثلثة منهم‌محمد واربعةمنهم‌علی»
« علیهم‌السلم‌کتبها باقر بنا مفاد اشعار عربی‌مذکور حاکی است‌که‌شاعر وسراینده »
« آن شیخ‌بهائی وخطاط‌آن باقر بنا بوده است وآیا باقرهم خطاط وهم‌بنابوده‌است»
« معلوم نیست ودرهردو کتیبه که‌بخط اواست تاریخی ندارد ومیتوان خدس‌زد که»
« چون درهمان تاریخ ۱۰۲۵ نوشته‌شده وآن تاریخ هم درداخل‌گنبد بوده مورد را»
«محتاج بتکرار تاریخ ندانسته‌اند » . (ش ۷۸)

۱ــ و۲ــ درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان که‌بیشتر کتیبه‌ها ازآن نقل‌شده: (المقتدا) و (الندا) نوشته شده وبرفرض که در اصل کتیبه‌ها چنین باشد نادرست بخصوص در (الندی) که‌بمعنی سخا است ولی در المقتدی‌هم بالف وهم‌یاء نوشتن جایز است.

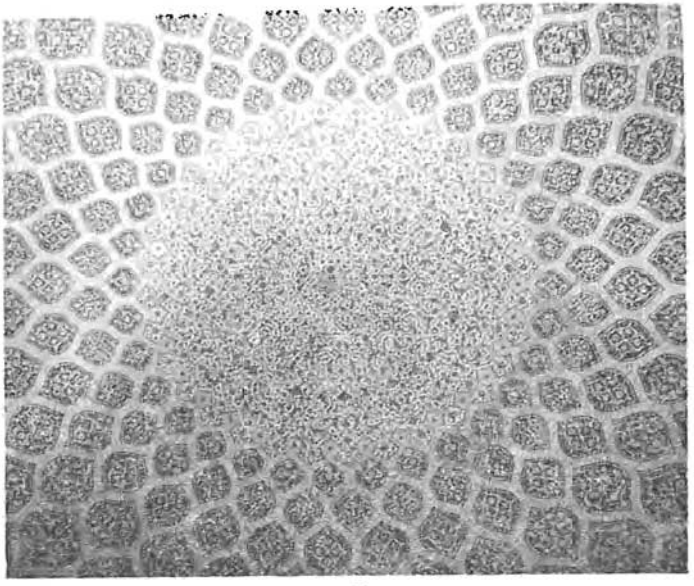

(شکل ۷۸)

۱۰ ـ کتیبه منظوم عربی دیگری در دوجانب شمالی وجنوبی داخل مسجد بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی بخط باقربنا وسرایندگی شیخ لطف‌الله چنین است :

« الهی بحق الهاشمی محمد حبیبك طه شافع العرصات »
« بحق علی نفسه و وصیه ابی ولده والصهر ذی الحسرات »
« و فاطمة الزهراء قرة عینه مجسمة الاحزان والعبرات »
« ومسموم اولاد الزنا الحسن الذی رمی الکبد الحری جفا قطعات »
« ومقتول اولاد البغایا بکربلا ال حسین شهیدالله فی الفلوات »
« وزین عبادالله ذی الحزن والبکاء علی ابی الاوصاب والزفرات »
« و باقر علم الاولین محمد شبیه رسول‌الله ذی الدرجات »

« ومظهر دین الصدق والحق جعفر و مظهره فی الجهر والخلوات »
« و موسی شهید الاشقیاء و نجله علی الرضا المسموم فی العنبات »
« ومعدن تقوی الله الجواد وابنه محمد المحبور بالنعمات »
« وهادی الوری نجل التقی معدن النقی علی خفیر الخلق فی القفرات »
« و بالحسن الاصل الاصیل بعسکر ابی العز والخیرات والبرکات »
« بصاحب هذا العصر اعنی محمدا ای الخاتم الثانی لخیر وصات »
« انلنی انلنی بغیتی بولائهم وصل علیهم افضل الصلوات »
« وشفعهم فی عبد عبد عبیدهم عبیدك لطف الله فی العرصات »
« و بالباقر البناء کاتب هذه ال حروف وقاه الباری العثرات »

بیشتر این کتیبه ها از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده است[1]. (ش ۷۹)

این مسجد تاریخی که مورد توجه همه جهانیان میباشد بموجب شماره ۱۰۵ به ثبت تاریخی رسیده است[2].

۳۵- مسجد صفا = شهشهان :

این مسجد که در محله شهشهان و در نزدیکی بقعه تاریخی شهشهان قرار گرفته در قرن سیزدهم هجری بوسیله سید محمد علی بن محمد باقر گلستانه از خانواده گلستانه صورت اتمام پذیرفته است. کتیبه سردر آن بخط ثلث محمدتقی بن محمد ابراهیم چنین است :

« قال الله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة »
« وآتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین. بسعی و »
« اهتمام خادم الائمة محمد علی بن محمد باقر گلستانه شرف اتمام پذیرفت فی ۱۲۹۰ »
« کتبه محمد تقی بن محمد ابراهیم. »

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۰۲ تا ص ۴۱۵.
۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۷.

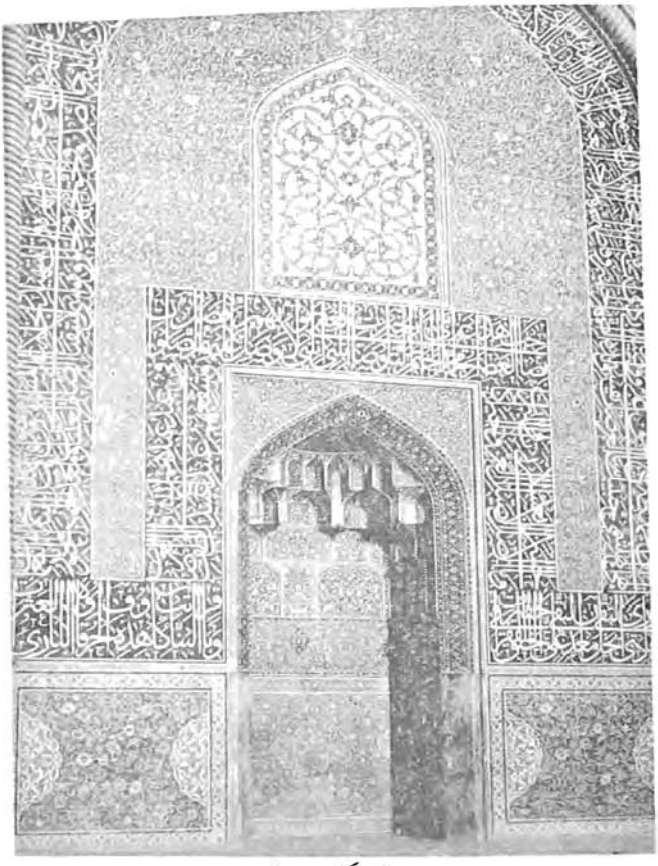

(شکل ۷۹)

دربالای در ورودی بخط ثلث عبارات : « هوالباقی . بسم‌الله الرحمن‌الرحیم» « وبه ثقتی سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین فی ۱۲۹۱ » ونیز با خط نستعلیق این‌اشعار وعبارات بترتیب زیرخوانده میشود :

« بنا شد چو این مسجد با صفا بعون‌خداوندرکن‌وحطیم(یاحنان) »

« ز پرتو بتاریخ آن شد سؤال بگفتا « لساعیه فوز عظیم ۱۲۸۹ »
« نمقه محمد تقی » « یا حنان » « عمل آقاجان » .

کتیبه ایوان جنوبی مسجد بخط بنائی سوره اخلاص و سپس آیه : « وان یکاد الذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر یقولون انه لمجنون و ما هو الاذکر للعالمین ۱۲۹۱ » .

شبستان مسجد صفا نیز کتیبه‌هائی داردکه مهمتر ازهمه آنها چنین است :
« لااله الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله وفاطمة عصمةالله‌الحسن والحسین و »
« علی‌بن‌الحسین ومحمدبن‌علی وجعفربن‌محمد وموسی‌بن‌جعفر و علی‌بن‌موسی‌و »
« محمدبن‌علی و علی‌بن محمد والحسن‌بن علی والقائم‌المهدی هم خلفاء رسول‌الله »
« صلوات‌الله علیهم اجمعین فی ۱۲۹۰ فی شهر صفر سنة تسعین ومأتین بعدالالف ».

درکتاب‌گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که عبارات کتیبه از آن‌گرفته شده در صفحه۷۹۵ سطر سوم بعداز علی‌بن موسی نوشته شده « و محمدبن » و پدرش علی نوشته‌نشده است وچون این اشتباه مسلم‌بود اصلاح‌گردید .

ثبت تاریخی این‌مسجد نیز درگردش اداری است[۱]

۳۶ـ مسجد علی :

این‌مسجد که درنزدیکی میدان قدیم ومسجد جمعه و هارون ولایت قرار دارد یکی از مساجد تاریخی است که در قرن ششم هجری بنا ودر دوران صفویه تعمیرگردیده است .

مسجد مزبور پیش ازشاه اسماعیل صفوی به مسجد سنجریه اشتهار داشته وشاید علتش آن‌بوده‌که بانی آن سلطان سنجر بوده است و پس از اینکه مسجد مزبور رو بویرانی نهاده و درزمان‌شاه اسماعیل صفوی بتعمیر آن پرداخته‌اند چون تا زمان او بیشتر مردم اصفهان سنی و چهاریاری بودند و برخی‌هم حضرت علی را سب میکردند ازاین‌رو در زمان‌شاه‌اسماعیل‌که مروج مذهب‌شیعه‌بود برای مقابله‌با

۱ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷.

اینگونه عقاید مسجد را بنام علی نامیدند وداستان کشته شدن طفلی علی نام گذشته ازاینکه مدرك تاریخی ندارد بیشتر بافسانه شباهت دارد ونمیتوان بچنین گفته‌هائی ترتیب اثرداد .

ونیز ممکن است که چون در ۹۷۷ شیخ‌الاسلام علی منشارکرکی متولی آب مسجد بوده مسجد بنام او شهرت یافته باشد .

مسجد علی دارای ایوانهای متعدد در شرق و شمال وجنوب میباشد و ایوان جنوبی از دیگر ایوانها وسیعتر است و شبستان گنبد دار آن نیز درضلع جنوبی قرار دارد . نمای گنبد ازخارج ساده وآجری است ولی درداخل دارای تزیینات گچبری میباشد . کتیبه‌های مسجد مزبور بشرح زیر است :

الف ـ کتیبه سردر بخط ثلث وبردو قسمت میباشد :

۱ ـ قسمت اول بخط ثلث معرق‌حنائی برزمینه‌کاشی لاجوردی چنین است :

« قال‌الله تعالی و عهدنا الی ابراهیم و اسمعیل ان طهرا بیتی للطائفین »
« والعاکفین و اذیرفع ابراهیم‌القواعد من‌البیت واسمعیل وقالوا نعبد الهك واله »
« آبائك ابراهیم و اسمعیل قل آمنا بالله وما انزل‌الینا و ما انزل علی ابراهیم و »
« اسمعیل. ام تقولون ان ابراهیم و اسمعیل واسحق ویعقوب و الاسباط کانوا هوداً »
« او نصاری قل‌آمنا بالله ومانزل علینا وما انزل علی ابراهیم واسمعیل انا اوحینا »
« الیك کما اوحینا الی‌نوح والنبیین‌من‌بعده واوحینا الی‌ابراهیم واسمعیل‌واسحق »
« ویعقوب والاسباط . واسمعیل والیسع ویونس ولوطاً وکلا فضلناه علی‌العالمین . »
« الحمدلله الذی وهب لی علی‌الکبر اسمعیل و اذکر فی‌الکتاب اسمعیل انه کان »
« صادق الوعد وکان رسولا نبیاً . واسمعیل وادریس وذاالکفل‌کل من‌الصابرین . و »
« اذکر اسمعیل والیسع وذاالکفل وکل من‌الاخیار » .

۲ـ قسمت دوم‌کتیبه بخط ثلث برزمینه کاشی‌لاجوردی مشتمل برنام پادشاه زمان تعمیر وبانی تعمیر ونویسنده کتیبه و ماده تاریخ انجام تعمیر میباشد و آن چنین است :

« هذا مسجد من توجه اليه بالاحرام فقد ولی وجهه شطرالمسجد الحرام ،
« اسسه فی زمان من بیده مقالید الزمان السطان بن السلطان بن السلطان الذی اسمه ،
« الجمیل بعدد الائمة علیهم السلم فی التنزیل ابی المظفر سلطان شاه اسمعیل خلدالله ،
« ظله الظلیل مؤسس قواعد السلطنة سمی ثانی السبطین کمال العدالة والاقبال میرزا ،
« شاه حسین ابدت ظلال نصفته فی الخافقین ولماورد فی الاخبار ان نعیم الدنیا مساجدها ،
« جاء تاریخ العمارة جاؤها وفتحت ابوابها کتبه شمس الدین التبریزی . » (ش ۸۰)

از دو قسمت کتیبه‌های سردر چند نکته استفاده میگردد :



(شکل ۸۰)

۱ـ اینکه چون درقرآن در دوازده جا کلمه اسماعیل ذکرگردیده و با عدد دوازده امام مطابقت دارد نتیجه گرفته شده که شاه اسماعیلهم که نامش اسماعیل است درعداد ائمه وپیشوایان و بزرگان دین محسوب شده است البته ذکر اینگونه مطالب مربوط بکسانی است که در اطراف شاه بوده و میخواستهاند مورد توجه شاه قراربگیرند والا خود شاه اسماعیلکه چنین اطلاعاتی نداشته است .

۲ ـ ازکلمه اسسه معلوم میگردد که اساس مسجد از میرزا شاه حسین ودر زمان شاه اسماعیل انجام شده است درصورتیکه شاردن گفته که مسجد سنجریه را بنام شاه اسماعیل کردهاند از مجموع مطالب میتوان گفت که میرزا شاه حسین اساس مسجد را برهم زده و ازنو بعمارت آن پرداخته است .

۳ـ اینکه عمارت مسجد علی درزمان سلطنت شاه اسماعیل صفوی بهمت میرزا شاه حسین اعتماد السلطنه [۱] انجام گردیده است و ماده تاریخ آن که :

۱ـ میرزا شاه‌حسین ملقب به‌کمال‌الدین میرزا و متخلص بساقی در ابتدای‌کار در اصفهان به بنائی اشتغال داشت‌وسپس دراثر ابراز لیاقت بخدمت‌دورمش‌خان درآمد وبقاضی‌شهر اصفهان رسید ومدتی وزیر داروغه آنجا وملازم‌دورمش‌خان بود ودر سال ۹۲۰ بوزارت شاه‌اسماعیل منصوب شد وعنوان وکیل‌السلطنه و اعتمادالدوله باو داد درطی نه‌سال‌اشتغال بمناصب تمولی سرشار تحصیل‌کرد وعاقبت محمد شاهقلی‌ازمنسوبان شاه‌که‌جهت اخراجات رکابخانه همایونی مبلغهای‌کلی تحویل داشت واز سخت‌گیریهای وزیر درآن دل‌تنگ بود خنجری برشانه‌وی‌زد و بقورچیان گفت حکم همایون صدور یافته‌که این شخص را پاره پاره‌کنند و آنان نیز چنان کردند . میرزا شاه حسین گاهی شعر هم میگفت وتخلصش ساقی بود ازاشعار او است :

شام غیر سگ کویش که‌با من یاربود — هر که را دیدم ز یاران بر سر آزار بود

در رثای اوخواجه ضیاءالدین میرم قصیده‌ای مشتمل بریازده بیت‌گفته که‌مطلع ومقطعش را ذیلا مینگارد:

مهر سپهر لطف که از رای روشنش — آیینه فلـك شده جام جهـان نمـا
دریای جود شاه حسین آنکه از شرف — مثلش ندیـده دیده ایام عمـرها
مضمونش آنکه چون‌بجوارش مقام‌یافت — تاریخ گشت : « شاه شهیدان کربلا» (۹۲۹)

از مضمون اشعار مزبور معلوم میگردد که‌بعد از اینکه در۹۲۹ مقتول گردید نعش‌اودر کربلا مدفون گردیده است .

پس از قتل اوکسی درخواب دید که تاریخ کشته‌شدن اوبا الفاظ (میرزا شاه حسین اصفهانی) مطابقت دارد وچون محاسبه شد درست درآمد.

(نقل از احسن‌التواریخ و تاریخ حبیب‌السیر)

« جاؤها وفتحت ابوابها» باشد ویکی از آیات قرآن‌است بحروف جمل یاسال ۹۲۹ منطبق میگردد.

۴ـ درقسمت دوم کتیبه نوشته‌شده « السلطان بن السلطان بن السلطان» که میرساند پدر وجد شاه اسماعیل عنوان سلطنت داشته‌اند در صورتیکه اگر منظور سلطنت وپادشاهی باشدبا واقع منطبق نیست.

۳ـ کتیبه داخل سر در در اشکال چهارگوش پراکنده بخط بنائی سفید رنگ برزمینه مشکی « الله ». ـ «الله‌اکبر». ـ « الحسن العسکری» . ـ «محمد» .. «علی » و بخط بنائی سفید معرق برزمینه مشکی در درون چهار ضلعی پراکنده : «سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله‌والله اکبر» خوانده‌میشود. ودرپشت بغل سردر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این عبارت : « عبادت بمسجد علی خوش بود ».

در سال ۱۳۲۳ شمسی بوسیله شیخ‌زاده هراتی که از اخیار و نیکوکاران و مردم یزد میباشد در سردر تعمیراتی انجام شده واین اشعار که اثر طبع شاعر معاصر محمد حسین متخلص‌به صغیر متوفی (۱۳۹۰ هـ. ق) میباشد دراطراف سردر درج گردیده وآن اشعار چنین است:

« شیخ‌زاده آن ملقب بر هراتی زاهل‌یزد کزازل خوکرده با مهرنبی عشق ولی»
« کرد برمسجدعلی تعمیرکامل وین‌عمل خود دلیل‌روشنی ازاوست‌بر روشندلی»
«خواست‌ازدوران‌شمسی‌مصرعی‌گوید‌صغیر تا بتاریخش‌رقم سازند با خط جلی »
«کاملی‌ازجمع ناگه‌سربرون آورد وگفت: «مرحبا سعی هراتی یاراو بادا علی»
۱۳۲۳

۴ـ درایوان شرقی که روبروی در ورودی مسجد است لوح سنگی نصب‌شده که کتیبه آن بخط ثلث برجسته باین شرح خوانده میشود :

« درتاریخ سنه اربع‌وسبعین وتسعمأة عنایت‌ازلی شامل حال غلام‌شاه ولایت»
« پناه‌ملك اصلان ببك‌بن مغفرة پناه‌رستم‌سلطان افشار ارشلو شده یك‌لوله‌که‌قطر »

« آن نیم‌چاریك باشد بذراع جدید اصفهان‌از نهر جرجی کان‌وقف نمود برمسجدی»
که درجنوبی آستانه هارون ولایت علیه السلام والتحیة واقعست بعد ازآنکه از »
« ملاّك آن موضع بوجه شرع شریف باو منتقل شده بود و تولیت آن بحضرت »
« شریعت و افادة پناه شیخ الاسلامی علیا منشار اکرکیا تفویض نمود وبعدازآن »
« حضرة با ارشد اولاد اوباشد مشروط بآنکه از بالا هیچ آفریده الا از ضروری »
طهارة وشرب تصرف ننماید وبعد ازآنکه ازمسجد خارج شود بهرمحل که‌جاری »
« شود منافع آنرا بمصرفی‌که دراو مسطور است صرف نماید وتغییردهنده درلعنت»
« الهی باشد بسعی بنده درگاه موسی باتمام رسید سنه ۹۷۷».

مساحت مسجد علی قریب سه‌جریب وسه‌قفیزشاه‌است[۱] نوشته‌های دیگری هم ازطرف عابران در قرن یازدهم درمسجد وجود داردکه چون ارتباطی با مسجد ندارد ازشرح آن خودداری گردید.

کتیبه‌هائی‌که نوشته شده ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] اقتباس گردیده است. این مسجد بموجب تصویبنامه شماره ۹۶ ـ ۱۳۱۰/۱۰/۵۱ به ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۳۷ـ مسجد علیقلی آقا:

این مسجد در محله بیدآباد در بازاری بنام بازار حاج علیقلی آقا بوسیله حاج علیقلی آقا از خواجگان حرمسرای شاه سلطان حسین صفوی بنا شده است. درجلو مسجد نهر بابا حسن‌که منشعب از مادی فدین است جریان دارد ،گلدسته مسجد بربالای سردر ومسجد باکاشیهای الوان ونقوش هندسی وگره سازی مانند طرحهای مدرسه چهارباغ تزیین شده است، صحن مسجد مستطیل وطولش‌ازشمال بجنوب وحوض ومهتابی ندارد. درطرف جنوب ایوان و محرابی دارد که ازاره‌اش

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۲۰ . ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۳۷۱ تا ۳۷۶ . ۳ـ فهرست بناهای تاریخی ص۳۰ .

از سنگ مرمر و دربالا دارای کاشیکاری معرق نفیس است . در سمت مشرق دارای شبستان کوچکی است‌که در اواخر قرن‌سیزدهم بمسجد اضافه شده‌است . مساحت مسجد تقریباً ۱۲۰۰ ذرع است .[۱] کتیبه های مسجد حاج علیقلی آقا بشرح زیر است :

۱ـ کتیبه سر درمسجد بخط ثلث قهوه‌ای‌رنگ علینقی امامی‌چنین‌است:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم. لقد تصدی لاتمام هذا المسجد الشریف واختتام »
« هذا المعبدالمنیف فی زمن دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم الشاه »
« سلطان حسین‌الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وافاض‌علی ـ »
«العالمین بره عالیجناب الموفق بالتوفیقات الربانیة والمؤید بالتأییدات‌السبحانیة»
« محرم‌حریم‌الدولة السنیة العظمی ومقرب‌الحضرة العلیة الکبری‌الحاج‌علیقلی‌آقا»
« وفقه‌الله تعالی علی نقی‌الامامی ۱۱۲۲ . ». ازاین کتیبه معلوم میگردد که حاج ـ علیقلی آقا از خواجه سرایان ومحارم حرم شاه سلطان حسین این مسجد را تمام کرده است یعنی اساس بنای آن ازدیگری بوده ونامبرده موفق باتمام واختتام آن گردیده است . و تاریخ شروع را جابری انصاری ۱۱۱۲ قمری نوشته است.

۲ـ دردرون مقرنسهای سردر دوبیت زیر بخط نستعلیق سفید بر زمینه‌کاشی لاجوردی وبخطاطی محمد صالح نوشته شده است:

« درزمان دولت سلطان حسین آنکه ظـل حضرت ایزد بود »
« شد بنا این‌مسجدوتاریخ‌گفت: « رحمت‌حق‌وقف‌این‌مسجدبود»
«۱۱۲۲» « محمدصالح »

۳ـ روی‌جرزهای طرفین‌وبالای سردربخط بنائی این عبارات وجملات‌نوشته شده است:

« اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم قل هوالله احدالله»
« الصمد لم یلد ولم‌یولد ولم یکن له کفواً احد.»

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۷۳.

و در محراب ایوان شرقی بخط کوفی عبارت : « لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله » خوانده میشود .

۴ـ کتیبه سردرشبستان کوچك بخط‌نستعلیق سفید برزمینه کاشی‌لاجوردی چنین است:

« هوالله تعالی شأنه العزیز »

« یا علی ادرکنی »

« از علو همت صدر اجل فخردوران قطب‌ایمان بدردین»
«چرخ‌فرقاضی ابوالقاسم‌که‌هست شخص پاکش پیشوای متقین »
«یافت‌اتمام این شبستان‌کزشرف بایدش‌خادم شود روح الامین »
« یافت چون اتمام این عالی بنا ماندیحیی بهر تاریخش غمین»
« قال جبریل الامین » اطهرون و ادخلوها فی سلام آمنین»

۱۲۹۷

و دردولوحه کوچك چنین نوشته شده است:

« کتبه عبدالجواد» « عمل محمد اسمعیل »

ازمجموع اشعار ولوحه‌ها معلوم میگردد که‌قاضی ابوالقاسم در آخر قرن سیزدهم شبستان رابناکرده ومحمد اسماعیل بنای آن ویحیی‌که حاج‌میرزا یحیی کاشی‌پز باشد شاعرکتیبه وعبدالجواد بن عبدالحمید پدر اسدالله رجالی خطاط آن بوده است. بیشترعبارات‌کتیبه‌هاازگنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده‌است[۱]. این‌مسجد طی شماره ۲۲۵ ـ ۱۳۱۴/۹/۲۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۲] .

۳۸ـ مسجد فتح = کوچه باغ :

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان راجع باین مسجد چنین نوشته شده است :[۳]

« درمحله قدیمی باب‌الدشت مساجدکوچك دیگری نیز وجود دارد ازآن»

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۸۳ تاص ۶۸۴. ۲- فهرست‌بناهای تاریخی‌و اماکن باستانی‌ایران ص۵۹. ۳ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص ۶۱۲.

« جمله: مسجد فتح است‌که مسجدکوچه باغ نیزنامیده میشود .کتیبه این‌مسجد »
« که بخط ثلث نوشته شده وقسمتهائی ازآن فعلاً موجود نیست مشعر برآنست »
« که مسجد فتح بوسیله عالم ربانی وعارف صمدانی ابوالفتوح محمد درسال۹۸۷»
« هجری‌بنا شده .کتیبه این‌مسجد بخط علیجان معلم است وبرجرز طرفین سردر »
« آن نیزبردو لوحه سنگی‌بخط نستعلیق اشعاری بتاریخ نوزدهم شهرربیع‌الاول »
« سنه ۹۸۸ حجاری شده . » درتاریخ اصفهان وری هم فقط نوشته شده‌که در زمان شاه طهماسب مسجد ساخته شده است و اما راجع بوجه تسمیه مسجد چنین بنظر میرسد که چون کنیه بانی ابوالفتوح بوده مسجد بنام فتح نامیده شده و شاید در ابتدای امر مسجد ابوالفتوح می‌گفته‌اند و در اثرکثرت استعمال فتح شده است و اماکوچه باغ‌گفته‌اند از آن‌نظرکه درکوچه‌باغ‌بوده‌است. این‌مسجد تاکنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است .

۳۹ـ مسجد قطبیه :

این مسجد در خیابان‌شاه اصفهان قرارگرفته وبانی‌آن امیر قطب‌الدین‌علی باب‌الدشتی بوده‌که در عصرشاه طهماسب صفوی مبادرت بساختن مسجدکرده است . صحن مسجد مزبور کوچك و اطراف آن با کاشیهای معقلی تزیین گردیده است و سردرآن در هنگام احداث خیابان شاه چون در معرض خطربوده کاشیهای آن به چهلستون نقل‌گردیده است ودر آنجا درضلع جنوبی باغ چهلستون سردری بنا وکاشیها برآن نصب گردیده است . کتیبه های مسجد باین شرح است :

۱ـ کتیبه سردر مسجد بخط ثلث ابوسعید امامی بـا کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی‌آن قسمت‌که باقی‌بوده چنین است :

« . . . المعصومین فی‌ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم »
« ظل‌الله علی اهل الایمان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی بهادرخان »
« خلدالله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین بره واحسانه الصاحب الاعظم »
« والاکرم المستعین من‌الله الملك‌الولی امیرقطب‌الدین علی‌الباب الدشتی فی‌شهر »

« محرم سنة خمسین وتسعمائة کتبه ابوسعید الامامی . »

۲ ـ درزیر کتیبه بالا بخط مشکی برزمینه فیروزه‌ای چنین خوانده میشود :

« بسعی شمس الدین محمد اصفهانی . »

۳ ـ کتیبه وقف امیر قطب الدین باب الدشتی برمسجد واطعام مساکین درزیر هلال سردر بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« چون توفیق الهی رفیق حال وکافل آمال اقل العباد قطب الدین باب الدشتی »
« شده خو است که ازبرای یوم المعاد ترتیب ذخیره مائده احسان نماید که ازخان انعام »
« اومستحقین بهره‌مند گردند بنابراین مزیت رقبات معینهٔ را وقف نمود که از »
« حاصل ونماء آن حقوق یکنفر قاری داده شود که تمام ایام بتلاوة کلام ملك علام اشتغال »
« نماید ازجهت واقف وتتمه باطعام فقرا ومساکین مترددین درآن صرف نمایند »
« مقرر آنکه بعلة رسم الصدارة وتوزیعات ورقمات وقفی و مدد فوج نواب دیوان »
« الصدارة وغیرهم طلبی از موقوفات مزبوره ننمایند و زیاده از یکسال باجاره »
« ندهند نه بعقدواحد ونه بعقود متعدده فمن بدله بعدماسمعه فانمااثمه علی الذین »
« یبدلونه ان الله سمیع علیم . » .

چند مورد اشتباه املائی دراصل کتیبه وجود داردکه امانت ایجاب میکرد عیناً درج گردد وتصرف درآن بی‌مورد بنظر میرسید .

۳ـ کتیبه قسمت فوقانی جبهه مقابل سردر در اطراف یك صفحه کاشیکاری که باکاشی معرق صورت دوطاوس نقش شده بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی صلوات بردوازده امام نوشته شده است .

۴ـ دراطراف مدخل سردر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این اشعار خوانده میشود :

« محمد عربی آبروی هردو سرا
کسی که خاك درش نیست خاك برسر او »

« شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او »

« که من مدینهٔ علمم علی درست مرا
عجب خجسته حدیثی‌است من سگ دراو »

۵ ـ بردوجانب سردر بخط نستعلیق با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی این اشعار کتیبه شده :

« غرض نقشی‌است کزما بازماند — که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگرصاحب دلی روزی برحمت — کند درحق این مسکین دعائی »

۶ ـ درصحن مسجد مزبور سنگابی نصب شده که دارای کتیبه‌ای منظوم بخط نستعلیق برجسته بشرح زیراست :

« از ره احسان نمود وقف‌بدوران — دختر باقر ز ساکنین صفاهان »
« وقف ابوالفضل کرده سنگ آبی — تاکه شود سرفراز حضرت‌سبحان »
« هرکه‌خورد آب‌خوشگوارنماید — لعن‌فراوان بقاتلان شهیدان »
« گفت فیوضی ز بهر تاریخش : — غشز پس‌ازهجرت ستوده دوران »
۱۳۰۷

درکتاب‌گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان[۱] که مأخذ نگارنده در ذکرکتیبه‌ها و ممیزات آنها میباشد «غشز» بحروف غین‌وشین وراء مهمله نوشته شده درصورتیکه درست‌آن بجای‌حرف‌راء مهمله‌حرف‌زاء منقوط است وباید«غشز» نوشته شود واگر آنچه درآنجا نوشته بحساب‌آوریم تاریخ سنگاب میشود۱۵۰۰که بهیچوجه درست نیست‌پس درست‌آن(غشز) بزاء منقوط میباشدکه‌باسال۱۳۰۷ هجری‌منطبق میشود.

نکته‌ای که دراین کتیبه ها استنباط میگردد اینستکه آنچه درعصر شاه طهماسب نوشته شده بیشتر مضامین آنها متشابه و برخی هم یکسان بوده است. مثلاً درمسجد ذوالفقار اشعار : محمدعربی تا آخرکه برروی درآن نقر شده ودر مسجد قطبیه همان اشعاردر مدخل‌سردرکتیبه‌شده است یااینکه القاب شاه‌طهماسب در همه جا یکسان و مشابه است .

سردراین‌مسجددرتاریخ ۲۲/۹/۱۳۱۳ بشماره۲۱۸ بثبت‌تاریخی‌رسیده‌است[۲].

۱ــ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۳۸۰ تا ص۳۸۳.
۲ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۳ .

۴۰ ـ مسجد لنبان :

این مسجد که ازمساجد قدیمی اصفهان است درمحله لنبان که آن نیز ازمحلات کهن اصفهان میباشد قرار دارد بنای اصلی این مسجد بطوریکه نوشته‌اند در قرن هشتم انجام وچون درزمان صفویه فرسوده شده بوده مورد تعمیر قرار گرفته است .

سعید هروی که درقرن هشتم میزیسته در اشعار خود اشاره بمسجد لنبان و عمارت جمال‌الدین محمد که درجای خودگفته شده‌کرده است :

از پی ذوق وتفرج گر بلنبان درشوی — مسجدی بینی مروح برسر آب‌روان

درجوارش صاحب‌صاحب‌خدم‌را بقعهٔ — کزلب تعظیم بوسد آسمانش آستان

از آثار قدیمی جز چند قطعه گچبری از دوره های پیش ازصفویه و چند لوح کاشیکاری اززمان صفویه چیزی باقی نمانده است .

خطوطی‌که بردولوح کاشیکاری اززمان صفویه باقی مانده بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بخطاطی محمد رضا امامی اصفهانی چنین است : «وصل وسلم» «علی وارث الامام الولدالوصی والحجة الصفی‌الحسن العسکری صلوات‌الله علیه .» «وصل وسلم علی‌وارث الامام القائم المنتظرابی‌القاسم محمدالمهدی‌صاحب‌الزمان» «صلوات‌الله علیهم اجمعین کتبه محمد رضا الامامی‌الاصفهانی ۱۰۸۰ . »

درزیر تالار بزرگ مسجد نهرآبی جاری است و سردابه‌ای دارد که مردم نذورات خود را درآنجا ادا میکنند و عریضه حاجات خود را بآب میاندازند و مسجد مزبور نزد مردم اصفهان احترام خاصی‌دارد ومنبرآن‌که مورخ بسال ۱۱۱۴ هجری است بمنبر صاحب‌الزمان معروف و از اینرواست که عرایض خود را بآب میاندازند که جواب آنرا ازحضرت صاحب الامر دریافت کنند و شاید این تسمیه واین عمل از ذکر صاحب‌الامر در لوح کاشیکاری که باقی مانده منتزع شده باشد . دیگر مردم اعتقاد دارند که حضرت امام حسن مجتبی (ع) در مسجد لنبان نماز خوانده است ولذا مسجد مزبور را ازسایر مساجد بیشتر تقدیس وتجلیل‌میکنند برروی منبر نفیس مسجد بردو جانب آن در لوحه‌هائی صلوات بر چهارده معصوم کنده شده است.

دربالای درورودی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی‌رنگ این کتیبه منظوم خوانده میشود:

« هوالعزیزالکریم الغفار »

« در زمان داور گیتی ستان بحر دل — آفتاب دولت مشرق سلیمان پادشاه،
« پادشاهی‌کزبرای کسب اقبال وشرف — فتح درظل همای رایتش‌گیرد پناه ،
« یافت تعمیراین‌بنا ازلطف‌آن‌گردون‌شکوه — شامل حال شریفش‌باد الطاف اله ،
« تا بود مسجد برای سجدهٔ اهل ورع — آستانش پادشاهان‌جهان‌راسجده‌گاه،
« خامه بهرسال تاریخش‌عبارت‌زدرقم: — «نوشد این مسجدزامرعادل‌عالم پناه،
(۱۰۸۰)

« قائله محمد طاهر نصرآبادی کتبه العبد المذنب المحتاج الی الله الغنی ،
« محمدرضا الامامی غفرله.»

کتیبه دیگری که در سردر مسجد دیده میشود و بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی است مشتمل برآیات ۱۸ و۱۹ سوره توبه و باین رقم ختم میشود : «کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۵۶» ومعلوم‌میگردد که آخرین کتیبه مسجدلنبان است که درقرن‌سیزدهم الحاق گردیده است ودرواقع از عمر این مسجد هفت قرن میگذرد . [۱] این مسجد بشماره ۲۹۳ ـ ۱۶/۹/۲۹ به‌ثبت تاریخی‌رسیده‌است. [۲]

۴۱ـ مسجد مصری:

این مسجد بطول پنجاه وعرض چهل‌متر درشمال جوباره و نزدیك قبرستان شور درکوچه مصری واقع گردیده‌است وچون‌بانی آن مردی بنام حاجی‌میرزاخان مصری بوده باین‌نام اشتهار یافته است.

مسجدمزبور دارای سردرکاشیکاری‌است ولی درداخل تزییناتی نداردخطوط

۱ـ این‌کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۲۶ تاص ۶۳۰ اقتباس گردیده است ضمناً متذکرمیگردد که درکتاب مذکورگفته شده که در محاسن‌اصفهان ما فروخی‌مکرر ازلنبان ومسجد وعمارت آن گفتگو شده واین درست نیست چه‌مسجد وعمارت لنبان‌در قرن هشتم بنا شده ومحاسن اصفهان درقرن پنجم نوشته شده است وفقط از محله لنبان در ص ۸۱ نامی برده شده است. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران‌ص۵۵.

وکتیبه‌های آن‌چنین است:

۱ ـ کتیبه سر در مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی باین شرح:

« قال الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجدالله من‌امن بالله والیوم الاخر واقام ـ «الصلوة وآتی الزکوة ولم‌یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین. قال» «رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم لاصلوة لجارالمسجد الافی مسجد وقال تعاهدوا» « تعالکم عند ابواب مساجدکم. کتبه‌جعفرابن عبدالله ۱۱۶۶» این‌کتیبه مطابق‌است با آنچه درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته شده ولی بامراجعه بعکس که از سردر مسجد درهمان کتاب‌گراور شده معلوم گردید که اولا بعد از کلمه: جعفر،بن بدون‌همزه‌نوشته شده‌وهمزه‌ایکه‌درکتاب‌آورده شده‌زاید است‌وهمین‌طور در عکس مزبور بعد از جعفربن‌عبدالله تاریخی خوانده نمیشود مگر اینکه درجای دیگر سردر بوده که درعکس نیامده باشد این جعفربن عبدالله کتیبه سردر مدرسه کاسه‌گران‌را نیز درتاریخ ۱۱۰۳ نوشته‌است درذیل‌کتیبه سردر دریك‌پشت‌بغل بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی لاجوردی جملات: «عجلوا بالصلوة قبل‌الفوت» و « عجلو بالتوبة قبل‌الموت » نوشته شده است و نیز دریك هفتی عبارت:

« انا مدینة العلم وعلی‌بابها» خوانده میشود. (ش ۸۱)

۲ ـ کتیبه منظوم لوح سنگی داخل محراب مسجد که دارای ۱/۱۸ متر طول و۶۴ سانتیمتر عرض وبخط نستعلیق برجسته‌چنین است:

« کتبه العبد « هوالعلی الاعلی » المذنب‌المحتاج محمدرضا امامی‌اصفهانی»

« در زمان دولت خاقان جمشید احترام

شاه دین عباس ثانی داور گردون غلام »

« ساخت حاجی میرزاخان ازسرصدق‌وصفا

مسجدی‌زینسان که بینی درکمال اهتمام »



(شکل ۸۱)

« در صفاهان هرکه این‌عالی بنارا دید گفت
کعبه نو بین که پیداگشته در دارالسلام »
« سعی حاجی آنچنان داده صفائی مرورا
کز منی‌و مشعرش ننهند فرقی خاص‌وعام »
« از علو منبر او شاید ار بینند خطیب
بر فراز پایه اول فلك را سطح بام »

« طاق محرابش که‌هست ابروی معشوق ازل
قبله ارباب طاعت باد الی یوم القیام »
« بانی این کعبه را چون بانی‌آن کعبه باد
آتش دنیا گلستان آتش عقبا حرام »
« در چنین مسجد که زیبد فرش او بال‌ملك
شاه دین ، مأموم باد ومهدی هادی امام »
«سال تاریخش‌شریف‌ازپیروانش‌خواست‌گفت:
قبله‌گاه اهل ایمان باد این بیت‌الحرام »
(۱۰۶۱)

از کتیبه مزبور استنباط میگرددکه در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۱ هجری بوسیله شخصی بنام حاجی‌میرزا خان معروف به‌مصری مسجدی ساخته شده که منبری‌مرتفع وعالی ومحراب برای ارباب‌طاعت داشته وآن‌قدر این‌مسجدمقدس ومحترم بشمار میرفته که زیبنده‌بوده فرش آن ازبال فرشتگان وماموم مسجد شاه دین منظور سلطان وقت‌یعنی شاه‌عباس‌ثانی وامام آن مسجد حضرت مهدی‌امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه باشد و شاعری با تخلص شریف[۱] در تاریخ بنای مسجد این اشعار راسروده وبموجب‌مصرع آخر سال تاریخ محراب مسجد ۱۰۶۱ هجری‌بوده است واگر تاریخی را که درگنجینه آثارتاریخی اصفهان تذکر داده یعنی‌سال۱۱۱۶ هجری درست باشد اختتام سردر مسجد درآن سال بوده است ودرواقع خاتمه‌بنای مسجد در۱۱۱۶ بوده است .

مسجد دارای دوسنگاب‌است یکی‌درداخل ودیگری درخارج روبروی‌سردر وهردوکتیبه دارد:

۱- نامش ملامحمد پدرش استاد کلبعلی سنگ تراش ورنو سفادرانی بوده وخودهم درابتدای کار همان حرفه را داشت و سپس‌ها کرده بکارهای دیوانی پرداخت و در یکی از محلات اصفهان بنوشتن سجلات شرعی اشتغال وبا مؤلف تذکره نصرآبادی معاصربوده است .
(تذکره نصرآبادی‌ص ۴۱۵)

۱ـ کتیبه‌سنگاب‌داخل مسجد که‌مستدیر شکل وقطر دهانه آن۷۹سانتیمتر است بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« هرکه این‌سنگاب را ازمسجد مصری بیرون ببرد بلعنت خدا و نفرین ، « رسول‌گرفتار شود سنهٔ ۱۲۴۳» واز فحوای آن معلوم میگرددکه درتاریخ ۱۲۴۳ هجری که‌زمان فتحعلی‌شاه قاجار بوده این‌سنگاب وقف برمسجدمصری شده‌است وکسی حق بردن آن سنگاب رابخارج مسجد نداشته است.

یك فرد شعر نیز بردو لوح برسنگاب مزبور بخط نستعلیق برجسته نوشته شده که چنین خوانده میشود :

« بنگر بقای عمرکه چون‌کشتی روان استاده می‌نماید چون باد میرود »

۲ـ کتیبه سنگاب خارج مسجد بخط ثلث برجسته برسنگ سیاه باین شرح است :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود سقاخانه را باکارخانه های‌شعر، بافی . . وخانه فوقانی‌کخرج سقا خانه نمایند حاجی‌آقاجانی وحاجی آقاحسن، » « تغییر دهنده بلعنت خدا و رسول‌گرفتار شود سنه ۱۲۰۰ » از این کتیبه معلوم میگردد که این‌سنگاب در محل سقاخانه بوده و ربطی به مسجد مصری نداشته و کارخانه شعربافی وخانه فوقانی‌کارخانه وقف بر آن سقاخانه بوده ومتولیان‌سقاخانه ورقبات موقوفه حاجی‌آقاجانی وحاجی‌آقا حسن بوده‌اند واین‌اقدام درتاریخ۱۲۰۰ و دراوایل سلطنت آقا محمدخان قاجارانجام‌گرفته است . این‌کتیبه‌ها ومشخصاتش ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده است.[۱]

این‌مسجد بموجب شماره ۲۷۳ به ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۴۲ ـ مسجد مقصود بیك = مسجد ظلمات :

این مسجد درکوچه تکیه ظلمات قرار دارد که ازگوشه شمال شرقی میدان شاه منشعب میگردد .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۵۸۵ تا ص۵۸۸. ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

مسجدمزبور چنانکه ازکتیبه تاریخی آن معلوم میگردد ومورخان وسیاحان نیز نوشته‌اند بانی آن مقصودبیك ناظر شاه عباس‌اول بوده است .

واما اشتهار کوچه‌ایکه مسجد درآن بناشده بکوچه ظلمات از آن جهت است که در آن کوچه تکیه ظلمات قرارگرفته و اما تکیه را چرا تکیه ظلمات میگویندگمان میکنم علتش این‌بوده‌که این‌تکیه پیوسته تاریك وبی‌روشنائی بوده است‌واز اینرو بنام‌تکیه ظلمات معروف شده‌است. دراین مسجد دوکتیبه‌که مربوط به‌مسجد وکتیبه‌ها وخطوطی‌هم راجع بمدفونان درآنجا وجود دارد :

۱ــ کتیبه سر در مسجد بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بتوفیق‌الله تعالی عمرهذا المسجد فی‌ایام سلطنة من‌هو ظل‌الله فی‌الارضین»
« قهرمان الماء والطین ناصر عبادالله حافظ بلادالله السلطان‌بن السلطان‌ابوالمظفر»
« شاه عباس‌الحسینی خلدالله ملکه‌وسلطنته وافاض‌علی‌العالمین‌بره وعدله واحسانه»
« بنده شاه عالم پناه مقصودبیك ناظر قربةً الی‌الله تحریراً فی‌الف وعشر نمقه جعفر»
« علی‌الامامی » .

درتاریخ این‌کتیبه افتادگی بنظرمیرسدکه درهنگام قرائت ویا درموقع درج درکتاب ویا درچاپ واو عطف بعد از الف افتاده است وگرنه معنی‌عبارت هزار ده است واین چنین معنائی مراد نیست و از اینرو واو عطف درج‌گردید .

۲ــ کتیبه محراب شبستان جنوبی‌مسجد بخط ثلث خوش‌سفید معرق علیرضا عباسی برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ باین‌شرح است :

« درزمان دولت پادشاه جمجاه ملائك سپاه‌گردون بارگاه مروج مذهب‌ائمه»
« اثنی‌عشر صلوات‌الله علیهم من‌الملك‌الاکرم‌الاکبرالاعدل السلطان‌الاعظم‌والخاقان»
« الاکرم‌ابی‌المظفرشاه عباس‌الموسوی‌الصفوی الحسینی‌بنای‌این‌مسجدنمودکمترین»
« غلامان مقصودبیك ناظر و ثواب آنرا بروزگار بندگان نواب اشرف‌اقدس هبه »
« نمود کتبه علیرضا عباسی ۱۰۱۱ » .

از این کتیبه معلوم میشود که محراب شبستان بعد از بنای کتیبه سردر انجام شده است چه سردر در ۱۰۱۰ ومحراب در ۱۰۱۱ ساخته شده است . قبر میرعماد خوشنویس وحکمت‌الله خزاعی نیز در این مسجد واقع است . مسجد طی شماره ۲۲۱ به ثبت تاریخی رسیده است .[۱]

قسم دوم:

از جمله مساجد معمور شهر اصفهان مساجدی است که از لحاظ سوابق تاریخی وتزیینات کاشیکاری چندان مهم نیستند و در اینجا آن مساجد را بطور اختصار بشرح زیر ذکر مینمائیم :

۱ـ مسجد آب بخشگان : واقع در قبرستان آب بخشان که وسعت آن قریب یکجریب و نیم است .

۲ـ مسجد آقاحسین .

۳ـ مسجد آقا سید محمد لطیف : واقع در محله خاجو و بنام علی اکبر بیك نیز شهرت دارد .

۴ـ مسجد آقا شمس .

۵ـ مسجد آقا میرزا ابراهیم : درمحله مستهلك بمساحت یك قفیز و نیم.

۶ـ مسجد آقا میرزا احمد :

مسجدی است درحدود مدرسه نیم آورد که میرزا احمد اصفهانی متوفی (۱۱ ذیقعده ۱۳۴۸) در آن امامت داشت .

۷ـ مسجد احمدآباد : واقع درفلکه احمدآباد .

۸ـ مسجد اژه ایها : واقع درنزدیکی چهارسوق میدان میر اصفهان .

۹ـ مسجد استاد نوروز : واقع در میدان میر .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۲.

۱۰ـ مسجد اقصی :

واقع در فلکه خیابان شاه عباس بانی‌آن حاجی آقا کمال‌الدین شریعتمدار فرزند حاجی‌شیخ محمد تقی‌نجفی ومساحتش قریب چهارجریب واختتام بنای آن درسال ۱۳۲۰ هجری قمری بوده است .

۱۱ـ مسجد اول کوچه پهن .

۱۲ـ مسجد باباتوتها : واقع در محله جوباره نزدیك مناره‌های دارالضیافة.

۱۳ـ مسجد باروت کوبها .

۱۴ـ مسجد بازارچه آقا.

۱۵ـ مسجد بازارچه .

۱۶ـ مسجد بازارچه حاجیه خانم .

۱۷ـ مسجد بازارچه حاجی میرمحمد صادق .

۱۸ـ مسجد باغچه عباسی : واقع در باغچه عباسی نـزدیك هارون ولایت بمساحت چهارقفیز .

۱۹ـ مسجد بزرگ محله نو :

این مسجد پیش‌از صفویه ساخته شده ومساحت آن شانزده قفیز ودرگوشه آن تکیه وبقعه شیخ عبدالله انصاری فقیه متوفی (۹۸۰ هـ . ق) قرار دارد که پس ازآنکه‌آن محل مسجد شده سنگ قبررا بدیوار نصب‌کرده‌اند و ازعهد نادر ببعد ازمیان رفته است.[۱]

۲۰ـ مسجد بیمارستان : واقع درجنب بیمارستان ثریای اصفهان .

۲۱ ـ مسجد پاچنار : واقع درمحله نو وبمساحت سه قفیز .

۲۲ـ مسجد پاسنگ ویاپاشیر : واقع در محله درب کوشك از مساجـد قدیمی ودارای چهار قفیزونیم مساحت .

۲۳ـ مسجد پاقلعه : واقع درمحله پاقلعه وبا مدرسه پاقلعه توأم است .

۲۴ـ مسجد پاکوشك: ازبناهای‌ملك‌التجاراصفهانی‌ودارای‌یازده‌قفیزمساحت.

۱- تاریخ اصفهان وری ص۲۷۹ .

۲۵ـ مسجد پانارون : واقع درمحله خاجو .

۲۶ـ مـجد پشت‌بارو : واقع در پشت باروی بیدآباد .

۲۷ـ مسجد پشت بازارچه : واقع در جوباره ودارای سه قفیزمساحت .

۲۸ـ مـجد پناهی : از مساجـد جدیدالبناءِ که در خیابان فـروغی بنا شده است .

۲۹ـ مـجد پهلوی عصارخانه : واقع درمحله میدان قدیم ودارای سه‌قفیز ونیم مساحت .

۳۰ـ مـجد تکیه‌گرگ یراق : واقع درحوالی مسجد حکیم بمساحت دو قفیز ونیم .

۳۱ـ مـجد تکیه محمدعلی یزدی .

۳۲ـ مسجد تـل عاشقان : واقع درتل عاشقان بمساحت هشت قفیز .

۳۳ـ مـجد جنب بازارچه .

۳۴ـ مـجد جنب خانه استاد حسن‌بنا .

۳۵ـ مـجد جنب‌خانهٔ شیخ‌الاسلام: واقع در حوالی مسجد حکیم ودارای سه قفیز مساحت .

۳۶ـ مـجد جنب دروازه دردشت .

۳۷ـ مـجد جوی باریکه .

۳۸ـ مسجد چاره .

۳۹ـ مسجد چهارسوی آجری : واقع درمحله خاجو .

۴۰ ـ مسجد چهارسو درشیخ : واقع درمحله شیخ یوسف .

۴۱ـ مـجد چهارسو کوچك :

واقع درخیابان چهارسوق کوچك که میرزا محمد هاشم چهارسوقـی درآن امامت داشته ویك جریب مساحت دارد .

۴۲ـ مـجد چهل‌دختران : واقع در محله سید احمدیان کـه در دوره شاه اسماعیل صفوی مورد تعمیر قرارگرفته ومساحت آن نیم‌جریب است .

۴۳ـ مسجد حاجی ابوالحسن : واقع درمحله پا قلعه بمساحت شش‌قفیز .

۴۴ـ مسجد حاجی باقر : واقع دربازار عربان وبمساحت چهارقفیز .

۴۵ـ مسجد حاجی جعفر .

۴۶ـ مسجد حاجی جمال .

۴۷ـ مسجد حاجی رسولی‌ها : واقع درمحله نوکه بمسجد نو مشهور وبانی آن حاجی عبدالرسول ویك جریب‌و نیم مساحت دارد .

۴۸ـ مسجد حاجی رضا .

۴۹ـ مسجد حاجی سر تیپ : واقع‌میان نیم‌آورد وسینه پائینی و دارای بیش ازیك جریب مساحت .

۵۰ ـ مسجد حاج سیدعبدالله : واقع درمحله نو بمساحت سه قفیز .

۵۱ـ مسجد حاج سید عبدالوهاب .

۵۲ـ مسجد حاجی عبدالغفار .

۵۳ـ مسجد حاجی طالب : واقع درمحله دروازه نو بمساحت یك قفیزونیم.

۵۴ ـ مسجد حاجی علی : واقع درمحله سیداحمدیان بمساحت چهارقفیز.

۵۵ـ مسجد حاجی گداعلی : [۱] واقع درمحله سید احمدیان .

۵۶ـ مسجد حاجی محمد امید : واقع درمحله قصر منشی در مجاورت حمام قدیمی آن‌محله . کتیبه مسجد حکایت‌دارد که درسال (۱۱۲۹ه.ق) بوسیله حاجی محمد امید ساخته شده ووقف‌گردیده است . کتیبه آن بخط نستعلیق بوده وپس‌از این‌که خراب‌شده بوسیله رکن‌الملك شیرازی نایب‌الحکومة اصفهان درسال(۱۳۰۸ ه.ق) تعمیرشده است .[۲]

۵۷ ـ مسجد حاجی هادی .

۵۸ـ مسجد حاجی میرزابدیع : واقع دردرب حمام‌وزیر بمساحت سه قفیز و چون امام جماعت آن حاجی میرزا بدیع یکی از مدرسان وفضلاء بوده بنام او شهرت‌یافته است .

۱ـ احتمال کلی‌دارد که این‌دومسجد یکی باشدچه هردو درمحله سیداحمدیان واقع‌ونامهای‌بانیان هم تقریباً متحدند . ۲ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۱۰۳۹ .

۵۹ ـ مسجد حمالها : واقع درمحله مستهلك ونیم‌جریب مساحت دارد .

۶۰ـ مسجد حوالی تکیه : واقع در محله جوباره و مساحت آن نیم جریب است .

۶۱ـ مسجد حوالی حمام حاجی‌هادی .

۶۲ـ مسجد حوالی عصارخانه : واقع درمیدان قدیم‌بمساحت سه‌قفیز ونیم.

۶۳ـمسجد خان احمدآباد : واقع‌درمحله احمدآبادکه‌بانی آن باقرخان خراسگانی بوده است.

۶۴ـ مسجد خرابه محله خاجو : واقع در محله خاجو ودارای دوجریب و کسری مساحت.

۶۵ـ مسجد خواجه : واقع در محله سید احمدیان و دارای سه قفیز و نیم مساحت میباشد.

۶۶ـ مسجد خیابان چهارسوق : واقع درخیابان چهارسوق و مساحت آن دوازده قفیز است.

۶۷ ـ مسجد خیاطها = پادرخت سوخته = پادرخت = بادرخت سوخته زنجانی:

کتیبه سردر آن بنام ابوالفتح سلطان احمد میرزا پسر شاه طهماسب اول و در قدیمی آن مورخ بسال ۹۷۵ هجری دربازار بزرگ واقع شده است.

۶۸ ـ مسجددارالشفاء : واقع دربازار نجارها.

۶۹ـ مسجد درب‌تکیه : واقع در درب تکیه میان طوقچی‌وجوباره.

۷۰ـ مسجددرب حمام زعفران : واقع درمحله جوباره بمساحت سه قفیز .

۷۱ ـ مسجد درچه‌ای : واقع در بازارچه حاجی محمد جعفر آباده‌ای در نزدیکی نیم‌آورد وسینه پائینی وچون امام راتب آن حجة الاسلام سید محمدباقر درچه‌ای متوفی (۱۳۴۲ ه.ق) بوده باین نام اشتهار یافته است.

۷۲ـ مسجد قهوه: واقع درمحله تزواسکان ازمساجد قدیمی و دارای قریب نیم‌جریب مساحت میباشد.

۷۳ـ مسجد دوغازی.

۷۴ـ مسجد ذکرالله.

۷۵ـ مسجد زاهدی.

این مسجد از بناهای جدید و بانی آن سرهنگ محمود زاهدی معاصر است وبا مدرسه ودرمانگاه ضمیمه آن قریب‌سه‌هزار متر مساحت‌دارد. نقشه بنای‌مسجد بوسیله مهندس عبدالله فروغی تهیه‌شده وخود ایشان ومهندس ناظر آن‌رضا صدیقی بوئینی در ساختمان وتزیینات کاشیکاری آن‌نظارت مستقیم داشته‌اند. معماری‌مسجد هم بعهده استاد حسین‌کارخانه‌دار بوده . ساختمان مسجد دوطبقه واز اماکن جالب اصفهان است بخصوص‌کاشیکاری‌معرق‌محراب‌آن که‌بوسیله عده‌ای کاشیکاربسرپرستی استادعلی‌مقضی باتمام رسیده وازنمونه‌های عالی صنعت‌کاشیکاری عصر حاضراست[۱].

۷۶ـ مسجد زهراخانم :واقع‌درمحلهٔ‌احمدآبادودارای‌نه‌قفیزمساحت‌میباشد.

۷۷ـ مسجد زین‌العابدین .

۷۸ـ مسجد ستاری : واقع درخیابان فردوسی از مساجد جدید.

۷۹ـ مسجد سرتابه : ازمساجد قدیمی.

۸۰ـ مسجد سرجوی شاه.

۸۱ـ مسجدسرجوی.

۸۲ـ مسجد سرچهارره: ازمساجد قدیمی است.

۸۳ـ مسجدسرچهارسو شیرازیها : از مساجد قدیمی.

۸۴ـ مسجد سرقبرآقا : واقع درمحله سرقبرآقا .

۸۵ـ مسجدسرمادی فرشادی: از مساجد قدیمی که در سرمادی فرشادی واقع است.

۸۶ـ مسجد سلام: ازمساجد جدیدکه درناحیه۳ واقع ونه‌قفیز مساحت دارد و محل امامت مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی اعلی‌الله مقامه متوفی (۱۳۵۴ هـ.ق) بوده است.

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۷۱ .

۸۷ ـ مسجد سلمان : واقع درخیابان شیخ‌بهائی ازمساجد جدید .

۸۸ـ مسجدسیف‌الله‌خان: واقع در محله‌تر واسکان‌ازبناهای سیف‌الله‌خان‌افغان بمساحت‌یك‌جریب.

۸۹ـ مسجدسینه‌پائین = مسجدعلی اکبر: که در محله سینه پائینی واقع‌و نام‌بانی آن علی‌اکبراست.

۹۰ـ مسجد شاه علی.

۹۱ـمسجدشاه اسدالله‌میرهندی: از مساجدقدیمه واقع درجوباره اصفهان ونه قفیز مساحت دارد.

۹۲ـمسجدشجرة : این‌مسجد روی مسجد قدیمی مخروبه بناشده‌ودرخیابان شاه‌عباس کنونی‌قرار دارد.

۹۳ ـ مسجد شعیا: واقع درمحله خوشینان (محله امامزاده اسماعیل) و در حاشیه شرقی‌خیابان هاتف کنونی ازمساجد قدیمی که‌گفته‌اند اول‌مسجدی است‌که در اصفهان بناگردیده وبانی آن ابوخناس آزادکرده عمربن خطاب بود . و درزمان خلافت‌ظاهری حضرت علی‌بن ابی‌طالب(ع) انجام یافته‌است. مرقه‌شعیا نیز درآنجا وجود دارد که خصوصیات آن انشاءالله در جای خود مسطور خواهد شد .

۹۴ـ مسجدشیخ بهائی : واقع در خیابان شیخ‌بهائی وبنا شده‌برروی مسجد خرابه قدیمی.

۹۵ ـ مسجدشیخ مفید : واقع در نزدیکی چهارسوق میدان‌میر که در آن شخص مهمی مدفون است. [۱]

۹۶ـ مسجدشیخ‌یوسف : واقع درمحله شیخ یوسف درتر واسکان.

۹۷ـ مسجد شیرسبز.

۹۸ـمسجدشیره‌پزها : واقع در نزدیکی میدان کهنه اصفهان که بانی آن حاجی سیدجعفر شیره پز است و در اوائل قرن دوازده‌هم بنا و دارای هشت قفیز مساحت‌است.

۱ـ رجال اصفهان ص۲۲۵ .

۹۹- مسجدشئیش: واقع درمحله بیدآباد .

۱۰۰- مسجدشیشه‌گری: واقع درنزدیکی درب باباقاسم و دارای نیم‌جریب مساحت میباشد.

۱۰۱- مسجدصدر العلماء : واقع درمحله مستهلك و بمساحت هشت قفیز و نیم است . بنظر نگارنده باید این مسجد با مسجد شیخ لطف الله یکی باشد چه لقب شیخ‌لطف‌الله صدرالعلماء بوده ومسجد اوهم درمحله مستهلك واقع و مساحت آن‌دوهم تقریباً متحد است.

۱۰۲-مسجدصاحب‌بن‌عباد: واقع درطوقچی.

۱۰۳- مسجدصحر النبان.

۱۰۴- مسجدطوقچی.

۱۰۵- مسجد علی‌اکبر حاجی رضا:

این‌مسجد درمحلهٔ سینه پائینی واقع ومساحتش هفت قفیز ونیم است وظاهر اینستکه این مسجد هم با مسجد سینه‌پائینی یکی است .

۱۰۶- مسجدعلی‌بابا: واقع درمحله باغات درکوچه اسماعیل‌کوسج بمساحت هفت قفیزونیم.

۱۰۷- مسجد علی بقال .

۱۰۸- مسجد فریدون : واقع در بازارچه فریدون محله خاجو .

۱۰۹- مسجد قراولخانه: واقع درمحله پا قلعه بمساحت هفت‌قفیزونیم .

۱۱۰- مسجد کازرونی : واقع درخیابان سپه ازمساجد جدید که بانی آن حاجی‌محمد حسین[1] کازرونی است .

۱۱۱- مسجد کازرونی : واقع‌درخیابان‌عباس‌آبادبانی‌آن همان‌حاجی‌محمد حسین‌کازرونی است .

۱۱۲-مسجدکریم‌ساغری‌دوز: واقع‌درمحله‌جوباره‌ودارای‌چهارقفیزمساحت.

۱- حاج محمد حسین‌بن حاج‌محمد جعفرکازرونی اصفهانی متوفی سوم محرم (۱۳۵۱ه.ق) ازتجار اخیار وبانی چند مسجد و مدفون درتخت پولاد در تکیه‌ای بنام خود .

۱۱۳- مسجد کلانتر : واقع درمحله یزدآباد بمساحت سه قفیز .

۱۱۴- مسجد کمرزری :

این مسجد نزدیك میدان‌میر واقع شده وچون در سلطنت دیالمه آن محل مورد توجه بوده بیشتر مساجدش قدیمی وکهنه است واین‌مسجد بعدها تعمیر شده ومساحت‌آن بیش از یك جریب ونیم است .

۱۱۵- مسجد کوچك : واقع درمحله مستهلك بمساحت دوقفیز .

۱۱۶- مسجدکوچه‌اژه‌ایها : واقع در کوچه اژه‌ایها و دارای نیم جریب مساحت میباشد .

۱۱۷- مسجد کوچه پاکاریها .

۱۱۸- مسجدکوچه حاجی‌ملاابوطالب روضه خوان : واقع درنواحی پشت خیابان وچهارده قفیز مساحت دارد .

۱۱۹- مسجدکوچه عمریها : ازمساجد قدیمی .

۱۲۰- مسجد کوچه مرحوم مشیر .

۱۲۱- مسجدگرك یراق :واقع‌درحوالی مسجدحکیم‌بمساحت‌دوقفیزونیم[1].

۱۲۲- مسجد گلدسته : از مساجد قدیمی اصفهان .

۱۲۳- مسجدگلشن .

۱۲۴-مسجدلرها : واقع در محله جوزدان بیدآباد .

۱۲۵- مسجدمحله نو :

این مسجد مربوط بزمان صفویه است وآنچه مانده نشان میدهد که جالب بوده، پشت‌بغلهای‌اطراف‌صحن‌آن‌باتزیینات‌آجری مشابه‌کارهای هنری‌دوره صفویه است‌که در مسجد شیخعلیخان و مدرسه شمس‌آباد انجام شده ، ازبعد ازصفویه هم الحاقاتی دارد ولی هیچگونه اثر تاریخی‌درآن وجود ندارد تاریخهائی هم‌که دیده میشود مربوط بقرن سیزدهم وچهاردهم میباشد وآن چنین است :

دریك مورد : « حرره فی‌شهر ذی‌قعده سنه ۱۲۷۵» ودرجای دیگر:«۱۲۷۰»

۱ ــ این‌مسجد بامسجد تکیه‌گرك‌یراق یکی‌است ودوتعبیر دارد .

و مورد دیگر : « ۱۳۸۰ قمری » و « ۱۳۴۱ شمسی » موجود است .کتیبه سنگاب مسجد چنین است : « شهررجب سال ۱۲۷۶ عمل استاد حسین‌ولد رضا »[۱]

۱۲۶- مسجد محمد علی‌سلمانی .

۱۲۷- مسجد محمدی- واقع در خیابان محمد رضاشاه .

۱۲۸- مسجدمحله لنبان .

۱۲۹- مسجدمریم بیگم : واقع درمحله باب‌القصر و دارای حدود۷۵۰ذرع مساحت ، بانی‌آن مریم بیگم زن میرزا رضی منشی‌الممالك است .

۱۳۰- مسجدمصلی: واقع درتخت پولاد .

۱۳۱- مسجد مقابل‌سرای قهرودیها .

۱۳۲- مسجدمقابل‌چهارسوق : واقع درمحله میر بمساحت هفت قفیزونیم.

۱۳۳- مسجد مقدسها .

۱۳۴- مسجدملاکاظم : از مساجد قدیمی اصفهان .

۱۳۵- مسجدملك : از بناهای ملك‌التجار اصفهانی .

۱۳۶-مسجدموتابها : واقع در میدان میر واز مساجد قدیمی .

۱۳۷-مسجدمورنان .

۱۳۸- مسجد میدان‌میر: این‌مسجد درمیدان میرقرار دارد .

۱۳۹- مسجدمیر : واقع در خیابان میر و بانی آن حاجی محمد حسین کازرونی است .

۱۴۰- مسجد میرزا اشرف :

این مسجد درمحله خاجو واقع و ازبناهای میرزا مهدیخان اعتمادالدوله ، امیراشرف، صدرالممالك شاه عباس ثانی میباشد وچهارقفیز مساحت دارد .

۱۴۱- مسجد میرزا باقر :

این مسجد درمحله جوباره واقع ومساحت‌آن چهار قفیز است ، واین‌مسجد غیراز مسجد میرزا باقر دربیدآباد است .

۱- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۸۲۸ .

۱۴۲- مسجد میرزا باقر :

این مسجد درمحله بیدآباد اصفهان واقع‌است .

۱۴۳-مسجد میرزاجلال: واقع درمحله بیدآباد ودارای چهار قفیزمساحت می‌باشد .

۱۴۴- مسجدمیرزا عبدالرحیم کازرونی :

از مساجد جدیدکه بانی آن میرزا عبدالرحیم کازرونی است .

۱۴۵-مسجدمیرزاعبدالله : واقع درمحله جماله‌کله بمساحت شش‌قفیز .

۱۴۶- مسجد میرهندی :

واقع درمحله جوباره ومساحتش‌هفت قفیزونیم وبانی‌آن‌میرهندی‌بوده‌است .

۱۴۷-مسجدنزدیك‌قصرچملان : ازمساجد قدیمی .

۱۴۸- مسجدنور ورضوان:

این‌مسجد واقع است در نزدیکی سرای ساروتقی‌که در۱۳۲۵ هجری قمری توسعه یافته ویك جریب و دوقفیز مساحت دارد . نام این‌مسجد سابق برآن‌مسجد کهنه بوده وملامحمد حسین‌کرمانی متخلص به‌مفتی‌که از فضلاء وعلماء ومدرسان و شعراء بوده مسجدکهنه را از پول حاج‌محمد ابراهیم ملك‌التجار اصفهانی توسعه داده است .کتیبه آن‌که اثرطبع خود مفتی‌است بخط نستعلیق و نام‌نویسنده معلوم نگردیده است استاد جلال‌الدین همائی را عقیده بر اینستکه خطاط‌آن طرب پدر ایشان بوده است . اشعارکتیبه سردرچنین است :

« بارك‌الله روضهٔ رضوان ببین بابهای روضه ازرضوان بپرس »

« آیه‌های‌حسن‌رضوان‌را بخوان در معنی از لب مرجان بپرس »

« مرجان‌تفسیرقرآن »

« آیه « رضوان خیر » یاد آر شرح آن ازکاشف قرآن‌بپرس،

« سجده‌گاه قدسیان آمد پدید راه قدس ازبوذر وسلمان بپرس،

« بس‌مقدس‌معبدی شد جلوه‌گر آن تجلی ازمه فاران بپرس »

« فاران‌کوه مکه »

« درصفاهان بازشد از نو بنا کعبهٔ از مفتی کرمان بپرس »
« شدمؤسس مسجد رضوان‌ونور اس‌این‌تأسیس ازیزدان بپرس »
« نور تابنده شد ورضوان بیا هردورا تأیید ازسبحان بپرس »
« خواستم تاریخش‌ازمفتی عصر درجوابم‌گفت ازرضوان بپرس »
« گفت باتبریك : (از رضوان بپرس) »
۱۳۲۹

۱۴۹- مسجدنو:

این‌مسجد دربازار بزرگ اصفهان واقع‌وبوسیله حاج شیخ‌محمدباقربن‌محمد نقی مسجد شاهی ازمصالح هفت مدرسه ساختمان و بنای آن درسال ۱۳۰۵ هجری خاتمه یافته است . مساحت مسجد درحدود هفت جریب میباشد . (ش۸۲)

۱۵۰- مسجدهادی : واقع درخیابان ثریا ازمساجد جدیدالبناء .

۱۵۱- مسجدهمدانیان: واقع درتخت فولاد وازمساجد جدیدالبناء که بانی آن حسین همدانیان ازتجار معروف اصفهان است .

۱۵۲- مسجدیازده‌پیچ : واقع درکوچه یازده پیچ محله جوباره .

پنج - امامزاده های شهر اصفهان :

۱- امامزاده ابراهیم :

این‌امامزاده درمحله‌مستهلك درمجاورت قبرستان‌معروف به‌قبرستان‌شاهزاده ابراهیم واقع گردیده است ، قبرستان مزبور در عهد سلاطین صفویه دائر بوده و بتدریج تبدیل بخانه وباغ و دبیرستان ودبستان و دانشسراگردیده است ولی صحن وبقعه امامزاده بوسیله مردمان نیکوکار تجدید بناشده است[۱].

۲- امامزاده اسحاق :

این‌امامزاده درمحله آسنجان‌که از مادی فدین مشروب میگردد واقع شده

۱- تذکرة‌القبور چاپ دوم ص ی .



(شکل ۸۲)

ومورد توجه مردم آن‌محل میباشد[۱].

۳ـ امامزاده احمد :

این‌امامزاده درمحله‌ایکه سابقاً (قرن چهاردهم هجری) آنرا واذار وسپس باغات ودروازه حسن‌آباد واکنون محله‌حسن‌آباد میگویند واقع‌شده است. بطوری که ابونعیم اصفهانی نوشته[۲] نام او : احمدبن عیسی‌بن زیدبن علی‌بن الحسین‌بن

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص ۱۱۹. ۲ـ ذکراخبار اصفهان ج۱ ص۸۰ .

علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام بوده‌که درحال فرار در زمان خلافت هارون‌الرشید به اصفهان آمده وهمانجا وفات ودرمحله واذار مدفون‌گردیده است ، کنیه اوابوطاهر ویکی‌از روات اخبار بشمار می‌آمده است و خود از علی‌بن عبیدالله‌بن محمدبن عمربن علی ازابن اسحاق روایت میکرده و جعفربن مروان از او حدیث نقل کرده است .

حدیث : انت منی بمنزلة هارون من موسی‌الاانه لانبی بعدی و همچنین حدیث : اللهم ارحم خلفائی الذین یأتون من بعدی و یروون احادیثی و سنتی و یعلمونها الناس ازاو روایت شده است .

ولی‌بطوریکه درکتاب روضات‌الجنات[1] فی‌فضایل‌العلماء والسادات وگنجینه آثار تاریخی اصفهان[2] بنقل ازمیزان‌الانساب چهارسوئی نوشته‌اند نام او: احمدبن علی‌بن محمدالباقر میباشد و او را از فرزندان علی‌بن محمد الباقر که دربارکرسب مدفون است دانسته‌اند. گذشته ازاینکه در فرزند پسر داشتن علی‌بن محمد باقر نسابه‌ها تردید کرده‌اند و در عمدةالطالب آمده‌که ازفرزندان حضرت‌باقر جزامام جعفرصادق بقیه عقبی نمانده است میتوان گفت که‌چون ابونعیم اصفهانی ازمحدثان بزرگ ودررجال توغلی داشته ودرزمان نزدیك بامامزاده بوده‌است بگفته‌اوممکن است ترتیب اثر داده‌شود. مؤید دیگر اینکه سنگی‌که‌بنا بنقل صاحب الاصفهان[3] بردیوار امامزاده نصب‌بوده اورا: احمدبن علی‌بن سیدمحمدبن محمدالباقر قلمداد کرده‌اند درصورتیکه جزء اولاد حضرت‌امام محمدباقرمحمد نیامده‌است مگراینکه گفته‌شوداحمدبن‌عیسی‌بن زیدبن علی‌بن‌الحسین‌مدفون درمحله‌واذار غیراز احمدبن علی‌بن محمدبن الباقر مدفون درمحله باغات بوده است وپذیرفتن این‌مطلب‌هم با آثار و قراین وفق نمیدهد .

عمارت امامزاده ازآثار تاریخی اصفهان است ، چه امامزاده احمد در قرن دوم هجری (اواخر آن) به‌اصفهان آمده وتقریباً در همان قرن دوم وفات کرده و

۱ــ روضات‌الجنات ص ۳۵۴ . ۲- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۸ .
۳- الاصفهان‌ص۸.

دورترین تاریخی که درعمارت وجود دارد سال ۵۶۳ هجری است که مصادف بازمان سلطنت سلطان ارسلان‌بن طغرل ودوره وزارت جلال‌الدین قوام الدین بوده‌است.

مجموعه بنای امامزاده احمد مشتمل بریك بقعه و دو ایوان یکی در شمال ودیگری درغرب بقعه مشرف بجاده وصحن‌وسیعی دارد وعده‌ای ازبزرگان‌درصحن آن مدفونند. (ش ۸۳)

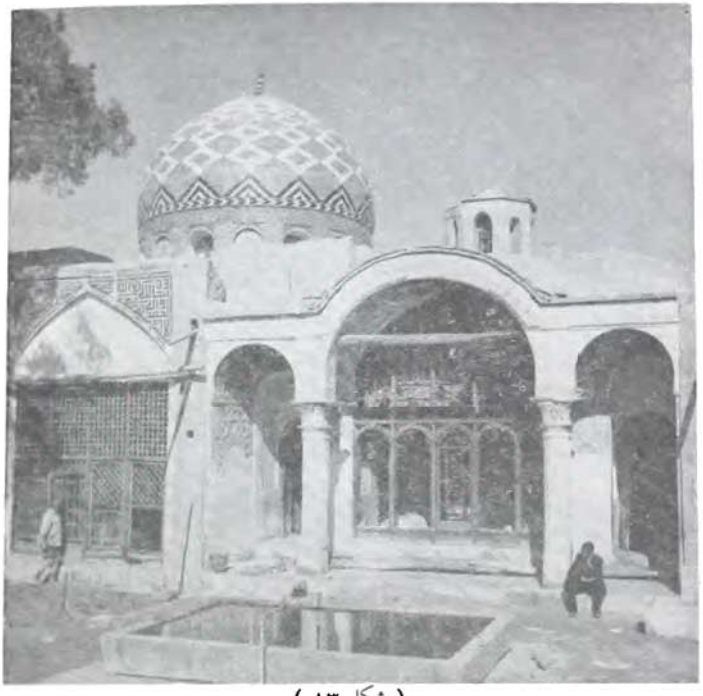

(شکل ۸۳)

قدیمی‌ترین اثری که در این عمارت دیده میشود سنگ سیاه رنگی است به درازای سه‌متر که‌در آستانه امامزاده‌درپائین‌پنجره‌مشبك‌چوبی مشرف‌بجاده‌قراردارد ومشهوراست که‌قطعه‌ای ازسنگی است که سلطان‌محمود غزنوی ازبتخانه‌هندوستان آورده . کتیبه این سنگ چنین است :

«آمین رب‌العالمین فی‌تاریخ‌الخامس عشرة من‌ربیع‌الاول سنة ثلاث وستین»
« وخمس‌مأته . »

اثر دیگری نیز تا سال ۱۳۰۷ هجری شمسی موجود بوده و مورد دستبرد قرارگرفته است وآن لوحی سنگی نفیسی‌بوده که درایوان غربی امامزاده مشرف بجاده نصب شده بوده ودرگنجینه آثارتاریخی‌اصفهان بنقل‌از روضات‌الجنات عبارت منقوش برآن سنگ چنین نقل شده :[۱]

«مقبره امامزاده احمدبن‌علی‌بن‌محمدالباقر(ع) دراصفهان درجاده خواجو »
« وسط باغات‌است درسنگ لوحی‌که بردیوارآنجا نصب‌شده‌نوشته‌است: اقدام‌نمود »
« بتجدید عمارت این‌مزار متبرکه . . . امامزاده معصوم مغفور سید احمدبن سید »
« علی‌بن سیدمحمد من‌اولاد الامام الهمام . . . محمد الباقر علیه‌الصلوة و السلام »
«کمترین خادمان‌شاه قلی‌بن علیقلی‌بن علی‌برزین تقبل‌الله عنه فی‌سنة پانصدو سی »
« وهفت » .

ودرتاریخ اصفهان وری[۲] عبارت لوح مزبور چنین‌نقل شده است :

تجدید عمارت مزار امامزاده سید احمدبن سید علی بن سید معصوم از اولاد امام محمدباقر (ع)کمترین خادمان‌شاه قلی‌بن‌علیقلی‌بن‌علی‌برزین بسال ۵۳۷ نمود باسال رحلت» منظوراینستکه وجودچنین‌سنگی که‌بگفته مؤلف تاریخ‌اصفهان وری‌طولش ۹۰سانتیمتروعرضش نیم‌ذرع‌بوده‌و برخی‌هم آنراسنگ الماس‌میدانسته‌اند وتا سال ۱۳۰۷ شمسی موجودبوده مسلم‌میگردد و درتاریخ آن‌که پانصدوسی وهفت هجری‌قمری‌است نیزجای‌شبهه باقی نمیماندوبا این‌فرض‌معلوم‌میگرددکه‌بقعه‌و بارگاه امامزاده مزبور همان اوائل‌که امامزاده احمد وفات یافته ساخته شده بوده استو درزمان سلطان‌مسعود در۵۳۷ هجری‌تعمیر گردیده و در۵۶۳ هجری سنگ‌معروف به‌سنگ‌بت‌سومنات درتاریخ مزبورکتیبه‌آن حجاری شده‌است ولی‌اینکه‌درگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان بنقل ازالاصفهان گفته‌که درروضات عبارت سنگ مورخ‌بسال

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۹ بنقل‌از الاصفهان ص۸.
۲- تاریخ‌اصفهان وری ص ۲۵۲ .

۵۳۷ ذکرشده درست نیست چه درروضات‌الجناتی‌کـه تا کنون دو مرتبه چاپ شده چنین عبارتی وجود ندارد وممکن است مؤلف الاصفهان خود آن‌سنگ نبشته را دیده بوده ویادداشت‌کرده باشد .

درهرحال‌بسنگ موضوع‌بحث‌دستبرد زدند ومجد نامی‌که‌ازمردم‌تهران بوده مورداتهام واقع‌وچند سالی‌هم‌درداد‌گستری‌تعقیب‌شدولی‌نتیجه‌ای حاصل نگردید[۱].

داخل مقبره کاشیکاری و رویش‌گنبد کوچکی‌است که از خارج بدون کاشی میباشد . در اطراف قبر ضریح منبت‌کاری وجود دارد . سقف بطرز قطـار بندی و مقرنس‌کاری و دارای‌کتیبه گچبری است‌که سوره الصافات و قسمتی ازسوره‌الدهر درآن خوانده میشود . امامزاده مزبور در دوره صفویه بیش از دیگـر امامزاده‌ها مورد توجه وتعمیر قرارگرفته است : (ش۸۴)



(شکل ۸۴)

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۲۵۲ .

دراین امامزاده کتیبه‌های دیگری (علاوه بر کتیبه هائی که ذکر شد)که هر یك دارای تاریخ میباشد وجود دارد :

۱ـ کتیبه سردر امامزاده بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم احمد من حمدالله تعالی حمدا یلیق بعز جلاله محمد»
« صلی‌الله علیه و آله اما بعد فقد وفق السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان شاه »
« سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان لبناء ما اضاف الشریف لمشهد»
« ذکی من العرصة والاعیان فی ربیع الاخر سنة ۱۱۱۵ وکان هذا الخیر باهتمام الداعی »
« لدوام الدولة القاهرة محمد شرف الشریف المنجم کتبه علی نقی الامامی. »

این کتیبه که ازگنجینهٔ آثار تاریخی[۱] اصفهان نقل شده درسطر اول آن غلق و ابهامی موجود وبطور حتم حشو و اسقاطی دارد و اگر : « بعز جلاله » بعز جلالة محمد خوانده شود آن غلق مرتفع میگردد وگمان میکنم که در قرائت آن درگنجینه آثار تاریخی اصفهان اشتباهاً جلالة با تاء جلاله باهاء خوانده شده است .

۲ـ کتیبه ایوان ورودی بقعه بخط ثلث طلائی برزمینه لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی رفع سمك هذه القباب العلی والصلوة»
« علی نبیه محمد المصطفی وولیه علی المرتضی اما بعد فقد وفق السلطان والخاقان »
« الانجب الاشرف الاکرم الاعظم سلطان السلاطین قهرمان الماء والطین شاه سلطان»
« حسین الحسینی الموسوی الصفوی خلدالله ملکه لبناء هذه الروضة المنیعة للسید »
« الجلیل المعروف بسید احمد حشره‌الله فی زمرة من ینمی الیهم صلوات‌الله وسلامه »
« علیهم، کان ذلك الداعی لغرض لدوام الدولة القاهرة محمد شرف الشریف المنجم »
« و قد تشرف برجوع هذه الخدمة الیه واتفق اتمامها فی سنة ۱۱۱۵ کتبه احمد »
« الحسینی .»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۷۰ .

این کتیبه حاکی است که شاه سلطان حسین عمارات صحن وبقعه سید احمد را بکارگزاری محمد شرف‌الشریف منجم درسال ۱۱۱۵ هجری قمری بیاراسته‌است وکاتب‌کتیبه احمد حسینی‌بوده است وضمناً معلوم میگردد که بناهای قبلی بطوری مندرس‌شده بوده‌که از نوبناگردیده است ، احتمال هم دارد که فقط بقعه قبر وجود داشته وصحن امامزاده وایوانها درزمان شاه سلطان حسین بنا گردیده است .

۳ـ کتیبه داخل بقعه بخط ثلث طلائی برزمینه لاجوردی نخست سوره الدهر گچبری شده وباین‌جملات پایان میپذیرد :

« سبحان‌ربك‌رب‌العزة عمایصفون‌وسلام‌علی‌المرسلین والحمدلله رب‌العالمین»
«کتبه‌الفقیر ابن‌محمدمحسن‌ـ علی‌نقی‌الامامی فی۲۲ شهرشعبان‌المعظم‌سنة۱۱۱۵».

۴ ـ کتیبه منظوم در اطراف ضریح امامزاده بخط نستعلیق طلائی رنگ مبنی برتعمیر امامزاده در سال ۱۲۹۰ هجری قمری از طرف ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه قاجار باین‌شرح :

« در زمان شه همایون فال — ناصرالدین خدیو ملك‌گشا »
« پور محمود اوملك مسعود — آسمانی وجود چرخ سخا »
« ظل سلطان یمین دولت شاه — کرد این بقعه را ز نو برپا »
« مرقد پاك حضرت احمد — که بود منبع بهاء و ضیا »
« کلك من بنده از پی تاریخ — داشت حیرت‌که‌چون‌کند انشا »
« یکی آمدزغیب‌وگفت حکیم: — « ظل سلطان نهاد کعبه بنا »

« کتبه محمد حسین لله زند بکله »

این‌کتیبه نیز میرساند که ظل‌السلطان تعمیر ارزنده‌ای از عمارت امامزاده بعمل‌آورده و شاعرکتیبه حکیم‌تخلص‌داشته و کاتب آن محمد حسین لله زندبکله بوده است .

۴ ـ کتیبه لوح سنگی بطول ۴۶ و عرض ۲۶ سانتیمتر منصوب بردیوار ایوان غربی امامزاده مشرف برجاده بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« هوالواقف علی‌ضمائر والنیات »

« چون سعادت یارو مددکار عالیحضرت استاد ابراهیم ولداستاد رضا بنابود »
« وقف شرعی‌نمود منفعت یك‌رأس شتری‌که ازجبرپناه بامامزاده واجب التعظیم »
« اعنی امامزاده احمدآورده من‌بعد صاحب‌آن عرض‌نمود واورا بیرون برده بار »
« دیگرپناه بامامزاده مذکور آورده آن‌شتر مزبوررا استاد ابراهیم ابتیاع‌نمود و »
« وقف امامزاده نمود تولیت او را بعالیجناب آقا سید محمد متولی‌گذارده بشرط »
« آنکه اورا جبرنکنند ونفروشند ومنفعتی‌که از او بهم رسد صرف شترکنند و »
« آنچه باقی‌ماند صرف امامزاده نمایند و این چندکلمه بجهت وقف‌نامچه قلمی »
« شد بتاریخ سنه ۱۲۴۷ ».

این کتیبه هم حاکی از حس احترام مردم اصفهان در قرن سیزدهم هجری بمقدسات مذهبی وحتی‌توجه بحال حیوان‌ها هم میباشد .

۵ـ کتیبه لوح سنگی منصوب بر جزر شرقی ایوان شمالی بخط نستعلیق حاکی از تعمیر امامزاده چنین خوانده میشود:

« این بنا درسال ۱۳۲۲خورشیدی تعمیرشد،مبلغ سی‌وپنجهزار ریال‌مخارج»
« تعمیر آنرا بانوی محترمه افتخار اعظم مسعود پرداختند. اردی‌بهشت ۱۳۲۲ »
« جواد صهبا. »

کتیبه حکایت دارد که تعمیر امامزاده احمد در سال ۱۳۲۲ شمسی بوسیله اداره باستان‌شناسی اصفهان بریاست مرحوم جواد صهبا و بهزینه بانو افتخار اعظم مسعود انجام گرفته‌است.

۶ـ کتیبه سقاخانه پیوسته بسردرصحن امامزاده بخط نستعلیق سفیدبرزمینه کاشی خشت لاجوردی درلوحه‌هایی کاشیکاری شده محتوی اشعار معروف محتشم کاشانی دررثاء حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام وپایان آن‌چنین است : «کتبه العبد حاجی میرزا علینقی فی شهر ربیع المولود سنه ۱۳۲۱ عمل استاد آقاجان کاشی‌پز » .

سنگهای مرمر نبشته منظوم و منثور راجع بتاریخ وفات کسان گوناگون در صحن وحجرات امامزاده موجود میباشد که‌هرکدام در خور توجه است ولی چون خارج ازموضوع بحث است شرح آنرا بجای خود (مقابرقدیمی) موکول میکند. بیشتر این‌کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است[۱].این‌بنای باستانی بموجب‌شماره ۲۳۴ ـ ۱۵/۹/۱۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۴ـ امامزاده اسماعیل:

این امامزاده درطرف مشرق خیابان هاتف کنونی روبروی امامزاده جعفر واقع ودرغربی آن درچهارسوقی که‌دارای‌گنبد آجری‌کهن سالی است وبشکل‌مربع بناشده بازمیشود. سردر امامزاده‌دارای کاشیکاری وقطاربندی ظریف قدیمی‌زیبائی است. داخل صحن مقبره و مسجد کوچك قدیمی وجود دارد که در محل مسجد کهنه‌تری ایجاد شده است. روی درامامزاده از فولاد طلاکوب بوده‌که پولادهای‌آن مورد دستبرد قرارگرفت. بنای امامزاده بوضع‌کنونی اززمان شاه عباس اول شروع شده ولی ساختمان امامزاده و مسجد و مرقد شعیا بدوران اوائل اسلام می‌پیوندد و قسمتی ازساختمان کنونی بدوره‌سلاجقه مربوط‌است وخلاصه‌مجموعه‌بنای امامزاده اسماعیل ومسجد شعیا شامل‌مسجدی بسیارقدیمی ومقبره، امامزاده، رواق، سر در، گنبد بزرگ زیبا وصحن، مرقد شعیا، شبستان، ایوان، حرم، سنگ آرامگاه دختر شاه اسماعیل صفوی، درب‌نفیس، آرامگاه قاضی صفی‌الدین محمدزواره‌ای سنگابها ویك‌رشته‌تزیینات‌کاشیکاری،گچبری ولوحه نفیس‌کاشی، وکتیبه‌های فراوان‌تاریخی ازدوران پادشاهان صفوی است[۳]. (ش۸۵)

امامزاده اسماعیل مدفن‌اسماعیل‌بن حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی علیه‌السلام میباشد که‌پدرش بنا برمشهور دری (تهران) درمحل معروف به‌امامزاده حسن‌واقع درجی‌شهر تهران مدفون است.

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۶۸ تاص ۶۷۴ . ۲ـ فهرست‌بناهای‌تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۲ . ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۱ .



(شکل ۸۵)

درتاریخ اصفهان وری[۱] نسب اورا بنقل ازکتیبه درپنجره چوبی بخط نسخ چنین نوشته است:

«اسمعیل بن زیدبن حسن بن‌علی‌بن ابی‌طالب وگویند جدشان دررى‌مدفونند معروف به‌امامزاده حسن ومؤلف را راست نیاید زیرا حسن مثنی درمدینه مدفون است بلی امامزاده‌حسن دررى هم یك‌بزرگی ازنسل آن بزرگوار است یاشاید یك دو واسطه درخط پنجره چوبی ازقلم کاتب افتاده ، امامزاده‌اسماعیل را جد سادات طباطبا دانسته‌اند وبا امامزاده اسحاق که دراراضی پائین دروازه مدفون شده‌خویش نزدیك میدانند» وبا این فرض فرزند زاده حسن مثنی محسوب میشود.ولی مطابق کتیبه سردر امامزاده نسب‌او «اسماعیل بن‌حسن‌بن زیدبن‌حسن‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب» میباشد ومطابق این‌کتیبه اسماعیل فرزندزاده زیدبن حسن‌بن علی‌بوده‌که مدت‌نود سال زندگی کرده ومردی باجلالت قدروام لبابه زن حضرت ابوالفضل العباس‌رابعد

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۸۶.

ازشهادت عباس بازدواج درآورده وحسن پدر اسماعیل فرزند زید ازام لبابه بوده است وبنظر میرسد که‌مفاد کتیبه دوم درست‌تر باشد ودرهرحال به اسماعیل دیباج که فرزند ابراهیم غمربوده ونیزاسماعیل‌بن ابراهیم طباطبا انتساب وارتباطی‌ندارد تا جد سادات طباطبا باشد. کتیبه مرقد شعیاکه برجای مسجد قدیمی بنا شده‌بخط نستعلیق برجسته چنین‌است: «وجدنافی‌کتاب اصفا ان اول مسجدکبیر بنی‌باصفهان، « مسجد شعیا وبناه ابوعباس‌المفتی فی‌زمن علی صلوات‌الله‌علیه وعمره الب ارسلان، «بعدنیف وخمسأته بعد ماغلبها بقوة وقدامر بعمارته فی‌عام احدعشر ومأته و الف، « وبعبارة اخری هی‌مرقد شعیا النبی‌علیه‌السلام علی نقی‌الامامی ۱۱۱۲» ودرحاشیه آن آیات ۱۸ و۱۹ سوره توبه گچبری‌شده وپایان‌آن چنین است : «صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله النبی الکریم کتبه ابن‌محمد محسن‌الامامی.»

۲ـکتیبه اصلی سردرواق بقعه‌بخط ثلث سفیدباکاشی‌معرق برزمینه‌لاجوردی باین شرح خوانده میشود:

«اتمام‌هذه العمارة فی‌ایام دولة‌السلطان الاعظم والخاقان‌الاکرم مروج‌مذهب، « الائمة المعصومین السلطان‌بن‌السلطان بن‌السلطان ابوالمظفر شاه صفی‌الموسوی، « الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی کافة‌العالمین‌بره، « وعدله واحسانه فی‌شهرذی قعدة الحرام فی ۱۰۴۱ کتبه محمد رضا الامامی » که حاکی است عمارت امامزاده درسال ۱۰۴۱ هجری قمری باتمام رسیده است وخطاط آن محمدرضا امامی بوده‌است.

۳ـ کتیبه رواق امامزاده روی لوح سنگ منصوب بر دیوار زیرکتیبه ثلث کاشیکاری وبالای درچوبی رواق بقعه بخط ثلث برجسته چنین است:

«قدوفق لعمارة هذه‌البقعة‌الشریفة‌والروضة‌المنیفة‌من‌فازتبایید الدین‌الاحمدی، « وامتاز بترویج الشرع المحمدی‌اعنی‌السلطان بن السلطان بن‌السلطان والخاقان، « بن‌الخاقان‌بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمنصورشاه سلطان حسین‌الحسینی‌الموسوی، «الصفوی بهادرخان لازال‌به رکن‌الاسلام رکینا ومتن الایمان متیناً کتبه‌ابن محمد،

«محسن‌علی‌نقی الامامی ۱۱۱۴ »که حکایت ازعمارت امامزاده درزمان شاه سلطان حسین‌دارد وخطاط کتیبه علی نقی امامی بوده است .

ودرحاشیه لوح مزبور بخط نستعلیق برجسته این‌اشعارنوشته‌است:

« شهنشهی‌که عطاردکه منشی در اوست — همیشه عاجز طغرا کشی‌کشور اوست »
«جناب‌حضرت‌سلطان‌حسین‌که‌روی‌زمین — تمام در کنف ظل عدل پرور اوست »
« رسید رشحهٔ از فیض عام‌و انعامش — بدین‌زمین‌که فلك‌سایه‌بان‌منظر اوست»
« مزار حضرت عالیمقام اسمعیل — که قبله‌گاه دعا بارگاه اطهر اوست »
«بگوش هوش شنیدم زغیب مصراعی — چولؤلؤی‌که زبحر خیال‌مظهر اوست»
« ببین شکوه حریم مزار اسمعیل — چه‌خوش‌مطابق‌تاریخ‌مهر«گستر اوست»»

که با سال ۱۱۴۷ منطبق میگردد.

درمیان هر دومصراع از اشعار مذکور دریك‌لوحهٔ‌کوچك‌کلمات (یا علی‌مدد) حجاری شده و در دو دایرهٔ کوچك بخط نستعلیق دو مصرع زیر خوانده میشود:

« قبله ایرانیان‌بانی این خیراست‌لیك — یافت اتمام این‌بناازسعی ابراهیم‌بیك »

۴ـکتیبه مربوط بتعمیر امامزاده در زمان فتحعلی‌شاه قاجار که روی سنگ مرمری‌حجاری وبربالای لوح سنگی‌سردر منصوب بوده بخط نستعلیق‌چنین‌است :

« بعهد جم نگین فتحعلی شه خسرو عادل
ز خاصان نظام‌الدوله مردی نام او جعفر »
« نمود اقدام بر تعمیر این‌کاخ سر افرازی
که باشد نامش اسماعیل از ذریهٔ حیدر »
۱۲۲۹

۵ ـ کتیبه منظوم دراطراف رواق بقعه درلوحه های‌کوچك بخط نستعلیق‌بر زمینه لاجوردی باین شرح است :

« از حکم دارای زمان سلطان حسین‌کامران
معمار ارکان جهان شاهنشه فرمان روا »

(کتبه محمد صالح الاصفهانی)

« شاهی که شد معماری دولت سرای دین او
زان پیش کز حکم خدا بنیاد هستی شد بپا »
« آنجا که موج‌آور شود دریای عدل دائمش
زنجیر نوشروان بود موج سراب کم بقا »
« آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت
چون‌شد سواد لشکرش‌درچشم عالم سرمه سا »
« ساعی‌شدابراهیم‌بیك‌آن خیراندیشی‌که هست
از بندگان محرم خلوت سرای پادشا »
« از پاکی ذاتش بود ره در حریم حرمتی
کز دور باش کبریا ره بسته برباد صبا »
« کین‌روضهٔ جنت‌سرشت این‌عبرت قصر بهشت
آرد ز مهر وماه خشت سازد بصدق از نو بنا »
« چه روضه دارالامن جان دلهای نور قدسیان
آویخته بر سقف آن مانند قندیل طلا »
« دست دعای سائلان برگشته در این آستان
ز ایوان نعمای جنان یابند کشکول گدا »
»
کوری باین درگاه اگر افتد بامید شفا »
« آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت
همت بآن راضی نشد این‌مصرعم شد ره نما »

مصرع اول شعر بالا سه مرتبه درکتیبه تکرار شده است.

« بازاین‌ملایك آشیان نوشد ز سلطان جوان
۱۱۱۱
راضی نشد خاطر بآن در فکر شد طبع رسا »

« تا ازمکان و از مکین ازساعی و از شاه دین
باشد قلم‌حرف‌آفرین‌بازاین دومصرع‌شد ادا »
« این‌منزل چون‌کعبه نو از سعی ابراهیم شد
۱۱۱۱
سلطان داور کرد نو مأوای اسمعیل را »
« دیگر بفکر دلنشین در طبع معنی آفرین
از لطف رب العالمین آمد بگوشم این ندا »
« این کعبهٔ آئین صفا از سعی ابـراهیم شد
الطاف سلطان نونمود این حجراسمعیل را »
۱۱۱۱

در سه مصرع بالا که عدد ۱۱۱۱ زیرآن گذارده شده تاریخ تعمیر امامزاده بسعی ابراهیم بیك وفرمان شاه سلطان حسین صفوی میباشد .

۶ـ کتیبه داخل حرم امامزاده اسماعیل بخط ثلث برجسته طلائی برزمینه لاجوردی نخست‌سوره (الملك) تا آخرآیه ۲۷ گچبری شده و دردنبال آن‌نام بانی باین‌شرح نوشته شده است :

« حسب الامر الاعلی سرکاری عالیجاه مقرب الخاقان محمد ابراهیم بیك »
« یوزباشی‌زید . . . مرقوم رقم کمترین غلام پایه سریراعلی . . . سنه ۱۱۱۲ » که معلوم می‌گردد دریکسال بعداز تعمیراول بوده است .

۷ـ کتیبه درب منبت کاری متصل بمرقد شعیا که در زمان سلطان محمود آل مظفر نصب شده برلنگه راست و چپ صلوات برچهارده معصوم منقور است و بربالای لنگه راست بخط ثلث جمله : « العظمةلله » و درپائین آن : «لااله‌الاالله» و درمیان آن بانوشتن چهارکلمه محمد نقشی ظاهرشده است .

برلنگه چپ درب در بالا بخط ثلث : « الملك‌لله » و درپائین آن : « محمد رسول‌الله » کنده شده ودروسط این‌دوعبارت دریك شکل چهارگوش با نوشتن چهار دفعه «علی» نقشی پدیدآمده است . درمتن هلال فوقانی در مزبور با نوشتن پنج‌الله

یك پنج‌پر درست شده ودر حاشیه آن این‌عبارات خوانده میشود :

« امر باحداث هذالباب احراز اللمغفرة والثواب فی‌ایام دولة السلطان ، « الاعظم مولی‌سلاطین الامم ناشرالعدل والاحسان باسط الامن والامان ظل‌الله فی‌ـ» « الارضین قطب الحق والدین شاه محمودبن السلطان الاعظم محمدبن المظفر ، « خلدالله‌ملکه الپهلوان‌الاعظم‌الصاحب‌الاکرم‌تاج‌الدولةوالدین‌علی‌رشیدالخراسانی» « من‌خاص‌ماله . »

این‌کتیبه حاکی‌است‌که درقرن هشتم درزمان قطب الدین محمود آل مظفر متوفی (۷۷۶ هـ . ق) درب مزبور احداث گردیده است بانی آن پهلوان بزرگ تاج‌الدوله علی رشید خراسانی ازبزرگان دربار او بوده‌که ازمال خاص خود انجام داده است .

در جانب شمالی مرقد شعیا و حرم امامزاده اسماعیل و در ضلع شرقی رواق بقعه مسجد کوچکی واقع شده که در جای مسجد دوره سلجوقی در دوره صفویه بتزییناتی آراسته شده است . ازآثار سلجوقی مسجد فقط پایه مناره آن‌باقی‌است . واثر دیگری موجود نیست .

کتیبه سردر شمالی مسجد بخط ثلث خوش طلائی برزمینه کاشی هفت رنگ مشتمل برآیات ۱۸ و۱۹ سوره (التوبة) و باین عبارت پایان میپذیرد : « صدق‌الله العظیم‌وصدق رسوله‌الکریم‌کتبه علی نقی‌الامامی ۱۱۱۲» .

ایوان جنوبی مسجد شعیا دارای تزیینات کاشیکاری و محراب مرمری و کاشیکاری است. درسمت راست محراب یك‌لوح‌کاشیکاری نصب‌شده بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح :

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم‌قال‌الله‌تبارك وتعالی جل‌جلاله وعظم‌شأنه ولااله‌غیره» و سپس آیة‌الکرسی نوشته شده و باین عبارت « کتبه محسن‌الامامی» ختم میشود .

و در سمت چپ محراب‌بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی‌آیات ۲۶و۲۷ سوره (آل‌عمران) خوانده میشود .

کتیبه اطراف‌محراب بخط ثلث‌سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی مشتمل برآیات

۱۸ و ۱۹ سوره (التوبه) وباین عبارت : « صدق‌الله العظیم » ختم میگردد .

دنباله آن نام بانی وخطاط محراب چنین خوانده میشود : « توفیق یافت باتمام این محراب محمد مهدی‌بن میرزا اسمعیل انباردار کتبه محمد محسن ابن محمد رضا الامامی فی‌سنة ۱۱۰۰ » درعبارت آخرکتیبه همزه (ابن) زاید است ولی چون کتیبه عین‌آن ازگنجینه آثارتاریخی‌اصفهان‌گرفته شده ودرآنجا همزه‌آورده شده ازلحاظ حفظ امانت نقل‌گردید .

کتیبه داخل محراب مسجد شعیا بخط ثلث فیروزه‌ای برزمینه آبی مشتمل بر آیه ۱۴۴ سوره (بقرة) و بجملات زیر : «کتبه محسن الامامی ۱۱۰۰ » پایان می‌گیرد .

درضلع شرقی مسجد شعیا شبستانی‌وجود دارد که اخیراً ساختمان‌آن‌تجدید گردیده وکتیبه‌آن بخط ثلث‌برجسته سفید برزمینه‌آبی‌آسمانی چنین‌گچبری‌شده:

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله انادارالحکمة وعلی‌بابها فمن‌ارادالحکمة» « فلیات‌الباب . قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله انامدینةالعلم وعلی‌بابها . توفیق » « یافت باتمام این‌عمارت و جدنا فی‌کتاب اصفا ان اول مسجد کبیر بنی باصفهان » « مسجد شعیا وبناه ابوالعباس المفتی فی ز » بقیه کتیبه برجانب شمالی‌مرقد شعیا نوشته شده است که در مرقد شعیا مذکور است . و در بالای پشت بغل محراب بخط ثلث برجسته نوشته شده :

« محراب محمدهادی کاشانی‌کتبه عبدالحمید الادهمی ۱۱۱۵ »که میرساند بانی محراب محمد هادی وکاتب‌کتیبه عبدالحمید ادهمی بوده است .

۸ ـ کتیبه گنبد امامزاده اسماعیل بخط بنائی ساده لاجوردی‌رنگ برزمینه آجری چنین‌است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن له » کفوا احد قال رسول‌الله تعالی واذیرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا » « تقبل منا انك انت‌السمیع العلیم صدق‌الله العظیم وصدق‌رسوله النبی‌الکریم عمل»

« کاتب العبد حسن‌بن علی‌بن‌غیاث البناء » (ش۸۶)



(شکل ۸۶)

۹ ـ کتیبه سردر امامزاده که درزیرچهارسو واقع شده خطوط بنائی‌ساده‌ای است و دربالای پشت بغل سنگی در ورودی بخط نستعلیق برجسته برسنگ‌چنین حجاری گردیده است :

« بتوفیق سرکاری این بنا عوض‌شد بلطف خدا بی‌عوض »

میتوان‌گفت که شعر مزبور حکایت داردکه سرکار بنا عوض نامی‌بوده است .

و در دوطرف در ، در هرطرف چهار مصرع بخط نستعلیق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ چنین خوانده میشود :

« اول ابراهیم از امر شهنشاه جوان آنکه‌محموددوکون‌ازطالع‌مسعودشد»
« درصفای بقعه وسعی بنای مدرسه کین عمارات ازعلوهمتش موجودشد»
« حبذا فرخنده اقبال معلی فطرتی بانی تعمیر دراین کعبهٔ مقصود شد»
«صوفی‌پاك اعتقادشاه‌دین‌سلطان‌حسین ساعی اتمام هریك عاقبت محمودشد »

« کتبه علی‌نقی الامامی ۱۱۱۵»

ازکتیبه مزبور معلوم میگردد که مجموعه بنای امامزاده اسماعیل علاوه بر مسجدومرقد شعبا شامل مدرسه‌هم بوده‌است که‌بوسیله ابراهیم بیک‌یوزباشی‌بفرمان شاه سلطان حسین مورد تعمیر قرارگرفته است وبطوریکه مؤلف تاریخ‌اصفهان[1] وری نوشته مساحت مجموع اینها بالغ برسه‌هزار ذرع میباشد.

۱۰ ـ کتیبه سردرصحن امامزاده‌بخط ثلث‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت‌لاجوردی چنین است:

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. قد وفق‌الله تعالی مشیدارکان الزمان سلطان‌العدل، « والاحسان ومحکم بنیان الامن والامان ناشر المسلك الجعفری ناصر المذهب » « الاثناعشری السلطان بن السلطان بن‌السلطان والخاقان بن الخاقان بن‌الخاقان‌شاه، « سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان . . هذه العتبة الی السید » « الجلیل‌اسمعیل‌بن‌حسن بن‌زیدبن‌حسن‌بن‌علی بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام وکان‌السالك » « فی داعی المقرب حضرة السلطان‌حاجی محمد ابراهیم بیك‌یوزباشی زیدتوفیقه. » « کتبه ابن‌محمدمحسن ـ علی‌نقی الامامی سنة ۱۱۱۵ . » از مفاد این کتیبه معلوم میگردد که امامزاده اسماعیل پسرحسن‌بن زیدبن‌حسن‌بن علی‌بن ابیطالب بوده و در منتهی‌الامال قمی [2] در ذکر اولاد امام حسن علیه‌السلام یکی از اولاد حسن‌بن زیدبن حسن‌بن علی‌بن ابیطالب را ابومحمد اسماعیل نوشته است وبدیهی است که میان نسب مرقوم درکتیبه بالا وکتیبه‌ایکه درپیش مذکور افتاد فرق بسیار استو درصورت اول از اولاد مستقیم زیدبن حسن‌بن علی‌بن‌ابیطالب ودرفرض‌دوم ازاحفاد زیدبن حسن خواهد بود .

اشکالی که درعبارت کتیبه بنظر میرسد درکلمه «الی السید» میباشد که در اثر تعویض کاشیها تحریفی واقع شده وبنظرمیرسد که دراصل کتیبه چنین بوده : « قدوفق‌الله »تابرسدبه: (بهادرخان‌لبناءِ هذه العتبة للسید الجلیل اسماعیل) تا آخر کتیبه وخلاصه اینکه کلمه لبناء ساقط شده وبجای لام حرف جرالی گذارده شده بوده است.

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۸۷ . ۲ـ منتهی‌الامال ص۲۶۴.

دراماامزاده اسماعیل‌علاوه برمرقد ومسجد شعیا ومدرسه سنگهای مزاربسیار قدیمی ونیز سنگاب تاریخی وجود دارد که‌بذکر سنگاب آن ویکی از سنگهای مزار دراین مورد میپردازد.

درصحن امامزاده دوسنگاب وجود داردکه‌کتیبهٔ آن‌دو مشتمل برصلوات‌بر چهارده معصوم ویکی ازآن شامل تاریخ و نام‌بانی آن میباشد .

کتیبه سنگاب مزبوربخط ثلث برجسته پس ازذکرصلوات برچهارده معصوم چنین خوانده میشود :

«وقف نمود برآستانه حضرت‌امامزاده‌اسماعیل(ع)این‌حوض‌راحاجیه‌شاهمیر» «بنت حاج‌میرزا علی جزی برخواری‌سنه ۱۰۴۹ .»

۲ـ در ایوان غربی امامزاده یك سنگ قبر قدیمی قرار داردکه در اطراف وجوانب آن حجاری‌شده باین ترتیب که درسطح بالائی بخط بنائی: «الملك‌لله»ودر اطراف این ابیات کنده‌شده است:

« چون نامه جرم ما بهم پیچیدند بردند وبمیزان عمل سنجیدند »
« بیش ازهمه‌کس گناه‌مابود ولی ما را بمحبت علی بخشیدند »

برجانب بالائی سنگ آرامگاه بخط ثلث برجسته این‌عبارات‌خوانده‌میشود:

« وفات العالم الربانی والعارف الصمدانی قدوة العلماء والمحققین و اسوة الفقهاء »
« المدققین قاضی حوائج السائلین وکفیل مصالح‌المؤمنین، مطاع العالمین‌ومتبوع»
« العالمین صفیاً للشریعة والافادة والدین‌محمدابن عمدة القضاة والمتشرعین خادم »
« شرع سیدالمرسلین غیاث الملة والدین الملا علی الزواری تغمد هما الله تعالی »
« بغفرانه فی‌منتصف شهرشعبان المعظم سنة خمس وتسعین و تسعمائة من هجرة »
« مقصود ایجاد البریة عمل صدرالدین سنگ تراش» برجانب جنوبی‌سنگ مزبور

این اشعار که حاوی ماده تاریخ وفات قاضی محمد نیز میباشد کنده شده و آن چنین است:

« افتاد دین ز مرتبه اعتبار حیف حیف‌ازسپهرشرع‌که‌شدبی‌مدارحیف»

« رفت ازجهان جهان فضیلت دریغ و درد — شد کاروان فضل و شرف زین دیار حیف»
« قاضی صفی که مرکز پرگار شرع بود — رفت ازمیان و کرد کنار اختیار حیف »
« تاریخ فوت قاضی دنیا ودین که رفت — ازمرگ او هر آینه بر روزگار حیف »
«جستم زعقل گفت که بر لوح دل همین: — «حیف از جهان دانش و دین صدهزار حیف»
۹۹۵

وبرجانب شمالی سنگ مزبور بخط نستعلیق برجسته این ابیات خوانده میشود:

« احکم قاضیان صفی الدین — که حکم بود در فروع و اصول»
« عمرها بر بساط شرع نشست — بطریق رسول وزوج بتول »
« روز آخر از این نشیمن خاك — کرد در روضه جنان چو نزول»
« سال فوتش زهر که پرسیدم — بس که بود ند از عزاش ملول»
«اشك میریختند ومیگفتند: — «وای ازمرگ جانشین رسول »
۹۹۵

ازکتیبه‌های سنگ لوح برمیآید که قاضی صفی‌الدین محمد زواره‌ای فرزند ابو الحسن ملاعلی زواری عالم بزرگ قرن دهم هجری که خودنیز از بزرگان علماء وقضات اصفهان بوده درتاریخ نیمه‌شعبان ۹۹۵ هجری بدرود حیات گفته است. برای اطلاع کامل ازشرح حال و ترجمه پدر وپسر به بخش دوم کتاب آتشکده اردستان مراجعه گردد.

۳ـ بردیوار غربی سردر تاریخی بقعه‌امامزاده سنگ نبشته‌ای نصب‌شده‌بخط ثلث‌برجسته باین‌شرح:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم وبه‌ثقتی»
« حسب الفرمان‌قضا جریان ازتاریخ شهرمحرم الحرام سنه ۱۱۱۵ رقم‌مبارك»
« اشرف صادر شد آنکه حکم جهان مطاع شد آنکه درینوقت اهل محله واقعه »
« درجوار امامزاده واجب التعظیم والتکریم امامزاده اسماعیل علیه و علی آبائه »
« التحیة والتسلیم مشهور بمحله امامزاده ازتکلیف یراق پوشی ایام عاشوراوامثال»
«آن ازبستن نخل وغیره معاف فرمودیم داروغگان وعمال دارالسلطنه مزبورحسب»

« المسطور مقرردانسته من‌بعد بهیچوجه من الوجوه تکلیف یراق پوشی‌و بستن »
« نخل وغیره باهل‌محل مزبوره‌ننموده وایشان را ازامور مزبوره معاف مسلم‌دانند»
«ودرین‌باب قدغن دانسته‌هرساله رقم‌مجدد طلب ندارند وازفرموده تخلف نورزند »
« ودرعهده شناسندبرطبق‌عرض عالیجاه‌مقرب‌الخاقانی جالینوس الزمانی‌حکیم‌باشی»
«کتبه علی‌نقی». بیشتر کتیبه‌ها ازکتاب‌گنجینه‌آثارتاریخی‌اصفهان[1] اقتباس‌گردیده است . مجموعه امامزاده اسماعیل و مرقد ومسجد شعیا بموجب شماره ۱۱۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[2]

۵- امامزاده باقر:

این امامزاده درکنار چهارباغ خاجو طرف مغرب قراردارد وساختمان بقعه آن‌مربوط بزمان قاجاریه‌است ومعروف است‌که امامزاده‌باقر ازاحفاد امام‌موسی‌بن جعفر است ولی‌صحت آن معلوم‌نیست.

این امامزاده دارای صحن وبارگاه وقطعه سنگی درآنجانصب است‌که‌تاریخ ساختمان بقعه را حکایت میکند وکتیبه آن چنین خوانده میشود :[3]

« در زمـان دولت دارای قیصـر پاسبان
ناصرالدین شاه غازی خسرو گیتی ستان »
« چاکر درگاهش ابراهیـم مانند خلیل
ساخت همچون‌کعبه‌ایوانی سراسرگلستان »
« بارگاهی رشك فردوس برین از خرمی
نهر های او چوکوثر ساحتش باغ جنان »
« پایـه های او یـد معمار از قـدرت نهاد
بر سر ماهی ولی شد ماه را چون سایبان »
« سال تاریخ بنای آن بصد شادی سرور
گفت : «باب‌کعبه مقصودی ازابراهیم خان »
۱۲۷۰

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۵۲۳ تا ص۵۴۰. ۲- فهرست بناهای تاریخی ص ۳۱ . ۳- تاریخچه محله خاجو ص۶۰ .

۶ـ امامزاده جعفر :

این امامزاده درحاشیه غربی خیابان هاتف کنونی و مقابل کوچه امامزاده اسماعیل قراردارد وبقعه‌آن برج مانند ازساختمان‌های عصر مغول میباشد . صحن امامزاده درابتدای امر بسیار وسیع بوده ولی‌بتدریج اراضی آن را مجاوران تصاحب وتبدیل بخانه‌کرده‌اند . شکل بقعه درقسمت پائین هشت ضلعی و سطح آن‌کوتاه و مسطح است . گنبدآن مختصر تزییناتی باین شرح دارد : (ش ۸۷)



(شکل ۸۷)

۱ـ کتیبه فوقانی گنبد امامزاده بخط کوفی ساده آجری برجسته و معرق برزمینه فیروزه‌ای بعد از « بسم‌الله‌الرحمن الرحیم» آیات ۱۶۴ تا آخر آیهٔ ۱۶۷ سوره آل‌عمران خوانده میشود .

۲ـ کتیبه دوم‌گیلوئی گنبد بخط ثلث‌سفید معرق برزمینه لاجوردی‌مشتمل بر آیةالکرسی باین عبارت ختم میشود : « فی سنة خمس و عشرین و سبعمائة » ومعلوم می‌گردد که در اوائل قرن هشتم بنا شده ودر دوره‌آل مظفر بوده است .

۳ـ کتیبه سنگ قبر امامزاده بشرح زیر :

«هذا قبر السید المعظم الموقر الممکن المکرم صاحب السیف والقلم منبع الجود، « والخلق والکرم المتحلی بمحاسن الشیم سید الصدور والسادة ینبوع السادة والسیادة، « مفخر اولاد البتول قدوة آل الرسول نظام الطالبیة شمس العترة جمال اهل بیت المصطفی، « سلالة اعیان ابناء المرتضی مالك اصحاب السخاء والفتوة ومعدن ارباب الشهامة » « والمروة بهلوان العراق نبوی الشمایل وجمیل الاخلاق کریم الزمان علی الاطلاق، « محرز المناصب بالاستحقاق المرحوم المبرور المغفور السید الشهید تاج الملة والدین، « عماد الاسلام والمسلمین اشرف ابناء الماء والطین جعفر بن السید المعظم المرتضی، « المکرم النور الازهر الاطهر الامجد مفخر آل طه ویاسین نتیجة اولاد سید المرسلین، « شمس الدین الحسن بن السید المغفور عماد الدین الحسین بن محمد بن علی بن الحسین، « تغمده‌الله بغفرانه واسکنه بحبوحة جنانه وادام سعادته توفی فی منتصف محرم، « من سنة خمس وعشرین وسبعمائة .»[1] و درقسمت فوقانی پنجره‌های اطراف بقعه در لوحه های جداگانه بخط ثلث سفید درشت برزمینه کاشی لاجوردی این جملات خوانده می‌شود : « قال النبی علیه‌السلام» «الدنیا مزرعة الاخرة» « الدنیا داحة و ترکها راحة » .

ظاهر کتیبه سنگ قبر اینستکه جعفر پسرحسن بن حسین بن محمدبن علی بن الحسین است یعنی پس‌از دوپشت بامام محمد باقر علیه‌السلام انتساب پیدا میکند درصورتیکه زمان وفات اوکه دوره آل مظفر باشد با این‌ترتیب انتساب موافقت

۱ـ رجال اصفهان ص ۱۸۱ .

ندارد چه امام محمد باقر در قرن دوم میزیسته و اگر برای هریك ازکسانی که امامزاده جعفر درعقب آنان واقع‌شده ولادتشان با یکدیگر پنجاه سالهم اختلاف داشته باشد اقتضاء خواهد داشت‌که وفات امامزاده جعفر درقرن چهارم وقوع‌یافته باشد وتا قرن هشتم درحدود چهارقرن تفاوت دارد پس این انتساب درست نخواهد بود مگر اینکه گفته شود محمدبن‌علی‌بن‌الحسین مذکور در نسب امامزاده جعفر غیر ازمحمدبن علی‌بن‌الحسین است وبقیه نسب‌او نوشته نشده است.

از مفاد سنگ قبر برمیآید که نامبرده مردی بزرگ وازصدور زمان و سخی وصاحب شمشیر وقلم بوده و شهیدگردیده است وتاریخ وفات او منتصف‌محرم سال ۷۲۵ بوده است از اینکه اورا شهید خطاب وازطرفی نوشته‌اندکه وفات یافته استنباط میگردد که در زندان و یا بعداز تصادمی وفات‌کرده است . بیشترکتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل شده است[۱].

این اثرباستانی‌بموجب تصویبنامه شماره۲۳۴ به ثبت تاریخی‌رسیده است[۲].

۷ـ امامزاده‌های درب امام :

درب امام واقع است در محله سنبلان = شنبلان = چملان = چنبلان و چملون در مجاورت محلهٔ در دشت و درآنجا آرامگاه دو امامزاده بنامهای ابراهیم بطحا وزین‌العابدین است.

کیفیت انتساب این‌دو امامزاده اولی به حسن مثنی ودومی بامام جعفرصادق روشن نیست ولی مشهور چنین است که ابراهیم بطحا ازاحفاد حسن‌مثنی است و زین‌العابدین از احفاد امام جعفر صادق است ولی سندی که این انتساب را احراز کند دردست نیست. درمیزان‌الانساب[۳] میرزا محمدهاشم چهارسوقی نسب امامزاده زین‌العابدین چنین‌گفته شده :

« ابوالحسن زین‌العابدین‌علی‌بن نظام‌الدین‌احمد الابج‌بن شمس‌الدین‌عیسی» « الرومی‌جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌بن‌الامام‌الهمام جعفرالصادق‌علیه‌الصلوة»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۰۰ تا ص۳۰۲ . ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۲ . ۳ـ میزان‌الانساب از ص۴۶تا ص۴۷ .

« والسلام » ولی کیفیت انتساب ابراهیم بطحا معلوم نیست .

بنای تاریخی درب امام ازدوگنبد بزرگ وکوچك ویك سردر بزرگ کاشی‌کاری وسه صحن تشکیل گردیده است .

نمای خارجی بنای مزبور بجانب هرسه صحن دارای تزیینات کاشیکاری و گچبری است وگنبدهای آن بویژه گنبد بزرگ ازکاشیهای نفیس تزیین شده است. در ورودی بقعه بصحن خاوری مفتوح میشود .

در عمارت درب امام کتیبه‌ها و خطوطی وجود دارد که مهم آن از قرار زیر است :

۱ـ کتیبه سردر اصلی درب امام بخط ثلث که ازجانب غربی سردر شروع ودر جانب شرقی پایان میگرفته و فقط قسمت غربی آن بشرح زیر باقی مانده و قسمت شرقی آن ازبین رفته است : باقی مانده بخط ثلث سفیدکاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ چنین‌است :

« در زمانی‌که والی ولایة عظمی و حاکم حکومة کبری پادشاه جهان پناه ،
« ابوالمظفر امیرزاده جهانشاه خلدالله خلافته حکومة این ولایة با ایالة واشارة ،
« شاهزاده عالم مؤید قواعدالدین الاحمدی ابوالفتح‌محمدی خلدالله سلطانه مفوض،
« فرموده بود امیراعظم اعدل معدن العزوالجاه جلال الدین صفرشاه زادالله دولته،
« دربنای این‌بقعه رفیعه وعمارت منیعه طلبا لمرضاةالله اهتمام بکارداشت فی‌شهور ،
« سنه سبع وخمسین وثمانمائة.» این کتیبه‌تاریخی حاکی است‌که در دوره سلطنت امیر جهانشاه ودرحکومت جلال الدین صفرشاه درسال ۸۵۷ هجری عمارت و بقعه درب امام ساخته شده است.

۲ـ درزیرمقرنسهای‌کاشیهای‌سردرمزبوربخط ثلث‌آجری پوسته‌شده‌برزمینه کاشی‌لاجوردی این اشعار خوانده‌میشود که‌دردولوحه نوشته شده‌است:

« بماند سالها این نظم‌و ترتیب — زما هر ذره خاك افتاده جائی »
« غرض نقشی است‌کزمابازماند — که گیتی را نمی‌بینم بقائی »

۳ـ در بالای کتیبه خط ثلث سردر مزبور پنجره مشبکی از کاشی وجود دارد ودراطراف آن این اشعار بخط حنائی‌رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی نگارش یافته است:

« کنایه‌ایست بدین دور گنبد افلاك — که‌پاك‌باش چوجام ومدار ازکس‌باك»
« ز سقف خانه دنیا مجوی نقش وفا — مشو بآمدنش شاد و وزشدن‌غمناك »
« ببین بعین‌بصیرت که آنك ایوانش — گذشته‌بودزکیوان‌چگونه‌شددر خاك»

۴ـ کتیبه سردر تاریخی واقع درسمت شرقی سردراصلی از زمان شاه سلطان حسین صفوی بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه کاشی‌لاجوردی چنین است:

« اقدام هذه العمارة المنورة فی‌ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم » مروج المذهب الائمةالمعصومین علیهم السلم شاه‌سلطان‌حسین الصفوی الموسوی» « الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه». و بقیه‌کتیبه در دو لوحه‌کوچك چنین نوشته شده: «علی‌نقی‌ابن‌محمد محسن‌الامامی» » عمل‌استاد محمدبن‌محمد غدیر آجر تراش ۱۱۲۷ »که حکایت دارد از اینکه عمارت درب امام در زمدان شاه سلطان حسین انجام شده وکاتب‌کتیبه علی‌نقی الامامی و سازنده‌کتیبه استاد محمدبن محمدغدیر آجرتراش وتاریخ همه ۱۱۲۷ هجری بوده است.

۵ـ کتیبه تاریخی دیگرسردر مزبور بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی باین‌شرح میباشد:

« قدوقع تعمیر هذه البقعة المنسوبة الی‌مولانا سید الساجدین التی‌فیهامزار» « السید السندین امامزاده‌ابراهیم بعلحا وامامزاده زین‌العابدین‌بامر نواب‌الخاقان» « بن الخاقان اعظم السلاطین الصفویة المسفورة فی‌الفوق کتبه الفقیر عبدالرحیم» «فی ۱۱۲۹.»که حکایت ازتعمیر امامزاده‌ها دردوسال بعد بوسیله شاه‌سلطان حسین صفوی میکند وخطاط آن عبدالرحیم جزایری بوده است.

۶ـ دراطراف رواق شرقی‌بخط بنائی باکاشی فیروزه ای بر زمینه شطرنجی آجری بردیوار غربی رواق چنین نوشته شده است:

« چون‌نامه جرم مابهم‌پیچیدند بردند وبمیزان عمل سنجیدند»
« بیش‌ازهمه‌کس گناه‌مابودولی ما را بمحبت علی بخشیدند »

وبردیوار شرقی رواق این‌ابیات:

« غرض نقشی است‌کزمابازماند که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگرصاحب دلی‌روزی‌برحمت کند در حق درویشان دعائی »

۷ـ کتیبه گنبد بزرگ بخط ثلث سفیدمعرق برزمینه‌کاشی لاجوردی مشتمل بر سوره (الدهر) تا آخرآیه سیزدهم و پایان کتیبه چنین است : (ش ۸۸)



(شکل ۸۸)

« فی ایام الدولة السلطان‌الاعظم والخاقان الاکرم‌ابی المظفر عباس‌الحسینی»
« الموسوی الصفوی بهادرخان خلد الله ملکه و قدا وفق هذا الداعی غیاث الدین »
« محمود الحسینی المستوفی کاتب ۱۱۰ » از این کتیبه استنباط میشود که گنبد

بزرگ درزمان سلطنت شاه‌عباس اول و به‌اهتمام غیاث‌الدین محمود حسینی‌مستوفی ساخته شده است وکاتب کتیبه‌هم همان غیاث الدین محمود بوده است و تاریخ آن هرچند بصورت (۱۱۰) نوشته‌شده ولی مقصود۱۰۱۰ بوده‌که بازمان‌سلطنت‌شاه‌عباس موافقت دارد.

۸ـ در گردنه گنبد مزبور : (الحمدلله) تکرار و سوره اخلاص نیز نوشته شده است.

۹ـ کتیبه گنبدکوچك بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی‌نخست عبارت: « قال‌الله سبحانه تبارك وتعالی» وسپس آیةالکرسی ودنبال آن‌آیات۲۶و۲۷ سوره آل‌عمران وپایان آن‌چنین است:

« فی‌احدی وثمانین والف کتبه محمدرضا الامامی.» ؛ کتیبه‌گردنه‌گنبدمزبور بخط بنائی سه‌رگی باکاشی لاجوردی برزمینه آجری‌چنین خوانده میشود:

« لمن الملك الیوم لله الواحد القهار».

۱۰ـ کتیبه زنجیر درورودی حرم درب امام که‌برحاشیه دائره برنجی وسط آن‌نوشته‌شده‌بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

« وقف حضرت امامزاده زین العابدین نمود عالیشان آقامحمدحسن تاجر »
« همدانی این‌زنجیر را طمع کننده بلعنت خدا ونفرین رسول‌گرفتار شود. بتاریخ»
« ۲۶ .. » وبرمتن دائره برنجی زنجیر ابتدا « یاسلطان» «یا سبحان» « یا قاضی‌ـ»
« الحاجات» «یا منان» وبخط نستعلیق برجسته باین‌عبارت پایان‌یافته است:«بتاریخ»
« بیست وششم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۷۰» .

وخلاصه‌مفاد کتیبه زنجیرحاکی است که‌آقامحمد حسن تاجر همدانی‌زنجیر را وقف بر امامزاده زین العابدین کـرده است و این وقف مصادف با تـاریخ ۲۶ جمادی الاولی سال ۱۲۷۰ هجری بوده است.

۱۱ـ کتیبه‌زیر طاق‌مرقد در دوسطر، در سطر اول بخط کوفی‌طلائی‌برزمینه کبود : «یاسبحان» «یاحنان» « یا منان» «یابرهان» نقش‌شده ودرسطر دوم بخط ثلث

طلائی رنگ برزمینه کبود این اشعار درج شده است :

« نظام یافت بنام خدای عالمیان
عمارتی که بود رشك روضه رضوان »

« بنزد طاس زر اندود و چتر این گنبد
مرقعی است کبود این رفیع‌شادروان »

« زرشك شمسه این هشت طاق ونه منظر
چو ذره شمسه خورشید گشته سرگردان »

« نهاده صبح بدین سبزه سپهر ز مهر
برای زینت این‌بقعه جام جاویدان »

« بیمن همت زین العباد و دولت شاه
بهشت روی زمین‌گشت ملك اصفاهان »

« بعهد فقد جهانشاه آن ابوالفتحی
که کرد نام خدایش محمدی سلطان »

« بروج قصر جلالش از آن رفیعتر است
که تیر وهم رسد بروی از کمان گمان »

« اجل بدست خودش داد تیغ و زد بر پای
کسی که کرد سرافراز شمس عالمیان »

« اگر ز دنیی دون شمس‌الدین محمدرفت
جلال میر صفر شاه باد در دوران »

« تمام گشت بفضل مفتح الابـــواب
بسال هشتصد و پنجاه و هفت این بنیان »

۱۲ـ کتیبه صحن شرقی درب امام دردوردیف بخط بنائی است. ردیف اول بخط بنائی ساده لاجوردی بر زمینه آجری شامل صلوات برچهارده معصوم و ردیف دوم بخط بنائی مشکی برزمینه آجری چنین‌است:

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم سبحان‌الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر ولا »
« حول ولاقوة الابالله العلی‌العظیم . شهدالله انه لااله الاهو و الملئکة واولوالعلم »
« قائماً بالقسط . » وحاشیه پشت بغل‌ایوان ورودی صحن‌شرقی بخط بنائی با کاشی
لاجوردی برزمینه کاشی سفید ابتدا آیةالکرسی وپایان‌آن چنین است :
« والصلوة والسلام علی‌محمدالمصطفی سیدالمرسلین و حبیب‌اله العالمین »
« ۱۲۰۶ » این‌کتیبه میرساندکه دراوائل‌قرن سیزدهم درصحن‌شرقی تعمیری‌بعمل
آمده است . (ش۹۰)

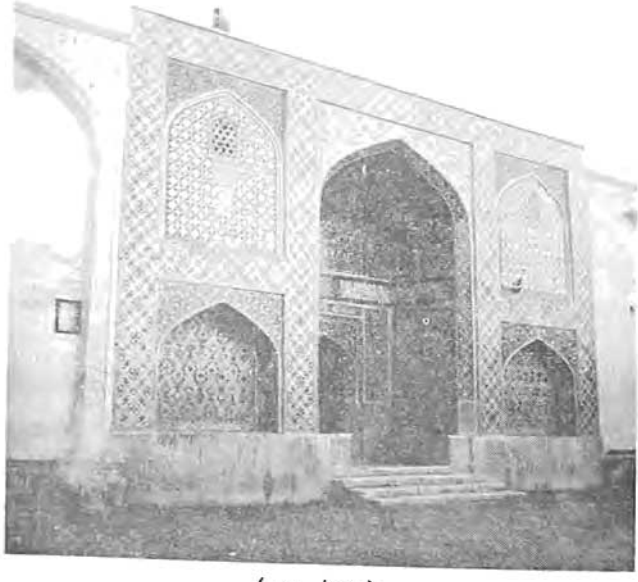

(شکل ۸۹)

۱۳ ـ کتیبه سنگاب مجاور درب امام بخط نستعلیق برجسته برسنگ‌پارسی
باین‌شرح خوانده میشود :
« وقف حضرت امام حسین‌علیه‌السلام نمودند این سنگ را ورثه مرحوم »

«حاجی‌حیدر باین‌شروط که در امامزاده زین‌العابدین درجنب خانه کمترینان‌باشد،
« بتاریخ غره شهر ربیع‌الاول سنه۱۱۱۷ » .

بیشتر این‌کتیبه‌ها ازکتاب‌گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان نقل‌گردیده است[۱]
این‌اثرتاریخی بموجب شماره ۲۱۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۸ـ امامزاده دوقلی :

این‌امامزاده درکنار خیابان شاه‌عباس‌کنونی واقع وبقعه محقری دارد که در آن ضریح کوچکی از چوب نصب‌اند و در افواه اشتهار داردکه مدفون در آن بقعه دوتن ازاحفاد حضرت امام موسی‌بن‌جعفرعلیه‌السلام بنامهای ابراهیم‌واسماعیل میباشند. آنچه معلوم است اینکه امامزاده در کنار قبرستانی از دوره صفویه قرار داشت که بتدریج تبدیل بخانه وخیابان‌گردیده است[۳] .

۹ـ ستی فاطمه :

این‌بقعه واقع‌است درمحله چهارسوکوچك و دارای مقبره و ضریح و صحن است ومعروف اینکه مدفون درآن فاطمه صغری دخترامام موسی‌کاظم علیه‌السلام می‌باشدولی‌حقیقت امرمعلوم‌نیست وصحت‌گفته‌عموم‌محرز نگردیده‌است. ساختمان بقعه وصحن مربوط بدوره صفویه وجمعی‌ازبزرگان‌آن زمان درصحن وبقعه مزبور مدفونند .

کتیبه داخل‌بقعه دراطراف‌گنبد آن بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی اشعاری است که راجع ببنای بقعه سروده شده است :

« بعهد دولت شاه زمانه فتحعلی — که بنده دراو هست پادشاه مثال »
«خدایگان سلاطین روزگارکه‌هست — بحضرتش‌الف قامت‌شهان چون‌دال »
« بدوش غاشیه حضرتش‌کشد خاقان — بگوش‌حلقهٔ خدامیش کنند جبال »
« بنام او چه قضا خواند آیت شاهی — ببام چرخ برافراشت رایت‌اجلال »
« یکی زجمله غلامان نیك بنیانش — که درزمانه ندارد بحسن‌حال همال»

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان از ص۳۴۱ تا ص۳۵۳ ۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۹ ۳ـ تاریخچه محله خاجو ص۶۳ .

«ستوده‌رای‌وخجسته‌نهادوپاك‌سرشت نکوطویت‌وخوش‌فطرت‌وحمیده‌خصال»
« سپهرجاه محمد علی‌که ازره قدر نهاده پای بفرق فلك زعزو جلال »
« بلند مرتبه خانی‌که تیغ نصرت او نموده‌است‌زخون چهره عدوراآل »
« مه سپهر نظارت که آفتاب کند زنور ناصیه‌اش اکتساب بهرجمال »
« بنا نهاد بنائی رفیع و مستحکم دراصفهان‌که مبادش زحادثات‌وبال »
« برای فاطمه بضعهٔ امام انام امام هفتم منظور قادر متعال »
« زهی خجسته بنائی‌که قبهٔ گردون برش‌چه‌نقطه‌موهوم‌پیش وهم‌وخیال»
« تمام‌خیل‌ملك‌بال خویش گسترده بجای فرش دراین‌بقعهٔ فلك تمثال »
«بیمن‌دولت‌شاهی‌وسعی‌وهمت‌خویش بنا رسید بانجام مدت یك سال »
« رقم زد از پی تاریخ خامه طالع « باین‌سپهر نهانست مهراوج‌کمال »
۱۲۴۲

که‌حاکی‌است محمد علی‌خان‌که ازبزرگان ودرباریان بوده این‌بنا را درمدت یکسال ساخته‌است وشاعرشعرآن طالع ازشعرای قرن سیزدهم‌هجری بوده‌است.[۱]

قبوری باسنگ لوح ازشاهزادگان صفویه‌مربوط بتاریخ‌های ۱۰۴۱ و۱۰۶۲ درمجاورت ستی فاطمه قرار دارد و مجموع این بناها بموجب شماره ۲۲۲ به ثبت تاریخی رسیده است[۲].

۱۰- شاه زید :

این امامزاده‌که‌اورا زیدبن‌علی‌بن‌الحسین‌علیه‌السلام میخوانند درشرقی‌ترین نقطه محله تروا‌سکان اصفهان واقع‌ودارای تزیینات‌کاشیکاری جالب میباشد.کتیبه‌ایکه بردر مقبره‌کنده شده بوده قسمت اول آن بعلت تبدیل در از میان رفته ولی قسمت آخرآن چنین است :

« برآستانه مقدس منور شاه زیدبن‌امام علی‌بن‌الحسین رقم صحیفی‌جویمری ۹۹۴[۳]. »که حکایت دارد درمزبور در زمان سلطنت‌سلطان محمد خدا بنده صفوی

۱- نقل‌ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۰۵ ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۲ ۳- تاریخچه محله خاجو ص۶۳ .

ساخته شده و در قسمت بالای سکوی راست سر در مقبره لوح سنگی سیاه رنگی بشکل مثلث ببلندی ۲۵ سانتیمتر از سطح سکو بر دیوار نصب شده که کتیبه آن بخط ثلث چنین است :

« امام مفترض‌الطاعة امام رضا علیه‌الصلوة والسلام. توفیق یافت بتعمیراین »
« آستان منوره متبرکه شاه زید درزمان دولت سلطان اعظم و خاقان اکرم مالك »
« رقاب الامم‌سلطان العرب والعجم‌شاه سلیمان‌الحسینی الموسوی الصفوی‌بهادرخان »
« خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین‌عدله‌وبره‌این‌اقل عبادالله الملك‌المنان »
« الجمیل‌الجلیل‌الوهاب خادم‌المعصومین میرزا طالب المشتهر بباغانی معزالدین »
« محمد فی‌تاریخ سنة سبع وتسعین بعدالالف من‌الهجرة النبویة والصلوة والسلام »
« علی‌محمد وآله اجمعین کتبه محمد محسن‌الامامی. [۱] »

این کتیبه حکایت میکند که در زمان شاه سلیمان صفوی معزالدین محمد مشهور به میرزا طالب باغانی آستانه امامزاده شاه زید را درسال ۱۰۹۷ هجری قمری تعمیرکرده است وکاتب‌آن محمد محسن امامی‌بوده است . و اما جمله‌ایکه درصدر کتیبه نوشته شده :

« امام مفترض‌الطاعة امام‌رضا علیه‌الصلوة والسلام »گمان میرود که عبارت اینطوربوده « یا امام مفترض‌الطاعة امام‌رضا علیه‌السلام» وحرف‌ندا یادرکتیبه محو شده یا درقرائت درنظر نیامده است والاجمله مزبور حشو وزائد خواهد بود .

درایوان سمت راست مقبره برلوح سنگی‌سیاه رنگ به‌درازای ۱/۵۵ متر وپهنای ۴۲ سانتیمتر بخط نستعلیق برجسته این اشعار حجاری گریده است[۲] :

« الحکم‌لله تعالی وتقدس »

« محمد رضا خادم شاه زید — گرفت از جهان گوشهٔ انزوا »
« به ذکر خدا متصل شاد بود — بمهر علی کرد نشو و نما »
« بآخرچو دلسرد شد از جهان — بفکر خود افتاد بی انتها »

۱و۲- نقل ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۹۰ تا ص۳۹۱

« چو اتمام کرد این بنای بخیر ز کروبیان آمدش مرحبا »
« پس آنگه بنا کرد سردابهٔ که بعد از حیاتش بماند بجا »
« هر آن کس که دید آن بنا را بگفت خدا از تو راضی محمد رضا »

درحاشیه سنگ مزبور نیز این اشعار بخط نستعلیق برجسته کنده شده است :

« ابن ملا کرم علی از صدق چاکر مؤمنان شاه و گدا »
« خدمت شاه زید از دل و جان سالها کرد از اشد رضا »
« هم خدا ورسول و خلق جهان از محمد رضا شدند رضا »
« چون محب علی و آلش بود جای خود ساخت جنة المأوی »
« چون دخیل امام ضامن شد گشت تاریخ او : (امام رضا) »

۱۰۸۳

این کتیبه دلالت بر این دارد که محمد رضا درسال یکهزار وهشتاد وسه هجری موفق باتمام بنای مورد نظر گردیده است .

در گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که کتیبه از آنجا نقل شده برای اینکه این تاریخ با تاریخ فوت محمد رضا اشتباه نشود درحاشیه نوشته‌اند[۱] :

« تاریخ وفات محمد رضا خادم بقعه شاه زید درجای دیگری ازسنگ یادبود فوق الذکر بعداً باین شرح حجاری شده است : (« تاریخ وفات مرحوم مغفور آقا محمد رضا فی سنه هزارونود وهفت .»

این بقعه تاریخی بموجب شماره ۲۹۴ به ثبت تاریخی رسیده است [۲].

۱۱- شاه سید علی :

بقعه شاه سید علی که اورا از احفاد امام زین العابدین علیه السلام میدانند دریکی ازکوچه های جنوبی خیابان شاه عباس واقع وچنین شهرت دارد که صاحب بقعه برادر شاه زید میباشد . بقعه آن از خشت خام ساخته شده و در داخل آن ضریح آهنی کوتاهی است که سه قبر در آن قرار دارد و قبر میانی مربوط بشاه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۹۱.
۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۳ .

سید علی مزبور است . در سالها پیش در اطراف امامزاده قبرستان بزرگی بود که بتدریج تبدیل بساختمان گردید.[۱]

۱۲- امامزاده شوری:[۲]

این امامزاده در محله دردشت واقع و بامامزاده شوری و امامزاده عبدالله معروف و درمقابل آن مسجد شوری قرار گرفته است . درون امامزاده کتیبه‌ای ندارد ولی برنمای خارجی یکی‌ازجرزهای آن لوح سنگی بردیوار نصب است و کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته منظوم بشرح زیردارد :

« هرکه را اخلاص او با جعفر و باقر بود
اعتقاد او بآل مصطفی ظاهر بود »
« آنکه او با سید عبدالله دارد دوستی
لطف رحمن و رحیمش مونس خاطر بود »
« یا محمد یا علی شیخ ابوالقاسم که او
با امیرالمؤمنینش دوستی وافر بود »
« شد زسعیش نقش‌این تاریخ بردیوار برج
تا نشان و یادگار او در این جابر بود »
« سال‌تاریخ ازپی این لوح جستم عقل‌گفت:
« سید عبدالله ز نسل جعفر باقر بود »

کتیبه مزبور دلالت براین‌داردکه سنگ‌لوح امامزاده عبدالله ازنسل‌جعفربن محمدالباقر بوسیله شیخ‌ابوالقاسم نامی‌که ازدوستداران ولایت علی‌علیه‌السلام بوده درتاریخ هزارونودویك هجری درزمان شاه سلیمان نصب‌گردیده است .

۱۳ - امامزاده موسی :

این امامزاده دراول محله جوزدان درکنار خیابان دروازه تهران قرارگرفته است ومورد احترام عموم است .

۱- تاریخچه محله خاجو ص ۶۵ .
۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۲ .

۱۴ ـ امامزاده میرحمزه :

این امامزاده درمحله فرسان‌درقسمت شرقی‌خیابان سروش قرارگرفته وجزء قبرستانی مربوط بعهد سلاجقه ببعد بوده‌که دراین اواخر تسطیح وبتدریج تبدیل بخانه وعمارات مختلف گردیده است . از عمارت امامزاده درزمان اخیر با نظارت اوقاف تعمیرات‌کلی بعمل‌آمده است[۱] .

۱۵ ـ هارون ولایت :

این امامزاده درمحله میدان‌کهنه اصفهان و روبروی مسجد علی ومناره آن واقع گردیده است و بنای اولیه آن مربوط بزمان سلاجقه است که سنگ بت سومنات‌را درآستانه مدرسه‌آن انداخته‌اند. درنسب این امامزاده ونژاد اواختلاف زیاد وجود دارد برخی انتساب اورا بخاندان نبوت و ولایت مورد تردید قرار داده واحتمال داده‌اندکه از بزرگان یهود باشد ولی اغلب نویسندگان وطبقات‌عامّه تقریباً انتسابش را بخاندان رسالت و ولایت محرز میدانند ودرکیفیت انتسابش اختلاف دارند . مؤلف میزان‌الانساب[۲] معتقد است که او هارون‌بن علی از اولاد و احفاد حضرت‌هادی امام‌دهم میباشد. بعضی هم‌گفته‌اند:[۳] هارون‌بن محمدبن زیدبن‌الحسن و دسته دیگری او را هارون‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام دانسته‌اند[۴] و احتمال میرود او هارون‌بن اسحاق‌کوکبی‌ابن حسن‌بن زیدبن‌الحسن علیه‌السلام باشد[۵] . در تاریخ سلطانی نوشته که[۶] او هارون‌بن محمدبن احمدبن جعفربن هارون‌بن امام موسی(ع) میباشد .

بنظر نگارنده با احترامی‌که در ادوار گوناگون از هارون ولایت از طرف سلاطین وبزرگان ومردم بعمل‌آمده وبااینکه دراعصارگذشته علمائی هم بوده‌اندکه اگر شایعه‌ای‌را برخلاف‌واقع تشخیص‌میدادندمردم‌را ارشادمیکردند وچنین‌مطلبی هم‌واقع نشده‌است و روز بروز برتجلیل وتکریم‌آن افزوده شده است پس انتساب‌او

۱ـ تذکرة‌القبورچاپ دوم ص یو . ۲و۳و۴ـ میزان‌الانساب ص ۴۷.

۵ـ منتهی‌الآمال ص ۲۶۳. ۶ـ رجال اصفهان ص ۱۹۲ .

بخاندان ولایت محرز میگردد و چون اغلب امامزادگانی که در اصفهان مدفونند از احفاد امام موسی کاظم میباشندکه درهنگام ولایتعهدی حضرت امام‌رضا علیه‌السلام بایران آمده‌اند میتوان گفت که اختیار قول باینکه هارون‌بن موسی علیه‌السلام یا هارونی که از تاریخ سلطانی نقل شد و بهارون‌بن موسی میرسد درآنجا مدفون است مصاب باشد . این امامـزاده دارای صحن وسیعی است که در وسط آن حوضی ساخته شده وسردرکاشیکاری بسیارزیبا مربوط بزمان شاه اسماعیل صفوی اول دارد که مورخ بسال ۹۱۸ هجری قمری میباشد .

نوشته‌ها وکتیبه‌هائی درهارون ولایت موجود است‌که آنچه مربوط بمدرسه میشود درشرح مدارس ذکرگردیده است وآنچه بامامزاده ارتباط دارد دراین مورد شرح میگردد : (ش ۹۰)

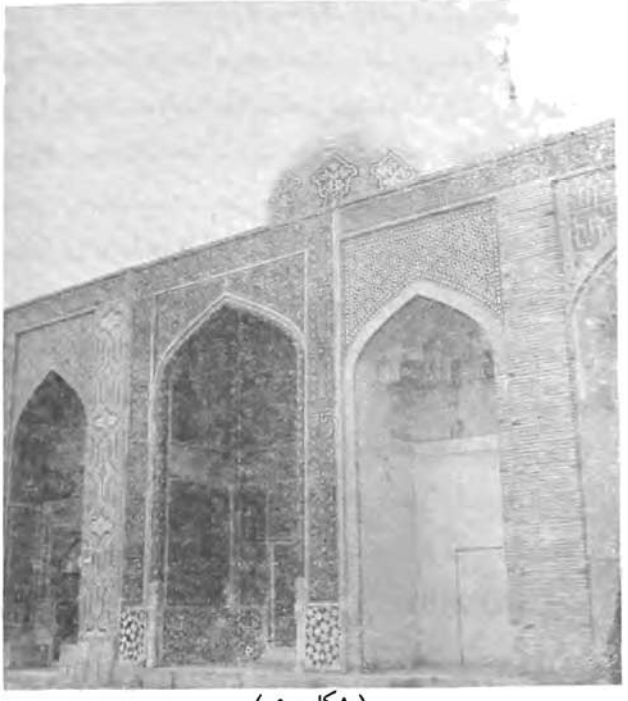

(شکل ۹۰)

۱ـ کتیبه سردرهارون ولایت بخط ثلث باکاشی‌سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است :

« بسمه تیمنا بذکره قدائفقت عمارة دارالولایة ومشهد قبلةالاسلام بمیامن »
« فیض بحروجودجده العلی‌الذی قال‌النبی‌فی‌شأنه انت منی بمنزلةهارون من‌موسی »
« علیهم‌السلم‌فی‌ایام‌خلافة والی لواء الولایةفی‌الافاق‌مالك سریر الخلافة بالاستحقاق »
« الغازی المجاهد فی سبیل‌الله بقاطع البرهان ناصر المؤمنین ابی‌المظفر السلطان »
« شاه اسماعیل بهادرخان لازال ابواب الخیرات بعمیم لطفه مفتوحةواقطارالارض »
« بانوارمعدلته محصورة والامصاربسعی معمار احسانه معمورة والبانی بعین عنایته »
« ملحوظاًوموفقا للحسنات‌وکان‌سعیه مشکوراً کتب‌فی‌اوایل شهرربیع‌الاول من‌سنة »
« ۹۱۸ .» دربالای‌کتیبه مزبور یك اسپر کاشیکاری وجود دارد ودرلوحه‌های اطراف آن بخط ثلث حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی صلوات بردوازده امام مکتوب است ودر یك لوحه در ورودی بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی این شعرکه حاکی ازنام بانی ساختمان است خوانده میشود :

« باقبال خان دورمش کامکار بماند ازحسین این بنا یادگار »

ونیز درمیان دو پشت بغل نمای‌خارجی سردر بخط بنائی سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی دریك شکل‌چهارگوش اسامی : الله ـ محمد ـ علی نوشته شده است . ودر دو طرف در چوبی سردر بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی در دو لوحه چنین خوانده میشود :

« که شد درب هارونیه اینسان تمام بود روضهٔ آل خیرالانام »

ونیز در زیر هلال دراین بیت دیده میشود :

« درگاه توقبله‌گاه جان است محراب زمین و آسمان است »

درمیان اسپرچوبی بالای درورودی بخط نستعلیق فرورفته مشکی این اشعار نقاری شده است :

« درب مسجدهارون پورموسی جعفر آنکه‌جبرئیل‌آید بردرش‌بدربانی »

«گشته بودمستعمل تاکه‌همت مرشد طرح تازه ازنوریخت بهردرب آنی»
«چون‌تمام‌شدشوقی‌گفت‌بهر تاریخش: «مرشدآمده دردم از برای دربانی»
سنه ۱۳۳۰

کتیبه فوق‌حاکی است‌که مرشد نامی درب مستعمل هارون ولایت را درسال ۱۳۳۰ قمری تعویض کرده ومیرزا ابوالقاسم شوقی اصفهانی اشعاری‌که ذکرشد در اینباب وتاریخ‌آن سروده است . درفرد دوم شعرماقبل‌آخردرجمله «بهردرب‌آنی» نکته‌ای است وظاهر اینستکه کلمه «آن» بعداز «درب» افتاده است واگرکلمه درب اضافه شود چنین میشود : «طرح تازه ازنوریخت بهردرب‌آن‌آنی» .

۲ ـ بالای سکوی راست سردر تاریخی کتیبه‌ایست بخط ثلث و نستعلیق که بریك لوح سنگی مرمری‌کوچك نوشته شده وآن چنین است :

«بتاریخ یوم السبت ۱۹ شهرشوال سنه ۹۴۶ استاد قاسم علی‌بن علی ... بقال»
«هشت اصله درخت وسك بردرمزار شریف حضرت امامزاده بحق امامزاده هارون»
«ولایة علیه تحیة والسلام نشانیده وقف‌آنجا نمود تقرباً الی‌الله تعالی .»

«هرکه خواند دعا طمع دادم زآنکه من بندهٔ گنه کارم»

ودردوطرف لوح مزبور بخط نستعلیق دومصراع باین شرح خوانده میشود :

«آنکه‌پاینده‌وباقی‌است‌خداخواهدبود» «دنیا نکند وفا تو خوش باش»

۳ ـ کتیبه قاعده گنبد رواق که تجدید ساختمان شده وبخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی شامل اشعاری بزبان فارسی است بشرح زیرخوانده میشود :
(ش ۹۱)

«در زمان دولت خاقان داود اعتبار
کو سلیمان وار در این دور دین آراستی»
«صاحب انفاس روح و حامی شرع حبیب
آنکه بد خواهش بفطرت قائل یکتاستی»
«داور دنیا و دین شاهنشه صاحب قران
آن سکندر حشمتی کاندر جهان داراستی»

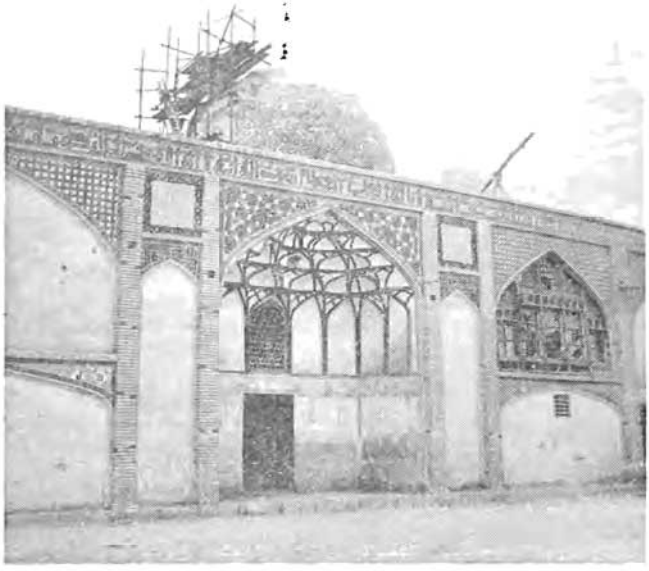

(شکل ۹۱)

« نامور فتحعلی شاه آنکه از عدل و عطا
ماحی آثار حاتم کاسر کسر استی »
« آنکه اندر ماتم اسباط پیغمبر مدام
دیدهٔ حق بین او پیوسته خون مالاستی »
« سروری کرداین بنای کهنه رانو درجهان
کز سخا وجود او مشهور در دنیاستی »
« آنکه آمد نامور او از محمد وز علی
خان ذیشانی که از او این بنا برجاستی »

« ناظر دارای دین سلطان محمد میرزا
آنکه اندر اصفهان دارای بی‌همتاستی »
« آنکه تاج شهریاری سرافزای جهان
بر همایون تارکش زیبنده و زیباستی »
« آنکه او پرورده صدر جهان آرا بود
صدر ذیقدری که اندر جنتش مأواستی »
« مفخر اهل کرم حاجی‌حسین‌خان زیب‌ملك
کاصفهان تاهست از آن آن‌خطه روآباستی »
« آنکه ازحکمش بنا حصن امان اندرنجف
آنکه از امرش قضابانی قدر بناستی »
« این بنادانی کجا؟ خرگاه هارونی بود
کز علو مرتبت چون قبهٔ خضراستی »
« مدفن هارون بن موسی که خاك درگهش
نوربخش چشم آن کو عارف و داناستی »
« بقعه هارونی است و نور دست موسوی
از جبین پاسبانان درش پیداستی »
« این‌نه‌آن هارون‌که‌موسی‌رابرادربوده‌است
موسی اندر ماتمش در گریه وغوغاستی »
« . . . . . »
ظاهر . . . . . »
« هست آن هارون که‌نوح ازماتم اودرجهان
دیدهٔ خون بار در دریای طوفان زاستی »
« هرکه شمعی‌دید روشن‌اندراین‌خرگاه‌گفت
آتش موسی عیان از سینهٔ سیناستی »

« ساکنان عرش اعظم برفرازش گفته‌اند
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی »
« با حواریین ملائك بردرش گرد آمدند
سر بسر گفتند با هم منتظر عیساستی »
« بضعهٔ موسی درین مدفون و عیسی در فلك
گوید اینك آفتاب از مشرقش پیداستی »
« سال اتمامش رقمزد کلك هادی بر ورق
« کعبهٔ دین بقعه هرون بن موسی ستی »

کتیبه منظوم مزبور حکایت میکندکه درسلطنت فتحعلی‌شاه‌قاجار و صدر-اعظمی حاجی محمد حسینخان صدر اصفهانی بوسیله شاهزاده سلطان محمد میرزا در بقعه هارون ولایت تعمیراتی انجام گردیده است و تاریخ این‌تعمیر سال ۱۲۳۷ هجری قمری بوده وشاعر اشعار مزبور هادی تخلص داشته است.

۴ـ در ارتفاع دو متری از سطح بقعه این اشعار بخط نستعلیق بـرجسته در الواح جدا جدا گچبری شده است :

« بدور قدوه ارباب‌فضل و فخر صدور جهان قدروسپهر جلال ومشرق‌نور »
« خجسته نظم اوضاع عالم کز عدلش سراب فضل چوگلزار خلدشدمعمور»
« زبس تکثر انعام خلق نزدیکست که جود او کرم آز را کند منشور»
« نفاذ معدلتش برتر از . . . . . گهی که عدل‌توامضاءکندزهی‌دستور»
« وحید ازمنه نواب میرزا مهدی که نور جبههٔ اومهررا کند مستور»
« بجهد بانی از متقین عقبـی دار بسعی ساعی از مؤمنین دنیا دور »
« بدیع سعی‌محمد شفیع مؤمن‌محض محب خالص حق‌عبد خاص‌رب غفور»
« نهفت چهره زنور مرمت آیت‌حزن شکفت‌غنچه‌تصویر نقش وشدمشهور»
« بقبهٔ که دراونیست جز فلك خادم بروضهٔ که‌دراونیست جزملك مزدور»
«چه‌قبر تازه‌سپهری‌است‌درجهان خدای براو صلوة وتحیات حق‌شده موفور»

« خرد چه‌صورت اتمام یافت تعمیرش که رافع‌الم‌ازراه غیبت‌است‌وحضور »
« بدیهه گفت بتحسین‌کار و تاریخش : « زهی‌منیع‌بناکان سعیهم مشکور»
(۱۰۶۶)
« هزار رحمت حق‌بر کسی‌که‌همت‌را شود بفاتحهٔ یاور و کند مسرور »
« کتبه محمدرضا الامامی »

کتیبه منظوم حاکی است‌که بهمت نواب میرزا مهدی ومحمد شفیع که از صدور فاضل‌وعالم وکثیر الجودبوده‌اند بقعه‌هارون ولایت درسال ۱۰۶۶ هجری‌قمری که مصادف با سلطنت شاه‌عباس دوم بوده تعمیر گردیده است.

۵ـ کتیبه گردنه‌گنبدبرنمای خارجی‌آن بخط بنائی‌مشکی برزمینه‌فیروزه‌ای باکاشی نره سوره الفتح خوانده میشود.

۶ـ کتیبه سر درشرقی دربالای‌پنجره‌مشبك آهنی درحاشیه بخط ثلث‌حنائی معرق برزمینه کاشی لاجوردی اسامی چهارده معصوم و در متن آن عبارات زیر خوانده میشود:

« قال‌النبی صلی‌الله علیه وآله. انا مدینةالعلم وعلی‌بابها وانت منی‌بمنزلة ـ »
« هارون من‌موسی.» ودر ذیل مقرنسهای ایوان‌کتیبه‌شده: «عمل عمادالدین بناء ».

۷ـ کتیبه نمای خارجی ایوان شرقی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است:

« چون توفیق سبحانی وتایید رحمانی شامل حال هر بنده‌گردد او را موفق»
«باعمال خیریه میگرداند لهذا طایف بیت‌الله‌الحرام خیرالحاج والمعتمرین سمی »
« سادس ائمة المعصومین توفیق یافت ببناء این بناء کانه بنیان مرصوص و اهتمام »
« درانجام آن‌فرمود . کتبه‌الاثیم محمدتقی‌ابن‌محمد ابراهیم‌فی‌سنة تاسع‌والعشرین»
« وثلثمائة بعدالالف. بانی حاجی جعفر. معمار نصرالله. بناء حسنعلی.»

۸ـ کتیبه سنگاب واقع در دالان میان صحن ورواق بقعه مشتمل برشش‌لوح کوچك چنین است:

« وقف جناب سید الشهداء نمود محمد حسین‌ابن مرحوم آقا مسیح این »

«سنگ آبرا بلعنت خداگرفتارشود بیرون برنده بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۱».

از قسمتهای تاریخی و جالب هارون ولایت طاوسهای سردر اصلی است که بی اندازه شیوا و جالب و از جمله جواهر گرانبها محسوب میگردد. کتیبه های مذکور راجع به هارون ولایت ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان [۱] اتخاذ گردیده است. این اثر باستانی بموجب شماره ۲۲۰ بثبت تاریخی رسیده‌است. [۲]

یط - بقاع تاریخی شهر اصفهان:

۱- بقعه بابا قاسم:

این بقعه واقع است در طرف غرب خیابان کنونی هاتف در حدود پانصدمتر دورتر ازمسجد جامع‌عتیق درکوچه‌باباقاسم ودرمجاورت مدرسهٔ‌باباقاسم ودرب بقعه روبطرف‌شمال ودارای قطاربندی وکاشیکاری بسیارشیوا وزیبامیباشدوبقعه‌مزبورطبق کتیبه تاریخی بوسیله سلیمان بن شرف الدین ابی الحسن طالوت دامغانی درسال ۷۴۱ هجری ساخته شده است. داخل وخارج‌بقعه دارای تزیینات آجری‌وکاشیکاری است. گنبد آن هرمی‌شکل وهشت ترك وبرهرترك آن یکی از اسماء الله نوشته شده‌است تاریخ زندگی ووفات باباقاسم معلوم نیست ولی آنچه مسلم است درتاریخ ۷۲۵ هجری که مدرسه باباقاسم معروف بمدرسه امامیه برای باباقاسم ساخته‌شده حیات داشته ودر ۷۴۱ هجری قمری که‌بقعه او ساخته شده وفات یافته بوده است پس‌میتوان‌گفت‌محمد معروف به‌باباقاسم ازعرفا وصلحای ربانی وصمدانی‌قرن هشتم هجری بوده است‌که پس ازوفات یکی از مریدان ودوستدارانش بنام سلیمان بن ابو الحسن شرف الدین طالوت دامغانی بقعه وعمارتی شایسته برمزار او بنا کرده است‌واینکه‌درکتاب تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی‌اصفهان[۳] وگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان[۴]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۶۰ تاص ۳۶۹. ۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۲ . ۳- تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۵۲ .
۴-گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۱۱.

کتیبه سردررا: «بتوفیق‌الله‌الفرد بلاثانی‌وهمة ولیه الربانی القطب الصمدانی محمد» «بابا القسم الاصفهانی فی هذه المبانی تشرف العبد الجانی سلیمان ابی الحسن» «طالوت الدامغانی» نوشته وسلیمان وابی الحسن و طالوت را یك‌شخص دانسته‌اند اشتباه صریحی است بدو دلیل: دلیل اول اینکه در کتیبه هلال محراب تصریح گردیده[1]. «سلیمان‌بن‌الصاحب السعید شرف‌الدین‌ابی الحسن‌بن طالوت‌الدامغانی». دلیل دوم اینکه اگر درعبارت: «تشرف العبدالجانی سلیمان ابی الحسن الطالوت» «الدامغانی» ابی الحسن کنیه سلیمان بود باید مقدم بر اسم باشد و ثانیاً اینکه باید ابو الحسن خوانده ونوشته شود وابی الحسن نوشتن آن دلیل براینستکه بعد ازسلیمان‌لفظ (ابن) افتاده وابی الحسن‌که مضاف‌الیه ابن بوده باقی‌مانده است و در اصل چنین بوده: «تشرف العبدالجانی سلیمان‌بن ابی‌الحسن‌بن الطالوت الدامغانی» پس‌محرز گردیدکه‌بانی‌مقبره‌خواجه سعدالدین‌سلیمان‌پسرشرف‌الدین ابوالحسن‌بن طالوت دامغانی بوده است. (ش ۹۲)

کتیبه‌های آرامگاه باباقاسم بردوقسم است‌کتیبه‌های تاریخی وغیرتاریخی:

۱ـ کتیبه تاریخی سردر حاکی از تاریخ بنای بقعه بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین است:

«بتوفیق‌الله الفرد بلاثانی وهمةولیه‌الربانی القطب‌الصمدانی محمدباباالقسم» «الاصفهانی فی اتمام هذه المبانی تشرف العبد الجانی سلیمان‌بن ابی الحسن‌بن» «الطالوت الدامغانی فی‌شهر سنة احدوالاربعین وسبعمأته.»که حاکی است سلیمان بقعه را درسال ۷۴۱ هجری‌قمری بنا کرده است.

در چهار لنگه‌های مقرنس سردر مقبره بخط بنائی با کاشی معرق لاجوردی برزمینه آجری درهرلنگه کلمه الله ودر میان سردرکلمه محمد نوشته‌شده‌است، و در نمای مقابل سر در بخط بنائی آجری بر زمینه کاشی فیروزه‌ای نوشته شده: الحکم‌لله ـ الملك‌لله. در وسط مقرنس بخط بنائی باکاشی سفید بر زمینه لاجوردی

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص ۳۱۳.



(شکل ۹۲)

جمله: العظمةلله خوانده میشود.

دربالای درچوبی بقعه درشش شمسه بخط ثلث برزمینه لاجوردی اسامی : الله ـ محمد ـ ابوبکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی خوانده میشود ولی کاشیهای شامل نام ابوبکر وعمر وعثمان شکسته شده است .

۲ـ کتیبه تاریخی تعمیر گنبد واقع درقسمت فوقانی نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« توفیق یافت عزت آثاری آقازمان بن آقاجمال میوه‌فروش در تعمیر گنبد عارف معارف سبحانی باباقاسم اصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۰۴۴ کتبه محمدرضا » الامامی . »

۳ـ کتیبه هلال بالای محراب بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح خوانده میشود :

« امر ببناء هذه العمارة المخصوصة بالروضة المتحلیة بالنضارة المتکی علی »
« و سادة الامارة والوزارة المشرف بحلیة الصدارة المتحیر فی وصفه الاشارة والعبارة »
« مدبر امور الجمهور بنور البصارة الخواجه سعدالحق والدین سلیمان بن الصاحب »
« السعید شرف الدین ابی الحسن بن طالوت الدامغانی زید جلال قدره من خاص ماله »
« الحلال احتسابا لله الملک المتعال . » که حاکی است خواجه سعدالدین سلیمان بن شرف الدین ابوالحسن بن طالوت دامغانی کـه از وزارت وصدارت بهره‌مند بـوده محراب را ساخته است .

۴ـ کتیبه لوح سنگی منصوب برقسمت فوقانی پنجره مشبك دیوار شرقی سر در شامل دوحاشیه ویك متن :

عبارات حاشیه شامل صلوات برچهارده معصوم است و متن آن چنین خوانده میشود :

« بسم الله الرحمن الرحیم. سلام علی آل یس انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس »
« اهل البیت ویطهرکم تطهیراً وسقاهم ربهم شراباً طهوراً. قال النبی صلی الله علیه وسلم »
« الا و من مـات علـی حب آل محمد . العبد صاحب الخیرات الفقیـر علی بن »
« عوض بن . . . . . »

۵ـ کتیبه لوح سنگی دیگر منصوب برقسمت فوقانـی دیوار شرقی سردر بخط نستعلیق برجسته باین شرح است :

« وقف صحیح‌شرعی اسلامی‌خود گردانید آقای هادی پاشنه ساز ولدمرحوم
« آقا مهدی تمامت حصه ورسدی خودرا از اسباب وافزار مچه شترقربانی‌که باو »
« میرسد بر باباقاسم که هرساله آنچه عاید میشود بمصارف بابا قاسم برسد سنه »
« ۱۲۲۹ ».

در داخل بقعه سنگ قبرقدیمی‌وجود دارد که اسامی چهارده معصوم برروی آن کنده شده وبرجانب غربی‌آن بخط ثلث برجسته چنین‌ثبت است :

« وفات مرحمت‌ومغفرت پناه الواصل‌الی‌رحمةالله تعالی‌پهلوان میرزاعلی‌بن»
« استاد حیدرفوطه‌باف فی‌خامس‌عشرین‌شهرذیحجه سنه خمس وثمانین وتسعمائة»

و این دو شعر نیز بخط نستعلیق برسنگ نقش‌شده است :

« چون‌نامهٔ جرم‌ما بهم پیچیدند بردندو بمیزان عمل سنجیدند»
« بیش‌از همه‌کس‌گناه مابودولی ما را بمحبت علی بخشیدند »

بیشترعبارات‌کتیبه‌ها ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان گرفته شده است[۱].

این‌اثرباستانی بموجب شماره ۱۰۰ بثبت تاریخی رسیده است[۲].

۲ـ دارالبطیخ :

این‌محل‌که به‌آن‌تربت نظام ومدرسه ملکشاه وتکیه پای‌چنار و مقبره پای چنار ومقبره نظام‌الملك ودالبتی می‌گویند و در عرف عوام محل همان دالبتی که مخفف دارالبطیخ باشد خطاب میکنند در محله احمد آباد که در قدیم آنجا را کران مینامیده‌اند واقع‌گردیده است .

چون مرکزعمده فروشی‌میوه وبخصوص خربزه وسبزی اصفهان درآن‌حدود بوده آنجا را دارالبطیخ میگفته‌اند وبتدریج تکیه یا مدرسه یامقبره که در زمان قدیم‌گفته میشد مثلا مقبره دارالبطیخ یعنی مقبره‌ایکه درنزدیکی دارالبطیخ‌قرار دارد برحسب‌کثرت استعمال وبرای سهولت امرفقط دارالبطیخ میگفتند وازکلمه دارالبطیخ مردم همان مقبره را درك میکردند .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۳۱۰ تا ص۳۱۴ ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۸.

دراین محل چند سنگ قبر وجود دارد که بعضی ازآنها صاحبانشان معین وبرخی دیگر عباراتی برآنها نقرشده ولی نام آنها معلوم نیست .

۱- یکی ازآن سنگها که شهرت دارد مربوط بقبر خواجه نظام الملك است روی آن چنین نوشته شده :

« وقال‌الله تعالی قل یا عبادی‌الذین اسرفوا علی‌انفسهم لاتقنطوا من‌رحمة‌الله، « ان‌الله یغفرالذنوب جمیعاً انه هوالغفور الرحیم .»درحاشیه اطراف سنگ مزبور بخط ثلث برجسته آیة‌الکرسی وسپس این آیات کنده شده‌است: «وقوله‌تعالی‌شهدالله » « انه لااله الاهو والملائکة واولواالعلم قائماً بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . » « ان‌الّذین عندالله الاسلام. قل‌اللهم مالك‌الملك توتی‌الملك من‌تشاء وتنزع‌الملك » « ممن‌تشاء وتعزمن تشاء وتذل من‌تشاء بیدك‌الخیر انك علی‌کل شیئ‌قدیر» وقوله » « فسیکفیکهم‌الله وهوالسمیع العلیم . ».

و برجبهه فوقانی سنگ گفته شده ایـن کلمات وعبارات بخط ثلث برجسته خوانده میشود :

« واصل‌گشت بجوارمرحمت وغفران‌وفایز شد بغرفات جنان وروضه‌رضوان، « حضرت مغفرت مآب قیام بصفت رحمة دیان ... المفاخر وافتخارا للاکابرواعاظم، « الوزراء . . . خواجه . . . الملك .»

۲- سنگی‌است که شهرت دارد مربوط بقبرملکشاه سلجوقی است وآن‌یکی از سنگهای نفیس مرمری بطول ۱/۹۸ متر وعرض ۴۳ و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر از ازسطح بقعه میباشد . در بالای این سنگ بخط ثلث بـرجسته سوره اخلاص و در حاشیه نخست بسم‌الله الرحمن‌الرحیم وآیة‌الکرسی و دنبال‌آن عبارات زیرخوانده میشود :

« قال‌الله تعالی شهدالله انه لااله الاهو والملائکة و اولواالعلم قائماً بالقسط » « لااله الاهوالعزیزالحکیم . ان‌الدین عندالله الاسلام . قل‌اللهم مالك‌الملك توتی‌» « الملك من‌تشاء وتنزع‌الملك ممن‌تشاء وتعز من‌تشاء وتذل‌من‌تشاء بیدك‌الخیرانك»

« علی کل شیئی قدیر صدق الله العظیم . »

۳ـ سنگ مزار میرعلی شهید بر نگ قرمز وبطول ۱/۴۵ متر و عرض ۲۵ سانتیمتر بخط ثلث چنین حجاری شده است :

« هذا قبر المرحوم الشهید افتخار الزمان سلالة الوزراء فی الاوان الواصل »
« الی رحمة الملك الولی خواجه جمال الملة والدین میرعلی الصاحب الاعظم المرحوم »
« خواجه . . . وتوفی فی یوم الثلثا ثالث شوال سنه تسع وخمسین وثمانمأة الهجریة »
« النبویة صلعم . » و دریك لوحه بالای آن بخط بنائی برجسته کتابت شده :

« لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله » .

درپائین سنگ مزبور بخط بنائی دریك لوحه کلمه محمد چهارمرتبه تکرارشده است. درحاشیه آن ابتدا آیة الکرسی وسپس چنین پایان میگیرد : « صدق الله العظیم » «وصدق رسوله النبی الکریم خیر الکلام کلام الله ». و ازکتیبه سنگی معلوم میگردد صاحب قبریکی از وزراء قرن نهم و در روز سه شنبه سوم شوال سال ۸۵۹ قمری شهید گردیده ونام اوخواجه جمال الدین میرعلی بوده است .

۴ـ سنگی است مرمری بطول یك متر وپهنای ۲۳ سانتیمتر برروی قبریکی ازمردان زمان بنام محمد مؤمن که درحاشیه آن بخط ثلث اسامی چهارده معصوم ودرلوحه آن جمله : « الحکم لله » ودرپائین آن اشعار ذیل حجاری گردیده است:

« فریاد ز رفتن محمد مؤمن — کز نخل حیات خویشتن طرف نبست »
« جستم زمعمائی دوران تاریخ — ترکیب وی ازجزو بمصرع پیوست »
« کز باغ اثر ندید و بیرون شد طوطی — وزسنگ اجل دو بال ومنقار شکست »

ودرطرف زیرین سنگ بخط ثلث نوشته شده : « فی سابع عشرین رمضان » « المبارك سنة ثلاث وعشرین وتسعمائة » که حاکی است محمد مؤمن ناکام در روز بیست وهفتم رمضان سال ۹۲۳ هجری قمری بدرود زندگی گفته است وبرای اوعنوان ولقبی ذکر نشده و میرساند که ازمردان عادی بوده است .

۵ـ سنگ سفیدرنگ دیگری بطول ۸۰/ وپهنای ۲۲/ سانتیمتر وجود دارد

که بربالای آن بخط نستعلیق چنین حجاری شده است :

« وفات جناب مرحمت پناه جمال‌الدین ابن‌محمدبن عالیحضرت شهریار »

« خاجه صفی‌الدین محمد بتاریخ شهر رمضان سنة ثلاث وخمسین وتسعمائة . » ودر حاشیه آن بخط نستعلیق برجسته‌این اشعار خوانده میشود :

« بلبلی‌خون‌جگرخوردوگلی‌حاصل‌کرد باد غیرت بصدش آه پریشان دل‌کرد »

« قرةالعین من‌آن میوهٔ دل یادش باد که خودآسان‌بشدوکارمرا مشکل‌کرد »

« ساربان بار من افتاد خدایا مددی که امید کرمم همره این محمل‌کرد »

« آه‌وفریادکه از دست حسودان نا گه درلحد ماه‌کمان ابروی من منزل‌کرد »

ودربالای آن‌بخط ثلث جمله : « الحکم لله تعالی » و بردو جانب‌آن اشعار زیر حجاری‌گردیده است :

« نادعلیاً مظهر العجائب تجده عوناً لك فی‌النوایب »

« کل هم و غم سینجلی بولایتك یاعلی‌یاعلی‌یاعلی »

که ازمفادآن معلوم میگردد صاحب قبر جمال‌الدین‌بن محمدبن عالیحضرت شهریار خواجه صفی‌الدین محمد بوده که درتاریخ رمضان سال ۹۵۳ هجری قمری وفات کرده است . این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۱] وتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[۲] اقتباس‌گردیده است. این بنای باستانی بموجب شماره ۹۹ به ثبت تاریخی رسیده است[۳] .

۳ ـ بقعه سید حجةالاسلام رشتی :

این بقعه واقع است درگوشه شمال‌شرقی‌مسجد سید درمحله بیدآباد اصفهان ومدفن حجةالاسلام حاجی‌سید محمدباقر شفتی بیدآبادی بانی مسجد سید میباشد . آرامگاه سید مرکب است ازبقعه ورواق‌که درون آنها با تزیینات کاشیکاری ونقاشی وگچبری آراسته شده است وکتیبه‌هائی دارد :

۱ ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص ۲۴۳ تا ص ۲۴۴ .

۲ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص ۱۶۳ تا ص ۱۶۵ .

۳ ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳ .

۱ ـ کتیبه سردر رواق بقعه‌که بمقبره و مسجد ارتباط دارد بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی نخست آیة‌الکرسی وپایان آن چنین است: «فاخلع نعلیك انك» «بالوادالمقدس طوی» ودربالای کتیبه مزبور بخط ثلث این مطالب خوانده میشود: «درزمان تولیت حضرت حجةالاسلام آقای حاج سید محمدرضا شفتی کاشیکاری» «سردرب مقبره بسعی وهزینه آقای حاجی آقائی اتمام یافت.».

۲ـ کتیبه سردرورودی مقبره بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی مبنی برتاریخ وفات سید حجةالاسلام چنین است:

«تاریخ وفات آیة‌الله‌العظمی فقیه اهل بیت طه و یس و ملاذالشیعة حامی» «الشریعة الحاج سید محمد باقر الموسوی الرشتی حجةالاسلام اعلی‌الله له‌المقام» «دوم ربیع‌المولود سنه ۱۲۶۰».

۳ـ دربالاترین قسمت‌جبهه سردرمقبره درکتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی بعضی ازآیه‌های سوره‌جمعه مکتوب وبعبارت: «۱۳۷۰» پایان میگیرد ودر میان آیات سوره مزبور در لوحی بخط نسخ زرد برزمینه لاجوردی تاریخ کاشیکاری رواق چنین بیان گردیده است:

«رواق سید در زمان تولیت حضرت ملاذالاسلام الحاج میرزا محمدعلی» «جعفری سبط حجةالاسلام بخرج آقایان حاجی‌آقائی بکاشی تزیین شده.».

۴ـ برجبهه فوقانی سردرمقبره ودیوارجنوبی رواق بقعه سید بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی اشعاری بعربی در مقام روحانیت سید و رثاء او بشرح زیر درج گردیده است شاعر و خطاط آن مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله نیر متوفی (۱۳۷۹ هـ. ق) میباشدکه ازفضلاء وادباء وخطاطان ومؤلفان بوده است:

«روض‌قدس ام هناجنات عدن سرنا — قف‌لك‌البشری‌وزرمن‌فیه‌قدنلت‌المنی»
«لهفی لفقدان مولی اعطی النعما — العلم والمال والترویج والکرماً»
«السید الحجةالاسلام فی‌الزمن — و باقر منه کان‌الشرع منتظماً»
«یدعواالاله و یبکی فی تهجده — یجری‌الحدود من‌الخوان منتقماً»

« و مسجدا جامعاً فی‌اصفهان بنی یعد تالیه فی‌الغبراء منعدماً »
« میراث اولاد زهراء استردلهم من غاصبی فدك فی‌طوفه الحرما »
« الموسوی الذی قدعاش حضرته فی مذهب الجعفری شاخصاً علماً »
« راحت الی الروح روح منه ثاویة واستوطن الخلد بالاجداد معتصماً »
« بدرالمضیئی مضی‌شمس‌العلی افلت من موته صار حبل‌الدین منفصماً »
« بحرالسخا جف عین‌الدهر باکیة فنال بالفضل عندالله مبتسماً »
« نجم‌الهدی غاب کنزالمجد یستتر و یعجزالمدح منه اللوح والقلما »
« و کوکب‌القدس والتوحید منتثر فی فوته فتری الاسلام ملتطماً »
« یا نیر اکتبه للتاریخ من سنة : «من‌فقدسیدنارکن‌التقی‌هدما» ۱۲۶۰»

۴ ـ بردیوار دوطرف در ورودی مقبره بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی این اشعار صغیر اصفهانی خوانده میشود :

« آنکه این مسجد زیمن همتش برپا بود
تا قیامت آستانش قبلهٔ دلها بود »
« زین بنا باشد صفای باطن بانی پدید
باطن جنت بلی از باطنش پیدا بود »
« کردآباد این جهان‌وآن جهان را زین بنا
مسجد اینجا و بهشت جاودان آنجا بود »
« حوض آبش میدهد گوئی خبر از سلسبیل
صحن‌آن‌چون ساحت فردوس روح‌افزا بود »
« گنبد پرنقش و ایوان رفیعش بین چسان
از بلندی طعنه زن برگنبد خضرا بود »
گرگشائی گوش جان گلدسته‌اش روزوشبان
خلق را داعی بسوی خالق یکتا بود »
« همچوطرف‌گلشن ازهرصفه‌اش نقشی بدیع
میکند جلب نظر بس دلکش و زیبا بود »

« هر بنا باشد برای حق گرازحق نگذری
بهر بانی بهتر از دنیا و مافیها بود »
« جندا بر همت این سید عالی نسب
کنز شرافت افتخار دودهٔ طاها بود »
« نام نیکش باقر و کنز علوم دین و شرع
شرح احوالش رقم بر صفحهٔ دنیا بود »
« تا قیامت گشت اندر مسجد خود معتکف
بندگی را باید اینسان بنده پابرجا بود »
« جلوهٔ حق کرده مدهوشش توگوئی تا ابد
او بود موسی و این بیت‌الشرف سینا بود »
« مجری احکام جدش مصطفی بی‌خوف وبیم
پور موسی شبل حیدر زادهٔ زهرا بود »
« گفت این تاریخ در تعمیر درگاهش صغیر
« حکم سید نشر شرع سید بطحا بود »
۱۳۶۸

این کتیبه‌حکایت میکند ازاینکه درسال ۱۳۶۸ هجری قمری آرامگاه مزبور تعمیرگردیده است .

۵ ـ در لوحه های کوچکی بخط نستعلیق مشکی برزمینه سفید نام بانیان کاشیکاری رواق بقعه باین شرح‌گفته شده‌است : «به‌هزینه مهندس‌عباس حاجی‌آقای» « به هزینه آمیرزاآقا حاجی آقای » « به هزینه آمرتضی حاجی‌آقای» « به‌هزینه آقامحمدحسین حاجی‌آقای» که درواقع چهارنفرمتحمل مخارج‌کاشیکاری شده‌اند .

۶ـ کتیبه درون‌گنبد بقعه بخط ثلث برجسته‌طلائی رنگ برزمینه لاجوردی بعد از: «قال‌الله تعالی» آیات ۲۹ تا ۴۶ سوره ص گچبری شده و در آخرآن سال اتمام : «۱۲۷۲ هجری» خوانده میشود .

۷ ـ کتیبه قسمت فوقانی سه‌گوشواره شرقی وغربی وجنوبی درون بقعه بخط

ثلث برجسته طلائی رنگ برزمینه لاجوردی چهارده معصوم بشرح زیر گچبری گردیده است :

« بنبی‌عربی ورسول مدنی واخیه‌اسدالله‌مسمی‌بعلی‌وبزهراء بتول وباهولدتها »
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل زکی وبسجاد وبالباقر والصادق حقا وبموسی وعلی‌و »
« تقی‌ونقی وبذی‌العسکر والحجةالقائم بالحق . الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی »
« و علیهم صلواتی وسلامی ماةالفا بلیال و نهار وغدو وعشی. »

۸ ـ کتیبه اشعار فارسی داخل‌بقعه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی چنین‌گچبری شده :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم »

« قدم زروی ادب‌نه دراین‌خجسته مقام — که جایگاه کرام است و قبله‌گاه انام »
« صفای کعبه و پاکی زمزم ارخواهی — مقیم باش دلا اندرین خجسته مقام »
« حریم کیست که آید پی زیارت او — زعرش روح قدس با فرشتگان عظام »
« حریم حجةالاسلام باقر ثانی — که‌هست حرمت‌اوهمچوکعبه دراسلام »
« طراز طره حورا برند و روضه خلد — زخاك تربت او ساکنان دار سلام »

« بیت‌الارشاد »

« ازآن خجسته شداین بقعهٔ شریف که هست
خجسته مدفن نوباوهٔ رسول انام »
« مگر ریاض بهشت است کز تفرج او
نسیم روضهٔ فردوس آیدم بمشام »
« برفت آن که ازو تازه بود شاخ کرم
بمرد آن‌که ازو زنده بود نام کرام »
« یتیم شد هنر و فضل و کس نمی بینم
بزیر سایهٔ الطاف پرورد ایتام »
« درین سرای مجازی نبست آری دل
کجا بجیفه کند میل مرغ عرش مقام »

« پیام ارجمی آمد بگوش او چه ز دوست
پرید طایر روحش ز شوق آن پیغام »
« چه بود روضهٔ فردوس منزلش آغاز
بسوی اصل خود آهنگ کرد در انجام »
« نه گشت تیره چرا آفتاب و چهرهٔ ماه
که آفتاب شریعت نهفت رخ بغمام »
« هلال وار رخش زرد بود و قامت خم
ز بسکه روز و شب اندر صیام بود و قیام »

« باب الاکرام »

« کلام او همه الهام بود زانکه نبود بجز کلام خدا و حدیث خیرالانام »
« کسی نکرد در ایام او ز معن حدیث کسی نبرد بدوران او زحاتم نام »
« موحدی که باو بود معنی توحید مسلمی که باو بود معنی اسلام »
« شکست دام و نمود آشیان بعالم قدس که می نزیبد طاوس عرش بسته دام »
« بلفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم : چه بشمری ماتین است والف وستین عام »

۹ـ کتیبه دوضلع شمال وجنوب گوشواره غربی درون بقعه بخط نستعلیق طلائی رنگ برزمینه سفید اشعار زیر گچبری شده است :

« دلا بخلد برین خواهی ار گذاری گام قدم گذار بدرگاه حجة الاسلام »
« کجا بلندتر از بارگاه رفعت اوست ز بعد قبهٔ شاهنشهان عرش مقام »
« هزار قرن کند مرغ وهم اگر پرواز بشرط آن که نگیرد بیك نفس آرام »
« هنوز مانده باول مقام رفعت او دو صد هزار حجاب ودوصدهزارمقام »
« بظل پرچم امرش قلمرو خورشید که ازسفیدهٔ صبح است تا بظلمت شام »
« برای مژده شهان تخت وتاج میدادند که آورند ز خدام درگهش پیغام »
« چوآن همای بلند آشیان پاك سرشت بعزم سیر بهشت برین پرید از دام »
« نوشت ازپی تاریخ رحلتش کفاش: « که دردرج کرم درجنان نمود مقام »

* * *

« دلا قدم چوگذاری درین بلند مقام بکن سلام نخستین بحجة الاسلام »
« سمی قبله پنجم محیط علم و عمل طراز مسند اکرام حجة الاسلام »
«کجاست چشم حقیقت‌که بیندش‌درخلد بصدر بزم تقرب نشسته با اکرام »
« چشیده از لب یاقوت فام حورا قوت کشیده ازکف‌گوهر فشان حیدر جام »
«کسیکه جدکبارش حبیب‌حضرت حق کسیکه جدهٔ او دختر رسول انام »
« روا بود که بروبند حوریان بهشت غبار بارگهش را ز زلف عنبر فام »
« غرض رسید چوآن‌گلبن ریاض‌رسول خزان بگلشن عمرش ز گردش ایام »
« خرد سرود بتاریخ او که ای کفاش : « مقام را بجنان کرده حجت اسلام »
۱۲۶۰

دربالای در ورودی مقبره پنجره زیبائی منصوب است‌که دربالای‌آن بخط نستعلیق جمله : «انامدینة العلم و علی‌بابها ۱۲۷۲ هجری قمری»گچبری شده و در زیرآن این‌شعرخوانده میشود :

(یا امام حسین ادرکنی)

« درگاه توقبله گاه جان است محراب زمین و آسمان است »

۱۰ ـ کتیبه ضریح فولادی آرامگاه بخط ثلث طلائی برزمینه مشکی شامل آیةالکرسی وسوره اخلاص ودرپایان نام خطاط وسال ساختن‌آن چنین است :

« و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب کتبه سلطان الکتاب کاظم الشریف ۱۳۲۲ »

۱۱ ـ کتیبه دیگر ضریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشکی مشتمل بر شجره‌نامه نسب حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی بشرح زیر نقر شده است:

« قد جد بنصب ضریح جده سمیه ابن حجةالاسلام الحاج سید اسدالله‌بن »
« حجةالاسلام‌آیةالملك العلام‌الحاج سید محمدباقربن محمدنقی‌بن محمدزکی‌بن»
« محمد نقی‌بن شاه قاسم‌بن میراشرف‌بن شاه قاسم‌بن شاه هدایت‌بن الامیرهاشم‌بن »
« السلطان السید علی قاضی‌بن السید علی‌بن السید محمدبن السید علی‌بن السید »

« محمدبن السید احمدبن السید محمدبن السید ابی‌القاسم بن السید حمزة بن »
« الامام موسی بن جعفر بن محمدبن علی بن‌الحسین بن علی بن‌ابی‌طالب ۱۳۲۲ کتبه »
« الاثم فتح‌الله . » .

این کتیبه که از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده در آن کتاب پدر مرحوم سید را تقی بتاء دو نقطه نوشته‌اند و همین‌طور نیای دوم (محمدتقی) او را در صورتیکه درست آن در هردو موضع (نقی) بنون است وازاینرو دراین کتاب درست آن نوشته شد .

۱۲ - کتیبه عمودی ضریح که مشتمل بر اشعار عربی در لوحه هائی بخط نستعلیق طلائی‌رنگ برزمینه مشکی است چنین خوانده میشود :

« هذا ضریح للثریا سما — و شأنه فاق ضراح‌السما »
« بحجة الاسلام اعنی به — العالم العلامة العیلما »
« باقر علم‌الله مستودع — امین‌السر الغیب حامی‌الحمی »
« ناب عن‌الحجة فی‌عصره — فکان عنه النایب الاعظما »

(عمل کمترین حاجی‌اسدالله)

« اشباله الاساد کم خلقوا — لغابة المجد لهم ضیغما »
« وسبطه الباقر من طوقت — کفاه اجیاد الوری العما »
« علامة الدهر الذی فخره‌السا — می‌علی هام السما قد سما »
« قد خصّص فی خدمته جده — وجده احری بان یخدما »
« فهاله الامر لما قد رای — ضریحه قارب ان یعد ما »
« فصمم العزم لتشییده — و لیس الا الرشد ان یعزما »
« وحیثما قدتم و استو ثقت — ارکانه فی‌الارض واستحکما »
« وقد تعالی شأنه رفعة — ارخه : «فاق ضراح السما »
(۱۳۲۲)

۱۳ـ کتیبه در ضریح آرامگاه بخط نستعلیق طلائی بر زمینهٔ مشکی این اشعار عربی خوانده میشود :

« بحرالندی باب‌الهدی شرعة ما وافق السنة و الکتابا »
« لما دعاه ربه مبادراً الی جنان خلده اجابا »
« فعطلت کل الوری لفقده المسجد والمنبر والمحرابا »
« ومذ توارى نوره مستتراً عن‌الوری ارخت: « نورغابا »
۱۲۶۰
« وباقر العلم الذی علومه قد فتحت الی‌الهدی ابواباً »
« ونوره ان اشکلت عویصة یرفع عنها الستر والحجاباً »
« لو شجر البر غدت راقمة و الانس و الجن معا کتاباً »
« یمدها البحر بحصر فضله لماراوالفضله حساباً »

و نیز دنباله اشعار عربی مذکور برلنگه راست درنیز این اشعار فارسی کتیبه شده است:

« مه برج‌ایمان که درگاه اوست سپهر برین از هجوم نجوم »
« ز بعدش برفت از حقیقت نشان ز فقدش نماند ازشریعت رسوم »
« فلك تیره‌گردیدوتاریخ گشت: « شد اندر سحاب آفتاب علوم »
(۱۲۶۰)

و برلنگه چپ درضریح بخط نستعلیق طلائی این اشعار خوانده‌میشود:

«این‌بقعه‌که خلق‌را شب و روز از بهر زیارتش‌هجوم است»
« محشر زتوجه‌نفوس است غوغا ز تراکم نجوم است»
« هرکس که دعاکند باخلاص اینجا باجابتش لزوم است»
« از باقر علم مصطفی آنك معروف‌جهان‌بروس‌وروم است»
» مشکوة هدی نبیره او باقر که امام بر عموم است»
« آراست ضریح او ز پولاد کش‌علم بکف بسان‌موم است»
« پرسید خلف که این کرامات ظاهر زکدام مرز وبوم است»
« دانائی بگفت بهر تاریخ « زین مرقد باقر علوم است»
(۱۳۲۲)
« باقر علم‌آسمان علم که‌خورشید پرتورایش بود بچرخ‌مقرنس »

« ساخت ضریحی زبهر مرقدجدش کامده محسود نه‌رواق مسدس »
«فردوجوداست وعقل گفت بتاریخ: « کلی ایجادی ای ضریح مقدس »
(۱۳۲۲)

۱۴- بردباغه درضریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشکی نام هنرمندانی که درساختن وپرداختن ضریح شرکت داشته‌اند چنین گفته‌شده: « عمل استادرمضان» « طلاکوب اصفهانی - مباشر عبدالباقی- عمل حاجی غلامعلی -کارخانه‌اعلا - عمل» « استاد یدالله».

۱۵- بریك لوحه کاشیکاری بخط نسخ خوش که دربالای سردر ورودی رواق شرقی نصب است این دوشعر خوانده میشود:

« بنده اهل‌حقیقت خادم اهل یقین صانع نقش علی نام امیرالمؤمنین »
«هفت براعداد تاریخش بیفزودو بگفت « دار امن فادخلوها بسلام آمنین »
۱۳۱۵(هجری قمری)

این قسمت‌ازکتیبه هم ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده‌ولی یا عدد هفت غلط ودرست آن هشت است ویا اینکه (۱۳۱۵) نادرست وصحیح آن ۱۳۱۴ میباشد چه‌عبارت: « دار امن فادخلوها بسلام آمنین» بحساب جمل‌بالغ بر ۱۳۰۷ میشود و اگر هفت (۷) برآن اضافه کنیم میشود : ۱۳۱۴ و اگر هشت بیافزائیم میشود: ۱۳۱۵ وظاهر اینستکه کلمه هشت (۸) درکتیبه هفت (۷) خوانده شده باشد.

۱۶- کتیبه سنگاب رواق مقبره سید واقع درزیرجار آرامگاه بخط‌نستعلیق برجسته این اشعاررا شامل است:

« چو حاجی‌کاظم قاری بنا کرد بتوفیق شه لب تشنه سنگاب »
« خداوند جهان ازروی رحمت برویش‌بازکرد از جنت ابواب »
« بیاد تشنگان کربلا شد روان‌سیل‌سرشك ازچشم‌احباب»
« حسین‌بن علی را یاد آرد بنوشد هرکه ازوی جرعهٔ آب»
« بلعنت یاد آرد آل سفیان زفرط تشنگی‌شدهرکه‌سیرآب»

« ضیاء شدبیدل‌وتاریخ بنوشت: « که‌گردد تشنهٔ ازآب سیراب »
(۱۲۴۹)

ماده تاریخ مزبور بحساب جمل مطابق است باعدد ۱۲۹۲ هجری قمری و اینکه درذیل آن نوشته شده (۱۲۴۹) باعدد مزبور موافق نیست و در اصل ویادر نقل اشتباه شده است.

این کتیبه‌ها از کتاب گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان[۱] اقتباس گردیده است. آرامگاه مزبور و مسجد سید چنانچه درجای خود بیان‌گردیده بشماره۳۸۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲].

۴ـ بقعه شهشهان:

این بقعه واقع است درمحله شهشهان ودرمجاورت مسجد جامع عتیق‌ودارای حسینیه ومدرسه میباشد. وازآن جهت‌آن محله راشاه شاهان میگفته‌اندکه مسکن ومحل اقامت شاه علاء الدین محمد ازعرفا و نقبای بزرگ قرن‌نهم بوده‌که خود را شاه‌شاهان میخوانده واولادش نامشان باکلمه شاه ابتدا میشده است وگرنه پیش از آن چون آنجا جزء دردشت بوده محله در دشت خوانده میشده و پس ازآنکه از طرف‌شاه علاء الدین درآن قسمت عمارت حسینیه ساخته شد بنام‌محله حسینیه هم خوانده میشد و دنباله‌آن به‌شهشهان وشاه‌شاهان تبدیل‌گردید.

این‌بقعه مدفن شاه علاءالدین محمد است‌که نسبش پس ازبیست ودو واسطه بحضرت رسید سجاد متصل میگردد و از احفاد علی‌اصغر فرزندسید سجاد میباشد.

پس ازآنکه بامرشاهرخ‌تیموری‌شاه علاء الدین محمد دررمضان ۵۸۰هجری قمری باتفاق عده‌ای دیگر ازبزرگان در ساوه بدارآویخته شد وبعد از هشتاد روز شاهرخ درگذشت سلطان‌محمد بهادرمجدداً باصفهان مراجعت ونعش‌شاه علاء الدین را از ساوه باصفهان نقل ودرحسینیه خودش مدفون وبرآن بقعه و بارگاهی‌بنا کرد و موقوفاتی بربقعه مزبور قرار داد ودر زمانهای بعد نیز دراین بقعه وعمارات آن

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۷۷۸ تاص ۷۸۸ . ۲ـ فهرست‌بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۹ .

اضافات والحاقاتی بعمل آمده است. درداخل و خارج بقعه تزییناتی ازکاشیکاری و کجبری اززمان قدیم و جدید وجود دارد وکتیبه‌هائی گوناگون از زمانهای متفاوت دیده میشود وآن کتیبه‌ها چنین است:

۱ــ کتیبه اصلی بقعه بخط ثلث گچبری شده بشرح زیراست :

« بسم الله الرحمن الرحیم».

« یا ذاکراً اخوان صدق بالصفا ثم المقام فمروة ثم المنی »
« انسیت راحات براح و سقیت نغمات اطیار تغرّد بالغنا »
« ها اذکرن عهدا قدیماً باقیاً انسیت عهداً قد تقدم وانطوی »
« قم واخلع النعلین فی‌ارجاء ما قدقدمت هذاك وادی ذی‌طوی »
« من‌ایمن الوادی کلیم‌الله قد حاذالهدی عیناه اذشام السنا »
« ماذلك‌النور الذی مثل‌القبس قد ضاء الانور طه المصطفی »
« لما تجلی نوره للمرتضی قال الولی الحق لوکشف‌الغطا »
« وابناه سبطا احمد شهدا کما شهدالنبی بدرالدجی‌شمس‌الضحی»
« هذابسمّ قد قتل بالسیف ها ذا صار سلطانا بطف الکربلا »
« یازائرالشاه الشهید المشتهر هذاك سلطان دلیلا للملا »
« زرهذه روضات جنات‌العلی والله عزبا لمعالی قد علا »
« ذا مرقدا لسعد السعید و قبره ذامشهد الشاه الشهیدالمجتبی »
« هذا مزارالسادة الشم الاولی خدموا المهیمن . . . سجدا »
« مجدالمؤثل‌من‌علاهم یستضئی فی‌ذروة الاصل‌الاصیل قداعتلا »

« سلطان‌النقباء بالاتفاق برهان نجباء الافاق مقدم السادات السعیدالشهید »
« اعلاه الوالد والوالدون محمدبن محمدبن محمدبن یحیی‌بن محمدبن محمدبن »
« حیدربن الحسین‌بن محمدبن قوام‌الشرف ابن محمدبن قوام‌الشرف‌ابن هادی‌بن »
« اسمعیل‌بن الحسین‌بن‌علی بن‌الحسین‌بن علی‌بن عمربن الحسین‌بن علی‌بن علی‌بن »
« الحسین‌بن علی‌بن ابی‌طالب . »

« زمان صلبو الشاه المعلی وفاق المرتضی شهرالصیام »
« خلا رمضان من امرخلابه تفطر عام اتمام الامام »

« عاقبت خیرباد کتبه العبد سید محمود نقاش . »

عبارات این کتیبه دارای غلق ودشواری است و بهمین جهت کمتر کسی است کتیبه را کامل و درست خوانده باشد آنچه دراینجا نوشته شد چیزی است که ازمجموع گزارش باستان شناسی اصفهان و یادداشتهای مرحوم حاجی سید حسین شهشهانی متولی وقت بقعه متوفی ۱۳۴۰ شمسی وکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان بدست آورده است .

وماده تاریخ وفات شاه علاءالدین را ماه رمضان و سال ۸۵۰ هجری قمری اعلام کرده است ، چه گفته شده رمضان که مقصودعدد (۱۰۹۱) باشد از (امر) منظور عدد (۲۴۱) خالی گردد یعنی (۲۴۱ ـ ۱۰۹۱) حاصل میشود عدد ۸۵۰ که سال مصلوب شدن شاه علاءالدین است .

۲ـ بردیوار ضلع شرقی درون بقعه سورت یك گلدان نقش شده که پیکرهٔ گلدان را از پائین ببالا اشعار زیر بخط نستعلیق سفید درهم برزمینه سبز وروشن گچی تشکیل میدهد :

« بماند سالها این نظم و ترتیب ز ما هر ذره خاك افتاده جائی »
« غرض نقشی است کزما بازماند که هستی را نمی بینم بقائی »
« مگر صاحب دلی روزی برحمت کند در کار درویشان دعائی »

۳ ـ در وسط پشت بغل ایوان غربی کاشیکاری شده نام استاد کاشیکار بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی چنین خوانده میشود : « عمل میرم » « کاشی تراش » .

۴ ـ کتیبه درهای منبت جدید بقعه بسبك درهای قدیم بخط ثلث مشکی برجسته چنین است :

« هذابقعة السیدالسند والبحرالمعتمد السعید الشهیدالشاه علاءالدین محمد »

« المقتول فی‌سنة خمسین و ثمانمأته .»

۵ـ کتیبه گچبری داخل بقعه بخط ثلث سفید برزمینه قهوه‌ای وسبزوقرمز بردیوار شمالی‌باین‌شرح است :

« قداتفقت فی‌ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاعظم مولی ملوك‌العرب »
« والعجم قهرمان الماء والطین ظل‌الله فی‌الارضین غلام باخلاص امیرالمؤمنین »
« علی‌بن‌ابیطالب علیه صلوات‌الله رب‌العالمین السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن »
« الخاقان ابوالمظفر سلطان شاه عباس‌الحسینی‌الموسوی‌الصفوی بهادرخان خلدالله»
« ملکه‌وسلطانه‌وافاض علی‌العالمین‌بره وعدله واحسانه تعمیرهذه‌البقعة‌الرفیعة من»
« برکات علیا حضرة المقدسة العلیة المغفورة سلالة العترة الطاهرة صالحه خانم»
« سلطان اسکنهاالله فی ریاض‌الجنة صارت مضجعها عاریة الی‌ان انتقل الی‌المشاهد»
« المقدسة فی‌شهر ذی‌الحجةسنة ثلاثو عشر والف من‌الهجرة النبویةخط‌صحیفی »
« الفارسی [۱]. ».

این بقعه باستانی بموجب شماره ۳۶۸ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

۵ـ بقعه شیخ ابومسعود رازی :

این‌بقعه واقع است درمحله معروف درشیخ ومدفن شیخ ابومسعود احمدبن فرات‌رازی میباشدکه‌بیشتر ازنویسندگان اورا ستوده‌اند منجمله ابونعیم‌اصفهانی[۳] او را چنین ترجمه کرده است :

« احمدبن فرات‌بن خالد ضبی رازی ابومسعود از طبقه هفتم محدثان است»
« که فریابی وابوخلیفه وپسر ابوعاصم از اوحدیث نقل‌کرده‌اند ، اومدت چهل‌و »
« پنجسال‌دراصفهان اقامت‌کردوحدیث‌گفت ودرشعبان‌سال۲۵۸ وفات‌یافت‌ومحمدبن»
« عاصم‌اورا غسل داد وقاضی‌ابراهیم‌بن احمد خطابی براو نمازخواند ودرگورستان»
« مردبان‌دفن‌گردید .»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۳۹ تا ص۵۴۱ ۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۲. ۳ـ ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۸۲ .

« ابومسعود ازابواسامة ویعلی‌وابن نمیر وابن ابی‌فدیك وغیر آنان‌ازکوفیان»
« وشامیان روایت‌کرده واو یکی‌ازپیشوایان وحفاظ صاحب مسند وکتاب است. در»
« زمانهای پیش‌که باصفهان‌آمد قبل‌از اینکه بطرف عراق‌برودحدیث ازحسین‌بن »
« حفص‌نوشته وسپس‌بعراق مسافرت‌کرد وهنگام بازگشت در اصفهان متوطن شد .»
« ابومسعودبا شش‌واسطه‌حدیث ازپیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نقل میکرد »
« ونیز درکتاب خلدبرین[1] بنقل از ابوصالح عبدالرحمن شهرستانی‌گفته شده‌که »
« با ابومسعود بعزم‌زیارت حج وارد اصفهان شدیم و درصدد پیداکردن رفیق‌بودیم»
« که بمسافرت ادامه‌دهیم وچند روزکه ماندیم‌مشاهده‌کردیم‌مردم اصفهان حضرت»
« علی‌را سب میکنند ، چون شیخ ابومسعود چنین دید رحل اقامت افکندوگفت »
« من دراصفهان میمانم تامردم را هدایت وازاین عمل زشت دورسازم‌و روزها در »
« مسجد جامع رنگرزان یکی ازبزرگان صحابه را نامعلوم توصیف میکرد ولی »
« مردم نمیدانستندکه موصوف و ممدوح شیخ کیست تا اینکه اصرار کردند که »
« کسی‌راکه شما مدح میکنید مورد توجه وعلاقه وارادت ماست اورا تعیین‌کنید »
« تابشناسیم او را ، وقتی شیخ اطمینان یافت‌گفت‌که ممدوح من‌همان‌کسی‌است‌که »
« شما او را سب میکنید و دشنام میدهید و از آن روز ببعد دیگر مردم اصفهان »
« باین‌کار زشت مبادرت نکردند .»

سابقاً بقعه شیخ مرکب ازخانقاه ومدرسه ورواق وبقعه وحمام وچهارسوو باغ بوده ولی بتدریج مورد دستبرد قرارگرفته وفقط بقعه مانده است وشرح خرابی‌آن بامر یکی‌ازعلماءِ درکتاب خلدبرین[2] ومیزان‌الانساب [3] مرقوم گردیده است .

بقعه مزبور دارای تزیینات و کاشیکاریهای شگرف بوده که بتدریج از میان رفته است آنچه اینك باقی‌مانده باین کیفیت است :

۱ـ کتیبه اطراف گنبد مشتمل برآیاتی ازسوره اسری بخط ثلث برزمینه آبی‌گچبری گردیده و در ذیل آن بخط نستعلیق سفید اشعاری از محتشم کاشانی

۱- خلدبرین ص۱۹۲. ۲ـ خلدبرین از ص۱۹۶ تا ص۱۹۷. ۳- میزان‌الانساب چهار سوفی ص۵۸ .

کتیبه شده که تازه است .

۲ـ کتیبه سردر اصلی خانقاه بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی در دوقسمت چنین خواند میشود :

« الحمدلله الذی نورصوامع الانس وخوانق القدس بمصابیح وجودالاولیاء من »
« الذین جعلوا للمتقین اماماً والذین یبیتون لربهم سجداً وقیاماً والصلوة والسلم »
« علی شمس فلك الرسالة محمد المصطفی المبعوث لهدایة من کان فی الذکر مسعود »
« وعلی آله وصحبه آل التقی و النقی وبعد فقد بنی واسس فی ایام السلطان الاعظم »
« والخاقان الاعدل الاکرم واضع قوانین السیاسة رافع اساطین الحراسة حامی »
« ارباب العدالة والاحسان ماحی اسباب الضلالة والطغیان المتوکل علی المهیمن »
« الرحمان ابی المظفر یعقوب بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه بنیان هذه البقعة »
« الموسومة بالمسعودیة الرازیة من خالص ماله العبدالفقیر الی عفوالله محمدبن »
« جلال الدین عربشاه کتبه العبد کمال بن شهاب الکاتب الیزدی غفرالله ذنوبهما و »
« ستر بفضله عیوبهما فی سنة ۸۹۵ » ودرزیر کتیبه مزبور بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی در دوجانب سردرچنین خوانده میشود :

« قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم من تصدق بعدل تمرة من کسب طیب و »
« لایقبل الله الاالطیب فان الله یقبلها بیمینه ثم یربیها لصاحبها کما یربی احدکم فلوه »
« حتی یکون مثل الجبل صدق رسول الله. »

۳ـ کتیبه اطراف سر در کاشیکاری خانقاه بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی سه بیت دریك حاشیه بطول پنج متر و پهنای ۲۵ سانتیمتر نوشته شده بوده که کاشیهای تمام مصرع اول و ازمصرع دوم فقط جمله (بکعبه مقصود) باقی مانده باین ترتیب:

« . . . بکعبه مقصود »
« هر که آورد رو باین درگاه درفیضی بروی خویش گشود »
« از در اهل دل مشو غافل کین مقامیست عاقبت محمود »

کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده‌است [1] . این اثرباستانی بموجب شماره ۲۱۹ به‌ثبت تاریخی رسیده است [2].

۶ـ بقعه صاحب بن‌عباد:

این بقعه هیچگونه اثر تاریخی وباستانی ندارد ومشهور اینستکه صاحب‌بن عباد پس ازاینکه درسال ۳۸۵ دررى وفات‌کرد نعش او با تجلیل تمام باصفهان نقل ودر دهلیز خانه‌اش که نزدیك دروازه طوقچی بود بخاك سپرده‌شد وتاکنون قبرش مورد زیارت عموم است وبرخی آنرا امامزاده پلوی خطاب میکنند. صاحب‌یکی از وزرای دانشمندوادیب وشاعر وسخی ودوستدار اهل‌بیت رسول بود وتمام‌دوران حیات را با تجلیل زندگی کرد وشرح‌حال‌مفصل اودرکتاب ارشاد کوهپائی مذکور است که طالبان میتوانند بکتاب مزبور رجوع‌کنند .

۷ـ بقعه صائب:

این بقعه اخیراً برروی سنگ مزارمیرزا محمدعلی صائب واقع درباغ خود او که تکیه صائب نیزگفته میشود ساخته شده و درکنار نهرنیا سرم درخیابان‌صائب کنونی قرار دارد ودرآن‌باغ جزقبر صائب قبور دیگری از فرزندان و کسان اونیز وجود دارد.

صائب‌ملك‌الشعراء دربار شاه‌سلیمان بوده ودرجوانی‌سفری‌بهندوستان وسپس بایران معاودت ودر اصفهان اقامت داشته است . پدرش ازتجار وبازرگانانی بوده‌که ازتبریز باصفهان آمده ودرمحله عباس‌آباد سکونت داشته وصائب دراصفهان متولد وهمانجا وفات‌کرده است .

در زمانیکه میرزا طاهرنصرآبادی مشغول تألیف تذکره خود بوده صائب را درحال حیات‌نوشته وتاریخ‌شروع نصرآبادی بتألیف تذکره خود سال۱۰۸۳ هجری بوده و چون تاریخ سنگ آرامگاه او سال ۱۰۸۷ هجری است مسلم میگرددکه

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۳۵۳ تاص۳۵۸ . ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۰ .

صائب در تاریخ مزبور وفات کرده بوده است . برخی گفته‌اند تاریخ وفات او ۱۰۸۶ هجری بوده است .

درهرحال صائب پس‌ازوفات درباغ خود که شرح آن داده شد مدفون گردید ودرکنار او پسران ونزدیکانش‌نیز مدفون گردیدند ، دراین اواخر ازطرف انجمن آثار ملی بقعه‌ای برمزار او ساخته شد و ماده تاریخهائی از طرف ادباء و شعراء از آن جمله استاد جلال‌الدین همائی سروده شده است .

کتیبه سنگ مزار صائب دراطراف و بالای آن اشعاری از خود او باسلیقه مخصوصی حجاری‌گردیده است وآن اشعار بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« درهیچ پرده نیست‌نباشد نوای تو — عالم‌پرست ازتو وخالی‌است جای‌تو »
« هرچند کاینات گدای در تواند — یك‌آفریده نیست‌که داند سرای‌تو »
« درمشت خاك من‌چه بود لایق نثار — هم از توجان ستانم وسازم فدای تو »
« غیراز نیازوعجز که‌درکشورتو نیست — این‌مشت‌خاك تیره‌چه‌داردسزای‌تو »
« صائب‌چه‌ذره‌است وچه‌داردفداکند — ای صدهزار جان مقدس فدای تو »

دربالای سنگ آرامگاه یك شعرباین‌کیفیت خوانده میشود :

« محوکی‌ازصفحه دلها شودآثارمن — من‌همان ذوقم‌که‌میبابنداز‌گفتارمن »

و درپائین‌سنگ مزار چنین‌نوشته شده است : « تحریراً شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۸۷ فقیر محمد صالح » .

از فرزندان صائب‌که در تکیه او مدفونند :

۱ـ میرزا ابوالقاسم‌فرزندش متوفی ذی‌قعده ۱۱۴۰هجری ۲ـ میرزا محمد محسنا فرزند صائب متوفی محرم ۱۱۴۹ هجری ۳ ـ میرزا محمد علی‌بن میرزا رحیم صائب نواده او متوفی جمادی‌الثانیه ۱۱۴۱ هجری قمری‌که ماده تاریخ‌وفات اورا درروی سنگ مزارش چنین سروده‌اند :

« کرد رحلت ازین سرای فنا — ناصر دین یگانهٔ دوران »
« در صلاح و سخا یگانه عصر — معدن جود و مخزن احسان »
« همچو نیکان بگلشن رضوان — مرغ روحش مدام درطیران »

« چو شود جیم اضافه تاریخ میشود فاش فوت او بجهان »
« سال تاریخ او خرد گفتا : « کرده منزل بهشت جاویدان »
سنه ۱۱۴۱

درباغ صائب سنگ لوحی نیز مربوط بساختمان سدی برای مشروب‌کردن اراضی رودشتین وجود دارد که پیش در کنار نهر نیاصرم کمی بالاتر ازباغ مزبور قرار داشته است و دراثر احداث خیابان بباغ آرامگاه انتقال داده شده است.

کتیبه سنگ مزبور بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« الملك لله تعالی »

« بسم الله الرحمن‌الرحیم »

« بحکم شاه دین‌پرورسلیمان شاه‌کیوان قدر
که تعمیر خرابی‌ها بنام او مقدر شد »
« شهی کزحکم‌جاری‌کرد منع آب ازجریان
که‌نتوانست‌نهری‌را ازآن‌یك قطره‌لب‌ترشد»
« بسعی کمترین بندگان آستان قاسم
وزیر چهارده معصوم آن کز ذره‌کمتر شد »
« بمعماری مهدی الحسینی نادرالدهری
که شکل‌چرخ‌دویم‌در زمین ازوی مصورشد»
« بعرض فرصتی کم آخرین سدّ رویدشتین
بهنگام‌وفور آب ازنو چون مقرر شد »
« بتاریخش رقم زد خامه من مصرع دیگر :
« ز اقبال سلیمان باز نو سد سکندر شد »
۱۱۰۰

« راقمه محمد صالح غفرله »

این‌کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل‌گردیده است [۱]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۶۳۴ تا ص۶۳۸ .

ثبت تاریخی آرامگاه صائب درجریان است[1].

۸- بقعه کمال‌الدین اسماعیل :

این بقعه درنزدیکی‌مناره ساربان در محله جوباره قرار دارد وآن اطاق مخروبه‌ای است و آنجا محل دفن کمال‌الدین اسماعیل خلاق المعانی شاعر بلند پایه قرن هفتم هجری میباشد وشهرت دارد که همانجا خانه اوبوده است .

گفته شده‌که شدت نفاق واختلاف میان فرقمسلمانان خلاق‌المعانی‌را آزرده کرده بود واز برادر کشیها رنج میبرد واز فرط دلتنگی این‌اشعار را سرود :

تا در دشت هست و جوباره — نیست از کوشش و کشش چاره
ای خداوند هفت سیاره — پادشاهی فرست خونخواره
تاکه دردشت را چو دشت کند — جوی خون آورد ز جوباره
عدد خلق را بیفزاید — هریکی را کند دوصد پاره

وگویا آرزوی شاعر برآورده شد ودرهجوم مغولان مردم اصفهان بخصوص جوباره و دردشت موردکشتار قرارگرفتند و خودکمال‌الدین اسماعیل نیزبرحسب فساد مغول بچه‌ای زیر شکنجه مغولان بدرود زندگی گفت ودر دهلیز خانه خود مدفون‌گردید . دیوان شاعر چندبار بچاپ‌رسیده است . نسبت به ثبت تاریخی‌آن بقعه تاکنون اقدامی نشده است .

۹- بقعه علی‌بن‌سهل :

این بقعه در نزدیکی امامزاده ابراهیم در طوقچی واقع و مربوط است به ابوالحسن علی‌بن سهل‌بن محمدبن از هر اصفهانی متوفی ۳۰۷ هجری قمری از اعلام صوفیان اصفهان و از اصحاب محمدبن یوسف بنا نیای مادری ابونعیم اصفهانی و اورا مقامات روحانیت بجائی رسیده بود که باجنیدبن محمد و اقرانش مکاتبه میکرد .

مرحوم آخوند ملاعبدالکریم گزی درتذکرةالقبور چنین‌گفته :[2]

۱- فهرست بناهای تاریخی‌و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷. ۲- تذکرةالقبور ص۱۳۸ تا ص ۱۴۰ .

« از این امامزاده طوقچی قدری پائین‌تر میرود قبر علی‌بن سهل است که از »
« عرفا بوده و تکیه‌اش سابقاً خیلی دستگاه داشته و خراب شده عمارت جدیدی »
« دارد وقبرش میان‌گنبد است واگرچه مرحوم آقا محمد علی‌کرمانشاهی درکتاب »
« خیرآتیه که در رد بر صوفیه نوشته‌اند او را سنی صوفی دانسته ولی مرحوم »
« شیخ‌بهائی اعلی‌الله مقامه درکشکول خود تمجید اونموده حکایتی نقل کرده که »
« شیخ علی بن سهل اصفهانی اتفاق بسیار میکرده وقتی سئوالی شد و نداشت از »
« شخصی وجهی برای فقرا خواست آن شخص قدری فرستاده و عذر آورده که »
« میخواهم خانه‌ای بسازم شیخ گفت وجه خانه را بده بفقراء بدهم و من ضامن »
« میشوم خانه‌ای دربهشت بتو بدهند او بجهت اعتمادی‌که بشیخ داشت قبول‌کرد »
« و وجه را داد و ضمانت نامه‌گرفت و در همان سال مرد و وصیت نمود آن‌را در »
« کفنش‌گذاردند بعدآن نوشته در جانماز شیخ پیداشدکه پشتش نوشته بود تو را »
« از ضمانت بیرون آوردیم وآن‌نوشته درصندوق کتاب شیخ بود و مردم استشفاء »
« میکردند تاوقتی‌که صندوق را دزد برد وقصه‌دیگری نیزشیخ‌بهائی‌دال برمقامات »
« روحانی علی‌بن سهل نقل‌کرده‌است وظاهرحسن‌حال اواست وزیارت او وخواندن »
« فاتحه ضرری ندارد ».

مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان [1] راجع بمقبره علی بن سهل چنین نوشته : « در انتهای محله طوقچی و درآن طرف حصار قدیم اصفهان که اکنون »
«قطعه دیواری از آن باقی است بفاصله کمی درپشت خندق شهر جائیکه در زمان »
« سلجوقیان‌محله فلفلچی‌نامیده میشده وازمحلات پرجمعیت اصفهان‌بوده‌آرامگاه »
« علی‌بن سهل واقع شده است. ازقبه وضریح علی‌بن سهل‌که ازبزرگان عرفای‌قرن »
« هشتم هجری بوده است باوجود موقوفات‌فراوان آن فعلا اثری باقی نیست‌وسالها »
« است که این بنای مشهور اصفهان بویرانی گرائیده وآنچه ازآن فعلا بر جای »
« مانده است اطاق محقر خشت وگلی است که‌جدید البنا میباشد واطراف آن‌را »
« اراضی زراعتی فرا گرفته‌است.»

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۲۹۶ .

بطوریکه ازگفته ابونعیم اصفهانی درذکر اخبار اصبهان[1] ظاهر است وفات علی‌بن سهل در۳۰۷ هجری بوده بنابراین درقرن سوم واوائل قرن چهارم میزیسته است نه‌قرن هشتم که‌درگنجینه آثار تاریخی اصفهان اشعار شده است واشتباه‌مؤلف دانشمند کتاب مزبور از این جا ناشی‌شده که ابن بطوطه درقرن هشتم در زاویه علی‌بن سهل اقامت داشته است وهیچگونه ارتباطی باحیات علی‌بن سهل ندارد .

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۴ .

گفتار دوم - درابنیه و آثار تاریخی حومه‌شهر اصفهان

الف: مناره‌ها:

۱- مناره برسیان:

این مناره دردهکده برسیان در۴۲ کیلومتری‌مشرق اصفهان ودرمشرق‌بستر زاینده‌رود واقع وحد فاصل میان بلوك براآن و رود شتین است وسکنه آنجا نام دیه‌را بیسیون [۱] میخوانند.

سیان بروزن میان درلغت فرس‌بمعنی عشقه وپیچك است وشاید درآن‌حدود گیاه مزبور میروئیده است که‌باین نام خوانده شده‌است. (ش ۹۳)

ارتفاع مناره ۳۵ مترومیله‌ای منفرد ومدوراست.قسمت پائین آن‌آجرچینی ساده است ولی‌قسمتهای بالای آن دارای‌تزیینات آجری میباشد. تزیینات‌تاج‌مناره با بدنه آن تفاوت دارد و در این قسمت است که‌کتیبه مناره بخط کوفی ساده و با آجر که سال ساختمان مناره را ۴۹۱ هجری قمری تعیین میکند و آن کتیبه چنین است:

« وارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلواالخیرلعلکم تفلحون سنة احدی»

۱- درکتاب اوقاف ربع رشیدی فسیان نوشته شده است. اوقاف ربع‌رشیدی ص۱۴۸.

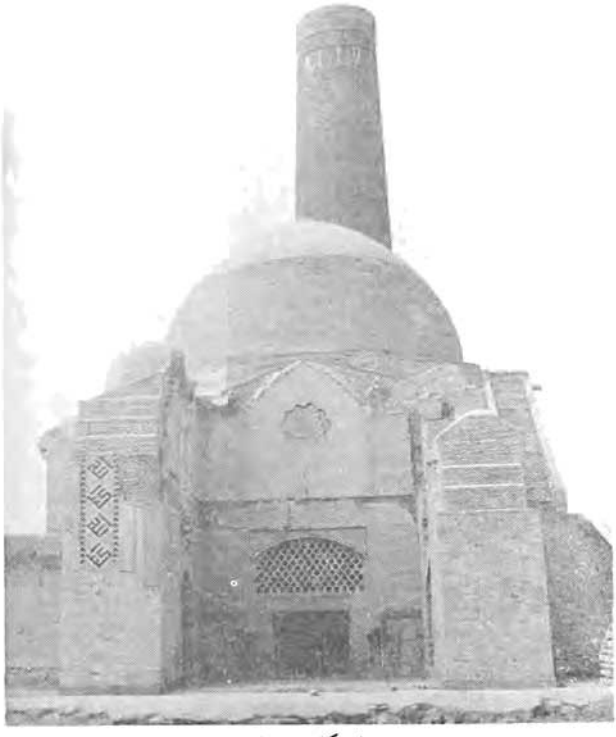

(شکل ۹۳)

« وتسعین واربعمأته[۱] » ودر دوره‌صفویه الحاقاتی شده‌که چیزی ازآن باقی‌نمانده است. مناره مزبور بمسجد برسیان‌اتصال‌دارد. این اثر تاریخی‌با‌نضمام مسجدبموجب شماره ۲۶۵ به‌ثبت تاریخی رسیده‌است[۲].

۲ـ منارجنبان :

ازبناهای جالب اطراف اصفهان بنای منارجنبان است‌که دردیه کارلادان در

۱- گنجینه آثارتاریخی اصفهان‌ص ۱۷۵ .

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص ۲۸ .

سرراه اصفهان به‌نجف‌آباد واقع‌گردیده است. (ش ۹۴)



(شکل ۹۲)

این‌بنا مرکب است ازصحن وایوان‌که مقبره عمو عبدالله درآن قرارگرفته و دومناره درطرفین‌ایوان مزبورکه بین‌آن دومناره چوبی بوضع افقی‌چنان نصب‌شده

است که اگر یکی از آن دو مناره را حرکت دهند دیگری نیز بجنبش در میآید وبین ناظران ومحققان درعلت این‌حرکت‌بحث وگفتگواست،فاضل معاصرمعزالدین مهدوی رساله‌ای دراین موضوع نوشته است که مطالعه آن برای علاقمندان مفید خواهد بود (ش ۹۵)



(شکل ۹۵)

دراین‌بنا هیچگونه تاریخی‌که دلالت برشروع ویاخاتمه ساختمان‌داشته‌باشد

وجود ندارد فقط سنگ مزار عمو عبدالله میرساند که او در تاریخ ۷۱۶ هجری وفات کرده است. کتیبه سنگ مزار عمو عبدالله بر روی سنگ مرمری‌که بردیوار برروی سنگ‌بزرگ آرامگاه‌نصب‌شده بخط ثلث برجسته چنین‌حجاری شده است:

« هذه‌قبر الشیخ الزاهدالبارع المتورع‌السعید المتقی عموعبدالله‌بن‌محمدبن» « محمودسقلا رحمةالله‌علیه ونور فی‌السابع عشرة من‌شهر ذی‌حجة سنة ست‌عشرة‌و » «سبعمأته»و براطراف‌سنگ آرامگاه بخط ثلث‌برجسته‌سوره یس‌ودرضلع‌جنوبی‌بهمان خط:« کفی بالموت واعظاً» ودرذیل‌لوحه مزبور درسه‌لوحه‌کوچك‌بخط‌ثلث‌برجسته: « قال‌الله‌تبارك وتعالی‌ان‌رحمةالله قریب من‌المحسنین یاعامراً لحزاب الدین‌مجتهداً» ولی درخودمناره‌ها هیچگونه‌نوشته واثر تاریخی‌وجودندارد. ارتفاع‌ایوان‌منارجنبان اززمین بقعه ده‌متر وارتفاع هریك‌ازدومناره ۱۷/۵متر است. فاصله دومناره‌درسطح پشت‌بام حدود نه‌مترومحیط هرمناره ۴/۵مترونیم است[۱]. این اثر تاریخی‌بموجب تصویبنامه شماره ۳۴۹ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۲]

۳ـ مناره راهروان:

این مناره درمیان‌کشتکارهای دهکده راهروان یا راران قرارگرفته وارتفاع آن درحدود سی‌متر است. سال ساختمان آن روشن‌نیست ولی‌باستان شناسان تاریخ ساختمان آن‌را میان سالهای ۵۷۵ تا۶۸۸ هجری قمری دانسته‌اند.

کتیبه فوقانی مناره که بخط ثلث وباکاشی فیروزه رنگ نوشته شده چنین خوانده میشود :

« لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمد رسول‌الله». این اثرتاریخی بموجب شماره ۲۳۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۴ـ مناره زیار:

این‌مناره در دهکده زیار در۳۳ کیلومتری اصفهان قرار دارد وسه طبقه بنا شده وتاکنون خرابی درآن راه نیافته است. ارتفاع آن بالغ بر ۵۰ متر و کتیبه

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان‌ص ۲۷۹. ۲ـ فهرست‌بناهای تاریخی و اماکن‌باستانی ایران ص۳۴. ۳ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۱ .

فوقانی آن بخط‌کوفی برجسته باکاشی فیروزه‌ای برزمینه آجر ساده چنین است :
« بسم‌الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن‌دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال اننی
« من المسلمین- اللهربی . » و هیچگونه اثری تاریخی ندارد . ولی باستان شناسان
معتقدند که ساختمان آن میان سالهای۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری‌قمری اتفاق‌افتاده‌است.
این اثر تاریخی بموجب تصویبنامه‌شماره ۳۸۵ به‌ثبت تاریخی رسیده‌است[۱].

۵- مناره سین :

این مناره درقریه سین در ۲۵کیلومتری اصفهان ودرجنب مسجد قدیمی‌آن قرار دارد ودارای دوکتیبه بشرح زیر است:

۱ــ کتیبه فوقانی مناره بخط کوفی برجسته باکاشی‌فیروزه‌ای‌چنین است:
« بسم الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً و»
« قال اننی من المسلمین. »

۲ــ کتیبه جانب شرقی قاعده مربع مناره که باپشت بام مسجد هم‌سطح‌است بخط کوفی آجری برجسته برزمینه‌آجری توأم باتزیینات ساده‌گچی درچهارسطر باین شرح:

« بسم‌الله الرحمن الرحیم امربیناءِ»
« هذه المنارة العبد المذنب الراجی لعفوالله تعالی»
« ابو اسمعیل‌محمدبن الحسین‌بن علی‌بن زکریا تقبل‌الله»
« منه وذلك فی‌رجب سنة ست وعشرین وخمسمأته» [۲]

این اثر تاریخی و مسجد سین بموجب شماره ۲۸۱ به ثبت تاریخی رسیده است [۳] .

۶- مناره‌گز :

این مناره درگوشه شمالی مسجدگز که خود در۱۸ کیلومتری شمال اصفهان

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران‌ص ۳۲ . ۲ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۹۶ . ۳ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۱.

واقع شده قراردارد، مناره مزبور درزمان آبادی ارتفاعش بیش اززمان حاضر بوده است معذلك آنچه باقی‌مانده قابل توجه استو تزیینات عالی‌آجری‌دارد. درقسمتی که باقی مانده اثر تاریخی وجود نداردولی باتوجه‌بساختمان نظائر آن حدس‌میزنند که دراربع نخستین قرن ششم هجری‌ساخته شده‌باشد . این اثر تاریخی ومسجدآن بموجب تصویبنامه شماره ۳۲۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است. (۱)

ب- مدارس :

۱- مدرسه نصرآباد :

این مـدرسه در دیه نصرآباد از توابـع ماربین در چهارکیلومتری مغرب اصفهان قرار دارد وبانی‌آن صدرالدین علی طبیب است‌که نیای اعلای مؤلف‌تذکره نصرآبادی است واین مدرسه را درقرن نهم هجری درکنار خـانقاه شیخ ابوالقاسم نصرآبادی بناکرده است .

این‌مدرسه‌که باخانقاه به‌تکیه میان‌ده‌نصرآباد اشتهار دارد قسمتی‌ازکاشیهای کتیبه‌آن ازمیان رفته است وآنچه باقی‌مانده بشرح ذیل است :

« بناءِ این‌خانقاه‌که مزار شیخ است احداث نمود درزمان خلافت سلطان »
«جهان‌پناه... خلدالله‌ملکه وسلطانه ازخاص‌مال خودبنده درگاه‌المنیب صدرالدین»
« علی‌الطبیب بسعی بنده راجی حیدر نافجی فی‌سنة اربع وخمسین و ثمنمائة » .

ودربالای کتیبه مزبوربخط کوفی‌باکاشی‌طلائی‌رنگ معرق برزمینه‌لاجوردی آیه ۸ و ۹ سوره الدهر چنین خوانده میشود :

« وقال‌الله تبارك وتعالی ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیماً واسیراً »
« انما نطعمکم لوجه‌الله لانرید منکم جزاءِ و لاشکورا . » و سپس دربالای کتیبه تاریخی سردر درحاشیه یك‌صفحه کاشیکاری بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینهٔ لاجوردی اشعار زیرکه قسمتی ازآن ریخته است خوانده میشود :

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۱ .

« بیت معمور این‌که دارد سطح اواندر فراز
صد شرف بر سقف مرفوع ازعلو وافتخار »
« در زمان داور دوران غیاث ملك و دین
. . . »
« . . . . لازمند
جاه و دولت فتح و نصرت بریمین وبریسار»
« کمترین بندگان آستانش صدر دیـن
کرد سال هشتصد وپنجاه و پنج این یادگار »

واین اشعار عربی درحاشیه افقی ذیل صفحه‌کاشیکاری وبالای کتیبه تاریخی سر در بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی خوانده میشود :

« علی‌الله فی‌کل الامور توکلی وبالخمس من‌آل الکساء توسلی»
« محمد المبعـوث وابنیه بعده و فاطمة الزهرا والمرتضی علی »
« کتبه شرف‌الدین السلطانی »

بردوجرز عمودی دو طرف سردر وحاشیه افقی بالای‌آن‌که خراب شده بخط بنائی عباراتی منقوش‌بوده که قسمتی ازآن برجرز غربی باقی‌مانده و بخط بنائـی ساده لاجوردی برزمینه آجری معرق چنین‌است :

« قال‌النبی علیه‌السلام من قال لااله الاالله دخل الجنة » درقسمت پائین‌همین جرز دریك شکل چهارگوش بخط بنائی لاجوردی برزمینه آجری نوشته شده :

« درگه خلق همه زرق وفریب است وهوس[1] » .

این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۳۵ به ثبت تاریخی رسیده است [2].

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۳۲۹ تا ص۳۳۲ . ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص ۴۱ .

ج ـ مساجد :

۱ ـ مسجد ازیران :

این مسجد درسی‌کیلو متری مشرق اصفهان و در جنوب بستر زاینده رود و در دهکده ازیران قرار گرفته و مردم محل مطابق معمول خود آنجا را ازیرون تلفظ میکنند .

این مسجدکه بسبك مساجدمغولی است درحال انهدام وخرابی است. در این مسجد سه‌کتیبه دیده میشود : یکی کتیبه خارجی‌گنبد مسجد بخط بنائی آجری برجسته وسفید برزمینه آجری قرمزرنگ تکرارکلمه الله‌اکبر .

دوم کتیبه داخل‌گنبد بخط‌بنائی آجری برجسته و سفید برزمینه آجری قرمز رنگ مشتمل برآیات اول ودوم وسوم سوره الفتح .

سوم ـ کتیبه محراب بخط ثلث‌گچبری برجسته برزمینه‌گل وبرگ محتوی برآیه ۲۸ سوره (البقرة) .

و درقسمت فوقانی منفذهای چهارگانه اطراف داخل‌گنبد در داخل اشکال چهارضلعی‌بخط بنائی برزمینهٔ شطرنجی‌کلمات: «سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله و الله‌اکبر» [۱] خوانده میشود . ثبت تاریخی این‌مسجد درجریان‌است .[۲]

۲ـ مسجدجامع اشترجان :

این‌مسجد دراشترجان (اشترگان) جزء منطقه لنجان‌که تا شهراصفهان۳۶ کیلومتر وتا پیربکران ۱۲کیلومتر فاصله دارد واقع‌گردیده است ، و وجه تسمیه آن گویا این بوده‌که درآنجا اشتر زیاد بوده است و لذا آنجا را اشترگان یعنی جائیکه اشترزیاد دارد و سپس در زمان تسلط اعراب براصفهان معرب گردیده و اشترجان گفته‌اند ویا اینکه درلهجه قدیم اصفهان‌جیم وکاف فارسی‌شبیه یکدیگر تلفظ میشده‌اند .

مسجد مزبور مطابق فحوای‌کتیبه تاریخی در زمان سلطان محمد خدابنده

۱ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۲۸۸. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۷ .

اوبحاتیوی مغول بوسیلهٔ رئیس الوزرای او خواجه فخرالدین محمدبن محمودبن علی‌اشترجانی بناگردیده است. خواجه اشترجانی زمانی‌هم حاکم لنجان ودر دوره سلطان ابوسعید ازمستوفیان ومنشیان بزرگ ومدتها نیزوزیر امیرسونج از امرای مشهور سلطان ابوسعید بوده است .

مسجد جامع اشترجان از لحاظ مساحت بطول ۵۰ متر و عرض ۳۰ متر و دارای دودرب ورودی یکی درجنوب شرقی مسجد که سردرآن بارتفاع هفت متر گچبری شده وداخل‌گچبریها گل‌وبوته ایجاد شده است وکتیبه آن چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. وان‌المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً فی‌سنة خمس، « عشرة وسبعمائة . »

ودرب دیگر روبشمال است ودومناره آجری بارتفاع ۲۰ متر در طرفین‌آن قراردارد‌که مقداری ازارتفاع آنها در دوره یاغی‌گری رضاخان جوزدانی وجعفرقلی چرمهینی‌خراب‌گردیده است .

ودر اطراف مناره‌ها باکاشی فیروزه‌ای وخط‌کوفی‌کلمات : الله‌اکبر نقش شده ووضع مناره‌ها طوری است‌که اگر یکی‌را تکان دهند دیگری تکان میخورد .

کتیبه اصلی این سردر بخط ثلث لاجوردی رنگ برزمینه کاشی فیروزه‌ای چنین است :

«امر ببناء هذاالمسجدالمبارك‌الصاحب‌الاعظم‌ملك‌الوزراءفی‌العالم‌فخرالدنیا » « والدین محمدبن محمودبن علی‌الاشترجانی. » در داخل مقرنسهای کاشیکاری سر در مسجد بخط آجری برجسته برزمینه کاشی فیروزه‌ای دراشکال مربع‌مانند چهار کلمه « محمد » دریك شکل‌چهارگوش وچهارکلمه « ابوبکر » درچهارگوش دیگر وچهار لفظ « و عمر » و چهار « و عثمان » و چهار بار « وعلی » نوشته شده و در مربع دیگردنباله آن‌کلمات : رضوان‌الله علیهم اجمعین » خوانده میشود. و دریك شکل‌چهارضلعی‌درزیر مقرنسهابخط بنائی‌آجری برزمینه فیروزه‌ای اسامی‌چهارده معصوم ذکرگردیده است .

درقسمت بالائی درچوبی مسجد بخط ثلث فیروزه‌ای پوسته شده بـر زمینه آجری آیه ۹۶ وپاره‌ای ازآیه۹۷ سوره آل‌عمران باین‌کیفیت: « ان‌اول بیت‌وضع «للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین‌فیه‌آیات بینات مقام ابراهیم ومن‌دخله» « کان‌آمنا . » و در دولوحه کوچك در بالای همان کتیبه در طرفین‌آن بخط ثلث پوسته شده برزمینه کاشی فیروزه‌ای عبارات : « استاد احمد و حاجـی محمد قطاع تبریزی » نوشته شده است .

بردوجانب شرقی وغربی درورودی دردو طاقنما بخط بنائی آجری برجسته برزمینه‌کاشی‌فیروزه‌ای‌آیه ۲۸ ومقداری ازآیه ۲۹ سوره الفتح یعنی از(هوالذی ارسل تا « رحماءِ بینهم » نوشته شده است .

درچهار لوح کوچك این‌عبارات خوانده میشود : « سبحانه وتعالـی » «عما یصفون » « فسبحان‌الله حین تمسون » « وحین‌تصبحون » ولله‌الحمد » .

ازکتیبه‌های‌گنبد و ایوان جنوبی مسجد مورخ بسال ۷۱۵ که بخط ثلث بـا کاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری‌گل وبرگ نوشته شده فقط‌کلمات زیر باقیمانده است :

« . . . . اتفق بعون‌الله . . . . » برجانب شرقی ایوان جنوبی دریك حاشیه گچبری آیه هائی از اول سوره یس وبرجانب غربی آن اسماءالله گچبری گردیده است .

کتیبه اصلی‌گنبد بخط کوفی برجسته برزمینه گچ ساده مشتمل بـرآیات اوائل سوره الفتح تا وسط آیه ششم است وتاریخ‌کتیبه مزبور درگوشه راست بالای محراب چنین است : « وذلك فی‌اواخر صفر سنة خمس‌عشر وسبعمائة » در زیـر پنجره‌های اطراف‌گنبد نامهای : محمد ـ علی‌ـ حسن ـ حسین‌بطور مکررگچبری شده است .

دراطراف محراب مسجد بخط کوفی‌آیةالکرسی وبخط ثلث‌آیه اول‌تاآخر چهارم سوره الدهرگچبری شده و درقسمت فوقانی کتیبه بخط کوفی کبود رنگ

کلمات : « سبحان‌الله والحمدلله والله اکبر » نوشته شده است .

درحواشی محراب مسجد باخط ثلث آیاتی ازسوره التوبة وبخط‌کوفی سفید رنگ کتیبه‌ای دارد که قسمتی‌ازآن ریخته وبقیه آن چنین است : « . . . صدق » « الله العظیم وصدق رسوله الکریم فی‌سنة . . . » سطر دوم این‌کتیبه شامل سوره الضحی میباشد .

در درون محراب بخط بنائی‌گچبری برجسته برزمینه گچی این عبارات خوانده میشود : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » « اللهم صل‌علی محمد المصطفی » « وصلی‌علی علی‌المرتضی » « و اصحابه رضوان‌الله علیهم » .

آیه ۱۸ سوره آل‌عمران‌برجانب غربی محراب وسوره‌الفاتحه برجانب‌شرقی آن‌گچبری شده است .

درایوان شمالی‌بخط‌ثلث‌برجسته این‌آیه‌گچبری گردیده :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم . ان‌الله وملائکته یصلون علی‌النبی یا ایهاالذین» « آمنواصلوا علیه وسلمواتسلیماً » وبرطاق‌ایوان مزبور بخط بنائی‌کلمات الله‌اکبر» بطور مکرر وبرجزهای داخل ایوان درچهارگوشهای‌کوچك : الله ـ محمد ـ علی ـ ابوبکر ـ عمر بطور پراکنده گچبری گردیده است .

بردیوار چهلستون شرقی مسجدلوحی سنگی‌نصب شده‌که‌کتیبه آن‌بخط ثلث برجسته چنین‌خوانده میشود :

۱ـ درحاشیه لوح : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انمایعمرمساجدالله من‌آمن‌بالله » « والیوم الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم‌یخش الاالله فعسی‌اولئك ان‌یکونوامن» « المهتدین صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله . »

۲ـ کتیبه متن لوح : « درزمان خلافة حضرة پادشاه اسلام السلطان‌الاعظم » « مالك رقاب الامم ابوالنصر حسن‌بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه تعمیریمین و » « یسار مسجد جامع‌اشترجان نمود از خاص مال خود الشیخ‌السالك المسمی بـه » « کمال‌الدین اسماعیل‌بن ظهیرالدین ابراهیم اشترجانی ابتغاء لمرضاة‌الله تعالی »

« امید که قبول حضرة عزة گردد واهل بیتش بدعا یادکنند فی تاریخ ربیع الثانی سنة »
« احدی و ثمانین و ثمنمائة . »

درمحوطه زیرگنبد مسجد سنگابی قرار دارد که بخط نستعلیق برجسته این عبارت در اطراف آن حجاری گردیده است :

« نادعلیا مظهر العجایب . تجده عونا لك فی النوایب . کل هم و غم »
« سینجلی . بعظمتك یاالله بنبوتك یا محمد . بولایتك یا علی . اللهم صل علی »
« محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وعلی ومحمد وعلی »
« والحسن والحجة القائم (ص) . »

« وقف شرعی مسجد جامع اشترجان نمود ابن غلامعلی ـ علی داد ساکن »
« من القریة سنه ۱۲۴۴ » . این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس گردیده است.[۱]

این اثر باستانی بموجب شماره ۲۶۳ به ثبت تاریخی رسیده است .[۲]

۳ـ مسجد برسیان :

این مسجد همانطورکه درمناره آن یادآور شد درفاصله ۴۲ کیلومتری مشرق اصفهان ودرشمال بسترزاینده رود واقع گردیده است . دوقسمت ازمسجد مزبور از نظرهنری قابل توجه است یکی گنبد ودیگری محراب آن .

گنبد مسجدکه شباهت زیادی بگنبد تاج الملك مسجد جامع عتیق دارد تاریخی که دلالت برزمان ساختمان آن کند درآن باقی نمانده است ولی معلوم است که گنبد تاج الملك سرمشق بنای گنبد مسجد برسیان بوده است . کتیبه داخل گنبد نصف آن فرو ریخته وآن قسمت که باقی مانده بخط کوفی ساده آجری از ابتدای سوره الفتح شروع و چندآیه کتیبه شده است وآنچه باقی است تاریخی ندارد.

محراب مسجدهم از نظر هنری جالب توجه است و آجرتراشی و گچبری آن امتیاز خاصی دارد وتعلق آن بدوره سلجوقیان محرز میگردد . (ش۹۶)

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۲۶۷ تا ص۲۷۹. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳ .

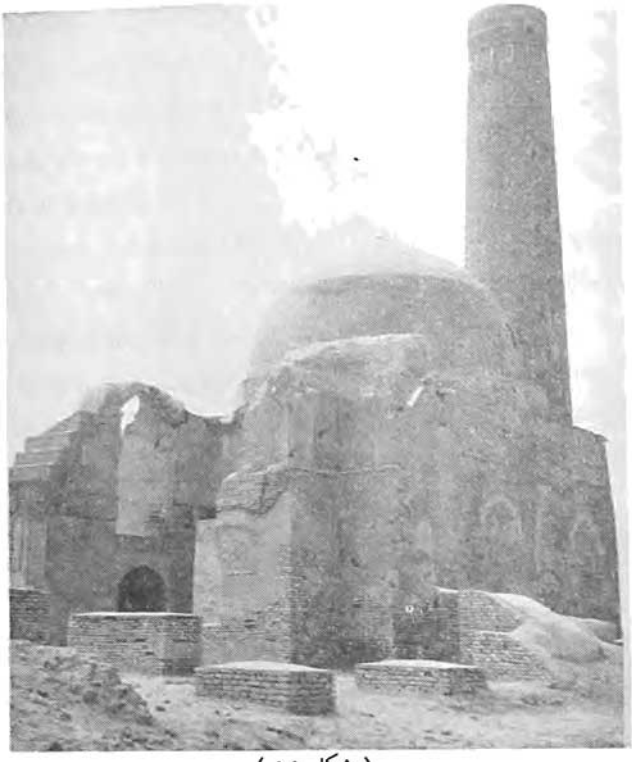

(شکل ۹۶)

کتیبه اطراف محراب بخط کوفی برجسته آجری برزمینه تزیینات گچی گل‌وبوته‌ای چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انما یعمر مساجدالله من‌آمن بالله و الیوم‌الاخر و »
« اقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی‌اولئك ان یکونوا من‌المهتدین فی»
« شهرالله المبارك رمضان سنة ثمان وتسعین واربعمائة . »

وحکایت میکند که بنای محراب مزبور در سال ۴۹۱ هجری قمری و زمان سلطنت برکیارق‌بن ملکشاه انجام شده است .

در داخل مقرنسهای آجری محراب بخط کوفی‌ساده‌آجری برزمینه گل و بوته گچبری شده این‌عبارات خوانده میشود :

دریك شمسه میان محراب جمله: « الحمدلله » و درردیف اول‌قطار محراب شش‌طاس باین‌شرح : « الملك‌لله » « العظمةلله » « القدرة لله » « القوةلله » « المنةلله » « العزةلله » .

و در ردیف دوم چهارطاس‌که یکی از آنها نابود شده وسه دیگر چنین‌است : « الله الخبیر » « قدیرالکبیر » « فله‌الحمد » ونیز بخط‌ثلث این‌کلمات‌گچبری شده : « یا حنان . یامنان . یا سبحان . یا دیان » .

برازاره‌های میان محراب جملات زیرخوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » « وهوالسمیع‌البصیر » در شمسه های هلال وسط محراب بخط کوفی مشبك کلمات : یاحنان . یامنان . یا سبحان . یا الله . یادیان . گچبری‌گردید است .

در دوره صفویه در محور محراب الحاقاتی بعمل آمده و از کتیبه خط ثلث کاشیکاری معرق این قسمت فقط چندکلمه بشرح زیر باقی مانده است :

« . . . . الاعظم . . . . الافخم وزوجته . . . . »

ونیز روی‌کتیبه مزبور دریك دائره بخط ریحان این‌کلمات باقی‌مانده است: « . . . الشهیدبکربلا وعلی‌بن . . . . » واز همین‌کلمات است‌که الحاق‌آن به‌مسجد دردوره صفویه احراز میگردد چه پیش از صفویه چنین امری رایج نبوده است . این مسجد ومناره آن‌چنانکه درباب مناره آن متذکر گردیده بموجب شماره۲۶۵ به ثبت‌تاریخی رسیده‌است.[1] کتیبه های‌مسجد ازکتاب گنجینه آثارتاریخی‌اصفهان اقتباس‌گردیده است.[2]

۴ـ مسجد جامع دشتی :

این‌مسجد درساحل جنوبی زاینده رود واقع وتا اصفهان ۱۸ کیلومترفاصله

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی‌ایران ص۲۸. ۲ ـ گنجینه‌آثارتاریخی‌اصفهان از ص۱۷۵ تا ص۱۷۸ .

دارد وضع ساختمان آن بمسجدکاج شباهت دارد . دراطراف مسجد مزبورکه بقرن هشتم تعلق‌دارد ساختمانهائی شده بوده‌که ازمیان رفته‌است ونیز دومناره درنیم‌قرن پیش وجود داشته‌که‌آن دو مناره را برای مصالح‌آن خراب کـرده‌اند . دهانه‌گنبد مسجد چهارده متر ودر زیر سقف‌آن عبارت: الله ومحمد وعلی بخط‌کوفی نقش‌شده است و هیچگونه خط واثری دیگر باقی نمانده است[1] این‌مسجد بموجب شماره ۳۴۷ به‌ثبت تاریخی رسیده است .[2]

۵ـ مسجد سروشفادران :

این مسجد دردیه سروشفادران ازقرای بلوك براآن در۲۹کیلومتری جنوب شرقی اصفهان ودرساحل شمالی‌زاینده رود قرارگرفته است . سروشفادران بمناسبت بنای آتشکده سروش‌آذران درآن باین‌نام خوانده شده است ولی اکنون اثری از آن آتشکده وجود ندارد وفقط همین‌مسجد است که درزمان شاه طهماسب صفوی بناشده است .

کتیبه سردر مسجد بخط ثلث باکاشی لاجوردی برزمینه آجری‌که مقداری ازکاشیهای آن ریخته شده چنین است :

« در ایام خلافت سلطان الاعظم نیراوج فیض‌وکرم اختر برج مکارم و نعم »
« السلطان‌بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه بنا نمود »
« این مسجد را ابن یوسف محمد سروشفادرانـی اتمام داد سنه ۹۷۶ . . . خط »
« میرعلی بنا . » (ش۹۷)

واین کتیبه حـاکی است در عهد سلطنت شاه طهماسب محمدبن یوسف سرو شفادرانی درسال ۹۷۴ هجری قمری مسجد مزبور را بناکرده وخطاط آن میرعلی بنا بوده است . در بالای اسپرهای دو طرف سردر دو لوحه بخط آجـری بـرزمینه کاشی‌لاجوردی وجود دارد که درآن دولوحه چنین نوشته شده است :

۱ـ درسال ۱۳۳۵ شمـسی‌که تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان تألیف شده کلمات الله و محمد وعلی باقی‌بوده است ولی در۱۳۴۴ شمـسی‌که‌گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف‌شده آن کلمات هم وجود نداشته‌است. ۲ـ فهرست‌بناهای تاریخی واماکن‌باستانی‌ایران ص۳۶.

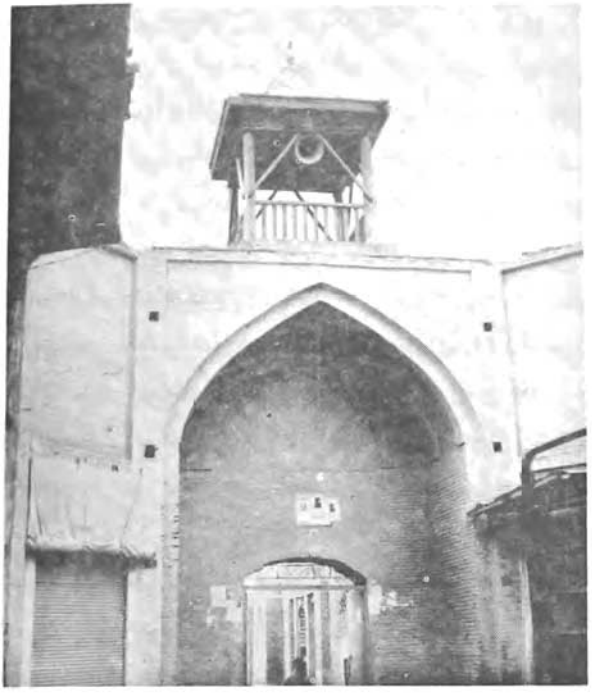

(شکل ۹۷)

« بعون ولی‌داد این‌زیب‌را میرمحمود ابن‌میرعلی »

که از فحوای این شعر معلوم میگردد که زینت آرای اسپرها میرمحمود پسرمیرعلی‌بنا وخطاط بوده است.

فرد اول شعرظاهراً این‌طور باشد:

داد این‌زیب را بعون ولی میرمحمود ابن‌میرعلی

صحن مسجدکوچك‌وآثار قابل توجهی‌ندارد ولی‌درآن قدیمی است‌واشعاری بخط ثلث برجسته برآن‌کنده شده است : (ش۹۸)

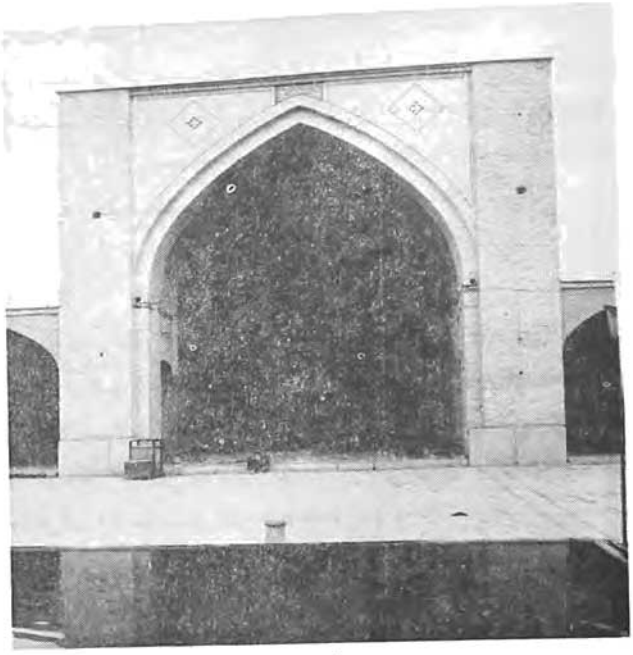

(شکل ۹۸)

« محمد عربی آب روی هر دو سرای
کسیکه خاك درش نیست خاك برسر او »

« شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او »

« که من مدینه علمم علی دراست مرا
عجب خجسته حدیثی است‌من سگ دراو »

این‌کتیبه ها نیزازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان‌گرفته شده است.[۱]
ثبت تاریخی مسجد درجریان است.[۲]

۱- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان از ص۸۶۰ تا ص ۸۶۲.
۲- فهرست بناهای‌تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص ۳۳۷.

۶ـ مسجد سین :

این مسجد در قریه سین‌که تاگز شش‌کیلومتر فاصله دارد واقع و مسجد و مناره‌اش اختصاصات دوره سلجوقی را حفظ‌کرده‌اند . صحن مسجد وسعت زیادی ندارد وطول وعرض آن درحدود هفت متر است ، محل دخول مسجد درضلع شمالی وایوان اصلی‌که بگنبد منتهی میشود درطرف جنوب میباشد .

قسمت جلوی ایوان بکلی تازه ساز وقسمت عقب‌که گنبد درآن است بطول ۶/۵ و عرض ۴ متر مشخصات سلجوقی خود را حفظ کرده است . طاق گنبدی‌وار آن ازمقرنسهای درشت‌آجری وشبیه بآن دسته ازطاقهای مقرنس‌دارآجری‌مسجد جمعه اصفهان ترکیب شده است . خطوط‌گچبری اطراف محراب مسجد برزمینه آبی ابتداء : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » وسپس آیة‌الکرسی خوانده میشود .

درقسمت فوقانی‌محراب گچبری ودرزیرمقرنسهای‌آجری بریك لوح‌سنگی بطول ۸۰ وعرض ۴۰ سانتیمتر کتیبه‌ای بخط ثلث برجسته چنین‌خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم امربیناءِ هذه القبة واتمامه العبد المذنب الراجی »
« لعفوالله تعالی ابوغالب یحیی‌بن ابوسعیدبن زکریا تقبل‌الله عزوجل‌منه‌وغفرالله‌له »
« ولوالدیه ولمن‌دعاله بالمغفرة و بنی‌الله له بیتا فی‌الجنة وذلك فی‌شهور سنة تسع »
« وعشرین وخمسمائة » .

درکتاب‌گنجینه آثارتاریخی اصفهان‌که‌کتیبه ازآن اقتباس‌گردیده: «وغفرالله» بدون له نوشته شده در صورتیکه درست‌آن « و غفرالله له » میباشد زیرا در جمله قبل : (تقبل‌الله) الله ذکر شده وبعداز غفر باید مفعول مع‌الواسطه ان ذکرگردد و وقتی غفرالله له خوانده شود عبارت درست میگردد . این‌اثرباستانی چنانکه‌درباب مناره آن‌گفته شده بموجب شماره ۲۸۱ به ثبت تاریخی رسیده است.[۱]

۷ـ مسجد گز :

این‌مسجد درقریه‌گز که تا اصفهان ۱۸کیلومترفاصله دارد واقع ویك‌مسجد چهار ایوانی‌است‌که‌درزمان‌سلاجقه ساخته شده وبر اثر تجدید ساختمان امتیازات

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۲۹ .

زمانی خود را ازدست داده است .

صحن مسجد بشکل مربع وطول وعرض آن هریك ۱۲ متراست ایوانهای شمالی وجنوبی وشرقی وغربی آن دوبدو قرینه یکدیگر ساخته شده‌اند وآثار قابل توجه آن از دوره سلجوقیان‌درایوان غربی‌مشاهده میشود. پشت بغل‌هرمدخل دارای دوقسمت برجسته مدور درچپ وراست میباشد که نام خدا وپیغمبر و خلفاء راشدان برآنها منقوش بوده ونام خلفای سه گانه اول‌را محو کرده‌اند ، محراب سلجوقی آن درضلع جنوبی قرارگرفته و درقسمت فوقانی‌آن جای یك‌کتیبه دیده میشود ولی‌اثری ازخود کتیبه نیست ، درضلع شمالی‌وغربی ایوان تزییناتی‌باقیمانده که تاریخی‌ندارد وشاید ازدوره صفویه باشد .

ایوان‌جنوبی درزمان شاه‌اسماعیل تجدیدساختمان وکتیبه آن‌چنین‌گچبری شده است :

« جدد هذه‌العمارة فی‌زمان‌السلطان الهادی الجلیل ابی‌المظفر السلطان شاه » « اسمعیل خلدالله . . . » و در یك شکل چهارگوش بخط بنائی صلوات برچهارده معصوم گچبری شده و در چهار شکل مربع دیگر در چهار گوشه آن بخط بنائی کلمات زیرگچبری‌گردیده است :

« الله‌اکبر » « محمد » « و علی » « الحکم‌الله » . بردیوار شرقی ایوان شمالی مسجدگز لوحی دایره مانند وبقطر تقریبی/ ۵۰ سانتیمتر نصب و برروی آن اشعاری حجاری‌گردیده است ودروسط آن این عبارت خوانده میشود : « عمل کربلائی‌محمدتقی دهقی۱۳۰۵».

درایوان شرقی‌هم کتیبه‌ایست بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی که پس‌ازجمله : «قال‌الله تبارك و تعالی» آیه ۳۵ سوره النور نوشته شده و درپایان آن چنین خوانده میشود : « صدق‌الله‌العلی‌العظیم‌کتبه محمدباقر الشریف‌الشیرازی فی‌سنة ۱۲۵۹ » ونیز دردوشکل مربع بخط بنائی مشکی برزمینه کاشی فیروزه‌ای معرق خوانده میشود : « لااله‌الاالله محمد رسول‌الله علی‌ولی‌الله » ونیز دردوشکل

مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی‌معرق درسمت راست وچپ چنین نوشته شده :

« این‌بنا از تومانند در عالم »

« عمل العبد . . . الی‌الله الغنی حیدر علی‌بن ذوالفقار المعمار الاردستانی» « سنة ۹۵۲ » وبردولنگه در مسجد بخط ثلث برجسته خوانده میشود : « و ان ـ المساجدلله فلاتدعوا مع‌الله احداً». درایوان غربی دریك دائره بخط‌کوفی باآجر برزمینه گچ: « لااله‌الاالله‌وحده » و دردائره دیگر : «لاشریك له محمدرسول‌الله» و دراسپرهای اطراف ایوان‌بخط بنائی مشکی برزمینه سفید : « یا الله » « محمد » « یا علی » خوانده میشود .

کتیبه اطراف محراب ایوان مزبور بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فیروزه‌ای شامل آیه ۱۷ و قسمتی ازآیه ۱۸ سوره آل عمران و در داخل محراب بخط کوفی فیروزه‌ای برزمینه‌آجری : « الله اکبر » خوانده میشود .

این‌مسجد بطوریکه درشرح مناره آن‌گفته شده بموجب شماره۳۲۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس‌گردیده است.[۲]

د ـ کلیساهای جلفا :

مطابق روایات تاریخی شاه عباس اول درسال ۱۰۱۳ هجری قمری عده‌ای از مردم ارمنستان را باصفهان‌کوچ داد وآنان درساحل زاینده رود منازلی برای خود ساختند وبرجمعیت آنان بتدریج افزوده میشد و ازاطراف ایران عیسویان بـآنجا مهاجرت میکردند وهمین محل‌بود که بعدها بنام جلفا نامیده شد وشاه عباس‌مقرر داشت‌که کسی ازمسلمانان درآنجا ساکن‌نشود وبرای ساکنان محل‌مزبور امتیازاتی

۱ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۱ ۲ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۱۸۷ تا ص ۱۹۱ .

ازقبیل آزادی درمذهب وکار ووضع زندگی بآنان داد وچون اراضی محل‌سکونت آنان متعلق بشخص‌شاه[1] بود زمین مزبور را بموجب فرمان زیربآنان واگذارکرد وآن فرمان اینست :

« بنده شاه ولایت عباس »

« حکم مطاع شد . آنکه درینوقت بنابرعنایت بی‌غایت شاهانه و شفقت »
« بلانهایت پادشاهانه درباره ارامنه جولاه وترفیه حال‌ایشان اراضی وزمین واقعه »
« در کنار رودخانه زاینده رود دارالسلطنه اصفهان که ایشان آنجا خانه ترتیب »
« داده‌اند وملك نواب همیون ماست بانعام ایشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم . »
« مستوفیان‌عظام‌کرام دیوان زمین‌مذکور را ازملکیت دیوان‌برطرف ساخته بانعام»
« ارامنه مذکور در دفاترعمل نمایند. وزیر وکلانتروعمال اصفهان حسب‌المنظور»
« مقرردانسته‌ازفرموده درنگذرندوزمین‌مذکوررا بانعام‌ایشان مقرر دارند.تحریراً»
« فی‌شهر شوال ۱۰۲۸ ».[2]

پس‌ازاینکه وضع سکونت ارامنه جلفا سروصورتی یافت شاه عباس اندیشید که عبادت‌گاهی نیز برای آنان فراهم کند و از اینرو دستور داد کلیسائی برای آنان ساخته شود ودرسال ۱۰۲۳ قمری این‌فرمان صادرگردید :

« فرمان همایون شد »

«آنکه‌کشیشان ورهبانان وملکان‌وریش‌سفیدان وکدخدایان ورعایای‌ارامنه»
« ساکنین دارالسلطنه اصفهان بعنایت بی‌غایت شاهانه وشفقت ومرحمت بی‌نهایت »
« پادشاهانه مفتخر وسرافراز وامیدوار بوده بدانند که چون میانه نواب کامیاب »
« همایون ، وحضرات سلاطین‌رفیع‌الشأن مسیحیه خصوصاً سلطنت وشوکت‌پناهی »
« قدوة السلاطین العیسویه حضرت پاپا وپادشاه اسپانیه کمال محبت ودوستی‌است »
« و درمیانه ما وطوایف مسیحیه از اطراف وجوانب بدین‌دیار آیند وآمدوشد »
« نمایند وچون دارالسلطنه اصفهان پای‌تخت است وازهمه طبقه و مردم هرملت »

۱ــ گویا مربوط بدیوان بوده و چون پادشاه حاکم مطلق بوده اختیار بخشش زمین نیز با او بوده است . ۲ــ زندگانی شاه‌عباس اول ج۳ ص۲۱۳.

« درآنجا هستند میخواهیم‌که بجهت مردم مسیحیه دارالسلطنه صفاهان‌کلیسای،
« عالی درکمال رفعت وزیب وزینت ترتیب‌دهیم که معبد ایشان بوده باشد وجمیع،
« مردم مسیحیه درآنجابکیش‌وآئین‌عبادت‌نمایند وکسی‌نزد حضرت پاپا خواهیم ،
« فرستاد که یکی‌ازکشیشان ورهبانان ملت مسیحیه بدارالسلطنه مذکور فرستند ،
«که درآن‌کلیساباآداب عبادت قیام نموده وطوایف‌مسیحیه‌را بطاعت رعبادت ترغیب،
« نماید ومانیز ازثواب آن عبادت بهره‌مند باشیم وچون چند عدد سنگ بزرگ ،
« در اوج‌کلیسای ایروان بود وعمارت آن‌کلیسا منهدم گشته خرابی تمام بآن راه ،
« یافته بودکه دیگر شایستگی تعمیرنداشت وکشیش‌آنجا استخوانهای پیغمبران،
« را که‌درآن مکان مدفون بود ازآنجابیرون‌آورده بجماعت ترسا وتصارافروخته ،
« آن مقام را ازعزت وشرف‌انداخته بود بنابراین‌آن سنگهای مذکور را ازآنجا ،
« بیرون آورده روانه دارالسلطنه‌اصفهان فرمودیم‌که درکلیساء عالی‌که درآنجا ،
« ترتیب میدهیم نصب فرمائیم. میبایدکه چون سنگهای مذکوررا بدانجاآوردند ،
« همگی‌طوایف مسیحیه را جمع‌نموده واز روی تعظیم واحترام تمام استقبال‌کرده،
« سنگهارا آورده باتفاق سیادت‌پناه وزارت واقبال‌دستگاه شمساللوزارةعلیا وزیر ،
« دارالسلطنه مذکور و رفعت پناه محب علی‌بیك للـه درجائی کـه مناسب دانند ،
« بگذارند وباتفاق یکدیگر معماران خاصه شریفه را همراه برند ودرپشت باغ ،
« زرشك درزمینی‌که بجهت کلیسا قرار داده بودیم کلیسای عالی طرح نمایند که ،
«کشیشان وپادریان عظام قرار دهند وطرح آنرا درتخته و کاغـذ کشیده بخدمت ،
« اشرف فرستاده‌که ملاحظه نمائیم وبعد از ملاحظه امرفرمائیم‌که استادان شروع،
« درکار کرده باتمام رسانند و دراین‌باب اهتمام لازم دانسته بهمه جهتی بشفقت ،
« بیدریغ خسروانه امیدوار باشند . شهر شعبان سنه ۱۰۲۳ » [1] و بر حسب این فرمان کلیسای وانك ساخته شد .

کلیساهای جلفا بردوقسمند دسته‌ایکه اهمیت تاریخی و باستانی دارند و ،

۱ــ تاریخ زندگانی شاه عباس‌اول ج ۳ ص۱۵ - ۲۱۴

« برخی دیگرکه از نظر تاریخی مهم نیستند ، از دسته نخست است :

۱ـ کلیسای وانك :

مهمترین کلیساهای مشهور تاریخی جلفا از نظر معماری و نفاست و تزیینات هنری کلیسای سن‌سور مشهور بدکلیسای و انك میباشد این کلیسا برروی کلیسای دیگری‌که ساختمان آن مربوط بسال ۱۶۰۵ میلادی بوده بناگردیده است .کلیسای مزبور را بنام آمناپرکیچ یعنی نجات دهنده نیز میخوانند .

کلیسای وانك در سال یکهزار وشصت وپنج هجری قمری از محل اعانات مردم جلفا ساختمان آن آغاز و در ۱۰۷۴ هجری بپایان رسیده است . داخل این کلیسا پرازتزیینات و نقاشیها و ازاره‌های آن با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده است . تزیینات ومعماری وطلاکاری آن کار استادان ایرانی و نقاشیهای آن بوسیله هنرمندان ارمنی‌واروپائی انجام‌گردیده است.کتیبه‌های‌کلیسای وانك‌بشرح زیر است : (ش ۹۹)

الف ـ کتیبه سردر اصلی درجانب غربی‌آن واقع وبخط ارمنی طلائی‌رنگ برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی چنین‌است :

« درسال ۱۱۰۴ ودرعهد سلطنت شاه عباس‌دوم درزمانی‌که خلیفه اعظم ارامنه « دراوج کلیسا بافیلیپس بودوخلیفه این‌وانك داوید وارتابد ازخلیفه‌های‌کلیسای» « وانك بود ساختمان این‌کلیسا ازمحل‌کمکهای مردم‌خیرجلفا شروع شد ودرسال» «۱۱۱۳ بپایان‌رسید. ثواب عباداتی‌که دراین‌کلیسا برگزارمیشود عایددرگذشتگان» « و بازماندگان بشود . » .

داخل‌کلیساچهارکتیبه‌است‌که همه بخط ارمنی‌طلائی‌رنگ برزمینه‌لاجوردی گچبری شده است ومفادآن چهارکتیبه چنین است :

یکم ـ کتیبه جبهه شمالی داخل‌کلیسا : « درتاریخ پنجم فوریه ۱۱۱۸ » « (۱۶۶۹ میلادی برابر ۱۰۷۹ هجری) خواجه آودیك که نقاشیهای این‌کلیسا » « را بیادبود خود ودرگذشتگان خانواده‌اش بیادگار گذاشته است رحلت کرد وبه »



(شکل ۹۹)

« مسیح پیوست. »

دوم ـ کتیبه جبهه جنوبی : « بازهم درپیشگاه مسیح از خواجه آودیك و »
« فرزندش ماردیروس و فرزند متوفی اوساهاك و تمام خویشاوندان نزدیکش »
« یادآوری‌کنید . ».

سوم ـ کتیبه جبهه جنوبی مقابل در ورودی : « از خواجه آودیك و زنش »
« مالتان سلیم ودخترهایش گل‌صنم وبدری ومریم تانیك درپیشگاه حضرت‌مسیح »
« یادآوری کنید سال۱۱۱۹ (برابر ۱۶۷۰ میلادی و ۱۰۸۰ هجری) » .

چهارم ـ کتیبه جبهه غربی دربالای در ورودی اصلی : « درپیشگاه مسیح »

« بیاد آورید از آودیك و فرزندش ساهاك و ماردیروس و نواده‌هایش: امیر آقا و »
« آنائی ومارگاریت وخواهر شوهرمارگاریت زیبی ته و (د . خ . ن) ».

ب ـ کتیبه سردرشمالی کلیسا در زیرتابلو نقاشی که نمایش دهنده دفن حضرت مسیح است بخط ارمنی مفادش چنین است :

« درسال ۱۸۵۷ (میلادی) محوطه کلیسا بوسیله خلیفه طاطاوس تعمیر شد »
« ونقاشیهای داخل کلیسا گردگیری وپاك شد . ».

ج ـ کتیبه داخل کلیسا درشاه نشین بخط ارمنی طلائی بر کاشی لاجوردی مفادش چنین است :

« در زمان خلیفه موسس وارتابد جلفائی این کلیسا کاشی‌کاری شد بتاریخ »
« ۱۱۶۵ (۱۷۱۶ میلادی برابر ۱۱۲۸ هجری) ».

د ـ کتیبه کاشیکاری مدخل کلیسا بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینهٔ لاجوردی مفادش باین شرح است :

« این کاشیکاری بیادگار مرادخالداریان وپدرش خواجه هوهانس ومادرش وزنش »
« مریم تاتیك وپسرانش ماردیروس واوهان ودخترانش پاراسی وموراسه وگل‌نبات »
« و نواده‌اش مارکار و برادران مرحومش مارکار و زادور و آواك و خواهرانش »
« تامار وای‌بیرس انجام شد یادگاری ازمراد وبرادرش (بارون هاکوپ جان) بتاریخ »
« ۱۱۵۹ (۱۷۱۰ م برابر ۱۱۲۱ هجری) ».

هـ ـ کتیبه برج ناقوس درسه سطر بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی مفادش چنین است :

« درتاریخ ۱۱۵۱ (۱۷۰۲ میلادی برابر ۱۱۱۳ هجری) این ساختمان بنام »
« فرشتگان مقرب خدا جبرئیل ومیکائیل در دوره سلطنت شاه سلطان حسین که »
« پادشاهی آرام وصلح دوست است وزمانی که خلیفه بزرگ جلفا الکساندروارتابد »
« بود بانظارت خلیفه دیگری بنام موسس بهزینه حضرت هوهانجان جامالیانس »
« بیاد بود پدرش خواجه هوهانس و مادرش جنیادین و دخترش برزاده و پسر »

« جوانش هوهانس و برادر بزرگش بارون گریگور و برادر زاده‌اش هوهانس و بیادبود »
« آمرزش درگذشتگان و بازماندگان خانواده‌اش بناگردید . ».

و ـ کتیبه زیر برج ناقوس برروی آرامگاهی که دراطراف سنگ آن تصویرهائی ازسربازان حجاری شده چنین نوشته شده است :

« رستم خان سوقمن انیکلپیان ۱۸۴۳ » . درشرح قبور ارامنه گفته شده که رستم خان برادر منوچهرخان معتمدالدوله گرجی بوده و در ۱۲۵۸ هجری قمری مقارن حکومت معتمدالدوله دراصفهان کشته شده است وچون ارمنی مسیحی بوده درآنجا دفن گردیده است .

این کلیسا موزه‌ای هم دارد که در ۱۳۲۲ هجری ساخته شده و در آن تابلوها و کتابهای خطی واشیائی که ازطرف ارمنی‌ها به‌کلیسا اهداء شده جمع آوری گردیده است . (ش ۱۰۰)

ز ـ کتیبه سنگاب کلیسای وانك بخط ارمنی برجسته مفادش چنین‌است :

« این سنگاب یادگار آودیك فرزند بونیات است . بتاریخ ۱۱۱۶ (۱۶۶۷م، برابر ۱۰۷۷ هجری) » .

این کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است[۱].

اثر مزبور بشماره ۸۵ به ثبت تاریخی رسیده است. [۲]

۲ـ کلیسای بیدخم = بیت‌اللحم = بتلهم = بدخم = بیدخهم :

این کلیسا که درتزدارامنه جلفای اصفهان بنامهای مختلف خوانده‌میشود همان بیت‌اللحم است که درمیدان جلفا ودرمجاورت کلیسای مریم واقع شده است وخواجه پطرس ارمنی درسال ۱۰۳۶ هجری قمری دراواخر سلطنت شاه عباس اول کلیسای مزبوررا بناکرده وبیست‌سال طول کشیده تاکلیسا تمام شده‌است وبااین‌ترتیب شروع ساختمان دوسال بفوت شاه عباس بزرگ شروع ودرسال ۱۰۵۶ که مقارن سلطنت شاه عباس دوم بوده باتمام رسیده است .

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۱۴ تا ص ۵۱۸.

۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۴ .



(شکل ۱۰۰)

این کلیسا درمیان دوازده کلیسای کنونی جلفا دارای بلندترین گنبد است که ازفاصله‌های دور نمایان است وگنبد دوپوشه آجری آن خودنمائی میکند . قطر پی و دیوار بنا زیاد ودربعضی جاها بچندمتر بالغ‌میگردد . درضلع غربی گنبد و باندك فاصله‌ای محل مسقف ناقوس کلیسا قرارگرفته است . نمای خارجی کلیسا جالب نیست بلکه بنائی‌است گلی وآجری‌که توده گرد و غبار آنرا فراگرفته‌است ولی هنگامیکه بدرون کلیسا رویم نقاشی‌های گوناگون‌که بر دیوارها و سقفها دیده

می‌شود جلب توجه میکند و انسان احساس میکند که ازنظر بدوی اشتباه‌کرده و راه خطا پیموده است.

درموقع ورود به‌کلیسا برای آشنائی‌بازدیدکنندگان‌این‌مطالب ازطرف‌کلیسا درنظر آنان‌گذارده میشودکه ازوضع وپیشینه کلیسا آگاه شوند:

« این‌کلیسای زیبای منقش درسال ۱۶۲۸ میلادی توسط خواجه پتروس‌بنا »
« گردیده است نامبرده یکی‌ازخادمین درگاه الهی‌بود وبرای ملت ارمنی‌خدمات »
« دیگری نیزنظیر این انجام داده است.»

« نقاشیهای این‌کلیسا تا امروز بطوری محفوظ مانده‌که کاملاً تازه بنظر »
میرسد بزعم خواجه اوتیك برادرش بانی کلیسای مریم این کلیسا را بنا کرده تا »
« اغلب نمازروزانه خودرا دراینجا برگزار نماید آرامگاه او درسمت غربی‌کلیسا »
« دراطاقی‌بامقبره خواجه لوکاس پسرش وپسرخواجه لوکاس واقع . . . شعر : »

« بخواب آرام ای‌فرزند ارمن — به پهناور زمین‌ملك‌ایران» »
« بسی‌کردی تو بهرملت خویش — بناکردی‌کلیسائی‌تواینسان» »
« خداوندت دهدپاداش این‌کار — روانت جاودان‌مانادشادان » »

برسردر کلیسا این‌کتیبه تاریخی‌که بخط ارمنی ومضمون‌آن بفارسی چنین است خوانده میشود:

« ازماهدسی خواجه پطروس‌که مردنیکی بود درپیشگاه‌خداوندبدعای‌خیر»
«یادکنید وی‌این‌کلیسارا بهزینه خودبرای جاویدکردن نام‌خویش وپدرش‌ولی‌جان»
« و مادرش شوشان وخانواده‌اش درتاریخ ۱۰۷۷ بنا کرد ».

تاریخ۱۰۷۷ ارمنی برابر است با ۱۰۶۲۷ میلادی و ۱۰۳۶ هجری.

در ذیل‌کتیبه مزبور کتیبه زیرین بخط ارمنی چنین‌نوشته شده است:

« حجاری‌شد توسط کشیش‌هوانس‌گالستانیان درسال ۱۲۹۸ ارمنی(۱۸۴۹م »
« و۱۲۶۵ هجری) ».

در داخل‌کلیسا و اطراف محراب آن نیزکتیبه های کوچکی وجود دارد که خواجه پطرس از همکیشان خود توقع والتماس دعاکرده است.

درضلع غربی کلیسای مزبور وبالای سردر ورودی اصلی کلیسا کتیبه‌ای بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینه لاجوردی گل و بوته‌دار باین‌شرح ومضمون وجود دارد:

« ساختمان این کلیسای مقدس با تصاویرعالی و تزیینات طلاکاری درسال »
« ۱۶۲۸ میلادی بوسیله‌خواجه پطرس ولی‌جانی شروع شده و درظرف بیست‌سال »
« باتمام رسید سپس‌درسال ۱۸۹۹ میلادی درزمان خلافت اعظم حضرت مگردیچ »
« خلیفه کل ارامنه در اچمیادزین و رهبر ارامنه جلفا خلیفه ماقاکیا در دوره »
« شاهنشاهی مظفرالدین‌شاه‌پادشاه ایران‌تعمیر کلیسای‌بیدخم بهزینه اشخاص‌خیری»
« ازارامنه هندوستان بشرح زیرشروع شد :

« کلیسای مقدس نازارت (کلیسای‌کلکته) هزار روپیه . کمپانی آبکار »
« هزار روپیه واشخاص دیگری ۱۴۲۳ روپیه اهداء کردند ـ تعمیرات با نظارت »
« آقای هوسپ آبکاریان انجام‌گرفت . اهداکنندگان را در پیشگاه حضرت مسیح »
« بدعای خیر یادکنید . »

در داخل کلیسای بیدخم دربالای محراب آن بخط ارمنی طلائی برزمینه فیروزه‌ای نوشته شده است :

« در دعاها ازخواجه پطرس وپدر ومادر وفرزندش یادکنید بتاریخ۱۰۷۷ »
« (۱۶۲۸ میلادی) » .

کتیبه‌های دیگری‌نیزبخط ارمنی‌گچبری شده‌که مضمون‌آنها نزدیك بیك ـ دیگر وتقاضای دعای خیراست برای خواجه پطرس وکسانش.

نسبت به‌ثبت تاریخی این کلیسا تاکنون اقدامی نشده است و اقتضا دارد که مورد توجه واقع‌گردد .

کتیبه‌ها ازمقاله‌دکتر علاءالدین آذری‌دمیرچی[۱] درمجله‌هنرومردم‌وگنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس‌گردیده است .[۲]

۱ـ مجله هنر ومردم شماره ۱۰۹ ازص۲۶ تا ص۲۹.
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۵۱۱ تا ص۵۱۳.

۳ـ کلیسای هاکوپ = یعقوب مقدس :

این کلیسا درگوشه شمال غربی صحن کلیسای مریم قرار دارد وکتیبه سردر آن که بزبان ارمنی است تاریخ ساختمان را سال ۱۰۵۶ ارمنی که با سال ۱۶۰۷ میلادی و ۱۰۱۴ هجری‌قمری برابراست‌تعیین‌میکندوبا این‌ترتیب نخستین‌کلیسائی خواهدبودکه درجلفای اصفهان‌ساخته شده است . نسبت به ثبت تاریخی این‌کلیسا نیز تاکنون اقدامی‌نشده است .

۴ـ کلیسای گیورك :

این‌کلیسا در محله میدان‌کوچك جلفا واقع و ازکلیساهای قدیمی‌است که مردم آنرا کلیسای غریب مینامند وشاید علت این تسمیه وجود سنگهای‌کلیسای قدیمی ارمنستان دراین‌کلیسا میباشد که‌آن سنگها دراین‌کلیسا غریب میباشند .

درون‌کلیسا بسیار ساده وفقط یك تابلو نقاشی قدیمی در قسمت محراب آن نصب‌شده است و اهمیت این‌کلیسا بواسطه بودن سنگهای اوج‌کلیسا درآن میباشد وبنظر ارامنه یکی‌ازاماکن مقدس‌بشمار میرود.

سردرآن در دوره سلطنت شاه سلطان حسین کاشیکاری شده و تصویر حضرت مریم ومسیح وچند تن دیگر باکاشیهای خشت هفت‌رنگ نمایش‌داده‌اند و در زیر تابلو مزبور بخط سفید ارمنی برزمینه کاشی خشت لاجوردی عبارتی‌کتیبه شده‌که ترجمه‌اش چنین‌است :

« این‌در مخصوص خدا است وبی‌گناهان میتوانند از این در داخل شوند . از بانی بدعای خیر یادکنید ۱۱۶۸ ».[۱]

سال ۱۱۶۸ ارمنی مطابق با ۱۷۱۹ میلادی میباشد .

۵ـ کلیسای مریم :

این‌کلیسا در واقع کلیسای هاکوپ است که وسعت داده شده و بنام مریم خوانده شده است . در درون آن تابلوها ونقاشیهای مذهبی است که روی‌دیوارهای

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۰۸ .

گچی‌نقاشی شده است . بانی این‌کلیسا خواجه‌آودیك است‌که از تجار ابریشم عهد شاه عباس‌اول ومردی ثروتمند بوده است .

کتیبه تاریخی‌کلیسا بخط ارمنی مضمون‌آن چنین است :

« بااستمداد ازحضرت‌عیسی‌کلیسای مریم‌بوسیله ماهدسی‌آودیك ساخته‌شد »
« وباتمام رسید . اواین‌کلیسا را بمنظورجاویدان‌کردن نام خود وخانواده‌اش‌یعنی »
« پدرش‌خواجه باباك ومادرش‌اولوخاتون و زنش‌لیسین پاشه و پسرش هاکوپ‌جان »
« وآودال‌میس و دخترش پالاف وقدم قوتلو وصوفیا و برادرش مارکار وهاکوپ و »
« خواهرش صنم وآنا در دوره سلطنت شاه عباس وهنگامی‌که خلیفه اعظم داوید »
« بود درتاریخ ۱۰۶۲ بناکرد . ».

سال ۱۰۶۲ ارمنی برابراست باسال ۱۲۰۱ هجری .

خواجه آودیك بانی کلیسا درهمین‌کلیسا مدفون و سنگ آرامگاه او باین شرح است :

« این‌آرامگاه ماهدسی خواجه آودیك است که درتاریخ ۱۰۸۸ (۱۶۳۹ »
« میلادی) از این دنیا رخت بربست ».

کتیبه دیگر بزبان و خط ارمنی وجود دارد که حاکی است ساختمان کلیسا در سال ۱۰۵۹ ارمنی برابر (۱۶۱۰ میلادی و۱۰۱۸ هجری) در زمانی که داوید خلیفه اعظم ارامنه بوده شروع شده و درسال ۱۰۶۲ (برابر ۱۶۱۳ میلادی‌و۱۰۲۱ هجری) نقاشی‌شده ودرسال ۱۸۴۱میلادی (۱۲۵۶هجری) تعمیرشده است. نویسنده کتیبه کشیش گالستانیان است . تاریخ کاشیکاری کلیسای مـزبور ۱۶۶۰ و ۱۶۶۶ میلادی یادداشت شده است .

این‌کتیبه ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان گرفته شده است .[۱]

نسبت به ثبت تاریخی این‌کلیسا تاکنون اقدامی نشده است .

کلیساهای دیگری‌که در دوره صفویه در جلفا ساخته شده و در درجـه دوم

---

۱ ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان از ص۵۱۰ تا ص۵۱۱ .

اهمیت میباشد ازاینقرار است :

۱ـ استیاکوس ۲ـ راهنه‌کارتانیه ۳ـ سرکیس ۴ـ گریگور ۵ ـ میناس ۶ـ نرسس ۷ـ نیکاغوس ۸ـ یحیی .

درجنوب منطقه جلفا در دامنه کوه صفه قبرستان قدیمی ارامنه وجود دارد که در آن عده‌ای قبرهای تاریخی مانند آرامگاه رودلف ساعت‌ساز آلمانی مقتول درزمان شاه‌صفی و دیگر ویلهلم لوکینسن‌ولکن‌مدیر کمپانی‌هند شرقی‌هلند متوفی (۱۶۶۵) وتئو درمیرانویچ سفیرلهستان در اصفهان متوفی (۱۶۸۶) ویان‌شاندیر مدیر کمپانی هندشرقی هلند متوفی (۱۷۰۳) درآن میان قابل توجه است.[۲]

ه ـ آرامگاههای تاریخی حومه:

۱ـ آرامگاه آقاحسین خوانساری :

این آرامگاه واقع است در تخت پـولاد ودارای بقعه وگنبد وسردر آن با کاشیهای خشتی خط ثلث تزیین شده ولـی بجز یك ردیف سرکشهای حـروف در قسمت فوقانی کتیبه چیزی باقی نمانده است . قسمت عمده از مقرنسهای گچبری سقف سردرتکیه‌فروریخته است و درواقع مشرف بانهدام وویرانی‌است درصورتیکه نخستین بقعه وتکیه‌ایستکه درزمان صفویه برروی مزار یکی ازعلماء بنا شده و چون در این آرامگاه جز آقاحسین خوانساری استاد الکل فی‌الکل عده دیگری ازعلماءِ ودانشمندان مدفونند ازاینروآنجا را قبةالعلما نامیده‌اند .

آقاحسین خوانساری فرزند آقاجمال خوانساری از علمای بزرگ و مورد احترام شاه سلیمان صفوی بوده است واغلب علماءِ و فضلای آن زمان محضر درس اورا درك کرده‌اند نامبرده درتاریخ‌ذی قعده ۱۰۱۶ هجری متولد ودر۱۰۹۹هجری وفات یافت ودرتاریخ وفاتش‌چنین‌گفتند :

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۲۰.

از آسمان بجمع یکی سرنمود و گفت

« امروز هم ملایکه گفتند یا حسین »

که عدد فرد دوم شعر مفرد میشود ۱۰۹۸ وچون یکی بسرآن اضافه شود میشود ۱۰۹۹ که مطلوب همانست و نیز گفته‌اند : « ادخل جنانی » که جمع آن بحروف جمل میشود ۱۰۹۹ درحاشیه‌تذکرةالقبور (رجال اصفهان) دانشمندمعاصر ملامحمد علی معلم حبیب‌آبادی دراین‌تاریخ تردیدکرده وعلت‌آن این‌بوده‌که متن کامل آن اشعار وکلمه مورد نظر دردسترسشان نبوده و دیگر بشعرتاثیر تبریزی نیز باین‌شرح‌که درزیر نوشته میشود استناد کرده است :

تاثیر گفت از پی تاریخ رحلتش

آن دم که بود اختر طالع کفیل او

زد چاك جامه خامه مشکین‌لباس و گفت :

« رفت از میان کسی‌که نیابی عدیل او »

که بحساب جمل ۱۰۹۸ میشود وحل این‌اشکال هم‌بچند وجه ممکن است : اولا جواب نقضی وآن اینستکه تاثیر درتاریخ واقعی وفات محقق خوانساری اشتباه کرده باشد و ثانیاً شعرا در این مورد با یک سال تفاوت برای انسجام شعر غمض عین میکنند و ثالثاً مصرع‌آخر چنین خوانده شود : « رفت از میان کسی‌کو نیابی عدیل او » و با این ترتیب عدد آن بحروف جمل بالغ بر ۱۰۹۹ میشود که مطلوب است . در تکیه خوانساریها جز محقق خوانساری پسرانش آقا جمال و آقا رضی وعده دیگر از علماء مدفونند ثبت تاریخی این‌آرامگاه در گردش اداری است .[۱]

۲ـ آرامگاه بابا رکن‌الدین :

این آرامگاه درتخت فولاد درساحل جنوبی زاینده رود قرار دارد وآن مدفن بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله بیضاوی فارسی است‌که یکی‌ازعرفای معروف

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

زمان خود بوده وازفارس باصفهان آمده ودریکشنبه۲۶ ربیع‌الاول سال ۷۶۹هجری بدرود زندگی گفته و درتخت فولادکه بعدها بمزار بابارکن معروف گردید مدفون شده است . تکایا وآرامگاهائی‌که گنبد دارند بیضی شکل میباشند برخلاف گنبد بابارکن‌الدین که بنا بامرشاه عباس اول بصورت کلاههای صوفیان وقزلباشان یعنی ترک دار وهرمی‌شکل‌ساخته شده‌که خود علامت صوفیگری است وبعلاوه دوازده ترك دارد که موافق عدد ائمه اثناعشرمیباشد .

نمای حارجی بنای بقعه بابا رکن‌الدین وسردرآن کاشیکاری است . قاعده گنبد آن مخمس‌است وپنج ایوان مشابه دراطراف محوطه زیرگنبد ساخته شده و آرامگاه دریکی ازاین ایوانها واقع وسنگ مرمری بزرگ بطول درحدود ۲متر وعرض ۱/۱۶ متر روی‌آن قرار دارد . وسنگی مرمری دیگر بطول ۱/۶۳ متر و عرض ۸۹ سانتیمتر بطورعمودی نصب وکتیبه‌آن معرف مدفون میباشد . کتیبه‌آن بخط ثلث بسیار خوب برجسته چنین است :

« الاان‌اولیاءالله لاخوف علیهم ولاهم‌یحزنون . هذا قبر حجةالاولیاءالعارفین « وقطب‌الاوتاد الوالهین برهان الاتقیاء والصالحین قدوة العشاق الذاکرین کهف « الموحدین‌والمحققین‌السالك مسالك الائمة المعصومین‌العارف بالحقایق‌الربانیة « الواقف بالدقایق الملکوتیه الطائربفضاء اللاهوتیة مهبط‌الانوار ومخزن‌الاسرار « ونفحةالعطار ومقام‌الشطار ومحل‌الاستغفار رکن‌الشریعة والطریقة والحقیقة و « العرفان بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله البیضاوی وقد توفی یوم‌الاحد من یوم « السادس‌والعشرین من‌شهرربیع‌الاول سنة تسع و ستین و سبعمائة . » و حکایت از مراتب روحانیت وعرفانی‌وزهد وحقانیت اومیکند ونیزوفات اورا درتاریخ‌یکشنبه ۲۶ شهر ربیع‌الاول سال ۷۶۹ هجری تعیین‌کرده است .

کتیبه سردر آرامگاه که ازتاریخ بنای بقعه وگنبد حکایت دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« بتأیید الله الواحد الباقی قدارتفع عمارة هذه‌البقعة الملکوتیة فی‌ایام‌دولة

«کلب سدة علی بن ابی طالب صلوات الله وسلامه علیه عباس الحسینی بهادرخان خلدالله »
« تعالی ملکه وسلطانه الی یوم القیام وتمت بحسن اهتمامه والانقیاد لاوامره الامر »
« یؤمئذ لله تعالی کلب الفقراء محمد صالح الاصفهانی المولوی ۱۰۳۹ » .

ازاین کتیبه سه نکته معلوم میگردد یکی اینکه بابارکن الدین درزمان شاه عباس مورد احترام بوده است ودیگر اینکه شاه عباس که در اغلب کتیبه‌ها برالقاب خود افزوده است دراین مورد ازآن کاسته است .

سومین نکته اینکه محمد صالح نویسنده کتیبه غیر ازمحمد صالح امامی است وخطاط آن محمد صالح اصفهانی مولوی است .

این آرامگاه درسال ۱۲۰۰ هجری تعمیر گردیده است وکتیبه آن برلوحی سنگی بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« چون ازتصاریف دوران شرفات مقصوره بابارکن الدین را انهدام ساری واز»
« تقالیب ایام وحدثان زمان غرفات معموره حصن حصین اورا انهدام طاری گردیده »
« بود ازآنجاکه مشیت واراده جناب رب الارباب برابقاء وعدم انهدام آن بقعه شریفه »
« بود درین اوان فیروزی نشان سعادت توامان توفیق حضرت باری وتأیید جناب»
«اقدس الهی شامل حال عالیجاه رفیع جایگاه قدوة السالکین میرزا محمد نصیر بایزیدی»
« البسطامی گردیده و درصدد تعمیر و آبادی بقعه رفیعه و خانقه منیعه برآمده »
« معمور گردید دراواسط شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۰۰ ».

ومعلوم میگردد که آرامگاه درحال انهدام وخرابی بوده که بوسیله میرزا محمد نصیر بایزید بسطامی درسال ۱۲۰۰ هجری مورد تعمیر قرارگرفته‌است .

کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس گردیده است . این اثر تاریخی بموجب شماره ۲۰۱ به ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۳ـ آرامگاه پیر بکران :

این آرامگاه در دیه پیربکران در سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان در

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۳ .

لنجان قرار دارد ومتعلق است به محمدبن بکران که معاصر با اولجائیو بوده واز مشایخ بزرگ ومحققان بشمار میرفته است . بنای بقعه‌او به ایوان کسری مشابهت دارد ومعلوم میگردد هنوز درآن‌زمان ازسبك دوره ساسانیان پیروی میکرده‌اند . این‌بنا شامل سه قسمت است :

۱ ـ رواق بقعه که ازکوچه مجاورآن بصحن بقعه منتهی میگردد .

۲ـ صحن بقعه‌که دارای سقف بلند ودر اطراف‌آن ایوانچه‌ها و غلام‌گردشها قرار دارد ودیوارهای جوانب اربعه وپوشش طاق ایوان با خطوط‌کوفی بنائی‌وشاخ وبـرگ وگل وبوته‌گچبری شده آراسته‌گردیده است .

۳ـ آرامگاه ومدفن پیربکران درضلع شمالی بقعه واقع و با طاق محفوظی که درزمان صاحب قبر محل‌تدریس‌اوبوده اتصال دارد واطراف آن باگچبری‌تزیین شده است . چندکتیبه تاریخی وغیرتاریخی دربقعه وجود دارد :

۱ ـ کتیبه سردر صحن بقعه بخط ثلث برزمینه‌گل‌وبرگ بشرح زیرگچبری شده است :

« هذه‌العمارةالمباركة للشیخ‌المشایخ المسلمین محمدبن بکران فی‌ثلث و » « سبعمائة . » .

درکتاب‌گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ونیزتاریخچه‌ابنیه تاریخی اصفهان‌بجای «للشیخ» (الشیخ) نوشته‌شده درصورتیکه‌درست‌آن ازنظر اسلوب عبارت عربی‌همان (للشیخ) است نه‌الشیخ ودر عکس‌کتیبه هم دقت‌شده دراصل للشیخ‌بوده وفاصله‌ای میان لام جر وشیخ دراثر سائیدگی پیدا شده‌که همان موجب اشتباه‌گردیده است .

۲ـ کتیبه اطراف صحن بقعه دردوسطر وبارتفاع تقریبی یکمترونیم‌ازسطح بقعه واقع شده است . درسطر اول نخست‌آیةالکرسی تا والله سمیع‌علیم بخط بنائی گچبری وپایان‌آن چنین است : « صدق‌الله‌العظیم وصدق رسوله الکریم ونحن‌علی » « ذلك من‌الشاهدین والحمدلله رب‌العالمین . » .

درسطردوم‌کتیبه‌آیاتی ازسوره الدهر بخط ثلث درشت‌گچبری شده وپایان‌آن

که درضلع باختری ایوان میباشد چنین است :

« و یطعمون الطعام علی‌حبه مسکیناً ویتیماً واسیراً صدق‌الله عمل محمد » « شاه نقاش. ».

ضلع شرقی بقعه نیز دارای خطوط و تزیینات گچبری است باین ترتیب‌که ضلع مزبور دارای دوجرز و یك ایوان کوچك است ، برجرز اول نام (ابوبکر) بخط بنائی برزمینه شطرنجی در اشکال مربع بطور مکرر گچبری‌گردیده است . برجزر دوم‌کلمه (وعمر) بخط بنائی برزمینه شطرنجی وداخل مربعهای بزرگ گچبری شده و در پائین جرز مزبور بخط بنائی ساده برجسته ازآجر صلوات بر چهارده معصوم گچبری گردیده است .

درپائین این‌جرز تخته سنگی‌وجود داردکه در داخل‌آن فرورفتگی‌مشاهده میشود وعموم مردم آن‌را جای پای دلدل وبرخی‌هم جای پای اسب الیاس پیغمبر میدانند .

بنظر نگارنده باید این‌سنگ ازمزار قدیمی یهودیان بنام استرخاتون واقع درهمان قریه پیربکران به بقعه پیربکران نقل‌شده باشد .

میان دو جرز ضلع‌شرقی دریك طاق‌نما و یا ایوان کوچك بخط کوفی این عبارات گچبری شده است : « بسم‌الله الرحمن‌الرحیم » « سبحان‌الحی‌الباقی » وبر طرف جنوبی آن بخط ثلث چنین‌گچبری‌گردیده است :

« هذه‌الصفة المبارکة للشیخ المشایخ المسلمین قدوة ارباب المحققین » « محمدبن بکران قدس‌الله روح‌العزیز سنة اثنی‌عشرو سبعمائة . » ، در اینجاهم در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان الشیخ نوشته شده ولی بطوریکه در صفحات پیش نوشته شد درست آن‌للشیخ است. برضلع غربی‌نیز خطوط و تزییناتی‌گچبری شده باین‌ترتیب :

برجرز شمالی‌ضلع مزبور نام « وعثمان » بخط بنائی‌مکرربرزمینه‌شطرنجی و در داخل یك مربع بزرگ گچبری شده ودربالای آن دریك صفحه مربع بخط

بنائی ساده با آجر چنین گچبری شده :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم هوالله الذی لااله الاهو الرحمن‌الرحیم . الملك »
« القدوس . السلام . المؤمن . المهیمن . العزیز . الجبار . الملك »
« الخالق . البارى . المصور . الغفار . الوهاب . المفید . المدبر »
« الشدید . المبدى . المعید . المبید . الودود . المحمود . »
« المعبود . البعید . القریب . المجیب . العلیم . الحلیم . الکریم »
« الحکیم . » وبرجرز جنوبی آن بخط بنائی برزمینه شطرنجی نام « وعلی » گچبری شده و در طاقنمای میان ضلع مزبور بخط ثلث سوره اخلاص و برجانب جنوبی طاقنما بخط کوفی برجسته جمله : « الملك‌لله » گچبری شده است .

۲ـ کتیبه هلال دوم اطراف دیوار مشبك بخط ثلث برجسته دراطراف سنگ آیةالکرسی وبرجانب غربی آن صلوات بردوازده‌امام حجاری شده ودر ذیل آن کتیبه تاریخی آن بشرح زیرشروع میشود :

« هذاالروضة المقدسته المبارکة لشیخ المشایخ المسلمین و قدوة ارباب »
« المحققین محیی معالم‌الشریعة معظم معالم‌الطریقة کاشف‌اسرارالحقیقة حجةالحق »
« علی‌الخلق هادی‌الخلق الی الحق العارف باسرار الربوبیةالواقف بآثار الالوهیة »
« محمدبن بکران جعلهاالله روضة من‌ریاض‌الجنةفی لیلة الثلثا عاشر شهرربیع‌الاول »
« ثلث وسبعمائة عمل‌سراج » .

وبرجانب شرقی سنگ مزار چنین حجاری شده است : « اللهم صل‌علیه »
« کلما ذکره‌الذاکرون وصل‌علیه‌کلماسها عنه الغافلون حررالعبدالضعیف المحتاج »
« الی‌رحمةالله الغنی علی‌محمودبن محمد التبریزی بفیروزان » ، و بر دیوار شمالی درون آرامگاه بخطوط کوفی وثلث یك سطر در میان عباراتی باین ترتیب گچبری شده :

۱ـ خطوط کوفی مشتمل بر آیه هائی ازسوره (الفاتحه) .

۲ـ خطوط ثلث باین شرح :

« هذه الروضة المقدسة للشیخ المشایخ المسلمین قدوة ارباب المحققین محیی »
« معالم الشریعة کاشف اسرار الحقیقة واقف بآثار الالوهیة حجة الحق علی الخلق »
« محمدبن بکران نورالله قبره فی سنة ثلث و سبعمائة » .

کلمه للشیخ نیزدرگنجینه الشیخ نوشته شده ودرست آن للشیخ است. این اثرتاریخی بموجب شماره ۱۰۱ به ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

کتیبه های مربوط به پیربکران ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان نقل گردیده است .[۲]

۴ـ آرامگاه حاج محمد جعفر آباده‌ای :

این آرامگاه که بصورت تکیه‌ای برمزار حاج محمد جعفرآباده‌ای (متوفی ۱۲۸۰ هـ . ق) ازعلمای بزرگ زمان مرحوم حجةالاسلام شفتی درمجاورت مسجد ومدرسه و آرامگاه رکن‌الملك میرزا سلیمان خلف شیرازی نایب‌الحکومه‌اصفهان در سال ۱۳۱۶ هجری قمری بنا گردیده است و کتیبه سردر تکیه مزبور بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی بشعرفارسی چنین است :

« جندا از آصف دوران سلیمان زمان
رکن ملك حق‌گزار حق‌پرست حق شناس »

« آنکه‌عمرخویش‌را فرموده‌درخیرات‌صرف
حسن اعمال جنابش بی حساب و بی قیاس »

« تکیه حاجی محمد جعفر آباده‌ای
عالم ربانی آن ذخر خواص و فخر ناس »

« کرد آباد و بدین‌جعفری خدمت نمود
خدمت دین‌راکند آن حضرت اندرهرلباس »

« بهر تاریخش بزرّ جعفری طغرل نوشت :
« ازسلیمانست دین جعفری محکم اساس »

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳. ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۲۵۴ تا ص ۲۶۴ .

که میرساندمدفون‌درتکیه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای وبانی‌آن میرزاسلیمان خان رکن‌الملك در ۱۳۱۶ قمری و شاعرکتیبه طغرل بوده است و در ذیل‌کتیبه مزبور خطاط چنین معرفی شده است :

« کتبه‌العبد المذنب فتح‌الله المتخلص بجلالی غفر ذنوبه » .

۵ـ آرامگاه خاتون‌آبادی :

این‌بقعه که درزمان شاه سلطان حسین صفوی‌بنا شده در تخت فولاد واقع و دارای‌گنبدکاشی‌کاری ومدفن میرمحمد اسماعیل خاتون‌آبادی متوفی(۱۱۱۶ ه.ق) است وسلسله خاتون آبادیها و پا قلعه‌ایها و امام جمعه‌های تهران و اصفهان متحد و نسب‌آنها بحضرت امام حسین علیه‌السلام متصل میگردد ومعروف است‌که تکیه مزبور بعد از دوره صفویه دچار خرابی شده بود وبرحسب نذر شخصی نانوا تعمیر میگردد و خاتون‌آبادی راست : تفسیربزرگی در چهارده‌مجلد و تصنیفات دیگری نیز دارد . جدآنان امیرحسن از مدینه‌آمده ودر جورت وخاتون‌آباد منزل‌کرده‌اند واز اینرو به‌سادات‌خاتون‌آبادی معروف‌گردیده‌اند ودرتکیه‌خاتون‌آبادیها بسیاری ازبزرگان و علمای‌آن خانواده مدفونند .

ثبت تاریخی‌این‌تکیه درجریان است .[۱]

۶ـ آرامگاه الراشد بالله :

این بقعه‌که مطابق‌گفته مورخان و نویسندگانی چون صاحب مجمل‌التواریخ و القصص[۲] و معجم‌البلدان[۳] در شهرستان اصفهان که جی قدیم باشد درکنار نهر زاینده رود واقع‌گردیده است ودرگذشته مسجد جامع شهرستان و مناره‌آن هم در همین‌حدود بوده است .

اینك فاصله بقعه تاشهر اصفهان درحدود چهارکیلومتر است ودارای‌آثاری مخروبه ویك‌گنبد آجری می‌باشد ودر داخل‌گنبد صورت دوقبروجود داردکه‌بدور

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۸ .

۲ـ مجمل‌التواریخ والقصص ص۴۵۴. ۳ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص۲۰۲.

آنها ضریحی از چوب قرار گرفته ومردم ساکن قریه معتقدند که شاهزاده ابراهیم وحسین‌بن زیدبن حسن‌بن علی درهمانجا مدفونند درصورتیکه گفتیم مورخان و نویسندگان معتقدندکه بقعه مربوط به‌الراشد بالله میباشد .

ولی‌بنظر نگارنده این‌بقعه محل ومدفن همان دوتن ازامامزادگان می‌باشد و جائی‌که مدفن‌الراشد بالله بوده درزمان غلبه تشیع ازبین‌رفته است واین نکته هیچ منافاتی‌را بین‌قول مورخان ومردم محل‌ایجاد نمیکند بلکه جمع‌بین‌آن دوخواهد بود ومؤید این‌نظراست گفته عمادکاتب : «ودفن الراشد بالله فی‌مدینةجی وافردت» « لهتربة فی جامعها و صار الی‌الیوم موضع قبره عن‌اشرف مواضعها » که خود در (۵۷۰ هـ . ق) وفات یافته باینکه در نیمه دوم قرن ششم هجری آن آرامگاه در جامع شهرستان بالاستقلال وجود داشته وبدیهی است پس‌ازغلبه تشیع در قرن نهم ببعد از میان رفته است و معلوم می‌گردد مردم محل این بقعه را آرامگاه آن دو امامزاده‌دانسته‌اندنه‌الراشدبالله‌وروی همین‌اصل‌هم‌دردوقرن‌اخیر درصدد برآمده‌اند که‌گنبد بقعه را کاشیکاری‌کنند وچند قطعه‌کاشی فیروزه‌ای نصب‌گردیده‌که مقداری ازآن ریخته است .

واینکه درفهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران گفته شده که در مجاورت بقعه دومناره سلجوقی برجای مانده درست نیست[۱]

این‌گنبد در داخل تزییناتی ندارد ولی‌درسال (۱۳۱۶ هـ . ق) بوسیله‌بانوئی بنام افتخارالدوله تعمیری ازآن بعمل آمده وماده تاریخ‌آنرا علیرضا متخلص به انجم چنین سروده است [۲].

افتخارالدوله از باب کرم　　گشت باعث بهر تعمیر حرم

انجم بیدل بتاریخش بگفت:　　بود الف وسیصد و شانزده رقم

در داخل بقعه کتیبه‌ای بخط کوفی برجسته برزمینه گچ رنگ‌آمیزی‌شده چنین است :

۱- فهرست‌بناهای تاریخی‌واماکن‌باستانی ایران‌ص۳۲.　　۲- تاریخچه‌محله خواجوص۶۲.

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم فی‌بیوت اذن‌الله ان‌ترفع‌ویذکر فیها اسمه یسبح‌له»
« فیها بالغدو والاصال . رجال لاتلهیهم تجارة ولابیع عن‌ذکرالله واقام‌الصلوة وایتاء »
« الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه‌القلوب والابصار. لیجزیهم‌الله احسن ما عملوا و»
« یزیدهم من‌فضله والله یرزق من‌یشاء بغیرحساب. »

کتیبه مزبور میرساند که بقعه از ملحقات مسجدی بوده کـه در آن عبادت میشده است وبمرور زمان آثار مسجد ازمیان رفته وهمان بقعه باقی مانده است . واین نکته مؤید قول عمادکاتب میباشد این‌اثرتاریخی بموجب شماره ۳۵۰ به ثبت تاریخی رسیده است [۱].

۷ـ آرامگاه میرمجدالدین اسمعیل باب‌الدشتی :

درصفه شمالی شبستان گنبد دار مسجد قطبیه قبری است که میان مـردم معروف به امیرقطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی‌است ولی‌سنگ‌مزارحکایت داردکه مدفن میرمجدالدین اسماعیل ابن‌حضرت‌عمدة الاکابر فی‌الزمان امیرمظفربن امیرمسعود باب‌الدشتی وکتیبه آن چنین است :

« وفات عالیجناب . . . . خلف الاکابر العظام میرمجدالدین اسماعیل‌ابن »
« حضرت عمدةالاکابر فی‌الزمان امیرمظفربن امیرمسعود باب‌الدشتی فی‌شهرصفر »
« سنة خمس وخمسین وتسعمائة » .

مگـراینکه گفته شود قسمتهائی‌که بعد از کلمه عالیجناب ساقط شده نام امیرقطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی بوده واو خلف میرمجدالدین اسماعیل بوده است .

این‌مقبره و مسجد قطبیه و سردر آن ضمن‌شماره ۲۱۸ ـ ۱۳/۹/۲۲به ثبت تاریخی رسیده است .[۲]

۸ـ مقبره میرزا رفیعا نائینی :

این‌بقعه بفاصله زیادی ازراه شیراز درتخت‌فولاد درمحوطه قرودگاه اصفهان

۱ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۲. ۲ـ فهرست‌بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۳ .

واقع ودارای گنبدی جالب میباشد وآنجامدفن رفیع‌الدین محمدبن‌حیدر معروف به میرزا رفیعا نائینی از علمای بزرگ و کامل عصر شاه صفی و شاه سلیمان سفوی است‌که کتاب شجره‌الهیه را درکلام بفارسی بنام شاه صفی وخلاصه آن‌کتاب‌را نیز بنام ثمره الهیه تألیف‌کرده است . ازتألیفات او شرح براصول‌کافی وحواشی دیگر است‌که‌شرح آن‌را نگارنده درکتاب آتشکده اردستان[1] نگاشته‌ام‌وطالبان می‌توانند مراجعه‌فرمایند ، وشجره الهیه‌را نیز با تطبیق‌چند نسخه خطی مهذب آنرا تنظیم وبرای طبع بکتابخانه آستان قدس رضوی تقدیم‌کردم .

کتیبه سنگ آرامگاه میرزا رفیعا که دریکی از گوشواره‌های محوطه زیر گنبد قرار دارد بخط نستعلیق برجسته این‌اشعاررا دربردارد :

« فلك سنگ غم زد بجام رفیع — نمود آسمان تلخ کام رفیع »
« بگاه هدایت بتك رشته بود — کلام کلیم و کلام رفیع »
« درآفاق و انفس تجلی نمود — بلندی اقبال و نام رفیع »
« چه بنمود از بعد هشتاد و پنج — ز دنیی وطن درمقام رفیع »
« بتاریخ فوتش خردمند گفت : — « مقام رفیع مقام رفیع »

۱۰۸۲

دراطراف گنبد بخط بنائی مشکی برزمینه آجری نخست عبارت « قال‌الله تبارك وتعالی » وسپس آیةالکرسی وپایان آن باین عبارات : « صدق‌الله العظیم و «صدق رسوله النبی‌الکریم‌ونحن علی‌ذلك من‌الشاهدین والشاکرین والحمدلله رب » العالمین » ختم می‌گردد .

کتیبه گردنه گنبد بخط بنائی سه رگی برزمینه آجری این‌کلمات خوانده می‌شود :

« یابرهان . یاغفران . یا سبحان . یا مستعان . یا دیان . یا »
« سلطان . یا حنان . یا منان . یا دیان . یا رضوان . »

۱- آتشکده اردستان بخش۲ ص۲۷۸

میان پشت بغلهای اطراف نیز بخط بنائی لاجوردی برزمینه سفید اسامی محمد وعلی تکرارگردیده است .

این کتیبه‌ها ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان اقتباس شده است .[۱]

نسبت به‌ثبت تاریخی این‌تکیه اقدام شده است .[۲]

۹ـ آرامگاه میر :

این آرامگاه درتخت‌فولاد درتکیه‌ای‌که محتوی اطاقها و حجراتی‌است واقع گردیده ومحل‌آرامگاه درهوای آزاد وبرسکوئی بزرگ و مرمرین بطول ۳/۶۰ متر وعرض ۱/۹۰ متر و ارتفاع بیش ازیکمتر قرار دارد و طبق مفاد کتیبه‌ایکه برجانب غربی‌سنگ قبربخط ثلث‌برجسته‌خوانده‌میشود مدفون‌درآن میرابوالقاسم فندرسکی فرزند میرزا بیك‌بن صدرالدین موسوی حسینی فندرسکی ازحکمای بزرگ عصرصفویه واساطین‌عرفاء ودانشمندان بنام بوده‌که در۱۰۵۰ هجری قمری بدرود زندگی گفته است. اشعار فارسی حکیمانه اومشهور ومطلع قصیده معروفش: چرخ بااین‌اختران نغز وخوش وزیباستی زبانزد خاص وعام است و شروحی برآن نوشته‌اند وآن‌کتیبه چنین است : (ش۱۰۱)

« الاان اولیاءِ الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون»

« هذا مرقدقدوة الاولیاءِ وزبدة الاوصیاء معتضدالاصفیاء معتمدالعرفاء قاید »

« السالکین والعاشقین‌هادی‌الموحدین والمتألهین‌السایرفضاء الجبروتیة والطایر »

« فی‌هواءِ اللاهوتیة عارف عوالم الالوهیة مالك ممالك الملکوتیة قطب‌الذین »

« لاخوف علیهم ولاهم یحزنون مرکز دایره‌بل‌احیاء عند ربهم یرزقون اعلم‌علماء »

« المتبحرین افضل فضلاء المتفردین جامع المعقول مجمع الفروع و الاصول »

« سیاح بوادی الایقان سباح بحارالعرفان الفانی فی‌الله و الباقی بالله سیدسادات »

« العظام سنداسناد الفخام‌السید ابوالقاسم الفندرسکی قدس‌سره الزکی‌وکان‌وفاته »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان از ص۶۳۱ تا ص۶۳۳. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .



(شکل ۱۰۱)

« الف وخمسین من‌هجرة النبوی ۱۰۵۰ » .

دراطاق مجاور آرامگاه غزل : روضه خلدبرین خلوت درویشان است بخط نستعلیق گچبری شده وخیلی استادانه گچبری گردیده که میتوان گفت گچبرهم مانند میرعمادکه در خط تفوق داشته درگچبری استاد مبرز بوده است . (ش۱۰۲)

بردیوار مقابل درورودی اطاق اشعار زیرگچبری شده :

« جای فیض علی چوتکیه میر — شد ز فیض خدای فیض علی »

« فیض‌فیاض‌گشت وشد تاریخ : — « این‌مکان باد جای فیض علی »

***

« علی را قدر پیغمبر شناسد — که هرکس‌خویش‌رابهترشناسد »



(شکل ۱۰۲)

هرچند تصریح نگردیده که کسی در آنجا مدفون شده ولی ازمفاد دو شعر اولی استنباط میگردد که در سال ۱۱۹۳ هجری قمری شخصی بنام فیض علی در آنجا مدفون‌گردیده است .

سران‌ایل‌بختیاری‌مانند حسینقلی‌خان ایلخانی‌بختیاری‌مقتول‌در۱۲۹۹هجری وحاج علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری و دیگران دراطاق مخصوص مدفونند .

مفادکتیبه ازکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس‌گردیده است. [۱]

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۴۳ تا ص ۵۴۵ .

نسبت به ثبت تاریخی تکیه میراقدام اداری گردیده است.[1]

۱۰- آرامگاه واله :

این آرامگاه در تکیه معروف به والهیه در حاشیه خیابان فیض کنونی و چهارباغ امین آبادسابق درباغی قرار داردکه مساحت اولیه آن دوازده جریب شاه بوده و نهر دویست و پنجاه از مغرب بمشرق درضلع جنوبی آن جریان دارد و مدفون در آن آقا محمدکاظم واله تخلص از شعراء و خوشنویسان و دانشمندان است که درسال ۱۲۲۹ هجری قمری وفات یافته است .

واله درزمان حیات سنگ مزار خود را تهیه کرد وکتیبه آن را نوشت و حجاری کرد وفقط جای تاریخ مرگ را خالی گذارد وپس ازمرگش کتیبه تکمیل وبرمزارش نصب شد .

کتیبه سنگ آرامگاه بخط نستعلیق زیبا بقلم خود او باستثنای رقم تاریخ که بعد اضافه شده بر سنگ مرمر شفاف نفیسی یعنی بطول ۱/۷۰ متر و عرض ۸۵ سانتیمتر چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله الذی لایبقی الا وجهه و لایدوم الاملکه »
« والصلوة والسلام علی‌محمد وآله اما بعد فهذا مرقدی وانا تراب اقدام‌العلماء و »
« الحکماء والعرفاء الذین‌لاخوف‌علیهم ولاهم یحزنون‌والفصحاء والبلغاء والشعراء »
« الذین ورد فیهم ان‌الله کنوزا تحت‌العرش مفاتیحها السنة الشعراء وهذا اعتقادی »
« واعتضادی ان‌الله تعالی واحد بالذات ظاهر فی‌الذوات وقلت فیه :

« ای چشم خرد عاجز از دیدن ذات تو
پنهان‌تری از پنهان با این همه پیدائی »

« وان محمداً صلی‌الله علیه عبده ورسوله وان الائمة الاثنی عشر اوصیائه »
« وان ماجاء به‌النبی حق و انا المستغرق فی‌بحار معرفةالله العزیز بحیث قلت »
« و اقول :

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .

« تراخواهم نخواهم رحمتت گر امتحان خواهی
در رحمت برویم بند ودرهای بلا بگشا »

« یا معشر الناس اوصیکم بترك اللذات وحب الشهوات لانی عشت فی الدنیا »
« بالراحة والفخامة بحیث حصلت لی نهایة اللذة والعزة وعاقبة الامر وجدت راحتها »
« الماً وعزتها ذلة ونلتمس من الاخوان المخلصین و نرجوا من الاخلاء الصادقین »
« اذا مرو علی هذا المضجع اسرونی بقرائة الفاتحة ولاینسونی بدعاء اللایحة لانی »
« مجرم ومشتاق بلقاءالله المتعال ولما قال النبی صلی الله علیه وآله من کتب بحسن »
« الخط بسم الله الرحمن الرحیم دخل الجنة بغیر حساب کتبت بیدی فی مرض الموت »
« وانا محمدکاظم المتخلص بواله الاصفهانی ۱۲۲۹ . »

پس ازوفات واله چون مورد توجه صدر اصفهانی بود دستور داد بقعه‌ای بر آرامگاه اوبناکنند ودرآن موقع حاج محمد حسین‌خان لقب نظام‌الدوله داشت و پس‌از بناء این کتیبه که شاعرش آقا محمد طلعت اصفهانی وخط آن نستعلیق‌است در اطراف بقعه گچبری گردید :

« بعهد خسروگیتی‌پناه‌گردون حکم — خدیو مملکت‌آرا شه بلند اقبال »
« ابوالمظفر خاقان عهد فتحعلی — که‌فتح‌ونصرت ازوگشته‌اندفرخ‌فال »
« هم‌ازعنایت خان سپهر پایه حسین — نظام دولت شه‌کامدش همال محال »
« ستاره حکم‌وفلك قدر حضرت‌واله — که‌ذات‌اوست بلنداختر ونکواقبال »
« زهمنشینی‌اهل‌زمان‌چوشددل‌تنگ — زبی‌ثباتی کارجهان چو یافت ملال »
« برای‌مدفن‌خودساخت‌این‌نکوبقعه — که‌خودبهشت نشان‌آمدوسپهرمثال »
« غرض‌چوگشت‌تمام‌این‌بناکه‌بنیانش — مباد تا بقیامت ز دور چرخ زوال »
« نوشت‌خامه‌طلعت‌برای‌سال‌که:«باد — دراین‌سپهر نهان آفتاب‌اوج‌کمال »
۱۲۲۹

نسبت به ثبت تاریخی تکیه والهیه اقدام‌گردیده است . کتیبه عربی‌ازتذکرة القبور[۱] وکتیبه فارسی ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] اقتباس‌گردیده است .

۱ـ تذکرةالقبور از ص۲۳ تا ص۲۵ـ ۲ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۷۵۹ تا ص ۷۶۰ .

۱۱ ـ آرامگاه پرفسور پوپ :

این آرامگاه درکنار رودخانه زاینده رود درباغی قرار دارد ومدفون در آن ایرانشناس‌سترگ و دانشمند بزرگ جهانی پرفسور آرتور آپام‌پوپ امریکائی است که عمرخودرا صرف شناسائی هنرایران کرده وکتابها درباره‌آن تألیف‌کرده است.

ماسوف علیه دراین اواخربرطبق تمایلات قلبی خود در شیراز اقامت داشت وخود را بابحث درایران وهنرهای آن سرگرم می‌کرد و پس از گذشتن یك عمر طولانی‌چون مرگ خودرا روبرو میدید وصیت‌کردکه پس‌از مرگ اورا دراصفهان که معشوق واقعی اوبود دفن نمایند وبرحسب وصیتش چنین کردند وجنازه او را درباغی درکنار زاینده رود با تجلیل تمام دفن‌کردند وبرمزارش بقعه‌ای ساختند و اینك عاشقان هنرایران وایران دوستان ازمقبره‌اش دیدن می‌کنند .

پرفسور در ۱۲۶۵ شمسی‌متولد ودرنیمه شب چهارشنبه ۱۳۴۸/۶/۱۹شمسی درشیراز بدرود حیات گفت وهنگام مرگ همسر وعده‌ای از دوستانش حاضربودند وهمانطورکه گفته شد نعشش باصفهان نقل و درآنجا مدفون گردید .

پرفسورپوپ درباره ایران وهنرآن تألیفات بسیاری دارد ازآن جمله :

بررسیهای هنرایران درشش‌مجلدبزبان انگلیسی‌است‌که بعضی از مجلداتش ترجمه شده وشامل پنجهزار تصویر رنگی‌سیاه وسفید و متجاوز از سه هزار صفحه تحقیقات وتتبعات بقلم قریب هفتاد نفر ازمحققان و ایران شناسان معروف جهان است وتمام هنرهای ایران ازجمله معماری وسفال سازی وفلزکاری و منبت‌کاری و مجسمه سازی ومفرغ کاری وگچبری ونقاشی وتذهیب وتجلید وکتابت و میناتور و قالی‌بافی‌را دربردارد .[۱] (ش ۱۰۳)

۱۲ـ سنگ نبشته پیربکران :

این سنگ نبشته‌که بطول ۹۵ وعرض ۷۵ سانتیمتر است در هنگام تجدید ساختمان سقف‌کتیبه حضرت یعقوب در قبرستان قدیمی یهودیان اصفهان بنام

۱ـ مجله هنرومردم شماره ۸۴ مهر۱۳۴۸ .



(شکل۱۰۳)

استرخاتون(سارح‌بت‌آشر) واقع‌دردیه پیربکران‌سی‌کیلومتری جنوب‌غربی‌اصفهان درسالهای ۱۳۲۳ـ۱۳۲۲ شمسی‌از زیرخاکهای‌کنیسه بدست آمده وبر دیوار یکی ازطاقنماهای داخل‌کنیسه نصب شده است .

ترجمه‌کتیبهٔ لوح آن بخط و زبان عبری برجسته شامل آیاتی از توریة و تاریخ تحریر ونصب آن ازاوایل قرن دوم مسیحی چنین است :

« دروازه‌های عدالت را برای من‌بگشایید . بآنها داخل شده خدا را حمد» « خواهم گفت . دروازه خداوند اینست . عادلان بدان داخل خواهند شد . واین» « سنگ‌را که چون ستون برپاکردم بیت‌الله شود و آنچه بمن بدهی ده‌یك آنرا » « بتوخواهم داد اینك من‌فرشته‌ای پیش‌روی تو می‌فرستم تا ترا درراه محافظت » « نموده بدان مکانی‌که مهیاکرده‌ام برساند خداوند برای شما جنگ خواهدکرد » «وشما خاموش‌باشید بتاریخ پنجشنبه‌بیست و هشتم ماه آب سال ۳۸۹۰ از خلقت »

« آدم‌خداوند این‌ماه عزارا (مقصودماه آب است که‌ماه سوگواری یهودیان میباشد) »
« بشادی مبدل‌نماید . سلام‌برتمام افراداسرائیل . غلام این‌درگاه داودبن یعقوب. »

نسبت به ثبت این‌سنگ تا کنون اقدامی نشده است . مفاد سنگ نبشته مزبور ازکتاب گنجینه آثارتاریخی اصفهان نقل‌گردیده است.[1]

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۲۸ تا ص۲۹ .

گفتار سوم :

در آثار و ابنیه موجود و معمور شهرستانهای استان اصفهان:

الف ـ شهرستان اردستان :

۱ ـ جمعیت و مساحت شهرستان اردستان :

جمعیت شهرستان اردستان ۴۴۰۰۹ نفر و مساحت آن ۱۱۲۹۳ کیلومتر و مرکز فرمانداری آن شهر اردستان و جمعیت شهر بالغ بر ۶۶۴۵ نفر است[۱] .

۲ـ اماکن تاریخی شهر اردستان :

یکم ـ مسجد جامع :

مسجدجامع اردستان بطوریکه ازگفته مقدسی[۲] که درقرن‌چهارم میزیسته معلوم میگردد تازه معمورگردیده بوده‌است وبااین ترتیب بایدگفت مسجد معمور در آن زمان همان مسجدکوشك مانند سبك‌عربی بوده‌که پس‌ازطلوع اسلام درایران رواج‌یافته بود وهمانطوریکه‌درباب مسجدجامع اصفهان بیان‌گردید چون‌آن سبك با ذوق ایرانی وفق نمیداد بتدریج بمساجدگنبدوار چهار ایوانی تبدیل‌گردید ودر مسجد جامع‌کنونی اردستان قسمتهائی وجود داردکه باقی‌مانده مسجدکوشك مانند

۱ ـ نامه شماره ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ـ۱۳۵۰/۶/۲۰ وزارت‌کشور .

۲ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۴ .

است ودروافع تاریخ وسرگذشت مسجدرا تعیین میکندکه ازکوشك مانندی به‌مسجد گنبدوار چهارایوانی تبدیل شده‌است . (ش۱۰۴)



(شکل۱۰۴)

مؤلف مرآت‌البلدان ناصری در جلد چهارم راجع بمسجد جامع اردستان چنین گفته است : (ش۱۰۵)



(شکل۱۰۵)

« جامع اردستان: »

« مسجدی است بسیارعالی وباصفاکه دارای چهارایوان بزرگ میباشد، در »
« سمت قبله ایوان وگنبد رفیعی است که ظاهراً کمال شباهت را بگنبد حضرت »
« امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام دارد ، منظر این گنبد زایدالوصف »
« مطبوع وخوش وضع ودر بنای‌آن‌کمال سلیقه را بکار برده‌اند ، بعضی ازاهل بلد »
« گویندکه بنّای این‌گنبد وگنبد یعسوب‌الدین علیه‌السلام یکنفر بوده‌ـ درمسجد »
« گچبریهای پاکیزه وظریف واستادانه که عبارت است ازکتیبه بخط کوفی دیده »
« میشود وچنین معلوم میگرددکه سازنده‌آن مرد صاحب صنعی بوده است . این »
« مسجد را شش در میباشد که ازچهار در آمدوشد مینمایند و دو در دیگر محل »
« عبورومرورنیست . زیرصحن مسجد بطریق سرداب شبستان بسیار بزرگی است، »
« بانی مسجد معلوم نیست از قرائن چنین مستفاد میشود که تقریباً هشتصد سال »
« قبل‌آنرا ساخته‌اند ، دراین زمان بعضی ازمواضع قریب‌الانهدام ومحتاج مرمت »
« وتعمیراست. درسمت‌غربی‌مسجدمدرسه‌ایست متصل بمسجد[۲] مشتمل برحجرات »
« تحتانی وفوقانی ودر بام متصل بمسجد ومدرسه منارهٔ بلندی است‌که درسرمناره »
« گلدسته ساخته بوده‌اند وآن‌گلدسته خراب شده وچیزی ازآن باقی نیست ولی »
« مناره برقراراست. ازطرف شرقی‌مسجدبازوصل بمسجد تکیه‌ایست[۳]که درایام »
«عاشورا وغیرها درآن روضه‌خوانی‌وتعزیه‌داری‌مینمایند درشمال مسجدایوانی‌است»
« بزرگ‌که مقابل مقصوره وگنبدواقع‌است‌درانتهای این ایوان‌دومرتبه‌چشم‌اندازی »
« باصفا دارد وباغی بزرگ‌که مشجر باشجار مختلفه‌میباشد نظرمیکند فی‌الحقیقه »
« محل تفرج وتفریح است و در ایام تابستان‌که باد شمال میوزد برای آسایش و »
« راحت بهترین جائی از جاهای آن نواحی است . در جانب جنوب این مسجد »
« آب‌انبار بسیاروسیع معتبری است‌که درفصل زمستان آنرا مملو ازآب میکنند »
« ودرتمام بهار وتابستان بمصرف میرسانند وکافی است واین آب باوجود عذوبت »

۱ ـ سال تألیف مرآت‌البلدان ۱۲۹۶ هجری است . ۲ ـ منظور مدرسه حاجی حسین نورالدین است. ۳ـ مقصود تکیه سلطان‌بیك درمحله رامیان است.

« وگوارائی در تابستان چندان سرد است که گوئی آنرا با یخ باین درجه برودت »
« رسانیده‌اند . » .

میرزا علیخان نائینی روزنامه نگار ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در گزارش خود راجع بامور جغرافیائی کشور نسبت بمسجد جامع اردستان چنین گفته :

« . . . . پس‌ازآن به مسجد جامع رفتم برکتیبه مسجد بکچبری آیات »
« مبارکات ترسیم شده ودرآخررقم نموده که امر ببناء هذه‌البقعة والقباب الاربعة »
« العبدالضعیف ابوطاهرابن‌الحسین‌بن‌عالی‌بن‌احمد تقبل‌الله‌منه فی‌سنة‌ثلث‌وخمسین »
« وخمسمأته انتهی‌که الحال[1] هفتصدوچهل‌وهفت سال میشود بهیچوجه فتوری »
« درآن راه نیافته است ، اما قبه دراثرزلزله شدیدی‌که دراین اواخرشده شکفتی »
« راه یافته‌است ایوان برابرگنبد نیزکه ایوانی بس‌عالی‌است‌ودرعهد شاه طهماسب »
« بزرگ باهتمام و خرج سلطان بك نام که حکومت اردستان داشته ساخته شده »
« دیده شد واین ایوان را بصفه‌صفا موسوم ساخته است والحق اسمی بامسمی است »
« زیراکه طرف پشت‌آن مشرف بربساتین ومیاه باصفا میباشد وجانب مقابل‌صحن »
« با روح و فضا برسرقبر سلطان بیك نیزکه درمحله رامیان واقع است بیتی چند »
« برسرسنگ حك نموده‌اند که در جمله این مصراع است : شد بانی صفه صفا »
« سلطان‌بیك . » .

ازنوشته مرآت‌البلدان معلوم‌گردیدکه اصولاً راجع بجامع اردستان تحقیق وتوجهی نشده و حتی از بانی آن هم بی‌اطلاع بوده‌اند ولی باید از روزنامه نگار مزبورتشکرکردکه لااقل توجه کرده ولی دراثرعدم وجود وسائل‌کار نتوانسته است درکارکتیبه‌ها و خطوط موجود در مسجد تحقیق جامعی بنماید .

مسجد جامع اردستان مطابق اولین‌کتیبه تاریخی در۵۵۳ وآخرین‌کتیبه در ۹۴۶ و نیز میان سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ هجری قمری دوره فرمانروائی امیرجمله

---

۱ ــ یعنی درتاریخ ۱۳۰۰ هجری قمری .

ویا امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی‌که تاسال ۱۱۱۷ حیات‌داشته درجریان بنا وتعمیرات بوده ونیزدردوره اخیر پهلوی هم تعمیراتی ازآن بعمل آمده است . اما وضع‌کنونی مسجد مزبور چنین است :

مسجد جامع اردستان راشش در بوده که دو درآن غیرقابل ایاب و ذهاب و چهار در آن مورد تردد واخیراً یکدردیگرنیزمسدود شده است . این مسجد دارای چهار ایوان است :

الف- ایوان جنوبی:

این ایوان‌که دربالای‌آن‌گنبد است بسیار باشکوه وتزییناتی داردکه مربوط بدوره سلجوقی است وکتیبه‌آن بشرح زیر است :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه سنة ولانوم‌له‌ما »
« فی‌السموات ومافی‌الارض من‌ذاالذی یشفع عنده الاباذنه یعلم مابین ایدیهم و ما »
« خلفهم ولایحیطون بشئی من‌علمه ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم . امربیناء »
« هذه‌الصفة ایضا و الرواق‌التی هی عن یمینها و الرواقی اللتین عن یسارها العبد »
« الضعیف ابوطاهر الحسین‌بن غالی‌بن احمد تقبل‌الله منه وفرغ‌منه فی‌سنة خمس »
و خمسین وخمسمائة عمل محمودبن محمد. ». (ش ۱۰۶)

محراب بزرگ زیرگنبد جنوبی دارای هفت ردیف کتیبه بخط کوفی و ثلث میباشد که ازخارج بداخل بشرح و ترتیب زیراست :

۱ـ آیه ۸۰ تاآخر آیه ۸۴ سوره (اسری) (از اقم‌الصلوة لدلوك الشمس تا ولایزیدالظالمین الاخساراً) بخط‌کوفی و نیز : (صدق‌الله‌العظیم) .

۲ـ آیه ۷۶ تاآخرسوره حج بخط ثلث .

۳ـ ازاول سوره مؤمنون تاآخرآیه ۵ بخط‌کوفی .

۴ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم رب‌اجعلنی مقیم‌الصلوة (آیه ۴۲ سوره ابراهیم) بخط ثلث .

۵ ـ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شهدالله انه لااله الاهو تا ان‌الدین عندالله الاسلام

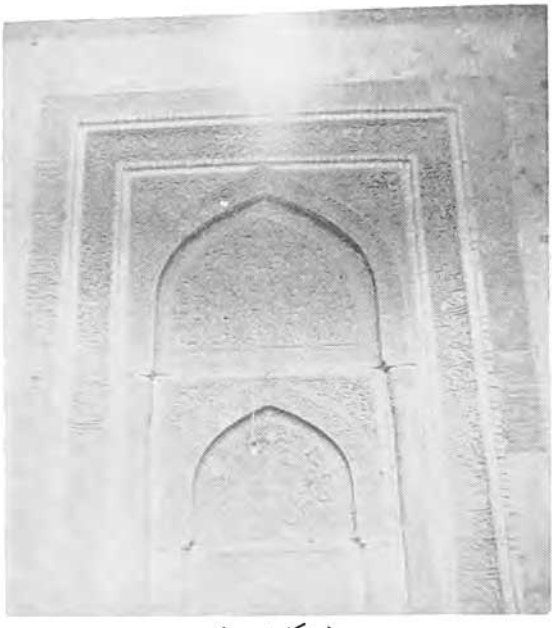

(شکل۱۰۶)

بخط ثلث (آیه ۱۶ آل عمران) .

۶ ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم واقم الصلوة طرفی‌النهار و زلفا مـن اللیل ان الحسنات یذهبن‌السیئات ذلك ذکری للذاکرین (آیه ۱۱۶ سوره هود)بخط‌کوفی . (ش۱۰۷)

۷ـ خطوط داخل محراب مخدوش شده است .

۲ـ محراب کوچك قبه های شرقی مسجد :

درمحراب مزبور کتیبه‌هائی بشرح زیرخوانده میشود :

یکم ـ از اول‌تاآخرآیه ۵ سوره مؤمنون بخط ثلث .

دوم ـ در داخل محراب سوره توحید بخط کوفی نوشته شده ولـی دراثر



(شکل۱۰۷)

مرورزمان سائیده ومخدوش شده است . (ش ۱۰۸)

۳ـ محراب کوچك قبه‌های شرقی (محراب کناری) :

درمحراب مزبورکه درکنار محراب بزرگ واقع شده‌کتیبه های زیرخوانده می‌شود :

یك ـ آیات ۹۸ و ۹۹ سوره الحجر « فسبح بحمد ربك وکن‌من‌الساجدین. واعبد ربك حتی‌یأتیك‌الیقین » .

دو ـ آخرین آیه سوره‌کهف: « قل‌انما انا بشرمثلکم یوحی‌الی انما الهکم



(شکل۱۰۸)

اله واحد فمن‌کان یرجو القاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً ولایشرك بعبادة ربه‌احداً»
(ش ۱۰۹)

ب- ایوان شمالی معروف بصفه صفا :

این ایوان دارای تزیینات گچبری بسیار زیبا باشکال مختلف میباشد و نام بانی وتاریخ بنا در یکی از کتیرالاضلاعهای سمت راست علی‌بن احمد الطباطبائی الزواری وتاریخ‌آن ۹۴۶ نوشته شده ودرکتیرالاضلاع‌دیگر نام بنای‌آن استادحیدر علی‌المعمارالاردستانی خوانده میشود ومطابق‌آنچه برسنگ مزار سلطان‌بیك‌حاکم اردستان نوشته‌شده حاکی است‌که اوساعی بوده نه‌بانی ومعلوم می‌شودکه تعمیرآن



(شکل۱۰۹)

در زمان‌حکمرانیش در اردستان تحت‌نظر ومراقبت وسعی اوانجام شده‌است وهمین مضمون‌را اشعار منقور برسنگ مزارش واقع درتکیه سلطان بیك درمحله رامیان حکایت میکند وآن چنین است :

« مقبول خدا ومصطفی سلطان‌بیك هم چاکر شاه اولیا سلطان‌بیك »

« در دور ظهور شاه طهماسب ولی شدساعی صفه صفا سلطان‌بیك »

« فی‌سنة اربع وسبعین وتسعمائة »

وتاریخ ذیل اشعار مربوط بوفات سلطان بیك می‌باشد ، پس اینکه در بعضی

مواضع[۱] نوشته‌اند[۲] که بانی صفه صفا سلطان‌بیك بوده[۳] در اثر این اشتباه بوده که مصرع آخر اشعار را بجای ساعی (بانی) خوانده‌اند.

وتاکنون بانی این صفه معلوم نبود ودوست فرهنگ پژوه ارجمندم آقای حاجی سید نصرالله هاشمی اردستانی که درخدمت وزارت فرهنگ وهنر می‌باشد این نکته را دریافت و باستحضار نگارنده رسانید و نیز عکسها و توضیحات دیگری داده‌اند که ارزش بسزائی دارد. توفیق نامبرده و برادرش آقای احسان‌الله هاشمی را در اینگونه امور ازخداوند مسئلت دارم و بدینوسیله سپاسگزاری می‌کنم.

درضلع شرقی ایوان شمالی (صفه صفا) دوکتیبه که عبارت ازآیةالکرسی ودیگری صلوات برچهارده معصوم است بخط ثلث گچبری شده است[۴]. (ش۱۱۰)



(شکل ۱۱۰)

۱و۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۱۹.

۲ ـ آتشکده اردستان بخش اول ص۳۲.

۴ ـ گزارش میرزا علیخان نائینی.

و برضلع غربی آن نیز این دوکتیبه خوانده میشود :

۱ـ « اما بعد حمدالله العلی المحمود فی کل فعاله والصلوة والسلام علی النبی »
« محمد و آله فقد سعی واهتم ببناء هذه الصفة الصفا والغرفات المتصلات شرقیاً وغربیاً »
« وشمالیاً تحتانیاً وفوقانیاً من خالص ماله خالصاً لله وطلباً لمرضاته المحتاج الی »
« الملك الباری علی بن احمد الطباطبائی الزواری تقبل الله حسناته وغفر له ولوالدیه »
« فی سنة ست واربعین وتسعمائة ۹۴۶ . » (ش۱۱۱)



(شکل ۱۱۱)

۲ ـ نام معمار بنا درتعمیرات بعدی درکنارکتیبه مزبور روی گچ سیاه چنین نوشته شده : « استاد حیدرعلی معمار اردستانی ».

این استاد حیدرعلی فرزند ذوالفقار اردستانی بوده و دربنای مسجد گز نیز ازاو باین کیفیت : استاد حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی نامبرده شده است و تاریخ آن ۹۶۲ وبعداز تاریخ تعمیر صفا بوده است . (ش۱۱۲)

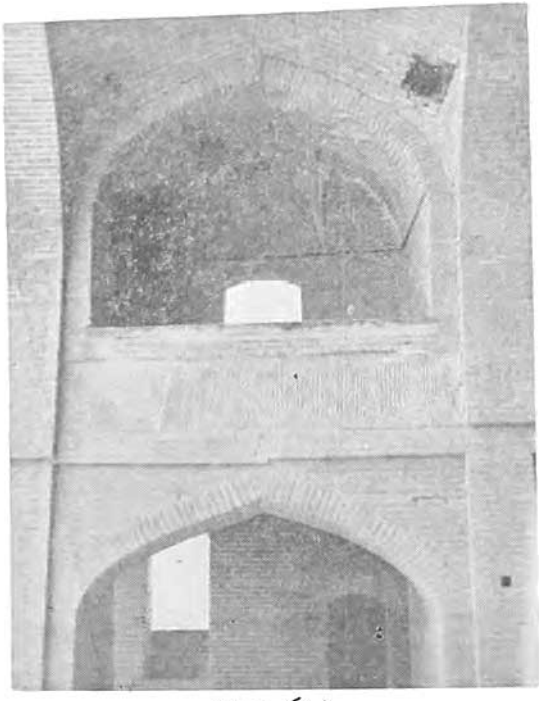

(شکل۱۱۲)

درکتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان[1]: «اما بعدحمدالله» را «امابعدحمداً لله» نوشته شده ولی بامراجعه بعکس کتیبه وازنظرصحت عبارت درست آن همان است که دربالا نوشته شد وتمام کتیبه تاریخی که نوشته شد باعکس مطابقت دارد .

اما وجه تسمیه این صفه بصفا شاید این نکته باشدکه درپشت صفه مزبور باغهای با صفا ونیز آب جاری قرار دارد . (ش۱۱۳)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۲۱۹ .



(شکل۱۱۳)

ج ـ ایوان شرقی = صفه امیر جمله :

بردرب قدیمی این قسمت مسجدکه تا حدود سال۱۳۱۴ و۱۳۱۵ شمسی وجود داشت این اشعار نوشته بود :

« ساخت این رکن مسجد بصفا جملة الملك آن سعید لقا »

وگویا اشعار دیگری هم وجود داشته که حاوی تاریخ بنا بوده است ولی مقیمی نامی که نماینده فرهنگ اردستان بوده آن درب تاریخی را تبدیل بمیز و

نیمکت برای اطفال دبستان کرده است ودرواقع گوشه‌ای ازتاریخ کشور را از میان برداشته است .

تاریخ بنای این صفه تصریح نگردیده‌است ولی‌چون امیرجملة‌الملك‌اردستانی بنام میرزا محمد سعید در هندوستان از سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ که وفات یافته میزیسته و دوره اقتدار وازمنه اشتغال او بامور خیریه در آن مدت بوده می‌توان گفت بنای صفه مزبور دریکی از سالهای دهگانه از ۱۰۶۰ تا ۱۰۷۰ هجری انجام شده است .

د ـ ایوان غربی = صفه امام حسن :

بنای‌این‌صفه‌مربوط بعهدصفویه می‌باشد ونقاشیها وتزیینات‌آن نیزکمی‌باقی است وبا اینکه درسالهای اخیر ازطرف اداره‌کل‌باستانشناسی تعمیراتی انجام شده ولی‌هنوز آثار خرابی‌درآن دیده میشود . کتیبه ایوان و تاریخ بنا از سمت شمال ایوان شروع وبسمت جنوب ختم میشود وازآغاز سوره الفتح شروع میشده‌که اول و آخرکتیبه افتاده وقسمتی ازوسط کتیبه باقی مانده است .

سوره های کوچك قرآن وآیات ودعاهای دیگر بسقف ایوان بطرز زیبائی نقاشی شده ولی‌جز قسمت کمی‌ازآنها چیزی نمانده است . (ش۱۱۴)

بطوریکه در افواه‌شایع است ودربعضی کتابها هم نوشته‌اندااین‌ایوان‌ازبناهای امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی ازاطبای دربار اورنگ زیب و معاصر شاه سلیمان وشاه سلطان حسین بوده است ولی کتیبه‌ای یا سند دیگری اکنون وجود ندارد که دلالت براین‌انتساب کند ومطلب بطور تواتر وشیاع دهان بدهان رسیده است و اما وجه تسمیه آن به صفه امام حسن برحسب رسمی است که متدینان مساجد ومعابد را بنام یکی‌از مقدسان مورد احترام می‌نامند چندسال قبل سقف دالان راهروآن خراب شده بود ولی‌مورد تعمیر قرارگرفت .

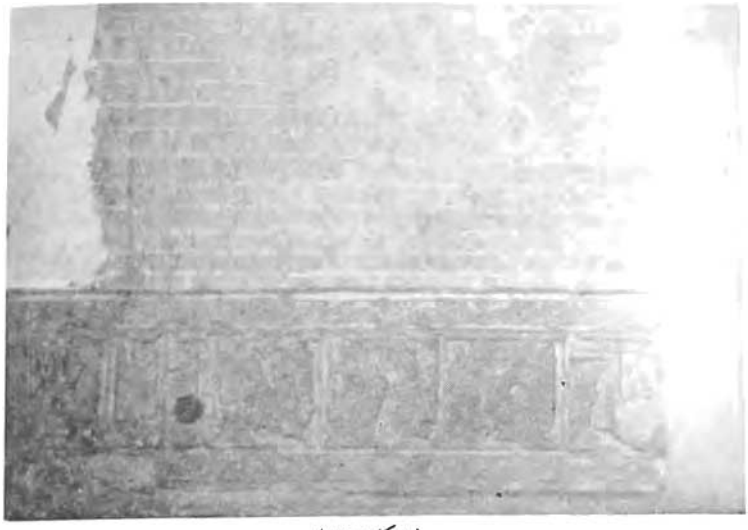

(شکل ۱۱۴)

رواق غربی :

گچبری رواق غربی بخط کوفی محتوی : « بسم‌الله الرحمن‌الرحیم » وکلمه دیگری‌که مخدوش است میباشد وبعقیده باستان شناسان مربوط بعصری است که مسجد کوشك مانند اردستان تبدیل بمسجد چهار ایوانی شده است .

درآثار ایران[1] راجع بمسجدجامع اردستان چنین‌گفته شده : (ش۱۱۵)

« مسجد جامع‌اردستان‌دارای دوتاریخ‌یکی۵۵۳ هجری درآخرکتیبه‌بزرگ»
« شبستان زیرگنبد ودیگری ۵۵۵ هجری در ایوانیکه جلوشبستان مزبور واقع »
« است ومعلوم میشودکه شبستان وایوان دریك زمان ساخته نشده لیکن درست »
« نیست، توضیح اینکه درحدود ۵۵۳ هجری‌که مسجد اولیه را بیك مسجدچهار »
« ایوانی تبدیل نمودند شبستان زیرگنبد را مقصوره اصلی قرار داده درون‌آنرا »
« ازتزیباتی‌شبیه تزیینات بناهای جدیدالاحداث پوشاندند زیرا ساختمانهائیکه »

۱- آثار ایران ج ۱ ص۱۰۷.



(شکل۱۱۵)

« ببنای اصلی افزوده شده باآن مربوط وپیوسته نیست بلکه فقط چسبیده بآن »
« احداث گردیده اینمطلب از بیرون و داخل معلوم میشود . بطوریکه گذشت »
« ساختمان‌بدوی بطورجدا درمیان بناهای‌دیگرقراردارد باضافه بردیوار جنوبی »
« از دوسمت محراب دو پنجره مشاهده میشود که در موقع وسعت دادن مسجد »
« آنهارابعلت اینکه درمحل‌تزیینات‌تازه قرار میگرفته‌مسدودکرده‌اند . بالنتیجه »
« شکی‌نمیماندکه بنای‌گنبدوار متعلق‌بتاریخ‌غیرمشخصی‌است که درحدود انتهای »
« سلطنت ملکشاه (۴۸۵ـ۴۶۵ هجری) میباشد ملحقات اولی بسالهای (۵۵۳ ـ »
« ۵۵۵ هجری) است وپس ازآن ملحقات و تغییرات دیگری وجود داشته است .»

تزیینات گچبری داخل گنبد اصلی :

قسمتی از تزیینات و گچبری های داخل گنبد اصلی مسجد مربوط بعهد سلجوقی و نیز کتیبه سقف راهرو میان گنبد و ایوان که در آن آیات ۶۲ تا آخر سوره الفرقان گچبری شده دیده میشود . (ش ۱۱۶)



(شکل ۱۱۶)

درطاق گنبد اصلی این کتیبه بخط ثلث گچبری شده است : « بسم‌الله الرحمن »
« الرحیم انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة »
« ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین .»
« امر ببناء هذا القبة والقباب الاربعة المتصلة بها والصفات اللتی هی امامها العبد »

« الضعیف الراجی برحمة‌الله تعالی ابوطاهر الحسین‌بن غالی‌بن احمد تقبل‌الله منه »
« وغفرله ولوالدیه علی‌یدی الاستاد محمود الاصفهانی المعروف بالغازی فی‌سنة »
« ثلث وخمسین وخمسأته » .

درسمت شرق وغرب گنبد اصلی چهار درگاه وجود دارد کـه دوتای آن در مشرق و رفت‌وآمد بداخل‌گنبد ازآنها میشود واز دودرگاه سمت‌غرب یکی‌مسدود و دیگری بازاست ، درطاق این‌چهار درگاه آیات قرآن بخط کوفی گچبری شده وآن آیات چنین است :



(شکل۱۱۷)

۱ - بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. ۲ـ یا ایهاالذین آمنوا اذانودی للصلوة‌من‌یوم‌الجمعة و چند آیه دیگر . ۳ - یاایهاالذین آمنوا اذکروالله ذکراً کثیراً وسجوه بکرة و اصیلا . ۴ـ لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ماعنتم. ۵ـ انماالمؤمنون الذین اذا ذکرالله و جلت قلوبهم تا آخر . (ش ۱۱۷)

مناره مسجد :

درگوشه شمال‌غربی مسجد جامع اردستان مناره‌آجری ساده وجود داردکه مقدار زیادی از آن خراب شده است ودرجنب آن مدرسه قدیمی بنام مدرسه حاجی حسین نـورالدین واقع شده که در سال ۱۰۶۹ هجری بـوسیله حاجی حسین نورالدین ساخته شده و رقباتی موقوفه دارد وطلبه‌نشین است.[۱] (ش ۱۱۸)



(شکل۱۱۸)

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۳۵ .

فرمان شاه عباس اول :

برجانب غربی مدخل دوطبقه‌ای‌که ایوان جنوبی مسجد را بگنبد سلجوقی آن متصل میکند برلوح سنگی بطول ۱/۶۰ متر و عرض ۶۰ سانتیمتر فرمانی از شاه عباس اول راجع بتخفیف مالیات مردم شیعه اردستان بخط ثلث‌درهم نصب گردیده که مفاد آن چنین است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم وبه نستعین . الملك‌لله حکم جهان مطاع شدآنکه
« درینوقت بنابر شفقت شاهانه درباره شیعیان‌الکای اردستان ازابتدای توشقان‌ئیل،
« مالوجهات ایشان راعن‌رسد یکماهه شهر رمضان‌المبارك سوای جهاتی‌که باجاره »
« میدهند بتخفیف وتصدیق مقررداشتیم مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی این‌رقم »
« عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده تغییر وتبدیل بقواعد آن‌راه ندهند وآنچه »
« بمواجب همه ساله مقرراست ازاین‌تیولداران ومواجب همه ساله برطرف دانند »
« وآنچه در اینتیول مقرر نیست وازدیوان حواله میشود مالوجهات شهرمذکور »
« را سال بسال کمتر نموده تتمه را تنخواه ارباب حوالات نمایند . تیولداران »
« الکاء مذکور حسب‌المسطور مقرر دانسته رسد یکماهه مذکور را از تیول خود »
« برطرف دانسته طلبی ازرعایا ننمایند کلانتر وکدخدایان وریش‌سفیدان الکای »
« مذکور بحقیقت برسند اگر سنی درمیان شیعیان باشد یا ازمردم محله محال »
آنجا سنی باشند بایشان تخفیف داده نمیشود و نسخه منقح آن در دست داشته »
« بدفترخانه همیون فرستند که مستوفیان عظام اعلی در دفاتر دیوان عالی عمل »
« نمایند ودانسته باشندکه اگرسندپوشیده و پنهان‌کرده باشند در دنیا بازخواست »
« خواهند شد و در روزقیامت خدمت حضرت امیرالمؤمنین وامام‌المتقین علی‌بن »
« ابی‌طالب‌علیه‌السلم شرمنده خواهند بود. تغییرکننده تخفیف مذکور بلعنت الهی،
« ونفرین‌حضرت رسالت پناهی‌گرفتارگردد میبایدکه دردعاگوئی ودوام‌دولت‌قاهره،
« تقصیر ننمایند وسواد حکم‌را برسنگ‌نقش‌نموده ودرمسجد جامع‌نصب‌وبتوجهات،
« پاینده شاهانه امیدوار باشند فی‌شهررمضان سنه اربع وعشرین‌والف.» (ش۱۱۹)

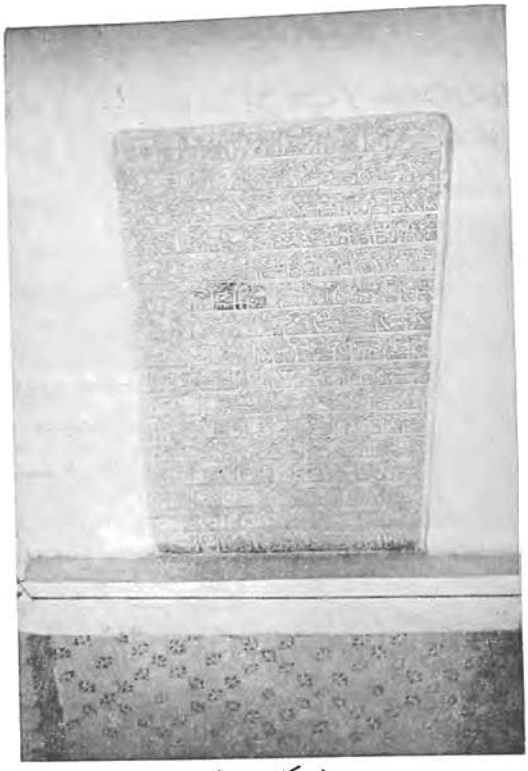

(شکل۱۱۹)

این‌مسجد بموجب‌تصویبنامه شماره۲۳۰۵ هیئت‌وزیران‌مورخ ۱۳۱۱/۴/۲۹ شمسی‌جزء آثار تاریخی محسوب[۱] وبشماره۲۸۴ نیز به‌ثبت‌تاریخی رسیده است[۲].

۱ـ آتشکده ارستان بخش۱ص۳۳.

۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص ۶۱ .

دوم ـ مسجد خسرو :

این‌مسجد سه طبقه ساخته شده ولی کتیبه و خطوط تاریخی ندارد و مطابق معروف خسرونامی برای امامت حاجی ملاعبدالعظیم‌بن محمد تقی‌آرانی بیدگلی مقیم زواره واردستان متوفی درحدود ۱۲۵۰ هجری بناگردیده است (ش۱۲۰)



(شکل۱۲۰)

مساجد: چهارسوق ـ مسجدجوی مسگر ـ مسجد کوچك ـ مسجد باب الرجی ـ مسجد سنگماتـه ـ مسجد خرابه‌مون ـ مسجد میدان مون مسجد عرب ـ مسجدبازار ـ مسجد حوض ـ مسجد کبودان ـ مسجد محال ـ مسجد خاکی ـ مسجدکوشك جنبه تاریخی ندارند و برای اطلاع از خصوصیات آنها طالبان میتوانند به کتاب آتشکده اردستان [1] تألیف نگارنده مراجعه فرمایند.

سوم ـ بقعه پیرمرتضی :

این‌بقعه‌درمحله فهره ودرغرب‌مسجد سفیدسردشت واقع ودارای‌گنبدی‌بطول ده متر و ایوان جنوبی و شمالی است و درب ورودی‌آن از ایوان جنوبی ومساحت گنبد ومجموع ایوانها ۱۴۰ متراست.

گنبد بطور مربع شروع شده وبعداز چهارمتر مثمن گردیده و دارای چهار زاویه مساوی وچهارایوان وبطور مدور پوشیده شده‌است؛ ازمرکزگنبد تا آخرآن درحدود ده متر ارتفاع دارد، تەگنبد (قاعده آن)که مربع شروع شده بمساحت شش درشش میباشد. (ش۱۲۱)

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ ازص۲۸ تا ص۴۲.



(شکل ۱۲۱)

درمیان گنبد سه قبر وجود دارد :

۱ـ قبر پیر مرتضی‌علی اردستانی فرزند امیر شمس‌الدین محمد اردستانی ندیم شاه منصور .

۲ ـ قبر زن پیرمرتضی‌علی اردستانی .

۳ ـ قبر پیر جمال‌الدین محمد اردستانی عارف معروف قرن نهم هجری .

هرسه قبررا محجری‌چوبی دربرگرفته که دارای‌کتیبه‌ای منظوم بشرح زیر می‌باشد:

« ازیمن عطای حق تعالی آن شهر سخا و جود رادر »
« عباس ولی‌بك آنکه باشد چون مهر سپهر ذره پرور »
« در روضه پیرمرتضی ساخت با صدق عقیده این محجر »
« مقبول قلوب اهل دل شد چون گشت معینش رب داور »
« درسال‌هزارباسی‌ونه (۱۰۳۹) این خلعت خلد کرد در بر »
« داریم امید آنکه بادا تا هست نشان چرخ اخضر »
« گردونش بکام دهر بادا کام دو جهانیش میسر »

کتیبه حاکی‌است‌که محجر بهمت عباس ولی‌بك در سال ۱۰۳۹ ساخته شده ومعلوم نیست عباس ولی‌بك چه‌کسی بوده وظاهراً حاکم اردستان بوده است .

وضع ساختمان مقبره وگنبد وسایرجهات حکم‌میکندکه درنیمه دوم‌قرن‌نهم بناشده باشد واز هرجهت قابل‌توجه‌است‌وبااینکه‌نگارنده درسال ۱۳۲۸ شمسی‌شرح مشبعی نسبت بتاریخ بقعه ومدفونان آن‌به انجمن‌آثار ملی واداره‌کل باستان‌شناسی نگاشت ودرخواست رسیدگی‌وثبت آن‌گردید ولی‌بالاخره نتیجه‌ای معلوم نگردید و تاکنون به ثبت تاریخی نرسیده است . طالبان اطلاع از شخصیت مدفونان بقعه میتوانند به‌کتاب آتشکده اردستان رجوع فرمایند.[۱]

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ از ص۳۳ تا ص۳۴ وبخش۲ ازص ۳۲۴ تا ص۴۰۶

چهارم ـ قنات ارونه :

این کاریز که طبق مشهوربانی آن اروند شاه بوده و آثار فیزیکی ومیکانیکی نیز دلالت برقدمت آن دارد وشاید بیش از دوهزار سال از احداث آن میگذرد . مطابق معروف در زمان مغولها اختلافی میان مردم اردستان در تقسیم آب حاصل میشود ورفع اختلاف بخواجه نصیرالدین طوسی رجوع میگردد ونامبرده برحسب اصول علمی مقسم آب‌را به بیست‌ویك فرزه تقسیم‌بندی وسهم محلات اردستان را مشخص میکندکه اکنون هم بهمان ترتیب رفتار میشود. مظهرقنات مزبور درمحله محال است ولی‌درقدیم در باغ قلعه میان شهر که مولد انوشیروان عادل بوده قرار داشته است.[1] اقتضا دارد نسبت به ثبت تاریخی این اثر باستانی اقدام شود .

(ش۱۲۲) و (ش۱۲۳)



(شکل۱۲۲)



(شکل۱۲۳)

پنجم ـ قنات مون :

یکی‌دیگرازقنوات مهم وقدیمی اردستان قنات‌مون است که مظهرآن‌محله مون وطبق‌معروف بانی‌آن‌کاوه‌آهنگر که ازمردم زواره واردستان بوده میباشد . از مشخصات قنات مزبور اینستکه دارای دو رشته ودو طبقه میباشد و از هر دوطبقه آب جاری است و هیچکدام در یکدیگر نفوذ ندارند و گفته میشود که تا زمانی

۱ـ آتشکده اردستان بخش ۱ از ص ۲۴ تا ص۲۵ .

قریب ازمنال دیوانی‌نیزمعاف بوده است. این‌کاریزهم اقتضاء دارد مورد ثبت‌تاریخی وحفاظت قرارگیرد .

ششم ـ قنات خسروشاه :

این‌قنات هم ازکاریزهای بسیار قدیمی وبانی‌آن خسروشاه‌کیانی و یاساسانی بوده است . مظهرآن درزیر قریه زفرقند وتمامی آن درمحله محال جریان دارد با توجه بقدمتی که دراین قنات مهم است اقتضا دارد درثبت تاریخی وحفاظت آن اقدام شود .

سوم ـ اماکن تاریخی زواره :

یکم ـ مسجد جامع :

این‌مسجد که درمدینةالسادات زواره دوازده کیلومتری اردستان واقع شده درواقع بهمان سبك مسجد جامع اردستان بناشده با ایـن تفاوت که زمان احداث مسجد جامع‌اردستان هنوز سبك چهارایوانی رایج نشده بوده و بطورکوشك مانند بنا و سپس تبدیل به چهار ایوانی‌شده است ولی‌در زواره درهنگام‌احداث، مساجد چهار ایوانی رایج‌شده و از همان ابتداء بطور چهار ایوانی ساخته شده است .

مسجد جامع زواره دارای چهار ایوان: شرقی ـ غربی ـ شمالی وجنوبی‌است وایوان جانب قبله ازایوان شمالی وسیعتر و ایوان شمالی از شرقی وغربی وسیعتر است ومناره‌آن درگوشه شمال غربی قرار دارد .

کتیبه تاریخی مسجد جامع زواره برخلاف معمول درقسمت فوقانی نماهای اطراف صحن‌مسجد واقع شده است .

ازکتیبه مزبور جزدسته یانوك بعضی حروف و سرکشها چیز دیگری معلوم نمیگردد ، کتیبه مزبور بخط کوفی برجسته آجری‌که ابتدای آن بردیوار شرقی ایوان جنوبی میباشد چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انما یعمر مساجدالله من‌آمن بالله والیوم الاخر و »

« اقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك ان‌یکونوا من‌المهتدین . »
« اجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجدالحرام کمن‌آمن بالله والیوم‌الاخر وجاهد »
« فی‌سبیل‌الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم‌الظالمین. امر ببناء . . . . الفقیر »
« الی‌رحمة‌الله . . . . احمد . . . . ین وخمسمأته » .

وبطوریکه تحقیق‌شده ازنظر وجودکلمه احمددربیان نام‌بانی و دیگرتقارن ساختمان مسجدجامع زواره با جامع اردستان میتوان‌گفت‌که‌بانی هردو جامع‌همان ابوطاهر حسین‌بن‌غالی‌بن احمد بوده‌است[1] وعدد بعد از خمسمائه ثلاثین بوده[2] «پس‌کتیبه چنین خوانده میشده است : « امر ببناءِ هذاالجامع الفقیرالی‌رحمة‌الله » « تعالی ابوطاهرالحسین‌بن غالی‌بن احمد فی‌سنة ثلاثین وخمسمأته » . (ش ۱۲۴)


(شکل۱۲۴)

درایوان جنوبی‌مسجد ودرقسمت شرقی مدخل میان ایوان وگنبد بر قطعه‌ای ازگچ بخط ثلث‌برجسته چنین نوشته شده است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم و به »
« نستعین وبعد تاریخ ساختن مسجد »
« جامع مدینة السادات زواره فی‌سنة »
«احدی‌وخمسین وخمسمأته من‌الهجرة» النبویة .» ومعلوم میگرددکه میان این دو تاریخ بیست ویك سال فاصله وجود داشته است ، و بنظر نگارنده ممکن است کلمه‌ای که احمد خوانده شد دراصل چنین بوده :

« احدی وخسمین و خمسمأته » و اگر اینطور بوده باشد هردو تاریخ یکی خواهد بود . نکته دیگری که بنظر میرسد اینستکه تاریخی که بر قطعه گچ نوشته شده تاریخ‌کتابت نباشد بلکه از تاریخ ساختمان خبربدهد وخود نوشته دوم

۱- آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۵۴. ۲- آثار ایران ج ۱ جزوه دوم ص۱۵۰.

پس‌از آنکه خرابی‌درکتیبه راه‌یافته‌بوده برای ضبط تاریخ بناآن را نوشته‌اند و با این‌ترتیب کتیبه دوم کتیبه اصلی نیست بلکه از وجود کتیبه اصلی خبر میدهد و با این فرض باید اذعان کرد که‌کتیبه مخدوش همان (احدی وخمسین وخمسمأته) بوده است .

کتیبه‌ایکه‌زیرگنبد وشبستان محراب‌واقع‌شده ازگچ‌است‌وحروف آن‌ازکوفی گلدار وتقریباً خراب وویران شده وفقط میتوان تشخیص داد که محتویات کتیبه مزبور آیات ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره آل عمران و پس ازآن متضمن متن تاریخی بوده که سال تاریخ بنارا نیز دربرداشته لکن‌اکنون چیزی خوانده نمیشود[۱] در کتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته[۲]: « و دارای محراب بسیار زیبای گچبری» « است که درسال ۵۵۳ خاتمه یافته » و در واقع همان‌کتیبه تاریخی‌محراب است‌که در گنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل از آثار ایران نوشته‌اند مفهوم نشده است و اگر نوشته تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان مستند باشد تاریخ محراب هم معلوم خواهد بود .

این‌اثرباستانی بموجب شماره ۲۸۳ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

دوم- مسجد پامنار :



(شکل۱۲۵)

این‌مسجد در محله بن‌کویه‌زواره و در پای مناره‌آن واقع‌گردیده است. مسجدمزبور دارای شش‌ایوان درضلع‌جنوبی ومتعلق بدوره سلجوقیان میباشد ویك رشته تزیینات‌گچبری ظریف درمحراب وداخل ایوانها دیده میشود وخطوط ثلث‌گچبری شده داخل‌هلال محراب جلب توجه میکند . (ش ۱۲۵)

خطوط ثلث محراب اصلی ازبین رفته

۱ــ آثار ایران ج۱ جزوه دوم ص۱۵۰. ۲ــ تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان ص۲۰۷ .
۳- فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص۶۲ .

ولی کلماتی بشرح زیر خوانده می‌شود :

« بسم‌الله . . . مما امر . هذا المحراب . . . المتهجد ابوعبدالله محمدبن »
« ابراهیم اطال‌الله بقائه . . . » هلال محراب باخطوط کوفی گچبری شده بوده ولی دردوره‌های بعد روی آن گچ کشیده و مجدداً بخط ثلث گچبری کرده‌اند. از خطوط کوفی سابق آن فقط جمله « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » جلب توجه میکند .کتیبه‌های دیگری که بخط ثلث گچبری شده چنین خوانده میشود :

۱ـ « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شهدالله انه لااله‌الاهووالملئکة واولوالعلم قائماً »
« بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . »

۲ ـ کتیبه‌هلال داخل محراب شامل آیات ۷۸ و۷۹ سوره اسری باین‌شرح :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اقم‌الصلوة لدلوك الشمس‌الی‌غسق اللیل وقـران »
« الفجر ان‌قران‌الفجرکان مشهوداً و من‌اللیل فتهجد به‌نافلة لك عسی ان یبعثك »
« ربك مقاماً محموداً . »

۳ـ درداخل محراب آیه ۲۹ سوره اعراف چنین‌خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم قل‌امرربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل »
« مسجد وادعوه مخلصین‌له‌الدین. ».

مناره مسجد مزبورکه ازنظرقدمت تاریخی دومین مناره ایران است دارای کتیبه‌ای بخط‌کوفی‌است که چنین خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم مماامر ببناء هذه المنارة محمدبن ابراهیم ابتغاء »
« لوجه‌الله سنةاحدی وستین واربعمأته . » .

هرچند خود مسجد تاریخی ندارد ولی ظاهراً تاریخ بنای مسجد با مناره یکی‌باشد[۱] .

این‌مسجد ومناره طی‌شماره ۱۰۸ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۱۷۲ تا ص ۱۷۴. ۲ـ فهرست بناهای‌تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۶۳ .

٤- اماکن تاریخی سفلی (دهستان) :

یکم - بقعه امامزاده سیدکمال‌الدین حسین :

این بقعه که منسوب بسیدکمال‌الدین حسین فرزند حضرت امام موسی‌کاظم علیه‌السلام میباشد بنای اصلی بقعه از زمانهای قدیم است ولی رواق وگلدسته در اواخرقرن سیزدهم شروع ودرتاریخ ۱۳۲۳ هجری قمری‌خاتمه یافته است . وآنچه جالب بنظرمیرسد آیینه‌کاری ایوان و رواق‌آن است و بخصوص چهل‌چراغ‌آن‌که متأسفانه درچند سال پیش مورد دستبرد قرارگرفت . ماده تاریخ خاتمه بنای بقعه مزبور چنین است :

سال تاریخ‌کتیبه «دان‌گلستان بهشت» خامه‌کوچکعلی‌درنظم‌زیب‌دفتراست

۱۳۲۳

املاك زیادی وقف بربقعه مزبور است که بیشترآن درتصرف وقف است[۱] .

دوم - چهلستون دیه سرنج‌آباد :

این‌عمارت تاریخی وجالب‌درنیمه دوم قرن سیزدهم دردیه سرنج‌آباد بوسیله مصطفی قلیخان سهام‌السلطنه عرب عامری که از امیرتومانان و سرداران دربار ناصرالدین شاه قاجار بوده بناگردیده است و بسیارشبیه چهلستون اصفهان میباشد هرچند دراثر عدم مراقبت‌مشرف بانهدام میباشد ولی وضع‌آن اقتضاء داردکه مورد توجه اداره‌کل باستان‌شناسی واقع وازخرابی‌آن جلوگیری شود .

(ش۱۲۶) و (ش۱۲۷) و (ش۱۲۸) و (ش۱۲۹) و (ش۱۳۰) و(ش۱۳۱ و (ش۱۳۲)

ب - شهرستان گلپایگان :

یکم - مساحت وجمعیت :

مساحت این شهرستان ۲۴۲۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن بالغ بر۸۳۱۷۸ نفر است ومرکزش شهرگلپایگان وجمعیت شهر۲۰۵۱۵ نفر است .

---

۱ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۲ .



(شکل۱۲۶)

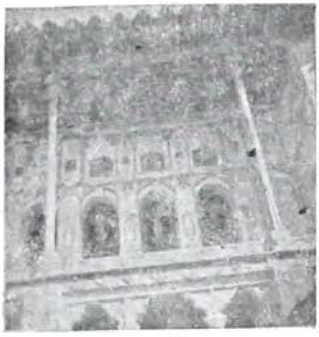

(شکل۱۲۷)



(شکل۱۲۸)



(شکل۱۲۹)



(شکل۱۳۰)



(شکل۱۳۱)



(شکل۱۳۲)

دوم ـ اماکن تاریخی :

۱ ـ مسجد جامع گلپایگان :

این مسجد دارای صحن و شبستان وسیع وگنبد آجری میباشد و بنای آن مربوط بزمان محمدبن ملکشاه سلجوقی ، ودارای کتیبه‌های کوفی‌آجری متعدد و تزیینات عهد سلجوقی است . در اطراف محراب بزرگ زیرگنبد درمتن کتیبه‌ای نام بانی را «ابونصرابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم» و بربدنه شبستان جملات مذهبی بخط‌کوفی‌آجری‌خوانده میشود . درزمان فتحعلی‌شاه قاجار الحاقی برآن‌کرده‌اند . ساختمان‌گنبد سلجوقی‌متعلق باوائل قرن ششم هجری‌است[۱] . این‌مسجد به‌شماره ۱۹۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] . (ش۱۳۳) و (ش۱۳۴) و (ش۱۳۵)

۲ ـ مسجد جامع سرآور :

این مسجد در۱۸کیلومتری شمال شرقی‌گلپایگان واقع وازلحاظ سقف‌بندی وساختمان ستون و معماری و حمالهای چوبی قابل توجه است وکتیبه منبرآن از نفایس بشمار است . در روی درب مسجد تاریخ ۹۷۹ هجری خوانده میشود پایان کتیبه سال ۸۱۱ و روی حاشیه محجرکتیبه آن بخط نسخ برجسته چنین است :

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۵ .

۲ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۴ .

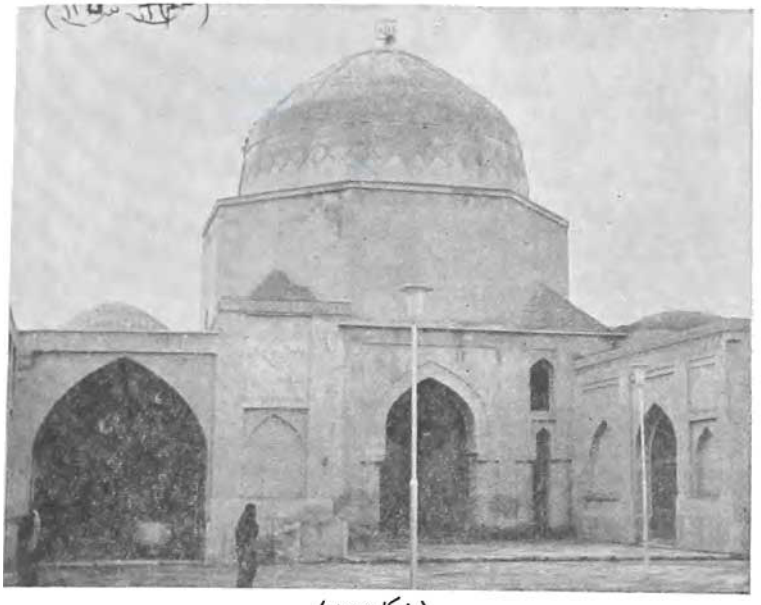

(شکل۱۳۳)

۱ ـ «الله مفتح الابواب» .

۲ ـ «هذه العمارة مسجد الجامع سر الوار» .

۳ ـ «هذه الخیر المبارك ابراهیم بن علی سر الواری» .

۴ ـ «فی تاریخ عشرین ذوالقعدة سنة احدی عشر وثما نمأته . »

این مسجد بشماره ۴۳۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۳ ـ مناره گلپایگان :

این مناره مربوط بدوره سلجوقی واز آجر ساخته شده ودر عداد بلندترین مناره‌های قرن پنجم محسوب و دارای دو در ودر داخل آن پلکانی تعبیه شده و پائین و بالای آن مرمت شده است .

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۶ .

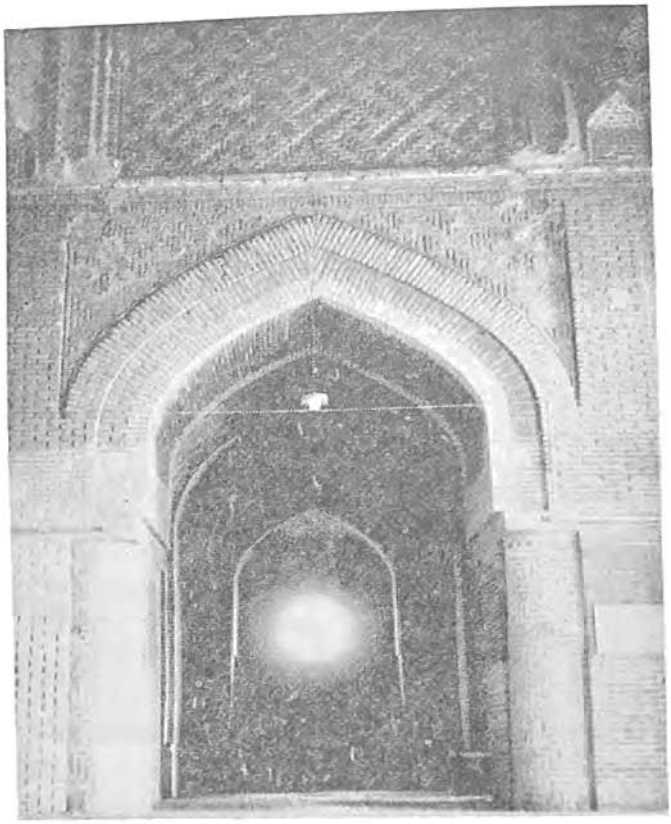

(شکل۱۳۴)

مناره مزبوردارای‌کتیبه‌کوفی آجری میباشد ولی تاریخی ندارد ومتن‌کتیبه آیات‌کلام‌الله مجید است . این مناره بشماره ۲۵۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۲] .
(ش ۱۳۶)

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۵ .



(شکل۱۳۵)

۴ ـ امامزاده سیدالسادات :

این بقعه مقبره امامزاده سیدالسادات و بنای آن مربوط بزمان قرن هشتم هجری و دارای ایوان و غرفات دوطبقه وگلدسته و گنبدی است که ارتفاع آن به نه متر بالغ میگردد ، تزیینات شمال شرقی و جنوب شرقی آن از لحاظ ظرافت بسیارشایان است . این اثرتاریخی طی‌شماره ۶۴۲ به‌ثبت رسیده است[۱]. (ش۱۳۷)

۱ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۶ .



(شکل۱۳۶)

۵ ـ بقعه هفده تن :

این بقعه‌که درخارج شهرگلپایگان واقع شده در زمان شاه‌عباس اول صفوی ساخته شده و تاریخ‌کتیبه سردرآن ۱۰۳۲ هجری است ،کتیبه تاریخی آن‌که بیشتر آن درتوصیف شاه‌عباس اول است درهمین بنا باقی وحاکی‌ازاینستکه بقعه بوسیله امامقلیخان سردارمعروف شاه‌عباس احداث گردیده است . این بقعه بموجب شماره ۲۹۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] . (ش۱۳۸ و۱۳۹)

۱ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۶۶.



(شکل۱۳۷)

۶ ـ امامزاده ابوالفتوح :

این بقعه‌که درقریه وانشان میان راه‌گلپایگان به خوانساروواقع شده دارای منظره‌ای شیوا وگنبدی‌هرمی‌شکل دوازده ترك میباشد وکتیبه‌آن‌که برروی لوحه سنگ مرمری‌کنده شده حاکی‌است امامزاده ازفرزندان امام موسی‌کاظم‌علیه‌السلام بوده است . تاریخهائی‌که در بنای مزبور وجود دارد : ۹۶۲ـ۹۶۳ـ۹۹۰ میباشد که روی لوحه و در بدنه صندوق مرقد نوشته شده است . بنابراین میتوان گفت که

ساختمان بقعه مربوط بقرن‌دهم هجری‌است . این بقعه بشماره ۴۳۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱]. (ش ۱۴۰)



(شکل۱۳۸)

ج ـ شهرستان شهرضا :

یکم ـ مساحت وجمعیت :

مساحت این شهرستان ۴۱۶۲/۵ کیلومترمربع وجمعیت‌آن بالغ بر۹۴۱۳۱ نفر میباشد ومرکزآن شهر شهرضا است .

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۷ .

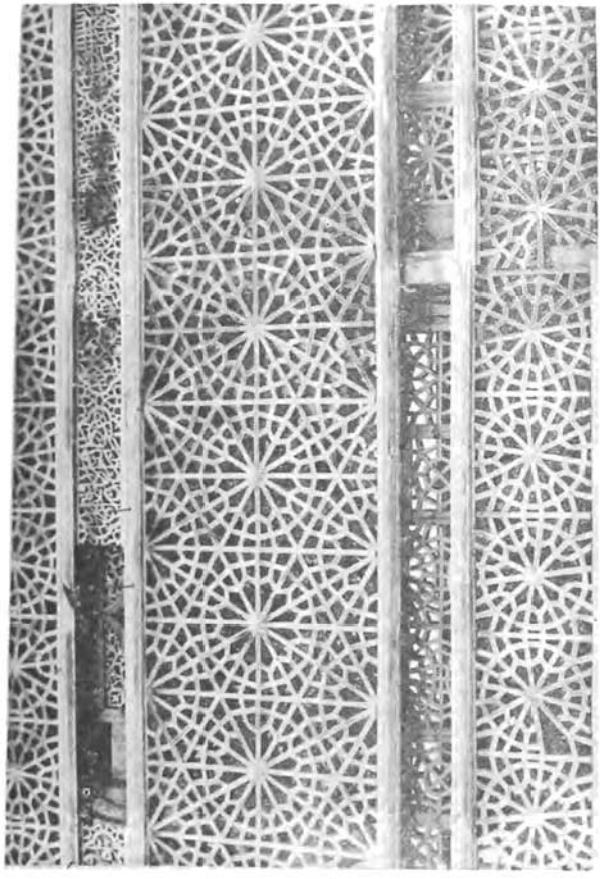

(شکل۱۳۹)

دوم ـ از اماکن تاریخی و باستانی آنجا است :

۱ ـ امامزاده شاهرضا :

این امامزاده در فاصله کمی از شهرشهرضا قرارگرفته و روی قسمت مرتفعی از دامنه کوه محلی واقع شده است . سردر بقعه وگنبد آن کاشیکاری شده وکتیبه



(شکل ۱۴۰)

اطراف آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی تمام سوره جمعه نوشته شده است ودراین قسمت‌کتیبه تاریخی وجود ندارد ولی اوضاع واحوال ساختمان آنرا بدوران‌صفویه میرساند. درسالهای ۱۲۷۶ و۱۲۷۸ و۱۳۶۰ هجری تعمیراتی بوسیله مردان مختلف ازعمارت امامزاده بعمل آمده است . این بقعه بموجب شماره ۱۳۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۲ ـ بقعه شاهزاده ابراهیم وشاهزاده محمد :

این‌بقعه در پانزده‌کیلومتری جنوب شاهرضا واقع و درسرراه شیراز قرار گرفته ودارای صحن و چند حجره است .

گنبد آجری آن دوازده ترك و بگنبد بابا رکن‌الدین شباهت دارد ، بنای

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳ .

اولیه آن‌مربوط بدوره مغول است ولی تزیینات رواق‌وگچبری ونقاشی‌آن اززمان صفویه میباشد . این‌اثرباستانی بموجب شماره ۷۵۰ به‌ثبت‌تاریخی رسیده است.[۱]

۳ـ کاروانسرای مهیار :

این‌کاروانسراکه از نمونه‌های عالی وممتاز دوران صفوی است در۳۰ کیلو- متری شهرضا قرارگرفته است و دارای‌صحن وسردر و حجرات و تزیینات خاصی میباشد و آنرا بدوره شاه سلیمان صفوی منسوب میدارند . این کاروانسرا بموجب شماره ۳۵۴ به ثبت تاریخی رسیده است. [۲]

۴ـ بقعه شاه سید علی‌اکبر :

این‌بقعه درهیجده‌کیلومتری شمال شهرضا قرارگرفته و ازآثار دوره صفویه است . گنبدآن باکاشیهای نره همچون‌گنبدشهرضاپوشیده شده ودوپوش‌وبسیارزیبا است ودریك‌گوشه ضریح آن‌تاریخ ربیع‌الاخر ۱۲۵۱ به چشم میخورد ،کتیبه نمای خارجی‌آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی شامل‌آیات سوره نـور و کاتب آن محمد باقـر شریف شیرازی است و بـرطرف شمالی ضریح صلـوات برچهارده‌معصوم بخط نسخ‌کنده شده‌است .

درایوان شمالی مقبره دولوح سنگی‌وجود دارد یکی‌ازآن دو که کوچك و بردیوار نصب شده کتیبه آن چنین‌است :

« این بنارا بفضل حی صمد یافت‌توفیق ساخت یار احمد»
« سال تاریخ او اگر خواهی نود و هشت دان تو با نهصد »

که تاریخ بنارا بعصر شاه عباس اول میرساند سنگ دیگری از یك قبر در آنجا دیده میشود که وفات سید شاه محمودبن جناب سید حیدربـن سید علیشاه طباطبائی حسینی‌را در اواخر صفر ۹۲۰ هجـری تعیین میکند و خلاصه میتوان بضرس قاطع‌گفت که بنای این‌بقعه درعصر شاه عباس بزرگ بوده است . تاریخهای دیگری نیز مربوط بقرن سینزدهم و چهاردهم هجری وجود دارد . ثبت تاریخی

۱و۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۶۴ .

این بقعه درگردش اداری است.[1]

د - شهرستان نائین :

یکم - مساحت وجمعیت آن :

مساحت شهرستان نائین ۳۵۵۱۹ کیلومترمربع وجمعیت آن بالغ بر ۴۰۴۳۱ نفر است .

دوم - اماکن تاریخی آن بشرح زیر است :

۱- مسجد جامع نائین : (ش ۱۴۱)

بطوریکه مؤلف دانشمند و محقق تاریخ نائین نوشته است[2] مسجد جامع



(شکل ۱۴۱)

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۸.

۲- تاریخ نائین ص ۷۲.

نائین زمان عمربن عبدالعزیز اموی بناشده واکنون محلی‌که مسجد در آن واقع است بنام محله باب‌المسجد شهرت داردواین مسجد دارای یك مناره وپهلوی‌مناره گنبدی است یك پوسته واین‌سبك‌گنبدها مقبره است وازمسجد محسوب نیست و درنائین نظیر آن وجود دارد مانند مسجد بابا عبدالله و شنیده شده‌که هنگام خاك برداری ازگنبد خانه مسجد جامع کاسه سربسیار بزرگی پیدا شدکه آهن‌پیکان در استخوان سرفرورفته وهنوز باقی‌بود. درمسجد مزبور منبری است‌که سازنده آن اهل‌کرمان بوده‌است.

باستان شناس‌معروف‌گدارگفته مسجد جامع‌نائین‌ازحیث نقشه نمونه مساجد اولیه عرب میباشد، ساختمان‌آن ازتاریخانه دامغان کاملتراست، ستونهای آن کوچکتر، دالانها بلندتر، وطاقها تیزترند، درگوشه مسجد طرف چپ مناره‌ای است‌که جزء ساختمان مسجداست. (ش۱۴۲)

سردر اصلی مسجدجامع نائین درگوشه شمال شرقی واقع و در جنوب شرقی نیز درساده دیگری دارد، صحن آن‌که وسعت زیادی ندارد چهارضلعی است ودر سه جانب‌شرقی وجنوبی وغربی چهلستونهائی داردکه مداخل‌باز و بلندآنها بصحن باز است.

مناره آجری‌آن‌دارای ۲۸متر ارتفاع وبامناره‌های دوره‌سلجوقی تفاوت بسیار دارد، درزیرصحن‌مسجد شبستان وسیعی‌است‌که ستونهائی‌ازرس طبیعی‌دارد وبوسیله قطعاتی ازسنگ مرمری ازبالاروشنائی‌میگیرد. درضلع جنوبی چهلستون جنوبی محراب عالی‌گچبری شده ومنبر نفیس آن قراردارد و تزیینات گچبری محراب و اطراف جای منبر جالب است.

تاریخ ساختمان مسجد بنظر پروفسورپوپ امریکائی ۳۵۰ هجری است و گدار فرانسوی مربوط بدوران دیالمه میداند. (ش۱۴۳) و (ش۴۴)

کتیبه‌ها وخطوط مسجد جامع مزبور چنین است:

۱ـ خطوط کوفی‌گچبری‌شده دربالای محراب شامل‌آیه۱۸ سوره‌توبه وخطوط

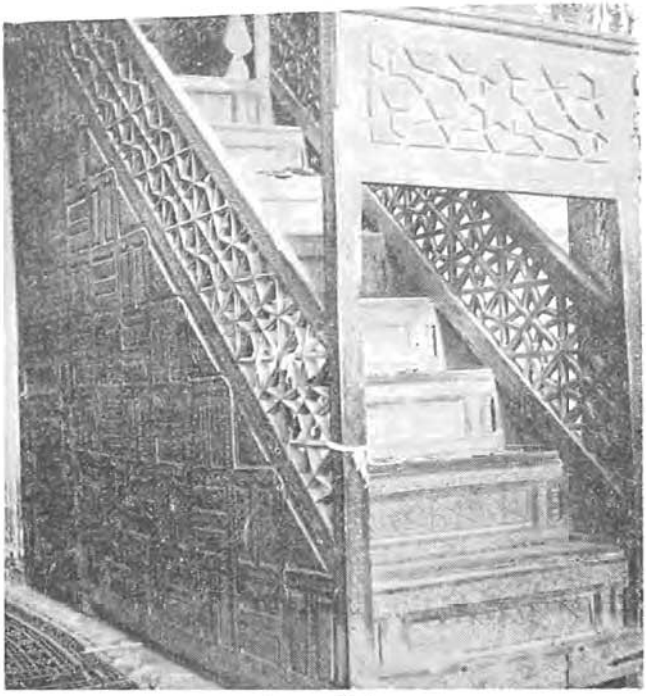

(شکل۱۲۲)

کوفی‌گچبری اطراف هلال طاقنمای جلوی محراب مشتمل بر آیه ۴۰ سوره نمل و آیه آخر سوره توبه است.[۱]

۲ـ کتیبه منبر مسجدکه ازچوب ساج ساخته شده بخط ثلث برجسته چنین است : « ولله ملك‌السموات والارض وما فیهن وهوعلی‌کل شئ‌قدیر . » وبر جبهه چپ منبر بخط ثلث‌برجسته دردو سطر چنین‌خوانده میشود :

« وقف الصدر الاجل‌المنعم‌المحترم‌ملك‌التجارجمال‌الدین حسین‌بن‌المرحوم « عمربن عفیف هذاالمنبر علی‌المسجد الجامع فی‌مدینة النائین تقبل‌الله منه فی »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۰ .

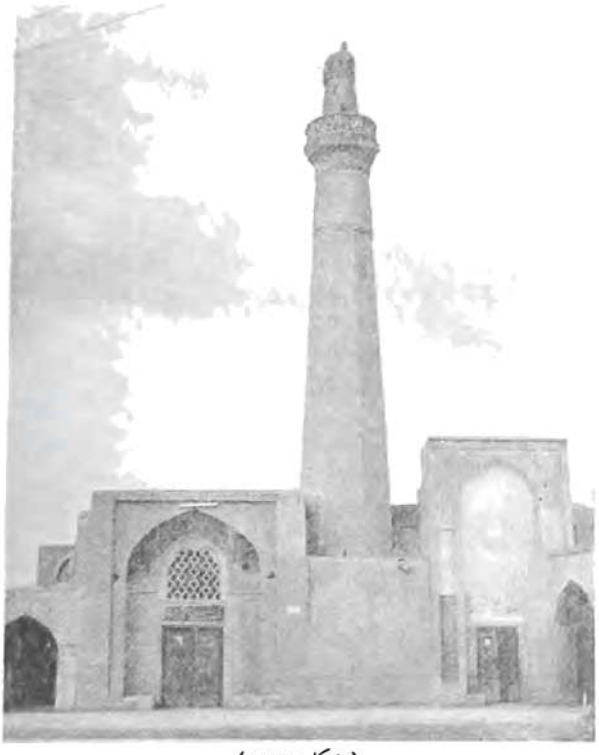

(شکل ۱۴۳)

« رجب سنة احدی عشر وسبعمأته » وبرجانب راست منبر بخط ثلث برجسته‌نوشته شده : « عمل‌الاستاد افتخار الصناع محمود شاه‌بن محمدالنقاش الکرمانی خدایش بیامرزاد هرکه فاتحه‌خواند بجهت . . . . . » .

منبر مزبور دارای هیجده پله و۵ متر ارتفاع است ، در زیر طاق دهانه دوم دروسط بخط‌کوفی برروی کاشی‌کلمات الله ومحمد ودرگوشه دیگر علی‌مرتضی‌ودر سه‌گوشه دیگر اسامی خلفا نوشته شده بوده‌که کاشی‌های‌آنراکنده‌اند .

مسجد دارای سه درخروجی است که در شرقی بمناره‌آن‌اتصال دارد . ایـن

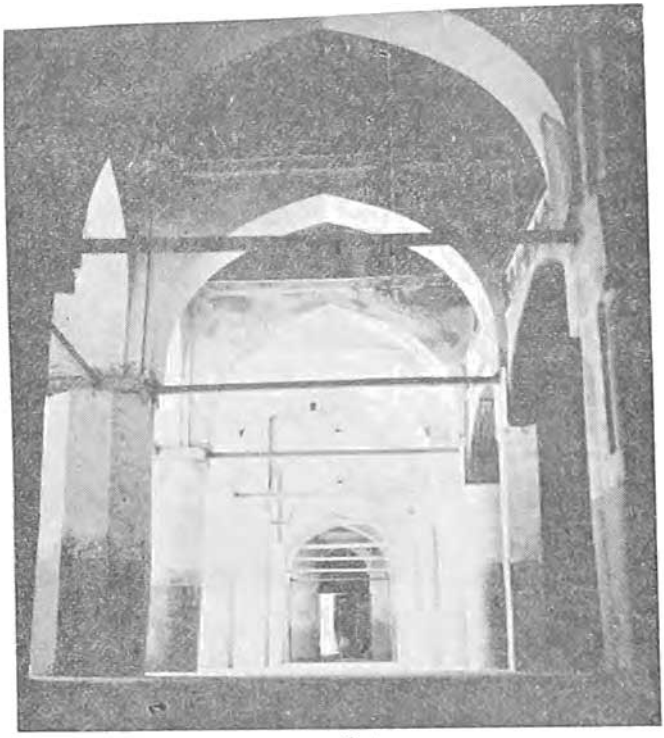

(شکل۱۲۴)

مسجد بموجب شماره ۱۴۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۱] (ش۱۴۵)

۲ـ مسجد بابا عبدالله :

بانی مسجد بابا عبدالله شمس‌الدین عبدالله بوده‌که در۷۰۰ هجری این‌مسجد را ساخته و مصادف با زمان غازان خان مغول ومیرجلال‌الدین احمد امام جماعت آن‌بوده است .

کتیبه چوبی‌که درمسجد وجود دارد ودرشش سطر بخط نسخ میباشد حاکی

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۷۰ .



(شکل ۱۴۵)

است که شمس‌الدین عبدالله در سال ۷۰۰ مسجد را ساخته‌است[۱] وگفته‌اندکه تاریخ اتمام بناءِ غره محرم‌سال ۷۰۰ هجری‌بوده وخود بانی‌دریکی‌اززوایای مسجدمدفون است. [۲] این‌مسجد بموجب شماره ۲۰۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

۳- مسجد محمدیه :

این‌مسجدکه‌درحومه‌شهر دردیه‌محمدیه‌واقع‌است وضع ساختمان آن حکایت میکندکه مربوط‌بقرن چهارم‌هجری‌است واسلوب‌ساختمان‌شباهت بساختمان مسجد جامع نائین‌دارد وازاینرو بموجب شماره ۳۵۵ به ثبت تاریخی رسیده‌است .[۴]

۱-۳-۴ - فهرست بناهای تاریخی واماکن‌باستانی ایران ص۷۰ . ۲- طرایق الحقایق ج۳ ص ۲۱۰.

۵ ـ شهرستان نطنز :

یکم ـ مساحت وجمعیت :

مساحت‌شهرستان‌نطنز۳۲۱۰/۴کیلو مترمربع وجمعیت آن بالغ بر۲۸۸۳۶ نفر میباشد ومرکزشهرستان شهر نطنزاست . (۱)

دوم ـ اماکن تاریخی :

۱ ـ مسجد جامع شهر نطنز:

این مسجد ازنظروضع ساختمان بنابگفته آندره‌گدارفرانسوی مرکب است ازشبستان هشت ضلعی‌گنبدداری مشرف برصحن‌که چهارایوان دارد ، اضلاع صحن را دهلیزها ونمازخانه های مختلف بهم متصل میسازد ، این مسجد از سمت شمال ومشرق‌وجنوب محدوداست بکوچه باریکی‌که‌چون بمدخل بزرگ مسجد ومقابل مناره ودرگاه خانقاه میرسد وسعت یافته مبدل بمیدان کوچکی میگردد . درسمت غرب ویرانه خانقاه دیده میشودکه محدود براهی میگردد .

مسجد سه مدخل‌دارد یکی‌جنوبی ودوشمالی . مدخلهای سمت شمال باسطح حیاط برابر است ولی معبرجنوبی عبارت از دهلیز وسیع با دوازده پله بلند است . ارتفاع این دوازده پله حاکی از اختلاف سطح صحن وسطح کوچه است‌که درجلو مدخل جنوبی واقع است ، و بهمین جهت قسمتی از شبستان مثمن مذکور در خاك کنده شده است . صحن مسجد فضای مربعی است بطول ۱۴/۰۶ متر، عرض هریك از ایوانها بنسبت اهمیت موقع‌آن درطرح بنا متفاوت شده است ، ایوان جنوبی‌که درجلو شبستان است ۶/۵۰ متر دهنه دارد و ایوانی‌که در برابرآن یعنی در سمت شمال افتاده دارای ۵/۸۸ مترعرض است ودو ایوان دیگر۶/۲۸ متر دهانه دارد و پهنای شبستان هشت ضلعی یعنی فاصله هردوضلع متقابل‌آن ۸/۴۶ متر است .

کتیبه‌های مربوط به‌مسجد جامع نطنز باین شرح است :

۱ ـ کتیبه سردرجنوبی مسجد باین عبارات : «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ، امر» « بالعمارات المستحدثة فی‌المسجد المولی المعظم الصاحب الاعظم دستور ممالك »

(۱) نامه شماره ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ ـ ۱۳۵۰/۶/۲۰ وزارت‌کشور .

« العالم ممهد قواعد الخير والكرم خواجه زين‌الدنيا والدين خليفةبن الحسين »
« الماسترى بمساعى الصدر المعظم شمس‌الدين محمدبن على النطنزى فى‌اربع »
« وسبعمأته . »

۲ـ درایوان شمالی مسجدکتیبه‌گچبری است بخط ثلث سفیدکه شامل آیات ۹ و ۱۰ سوره جمعه و۱۱۴ سورهٔ هود و دنباله آن حدیث نبوی راجع بدوازده امام نوشته شده ونام خطاط محمدرضا امامی خوانده میشود .

۳ـ درایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه وسپس دنباله‌آن خوانده میشود : «فی‌سنة سبع وسبعمأته» .

۴ـ بالای یکی‌ازدرگاههای ایوان شمالی‌اشعاری بخط نستعلیق‌سفید برزمینه قهوه‌ای خوانده میشودکه مطلع آن چنین است :

«صفحه روح‌فزائی‌که‌هر آن‌کس‌دیدش دل زکیفیت آن صافی و نورانی شد»

و پس از سه بیت چنین گفته :

« فکرت وذهن امامی پی سال تاریخ چون‌گدایان بدرموسی عمرانی‌شد »
« پنج‌پنجه‌بفکندازیدوبیضاوبگفت: « روسفیدی وی ازمهدی‌کاشانی‌شد »

وحاکی است‌که درسال ۱۱۱۴ قمری این بنا تعمیرشده است .

۵ ـ کتیبه در قدیمی مسجد باین ترتیب خوانده میشود : « . . . بن‌یحیی »
« النطنزی تقبل‌الله عمل استاد . . . الله اصفهانی فی‌رمضان سنة خمس و عشرین »
« وثما نمائة . »

۶ ـ بردر ورودی مسجد بخط نستعلیق صلوات بردوازده امام وسپس چنین خوانده میشود: «اتمام این دردرتاریخ سنه‌اثنی وسبعین وتسعمائة شد ونصب این‌در »
« درتاریخ شهرذی‌الحجةالحرام سنه اثنی‌عشروالف شد . »

۷ ـ کتیبه لوح سنگی جرز ایوان بخط نستعلیق برجسته چنین است :
« بنای تعمیر وسفید نمودن مسجد جامع بسعی عالیحضرات فضیلت و افادت پناه »
« مولانا محمدباقردماوندی وسلالةالسادات والنجبائی حاجی میرابراهیم‌الحسینی »

« النطنزی باتمام رسید بتاریخ شهرذی‌القعدةالحرام سنه ۱۱۷۸ کتبه محمدعلی »
« ابن‌سعیدالحسینی‌النطنزی » .

۸ـ کتیبه دیگری حاکی از اینستکه دو روز آب قناتین دستجرده نطنز بمصارفی برسد بتاریخ ۱۲۵۹ قمری .

۹ـکتیبه سنگی ایوان جنوبی حاکی ازوقف‌کردن سه طاق قناتین دستجرده نطنز برمصارف مسجد وواقف استادحیدر نجارنطنزی‌وکاتب‌کتیبه اسکندرابراهیم‌آبادی نطنزی بتاریخ ۱۱۰۳ قمری است .

۲ ـ بقعة شیخ عبدالصمد :

این بقعه بمسجد اتصال دارد ولی در عین اتصال وضع ساختمان میرساند که بقعه ومسجد درزمانهای مختلفی ساخته شده‌اند . گنبد بقعه هرمی شکل و دارای سقف‌گنبدی است‌که مقرنس‌کاری شده وکتیبه‌آن چنین است :

« هذه‌البقعة المشرفة مزار الشیخ الربانی نورالملة والدین عبدالصمدبن »
« علی‌الاصفهانی المقیم بنطنز امر ببنائها الصاحب الاعظم زین‌الدنیا والدین‌خلیفة »
« الماستری فی‌سبع وسبعمائة» و برضریح چوبی آن بخط ثلث برجسته چنین نقر شده : «عمل استاد حسین‌ابن استاد اسمعیل سرشکی النطنزی فی‌تاریخ سنة اربع »
« وستین والف سنه ۱۰۶۴کتبه عبداللطیف» کتیبه سنگ بالای قبرشیخ عبدالصمد بخط نستعلیق برجسته چنین حجاری شده : « هوالغفور الرحیم الرحمن اللهم »
« صلعلی النبی والولی والحسن والحسین والعباد والباقروالصادق والجعفروالکاظم »
« الموسی والرضا والتقی والنقی والعسکری والحسن الحجةالقائم محمدالمهدی »
« الهادی صاحب‌الزمان همت مصروف‌داشت عصمتی‌پناه صالحه‌خدیجه سلطان بنت »
« شمس طلا درسنه ۱۰۴۵ واین آثارخیر ازوباقی ماند » .

کتیبه سردرخانقاه بخط ثلث آجری برجسته چنین خوانده میشود :

« بسم‌اللهالرحمن‌الرحیم امر بعمارة هذه البقعة المیمونة المبارکة الصاحب »
« المعظم وزیرممالك العالم مشید مبانی‌الخیرات المتوسل الی‌الله بانواع القربات »

« اضعف عبادالله المفتقر الی رحمته و رضوانه خواجه زین الدنیا والدین شرف الاسلام »
« والمسلمین خلیفة بن الحسین بن علی الماستری تقبل الله خیراته وافاض السعادة »
« والرحمة علیه و علی اسلافه و ذریاته ثم وقفها خانقاهاً علی الفقراء الصوفیة تقرباً »
« الی الله القدیم وتبرعاً لوجهه الکریم بمساعی شمس الدین محمد بن علی النطنزی »
« فی سنة خمس وعشرین وسبعمائة» بردوجرزطرفین سردرخانقاه دریك لوحه بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر چنین نوشته شده : « وقف ذلك خواجه نجم الدین »
« محمودابن عماد فی سنة ۹۲۱ عمل استاد حسین خراسانی کتبه الفقیر اسدالله »
« الحسینی » .

در فاصله میان در مسجد و سردر خانقاه مناره آن واقع گردیده است ودر بالاترین بدنه آن جمله : «العظمة لله» ودر پائین آن : «الملك لله» خوانده میشود که بخط کوفی آجری برزمینه کاشی فیروزه‌ای است . کتیبه تاریخی مناره چنین است :

« امر ببناء هذه المنارة العالیة والغرفات الرفیعة الملك الاعظم الصاحب »
« المعظم اعدل ملوك العجم بانی قواعد الخیرات منبع السعادات ، باسط الامن »
« والامان ناشر العدل والاحسان شمس الدولة والدین ناصر الاسلام و عون المسلمین »
« محمد بن علی تقبل الله حسناته فی شهور سنة خمس و عشرین و سبعمائة » ودر متن کاشیکاری پایه مناره دردولوحه کوچك بخط آجری برزمینه فیروزه‌ای چنین خوانده میشود: «امیر کبیر جلال الدین عبدالله . . »

« بمساعی الصمد الاصفهانی المعظم کمال الدین محمد جزاه الله خیراً[1] . »

این سه اثر تاریخی بموجب شماره ۱۸۸ به ثبت رسیده است[2] .

درشهرستان نطنز اماکن تاریخی دیگری مانند محراب مسجد کوچه میر که بشماره ۲۰۹ به ثبت تاریخی رسیده و سر در بیت السعاده والسیادة و خانقاه و بقعه

۱- این کتیبه ها باملاحظه گنجینه آثار تاریخی اصفهان وتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وآثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز تنظیم شده است. ۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۶۸ .

سیدواقف درقریه افوشته و درهای منبت‌کاری مسجد جامع آن وگنبد مقبره سید واقف و امامزاده قریه برز ومسجد جامع ابیانه وگنبد باز وقلعه وشاق وامامزاده آقاعلی‌عباس دربادرود نطنز وجود داردکه چون عدد صفحات‌کتاب محدود و ازحد خـود تجاوزکرده عنان قلم‌را بازگرفته وببحث خاتمه میدهد امیداست‌که خداوند توفیق دهدکه درباب آثار تاریخی حاشیه‌کویرکتاب مستقلی تنظیم نماید.

بتاریخ ۲۵ تیرماه سال۱۳۵۱ شمسی تهران ـ یوسف‌آباد

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

پایان

فهرست مآخذ کتاب آثارملی اصفهان:

(آ-ا)

۱- آتشکده آذر . ۲- آتشکده اردستان . ۳- آثارایران . ۴- آثارالبلاد قزوینی . ۵ - آثارتاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز . ۶- آشیانه عقاب . ۷-آگهی شهان ازکارجهان . ۸ - احسن‌التواریخ رملو . ۹ - احوال خوشنویسان نستعلیق. ۱۰ - اخبارالبشر . ۱۱- ارشاد دراحوال صاحب‌بن عباد . ۱۲- ازسعدی تا جامی . ۱۳- اسمآءالبلدان. ۱۴- اسمآءالرجال‌التدوین‌رافعی‌قزوینی. ۱۵-اسمآءالمصنفین. ۱۶- اسمآءالمؤلفین . ۱۷- الاصفهان جباب . ۱۸- اصفهان جوانان. ۱۹- اصفهان وهمه‌جهان. ۲۰-اعلاق‌النفیسة. ۲۱-اعلام زرکلی.۲۲- اعلام‌الشیعة. ۲۳-اعیان‌الشیعة. ۲۴- امتحان‌الفضلاء . ۲۵- انساب سمعانی. ۲۶- انوارالنعمانیة .

(ب)

۲۷- بخشی از گنجینه آثارملی . ۲۸ - بررسیهای هنرایران . ۲۹- برهان قاطع . ۳۰- بزرگان ودانشمندان اصفهان . ۳۱- البلدان فقیه همدانی .

(پ)

۳۲- پیدایش خط وخطاطان .

(ت)

۳۳ـ تاریخ اصفهان وری . ۳۴ـ تاریخ ایران دانشمندان شوروی. ۳۵ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان. ۳۶ـ تاریخچه محله خاجو. ۳۷ـ تاریخ حزین ۳۸ـ تاریخ خط وخطاطان . ۳۹ ـ تاریخ کتابخانه درایران . ۴۰ـ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی. ۴۱ ـ تاریخ نائین ۴۲ـ تجارب السلف .۴۳ ـ تحفه سامی .۴۴ـ تذکرة الائمة ۴۵ـ تذکره حزین. ۴۶ـ تذکره روزروشن. ۴۷ـ تذکره شعرای معاصر اصفهان. ۴۸ـ تذکرة القبور. جزی . ۴۹ـ تذکره نصرآبادی. ۵۰ـ ترجمه تاریخ سرپرسی سایکس. ۵۱ـ ترجمه سفرنامه کامفر (در دربارشاهنشاهی) . ۵۲ـ ترجمه محاسن اصفهان. ۵۳ ـ تلاش درراه خدمت بآثارملی .

(ج)

۵۴ ـ جامع مفیدی . ۵۵ ـ جغرافیای اصفهان .

(ح)

۵۶ ـ جلل سندسیه .

(خ)

۵۷ ـ خزاین نراقی . ۵۸ ـ خلد برین . ۵۹ ـ خبرآتیه .

(د)

۶۰ ـ دیوان حافظ . ۶۱ ـ دیوان طرب .

(ذ)

۶۲ ـ الذریعة الی تصانیف الشیعة . ۶۳ ـ ذکر اخباراصبهان .

(ر)

۶۴ ـ راحة الصدور. ۶۵ـ راهنمای ابنیه تاریخی دکترهنرفر. ۶۶ـ راهنمای اجمالی دکترهنرفر . ۶۷ـ راهنمای اصفهان دکترهنرفر . ۶۸ـ راهنمای اصفهان رضا عطارپور . ۶۹ ـ رجال اصفهان . ۷۰ ـ رحلة ابن بطوطه . ۷۱ ـ روح القدس

پیرجمالی اردستانی . ۷۲ ـ روضات‌الجنات چهارسوقی . ۷۳ ـ رهبران مشروطه.
۷۴ ـ ریاض‌العلمآءِ وحیاض‌الفضلاء .

(ز)

۷۵ ـ زندگانی آیةالله چهارسوقی. ۷۶ـ زندگانی شاه‌عباس‌اول. ۷۷ـزندگانی
ملك‌المتکلمین . ۷۸ ـ زنده‌رود . ۷۹ ـ زینت‌المجالس .

(س)

۸۰ ـ سفرنامه اوژن فلاندن . ۸۱ ـ سفرنامه اولئاریوس . ۸۲ ـ پیترودولا
والله . ۸۳ ـ سفرنامه شاردن . ۸۴ ـ سفرنامه ناصرخسرو . ۸۵ـ سفرنامه‌هانری
رنه آلمانی . ۸۶ ـ سنی ملوك‌الارض والانبیآء . ۸۷ ـ سی‌فصل‌خواجه‌نصیرطوسی.

(ش)

۸۸ ـ شرح چغمینی .

(ص)

۸۹ ـ صبح گلشن .

(ط)

۹۰ ـ طبقات اعلام‌الشیعة . ۸۸ ـ طرایق‌الحقایق .

(ع)

۹۱ ـ عالم‌آرای عباسی . ۹۲ ـ عیون‌الانبآء .

(ف)

۹۳ ـ فارسنامه ابن‌بلخی . ۹۴ ـ فرهنگ تاریخ نائین . ۹۵ ـ فرهنگ
جغرافیائی ارتش . ۹۶ ـ فرهنگ دکترمحمدمعین . ۹۷ ـ الفهرست ابن‌الندیم.
۹۸ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران. ۹۹ـ فهرست‌کتابهای‌آستان
قدس رضوی. ۱۰۰ـفهرست‌کتابهای‌اهدائی‌مشکوة بدانشگاه‌تهران . ۱۰۱ـ فهرست

کتابهای فارسی چاپی . ۱۰۳- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی . ۱۰۴- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار . ۱۰۵- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

(ق)

۱۰۶ - قصص الخاقانی .

(ك)

۱۰۷ - کشکول شیخ بهائی . ۱۰۸ - کشف الظنون .

(گ)

۱۰۹-گزارش اداره کل باستان شناسی . ۱۱۰ -گزارش میرزا علیخان نائینی. ۱۱۱ - گنج دانش . ۱۱۲ - گنج سخن . ۱۱۳ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان .

(ل)

۱۱۴ - اللباب فی تهذیب الانساب . ۱۱۵ - لغت نامه دهخدا .

(م)

۱۱۶- المأثر والاثار . ۱۱۷ - مجالس النظامیه . ۱۱۸ - مجله ارمغان . ۱۱۹- مجله آستان قدس . ۱۲۰ - مجله هنر و مردم . ۱۲۱ - مجله یادگار . ۱۲۲ - مجمع البحرین . ۱۲۳- مجمع التواریخ گلستانه . ۱۲۴ - مجمع الفصحاء . ۱۲۵- مجمل التواریخ والقصص . ۱۲۶- محاسن اصفهان . ۱۲۷ - المحیط الاعظم. ۱۲۸- مرآت البلدان ناصری . ۱۲۹- مراصد الاطلاع . ۱۳۰- المسالك والممالك ابن خرداذبه . ۱۳۱ - المسالك والممالك اصطخری . ۱۳۲ - المشترك یاقوت حموی . ۱۳۳ - مصطفی المقال . ۱۳۴ - مطلع السعدین و مجمع البحرین . ۱۳۵ - معجم الادباء. ۱۳۶ - معجم البلدان. ۱۳۷- مقدمه برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی . ۱۳۸ - مقدمه دیوان طرب. ۱۳۹ - المنجد . ۱۴۰-منتخب التواریخ مظفری. ۱۴۱-منتظم ناصری. ۱۴۲-منتهی الآمال محدث قمی. ۱۴۳-مواد التواریخ. ۱۴۴ - میزان الانساب چهارسوقی .

(ن)

۱۴۵ ـ نامه وزارت کشور . ۱۴۶ ـ نزهت القلوب . ۱۴۷ ـ نصف جهان فی تعریف الاصفهان . ۱۴۸ ـ نظام الاقوال .

(و)

۱۴۹ ـ الوزراء و الکتاب جهشیاری ترجمه سیدابوالفضل طباطبائی. ۱۵۰ ـ وقایع السنین خاتون آبادی . ۱۵۱ ـ وقفنامه سیدرکن الدین یزدی . ۱۵۲ ـ وقفیه ربع رشیدی .

(ه)

۱۵۳ ـ هدیة الاحباب محدث قمی. ۱۵۴ ـ هدیة العارفین فی اسماء المؤلفین. ۱۵۵ ـ هند شرقی و ایران .

فهرست کلمات و حروفی که غلط چاپ شده و درست آن:

صفحه	سطر	غلط	درست
۲	۱۹	اصفهان	اصبهان
۶	۵	فوسان	فرسان
۱۲	۱۳	خوا	خوار
۲۴	۲۲	۲۲۶	۱۲۲۶
۲۹	۶	الخزانة	لخزانة
۳۱	۱۳	ففه	فقه
۳۲	۲۱	(۵)	(۶)
۳۸	۲۴	لطاهرة	لظاهره
۴۴	۲۱	دری	وری

۶۰ ازسطر ۲۱ تاسطر ۲۵ ترتیب درست اشعار چنین است:

فانوس و شمع قدسی وپاتاسر آینه — رویت صباح عید ترا پیکر آینه
نقاش صنع لم‌یزل از سایهٔ توبست — بر پرده‌های دیدهٔ‌هفت اختر آینه
این‌جلوه‌گاه‌کیست‌که‌درهرطرف‌دراو — صورت نمای‌گشته ز یکدیگرآینه
عشرت سرای شاه‌صفی دان‌کزو بود — روشن چراغ اختر چشم هرآینه
خواند خط جبین ملایك بنه فلك — افتد اگر زروی توعکسی در آینه

صفحه	سطر	غلط	درست
۶۷	۱۰	نظز	نطنز
۷۱	۲۰	حسنو	حسنویه
۸۰	۲۰	کوه صفحه	کوه صفه
۱۰۵	۹	صفوی	صوفی
۱۴۶	۱۲	(۴)	زاید
۱۴۶	۲۲	۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان	زاید
۱۵۱	۱۶	للباب	اللباب
۱۶۰	۶	تل عاشقان	تل استخوان
۱۶۹	۱۷	حوضی	حوض
۱۷۱	۲۲	تخست	نخست
۱۸۲	۲	شیعا	شعیا
۱۸۵	۱۷	شبانه	شبابة
۱۸۵	۱۸	ص۱۰۰	ص۲۰۰
۱۸۷	۱۳	دملی	رملی
۱۹۰	۵	باغ کاران	محله باغ کاران
۱۹۲	۹	ابوسعید	ابوسعد
۱۹۹	۱۶	سیدحیدرعاملی	سیدحیدرآملی
۲۱۱	۲۷	چهارسوق	چهارسوی
۲۱۸	۲۳	ابوسعیدبن‌جبیر	ابوسعید جبیر
۲۱۹	۱۳	حمام درویشان	وحمام درویشان
۲۲۵	۲۱	۵ ـ ابوعبدالله	۱۹ ـ ابوعبدالله
۲۵۲	۷	بشا	بشار
۲۵۴	۲۱	سهیل‌بن‌عثمان	سهل‌بن عثمان

صفحه	سطر	غلط	درست
۲۵۶	۱۸	ابوالحسن	ابوالحسین
۲۵۷	۴	جشنش	جشنس
۲۶۰	۹	کوداه	کوراه
۲۶۷	۲۵	سیرجانی	سریجانی
۲۷۱	۱۶	بوحاتم	ابوحاتم
۲۷۲	۱۱	فرح	فرج
۲۸۱	۲۱	سعیدالدین	سعدالدین
۲۸۳	۱۰	قبرستان شور	قبرستان شوری
۳۰۴	۶	مادنان	مارنان
۳۲۴	۱۹	وازسادات	ازسادات
۳۳۴	۱۳	سائرمشهدی	سائرا مشهدی
۳۵۳	۷	خانه تقدیر	خامه تقدیر
۴۵۷	۸	فیها	فیهما
۴۸۵	۱۹	لجاد	بحار
۴۸۷	۷	حسین	حسینی
۵۰۳	۲۳	۱ـ بامدایح	۱ـ مدایح
۵۰۳	۴	محمدحسن	محمد محسن
۵۱۶	۱۵	المالك	الممالك
۵۱۷	۱۴	الحسن‌بن‌علی	ابن‌الحسن‌بن‌علی
۵۴۹	۱۵	ذکی	زکی
۵۵۱	۲	انما قل	قل‌انما
۵۵۶	۲۴	مهتمله	مهمله
۵۵۹	۲۱	علی موسی‌الرضا	علی علی‌بن موسی‌الرضا

صفحه	سطر	غلط	درست
۵۷۵	۱۲	دردشت	در دردشت
۵۸۹	۲۳	محمدعلی	مهرعلی
۶۴۴	۱۵	زند	زید
۶۴۹	۱۴	لحمداسمعیل	لمحمداسمعیل
۶۷۹	۹	اعجار	اعجاز
۷۲۴	۱۸	شور	شوری
۷۳۶	۴	پائین	پائینی
۷۳۶	۱۴	مرقه	مرقد
۷۴۲	۳	(قرن۱۴هجری)	مربوط بسطر۲ وبعد از کلمه اکنون واقع است
۷۴۷	۹	لشریف	الشریف
۷۴۹	۱۲	جزر	جرز
۷۶۷	۱۹	بعلحا	بطحا
۸۰۲	۱۷	رسید	سید
۸۴۷	۳	مفرد	مزبور
۸۶۳	۲۳	کتیبه	کنیسه
۸۷۶	۱۱	صفا	صفه صفا
۸۹۳	۴	بعدازمیباشد	در دیه شهراب واقع و

فهرست اعلام اماکن

اعلام جایها	شماره صفحات
(آ)	
آب‌بخشان	۲۰-۲۶-۲۷-۱۲۴-۲۹۶
آب‌بخشگان	۲۷-۱۲۴
آتشدان سنگی	۱۲۰
آتشکده اردستان	۵۳
آتشکده اصفهان	۱۱۶
آتشکده امهران	۱۳
آتشکده جوگند	۱۳
آتشکده ذروان اردشیر	۱۲
آتشکده رستاق اناریاد	۱۲
آتشکده ساسانی نطنز	۱۱۸
آتشکده سروش آذران	۱۲-۸۲۹
آتشکده شاپور ذوالاکتاف	۱۳
آتشکدهٔ شهر اردشیر	۱۲-۱۵-۱۷
آتشکده مهراردشیر	۱۳
آتشگاه	۶۷-۱۱۷-۱۱۸-۳۳۵
آذربایجان	۳۱۵-۶۵۹
آرامگاه آقاحسین خوانساری	۸۴۶
آرامگاه بابارکن‌الدین	۸۴۷-۸۴۹
آرامگاه باباقاسم	۷۸۶

اعلام جایها	شماره صفحات
آرامگاه پروفسورپوپ	۸۶۳
آرامگاه پیربکران	۸۴۹
آرامگاه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای	۸۵۳
آرامگاه خاتون‌آبادی	۸۵۴
آرامگاه الراشد بالله	۸۵۴
آرامگاه رودلف آلمانی	۸۴۴
آرامگاه سلطان بخت‌آغا	۴۵-۴۲۶
آرامگاه صائب	۸۱۱
آرامگاه علی‌بن سهل	۸۱۲
آرامگاه قاضی صفی‌الدین زواره‌ای	۷۵۰
آرامگاه میر	۸۵۸
آرامگاه میرزارفیعا نائینی	۸۵۵
آرامگاه میرمجدالدین اسماعیل باب‌الدشتی	۸۵۵
آرامگاه واله	۸۶۱
آران	۷
آزادوار	۱۵
آسمان	۶۶۹
آسیا	۱۶۷-۱۷۱
آسیای صغیر	۳۸۹

اعلام جایها	شماره صفحات
آهنگران	۱۲۶
آینه خانه	۳۷۱
(الف)	
ابهرجی	۴۸۸
اچمیادزین	۸۴۳
احد	۴۵۹
احمدآباد ۳۰-۳۴-۳۹-۵۰-۵۶-۱۸۱ - ۲۸۲ ۲۸۴ .	
اداره باستان شناسی اصفهان	۷۴۹
اداره کل آموزش وپرورش استان اصفهان	۳۸۰
اداره کل باستان‌شناسی ۳۸۲-۸۷۹-۸۸۷-۸۹۳	
اردستان ۷-۸-۱۲-۱۳-۱۵-۱۶-۱۷-۴۵ ۴۶-۵۳-۸۴-۱۰۳-۱۰۴-۱۲۸-۱۵۱ ۲۴۶-۴۱۸-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۳ ۵۰۶-۵۲۷-۶۶۲-۶۶۳-۸۶۶-۸۶۹ ۸۷۳-۸۷۴-۸۷۸-۸۸۰-۸۸۴-۸۸۶ ۸۸۸-۸۸۹ .	
ارزنان	۷
ارسوره	۴۶
ارم	۶۷-۸۷
ارمن	۸۴۲
ارمنستان	۸۳۴-۸۴۴
اروپا	۱۶۳-۲۳۰
ازیران	۸۲۲
ازیرون	۸۲۲
اسبریس	۲۶۸
اسپانیه	۸۳۵
اسپیجاب	۲۴۱
اسپاهان	۲۴۳
اسپریس	۲۶۸
اسپهان	۳۵۰
استرخاتون	۸۵۱
اسفرجان	۸
اسفیس	۳-۱۱۶
اسفیش	۳-۱۱۶
اشترجان	۸۲۲
اشترگان	۸۲۲
اشکهان	۵-۶-۲۰۳
اصبهان	۲
اصفاهان	۶۲۹-۶۴۸
اصفهان : چون این کلمه تقریباً در تمام صفحات کتاب وجود داشت از شماره صفحات آن خودداری گردید .	
اصفهانك	۲۳۸
افوشته	۹۱۵
النجان	۷-۸-۱۵-۲۹۳
الیادران	۶۶-۱۹۰
امامزاده آقاعلی‌عباس	۹۱۵
امامزاده ابراهیم	۷۴۱-۸۱۱
امامزاده ابوالفتوح	۹۰۰
امامزاده احمد ۲۲۲-۳۹۶-۴۰۱-۴۸۱-۶۴۰ ۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۹ .	
امامزاده اسحاق	۱۸۱-۷۴۱
امامزاده اسماعیل ۵۰-۱۸۰-۱۸۲-۴۲۶-۴۳۳ ۷۵۰-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱ ۷۶۲ .	
امامزاده باقر	۷۶۲
امامزاده پلوی	۸۰۸
امامزاده جعفر	۷۵۰-۷۶۳
امامزاده‌حسن	۷۵۰-۷۵۱
امامزاده حمزه	۷۷۷
امامزاده درب امام	۷۶۵
امامزاده دوقلی	۷۷۲
امامزاده زین‌العابدین	۷۶۹-۷۷۲
امامزاده سیدالسادات	۸۹۸
امامزاده شاهرضا	۹۰۲

اعلام جایها	شماره صفحات
امامزاده شاه‌زید	۷۷۴
امامزاده شوری	۴۵-۱۴۸-۴۲۷-۷۷۶
امامزاده طوقچی	۸۱۲
امامزاده عبدالله	۴۲۷-۷۰۲-۷۷۶
امامزاده قریه‌برز	۹۱۵
امامزاده موسی	۷۷۶
امامزاده هارونیه	۵۱۰
امامزاده هارون ولایت	۷۸۰
امهران	۱۳
امیرآباد	۷
امین‌آباد ماربین	۴۷۳
انار والوار	۷
انباردخانیات	۱۰۸
انجمن آثارملی	۸۰۹-۸۸۷
انجمن شهراصفهان	۳۸۸
اندائان	۲۶۰
انگورستان	۳۳۵
اوچ کلیسا	۸۳۶-۸۴۷-۸۴۴
اورشلیم	۵
اونج	۴۸۹
ایدغمش	۲۹۳-۲۹۴-۳۰۱-۳۰۳
ایران ۱۰۶ - ۱۴۵ - ۱۶۱-۱۶۳-۱۷۱-۱۷۲ ۱۷۳-۲۰۴-۲۳۶-۲۳۸-۲۵۰-۲۹۹ ۳۲۲-۳۲۳ - ۳۵۲ - ۳۵۸ - ۳۶۵ ۳۸۷-۳۹۱-۴۹۴-۴۹۶-۵۰۰-۵۲۳ ۵۳۰-۵۶۴-۵۷۴-۶۲۷-۶۶۱-۶۶۲ ۸۹۲-۸۳۴-۸۴۲-۸۰۸-۷۷۸-۹۹۲	
ایرانشهر	۲
ایرستانجی	۴۸۸
ایروان	۸۳۶
ایطالیا	۱۶۳
ایوان استاد	۵۱۶-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۲
ایوان درویش	۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۸۹
ایوان شاگرد	۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۸۹
ایوان صاحب	۵۳۹-۵۸۹
ایوان عالی‌قاپو	۳۷۶
ایوان کسری	۸۵۰
ایوان گلدسته	۵۴۷

(ب)

بابا رکن‌الدین	۱۷۸
باب‌الحکمة	۵۹۹
باب سلم	۲۳۴
باب عطاء	۲۵۱
باب همایون	۵۹۳
باب‌التبریزیة	۵۱
باب‌الدشت	۲۲۹
باب‌عالی	۳۶۲-۳۷۰
باب‌القصر	۵۷-۲۵۵-۴۷۰
باترقان	۱۸۶
بادرود نطنز	۹۱۵
بارکرسب	۲۲۲-۷۴۳
بارکرس	۲۲۲
بارگاه حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)	۳۶۲
باروی آتشگاه	۱۲
باروی اشرفی	۲۰۶-۲۳۱
باروی بیدآباد	۷۳۲
باروی زواره	۱۲
باروی شهر اردستان	۱۲
باروی شهرستان	۲۷۱
باروی طهمورثی	۱۱-۲۰۶
باروی علاءالدوله	۲۰۶
باروی قلعه طبرك	۱۱
بازار آرتش	۳۵
بازارآهنگران	۳۹۵
بازار اسلحه‌سازان	۱۰۸
بازارامیر	۲۰۳

اعلام جایها	شماره صفحات
بازار امیرسعید بابلاق	۳۵–۴۸–۴۹
بازار بزازها	۳۹۶
بازار بزرگ اصفهان ۴۰۱–۴۰۴–۴۰۶–۴۴۱–۴۴۲–۴۷۰–۵۲۴–۶۱۵–۷۳۴–۷۴۱ .	
بازار بوریابافها	۳۹۷–۴۰۰
بازار ترکشدوزها	۹۶–۱۰۷–۳۹۶
بازار تفنگسازها	۱۰۸–۳۹۱–۳۹۸
بازار توپچی باشی	۳۰
بازارجارچی	۳۹۴
بازارجرین	۲۰۴
بازار جمالهکله	۳۹۹
بازار چخماقسازها	۳۹۲–۳۹۸
بازارچه آقا	۳۹۷–۴۰۰
بازارچه اسماعیل کوسج = کوسه	۱۰۲–۴۰۲
بازارچه بلند	۱۰۷-۲۳۱-۲۳۴-۳۹۹-۴۵۲
بازارچه بیدآباد	۴۰۰-۶۴۶
بازارچه چهارسو	۹۲
بازارچه حاجمحمدجعفرآبادهای	۴۰۲-۵۹۵
	۷۳۴
بازارچه حاجیهخانم	۴۰۱
بازارچه حسنآباد	۴۰۱-۴۷۰-۶۴۰
بازارچه حمام قاضی	۴۰۰-۶۰۲
بازارچه حمام خان	۲۸۰-۴۰۰-۶۴۵
بازارچه دردشت	۳۹۹
بازارچه رکنآباد	۹۲
بازارچه فریدون	۷۳۷
بازارچه نو	۶۰۴
بازار چهارسوق شیرازیان	۴۰۱
بازار چهارسونقاشی	۳۹۶
بازار جیتسازها	۲۳۱-۳۹۱
بازار حاجعلیقلی آقا	۳۹۹-۴۰۶-۷۱۷
بازار حبیبالله خان	۴۰۱
بازار حسنآباد	۶۳-۲۱۹-۳۹۶
بازار حلاجان	۶۹۷

اعلام جایها	شماره صفحات
بازارخفافان	۶۹۷
بازارخواجه محمود	۳۵-۴۸-۴۹-۵۱
بازار خیار	۴۰۱
بازار دارالشفاء	۹۶
بازار درتالار	۳۹۸
بازار دروازه اشرف	۳۹۵
بازار دروازه طوقچی	۱۰۹–۴۰۱
بازار رنگرزان ۳۹-۴۵-۹۶-۱۵۱-۳۹۱-۳۹۶-۳۹۸-۴۰۷-۴۰۴-۶۰۴ .	
بازار ریخته‌گرها	۱۰۷
بازار ریسمان ۱۰۹-۳۹۶-۴۰۱-۴۸۲-۴۸۳ - ۴۸۶-۴۸۸-۵۰۳-۶۸۷-۶۸۸ .	
بازار زرگرها	۲۳۱–۳۹۱–۳۹۸
بازار زین‌سازها	۱۰۷
بازار ژیرین	۲۰۴
بازار ساروتقی	۲۷۰–۴۰۱
بازار ساورسازها	۳۹۱–۳۹۸
بازارشاه	۴۰۳
بازار شاهزادگان	۱۰۷
بازار شاهی ۱۰۷–۳۹۱–۳۹۳–۳۹۹–۴۵۲–۴۹۴	
بازار شمشیرگران	۲۳۱–۳۹۲–۳۹۸
بازار صباغان	۶۵–۲۳۱
بازار صرافان	۱۱۰
بازار ضرابخانه	۳۹۳
بازار طوقچی	۵۶۶
بازار عربان ۱۰۸-۳۹۶-۳۹۷–۴۰۰–۴۰۱-۴۸۲-۵۰۳-۷۳۳	
بازار عسکر	۳۶-۴۹-۵۱
بازار غاز	۱۰۹–۳۹۶–۴۹۸
بازار قلمزنها	۳۹۹
بازار قنادها	۲۳۱-۳۹۳-۳۹۹
بازار قندیلسازان	۳۹۹
بازارقهوه‌کاشیها ۳۹۱-۳۹۸-۴۰۴-۴۴۲-۶۴۱	

اعلام جایها	شماره صفحات
بازار قیصریه ۹۹ - ۲۳۱ - ۳۸۹-۳۹۱-۳۹۲ ۳۹۳-۳۹۴-۴۰۲	
بازار کفاشها	۳۹۳
بازار کفشدوزها	۳۹۶
بازار کلاهدوزها	۳۹۹
بازار گلشن	۳۹۴
بازار گندم‌فروشان	۴۰۲
بازار لوافها	۳۹۵
بازار لله بیك	۱۱۰
بازار مثقالی‌فروشها	۳۹۱
بازار مجلسی	۳۹۹
بازار محله کبودان	۱۴۸
بازار محمدامین	۳۰
بازار مرغ	۴۰۱-۵۸۲
بازار مستوفی	۱۱۰-۲۲۰
بازار مسگران	۶۸-۹۱-۱۰۷
بازار مسگرها	۲۳۱
بازار مشعلدارباشی	۱۰۸-۳۹۵
بازار مصر	۶۳۳
بازار مقابل بازار عربان	۳۹۷
بازار مقصودبیك	۱۰۸-۳۹۶-۴۰۱-۶۴۰
بازار منجم‌باشی	۱۰۸-۳۹۵
بازارمنشی	۴۰۲
بازار میان طوقچی وباباقاسم	۱۱۱
بازار میدان میر	۱۰۹-۴۰۱
بازار نجارها	۴۰۲-۷۳۴
بازار نجف‌آبادیها	۱۰۹-۳۹۶
بازار نظام‌الملکی	۱۰۹
بازار نظامیه	۱۰۹
بازار نقش‌جهان	۱۱۱
بازار نیم‌آورد	۳۹۸
بازار هارونیه	۳۹۷-۴۰۰
باشگاه افسران	۹۱-۳۸۶-۳۸۸
باطرخان	۱۸۶

اعلام جایها	شماره صفحات
باطرقان	۶-۱۸۶-۲۰۳
باغ آلبالو	۶۸-۷۳
باغ احمدافغان	۸۶
باغ احمدسیاه	۶۶-۲۲۹
باغ ارم	۸۶
باغ انارستان	۸۶
باغ انگورستان	۶۴
باغ بابامیر	۶۹-۱۷۱
باغ باب‌همایون	۳۹۷-۷۳۱
باغ بادامستان	۶۴-۸۲-۳۳۵
باغ برج	۷۸-۷۹
باغ بکر	۵۹-۶۶-۸۷
باغ بلبل	۱۷۱-۳۲۸
باغ بهارستان	۷۸-۳۳۷
باغ بهشت آئین صفوی	۶۴
باغ بهشت برین	۸۲
باغ بیت‌الماء	۶۶-۳۲۳
باغ بیت‌المال	۶۶
باغ پل‌کله	۸۶
باغ پهلوان‌حسین	۶۸-۷۴-۱۷۱
باغ پهلوان لنجان	۸۶
باغ تاج‌آباد	۶۷
باغ تخت	۶۷-۸۰-۱۷۱
باغ تفنگچی آقاسی	۷۷
باغ توپخانه	۷۲-۱۷۱
باغ توحیدخانه	۸۰
باغ توشمال‌باشی	۷۶
باغ جزایرخانه	۶۵
باغ حبشاران	۷۹
باغ جعفرخان	۷۹
باغ جلوخان	۷۹
باغ جلودار شاه‌عباس	۷۸
باغ جنان	۶۲۹
باغ جنت	۶۶-۸۰-۲۹۴

اعلام جایها	شماره صفحات
باغ جوش‌آران	۷۹
باغ جون‌کمر	۷۸
باغ چرخاب صفوی	۷۷
باغ چشمه صفوی	۸۳–۱۵۹
باغ چهلستون ۱۷۱ - ۲۸۷-۳۴۷-۳۴۹-۳۶۱ ۳۸۲-۵۹۰-۷۲۰	
باغچه عباسی	۳۹۷-۷۳۱
باغچه نواب صفوی	۸۲
باغ چینی‌خانه	۶۴
باغچه یخچال	۷۹
باغ حاجی	۸۵-۲۸۰-۲۸۶-۵۲۳
باغ حاج‌باقر	۷۵
باغ حاج‌صالح	۷۸
باغ حبشی‌خانه	۷۹
باغ حسن‌پاشا	۸۵
باغ حمام صفوی	۸۲
باغ خاجو	۸۷
باغ خالقی	۸۶
باغ خرگاه و کجاوه‌خانه	۶۴
باغ خلیل	۸۰
باغ خواجه	۷۶
باغ خورنق	۸۷
باغ خیاطخانه	۸۰
باغ خیمه‌گاه	۶۵
باغ داروغه	۷۶
باغ داروغه دفتر	۷۶
باغ درب کارخانه	۷۸
باغ درب سنگ	۸۲
باغ درب قلعه	۸۶
باغ دریاچه	۶۲–۸۵
باغ دریاچه صفوی	۸۵
باغ دشت‌کور	۶۷
باغ دمود	۷۴
باغ دیوان‌بیگی	۷۷

اعلام جایها	شماره صفحات
باغ رشگ جنان	۶۵
باغ رضاقلیخان	۷۶–۸۳
باغ رضاقلیخان صفوی	۸۳
باغ زرشك ۷۳–۱۶۶–۱۷۲–۶۷۵–۸۳۶	
باغ زین‌خانه	۷۴
باغ سپهسالار	۷۸
باغ ستاره	۷۳-۱۷۱
باغ سعادت‌آباد ۶۰–۶۱–۶۲–۷۳–۷۸-۷۹ ۸۵-۳۱۴-۳۱۶	
باغ سقاخانه	۸۶
باغ سلطانعلی‌خان	۶۵
باغ سلم	۷۱-۸۷-۱۱۲-۲۳۲
باغ سهیل	۷۱
باغ سیف‌الدین	۶۸
باغ شاه	۷۰–۲۳۰
باغ شیرخانه	۷۴
باغ صالح‌آباد	۶۹
باغ صایب	۱۷۶–۸۱۰
باغ صدرجهان	۷۰
باغ صفی‌آباد	۸۶
باغ صفی‌میرزا	۸۳–۲۹۶
باغ طاوس‌خانه	۶۸–۱۷۱
باغ طرازآباد	۸۷
باغ عباس‌آباد ۷۹–۱۳۹–۱۶۱–۱۶۷-۳۲۴	
باغ عبدالله	۷۱–۸۷
باغ عبدالعزیز عجلی	۸۵–۱۸۹
باغ عدن	۸۶–۱۸۹
باغ عسکر	۷۲
باغ علی‌بن سهل	۷۲
باغ علی‌قاسم	۷۴
باغ عموطاهر	۷۴
باغ عیسی‌بن ایوب	۶–۷۱–۸۷-۱۸۹
باغ غلامان مطبخ	۷۷
باغ فتح‌آباد	۷۴–۱۷۱

اعلام جایها	شماره صفحات
باغ فراخان	۸۶
باغ فراشخانه	۷۱
باغ فرح‌آباد	۸۰–۸۱
باغ فرنگ	۸۶
باغ فلاسان	۷۲–۸۷
باغ فوق‌المقسم	۴۸۹
باغ فیل‌خانه	۷۵
باغ قادرخان	۸۲
باغ قراخان	۶۹
باغ قرچه‌خان	۸۶
باغ قرچقای‌خان	۷۵
باغ قلعه میان‌شهر	۱۸–۸۸۸
باغ قلندرها	۳۹۸
باغ قورچی‌باشی سفلی	۷۵
باغ قورچی‌باشی علیا	۷۵
باغ قورچیها	۸۶
باغ قوشچیان	۷۷
باغ قوشخانه ۶۰–۶۱–۷۰–۷۲–۴۱۴-۴۱۵	
باغ کاج	۱۷۱–۳۸۰
باغ کاخ صفوی	۸۲
باغ کاران ۶۶–۶۷–۸۷–۱۸۱–۲۱۸–۲۴۱–۲۹۰	
باغ کجاوه‌خانه	۶۵
باغ کرکس صفوی	۸۲
باغ کلاه‌شاه	۷۸
باغ کلعنایت	۷۰–۲۹۶
باغ کومه صفوی	۸۳
باغ گلدسته	۶۱–۷۲–۱۷۱
باغ گوش‌آران	۷۹
باغ لب مادی	۸۳
باغ لنجانی	۷۰–۷۲
باغ مابان	۷۲
باغ محمد امین	۸۰
باغ محمدعلی‌حیدر	۶۸

اعلام جایها	شماره صفحات
باغ محمدعلی‌خان	۸۲
باغ محمدعلی صدری	۸۲
باغ محمود صفوی	۲۱–۷۸–۳۰۲
باغ مراد	۷۳–۹۰–۱۸۶
باغ مردارکش	۸۶
باغ مستمند	۸۰
باغ مستمن	۸۰
باغ مستوفی	۸۶
باغ معتمد خسرو	۶۶
باغ معیر	۸۶
باغ ملك صفوی	۸۳
باغ منوچهرخان	۷۳
باغ مودون	۸۶
باغ مولاناابراهیمی	۴۸۹
باغ مهردارشاه‌عباس	۷۷
باغ میراخور شاه‌عباس	۷۷
باغ میرزامحمدسعید	۴۸۹
باغ میرزامهدی‌خان	۶۹
باغ نارنجستان صفوی	۸۲
باغ ناظر	۶۸
باغ نسترن	۶۸–۱۷۱
باغ نطنز	۶۹
باغ نقش جهان ۳۸–۶۴–۱۶۱–۳۲۳–۳۳۷–۳۳۹–۳۹–۳۴۵۵–۳۸۷	
باغ نگار	۷۰
باغ نگارستان	۸۶
باغ نو	۱۹۰–۲۲۱
باغ نواب	۶۵
باغ‌وحش صفوی	۸۵
باغ وقایع‌نویس	۷۶
باغ هزارجریب ۸۰–۸۱–۱۶۷–۱۶۹–۱۷۱–۱۷۲–۱۷۳–۳۱۸	
باغ هشت‌بهشت ۶۴–۱۰۸-۱۶۸-۱۷۱-۲۹۵–۲۳۱–۳۹۹	

اعلام جایها	شماره صفحات
باغ هفتدست خاقانی	۸۱
باغ همایون	۱۸۵–۲۸۶–۵۲۰–۵۹۲
بافجان	۱۲۶
بافجون	۱۲۶
بافران	۱۲۲
باغات	۷۲۴
بانك ملی	۱۰۷–۳۸۸
بحرین	۶۲۵
بخارا	۱۱۳
براآن	۸۰۷-۸۱۴-۲۹۳-۸۲۹
برج چهلستون	۵۸
برج ساعت	۱۰۵
برج ناقوس	۸۳۹-۸۴۰
برخواد	۷-۸-۱۲-۱۴-۷۶۰
برزاوند	۷-۱۵-۱۰۴-۴۱۸
برزرودجی	۱۵۴–۲۵۷–۲۶۵
بروسکان	۶
بغداد	۶-۲۳-۱۸۴-۲۰۷–۲۰۹–۲۲۴ . ۲۵۳ ۲۶۷–۴۶۱ ۶۰۳–۷۰۸
بغدلی	۱۸۹
بقعه ابوالحسن زین‌العابدین	۲۲۷
بقعه ابراهیم بطحائی	۲۲۷
بقعه امامزاده ابراهیم	۱۴۷
بقعه امامزاده دوقلی	۲۲۲
بقعه امامزاده سیدکمال‌الدین حسین	۸۹۳
بقعه بابارکن‌الدین	۳۱۳-۸۴۸
بقعه باباسرخ	۲۷۹
بقعه باباعلمدار	۲۲۲
بقعه باباقاسم	۲۰۷-۷۸۵
بقعه پیربکران	۸۵۶
بقعه پیرمرتضی علی‌اردستانی	۴۵–۱۵۰-۸۸۶
بقعه جعفریه	۳۸
بقعه حافظ	۲۶۶
بقعه درب امام	۷۶۶

اعلام جایها	شماره صفحات
بقعه الراشد بالله	۱۰۲
بقعه سلطان اسد	۵۱
بقعه سلطان‌بخت‌آقا	۲۲۷
بقعه سیداحمد	۷۴۸
بقعه سید حجةالاسلام رشتی	۷۹۲
بقعه سید الساجدین	۷۷۷
بقعه سید واقف	۹۱۵
بقعه شاه حسن	۲۲۷
بقعه شاهزاده ابراهیم وشاهزاده محمد	۹۰۳ .
بقعه شاه زید	۱۸۸-۱۹۴-۱۹۸-۲۲۲-۷۷۵
بقعه شاه سیدعلی‌اکبر	۹۰۴
بقعه شاه سیدعلی	۲۲۲
بقعه شهشهان	۲۳۸-۶۴۵-۷۱۰-۸۰۲
بقعه شیخ ابومسعود	۵۶-۹۶
بقعه شیخ عبدالصمد	۹۱۳
بقعه شیخ‌عبدالله انصاری	۵۵–۷۳۱
بقعه شیخ‌محمد بناء	۲۴۲-۵۴۱-۸۰۸
بقعه صاحب‌بن عباد	۲۰۷
بقعه صائب	۸۰۸
بقعه علی‌بن سهل	۸۱۱
بقعه کمال‌الدین اسماعیل	۸۱۱
بقعه مجلسی	۵۷۱-۵۷۲
بقعه محمدبیك	۹۹
البقعةالمسعودیةالرازیة	۸۰۷
بقعه هارون ولایت	۷۸۳-۷۸۴
بقعه هارون‌بن موسی	۷۸۳
بقعه هارونی	۷۸۲
بقعه هفده تن	۸۹۸
بکه	۴۲۰-۸۲۴
بلخ	۲۷۷
بن اصفهان	۹۷
بناکان	۲۹۲
بنجار	۵–۲۰۶
بنجیره	۱۲۱

اعلام جایها	شماره صفحات
بند امیر	۳۲۵
بندر سورت	۳۲۴
بندرعباس	۹۷-۱۱۰
بوان	۱۵
بهائیه نطنز	۱۰۴
بهشت آئین	۳۳۵
بهشت ۲۵۷-۳۷۲-۳۷۶-۴۷۹- ۶۰۲ - ۷۹۴ ۷۹۸-۸۱۲	
بیابانك	۱۳۳-۱۳۴
بیت‌الادویة	۳۷
بیت‌الشتاء	۵۱۶-۵۳۲-۵۵۲-۵۸۸
بیت‌العتیق	۵۵۸
بیت‌الله‌الحرام	۵۱۲-۷۲۷
بیت‌المعمور	۷۰۷
بیت‌المقدس	۱۳-۶۳۶
بیدآباد	۱۹۳-۲۹۶-۷۳۸-۷۳۹
	۱۸۳
بیدان	۱۹۱
بیستون	۸۱۴
بیشه محمد علی بیك	۲۲۰
بیمارستان ثریا	۷۳۱
بیمارستان ورنوسفادران	۹۷

(پ)

پاچنار	۲۴۰
پادرخت سوخته	۳۷۹-۳۹۸
پاشاخ	۱۰۲
پاقلعه	۱۸۷-۲۹۵
پایین دروازه	۷۵۱
پزوه	۴۹
پستخانه	۶۴
پشت خیابان	۷۳۸
پشت مطبخ	۷۳-۱۷۷
پل‌اللهوردیخان ۶۲-۷۳-۱۷۱-۱۷۲-۳۰۲ ۳۰۳-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰	

اعلام جایها	شماره صفحات
۳۲۱-۳۲۳-۳۲۵-۳۲۶	
پل‌امیر ۳۲۵	
پل انجیری ۷۰	
پل اورگان ۳۰۲	
پل بابارکن‌الدین ۳۰۷-۳۱۳	
پل‌بابا محمود ۳۰۲-۳۰۴	
پل جلفا ۱۷۲-۳۱۸-۳۲۱	
پل جوئی ۶۰-۶۲-۸۵-۳۰۳-۳۲۱	
پل چوم ۳۰۳	
پل چهل چشمه ۳۱۸-۳۲۵	
پل حاج‌کاظم ۳۰۲	
پل حسن‌آباد ۳۰۹-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۶	
پل حسن بیك ۳۰۷-۳۰۸	
پل حسن خان ترکمان ۳۱۵-۳۱۶	
پل حسین ۵۷-۲۰۴	
پل خاجو ۲۱-۲۲-۶۰-۶۲-۷۸-۷۹- ۹۵ ۱۷۸-۲۱۵-۲۱۸-۲۲۰-۳۰۲-۳۰۶-۳۰۷ ۳۱۳-۳۱۴-۳۱۶	
پل دشتی ۳۰۳	
پل زاینده رود ۸۱-۳۲۲-۳۲۵	
پل زمان خان ۱۷۵-۳۰۳	
پل سرفراز ۳۰۴	
پل سروش آذران ۳۰۳	
پل سروشفا دران ۳۰۳	
پل سی‌وسه پل ۱۵۸-۱۵۹-۱۷۸-۳۲۲-۳۲۳ ۳۲۷	
پل سی‌وسه چشمه ۱۶۶-۱۶۸-۳۱۵-۳۱۸ ۳۲۲-۳۲۳-۳۲۷	
پل شاه عباسی ۱۶۶-۱۶۸-۳۱۸	
پل شاهی تیموری ۳۱۳-۳۱۴	
پل شاهی ۳۱۰-۳۱۴	
پل شهرستان ۱۰۳-۱۴۶-۳۰۲-۳۰۵	
پل شیراز ۳۱۳	
پل شیری ۱۷۶-۱۷۷	

اعلام جایها — شماره صفحات

پل صراط ۳۱۰
پل فلاورجان ۳۰۳
پل کله ۳۰۲
پل گبرها ۳۰۷-۳۱۳
پل مارنان ۱۱۵-۱۵۹-۱۷۷-۱۷۸-۲۶۵-۲۹۴-۳۰۲-۳۰۴-۳۲۷
پل محمد رضا شاه ۳۲۷
پل نف پاریس ۳۲۲
پل نیاصرم ۳۰۴
پل ورگان ۳۰۳
پل ورزنه ۳۰۳
پیربکران ۳۶۱-۸۲۲-۸۴۹-۸۵۱-۸۵۳

(ت)

تالاراشرف ۸۸-۳۸۰
تالارتیموری ۱۲۰-۳۸۰-۳۸۶
تالارچهلستون ۳۷۵
تالار طویله ۸۰-۳۸۰
تالارعمارت آینه خانه ۳۷۵
تالار عمارت عالی قاپو ۳۷۵
تبریز ۲۴۵-۲۴۹-۲۸۴-۶۷۳-۶۹۷-۸۰۸
تپه اشرف ۱۵-۳۰۵
تخت رستم ۱۲۳
تخت فولاد ۲۱-۲۲-۱۲۶-۱۹۵-۲۱۳-۲۲۴-۲۴۸-۲۶۳-۳۰۷-۳۱۳-۴۷۷-۵۹۶-۶۲۵
۶۲۶-۶۲۸-۶۳۸-۷۳۷-۷۳۹-۷۴۱-۸۴۶
۸۴۷-۸۴۸-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۸
تخچی ۲۴۲-۲۴۳
تخماقلو ۸
تربت نظام ۲۸۲-۷۸۹
ترکستان ۲۴۲-۲۸۲
ترمذ ۵۵۵-۵۵۶
تروآسگان ۶۱۰-۷۳۶
تقچی ۲۴۲
تقی‌آبادکرون ۴۸۹

اعلام جایها — شماره صفحات

تکیه‌آقا حسین خوانساری ۲۶۳
تکیه بابا حیدر ۹۷
تکیه بابا رکن‌الدین ۱۲۶-۱۳۸
تکیه بکتاش ۲۲۱-۲۸۲
تکیه بین طوقچی وجوباره ۷۳۴
تکیه پای چنار ۷۸۹
تکیه حاجی محمد جعفرآباده ای ۶۲۵-۶۲۸
۶۵۳
تکیه حسن خاکی ۲۲۱
تکیه خاتون‌آبادی ۱۹۵-۲۲۴-۸۵۴
تکیه خاجو ۲۲۱
تکیه خوانساریها ۸۴۷
تکیه دردشت ۴۲۶
تکیه درویش حیدر ۱۶۳
تکیه درویش صادق ۹۷
تکیه دولت صفوی ۹۱
تکیه سلطان بیك ۸۶۴-۸۶۸
تکیه سیدالعراقین ۱۹۵
تکیه شیخ عبدالله انصاری ۷۳۱
تکیه صاحب‌روضات ۲۱۳
تکیه صائب ۸۰۸
تکیه ظلمات ۳۳۹-۷۲۹
تکیه علی اکبربیك ۲۲۱
تکیه فیض ۹۸
تکیه‌کازرونی ۲۱-۴۷۷
تکیه‌گلبنده ها ۳۹۶
تکیه مادرشاهزاده ها ۱۸۲
تکیه محمد صالح ۹۷
تکیه ملك ۶۳۸
تکیه میان ده نصرآباد ۸۲۰
تکیه میر ۸۵۹-۸۶۱
تکیه میرزا اشرف ۲۲۱
تکیه میرسید محمدشهشهانی ۲۲۸
تکیه نایب جواد ۲۲۱

اعلام جایها	شماره صفحات
تکیه نوربادان	۲۲۱
تکیه والهیه	۸۶۱–۸۶۲
تل عاشقان	۲۰۵-۷۳۲
تلگراف خانه	۶۴
تلواسکان	۲۲۲
توحید خانه	۳۷۴
تونل کوهرنگ	۳۵۸–۳۸۸
تهران	۱۲۴–۱۵۷-۲۳۰-۲۳۸-۲۴۳–۳۵۸ ۵۰۴-۷۰۲-۷۵۰
تیران	۶–۸-۵۷–۱۹۹–۲۴۳
تیران وآهنگران	۲۴۳-۲۹۷
تیربر	۱۱۶
تیمچه ارباب	۳۹۵–۴۱۰
تیمچه پا قلعه	۴۱۰
تیمچه تخت کشی	۴۱۰
تیمچه چهارسوق مقصود	۴۱۰
تیمچه حاج سید عبدالرحیم	۴۱۰
تیمچه حاجی رضا	۴۱۰
تیمچه حاجی سید مصطفی	۴۱۰
تیمچه حاجی عظیم	۴۱۰
تیمچه حاجی علینقی	۴۱۰
تیمچه حاجی کریم پوستی	۴۱۰
تیمچه حاجی محمد حسین حریری	۴۱۰
تیمچه حمام وزیر	۴۱۰
تیمچه حوابیگم	۴۰۲-۴۱۰
تیمچه درقهوه کاشی ها	۳۹۵–۴۱۰
تیمچه زنجیرخانه	۴۱۰
تیمچه سعادت	۴۱۰
تیمچه شله	۳۹۱
تیمچه ضرابی	۴۱۰
تیمچه عبابافی نارون	۴۱۰
تیمچه علی‌اکبر	۴۹۸
تیمچه فخر	۳۹۵
تیمچه قزوینی‌ها	۳۹۸
تیمچه محمودیه	۴۱۰
تیمچه ملك	۳۹۵–۴۱۰
تیمچه مهره‌کشها	۴۱۰
تیمچه میرزا علی‌اکبر	۴۱۰
تیمچه نبی	۴۱۰
تیمچه یزدیها	۴۱۰
تیمره بزرگ	۷
تیمره کوچك	۷

(ج)

جا خانی	۳۰۰–۳۰۱
جا خوانی	۳۰۰
جاده خواجو	۷۲۴
جار	۲–۹-۱۴۲-۲۰۸
جامع اردستان	۸۶۸–۸۹۰
جامع اصفهان	۵۶۱
جامع بغداد	۶۷۳
جامع رنگرزان	۱۵۱
جامع شهرستان	۸۵۵
جامع صغیر	۱۰۳–۱۵۹
جامع عباسی	۲۹۹
جامع عتیق	۱۵۱–۲۰۹
جامع کبیراصفهان	۱۸۷
جامع کبیرشاهی	۲۷۱
جامع گلون آباد	۱۴۵
جامع یهودیه	۶–۲۷۸
جحفة	۶۷۰
جلال محله	۲۸۸
جرقویه	۸
جرگان جی	۲۱۶
جرواثان	۵–۶-۱۴–۲۰۰–۲۰۳
جروکان	۳۳۵
جز	۷۶۰
جزیره فره خالدات	۱۵۴
جسرالحسین	۵۹-۳۱۴

اعلام جایها — شماره صفحات

جعفر آباد ۴۸۹
جلبار ۲۶۱
جلباره ۲۶۱
جلفا ۶۱–۷۳–۲۳۶–۳۲۷–۸۳۴–۸۳۵–۸۳۷–۸۳۹–۸۴۰–۸۴۱–۸۴۳–۸۴۴–۸۴۵
جلفای روس ۲۰۴–
جلك ۲۰۵
جمیلان ۵
جنان ۶۰۲–۶۶۵–۷۶۱–۷۹۸–۷۹۹
جنت ۶۵۷–۶۷۳–۶۸۶
الجنة ۶۷۴–۶۷۶–۶۸۰–۶۸۲–۶۸۶
جوان ۵۱۲
جوباد ۲۰۵
جوباره ۱۵–۷۱–۱۸۶–۱۸۹–۱۹۰–۲۰۶–۲۲۷–۲۲۸–۲۳۳–۲۳۷–۲۶۱–۲۶۸–۲۷۵ – ۲۷۷ – ۲۸۲–۲۸۳–۲۹۶–۴۱۴– ۴۱۶ – ۷۳۲–۸۱۱
جود ۲۰۸
جودت ۸۵۴
جودتان ۲۰۸
جودجیر ۱۵۱–۲۰۸
جوزدان ۶–۱۱۳–۱۷۹–۲۰۹–۲۹۷
جوش بر ۱۱۶
جوشقان ۱۰۴
جوگند ۱۳–۱۰۳–۱۰۴–۱۳۵
جولاهه ۲۰۴
جویباره ۲۰۶
جوی سرد ۲۹۱
جوی سفید ۱۶۷
جوی سیاه ۳۵۰
جوی شاه ۲۷۹–۲۹۵–۳۳۱–۳۳۵
جهان ۶۰۲
جهان باره ۲۰۶–۳۲۱
جهودباره ۲۰۶
جهنم ۶۸۶

اعلام جایها — شماره صفحات

جی (اصفهان) ۲–۳–۵–۷–۸–۹–۱۲–۱۴–۴۶–۵۱–۵۵–۹۶–۱۱۶–۱۴۵–۱۵۴ – ۲۰۱ – ۲۱۰–۲۲۵–۲۶۴–۲۶۷–۲۶۹–۲۸۹–۲۹۰–۲۹۳–۲۹۴–۲۹۵–۲۹۶–۳۰۵–۸۵۴
جی (تهران) ۷۵۰
جیان ۵۴
جیران پائین دروازه ۲۰۰–۲۰۸–۲۱۱
جیلون آباد ۱۴۵

چ

چادگان ۸
چارباغ صفاهان ۲۵۰
چالدران ۳۴۵–۳۵۷
چاه دجال ۴۸
چاهریسه ۴۶
چاه علم ۱۳۴
چرخاب ۱۷۵
چشمه جانان ۰۸۹
چشمه درویش ۱۲۳
چلهخانه ۱۳۸–۳۹۷
چمبرك ۲۹۶
چمبلان ۵
چملان ۱۶
چهارباغ ۶۰–۶۷–۶۸–۶۹–۷۵–۷۹ – ۸۱–۸۳–۸۴–۸۹–۱۶۳–۱۶۶–۱۶۸–۱۶۹–۱۷۰–۲۱۹–۲۹۵–۳۱۹–۳۲۳–۳۲۶–۳۳۲–۳۳۳–۴۴۵
چهارباغان ۸۷–۲۰۰
چهارباغ اصفهان ۷۲–۷۴–۷۵– ۸۵–۸۷ – ۸۹
چهارباغ امین آباد ۱۶–۸۶۱
چهارباغ بالا ۷۳–۷۵–۷۶–۱۶۶–۱۶۸–۱۶۹–۱۷۳–۳۲۴
چهارباغ پایین ۱۶۸–۱۷۳
چهارباغ خواجو ۲۲۰–۲۲۲–۲۲۱–۳۱۲–۷۶۲

اعلام جایها	شماره صفحات
چهارباغ سلجوقی	۸۶
چهارباغ شاه‌عباسی	۲۲۰
چهارباغ شاهی	۱۶۸–۲۳۲
چهارباغ صدر	۹۲-۱۷۸–۲۱۸–۲۹۵–۲۳۳
چهارباغ طوقچی	۲۰۰
چهارباغ عباسی	۶۳-۷۲–۷۴-۸۹-۲۱۲-۲۳۴ ۳۳۶
چهارباغ علیا	۱۶۶
چهارباغ فتح‌آباد	۸۶–۲۲۰–۳۱۵
چهارباغ قدیم	۲۹۵
چهارباغ قهوه	۸۷
چهارباغ کهنه	۹۲–۲۳۱-۳۲۴
چهارباغ ملکشاهی	۹۷
چهارباغ نو	۷۸-۳۱۳
چهارحوض	۶۴-۳۸۸
چهارسو آجری	۴۰۳–۶۰۰
چهارسو امامزاده اسماعیل	۴۰۳
چهارسو بازار چیت‌سازها	۳۹۱
چهارسو بازار مثقالی‌فروشها	۴۰۳
چهارسو بیدآباد	۴۰۳
چهارسو چوبی	۲۱۹-۴۰۴
چهارسو درباغ قلندرها	۳۹۸
چهارسو درشیخ	۲۴۰-۴۰۳
چهارسو دروازه‌نو	۴۰۳
چهارسو شاه	۳۹۵–۴۰۳-۴۰۶-۴۹۴
چهارسو شیرازیها	۱۷۴-۲۹۵–۴۰۳–۴۰۴
چهارسو علیقلی‌آقا	۱۹۱-۲۹۶-۴۰۳
چهارسو فریدون	۴۰۴
چهارسو قلندرها	۳۹۴
چهارسو کرباس‌فروشها	۳۹۱–۳۹۸
چهارسو کوچك	۴۰۴
چهارسو مخلص	۴۰۴
چهارسو نمکی	۲۸۳–۴۰۳
چهارسوق سارونقی	۴۰۵
چهارسوق میدان میر	۷۳۶
چهارسوق نقاشی	۲۱۱-۳۹۶
چهارسوق نمکی	۱۴۷
چهارسوی اسفندیاربیك	۶۳-۹۲-۲۱۹-۴۰۳
چهارسوی بازار	۹۳
چهارسوی بازار چیت‌سازها	۴۰۳
چهارسوی بازار رنگرزها	۱۰۷
چهارسوی بازارمسگرها	۱۰۸
چهارسوی‌سارونقی	۱۰۸-۳۹۵-۴۰۴-۴۰۵
چهارسوی ضرابخانه	۳۹۱
چهارسوی مقصود	۱۹-۴۶-۱۳۷-۳۹۶-۴۰۳
چهارسوی نقاشی	۲۸–۲۹-۳۰-۶۳-۹۰–۹۲- ۲۱۹–۴۰۳
چهل دختران	۲۲۳
چهلستون	۷۲۰
چهلستون اصفهان	۴۸–۵۸-۶۴–۶۵–۷۱-۸۰ – ۸۲-۸۸-۱۳۷–۲۸۵–۳۳۴–۳۵۰– ۳۵۱ ۳۸۸–۸۹۳
چهلستون دیه سرنج‌آباد	۸۹۳
چهلستون سلجوقی	۵۷۵-۵۷۸
چهلستون عباسی	۵۳۲–۵۷۵
چین	۳۱۱
چینی‌خانه	۳۷۳
(ح)	
حلب	۱۵۳
حجاز	۶۶۸
حجر اسماعیل	۷۵۵
حجره شاه‌سلطان‌حسین	۴۶۶
حسن‌آباد	۲۱۵–۳۱۴–۳۹۶
حسین‌آباد	۲۱۵
حسین‌آباد طوقچی	۲۱۵
حسینیه شهشهان	۵۴–۲۳۷
حسینیه صرافها	۲۲۱

اعلام جایها	شماره صفحات
حصار دیموته	۲۵۰
حله	۳۵۰–۴۹۳
حمام آقاتیمور	۹۰–۴۰۷
حمام امین‌الدوله	۸۹
حمام بیگدلی	۴۰۷
حمام‌بیگدلیها	۳۹۵
حمام چادر دوزان	۹۰–۲۱۹-۴۰۷
حمام چهارباغ اصفهان	۸۹
حمام حاتم‌بیك	۸۹
حمام حاجی هادی	۴۰۷
حمام خاجو	۴۰۷
حمام خان	۴۰۶
حمام خسروآقا	۴۰۷
حمام خواجه‌های صفوی	۸۹
حمام خوره‌آزاد	۴۰۸
حمام دردشت	۴۰۷
حمام درقهوه	۹۰–۴۰۸
حمام درویشان	۹۰–۲۱۹–۴۰۸
حمام دوقلودربیدآباد	۴۰۷
حمام ذوالفقار	۲۳۲-۴۰۷–۴۷۰
حمام زعفران	۴۰۷
حمام ساروتقی	۹۰
حمام سرچهارراه	۹۰
حمام‌سرخ	۴۸۸
حمام شاه	۲۳۱–۳۹۵–۴۰۳–۴۰۶–۴۹۴
حمام شاهزادگان	۱۰۷–۴۰۷
حمام شاه‌علی	۴۰۶
حمام شریف	۴۰۸
حمام شوری	۴۰۷–۴۲۷
حمام شیخ ابومسعود	۹۶
حمام شیخ بهائی	۳۹۷-۴۰۷
حمام علیشاه	۴۰۶
حمام علیقلی‌آقا	۱۹۱-۳۹۷-۴۰۶
حمام فروهر	۴۰۸
حمام قارا خان	۸۹
حمام کرسی	۴۰۷
حمام کوچك علیقلی‌آقا	۴۰۶
حمام گود	۴۰۷
حمام محمد صالح	۹۰-۴۰۸
حمام محمدکریم‌بیك	۴۰۸
حمام منشی	۲۲۵–۴۰۲-۴۰۸
حمام میرزا رضی	۲۱۹
حمام میرقاسم	۴۰۸
حمام نم نبات	۴۲۹-۴۳۰
حمام نو	۴۰۷
حمام وزیر	۴۰۷
حمامهای‌روغنی	۹۰
حوض مروارید	۳۳۵
حیاط نو حضرت امامرضا	۲۴۸

(خ)

اعلام جایها	شماره صفحات
خابجان	۱۲۵–۲۵۳
خاتون‌آباد	۲۴–۸۵۴
خاجو	۱۸۱–۱۸۳–۲۲۲ – ۲۳۲– ۲۴۰– ۶۲۵
خاجوی بزرگ	۶۳
خاجوی‌کوچك	۴۰۴
خانقاه شاه علاءالدین	۲۳۷-۴۱۹
خانقاه شیخ ابوالقاسم نصرآبادی	۸۲۰
خانقاه شیخ ابومسعود رازی	۱۳۳-۲۴۰
خانقاه علی‌بن‌سهل	۷۲
خان‌کاشیان	۱۰۶
خان‌لنجان	۲۹۲
خانه‌بر	۹۶
خانه گبرها	۱۷
خاوجان	۷۰–۱۲۵
خراسان	۱۱۵–۱۸۴–۱۸۶–۲۵۱– ۲۷۷ – ۲۹۹–۵۸۳-۵۸۴-۶۵۹

اعلام جایها	شماره صفحات
خراسگان	۱۸۱
خرجان	۵-۶-۲۰۳-۲۳۱
خرونده	۴۶
خشینان	۵-۶-۹-۵۰-۷۱-۱۲۵-۲۲۶
خصیب آباد	۷
خلوت آبدارخانه	۹۵
خلوت سرپوشیده صفوی	۹۵
خوابگاه سلطان محمد سلجوقی	۲۶۱
خواجو	۳۰۹-۳۲۱
خوار	۱۲
خوانسار	۲۳-۹۰۰
خور	۱۱۶
خوراسگان	۲۵۶
خوزستان	۱-۲۲۵-۲۸۴
خوشینان	۱۲۵-۲۲۵
خوقند	۱۰۴
خیابان آئینه‌خانه	۱۵۸
خیابان آبشار	۱۵۸-۱۷۴
خیابان آذر	۱۵۸-۱۷۶
خیابان ابن‌سینا	۱۵۹-۱۷۷-۱۷۸
خیابان احمدآباد	۱۵۸-۱۷۴
خیابان اردیبهشت	۱۵۹
خیابان استانداری	۱۰۷-۱۵۹-۳۸۶
خیابان اللهوردی‌خان	۱۵۹
خیابان امین	۱۵۹
خیابان امین‌آباد	۱۷۸
خیابان بزرگمهر	۱۲۶
خیابان پارس	۱۵۹
خیابان پای قلعه	۱۵۸
خیابان پشت‌باره دروازه‌نو	۱۵۸
خیابان پهلوی	۱۵۸-۱۵۹-۱۷۶-۲۸۹
خیابان پنت‌مل	۱۶۴
خیابان تبریزیها	۱۶۰
خیابان تخت‌فولاد	۱۶۰-۱۷۸
خیابان ترواسکان	۱۶۰
خیابان تل‌عاشقان	۱۶۰
خیابان تلفونخانه	۱۰۷
خیابان تلواسکان	۱۶۰
خیابان تل‌واژگون	۱۶۰
خیابان ثریا	۲۸-۱۶۰-۱۷۵-۲۲۱-۷۲۱
خیابان جامی	۱۵۹
خیابان جمال‌الدین‌عبدالرزاق اصفهانی	۱۶۰ - ۱۷۵
خیابان چهارباغ	۹۸-۹۹-۱۰۷-۱۵۹-۱۶۰- ۱۶۱-۱۶۲-۱۶۵-۱۷۱-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷- ۱۷۸-۱۸۰-۲۲۶-۳۰۸-۳۲۰-۳۲۷-۳۹۹ ۴۴۵
خیابان چهارباغ بالا	۵۷-۱۷۲-۱۷۸-۳۲۸
خیابان چهارباغ پایین	۱۶۰-۱۷۲
خیابان چهارباغ صدر	۱۶۰-۱۷۹-۱۸۰
خیابان چهارباغ‌عباسی	۱۶۰-۱۶۳-۱۶۵
خیابان چهارباغ‌کهنه	۱۶۰-۱۶۵-۳۱۸
خیابان چهارسوق	۷۳۴
خیابان چهارسوق‌کوچک	۷۳۲
خیابان حافظ احمدآباد	۱۵۹- ۱۷۴- ۱۷۶- ۱۷۹-۳۹۵
خیابان حسن‌آباد	۱۷۴
خیابان حکیم‌نظامی	۱۷۴
خیابان خاجو	۱۷۴-۳۰۷
خیابان خرم	۱۷۴-۱۷۸
خیابان خشك	۱۵۸-۱۷۴
خیابان خورشید	۳۸۵
خیابان خوش	۱۷۴
خیابان خیام	۱۷۴
خیابان دالان بهشت	۱۷۴
خیابان درکوشك	۱۵۸-۲۳۱
خیابان دروازه تهران	۷۷۶
خیابان دروازه دولت	۳۸۵

خیابان دلگشا ۱۷۴–۱۸۰–۲۲۲
خیابان دورشهر ۱۷۴–۱۷۵–۱۷۷–۱۸۰–۱۹۰–۲۰۹–۲۵۵–۲۶۹
خیابان رحیم‌خان ۱۷۵
خیابان رسومات ۱۷۵
« رضا پهلوی ۳۹۶
« رفیع‌الدین ۱۷۵
« سپه ۵۸–۱۷۵–۳۵۵–۳۳۹–۷۳۷
« سروش ۱۲۷-۱۷۵–۷۷۷
« سعادت آباد ۱۷۵
« سعدی ۱۶۰–۱۷۵
» سنبلستان ۱۵۹
« سنگ‌تراشها ۱۷۵
« سیدعلی‌خان ۱۷۵
« شاپور ۱۶۰–۱۷۴–۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸–۱۷۹
خیابان شاه ۱۷۴–۱۷۵–۱۷۶–۱۸۳–۱۸۴-۷۲۰
خیابان شاهزاده‌ها ۱۷۶
خیابان‌شاه‌عباس ۵۸-۶۳-۸۹-۹۰–۹۲–۱۲۶-۱۷۴–۱۷۶-۱۷۹-۲۱۹–۲۲۱-۲۲۲–۳۹۶–۷۳۶–۷۷۲–۷۷۵
خیابان شاه عباس‌کبیر ۱۷۶ –۳۸۰– ۳۸۲–۳۸۶
خیابان شمس‌آباد ۲۵۸
خیابان شهناز پهلوی ۱۷۶-۱۷۷
خیابان شیخ بهائی ۵۳-۶۰–۶۷–۸۰–۱۷۶–۱۸۳-۳۳۶-۴۷۵–۷۳۶
خیابان شیروانی ۱۷۶
خیابان صائب ۱۵۹–۱۷۶–۸۰۸
« صاحب بن‌عباد ۱۷۷–۱۷۹–۲۲۲
« صادمیه ۱۷۷
« صغیر ۱۷۵-۱۷۷
« صفا ۱۷۷

خیابان صور اسرافیل ۱۷۶–۳۸۰–۳۸۲–۳۸۶
خیابان عباس آباد ۱۵۸-۱۵۹-۱۷۶-۱۷۷-۷۳۷
خیابان فتحیه ۱۷۷
خیابان فرح ۱۷۷
خیابان فردوسی ۱۶۰–۱۷۶–۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹– ۷۳۵
خیابان فروغی ۱۷۸-۲۴۳-۷۳۲
« فیض ۱۶۰-۱۷۴-۱۷۸-۱۷۹-۸۶۱
« قاآنی ۱۷۸
« کاوه ۱۷۸
« کران ۱۵۸
« کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی ۱۷۸ ۲۸۹-۳۰۶-۳۰۷– ۳۹۶
خیابان کوروش‌کبیر ۱۷۸
خیابان گلزار ۱۶۰–۱۷۶
« مادرنان۱۷۸
« مجمر ۱۷۸
« محله‌چهارسوق‌شیرازیان ۱۶۸-۱۷۴
« محله‌نو ۱۵۸
« محمدرضاشاه ۱۰۹–۱۷۸–۳۹۷–۴۰۰-۷۳۹
خیابان مدرس ۱۷۷-۱۷۹
« مشتاق ۱۷۲-۳۰۵
« ملك ۱۶۰–۱۷۹
« منوچهری ۱۷۹
« مولوی ۱۷۹
« میر ۱۷۴-۱۷۸
« میرفندرسکی ۱۷۹
« مینهن ۱۷۹
« نشاط ۱۷۹
« نظر ۱۷۹-۱۸۰

اعلام جایها | شماره صفحات

خیابان وانك ۱۸۰
« وحید ۱۷۴–۱۷۸-۱۸۰
« هاتف ۵۵–۷۲-۹۴–۱۶۰-۱۸۰–
۲۷۷-۲۸۸-۴۰۱ – ۴۲۹ - ۴۳۳ – ۷۳۶
۷۵۰ – ۷۶۳ – ۷۸۵
خیابان هزارجریب ۱۷۲–۱۷۹
« یزدآباد ۱۵۸
« یزد ۱۷۴–۱۸۰

(د)

دارالادویة ۳۵
دارالبطیخ ۲۵۷–۷۸۹
دارالحدیث ۳۵-۳۶
دارالسلخ ۵۸۲
دارالسلطنه اصفهان ۵۲۳–۵۷۹-۵۸۲-۵۸۳–
–۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶–۶۶۲–۶۸۸–۶۸۹
۶۹۱-۶۹۲–۶۹۳–۸۳۵-۸۳۶
دارالسلطنه صفاهان ۸۳۶
دارالسلطنه هرات ۵۸۴
دارالشفاء ۹۶–۹۹–۳۹۱-۳۹۸
دارالضرب (دراصفهان) ۵۸۲
دارالکتب ۳۵
دارك ۷-۱۲
دالان‌بهشت ۳۰۵
دالبتی ۸۷۹
دامغان ۷۸۵
دانشگاه‌تهران ۲۲۸ - ۶۸۶
دبیرستان آذر ۱۲۵
دبیرستان تبریزی ۱۲۴
دبیرستان سعدی ۸۸
دبیرستان شاهدخت ۱۲۵
دبیرستان صارمیه ۳۵-۲۲۱
دبیرستان هاتف ۱۲۷
دجله ۲۸۷

اعلام جایها | شماره صفحات

دجیل ۲۹۱
درام ۲-۹
درب امام ۲۰–۲۲۸-۲۳۴-۳۶۱–۶۴۲–
۶۴۳-۷۶۶-۷۷۰
درب باباقاسم ۷۳۷
درب حمام‌وزیر ۷۳۳
درب دولت ۱۶۱
درب طوقچی ۵۱-۵۲
درب‌کوشك ۵۷–۱۱۳–۱۳۷–۱۸۵-۶۱۸
درب مهیل ۱۱۵
دربه ۲۴۴
درخت‌سوخته ۳۹۷
دردشت ۷۰–۱۵۴-۱۸۴–۲۰۶–۲۲۹–
۲۳۴–۲۵۵–۵۶۷-۵۷۵–۸۰۲–۸۱۱
دررام ۲
درکوشك ۱۹–۱۸۵
درمانگاه زاهدی ۷۳۵
دروازه اسماعیل کوسج ۱۱۲
دروازه اسفیس ۵
دروازه اسفیش ۴
دروازه اشرف ۳۹۴–۳۹۵
دروازه اصفهان ۱۱۲-۱۲۹–۲۴۳–۲۵۴
۲۶۹-۲۷۴-۲۷۶-۲۷۷
دروازه الیاران ۱۱۲–۱۱۶
دروازه باب الدشت ۱۱۶
دروازه باب‌السجن ۱۱۲–۱۸۴
دروازه باب‌سلم ۱۸۹
دروازه بازارچه‌بلند ۲۳۱
دروازه باغ‌سلم ۷۱-۱۱۲-۱۸۹
دروازه بخارا ۱۱۳–۲۳۰
دروازه بیدآباد ۱۱۳–۱۱۶
دروازه تخم‌چین ۲۴۳
دروازه تیر ۳-۴-۵
دروازه تیره ۲۴۵

اعلام جایها	شماره صفحات
دروازه جی ۱۵۸–۱۷۴-۱۷۵ ۲۶۰	
دروازه جوباره ۷۹-۱۱۳–۱۱۵-۱۱۶	
دروازه چهارباغ ۱۱۳-۱۱۶	
دروازه چهاردو ۱۱۳-۱۱۶–۲۹۶	
دروازه حسن‌آباد ۳۵–۶۱-۱۱۱–۱۱۳	
۱۱۶–۱۸۶-۲۱۹-۲۳۱–۶۱۴	
دروازه خاجو ۱۱۳–۱۱۵–۱۱۶	
دروازه خود ۳-۴-۵-۲۰۳–۲۸۹	
دروازه دربکوشك ۱۱۴	
دروازه دردشت ۱۱۴–۱۱۶-۱۹۹	
دروازه دولت ۱۱۴-۱۱۶-۱۵۹-۱۶۵-۱۶۶	
۱۶۸-۱۷۴–۱۷۵-۱۷۶–۲۹۵	
دروازه ساروج ۱۱۴-۱۱۶	
دروازه سلم ۱۸۴ ۱۸۹	
دروازه سه‌پله ۱۱۴–۱۱۶	
دروازه سیداحمدیان ۱۱۴–۱۱۶	
دروازه شیراز ۲۸۹	
دروازه طبره ۱۱۴	
دروازه طوقچی ۶۴–۱۱۱-۱۱۳–۱۱۴	
۱۱۶–۲۱۵-۲۴۲–۲۵۵-۲۷۷-۸۰۸	
دروازه ظله ۱۱۴–۱۱۶-۲۹۴	
دروازه‌عباسی ۱۱۵	
دروازه عطاء خشك ۱۱۵–۱۸۴	
دروازه کران ۱۱۵–۱۱۶	
دروازه کله ۱۱۵	
دروازه کوشك‌بر ۳– ۷۹	
دروازه لنبان ۱۱۵–۱۱۶-۲۶۱ –۲۶۲	
دروازه مارباتان ۱۱۵	
دروازه مارتنان ۱۱۵-۱۱۶	
دروازه ماه‌بر ۳	
دروازه مصیل ۱۱۵	
دروازه نو ۱۱۵-۱۱۶-۲۴۰	
دروازه یهودیه ۳-۴-۵	
درزیان ۲۳۸	

اعلام جایها	شماره صفحات
درمجلسی ۵۶۸	
دروب سلطان ۵۵۲	
دریم ۳۹۲	
دریای خزر ۳۲۲	
دریه ۲۴۲	
دژارونه ۱۵	
دستجرده نطنز ۹۱۳	
دستگرد ۸۱	
دشت عطاء ۲۵۱	
دشت محله رامیان ۱۲۹	
دلیجان ۲۰۳	
دلیگان ۲۰۳	
دمشق ۱۵۲-۲۶۷	
دنبا ۲۹۲	
دنیا ۶۷۸	
دوشاباد ۲۴۰	
دهاقان ۸	
دهق ۸	
دهکده برسیان ۸۱۴	
دیرهرمزشاه ۳۹۰	
دیلمان ۲۳۱	
دیمرت ۵۹	
دیمرتین ۵۸	
دینور ۱–۲۰۶	
دیوانخانه صدری ۳۸۵	
(ر)	
رار ۸-۵۸۲	
راران ۸۱۸	
رامیان ۵۳	
راهروان ۲۵۶-۸۱۸	
رباط اردستان ۱۰۳	
رباط زبرقند ۱۰۳	
رباط زواره ۱۳۶	

اعلام جایها	شماره‌صفحات
رباط سیدرکن‌الدین یزدی ۱۰۵	
رباط صاحب دیوان‌جوگند ۱۳۵	
رباط‌نطنز ۱۳۸	
رختدارخانه ۹۳	
رستاق اصفهان ۵۲۷	
رستم‌آباد ۷	
رشك‌جنان ۳۳۵	
رضویه ۵۷۵	
رم ۱۶۴	
رنگون اردستان ۶۶۴	
رودشت ۲۹۲	
رودشتین ۸۱۰–۸۱۴	
رودصفاهان ۵۷۷-۶۷۵	
روسان ۱۵	
روس ۸۰۰	
روشاباد ۲۰–۲۴۰	
روم ۹۲-۱۵۳-۵۸۵–۸۰۰	
رویدشت ۷–۸–۱۲۳–۱۳۳-۲۸۹–۳۰۳–۵۵۲	
رویدشتین ۸–۲۹۳-۲۹۴-۲۹۹-۳۰۱	
ریدورباط ۵۸۷	
ریزلنجان ۴۷۶	
ری ۱–۱۳-۱۶–۱۷-۳۸-۳۹–۴۲–۴۶-۲۱۷-۲۴۳–۲۶۲–۷۵۰–۷۵۱–۸۰۸	
(ز)	
زاویه علی بن‌سهل ۸۱۳	
زاینده‌رود ۵۸–۶۲–۶۶–۸۰–۸۵–۱۰۱-۱۱۲-۱۱۵-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۱–۱۶۵–۱۶۷-۱۶۸-۱۷۱-۱۷۴–۱۸۲-۱۸۵–۱۸۶–۱۸۸-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۶–۱۹۷–۱۹۸-۲۰۴–۲۰۵-۲۱۰-۲۱۲-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۸–۲۲۶-۲۳۰–۲۳۱–۲۳۶-۲۳۷-۲۳۹–۲۴۰–۲۴۹-۲۵۳–۲۵۵–۲۵۶-۲۵۷–۲۶۱–۲۶۳–۲۶۵-۲۶۶–۸۳۲–۸۳۵–۸۵۲–۷۲۷–۸۶۳	
۲۶۷ – ۲۶۸ – ۲۶۹ - ۲۷۵ – ۲۷۹	
۲۸۹ – ۲۹۰ – ۲۹۱ – ۲۹۲ - ۲۹۳	
۲۹۴ – ۲۹۷ - ۲۹۸ – ۲۹۹ - ۳۰۱ - ۳۰۲	
۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۱۰ – ۳۱۳ - ۳۱۶	
۳۲۲ – ۳۲۷ - ۴۰۳ – ۸۱۴ – ۸۲۲	
۸۲۶ - ۸۲۸ - ۸۲۹	
زبرقند ۱۰۴	
زبرگند ۱۰۲ - ۱۳۵	
زردکوه ۲۹۱	
زرنرود ۲۹۰ – ۲۹۳	
زرنروذ ۲۸۹ - ۲۹۱ - ۲۹۲	
زرین رود ۵۸ – ۲۸۹ – ۲۹۰ – ۲۹۱	
۲۹۳ – ۳۱۲	
زرین روذ ۲۸۹ – ۲۹۰ – ۲۹۱	
زرینه رود ۲۸۹	
زرینه روذ ۲۸۹ – ۲۹۳	
زفر قند ۱۰۳ – ۱۰۴ – ۱۳۵ - ۸۸۹	
زمان ۲۶۲	
زمزم ۶۸۶ – ۷۹۶	
زمین شترخان ۱۴۷	
زندان شهربانی ۳۷۴	
زندك رود ۲۸۹	
زنده رود ۶۶ – ۶۷ – ۲۹۰ – ۲۹۱	
۲۹۳ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۹	
۵۷۷ - ۵۷۸ – ۵۸۸	
زنده روذ ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱	
زواره ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ – ۱۲۱ – ۱۲۸	
۱۳۶ – ۲۴۶ - ۷۶۰ – ۷۶۱ - ۸۸۶	
۸۸۸ - ۸۸۹	
زیار ۸۱۸	
زینبیه ۷۰ – ۷۲	
(س)	
ساباط دروازه اصفهان ۱۰۵	
ساربان ۴۲۴	

اعلام جایها	شماره صفحات
ساروان ۴۲۴	
سارویه ۲ — ۹ - ۱۴ — ۱۵ — ۶۳ —۱۱۴	
۳۰۵ - ۳۲۴	
سامان ۳۰۳	
سامرا ۸۰۷	
ساوه ۲۳۷ - ۸۰۲	
سبا ۳۰۲	
ستی فاطمه ۷۷۲ - ۷۷۳	
سجستان ۹	
سدرةالمنتهی ۴۶۴	
سده ۹۷	
سرای آقا ۳۹۷	
سرای اردستانیها ۱۰۹ — ۳۹۷	
سرای الماسیه ۱۰۸	
سرای بازار خیاد ۴۰۱	
سرای بزرگ ۳۹۵	
سرای بوریابافها ۳۹۷	
سرای بیگدلیها ۳۹۵ -	
سرای پادرخت سوخته ۳۹۷	
سرای تالار ۳۹۸	
سرای جارچی باشی ۳۹۵	
سرای حاج کریم ۳۹۸	
سرای خانی ۱۰۹ — ۳۹۷	
سرای خوانساریها ۳۹۸	
سرای ساروتقی ۷۴۰	
سرای سفید ۳۹۸	
سرای شاه ۳۹۱	
سرای فتحیه ۱۰۸ - ۳۹۹ — ۴۲۵ — ۴۶۹	
سرای گلشن ۳۹۵ — ۶۵۹	
سرای محمد صادق خان ۳۹۵	
سرای مخلص ۳۹۱ — ۳۹۵ — ۳۹۸	
۴۰۴	
سرای مردارکشها ۳۹۸	
سرای ملك ۸۹	
سرای مقصود ۱۳۷	
سرای میر اسماعیل ۳۹۸	
سرای میرحاج ۱۰۹	
سرای میرزاکوچك ۳۹۸	
سرای مرواریدفروشها ۳۹۸	
سرای نو ۳۵	
سر در باب‌الدشت ۵۷۵	
سردر بواسحاقیه ۵۷۴ - ۵۹۰	
سردر زاویه باب‌القصر ۱۳۷	
سردر قیصریه ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۳۲۴ - ۳۲۵	
۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ -۳۹۴	
سردر مجلسی ۵۶۵ - ۵۶۸ - ۵۷۳ - ۵۷۴	
سردسیرکاشان ۷	
سرمن رای ۴۶۱ - ۴۶۲	
سرنج آباد ۸۹۳	
سروشفادران ۸۲۹	
سعادت‌آباد ۲۹۹	
سفره‌خانه ۳۷۳	
سفلی ۸۹۳	
سقاخانه عزیزالله ۹۳ - ۹۴	
سکةالتبریزیه ۲۴۶ - ۲۸۴	
سگستان ۹	
سلطان چشم جان ۱۲۲	
سلسبیل ۷۹۴	
سماوات ۴۹۳	
سمیرم بختیاری ۸ - ۱۲	
سنبلان ۵ — ۶ — ۲۰۳ - ۲۳۵ - ۲۳۶	
سنبلستان ۲۰	
سنجریه ۴۱۹ — ۴۳۰	
سواری باغ ۲۹۶ — ۲۹۷	
سودان ۲۹۶	
سوق جرین ۲۰۳— ۲۸۵	
سوق‌الدواب ۵۸۲ — ۵۸۷	

اعلام جایها	شماره صفحات
سومنات ۷۷۷	
سه تنان ۶۴۴	
سهر ۲۹۲	
سیبه ۲۷۹	
سین ۸۱۹ - ۸۳۲	
سینا ۷۸۲ – ۷۹۵	
سینه پایینی ۷۳۳ – ۷۳۴	
(ش)	
شام ۲۳	
شاه جهان ۱۲۲	
شاه چراغ ۶۲۸	
شاه رستم ۱۰۲	
شاهزاده ابراهیم ۴۶ – ۲۲۲	
شاه رضا ۹۰۳	
شاه زید (امامزاده) ۷۷۳ – ۷۷۴	
» سید علی (امامزاده) ۷۷۵	
» شاهان (محله) ۸۰۲	
شاه میرحمزه ۱۷۷ – ۲۵۴	
شثیش ۳ – ۱۱۶	
شبستان اولجایتو ۵۱۷ – ۵۱۸	
شرابخانه ۳۷۳	
شروان ۱۳۲	
شفت ۵۸۵	
شمس‌آباد ۶۰ – ۶۷ – ۲۶۶ – ۲۹۵	
شمسیه ۴۸۳	
شوری ۴۲۷	
شوشتر ۴۹۴	
شهداد ۱۲۲	
شهراب ۱۷ – ۱۳۳ – ۱۳۶	
شهرستان ۱۵ - ۵۱ – ۵۵ – ۵۷ – ۶۳ – ۹۶ - ۱۴۶ - ۲۲۰ – ۲۲۲ – ۲۳۳ – ۲۶۹ – ۲۷۱ – ۲۷۲ – ۳۰۱ – ۳۰۲ – ۵۹۹ - ۸۵۴	
شهرضا ۶۳۰ – ۹۰۱ – ۹۰۴	
شهرکرد ۳۰۳	
شهشهان ۱۶ – ۲۳۸ – ۸۰۲	
شهیش ۱۱۶	
شیخ سبنا ۲۴	
شیراز ۲۰۳ – ۲۴۴ – ۲۴۷ – ۲۹۰ – ۳۱۳ - ۶۲۵ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۴۴ – ۸۵۵ - ۸۶۳ - ۹۰۳	
(ص)	
صالحان ۲۴۱	
الصفا ۶۷۴	
صفا ۱۸۷ – ۶۵۲ – ۷۲۶ – ۷۵۵ - ۷۹۶	
صفاهان ۶۲۱ – ۶۲۸ – ۶۵۷ - ۶۶۲ – ۶۶۸ - ۶۶۹ – ۶۷۵ - ۷۲۲ - ۷۲۶ – ۷۴۱	
صفه استاد ۵۴۶	
صفه امامحسن ۸۷۹	
صفه امیر جمله ۸۷۸	
صفه حکیم ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۸۹ - ۶۴۴	
صفه سنگ تراشان ۵۱۸	
صفه صاحب ۲۳ ـ ۵۳۷ - ۵۳۹ – ۵۴۰ – ۵۴۱ – ۵۴۲ - ۵۸۰ - ۵۸۸ - ۵۸۹	
صفه صفا ۸۶۹ – ۸۷۳ –۸۷۴ – ۸۷۵	
صفه عمر ۴۲۶ – ۴۳۴ – ۵۶۰ – ۵۶۱ – ۵۶۲ – ۵۶۳ – ۸۶۴ – ۵۶۵ –۵۶۶ – ۵۸۷ – ۵۸۸ – ۵۸۹	
(ض)	
ضرابخانه شاهی ۳۹۱	
ضرارآباد ۲۱۷	
ضریح علی‌بن سهل ۸۱۲	
(ط)	
طادلنجان ۴۷۳	

اعلام جایها	شماره صفحات
طاق درویشان	۵۵۳
طالار اشرف	۲۹۹
طالار طویله	۸۸ - ۹۲ - ۹۳ — ۲۸۸
طراز	۲۴۲ —۲۸۲
طرسوس	۲۰۹ —۲۷۱
طریق ریدو رباط	۵۸۲
طریق قمشه	۵۸۲
طریق مالواجرد	۵۸۲
طسوج‌الرود	۷
طوس	۴۶۱ - ۵۸۴ — ۷۰۸
طوقجی	۲۴۳
طوقچی	۱۹ — ۲۴۲ - ۲۴۳ — ۳۶۹ -۴۱۴ - ۷۳۷ -۸۱۱
طویله خورشید	۹۳
طهران	۶ - ۲۴۴ — ۳۵۰
طیبة	۷۰۸

(ع)

عالی قاپو	۸۰ - ۸۸ - ۱۰۵ — ۲۸۷ - ۳۳۶ - ۳۵۳ - ۳۵۵ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ — ۳۶۴ — ۳۶۷ — ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۳ — ۳۷۵ - ۶۹۳ - ۶۹۴ — ۶۹۵
عباس‌آباد	۵۴ - ۵۶ - ۷۳ - ۷۹ — ۱۶۱ — ۱۷۲ — ۲۴۶ — ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ — ۲۵۰ - ۳۰۹ — ۳۱۸ - ۳۲۵
عثمانی کشور	۲۹۹ — ۵۲۳
عراق‌کشور	۸۴ — ۲۵۲- ۲۷۵- ۲۷۷ - ۳۵۰ - ۳۹۲ — ۶۶۸ — ۶۷۰ — ۷۶۴ - ۸۰۶
عربستان‌کشور	۳۹۲
عصارخانه	۳۹۵
علی قاپو	۳۶۲ — ۳۶۷ — ۳۷۹
علی قاپی	۳۶۲ — ۳۶۵ - ۳۶۷ - ۳۶۹ - ۳۷۰ — ۳۷۸

اعلام جایها	شماره صفحات
علیای اردستان	۴۸۹
عمارت آینه خانه	۳۱۶ - ۳۶۶
» استانداری	۳۵۹ -۳۸۰
» اشرف	۸۸ - ۳۳۵ - ۳۸۴ — ۳۸۵
» اصطبل کالسکه	۹۳
» باغ زرشك	۱۷۱
عمارت بزرگ صفوی	۸۹
عمارت بیگلربیکی	۹۵
» بیمارستان درویشان	۹۵
عمارت پستخانه	۹۵
عمارت تیموری	۹۱ - ۳۸۶ — ۳۸۸
عمارت جارچی باشی	۱۱۰
» جمال‌الدین	۸۷
عمارت جمال‌الدین محمد	۷۲۳
» چراغخانه	۱۰۶
» چهارباغ	۱۶۱
» چهلستون	۳۴۰ - ۳۴۵ - ۳۶۱ — ۳۷۱
عمارت خسروخانی	۹۵ - ۳۳۵
» خلوت رکیب خانه	۸۸
عمارت دارالنظاره شربتخانه و آشپزخانه	۹۱
عمارت درب امام	۷۶۶ -۷۷۷
» رختدارخانه	۹۰
» رختدارخانه خاصه	۹۷
» سرپوشیده صفوی	۳۶۱
» شهربانی	۳۷۴
» صدری	۸۸ — ۳۸۲ - ۳۸۵
» عالی قاپو	۲۸۸ - ۳۶۲ - ۳۷۶ — ۳۷۸ — ۳۷۹ - ۳۸۰
عمارت علی قاپی	۳۶۴
» فردوس	۹۳
» کتابخانه صفوی	۹۲
» کرکس صفوی	۸۲
» کلاه فرنگی	۳۴۰

اعلام جایها — شماره صفحات

» گلشن صفوی ۹۵
عمارت گمرك صفوی ۹۳
عمارت لبنان ۷۲۴
» مسعودیه ۶۵۰
عمارات ملکشاهی ۸۹
» مهمانخانه ۹۳
نمکدان ۹۲ — ۲۶۱
» هشت بهشت ۳۲۸
» هفت دست ۸۱

(غ)

غار۱۴۲
غدیر خم ۶۷۰ — ۶۷۷
الغری ۷۰۸
غری ۴۵۹

(ف)

فابجان ۶ - ۲۵۲ - ۲۵۳
فابزان ۲۵۳
فاذجان۲۵۳
فارس ۱ - ۱۵ - ۶۳ - ۱۸۷ - ۲۰۲ -۳۲۶ ۳۲۷ -۳۵۰ -۳۹۲ -۶۲۵ -۶۲۲ - ۸۲۸
فارفاآن ۱۲۳ — ۱۵۴
فدك ۷۹۴
فدین ۲۹۶
فدین ۲۹۶
فراثان ۶
فرات ۲۸۷ - ۲۹۰
فرانسه ۱۶۳ - ۱۷۲ - ۱۷۳
فردوزان ۲۱۱
فرح‌آباد ۸۱ - ۲۵۳
فرسان ۶ - ۲۰۳ - ۲۱۰ - ۲۵۴
فرودگاه اصفهان ۸۵۶
فریدن ۷ - ۸ - ۲۹۳ - ۳۰۲ - ۵۸۲

اعلام جایها — شماره صفحات

فسیان(دید) ۸۱۴
فلاورجان ۳۰۳- ۳۰۴
فلکه آب بخشان ۱۶۰
» پهلوی ۱۷۸ - ۱۸۱
» خیابان شاه عباس ۱۷۹ - ۷۳۱
» خیابان فرح‌آباد ۱۶۰
» دروازه تهران ۱۷۴ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸
فلکه دستگرد ۱۸۰
» شکرشکن ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۷۴ - ۲۷۷
» شهشهان ۴۰۰ - ۶۰۲
» شیخ بهائی ۱۷۷
» شیراز۱۷۷
» طوقچی ۱۵۹ - ۱۷۷ -۱۸۰
» نصرآباد ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۷
فیروزان ۱۵۴ - ۲۹۲ - ۸۵۲

(ق)

قامدار ۷
قبر ابونعیم اصفهانی ۱۸۱
» پیر مرتضی علی اردستانی ۸۸۷
» پیر جمال‌الدین محمد اردستانی ۸۸۷
» حکمت‌الله خزاعی ۷۳۰
» خواجه نظام‌الملك ۷۹۰
» سلطان بیك ۸۶۹
» شاه حسن ۲۱۹
» شیخ عبدالصمد ۹۱۳
» شیخ محمدبن یوسف ۱۸۱
» صائب ۸۰۸
» علی بن‌سهل صوفی ۲۷۶ - ۸۱۲
» کمال‌الدین اسماعیل ۲۰۷
» مجلسی ۵۸۹
» محمد مؤمن ۷۹۱
» ملکشاه سلجوقی ۷۹۰

اعلام جایها — شماره صفحات

قبرمیر عماد ۷۳۰
قبرستان آسیاب چهار سنگ ۱۹
» استر خاتون (سادح بت‌آشر) ۸۶۴
» اصفهان ۳۰۷
» شاهزاده ابراهیم ۷۴۱
» شوری ۲۸۳ - ۷۲۴
» شیخ یوسف بنا ۲۰
» قبله دعاء ۱۷۸
» گلستانه ۱۹
» مردبان ۲۶۶
قبةالعلماء ۸۴۶
قبة النصاری ۱۶
قبله ۶۲۰
قبله دعاء ۲۴۰
قراثت خانه شهرداری ۳۸۸
قریه هفشور ۲۷۳
قزوین ۱۲۴ - ۳۵۱ - ۷۰۲
قسطنطنیه ۴
قصرآینه خانه ۶۰ - ۶۲ - ۸۸
» احمد سیاه ۵۶
» اشرف مازندران ۳۸۰
» اصفهان ۵۷
» باغ تخت ۶۰
» تفنگدارباشی ۶۳ - ۲۲۰
» جهان نما ۵۷ - ۱۶۶ ۱۶۹
» چلمان ۱۶
» چملان ۱۶
قصرحوابیگم ۶۱ - ۲۱۹
» خصیب ۵۷
» رستم ۵۷

اعلام جایها — شماره صفحات

» سرپوشیده ۶۰
» شاه حسن ۳۵ - ۲۱۹
» صخربن سدوس ۵۷
» عبدویةبن حبة ۵۸
» علی بیك ۲۱۹
» علی بن‌دستم دیمرتی ۵۹
» علی قاپو ۳۶۶
» علیقلی خان ۶۱ — ۲۱۹
» غازی خان ۶۳
» فراشخانه ۵۸
» قاضی معز ۶۱ — ۲۱۹
» قوشخانه ۶۰
» کسری ۶۵۲ — ۶۵۳
« کوهان ۵۸
» کهندز سارویه ۶۳
» گاریچیان ۶۳ - ۲۱۹
» گلدسته ۶۱
» مغیرة ۵۹
» منشی ۲۰ — ۵۹ - ۲۲۵ - ۴۰۲
» منظر ۶۲
» معرمورح ۳۶ - ۵۹
» میرزا رضی ۶۱ - ۲۱۹
» میرزا طاهر وقایع نویس ۶۳ - ۲۱۹
» میرکشیك بیك ۶۱ - ۲۱۹
» نقاره‌چیان هندی ۶۳ - ۲۱۹
» نمکدان ۶۲
» هارون هفت درب ۵۸
» هفت دست ۶۱
» هفت هلکه ۶۳
» یحیی ۵۸
قلعهٔ بزی ۱۲۲

اعلام جایها	شماره صفحات
قلعه‌جوگند۱۵ -۱۳۵	
» دیو ۱۲۳	
» رستم بافران ۱۲۲	
» زواره ۱۲۱	
» شهر۹۵	
» شهراب ۱۳۳ - ۱۳۴	
» طبرك ۱۹۴ - ۲۸۴	
» طبره ۱۷۶	
» فارفاآن ۱۲۳	
» ماربین ۱۱۷	
» ملوس ۵۸۲ - ۵۸۶	
» میان شهر ۱۸	
» وشاق نطنز ۱۲۰ -۹۱۵	
قم ۲ - ۱۴۸ - ۱۹۲ - ۶۰۹	
قمذاز ۱۵	
قمشه ۸ - ۵۸۷	
قمیشلو ۱۵۷	
قنات اروته ۴۸۹ - ۸۸۸	
قنات بلوچها ۱۷	
قنات آب حلال ۳۳۵	
قنات خسرو شاه ۸۸۹	
قنات مون ۸۸۸	
قندهار ۶۷۳	
قومس ۱	
قونیهٔ ۹۲	
قه ۲ - ۴ - ۹	
قهاب ۸ - ۱۲ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۲۷۳ -۲۷۴	
قهپایه ۸	
قهجاورستان ۲۱	
قهستان ۷	
قهوه خانه بابا فراش۱۰۰	
» جنب دارالشفاء ۹۹	
» حاجی یوسف قهوه‌چی ۱۰۰	
» شمس تیشی ۹۹	
قهوه‌خانه‌طوفان۱۰۰	
» عرب ۱۰۱	
» منشی ۲۲۵	
قیصریه ۸۷ - ۹۲ - ۹۶ - ۳۹۹ - ۶۶۲	
قیصریه رم ۳۹۳	

(ك)

کاخ چهلستون۱۲۰ -۱۷۵-۳۳۹- ۳۴۰ -۳۴۷	
۳۵۳ -۳۵۵ - ۳۶۱ - ۳۸۶	
کاخ شکارگاه نطنز۱۳۹	
» شیخ بهائی ۲۲۰	
» صد ستون ۳۶۰	
» عالی قاپو ۳۶۳ - ۳۶۶ - ۳۹۶	
» فرح‌آباد ۸۰ - ۲۵۳	
کاخك ۴۳ - ۶۰۹	
کاخ گلستان ۳۴۵	
» هشت بهشت ۶۵ - ۱۷۱ - ۲۳۱ - ۳۲۸	
۳۳۷- ۳۳۹	
کارخانه ریسباف۷۳	
» صنایع پشم ۷۳ — ۱۷۱	
» نور ۳۰۹	
کاروانسرای آفتابگاه ۴۰۸	
» آقا ۴۰۸	
» اردستانیها ۴۰۸	
» اسلحه سازان۱۰۸	
» اسکرو ۴۰۸	
» امیر بقمور ۳۶ -۱۰۹	
» اناریها ۴۰۸	
» بارانداز ۴۰۸	
» باربندگلشن ۴۰۸	
» بازارچه بلند ۲۹۵	
» بازار خیار ۴۰۸	
» بازارکفشدوزها ۴۰۸	
» بانك استقراضی ۴۰۸	

اعلام جایها	شماره صفحات
کاروانسرای بخشعلی	۴۰۸
« بروجنیها	۴۰۸
« بلبلیها	۴۰۸
« بوریاباف	۴۰۸
« بوریابافها	۴۰۰
« بیگدلی	۴۰۸
« بی‌نقابان	۴۴-۹۱
« پاسنك	۴۰۸
« پای درخت	۴۰۸
« پستخانه	۴۰۸
« پیزری	۴۰۸
« توتی	۴۰۸
« تیمچه	۴۰۸
« جارچی	۴۰۸
« جده	۴۱۲
« جلوخان میدان ـ	۴۰۸
« چهارسومقصود	۴۰۸
« چیت سازی	۴۰۸
« حاجی‌باقر	۴۰۸
« حاجی‌بنان‌السلطنه	۴۰۸
« حاجی‌حیدر	۴۰۸
« حاجی عبدالصمد	۴۰۸
« حاجی علینقی	۴۰۸
« حاجی غلامرضا	۴۰۸
« حاجی غلامعلی	۴۰۸
« حاجی غلامعلی‌عصار	۴۰۸
« حاجی‌کریم	۴۰۹
« حاجی محمدحسین‌ارباب	۴۰۹
« حاجی محمدرضاعرب	۴۰۹
« حاجی محمدعلی	۴۰۹
« حاجی محمدکاظم	۴۰۹
« حاجی‌مشیرالملك	۴۰۹
« حاجی یوسف	۴۰۹
« حسن‌آباد	۴۰۹
« حسین‌علاف	۴۰۹

اعلام جایها	شماره صفحات
کاروانسرای حوض	۴۰۹
« خاجو	۴۰۹
« خانی	۴۰۹
« خسروآقا	۴۰۹
« خواجه علم	۴۰۹
« خواناریها	۴۰۹
« دالان دراز	۴۰۹
« دخانیات	۴۰۹
« درنیم‌آورد	۴۰۹
« دروازه دردشت	۴۰۹
« دومنار	۴۰۹
« زفره‌ایها	۴۰۹
« زیگلر	۴۰۹
« ساروتقی	۴۰۹-۶۴۱
« سبة	۱۰۵
« سرچاه	۴۰۹
« سفید	۴۰۹
« سلطانی	۴۰۹
« سنك تراشان	۴۰۹
« سید حسن	۴۰۹
« سیورسات خانه	۴۰۹
« شاه	۴۰۹
« شاه‌علی	۴۰۹
« شما عیها	۴۰۹
« شیشه باغ قلندرها	۴۰۹
« شیشه‌گری	۴۰۹
« شیشه مسجدنو	۴۰۹
« صفا	۴۰۹
« صفوی	۹۵
« طالار	۴۰۹
« طباطبائی	۲۹۶
« عبا بافی	۴۰۹
« عربها	۴۰۹
« عزیزالله	۴۰۹

اعلام جایها	شماره صفحات
کاروانسرای عطاء	۴۰۹
« علی‌اکبر	۴۰۹
« علیقلی‌آقا	۴۰۹
« علیمحمد	۴۰۹
« غلامحسین	۴۰۹
« غلامعلی	۴۰۹
« فخر	۴۰۹
« فعله‌گاه	۴۰۹
« فیل	۴۰۹
« قالی بافها	۴۰۹
« قهرودیها	۴۰۹
« قیچی سازها	۴۰۹
« کهنه چینها	۴۰۹
« گلشن	۴۰۹
« لله‌بیك	۱۰۹
« لنج	۴۰۹
« ماست بندی	۴۰۹
« محله بازارمسگر	۱۰۹
« محمدصادق‌خان	۴۰۹
« محمد علاف	۴۰۹
« محمد یوشنی	۴۰۹
« محلص	۴۰۹
« مرتضی‌خان	۴۰۹
« مردارکشها	۴۱۰
« مرغ	۴۱۰
« مهره‌کشها	۴۱۰
« مهیار	۹۰۴
« مسجد علی	۴۱۰
« مشهدی ابراهیم	۴۱۰
« مشهدی باقر	۴۱۰
« مشهدی رجبعلی	۴۱۰
« مصطفی	۴۱۰
« مغزی	۴۱۰
« ملاباشی	۴۱۰

اعلام جایها	شماره صفحات
کاروانسرای ملك	۴۱۰
« منجم	۴۱۰
« منشی	۲۲۵
« میراسماعیل	۴۱۰
« میرحاج	۴۱۰
« میرزاحسین	۴۱۰
« مقصود	۴۱۰
« میرزاکوچك	۴۱۰
« نادعلی	۴۱۰
« نجات	۴۱۰
« نجف‌آبادیها	۴۱۰
« نقش جهان	۱۰۶–۴۱۰
« نو	۴۱۰
« هندوها	۴۱۰
« یاور	۴۱۰
کارلادان	۸۱۵
کارون	۱۵۷–۲۹۲
کاشان	۱۰۶–۱۳۹-۵۸۵-۶۰۹-۶۱۸
کاشی‌سازی کهرنگی	۶۳۲
کالج دختران	۶۴-۳۳۵
کبوترآباد براثان	۵۰۳
کتابخانه استان قدس‌رضوی	۲۴۹-۸۵۷
کتابخانه سلطنتی	۳۴۵
کتابخانه شهرداری اصفهان	۳۳۸
کتابخانه مجلس شورای‌ملی	۴۶۸
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	۱۸۸
کتابخانه ملك	۲۴
کتابخانه وزارت دارائی	۲۳۱-۳۶۶
کنکارجی	۲۷۳
کچویه مثقال	۳۸۸
کرادج	۸-۲۹۳-۲۹۴
کران	۱۵۴-۷۸۹

اعلام جایها	شماره‌صفحات
کربکندی برخوار	۴۹۰
کربلا۱۹۳-۳۱۳-۴۶۰-۷۰۸-۷۱۵-۸۰۱	
الکربلا	۸۰۳
کرب‌وبلا	۵۱۰-۶۲۳
کرج	۲۳۶-۲
کرچنبوت	۸
کرمان۱-۲۸۹-۲۹۲-۳۰۱-۷۲۱	
کرمانشاهان	۶۱۸
کرتال	۳۵۷-۹۰۶
کرند	۱۹۲
کروان	۷
کرون	۸-۵۸۲-۵۸۷
کرونین	۸
کعبه۶۲۰-۶۲۱-۶۴۸-۶۵۷-۶۶۳-۶۶۸-	
۶۶۹-۶۷۷-۶۸۴-۶۸۷-۷۲۶-۷۲۷-۷۴۱	
۷۴۸-۷۵۵-۷۹۶	
کفران رویدشت	۴۹۹
کلمان	۲۶۰
کلیسای آمناپرکیج	۸۳۷-۸۴۳
« استیاکوس	۸۴۶
« بتلهم	۸۴۰
« بدخم	۸۴۰
« بیت‌اللحم	۸۴۰
« بیدخم	۲۴۰-۸۴۰
« راهنه کارتانیه	۸۴۶
« سرکیس	۸۴۶
« سن‌سور	۸۳۷-۸۴۳
« غریب	۸۴۴
« کلکته	۸۴۳
« گریگوز	۸۴۶
« گیورك	۸۴۴
« مریم	۸۴۰-۸۴۴-۸۴۵
« میناس	۸۴۶
« نازارت	۸۴۳

اعلام جایها	شماره صفحات
کلیسای‌نرسس	۸۴۶
« نیکاغوس	۸۴۶
« وانك	۱۸۰-۲۰۲-۲۸۳-۸۳۶- ۸۳۷
« هاکوپ	۸۴۴
« هرمز	۹۳
« یحیی	۸۴۶
« یعقوب مقدس	۸۴۴
کماثان	۶۵-۲۰۳
کمبرك	۲۶۰-۲۹۶
کمپانی‌آبکار	۸۴۳
کنبرك	۲۶۰
کنیسه حضرت یعقوب	۸۶۳
کوثر۳۸۹-۴۵۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۸-۷۶۲	
کوچه آداب	۲۸۶
کوچه ابوسعید قصاب	۳۵
کوچه ازه‌ایها	۷۳۸
کوچه اسماعیل‌کوسج	۲۷۹-۷۳۷-۷۶۳
کوچه امامزاده باقر	۸۹
کوچه باباسرخ	۲۷۹
کوچه باباسنگکی	۲۸۴
کوچه باباقاسم	۴۳۳-۷۸۵
کوچه باب‌التبریزیه	۲۸۴
کوچه بازارچه‌خان	۲۸۰
کوچه باغ	۲۸۰
کوچه باغ حاجی	۲۸۰-۵۲۳
کوچه باغ قلندرها	۲۸۰-۶۱۲
کوچه باقلافروشان	۲۷۹
کوچه بواسحاقیه	۲۸۰-۵۷۲
کوچه بیگدلیها	۳۹۵-۴۰۷
کوچه بی‌نقابان	۲۷۹
کوچه پاکاریها	۲۸۰
کوچه پشت مسجد شاه	۲۸۱
کوچه پهن	۲۸۱

اعلام جایها	شماره صفحات
کوچه تکیه ظلمات	۲۸۱–۷۲۸
کوچه جباخانه	۲۸۴
کوچه جماله‌کله	۲۸۱
کوچه جهان‌بانی	۲۳۴
کوچه جهودان	۲۷۹-۲۸۵
کوچه حاج‌عباس	۶۵۹
کوچه حاج‌کاظم	۴۱۹
کوچه خران	۲۷۹
کوچه خوز	۲۸۴
کوچه دارالبطیخ	۲۸۲
کوچه درویشان	۲۲۱–۲۸۲–۵۹۸
کوچه رستی	۴۲۹
کوچه رندان	۲۸۱
کوچه ساوجیان	۲۸۱–۴۲۵
کوچه سبزیان	۲۸۲
کوچه سلطان سنجر	۲۸۲
کوچه شیرخانه	۷۴
کوچه طبرك	۲۸۳
کوچه طراز	۲۸۲
کوچه ظلمات	۷۲۹
کوچه علاءالدوله	۲۸۴
کوچه عمریها	۲۸۲
کوچه فتحیه	۶۴–۳۳۵
کوچه فخرالدوله	۲۸۴
کوچه قصرمنشی	۲۲۱
کوچه کلباسی	۴۲
کوچه‌گاریچیان	۹۰
کوچه گازران	۲۸۳
کوچه ماجشون	۲۵۸–۲۸۴–۲۸۶
کوچه مرداویج	۲۸۴
کوچه مسجدذوالفقار	۲۸۲–۲۷۰–۶۱۵
کوچه مسجدسرخی	۲۸۳–۶۴۳
کوچه مشیر	۲۸۳
کوچه مصری	۲۸۳-۷۲۴
کوچه مؤیدالدوله	۲۸۴
کوچه میرزاشریف حکیم	۴۷
کوچه میرزاکریم	۲۲۱
کوچه نمکی	۲۸۳
کوچه یازده‌پیچ	۷۴۱
کوذکرت	۹۵
کوش‌بر	۱۱۶
کوشك	۱۶-۱۵۴
کوفه	۲۰۱-۲۳۵
کولهٔ پارچه	۱۷۹
کومه	۸۳–۸۴
کومه سك‌علی	۸۴
کوه آتشگاه	۳۷۴
کوه‌سفه	۱۶۹
کوه‌صفه	۸–۱۲۳-۱۵۷–۱۶۷-۱۷۲–۱۷۴ - ۳۷۱
کوه‌کرکس	۱۲۰
کوه‌گیلویه	۳۲۶
کوههای سیدمحمد	۱۵۷
کوههای کرون	۱۵۷
کوی جهودان	۲۷۷–۲۷۸–۲۷۹
کوی خوزیان	۲۷۸
کوی شاهزادگان	۱۰۷-۳۹۹
کهئه	۲–۹
کهندز سارویه	۱۴-۶۳
کهنگ	۱۴۸
کیار	۸
گار	۱۴۲
گاوخانی	۲۹۲–۲۹۳–۳۰۰–۳۰۱–۳۰۲
گجرات	۲۶۳
گرجستان	۶۵۹
گرکن‌لنجان	۳۰۲
گرمسیر کاشان	۷
گرنبویج	۱۵۴

اعلام جایها — شماره صفحات

گرواثان۳ ۲۰۳ـ ۲۶۰
گز ۸۳۲
گلبار ۱۶-۱۱۵
گلبهار۳۹۶
گلپایگان۸ـ۲۹۲-۸۹۳ـ۸۹۵-۸۹۹ـ۹۰۰
گلناباد ۱۴۵
گلون آباد ۱۴۵
گنبد آجری۳۷۴
گنبد ابن‌سینا ۱۸۴-۲۶۱
گنبد ابوعلی‌سینا ۲۲۹ـ۴۳۰
گنبدامامزاده‌احمد ۱۲۵
گنبد امامزاده اسماعیل ۷۵۷
گنبد بابارکن‌الدین۹۰۳
گنبد باز ۹۱۵
گنبد تاج‌الملك۵۳۳-۵۳۵-۵۳۶-۵۶۵-۵۶۸-۵۸۷-۸۲۶
گنبدحضرت‌امیرالمؤمنین علی‌ابن‌ابیطالب(ع) ۸۶۸
گنبدخاکی ۵۳۳-۵۳۵ـ۵۶۵ـ۵۶۸
گنبد خانه مسجدجامع نائین۹۰۶
گنبددروازه طوقچی۹۴
گنبد سلطان بخت‌آغا۴۲۷
گنبد شاه سیدعلی‌اکبر ۶۳۰
گنبدشهرضا۹۰۴
گنبدشیرگویا ۳۷۴
گنبد طاوس ۳۷۴
گنبدمسجد برسیان۸۲۶
گنبد مسجد ساروتقی۶۴۰
گنبد مسجدشیخ‌لطف‌الله۶۹۵
گنبد مقبره سید واقف ۹۱۵
گنبد مهرارت۹۴
گنبد یعسوب‌الدین۸۶۸
گندمان۸
گورتان ۴۹۷

اعلام جایها — شماره صفحات

گورستان آل ترکه ـ ۳۰
گورستان امامزاده اسماعیل۱۲۵
گورستان امامزاده باقر۱۲۶
گورستان امامزاده دوقلی۱۲۶
گورستان بابارکن‌الدین۱۲۶
گورستان بابانوش ۱۲۶
گورستان باغ خلفاء ۱۹
گورستان باغ درویش ۱۲۶
گورستان باغ سهیل ۱۹
گورستان باغ نقش جهان ۲۰
گورستان بیدآباد ۱۹
گورستان پشت مسجدشاه۱۹
گورستان تکیه ظلمات۱۲۶
گورستان چملان۱۶-۲۰۰-۱۲۶
گورستان چهل‌دختران۴۱۸
گورستان خواجه میرحسن ۱۲۶
گورستان درکوشك ۲۰
گورستان دوشاباد ۲۰
گورستان زردشتیان ۱۷
گورستان سادات۱۲۷
گورستان ستی‌فاطمه ۱۲۷
گورستان سرقبرآقا۱۲۵
گورستان شاهزاده ابراهیم۱۲۶
گورستان شاه‌زید ۱۲۶
گورستان شاه سیدعلی۱۲۷
گورستان شاه میرحمزه۱۲۷
گورستان‌شهداء ۲۱
گورستان‌شهرستان اصفهان ۲۱
گورستان طوقچی ۱۲۷
گورستان قبله دعاء ۲۰
گورستان محله‌کران۲۱
گورستان مردبان۸۰۵
گورستان‌یهودیه ۲۱

اعلام جایها	شماره صفحات
گوروانان۳ ۲۰۳	
گیلان ۱۰-۱۰۶-۲۶۳-۵۸۵-۶۵۹	
(ل)	
لابیرنتی۲۳۸	
لاذان ۱۴۲	
لاسریه ۱۸	
لاسون ۱۷-۱۸	
لاسیب ۶۶۴	
لت محمدحسین ۲۹۶	
لرستان ۳۹۳	
لسان‌الارض ۱۳۳	
لم‌لم ۴۹۳	
لنبان ۶-۲۰-۸۷-۲۶۲-۲۹۵-۳۰۴-۷۲۳-۷۲۴	
لنجان۸-۸۳-۱۲۲-۲۹۳-۲۹۴-۳۰۱-۳۰۳-۸۲۲-۸۲۳-۸۵۰	
لنگان اصفهان ۴۹۰	
(م)	
مادی تیران ۲۹۷	
مادی شاه ۲۹۵	
مادی فدا ۲۹۵-۳۴۰-۳۵۵	
مادی فدن ۲۹۵	
مادی فدین۱۲۴-۲۹۵-۲۹۷-۴۰۶- ۴۹۶-۷۱۷-۷۴۱	
مادی فرشادی ۲۹۵-۷۳۵	
مادی قمش ۲۹۷	
مادی نیاصرم ۶۸-۲۹۴-۲۹۵-۳۰۴	
ماربان ۲۰۴	
ماربانان ۲۶۶ - ۳۰۴	
مارین(ناحیه) ۳-۸-۱۲-۵۸-۶۷-۱۱۷-۱۵۴-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۷-۳۳۵-۴۸۷-۸۲۰	

اعلام جایها	شماره صفحات
مارین (دیه)۴۹۳	
مارین۱۲	
مازندران ۹۹-۳۲۲	
مالمیر ۶۶۹	
مالواجرد ۵۸۷	
ماه‌بر ۱۱۶	
ماوای اسماعیل ۷۵۴	
مجلس سنا ۲۳۰	
مجلس شورای ملی ۲۳۰	
محراب صفه صاحب ۵۳۶	
محراب مسجدکوچه میر۹۱۴	
محراب محمدهادی‌کاشانی۷۵۷	
محله‌آب بخشان ۱۸-۲۳۱-۲۴۳-۲۶۵-۲۸۸	
محله آب بخشگان ۳۲۳	
محله آسنجان۱۸۱-۷۴۱	
محله احمدآباد ۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۴۳۲-۵۱۸-۶۱۲-۷۳۴-۷۳۵-۷۸۹	
محله ارجاء ۱۸۳	
محله‌ارجان ۱۸۳	
محله اسفیس ۱۸۳-۲۴۰	
محله اسفیش ۱۸۳-۲۴۰	
محله اشکهان ۱۸۳-۲۴۰	
محله الیادران ۱۸۳	
محله امامزاده‌احمد ۲۷۰	
محله امامزاده اسماعیل۱۸۳-۷۳۶	
محله امامزاده ۷۶۱	
محله باباقاسم ۴۷-۱۱۱	
محله بابالفت ۱۸۳	
محله باب‌دربه ۲۴۲	
محله‌باب الدشت ۱۸۴-۲۲۸-۷۱۹	
محله باب‌الرحی۴۸۹-۵۰۷	
محله باب‌السجن ۱۸۴	
محله باب سلم ۱۸۴	

اعلام جابها — شماره صفحات

محله باب‌عطاء خشك ۲۵۹
محله باب‌القصر ۱۳۷–۷۳۹
محله باب‌كوشك ۱۱۴-۱۸۵
محله باب‌المسجد ۱۲۱–۹۰۵
محله باب‌همايون ۱۸۵–۱۹۰
محله باذانه ۴۹-۱۸۶
محله‌بازار ۱۸۶
محله بازار اردستان ۴۶
محلهٔ بازارمسگر ۱۰۹
محله باطرقان ۱۸۶
محله باغات ۳۹ - ۶۶ - ۱۸۶ - ۱۸۸ - ۱۹۰ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۲۱۹ - ۲۲۵ - ۲۷۹ - ۴۰۲ - ۷۳۷–۷۴۲–۷۴۳
محله‌باغ‌جنت ۱۸۸
محله باغ حاجی ۱۸۶–۱۸۹
محله باغ سلم ۱۸۹
محله باغ‌عبدالله ۱۸۹-۱۹۰
محله باغ عبدالعزیز ۱۸۹
محله باغ‌عدن ۱۸۹
محله باغ عیسی‌بن‌ایوب ۱۸۹
محله باغ‌کاران ۱۸۰ – ۱۹۵
محله باغ مراد ۱۹۰
محله باغ‌نو ۱۹۰
محله باغ‌همایون ۱۸۹–۱۹۰
محله باقلا فروشان ۱۹۰-۲۱۹-۲۷۹
محله بان‌لوفه ۱۹۰-۱۹۱
محله بغدلی ۱۹۰
محله بن‌کویه زواره ۸۹۱
محله بوان ۱۹۰
محله بیدآباد ۱۹۱-۱۹۲–۲۴۰–۲۷۳-۲۹۷-۳۹۹–۴۰۶–۵۰۰-۶۴۶–۷۱۷-۷۹۲-۷۳۷-۷۴۰
محله بیروندروازه ۱۹۴۰

اعلام جابها — شماره صفحات

محله بی‌نقابان ۴۴- ۷۰- ۹۱
محله پاچنار ۱۹۴
محله پاشاخ ۱۹۴
محله پافجان ۱۹۴
محله پاقلعه ۱۹۴-۱۹۵-۲۱۹ - ۲۵۶ - ۴۴۰ - ۷۳۱–۷۳۳–۷۳۷
محله پاکوچه‌شیخ یوسف ۲۳
محله پانارون ۱۹۶
محله پشت‌بارو ۱۱۲-۱۹۷
محله تبارزه ۲۴۶
محله تحت‌الشارع ۱۹۷–۵۱۸
محله تحت گنبد ۱۹۸
محله ترواسکان ۱۲۸ –۲۹۵– ۴۰۶ – ۷۳۴ – ۷۳۶ – ۷۷۳
محله تکیه‌ظلمات ۱۹۸–۲۸۱
محله تل‌استخوان ۱۹۸
محله تل‌عاشقان ۱۹۸
محله تل‌واژگون ۱۹۸– ۲۱۸
محله تلواسکان ۶۹-۹۰–۱۹۸ –۲۱۹
محله تیجاباد ۱۹۹
محله تیران‌وآهنگران ۱۹۸-۱۹۹
محله تیره ۲۴۵
محله جروائان ۸۷–۱۹۰–۱۹۹– ۲۵۹-۲۶۱
محله جرین ۲۰۳
محله جسرالحسین، ۲۰۴–۲۳۶
محله جلفا ۴ ۲
محله جلك ۲۰۴
محله‌جماله‌کله ۴۱–۲۰۵–۴۰۲–۵۹۵–۷۴۰
محله جمیلان ۲۲۷–۲۳۴
محله جوباره ۵۰-۷۱-۱۸۱-۱۹۴-۲۰۵-۲۰۸ ۲۷۷-۲۸۵–۲۹۶–۳۹۶–۴۱۴–۴۱۵-۴۱۹ ۴۲۱-۵۹۰–۷۳۱-۷۳۴- ۷۳۶-۷۳۷- ۷۳۹ ۷۴۰–۷۴۱-۸۱۱

اعلام جایها	شماره صفحات
محله جورجیر	۱۵۲–۲۰۷-۶۰۴
محله جوزدان	۲۰۹–۲۱۰–۷۳۸
محله جویباره	۴۲۳
محله جهود باره	
محله جیران	۲۱۰ - ۲۱۲
محله چرخاب	۲۸–۲۹-۲۱۲ –۲۹۵
محله چلمان	۲۱۲-۲۲۷-۲۳۴ -۷۶۶
محله چلمون	۲۱۲–۲۳۴
محله چلمون	۲۲۷–۲۳۴-۷۶۵
محله چنارسوخته	۲۱۲
محله چنبلان	۱۸۱-۲۱۲-۷۶۵
محله چهارباغ بالا	۲۱۲
محله چهارباغ کهنه	۲۱۲
محله چهارسو	۵۹۳
محله چهارسو شیرازیها	۱۲۷ – ۲۱۲- ۲۹۷ ۴۰۱–۴۰۳–۵۱۰– ۵۱۱
محله چهارسو کوچك	۲۱۴-۷۷۲
محله چهل‌دختران	۲۰۷ –۴۱۶-۴۱۸- ۴۲۱
محله حسن‌آباد	۱۹– ۹۲- ۱۲۵-۲۱۵-۲۱۹ ۲۲۰-۲۹۵–۳۱۴– ۷۴۲
محله حسن‌آبادخاجو	۹۵
محله حسین‌آبادطوقچی	۲۱۵
محله حسینیه	۸۰۲
محله حصارپشت مسجدشاه	۲۱۶
محله خابجان	۲۱۶
محله خابجون	۲۱۶
محله خاجو	۲۳-۲۴-۳۰-۳۴-۳۵-۳۹-۴۲-۴۶
محله خاجوی‌بزرگ	۲۲۰
محله خاجوی‌کوچك	۶۱-۶۳-۲۱۹
محله خارجان	۲۱۶
محله خاوجان	۲۱۶-۵۷۷
محله خرجان	۱۸۵-۲۱۶-۲۱۸
محله خشینان	۵۰-۷۱-۱۸۹-۲۲۵- ۷۳۶
محله خوز	۲۲۶–۲۸۴
محله خوزیون	۲۲۶– ۲۸۴
محله خیابان	۲۲۶
محله دالبتی	۷۸۹
محله‌دارالبطیخ	۷۸۹–۳۵۷
محله دارالحدیث	۳۵–۳۶
محله درب‌امام	۲۲۷–۵۹۵
محله درب‌دریچه	۲۲۸
محله درب‌دشت	۲۲۸
محله درب الشیخ	۲۶–۲۷
محله درب کوشك	۲۳۰–۴۴۰-۴۷۰–۷۳۱
محله درب‌مسجدحکیم	۲۳۰
محله دربه	۲۲۸
محله درخوزیان	۲۲۶–۲۸۴
محله دردشت	۳۸- ۴۵-۵۰-۱۴۸-۱۸۱-۲۱۶ ۲۲۸–۲۶۱–۲۶۳–۲۹۶–۳۹۹–۴۰۰-۴۲۹ ۴۳۰–۴۷۲–۵۱۳–۶۰۱–۷۶۵–۷۷۶
محله درشیخ	۵۶–۹۶–۲۴۰– ۸۰۵
محله درکوشك	۲۳۰ - ۲۹۶
محله دروازه‌اشرف	۲۳۱
محله دروازه‌حسن‌آباد	۷۴۲
محله دروازه‌دولت	۱۱۴–۲۳۱ – ۲۹۶
محله دروازه‌نو	۱۲۶-۱۸۱- ۱۹۸-۲۲۱–۲۹۶ –۴۰۰–۴۰۳-۷۳۳
محله دربه	۸۷
محله دشت عطاء	۲۳۱
محله دوشاباد	۲۳۲
محله دوشاباذ	۲۳۲
محله دولت	۱۶۵-۲۳۱–۲۹۵
محله دیلمان	۲۳۱ - ۲۳۲
محله ذوالفقار	۲۳۲–۲۸۲
محله رامیان‌اردستان	۵۰۷–۸۶۸-۸۶۹ – ۸۷۸
محله ربض اصفهان	۲۳۲
محله روشاباذ	۲۳۲
محله سرجوی رکن‌الملك	۲۳۲

اعلام جایها	شماره صفحات
محله سرجوی‌شاه	۲۱۰-۲۷۹
محله سرقبرآقا	۲۱۶—۲۵۳-۷۳۵
محله سرنجان	۲۳۲
محله سریجان	۲۳۲
محله سلطان‌سنجر	۲۳۲-۲۸۲
محله سلم	۱۸۹—۲۳۳
محله سنبلان	۲۳۴-۷۶۵
محله سنبلستان	۲۱۲ — ۲۳۴
محله سنگ‌تراشان	۲۳۶
محله سیچان	۲۳۶
محله سیداحمدیان	۲۳۷-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴
محله سینه‌پائینی	۲۳۷-۷۳۶—۷۳۷
محله شاه‌شاهان	۲۳۷—۸۰۲
محله شیش	۱۸۳— ۲۴۰ —۲۹۷
محله شروانشادان	۲۳۹
محله شروانشاذان	۲۳۹
محله شمس‌آباد	۱۹۹—۲۳۹—۲۶۶ - ۴۷۵
محله شمیکان	۲۳۹— ۲۴۰
محله شنبلان	۷۶۵
محله شوری	۴۲۷
محله شهشهان	۴۵-۲۹۶—۳۳۸- ۷۱۰-۸۰۲
محله شهیش	۱۸۳—۲۴۰
محله شیخ‌ابومسعود	۱۳۳—۲۴۰—۲۶۶-۴۰۳
محله شیخ‌سبنا	۲۴۰
محله شیخ‌یوسف	۳۴—۴۲-۲۲۱—۲۴۰-۷۳۳ ۷۳۶
محله شیش	۲۴۰
محله صالح‌آباد	۶۳
محله صالحان	۲۴۱
محله طراز	۲۴۱—۲۸۲
محله طوقچی	۵۳—۵۴-۷۲—۸۶—۱۱۱-۲۳۷ ۲۴۲—۲۵۵—۴۱۴—۸۱۲
محله طهران	۲۴۳
محله طبرا	۲۴۵

اعلام جایها	شماره صفحات
محله ظله	۲۴۵
محله‌عباس‌آباد	۷۹—۹۰—۲۴۵—۲۴۶—۴۷۵ ۸۰۸
محله فابجان	۲۵۱
محله فابجون	۲۱۶
محله فابزان	۲۵۱—۲۵۲
محله فاذجان	۲۵۳
محله فرائان	۲۵۳
محله فرح‌آباد	۲۵۳
محله فرسان	۲۵۳—۲۵۴—۷۷۷
محله فلفلان	۲۵۵
محله فلفلچی	۲۵۵-۸۱۲
محله فهره‌اردستان	۴۵—۱۵۰—۵۰۷ —۸۸۴
محله‌قبله‌دعاء	۲۵۵
محله قصر	۵۷
محله قصراصفهان	۲۵۵
محله قصرمنشی	۵۹—۱۸۸-۱۹۵-۲۵۶-۲۹۶ ۴۳۳—۵۹۵—۷۳۳
محله قلعه‌طبرك	۲۵۶
محله قنادر	۲۵۶
محله قناطر	۲۵۶
محله قینان	۲۵۷
محله کاسه‌گران	۴۸۲
محله کبودان‌اردستان	۴۶—۱۰۳—۴۸۹—۵۰۷
محله کران	۴۵-۱۸۱—۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ ۲۸۲—۲۸۴—۲۸۶-۲۹۶
محله کروائان	۲۶۱
محله کلبان نائین	۱۳۹
محله کلکه	۲۵۹-۶۶۰
محله کمائان	۲۶۰
محله‌کوراء	۶—۷۱—۲۶۰—۲۶۶
محله کون‌گنبد	۲۶۰
محله گبرآباد	۲۶۱
محله گبرها	۳۰۸

اعلام جایها	شماره صفحات
محله‌گروئان	۸۷-۱۵۵-۱۹۹-۲۰۰-۲۵۸
	۲۵۹ - ۲۶۱
محله‌گلبار	۱۰۲-۱۲۵-۱۴۷-۲۶۱-۲۹۶
محله گلبهار	۱۲۵-۲۶۱
محله‌گودمقصودبیك	۲۶۱
« لتورجوباره	۲۶۱
« لنبان	۸۰-۱۱۵-۱۵۴-۱۸۰-۸۸۸
	۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۹۴-۲۹۵-۷۲۳-۷۲۴
« لوبیاباذ	۲۶۳
« مارنان	۲۶۴-۲۶۵
« مارپانان	۲۶۴
« ماربان	۲۶۴
« محال‌اردستان	۴۸۸- ۸۸۴-۸۸۸-۸۸۹
« مردبان	۲۷-۲۶۵-۲۶۶
« مستهلك	۲۸-۱۲۵-۲۶۶-۲۹۵-۷۳۴
	۷۳۷-۷۳۸-۷۴۰
« مسجدشاه	۶۵۹
« ملقاباذ	۲۶۶
« ملنجه	۲۶۰-۲۶۶
« مون	۴۸۸-۴۸۹-۸۸۸
« منجان	۲۶۷
« منوجان	۲۶۷
« مورنان	۲۴۳-۲۶۴-۲۶۷-۲۹۷
« محله‌میدان اسفریس	۲۶۸
« میدان‌جلفا	۸۴۰
« میدان‌شاه	۲۶۸
« میدان قدیم	۷۳۲
« میدان کوچك جلفا	۸۴۴
« میدان کهنه	۴۸-۲۶۸-۷۷۷
« میدان‌میر	۲۶۸
« میر	۷۳۹
« ناجونان	۲۶۹
« ناژونان	۲۶۹
« نخان	۲۶۹

اعلام جایها	شماره صفحات
« نم‌آورد	۲۶۹-۵۰۴
« نو	۷۳-۱۹۰-۲۲۱-۲۹۷-۶۱۸- ۶۴۵
	۷۳۱-۷۳۳
« نیم‌آورد	۲۶۹-۲۸۱-۲۸۲- ۴۷۰-۵۰۴
	۵۰۶-۵۹۵-۶۱۵
« وادار	۲۶۹
« واخار	۲۰۳-۲۶۹-۲۷۰-۷۴۲-۷۴۳
« واذنان	۲۷۲
« وذار	۲۶۹
« وذنکاباذ	۲۷۰
« ورگان	۲۷۲
« وعل	۲۷۳
« ویدآباد	۱۹۱
« ویذآباذ	۱۹۱-۲۷۳
« هفتان	۲۷۴
« هفتشور	۲۷۳
« هفتشویه	۲۷۳
« هفشور	۲۷۳
« هفشویه	۲۷۳
« هیسان	۲۷۴
« یارم	۲۷۴
« یازده‌پیچ	۲۷۵
« یزدآباد	۲۷۵-۲۹۶-۷۳۸
« یمابرت	۲۶۹-۲۷۵
« یمافرت	۲۷۵
« یوانان	۲۷۶
« یوان	۲۷۶
« یونارت	۲۷۷
« یهودیه	۲۷۷-۲۷۹-۲۸۵
محمد آباد	۴۷۳
محمدیه	۹۱۰
مداین	۱۷
مدرس ابن‌سینا	۴۲۹-۴۳۰
مدرسهٔ آقا کمال‌خازن	۲۸

اعلام جایها	شماره صفحات
مدرسه آقامبارك	۲۸
« احمدآباد	۲۳۲
« اسفندیار بیك	۲۸–۲۲۱
« اسماعیلیه	۲۲۱-۲۳۳
« افتخارالملك	۳۲–۲۲۱
« افندی	۳۴
« الماسیه	۴۶–۱۰۸
« امامزاده اسماعیل	۴۳۳
« امامیه	۳۴۰–۴۳۳
« امامی	۴۳۹
« امین‌الدوله	۴۳۳
« انیس	۲۲۱
« ایلچی	۳۴–۵۱۹
« باباقاسم	۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷
	۴۳۸–۴۳۹–۷۸۵
« باقریه	۳۰–۴۷۰
« پاشیر	۴۷۰
« پاقلعه	۴۴۰–۷۳۱
« پری‌خان‌خانم	۲۹
« تاج‌الملك	۳۷
« ترکها	۳۴۰-۴۴۱
« جده بزرگ	۲۹۶–۳۹۵-۴۴۱– ۴۴۲
	۴۴۳
مدرسهٔ جده کوچك	۳۹۵–۴۴۲–۴۴۳-۴۴۴
« جعفریه	۳۸
« جلالیه	۱۸۲
چهارباغ	۷۴–۱۰۸–۱۷۱–۱۷۷-۱۹۲–۲۱۲
	۲۳۳-۲۹۵-۴۱۲–۴۴۴–۴۴۵–۴۴۸–۴۶۷
	۴۶۸–۴۷۵-۴۷۹-۶۷۸–۷۱۷
« چهارباغ‌سلطانی	۱۹۵–۳۹۹
« حاج‌حسن	۳۹–۴۶۹
« حاج‌باقرمه‌آبادی	۳۸
« حاج‌شیخ‌محمدعلی ثقةالاسلام	۳۹–۲۲۱
	۴۷۰

اعلام جایها	شماره صفحات
مدرسه حاجی آقاکافور	۲۹
« حاجی‌حسین‌نورالدین	۶۶۸-۸۸۳
« حکیمیه	۴۸۲
« حوابیگم	۴۱
« خواجه‌صدرالدین‌علی‌طبیب	۴۷
« خواجه‌محبت	۴۷
« خواجه ملك‌مستوفی	۳۸-۴۰–۳۹۵
« خواجه‌نظام‌الملك	۳۸
« دده‌خاتون	۲۸–۲۲۱
« درب‌کوشك	۴۷۰
« دردشت	۴۵-۴۲۶-۴۲۷
« درکوشك	۲۰-۱۷۹-۱۸۵
« دروبشان	۴۶-۵۳
« ذوالفقار	۲۳۲–۲۸۲-۴۷۰
« رکن‌الملك	۶۲۸
« زاهدی	۷۳۵
« ساروتقی	۳۹–۲۲۱
« ستاره‌صبح	۶۸
« سلطانی	۳۷۴–۴۴۵
« سلطانی‌چهارباغ	۲۹۵-۴۵۶–۴۶۷
« سلطان‌محمدسلجوقی	۳۹-۴۶۹
« سلیمانیه	۲۸-۱۸۱-۴۷۱-۵۰۲-۶۹۱
	۶۹۲
« سن‌پیروسن‌پل	۳۹
« سیدرکن‌الدین‌یزدی	۳۵
« شاه	۱۶۹۰-۲۶۳
« شاه‌حسن	۳۵-۲۱۹-۲۲۱
« شاهزاده‌ها	۳۹–۴۰۷
« شرف	۲۳۸
« شفیعیه	۳۹-۱۸۴–۴۲۹–۴۳۰-۴۷۲
« شمس‌آباد	۱۷۶-۲۴۶-۴۷۵-۷۳۸
« شمسیه	۴۸۲
« شوری	۴۲۷
« شه	۴۵۰

اعلام جایها	شماره صفحات
مدرسه شهرستان	۴۶
« شهشهان	۴۵–۲۳۷
« شیخ الاسلام	۴۰
« شیخ لطف‌الله	۳۸-۴۰-۳۹۵
« شیخ یوسف	۳۴-۴۹-۲۲۱
« صارمیه	۲۱۹
« صدر	۲۲۲–۴۳۳-۴۷۷–۴۷۹–۴۸۰
« صدر بازار	۴۷۵–۴۷۶–۴۷۷-۴۸۱
« صفویه	۲۴–۲۷۹
« طیبه	۴۱-۵۳
« عربان	۳۸-۲۲۲-۲۷۰-۴۸۱
« علمیه‌طاهریه	۴۵
« عمر	۵۳۴
« عمر بن عبدالعزیز	۴۴
« فاطمیه	۴۴
« فخریه	۴۴
« قرچقای بیك	۴۴-۴۵
« کاسه‌گران	۱۰۹-۲۶۸-۳۹۶-۴۰۱-۴۸۲
	۴۸۳-۴۸۶-۴۸۷-۴۹۳-۵۰۴-۵۰۷-۵۲۵-۷۲۵
« کلباسی	۴۴-۴۵
« کوچه کلباسی	۴۲–۴۵
« مادرشاه	۴۴۵
« مبارکه	۲۸
« محرمیه	۴۲
« محمدصالح	۴۲-۲۲۱
« مرتضویه	۴۲
« مریم بیگم	۱۹-۳۰-۳۲-۳۴-۲۲۲-۳۹۶
« ملاعبدالله	۱۶۷-۲۹۶-۳۹۵-۴۰۳-۴۰۶
	۲۹۴-۲۹۵-۴۹۷-۴۹۸-۶۶۱-۷۰۱
« ملکشاه	۷۸۹
« میرزا تقی	۴۱-۵۳
« میرزا حسین	۱۹۱-۵۰۰–۵۰۱
« میرزا حسین‌خان	۵۰۰
« میرزا رضی	۴۱

اعلام جایها	شماره صفحات
مدرسه میرزا مهدی	۵۰۲
« ناصری	۵۰۲
« نجمقلی بیك	۴۰
« نصرآباد	۸۲۰
« نظام‌الملك	۳۸
« نظامیه	۱۸۳
« نقاشان	۴۰
« نوریه	۲۶۸-۵۰۲
« نیم‌آورد	۲۶۹-۳۹۸-۴۶۷-۵۰۴
« هارونیه	۸-۵۰۸-۵۰۹
مدفن الراشد بالله	۸۵۵
« رفیع‌الدین محمد بن حیدر	۸۵۵
« میرمجدالدین اسماعیل بن امیر مظفر ابن امیر مسعود باب الدشتی	۸۵۵
مدفن هارون بن موسی	۷۸۲
مدینة	۵۵-۲۳۷-۷۵۱-۸۵۴
« السادات زواره	۱۳۶–۸۸۹
« الثائین	۹۰۷
مردبان	۲۴-۱۲۶-۲۸۸
مرقدشعبا	۷۳۶-۷۵۰-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷–۷۵۹
	۷۶۰–۷۶۲
مرو	۲۴۵-۲۵۱
المروة	۶۷۴
مروة	۸۰۳
مزار اسماعیل	۷۵۳
« امامزاده ابراهیم بطحا	۷۷۷
« امامزاده زین‌العابدین	۷۷۷
« امامزاده سیداحمد	۷۴۴
« بابارکن‌الدین	۹۷–۹۹
« باباسنگکی	۲۸۳
« حاج محمدجعفر آباده‌ای	۸۵۳
« سلطان بیك	۸۷۳
« صائب	۸۰۹
« علی بن سهل	۱۰۵–۸۲۸

اعلام جایها	شماره صفحات
مزار عموعبدالله	۸۱۸
« میرعلی‌شهید	۷۹۱
مزدآباد	۱۳۶-۴۹۰
مزدج	۵۸۲
مسجدآباده‌ای	۵۹۶
« آب بخشگان	۷۳۰
« آقاحسین	۷۳۰
« آقاسی	۴۸-۳۶۱
« آقاسیدمحمدلطیف	۲۲۱-۷۳۰
« آقاشمس	۷۳۰
« آقامیرزاابراهیم	۷۳۰
« آقامیرزااحمد	۷۳۰
« آقا میرزامحمدباقرچهارسوقی	۵۱۰
	۵۱۳
مسجدآقانور	۵۱۳-۵۱۴-۵۶۷
« ابراهیم‌زاغی	۲۲۱-۲۸۲
« ابوالفتوح	۷۲۰
« احمدآباد	۷۳۰
« ازیران	۱۳-۸۲۲
« اژه‌ایها	۷۳۰
« استادنوروز	۷۳۰
« الاقصا	۶۳۵
« اقصی	۵۹۴
« الاقصی	۶۳۸-۶۶۶
« امام‌حسن‌اردستان	۱۰۳-۱۴۸
« امامزاده‌شوری	۴۸-۲۶۳
« امام‌محمودشفروه	۳۵-۳۸
« انماطی	۳۵-۴۸
« اولجایتو	۵۱۶-۵۶۸
« اول‌کوچه‌پهن	۲۸۱-۷۳۱
« ایلچی	۱۸۲-۵۱۸-۵۲۳
« ایوب	۶-۲۳۵
« باباتوتها	۷۳۱
« باباسوخته	۵۰-۲۴۲-۴۱۵

اعلام جایها	شماره صفحات
« باباعبدالله	۶۰۹-۹۰۹
« باب‌الرحی	۸۸۶
« باذانه	۴۹
« باروت‌کوبها	۷۳۱
« بازار	۸۸۶
« بازارامیرسعیدبابلاق	۴۹
« بازارخواجه‌محمود	۴۹
« بازارچه‌آقا	۷۳۱
« بازارچه‌حاجیه‌خانم	۷۳۱
« بازارچه‌حاجی‌میرمحمدصادق	۷۳۱
« باغ‌حاجی	۵۲۳-۵۲۴
« باغچه‌عباسی	۷۳۱
« برسیان	۸۱۵-۸۲۶
« بزرگ‌محله‌نو	۵۵-۷۳۱
« بن‌کویه‌زواره	۱۳۰
« بوزان	۱۴۵
« بیمارستان	۷۳۱
« پاچنار	۷۳۱
« پادرخت‌سوختهزنجانی	۷۳۴
« پادرخت	۷۳۴
« پادرخت‌سوخته	۷۳۴
« پاسنگ	۷۳۱
« پاشیر	۷۳۱
« پاقلعه	۷۳۱
« پاکوشك	۷۳۱
« پامنار(درزواره)	۷۳۱
« پانارون	۲۲۱-۷۳۲
« پشت‌بارو	۷۳۲
« پشت‌بازارچه	۷۳۲
« پناهی	۷۳۲
« پهلوی‌عصارخانه	۷۳۲
« تغرب‌خان	۱۵۱
« تکیه‌گرگ‌یراق	۷۳۲
« تکیه‌محمدعلی‌یزدی	۷۳۲

اعلام جایها	شماره صفحات
مسجد تل عاشقان ۷۳۲	
« جارچی ۵۲۴-۶۴۴	
« جامع ابیانه ۹۱۵	
« جامع اردستان ۴۹۳-۵۳۰-۸۶۶-۸۶۷	
۸۶۹-۸۷۰-۸۸۰-۸۸۳-۸۸۹	
مسجد جامع اشترجان ۸۲۲-۸۲۳-۸۲۵-۸۲۶	
« جامع اصفهان ۱۳-۲۰۰-۲۱۷-۲۳۰	
۲۷۶-۲۸۰-۲۸۴-۲۸۶-۵۷۶-۸۶۶	
مسجد جامع جورجیر ۵۵-۷۲-۱۲۷-۱۵۱-۴۱۴	
۵۶۱-۵۶۴	
مسجد جامع خشینان ۵۰	
« جامع دشتی ۱۰۱-۸۲۸	
« جامع رنگ رزان ۵۵-۸۰۶	
« جامع زواره ۸۸۹-۸۹۰	
« جامع سرآورد ۸۹۵	
« الجامع سرالوار ۸۹۶	
« جامع شاهی ۶۴۳	
« جامع شهرستان ۵۱-۵۵-۴۱۴-۸۵۴	
« جامع جورجیر ۶۰۴	
« جامع شهرنطنز ۹۱۱	
« جامع عباس آباد ۵۶	
« جامع عباسی ۲۳۱-۶۵۹-۶۹۷	
« جامع عتیق ۲۳-۱۵۱-۱۹۸-۴۲۵-۴۲۹	
۵۱۸-۵۲۷-۵۲۹-۵۳۰-۵۶۵-۵۶۸-۵۷۴	
۵۸۷-۵۸۵-۸۰۲-۸۲۶	
مسجد جامع قدیم ۴۷-۴۸۸-۵۱۸-۵۳۰	
« جامع کاج ۱۴۱	
« جامع گلپایگان ۸۹۶	
« جامع مدینة السادات زواره ۸۹۰	
« جامع نائین ۵۳۰-۹۰۵-۹۰۶-۹۱۰	
« جامع شهرنطنز ۹۱۱	
« جامع نیسیان ۴۹۲	

اعلام جایها	شماره صفحات
مسجد جامع یهودیه ۲۰۶-۲۵۳	
مسجد جمعه اصفهان ۹۳	
« جمعه نطنز ۱۱۸	
مسجد جنب باغ حاجی ۵۹۲	
« جنب بازارچه ۷۳۲	
« جنب پیر پینه دوز ۵۹۰	
« جنب حمام کوچه قصر منشی ۶۲۸	
« جنب خانه استاد حسن بنا ۷۳۲	
« جنب خانه شیخ الاسلام ۷۳۲	
« جنب دروازه دولت ۷۳۲	
مسجد جوباره ۵۹۰	
« جورجیر ۶۰۴	
« جوی باریکه ۷۳۲	
« جوی مسگر ۸۸۶	
« چاره ۷۳۲	
« چهارسو آجری ۲۲۱-۷۳۲	
« چهارسو درشیخ ۷۳۲	
« چهارسوق ۸۸۶	
« چهارسوق شیرازیها ۵۱۰	
« چهارسو کوچك ۷۳۲	
« چهل دختران ۷۳۲	
« حاج سیدعبدالله ۷۳۳	
« حاج سیدعبدالوهاب ۷۳۳	
« حاج علی اکبر بیك ۲۲۱	
« حاج محمدجعفر آباده‌ای ۲۶۹-۳۹۹-۴۰۲-۵۹۵-۵۹۶	
مسجد حاج علیقلی آقا ۷۱۷-۷۱۸	
« حاج محمدمهدی ۲۲۱-۲۸۲-۵۹۸	
« حاج منوچهرخان ۲۲۱	
« حاج یونس ۴۰-۶۰۲	
« حاجی ابوالحسن ۷۳۳	
« حاجی باقر ۷۳۳	
« حاجی جعفر ۷۳۳	

اعلام جایها	شماره صفحات
مسجدحاجی‌جمال	۷۳۳
« حاجی‌رسولیها	۷۳۳
« حاجی‌رضا	۷۳۳
« حاجی‌سرتیپ	۷۳۳
« حاجی‌سیدجواد	۵۹۳
« حاجی‌طالب	۷۳۳
« حاجی‌عبدالغفار	۷۳۳
« حاجی‌علی	۷۳۳
« گداعلی	۷۳۳
« محمدامید	۵۹۵–۷۳۳
« حاجی‌منوچهر	۵۹۹
« حاجی‌میرزابدیع	۷۳۳
« حاجی‌میرزاصادق	۲۲۱–۶۰۰
« حاجی‌هادی	۷۳۳
« الحرام	۵۵۵–۵۶۲–۵۶۸–۶۸۴–۷۱۳
« حسینیه‌شهشان	۵۴
« حفص‌بن‌معدان	۵۱
« حکیم	۳۹–۴۲–۴۳–۵۳–۱۲۷–۱۵۱
	۲۰۵–۲۰۸–۲۳۰–۲۸۰–۶۰۴–۶۰۹–۶۱۰
	۶۳۰–۷۳۲–۷۳۸
مسجدحمالها	۷۳۴
« حمام حاجی‌هادی	۷۳۴
« حوالی‌تکیه	۷۳۴
« حوض	۸۸۶
« عصارخانه	۷۳۴
« خان	۳۰–۲۸۰–۶۱۰–۶۱۲
« خان‌احمدآباد	۷۳۴
« خاکی	۸۸۶
« خرابه‌محله‌خاجو	۲۲۱–۷۳۴

اعلام جایها	شماره صفحات
« خرابه‌مون	۸۸۶
« خسرو	۸۸۶
« خلوت نشین	۷۳۳
« خواجه	۷۳۴
« خواجه‌روح‌الله	۲۸۰
« خواجه‌علم	۵۵–۳۶۱
« خواجه‌محمود	۳۵–۵۰
« خیابان‌چهارسوق	۷۳۴
« خیاطها	۷۳۴
« دارالشفاء	۳۹۱–۳۹۸–۷۳۴
« درب‌تکیه	۷۳۴
« درب‌جوباره	۳۶۱–۵۹۰
« درب‌حمام‌زعفران	۷۳۴
« درب‌طوقچی	۵۲–۵۴–۷۲–۸۶–۱۱۱
« درچه‌ای	۷۳۴
« دروازه‌اردستان	۵۳
« دروازه‌حسن‌آباد	۶۱۴
« درویشان	۵۳–۲۱۹
« دشت‌امیان	۱۲۹
« دوغازی	۷۳۵
« ذکرالله	۷۳۵
« ذوالفقار	۲۳۲–۳۹۸–۴۷۰–۶۱۵–۶۹۰
	۷۲۲
مسجدرحیم‌خان	۲۹–۱۵۹–۱۸۵–۶۱۸–۶۱۹
	۶۲۱–۶۲۳–۶۳۰
مسجدرضوانونور	۷۴۱
« رکن‌الملك	۲۲۱–۶۲۵–۶۲۸–۶۲۹
	۶۳۰–۶۳۹

اعلام جایها	شماره صفحات
مسجدروبروی بازارعسکر	۴۹
« زاغی	۵۹۸
« زهدی	۷۳۵
« زهراخانم	۷۳۵
« زین‌العابدین	۷۳۵
« ساروتقی	۳۹۶-۴۰۱-۴۰۴-۴۷۰-۶۴۰-۶۴۱
مسجدستاری	۷۳۵
« سدید	۳۵-۴۸
« سرتابه	۷۳۵
« سرجوی	۷۳۵
« سرجوی‌شاه	۷۳۵
« سرچهاردو	۷۳۵
« سرچهارسوشیرازیها	۷۳۵
« سرخی	۲۸۳-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵
« سرقبرآقا	۷۳۵
« سرمادی‌فرشادی	۷۳۵
« سروشفادران	۸۲۹
« سعیدبن‌جبیر	۶۴۲
« سفره‌چی	۲۸۳-۶۴۳-۶۴۴
« سفیدسردشت	۱۵۰-۸۶۶
« سلام	۷۳۵
« سلطان‌ابوسعید	۵۰
« سلطانی	۳۷۴-۶۵۹-۹۸۶
« سلمان	۵۴-۷۳۶
« سلیمان‌بیك	۴۰۰-۶۴۵
« سنجریه	۷۱۲-۷۱۵
« سنگماته	۸۸۶
« سید	۱۷۹-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۴۰۰-۵۰۰-۶۳۰-۶۴۶-۷۹۲-۸۰۲
مسجدسیف‌الله‌خان	۷۳۶
« سین	۸۱۹-۸۳۲
« سینه‌پائینی	۷۳۶-۷۳۷
« شاه	۱۹-۷۴-۲۱۶-۲۸۱-۲۸۷-۲۸۸-۳۸۹-۳۹۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۷۱-۴۷۲-۵۰۲-۵۰۳-۵۲۹-۶۳۰-۶۵۹-۶۶۳-۶۶۴-۶۷۳-۶۷۹-۶۸۴-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۹-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۶-۷۰۱
مسجدشاه‌اسدالله‌میرهندی	۷۳۶
« شاه‌اصفهان	۶۷۴
« شاه‌سلیمان	۶۷۵
« شاه‌علی	۷۵۶
« شیش	۷۳۷
« شجرة	۵۳-۷۳۶
مسجد شعیا	۱۸۲-۴۲۹-۶۴۲-۶۹۳-۷۳۶-۷۵۰-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱
مسجدشهرستان	۱۴۶
« شهشهان	۷۱۰-۷۱۲
« شیخ‌ابومسعود	۵۶
« شیخ‌بهائی	۵۳-۷۳۶
« شیخ‌علیخان	۴۷۵-۷۳۲
« شیخ‌لطف‌الله	۴۰-۴۷-۱۰۵-۲۸۸-۳۶۳-۳۷۴-۳۹۶-۶۵۹-۶۶۲-۶۶۳-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۷۰۲-۷۳۲
مسجدشیخ‌مفید	۷۳۶
« شیخ‌یوسف	۷۳۶
« شیرسبز	۷۳۶
« شیره‌پزها	۷۳۶
« شیشه	۲۸۰-۳۹۸-۶۱۲
« شیشه‌گرها	۲۰۸

اعلام جایها	شماره صفحات
« صاحب‌بن‌عباد	۷۳۷
« صحرا لنبان	۷۳۷
« صدرالعلماء	۷۳۷
« صفا	۵۹۳–۵۹۴
« صفای‌شهشهان	۷۱۰
« طوقچی	۷۳۷
« طیبه	۵۳
« ظلمات	۲۸۱–۷۲۸
« عباسی	۶۵۹
« عبدالله‌بن‌کوشید	۵۳
« عتیق	۵۵۲
« علویان	۱۲۱
« علی	۳۹-۳۹۷–۴۰۰-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱
	۴۶۹–۴۷۲–۷۱۲–۷۱۳–۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷
	۷۷۷
مسجدعلی‌اکبر	۷۳۶
« علی‌اکبربیك	۲۲۱
« علی‌اکبرحاجی‌رضا	۷۳۷
« علی‌بابا	۷۳۷
« علی‌بقال	۷۳۷
« علی‌قلی‌آقا	۱۷۹–۱۹۱–۴۰۶ – ۶۷۸
« عمر	۵۴-۹۴
« عمروبن‌راشد	۵۴
« فتح	۷۱۹–۷۲۰
« فریدون	۲۲۱–۷۳۷
« فضل‌بن‌برغوث	۵۴
« قباد	۵۴
« قراول‌خانه	۷۳۷
« قطبیه	۱۷۴–۱۸۴–۳۶۱–۷۲۰ - ۷۲۲
	۸۵۵

اعلام جایها	شماره صفحات
مسجدقهوه	۷۳۴
« کاروانسرای‌دومنار	۵۰
« کازرونی	۲۲۱-۷۳۷
« کبودان	۸۸۶
« کبیر	۵۷۵
« کریم‌ساغری	۷۳۷
« کلانتر	۷۳۸
« کمرزدی	۷۳۸
« کوچك	۷۳۸-۸۸۶
« کوچك‌جورجیر	۶۴۵
« کوچك‌ساروتقی	۶۴۱
« کوچه‌اژه‌ایها	۷۳۸
« کوچه‌باغ	۲۸۰-۷۱۹-۷۲۰
« کوچه‌پاکاریها	۷۳۸
« کوچه حاجی ملاابوطالب روضه‌خوان	
	۷۳۸
مسجدکوچه‌عمریها	۲۸۲–۷۳۸
« کوچه‌مشیر	۲۸۳–۷۳۸
« کوچه‌نمکی	۱۴۷–۲۸۳
« کوشك	۸۸۶
« کهنه	۷۴۰
« گار	۱۴۲–۱۴۴
« گرك‌یراق	۷۳۸
« گز	۶۳۰-۸۳۳–۸۷۸ – ۸۱۹ - ۸۳۲
« گلدسته	۷۳۸
« گلشن	۷۳۸
« لرها	۷۳۸
« لنبان	۹۷–۱۷۶ -۲۶۱ - ۶۷۹ –۷۲۳–
	۷۲۴
« محال	۸۸۶

اعلام جایها	شماره صفحات
« محله‌لنبان	۷۳۹
« محله‌نو	۷۳۸
« محمدبن‌سعیدصباغ	۳۵-۴۹
« محمدعلی‌سلمانی	۷۳۹
« محمدیه	۹۱۰
« محمدی	۷۳۹
« مریم‌بیگم	۷۳۹
« مستوفی	۵۶
« مصری	۱۲۶-۲۸۳-۷۲۴-۷۲۸
« مصلی	۵۴-۲۶۳-۷۳۹
« مقابل‌چهارسوق	۷۳۹
« مقابل‌سرای‌قهرودیها	۷۳۹
« مقدسها	۷۳۹
« مقصودبیك	۱۹۸-۲۸۱-۳۹۱-۷۲۸
« ملاکاظم	۷۴۹
« ملك	۷۳۹
« ملك‌علی‌جارچی	۳۹۵
« منشی	۲۲۵-۴۰۲
« موتابها	۷۳۹
« مورنان	۷۳۹
« میدان‌مون‌عرب	۸۸۶
« میدان‌میر	۷۳۹
« میر	۷۳۹
« میرزااشرف	۲۲۱
« میرزاباقر	۷۳۹
« میرزاباقر	۷۳۹
« میرزاجلال	۷۴۰
« میرزارضی	۲۱۹
« میرزاعبدالرحیم‌کازرونی	۷۴۰
« میرزاعبدالله	۷۴۰

اعلام جایها	شماره صفحات
« میرزامحمدهاشم‌چهارسوقی	۵۱۱
« میرهندی	۷۴۰
« نزدیك‌قصرچملان	۷۴۰
« نصرآباد	۵۵
« نو	۲۹-۵۴-۷۳۳-۷۴۱
« نوچهارسوشیرازیان	۵۱۲
« نور	۵۱۴
« نوروزخوان	۷۴۰
« ویدان	۱۳
« هادی	۷۴۱
« هارون	۷۷۹
« هفشویه	۱۴۶
« همدانیان	۷۴۱
« یازده‌پیچ	۷۴۱
مسعودیه‌تهران	۳۵۰
مشعر	۶۵۷-۷۲۶
مشهداردهال	۲۲۲
مشهد رضا	۴۹۵-۴۹۶
مشهدمقدس	۹۹-۲۲۳-۲۳۹-۵۸۴-۷۰۲
مصیصه	۲۳-۱۵۲
مقام‌ابراهیم	۴۳۰-۸۲۴
مقبره‌آقانجفی	۴۸۱
« امامزاده‌سیدالسادات	۸۹۸
« باباقاسم	۴۳۳
« بکتاش	۱۹
« پای‌چنار	۷۸۹
« پلوی	۲۱
« حافظ‌ابونعیم	۲۴-۲۷
« خواجه‌نظام‌الملك	۱۸۰-۱۸۲-۲۲۶
	۲۸۲
مقبره‌دارالبطیخ	۷۸۹

اعلام جایها — شماره صفحات

مقبره الراشیدبالله ۱۴۶
« سادات ۶۰۹
« شاه‌حسن ۲۲۱
« شاهزاده‌حسین ۲۲۲
« شاه‌زید ۶۴۴
« شیخ‌ابومسعود ۳۶
« شیخ‌صفی‌الدین‌اردبیلی ۳۵۸
« شیخ‌محمدبنا ۲۳-۵۴۱
« شیخ‌یوسف‌بنا ۲۴۰
« صائب ۱۷۶
« صاحب‌بن عباد ۱۸۰
« فدای‌اردستانی ۲۳
« علی‌بن‌سهل ۴۱۴-۸۱۲
« عموعبدالله ۸۱۶
« کمال‌الدین‌اسماعیل ۳۲۱
« مجلسی ۳۹۹-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱
۵۷۲
مقبره‌میرزارفیعا نائینی ۸۵۵
« نظام‌الملك ۷۸۹
مکه ۱۳-۲۰۷-۵۹۵-۶۲۱-۶۵۲-۶۷۷-۷۴۰
ملنجه ۶-۷۱-۲۶۶
ملك‌آباد ۲۶۶
ملك‌خاتونی ۴۸۹
ملنگو ۱۷
ممنود ۱۲
مناره اسکندریه ۴۱۴
« باغ‌قوشخانه ۵۰-۶۱-۲۴۲-۴۱۴-۴۲۸
« برسیان ۸۲۴
« پاشاخ ۱۰۲-۱۹۴
« ته‌برنجی ۴۱۵

اعلام جایها — شماره صفحات

« چهل‌اختران ۴۱۸
« حواجه‌علم ۵۵
« دارالضیافة ۲۰۷-۴۱۹
« دردشت ۱۸۰-۱۸۴-۲۲۸-۴۲۴-۴۲۵
۴۲۸
مناره‌دختی ۱۰۱
« راهروان ۸۱۸
« زیار ۸۱۸
« ساربان ۲۰۷-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۸۱۱
مناره‌سین ۸۱۹
« شاه‌رستم ۱۰۳
« شهرستان ۱۰۲
« طوقچی ۴۱۴
« کاج ۱۰۳
« کله ۱۰۲-۴۰۲
« گار ۱۴۳
« گارلند ۴۱۶
« کارلنگ ۴۱۶
مناره‌گز
« گلپایگان ۸۹۶
« گلدسته ۱۸۴-۴۲۶
« گنبدسلطان‌بخت‌آغا ۳۹۷
« مسجدجوجو ۱۰۳
« مسجدعلی ۴۲۱-۴۲۹
« مسجدقدیمان‌نائین ۱۳۹
« های‌دارالضیاء ۴۱۹
« های‌دارالضیافة ۷۳۱
منار جنبان ۸۱۵
« ساروبه ۴۲۳
منبرصاحب‌الزمان ۷۲۳
منی ۶۵۲-۶۵۳-۷۲۶

اعلام جایها — شماره صفحات

المنی ۸۰۳
مورچه‌خورت ۵۸۲-۵۸۷
موزه‌ایران‌باستان ۳۴-۱۲۰-۱۴۵
موزه‌چهل‌ستون(دراصفهان) ۳۵۸-۴۰۶
موغار ۱۷
مه‌آبادارد‌ستان ۱۷
مهرآبادارد‌ستان ۱۷-۲۴۵-۴۹۳
« جی ۵۹۵
مهرین ۲-۱۲
مهرین ۲-۹
مهمان‌سرای‌شاه‌عباس ۱۰۸-۳۹۹-۴۱۲-۴۶۹
میدان‌ادب ۲۸۶
« اسپریس ۲۸۵
« انماطیین ۲۵۸-۲۸۶
« بازار ۲۸۹
« باغ‌همایون ۲۸۶
« بیست‌وچهارم‌اسفند ۱۵۹-۱۷۸ - ۲۸۹
۳۲۰
میدان‌پهلوی ۱۵۹-۱۷۸-۱۸۱-۲۸۸
« چوگان‌بازی ۲۸۸
« چهارحوض ۹۱-۱۰۷-۲۸۶-۴۰۷
« خاجو ۲۸۹
« دروازه‌دولت ۲۸۶
« سربازی ۱۰۶-۲۸۶
« سلیمان ۲۸۶
« شاه۳۸-۷۴-۹۱- ۱۵۹-۲۶۸-۲۸۷
۳۶۳-۳۶۷-۳۶۹-۳۷۴-۳۸۹-۳۹۵-۴۰۱
۴۰۷-۶۵۹-۶۶۳-۶۶۸-۶۹۳-۶۹۴-۷۲۸
« عتیق ۲۸۵
« فرش‌فروشها ۲۸۴
« قدیم ۲۶۱-۲۸۵-۷۱۲-۷۳۴
« کاه‌فروشان ۶-۲۸۵

اعلام جایها — شماره صفحات

« کهنه‌اصفهان ۱۴۷-۲۸۳-۲۸۵-۲۰۲
۴۸۲-۷۳۶
میدان‌مجسمه ۳۲۰
« میر۱۴۷-۲۸۳ - ۲۸۵-۴۰۱ - ۷۳۸
۷۳۹
میدان‌ناصری ۱۰۶
« نقش‌جهان۳۸-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۷-۱۰۸
۱۱۰-۱۵۹-۱۷۵- ۱۹۸-۲۳۵-۲۸۶-۲۸۷
۲۹۶-۳۶۷-۳۶۹-۳۷۶-۳۹۲-۳۹۶- ۶۵۹
۶۶۰-۶۶۲-۶۶۳
میدان‌هاتف ۱۰۹-۲۸۸-۳۹۶
« هزارجریب ۲۸۹
میزدج ۸
میس ۷۰۲

(ن)

نارنجستان ۸۸-۲۳۸
نارنج‌قلعه‌شهراب ۱۲۱
« قلعه‌نایین ۱۲۱
نارین‌قلعه‌شهراب ۱۳۳
نارین‌قلعه‌نایین ۱۲۱
ناجوان ۲۹۵-۴۸۷
ناژونان ۶۶-۲۹۵
نایین ۸-۱۲۱-۱۲۲-۱۳۵-۵۲۷-۹۰۵-۹۰۶
نجف‌آباد ۸-۱۲-۱۱۷-۳۰۳-۸۱۶
نجف۱۹۲-۱۹۳-۱۹۵-۲۱۳-۳۶۲-۳۶۵
۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۴۸۴-۳۹۳-۲۹۶
۵۹۶-۶۰۹-۶۶۸
نخان ۲۶۹
نخجوان ۲۹۹
نساء ۵۵۶

اعلام جایها — شماره صفحات

نصرآباد ۲۹۷–۸۲۰
نطنز ۸–۶۷–۱۰۳–۱۰۴–۱۲۰–۱۳۳–۱۳۴
۱۳۵–۱۳۸–۱۳۹–۵۲۷–۹۱۱–۹۱۳–۹۱۴
نظامیه‌اصفهان ۳۸–۴۵
نفاذه ۹۵
نقاره‌خانه ۸۷–۳۹۰–۳۹۴
« تهران ۹۶
« ملکشاه ۴۸
نقش‌جهان ۱۶۰–۳۳۴
«جهان‌آرا ۶۷۵
«جهان‌اصفهان ۶۶۲
نمابرت ۲۷۶
نمافرت ۲۷۶
نم‌آورد ۶۱۶
نهاوند ۱–۲
نهراستون ۴۸۹
« باباحسن ۴۰۶–۷۱۷
« بیدآباد ۵۰۲
« جوجی‌کان ۷۱۷
« دویست‌وپنجاه ۸۶۱
« سعادت‌آباد ۸۱
« طاق‌نما ۹۷
« فدین ۱۶۷–۲۸۲
« فرشادی ۲۳۱–۲۳۳
« نیاصرم ۱۵۴–۲۳۰–۸۰۸–۸۱۰
نه‌گنبدان ۱۰۴
نهوج ۴۱۷–۴۱۸
نیستانك ۱۲۲
نیستانه ۱۰۴
نیسیان‌برزاوندارددستان ۴۹۳

اعلام جایها — شماره صفحات

نیشابور ۲۰۷
نیم‌آورد ۳۹۹–۷۳۳–۷۳۴

(و)

وادی‌جبل ۵۶۲–۶۵۳
وادی‌السلام ۵۹۶
واذنان ۲۷۲
وانشان ۹۰۰
وذار ۲۷۰
وذنکاباذ ۲۷۱–۲۷۲
ورزق ۸
ورزق‌آباد ۳۰۱
ورزنه ۳۰۳–۵۵۲
ورگان ۲۷۲–۳۰۳
ورنوسفادران ۹۷–۷۲۷
وسفابادماربین ۴۷۳
وهانزاد ۱۵
ویدن ۱۳–۱۹۱

(ه)

هارونولایت ۳۹–۴۰–۴۰۰–۴۶۹–۵۰۸
۵۰۹–۷۱۲–۷۱۷
هارونیه ۳۹۷–۳۹۸–۵۰۹–۷۷۹
هرات ۴۳–۳۲۴–۶۰۹–۶۵۹–۷۳۱–۷۷۷
۷۷۸–۷۷۹–۷۸۰–۷۸۵
هراستان ۳
هرمزآباد ۴۹۰
هرند ۸
هزارجریب ۷۳–۱۷۴–۱۷۵–۱۷۸–۱۸۳–۳۵۰
هشت‌بهشت ۵۷–۶۴–۷۴–۲۱۲–۲۹۹–۳۳۴
۳۳۵–۴۵۰–۶۷۵
هفت‌دست ۷۹–۳۷۱–۶۷۵
هفت‌دست‌خاقانی ۸۱

اعلام جایها	صفحات
هفشویه	۲۷۴
همدان	۱-۲-۷۶۹
هند	۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۹۲-۳۰۲
	۳۵۲-۵۲۳-۵۸۵-۶۰۴
هندوستان	۹۳-۲۳۰-۲۴۶-۲۴۷-۲۵۰-۲۶۳
	۳۲۲-۳۶۷-۴۸۷-۵۰۹-۶۰۴-۶۰۹-۶۷۸
	۷۴۲-۸۰۸-۸۴۲-۸۷۹
هنام	۲۸۹-۳۰۰
(ی)	
یادم	۲۷۴
یرم	۲۷۴

اعلام جایها	شماره صفحات
یزد	۸-۱۷-۱۴۵-۱۴۸-۱۸۶-۲۲۷-۲۷۴
	۳۰۷-۳۹۳-۵۸۵-۶۱۸-۶۶۹-۶۷۰-۷۱۶
یمابرت	۲۷۶
یمافرت	۲۷۶
یواثان	۲۷۶
یوان	۵-۶-۱۴-۱۵-۱۶-۱۹۱-۲۰۳-۲۷۶
یونارت	۲۷۷
یهودیه	۵-۶-۹-۲۹-۵۰-۷۱-۱۱۶-۱۸۴
	۱۸۶-۱۸۹-۲۰۶-۲۲۵-۲۶۰-۲۶۶-۲۷۷
	۲۷۸-۳۰۱

فهرست اعلام طوایف و خانواده‌ها و کسان :

(آ)

اعلام	شماره صفحات
آق‌قوینلو	۴۴۰
آل‌بویه	۲۴۱
آل‌سفیان	۸۰۱
آل‌عبا	۶۲۱
آل‌عثمان	۳۵۱
آل‌کساء	۵۹۴
آل‌محمد	۴۵۵-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۳-۷۸۸
آل‌مصطفی	۷۷۶
آل‌مظفر	۳۹۷-۴۳۴-۵۳۱-۵۳۴-۵۶۱-۷۶۴
آخوند ملاصالح فریدنی	۲۳۰
« ملانصیرا	۲۷۳
« ملاعبدالکریم گزی	۸۱۱
« ملامحمدکاشانی	۴۷۷
آدم ابوالبشر	۴۵۸-۶۸۰-۶۸۱-۸۶۵
« بن‌ابی‌ایاس	۲۵۲
آذربیگدلی (شاعر)	۳۹۵
آذرشاپور	۳-۱۱
آذرمانان	۳-۱۱-۲۸۹
آغاباشی	۷۳
آغاسلطان	۴۲۵
آغامحمدخان‌قاجار	۲۲-۱۳۳
آقا جان‌فخار	۳۹۳
« « کاشی پز	۶۲۴-۶۴۹-۶۵۱-۷۱۲
	۷۴۹
آقاجمال	۸۴۷
« جمال‌خوانساری	۵۹۶-۸۴۶
« جمال‌الدین‌خوانساری	۴۴۲-۵۰۷
« حسین	۳۲۵
« حسین خوانساری	۳۸-۸۴۶
« حسین‌بن‌ملارفیع گیلانی لنبانی	۲۶۳
« ذوالفقارولدآقانصیر	۵۷۳
« رضاولداستادفخرالدین‌شوشتری	۵۱۸
« رضی	۸۶۱
« زمان‌بن‌آقاجمال‌میوه‌فروش	۷۸۸
« سلطان	۵۳۸-۵۳۹-۵۸۸
« شفیع اردستانی	۴۸۸
« عبدالحسین	۶۹
« عبدالمولی‌سیچانی	۲۳۶
« عطاءالله‌جدلی	۵۰۴
« کمال‌خازن	۲۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۳
« کمال‌الدین‌شریعتمدار	۷۶

آقا مبارك ۲۸
« محمدبن ابوطالب ۱۲۱
« محمدتلواسکانی ۱۹۸
« محمدحسن تاجرهمدانی ۷۶۹
« محمدحسین حاجی آقای ۷۹۵
« محمدخان قاجار ۷۲۸
« محمدعاشق ۲۴۸
« محمدرضا ۷۷۵
« محمدرضا فرمدی ۵۷۳
« محمدعلی کرمانشاهی ۸۱۲
« محمدعلی مذهب ۵۰۳
« محمدکاظم واله ۸۶۱
« محمدبن ملامحمدرفیع ۱۹۲ گیلانی بیدآبادی
آقامرتضی بن علینقی پاقلعه‌ای ۱۹۶
« مصطفی مدرس ۴۶۷
« میرزامحمدصادق امام جمعه ۵۲۹
« میرزامحمدعلی امام جمعه ۵۲۹
« میر ۱۳۹
« میرمحمدحسین بن حاجی میرزاحسن ۵۲۹
« میرمحمدمهدی امام جمعه ۵۲۹
« میرزا ۱۳۸-۱۳۹
« میرزامحمدباقر چهارسوقی ۵۱۱
« میرسیدمحمدسلطان العلماء ۵۲۹
« نظام ۴۸۸
« نور ۵۱۴
« هادی مترجم ۵۷۱
آمرتضی حاجی آقای ۷۹۵
آمنه ۵۷۱
آمیرزاآقاحاجی آقای ۷۹۵
آنا ۸۲۵
آنائی ۸۳۹
آ واك ۸۳۹
آ ودال مبس ۸۲۵
آ ودیك ۸۳۹-۸۴۰
اباالحسن ۶۷۲
اباذر ۵۵۶-۵۵۷
اباعبدالله ۴۸۰
اباعبدالله الحسین ۵۱-۵۱۲
ابان بن شهاب ۲۰۲
ابراهیم(ع) ۷۱۳-۷۵۷
ابراهیم ۴۱۱-۷۷۲
ابراهیم ۷۵۵-۷۵۸
ابراهیم ۷۶۲
ابراهیم بن احمدخطابی ۸۰۵
ابراهیم ادهم ۲۳۲
ابراهیم بن اشعث ۲۴۴
ابراهیم بن ایوب ۱۹۰
ابراهیم بطحا ۷۶۵-۷۶۶
ابراهیم بیك ۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵
ابراهیم بیك یوزباشی ۷۵۹
ابراهیم ثقفی ۲۵۸
ابراهیم بن حمزة ۱۸۷
ابراهیم بن حمیدطویل ۱۸۵
ابراهیم بن حیان بن حکیم فرسانی ۲۵۴
ابراهیم خان ۷۶۲
ابراهیم خلیل ۹-۵۶۳
ابراهیم بن سلام ۲۳
ابراهیم شیبانی وراق ابن قاسم یونسی ۱۸۷
ابراهیم طباطبا ۲۵۰
ابراهیم بن عبدالملك بن مروان ۲۳۵
ابراهیم بن علی جسری ۲۰۴
ابراهیم بن علی سرالوادی ۸۹۶
ابراهیم بن عیسی اصفهانی ۲۳۵

اعلام

شماره صفحات

ابراهیم‌غمر ۲۵۰–۷۵۲
ابراهیم‌بن متویه ۲۰۱
ابراهیم‌بن محمدبن الحسن ۲۰۱
ابراهیم‌بن محمدبن حمزةحافظ ۲۶۲
ابراهیم بن معمر ۲۴۴
ابراهیم‌بن منذرخرامی ۱۸۵
ابراهیم‌بن نائلهٔ ۲۷۴
ابراهیم‌بن نصر ۲۴۴
ابن‌ابی‌داود ۲۳۳
« ابی‌السری ۲۰۹
« ابی‌عمر ۲۷۱
« ابی‌فدیك ۸۰۴
ابن‌اسحاق ۷۴۳
« اسودمعمربن احمدعلویه کرانی ۲۵۸
« بالویة ۲۰۷
« تانه‌ابونصرمحمد بن عمرخرجانی ۲۱۶
« حنبل ۶۷۰–۶۸۰
« حوقل ۱۱۷
« رسته ۱۴
« زهیر ۲۱۷
« زیاد ۵۷۴
« سلیمان ۳۷۶
« سماك ۲۴۴
« سکن ۲۱۰
« الشیخ ۲۷۱
« صاعد ۱۸۵
« عباس ۲۳۵–۴۵۷–۶۶۷–۶۷۰–۶۸۲
« عسکر ۲۰۲
« عقدة ۲۵۹
« عمید ۱۸۸
« عینه ۲۳۵–۲۴۴
« غیلان‌محمود ۲۱۷
ابن الفقیه‌همدانی ۷
« ماکولا ۲۱۱
« محمدرضا محسن‌الامامی ۵۲۰–۶۱۳
« محمدمحسن‌علینقی‌الامامی ۵۴۸– ۷۴۸ ۷۵۲–۷۵۳–۷۵۹
ابن‌محمویه عسکری ۲۱۱
« مردویه حافظ‌احمد بن موسی ۲۵۶
« مسکویه ۱۲۶
« مظفربن‌شبیب ۱۸۷
« المغازلی ۵۴۷–۶۷۰–۶۷۲–۶۷۷
« ملاکرمعلی‌محمدرضا ۷۷۶
« منده ۱۸۷
« منیع ۲۱۰
« مهدی ۲۳۵–۲۴۴
« نمیر۸۰۶
« یمین ۲۴۹
« یوسف‌محمدسروشفادرانی ۸۲۹
ابنةملای کرانی ۲۵۹
ابواحمد ۲۳۳
ابواحمد بن عبدی حافظ ۲۵۴
ابواحمدمحمد بن احمد ۲۵۲
ابواحمدمحمد بن احمدعسال ۱۹۲
ابواحمدمحمدبن محمدبن‌مکی‌خرجانی۲۱۷
ابواسامة ۸۰۶
ابواسحاق ابراهیم‌جوزدانی ۲۰۹
ابواسحاق‌ابراهیم‌بن احمدبن فراش‌مکی ۲۱۷
ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم خشاب نمابرتی ۲۷۵–۲۷۶
ابواسحاق‌ابراهیم‌بن ایوب‌عنبری‌فرسانی ۲۵۴
ابواسحاق‌ابراهیم بن عاصم‌فرسانی ۲۵۴
ابواسحاق ابراهیم بن‌محمد بن حمزه اصفهانی ۲۵۹–۲۷۶

اعلام

شماره صفحات

ابواسحاق‌حمزه‌اصفهانی۲۷۶
ابواسحاق‌بن حمزه ۱۵۲
ابواسحاق‌سریجانی ۲۶۷-۲۷۲
ابواسحاق‌شیبانی ۲۳۵
ابواسماعیل محمدبن‌الحسین بن علی بن زکریا ۸۱۹
ابوالاسود ۲۱۷
ابوالبشر احمدبن‌محمدبن مروزی ۲۱۰
ابوبکر ۱۸۵-۴۱۸-۴۳۴-۴۳۶-۴۳۷
ابوبکر(ابن‌ابی‌قحافة)۵۶-۵۶۲-۷۸۷-۸۲۳-۸۵۱
ابوبکربن‌ابراهیم‌مقری ۲۰۹
ابوبکرابراهیم‌بن سفیان‌طهرانی ۲۴۳
ابوبکرابراهیم‌بن سلیمان‌طهرانی ۲۴۴
ابوبکربن ابی‌الدنیاابوالحسن ۲۶۲
ابوبکراحمدبن ابراهیم‌کرانی ۲۵۸
ابوبکراحمدبن حسین‌بزاردخرجانی ۲۱۶
ابوبکر احمد بن عبدالله‌بن سهیل جروأثانی ۲۰۰
ابوبکر احمد بن محمدبن ابان عبدی‌لنبانی ۲۶۲
ابوبکراحمدبن یحیی سنبلانی ۲۳۵
ابوبکرباطرقانی ۲۱۵
ابوبکرحیری ۲۰۷
ابوبکرخطیب‌بغدادی ۲۱۷-۲۶۷
ابوبکرذاکربن محمد ۱۴۲
ابوبکربن علی‌ذکوانی ۲۵۸
ابوبکرعمربن ابراهیم‌کرانی ۲۵۸
ابوبکرعمربن احمدجیرانی‌فرسانی ۲۱۰
ابوبکربن عیاش ۲۳۹
ابوبکرقباب اصفهانی ۲۱۱
ابوبکرقیاد ۲۶۷
ابوبکربن مالك‌قطیفی ۲۵۳
ابوبکرمحمدبن ابراهیم‌المدینی ۲۳۰
ابوبکرمحمد بن ابراهیم‌بن اسحاق فاذجانی ۲۵۳
ابوبکرمحمد بن ابراهیم‌بن عمرو وذنکاباذی ۲۷۱-۲۷۲
ابوبکرمحمدبن احمدبن حسنویه‌باغ‌سلمی ۱۸۹
ابوبکرمحمدبن احمدجوباری‌نیلی ۲۰۶
ابوبکرمحمدبن احمدبن طهرانی ۲۴۴
ابوبکرمحمدبن احمدبن معرةیوانی ۲۷۶
ابوبکرمحمدبن ادریس‌خرجانی ۲۱۶-۲۱۷
ابوبکرمحمدبن اسحاق‌فابزانی ۲۵۲
ابوبکرمحمدبن ثابت ۱۱۳
ابوبکرمحمدبن الحسن ۱۵۱
ابوبکرمحمدبن حسنویه ۷۱
ابوبکرمحمدبن خصیب‌جروأثانی ۲۰۰
ابوبکرمحمدبن عبدالرحمن‌جیرانی ۲۱۱
ابوبکرمحمدبن عبدالرحمن بن حسن‌باطرقانی ۱۸۶
ابوبکرمحمدبن عبدالله‌بن محمدبن مندةمقری کرانی ۲۵۸
ابوبکرمحمدبن عبدالواحدباطرقانی ۱۸۶
ابوبکرمحمدبن عبیدالله‌بن احمدانصاری‌طیرانی ۲۴۵
ابوبکرمحمدبن علی جوزدانی۲۰۹
ابوبکرمحمدبن علی‌صالحانی ۲۴۱
ابوبکرمحمدبن فرخان‌بن ابان ماربانی ۲۶۵
ابوبکرمحمودبن‌فرج‌بن‌عبدالله‌بن مدیروذنکاباذی ۲۷۱
ابوبکربن‌مردویه اصفهانی ۲۰۴-۲۰۷-۲۱۵-۲۱۶-۲۲۹-۲۴۱-۲۴۴-۲۴۵-۲۵۷-۲۷۵

شماره صفحات

ابوبکر بن‌مقری ۱۵۲–۲۷۶
ابوبکر بن مندة ۲۱۵
ابوبکر نمیری محمدبن ثابت درکوشکی ۲۳۰
ابوبکروراق ۲۳۲
ابوبکر بن‌الولاد ۲۷۵
ابوبکروعلی ۲۳۷
ابوبکر بن نعمان ۲۷۴
ابوترابنخشبی ۲۳۲
ابوتوبةالربیع ۲۵۲
ابوحجررازی ۲۶۹–۲۷۱
ابوجعفر ۶
ابوجعفراحمدبن عبدالله بن محمدبن الحکم الیوانی ۲۷۶
ابوجعفراحمدبن مالك‌واذنانی ۲۷۲
ابوجعفراحمدبن مجاهد ۱۸۵
ابوجعفرزیدبن بندار بن‌زیدنخانی ۲۶۹
ابوجعفرانسامی ۶۵۴
ابوجعفرمحمدبن‌ابراهیم خرجانی ۲۱۷
ابوجعفر محمدبن احمدبن‌عمرطهرانی ۲۴۴
ابوجعفرمحمدبن جعفرصابونی ۵۴
ابوجعفر محمدبن‌الحسین بن‌محمد بن‌الحسن بن‌یزید اصفهانی ۲۹۱
ابوجعفرمحمدبن‌علی جروائانی ۲۰۱
ابوجعفر محمدبن عمربن‌حفص ۱۵۲
ابوجعفر محمدبن الفرج یهودیه‌ای ۲۷۸
ابوجعفر محمدبن‌محمدبن‌صخرطهرانی ۲۴۴
ابوجعفر محمدبن یزید ضبی‌خرجانی ۲۱۷
ابوحاتم رازی ۲۷۱
ابوحاتم غانم بن عمرجروائانی ۲۰۱–۲۰۹ ۲۱۷
ابوحامد اشعری ۲۷۲
ابوحامد احمدبن‌حسین سمسار کرانی ۲۵۸
ابوحامدمفاخر احمدبن محمد خرجانی ۲۱۷
« علی‌بن‌احمدبن‌احمدخرجانی ۲۱۲–۲۱۷
« محمدبن الازمع ۲۰۱
« محمدبن الحسین‌بن علی‌السمسار کوچه ماجشونی ۲۸۴
ابوالحجاج یوسف‌بن ابراهیم فرسانی ۲۵۴
ابوحذیفة ۲۰۱-۲۸۳
ابوالحسن(ع) ۶۷۱
ابوالحسن احمدبن ابراهیم جوباری ۲۰۶
ابوالحسن احمدبن سعید ۲۵۸
« احمدبن محمدبن بحراذیب کرانی ۲۵۸
ابوالحسن احمدبن محمدعبدی ۲۵۴
« اصفهانی (کاتب) ۵۶۵–۵۹۰
« بیك ۴۱
« حامد ۵۱
« زین‌العابدین ۷۶۵
« ضرار بن احمدبن ضرار خرجانی ۲۱۷
« علی ۱۴۲
« علی‌بن حامدخرجانی ۲۱۷
« علی‌بن رستم‌بن مطیار طهرانی ۲۴۴
« علی‌بن سهل‌بن محمدازهراصفهانی ۸۱۱
« علی‌بن عمرفرسانی ۲۵۴
« علی‌بن محمدبن احمد انصاری قشیری ۲۵۹
ابوالحسن‌علی‌بن موسی‌الرضا (ع) ۵۸۴
« بن عیسی حسن‌آبادی ۲۱۵
« غالب‌بن فرقدخشینانی ۲۲۵
« محمدبن علی‌بن یحیی طبیب قناطری ۲۵۷
ابولحسین‌عبدالغفوربن عبدالله صالحانی ۲۴۱
ابولحسین بن فضل ۲۰۷

اعلام | شماره صفحات

ابوالحسین محمد بن علی بن یحیی قادری اصفهانی ۲۵۶
ابوالحسین نوری ۲۳۲
ابوحفص عمر بن شاهین ۲۰۹
« عمر بن محمد باطرقانی ۱۸۶
ابوخلیفة ۸۰۵
ابوخناس ۵۰-۷۳۶
ابوالخیر بن زرا فردوذانی ۲۱۱
ابوداود محمد بن الازمع ۲۰۱-۲۴۴
ابوالربیع ۲۰۵
ابوذر محمد بن ابراهیم صالحانی ۲۴۱
ابوزرعة ۲۱۷-۲۵۸
ابوزکریا بن مندة ۲۰۹
ابوزفرهذیل بن عبدالله جیرانی ۲۱۱
ابوزیداحمد ۲۴۲
ابوزیدتیجابادی ۱۹۹
ابوزیدعطاء خشك بن السائب بن ابی السائب ۲۳۱-۲۵۱
ابوزیدموسی ۲۶
ابوالسعادات اسعدبن عبدالقاهر ۴۹۰
ابوسعد عبدالکریم سمعانی ۵۷-۱۹۲-۲۰۴ ۲۰۷-۲۱۶-۲۴۲-۲۵۱
ابوسعید احمدبن محمدبغدادی ۲۴۴
ابوسعید اعین بن محمد مندویه ۲۰۱
ابوسعید امامی دربامامی ۲۲۷-۷۲۰-۷۲۱
ابوسعید جبیر بن هارون خرجانی ۲۱۷-۲۱۸
ابوشجاع ادریس بن عباس کرجی خشینانی ۲۲۵
ابوالشیخ حافظ ۲۱۵-۲۴۱-۲۶۷
ابوصالح عبدالله شهرستانی ۸۰۶
« عبیدالله جوزدانی ۲۰۹
« عقیل بن یحیی طهرانی ۲۴۴
ابوصالح محمد بن عبیدالله جلکی ۲۰۵
ابوطالب کلیم ۶۷۸
« بن سوادة ۲۷۴
ابوطاهر ۷۴۳
« بن جحمش ۲۰۷
« بن الحسین بن عالی بن احمد ۸۹۹
« الحسین بن غالی بن احمد ۸۷۰-۸۸۳ ۸۹۰
ابوطاهر عبدالکریم بن عبدالرزاق حسن آبادی ۲۱۵
ابوطاهر عمر بن ابراهیم فاخر سریجانی ۲۳۳
« محمد بن ابی نصر معروف به هاجرطرازی ۲۴۲-۲۶۷
ابوطاهر محمد بن عمر بن عبدالله کرانی ۲۵۸
« مخلص ۲۰۹
ابوالطیب عبدالجبار ۱۴۲
ابوعاصم ۸۰۵
« نبیل ۲۰۲-۲۴۴-۲۷۸
ابوعامر جرواثانی ۲۰۱
ابوالعباس احمدبن حسن بن ابراهیم مفتش ورگانی ۲۷۲
ابوالعباس احمدبن عبدالغفاربن اشته ۱۹۲
« احمدبن عبدالله بن اسحاق خلقانی قناطری ۲۵۶-۲۵۷
ابوالعباس احمدبن محمدجرواثانی ۲۰۱
« احمدبن محمدجیرانی ۲۱۱
« احمدبن محمدطهرانی ۲۴۴
« احمدبن محمدطیرانی ۲۴۵
« احمدبن محمودبن صبیح بن سهیل بن ابراهیم مدینی ثقفی وذنکاباذی ۲۷۱
ابوالعباس باطرقانی ۱۸۶
« زیادبن محمدخرجانی ۲۱۷

اعلام

ابوالعباس‌المفتی ۷۵۲-۷۵۷
ابوعبدالرحمن خالدبن ابی کریمة سنبلانی ۲۳۵
ابوعبدالرحمن عبدالله‌بن محمود بن الفرج وذنکاباذی ۲۷۱
ابوعبدالرحمن هارون‌بن سعیدراعی ۲۳۵
ابوعبدالله ۲۳۲
« احمدبن محمدبن ایوب‌صالحانی ۲۴۱
« مقری احمدبن‌محمدبن حسن‌بن بردملنجی ۲۶۶
ابوعبدالله‌احمدبن محمدویذآبادی،مؤدب ۱۹۲
« خرجانی ۲۰۷-۲۱۱
« جعفربن محمدالصادق (ع) ۷۰۲
« حسین‌بن محمد مؤدب جرواثانی ۲۰۱
« الحسین ۴۱۲
« شیخ محمدبن یوسف‌بنای ثقفی‌خاجوئی ۲۲۵
ابوعبدالله‌بن فنجویه ۲۰۶
« قاسم‌بن فضل‌جوبادی ۲۰۶
« محمدبن ابراهیم ۸۹۲
« محمدبن ابراهیم جیرانی ۲۱۱
« قرشی محمدبن ابراهیم ملنجی معروف بابن شاوال ۲۶۷
ابوعبدالله محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی ۲۱۷
ابوعبدالله محمدبن احمدبن اسباط‌جرواثانی ۲۰۱
ابوعبدالله محمدبن احمدبن رستم باطرقانی ۱۸۶
ابوعبدالله محمدبن اسحاق تاجر ۱۸۷
« محمدبن الحسن‌بن عبدالله‌بن مصعب‌بن سلیم‌یوانی ۲۷۶

شماره‌صفحات

ابوعبدالله محمدبن سعید ۷۱
« محمدبن سعیدقطان ۱۸۹
« محمدبن سلیمان جرواثانی ۲۰۱
« محمدبن‌العباس‌بن خالدبن یزیدبن‌ماهان یهودیه‌ای ۲۷۸
ابوعبدالله محمدبن عبیدة جرواثانی ۲۰۱
« محمدبن علی‌بن محمدبن‌احمدوذنکاباذی ۲۷۱
ابوعبدالله محمدبن فضل‌بن خطاب عنبری ماربانانی ۲۶۵
ابوعبدالله محمدبن محمدبن ابی‌القاسم مؤذن ملنجی ۲۶۷
ابوعبدالله محمدبن ممشاذبن خزیمة جوزدانی ۲۰۹
ابوعبدالله محمدبن نوح جرواثانی ۲۰۲
« محمدبن نوح شیبانی ۱۸۵
« محمدبن هارون جوزدانی ۲۰۹
« محمدبن یعقوب باب‌الدشتی ۱۸۴
« محمدبن یوسف ۱۵۲
« بن مندة ۲۰۷-۲۱۵-۲۴۴-۲۷۳
« نظیف‌فراء ۲۰۷
« یاقوت ۱۵۳
ابوعبیدة ۴۳۴-۴۳۶
« عبدالله‌بن محمدجهرمی ۲۴۵
ابوعثمان اسحاق‌بن ابراهیم ۲۵۲
« رازی ۲۷۱
« سعیدبن مهران طهرانی ۲۴۴
ابوعطاءبن ابی‌رباح ۲۴۰
ابوالعلاء بختیاربن بنیمان‌بن خرزاداصفهانی ۲۹۱
ابوالعلاء سلیمان بن عبدالرحیم حسن آبادی ۲۱۵-۳۲۶

ابوالعلاء محسن‌بن ابراهیم‌بن احمدواذاری ۲۷۰
ابوعلی احمدبن رستم ماربانی ۲۶۴
« احمدبن محمدبن عاصم‌کرانی ۲۵۸
« اسماعیل‌بن محمدبن اسماعیل‌صفار ۲۵۷
« حسن‌بن ابراهیم فابجانی ۲۵۲
« حسن‌بن علی‌سنبلانی ۲۳۵
« حسن‌بن عمربن یونس ۲۷۰
« حسن‌بن‌محمدبن حمزه‌هیسانی ۲۷۴
« بن رستم ۷–۲۴۴
« سینا شیخ الرئیس ۳۸–۲۶۰-۴۳۱
« بن شاذان ۲۱۶
« لغذة ۷۱–۲۵۸
« بن‌غانم ۲۷۶
ابوعمر طلحی ۲۷۱
« محمدبن احمدبن حسن‌بن محمدبن‌حمزه ضبی هیسانی ۲۷۴
ابوعمرو ۲۷۱
« بن حکیم ۲۰۴
« بن حکیم شهرستانی ۲۳۲
« سعیدبن بشربن حمادقرشی جرواثانی ۲۰۲
ابوعمرومؤدب یوسف باطرقانی ۱۸۷
« عامربن اسدسنبلانی ۲۳۵
« بن مندة ۲۲۶
ابوغالب یحیی‌بن ابوسعیدبن زکریا ۸۳۲
ابوغسان احمدبن‌محمدبن‌اسحاق خشینانی ۲۲۶
« رجاءبن صهیب جرواثانی ۲۰۲
« نهدی ۲۵۴
ابوالغنائم تاج‌الملك مرزبان‌بن خسرو فیروز شیرازی ۵۳۵
ابوالفتح بهرام میرزا حسینی ۵۹۰–۵۹۱
ابوالفتح سلطان‌احمدمیرزا ۷۳۳
« عبدالرزاق‌بن عبدالکریم حسن‌آبادی ۲۱۵
ابوالفتح قهرمان سرداراعظم ۳۳۶
« مطهربن احمدمفیدیبع میدانی ۲۶۸
« محمدی ۷۶۶
« محمدی سلطان ۷۷۰
« هلال حفار ۲۰۷
ابوالفتوح گلستانه ۵۰۶
« محمد ۷۲۰
« بن محمودبن خلف‌عجلی ۲۵۹
ابوالفرج ربضی ۲۰۷
ابوالفضل (عباس) ۷۲۲
« بن ابی‌الرجاء جنابی ۲۶۷
« اسماعیل‌بن محمد جربادقانی ۲۹۰
« باطرقانی ۲۷۳
« جعفربن محمد ۱۴۲
« العباس ۷۵۱
« عباس‌بن ولیدجلکی ۲۰۵
« محمدبن ابی‌بکراحمدبن ابی‌جعفرمحمد بن احمدلوبیاباذی ۲۶۴
ابوالفضل مقدس ۲۴۴–۲۶۸
ابوالفوارس ۱۸۸
ابوالقاسم ۱۴۳
« احمدبن محمدخلیلی ۲۷۷
« اسماعیل‌بن علی‌حمامی ۲۶۷
« سلیمان‌بن احمدطبرانی ۲۱۷
« شیرازی ۲۷۱
« طاهربن محمد ۱۵۲
« طبرانی ۲۶–۴۶۴
« عبدالله‌بن محمدبغوی ۲۱۷–۲۷۵
« علی‌بن محمد ۱۴۲

اعلام

شماره صفحات

ابوالقاسم کاشی‌ساز ۴۸۰
« محمدالمصطفی ۴۵۸
« معمری بیدآبادی ۲۵۴
« ناجیة‌بن‌سدوس طهرانی ۲۴۴
ابومحمد ۲۳۲
« اسماعیل ۷۵۱
« اعرج خیاط ویذآبادی ۱۹۲
« بذال‌بن سعدفرسانی ۲۵۴
« جابربن منصور ویذآبادی ۱۹۲
« جعفربن محمدبن جعفررفاعی کرانی ۲۵۹
ابومحمدبن جواة ۲۰۷
ابومحمدبن الجبرانی ۲۱۱
« حربن‌بن محمد ۲۰۶
« حیان ۲۳–۲۰۹-۲۱۱–۲۷۱
« دلیل‌بن ابراهیم سنبلانی ۲۳۵
« طیرانی ۲۴۵
ابومحمدبن عبدالعزیزبن محمدنخشبی ۱۸۷ ۲۱۵
ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق خرجانی ۲۱۷
ابومحمد عبدالله‌بن الصباح‌بزادکوچه گازرانی ۲۸۳
ابومحمدعبدالله‌بن ضریس‌باطرقانی ۱۸۷
ابومحمدعبداله بن محمدجوزدانی ۲۱۰
ابومحمدعبداله‌بن محمد فابجانی ۲۵۲
ابومحمدعبدالله‌بن محمد بن جعدفرسانی ۲۵۴
ابومحمدعیسی‌بن ایوب ۷۱–۱۹۰
« قاسم ۱۵۲
« قاسم‌بن زیدمؤدب ۱۸۵
« قاسم‌بن فورك‌بن سلیمان کنبرکی ۲۶۰
« قرمطی ۱۱۵
ابومسعود ۲۷–۲۸–۱۴۰–۲۳۵–۸۰۶
« رازی ۱۸۷–۲۵۳-۲۵۴-۲۶۵-۲۷۱
ابومسعودعبدالجلیل‌بن‌محمدکوتاه‌جوباری ۲۰۷
« سلیمان‌بن ابراهیم‌بن سلیمان‌ملنجی ۲۶۷
« یزیدبن خالدانصاری ۱۸۵
ابومسلم جروائانی ۱۹۹–۲۰۲
« خراسانی ۲۱۰
« طاهربن محمد جوزدانی ۲۱۰
« عبدالرحمن‌بن محمددشتی ۲۲۹
« نوح‌بن منصور ۷۱-۱۱۲-۱۸۹
ابوالمطهر عبدالمنعم‌بن‌ابی‌نقل‌سامکانی‌جوباری ۲۰۷
ابوالمظفر حسن‌آبادی ۲۱۵
« رستم بهادرخان ۱۳۷–۱۳۸
ابوالمعالی النقیب‌الحسینی ۵۵۱- ۵۸۹
ابومعشربلخی ۱۴
ابومنصور ابراهیم‌بن ابجه منجانی ۳۶۷
ابومنصوربن بزرگ‌امیدبن‌آذرجشنس اصفهانی ۲۵۷
ابومنصوربکرویه ۲۱۸
« ثعالبی ۲۶
« شجاع ۲۴۲
« محمودبن عبدالمنعم جوباری ۲۰۷
« معمربن احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی لنبانی ۲۶۲
ابوموسی حافظ ۲۶۸–۲۷۴
« عقیلی ۲۲–۲۵۱
« فابجانی ۲۵۲
ابوالمهلب ۲۵۶–۲۵۷
ابونصرابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم ۸۹۵
ابونصربن ابوحفص ۱۴۲
ابوالنصراحمدبن محمدخوزی ۲۲۶
ابونصراحمدبن محمدغازی ۲۱۶
ابونصراحمدبن عمرمغازلی ۲۴۴

ابو نصر تاج الملك ۳۷
« تیجابادی ۱۹۹
ابوالنصر حسن بهادد ۵۸۵-۸۲۵
ابو نصر حسن بن محمد بن ابراهیم بن احمد بن علی بن حیویه المقری الیونارتی ۲۷۷
ابو نصر صالحانی ۲۴۱
« طرازی ۲۴۲
« عبدالواحد بن عبدالرحمن مذکر آبنوسی کرانی ۲۵۹
ابو نصر محمود بن عمر بن ابراهیم طهرانی ۲۴۴
ابو نعیم اصفهانی ۱۶-۲۲-۲۴-۲۶-۲۷-۱۲۴ ۱۴۰-۱۵۱-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۲۰۱-۲۰۲ ۲۲۵-۲۲۶-۳۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۵-۲۳۶ ۲۴۴-۲۴۵-۲۵۵-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۲ ۲۶۵-۲۶۶-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۳-۲۷۶-۲۷۸ ۲۸۹-۳۰۰-۶۷۶-۷۴۲-۷۴۳-۸۰۵-۸۱۱ ۸۱۳
ابوالولید ۱۸۵-۲۰۱-۲۰۵-۲۵۴
ابوهانی ۲۵۴
« عمر بن بشر ۲۷۸
ابو یعقوب اسحاق بن اسماعیل جلکی ۲۰۵
« اسحاق بن اسماعیل سکین فلفلانی ۲۵۵
« اسحاق بن یوسف ۲۷۸
ابی بصیر ۴۶۳
ابی بکر صدیق ۵۶۴
ابی جعفر ۴۵۴-۷۰۶-۷۰۷
« محمد بن علی الباقر ۴۶۰-۴۶۱-۵۴۳ ۶۰۸
ابی الحسن علی بن محمد التقی ۴۶۱
« علی بن موسی الرضا ۴۶۱
ابی الدرداء مروزی ۲۳۶
ابی ذرالغفاری ۶۷۷
ابی طالب ۶۸۱
ابی عبدالله ۴۵۵-۴۶۳-۶۷۵-۷۰۵
ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق ۲۶۶-۵۲۲ ۶۸۰
ابی عبدالله الحسین ۴۶۰-۵۴۳-۷۲۹
« الفتح احمد بن محمد خازن اصفهانی ۵۲۴-۵۸۷
ابی القاسم محمد ۶۸۵
« المهدی ۷۲۳
ابی محمد الحسن ۴۶۰
ابی محمد الحسن بن علی العسکری ۴۶۲
ابی محمد علی بن الحسین ۴۶۰
ابی هریرة ۶۷۷
اتابك شیرگیر ۴۹
احسان الله هاشمی ۸۷۵
احسنی ۳۵۸
احمد (نبی) ۴۴۵-۵۰۵-۸۰۳
احمد ۲۳۲
« (صاحب مسند) ۲۵۷-۶۷۷
احمد بن ابراهیم اصفهانی ۲۱۱
احمد بن ابراهیم باب کوشکی ۱۸۵
« بن ابراهیم بن عبدالله مؤدب هفشوری ۲۷۳
« بن اسحاق ۲۰۲-۲۵۲
« بن ابوعبدالله محمد ۱۸۴
« بن بدیل ۲۰۱
« بن تاجیکة ماربانانی ۲۶۵
« بن جعفر بن سلم فرسانی ۲۵۴
احمد جگر بخون ۲۵۹
احمد بن الحسن بن عبدالجبار ۲۰۹
« بن حسین انصار ۲۰۲
احمد الحسینی ۷۴۷-۷۴۸
احمد بن حنبل ۲۶۲

اعلام

شماره صفحات

احمد رئیس ۲۵۰
احمدبن‌سعیدبن جریر ۲۷۱
« بن‌سلامة‌نجفی ۴۹۳
« بن‌سلمان‌نجار ۱۵۲-۲۳۳
« بن‌سیاه ۵۶-۹۶-۲۲۹
« بن‌شبریس‌معدل ۱۸۶
« بن‌صالح سمومی ۲۷۲
« بن‌عبدالرحمن ۲۳
« بن‌عبدة ۲۷۱
« بن‌عبدالعزیز ۲۵۸
« بن‌عبدالله ۲۶
« بن‌عبدالله نهردیری ۲۳۰
« بن‌عصام ۲۰۵-۲۳۶
« بن‌علی‌بن محمدالباقر ۷۴۳
« بن‌علی‌بن سیدمحمدبن محمدالباقر ۷۴۳
« بن‌عمروبن ابی‌عاصم ۲۳۲
« بن‌عیسی‌بن زیدبن‌علی بن‌الحسین‌بن‌علی ۶۶۹-۷۴۲
احمدبن فرات خالدضبی‌رازی ابومسعود ۸۰۵
« بن‌فضل‌بن محمدباطرقانی ۱۸۷
« بن‌القاسم ۵۹
« بن‌محمد ۲۳-۱۴۲
« بن‌محمدبن نصیراصفهانی ۲۶۹
« بن‌مسرور ۷
« بن‌معاویة ۲۴۴
« بن‌موسی‌انصاری ۲۵۷
« بن‌موسی ۲۱۱
« بن‌موسی‌بن مردویه ۲۰۵-۲۴۴
« بن‌مهران ۲۳-۲۴
« بن‌یحیی جروأثانی ۲۰۲
« بن‌یوسف ۲۷-۲۸
« بن‌یوسف‌بنا ۲۳۲
احمدبن یونس ۲۱۷
« بن‌یونس ضبی ۲۰۵
اخت ملارحیم ۲۵۹
ادیب (شاعر) ۶۳۶-۶۳۹
« مجلسی (کاتب) ۶۶۷
ارازده ۲
اردشیربابکان ۲۹۷
« درازدست ۱۲
ارتابد ۸۳۷
ارسطو ۶۷۹
ارمنی ۸۳۷
ازبکها ۳۸۹
ازهری ۴۵۰
استادآقاجونی ۶۲۱
« ابراهیم‌بن استاد اسماعیل بناءاصفهانی ۵۴۰-۵۸۹
استادابراهیم ولداستاد رضا بناء ۷۴۹
« احمد ۸۲۴
« امین‌بن‌استاداسماعیل سرنج‌پز ۵۸۹
« جلال‌الدین‌همائی (دانشمند) ۱۹۷
۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۵۰۸-۶۳۰-۶۳۹-۷۴۰-۸۰۹
استادحسن‌بن‌استادعلی ۶۵۰
« حسین‌بن استاداسماعیل سرشکی‌نطنزی ۹۱۳
استادحسین‌بن استادشاه‌میرزا اصفهانی ۵۱۸
« حسین خراسانی ۹۱۴
« حسین ولدرضا ۷۳۹
« حسین‌کارخانه‌دار ۷۳۵
« حیدرعلی ۸۷۶
« حیدرعلی المعمارالاردستانی ۸۷۳
« رجبعلی ۳۵۷

استاد رمضان طلاکوب اصفهانی ۸۰۱
« سعدالدین هروی (شاعر) ۲۹۰
« شمس‌الدین کاشی‌تراش ۵۳۹
« صادق نقاش ۳۵۷-۳۵۸
« صدرالدین نجار نطنزی ۵۸۸
« فخرالدین شوشتری ۵۸۹
« قاسم‌بن علی .. بقال ۷۸۰
« کلبعلی سنگ‌تراش ۷۲۷
« عبدالرزاق (کاشی ساز) ۵۱۰-۵۱۱
۶۸۲
استادعلی‌اکبراصفهانی (معمار) ۶۶۶
« علیرضا خاصه‌تراش ۶۱۵-۶۱۷-۶۸۹
« علی‌مقصی (کاشی کار) ۷۳۵
« محمدحسین‌بن استاد محمدرضا حجار
۵۰۱
استاد محمدشفیع خیاط ۶۴۴
« محمدبن محمدعلی‌بن محبعلی ۵۷۵
« محمدبن محمدغدیر آجرتراش ۷۶۲
« محمود(نجار) ۶۵۷
« محمودبن صدرالدین نجار ۵۷۷
« محمودغازی اصفهانی ۸۸۳
« یدالله (ضریح‌ساز) ۸۰۱
اسحاق (ع) ۷۱۳
اسحاق‌بن ابراهیم۱۵۲
« اسحاق‌بن جراح ۲۳
« بن‌سلیمان رازی۲۵۵
« صاحب کتاب‌حاوی ۲۵۰
« فابجانی ۲۵۲
« بن‌یوسف خوجانی ۲۱۷-۲۳۲
اسدالله ۱۳۱-۱۳۸
« (علی) ۷۹۶
« حسینی‌قرشی ۳۹۳
اسدالله‌الحسینی ۹۱۴
« دبیر ۶۲۱-۶۲۳-۶۲۴
« رجالی (خطاط) ۶۵۱- ۶۵۴-۶۵۵
۶۵۷-۷۱۹
اسرائیل ۸۶۵
اسعدبن ابی الفضایل محمودبن‌خلف‌عجلی
اصفهانی ۲۱۰
اسفهسالار ابی‌الفتح‌بن محمدبن عبدالواحد
نهوجی ۴۱۷-۴۱۸
اسفندیاربیك ۲۸
اسکندر ۳-۱۲۳
« ابراهیم آبادی ۹۱۳
اسماعیل ۱۴۴
« (ع) ۵۶۳-۷۱۳-۷۱۵-۷۵۷
« (امامزاده) ۷۵۳-۷۷۲
اسماعیل‌بن ابراهیم طباطبا ۷۵۲
اسماعیل‌بن‌ابی اویس ۲۰۵
اسماعیل‌بجلی ۲۶۹
اسماعیل‌بن بکیر ۱۰۵
اسماعیل‌ثانی ۶۵۹
اسماعیل‌بن‌حسن‌بن‌زیدبن‌حسن‌بن‌علی۷۵۱۷۵۰
اسماعیل دیباج ۲۵۰-۷۵۲
اسماعیل‌بن راشد ۲۷۱
اسماعیل شروطی ۲۰۳
اسماعیل‌بن‌محمدبن فضل ۲۱۶
« بن‌نوبة ۲۷۱
« بن‌یزید ۲۲۵
« بن‌یزید قطان ۲۲۴
اسودبن رزین ۲۵۴
اشرف افغان ۳۸۰-۵۳۴ -۵۶۴-۵۸۹
اشکانیان ۳۵۳
اصبغ‌بن زید ۲۳۵

اعلام

شماره صفحات

اصبهان‌بن فلوج ۹
اصرم‌بن حوشب ۲۰۵
اصطخری ۱۵
اصلان بیك سلطان ارشلو ۵۷۸
اصمعی ۱۰۵-۲۲۶
اعتمادالسلطنه ۷۱۵
اعمش ثودی ۱۵۲
افاغنه ۵۶۴
افتخاراعظم مسعود ۷۴۹
« الدوله ۸۵۵
افراسیاب ۳
افضل‌الدین ترکه ۲۳۷
افغان ۶۴۷
افلاطون ۶۷۹
افندی میرزا عبدالله جبرانی ۲۱۱
افهم (شاعر) ۴۴۸-۴۴۹-۵۵۰-۵۸۹
اکبرشاهزاده‌هندی ۳۵۲
الب‌ارسلان ۷۵۲
الحساب ۲۷۶
الکساندروارتابد ۸۳۹
اللهوردی‌خان ۳۱۷-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷
ام ابراهیم فاطمه جوزدانی ۲۱۰
ام الرضا بنت‌محمدبن‌علی حبال‌ورگانی ۲۷۳
ام عمروسعیدة ۱۴۲
ام لبابة ۷۵۱-۷۵۲
امام جعفرصادق ۷۴۳-۷۶۵
« حسن‌عسکری ۳۵۱
« حسن‌مجتبی ۲۵۰-۷۲۳
« حسین ۷۲۸
« رضا ۷۷۴-۷۷۵-۷۷۸
« زین‌العایدین ۷۷۵
« سکوتی ۱۱۸
امام عمر ۱۸۷
« قلیخان ۸۹۹
« محمدباقر ۷۶۴-۷۶۵-۷۴۳
« محمود شفروه ۴۸-۴۹
امامزاده احمدبن علی‌بن باقر حسینی ۱۸۷
۲۲۲
امامزاده اسماعیل ۴۰۵
« باقر ۷۶۶
« جعفر ۷۶۵
« حسن ۷۵۱
« زین‌العابدین ۲۲۷
امامی (شاعر) ۹۱۲
امیرآقا ۸۳۹
امیر اسماعیل‌خان ۱۳۳
« اشرف ۶۹
« اصلان بن رستم سلطانقلی افشار ارشلو
۵۷۷-۵۸۸
امیراویس ۱۳۰
« تیمور ۸۵-۱۵۵-۲۴۹
« جلال الدوله ۱۳۰
« جملة الملك اردستانی ۸۷۹
« حسن ۸۵۴
« حسن بیك آق‌قوینلو ۱۱۳-۳۱۵-۳۱۶
« حسن‌بن سیدروح‌الله ۲۲
« خسروشاه ۴۲۴
« سونج ۸۲۳
« الشعراء رضاقلیخان هدایت ۳۱۴
« شمس‌الدوله ۱۳۰-۱۳۲
« شمس‌الدین‌محمد ۱۳۲
« شمشیرخان ۱۳۳
« صحبتی تفریشی ۴۹۶
« عبدالغفار ۲۵۰

امیر عبدالوهاب بن امیر عبدالغفار ۲۵۰
« قطب‌الدین علی باب‌الدشتی ۱۸۴-۷۲۰
۷۲۱
امیر لوحی سبزواری ۲۶-۲۷
« مبارزالدین محمد ۱۲۲
« محمدقاسم کوپائی ۴۹۵
« المؤمنین علی ۵۰-۱۳۲-۱۳۷-۲۳۲
۲۵۰-۲۵۸-۸۰۵
امیرمحمدمهدی حکیم‌الملك اردستانی-۴۸۳
۴۸۷-۵۰۴-۸۷۰-۸۷۹
امین‌الرعایامحمد رحیم‌خان ۶۲۱
« الشریعة ۶۸
الناس ۲۰۱
انجم (شاعر) ۸۵۵
انس ۶۷۱
انوری ۲۴۹
انوشیروان دادگر ۱۵-۱۶-۱۸-۱۳۳
اورنگ زیب ۴۸۷-۸۷۹
اوزبکان ۶۵۹
اوزون حسن‌آق قوینلو ۲۳ - ۵۳۱-۵۴۰
۵۴۱
اولجایتو ۸۵۰
اولوخاتون ۸۴۵
اولئاریوس ۱۵۶
اوهان ۸۳۹
ایرانیان ۷۵۳
ایلیائی کاشی‌پز ۶۸۶
ایوب‌بن زیاد ۶-۱۸۶
(ب)
باباحیدر ۹۸
بابارضی ۹۸
بابارکن الدین ۱۲۶-۱۳۸
بابارکن‌الدین مسعودبن‌عبدالله بیضاوی‌فارسی
۸۴۱-۸۴۷-۸۴۸
باباسلطان قلندر ۹۸
« صفی ۹۸
« عبدالله شمس‌الدین‌عبدالله ۹۰۹
« قاسم ۴۳۹-۷۸۵-۷۸۸
« محمدعلی ۳۰۰
بارون گریگور ۸۴۰
« هاکوپ‌جان ۸۳۹
باطرقانی ۱۸۷
باطنیه (فرقه) ۵۳۶
باقر ۴۷۰
باقر (ع) ۵۴۹-۶۸۰-۷۰۸-۷۷۶
« (حجةالاسلام) ۶۵۴-۷۹۵-۸۰۰
« بناء ۷۰۸
« ثانی ۵۹۴
« خان خراسگانی ۶۱۲
« محمد (ع) ۵۷۴-۶۳۳
« محمدبن علی ۱۳۰
بانوعظمی ۵۷-۶۴-۶۵-۳۳۴-۳۳۵
بتول ۱۳۰-۵۴۹-۷۶۱
البتول ۷۰۸
بحرالعلوم ۱۹۲-۶۰۹
بخاری ۵۵۵
بخت‌النصر ۵
بدری ۸۳۳
بدیع (شاعر) ۴۴۷
« خان شیرازی ۱۹۶
« الملك ۳۳۵
براءبن عازب ۶۷۷
برزاده ۸۳۹
برکةبن محمدحلبی ۲۳

برکیارق بن ملکشاه ۸۲۷
بشر بن هلال ۲۷۱
بکر بن بکار ۲۰۲–۲۱۱–۲۶۳–۲۸۳
بلال ۹۹–۶۷۱–۶۷۴
بن آذر ۶۲۰
بنان الملك ۶۹
بندار ۲۲
بنی اسرائیل ۴۸۵–۵۵۷
بنی عباس ۵۶۱
بوبکر ۴۲۲
بوتراب (ع) ۱۹۶–۴۶۹
بوالحسن (ع) ۱۹۶–۶۵۸
بوذر ۶۲۷–۶۲۹–۶۵۷–۷۴۰
بونیات ۸۴۰
بهاء (شاعر) ۶۲
بهادری (خطاط) ۶۸۶
بهادرخان ۵۲–۴۴۲
بهارمحمدعلی بن ابی‌طالب‌مذهب ۵۰۳
بهاءالدین فاضل‌هندی ۳۰۴
بهاءالدین محمدنائینی ۲۲۸
بهرام‌گور ۱۵
بهرام بیك‌یاتی ۲۴۶
بهرام میرزا ۵۹۱–۵۹۲
بهزاد ۴۵۰–۷۲۲
بهمن بن اسفندیار ۱۲–۱۱۷
بیکاله ۶۶۶
بیك‌وردی ۳۲۲

(پ)

پاداسی ۸۳۹
پاقلعه‌ایها ۸۵۲
پالاف ۸۴۵
پرتو (شاعر) ۲۰۸-۵۰۴–۷۱۲
پروفسور پوپ ۱۴۱-۳۵۷-۴۲۱-۵۳۴-۶۹۲
۸۶۳-۹۰۶
پریخان خانم ۲۹
پهلوی ۲۸۷–۲۸۸–۳۸۰–۵۰۵–۸۷۰
پیتردولاواله ایطالیائی ۱۶۳
پیرجمالی اردستانی ۱۳۲ - ۱۵۰
پیرسلیمان هفشوئی ۲۷۳
پیرمرتضی‌علی اردستانی ۱۳۲-۱۳۳ -۸۸۷

(ت)

تاثیر تبریزی ۸۴۷
تاجامیرزا حسن بن میرزا بیك بن خواجه نعمت‌الله
مالمیری اصفهانی واهب تخلص ۶۶۹
تاج‌الدین (خطاط) ۵۳۷–۵۸۵
تاج‌الدین‌حسن فلاورجانی ۳۰۴
تاج‌الدوله‌علی‌رشید خراسانی ۷۵۶
تاج‌الدین معلم‌اصفهانی ۵۴۱–۵۸۸
تاج‌الملك ابونصر ۳۷–۵۳۳
تئودرمیرانویچ ۸۲۶
تامار ۸۳۹
تاورنیه فرانسوی ۱۶۲–۱۷۱-۱۷۳–۱۹۴
۳۰۸-۳۳۱–۳۲۲-۳۲۳
ترمذی ۵۵۵–۵۵۹
تقرب‌خان ۱۵۹-۶۰۴-۶۰۶
تقی ۷۹۹
التقی ۷۰۸
تقی‌محمد (ع) ۱۳۱-۵۴۹ - ۵۷۴
تیمورلنگ ۱۰۲-۳۸۶ -۳۸۷
تیموریان ۳۶۹

(ث)

ثعالبی ۲۲۶
ثقةالاسلام مسجدشاهی حاج‌شیخ محمد علی
اصفهانی ۲۲۵–۴۷۰
ثوری ۲۳۵–۲۴۵

(ج)
جابر ۴۶۰-۶۷۳-۷۰۶-۷۰۸
جابری ۴۸۲
جابری انصاری‌حاج‌میرزا حسخان ۳۸-۱۸۳
۱۹۵-۲۸۷-۳۲۴-۳۲۵-۳۶۸-۲۹۹-۵۰۲-
۵۰۹-۵۲۵-۵۷۰
جابریان ۶۵۹
جابربن عبدالله‌انصاری ۵۱۷-۶۷۱-۶۸۱
جابربن یزیدجعفی ۵۱۷
جاماسپ ۸۳۹
جاوید ۹۹
جبر ۱۵۲-۲۴۴
جبرئیل ۵۰۰-۷۰۷-۷۷۹-۸۳۹
جبریل ۷۰۶
جبریل‌امین ۶۵۶-۶۷۴-۶۸۲
جبریل‌الامین ۷۱۹
جعفر(صادق) ۶۵۶-۶۵۷-۷۷۶-۸۲۶
جعفر ۶۵۴
جعفر ۷۵۳
جعفربن ابوسنان ملنجی ۲۶۷
جعفرامامی ۵۷۵
جعفرباقر ۷۷۶
جعفرثانی ۶۵۰
جعفربن‌حسن‌بن‌حسین‌بن‌محمدبن‌علی‌بن‌الحسین
۷۶۴
جعفرخالدی ۲۳۳
جعفرالصادق ۵۶۷-۶۳۳
جعفربن عبدالله (خطاط) ۴۸۶-۲۸۷-۷۲۵
جعفرعلی‌الامامی (خطاط) ۷۲۹
جعفرقلی‌چرمهینی ۸۲۳
جعفربن‌محمد ۵۱۷-۵۵۸-۵۵۹-۶۲۰-۶۴۲
جعفربن محمدالباقر ۷۷۶

جعفربن‌مروان ۷۴۳
جعفربن ناجیة شمیکانی ۲۲۰
جلاءالسلطنه ۳۳۵
جلال‌الدولة ۱۳۲
جلال‌الدین صفر شاه ۷۶۶
جلال‌الدین قوام‌الدین ۷۴۴
جلال‌الدین محمد طبیب ۱۸۲ - ۲۳۲
جلال‌منجم ۳۲۶
جلال‌میرصفرشاه ۷۷۰
جلال‌همائی (استاددانشگاه) ۶۸۶
جم ۲-۴۵۰
جمال (خادم‌شیخ‌محمدبناء) ۵۴۰-۵۴۱-۵۸۸
جمال ۲۳
جمال‌الدین حسین‌بن‌المرحوم عمربن عفیف
۹۰۷
جمال‌الدین‌بن خاجه‌صفی‌الدین محمد۷۹۲
جمال‌الدین عبدالرزاق ۲۰۷-۲۲۶
جمال‌الدین‌محمد ۸۷
جمال‌الدین محمدقاسم‌جیرانی ۲۱۱
جمل شل ۲۰۵
حمال‌کله ۲۰۵
جملةالملك ۸۷۸
جناب حاج میرسیدعلی بن میرمحمد باقربن
میرمحمدحسین‌اصفهانی ۷۰۱
جنیادین ۸۳۹
جنیدبن‌محمد ۸۱۱
جوادصهبا ۷۴۹
جوهری‌واعظ اصفهانی ۲۹۱
جهانشاه ۷۶۶-۷۷۰
جهانگیرخان دهاقانی ۴۷۷
جی‌بن زرادة ۲

(ج)

شماره صفحات

چراغعلی‌خان حاکم‌اصفهان ۱۸۸-۶۹۳

(ح)

حاتم (طائی) ۷۸۱
حاتم اصم ۲۳۲
حاتم‌بن عبیدالله ۲۱۱
حاج‌آقاکافور ۲۹- ۳۰
حاج‌آقانورالله ۳۸۵
« ابرهیم آقاسعیدالملك ۷۵-۷۶-۷۸
« ابوالقاسم ۶۲۴
« ابوالقاسم تبریزی ۱۲۵
« اسماعیل خان تبریزی ۲۴۷
« اسماعیل‌گچبر ۳۵۸
« الماس ۴۶
حاجب دکین ۲۵۸
حاج بکتاش ولی ۹۲
« سیدابوالقاسم دهکردی ۱۸۵
« سیداسدالله حجةالاسلام ثانی ۱۹۲ - ۱۹۳ -۶۴۶- ۷۹۸
حاج‌سیدمحمدباقر ۲۴
« سید محمدباقررشتی ۱۲۴-۱۹۲-۲۳۸ ۵۹۵
الحاج‌سیدمحمدباقر الموسوی الرشتی ۷۹۳
حاج‌سیدمحمدباقر معروف به‌حاج‌آقاابن‌حاج سیداسدالله ۱۹۳
حاج‌سیدمحمدرضا خراسانی ۴۷۸ -۴۸۲
« سیدمحمد رضا شفتی ۷۹۲
« سیدحسین‌شهشهانی ۲۳۸
« سیدمحمد غراب ۱۳۶
« شیخ‌محمدباقربن محمد تقی مسجدشاهی ۷۴۱
حاج‌عبدالمطلب‌بن‌محمدحسن‌عباس‌آبادی ۲۴۷
حاج علیقلی خان بختیاری ۸۶۰
حاج‌فتح‌الله آقاعبدالرضالرشیروانی ۵۱۰ ۵۱۲-۵۱۳
حاج‌فتح‌الله جوزدانی ۲۱۰-۲۱۵
« محمدابراهیم کلباسی ۴۳-۲۲۴-۶۰۹
« محمدابراهیم ملك‌التجار ۴۱۰-۴۱۱ ۷۴۰
حاج محمدبیك یوزباشی ۷۵۹
« محمدحسین‌خان بن میرزاعلیخان صدری ۴۷۸
حاج محمد حسین‌خان صدراعظم اصفهانی ۴۳۳-۴۴۰-۴۷۶-۴۹۷-۵۶۵ -۵۶۶-۵۹۰ ۷۸۳
حاج‌محمدحسین کازرونی ۶۵
« محمدرشید ۴۸۸-۴۸۹
« محمدصادق جوزدانی ۲۱۰
« محمدطلائی تفنگ‌ساز ۶۲۴
« محمدکاظم‌بن حاج‌محمدمهدی‌قاری ۵۰۱
« محمدمؤمن الکاظمی ۵۷۳- ۵۸۹
« مشیرالملك ۷۰
« مصورالملکی ۳۵۷-۳۵۸
« ملااسماعیل بن محمدجعفر حکیم باب کوشکی ۱۸۵
حاج‌ملاحسن‌دری ۵۰۷
« ملاعلی‌بن میرزا خلیل طبیب ۱۹۳
« میرزا اسدالله ۶۱۷
« میرزا اسدالله پاقلعه‌ای ۱۹۵
« میرزا اسدالله بن میرزاهادی شهشهانی ۲۳۸
حاج‌میرزا بدیع درب‌امامی ۲۲۵
« میرزا بدیع‌هرندی ۵۰۷-۷۳۳
« میرزابهاء ۱۹۳-۴۹۹
« میرزاحبیب‌الله نیر ۷۹۳

حاج‌میرزاحسن‌خان جابری انصاری ۳۳۴ ۳۷۹-۳۸۴
حاج‌میرزا حسینخان بنکدار ۷۴
« میرزاحسین‌خان ولدمیرزانصرالله‌خان ۷۷
« میرزا خان‌بیك عباس آبادی ۲۴۹
« میرزا رضاکلباسی ۱۹۴
« میرزا زین‌العابدین بن سیدابوالقاسم خوانساری ۲۱۳
حاج‌میرزا عبدالحسین سیدالعراقین ۱۹۵
« میرزاعلی اصغر مستوفی ۲۵۰
« میرزاعلی‌بن محمد اسماعیل پوده‌ای خاجوئی ۳۲۳
الحاج میرزافتح‌الله ۶۵۳
حاج‌میرزا محمد ۴۹۶-۴۹۸
« میرزا محمدباقر حکیمباشی ۲۲۳
« میرزا مهدی ۲۲
« میرزامهدی بن‌ملامحمدصالح جوباری ۲۰۷
حاج‌میرزایحیی مدرس بیدآبادی ۱۹۳
« میرمحمد صادق مدرس خاتون آبادی ۲۴۱
حاجی آباده‌ای ۵۹۶
« آقائی ۷۹۳
« آقاجانی ۷۲۸
« آقاحسام‌الدین دولت آبادی ۲۳-۶۴۲ ۵۰۷
حاجی آقاحسن ۷۲۸
« آقامحمدحاکم اصفهان ۸۵
« آقانورالله نوراصفهانی ۶۳۸
« ابوالحسن‌اردکانی ۴۵۱-۶۷۴
« ابوطالب ۱۳۴
« ابوالقاسم تبریزی ۶۰۵
حاجی‌اسدالله ۷۹۹
« اعطاءالله ۵۹۶
« امامقلی ۵۷۳
« جعفر ۷۸۴
« حسن ۴۶۹
« حسن ۴۸۸
« حسین اردستانی ۴۸۸
« حسین حجار ۵۱۰-۵۱۱
« حسین خان (صدراصفهانی) ۷۸۲
« سیدجعفرشبره‌پز ۷۳۶
« سیدجواد ۵۹۳
« سید محمد باقر شفتی بیدآبادی ۷۹۲ ۷۹۸
حاجی‌سیدنصرالله هاشمی اردستانی ۸۷۵
« شفیع‌زواره‌ای ۴۸۸
« صفی‌قلی ۶۰۲-۶۰۳
« عبدالرسول ۷۳۳
« علیقلی‌آقا ۷۱۷-۷۱۸
« غلامعلی ۸۰۱
« غیاث‌الدین محمد ۵۹۹
« قاسم (سرکار) ۵۵۰
« کاظم‌قاری ۸۰
« محمدابراهیم‌بن میرزامحمدبیك شیروانی ۴۸۰
حاجی‌محمدامید ۵۹۵-۷۳۳
« محمدجعفر آباده‌ای ۵۹۵-۵۹۶
« محمدحسین بن‌حاج‌محمدجعفرکازرونی ۷۳۸
حاجی‌محمدقطاع‌تبریزی ۸۲۴
« محمدبن محمدعلی‌اردبیلی ۲۸
« محمدمهدی بن‌حاجی‌محمدرضا ۵۹۵
« منوچهر ۵۹۹-۶۰۰

اعلام

شماره صفحات

حاجی‌میرابراهیم الحسینی ۹۱۲
« میرزا حسن بن حاجی میرمحمد صادق خاتون‌آبادی ۵۲۹
حاجی میرزاخان مصری ۷۲۴–۷۲۵
« میرزا علینقی(کاتب) ۷۶۹
« میرزا محمدصادق ۶۰۰–۶۰۱–۶۰۲
« میرزاهادی مستوفی‌شهشهانی ۲۳۸
« میرزا هاشم امام جمعه ۵۲۹
« نصرت ۴۳
حاجیه شاه‌خانم ۱۴۷
« شاهمیربنت حاج‌میرزا علی‌جزی‌برخواری ۷۶۰
حاجی یادبیك ۵۱–۵۲
« یوسف قهوه‌چی ۱۰۰
« یونس ۶۰۲–۶۰۳
حارث‌بن ابی‌اسامة ۱۸۶
حافظ‌ابراهیم بن‌عمروجروائانی ۲۰۲
« اسماعیل بن‌فضل ۲۱۵
« الصحة ۷۹
« عبدالعظیم ۲۶۷
حامدبن‌یحیی ۲۰۹
حانی ۲۰۹
حبیب‌الله فضائلی (خطاط) ۶۵۸
حجاج‌بن‌منهال ۲۸۳
حرب‌بن طاهر ۲۰۶
حسام‌الدین محمدصالح بن احمدبن‌شمس‌الدین طبرسی مازندرانی ۵۷۰
حسان (شاعرعرب) ۶۲۷
حسن (امام) ۱۴۱–۱۴۸–۳۵۷–۴۱۱–۴۲۰–۴۲۱–۴۳۵–۴۳۶–۴۵۵–۵۱۰–۵۱۴–۵۱۷–۵۲۱–۵۳۷–۵۴۳–۵۵۶–۵۵۹–۵۶۲–۵۶۷–۶۲۰–۶۳۳–۶۶۷–۶۷۳–۶۸۲–۷۰۸–۷۵۹–۸۲۴
الحسن ۸۲۶
حسن‌اردستانی ۴۹۲
حسن‌بن‌احمدسمرقندی ۲۷۷
« بن‌اسحاق‌بن ابراهیم‌اصفهانی ۲۷۱
« بصری ۲۳۲
« بهادرخان ۵۲۰
« بیك‌آق‌قوینلو ۵۳۱
« پاشا ۸۵–۳۱۴
« چلپی ۶۷۳
« خان (کاتب) ۶۲۱
« خان دلال ۳۵۰
« بن زید بن حسن بن‌علی‌بن ابی‌طالب ۷۵۹
حسن شاه ۵۳
« بن عرفة ۲۰۱–۲۰۹–۲۶۷
« بن عطاء ۲۰۲
« العسکری ۵۲۴–۵۶۷
الحسن‌العسکری ۷۲۳
حسن بن‌علی (عسکری) ۶۲۰
« بن‌علی ۵۱۷
« بن علی‌بن‌اسحاق‌طوسی‌خواجه‌نظام‌الملك ۵۳۴
حسنعلی بناء ۷۸۴
حسن‌بن‌علی عفان ۲۴۴
« بن علی‌بن غیاث البناء ۷۵۸
« کاردن ۵۶۲
« مثنی ۲۵۰–۷۵۱–۷۶۵
« بن محمد بن‌جبلة ۲۰۶
« بن‌محمدداركی ۲۱۷
« بن‌محمدبن عبدالله بن‌حسنویه‌اصفهانی ۲۷۱

حسن بن مصقلة واذاری ۲۷۰
حسین (امام) ۱۳۴ -۴۲۰ -۴۲۱-۴۳۵
۴۳۶-۴۵۱-۵۱۰-۵۱۲-۵۱۴-۵۱۷-۵۳۷
۵۵۶-۵۵۹-۵۶۲-۵۶۷-۵۷۴-۶۲۰-۶۲۱
۶۳۳-۶۴۴-۶۶۷-۶۷۳-۶۸۲-۷۰۸-۷۷۱
۷۹۸-۸۲۴-۸۵۴
حسین ۱۳۴-۴۵۵-۵۱۱
« (میرزاشاه‌حسین) ۷۵۹
الحسین ۸۲۶
حسینای کارگر ۵۵۳
حسین بن حریث ۲۱۷
« بن حفص ۱۸۵-۱۸۷-۱۹۰ - ۲۰۲
۲۱۱-۲۴۴-۲۵۱-۲۷۸-۸۰۶
حسینخان ۶۲۰
حسین بن زید بن حسن بن علی ۸۵۵
« بن شبل علی ۴۷۸
« بن طلحة صالحانی ۲۴۱
حسینعلی (خادم) ۶۵۲-۶۵۴
حسین بن علی (امام) ۸۰۱
« بن علی بن احمد بن بکر ۲۶۵
حسینقلی‌خان ایلخانی ۸۶۰
حسین کاشی‌پز ۶۲۴
« بن محمد ۲۳
« مروزی ۲۳
« بن معمر قصری ۵۷
« همدانیان ۷۴۱
حسینی (کاتب) ۵۲۱
حضرت عباس ۵۲۷
حفص بن عمر عدنی ۲۱۷-۲۳۲
حفص بن غیاث ۴۶۳
حفص بن فضل ۲۵۱
حفص بن معدان ۵۱
حکیم (شاعر) ۷۴۸
حکیم باشی ۷۶۲
حکیم داود ۱۵۱-۶۰۴-۶۰۹
حکیم شفائی ۳۱۰-۶۴۴
حکیم مظفر اردستانی ۴۸۸
حکیم الملک اردستانی ۴۸۲- ۴۸۳-۴۹۳
۵۰۴-۵۰۷
حکیم الملک ایلچی ۵۱۸-۵۲۰
حکیم نظام الدین ۵۲۱-۵۲۳
حماد بن ذهیر ۲۰۱
حماد بن زید ۱۵۲
حماد بن سلمة ۱۵۲-۲۸۳
حملان ۲۳۵
حمدالله مستوفی ۱۲۰ -۱۵۴-۲۹۱
حمزه اصفهانی ۹-۱۴-۱۱۷-۲۳۶ - ۲۹۷
حمزه خلیفة ۲۵۰
حمزه میرزا ۶۵۹
حممة بن ابی‌حممة ۱۱۲
حمید بن مسعدة ۲۱۱
حمیدی ۲۴۴
حوا بیگم ۴۱-۵۳-۶۱-۲۱۹-۲۲۵
حوطی ۲۰۹
حیدر ۵۱۷
حیدر (امام) ۶۲۸-۷۵۳ - ۷۹۵
حیدر علی بن ذوالفقار المعمار الاردستانی-۸۳۴
۸۷۶
حیدر نافجی ۸۲۰
حیدر نیا ۵۸۷

(خ)

خاتون آبادیها (سلسله) ۸۵۴
خالد رملی ۱۸۷

شماره‌صفحات

خالدة بنت ابوزید ۲۵۱
خالدبن یزیدقرنی یهودیه‌ای ۲۷۸
خاقان ۱۹۶
خاقانی ۴۹۵-۶۲۷
خان‌دورمش ۷۷۹
خان‌سلیمان (رکن‌الملك) ۶۳۶
خدابنده (اولجاتیو) ۵۷۸
خدیجه سلطان بنت شمس‌طلا ۹۱۳
خرم (شاعر) ۶۲۱
خسرو ۱۳۰ –۳۵۶ –۶۲۵
خسروآقاخواجه ۴۰۷
خسروپرویز ۱۶–۴۰-۱۲۰ -۳۵۵
خسروشاه‌کیانی ۸۸۹
خصیب‌بن سلم ۵۷
خصیب‌بن الفضل ۵۷
خضر (نبی) ۲۹۰-۳۴۳–۶۲۱
خطیب (میرزاعبدالجواد)۶۲۹
خلادبن‌یحیی ۱۸۵–۲۴۴ – ۲۵۴
خلاق‌المعانی ۸۱۱
خلف (رکن‌الملك) ۶۲۵-۶۳۳-۶۳۵-۶۳۸
خلف (سفره‌چی) ۶۲۱– ۶۴۳–۸۰۰
خلف‌سفره‌چی ۲۸۳– ۶۲۵
خلوت‌نشین ۶۱۲-۶۱۳– ۶۱۴
خلیل ۶۰۲–۶۵۸–۷۶۲
خلیل الله(نبی) ۹–۵۹۴
خلیفة‌بن‌الحسین الماستری ۹۱۲
خلیفه سلطان ۵۰۰
خلیقی‌پور ۴۷۹
خمارتکین ۱۵-۴۲۴
خمانی‌چهرآزاد ۲
خواجه آودیك ۸۳۷–۸۳۸
خواجه‌آوتیك ۸۴۲
خواجه بابك ۸۴۵
خواجه پترس ۴۲
خواجه پطرس ارمنی ۸۴۰
خواجه پطرس ولی جانی ۸۴۳
خواجه جلال‌الدوله جابرا ۵۰۳
خواجه جمال‌الدین میرعلی ۷۹۱
خواجه حافظ ۶۶–۱۳۲-۲۹۱
خواجه‌روح‌الله‌بن‌نورالله‌فراهانی۵۲۳-۵۲۴-۵۹۲
خواجه زین‌الدین خلیفة بن‌الحسین الماستری ۹۱۲
خواجه سعادت ۵۱۸-۵۲۰
خواجه سعدالدین سلمان بن شرف الدین ابوالحسن بن‌طالوت دامغانی ۷۸۶- ۷۸۸
خواجه صدرالدین‌علی طبیب ۴۵–۸۲۰ - ۵۹۲ -
خواجه ضیاءالدین میرم (شاعر) ۷۱۵
خواجه‌عبدل رئیس یوسف‌لبنانی ۱۴۸-۲۶۲
خواجه فخرالدین محمدبن محمودبن علی اشترجانی ۸۲۳
خواجه فرهاد۵۹۲
خواجه قوام‌الدین (وزیرشاه‌شجاع) ۶۶۹
خواجه لوکاس ۸۴۲
خواجه محمدصادق ناظم‌عباس آبادی ۲۴۸
خواجه ملك‌مستوفی ۳۸
خواجه میرزا مسعودجابری ۶۵۹
خواجه نجم‌الدین محمودبن عماد ۹۱۴
خواجه نصیرالدین طوسی ۸۸۸
خواجه نظام‌الملك ۳۸-۴۵-۱۴۷ – ۱۸۳ ۲۵۷–۲۸۳
خواجه نعمت‌الله مالمیری ۶۶۹
خوارزمی ۲۴۴
دارا ۱۲۳-۷۸۰-۷۸۲
دارکی ۲۵۸

دارکی صغیر ۲۴۴
دارکی کبیر ۲۴۴
دانش ۹۹
داود (حکیم‌داود) ۶۰۵
داود (نبی) ۷۸۰
داودبن‌ابراهیم ۲۱۸
داودبن‌سلیمان‌سنبلانی ۲۳۶
داودبن یعقوب ۸۶۵
داوید ۸۳۷-۸۴۵
دحیم ۲۵۲
د . خ . ن ۸۳۹
دده‌خاتون ۲۸
درویش صادق ۹۷
درویش محمدصالح ۹۷
دلارام خانم ۴۴۳
دلف‌بن‌ابی‌دلف عجلی ۲۵۸
دورمیشخان حسین ۵۰۹
دورمیشخان شاملو ۳۹۷-۷۱۵
دولت‌آبادی حاجی‌آقاحسام‌الدین ۴۴۱
دکتر تومانیانس جلفائی ۲۰۴
دکترجلیل‌بن عبدالباقی ۲۰۴
دکترحسین رکنی ۶۳۲
دکترسیداسطوعلاج ۲۹۳
دکترسیدمهدی ملکزاده ۲۳۰
دکترعلاءالدین آذری دمیرچی ۸۴۳
دکترفریر ۱۷۰
دکترمهدی بیانی ۶۷۸
دیالمه (سلسله) ۳۵۵

(ذ)

ذاالکفل (نبی) ۷۱۳
ذوالفقار ۲۷۰
ذوالفقاراردستانی ۸۷۶
ذوالفقارخان اسپهانی ۶۱۵
ذوالقدرفارس (طایفه) ۶۴۴
ذوقی علیشاه اردستانی ۸۴
ذوالنون مصری ورگانی ۲۳۲ - ۲۷۳

(ر)

رئیس اویس لبنانی ۹۷-۲۶۳
رئیس یوسف لبنانی ۲۶۲
الراشد بالله ۸۵۵
رافعی قزوینی ۲۶۲
رامین ۶۳۳
ربعی‌بن‌عبدالله ۲۶
ربیعة (طایفه) ۶۷۷
رجاءبن ابورجاء جروائانی ۲۰۲
رجاءبن صهیب ۵۴-۲۰۲ - ۲۲۶
رجبعلی‌بن آقارضاشوشتری ۵۱۸
رحمتعلی‌شاه ۱۹۵
رحیم‌خان ۲۹
رحیم‌خان سدهی ۶۲۸
رسته ۲۰۳
رستم ۵۰۰
رستم‌اق قوینلو ۳۶۱
رستم‌خان ۸۲۰
رستم‌خان سوقمن‌اینکلیان ۸۲۰
رشیدا ۴۸۸
رشیدا(خطاط) ۶۷۸
رشیدالدین محمد ۱۲۴
رشیدعباس‌آبادی ۲۴۸
رشیدی زرگر ۱۰۰
رضا(حجةالاسلام) ۴۸۰
رضاخان ۷۷
رضاخان جوزدانی ۸۲۳
رضاشاه‌پهلوی ۴۵۵
رضاشاه‌کبیر ۳۲۰
رضاعباسی ۳۵۶

شماره صفحات

رضاعلی ۵۷۴
رضاقلی‌میرزا ۳۵۶
رفیع‌الدین‌عبدالعزیز بن مسعودلنبانی ۲۶۲
رفیق (شاعر) ۲۴۹
رکن‌الدوله خمارتکین ۱۵-۶۳
رکن‌الملك ۹۲-۵۹۵ -۶۲۵-۶۲۸ - ۶۳۲
۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۷۳۳
رکنملك (خلف) ۶۳۶
رمزی ۳۱۰
روح‌الامین ۷۱۹
روح‌بن‌عبادة ۲۰۲
روح‌بن‌مسافر ۲۴۰
ریاش ۲۰۱

(ز)

زادود ۸۳۹
زاغی ۶۶۹
زاهد (شاعر) ۵۷۱
زبیده خانم دختر شریف‌الملك ۴۸۸
زبیر (ازصحابه) ۴۳۴-۴۳۶
زکریابن الصلت ۲۷۸
زلیخا ۳۵۶
زهرا (فاطمه) ۱۳۲ -۵۴۹-۶۳۵ - ۷۹۵
زهرابیگم جوباری ۲۰۸
زیادبن یحیی‌القسام لنبانی ۲۶۳
زیبی ته ۸۳۹
زیدبن‌ارقم ۴۷۵-۶۷۰-۶۷۳
زیدبن حسن بن‌علی بن ابی‌طالب ۷۵۱-۷۵۹
زیدبن‌علی بن الحسین ۷۷۳
زیناعلیا منشادا ۵۷۷
زینب‌بیگم ۲۹-۵۰۴
زین‌العابدین (امامزاده) ۷۶۵
زین‌العبادعلی ۵۷۴- ۷۰۸ - ۷۷۰

(س)

سائرامشهدی ۳۱۱-۳۳۴
سادات خاتون آبادی ۸۵۴
سادات سیدروح‌الله ۴۹۳
سادوتقی ۳۹
سادوتقی اعتمادالدوله ۲۰۴
ساسانیان(سلسله) ۳۵۵
ساقی (میرزاشاه‌حسین اعتمادالسلطنه) ۷۱۵
سامی (شاعر) ۵۰۱-۶۸۷
ساهاك ۸۳۸-۸۳۹
سپهر ۶۷۹
سپهسالار فخرالدین‌مبارز ۷۵۳
سجاد ۱۳۲-۵۴۹
سحبان (شاعر) ۶۲۷
سراج (حجاد) ۸۵۲
سرپرسی سایکس ۱۷۰-۳۱۸-۳۲۲ -۳۵۳
۳۶۷
سرداراعظم ۶۵-۷۸۲-۷۸۳
سرفراز ۳۰۵
سرلشکرفیروز ۳۸۸
سرلشگرنصرت‌الله معتضدی ۳۵۸- ۳۸۸
سرهنگ محمودزاهدی ۷۳۵
سری‌بن‌یحیی ۲۷۶
سعد(ازصحابه) ۴۳۴-۴۳۶
سعدی ۱۳۱-۲۴۹
سعدبن‌ابی وقاص ۵۵۵
سعدالدین محمدساوی ۲۸۱-۵۸۷
سعدویه شروانشاذانی ۲۶۰
سعید (ازصحابه) ۴۳۴-۴۳۶
سعیدپورداود ۳۵
سعیدبن جبیر ۲۳۵-۲۵۲-۶۴۲

اعلام | شماره صفحات

سعیدبن طلحة صالحانی ۲۴۱
سعیدبن عامر ۲۰۲
سعیدبن‌عطاء جرواثانی ۲۰۲
سعیدبن‌عنبسه ۲۷۱
سعیدمخزومی ۲۲
سعیدالملك ۷۸
سعیدبن‌منصور ۶-۲۰۵
سعیدبن‌یحیی شروانشاذانی ۲۳۹
سعیدبن‌یحیی طویل ۲۳۹
سفیان توری ۲۴۰
سفیان‌بن‌عیینه ۲۳۲
سکندر ۵۷۷-۷۵۴-۷۸۰-۸۱۰
سلاجقه ۳۸۷-۴۶۹-۵۰۹-۵۴۴-۵۴۵
سلجوقیان ۳-۸۸۳
سلطان آقا(بانو) ۴۲۵
سلطان‌ابوسعید ۵۰
سلطان احمدمیرزا ۵۷۷
سلطان ارسلان بن‌طغرل ۷۲۴
سلطان اسدبن جنید ۵۲
سلطان بخت‌آغا ۴۵-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶ ۴۲۷
سلطان بیك ۸۶۹-۸۷۴-۸۷۵
سلطان حسین ۴۴۶-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۲-۴۵۳ ۵۴۸-۵۵۰-۷۱۸-۷۵۳-۷۵۸
سلطان حسین‌میرزاه ۷۶
سلطان حمزة ۶۵۹
سلطان سلیم ۲۵۰-۳۵۲-۸۲۳
سلطان سلیمان حسینی ۵۵۳
سلطان سنجر ۴۳۰
سلطان الکتاب کاظم‌الشریف ۷۹۸
سلطان محمد ۵۱۶-۵۱۷
سلطان‌محمدبن بایسنقربن شاهرخ تیموری ۵۳۲-۵۵۲-۵۸۸
سلطان محمدبهادر ۲۳۷-۵۵۲-۸۰۲
سلطان محمدخدابنده (اولجایتو) ۵۱۶ ۵۷۶-۵۷۸-۵۸۷-۸۲۲
سلطان‌محمدخدابنده‌صفوی ۷۷۳
سلطان محمدسلجوقی ۳۹
سلطان‌محمدبن‌طهماسب ۶۵۹
سلطان محمدصفوی ۳۵۱-۵۸۸-۶۶۳-۶۶۴
سلطان محمدگورکان ۴۷
سلطان محمود (غزنوی) ۵۰۹
سلطان محمودآل‌مظفر ۴۲۴-۵۶۱-۵۸۷ ۷۵۵
سلطان محمود غزنوی ۷۲۴
سلفی ۲۵۳
سلما ۶۳۳
سلمان (ازصحابه) ۶۲۷-۶۲۹-۶۵۲-۶۵۷ ۶۸۰-۷۴۰
سلمی ۶۳۳
سلمة بن شبیب ۲۷۰-۲۷۳
سلمة بن‌صالح ۲۳۹
سلیمان (نبی) ۱۹۶-۳۴۳ ۶۳۲-۶۳۶ ۶۳۷-۷۸۰
سلیمان (خلف) ۳۳۸-۶۲۰-۶۲۹-۶۳۰ ۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹
سلیمان ابی‌الحسن طالوت‌الدامغانی ۷۸۶
سلیمان‌بن احمدبن‌جلال‌الدین ۴۸
سلیمان بیك ۴۲۵
سلیمان بیك‌چینی‌کش ۶۴۵
سلیمان پادشاه ۷۲۴
سلیمان بن‌حرب ۲۰۲-۲۴۲-۲۵۴
سلیمان خان رکن‌الملك ۶۲۷
سلیمان دارانی ۲۳۲
سلیمان بن‌سلیمان ۳۷۷

شماره صفحات

سلیمان شاذکونی ۲۵۲
سلیمان‌بن‌شرف‌الدین ابی‌الحسن‌طالوت‌دامغانی ۷۸۵–۷۸۶
سلیمان‌بن عبدالرحمن ۲۰۹
سلیمان‌بن‌عمر بن الاقطع ۲۰۲
سمعانی ۵۷–۲۰۷
سمیث ۱۰۲
سنا–استادجلال‌الدین‌همائی ۴۷۶–۴۷۸-۴۷۹-۶۳۰
سندیلة عبدالله‌بن‌داودعابد ۷۱-۱۹۰
سندیلة عصام جرواثانی ۲۰۳
سهراب دیبا ۲۵۰
سهروردی ۲۰۷
سهل‌بن‌عبدالله ۱۵۲
سهل‌بن‌عثمان ۲۰۳-۲۰۹-۲۵۴-۲۶۱-۲۷۶
سهیل ۲۰۳
سهیل‌بن ابی صالح ۲۳۵
سهیل‌بن‌بکار ۲۰۵
سید ابوتراب بن سید ابوالقاسم موسوی چهارسوئی ۲۱۴
سیدابوالحسن شهشهانی ۲۳۸
سیدابوالشجاع‌بن سیدعلی ۴۸۷
سیدابوالقاسم دهکردی ۴۷۷
سیدابوالقاسم بن‌سیدمحمدباقر شفتی ۱۹۳
سیداحمدحسینی – هاتف ۱۸۰
سیداحمدبن سیدابراهیم طباطبائی ۴۸۷
سیداحمدبن سیدحسین ۴۸۷
سیداحمدبن سیدمحمد ۴۸۷
سیداسدالله غراء ۶۲۸
سیداسماعیل‌بن سیدابراهیم ۴۸۷
سیدافضل مقصودعلی دورانی ۴۸۷
سیدامیرابوطالب امامی‌درب‌امامی ۲۲۷
سیدجلال‌الدین طهرانی ۲۲۷
سیدجمال‌الدین اسدآبادی ۲۳۰
سیدحسن المثنی‌ابن‌الامام‌حسن‌المجتبی ۲۸۷
سیدحسن مجتهد موسوی ۶۰۹
سیدحسن‌مشکان طبسی ۲۶۸
سیدحسین‌بن حسن‌موسوی درب‌امامی ۲۲۷
سیدحسین‌بن سیدحیدرکرکی ۳۰۲
سیدحسین موسوی‌زاده کاشی‌ساز ۲۸۲
سیدحیدرآملی ۱۹۹ (درچاپ‌باشتباه‌عاملی‌است)
سیدرضا بن‌سیدمصطفی توفیقی درب امامی ۲۲۷
سیدرضی‌الدین ۲۴
سیدرضی‌بن سیدحسین ۴۸۷
سیدرضی الدین علی ۴۹
سیدرقة منصور ۲۳۲
سیدرکن الدین محمدیزدی ۵۹–۱۰۴-۱۰۵
سیدروح‌الله ۴۹۱
سیدروح‌الله اردستانی ۲۲
سیدروح‌الله بن‌سیدرضی ۴۸۷
سیدروح‌الله بن سیدقوام‌الدین ۴۸۷
سیدروح‌الله بن‌سیدمرتضی‌علی ۴۸۷
سیدزین‌العابدین طباطبائی ابرقوئی‌خاجوئی ۲۲۴
سیدسجاد ۸۰۲
سیدشاه محمود بن جناب سیدحیدر علیشاه طباطبائی حسینی ۹۰۴
سیدشهاب ۷۳
سیدالشهداء ۲۰۵
سیدصدرالدین‌سیدعلی‌چهارسوئی ۲۱۴- ۲۲۴
سیدصدرالدین عاملی ۹۶ –۲۰۸-۲۱۳
سیدضیاءالدین طباطبائی ۳۳۶
سیدعبادبن سیدحسن ۴۸۷

اعلام | شماره صفحات

سیدعبدالحسین سیدالعراقین ۴۶۷
سیدعبدالعلی عقدائی ۵۰۵
سیدعبدالله (شوری) ۷۷۶
سیدعبدالله حالی عباس‌آبادی ۲۴۴
« عبدالوهاب مستشار دفتر ۶۳۸
« علی‌بن سیدمحمد ۴۸۷
« کمال‌الدین حسینی ۸۹۳
« محسن کاظمینی ۱۹۲
« محمد متولی ۷۴۹
« محمدباقردرچه‌ای ۲۲۴-۲۲۵-۵۰۷
۷۳۴
سیدمحمدتقی بن سید محمد سعید موسوی
خاجوئی ۲۲۴
سید محمدتقی فخرداعی ۱۷۰
« محمدتقی‌مصطفوی ۳۵۸
« محمدجعفر ۶۵۲
« محمدبن‌حاج سیدمحمد باقرشفتی ۱۹۳
« محمدحسن بن‌سید محمد تقی مستجاب
الدعوة ۲۲۴
سیدمحمدالحسینی ۴۹۲
« محمدرضا بحرالعلوم ۲۲۴
« محمدصدرهاشمی ۴۳
« محمدبن عبدالصمدشهشهانی ۲۳۸
« محمدعلی بن‌محمدباقر گلستانه ۷۱۰
« محمد مجاهد ۲۳۸
« محمد نجم الواعظین ۱۹۸
« محمود نقاش(کاتب) ۵۵۲-۵۸۸-۸۰۴
« مرتضی طباطبائی ۴۹۲
« مهدی‌بحرالعلوم ۴۳
« مهدی درچه‌ای مجتهد ۵۰۷
« مهدی‌بن‌سیدمحمدعلی ۱۹۳
« مهدی شعاع‌الدوله ۲۵۰
سید نعمت‌الله‌جزائری ۲۱
« هاشم بحرانی ۲۴
« هاشم‌بن‌حجةالاسلام حاج‌سیدمحمدباقر
شفتی ۱۹۳
سیدهاشم طوبی (خطاط) ۶۲۹
سیف‌الدولة ۶۰
سیف‌الله‌خان صدری ۷۰

(ش)

شاپوردوالاکتاف ۱۲-۱۳-۱۹۰
شاذکونی ۲۰۲-۲۰۳-۲۶۰
شاذویةبن عطاء ۲۵۱
شاردن فرانسوی ۳۰-۵۳-۹۲-۹۵-۱۰۲
۱۵۴-۱۷۲-۲۲۰-۲۸۱-۳۲۸-۳۶۴-۳۶۸
۳۷۵-۴۸۱-۶۶۴-۷۱۵
شارل پادشاه انگلستان ۲۰۴
شافعی ۲۰۹
شاملو (طایفه) ۳۹۵
شاه ابواسحاق ۴۲۴
« اسماعیل ۲۰-۱۳۲-۲۵۰-۲۹۹ -۳۴۵
۳۴۸-۳۵۲-۳۶۹-۴۱۸-۵۰۹-۵۸۰-۵۸۲
۵۸۸-۷۱۲-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۳۲-۷۵۰
۷۷۱-۸۳۳
شاه‌اسماعیل اول ۵۸۱
شاه‌جهان ۲۴۶-۶۷۸
شاه‌حسن ۴۶
شاهرخ‌بن امیرتیمور ۲۳۷-۳۸۷
شاهرخ تیموری ۸۰۲
شاهزاده‌ابراهیم ۸۵۵
شاه‌سلطان حسین ۲۹-۳۹-۴۰-۷۴- ۸۱-۹۲
۱۲۵-۱۸۲-۲۵۳-۳۴۵-۳۵۴-۳۵۵-۳۶۹
۳۷۲-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۴۲-۴۰۶-۴۳۲
۴۴۵-۴۵۲-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۷۵-۵۰۳

شماره صفحات

۵۸۹-۵۹۵-۵۹۹-۶۴۳-۶۴۷-۷۱۷-۷۱۸
۷۴۷-۷۴۸-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۵-۷۵۹-۷۶۷
۸۳۹-۸۴۴-۸۵۴-۸۷۹
شاه‌سلیمان ۲۸-۳۹-۴۷-۹۴-۲۴۷-۲۷۳
۳۰۵-۳۲۸-۳۳۴-۳۳۷-۳۶۹-۳۷۴-۳۷۵
۳۸۰-۳۹۸-۴۰۶-۴۰۷-۴۷۱-۴۸۳-۴۹۹
۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۱۸-۵۳۲-۵۳۳-۵۵۸
۵۷۴-۵۸۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۳-۶۷۲-۷۷۲
۷۷۶-۸۰۸-۸۴۶-۸۷۹-۹۰۴
شاه‌شجاع ۴۲۵
شاه‌صفی ۳۱-۴۲-۵۱-۱۵۶-۳۵۱-۳۶۹
۳۷۰-۵۱۳-۶۰۴-۶۸۸-۶۷۰-۶۷۴-۷۵۳
۸۴۶-۸۵۷
شاه‌صفی‌الموسوی الحسینی ۷۵۲
شاه‌طهماسب ۵۶-۹۲-۲۲۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰
۳۵۲-۳۵۸-۳۶۱-۴۷۰-۵۳۱-۵۳۸-۵۴۲
۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۸۰-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۵
۵۸۶-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۳-۶۱۵
۶۱۶-۷۲۰-۷۲۲-۸۲۹-۸۷۴
شاه‌عباس ۹۹-۱۰۲-۱۰۸-۱۳۸-۱۳۹
۱۴۷-۱۶۵-۱۶۶-۱۷۰-۲۲۵-۲۴۵-۲۵۰
۲۵۶-۳۰۸-۳۱۳-۳۱۵-۳۱۷-۳۲۳-۳۲۴
۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۳۷-۳۴۸-۳۵۲
۳۵۶-۳۵۷-۳۶۲-۳۶۷-۳۷۰-۶۷۳-۶۹۱
۶۹۵-۶۹۹-۷۰۱-۷۰۲-۷۶۹-۸۳۴-۸۴۵
۸۴۹
شاه‌عباس‌اول ۲۰-۲۸-۳۸-۳۹-۴۴-۶۷
۷۰-۷۲-۷۹-۸۳-۸۵-۹۱-۱۰۰-۱۰۱
۲۸۳-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۶-۳۵۸-۳۶۹-۳۷۸
۴۹۲-۵۲۳-۵۲۷-۶۴۲-۷۵۰-۸۴۰
۸۴۵-۸۴۸-۸۸۴-۸۹۹-۹۰۴
شاه عباس بزرگ ۱۰۶-۱۰۷-۱۳۶-۲۰۲
۳۲۰-۳۵۲-۳۶۲-۳۶۵-۳۸۹
۳۹۱-۳۹۸-۵۲۵-۵۶۶-۵۸۹-۶۵۹-۶۶۰
۶۶۴-۶۷۴-۶۷۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۵
۸۲۰-۹۰۴
شاه‌عباس ثانی ۲۹-۳۰-۴۱-۴۳-۶۱-۶۲
۶۸-۶۹-۹۷-۹۸-۱۰۵-۱۴۷-۶۰۶-۷۳۹
شاه‌عباس‌الحسینی ۷۲۹
شاه‌عباس‌الحسینی‌الموسوی ۸۰۵
شاه‌عباس‌دوم ۲۲۳-۲۸۳-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲
۳۱۶-۳۳۵-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۷-۳۵۶-۳۵۸
۳۶۱-۳۶۹-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۸-۳۸۰
۳۹۵-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۵-۴۲۹-۴۲۱
۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۲۷۲-۲۷۳-۵۱۸
۵۳۱-۵۴۳-۵۸۹-۵۹۹-۶۰۲-۶۰۳
۶۰۴-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۵-۷۸۲-۸۳۷
۸۴۰
شاه‌عباس‌کبیر ۹۸-۹۹-۱۰۹-۱۱۰-۱۳۶
۳۲۴-۳۶۲-۳۷۱-۳۹۵-۳۹۸-۶۶۳
شاه‌عباس ماضی ۱۸۲-۲۹۷-۲۹۹-۵۰۰
۵۱۳-۵۲۷
شاه‌عباس الموسوی ۶۸۵
شاه‌علاءالدین ۸۰۲
شاه‌علاءالدین محمد ۲۵-۵۴-۲۳۷-۲۳۸
۸۰۲
الشاه‌علاءالدین‌محمد ۸۰۴
شاه‌قلی بن‌علیقلی بن علی‌برزین ۷۲۵
شاه‌محمود ۴۲۵
شاه محمودبن سلطان محمدبن مظفر ۷۵۶
شاهنشاه آریامهر ۳۲۷-۳۵۸
شاهنشاه‌رضاشاه پهلوی ۶۹۹-۷۰۳
شبیب‌بن عبدالله‌بن محمد بن احمدبن خورة

اعلام | شماره صفحات

مار بانانی اصفهانی ۲۶۵
شجاع بن استادقاسم بناءاصفهانی ۴۲۷
شرف‌الدین السلطانی (خطاط) ۸۲۱
شرف‌الدین عبدالمؤمن ۴۹
شرف‌الدین محمد ۴۹
شریعتمدار اصفهانی ۷۶–۷۷
شریف‌الدین‌محمد رویدشتی اژه‌ای ۴۹۵
شریف‌ملا محمدور نوسفادرانی ۷۲۷
شریف‌الملك ۴۸۸
شریك بن عبدالله ۲۵۴
شعار ۲۴۴
شعبه ۲۳۵
شعبی ۶۷۳
شفیعا ۲۳۹
شقیق بلخی ۲۳۵
شکرالله مغانی ۲۵۰
شمسا ۲۲۷
شمس‌بن تاج (بناء) ۵۶۴
شمس تیشی ۹۹
شمس‌الدوله ۳۷-۱۳۲
شمس‌الدین تبریزی (خطاط) ۷۱۴
شمس‌الدین‌عبدالله ۹۱۰
شمس‌الدین‌محمد ۷۷۰
شمس‌الدین محمداصفهانی ۵۸۸
شمس‌الدین محمدیزدی ۴۸۳
شمس‌الدین محمدبن‌علی‌النطنزی ۹۱۲-۹۱۴
شمس‌الدین بن‌ملامحمد سعیدجیلانی ۳۲۷
۳۵۶
شوشان ۸۴۲
شوقی (میرزاابوالقاسم شاعراصفهانی) ۷۸۰
شهاب اصفهانی (شاعر) ۶۲۸
شهاب‌الدین‌علی ۲۵۰
شهبانوی ایران ۲۵۰
شهربانوخانم ۳۹
شهیدثانی ۲۴۲-۵۶۹
شیرخان ۳۵۱
شیرزادافغان ۳۵۸
شیرین ۳۵۶ – ۴۵۰-۶۲۵
شیرین‌اصفهانی ۱۶
شیخ‌ابواسحاق ابراهیم بن عیینه ۵۱–۱۸۵
۲۳۳
شیخ‌ابواسحاق اینجو ۵۷۷
شیخ‌ابوالعباس ۲۶
شیخ‌ابوالعباس موسوس ۲۳۲
شیخ‌ابوعبیدبصری ۲۳۲
شیخ‌ابوالفتح ۲۶
شیخ‌ابوالقاسم ۷۷۶
شیخ‌ابومسعوداحمدبن فرات رازی ۸۰۵
شیخ‌احمد احسائی ۲۴۸
شیخ‌احمدبن نعمت‌الله خاتون ۴۹۴
شیخ‌بهائی ۲۶-۲۲۳–۲۲۴–۲۹۴–۲۹۷
۳۰۰–۳۹۷–۴۶۷-۴۷۱–۵۲۸ –۵۶۹
۵۷۰–۷۰۲-۷۰۸-۸۱۲
شیخ‌جعفر نجفی ۲۳-۶۹
شیخ حسن بن شرف‌الدین حسین رویدشتی
(شاعر) ۵۵۲
شیخ‌حسن شیخ‌العراقین ۶۹
شیخ‌حسین بن عبدالکریم دشتی ۲۱۴
شیخ‌زاده هراتی یزدی ۷۱۶
» زین‌الدین خوانساری ۵۲۸
» زین‌العابدین مازندرانی ۲۲۴
شیخ‌الشریعة ۲۱۳
» شمس‌الدین محمد اصفهانی ۵۷۲
» صفی‌الدین اردبیلی ۳۵۷

شماره صفحات

شیخ طوسی ۴۹
« عبدالجواد ۵۹۶
« عبدالله بن‌شیخ ابوالبرکات ۵۶۹
« عزیزالله بیدآبادی ۱۹۳
« علی‌حزین ۲۱ - ۲۳۶
« علیخان زنگنه ۶۱۰–۶۱۱
« علی‌بن سهل‌اصفهانی ۸۱۲–۸۱۳
« عمادبن میرزا ابراهیم ۵۶
« قاسم نجفی ۲۹۳
« لطف‌الله میسی عاملی ۳۸–۴۰–۲۸۷
۴۹۶-۵۲۸-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۸-۷۰۱-۷۰۲
۷۰۹-۷۳۷
شیخ‌محمدبن اسماعیل مغربی ۲۳۲
« محمدباربن خالدمعلم ۵۹۱
« محمدباقربن شیخ‌محمدتقی‌بن‌عبدالرحیم ایوان‌کیفی مسجدشاهی اصفهانی ۶۳۸
شیخ‌محمدتقی ۲۱۳
« محمدحکیم خراسانی ۴۷۷
« محمدرضا مسجدشاهی ۲۲۴
« محمدبن شیخ علی‌بن شیخ جعفرکبیر ۲۱۳
شیخ‌محمد صفی ۶۱۵-۶۱۶
« محمدعلی ثقةالاسلام ۶۳۹
« محمدعلی واعظ تلواسکانی ۱۹۸
« محمدبن عمر ۴۳۲
« محمدعمر ۴۳۴
« محمدبن یوسف بناءابوعبدالله ۲۲-۲۴-۲۷-۲۸–۲۲۵–۲۳۵
شیخ‌محمود عرب جزایری ۴۹۶
« مرتضی انصاری ۲۱۳ –۲۲۷
« نعمت‌الله بن‌خاتون ۴۹۴
« نورالدین‌تیرانی ۱۹۹
شیخ‌نوری ۲۱۳
« یوسف بنای جیرانی ۲۱۱ –۲۳۲
« یونس جزایری ۵۶۹

(ص)

صائب‌تبریزی ۲۴۸-۲۵۰–۳۱۱-۳۱۲-۸۰۸-۸۰۹
صاحب‌بن‌عباد ۱۵۱–۲۲۸– ۸۰۸
صاحب‌دیاض ۶۰۹
« الزمان (امام‌غائب) ۵۷۳
« سلطان بیگم‌بنت حکیم‌نظام الدین محمد یا احمد ۵۱۸–۵۲۰–۵۲۱
صاحب کافی ۲۰۲
الصادق (امام) ۷۰۸
صادق‌جعفر (امام) ۱۳۱–۲۸۵-۵۴۹-۵۷۴
صارم الدوله ۶۹
صالح پیغمبر ۲۴۱
صالحه خانم‌سلطان ۸۰۵
صباح بن‌عطاء ۲۵۱
صباحی بیدگلی ۱۳۴
صحیفی ۵۷۶–۵۸۹-۶۲۳– ۶۴۴
صحیفی جوهری-۵۲۴–۵۲۷-۵۶۶-۵۶۷
۵۷۳-۵۷۶–۵۸۸-۶۴۴-۶۴۵
صحیفی جوهری‌شیرازی ۶۴۴
صحیفی جویمری ۵۷۳–۶۴۴–۶۴۵
۷۷۳
صحیفی شیرازی ۶۴۴-۶۴۵
« فارسی ۶۴۳ - ۶۴۵
« الفارسی ۶۴۵ -۸۰۵
صخربن سنان ۶
صدر ۴۷۸-۴۸۱
صدراصفهانی ۸۱-۹۵-۱۲۱-۲۲۰- ۳۱۳
۳۸۵ - ۴۹۷

صدراعظم(امیراتابك) ۳۷۹
صدراعظم اصفهانی حاجی محمدحسین خان ۳۱۵
صدرالدین سنگ‌تراش ۷۶۰
صدرالدین عبداللطیف خجندی ۲۹۰
« الشریعة اصفهانی ۵۱۵
« العلماء ۷۳۷
« الممالك ۶۹
صغیراصفهانی (شاعر) ۷۹۴-۷۹۵
صفویه (سلسله) ۳۵۵-۴۰۴-۴۶۹-۴۷۱ ۴۸۱-۴۸۳-۵۰۴-۵۲۳-۶۷۵-۷۳۸-۷۴۱
صفی (شاه) ۵۷۴
« الدین (قاضی) ۷۶۱
« قلی ۴۴۱
صفیه بانوبنت آقارضاشوشتری ۵۱۸
صفی‌میرزا ۴۴۴
صلحی‌کرانی ۲۵۹
الصمدالاصفهانی ۹۱۴
صنم ۸۴۵
صوفیا ۸۴۵

(ض)

ضراب ۲۵۹
ضرار خرجانی ۲۱۷-۲۱۸
ضیاء (شاعر) ۸۰۲
ضیاءالدین شهشهانی ۲۳۸
ضیاء کفرانی (میرزا نورالله) ۴۹۹

(ط)

طارق بن عبدالعزیز مکی ۲۳۲
طالع (شاعر) ۷۷۳
طاهرنصرآبادی ۳۳۹-۸۰۸
طاهربن یحیی یمینی ۲۷۳
طرب فرزندهما ۴۱۰ - ۴۱۱-۴۷۶-۵۹۳
۶۳۰-۶۳۵-۷۴۰
طغرل (شاعر) ۶۲۷-۶۲۸-۶۵۶-۸۵۳ ۸۵۴
طلحة ۴۳۴-۴۳۶
« بن حسین صالحانی ۲۴۱
« بن شیبة ۵۵۵
طوبی (سیدهاشم خطاط) ۶۲۹
طوفان قهوه‌چی ۱۰۰-۱۰۱
طهماسب بزرگ ۳۵۱
طهمورث دیوبند ۲-۳-۱۱-۱۴
طیب ۶۷۲

(ظ)

ظل‌السلطان مسعودمیرزا ۶۰-۶۲-۶۸ - ۷۱ ۷۶-۸۱-۹۱-۹۲-۱۰۶-۲۳۰- ۳۱۳-۳۳۴ ۳۸۴-۳۸۵-۳۹۲-۳۹۴-۴۱۱-۶۲۵ - ۶۲۷ ۶۲۸-۷۴۸
ظهیرالدین بابر ۳۵۱-۳۵۸
ظهیرالدین‌عبدالله شفروه ۴۹

(ع)

عابدی ۲۲
عارفاعباس‌آبادی ۲۴۸
عاصم ۲۳۲
« بن‌یوسف ۲۰۲
عاقب ۶۷۳
عامربن ابراهیم ۲۰۲
عایشة (ام‌المؤمنین) ۴۵۷-۵۵۶-۶۸۱
« بنت‌حسن‌بن‌ابراهیم ورگانی- ۳۷۳
عباس ۳۱۱-۵۵۵-۷۵۲
عباس‌ثانی (شاه) ۷۲۵
« حسینی (شاه‌عباس) ۵۱۳
« الحسینی ۶۶۵-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵
« شاه ۳۲۵

اعلام

شماره صفحات

عباس طامه‌ای ۲۷۸
« بن‌علی ۵۶۱
« کرباسی (طراح) ۶۲۴
« بن مرداس ۲۰۱
« الموسوی (شاه) ۷۲۹
« المولوی ۶۱۰
« ولی‌بك ۸۸۷
عبدالباقرالتبریزی (خطاط) ۶۷۱
عبدالباقی (دانشمند-خطاط) ۶۷۳ - ۶۷۵
۶۷۶-۶۸۱
عبدالباقی (مباشر) ۸۰۱
عبدالباقی بن قانع ۱۸۴
عبدالجبار ۲۳-۲۷۱
عبدالجواد خطیب ۴۷۶-۴۷۸
عبدالجوادبن عبدالحمید ۶۵۰ - ۷۱۹
عبدالحمیدالادهمی (کاتب) ۷۵۷
عبدالحمیدادهمی ۷۵۷
عبدان‌بن محمدخوزی ۲۱۷-۲۲۶
عبدالرحمن ۱۵۴
عبدالرحمن (ازصحابه) ۴۳۴-۴۳۶
عبدالرحمن‌بن احمدجرواعانی ۲۰۲
عبدالرحمن اشعثی ۶۴۲
عبدالرحمن بن‌علی ۲۷۸
« بن‌محمدبن سیاه ۶۶-۲۴۴
« بن محمودبن الفرج وذنکاباذی ۲۷۱
عبدالرحمن بن‌یوسف ۱۵۲
عبدالرحیم(خطاط) ۷۶۷
« جزایری ۴۵۲-۴۵۷-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴
۴۶۶-۴۷۵-۷۶۷
عبدالرزاق ۲۷۰
« بن عبدالکریم حسن‌آبادی ۲۱۵
عبدالصمدبن علی‌الاصفهانی ۹۱۳
عبدالعزیز ۸۵
عبدالعزیزخان ۳۵
« سبط‌احمدبن شعیب صوفی ۲۰۶
« بن‌محمدبن جعفرضبی فرسانی ۲۵۴
« بن‌محمد لنبانی ۲۶۲
عبدالکریم مکشوفی حسن‌آبادی ۲۱۵
عبدالله ۷۱
« (پسرعبدالمطلب) ۶۸۱
« (خطاط) ۴۸۳
« ۴۸۷
« بن ابوعبدالله محمدباب‌الدشتی ۱۸۴
« بن ابی عمرو ۲۷۱
« بن احمدبن اسحاق اصفهانی ۲۶۲
« بن احمدحنبل ۲۶۲
« بن احمدبن خازن جرواعانی ۲۰۲
« بن جعفر ۵۵۶
« بن جعفر ۲۰۲-۲۰۹
« بن جعفر بن احمدبن فارس ۲۰۰
۲۴۱-۲۷۶-۲۷۸
عبدالله بن‌حکیم‌الجهنی ۴۶۴
« خان امین الدولة ۴۳۳
« بن داود ۲۵۴
« بن عقیل ۲۳۲
« بن علی سنبلانی ۲۳۶
« بن‌عمران ۲۵۴-۲۷۱
« بن عمر ۲۴۴
« بن‌عمربن ابان ۱۸۵
« بن کوشیذ ۵۳
« مجنون باطرقانی ۱۸۸
« بن محمد ۲۱۸
« بن محمدبن جعفر ۲۰۲

اعلام

شماره صفحات

عبدالله بن محمدبن زکریا ۲۴۰
« بن محمدبن عباس ۲۵۸
« بن محمدسیچانی ۲۳۶
« بن محمدبن عیسی اصفهانی ۲۷۴
« بن محمدبن فورك ۲۳۰
« بن معاویة ۲۵
عبداللطیف (کاتب) ۹۱۳
« تبریزی ۴۴۸
« خجندی ۶۶
عبدالمطلب ۶۸۰
عبدالملك بن‌حسن ۱۴۲
« بن‌عطیة ۶۷۰
عبدالواحدبن سلیمان حسن‌آبادی ۲۱۵
عبدالوکیل (واقف) ۵۲۳
عبدویة بن‌حبة ۵۸
عبدالوهاب موسوی عباس‌آبادی ۲۴۹
عبیدبن شریك ۲۴
عبیدالله‌بن‌موسی ۲۵۴-۲۷۸
عثمان (ابن عفان) ۳۵۱-۴۱۸-۴۲۲-۴۳۴
۴۳۶-۴۳۷-۵۶۰-۵۶۲ -۵۶۴-۷۸۷-۸۲۳
عثمان بن ابوشیبة ۱۸۵-۲۶۹
« بن ابوسعید ۲۷۲
عثمانی (سلسله ـ دولت) ۶۵۹
عذرا ۳۵۶-۶۳۳
عزالدین ملاعبدالله بن‌حسین‌شوشتری ۴۹۴
۴۹۵-۴۹۶
عزیزالتقی الحافظ (کاتب) ۵۶۱-۵۸۸
عزیزالله ۹۴
عزیزمصر ۱۹۶
عسکری (حسن) ۶۳۵-۷۰۸
عصام ۱۵۲
عضدالدوله دیلمی ۲۰۳
عضدبن علی الماستمری ۵۱۶ - ۵۸۷
عطاءخشك بن‌سائب باب‌عطائی ۱۱۵-۱۸۴
۲۵۱
عطاردپور ۴۴
عطاءالله (میرزا آقا) ۵۹۳-۵۹۴
علاءبیك (خطاط) ۶۷۳
« الدوله ۸۵-۱۱۶-۱۸۸-۱۹۱
« الملك ۱۳۹
علیا منشارا کرکیا ۷۱۷
علی (امام)
۲۵-۲۶-۱۳۱-۱۴۱-۱۶۳ - ۱۹۳ - ۱۹۶
۱۹۷-۳۲۶-۳۳۶-۳۵۷-۳۶۲-۳۶۹- ۳۷۱
۳۷۲-۳۷۶-۳۷۹-۴۱۸-۴۲۰-۴۲۲- ۴۲۸
۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۴۵-۴۴۸-۴۵۵
۴۵۷-۴۵۹-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶- ۴۶۹
۴۷۱-۴۸۴-۵۰۳-۵۰۵
۵۰۶-۵۱۰-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۷
۵۲۱-۵۳۷-۵۴۰-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۵-۵۴۷
۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰- ۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵
۵۵۶-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۲-۵۶۴-۵۶۵
۵۶۷-۵۶۸-۵۷۳-۵۹۸-۶۱۶-۶۱۹- ۶۲۰
۶۲۶-۶۳۳-۶۵۵-۶۵۶-۶۶۶-۶۶۷- ۶۷۰
۶۷۱-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۶ -۶۷۷ - ۶۸۰
۶۸۱-۶۸۲-۶۸۵-۶۸۶- ۶۹۹-۷۰۳-۷۱۶
۷۲۲-۷۲۵-۷۴۴-۷۶۰-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۹
۷۸۴-۷۸۷- ۷۹۸-۸۰۶-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵
۸۲۶-۸۲۹-۸۳۱-۸۳۳-۸۵۲-۸۸۴
علیاحضرت فرح‌پهلوی‌شهبانوی ایران ۲۵۰
العلی ۷۷۹
علی‌بن احمدالطباطبائی الزوادی ۸۷۳-۸۷۶
علی‌اصغر (فرزندسیدسجاد) ۸۰۲
علی‌اکبر (بانی‌مسجد) ۷۳۶

شماره صفحات

علی‌بن محمدطنافسی ۲۱۷ - ۲۷۴
« محمودبن محمدالتبریزی ۸۵۲
« مرادخان زند ۹۸
« مرتضی (امام) ۳۴۴-۹۰۸
« بن‌مغیرة اثرم ۲۵۲
« بن موسی (امام) ۵۱۷ -۵۲۲ - ۵۲۹ ۵۶۷-۶۳۳
علی‌بن موسی‌الرضا (امام) ۲۸۵ - ۵۵۹ ۶۲۰
علی مولوی (کاتب) ۵۶۲
« نقاش ۶۲۴
« نقی (کاتب) ۷۶۲
« النقی ۵۴۲-۵۶۷ -۶۳۳
« نقی الامامی ۷۲۷-۷۵۲-۷۵۸
علینقی اصفهانی ۲۵۵
« امامی ۳۱-۴۸۸-۵۲۸-۵۸۹-۷۵۳
« بن محمد محسن الامامی ۷۶۷
علی‌بن یحیی طهرانی ۲۴۵
عمادالدین بناء ۷۸۴
« بن‌مظفر ورزنه‌ای ۵۵۲-۵۸۸
« ۲۳۲
عمران(پدرموسی) ۶۲۸
« بن عبدالرحیم ۲۰۳
عمر (ابن‌خطاب) ۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۷۸۷ ۸۵۱
عمربن احمدبن محمدبن حسین‌عنبری ۲۵۹
عمرحداد ۲۳۲
عمربن الخطاب ۵۰ - ۴۲۲-۴۲۸-۴۳۴ ۴۳۶-۴۳۷-۶۷۲-۷۳۶-۸۲۳
عمرخیام ۲۴۹
« بن عبدالعزیز ۴۴
« بن عبدالعزیز آل‌ابی دلف ۵۶۰
علی‌بن امام محمدباقر ۲۲۲
« امیرالمؤمنین ۸۰۱
« بیك برنا ۱۳۷
« بیك بن علیمرادخان ۶۱
« جان معلم (خطاط) ۷۲۰
« بن‌جعفر (کاتب) ۵۸۳
« بن‌حسن‌بن سلم اصفهانی ۲۶۳
« بن‌الحسین (امام) ۵۱۷-۶۲۰-۶۳۳
« بن‌حسین بن محمدعلی‌بن‌الحسین‌الحنظلی المؤدب الوذنکاباذی ۲۷۱
علی الحسینی ۱۳۸
« بن داودقنطری ۲۶۷
« بن رستم دیمرتی ۵۹
« رضاخان ۶۸
« الرضا ۷۰۸
« رضاالعباسی ۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵ -۷۲۹
« زین العابدین ۵۴۳-۵۶۷
« بن سعیدعسکری ۲۵۸
علیشاه‌اردستانی - ذوقی ۸۴
« بن تکش‌سلطان ۴۰۶
« ظل‌السلطان ۷۶
علی‌بن شجاع مصقلی ۲۴۲
« شیرزادانصاری ۱۲۵
« بن عبدالحمید ۲۰۲
« بن عبیدالله‌بن محمدبن‌عمربن‌علی ۷۲۳
« بن‌عوض ۷۸۸
علیقلی‌آقا-خواجه ۴۰۶-۴۰۷
علی‌الکرکی ۵۸۲
« کوهیارابرقوهی ۵۸۸
« بن‌محمد (امام) ۵۱۷-۶۲۰
« بن‌محمدالباقر ۷۴۳
« بن‌محمدالحسن ارجانی ۱۸۳

اعلام‌جایها — شماره‌صفحات

عمر بن‌عبدالعزیز اسواری ۲۱۰
« الفاروق ۵۶۴
عمرو بن رافع ۲۶۹
« بن زیادگندی شاپوری ۱۸۵
« بن علی ۲۰۱-۲۰۲-۲۱۱
« بن المبارك البجلی یهودیه‌ای ۲۷۸
عموعبدالله بن‌محمد بن‌محمود سقلا ۸۱۸
عنقا (محمدحسین‌شاعر) ۶۲۳
عوض (سرکاربناء) ۷۵۸
عیسی (نبی) ۴۸۵-۵۰۱-۵۵۶-۶۴۸-۶۵۸ ۷۸۳-۸۴۷
عیسی‌بن ابراهیم عقیلی ۲۵۲
« بن ایوب ۶
« بن عبدالرحمن ۱۴۲
عیسویان ۸۳۴

(غ)

غازان (سلطان) ۵۷۸
« خان ۹۰۹
غروری (شاعر) ۶۷۰
غزال ۲۶۵
غزنویان ۵۰۹
غفار ۴۷۸
غیاث الدین محمود الحسینی المستوفی‌کاتب ۷۶۸-۷۶۹
غیاث‌الدین میرمیران ۵۸۸

(ف)

فاضل‌اردکانی ۲۳۸
فاطمه (صدیقه) ۲۲۲-۲۵۰-۴۲۰ - ۴۵۵ ۴۵۹-۵۱۰-۵۲۱-۵۴۳-۵۵۶-۵۵۹-۵۶۰ ۶۶۷-۶۷۱-۶۷۳-۶۸۲-۷۰۸-۸۲۶
فاطمه (بضعه امام هفتم) ۷۷۳
« صغری ۷۷۲

اعلام‌جایها — شماره صفحات

فتحعلی (شاه) ۶۹۱ -۷۷۲
« شاه ۲۲-۶۱-۸۱-۸۲-۸۸-۹۲-۱۵۵ ۲۳۱-۴۴۰-۴۹۷-۵۶۵-۵۶۶-۵۸۹-۶۰۰ ۶۰۱-۶۴۱-۶۹۱-۶۹۲ - ۷۲۸ - ۷۸۱ ۷۸۳
فتحعلیخان اعتمادالدوله ۶۴۷
فتحعلی شه ۷۵۳
فتح‌الله (شاعروکاتب) ۵۹۳-۷۹۹
« ۶۹۸
« جلالی ۸۵۴
« نساج ۵۲
فتوح‌الدین احمد ۲۵۰
فخرداعی ۳۵۳
فخرالدوله دیلمی ۱۹۴
فخربن عبدالوهاب شیرازی بناء ۵۶۴
فخرالملك‌بن خواجه نظام‌الملك ۴۴
فراء ۲۳۶
فردوسی ۲۴۹
فرج‌بن عبدالله وذنکاباذی ۲۷۲
فرج فقیه یهودیه ای ۲۷۸
فرصت-محمدی‌بیك ۳۷۶
فرقدی ۲۵۷
فرهاد ۴۵۰-۶۲۶
فرهنگ-محمدعلی‌بن‌ابوطالب مذهب ۵۰۳
فریدون ۱۳۴
فریدون بن میرزاملکم خان جلفائی ۲۰۴ ۲۳۸
فریابی ۸۰۵
فضل ۲۵۲
فضل‌بن برغوث ۵۴-۲۰۲
فضل‌بن خصیب ۲۰۰
فضل‌بن دکین ۲۶

فضل‌الله شفروه ۴۹
فضیل‌بن عیاض ۲۳۲–۲۴۴
فیروزبن‌یزدجرد ۳-۱۱-۱۶
فیضعلی ۸۵۹-۸۶۰
فیضعلیخان قراباغی‌امیرتومان بیگلربیگی حاکم اصفهان ۶۲۴
فیضعلی‌شاه اول ۹۸
فیلیپس ۸۳۷
فیوضی (شاعر) ۷۲۲

(ق)

القائم (امام‌غائب) ۶۲۰–۷۰۸
قاسم(وزیرچهارده‌معصوم) ۸۱۰
قاسم‌بن ابی‌ایوب‌سنبلانی ۲۳۵
قاسم‌بن احمد ۱۴۲–۱۴۳
قاسم‌بن‌حکم عرنی ۲۰۵- ۲۴۵
« بن‌معن ۲۳۵
« بن مندةبن کوشیذضریر کلکه‌ای ۲۶۰
قاضی ابوالشرف ۵۶۶
قاضی ابوالقاسم ۷۱۹
قاضی‌ارجانی ۳۸-۱۸۳
قاضی‌حسن تویسرکانی ۴۷
قاضی صدرجهان ۷۰
قاضی صفی ۷۶۱
قاضی صفی‌الدین محمد زواره‌ای فرزند ملاابوالحسن علی‌زواره‌ای ۷۶۱
قاضی محمدبن احمدبن ابراهیم ۲۶۰
قاضی محمدبن احمدقمی ۲۹۱
قاضی معزالدین محمداصفهانی ۵۶۹
قباد ۱۶–۱۸–۴۵۰
قبح فرضی ۲۶۴
قتیبةبن مهران ۲۰۵-۲۴۵
قدامةبن میمون شمیکانی ۲۴۰

قدم‌قوتلو ۸۴۵
قرچقای بیك (حاجی) ۴۲
قزلباش (تیره) ۳۹۵
قطب‌الدین علی‌باب الدشتی ۲۱۲
قطب‌الدین محمودآل مظفر ۴۴ –۴۵-۷۵۶
قعنبی ۲۶۹
قنادری ۲۵۷
قیس ۲۷۸
قیصر ۱۹۶

(ك)

الکاظم (امام) ۷۰۸
کاظم شیرازی ۶۲۵
کاظم‌موسی (امام) ۵۷۴
کاوه‌آهنگر ۱۰ - ۸۸۸
کبار ۲۱۷
کثیر ۲۶۴
کدیمی ۲۴
کروزینسکی ۳۵۵
کریم‌خان (بانی‌مسجد) ۶۲۰
کریم‌خان زند ۸۵-۳۵۳
کسرا ۷۸۱
کشورجان بنت آقارضاشوشتری ۵۱۸
کفاش ۲۲۳-۳۷۸-۳۷۹–۷۹۸
کلباسی (حاجی) ۵۳-۲۲۴–۲۳۸ -۶۰۹
کلبعلی نادر ۲۵۰
کلعنایت ۷۰
کلیم‌الله ۸۰۳
کمال ۳۸۸-۳۸۹-۴۴۷
کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی ۲۰۶
۲۰۷-۲۲۹-۲۶۲-۸۱۱
کمال‌الدین اسماعیل بن‌ظهیرالدین ابراهیم اشترجانی ۸۲۵

کمال‌الدین حسن ۲۵۰
کمال‌الدین حسین حافظ هروی ۵۳۷-۵۳۸
۵۸۸
کمال‌الدین‌محمد ۲۵۰-۹۱۴
کمال‌الدین میرزا ۷۱۵
کمال‌بن شهاب‌الکاتب‌الیزدی ۸۰۷
کوچکعلی (شاعر) ۸۹۳
کوردش ۱۲
کوست ۲۳۱
کوش‌بن حام ۳
کیخسرواینجو ۴۲۵
کی‌گشتاسب کیانی ۱۲

(گ)

گالستانیان ۸۴۵
گدارفرانسوی ۴۲۳- ۵۳۰ - ۹۰۶
گلستانه (طایفه) ۷۱۰
گل‌صنم ۸۳۸
گل‌نبات ۸۳۹
گودرزبن‌کشواد ۱۰

(ل)

لردگرزن ۳۵۳
لسان‌الدین عبدالجواد خطیب ۴۷۶
لله‌بیك ۱۰۹
لوائی ۹۸
لوین ۲۱۱-۲۳۶-۲۴۴
لیسین پاشه ۸۴۵

(م)

ماردیروس ۸۳۸-۸۳۹
مارکار ۸۴۵-۸۳۹
مارگادیت ۸۳۹
مافروخی ۱۹۱-۷۲۴
ماقاکیا ۸۴۳
مالتان سلیم ۸۳۸
مالك بن بحرواذنانی ۲۷۲
ماهدسی آودیك ۸۴۵
ماهدسی خواجه آودیك ۸۴۵
ماهدسی خواجه بطروس ۸۴۲
مایرون بمنت سمیث ۴۲۲
مبارزالدین ۵۰
مبارك‌بن فضالة ۲۲۵-۲۵۴
مجاهدالسلطنه ۷۰
مجلسی ۲۳۱
مجلسی دوم ۵۶۹
محبعلی بیکالله ۶۶۶
محبعلی‌لله‌بیك ۳۹۱
محتشم‌کاشانی ۷۴۹-۸۰۶
محاملی ۲۵۹
محسن الامامی ۵۵۷-۵۸۹-۷۵۶ - ۷۵۷
محمد (ابن‌عبدالله) ۲۶- ۳۱- ۱۴۱
۳۷۱-۳۷۲-۳۷۶-۴۱۱ - ۴۱۸ - ۴۲۰
۴۲۲-۴۲۳-۴۲۸ - ۴۳۰ - ۴۳۴ - ۴۳۵
۴۳۶-۴۳۷-۴۴۸-۴۵۵- ۴۶۳ - ۴۶۵
۴۸۴-۵۱۰-۵۱۲ - ۵۱۴-۵۱۵ - ۵۲۱
۵۳۷-۵۴۰-۵۴۲-۵۴۳ - ۵۲۵ - ۵۴۷
۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۸
۵۶۲-۵۶۵-۵۶۷-۵۷۳-۵۹۸ - ۶۰۸
۶۱۶-۶۱۹-۶۲۰-۶۴۳ - ۶۶۷ - ۶۶۸
۶۷۲-۶۷۳-۶۷۵-۶۷۶ - ۶۸۰ - ۶۸۲
۶۸۴-۶۸۶-۷۰۳-۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۷
۷۱۶-۷۲۱-۷۲۲-۷۷۱ - ۷۷۹ - ۷۸۷
۸۰۷-۸۱۸-۸۲۴ - ۸۲۵-۸۲۶ - ۸۲۹
۸۳۱-۸۳۳-۸۳۴-۹۰۸
محمد(باقر) ۸۲۶
محمد ۷۲۳
محمد (باباقاسم) اصفهانی ۷۸۵ -۷۸۶

اعلام

شماره صفحات

محمدبن ابان‌بلخی ۲۰۲-۲۱۷
محمدابراهیما ۶۸۷
محمدابراهیم اصفهانی (خطاط) ۵۱۱- ۵۱۳
محمدابراهیم اصفهانی‌ابن‌استاداسماعیل‌بناء ۴۸۵-۴۸۷
محمدابراهیم بیك‌یوزباشی ۷۵۵
محمدبن ابراهیم جیرانی ۱۸۶
محمدبن ابراهیم فابزانی ۲۵۲
محمدابراهیم بن‌احمدبن سلامةالنجفی۴۹۳
محمدابوجعفر ۲۵۰
محمدبن ابونصرشجاع خرجانی ۲۱۸
محمدبن ابی عبدالله بن دلیل دلیلی ۲۰۶
محمدبن احمد ۲۳۰
محمدبن احمدرئیس ۲۵۰
محمدبن احمدبن ابراهیم‌اصفهانی ۲۵۲
محمدبن احمدبن‌تمیم ۲۴۴
محمدبن احمدبن حسنویه ۷۱
محمدبن احمدبن عمرواذناتی ۲۷۲
محمدبن احمدبن مخلدفرقد ۲۴۴
محمد اسماعیل (بناء) ۷۱۹
محمداسماعیل (کاشی‌پز) ۶۴۹
محمداسماعیل بن محمدجعفرخاجوئی-۲۲۳
محمدامین‌بن اخی ۵۲۳-۵۲۴-۵۹۲
محمدامین‌خازن عباس‌آبادی ۲۴۷
محمدامین‌بن محمدمؤمن‌کاشیکار بناءاصفهانی ۵۴۹-۵۵۱
محمدالباقر ۵۵۹-۵۶۷
محمدباقردماوندی ۹۱۲
محمدباقردولت آبادی ۴۱
محمدباقرشیرازی (خطاط) ۵۱۵-۶۰۷-۶۲۰-۶۴۶-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۶-۷۲۴-۸۳۳ ، ۹۰۴
محمدباقرمجلسی ۲۵ - ۲۸۸- ۲۹۱- ۴۹۲
۵۲۸
محمدباقر مجلسی دوم ۵۶۸ - ۵۶۹
محمدباقر بن‌محمدجعفرباغاتی ۱۸۸
محمدباقرمروی ۱۲۴
محمدبدیع بن‌سیدمصطفی دربامامی ۲۲۸
محمدبن بکران ۸۵۰ ، ۸۵۳
محمدبن بکیر ۲۰۱ ، ۲۰۳
محمدبن بکیرحضرمی ۲۵۴
محمدالتقی ۵۴۴ ، ۵۶۷
محمدتقی (خطاط) ۷۱۲
محمدتقی ۷۹۹
محمدتقی مجلسی ۲۵
محمدتقی بن حاج میرزا عبدالرزاق ۱۸۲
محمدتقی بن‌محمدابراهیم اصفهانی(کاتب) ۶۲۶ ، ۷۱۰ ، ۷۸۴
محمدجعفر (واقف‌کاشی) ۵۱۰ ، ۵۱۱
محمدبن جعفر ۲۲
محمدبن جعفرطهرانی ۲۴۵
محمدبن جعفربن یحیی‌بن فرقدضبی‌واذاری ۲۷۰
محمدبن جعفربن یوسف ۲۶۵
محمدبن جلال‌الدین عربشاه ۷ ، ۸
محمدبن حارث صیداوی ۲۷۸
محمدبن حرب ۲۴۴
محمدحسن افشار (نقاش) ۳۵۸
محمدحسن الجزائری ابن‌شیخ محسن ۵۲۹ ۵۸۴
محمدبن حسن‌بن محمدفلاورجانی (فاضل هندی) ۳۰۴
محمدحسین‌بن آقامسیح ۸۷۴
محمدحسین‌خان امین‌الرعایا ۶۱۸ ، ۶۱۹ ۶۲۵

محمدحسین‌خان شیبانی ۱۳۴
محمدحسین‌خان عرب‌عامری ۱۳۳ ، ۱۳۴
محمدحسین صغیر (شاعر) ۱۷۲ ، ۷۱۶
محمدحسین عنقا ۱۹۷
محمدحسین‌کاشی ۱۰۶
محمدحسین گیوه‌فروش ۷۷
محمدحسین لله زندیکله ۷۴۸
محمدحسین‌بن محمدعلی مذهب ۶۴۸
محمدبن حمزةبن عماره ۲۱۷ ، ۲۵۹
محمدبن حمید ۲۱۷ ، ۲۵۲
محمدبن حیان ۲۰۱
محمدخان طبسی ۱۳۳
محمدخان ۱۳۴
محمدخان قاجار ۳۵۷
محمدداودتویسرکانی ۴۷
محمدداود حکیم ۲۰۶
محمدرحیم‌خان امیرالرعایا ۶۱۹
محمدرحیم‌خان بیگلربیگی۶۱۸ ـ۶۱۹ ، ۶۲۳ ، ۶۲۴
محمدرضاالادهمی‌الاصفهانی ۶۰۶ ، ۶۴۰ ، ۶۷۶
محمدرضا بن استاد حسین‌بناء ۶۹۷ ، ۷۰۰
محمدرضا امامی ۴۱ ، ۱۴۶ ، ۳۹۸ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵ ، ۴۴۲ ، ۴۴۴ ، ۴۵۶ ، ۴۷۱ ، ۴۷۲ ، ۴۷۴ ، ۵۰۲ ، ۵۱۴ ، ۶۰۶ ، ۶۰۷ ، ۶۰۸ ، ۶۴۱ ، ۶۴۲ ، ۶۴۵ ، ۶۶۶ ، ۶۷۴ ، ۶۷۷ ، ۶۸۰ ، ۶۸۲ ، ۶۸۳ ، ۷۲۳ ، ۷۲۴ ، ۷۲۵ ، ۷۵۲ ، ۷۶۹ ، ۷۸۴ ، ۷۸۸ ، ۹۱۲
محمدرضاخادم‌شاه زید ۷۷۴-۷۷۵
محمدرضا راضی عباس‌آبادی ۲۴۷
محمدرضاشاه‌پهلوی ۳۸۸ ، ۶۸۶
محمدرضا قلیخان هما ۱۹۶
محمدبن زنبور ۲۰۲
محمدزمان بن‌عبدالباقی اصفهانی (خطاط) ۵۵۰ ، ۵۸۹
محمدبن زیدذکوان کرانی ۲۵۹
محمدساوی ۵۱۶
محمدبن سعدالدین محمد حسینی اوحدی معروف به میرتقی لنبانی ۲۶۳
محمدبن سعیداصفهانی ۳۳۵
محمدبن‌سکین فلفلانی ۲۵۵
محمدبن سلیمان‌بن علی کوچه‌گازرانی ۲۸۳
محمدبن سهل‌بن‌الصباح ۲۱۰ ، ۲۵۴
محمدسیاوش (کاتب) ۶۱۶
محمدشاه ۳۵۰
محمدشاه‌غازی ۶۸۴
محمدشاه قاجار ۲۲ ، ۱۵۵ ، ۱۶۷ ، ۵۰۳ ، ۶۱۴ ، ۶۲۱
محمدشاهقلی ۷۱۵
محمدشاه‌هندی ۳۴۹
محمدشرفاالشریف المنجم ۷۴۷ ، ۷۴۸
محمدشفیع ۷۸۳ ، ۷۸۴
محمدشفیع بن‌جمال‌الدین‌محمدخوزانی ۴۷۲ ، ۴۷۳ ، ۴۷۴
محمدشفیع میرزا ۳۹
محمدصالح (خطاط) ۳۲۲ ، ۳۲۴ ، ۳۴۸ ، ۳۴۹ ، ۴۵۰ ، ۶۷۴ ، ۶۷۵ ، ۶۷۹ ، ۶۸۰ ، ۷۱۸ ، ۷۵۳ ، ۸۰۹ ، ۸۱۰ ، ۸۴۹
محمدصالح اصفهانی ۶۷۸
محمدصالح اصفهانی مولوی ۸۴۹
محمدصالح امامی ۸۴۹
محمدصالح بن‌عباس مولوی ۶۸۰
محمدصالح بن میرزا ابوتراب اصفهانی ۶۷۸ ، ۶۸۰

شماره صفحات

محمدصالح بن‌میرزاعلی خاتون آبادی ۶۸۰
محمدصفی آباده‌ای ۵۹۵
محمدطاهر ۴۵۱
محمدطاهر نصرآبادی ۷۲۴
محمدطاهروحیدقزوینی ۳۰۹،۶۷۹
محمدبن عاصم ۲۰۳،۲۶۷
محمدبن عبدالرحمن‌بن الفضل ۲۷۶
محمدبن عبدالرحمن‌بن مخلد ۲۵۴
محمدبن عبدالله بن ابی‌رافع ۶۷۳
محمدبن عبدالله بن‌الحسن ۲۷۴
محمدبن عبدالغنی جبلی ۴۲
محمدبن علی(تقی) ۵۱۷،۶۲۰،۶۳۳
محمدبن علی (باقر) ۵۱۷،۶۲۰
محمدبن علی ۹۱۴
محمدعلی بن استادعلی بیك بناءاصفهانی ۵۲۰ ۶۰۶،۶۰۸
محمدبن‌علی جوزدانی ۲۱۰
محمدعلیخان ۱۳۳
محمدعلی‌خان ۷۷۳،۷۸۱-۸۰۵
محمدعلی دانشور ۴۴۱
محمدعلی رادی ۴۹۳
محمدعلی رکابدار ۵۹۱
محمدبن‌علی بن‌الحسین ۷۶۵
محمدعلی بن سعیدالحسینی النطنزی ۹۱۳
محمدعلیشاه قاجار ۲۳۰
محمدعلی صائب‌تبریزی ۱۷۶
محمدبن‌علی بن مخلدبن فرقدی ۲۵۶
محمدعلی کاشی‌تراش ۶۸۶،
محمدبن عمده‌القضات غیاث‌الدین‌الملاعلی الزواری ۷۶۰
محمدبن‌عمر بغلانی ۲۶۵
محمدبن‌عمید ۱۸۴
محمدبن عیسی‌المقری ۲۱۱
محمدبن عیینه ۱۵۳
محمدغنی (خطاط) ۶۷۶،۶۷۷
محمدفاضل بن‌محمد شفیع ۱۸۲
محمدقاسم خراسانی ۶۰۹
محمدقاسم زاهد ۶۱۲،۶۱۳
محمدقاسم نجفی ۲۵۰
محمدقلی ۵۷۴
محمدقلی بیك‌شاکرعباس‌آبادی ۲۴۸
محمدکاظم‌بن آقارضا شوشتری ۵۱۸
محمدکریم‌خان وکیل‌الرعایا ۶۱۸،۶۱۹
محمدبن لرة ۵
محمدبن مبارك ۲۶۷
محمدبن المثنی ۲۷۳
محمدمحسن ۴۵۵
محمدمحسن الامامی ۵۰۳ ، ۵۲۱ ، ۶۱۲ ۶۱۳،۷۷۴
محمدمحسن‌الحسینی المشهدی‌ابن محمدقاسم ۴۸۴-۴۸۷
محمدمحسن‌بن‌محمدرضا الامامی ۵۵۹،۷۵۷ ۷۷۴
محمدبن محمد ۲۴۴
محمدبن محمدبن عبدالرحمن میدانی ۲۶۸
محمدبن محمدمحسن زاهد ۶۱۲،۶۱۳
محمدبن محمدبن یحیی ۸۰۳
محمدبن مسلمة ۲۴
محمدمطلق ۵۷۵
محمدمقیم‌بن پهلوان اسماعیل تفنگچی ۴۸۸
محمدبن ملکشاه سلجوقی ۸۹۵
محمدممجة ابن‌ابراهیم جیرانی ۲۱۱
محمدبن منصور ۲۲
محمدبن موسی صیرفی ۲۰۷

محمدمؤمن ۷۹۱
محمدمؤمن بن استادعلی بیك بناء اصفهانی ۴۸۴،۴۸۷
محمد مؤمن ولد پهلوان اسماعیل تفنگچی ۴۸۸
محمدمؤمن الحسینی ۴۶۴
محمدالمهدی ۵۴۴،۵۶۷
محمدمهدی ارباب ۸
محمدمهدی الحسینی ۴۵۱
محمدمهدی بن‌سیدمحمد موسوی چهارسوقی ۲۱۴
محمدمهدی کلباسی ۶۰۹
محمدمهدی بن میرزا اسماعیل ۷۵۷
محمدبن میمون ۲۲
محمدنجیبا ۱۳۰،۱۳۲، ۱۳۳
محمدنصر (کاتب) ۶۱۶
« بن‌نصربن عبدة خرجانی ۲۱۷
محمدبن هارون ۲۳۲
محمدی بیك ـ فرصت ۳۵۸-۳۷۶
محمدبن‌یحیی بن‌ابان ۷۱
محمدبن یحیی بن‌مندة ۲۰۲، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۷۸
محمدبن یعقوب شیبانی ۱۸۷
محمدبن یوسف‌بناء ۸۱۱
محمود آقاخان ۶۸
محمود ۴۱۱،۴۱۲
محمودبن صبیح ۱۸۷
محمود شاه بن محمدالنقاش الکرمانی ۹۰۸
محمودبن غیلان ۲۱۷
محمودبن محمد ۸۷۰
محیی‌الدین محمدسهاملك الادباء ۱۹۷
مخلدبن‌الحسین ۱۵۳
مراد ۸۳۹
مرادخالداریان ۸۳۹
المرتضی ۸۰۳، ۸۰۴
مرتضی بن‌الحسن العباسی الزینبی ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۸۸
مرتضی‌علی ۶۸۷
مرشد ۶۳۸
مرشد (واقف) ۸۷۰
مریم ۸۴۴
مریم (مادر عیسی) ۶۴۸
مریم‌بانو ۲۲۱
مریم‌بیگم ۳۰-۳۱-۳۲-۷۳۹
مریم تاتیك ۸۳۸
مسعود (کاتب) ۵۸۹
مسعودبن‌محمود سبکتکین ۱۸۶
مسعودمیرزا ظل‌السلطان ۶۰-۶۲-۶۸-۷۱-۷۶-۸۱-۱۹۰-۶۷۵
مسلم ۲۸۳
مسلم (صاحب‌صحیح) ۵۵۵
مسلم زنجی ۲۳۹
مسمی‌پرست (خطاط) ۶۸۶
مسیح (عیسی) ۷۲۱-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۳
مشکوة ۲۲۸
مشهدی‌حسن سلمانی ۶۱۴-۶۱۵
مشیر انصاری ۶۷-۲۸۳
مصطفی (نبی) ۶۵۶-۶۸۶-۷۹۵-۸۰۰-۸۷۴
المصطفی ۸۰۳-۸۰۷
مصطفی‌خان مستوفی ۳۴۰
مصطفی‌دده (خطاط) ۶۷۳
مصطفی‌قلیخان‌سهام‌السلطنه عرب‌عامری ۸۹۳
مصطفی‌قلیخان فراشباشی ۶۹-۳۹۳
مصطفوی‌محمدتقی ۳۸۲
مضر (طایفه) ۶۷۷

مطیار ۴
مطیعا عباس‌آبادی ۲۳۹
مظالمی ۲۷۶
مظفر پادشاه ۴۱۱
مظفردین شاه ۴۱۱
مظفرالدین‌شاه قاجار ۸۴۳،۶۲۸
مظفرشه ۶۲۹
مظفرعلی ۳۵۸
معاذبن اسد ۲۰۵
معارفی ۳۵۵
معتصم ۲–۶–۷
معتمدالدوله گرجی ۲۲–۱۶۷،۵۰۳–۸۴۰
معتمر ۲۳۵
معروف کرخی ۲۳۲
معزالدین محمد میرزاابوطالب باغاتی ۱۸۸–۷۷۸
معزالدین مهدوی ۸۱۷
معصوم (کاشی‌پز) ۶۴۹
معلم حبیب‌آبادی ۱۹۵
معین منشی ۱۳۷
المغازلی ۶۸۱
مقتدر ۷–۷۲
المقتدر بالله ۲۰۲
مقدس اردبیلی ۴۹۴
مقری ۲۰۲-۲۴۴-۲۷۳-۲۷۸
مقصودبیك ناظر ۷۲۹
مکی‌بن ابراهیم ۲۲۶
مگردیچ ۸۴۳
ملااسدالله‌بن ملامحمدعلی جوزدانی ۲۱۰
ملااسماعیل خاجوئی ۲۲۲-۲۲۳
ملاحاج‌محمدکریم مجنون تخلص‌دردشتی ۲۲۹
ملاحسنعلی شوشتری ۳۰۴–۴۹۵
ملاحسنعلی‌بن محمدصالح ۵۷۱

ملادرویش محمد ۵۶۹
ملارحیم کرانی ۲۵۹
ملاشکوهی ۱۰۱
ملاصحیفی (خطاط) ۲۲۵
ملاعباس‌بن محمدبیك زیداوغلی عباس‌آبادی ۲۴۹
ملاعبدالباقی‌بن محمدصالح ۵۷۱
ملاعبدالجواد حکیم ۳۹
ملاعبدالکریم جزی ۵۰۷
ملاعبدالله شوشتری ۳۰۴-۴۹۲-۵۶۹-۵۷۰-۷۰۱–۷۰۲
ملاعبدالله‌بن ملامحمدباقر مجلسی ۵۶۹
ملاعزیزالله‌بن ملامحمدباقر مجلسی ۵۶۹
ملاعزیزالله‌بن میرزا محمدتقی الماسی ۵۷۱
ملاعلی‌حبش ۹۹
ملاعلی میرزا مؤذن ۶۴۶
ملاعلی نوری ۱۹۲
ملامحراب گیلانی ۱۹۲
ملامحسن فیض ۲۱۱
ملامحمد اشرف‌بن محمدصالح ۵۷۱
ملامحمدامین‌بن ملاعبدالفتاح ۲۴۹
ملامحمدباقر سبزواری ۴۰-۶۰۹
ملامحمدتقی اصفهانی معروف به‌ملاتقیا ۲۶۳
ملامحمدتقی مجلسی اول ۴۹۵ - ۵۲۸-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۲
ملامحمدتقی‌بن ملاحسین بن‌ملاحسن‌لنبانی ۲۶۳
ملامحمدجعفر شیخ‌الاسلام ۶۰۹
ملامحمدحسین کرمانی ۷۴۰
ملامحمدحسین‌بن محمدصالح ۵۷۱
ملامحمدحسین‌بن ملامحمدجعفرفشارکی ۲۲۴-۷۳۵
ملامحمد صادق‌بن ابوالقاسم‌بن محمد باقر خاجوئی ۲۲۳

ملامحمدصادق پلوی ۲۱
ملامحمدصادق‌بن ملامحمدباقر مجلسی ۵۷۲
ملامحمدصالح مازندرانی ۵۷۱
ملامحمدصالح‌بن ملامحسن جوبادی ۲۰۷
ملامحمدعلی استرآبادی ۵۷۲
ملامحمدعلی سهیلی شمس‌آبادی ۱۹۹
ملامحمدعلی مفرد عباس‌آبادی ۲۴۹
ملامحمدعلی معلم حبیب‌آبادی ۸۴۷
ملامحمدقاسم ۴۹۲-۵۶۹
ملامحمد مهدی قمبوانی ۲۳۴
ملامحمدمهدی نراقی ۴۳-۶۰۹
ملامحمد نصیربن ملاعبدالله مجلسی ۵۷۲
ملامرتضی‌بن ملافتحعلی‌لنجانی خاجوئی ۲۲۴
ملامقصودعلی نطنزی ۵۶۹
ملامهدی واثق ۲۵
ملانورالدین محمدبن محمدصالح ۵۷۱
ملانورالله افندی ۱۸۲
ملایوسف‌بن ملاعلی‌میرزا ۶۴۶
ملك اصلان‌بیك‌بن رستم‌سلطان‌افشارارشلو ۷۱۶
ملك سلطان جارچی‌باشی ۵۲۴-۵۲۵ - ۵۲۶-۵۲۷
ملکشاه سلجوقی ۶۶ - ۶۷-۷۲-۸۶-۹۴-۹۵-۱۸۸ - ۲۲۹-۴۱۸-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۳-۵۳۴ - ۸۸۱
ملك‌المتکلمین‌حاج‌میرزا نصرالله بهشتی‌دردشتی اصفهانی ۲۲۹
ملك‌مسعود ۷۴۸
ممشاذ محمدبن سندیلة جروائانی ۲۰۲ -۲۰۳
منشی‌الممالك ۵۹
منصور خلیفه ۶
منوچهرخان معتمدالدوله ۱۶۷ - ۲۳۹-۶۸۶-۸۴۰
منیعی ۲۳۳
موراسه ۸۳۹
موسس وارتابد جلفائی ۸۳۹
موسی(بنی) ۱۳۱ - ۳۴۳-۴۵۵-۵۴۷-۵۵۵- ۶۴۸ -۶۷۲-۶۷۸-۷۸۲-۷۷۹-۷۸۴-۷۹۵
موسی (ساعی درب مسجد جامع) ۷۱۷
موسی‌بن‌جعفر ۵۱۷-۶۲۰-۶۳۳-۷۶۲-۷۷۲
موسی‌الکاظم ۵۴۴-۵۴۹-۵۵۹-۵۶۷-۵۹۳ - ۷۷۲-۷۷۸-۷۸۳-۸۹۳-۹۰۰
مولی زعفران (افغانی)۵۶۴
مولی نظام‌الدین ۵۶
مؤمل ۲۰۲
مهدی ۶-۲۴
مهدی‌الحسینی معمار ۸۱۰
المهدی صاحب‌الزمان ۵۳۸
مهدی کاشانی ۹۱۲
مهدی هادی ۷۲۷
مهران ۲۵
مهران‌بن شبیب ۵۳
مهرعلی مولوی (کاتب) ۵۶۵
مهربن وردان ۲۹۷
میرآقابیك‌بن میریحیی ۱۲۰-۴۸۷
میرآگهی ۱۰۱
میراسماعیل دیباج ۲۵۰
میرجلال‌الدین احمد ۹۰۹
میرحسن فخرالدین ۲۵۰
میرحسین‌بن سید روح‌الله ۴۸۷
میرحیدرمعمائی کاشی ۳۲۴
میرداماد ۴۹۵-۴۹۶-۵۳۸
میرزین‌العابدین حسینی تبریزی ۴۹۲
میرسیداحمد کچویه مثقالی ۴۸۸
میرسیدحسن مدرس ۲۱۳-۶۰۹-۶۱۸-۶۱۹ ۶۲۱
میرسید خلیقی‌پور ۳۸۰-۳۸۲

اعلام — شماره صفحات

میرسیدعلی جناب ۳۵۵–۷۰۱
میرسیدعلی کچویه مثقالی ۴۹۰
میرسیدعلی مشتاق عباس‌آبادی ۲۴۹
میرسیدعلی نجف‌آبادی ۴۷۷
میرسیدمحمد درب امامی ۲۲۸
میرسید محمد شهشهانی ۲۱۳–۶۰۹
میرسیدمحمد مستوفی ۲۲۷
میرسیدمحمد نجف‌آبادی ۴۴۱
میرشاهمیر ۲۴۶–۲۴۹–۲۵۰
میرصدرالدین بن میرمحمد ۲۵۰
میرعبدالباقی بن میرمحمدحسین ۵۲۸
میرعظیم بن عنایت‌الله اصفهانی ۵۷۲
میرعلی‌اکبر بن شاهمیر ۲۵۰
میرعلی‌اکبر بن میرزا رفیع ۲۵۰
میرعلی جواهر رقم ۲۴۶–۲۵۰
میرعلی شهید ۷۹۱
میرعماد (خطاط) ۵۱۵–۶۷۵–۶۷۸–۸۵۹
میرعمادالدین ۲۵۰
میرفتاح بن میرصدرالدین ۲۵۰
میرفندرسکی ۵۶۹
میرمجدالدین اسماعیل بن امیرمظفر باب‌الدشتی ۱۸۴
میرمحمداسماعیل باقلعه‌ای ۱۹۵
میرمحمداسماعیل خاتون‌آبادی ۸۵۴
میرمحمدبن میراسماعیل دیباج ۲۵۰
میرمحمدباقرمدرس ۸۱
میرمحمدباقر بن میرمحمد هادی ۱۹۵
میرمحمدحسین اردستانی ۴۸۸–۴۹۰
میرمحمد حسین بن میرعبدالباقی سلطان‌العلماء ۵۲۹
میرمحمد حسین بن میرمحمدتقی موسوی درب امامی ۲۲۸
میرمحمدحسین بن میرمحمد صالح ۵۲۸
میرمحمدحسین بن میریحیی ۲۲

اعلام — شماره صفحات

میرمحمدسعید اردستانی ۴۹۱
میرمحمدسعیدبن میرعلی‌اکبر ۲۵۰
میرمحمدصالح ۵۲۸
میرمحمدعلی بن میرعبدالصمد شهشهانی ۲۳۸
میرمحمدمهدی سلطان‌العلماء ۵۲۹
میرمحمدمهدی بن میرمحمدحسین ۵۲۸
میرمحمدهادی باقلعه‌ای ۱۹۵
میرمحمدهاشم ولد میرمحمدجعفر ۴۸۹
میرمحمودبن میرعلی ۸۳۰
میرمطلب بن میرفتاح ۲۵۰
میرم کاشی‌تراش ۸۰۲
میرمیران ۵۷۶
میرزاآقاجان پرتو ۵۰۳–۵۰۴
میرزاآقاخان محاسب‌الدولة ۷۲
میرزا آقاسی عباس‌آبادی ۲۲۸
میرزا ابراهیم جوهری ۱۲۴
میرزا ابراهیم خوش‌نویس ۵۶
میرزا ابراهیم‌بن سید محمد صادق خوانساری چهارسوقی ۲۱۳
میرزا ابراهیم عارف عباس‌آبادی ۲۲۸
میرزا ابوتراب حجاب عباس‌آبادی ۲۲۷
میرزا ابوتراب رئیس‌الخطاطین ۲۴۶–۲۴۸–۶۷۸
میرزا ابوتراب مستوفی شهشهانی ۲۳۸
میرزا ابوالحسن باقلعه‌ای ۱۹۵
میرزا ابوالحسن مستوفی شهشهانی ۲۳۸
میرزا ابوطالب خاجوئی ۲۲۳
میرزا ابوطالب وزیر ۲۵۰
میرزا ابوالقاسم شمس‌آبادی ۲۳۹
میرزا ابوالقاسم شوقی اصفهانی ۷۸۰
میرزا ابوالقاسم صائب ۸۰۹
میرزا ابوالقاسم فندرسکی ۸۵۸
میرزا ابوالقاسم لشکرنویس ۲۳۸
میرزا ابوالقاسم محمدنصیرطرب ۱۹۶

میرزا ابوالقاسم مدرس ۲۹۲
میرزا ابوالقاسم ناصرحکمت ۱۸۲
میرزا ابوالمعالی ۱۳۸–۱۳۹
میرزا احمدبیك نمکی ۱۴۷
میرزا احمد شهشهانی ۲۳۸
میرزا احمدخان فاتح ۶۵
میرزا احمد نیریزی ۳۵۰
میرزا احمدبن محمدباقر چهارسوئی ۲۱۴
میرزا احمدبن‌میرزاابوالقاسم شمس‌آبادی۲۳۹
میرزا اسماعیل بیدآبادی ۱۹۳
میرزا اسماعیل‌بن میرزا ابوالقاسم ۲۳۹
میرزا باقر کجکانی ۴۸۹
میرزابیك‌بن‌صدرالدین‌موسوی حسینی‌فندرسکی ۸۵۸
میرزا تقی‌اشراقی ۵۸–۶۸–۷۵–۷۶
میرزا تقی‌بن محمدباقر ۴۱
میرزا جعفر امام‌جمعه ۵۷۱
میرزا جعفربیدآبادی ۷۵
میرزا جواد (مستوفی) ۶۲۳–۶۲۴
میرزا حبیب‌الله‌خان مشیرالملك ۳۸۴
میرزا حسن ۷۷
میرزا حسین ۷۷
میرزا حسین‌خان تحویلدار۱۶۸–۳۳۴–۳۴۵–۳۶۶
میرزا حسین‌خان ضابط ۷۰
میرزا حسین‌بن میرزا علیرضا ۵۰۱
میرزا حیدرعلی‌بن ملامیرزا شیروانی ۵۷۲
میرزا خان‌بن آقارضا شوشتری ۵۱۸
میرزا رشیدا ۵۰۶–۵۰۷
میرزا رشید ناظم‌الاطباء اردستانی ۴۹۳
میرزا رضا حسینی ۵۷۲
میرزا رضی صدر ۴۱–۵۹
میرزا رضی‌منشی‌الممالك ۲۱۹–۲۲۵–۲۵۶ - ۴۰۲
میرزا رفیعا نائینی ۸۵۷
میرزا رفیع‌الدین محمدنائینی ۴۹۵
میرزا رفیع‌الدین‌بن میرزا ابوطالب ۲۵۰
میرزا رفیع‌الدین‌بن میرمطلب ۲۵۰
میرزا رفیع‌الدین نظام‌العلماء ۲۵۰
میرزا سلمان اعتمادالدوله ۵۰۳–۶۵۹
میرزا سلیم نایب‌الصدارة ۲۵۰
میرزا سلیمان خلف شیرازی ۸۵۳
میرزاسلیمان‌خان رکن‌الملك۵۹۵–۶۲۵–۸۵۴
میرزا شاه‌حسین ۷۱۴–۷۱۵
میرزا شریف‌بیك خازن عباس‌آبادی ۲۴۷
میرزا شکرالله مستوفی ۵۶
میرزا صبوح ۲۴۹
میرزا صدرالدین جابری ۴۷
میرزاطالب باغاتی معزالدین محمد ۷۷۲
میرزا طالب‌بن حاج‌میرزاخان‌بیك عباس آبادی ۲۴۹
میرزا طاهروحید ۳۱۴
میرزاظهیرولد میرزامحمدیوسف‌اردستانی۴۸۹
میرزاعباس صابر علیشاه ۱۹۵
میرزاعباس فایض ۱۹۹
میرزاعبدالباقی ۱۸۲
میرزا عبدالجواد خطیب ۶۲۹
میرزا عبدالرحیم کازرونی ۷۴۰
میرزا عبدالغفارخان شهشهانی ۲۳۸
میرزا عبدالغفار سحاب ۱۹۵
میرزا عبدالله افندی ۳۴–۲۶۳
میرزا عبدالله نقاش ۳۵۶
میرزا عبدالوهاب ۷۷
میرزا عبدالوهاب پسر میرزا عبدالحکیم ۱۸۲
میرزا عبدالوهاب‌بن محمدامین شهشهانی ۲۳۸
میرزا عرب ناصح ۲۵۰
میرزا عزت ناصح ۲۵۰
میرزا عطاءالله‌بن میرزا محمدباقر چهارسوئی

۲۲۴
میرزا علاءالدین گلستانه ۴۸۸
میرزا علی‌اکبرخان سرتیپ ۷۲
میرزا علی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء ۷۹
میرزا علی‌بن حیدر فوطه‌باف ۷۸۹
میرزا علیخان نائینی ۱۶۸-۳۳۱-۳۳۳-۳۳۴-۳۴۷-۳۶۶-۳۹۷-۸۶۹
میرزا علیرضا آقاجان پرتو ۵۰۴-۵۹۶
میرزا علی‌گچبر ۳۵۸
میرزا علی محمد گلستانه ۶۸
میرزا علینقی شهشهانی ۲۳۸
میرزا علینقی کمره‌ای ۳۲۵
میرزا عیسی‌بیك‌بن محمدصالح جیرانی ۲۱۲
میرزا غلامحسین میدان‌کهنه‌ای ۲۶۸
میرزا فتح‌الله جلالی ۶۵۱
میرزا فضل‌الله‌خان دهش ۷۸
میرزا قاسم‌خان زاهد عباس‌آبادی ۲۴۸
میرزا کاظم‌بن میرزا عزیزالله الماسی ۵۷۱
میرزاکریم‌بن حاج‌محمداسماعیل‌خاجوئی ۲۲۳
میرزا کمال‌الدین محمد فسائی معروف‌به‌مولانا کمالا ۵۷۲
میرزا کوچك خاجوئی ۲۲۳
میرزا محتشم (شاعر) ۶۷۰
میرزا محمدباقرامامی درب‌امامی ۲۲۷
میرزا محمدباقربهاء ۱۲۵-۱۹۳-۲۲۳
میرزا محمدباقرحکیم ۶۷
میرزا محمد باقربن زین‌العابدین چهارسوقی ۲۱۳
میرزا محمدباقر طبیب خاجوئی ۲۲۳
میرزا محمدباقربن میرزا عبدالله مجلسی ۵۷۲
میرزا محمدباقرگلستانه ۴۸۸
میرزا محمدتقی ۴۸۹
میرزا محمدتقی الماسی ۵۲۸-۵۷۱
میرزا محمدتقی سارو تقی ۶۴۰

میرزا محمدجعفر شهشهانی ۲۳۸
میرزا محمدحسن‌بن میرزاابوالقاسم‌شمس‌آبادی ۲۳۹
میرزا محمدحکیم وزیر اردستان ۴۸۹
میرزا محمدحسن منجم‌باشی ۱۹۵
میرزا محمدحسن نجفی ۶۱۸
میرزا محمد دستجردی نظام‌الاسلام ۳۸۵
میرزا محمدرضا صدرالکتاب عباس‌آبادی ۲۴۸
میرزا محمدرضا کلباسی ۴۸۹
میرزا محمدرضا مشهوربمیرمیران ۲۸۸ - ۲۸۹
میرزا محمد زمان‌بن شریف‌الملك ۴۸۷
میرزا محمدسعید امیرجملةالملك‌اردستانی ۸۷۹
میرزا محمدسعید فدا ۲۲
میرزا محمد سها ۴۱۱
میرزا محمدطاهر اردستانی ۴۶
میرزا محمد طبیب‌زاده ۱۸۲
میرزا محمدعلی‌بن میرزا اسماعیل شمس‌آبادی ۲۳۹
میرزا محمدعلی امام‌جمعه فرزند میرزاسیدجعفر ۵۷۰
میرزا محمدعلی جعفری ۷۹۳
میرزا محمدعلی‌بن میرزا رحیم صائب ۸۰۹
میرزا محمدعلی صائب ۸۰۸
میرزا محمدعلی متولی ۵۰۴-۵۰۷
میرزا محمدعلی مازندرانی شمس‌آبادی ۲۳۹
میرزا محمدعلی‌بن میرزا محموداصفهانی طغرل (شاعر) ۶۲۸
میرزا محمدعلی‌بن میرزاابوالقاسم‌سمنانی ۴۸۹
میرزا محمد علی‌بن میرزاکاظم الماسی ۵۷۱
میرزا محمد کاشی‌پز ۶۰۵
میرزا محمد محسنا ۸۰۹
میرزا محمدمهدی عباس‌آبادی ۲۴۴
میرزا محمدمهدی‌بن‌میرزامحمدتقی‌عباس‌آبادی ۲۷۷-۵۰۱

میرزا محمدمهدی نایب‌الصدارة ۲۲۴
میرزا محمدنصیر بایزیدی ۸۴۹
میرزا محمدهاشم روضاتی ۲۱۴
میرزا محمدهاشم چهارسوقی ۶۱۸-۷۶۵
میرزامحمدهاشم بن‌زین‌العابدین‌چهارسوقی ۲۱۳
میرزا مرتضی خان‌نوری ۶۰-۶۷
میرزا مقیم جوهری عباس‌آبادی ۲۴۶
میرزا مقیم عباس‌آبادی ۲۴۹-۲۵۰
میرزا مهدی اشتهاردی ۵۰۲
میرزا مهدی الهی عباس‌آبادی ۲۴۶
میرزا مهدی خان اعتمادالدوله ۶۹-۲۲۳-۷۳۹
میرزا مهدی‌بن ملاهاشم ۷۷
میرزا مهدی یزدآبادی ۲۷۵
میرزا نصرالله مستوفی شهشهانی ۳۹۳-۳۹۴
میرزا نظام‌الدین جابری ۵۰۳
میرزا نورا (خطاط) ۵۱۵
میرزا نورالدین‌بن شریف‌الملك ۴۸۷
میرزا نورالدین محمد جابری انصاری ۵۰۳
میرزا نوری ۲۳۶
میرزا هادی‌خان ۶۸
میرزا هدایت‌الله طبیب ۴۷
میرزا هدایت‌الله بن میرزا محمدباقر چهارسوئی ۲۱۴
میرزا هدایت‌الله خلف میرزامهدی‌شریف‌الملك ۴۸۷
میرزای شیرازی ۶۱۸
میرزای قمی ۱۹۲-۶۰۹
میرزا یوسف ۴۷
میکائیل ۸۳۹

(ن)

نادرشاه افشار ۲۲۷-۳۴۵-۳۴۹-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۷-۵۰۲-۵۷۱
ناصرخسرو علوی ۱۱۰
ناصرالدین(شاه) ۶۲۱-۶۹۲
ناصرالدین‌شاه ۶۹-۷۳-۸۱-۹۲-۱۰۶-۱۲۱-۱۶۸-۲۵۰-۳۰۹-۳۳۱-۳۳۴-۳۵۸-۳۶۶-۳۷۴-۳۷۸-۳۷۹-۳۹۲-۳۹۳-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۴،۵۲۳،۵۹۰
۶۱۹-۶۹۲-۷۳۸-۷۶۲-۸۶۹-۸۹۳
ناظم‌الاطباء ۷۹
ناظم تبریزی ۲۴۸
ناظم‌الدوله میرزاملکم‌خان جلفائی ۲۰۴-۲۳۶
نبی (پیغمبرخاتم) ۳۷۶-۶۷۴-۶۷۶-۶۷۷-۶۸۱-۶۸۲-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۷۹-۷۸۴-۷۸۸-۸۰۷
نجار ۲۴۴
نجران (طایفه) ۶۷۲
نجفقلی‌بیك ۴۰
نجیب ۱۰۶-۱۲۱-۳۴۴
نذرمحمدخان ۳۵۲
نصرآبادی ۲۴۸
نصربن عصام ۲۶
نصربن علی ۲۴
نصرالله‌خان ۳۰۹
نصرالله معمار ۷۸۴
نظام اصفهانی (کاتب) ۵۶۰-۵۸۹
نظام‌الدوله ۷۵۳
نظام‌الدین شیخ ۵۸۵
نظامی ۲۴۹
نظم‌الدوله ابوتراب نوری ۳۲۱
نعمان‌بن عبدالسلام ۲۰۳-۲۴۰-۲۵۴-۲۶۰
نقاش ۲۴۴
نقدی‌بیك ۲۴۶
نقی (پدر حجةالاسلام) ۷۹۹
نقی (کاتب) ۵۸۹
نقی (امام) ۱۳۱-۵۴۹-۵۷۴-۷۰۸
نقی ۵۵۱
نقی کمره‌ای ۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷

اعلام — شماره صفحات

نمرود ۸
نواب میرزا مهدی ۷۸۳-۷۸۴
نوح ۵۲۹-۶۷۲-۷۱۳
نوح ۳
نوح‌بن منصور ۷۱
نورا (خطاط) ۵۱۵
نور (حاجی‌آقا نورالله اصفهانی) ۶۳۹
نورالدین عبدالرحمن جامی دردشتی ۲۲۹
نورعلیشاه ۱۹۵
نورالدین محمداصفهانی ۵۱۴
نورالدین محمدبن جلال‌الدین محمد حکیم اصفهانی ۵۶۶-۵۶۷-۵۸۹
نورالدین محمد نجیب کاشانی ۳۴۵-۴۵۳
نوشروان ۶۲۹-۷۵۴
نوشیروان ۱۶-۱۳۲
نیکزاد حسینی (کریم) ۳۳۶

(و)

واضح (شاعر) ۶۰۵
واله (محمدکاظم) ۸۶۲
وامق ۳۵۶-۶۳۳
واهب (شاعر) ۶۶۹-۶۷۰
وحید بهبهانی ۴۳-۶۰۹
وشاق ۱۲۰
وکیع ۳۳۵
وکیل‌السلطنه ۷۱۵
ولایةالله گلپایگانی ۵۰۱
ولی‌جان ۸۴۲
ولیدبن ابان ۲۱۰-۲۵۹
ولیدبن ثمامة ۴۹-۱۸۶
ولی‌الله ۳۷۹
ولی محمدخان ترك ۳۵۲
ویسه ۶۳۳
ویلهلم لوکینس ولکن ۸۴۶

اعلام — شماره صفحات

(ه)

هاجی‌اسماعیل حجار ۶۵۲
هادی (امام) ۷۷۷
هادی (شاعر) ۷۸۳
هادی (پاشنه‌ساز) ۷۸۹
هادی‌بن مرتضی ۲۱۱
هارون ۴۵۵-۴۵۷
هارون (برادرموسی) ۵۴۷-۵۵۵-۶۷۲-۷۷۹-۷۸۲-۷۸۴
هارون‌الرشید ۲-۲۶۹-۷۴۳
هارون‌بن سلیمان ۲۰۲
هارون‌بن اسحاق کوکبی ابن‌حسن‌بن‌زیدبن‌الحسن ۷۷۱
هارون‌بن علی ۷۷۷
هارون‌بن محمدبن زیدبن‌الحسن ۷۷۷
هارون‌بن محمدبن احمدبن جعفربن هارون‌بن امام موسی ۷۷۷
هارون‌بن مغیرة ۱۸۴
هارون‌بن موسی‌بن‌جعفر ۷۷۷
هاکوپ ۸۴۵
هاکوپ‌جان ۸۴۵
هانی‌بن ابی‌هانی ۶
هبةالله مؤدب وزنکاباذی ۲۷۲
هخامنشیان (سلسله) ۳۳۵
هذیل‌بن فروخ شیکانی ۲۴۰
هراتی (شیخ‌زاده) ۷۱۶
هشام‌بن عمار ۲۰۹
هشیم ۲۳۴
هلال (شاعر) ۶۴۸
هلال‌بن علاءرقی ۲۷۱
هما دختر بهمن ۳-۱۲
هما شیرازی ۱۹۷-۴۱۰-۴۱۱
هما م قاضی ۲۰۱

اعلام — شماره صفحات

همایون شاه‌هندی ۸۵-۳۵۱-۳۵۸-۵۹۳
همت (شاعر) ۶۴۸-۷۸۴
هوانس گالستانیان ۸۴۲
هوهانجان ۸۳۹
هوهانس ۸۴۰
هوسپ آپکاریان ۸۴۳
هیثم‌بن فورك جرواثانی ۲۰۳

(ی)

یاراحمد ۹۰۴
یاقوت حموی ۱۸۵-۱۹۱-۲۰۹ - ۲۵۷ - ۲۶۱-۲۶۹-۲۷۴-۲۷۶-۲۹۲
یان‌شاندیر ۸۴۶
یحیی (شاعر) ۷۱۹
یحیی ۲۳۲
یحیی‌بن ابی‌بکر ۲۱۷
یحیی‌بن ابی‌طالب ۱۸۹-۲۷۶
یحیی‌بن اکثم ۲۷۴
یحیی برمکی ۵۸
یحیی‌بن حبیب ۲۳
یحیی‌الذارع ۲۵۴
یحیی‌بن سعید قطان ۲۴۴
یحیی‌بن عبدالله ۷

اعلام — شماره صفحات

یحیی‌بن قطان ۱۵۲-۲۳۷-۲۳۶
یحیی‌بن معاذ رازی ۲۳۲
یحیی‌بن مندة ۲۳۰-۲۴۵
یحیی‌بن واقد ۲۴۴
یزید (اموی) ۴۷۹-۶۲۱
یزید بسطامی ۲۳۲
یزیدبن مؤدب رملی ۲۰۹
یزیدبن هزاری فابزانی ۲۵۲
یسرخفی ۲۵۸
الیسع (نبی) ۷۱۳
یعقوب (نبی) ۷۱۳
یعقوب بهادرخان ۲۸-۱۴۰-۸۰۷
یعقوب حضرمی ۲۰۲
یعقوب‌خان (افغانی) ۵۶۵-۵۸۹
یوسف (نبی) ۱۳۱-۱۹۶-۳۵۶-۶۳۳
یوسف‌آقا ۵۷۶-۵۸۸
یوسف تاج‌الدین بنای اصفهانی ۵۴۱-۵۸۸
یوسف ثقفی ۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۲۸
یوسف قطان ۲۰۲
یوسف مؤذن ۲۰۲
یوسف مهران جرواثانی ۲۰۳
یهودیان (نژاد) ۴۱۷-۸۶۵

فهرست تصاویر کتاب:

۱ ــ آتشکده اصفهان ۱۱۸-۱۱۹
۲ ــ آرامگاه پرفسورپوپ ۸۶۴
۳ ــ » میر ۸۵۹
۴ ــ امامزاده ابوالفتوح ۹۰۳
۵ ــ » سیدالسادات ۹۰۰
۶ ــ بقعه پیرمرتضی علی اردستانی ۸۸۷
۷ ــ بقعه هفده‌تن ۹۰۱-۹۰۲
۸ ــ پل اللهوردی‌خان ۳۱۹
۹ ــ » خاجو ۳۰۶ - ۳۰۷-۳۲۶-۳۲۷
۱۰ ــ » شهرستان ۳۰۵-۳۰۶
۱۱ ــ تالاراشرف ۳۸۱-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵
۱۲ ــ » تیموری ۳۸۷
۱۳ - چهلستون سرنج‌آباد ۸۹۴-۸۹۵
۱۴ - درب امام ۷۷۱
۱۵ - هارون ولایت ۷۷۸-۷۸۱
۱۶ - رباط زواره ۱۳۶
۱۷ ــ سردرقیصریه ۳۹۰
۱۸ ــ سنگ سفید (مقبره امیراویس) ۱۲۸
۱۹ ــ قنات ارونه ۸۸۸
۲۰ ــ کاخ چهلستون ۳۴۱-۳۴۶-۳۴۸-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۴-۳۵۹-۳۶۰
۲۱ ــ کاخ عالی قاپو ۳۶۳-۳۶۴-۳۶۶-۳۶۸
۲۲ــ کاخ هشت بهشت ۳۳۰ ــ ۳۳۲ــ ۳۳۳
۲۳ ــ کتیبه مسجد دشت رامیان‌اردستان ۱۵۰
۲۴ ــ کلیسای وانك ۸۳۸-۸۴۱
۲۵ ــ مدرسه چهارباغ ۴۵۲-۴۵۸-۴۶۵
۲۶ ــ » صدر ۴۷۶-۴۷۹-۴۸۱
۲۷ ــ » ملاعبدالله ۴۹۲-۴۹۹
۲۸ ــ »نیم‌آورد ۵۰۶-۵۰۸-۵۰۹
۲۹ ــ مسجد امام‌حسن اردستان ومناره‌آن ۱۴۹
۳۰ ــ مسجد ایلچی ۵۱۹-۵۲۲
۳۱ ــ » برسیان ۸۲۷
۳۲ ــ مسجدبن‌کویه زواره ۸۹۱
۳۳ ــ » جامع اردستان ۸۶۷ - ۸۷۱ - ۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۵
۳۴ ــ مسجد جامع زواده ۸۹۰
۳۵ ــ » » گلپایگان ۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸
۳۶ــ مسجدجامع‌نائین ۹۰۵ــ۹۰۷ــ۹۰۸-۵۰۹
۳۷ ــ » جمعه‌اصفهان ۵۳۱-۵۳۳-۵۳۹-۴۶
۳۸ ــ » حاجی محمدجعفرآباده‌ای ۵۹۷
۳۹ ــ » حکیم ۶۰۵
۴۰ ــ » خسروداردستان ۸۸۶
۴۱ ــ » رکن‌الملك ۶۲۶
۴۲ ــ » ساروتقی ۶۴۱
۴۳ ــ » سروشفادران ۸۳۰-۸۳۱
۴۴ ــ » سید ۶۴۷
۴۵ ــ » شاه ۶۶۱-۶۶۵-۶۷۲- ۶۸۱ -

اعلام	شماره صفحه
۴۶ ـ مسجد شیخ‌لطف‌الله ۶۹۸-۷۰۱-۷۰۵- ۷۰۶-۷۰۷-۷۰۹-۷۱۱	
۴۷ ـ مسجد علی ۷۱۴	
۴۸ ـ » مصری ۷۲۶	
۴۹ ـ » نو ۷۴۲	
۵۰ ـ مقبره امامزاده احمد ۷۴۴-۷۴۶	
۵۱ ـ » » اسماعیل ۷۵۱-۷۵۸	
۵۲ ـ » » جعفر ۷۶۳	
۵۳ ـ » باباقاسم ۷۸۷	
۵۴ ـ مناره باغ قوشخانه ۴۱۵	
۵۵ ـ » برسیان ۸۱۵	
۵۶ ـ مناره جنبان ۸۱۶-۸۱۷	
۵۷ ـ مناره چهل‌دختران ۴۱۶	
۵۸ ـ » دارالضیافه ۴۲۰	
۵۹ ـ » ساربان ۴۲۲	
۶۰ ـ » مسجدبن‌کویه زواره ۸۹۱	
۶۱ ـ » مسجدعلی ۴۳۰	
۶۲ ـ » گارلنگ ۴۱۷	
۶۳ ـ » گلپایگان ۸۹۹	
۶۴ ـ مهمانسرای شاه‌عباس ۴۱۳	

پایان

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثار ملی ایران (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پروفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی درهمدان (تحقیق پروفسور هرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه دربارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (ازمحمد علی فروغی و هرتسفلد و هانی بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا درپنجمین دورهٔ اجلاسیهٔ یونسکو درفلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیهٔ ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (به‌تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة استاددانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقایان سیدمحمدمشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای سیدمحمدمشکوة	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترمحمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رسالهٔ نفس ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکترموسی‌عمید استاددانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله‌ای درحقیقت و کیفیت سلسلهٔ موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن سینا (ازآقای دکترغلامحسین صدیقی)	ـ
۱۹	معراج نامهٔ ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)	ـ

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۰ـ	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلام حسین صدیقی)	ـ
۲۱ـ	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	ـ
۲۲ـ	ظفرنامه منسوب به ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳ـ	رسالهٔ کنوزالمزمین ابن‌سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴ـ	رسالهٔ معیارالعقول ـ جرثقیل ـ ابن سینا (به تصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵ـ	رسالهٔ حی‌بن‌یقظان ابن‌سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (به تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶ـ	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷ـ	ترجمهٔ مجلد اول جشن نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعید نفیسی)	۱۳۳۱
۲۸ـ	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹ـ	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن‌سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰ـ	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱ـ	جشن‌نامهٔ ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲ـ	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا	۱۳۳۵
۳۳ـ	جشن نامهٔ ابن سینا مجلدچهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن سینا به زبانهای آلمانی وانگلیسی وفرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴ـ	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵ـ	جبر ومقابلهٔ خیام (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶ـ	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (به تصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷ـ	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۳۸ـ	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹ـ	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰ـ	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی خان (باتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفرشهیدی)	۱۳۴۰
۴۱ـ	شرح احوال ونقد وتحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲ـ	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح واهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳ـ	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکترعلی‌اصغرحریری (به‌اهتمام آقای‌حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴ـ	دیوان غزلیات وقصائد عطار(به‌اهتمام وتصحیح آقای دکترتقی‌تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس‌شورای‌ملی)	۱۳۴۱
۴۵ـ	جهانگشای‌نادری‌تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی(باتصحیح‌وتعلیق آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶ـ	طربخانه (رباعیات حکیم عمرخیام نیشابوری) تألیف یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمهٔ وتصحیح وتحشیهٔ آقای‌جلال‌الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷ـ	نادرهٔ ایام، حکیم عمرخیام ورباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸ـ	اقلیم‌پارس (آثارباستانی وابنیهٔ تاریخی‌فارس)ـ تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹ـ	سفارش‌نامهٔ انجمن‌آثارملی	اردی‌بهشت۱۳۴۴
۵۰ـ	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تألیف‌زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل‌جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی ـ دکترمحمد شهرداد ـ دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	۲۵شهریور۱۳۴۴

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۵۲ـ	دیوان صائب، باحواشی و تصحیح به خط خود استاد ـ مقدمه و شرح حال به خط و خامهٔ استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳ـ	عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی به سال ۷۰۰ هجری با مقدمه و کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴ـ	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهر ری به عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵ـ	خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان‌ماه ۱۳۴۶
۵۶ـ	فردوسی و شعرا و تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان‌ماه ۱۳۴۶
۵۷ـ	خردنامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به کوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸ـ	فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمدعلی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹ـ	کتابشناسی فردوسی ، فهرست آثار و تحقیقات در بارهٔ فردوسی و شاهنامه ، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰ـ	روزبهان نامه به کوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱ـ	کشف الابیات فردوسی (جلد اول) به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲ـ	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳ـ	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴ـ	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهراز	آبان ۱۳۴۸
۶۵ـ	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶ـ	تاریخ بناکتی به کوشش دکتر جعفر شعار	دی ۱۳۴۸
۶۷ـ	عهد اردشیر برگردانندهٔ به فارسی سید محمدعلی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۶۸ـ	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹ـ	ری باستان (مجلد دوم تألیف آقای دکتر حسین کریمان)	خرداد ۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۷۰ـ	از آستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول)، آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پس ، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱ـ	یادنامهٔ فردوسی حاوی مقالات و چکامه‌ها به مناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲ـ	فردوسی و شاهنامهٔ او به اهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳ـ	فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴ـ	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵ـ	یادنامهٔ شادروان سید حسن تقی‌زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹
۷۶ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسماعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی. (کتاب دوم)	بهمن ۱۳۴۹
۷۷ـ	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن تألیف آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹
۷۸ـ	تاریخچهٔ ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان نوشتهٔ آقای یحیی ذکاء	فروردین ۱۳۵۰
۷۹ـ	کشف الابیات شاهنامهٔ فردوسی. جلد دوم. به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	خرداد ۱۳۵۰
۸۰ـ	آثار باستانی و تاریخی لرستان. جلد نخست. تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر ۱۳۵۰
۸۱ـ	دردربار شاهنشاه ایران، تألیف ا. کمپفر آلمانی. ترجمهٔ آقای کیکاووس جهانداری	مرداد ۱۳۵۰
۸۲ـ	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفسور فضل‌الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳ـ	مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار (جلد ۲) تألیف محمد بن بدر جاجرمی به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میرصالح طبیبی	شهریور ۱۳۵۰
۸۴ـ	مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی	شهریور ۱۳۵۰
۸۵ـ	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضازادهٔ شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶ـ	دانش و خرد فردوسی فراهم آوردهٔ دکتر محمود شفیعی	مهر ۱۳۵۰
۸۷ـ	وقفنامهٔ ربع رشیدی (چاپ عکسی) از روی نسخهٔ مورخ به سال ۷۰۹ قمری زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند ۱۳۵۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۸۸ـ	ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری با مقدمه وتعلیقات آقای دکتر خانبابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰
۸۹ـ	از آستارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه‌پیش تألیف دکترمنوچهرستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰ـ	نصیحة‌الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ استاد جلال‌الدین‌همائی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱ـ	آثارباستانی آذربایجان (جلد اول شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنك	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲ـ	مجموعهٔ انتشارات قدیم انجمن	دی‌ماه ۱۳۵۱
۹۳ـ	مجموعهٔمقالات‌فروغی‌دربارهٔشاهنامه‌وفردوسی‌باهتمام‌آقای‌حبیب‌یغمائی	بهمن‌ماه ۱۳۵۱
۹۴ـ	داستان داستانها ـ رستم واسفندیار ـ تنظیم متن وشرح وتوضیح ازدکترمحمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵ـ	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملك حسینی شوشتری (قرن۱۱هجری) با مقدمه وتصحیح وتعلیق آقای‌جلال محدث	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶ـ	تاریخ تبریز تاپایان قرن‌نهم هجری‌تألیف دکترمحمدجواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷ـ	ذخیرهٔ خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین‌ابوابراهیم اسمعیل‌جرجانی سنه ۵۰۴ هجری باهتمام وتفسیروتصحیح دکترجلال‌مصطفوی	شهریور ۱۳۵۲
۹۸ـ	ترجمه یك فصل ازآثارالباقیه‌ابوریحان بیرونی‌بخامه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر دانا‌شربت با مقدمه والحاقاتی ازایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹ـ	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی درغرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰ـ	سیرفرهنگ ایران دربریتانیا یا تاریخ دویست‌ساله مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲